انتشارات دانشگاه تهران

۲۹۹

فهرست

کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة

به

کتابخانهٔ دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش سوم

(مجلد پنجم)

کتابهای اخبار و اصول وفقه

نگارش

محمدتقی دانش‌پژوه

تهران

۱۳۳۵

انتشارات دانشگاه تهران

۲۹۹

جلد سوم

بخش سوم

(مجلد پنجم)

کتابهای اخبار واصول وفقه

نگارش

محمدتقی دانش پژوه

تهران

۱۳۳۵

بسمه تعالی

شهریار نامدار فیروزبخت دانش پرور

اعلیحضرت همایون شاهنشاه

محمد رضا شاه پهلوی

خلدالله ملکه و سلطانه

که آغاز جوانی را درمتمدن ترین کشورهای جهان دانش آموخته‌اند ـ قدر ومنزلت دانش را میدانستند واز تأثیر علم درسرنوشت ملتها آگاه بودند، لهذا همواره بدانشگاه تهران با ابراز علاقه می نگریستند ـ تا درپرتو توجهات شاهانه این دستگاه بزرگ علمی بنسبت از نعمت بسط و توسعه و تکامل برخوردار شد، وچون اعلیحضرت مزایای تمدن ملتها و کشورهای گوناگون را درخاور و باختر ملاحظه فرمودند، علاقهٔ ملوکانه بدانش و فرهنگ تا درجهٔ بیفزود که عنایت خاصه شاهانه بدانشگاه تهران معطوف گردید.

دراینصورت لازم آمد ادارهٔ امور دانشگاه بعهدهٔ کسی قرار گیرد - که علاوه بر آراستگی بفضیلت علم- ودانش دارای وجههٔ دانشگاهی- و واقف بر نیات شاهنشاهی باشد ، - و آن لیاقت و شایستگی را دارا باشد که مجری مقاصد عالیهٔ مقام شامخ سلطنت گردد .

دراین هنگام قرعهٔ فال بنام دانشمند عالیقدر بزرگوار جناب آقای **دکتر اقبال** استاد و رئیس معظم دانشکدهٔ پزشکی و دانشگاه تهران زدند ، - ومعظم‌له که درمقام استادی ممتاز ، ودرمشاغل سیاسی از استانداری- تا وزارت بلیاقت شهره - ومرجع تمایل شورای دانشگاه- ومورد اعتماد شاهنشاه بودند ، ازطرف قرین الشرف همایونی بریاست دانشگاه منصوب ومفتخر شدند .

وی در تنگ بسط دانش ودانشگاه - وترفیه حال استاد ودانشجو را وجههٔ آن همت بلند قرار دادند .

مشهور خودی وبیگانه- ومشهود خاص وعام است : که دراثر کوشش- وسعی جمیل ایشان دانشگاه تهران رونقی تازه وحیاتی نوین یافته است .

آنچه باکار علمی ناساز گار بود ازاین مؤسسه بر کنار شد ، و فعالیتهای علمی و کاوشهای تجربی جایگزین آن گردید ، ساختمانهای دانشگاه برافراشته شد ، و کاخ دانش استوارتر گردید ، دامنهٔ آموزش توسعه یافت ، و کلاسها و دوره‌های تحصیلی افزوده شد ، و کتابخانه‌ها و آزمایشگاهها از وسائل دانش واز مراجعات دانش پژوهان بسی معمورتر گردید .

تاکنون درهر دانشکده کتابخانهٔ وجود داشت ، که بکار استادان ودانشجویان همان دانشکده میآمد ، - وتاحدی برفع حوائج اختصاصی وفنی آنان کمك میکرد ولی :

دانشمندانی که بدنبال آوازهٔ تمدن باستانی مابدین سرزمین میآمدند در دانشگاه ما از آن نشانی نمی‌یافتند و نمیدیدند جز عمارتهائی که بتقلید کشورهای اختری بنیاد

گذارده‌ایم- و آزمایشگاه یا کارخانه‌ای که از آنجا عاریه گرفته‌ایم .

ازمواریث بزرگان ایران که بخشی از آنرا در کتابخانه‌های خود دیده‌اند- و شهرتش سراسر جهان را فرا گرفته و جهانیان آنرا باهمیت و بزرگی میستایند ، در دانشگاه تهران اثری نبود .

آثار پدران ما را می باید در دانشگاههای بیگانه جستجو کنند ، و ما خود هنگامی که درزبان وادبیات خویش بتحقیق وتتبع میپرداختیم - یا بآگهی از افکار دانشمندان پیشین خود نیازمند میشدیم ، غالباً دست نیاز بکتابخانه‌ها ودانشگاههای بیگانه دراز میکردیم ، وگاه بگاه عکسی از برخی آثار آنان بدست میآوردیم .

پدرم تشخیص داده بود : کــه در دانشگاه تهران وجود یك کتابخانهٔ عمومی مرکزی لازم است ، - تا در آن کتابهای نفیس خطی- که نیاکان ما از هر هنر ودانشی بیادگار گذارده‌اند فراهم آید .

وی می گفت : **تمدن امروز بشر بر پایه‌هائی استوار است که - پیشینیان ما اندك اندك درطول قرنهای متمادی بنیاد گذارده‌اند**

وجود چنین کتابخانه‌ای در دانشگاه- بپیشرفت دانش- وفرهنگ کمك میکند ، ودر آن وسائل نادرة الوجود برای دانش پژوهان فراهم میآید .

دانشجویان ما بوسیلهٔ چنین کتابخانهٔ از گذشتهٔ پر افتخار خویش- و از عظمت تمدنی کـه پدرانشان کسب کرده‌اند آگاه میشوند ، - غرور ملی در دماغشان قوت میگیرد ، ودر برابر ابهت تمدن غربی مبهوت وحیرت‌زده نمیشوند ، - چنانکه شخصیت ملی و پیشینهٔ باستانی خویش را فراموش کنند ، و از اعادهٔ سیادت بکشور- و ملت خویش ناامید باشند .

ازاین آثار گرانبها که اسناد ملیت- وقومیت ، ومیراث پدران دانشمند ماست ، هنوز تعداد فراوانی در گوشه- و کنار این کشور برجای مانده ، که دست بیگانه بدان نرسیده ، وازخانه ومیهن ما بیرون نرفته است ، ولی :

متأسفانه پول پرستانی - که با بیگانگان آشنایند ، در کمین این بقیهٔ نشسته

و مرتبابدان دستبرد میزنند، واگر باز هم بغفلت بگذرد عنقریب دست ما را از آنهمه اسناد شخصیت ما تهی خواهند کرد، و ما را در برابر اجنبی بذلت و خواری - و نیازمندی بیشتری خواهند کشانید.

بنابراین پدر بزرگوارم مرا تشویق کرد - که کتابخانهٔ شخصی او را که بمن بخشیده بود، بدانشگاه تهران اهداء کنم، و این خدمت بوسیلهٔ خود او در سیصد و نود و ششمین جلسهٔ شورای دانشگاه مورخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۲۸ انجام گرفت.

با اهداء این کتابخانه کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه بوجود آمد.

مقصودش از تأسیس این کتابخانه این بود - که دانشگاه از این پس خود بودجهٔ کافی بخرید کتب نفیس اختصاص دهد، و متدرجا تا ممکن است آنهمه آثار گرانبها را که درین کشور پراکنده بدست مردم است گرد آورد.

آنگاه که چنین توفیقی دست دهد -

از یکسو حمیت - و تعصب ملی دانشجویان ما بشدت گراید - که بر افتخارات میهن خویش ببالند، و باعادهٔ حیثیت مدنی پیشین کشور بیندیشند، - و در صراط تمدن گامی فرایش نهند.

و از یکسو وسیلهٔ کافی در دسترس استادان محقق و متتبعان ایران شناس قرار گیرد، - تا از نیازیتر که‌ای که بدست بیگانه افتاده است بکاهد.

باشد که تحقیقات و تتبعات خاورشناسی ایجاب کند - که ملل گوناگون بسوی دانشگاه ما دست نیاز یازند، و گاهی که بار سفر ایران بندند، - و گذارشان بدانشگاه افتد:

عظمت اسلاف ما را در آثار مدنی که برجا گذارده‌اند بچشم ببینند.

و تعصب ملی و لیاقت ما را در گردآوری و نگهداری سهم بزرگی از مواریث متقدمان ما بستایند.

و برتری اسلاف و اخلاف ما اعتراف کنند، و در برابر بزرگی شخصیت ایرانی سر تعظیم فرود آرند.

بالجمله گرچه مقام ریاست دانشگاه بخش بزرگی از منویات پدر بزرگوارم را بانجام رسانیده بودند - چنانکه ایشان در مجلدات سابق این فهرست اظهار امتنان کرده‌اند، بنده هم بنوبهٔ خود آن اقدامات را سپاسگذارم، ولی:

در ظرف مدت شش سالی که از تاریخ اهداء این کتابخانه میگذشت نه بودجه برای ادارهٔ آن در نظر گرفته شد، و نه یك جلد کتاب از طرف دانشگاه بر آنچه پدرم اهداء کرده بودند بیفزود. تا اینکه دانشمند مفخم جناب آقای دکتر اقبال که بکلیهٔ امور دانشگاه توجه خاصی معطوف فرمودند، باین کتابخانه نیز مانند سایر شئون مهمهٔ دانشگاهی بیش از آنچه انتظار میرفت اقبال فرمودند. - که مبلغ دو ملیون ریال از بودجهٔ دانشگاه که مضاعف شده بود، باین کتابخانه اختصاص داده شد، و در ظرف دو سه ماه اخیر بیش از یك ملیون ریال آن بمصرف خرید کتب گرانبها رسید.

این نسخه‌ها - و آنچه بعدها از طرف دانشگاه خریداری یا از جانب مردم خیرخواه اهداء شود توسط کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه در فهرستی جداگانه معرفی - و چاپ - و بخش خواهد شد.

بهر حال در سایهٔ توجه معظم له چاپ این فهرست بسرعت فوق العاده پیشرفت کرد و بپایان رسید. و ادارهٔ امور کتابخانه هم بر اساسی استوار مرتب گردید.

اینك برحسب نیابت و وکالت از طرف پدر بزرگوارم و اصالةً از طرف خودم نهایت امتنان و تشکرات صمیمانه و ادعیهٔ خالصانه را بحضور محترم معظم‌له تقدیم میدارم و موفقیت ایشانرا در انجام خدمات مهمتری از خداوند دانای توانا مسألت میکنم، و دست بدعا برمیدارم و میگویم:

یارب کمال عافیتش بردوام باد
اقبال و دولت و شرفش مستدام باد
سال و مهش مبارك و روز و شبش بخیر
بختش بلند و گردش گیتی بکام باد

اللهم انصر من نصره واخذل من خذله بمحمد و آله البررة .

درمقدمهٔ جلد دوم این فهرست علت تأخیر نشر آن را پدر بزرگوارم نگاشتند ، و گفتند که: چرا پس از مجلدات سوم - وچهارم منتشر شده است. وسپس وعده دادند که بزودی مجلد پنجم منتشر خواهد شد ، از آن تاریخ تا کنون یکسال گذشته است - که اینك این مجلد منتشر میشود ، ودردسترس دانش پژوهان - وعشاق کتاب - و متتبعین رشته‌های علوم شرقی - واسلامی گذارده میشود .

باوجود اینکه پیشرفت کار چنانکه گفتیم اخیراً سریعتر بوده ، و دقیقه‌ای هم ازسعی - و کوشش فرو گذار نشده‌است ، مع‌الوصف بپایان رسیدن چاپ - وانتشار این جلد بتأخیر افتاد . موجب تأخیر سه چیز بود

اول اینکه در خلال این احوال شمارهٔ کتب کتابخانه افزوده میشد ، و بهمین مناسبت حجم فهرست روبفزونی میرفت وانجام چاپ ونشر آن بتعویق می‌افتاد .

دوم اینکه از آنچه تصور میرفت حجم فهرست بیشتر در آمد .

سوم اینکه انتشار مجلد پنجم را بتأخیر انداختند - تاچاپ کتاب فهرست بکلی بپایان رسید .

توضیح مطلب آنکه : روزگاری که کتابخانه ملك خودشان بود ، وزمانیکه آنرا ببنده بخشیدند ، واز بهمن ۱۳۲۸ باینطرف که وقف دانشگاه تهران شده‌است ، درهمهٔ این ازمنه واوقات علاقهٔ ایشان بکتابخانه یکسان بوده است ، از اهتمام بامور مربوط بدان غفلت نورزیده‌اند .

زمانیکه کتابخانه ملك شخصی پدرم بود ، همواره بجستجوی نسخ نفیس میبود - و از آنچه درتوانائیش بود از بذل مال - وصرف وقت در راه گردآوردن آن دریغ نداشت .

پس از اهداء - ووقف هم این کتابخانه‌در نظرش تفاوت نکرد ، همچنان نه از بذل مال دریغ کرد و نه ازصرف عمر .

از کوشش در تحصیل نسخ ممتاز - ومواظبت پشتیبان فرو ننشست ، ولهذا ملاحظه میشود .

روزی که این کتابخانه بدانشگاه تهران اهداء شد قریب یکهزار و هفتادمجلد بود ، و در تاریخی که جلد اول فهرست منتشر میشد پدرم درمقدمهٔ آن نوشتند که یکهزار و یکصد جلد است ، و اکنون که چاپ متن فهرست بپایان رسیده شمارهٔ کتابخانهٔ اهدائی بیکهزاردویست وسی وشش رسیده است .

پس از آن تاریخ تا امروز که مدت شش سال و چهارماه میگذرد ، یکصد و شصت مجلد کتاب خطی نفیس باسعی و کوشش خود بدست آورده ، و بابودجهٔ شخصی خریداری کرده - وبرشمارهٔ آن افزوده‌اند .

فقط دراین مدت یك فقره دومجلد کتاب خطی :

یکی شرح رضی نحو (که از آن نسخهٔ معتبرتری در کتابخانه موجود بود) .

ودیگری یك جلد شرح فارسی ملاخلیل براصول کافی (که تمام نسخهٔ اصل آن قبلا دراین کتابخانه محفوظ بود) از طرف دانشمند عالیقدر جناب آقای دکتر مصباح زاده استاد محترم دانشگاه باین کتابخانه اهداء شده است .

وهمچنین روز افتتاح کتابخانه یك نسخه قرآن خطی معمولی بضمیمهٔ مبلغ ده هزارریال نقد از طرف جناب آقای سید احمد لیستر بکتابخانه تقدیم شده‌است .

ونیز از کتاب الضعفاء ابن الغضائری یك نسخه توسط نویسندگان فهرست در ۳۶ صفحه تایپ شده ودر کتابخانه مضبوط است

درباره نسخهٔ قرآن کریم و چهار فقره کتاب مزبور ، هریك هر کجا معرفی شده نام اهداء کنندهٔ آن هم یاد شده است .

و چون پنج شش مجلد کتاب دیگرهم برخی از دوستان عزیز پیش از اهداء کتابخانه بدانشگاه یا پس از آن بخود پدرم بیادگار داده بودند ، و آن کتابها را نیز بکتابخانهٔ اهدائی افزودند برای قدردانی ازمحبت آنان درجای معرفی کتابها ذکر خیرشان فراموش نشده است .

دردیماه ۱۳۳۴

جد پدری بزرگوارم جناب آقای حاج سیدعلی رضازاده رضوان‌الله علیه برحمت خدا رفت، آن مرحوم درسال ۱۳۰۷ شمسی نیمی از همهٔ دارائی خودرا بپدرم صلح کرده – و واگذارده بود – و از نیم باقیمانده هم همواره بمعیشت ما کمك ومارا یاری میکرد، ازهیچگونه مساعدت – وهمراهی که مقدورش بود دریغ نداشت، وی پدری بس مهربان بود – که دردوران زندگی – ودرپیمودن مراحل تحصیل پدرمرا تا سرحد امکان – وتوانائی تقویت – و تشویق میفرمود – ازاینرو هم درفراهم آمدن این کتابخانه – وهم برذمهٔ خودم – وپدرم وی‌را حقی عظیم است رحمةالله علیه رحمة واسعة وجزاه عن العلم – واهله خیرجزاء المحسنین – وحشره مع اجداده الطیبین الطاهرین المعصومین صلوات‌الله علیهم اجمعین.

آری: رحلت آن مرحوم مرا و پدرمرا دل شکسته و افسرده خاطر ساخت چنانکه تاچندی از کارمان بازداشت.

اموال منقولی را که پدرم ازوی ارث برده بود، بی درنگ بکتاب خطی نفیس تبدیل کرد، و بکتابخانه ملحق ساخت، و با اعتباری که از انتقال اموال غیرمنقول آن مرحوم پیدا شد – مبلغی (درهمان حدود واندکی بیشتر) وام گرفت، – و کتاب خرید، و بکتابخانه افزود، – باامید اینکه بعدها با فروش آن اموال این قرض را اداکنند، و بهمین سبب درظرف چند ماه اخیر بتعداد زیادی شمارهٔ کتب کتابخانه افزایش یافت.

کتابهائیکه پس ازاهداء کتابخانه متدرجاً بدست آمده، اگرباب مناسب آنها بچاپ نرسیده بود هریك درباب مربوط بخود معرفی شده است، واگر باب مناسب آنها چاپ شده بود، برخی درخاتمهٔ جلد دوم معرفی شد، و بیشتر آنها بضمیمهٔ معدودی که ازقلم افتاده بود درذیل فهرست شناسانده شد. وآنچه پس ازچاپ شدن باب مربوط ذیل خریداری شده بود – وبذیل هم نرسید، درمستدرك ذیل معرفی شد، ذیل و مستدرك آن هردو با برخی حواشی آقای دانش‌پژوه – و قریب یکصد کلیشه نمونهٔ نسخه‌های مختلفی که درمجلدات فهرست معرفی شده‌است، تا این تاریخ بچاپ

رسیده، و با فهرست کلیهٔ اعلام چهار مجلد اخیر تا اوایل تیرماه سال جاری یکجا درمجلد ششم منتشر خواهد شد، و بانشر جلد ششم، فهرست کتابخانهٔ اهدائی این بنده بپایان میرسد.

درخاتمه یادآور میشود – که دانشمند جلیل جناب آقای دکتر اعتمادیان استاد محترم دانشکدهٔ پزشکی و مدیر کل دبیرخانهٔ دانشگاه که همواره خودشان ومرحوم پدر بزرگوارشان (که وی ازمؤسسین اساس مشروطیت بود) از دوستان پدرم بوده‌اند، درکارهای مربوط باین کتابخانه – وفهرست آن نهایت مساعدت را دریغ نفرموده‌اند، و ازین بندهٔ دورافتاده دربرابر آنهمه احسان و اظهار محبت خدمتی ساخته نیست، لهذا اصالة خودم ونیابة ووکالة ازطرف پدرم کمال امتنان وتشکرات قلبی را حضور ایشان تقدیم میدارم، و موفقیتشانرا در راه بسط دانش و فرهنگ و بهداشت کشور از خداوند دانای توانا مسألت میکنم.

وچون جناب آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد فاضل ومحترم دانشگاه ورئیس ادارهٔ انتشارات دانشگاه نیز از بذل مساعدت مضایقه نفرموده‌اند.

و فاضل دانشمند آقای محمدتقی دانش‌پژوه استاد محترم دانشکدهٔ علوم معقول ومنقول نیز رنج فراوانی درراه تهیه وتنظیم این فهرست کشیده‌اند.

و دوست گرامی عزیز ما آقای کشاورزی معاون محترم ادارهٔ انتشارات – و سرپرست چاپخانهٔ دانشگاه کمال مجاهدت و مساعدت را همواره مبذول فرموده وعلاوه درتصحیح چاپ مجلدات فهرست هم قبول زحمت فرموده‌اند.

تشکرات صمیمانهٔ خود را بمحضر هرسه این آقایان تقدیم میدارم و موفقیت یکایك آنانرا ازخداوند خواهانم.

از سایر کارمندان وکارگران چاپخانهٔ دانشگاه که همه زیر نظر سرپرست مکرم وظیفه‌شناس چاپخانه بوظائف خود آشنا هستند و هر یك بنوبهٔ خود زحمت کشیده و همراهی داشته‌اند ممنون و متشکرم، و از حق تعالی توفیقشانرا طلب میکنم.

و نیز مساعدتها و کمکهای بی حد پدرم را که در همه حال مرا بهترین یار و یاور بوده‌اند سپاسگزارم.

اردیبهشت ۱۳۳۵
پاریس

سید محمد مشکوة

لیسانسیه رشتهٔ منقول - دارای گواهینامهٔ علوم تربیتی از دانشسرای عالی - لیسانسیه رشتهٔ قضائی دانشکدهٔ حقوق - دکتر در حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس، شاگرد اول دورهٔ دکتری دولتی اقتصاد با مانسیون خوب در سال ۱۹۵۵-۵٤ از دانشگاه مونپولیه.

یا جاهداً فیما عمدت اجمعه عذراً فان اخ الفضائل یعذر
علماً بان المرء لو بلغ المدی فی العلم ذاق الموت وهو مقصر
ومن المحال بان یری احداً حوی کنه الکمال لانه متعذر
فاذا ظفرت بزلة فافتح لها باب التجاوز ان ذلك اجدر.

(سرودهٔ یکی از دانشمندان بنوشتهٔ فخر المحققین در پایان ایضاح - ص ۱۷۸۷ همین فهرست).

کم من کتاب قد تصفحته	وقلت فی نفسی صححته
حتی اذا طالعته ثانیا	وجدت تبدیلا فاصلحته

(ص ۱۸۷۵ همین فهرست)

قال العماد الاصفهانی: انی رأیت انه لا یکتب انسان کتابا فی یومه الا قال فی غده: لو غیر هذا لکان احسن، و لو زید کذا لکان یستحسن، و لو قدم هذا لکان افضل، و لو ترك هذا لکان اجمل، و هذا من اعظم العبر، و هو دلیل علی استیلاء النقص علی جملة البشر.

(آغاز معجم الادباء چاپ مصر)

در سرو آزاد یا مآثر الکرام میر غلامعلی آزاد بلگرامی (۲۰۲ چاپ ۱۳۲۸ دکن) آمده که عماد کاتب اصفهانی از سخن قاضی عبدالرحیم نسائی خرده گرفت و قاضی پاسخی بدو نوشت بدینگونه: و قد وقع لی شیء و ما ادری اوقع لك ام لا و هو ان الانسان لا یکتب شیئا فی یومه الا یقول فی غده لو غیر هذا لکان احسن و لو ترك ذلك لکان اولی و هذه عبرة عظیمة و حجة مستقیمة علی استیلاء صفة النقصان علی طبیعة الانسان.

(این آغاز فهرست ستوری Storey از ص ۲٦٦ اتحاف النبلاء گویا همان اتحاف النبلاء المتقین باحیاء مآثر الفقهاء المحدثین نگارش صدیق حسن خان (۱۸۳۲ - ۱۸۹۰) چاپ کانپور در ۱۲۸۹ که در ص ۱۱۳۷ همین فهرست ستوری یاد شده است).

فلولا نفر من كل فرقة طائفة ليتفقهوا فى الدين .

(قرآن توبه ۹: ۱۲۲)

قال (ابوعبدالله): ينظر الى من كان منكم ممن قدروى حديثنا ونظر فى حلالنا و حرامنا وعرف احكامنا فليرضوا به حكماً فانى قد جعلته عليكم حاكما فاذا حكم بحكمنا فلم يقبل منه فانما بحكم‌الله استخف وعلينا قد رد والراد علينا الراد على الله وهو على حدالشرك بالله .

(ازمقبوله عمربن حنظله درمقام دوم مقام دوم تعادل و تراجيح فرائد شيخ انصارى بروايت ازمشايخ ثلثه) .

قال‌الرضا(ع): علينا القاءالاصول اليكم وعليكم‌التفرع. قال‌الصادق‌والباقر ع: انما علينا ان نلقى اليكم‌الاصول وعليكم ان تفرعوا .

(بحار ۱: ۱۴۵ باب۲۵- سفينة‌البحارقمى۱: ۲۳- ازعوالى‌اللئالى وسرائرابن‌ادريس ازجامع بزنطى .)

فاما من كان من‌الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدينه مخالفا على هواه مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه وذلك لايكون الابعض فقهاءالشيعة لاجميعهم .

(از تفسيرعسكرى درذيل آية «ومنهم اميون لايعلمون الكتاب الا امانى وانهم الايظنون ..» — نيز احتجاج طبرسى) .

(واماالحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى‌رواة احاديثنا فانهم حجتى عليكم وانا حجةالله عليهم .

(سخن امام دوازدهم به‌اسحق بن يعقوب دربحث خبرواحد مبحث ظن فرائد انصارى ازغيبت طوسى وا كمال‌الدين صدوق واحتجاج طبرسى) .

اعرفوا منازل‌الرجال بقدر روايتهم عنها . (همانجا)

خواهشمند است پيش‌ازخواندن اين‌فهرست‌غلطهاى زيررا درست نمائيد كه شمارهٔ نسخه در كتابخانه است .

صفحه	سطر	غلط	صحيح
۱۷۳۱	۱۶	۷۸	۷۹۸
۲۰۱۲	۲۲	۱۰۱۲	۱۰۲۲

فهرست گفتارهای این دفتر

این دفتر بخش سوم از جلد سوم است از فهرست کتابخانه‌ایکه استاد دانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سید محمد مشکوة بیرجندی بدانشگاه واگذار کرده‌اند ودراین بخش نسخه‌هائی از کتابهای اخبار واصول وفقه شناسانده شده‌است بدینگونه:

گفتار یازدهم اخبار واحادیث ۲۲۲ کتاب از ش ۱۱۱۰ تا ش ۱۳۳۲ در ۲۹۲ نسخه از ش ۱۲۸۱ تا ش ۱۵۷۲ ص ۱۰۵۵-۱۶۵۲.

گفتار دوازدهم اصول فقه ۸۰ کتاب از ش ۱۳۳۳ تا ش ۱۴۱۲ در ۸۵ نسخه از ش ۱۵۷۳ تا ش ۱۶۵۷ ص ۱۶۵۵-۱۷۵۲.

گفتار سیزدهم فقه ۱۹۷ کتاب از ش ۱۴۱۳ تا ش ۱۶۰۹ در ۲۵۰ نسخه از ش ۱۶۵۸ تا ش ۱۹۰۷ ص ۱۷۵۵-۲۱۰۶ (رویهم ۵۰۰ کتاب در ۶۲۷ نسخه).

نگارندهٔ فهرست ازاین کار بسیار پسندیده وپرسود این دانشمند ارجمند مانند دیگر ایرانیان سپاسگزاراست وآگاهی ودانائی گردآورندهٔ این گنجینهٔ گرانبهارا که اکنون دردسترس همگان گذارده شده است میستاید. امید که نیکخواهان فرهنگ دوست از رفتار نیك ایشان پیروی کنند.

نگارنده و گردآورنده فهرست: محمدتقی دانش‌پژوه. تهران. کوی کارمندان، یوسف‌آباد. فروردین ۱۳۳۵ خورشیدی.

یادآوری

شماره‌ایکه درآغاز سطر وبرابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شمارهٔ کتابی است که دراین فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شمارهٔ نسخه‌ها میآید که درمیان سطر نوشته شده و نسخه‌ها پس از آن شناسانده میشود درهمین‌جا گوشه راست شماره‌ای درشت‌تر وسیاه‌تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه دراین کتابخانه میباشد وبااین شمار باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری را میرساند که کتاب و نسخهٔ مورد بحث شاید همهٔ آنرا گرفته باشد یا اینکه یکی از رساله‌های مندرج درآن دفتر وجنگ ومجموعه بشمار آید که درهنگام شناساندن نسخهٔ شمارهٔ رساله وشماره برگ آن درهمین دفتر نیز گفته شد.

دیباچه

در دو دیباچهٔ دو بخش نخستین این فهرست سخنانی چند دربارهٔ کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری آورده‌ام اینك نیز این چند نکته را یاد میکنم:

الف - دربارهٔ درستی استناد کتاب بنگارندهٔ آن دانشمندان ما را روشی بود که در کتابهای درایة‌الحدیث و آداب‌المتعلمین شمتی از آن را می‌بینیم و آنان هرچه را که در روایت حدیث بکار می‌بسته‌اند در روایت کتاب هم رفتار می‌نموده‌اند و کتابی را بی‌دلیل از کسی نمیدانستند. در این زمینه خوب است به «معرفة علوم الحدیث» نیشابوری و «الکفایة فی علم الروایة» بغدادی و «التقریب و التیسیر فی اصول الحدیث» نووی و «جامع بیان العلم و فضله» قرطبی و «مختصر جامع بیان العلم و فضله» محمصانی و «تذکرة السامع و المتکلم» ابن‌جماعة حموی و «مقدمة علوم الحدیث» ابن الصلاح شهرزوری و «نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر» و گزارش آن بنام «نزهة النظر فی توضیح نخبة الفکر» هر دو از ابن حجر عسقلانی و «البدایه فی علم الدرایة» شهید ثانی و گزارش آن از خود او «منیة المرید» هم (ص ٦٨٢ همین فهرست) و «رواشح» میرداماد و «وصول الاخیار الی اصول الاخبار» عزالدین حسین عاملی و «وجیزهٔ» شیخ بهائی پسر او و «مقباس الهدایة» مامقانی نگریسته شود. این را هم بگویم که تقریب نووی را و. مارسه W. Marçais بفرانسه در آورده و آن در پاریس بسال ١٩٠٢ بچاپ رسیده است (حاشیهٔ ١ ص ١٢ ترجمهٔ اسپانیولی «المدخل لصناعة المنطق» از ابن طملوس چاپ ١٩١٦ مادرید).

ب - صفدی در «الوافی بالوفیات» در سرگذشت قاضی فخرالدین ابوعبدالله محمد بن علی بن عبدالکریم مصری شافعی میگوید که او هر کراسه‌ای از «المنتقی» را در یکروز از بر میکرد و می‌نوشت «والکراسة قطع البلدی تضمن خمس مائة سطر». در قصص العلماء تنکابنی (ص ١٤٨) آمده که «بیت» نزد پیشینیان ٥٠ حرف برابر با یك سطر میباشد (نیز حاشیه ص ١١ دیباچهٔ تفسیر شبر).

ج - ابن ندیم در فهرست (ص ٢٦٧ و ٢٧٥) از فهرست عبدان و فهرست کتابهای

عیاشی نام برده است. سعد بن عبدالله قمی «فهرست کتب ما رواه» دارد (فهرست طوسی ش ٣٠٦ - معالم ش ٣٤٩). ابن‌بابویه در آغاز «من لایحضره الفقیه» از «فهرست کتابهای دانشمندان» که خود او نوشته‌است یاد نمود. کتابهای ابن‌بابویه و مفید را هم فهرست بوده است (فهرست طوسی ش ٦٩٥ و ٦٩٦) کتابهای سید مرتضی نیز فهرست داشته (طوسی ش ٤٢١ - روضات ص ٣٧٦) و نسخهٔ آن در طوس هست (٦٦:٢ ش ٢١٦) یکی از دانشمندان روزگار کراجکی برای نگارشهای او فهرستی سودمند نوشت و نوری در مستدرك (٤٩٧:٣) آنرا آورده است. نجاشی در رجال خود (ص ١١) از «فهرستات» یاد کرده است.

در محاسن اصفهانی مافروخی (ص ٨٥ و ٨٦) و ترجمهٔ آن از آوی (ص ٦٣) از فهرست ضبی یاد شده است. فیض کاشانی فهرستی برای نگارشهای خود نوشته که خوانساری در روضات و تنکابنی در قصص العلما در سرگذشت او از آن بهره برده‌اند. داماد مجلسی دوم فهرستی برای نگارشهای او ساخته (خوانساری در روضات از لؤلؤتی البحرین) که شاید همان باشد که در فهرست ایوانف نشان داده شده است (ص ١١٣٧ همین فهرست).

کورکیس عواد در «مجلة المجمع العلمی العربی» دمشق (ش ٣ و ٤ ج ٢٩ س ١٩٥٤/١٣٧٣ و ش ١ و ٢ ج ٣٠ س ١٩٥٥/١٣٧٤) گفتاری دربارهٔ «فهرست مؤلفات محیی الدین بن العربی» (٥٦٠ - ٦٣٨) دارد و در آن متن رسالهٔ فهرست ابن عارف اندلسی که برای نگارشهای خود ساخته بود آورده‌است. عواد کتابهای او را هم که در این فهرست نیامده برشمرد و جای نسخه‌ها نوشته‌های او را در کتابخانه‌های جهان نشان داد و شمارهٔ کتابهای او را تا به ٢٧٩ رساند. فهرست کتابهائی که سرگذشت اندلسی و فهرست نوشته‌های او در آنها آمده است در این گفتار عواد دیده میشود. نسخهٔ این فهرست اندلسی که در دست او بوده در ١٣٣٧ از روی نسخهٔ تاریخ ٦٨٩ نوشته شده بود و ٢٤٨ کتاب در آن شماره گردید. اندلسی آنرا بدرخواست دوستی از روی موضوعهای علمی نوشته‌است. او میگوید که من در نگاشتن این کتابها

آنچه را که نگارندگان میجویند نخواسته‌ام بلکه چون چیزهائی از جانب خداوند بردلم میگذشت ودل وجگرم را میسوزاند بناچار آنها را با خامه‌ام دراین دفترها مینگاشتم تا از اوج دلم زدوده نگردند. من برخی از کتابها را هم بدستور و فرمان خداوند نوشته‌ام. دراین فهرست نخست از کتابهائی یاد میکنم که آنها را بکسی بسپردم و امروزه دردسترس من و دیگران نیست آنگاه آنچه را که دردسترس مردمان است یادمیکنم سپس آنچه‌را که چشم دارم که‌خداوند دستوردهد که دسترس مردم بگذارم برمیشمارم.

عواد دراین گفتار از چند فهرستی نام میبرد: فهرستی که سبط ابن‌الجوزی درمرآة‌الزمان (چاپ دکن ۸-۹: ۴۸۳ و چاپ شیکاگو ۸: ۶ - ۳۱۲) از نوشته‌های ابن‌جوزی داده ودویست وپنجاه واندی کتاب‌ازاو برشمرده‌است، فهرست‌نگارشهای ابن تیمیه از ابن‌القیم‌الجوزیه (چاپ دمشق در ۱۹۵۳) که ۳۴۱ کتاب او درآن یاد گردید، فهرست کتابهای ابن طولون دمشقی م ۹۵۳ در «الفلك‌المشحون فی‌احوال محمدبن طولون» چاپ دمشق در ۱۹۴۸ ص ۲۶ - ۴۸ بترتیب حروف، فهرست نوشته‌های سیوطی از نگارنده‌ای گمنام که درآن از ۵۰۴ کتاب او یاد شده وفلوگل آنرا دردنبال کشف‌الظنون چلبی (۶:۶۶۵-۶۷۹) بچاپ رسانده است.

محمدتقی دانش‌پژوه

گفتار یازدهم

اخبار و احادیث

جمال یا عزالدین حسن بن سلیمان بن محمد بن خالد عاملی حلی شاگرد
شهید یکم وزندهٔ در ۷۵۷ و ۸۰۲ در این دفتر مسئلهٔ رجعت و باز گشت مردگان را
درهمین جهان آنچنانکه درخبرهای شیعی آمده است روشن نموده حدیثهائی
از نگارشهای پیشینیان ازیاران خویش که بدانها میتوان ارج نهاد (اصحابنا المعول
علیها) در آن آورده است . در آغاز این دفتر حدیثهائی آمده که بایستی در برابر
پیشوایان دینی خاموش ماند وسخنان آنها را پذیرفت و آنچه از گفته‌های آنان
دشوار و گران می نماید بخود آنها بر گرداند نه اینکه در آنها شك کرد. نام حلی
درحاشیه‌های نسخهٔ ما (گ ۱ ب و ٤٦ ب) برده شده است . درحاشیه « منه »
نسخهٔ ما (گ ۱ ب) دارد که ایندفتر از روی این نگارشها پرداخته شده :
مختصر البصائر سعد بن عبدالله قمی و کتاب . . . (بریده شده ـ گویا تفسیر علی بن)
ابراهیم قمی ومصباح المتهجد طوسی و شرایع ابن بابویه و تأویل الآیات الباهرة
ابن ماهیار وغیبت نعمانی و کتاب سلیم بن قیس هلالی و کتاب ابن قولویه و الغارات
ابراهیم بن (محمد بن سعید بن هلال ثقفی) و خرایج وجرایح راوندی و البشارة ...
(گویا از ابن طاوس ـ ذریعه ۳ : ۱۱۳) ـ آنگاه دارد: « کتاب الشیخ حسن بن سلیمان
الحلی . . . الاول . خطب علی مجمع البیان » (افسوس که این حاشیه بریدگی ها
دارد) .

افندی نگارندهٔ ریاض العلماء چنانکه در اعیان الشیعه (۲۱ : ٤۳۹) و ذریعه
(۱ : ۹۱ و ۳ : ۱۲٤) آمده است عبارتی را از این دفتر دانسته و در آن آورد که مایهٔ
اشتباه شده است با اینکه در این دفتر نیست و در منتخب البصائر حلی است که از آن
گفتگو خواهد شد .

نسخه‌ای از « الرجعه والرد علی اهل البدعه » چنانکه در ذریعه بنام همین

حلی یاد شده در مدرسهٔ فاضل خان مشهد هست و بتاریخ ۱۰۸۵ میباشد مگر اینکه آن جزاین نسخهٔ ما است (فهرست آنجا ص ٦٥).

آغاز: بسمله . الحمدلله علی نعمائه والشکر علی آلائه . . . و بعد فقد سألنی بعض من لایسعنی رده تألیف مختصر مشتمل علی مسائل الرجعة فاستخرجت له من کتب المتقدمین من اصحابنا المعول علیها بعض الاخبار المنقولة عن اصحاب العصمة .

انجام : وقد رویت احادیث جمة عنهم (القائل هو الحسن بن سلیمان ـ هامش) . . . قال قد یکون بعد القائم . . . اثنا عشر مهدیا من ولد الحسن علیه السلام والله اعلم بحقیقة المقال . هذا آخر ما اردنا جمعه فی هذا المختصر حامداالله ومصلیا علی نبیه و آله الطاهرین .

[۱۲۸۱]

۹۹۷ این نسخه بخط نسخ با عنوانها و نشانههای شنگرف است و در مکه در شنبه ۲۵ ذیقعدهٔ سال ۱۰۷۱ نوشتن آن بپایان گرفته است و دو حاشیه بنستعلیق دارد و یک حاشیه از رجال میرزا محمد رحمهالله (۳ب) ـ محمدعلی بن سیدرضا دارندهٔ آن بوده است.

۴۶ گ ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۴ ـ ۸×۱۶ س ۱۶

(۱۱۱۱-۱۱۱۲) اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات (عربی)

شیخ محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن حسین حر عاملی طوسی (مشغر شب آدینهٔ ۸ رجب ۱۰۳۳ ـ طوس ۲۱ رمضان ۱۱۰٤) نگارندهٔ تفصیل وسائل الشیعه وامل الآمل و دیگر کتابها (امل الآمل ص ٤٤٧) در سرگذشت پیشوایان شیعی ومعجزههای آنان از روی اخبار سنی وشیعی این دفتر در دو جلد پرداخت و همان متن خبرها را در آن آورده و گزارش نداده است و چنانکه خود در امل الآمل میگوید بیش از بیست هزار حدیث ونزدیک بهفتاد هزار سند از نگارشهای سنی و شیعی در آن آمده است . برای فراهم ساختن آن به ۱٤۲ کتاب شیعی و ۲٤ کتاب سنی نگریسته است در این کتابهای شیعی که او خوانده عبارتهای ۵۰ کتاب

دیگر شیعی آمده بود و در آن کتابهای سنی از ۲۲۳ کتاب سنی دیگر نقل کرده بودند وهمه اینها برای او سند قرار گرفت وروی هم چنانکه او مینویسد به ۳۸۸ کتاب میرسد (با اینکه ۴۳۹ باید باشد) گذشته از کتابهای دیگری که او از آنها بهره برده ونام آنها را در متن یاد کرده است (دیباچه جلد یکم ـ نیز کنتوری ص ٤ ـ ذریعه ۱ : ۱۱۱ ـ فهرست طوس ۵ : ۲) او این دفتر را در طوس بسال ۱۰۹٦ بپایان رسانده .

[۱۲۸۲]

۹۹۱ این نسخه جزو نخستین از جلد یکم است و بنسخ با نشانهها و عنوانهای شنگرف میباشد عنوانها در هامش هم دیده میشود و حاشیههای منه بخط نستعلیق دارد . در گ ۳۰ پ و ٤۰ الف و ٤۵ الف و جاهای دیگر نوشته است : «بلغ قبالا» و «بلغ سماعا وفقهالله تعالی» ـ چنین است این نسخه :

آغاز : لیالیها . فنظمت کل نوع من تلك الجواهر فی سلك یفوق ویروق اللبیب الماهر ولم اقتصر علی ایراد ما تیسر تخریجه وایراده (دیباچه) .

انجام : فصل وروی مولانا محمد بن مرتضی المدعو بمحسن الکاشی فی کتاب منهاج النجاة عن النبی . . . فقد تبعنی سنة جرت فی من ابراهیم . تم الجزء الاول من کتاب اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات علی ید مؤلفه العبد محمد بن الحسن الحر العاملی یتلوه فی الجزء الثانی انشاءالله تعالی باب فی ذکر جملة مما ورد فی النص علی علی من طرق العامة وفقالله لا کماله وکان (این نسخه نزدیک یک چهارم کتاب است گویا) .

۲۷۹ گ ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی

اندازه : ۱۹×۲۵ و ۱۱×۱۸ س ۲٦

[۱۲۸۳]

۹۱۰ این نسخه بخط نستعلیق میباشد و ربع سوم و چهارم یا جلد دوم دفتر وچنین است :

آغاز : « بسمله . باب النصوص علی امامة ابی الحسن موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام مضافاً الی مامضی منها . محمد بن یعقوب فی الکافی عن محمد بن یحیی . . . عن ابی عبدالله علیه السلام قال قلت له : ان کان یوم ـ ولا اراک الله ـ فبمن ایتم ؟ فاومی بیده : الی موسی .

انجام : وقد الف علمائنا فی الرد علی الغلاة کتبا کثیرة مذکورة فی کتب الرجال .

صورة خطه رحمه الله : — تم الجزء الثاني من كتاب «اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات» على يد مؤلفه « محمد بن الحسن الحر العاملي » المجاور بالمشهد المقدس الرضوي . . وبتمامه تم الكتاب . وقد اشتمل — بحمد الله — من النصوص والمعجزات التي هي مقصودة فيه بالذات والفوائد والمهمات من المقدمات والتتمات على ما فيه كفاية بل على ما يتجاوز قدر الكفاية لمن اراد الهداية والعمل بما تواتر من الرواية ولم يبق تعلل ولا شبهة عند احد من اهل الانصاف المتصفين بمحاسن الاوصاف . ولا ريب انه لا يحصل من الدليل العقلي هنا الا مقدمة اجمالية . وان التفصيل والتعيين من المطالب السمعية النقلية . ولا يوجد نقل اقوى من هذا النقل لما يشهد به كل من له ادنى عقل اذا تتبع السمعيات واعتبر الشرعيات نفع الله به المؤمنين والطالبين للحق واليقين ؛ والله الموفق والمعين . وكان الفراغ من تأليفه في سنة ۱۰۹٦ —

در گ الف دارد : «للحقير آقا ميرزا» — پيداست كه دو نسخهٔ ما رويهم سه چهارم كتاب است وجزو دوم جلد يكم آن نيست .

(۳۴۰۹ب) — كاغذ فرنگى — جلد تيماج مشكى مقوائى

اندازه ، ۱۸ × ۲۳ — ۱۳ × ۱۷/۵ ص ۱۹

(۱۱۱۳) الاحتجاج على اهل اللجاج (عربى)

فقيه متكلم نسابه ابو منصور احمد بن على بن ابى طالب طبرسى نگارندهٔ كافى در فقه واستاد ابن شهرآشوب (م ۵۸۸) شاگرد او وشيخ طبرسى (فضل بن الحسن بن الفضل ۴۷۰—۵۴۸) و استاد منتجب الدين قمى ؛ بگواهى همين ابن شهرآشوب درمعالم العلما (ص ۲۱) وابن طاوس در كشف المحجه (فصل ۵۴ ص ۳۵) نگارندهٔ «الاحتجاج على اهل اللجاج» است نه شيخ طبرسى چنانكه نگارندهٔ مشايخ الشيعه وابن ابى جمهور احسائى درغوالى اللئالى و امين استرآبادى پنداشته‌اند گرچه در خود كتاب نامى از خود نبرده و بكتاب هم نامى نداده است . اين طبرسى درروزگار شيخ طبرسى مفسر و ابو الفتوح رازى ميزيسته واز ابو جعفر مهدى بن ابى حرب حسينى مرعشى از ابو على حسن فرزند شيخ طوسى و ابو عبدالله جعفر بن محمد بن احمد دوريستى روايت داشته است (ص ۳ و ۳۳ احتجاج چاپ نجف) — سخنان وفتواهاى فقهى اورا شهيد يكم درغاية المراد وشهيد دوم درشرح ارشاد آورده‌اند (۱) .

۱ — نيز بنگريد به : ريحانة الادب ۳ : ۱۸ — كنى والقاب قمى ۲ : ۴۰۴ — رجال مامقانى ۱ : ۶۹ — مستدرك ۳ : ۴۸۵ — لؤلؤتى البحرين — أمل الآمل ص ۴۹۱ — ذريعه ۱ : ۲۸۱ و ۲ : ۲۰۸ و ۲۱۳ — النقض رازى ص ۱۸۹ — تاريخ بيهق ص ۲۴۲ — فهرست سپهسالار ۱ : ۱۹۶ —

رازى طبرسى در برابر كسانيكه جدل واحتجاج دينى را نكوهيده ميدانستند اين دفتر را در دو جزء ساخته و گفتگوهائى كه پيامبر ودختر او و دوازده پيشواى شيعى با پيروان دينها ودانشمندان فرقه‌ها كرده‌اند در آن گنجانده وسند روايتها را نياورده چه اينكه آنها را اجماعى يا عقلى يا مشهور ميان همه ميدانسته مگر آنچه كه از تفسير امام عسكرى (ع) گرفته زيرا آن چندان شهرتى نداشت ازينروى سند آنرا در آغاز جزء يكم يادنمود (۱) اين بود آنچه كه خود طبرسى در ديباچهٔ كتاب نوشته است ولى از خود كتاب پيداست كه او يكبار ديگر هم سند روايت خود را بدينگونه — « از ابو جعفر مهدى بن ابى حرب حسينى مرعشى از ابو على حسن فرزند طوسى از پدرش . . . » ياد كرده است (ص ۳۳) .

او درپايان گفتگوئيرا كه مفيد در خواب با عمر خطاب كرده وسخنانى را كه ميان سيد مرتضى وابو العلاء معرى گذشته است وهمچنين پاره‌اى از الرسالة الباهرة فى فضل العترة الطاهرة همين مرتضى را آورده است . ابن شهرآشوب و ابن طاوس از آن بنام « الاحتجاج » ياد كرده‌اند — مجلسى و شيخ حر بدان اعتماد نموده‌اند .

آغاز : بسمله الحمد لله المتعالى عن صفات المخلوقين المنزه عن نعوت الناعتين . . . ثم ان الذى دعانى الى تأليف هذا الكتاب عدول جماعة من الاصحاب عن طريق الحجاج جدا وعن سبيل الجدال وان كان حقا . . فرأيت عمل كتاب يحتوى على ذكر جمل من محاوراتهم فى الفروع والاصول مع اهل الخلاف وذوى الفضول .

۱ — سند او دربارهٔ اين تفسير چنين است : «از ابو جعفر مهدى بن ابى حرب حسينى مرعشى از ابو عبدالله جعفر بن محمد بن احمد دوريستى از پدرش از ابو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه قمى از ابو الحسن محمد بن القاسم مفسر استرابادى از ابو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد وابو الحسن على بن محمد بن سيار كه هر دو شيعى امامى بوده‌اند از ابو محمد حسن بن على عسكرى » . او خبر گفتگوى پيامبر با پيروان پنج دين يهود ونصارا ودهرى وثنوى ومشركان عرب را از همين تفسير عسكرى آورده است و آن در ص ۲۰۱—۲۱۲ همين تفسير چاپ هامش تفسير على بن ابراهيم قمى بسال ۱۳۱۵ ديده ميشود . در مستدرك ۳ : ۶٦۱ و ذريعه ۴ : ۲۸۳ — ۲۹۳ دربارهٔ اين تفسير گفتگو گرديده نيز در ص ۲۶۵ همين چاپ ۱۳۱۵ درهامش تفسير على بن ابراهيم قمى از شارع النجاة سيد داماد .

وانهم ع انما نهوا عن ذلك الضعفاو المساكين من اهل القصور عن بيان الدين دون المبرزين في «الاحتجاج» الغالبين «لاهل اللجاج».

انجام : قطعنا هذا الكتاب على كلام السيد علم الهدى قدس الله روحه والحمد لله رب العالمين والصلوة على خير خلقه محمد و آله الطيبين الطاهرين.

احتجاج چند بار بچاپ رسیده یکی چاپ سنگی بنسخ در تهران در رجب ۱۲۶۸ دیگری همانگونه و در همان شهر در ذیقعده ۱۳۰۲ (فهرست طوس ۵ : ۵ و ۲۱۷) سوم در چاپخانهٔ مرتضوی نجف در ۲۴ ذیقعده ۱۳۵۰ در ۲۸۴ ص وزیری بنسخ و سنگی.

[۱۲۸۴]

این نسخه پاکیزه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف محمد بن علی شوشتری است که در بیستم روز شنبه ۱۷ ربیع یکم سال ۱۱۱۱ نوشتن آنرا بپایان رسانده (۲ ب ـ ۲۵۷ الف) در ۳۹ ب حاشیه ایست از «نعمة الله عفی عنه» و در جاهای دیگر حاشیه‌های دیگر است و همه بنستعلیق میباشد. مهر «المتوکل علی الله هدایت الله» در ۲ ب دیده می‌شود.

(۲۵۸ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
الدازه : ۱۵/۵ × ۲۲/۵ ـ ۹ × ۱۶/۵ س ۲۰

[۱۱۱۴] الاختصاص (عربی)

ابوعلی احمد بن الحسین (الحسن) بن احمد بن عمران که در روزگار صدوق ابن بابویه (م ۳۸۱) میزیسته است (اعیان الشیعه ۸ : ۵۸ ـ ذریعه ۱ : ۳۵۸) دفتری بنام «الاختصاص» پرداخت که متن آن در دست نیست و شیخ مفید (۳۳۸-۴۱۳) از آن چنانکه از نسخهٔ ما (گـ ۱۵۸ ب) و نسخه‌های سپهسالار (ش ۱۸۷۲) وطوس (ش ۱۸۹۳) برمیآید از آن گزین نموده و در آغاز کتاب خویش گذارده وهمانست که بنام «الاختصاص» در نسخه‌ها نامیده شده و مجلسی (بحار ۱ : ۵ و ۱۱) از آن بهره برده و پاره‌ای از آغاز آنرا آورده. او هم از روی نسخهٔ کهنی که در دست داشت و در آن تا پایان از مشایخ مفید یاد شده بود (مانند نسخه‌های دیگر) آنرا گزین مفید از الاختصاص همان ابوعلی دانست. این ابوعلی را رجال نویسان مانند طوسی و نجاشی و ابن شهرآشوب و علامه و استرابادی و مامقانی یاد ننمودند چنانکه در فهرست سپهسالار ج ۱ ص ۱۹۸ همین نکته یاد

گردید. در پایان تفصیل وسائل الشیعه (۳ : ۵۲۲) هم این دفتر از نگارشهای مفید برشمرده شد.

در آغاز سندهای این دفتر از ابومحمد جعفر (المؤمن) بن الحسین (الحسن) بن علی بن شهریار قمی یاد میشود و او از دانشمندان قم است که بکوفه رفته و در آنجا میزیست و از اوست کتاب المزار و فضل الکوفة و مساجدها و کتاب النوادر و در همان کوفه بسال ۳۴۰ در گذشت (نجاشی ص ۸۹ ـ ذریعه ۱ : ۳۶۰ ـ تنقیح المقال مامقانی ۱ : ۲۱۴) این اختصاص نگارش او نباید باشد چنانکه برخی پنداشتند (کشف الحجب ص ۳۰) و نجاشی چنین کتابی از او یاد نکرد و ما الخبر هائی که مفید بروایت از او میآورد از یکی از آن کتابهای اوست که برشمردیم نه اینکه خود از او شنیده باشد چه مفید در زمان مردن او دو سال بیش نداشت.

نگارندگان اعیان الشیعه و ذریعه گویا از عبارت «فنونا من الاحادیث وعیونا من الاخبار و محاسن من الآثار والحکایات» که در آغاز اختصاص دیده میشود پنداشتند که این همان العیون والمحاسن مفید است که نجاشی از آن نام برده است و گزیدهٔ اختصاص ابوعلی بخش نخستین آن میباشد و بدین نام بر سر زبانها ماند. در ذریعه (۱ : ۳۵۹) دارد که مفید در خطبه آنرا عیون و محاسن نامیده و فهرست آنرا در آغاز آورد ـ میدانیم که سید مرتضی از این عیون و محاسن مفید و از کتابهای دیگر او در مجالس گلچینی نموده و آن بنام فصول نامبرده میشود و نجاشی و طوسی و ابن شهر آشوب همین فصول را در شمار نگارشهای مفید آوردند بنام الفصول من العیون والمحاسن و مجلسی در آغاز بحار (۱ : ۵) از آن یاد نمود و جمال الدین خوانساری (ص ۵۶۴ همین فهرست) آنرا بپارسی در آورد و بچاپ هم رسید و از ص ۹۹ جزء دوم آن (چاپ نجف) برمیآید که مفید در ۳۷۳ بدین گفتگوها میپرداخت. از سنجش این یکی با اختصاص برمیآید که آن دو هیچ پیوستگی باهم ندارند و هیچ از اختصاص در فصول مرتضی دیده نمیشود و پیداست که عیون و محاسن دفتری است دیگر و در آن از مسئله‌های کلامی

کنجکاوی شده نه حدیث و تاریخ و رجال که در اختصاص می‌بینیم و مرتضی این فصول را از روی آن و سخنان کلامی دیگر مفید در کتابهای دیگر او که در مجلسها میگفته‌است گردآورد. باید دانست که مفید را المجالس المحفوظة فی فنون الکلام (نجاشی ص ۲۸۵) هم هست و شاید از آنهم در این فصول باشد و گویا همان مجالس باشد که مجلسی نسخهٔ کهنی از آن داشت (بحار ۱ : ۱۱) گرچه مرتضی از این مجالس نامی نبرده‌است. از امالی مفید که بچاپ رسیده هم در این فصول چیزی دیده نمیشود. باری در این اختصاص خبرها و اثرها و سخنانی است در ستایش یاران و پیروان پیامبر و دربارهٔ دانشمندان و خبرهائی دربارهٔ راویان و همچنین خطبه‌ها و نامه‌های پیشوایان شیعی و دشمنان آنها و مناظره‌های امامان و خبرهائی دربارهٔ خاندان پیامبر و مطلبهای پراکنده تاریخی و بگفته مجلسی خبرهای غریب و نادر هم دارد. از آنهاست خبرهای غلوآمیز که علی ع دربارهٔ خویش گفته : « و یحکم ان کلامی صعب مستصعب لایعقله الا العالمون ... انا الذی علوت فقهرت انا الذی احیی وامیت انا الاول والآخر والظاهر والباطن » و چون دیه شنوندگان خشم کردند و این را کفر پنداشتند خود آنرا بطرزی روشن تأویل کرده‌است و همین را میتوان ریشهٔ خطبه‌بیان دانست که در نسخه‌ها دیده میشود (آغاز کتاب محنة امیرالمؤمنین گ ۶۵ الف نسخهٔ ما) (۱).

استاد دانشمند شادروان شیخ فضل‌الله زنجانی در سرگذشت مفید نیز کتاب اختصاص را جزعیون ومحاسن دانست و گزیده الاختصاص همان ابوعلی (دیباچه اوائل المقالات ص مز چاپ دوم).

بابهای اختصاص : ۱ـ گزیده اختصاص ابوعلی (۱ الف ـ ۵۶ الف) که در آن سرگذشت دسته‌ای از یاران پیامبر و پیروان او و مسائل عبدالله بن سلام (بحار مجلسی ۱۴ : ۳۴۶ ـ ۳۵۳) و سخنان و سرگذشت برخی از راویان و امامان و نامه‌های تاریخی و سفارشهای پیامبر و نکته‌ها و خبرهائی چند دیده میشود و درهمین بخش چند جا دارد « مختصر » و در جائی دیده شده که دارد در اصل

۱ـ نیز بنگرید به : فهرست سپهسالار ۱ : ۱۹۷ ـ طوس ۵ : ۷۰ ـ ذریعه ۱۰ : ۳۵۸ ـ ۳۶۰

چنین بود و پیداست که نسخه‌ها کم و کاست و آمیختگی داشتند.

۲ـ از کتاب فضائل باجمل الاداب ابن داب ابوالولید عیسی بن یزید بن بکر بن داب شیعی حجازی مدنی ادیب و آشنای بتاریخ و خاندانها تازیان در نیمهٔ دوم سدهٔ دوم ۱۷۱ (کنی والقاب قمی ۱ : ۲۷۱) (۱) دربارهٔ هفتاد خوی نیک علی (ع) و کاوش دربارهٔ همهٔ آنها و اینکه درجز او چنین نبوده‌است (۵۶ الف ـ ۶۴ الف) این ابن داب را سنیان وضاع و سازنده حدیث خواندند و این کتاب او در چهارصد بیت باید باشد و مجلسی در ج ۹ بحار آخر باب جوامع المناقب از آن آورد و شیخ محمد بن طاهر سماوی نجفی در ۲۰۰ بیت در ۱۳۵۹ آنرا بنظم کشید (ذریعه ۱ : ۳۵۹ و ۵ : ۱۴۲).

۳ـ « آیة العلامات فی السنة » که پس از یك خبری آمده و از قران ستارگان و از احکام نجومی آن گفتگو میشود (۶۴ الف ـ ۶۵ الف).

۴ـ « کتاب محنة امیرالمؤمنین (ع) فی حیاة رسول الله ص و بعد وفاته » که پیش از آن دارد « قوبل و نسخ من خط ابن الحسن بن شاذان رحمه الله » و از اینجا ریشهٔ خطبة البیان پیدا میگردد و در اینجاست گفتگوی علی (ع) با رهبر یهودان دربارهٔ سرگذشت خویش که بیشتر این بخش را گرفته‌است سپس گفتار جنی که یك تن یهودی بدستور علی (ع) برای مردم باز گفته‌است و گفتگوی فاطمه (ع) با ابوبکر دربارهٔ فدك و سرگذشت سقیفهٔ بنی ساعده و ستایشهای فرزدق از امام چهارم آنگاه از چند راوی گفتگو شده و دربارهٔ یاران ناشناختهٔ (مجهولین من اصحاب) ابی عبدالله و ابی جعفر سخن رفته است و از چندتن از یاران امامان مانند حمران بن اعین ومحمد بن مسلم طائفی و ابی جعفر احول و جابر بن یزید جعفی صاحب التفسیر آنگاه امامت امامان دوازده گانه اثبات شده‌است سپس حدیثهائی آمده و پندهای لقمان آورده شده و چند حدیث دیگر. در اینجا در نسخهٔ ما (گ

۱ـ قمی میگوید که سرگذشت او در مروج الذهب مسعودی آمده و از سخنان او که در اختصاص یاد شده و در بحار ۹ : ۴۵۰ دیده میشود پیداست که او شیعی است. آنگاه قمی سخن ابن قتیبه را دربارهٔ ابن داب میآورد.

١٤٧ الف و ب) عبارت « ماتقول فی رجل اعتق عشیة عرفة عبدالله . . . امحض مودتك الكريم فانما ـ يرعى ذوى الاحسان كل كريم » كه در پايان گذارده نشده است آمده (گ ٦٥ الف ـ ١٤٧ الف).

٥ ـ وكتاب فی صفة الجنة والنار » كه ابن بابويه ازمشايخ خود ازسعيدبن جناح كوفی راوی دو امام كاظم و رضا (ع) روايت نموده است (ذريعه ٥ : ١٦٤) كه چگونگی بهشت و دوزخ در آن نموده شده و بسيار شگفت انگيز است (١٤٧ ب ـ ١٥٨ ب).

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی لايدر كه الشواهد ولاتراه النواظر ولا تحجبه السواتر الذی علی بكل مكرمة و بان بكل فضيلة . . . هذا كتاب الفته وصنفته والعجت (وابعجت) فی جمعه واسباغه واقحمته فنونا من الاحاديث وعيونا من الاخبار ومحاسن من الاثار والحكايات فی معان كثيرة من مدح الرجال وفضلهم واقدار العلماء ومراتبهم وفقههم (يقول جعفربن الحسين المؤمن ـ خ ل ـ قال محمدبن محمدبن النعمان ـ نسخهٔ آقای حسن مصطفوی) حدثنی ابوغالب احمدبن محمد الزرارى (الرازی) و جعفربن محمدبن قولويه عن محمدبن يعقوب ... عن ابن عايشة البصرى رفعه ان اميرالمؤمنين . . . قال فی بعض خطبه ايها الناس اعلموا انه ليس بعاقل من انزعج من (عن) قول الزور فيه .

(نسخهٔ ما در گ ٥٤ ب و نسخهٔ سپهسالار و نسخهٔ طوس درميانه و نسخه آقای مصطفوی) .

انجام: فلايذ كرون ابدا ـ فنعوذ بالله العظيم . . من النار . . . ومن كل عمل يقرب من النار انه غفوررحيم جواد كريم ـ ماتقول فی رجل اعتق عشية (عتمة) عرفة عبدا .... ويكتب للسيد اجران ثواب العتق و ثواب الحج ـ وروی عن البراء بن عازب قال كنت عندرسول الله ... وروی عن النبی ... قال اختبروا الناس فان الرجل يجاذب من يعجبه وقال الشاعر :

امحض مودتك الكريم فانما ..... يرعى ذوى الاحسان كل كريم
وآخ اشراف الرجال مروة ..... والموت خير من اخاء لئيم

(نسخهٔ سپهسالار و نسخهٔ آقای مصطفوی) .

(عنوان نسخهٔ ما چنين است : كتاب مستخرج من كتاب الاختصاص تصنيف ابی علی احمدبن الحسين بن احمدبن عمران رحمه الله ـ درپايان نسخهٔ سپهسالار دارد : واتفق الفراغ من تسويد مختصر كتاب الاختصاص لابی علی احمدبن الحسين بن احمدبن عمران رضی الله عنهم اجمعين (الخ) .

[١٢٨٥]

٥١٤ این نسخه بخط نستعليق شكستهٔ تازه است ودررويهٔ برگ پيش ازبرگ يكم دارد : «للحقير آقاميرزا اختصاص شيخ مفيد خط خود حقير» وپيداست كه «آقاميرزا» آنرا برای خود نوشته است. در گ ١ الف در گوشه راست بالائی نام «ميرلوحی» ديده ميشود . از سنجيدن آن با نشانه هائيكه در فهرست طوس آمده برميآيد كه از روی آن نوشته شده ياهردو از روی يك اصل ميباشند . نسخهٔ طوس در ١٠٥٥ نوشته شده و مانند نسخه‌های ١٠٨٥ نجف (ذريعه) و سپهسالار بسال ١١١٨ ميرساند كه اختصاص گزيده مفيد است از اختصاص ابوعلی با چيز هـای ديگری كه بر آن افزوده است . نسخهٔ سپهسالار ونسخهٔ آقای مصطفوی (بنسخ روشن ازعلی بن شيخ محمد علی شهيد بشالی و عاملی قزوينی در ١٣٠٧ باندازهٔ خشتی) كه دردسترس بنده گذارده اند و بايد از ايشان بی اندازه سپاسگزاری كنم يكي هستند و كامل مگر دربرخی جاها كه درنسخهٔ آقـای مصطفوی سفيد گذارده شده و درنسخه ما كلمات را درآنجاها بهم پيوسته ونديدانسته كه مطلب ناتمام است وپايان نسخهٔ طوس چنين است : ويكتب للسيد اجران ثواب العتق وثواب الحج . تم الخبرو كمل» كه درگ ١٥٨ نسخهٔ ما آورده شده ونزديك بيك صفحه ازنسخه آقای مصطفوی كم دارد .

درآغاز نسخهٔ ما گ ١ الف ـ ٥٤ ب بخشی ازميانهٔ كتاب است (باندازه ٧١ صفحه نسخهٔ آقای مصطفوی) ومربوط به ص ١٧ گ ٥١ الف ميان دوكلمهٔ «شريد» و «فيه احاديث» كه درآغاز نسخهٔ طوس باندازهٔ ١٤٦ برك هم آمده و فهرست نگار آنجا چون نسخهٔ درستی دردست نداشت تاباهم بسنجد بنداشت كه اين بنداز كتابی ديگراست وازاختصاص نيست ومن ازسنجش نسخهٔ دانشگاه بانسخهٔ آقای مصطفوی ونشانه‌هائيكه درفهرست سپهسالار ازنسخهٔ آنجا داده شده بدان پی برده‌ام .

چنين است آغازاين بند : « بسمله . هذه مجموعة مستخرجة من كتب اكابررجال الائمة الطاهرين صلوات الله عليهم قدرأينـا فی سنة خمس و خمسين والف من الهجرة المصطفوية بخط عتيق فی نسخة قديمة وسودناها من هذه النسخة المضبوطة البينة فيها آثار الصحة وبالله التوفيق . عن ابی عبدالله (ع) قال المفقود ينتظر اهله اربع سنين فان عاد

والازوجت» (درست مانند نسخهٔ طوس) پیداست که از « بسمله » تا « التوفیق » از نویسندهٔ نسخه‌است و پس از آن از خود کتاب که در نسخهٔ آقای مصطفوی دیده میشود.

وچنین است انجام این بند : «ابراهیم الولید بن عبدالملك . مروان بن محمدالحمار» که در نسخهٔ طوس نیز باید چنین باشد و پس از این عبارت در نسخهٔ آقای مصطفوی (وباید در نسخهٔ سپهسالارهم) «فیه احادیث وصایاالنبی» آمده است.

انجام نسخهٔ ما اینگونه است : «وماقیهامن کل عمل یقرب من النار انه غفوررحیم (جواد کریم ـ نسخهٔ مصطفوی) وصلی الله علی نبیه محمد وآله وسلم تسلیما . الی هنا من نسخة مجموعة قد اشبرالبهائی اول الکتاب والی الله المرجع والمآب الهم اجعل منقلبنا خیرمنقلب ومآبنا خیرمآب» پیداست که از «وصلی الله» تا اینجا از نویسنده است. پس از این بندی است از مقالات شیخ ابی مسعود بن احمد بن فرات رازی که در سپاهان چهار سال سخن راند ومردم را از دشنام دادن بعلی بر گرداند وبندی از طرائف ابن طاوس و کامل بهائی (گ ۱۵۸ ب ـ ۱۶۱ ب).

(گ ۱۶۱) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۰ ـ ۱۱/۵×۱۷ س ۲۴

(۱۱۱۵) اربعین (عربی)

شیخ بهاءالدین محمد عاملی (۹۵۳ ـ ۱۰۳۰) چهل حدیث از طرق اهل بیت با گزارش آنها در این دفتر آورده ودر سپاهان در نیمهٔ روز دوشنبه ۲۳ صفر ۹۹۵ آنرا بپایان رسانده و در تاریخش چنین نوشت : « مما قلته فی تاریخه : لقدتم تألیف هذاالکتاب ـ وتم الاحادیث تاریخه » (گ ۲۴۳ الف).

این اربعین در ایران بسال ۱۲۷۴ بچاپ رسیده است (ذریعه ۱ : ۴۲۵ ـ طوس ۵ : ۲۱۸) همچنین چاپ سنگی نسخ ۱۳۱۰ تهران در کارخانهٔ علیقلیخان.

آغاز : بسمله . ان احسن حدیث تحلی اللسان بجواهر حقائقه وخیر خبر تجلی الانسان فی زواهر حدائقه حمدالله سبحانه علی نعمه المسلسلة المتواترة و شکره علی منه المستفیضة المتکاثره ... فان الفقیر الی الله الغنی بهاءالدین محمدالعاملی .. یقول ... هذا اربعون حدیثاً من طرق اهل بیت النبوة.

انجام : اتفق الفراغ من مشقة مشقه ضحوة یوم الاثنین ثالث العشر الثالث من ثانی شهور السنة الخامسة من العشر العاشر من المائة العاشرة من هجرة سید المرسلین علی ید مؤلفه . . . محمد المشتهر ببهاءالدین العاملی . . . بمحروسة اصفهان . . . والحمدلله اولاً وآخراً وباطناً وظاهراً . مما قلته فی تاریخه :

لقد تم تألیف هذاالکتاب وتم الاحادیث تاریخه .

[۱۲۸۶]

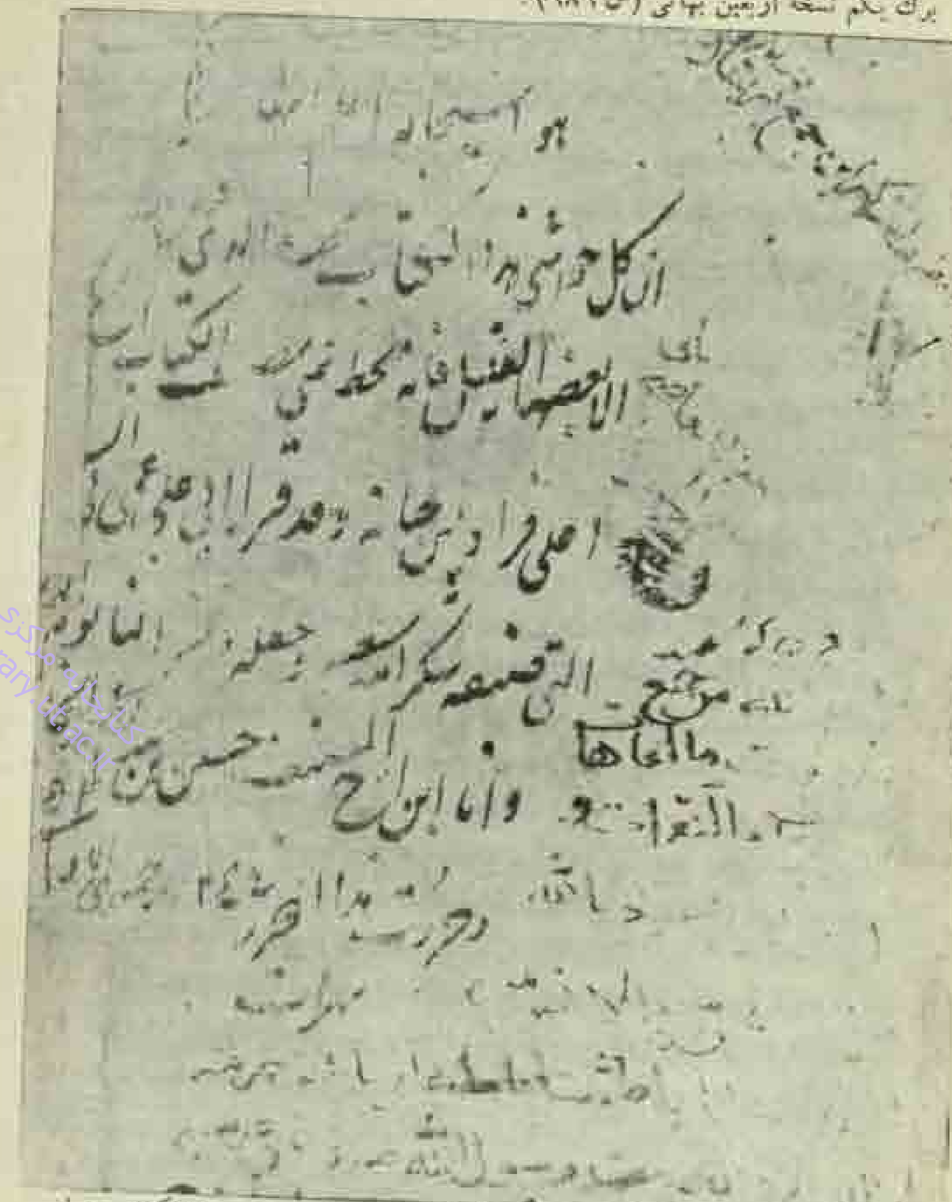
این نسخه بنسخ درشت با عنوانهای شنگرف میباشد وعلی بن علی سپاهانی آنرا در دههٔ سوم صفر ۹۹۵ نوشته است . حاشیه‌های «منه» و بانشانه‌های دیگر مانند عب (عبدالصمد) در کنار صفحه‌ها و میان سطرها بنستعلیق هست و شیخ بهائی باخط تعلیق خویش در سپاهان وبتاریخ ۹ ربیع یکم ۹۹۵ گواهی داد که برادر و روشنی چشم کمال‌الدین ابوتراب عبدالصمد عاملی این اربعین را سراسر نزدم خوانده و میتواند آنرا روایت کند و بهمان طریق روایت که من دارم همه کتابهای حدیث را میتواند روایت کند (گ ۲۴۳ ب ـ ۲۴۴ الف) پیداست که بهائی شانزده روز پس از نگارش این اجازه را نوشت و گویا بهائی هرچه می نوشت نویسندهٔ نسخه ما آنرا در این نسخه میآورده و اندکی پس از نگارش بهائی او این نسخه را آماده ساخت. در کنار بسیاری از صفحه‌ها بلاغهائی است بخط بهائی بدینگونه : «بلغ سماعاایده‌الله تعالی» یا «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» حاشیه‌های «منه» نیز بخط بهائی است ودیگر حاشیه‌ها بخط برادرش عبدالصمد است که در بسیاری جاها نشانه (عب) دارد ودرجائی نارد : «سمعته منه مدظله» (گ ۱۵۳).

در گ ۲۴۵ الف ابوالحسن دهاقی تاریخ زاده‌شدن خود را که درروز یکشنبه ۲۶ محرم ۱۱۶۶ بوده بخط خود نوشته است ونیز تاریخ آدینه ۲۴ جمادی یکم سال ۱۰۰۹ در اینجا دیده میشود ونیز دارد که گاهی که بسوی گیلان میرفته‌ایم در آب گرم قزوین برسر آن چشمه در تاریخ یکم ذیحجه سال ۱۰۰۶ سروده شده و بر دیوار همان آب گرم نوشته شد . سپس شعرهائی است درباره همان آب گرم .

حسین بن عبدالصمد حارثی در ۲۵ جمادی یکم سال ۱۰۷۲ در هرات درروبهٔ برك پیش از برك یکم نسخه نوشته که همه این حاشیه‌ها بخط پدرم است جز کمی از آنها که بخط عم من است و پدرم این نسخه را درهمان سال نگارش بر عمم خوانده است ومن پسر برادر نگارندهٔ کتاب (شیخ بهائی) هستم. در گ ۱ الف دارد : «نظرفیه اقل العباد حیدر الحسینی»

(۲۴۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زردلازه اندازه : ۱۳×۲۰ ـ ۷/۵×۱۸ ـ ۱۲/۵ س ۱۵

خط برادرزاده بهائی حسین بن ابوتراب عبدالصمد در رویهٔ نخستین برگ بی‌شماره و پیش از برگ یکم نسخهٔ اربعین بهائی (ش ۶۸۶).



نوشتهٔ بالا: «هوالله سبحانه. اعلم ایها (الناظر) ان کل حواشی هذا الکتاب بخط والدی قدس‌الله (نفسه) الا بعضها القلیل فانه بخط عمی مصنف الکتاب اسکنه‌الله اعلی فرادیس جنانه وقدقراه ابی علی عمی فی السنة التی صنفه شکر الله سعیه وجعله ذخرا لنا یوم (التناد) وانا ابن اخ المصنف حسین بن عبدالصمد الحارثی وحررت هذا المحرر فی ۲۵ شهر جمادی‌الاولی سنة ۱۰۵۲ بهرات».

(۱۱۱۶) **اربعین** (عربی)

دراین نامه چهل حدیث از دو امالی ابن‌بابویه قمی وشیخ طوسی و کافی کلینی وتهذیب وجز آنها درفضیلتهای خاندان پیامبر آمده ودر آغاز آن فضیلت بیادسپردن چهل حدیث بچند روایت از شهید یادشده سپس چند حدیثی ازمجلس ۵۴و۵۸ امالی ابن‌بابویه آورده شده که بایستی از فرمانروا و شاه پیروی نمود و بکاربستن دستورهای آنان‌فرمانبردن از خداست و اگرهم ستمکارباشند باید ازخدای رستگاری آنهارا خواست ودل آنها دردست خداست. درپایان شانزده حدیث درپرهیزازوسواس آمده‌است. نگارندهٔ ذریعه (۱ : ۴۱۹) این اربعین را دیده و نوشت که گویا از شیخ عبدالصمدبن شمس‌الدین محمد عاملی جباعی لویزانی پدر شیخ عزالدین حسین (۹۱۸-۹۸۴) و نیای شیخ بهائی باشد و این عبدالصمد که در نسخهٔ اونگارندهٔ این اربعین دانسته شده واو گمان برد که نیای بهائی است درهشتادسالگی در نیمهٔ ربیع دوم ۹۳۵ در گذشت (اجازات بحار ص ۴۳) وچون این اربعین آنچنانکه دردیباچه‌آن آمده ارمغان بیکی ازشاهان صفوی شده بود پس شاید از آن شاه اسمعیل (۹۰۷ - ۹۳۰) خواسته شده است ولی چون در پایانش ازوسواس که شاه تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) بدان دچار بوده است گفتگو گردیده پس میتوان گمان برد که بنام او این نامه ساخته شده باشد واین تهماسب همانست که پدربهائی العقدالطهماسبی یاالعقدالحسینی یارسالهٔ وسواسیه را بنام او نوشته است (فهرست سپهسالار ۱ : ۴۸۴) درفهرست طوس (۵ : ۱۳ ش ۳۴۰) هم ازاین اربعین یاد شده و بمانند ذریعه گمان برده شد که ازهمان شیخ عبدالصمد باشد. مگر اینکه درپایان نسخهٔ ما چنانکه خواهیم دید دارد که این نامه در ۲۳ محرم ۹۸۲ بپایان رسید و اگر این تاریخ نگارش باشد نه تاریخ نوشتن نسخه‌ایکه نسخهٔ ما ازروی آن نوشته شده، پس از نیای شیخ بهائی نخواهد بود ونمیتوان هم گفت که ازعزالدین حسین پسر عبدالصمد شاید باشد چه اینکه درفهرست نگارشهای او گرچه ازاربعین هم نام برده اندواربعینی که او

نوشته بنام تهماسب هم هست ولی آن جز این اربعین ما میباشد. (ذریعه ۱: ۴۱۴ـ طوس ۵: ۱۳ ش ۳۳۹).

این را هم میدانیم که عزالدین حسین را دو فرزند بوده است یکی شیخ بهائی و دیگر کمال الدین ابوتراب عبدالصمد که بهائی صمدیه را بنام او نوشت و او درمدینه بسال ۱۰۲۰ درگذشته و گویا بزرگتر از شیخ بهائی بوده است و هموا ستکه اربعین بهائی را در سپاهان در ۹۹۵ نزد او خوانده و از او اجازه گرفت و خود بر آن حواشی نوشت (اربعین بهائی ش ۶۸۶ اینکتابخانه) آیا میتوان گفت که این اربعین از اوست؟ (بنگرید به روضات ص ۹۳ و مستدرک ۴۲۱ و سر گذشت بهائی از نفیسی در فهرست نامها) این هم گفته شود که در ذریعه (۱: ۴۲۰) از اربعین مولی عبدالله بن محمود بن سعید شوشتری خراسانی (کشته و سوختهٔ اوزبکان در میدان شهر بخارا در ۹۹۷) یاد شده و میگوید که نسخه ایرا که از روی خط همو و دارای تاریخ روز آدینهٔ ۱۴ ذیحجهٔ ۹۸۲ در طوس نوشته شده بود دیده ام. این اربعین هم در فضائل علی و امامان است و در پایانش شانزده حدیث در بارهٔ وسواس آمده است و روی آن دو تاریخ، نسخهٔ ما نمیشود همان باشد گرچه آغاز آنرا نگارندهٔ ذریعه نشان نداد تا بتوان درست در این باره داوری نمود.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... و بعد حمدالله علی جمیع النعم... تقول لما کثرت عنایة العلماء السالفین بجمع اربعین حدیثا من الاحادیث النبویة والاخبار الامامیة بما اشتهر فی النقل الصحیح عنه بالفاظ مختلفة بهذا العدد المخصوص فنها ما رواه شیخنا الشهید ره .... فاردت ایرادا حادیث اربعین فی فضائل اهل البیت مخرجة من الکتب المعتمدة کالامالی لابن بابویه والشیخ الطوسی والکلینی والتهذیب واحببت ان اجعلها تحفة للدولة ... العلویة الشاهیة الصفویة الموسویة ... وقد وجدت فی الاخبار ما یدل علی وجوب الدعا والاطاعة لهذه الدولة الناطقة اللامعة.

انجام: وایدنا فی الارتقاء الی مدارج الیقین بحق نبینا محمد والائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین یا رب العالمین و یا خیر الناصرین تم فی ۲۳ محرم ۹۸۲

(تمت هذه النسخة الشریفة علی ید اقل الطلبة محمد زمان بن حاجی محمد قاسم فی ۲۲ شهر صفر المظفر ختم الله بالخیر والظفر فی سنة ۱۱۲۹).

[۱۲۸۷]

۸۷۸ این نسخه ش ۴ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق شمارهٔ پیش و بتاریخ ۱۱۲۹ گ ۳۴ ب ـ ۶۷ ب. پس از این عبارتها و حدیثهای پراکنده ایست از امان الاخطار و مصباح کفعمی و یک دعا (ش ۵ گ ۶۷ ب ـ ۷۰ الف) بهمان خط و گ ۷۰ ب ـ ۷۳ الف سفید است.

[۱۱۱۷] اربعین (عربی)

دراین اربعین چهل حدیث از پیامبر و امام صادق در بارهٔ مناقب علی (ع) آمده است. در آغاز نسخهٔ ما دارد که از مجموع رائق از آنچه که محمد بن سعید برخوانده است گرفته شده.

آغاز: (یتلوه اربعون حدیثا ایضا عن النبی (ص) نقلا من المجموع المقدم ذکره مما املاه ابوالفضل محمد بن سعید اعانه الله) حدیث اول. عن الحسین بن یقطین عن ابیه عن جده قال ولی علینا بالاهواز رجل من کتاب یحیی بن خالد و کان علی بقایا من خراج کان فیه زوال نعمتی وخروجی من ملکی فقیل انه ینتحل هذا الامر فخشیت ان القاه.

انجام: حدیث اربعون. عن ابن عباس قال قال رسول الله (ص) ثلثة لایکترثون للحساب... واذا کان عند الاذان فتحت ابواب السماء واستجیب الدعاء واذا کان عند الاقامة لم ترد دعوة.

[۱۲۸۸]

۵۰۲ این نسخه ش ۷ دفتر است و بنسخ و عنوانها زیر خط گذارده شده. گ ۲۲۵ الف ـ ۲۴۰ الف (بنگرید به ۵۰۲/۸).

[۱۱۱۸] الاربعین من الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین (عربی)

شیخ مفید ابی سعید محمد بن احمد بن الحسین خزاعی نیشابوری نیای

ابوالفتوح رازی و نگارندهٔ «الروضة الزهراء فی تفسیر فاطمة الزهراء» و «الفرق بین المقامین و تشبیه علی بذی القرنین» و «منی الطالب فی ایمان ابی طالب» و «کتاب الولی» نگارندهٔ این اربعین میباشد ودر آن چهل حدیث از چهل راوی درفضیلتهای علی را گردآورده. این کتابرا چنانکه منتجب الدین قمی در دیباچهٔ فهرست خود میگوید سید ابی القاسم یحیی باو نشان داده بود و او در برابر آن «کتاب حدیث الاربعین عن الاربعین من الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین» پس از آن فهرست نوشته است (نیز همان فهرست در ص ۱۰ اجازات بحار) نسخه ای از این اربعین قمی در طوس (۱ : ۱۰ و ۵ : ۱٦) هست و او در آن چهل حدیث از چهل تن از چهل صحابی و از چهل کتاب آورده است (نیز کنتوری ۳٤ و ذریعه ۱ : ٤۳۲).

راوی نیشابوری در حدیثهای چهلگانه بدینگونه است :

۱- الشریف ابو العباس عقیل بن الحسین بن محمد بن علی بن اسحق بن عبدربه ... بن علی بن ابیطالب قراءة ره سنة ست و عشرین و اربع مائة از ابوعلی حسن بن محمد کرمانی خطیب درشیراز رمضان ۳۸٦ .

۲- السید ابو ابراهیم جعفر بن محمد بن الظفر بن محمد العلوی الحسینی املاء.

۳- السید ابو القسم زید بن الحسن بن محمد بن الحسین بن داود العلوی الحسینی ره قراءة علیه .

٤- السید اسمعیل بن الحسن بن محمد بن الحسین بن داود العلوی الحسینی ره قراءة علیه .

۵- السید ابو الفتح عبیدالله بن موسی بن احمد العلوی الرضوی ره بقراءتی علیه .

٦- السید ابومحمد زید بن علی بن الحسین بن ابی الغیث العلوی الحسینی ره بقراءتی علیه .

۷- السید ابو الحسن علی بن احمد بن القسم العلوی الحسینی ره قراءة علیه .

۸- الشریف ابو الحسن داعی بن الرضا بن محمد العلوی الحسینی ره بقراءتی علیه .

۹- ابو ابراهیم ناصر بن الرضا بن محمد العلوی الحسینی رحمه الله بقرائتی علیه .

۱۰- الشریف ابو الحسن علی بن محمد بن علی بن اسمعیل العلوی المحمدی بقرائتی علیه .

۱۱- ابوعبدالله الحسین بن علی بن محمد العدل الثقة بقرائتی علیه .

۱۲- ابوطاهر محمد بن احمد بن علی بن حمدان الحافظ بقرائتی علیه .

۱۳- ابوسعید اسمعیل بن علی بن الحسین الزاهد الحافظ بقرائتی علیه .

١٤- ابوبکر محمد بن احمد بن الحسن الخطیب الدینوری بقرائتی علیه .

از ابو الحسن علی بن احمد بن محمد بزاز در سامرا در جمادی دوم سال ۹۲ (۳) .

۱۵- ابوحاتم احمد بن محمد بن الحسن البزاز لفظاً بعد ما کتبه لی بخطه .

۱٦- ابومحمد عبدالملک بن محمد بن احمد بن یوسف بقرائتی علیه .

۱۷- ابو القاسم محمد بن الحسین (بن) علی بن عبدوس البغدادی بقرائتی علیه .

۱۸- ابو الحسن عبدالله بن المعتز بن منصور النیشابوری بقرائتی علیه .

۱۹- ابو العباس احمد بن محمد بن عمر الفقیه المعروف بالناطقی بقرائتی علیه .

۲۰- ابوالحسن علی بن الحسن بن محمد الوراق بقرائتی علیه .

۲۱- ابوعلی احمد بن الحسین الحافظ بقرائتی علیه .

۲۲- الوزیر ابوسعد منصور بن الحسین الابی رحمه الله رحمة واسعة بقرائتی علیه فی مسجدی فی المحرم سنة اثنتین وثلثین واربعمائة قال حدثنا ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه رحمه الله املاء یوم الجمعه لتسع خلون من شهر ربیع الآخر سنة ثمان وسبعین (وثلثمائة) .

۲۳- القاضی ابوشجاع فارس بن احمد بن فارس الشیرازی الفقیه قراءة علیه .

۲٤- احمد بن الحسین بن احمد النیسابوری الشیخ ابوبکر الوالد رضی الله عنه .

۲۵- المحسن بن الحسن بن احمد النیسابوری الشیخ العم ابو الفتح رضی الله عنه بقرائتی علیه .

۲٦- الحسن بن الحسین بن موسی بن بابویه الشیخ ابو عبدالله رحمه الله قراءة علیه

۲۷- ابومحمد الحسن بن احمد بن الحسن رحمه‌الله بقرائتی علیه.

۲۸- القاضی ابوعلی الحسن بن علی بن الحسن الصفار بقرائتی علیه.

۲۹- ابوعلی محمد بن محمد المعری رحمه‌الله بقرائتی علیه.

۳۰- عبدالرزاق بن احمد بن مردك ابوالفتح بقرائتی علیه بعدما کتبه لی بخطه.

۳۱- ابوالقاسم عبدالعزیز بن محمد الشمیری بقرائتی علیه.

۳۲- ابواسحق ابراهیم بن القسم بن مجلی السکاکی قراءة علیه.

در اینجا خزاعی برای درستی این حدیث روایتی دیگر از ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن الخبازی (بقرائتی علیه بقم) از ابوالحسن محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان (قراءة علیه فی ... رمضان سنة اربع و عشرین و اربعمائة) گواه میآورد.

۳۳- القاضی ابوالحسن اسمعیل بن صاعد بن محمد قراءة علیه.

۳۴- ابوعلی الحسن بن محمد بن مردك الکاتب بقرائتی علیه (از السید ابوطاهر الحسین بن محمد بن الحسین بن حمزة العلوی العباسی رحمه‌الله بقرائتی علیه).

۳۵- ابویعقوب یوسف بن محمد بن یوسف الخطیب بقرائتی علیه بهمدان.

۳۶- ابوالقاسم عبدالعزیز بن محمد بن عبدالعزیز الشیخ الصابن رحمه‌الله لفظاً بقم فی ذی الحجة سنة اربع و اربعین (از شیخ مفید ابوعبدالله محمد بن محمد النعمان رضی‌الله عنه)

۳۷- ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن عبدالله الفقیه الصفار الساوی بقرائتی علیه بساوه.

۳۸- القاضی ابونصر احمد بن الحسین بن الکسار الدستوری فیما کتب الی فی شوال سنة خمس و ثلثین و اربعمائة.

۳۹- ابوالولید الحسن بن محمد البلخی الحافظ بقرائتی علیه.

۴۰- محمد بن علی بن محمد بن جعفر الادیب بقرائتی علیه.

از اسناد این حدیثها برمیآید که خزاعی درهمدان برابویعقوب یوسف (۳۵) ودرساوه برابوالعباس احمد صفار (۳۷) و پس از رمضان ۴۲۴ درقم برابوجعفر

محمد خبازی (۳۲) و در ۴۲۶ برشریف ابوالعباس عقیل (۱) و در محرم ۴۳۲ درمسجد خود بروزیر ابوسعد منصور آبی (۲۲) حدیث خواند و درشوال ۴۳۵ ابونصر احمد دستوری نامه بدو نوشت (۳۸) ودر ذیحجه ۴۴۴ درقم بوده‌است (۳۶)

آغاز: بسمله. حدثنی الشیخ الفقیه العالم شجاع الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن محمد بن العباس البیهقی وفقه‌الله للخیرات املاء بمدینة مراغة فی ثالث عشرین صفر من شهور اربع و ثلثین و خمسمائة قال حدثنا السید الرئیس العالم الزاهد صفی الدین المرتضی بن الداعی بن القاسم الحسنی الرازی بها رحمه‌الله قال حدثنا الشیخ المفید عبدالرحمن بن احمد النیسابوری رحمه‌الله قال حدثنی مصنف الکتاب (محمد بن احمد بن الحسین) الخزاعی رحمه‌الله (۱) یقول: اللهم انی احمدك حمداً یفوق حمد الحامدین واشکرك شکراً یعلو شکر الشاکرین حسب مننك الجسام و کمو کذا نعمك العظام.

واسئلك ان تصلی علی خیر الانام وانجم الظلام محمد و آله الکرام اما بعد فان الشریف السید اباالفضل هادی بن الحسین بن مهدی العلوی الحسینی ادام‌الله فی العلوم رغبة سألنی ان اخرج له طرفا من الاحادیث فی فضائل امیرالمؤمنین ص

۱- سند نسخهٔ شهید بگم که از روی نسخهٔ (بیهقی) نوشتهٔ (۲۳ صفر) ۵۳۴ (آنچنانکه درآغاز می‌بینیم) نوشته است نیزچنین بوده است واو آنرا بااصل سنجیده بود. محمد بن علی جباعی نسخهٔ خود را ازروی نسخهٔ شهید نوشته ودربگم رجب ۸۶۱ آنرا بپایان رسانده (پایان نسخهٔ ما - ذریعه - مستدرك ۳ : ۴۸۸) دراجازهٔ یکی ازدانشمندان ازشاگردان شیخ نجیب‌الدین یحیی بن سعید حلی گویا سید محمد بن حسن بن محمد بن ابی الرضا العلوی زنده در ۷۳۰ به سید شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین احمد بن ابی المعالی استاد شهید دارد: که او این اربعین را ازشیخ یحیی ازسید بن زهره ازداثی پدرش شریف نقیب ابی طالب احمد بن محمد بن جعفر حسنی که نزد او خوانده است ازشریف ابی محمد عبدالله بن عبدالمطلب بن فضل حسنی که ازاو شنیده‌است از ابوعبدالله محمد بن احمد بیهقی باملاء از سید مرتضی بن قاسم حسنی از مفید عبدالرحمن بن احمد نیشابوری از نگارندهٔ آن روایت می‌نمود (اجازات بحار ۳۴) پس گویا نویسنده «حدثنی» درآغاز سند آنچنانکه درنسخهٔ ما و نسخهٔ شهید دیده میشود همان شریف ابی محمد عبدالله حسنی باشد که بیهقی درمراغه در ۲۳ صفر سال ۵۳۴ براو املا کرده است.

فاجبته الى ملتمسه واخرجت له اربعين حديثا عن اربعين رجلا من شيوخي وسميته بكتاب «الاربعين عن الاربعين في فضائل علي امير المؤمنين» ص والله ينفعني واياه جميع المؤمنين به بمنه ولطفه . الحديث الاول (مانند اربعين شامي ش ٥٠٢/٦) .

انجام : فقد وفينا بما وعدنا من مخرج الاحاديث الاربعين عن الرجال الاربعين وان كان فضائل امير المؤمنين ص اكثر من ان تعد وتحصى على ما رويناه . وسنختم الكتاب بابيات هي غير معدودة في جملة الاربعين ثم بحديث في سبب وقوع الاختيار على الاربعين من الاعداد دون ما عداه والله الموفق للصواب . اخبرنا ابو يعقوب يوسف بن محمد الخطيب بقراءتي عليه بهمدان (در اينجا پنج بيت از زيد بن علي در پاسخ كسانيكه ديگران را بر علي (ع) برتري نهادند آمده و چنين است آغاز آن :

دو من فضل الاقوام يوماً برأيه   فان عليا فضلته المناقب »

سپس دارد :)

اخبرنا الحسن بن احمد بقراءتي عليه (در اينجا چهار بيت ديگر آمده كه بدينگونه آغاز ميشود :

« ولنحن على الحوض ذواده   نذود ويسعد وراده »

سپس دارد :)

واما سبب اختيار الاربعين فهو ما اخبرنا السيد ابو ابراهيم جعفر بن محمد الحسيني رحمه الله بقراءتي عليه . . قال رسول الله (ص) من حفظ على امتي اربعين حديثاً من السنة كنت له شفيعاً يوم القيمة ولاشك ان فضائل علي (ع) من السنة فنرجوا من الله عز وجل ان يحشرنا في زمرة نبيه وعترته (ع) ويرزقنا رؤيتهم ومرافقتهم وشفاعتهم بفضله ومنه . تم كتاب الاربعين عن الاربعين في فضائل علي بن ابيطالب امير المؤمنين وسيد الوصيين عليه سلام رب العالمين والحمد لله حق حمده وصلى الله على سيدنا محمد ونبيه وعبده وعلى آله من بعده وسلم كثيرا - وفي المنتسخ منه عرض على اصله ولله الحمد والمنة . نجز بعون الله تعالى وحسن توفيقه غرة رجب الاصم سنة احدى و ستين و ثمان مائة و كتب العبد الفقير الى الله سبحانه محمد بن علي بن

حسن بن محمد بن صالح الجباعي حامداً لله سبحانه ومصلياً ومسلماً ومستغفرا . وفيها ايضاً النسخة المكتوب منها هذه النسخة مقابلة بخط الشيخ شمس الدين محمد بن مكي رحمه الله و كتب في آخره بخطه عرض على اصله و كتب ايضاً رحمه الله نقل من نسخه بمراغة في سنة اربع وثلثين و خمسمائة (صح) (انتهى)

[١٢٨٩]

٢٥٥٩ اين نسخه ش ٢ دفتر است و بخط نسخ ميباشد و روى عنوان حديثها خط كشيده شده برگ ١٣٩ الف مكرر پاره‌اى از برگ ١٣٨ الف است . گ ١٣٥ الف - ١٦٤ ب . (بنگريد به ٥٠٢/٨)

[١١١٩] الاربعين من الاربعين في فضائل امير المؤمنين (عربى)

از جمال الدين يوسف بن حاتم بن فوز بن مهند شامي عاملي شاگرد محقق حلي (م ٦٧٧) و مجاز از ابن طاوس (م ٦٦٤) و نگارندهٔ الدر النظيم في مناقب الائمة اللهاميم .

او در الدر النظيم از مدينة العلم و كتاب النبوة صدوق والاربعين من الاربعين وديگر كتابها آورده است (اجازات بحار ص ١٩ - روضات ٧٤٠ و ١٤٨ - ذريعه ١ : ٤٣١ و ٨ : ٨٦ - كنتوري ٣٦) .

همه اين اربعين او كه در المجموع الرائق (١) آمده است همان الاربعين

١- اين كتاب در خواص آيتها ودعاها وخطبه‌ها وفائده‌هاى كلامى ومسئله‌هاى فقهى وحديثهاى درپزشكى ميباشد و سيد هبة الله بن ابى محمد الحسن موسوى دانشمند پارساى محدث سدهٔ هشتم وروزگار علامه حلي آنرا در ١٢ باب ودوجلد هريكى شش باب ساخته و در آن از اعتقادات صدوق و مقنع مفيد و كمال الدين صدوق و جمل العلم والعمل مرتضى والشهاب قضاعى وجز آنها مانند طب الائمه بهره برده است .

از باب سوم آن برميآيد كه موسوى درصفر ٧٠٣ اين مجموع را مى نوشت ودر چند جا از خود واز نگارشهاى خود ياد كرده گذشته از اربعين شامي اربعين جمال الدين ابي الخطاب عمر اندلسي كه مبارك بن موهوب اربلي بسال ٦١٠ در يك مجلس براو خوانده است هم درآن هست ونيز خطبه‌هائي از امير مؤمنان علي كه در كتابخانه علي بن طاوس در كتابيكه خط او روى آن بوده است نوشته شده بود .

بنگريد به : امل الآمل ٥١٣ - مستدرك ٣ : ٣٧١ - روضات ص ٧٣٧ - كنتورى ٤٩٠ - فهرست طوس ٥ : ١٦٢ .

خزاعی نیشابوری (۵۰۲/۲) است مگر اینکه سندها را انداخته است و از سنجیدن اینجو که در دفتر ش ۵۰۲ اینکتابخانه نوشته شده است اینرا یافته‌ام. مجلسی در دو جزء ششم و هفتم مجلد نهم بحار از این اربعین آورده (اجازات ص ۱۷۳) و در مجلد یکم (ص ۹) از آن چنین یاد نمود: «کتاب الدر النظیم فی مناقب الائمة اللهامیم و کتاب الاربعین عن الاربعین کلاهما للشیخ جمال الدین یوسف بن حاتم الفقیه الشامی».

آغاز: (وفی مجموع الرائق ـ ومانقلة فی المعنی من مجموع جمال الدین یوسف بن حاتم الفقیه الشامی رحمه الله ماترجمته:) «کتاب الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین صلوات الله علیه وسلامه علیه. الحدیث الاول عن ابن عمر قال سألت النبی (ص) عن علی بن ابی طالب (ص) (فغضب وقال) فقال مابال اقوام یذکرون من له منزلة کمنزلتی» (مانند اربعین خزاعی).

انجام: واما سبب اختیار الاربعین حدیثاً فهو ماروی عن موسی بن جعفر... قال رسول الله (ص) من حفظ علی من امتی اربعین حدیثاً کنت له شفیعا یعنی بها فضائل علی و اهل بیته علیهم السلام (مانند اربعین خزاعی مگر اینکه سند را در اینجا انداخته والدکی هم با آن جدائی دارد).

[۱۲۹۰]

این نسخه ش ٦ دفتر است و بخط نسخ و روی عنوانها خط کشیده شده است گ ۲۰۲ الف ـ ۲۲۵ الف (نگرید به ۵۰۲/۸).

[۱۱۲۰] الاربعین عن الاربعین من الاربعین (عربی)

شیخ منتجب الدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم عبیدالله بن شمس الاسلام ابی محمد حسن (حسکا ـ حسن کیا ـ رازی) بن حسین بن حسن بن حسین بن علی بن موسی بن بابویه قمی (۵۰٤ ـ پس از ۵۸۵) پس از آغاز کردن فهرست بنگارش ایندفتر در مناقب علی (ع) بپرداخت و چهل حدیث از چهل تن از چهل صحابی از چهل کتاب در آن آورده است.

در پایان چهارده داستان در همین باره یاد نمود که در نسخه‌ها دیده میشود. رافعی شافعی (م ٦۲۳) این اربعین را در ری سال ۵۸٤ نزدش خوانده و گذشته از این از نوشته و یادداشتهای او بسیار بهره برده بود. خود قمی از بیشتر از صد دانشمند سنی و شیعی در سپاهان و شهرهای دیگر بیاموخت و سرگذشت آنها در فهرست و اربعین و نگارشهای دیگر او مانند تاریخ ری یاد شده است (روضات ۳۸۰ ـ امل الآمل ٤۸۸).

چنین است آغاز اربعین: الحمد لله رب العالمین حمد الشاکرین والصلوة علی خیرته من بریته محمد وعترته الشاکرین الطاهرین فلما فرغت من جمع (طوس ۱: ۱۰ و ۵: ۱٦ ـ ذریعه ۱: ٤۳۳ ـ کنتوری ۲٤) وانجام آن مانند نسخهٔ ما است که تنها همان چهارده داستان را دارد. و قمی آنها را از این دانشمندان آورده است:

۱ـ الشیخ ابوعلی نبهان (؟) بن حیدر بن الحسن بن ابی عدی الکاتب فیما اذن له.

۲ـ السید الاصیل ابوحرب المجتبی بن الداعی بن القسم الحسنی رحمه الله بقرائتی علیه.

۳ـ السید العالم العفی ابوتراب المرتضی بن الداعی بن القسم الحسنی رحمه الله

٤ـ ابوعلی نبهان (؟) بن جندب بن الحسن بن ابی عدی البیع (مانا همان نخستین است).

۵ـ ابوالعلا زید بن علی بن منصور الادیب والسید ابوتراب (مانند پیش) در اینجا دارد که این داستان در تفسیر ابواسحق ثعالبی بی‌اسناد دیده میشود.

٦-۷-۸-۹ـ ابوسعد یحیی بن طاهر بن الحسین المؤدب السمان بقرائتی علیه.

۱۰ـ شیخنا الفقیه الدین ابوالحسن علی بن الحسین بن علی الجاسبی (الجاشتی ـ در نسخه) رحمه الله من لفظه املاء.

۱۱ـ السید الزاهد ابوالحسین علی بن القسم بن الرضا الحسنی بقرائتی علیه.

۱۲ـ ابوبکر محمد بن عبدالکریم القشیری.

۱۳– السید المرتضی السعید شرف الدین ابو الفضل محمد بن علی بن محمد بن المطهر رفع الله درجته .

۱٤– الشیخ ابو الحسن بن علی بن ابیطالب هموسة الفزاری قراءة – داستان چهاردهم از ابو الفرج عبد الواحد بن نصر مخزومی ببغا بسال ۳۵۰ واندی در صور که نزد ابی علی محمد بن علی مستامن بوده است از گفته قاضی صور ابو القسم بن ربان که جوان دانشمندی بود درباره کور حافظ قران که دوست معاویه بوده و بعلی دشنام میداده و بدستور علی بمرد آمده است. ابو الفرج گوید من بدربار عضد الدوله در موصل در خانهٔ گنجور او ابی نصر خورشید بن یزدا یار بسال ۳٦۸ رفتم و این داستان بگفتم و قاضی ابو علی تنوخی و ابو القسم الحسین بن محمد الجنابی و ابو اسحق نصیبینی و ابن طرخان و دیگران در آنجا بودند و آنرا نپذیرفتند بجز تنوخی که آنرا روا میداشت و از مانند آن یاد کرد تا اینکه روزی ابو القسم بن ربان قاضی صور در همانجا آمده و پیش همانها داستان را بگفت – مانند این داستان دربارهٔ امیر حسام الدوله مقلد بن رافع که به پیامبر بد گفته بود و بسزای آن در سال ۳۹۰ در کوفه بدستور پیامبر و بدست امیر مؤمنان علی کشته شده و در رختخواب او را کشته یافتند آمده و در اجازهٔ علامهٔ حلی به بنی زهره (اجازات بحار ص ۲٦) دیده میشود .

آغاز داستانها: الحکایات الاربعة عشر من فهرست (؟) – تیسر الفراغ عن تحریر کتاب الاربعین عن الاربعین من الاربعین فی مناقب امیر المؤمنین بیمن فضل الله وحسن کرمه . وقد وفیت بما وعدت . ولو سهل الله تعالی واعطانی المهل واخر الاجل ؛ اضفت الی کتاب فهرست اسماء علماء الشیعة ماشذ عنی بحیث یصیر مجلدا فخما انشاء الله؛ واضفت الی ماسبق منی من الاربعین کتاب الاربعین عن الاربعین من الاربعین مع الاربعین فی مناقب امیر المؤمنین بیمن فضل الله وحسن کرمه . والآن اضیف الی ذلك ماوقع لی من حکایات لطیفة فی مناقبه لایفی بها تحریر بنان ولا تقریر بیان . الحکایة الاولی انا الشیخ ابو علی بیهان بن حیدر بن الحسن بن ابی عدی الکاتب فیما اذن له .

انجام : وحدثهم بمثل ماحدثهم فعجبوا من ذلك واستطرفوه . (مانند دو نسخه طوس) .

[۱۲۹۱۱]

۵۰۲ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نسخ روی عنوانها خط کشیده شده است. گ ١٦٦ الف –١٨٤ ب (بنگرید به ۵۰۲/۸۹) در دنبال دارد : «وفی النسخة المنقول عنها : نجز لاحدی وعشرین مضت من شهر الله رجب الاصم سنة احدی و ستین وثمان مائة تبرکا بیوم بعث نبی الله علیه السلام بقلم العبد الفقیر محمد بن علی بن حسن بن محمد بن صالح الجبعی اللویزانی (م ۸۸۰) . والحمد لله حمدا کثیرا مدارا وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وسلم . من نسخة بخط الشیخ شمس الدین محمد بن مکی کتبها بالحلة سنة ست وسبعین وسبعمائة وهو نقل من نسخة بخط (برهان الدین) محمد بن محمد بن علی الحمدانی القزوینی رحمه الله (تلمیذ المؤلف) تاریخها سنة ثلث عشره وستمائة (وهو کتبها من خطه) – وایضا فی هامش مستنسخة المنقول عنها : بلغ مقابلة باصله شهر شعبان سنة احدی وستین وثمان مائة .

نگارندهٔ ریاض مینویسد که من نسخهٔ محمد بن علی جباعی را که از روی خط شهید دوم (گویا یکم درست است) نوشته شده بود در اردبیل دیده ام و نگارندهٔ روضات میگوید که نسخه ای بخط شهید دوم نزد من بوده است (روضات ۳۸۰) سرگذشت دانشمند جبعی لویزانی نیای شیخ بهائی در بحار (اجازات ۴۳) دیده میشود. در گ ۱۸۵ الف – ۱۸٦ ب حدیثی است از شهید یکم دربارهٔ خوابی که دیده شده که پیامبر دستور داد کسی را که بعلی دشنام میداد سر ببرند و در بیداری او را کشته یافتند .

بدینگونه : «یقول العبد الفقیر الشیخ محمد بن مکی اباح الله علیه من مواهب کرمه وفواضل قسمه: اخبرنا شیخنا الامام السعید المرتضی عمید الحق والدین ابو عبد الله عبد المطلب بن محمد بن علی بن محمد بن الاعرج الحسینی قدس الله روحه . . . قال اخبرنی علی بن محمد السمان الشکری قال خرجت الی ارض العراق فی طلب الحدیث – فقال الامیر احسن الله جزاك انت بریء والقوم براء قال الشیخ علی بن محمد السمان فلم اسمع بالعراق احسن من هذا الحدیث » .

[۱۱۲۱] الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (عربی)

شیخ مفید ابن المعلم ابی عبدالله محمد بن النعمان بغدادی (۳۳۸ – ٤۱۳)

دراین دفتر که بدرخواست کسی پرداخته است سر گذشت پیشوایان دوازده گانهٔ شیعی و نصی که برامامت آنان شده است ومعجزه‌های آنها وزاد ومرگ و گور آنها وشمارهٔ فرزندان آنها را گزیده و کوتاه نوشت .

اینددفتر چند بار درایران بسال ۱۲۹۵ و ۱۲۹۸ و ۱۳۰۸ بچاپ سنگی رسید (ذریعه ۱ : ۵۰۹ - طوس ۵ : ۲۲۱) .

شیخ حسن بن الحسین بن علی دوریستی که در کاشان میزیسته است برپشت نسخه‌ای از کتاب ارشادالعباد مفید بخط خود در ۵۷٦ چنین نوشت که مجدالدین ابوالعلا سراسر آنرا نزد من خوانده وتا میتوانست آنرا درست نمود و من بدو اجازه‌دادم که آنرا ازمن ازسیدمرتضی بن الداعی بن القسم حسنی ازشیخ ابی عبدالله جعفر بن محمد دوریستی ازمفید روایت کند (اجازات بحار ص ۱٦ - ذریعه ۱ : ۱۷۰) .

مولی مسیح کاشانی که به « مولامسیحا » نامبردار بوده وشاگرد وشوهردختر آقاحسین خوانساری بوده است و پیش ازمرگ آقاجمال خوانساری در ۱۱۲۵ وگویا بسال ۱۱۲۱ درگذشت این ارشاد را بنام شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) بپارسی در آورد وبدان نام تحفهٔ سلیمانی داده است وآن درایران بخط نسخ ونستعلیق محمدعلی طبیب تهرانی بسال ۱۳۰۳ باحاشیه‌های «منه» بنستعلیق در ۵۳۷ ص رحلی باتصحیح آخوند ملاعلیمحمد پسر حاجی ملامعصومعلی مشهدی وبکوشش حاج میرمحمدصادق پسرحاج میرابوالقاسم حسینی خوانساری بچاپ سنگی رسید (نیز بنگرید بذریعه ۳ : ٤٤٢) .

آغاز : بسمله . وبه‌نقتی . الحمدلله علی ماالهم من‌معرفته وهدی الیه من‌سبیل طاعته وصلوته علی خیرته . . . وبعد فانی مثبت . . . ماسئلت ایدك‌الله اثباته من اسماءالائمةالهدی .

انجام : وفیما رسمناه من موجزالاحتجاج علی امامةالائمة (ع) و مختصرمن اخبارهم کفایة فیما قصدناه والله ولی‌التوفیق وهو حسبنا ونعم‌الوکیل والحمدلله رب‌العالمین .

[۱۲۹۲]

۹۱۱٦ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف درمتن و هامش است و احمدبن علی کشمیری درروز دوشنبه دهم جمادی دوم سال ۱۰۹٦ نوشتن آنرا بپایان رساند . اشرف اعلی ومحمود دارندگان نسخه‌بوده‌اند ومهر آنهادر گ ۱ دیده میشود .

(۳۳۷ گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ساده متوالی

اندازه : ۱۴/۵×۲۳/۵ و ۸×۱۷/۵ س ۹

[۱۱۲۲] استبصار الاخبار (عربی)

ابن الوندی قاسم بن محمدبن جواد کاظمی نجفی که بفقیه کاظمی نامبردار بوده وازدانشمندان شیعی است ودر ۱۱۰۰ درگذشت دراین کتاب درهر مسئله‌ای نخست اخبار و سپس سخنان فقیهان را آورده است . آنرا شرح‌الاستبصار هم میخوانند نه اینکه گزارش استبصارطوسی باشد بلکه کتابی است جدا وجز آن و گرفتهٔ از کافی وتهذیب و استبصار وفقیه و علل و جزاینها با فتواهای خود او ودر چند مجلد که نسخهٔ آن نزد یکی از نواده‌های اودر کاظمیه هست ونگارندهٔ ذریعه (۲ : ۱۷) مجلدنکاح آنرا که بسیار کلان بوده وپسر کاظمی محمدابراهیم محشی کافی در کوفه بسال ۱۰۹۵ آنرامقابله نمود و بر آن حاشیه نوشت وحاشیه‌هائی ازخود کاظمی هم در آن بوده است دید . کاظمی دربرخی ازاجازات آنرا الجامع می نامیده است . (ذریعه) ودرعنوان نسخه‌ها «الکتاب الجامع لاقوال العلماء وعبارات الفضلاء» هم خوانده شده است .

[۱۲۹۳]

٥٧٦ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد وحاشیه‌های (منه) دارد (گ ۱۹ ب و ۱٦۹ الف وجاهای دیگر) دراین نسخه که مجلد پنجم است ازطلاق گاوش شده است .

چنین است این نسخه :

آغاز : بسمله وبه‌نستعین . الحمدلله الذی یرید بعباده الیسر ولا یرید بهم العسر . . . کتاب الطلاق وحیث قدم الشیخ رحمه‌الله فی اوله ابواب الایلاء کمافعل فی التهذیب عند عبارة المفید رحمه‌الله فلنقدم بیان جوازه .

انجام: وسنقف على ذلك كله . . . في كتاب الحدود . و هذا آخر كتاب الطلاق من الاستبصار وقد استوفينا فيه جميع الاخبار من الكافي والتهذيب والفقيه وما اضاف اليها من العلل وغيرها وفقهها على ما نعتقده ووصل اليه جهدنا ونسأل الله ان يجعله خالصاً لوجهه الكريم ونبيه الرحيم ووصيه العليم و اوصيائه الحجج الميامين ويتلوه كتاب العتق . وبالله . . (فرسوده شده ورقه) وذلك في الثاني من جمادى الاولى من سنة خمس وتسعين بعد الالف على يد جامعه اقل الاقلين واذل الاذلين القسم بن محمد الكاظمي المعروف بابن الوندى نزيل مولاه وصلى الله على محمد وآله وسلم (كذا صورة خط المؤلف ايده الله تعالى) (قد تشرف بكتابته الفقير الضعيف الى رحمة ربه اللطيف ونبيه الشريف ووصيه الحنيف عباس بن خضر بن عباس بن نصر النجفي اصلا ومولدا وانشاءالله مسكنا في النجف الاشرف في سنة ۱۰۹٤ في وقت الزوال الثامن عشر جمادى الاخر والحمدلله وحده).

در گ الف دارد : بسمله . هذا كتاب الاصل بيد الاصل ايده الله الفرع والاصل بمحمد وآله ـ هذا المجلد الخامس من الكتاب « الجامع لاقوال العلماء و عبارات الفضلاء » والحمدلله وحده وصلى الله على محمد وآله .

در همين جا سرگذشتی است كوتاه از كاظمی نگارندهٔ كتاب و نگارشهای او دارد كه او را درهمهٔ بابهای فقه كتابی است ومعالم و زبدة الاصول و مختصر نافع را شرح نوشت ولی گزارش نافع را بپايان نرسانده همچنين كتاب رجال و كتاب اعتقادات دارد . بازدرهمينجا محمدابراهيم پسرهمين كاظمی گواهی ميدهد كه من اين جزء را ازروز چهارشنبه دهم شوال ۱۰۹۵ نزد پدرم خواندم .

در گ ۱۹۸ ب دارد : انهاه قراءة وفقه الله تعالى (چنانكه « بلغ قراءة ايده الله تعالى » نيزدرجاهای ديگرهست) .

سپس دارد : و عليه عنوان الكتاب والابواب والمسائل بخط المؤلف ايده الله تعالى و اما ما تضمنه فبالاملاء والحمدلله وصلى الله على اصحاب الكساء حرره محمد بن القسم الكاظمی (كذا كان على نسخة المؤلف ايده الله) .

و نيز دارد : بسمله الله . الحمدلله وصلى الله على محمد وآله : تمت قراءة الكتاب على مؤلفه ايده الله تعالى وبيده نسخة الاصل نفع الله بهما في يوم الاحد في الثامن عشر من شهر شوال من سنة سبع وتسعين والفو الحمدلله . وكتب القارى ولد المؤلف سلمهما الله تعالى محمد ابراهيم بن القسم الكاظمی وفقهما الله للمراضي وجعل المستقبل خيرا من الماضي بمحمد وآله انه رحيم كريم جواد والحمدلله وصلى الله على محمد وآله .

ازهمهٔ اين نوشته‌ها برمی‌آيد كه كاظمی دردوم جمادی يكم ۱۰۹۵ اين مجلد را نوشت وپسرش ازروز چهارشنبه دهم شوال ۱۰۹۵ خواندن آنرا نزد پدر كه نسخه اصل را

دردست ميداشته آغاز نمود و در روز يكشنبه هجدهم شوال ۱۰۹۷ خواندنش را بانجام رساند .

نويسندهٔ نسخهٔ ما (عباس بن خضر بن عباس بن نصر نجفی) نوشتن آنرا (همانا ازروی مسودهٔ كاظمی) در نجف دوشنبهٔ روز هيجدهم جمادی دوم سال ۱۰۹٤ بپايان رسانده وتاريخی كه خودكاظمی درپايان طلاق آورده برای نسخهٔ پاكنويس ومبيضه ميباشد .

(۱۹۸گ) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد مقوا دورآن تيماج

اندازه : ۲۱×۳۱ و ۱۴×۲۴ س ۲۹

(۱۱۲۳) الاستبصار فيما اختلف من الاخبار (عربی)

رهبردانشمند شيعی شيخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) اين دفتر را كه خود چنين ناميده و از كتب اربعه بشمار ميآيد پس از تهذيب الاحكام و بمانند گزيدهٔ آن بپرداخت . چون ياران او بدو گفته بودند كه تهذيب خوب نوشته شده پس بهتر است خبرهای مختلف هم يكجا گرد آيد . طوسی دردیباچهٔ آن به «النهاية في الفتاوى» كه گزيده‌ايست از همان خبرهای تهذيب و بعنوان فتوی و رسالهٔ عملی برای مقلدان و كارنامه برای پيروان نوشته شده باز گرداند واين استبصارهم برروی آن ساخته شده‌است ونخست اخباری كه ميپذيرد آورده سپس خبرهای مخالف آنها را وميان آنها جمع ميكند ومخالف را تأويل مي نمايد .

اين كتاب درسه جزء است دوتای نخستين درعبادات و سومين درديگر بابهای فقه ميباشد . درپايان آن خاتمه‌ايست كه در آن ازسند حديثهای اين كتاب گفتگو شده‌است ودر آن می‌نويسد كه‌در تهذيب من همه حديثهای اتفاقی ومختلف آمده ودرنهايه همان فتواها (مجردالفتاوى) ياد شده ولی دراين استبصار همه خبرهائيكه باهم نميسازند آورده وراه جمع ميان آنها و تأويل پارهٔ ازآنها هم نموده شده است . پس با اين سه كتاب نيازی بكتابها و اصلها نيست . درپايان آن بفهرستهای شيوخ و خواجگان باز گردانده‌است. طوسی ميگويد كه پيش‌ازمن كسی دست بچنين كار نزده و من دراين كتاب نخست خبرهائی را كه بدانها

میگرایم و فتواهایم برروی آنها است میآورم سپس خبرهای مخالف آنها را آنگاه میان آنها آشتی میدهم.

جزو نخستین استبصار دارای ۳۰۰ باب و ۱۸۷۹ حدیث و دومی ۲۱۷ بباب و ۱۱۷۷ حدیث و سومی ۳۹۸ باب و ۲٤۵۵ حدیث میباشد و رویهم ۹۱۵ بباب و ۵۵۱۱ حدیث میشود. او در پایان «اسانید» چنین برشمرد تا کم و کاستی وفزونی درحدیثها رخ ندهد.

طوسی چون درتهذیب و استبصار درهمه جا همهٔ سند و رجال روایت را یاد نکرد برای هردومشیخه‌ای (۱) نوشت که یکی هستند وپاره ازطرق روایت را تا باصحاب اصول برسد درآنها آورد و برای شناخت همهٔ آنها بفهرستهای پیشینیان و خود اوباز گرداند. پس برای اینکه خبرهای این دو کتاب مرسل نگردد ناگزیر بایستی باین دومشیخه وفهرست ورجال طوسی و همچنین رجال نجاشی ودیگران نگریست وسندها را یافت (مستدرك ۷۱۹) این بود که سید مهدی بحرالعلوم بروجردی (۱۱۵۵-۱۲۱۲) مشیخه‌ای نوشت ودر آن ازسستی ودرستی سندهای روایتهای شیخ درمشیخه‌وفهرست گفتگو کرد. وحاج‌محمدبن علی اردبیلی شاگرد مجلسی وزندهٔ در ۱۰۹۸ تصحیح‌الاسانید نوشته و بسیاری ازسندهای تهذیب و استبصار که درمشیخه و فهرست نادرست و سست می‌نمود درست نشان‌داد و گزیده‌ای ازهمین را درفائده ۷ جامع‌الرواة خودآورده‌است. حرعاملی درفائدهٔ دوم خاتمهٔ تفصیل وسائل‌الشیعه هم از سندهای مشیخهٔ تهذیب و استبصار گفتگو کرد. نوری درفائده ٦ مستدرك (۷۱۹ - ۷۵۷) همهٔ تصحیح الاسانید اردبیلی را باکاوشهائی از خود آورد و مامقانی درپایان تنقیح‌المقال گزیده‌ای از همان تصحیح‌الاسانید را یاد نمود (ذریعه ٤ : ۱۹۳ و ۵ : ٥٤ وهمان کتابهای یاد شده وفهرست سپهسالار ۱ : ۲۰۲ و فهرست طوس ۵ : ۱۹)

۱ـ مشیخه (اسم مکان) کتابی است که‌درآن شیوخ بامشیخه (بفتح میم ویا وسکون شین واسم‌جمع شیخ) ورجال سند درآن یادمیشود (رواشح سیدداماد راشحهٔ ۲۰ ص ۷٤)

درذریعه ۱۸ گزارش و ۱۳ حاشیه برای استبصار یاد شده است (۲ : ۱٤ و ٦ : ۱۷) خوانساری درروضات (ص۵۵۳) ونوری درمستدرك (۳ : ۵۰۵) درسر گذشت طوسی ازاین کتاب گفتگو نمودند.

استبصار درایران بچاپ رسیده (ذریعه) ودرچاپخانه جعفری لکهنو، هندهم بدستور میرزا محمدعلی دردوجلد نخستین دارای دو جزء (۲۲٤+۱۷۲ ص) دومی یك جزء (۳٦۲ ص) در۱۳۰۷ بخط نسخ چاپ سنگی شده‌است وسر گذشت طوسی درپایان جلد دوم آن هست وهردوجلد فهرست دارد.

آغاز: بسمله. وبه نقتی (نستعین). الحمدلله ولی‌الحمد و مستحقه... امابعد فانی رأیت جماعة من اصحابنا لمانظروا فی کتابنا‌الکبیرالموسوم بتهذیب الاحکام.

انجام: یشتمل علی خمسة آلاف و خمسمائة واحدعشر حدیثاً حصرتها کیلایقع فیهازیادة ونقصان واللّه‌تعالی‌الموفق‌للصواب (فهوحسبناونعم‌الوکیل).

[۱۲۹٤]

۹۲۵ این نسخه دارای هر سه جزء و عنوانهای آن بزر یا شنگرف و نشانه‌ها شنگرف است و در جدول زر و شنگرف میباشد و محمد صالح‌بن سلطان محمود درروزشنبه ۱۲ شوال ۱۰۸۱ نوشتن آنرا بپایان رساند وحاشیه‌هائی بنستعلیق درآن هست. سلطان مراد دارندهٔ نسخه بود وخط ومهر او بتاریخ ربیع دوم ۱۲٦۸ درآن دیده میشود (۱الف و ب و ۳۱۷ الف) کسی درشیراز بسال ۱۲٤۲ این را خریده است (۱الف).

(۳۱۷گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرکوب متوالی بابرگردان
اندازه: ۱۷×۲٦ و ۱۰×۱۸ س ۲۷

[۱۲۹۵]

۹۲٦ این نسخه‌هم‌دارای‌هرسه جزء باعنوانهاونشانهای‌شنگرف‌است وابی‌الفضائل محمدبن‌عبدالله زواری قاضی دریکم محرم ۱۰۵۵ نوشتن آنرا بانجام رساند حاشیه‌هائی درآن هست از ملاعبدالله و بهاء محمد و دیگران و با نشانه‌های «ع ل» و «س م د» و «ب ه».

(۲۱۴گ) ـ کاغذ آهارمهره وفرنگی ـ جلد تیماج زرد ساده
اندازه: ۱۷×۲۸ و ۱۰/۵×۲۰ س ۲۰

[١١٢٤-١١٣٦] اصول اربعمائه (عربی)

بسیاری از کسانی که از امام کاظم و صادق (ع) و دیگر امامان حدیث میشنیدند گفته‌های آنانرا می نوشتند و دفتری که این دسته از شاگردان و پیروان پیشوایان شیعی میساخته و آنچه از خود امام یا از کسی که از امام شنیده بود می‌شنیدند در آن می نوشتند اصل میگویند. دانشمندان شیعی از چندین صد اصلی که از روزگار امیر مؤمنان علی تا زمان امام عسکری پرداخته شده بود چهارصد اصل از چهار صد کس را ارزش می نهاده بدانها می نگریستند. این اصلها که چند حدیثی درهریك از آنها نوشته شده بود ترتیبی نداشت و از یك موضوع تنها در آنها گفتگو نمیشد و بسیاری از آنها در محاسن برقی و کافی کلینی و من لایحضر صدوق گرد آمده و پاره‌ای در تهذیب و استبصار نوشته شده بود و گویا بسیاری از آنها در کتابخانه شاپور کرخ بغداد بود و در ٤٤٨ که طغرل ترك بدان شهر آمده بود بسوخت و پاره‌ای از آنها هم از این آسیب و آسیبهای دیگر رسته و تا روزگار ابن ادریس و ابن طاوس مانده و در دسترس آنان بوده‌است و اندکی از آنها تا امروز هم هست (ذریعه ۲: ۱۲۵-۱۳۵) این دفترها را کتاب نیز میگویند و پاره‌ای از آنها را نوادر هم می نامند.

در نسخهٔ ٩٦٢ این کتابخانه دوازده کتاب که از همان اصول است و یك نوادر دیده میشود و این نسخهٔ ما مانند همان جنگی است که نزد نوری (مستدرك ٣: ٢٩٦) بوده است و هردو از همان نسخه آبی پیدا شده‌اند. او دربارهٔ هریك از نویسندگان این اصلها سخن گفت و آنچه که حلی و طوسی و نجاشی و ابن الغضائری دربارهٔ آنها گفته و برخی از آنها را سست و نگرویدنی نشان داده‌اند رد نمود و آنها را راستگو و درستکار و این کتابها را هم شایستهٔ اینکه بتوان از آنها بهره برد و بکاربست دانست.

اینك این کتابها:

١- کتاب زید زراد که در رجال و فهرست طوسی دارد که این یکی و دومی ساختگی است (حاشیهٔ ١ ب).

آغاز: کتاب زید الزراد. بسمله. و منه الاعانة. حدثنا ابومحمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری... قال حدثنا محمد بن ابی عمیر عن زید الزراد قال سمعت اباعبدالله (ع) یقول خیارکم سمحائکم و شرارکم بخلاؤکم.

انجام: وفی جوارك عزجارك وجل ثنائك وتقدست اسمائك ولااله غیرك (تم کتاب زید الزراد. وفرغ من نسخه من اصل ابی الحسن محمد بن الحسن بن الحسین بن ایوب القمی ایده الله فی یوم الخمیس اللیلتین بقیتاً من ذی القعدة سنة ٣٧٤ اربع و سبعین و ثلثمائة والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین الطاهرین) (١ ب-٩ ب با حاشیه‌هائی از قرب الاسناد و معانی الاخبار بسیاه و شنگرف).

٢- کتاب عصفری:

آغاز: کتاب ابی سعید عباد العصفری رحمه الله تعالی. بسمله. ابومحمد هرون بن موسی بن احمد التلعکبری... قال حدثنی ابوسعید العصفری هو عباد عن عمرو بن ثابت وهو ابن المقدام عن ابیه قال سمعت اباجعفر (ع) یقول کیف انتم یا ابالمقدام

انجام: فاذن له و اجازه بمائة الف درهم من بیت مال المسلمین. تمت احادیث ابی سعید عباد العصفری والحمدلله وحده و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین (صورة ما فی الاصل: و کتبها منصور بن الحسن بن الحسین الآبی یوم الخمیس للیلتین بقیتاً من شهر ذی القعدة سنة ٣٧٤ اربع و سبعین و ثلثمائة بالموصل من اصل ابی الحسن محمد بن الحسن بن الحسین بن ایوب القمی ایده الله. اقول كذا وجدته فی المنتسخ منه بخط السید الجلیل المستشهد الاواه السید نصرالله الحسینی طاب ثراه المدرس فی کربلاء المشرفة) (٩ ب - ١٢ الف با حاشیه‌ای از نجاشی دربارهٔ عصفری و حاشیهٔ دیگر از م د ح ره در ١٠ ب).

٣- عاصم بن حمید حناط:

آغاز: کتاب الحناط عاصم بن حمید الحناط (عاصم بن حمید ممدوح) - روایة ابی القسم حمید بن زیاد بن هوارا روایة ابی محمد هرون بن احمد التلعکبری عن ابی

علی محمدبن همام بن سهیل الکاتب و ابی القسم جعفربن محمدبن ابراهیم بن محمدبن عبدالله بن موسی بن جعفربن محمدالعلوی الموسوی (فیه ۱۰۶ - هامش) بسمله . و به نقتی . حدثنی ابوالحسن محمدبن الحسن بن الحسین بن ایوب القمی ایده الله قال حدثنی ابومحمد هرون بن موسی بن احمدالتلعکبری ایده الله قال حدثنا ابوعلی محمدبن همام بن سهیل الکاتب (قال حدثنا) ابوالقسم حمیدبن زیادبن هوارا فی سنة ۳۰۹ تسع وثلثمائة قال حدثنی عبیدالله بن احمد عن مساور وسلمه عن عاصم بن حمیدالحناط . وذکر ابی محمدٌ قال حدثنی بهذاالکتاب ابوالقسم جعفربن ابراهیم بن محمدبن عبیدالله بن موسی بن جعفرالعلوی الموسائی بمصرسنة ٤١ احدی واربعین قال حدثنی الشیخ الصالح ابوالعباس عبیدالله بن احمدبن نهیك عن مساور وسلمة جمیعاً عن عاصم بن حمیدالحناط قال سمعت اباعبدالله (ع) یقول ان رسول الله ص لما انتهی الی البیدا حیث المیلین اتیحت له ناقته فرکبها .

انجام : قال ماهو یا آزرعندی منه فانهماوانت وهذاالنائم عندی فی الجنة . کمل کتاب عاصم بن حمیدالحناط والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی خیرخلقه محمد وآله . وفی نسخة منصوربن الحسن الابی من اصل ابی الحسن محمدبن الحسن القمی ایده الله فی ذی الحجة للیلتین بقیتاً (مضتا) منه سنة ۳۹٤ (اربع) وتسعین وثلثمائة (یوم) الاحد (۱۲ ب - ۲۵ الف با حاشیهٔ بی نام در ۱۷ الف) .

٤- کتاب زید نرسی :

آغاز : کتاب زیدالنرسی روایة ابی محمد هرون بن موسی بن احمدالتلعکبری ایده الله . بسمله . وبه نقتی . حدثناالشیخ ابومحمدهرون بن موسی بن احمدالتلعکبری ایده الله قال حدثنا ابوالعباس احمدبن محمدبن سعیدالهمدانی قال جعفربن عبدالله العلوی ابوعبدالله المحمدی قال حدثنا محمدبن ابی عمیر عن زیدالنرسی عن ابی عبدالله (ع) قال سمعته یقول اذاکان یوم الجمعة ویوم العیدین امرالله رضوان خازن الجنان .

انجام : وما حرم الله حراماًفاحله من بعدالاالمضطرولااحل الله حلالاقط ثم حرمه

تم کتاب زیدالنرسی والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین . کتاب منصوربن الحسن بن الحسین الابی فی ذی الحجة سنة اربع وسبعین وثلثمائة . کذافی الاصل بخط السیدنصرالله طاب ثراه (۲۵ب - ۳۵ الف باحاشیه‌ای از م د ح ره دربارهٔ نرسی از نجاشی و گویاهم از طوسی در ۲۵ ب و حاشیه‌ای از ح م در ۲٦ ب و از م د ح ره در ۲۹ ب و در ۳۲ ب) .

۵- کتاب جعفرحضرمی :

آغاز : کتاب جعفربن محمدبن شریح الحضرمی عن محمدبن شعیب السبعی و عبدالله بن طلحة النهدی وابی الصباح الکنانی و ذریح بن یزیدالمحاربی وغیرهم من الشیوخ روایة ابی محمد هرون بن موسی التلعکبری رحمه الله . فیه ۱۲۳ .

بسمله . و به نقتی . الشیخ ابومحمد هرون بن موسی بن احمد بن ابرهیم التلعکبری ایده الله قال حدثنا محمدبن همام قال حدثنا حمیدبن زیادالدهقان قال حدثنا ابوجعفر احمدبن زیدبن جعفرالازدی البزاز قال حدثنا محمدبن المثنی بن القسم الحضرمی قال حدثنا جعفربن محمدبن شریح الحضرمی عن حمیدبن شعیب السبعی عن جابربن یزیدالجعفی قال قال ابوجعفرمحمدبن علی : من سره ان لایکون بینه و بین الله حجاب یوم القیمة حتی ینظر الی الله وینظر الیه فلیتوالی آل محمد ویبراء من عدوهم ویاتم بالامام منهم .

انجام : قال مافرض الله طاعة احدقط الانبی . تم کتاب محمدبن شریح الحضرمی م د ح کذا فی المنتسخ . کتبه منصوربن الحسن بن الحسین الابی فی ذی الحجة سنة اربع وسبعین وثلثمائة من نسخة ابی الحسن محمدبن الحسن بن الحسین ابوایوب القمی بالموصل (۳۵ ب - ٤۸ ب با حاشیه‌ای از م د ح ره از فهرست طوسی دربارهٔ حضرمی در ۳۵ ب) .

٦- کتاب محمد حضرمی :

آغاز : کتاب محمدبن المثنی الحضرمی . بسمله . وبه نستعین . حدثناالشیخ ابومحمد هرون بن موسی بن احمدالتلعکبری ایده الله قال حدثنا محمدبن همام قال

حدثنا حميدبن زياد الدهقان قال حدثنا ابوجعفر احمدبن زيدبن جعفر الازدي البزاز قال حدثنا محمدبن المثنى بن القاسم الحضرمي قال حدثنا جعفر بن محمد بن شريح الحضرمي عن ذريح المحاربي عن ابي عبدالله (ع) قال قال : صلوا الى جانب القبر قبر رسول الله (ص) وان كانت صلوة المؤمن تبلغه اينما كان .

انجام : واما القنبرة فتقول لعن الله من يبغض اهل بيت رسول الله صلى الله عليه وآله . والحمدلله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله اجمعين (يشتمل هذا الكتاب على كتاب عبدالملك بن حكيم و كتاب مثنى بن الوليد الحناط و كتاب خلاد السندي و كتاب حسين بن عثمان و كتاب عبدالله بن يحيى الكاهلي و كتاب سلام بن ابي عميرة و خبر في الملاحم وعلى شيء من نوادر علي بن اسباط رواية الشيخ ابي محمد هرون بن موسى التلعكبري عن ابي العباس بن سعيد الهمداني في كتاب احمد بن محمد عبدالملك بن حكيم ـ كذا في المنتسخ كتبه منصور بن الحسن بن الحسين الابي في ذي الحجة سنة اربع و سبعين وثلثمائة من نسخة ابي محمد بن الحسن بن الحسين بن ايوب القمي ـ هامش بشنگرف) (۴۹ الف ـ ۵۷ الف با حاشیه‌ای از م ح د ر ه از علامه و نجاشی دربارهٔ ابن حضرمی در ۴۹ الف و دو حاشیهٔ دیگر از همو در ۵۳ ب ۵۵ الف) .

۷ـ کتاب عبدالملك بن حكيم :

آغاز : كتاب عبدالملك بن حكيم . بسمله . و به الاستعانه . الشيخ ابومحمد هرون بن موسى بن احمد التلعكبري قال اخبرنا ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد الهمداني قال اخبرنا علي بن الحسين بن علي بن فضال التيملي قال حدثنا جعفر بن محمد بن حكيم قال حدثني عبدالملك بن حكيم عن سيف التمار عن ابي حمزة الثمالي قال سمعت اباجعفر (ع) يقول : ان سلمان كان ادرا كه العلم الاول انه كان على الشريعة من دين عيسى .

انجام : فنادته ضفدع ياداود تعجب من سهرك ليلة واني لتحت هذه الصخرة منذ اربعين سنة ماجف لساني عن ذكر الله . تم الكتاب والحمدلله رب العالمين

(۵۷ ب ـ ۵۹ ب باحاشیه‌ای از م د ح ر ه از علامه و نجاشی و طوسی دربارهٔ عبدالملك در ۵۷ ب) .

۸ـ کتاب مثنی بن ولید حناط :

آغاز : كتاب مثنى بن الوليد الحناط ـ فيه ۳۳ حديثا ـ بسمله . و به نستعين . الشيخ ، قال حدثنا احمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا علي بن الحسن بن فضال التيملي قال حدثنا العباس بن عامر القصبي قال حدثنا مثنى بن الوليد الحناط عن ميسر بياع الزطي عن ابي عبدالله انه علمه دعاء يدعو به : اللهم اني اسألك بقوتك و قدرتك .

انجام : قلت والارض قال سبع منهن خمس فيهن خلق من خلق الرب واثنتان هواء ليس فيها شئي . آخر كتاب مثنى الخياط (۵۹ ب ـ ۶۱ ب باحاشیه‌ای از م د ح ر ه دربارهٔ مثنی از طوسی و نجاشی و دیگران) .

۹ـ کتاب خلاد سندی :

آغاز کتاب خلاد السندي (فيه ۱۸ حديثا ـ هامش) بسمله . ومن الاعانة وعنه (بجای وو عنه ، و الشیخ ، نوشته بود و روی آن خط زده و این را بالای آن نوشتند) : ايده الله قال حدثنا ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد قال حدثني يحيى بن زكريا بن شيبان قال حدثنا محمد بن ابي عمير قال حدثنا خلاد السندي البزاز الكوفي عن ابي عبدالله (ع) في رجل ذبح حمامة من حمام الحرم قال عليه الفداء .

انجام : هم شيعتك وانت امامهم . آخر الكتاب . كتاب خلاد السندي . والحمدلله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين (۶۱ ب ـ ۶۲ الف با حاشیهٔ م د ح ر ه دربارهٔ سندی از نجاشی و طوسی در ۶۱ ب) .

۱۰ـ کتاب حسین بن عثمان :

آغاز : كتاب حسين بن عثمان بن شريك . بسمله . الشيخ ايده الله قال حدثنا ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا جعفر بن عبدالله المحمدي قال حدثنا محمد بن ابي عمير عن الحسين بن عثمان عن عبدالله بن مسكان عن سليمان بن خالد

قال قال ابوجعفر : ان ابی نظر الی رجل یمشی مع ابنه .

انجام : وتیسر الحساب وتدفع البلوی و تزید فی الاعمار . تم الکتاب . (٦١ ب ٦٥ الف با حاشیهٔ م د ح دربارهٔ حسین ازطوسی و نجاشی وعلامه) .

۱۱- کتاب کاهلی :

آغاز : کتاب عبدالله بن یحیی الکاهلی . بسمله . الشیخ ایده الله قال حدثنا ابوالعباس احمدبن سعید قال حدثنا محمدبن احمدبن الحسن بن الحکم القطرانی قال حدثنا احمدبن محمدبن ابی نصر البزنطی قال حدثنا عبدالله بن یحیی الکاهلی قال سمعت اباعبدالله (ع) یقول : صلوا فی مساجدهم واعینوا جنائزهم .

انجام : ان کل زعم فی القران کذب . تم الکتاب (٦٥ الف ـ ٦٦ ب باحاشیهٔ م د ح ر ه دربارهٔ کاهلی ازهمان سه تن) .

۱۲- کتاب سلام خراسانی .

آغاز : کتاب سلام بن ابی عمیر . بسمله . وبه نستعین . الشیخ ایده الله قال حدثنا احمدبن محمدبن سعید قال حدثنا القسم بن محمدبن الحسین بن حازم قال حدثنا عبدالله بن جبلة الکنانی قال حدثنا سلام بن ابی عمیرة عن معروف بن خربوذ المکی عن ابی جعفر (ع) قال دخلت علیه فانشأت الحدیث فذکرت باب القدر فقال لااراك الاهناك اخرج عنی قال قلت . . . انی اتوب منه .

انجام : ان فلانا قد جمع القران وهو صاحبکم وهو کما سرك . تم الکتاب . ولله الحمد (٦٦ ب ـ ٦٨ الف با حاشیهٔ م د ح ر ه دربارهٔ سلام از نجاشی و علامه در ٦٦ ب) :

۱۳- نوادر ابوالحسن علی بن اسباط بن سالم (بیاع الرطب المقرب) .

آغاز : من نوادر علی بن اسباط رضی الله عنه . بسمله . الشیخ ایده الله قال حدثنا ابوالعباس احمدبن محمدبن سعید الهمدانی قال اخبرنا علی بن الحسن بن فضال عن علی بن اسباط قال اخبرنا یعقوب بن سالم الاحمر عن رجل عن ابی جعفر (ع) بلیلة اطول لیلة ظنوا انه لاسماء تظلهم ولا ارض تقلهم .

انجام : ویقتل فی یومه فراینا ذلك . اللهم اغفر لجمیع المؤمنات . کتبه العبد الآبق الآثم المخطی احمدبن حسین بن عبدالجبار البحرانی الخطی تجاوزالله عن سیئاته و حشره مع ائمته و ساداته مع توارد الهموم و تواتر الغموم فی شهر شوال سنة ١١٩٢ الثانیة والتسعین بعد المائة والالف و آخر دعویهم ان الحمدلله رب العالمین .

صورة ما فی . . . من المنتسخ منه فرغ من کتابته یوم الاربعاء الخمس بقین من ذی الحجة سنة اربع وسبعین وثلثمائة بالموصل من نسخة محمدبن الحسن القمی و نسخه من نسخة الشیخ ایده الله التلعکبری کما تقدم وقد قابل المجموع الاقل نصرالله الحسینی المدرس علی المنتسخ منه و هو فی غایة السقم فصح بقدر الطاقة . والحمدلله اولا وآخرا سنة ١١٥-٠

گر بهم برزده بینی خط من عیب مکن

که مرا محنت ایام بهم برزده است

(٦٨ الف ـ ٧٤ ب باحاشیهٔ م د ح ر ه ازشیخ ونجاشی درباره ابوالحسن .

[١٣٠٨-١٢٩٦]

٩٦٢ این نسخه‌ها شماره‌های ۱ تا ۱۳ این دفتر است و نسخ با عنوانها درمتن وهامش ونشانه‌ها بشنگرف نوشتهٔ احمدبن حسین بن عبدالجبار بحرانی خطی بسال ١١٩٢ ازروی نسخهٔ سید نصرالله حسینی مدرس در کربلا ازروی نسخهٔ منصوربن الحسن بن الحسین الآبی که درتاریخ روزچهارشنبه ٢٥ ذیحجهٔ ٣٧٤ درموصل از روی نسخه محمدبن حسن قمی نوشتهٔ ازروی نسخهٔ تلعکبری نوشته بود .

نصرالله حسینی نسخهٔ خود را در١٠١٥ (درنسخه ١١٥) مقابله نموده بود (١٢ الف و ٢٥ الف و ٣٥ الف و ٥٧ الف و صفحهٔ آخر) نسخه بدلها درهامش هست . دورویهٔ برك شمارهٔ پیش از برك یکم دارد : ترکهٔ آقاسید عبدالله مقتول بهبهانی پسر آقاسید اسمعیل بهبهانی ــ بیز تاریخ ١١١٩ــ اینکه جناب آقای مشکوة آنرا ازمیرزا امجد درشب چهارشنبه ١٦ ذیقعدهٔ ١٣٦١ به بیست وپنج تومان خریده است .

درگ الفدارد : قددخل فی فی ملك المالك الصوری محمدحسن بن الشیخ باقرره (خط نگارندهٔ جواهر) ــ نام همان اسمعیل موسوی بهبهانی که درتاریخ ١٢٧٠ دارندهٔ

نسخه بوده است ـ بسم الله . التصدير و التعجيز لكاتبه الاقل محمد بن عبدالله شهر رجب سنة ۱۱۹۶ـ

نام دارندهٔ دیگر این نسخه « شیخ عبدعلی بن محمد بحرانی السارقی » که محمد بن حسین بن محمد بن احمد درازی بخط خود بر آن گواهی داد و مهرهم هست و روی این عبارت که بتازی است کاغذ چسبانده و آنرا دوباره در پشت برگی شمارهٔ پیش از برگ یکم نوشتند .

حاشیه‌هائی که در سراسر نسخه درباره صحت استناد اصلها بنشانه (ح م) و (ه) و (م ح د) آمده باید از همان محمد بن عبدالله باشد .

(همه دفتر ۷۵ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج حنائی ضربی

اندازه : ۱۴×۲۱ و ۸×۱۹ س ۱۵

[۱۱۳۷] اصول و فروع دین (عربی)

این نامه در ۲۵ باب است و حدیثهای اصول و فروع دین در آن آمده و در پایان حدیث چهلم حدیثی است دارای چهل دستور و این نامه بمانند رسالهٔ عملی و کار نامه میباشد و حدیثهای آن از توحید و تهذیب و من لایحضر و خصال آورده شده است و آن چهل دستور که از خصال آورده همانست که شهید یکم جداگانه آنرا بسند خود از شیخ مفید آورده و در ۱۳۱٤ بچاپ رسیده و روایت این حدیث را مجلسی جانشین روایت چهل حدیث دانست (ذریعه ۱: ٤۲۸).

چون این رساله با اربعین شمارهٔ پس از این در نسخهٔ ما یك خط و یکنواخت است میتوان این را هم از نگارندهٔ همین اربعین پنداشت .

چنین است بابهای بیست و پنجگانهٔ این رساله :

۱ـ فی اصول الدین (از توحید ابن بابویه از عبدالعظیم حسنی و همان خبر عرض دین او) .

۲ـ فی الوضوء البیانی .

۳ـ فی الغسل

٤ـ فی التیمم البیانی .

٥ـ فی الصلوة البیانیة .

٦ـ فی وجوب الزکوة .

۷ـ فی الوعید علی ترك الزکوة .

۸ـ فی الخمس .

۹ـ فی الصوم

۱۰ـ فی المعتکف .

۱۱ـ فی الحج .

۱۲ـ فی الوعید علی من یسوف الحج .

۱۳ـ فی فضل زیارة ابی الحسن علی بن موسی الرضا .

۱٤ـ فی الترغیب الی زیارته ص

۱٥ـ فی فضل امیر المؤمنین .

۱٦ـ فی ذکر دعاء عظیم الشأن رفیع القدر .

۱۷ـ فی فضیلة الصلوة علی النبی

۱۸ـ فی ذکر اربع کلمات مهمة لاربعة مهمات .

۱۹ـ فی ذکر دعاء علی بن الحسین .

۲۰ـ فی الامالی ایضاً فی حدیث جید لدفع الخوف .

۲۱ـ فی ذکر دعاء عظیم الشأن عقیب الصبح .

۲۲ـ فی ذکر لعن بنی امیه .

۲۳ـ فی اتخاذ الخواتیم الخمسة وفائدة السبحة من تربة الحسین .

۲٤ـ فی فضیلة ربط الخیل ور کوبه .

۲٥ـ من کتاب الخصال فیمن حفظ اربعین حدیثا .

آغاز : بسمله . الباب الاول فی اصول الدین روی محمد بن علی بن بابویه فی کتاب التوحید باسناده الی عبدالعظیم . . قال دخلت علی سیدی علی بن محمد.. فلما بصر بی قال مرحبا بك یا اباالقاسم انت ولینا حقاً قال فقلت یابن رسول‌الله انی اریدان اعرض علیك دینی .

انجام : فهذه اربعون حدیثا من استقام علیها و حفظها عنی من امتی دخل الجنة برحمة الله و کان من افضل الناس و احبهم الی الله عزوجل بعد النبیین و الصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئك رفیقا (تمت . تمت فی لیلة الخامس وعشرین شهر محرم الحرام سنة ۱۱۲۹) .

[۱۳۰۹]

۸۷۸ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط شکسته نستعلیق شماره ۲ و ٤ و عنوانها در آن شنگرف و دعاها نسخ میباشد و در شب ۲٥ محرم ۱۱۲۹ نوشته شده است (گ ۱۸ الف ـ ۳٤ الف)

یك حاشیه دارد درس گذشت عبدالعظیم و دو حاشیهٔ دیگر با نشانه‌های «منه» و «منه ره» در شماره ۲ سخنانیست اخلاقی از پیامبر که بامیر مؤمنان علی گفته است. و بپارسی بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف و از آغاز کم دارد (۱۴ الف — ۱۸ الف).

[۱۱۳۸] اقبال‌نامه (کتاب ۰۰۰) (فارسی)

داستانی دربارهٔ «الجزیرة الخضراء» در کتابهای شیعی بدوروایت آمده‌است. در ذریعه (۴ : ۹۳) از گفتهٔ افندی درریاض‌العلماء از «ترجمهٔ جزیرهٔ خضراء» نگارش شیخ علائی ومولای مروج نورالدین علی‌بن حسین‌بن عبدالعالی محقق دوم کرکی (م ۹۴۰) که برای شاه تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) نوشته ودرهندهم بچاپ رسیده است یاد گردید. این دانشمند بزرگوار شیعی را سنیان درباری وسازندهٔ آئین شیعی خوانده‌اند!!

بازدرآنجا (۱ : ۱۰۹ و ۴ : ۹۴ و ۵ : ۱۰۶) از «اثبات وجود صاحب‌الزمان وغیبته ومصالح‌الغیبة» بپارسی ازسیدامیرشمس‌الدین محمدبن میراسدالله شوشتری که بفرمان «پادشاه صاحبقران مغفور» نگاشته‌است یاد گردید ودارد کهشوشتری درمجالس‌المؤمنین (درجزیره‌بحراخضروبحرابیض) گفته که‌مؤمنان‌وگروندگان باید آنرا با خود نگاه بدارند. دراین کتاب همین داستان جزیرهٔ اخضربپارسی آمده است.

شوشتری درهمانجای مجالس از همان جزیرهٔ خضرا و بحر ابیض یاد نموده وآنرامیان دریای اندلس ودرسرزمین بربرپنداشت ونیز نوشته که بگفتهٔ برخی بنوعبدالمؤمن دیارمغرب که ازجفر اعلی آگاهند همگی شیعه هستند و پیروان آنهاهم آئین شیعی دارند.

گویند که فضل‌بن یحیی طیبی کاتب بروایت از زین‌الدین علی‌بن فاضل مازندرانی در ۶۹۹ داستان جزیرهٔ خضرا را آورد واین همانست که درنگارش شمس‌الدین شوشتری بپارسی شده است (ذریعه ۴ : ۹۳) و بنوشتهٔ امل‌الآمل

(ص ۴۹۲) طیبی دانشمندی بزرگوار ودرواسط بوده و کشف‌الغمه را ازعلی‌بن عیسی اربلی روایت کرده وبخط خود نوشت وآنرابسال ۶۹۱ مقابله نمود وازاو شنید. نامش درامل‌الآمل بدینگونه‌است: شیخ‌مجدالدین فضل‌بن یحیی‌بن علی‌بن المظفربن الطیبی الکاتب.

کاظمینی درمقابس (ص ۱۲ چاپ ۱۳۲۲ تهران) می نویسد: «ومنها المحقق... المنوه باسمه وعلمه فی قصة‌الجزیرة‌الخضراء... ابی‌القاسم نجم‌الدین جعفربن الحسن... الحلی» واین گفتهٔ او اشاره است بداستان جزیره که در (اقبال‌نامهٔ ما ونجم ثاقب) آمده ودر آن یادی ازمحقق حلی شده است.

اودر کشف‌القناع (وجه ۱۲ ازوجوه اجماع ص ۲۳۱ چاپ ۱۳۱۷ تهران) هم از داستان این جزیره که دربحار و تفسیرالائمة و جزائنها آمده است یاد نمود وآنرا گواهی دانست براینکه میتوان امام زمان را دید.

نوری درالنجم‌الثاقب (داستان ۳۷ باب هفتم ص ۵۸) از روی بحار وریاض‌العلماء افندی ازرسالهٔ جزیرهٔ خضراء که بخط فاضل فضل‌بن یحیی و در خزانهٔ علی (ع) بوده است و نیز از روی مناقب آخوند ملاکاظم هزارجریبی شاگرد علامهٔ بهبهانی از خط شهید یکم از خط پیشوای دانا فضل‌بن یحیی یاد نموده و گفت که ازاینهابرمیآید که نگارندهٔ این‌رساله همان شهید یکم خواهد بود (درمجالس‌المؤمنین هم آمده که شهید آنرا بطریق خود روایت نمود) باز گفت که میرمحمد لوحی در کفایة‌المهتدی فی معرفة‌المهدی نوشته که من داستان مدینة‌الشیعه و جزیرهٔ خضرا و بحر ابیض را که فرزندان صاحب زمان درآنجا هستند درریاض‌المؤمنین یاد کردم- میرلوحی درهمان کفایه در گزارش حدیث ۳۷ (ش ۶۱۹ گ ۱۴۶ الف) چنین مینویسد:

«حکایت بحر ابیض و جزیرهٔ خضرا و حکایت مدینة‌الشیعه و شهری که دراقصار زمین مغرب است که ازخوف اطناب درین مختصرمحررنگردید».

بنوشته‌نوری آورندهٔ این‌داستان (شیخ زین‌الدین علی‌بن فاضل مازندرانی)

هشت سال و نیم پیش از ۶۹۹ بآن جزیره رفته و سرگذشت خویش را برای طیبی گفته است و درست تاریخ ۶۹۱ میشود.

زین الدین ابی محمد علی بن محمد عاملی نباطی بیاضی (م ۸۷۷) (همین فهرست ص ۸۹۵) در الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم (نگارش ۲۵ ع / ۸۵۴) باب وباء (ماجاء فی خاتمهم و تملکه و بقائه) فصل «به» چنین آورد:

و حدث کمال الدین الانباری قال امسینا عند عون الوزیر فرایناه یقرب شخصاً لانعرفه و نسمع کلامه فتجارینا المذاهب فقال الوزیر اقل طائفة الشیعة فقال الرجل خرجت مع والدی فی البحر من مدینتنا الزاهیة ... قال کمال الدین فلما سمعه الوزیر شدد علینا فی کتمان ذلك. در آن از شهرهای زاهیه و مبارکه و زاهره و رائقه وطلوم و عاطر و اشخاصی بنام سلطان طاهر بن محمد بن حسن عسکری پادشاه مبارکه و مقری شافعی و سلطان قاسم بن صاحب الامر پادشاه رائقه و عبدالرحمن بن صاحب الامر پادشاه طلوم و هاشم بن صاحب الامر پادشاه عاطر یاد شده و بسیار کوتاه است باندازه یك صفحه (ش ۹۷۷ گ ۲۶۹ ب).

داستانی که بیاضی یاد نمود درست نزدیك همانست که در نسخه ش ۱۴۹/۵ این کتابخانه (ص ۵۵۷ – ۵۶۳ ج ۲ فهرست آقای منزوی) آمده است و آنرا شریف زاهد محمد بن علی علوی حسینی در کتاب خود باسناد مرفوع با محمد بن محمد بن یحیی انباری آورد که مردی در ماه رمضان سال ۵۴۳ نزد وزیر عون الدین یحیی بن هبیره آنرا بگفت. در این داستان (این نسخهٔ ۱۴۹/۵) از شهرهای ماهیه زادگاه گویندهٔ داستان که ترسا هم بوده است. و مبارکه و شاه آنجا بنام طاهر و زاهره پایتخت آنجا و رابعه و شاه آن بنام قاسم و شافیه و شاهش بنام ابراهیم و طلوم و شاهش بنام عبدالرحمن و عناطیس و شاهش بنام قاسم که همهٔ اینها پسران حجت بوده‌اند و فرمانروای آن شهرها یاد شده است. و نیز از مقری روزبهان بن احمد اهوازی شافعی که با این مرد ترسا بوده و همینکه از سه خلیفه نکوهش شده و روش شافعی او بیدی یاد شده است او شیعی گشت. این روایت چنانکه می بینیم کهن تر است. و آورندهٔ آن مردی ترسا است که نزد وزیر ابن هبیره

در ۵۴۳ گفته است.

در یادداشتهای قزوینی (۲ : ۱۴۷ چاپ دانشگاه) چنین آمده که در این داستان از خریدار و فروشندهٔ زمینی در همان جزیره یاد شده که در آن گنجی پدیدار گشت و خریدار خواست آنرا بفروشنده دهد و او نپذیرفت. این داستان دوم در تاریخ ابن عساکر (۵ : ۲۵۸) در سرگذشت ذوالقرنین (اسکندر) هم یاد شده که دریکی از شهرها (بعض المدائن) چنین رخ داده و ذوالقرنین دید که آن خریدار و فروشنده پیش داور رفتند و او مانند انوشیروان درمیان آنها داوری نمود و اسکندر را از آن خوش آمده است و داوری انوشیروان هم بدینگونه بود که دستور داد پسر و دختر آندو با یکدیگر زناشوئی کنند و گنج از آن آنها باشد (عقد العلی للموقف الاعلی نگارش ۵۸۴ ص ۵۶ چاپ ۱۳۱۱ تهران – نصیحة الملوك غزالی چاپ تهران در ۷–۱۳۱۵ خ ص ۵۳ و تازی آن بنام التبر المسبوك ص ۳۹) پیدا نیست که قزوینی کدام یك از دو روایت جزیرهٔ خضرا را خواسته است.

در ذریعه (۵ : ۱۰۵) این دو روایت باهم آمیخته شده و چنین آمده: رسالهٔ جزیرهٔ خضرا نزدیك ۳۵۰ بیت است (۱۳ بحار) و از شیخ مجدالدین فضل بن یحیی بن علی بن مظفر طیبی کوفی کاتب در واسط (امل الآمل) و شاگرد اربلی که کشف الغمه را با گروهی نزد او خواند. این رساله را در خزانه غروی نجف بخط طیبی یافتم و از روی آن برای خود نوشتم و طیبی در آن آنچه را که شیخ زین الدین علی بن فاضل مازندرانی نجف نشین و نگارندهٔ الفوائد الشمسیه (پرسش و پاسخ او و سید شمس الدین عالم) در حله در ۱۱ شوال ۶۹۹ برای او گفته بود آورد. این مازندرانی آن داستان را پیش از این برای شمس الدین محمد بن نجیح حلی و جلال الدین عبدالله بن حوام حلی گفته و طیبی آنرا از آندو در کربلا در شعبان ۶۹۹ شنیده بود و سپس دوباره از خود مازندرانی بشنید. بگفتهٔ شوشتری در مجالس المؤمنین شهید یکم آنرا بسند خودش از همان زین الدین علی روایت نمود و بخط خود نوشت و همان شمس الدین محمد شوشتری آنرا در رساله خود

گنجانده و گویا همان باشد که در ترجمهٔ کرکی هست. آورندهٔ ناشناختهٔ این داستان مهمان وزیر عون‌الدین یحیی بن هبیره (م ۵۶۰) بوده که در خانه او با بود گروهی از بازرگانان مسلمان و مسیحی آنرا بگفت و کمال‌الدین احمد بن محمد بن یحیی انباری پس از مرگ وزیر در خانهٔ خود در بغداد برای شیخ ابی القاسم بن ابی عمرو عثمان بن عبدالباقی بن احمد دمشقی و او برای مقری خطیرالدین حمزة بن المسیب بن الحارث واو در خانه خود در ظفریهٔ بغداد برای حافظ سعید بن احمد بن الرحنی آنرا گفته است.

این داستان با همین سند در پایان نسخه‌ای از التعازی شریف زاهد ابی عبدالله محمد بن علی علوی شجری زندهٔ درسدهٔ ۵ آمده و برخی مانند نوری در مستدرك (۳: ۳۷۰) و جزایری در انوار نعمانیه (نور ٤٤ ص ۱٤۸) واردبیلی در حدیقة‌الشیعه پنداشتند که این داستان با این سند که ازسدهٔ ششم وبیش از ۵۶۰ است در کتابی که درسدهٔ چهارم نوشته شده آمده است ونوری در جنة‌المأوی درحکایت سوم این داستان رایاد نمود وگفت که آن در والسلطان المفرج عن اهل الایمان سید علی بن عبدالحمید نیلی هم با همین سند آمده است. در ذریعه دارد که این داستان با تناقضهای تاریخی درمتن و سند و با چیزهای باور نشدنی که در آن آمده در کتابهای دانشمندان ما نه برای آن یادشده که بدان بگرایند ودرستش بدانند بلکه برای اینکه سنیان بگویند که امام‌زمان درسرداب نیست ومیشود دریکی از سرزمینها زیست کند واین‌داستان سندی جزو جاده ندارد

آمدیم برسر اقبال‌نامهٔ ما که گویا همان کتاب شمس‌الدین شوشتری است نه از کرکی. نگارندهٔ آن در آن نخست از غیبت پیامبران و پاکان گفتگو میدارد وسپس میگوید هیچ دور نیست که امام‌زمان هم نهان باشد آنگاه علت نهان‌شدنش را میگوید و اورا با آفتاب مانندمیکند که‌زیر ابرپنهان‌شود او مینویسد (گ ٤ ب) که من بیمار بودم و این نامه را نوشتم و به شدم. من در آن چیزهائی آوردم که در دفتر های دیگر نیست و آنچه نوشتم یا از روی خرد است یا سخنان

پیشوایان. پس از این سخنان داستان جزیره آغازمیگردد (از گ ۲۷ ب تا پایان که کم دارد و تا انجام نامه در نسخهٔ ما نیست) این روایت چنانکه دیدیم جز روایت نباطی است وتازه‌تر از آن که ازسده ششم است واین یکی ازسده هفتم و آورنده آن مردی ترسا وآورنده این علی بن فاضل مازندرانی.

باری دراین اقبال‌نامه دارد که این داستان را شهید یکم از گروهی شنیده وبعربی است ونسخهٔ آن نزدم هست و فارسی آن چنین است که او میگوید من بخط (مجدالدین) فضل بن یحیی بن علی (مظفر) طیبی (کوفی) یافتم که شنیدم ازشمس‌الدین محمد بن نجیح حلی وازجلال‌الدین بن عبدالله بن خوام حلی درمشهد شریف حائری (کربلا) در (۱۵) شعبان ۶۹۹ (اینجا قدری پاك شده ۲۸ ب) که شنیدیم اززین‌الدین علی بن فاضل مازندرانی مجاور نجف که خود بجزایر وجزیره خضرا دیده واودرخانهٔ سیدفخرالدین حسن بن علی موسوی مازندرانی درحله بود و درروز چهارشنبه ۱۱ شوال ۶۹۹ برای من (طیبی) این داستان را گفت که دردمشق بود ونزد زین‌الدین علی اندلسی مالکی قرآن میخواند تاهفت قرائت را بیاموزد و با او بمصر رفت سپس باندلس تا بسرزمین بربر و جزیرهٔ فضه رسید و بوسیله شیخ محمد سندی نزد سید شمس‌الدین محمد عالم پسرزادهٔ امام زمان رسید و بدستور او بوطن برگشت دراینجا (۳۹ ب و ٤۰ ب) از دهه یکم هشتصد یاد میشود که فرج در آن سالها خواهد بود.

علی بن فاضل میگوید که من نزد شمس‌الدین محمد عالم از دانشمندان شیعی نام کسی را نشنیدم جز ابوجعفر طوسی و شیخ ابوالقاسم جعفر بن سعید حلی (رض‌عنهما). این مازندرانی ازدمشق باندلس رفت واز آنجا بجزایر رفضه وجزیره خضرا رسید.

این داستان ربطی بداستان ش ۵/۱٤۹ که درست مانند داستان بیاضی است ندارد ومانند بحار ج ۱۳ باب من راه (۳۰) ص ۱٤۳ (ترجمهٔ این جلد ازمحمدحسن بن محمد ولی ارومیه‌ای برای محمدشاه قاجار باب ۲۶ ص ٤۳۷ چاپ تهران در ۱۳۷۳) ونجم ثاقب میباشد.

آغاز : کتاب اقبال نامه ـ حمد و سپاس و ستایش و ثنای بی قیاس واجب الوجودی را که بمحض جود افاضت فیض و جود بر خلق عالم نمود و بفرط لطف بی غایت و کمال عنایت بی نهایت تفویض منصب جلیل خلافت عالمیان درهر زمان از روی رحمت و احسان جهت انتظام و حسن نظام معاش و معاد همگنان بیکی از انبیاء ووصیی از اوصیا . . . فرمود . . . بعداز ادای مراسم حمد وصلوة چون در بعضی اوقات که مشرف بود بسعادت خدمت و دولت شرف ملازمت سدهٔ سنیه و عتبهٔ علیهٔ بندگان نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اعلی شاه دین پناه سلیمان شأن سکندر نشان ... السلطان شاه طهماسب بهادرخان .. حکایت بحرابیض وجزیرهٔ خضرا که در آن ناحیهٔ مقدسه مقام . . . صاحب الامر است . . . بطروه عرض رسانیده بود و مجمل آن معروض گردانید بعداز آن داعیهٔ آن داشت که تفصیل مضمون آن نیز مشروحاً معروض گرداند در ثانی الحال بخاطر فاتر رسید که چون ارباب معاندت را درمبحث امامت سیما درقضیهٔ غیبت حضرت صاحب الزمان . . . بنا برعصبیت و حمیت جاهلیت مخالفت ومناکره هست . . . و عوام الناس را . . . ازراه میبرند . . . پس اگر رساله وجیزهٔ جامعهٔ واضح اثبات امامت وبیان بعضی ازحکمت غیبت . . . بلفظ فارسی . . . مشتمل برشواهد ودلائلی که رافع غوایل شبه ارباب ضلال واضلال گردد درمقدمه حکایت مذکوره مؤلف و مسطور شود بغایت مناسب خواهد بود .

انجام نسخهٔما : تا آن تاریخ که بیکدیگر رسیدیم در حلهٔ سیفیه واین حکایت ازاو شنیدم هشت سال و

[۱۳۱۰]

۶۵۶ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف ودوصفحه نخستین درمیانه سطرها زرانود ودرجدول زرو لاجورد وسبز ودیگر صفحه هادرجدول زر وشنگرف ولاجورد میباشد عنوان کتاب برنوشته : « کتاب اقبال نامه» عبارتهای تازی پاره‌ای بشنگرف ومعرب است .

(۴۴ گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج ترباکی سادهٔ ضربی
اندازه : ۱۱×۱۹ و ۶×۱۴ س ۱۳

[۱۱۲۹] امالی (عربی)

ابن بابویه ابی جعفر محمد صدوق قمی رازی (م ۳۸۱) حدیثهائی برشاگردان برخواند واملانمود که دراین دفتر گردآمده و بنام الامالی یا مجالس یاعرض ـ المجالس خوانده میشود (چاپ ۱۳۰۰ تهران) تاریخ نخستین مجلس املاء آنها روز آدینه بیستم رجب ۳۶۷ وتاریخ بازپسین یانودوهفتمین مجلس نوزده شعبان ۳۶۸ درطوس میباشد ومجلسها دوسه چهارروزی ازهم دوری دارند و بهترین سند روایت این امالی همانست که ابومحمد عبدالله بن جعفر بن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن احمد بن العباس بن الفاخر دوریستی (مردهٔ اندکی پس از ۶۰۰) از نیایش محمد بن موسی ازنیایش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن احمد ازصدوق روایت نموده است (ذریعه ۲ : ۳۱۵ ـ فهرست طوس ۵ : ۲۷ ش ۳۷۲) (۱) .

آغاز : بسمله . وبه‌نقتی . الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی رسوله محمد وآله الطاهرین . المجلس الاول هو یوم الجمعة العشرین من رجب سنة سبع وستین وثلثمائة حدثنا الشیخ ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی .

انجام : السابع والتسعون یوم الخمیس لاحدی عشرلیلة بقیت من شعبان سنة ثمان وستین وثلثمائه فی مشهد مولینا ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام .

۱ـ در ص ۱۰۶۹ یاد شده است که نگارندهٔ اربعین ش ۸۷۸/٤ چند حدیثی ازمجلس ٥٤ و ٥٨ امالی برای خوش آیند دربار صفوی آورده است . من باامالی نگریستم دیدم که این حدیثها برای آنچیزی نیست که او پنداشت چه درمجلس ٥٤ دو حدیث آمده که در یکی میگوید ازدستور فرمانروا سرباز مزنید تا دچار آسیب و آزاری نشوید و پیداست که این خبرازروی تقیه گفته شده ودردیگری دارد که ازفرمانروای دادگر بپذیرید . درمجلس ٥٨ حدیثی آمده و در آن دارد که دادگری و ستمکاری فرمانروا با خداپرستی و نیکوکاری و خدانا پرستی و بدنهادی پیروان بستگی دارد و داد و ستم پاداش و کیفر این کارها است پس باید نخست بخود پرداخت وراه نیکی ودرستی پیش گرفت وبخدا بازگشت نه اینکه شورید وبرآشفت . دیگر اینکه پیشوایان شیعی هیچگاه مردم را بپذیرفتن دستورهای دستگاه فرمانروائی اموی یا عباسی برنمی انگیختند .

حدثنا الشيخ الجليل ابو جعفر محمد . . . بن بابويه القمى . . . و كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار وصلى الله على محمد المصطفى وعلى المرتضى وفاطمة الزهراء والائمة من ولدها(هم) المصطفين الاخيار آل يس(الابرار) عليهم السلام (الصلوة) وسلم تسليماً كثيراً (كثيرا) (برحمتك يا ارحم الراحمين) .

[۱۳۱۱]

۵۷۲ اين نسخه بنسخ با عنوانهاى شنگرف درمتن وهامش و با نشانه‌هاى شنگرف وباحاشيه‌هاى نستعليق ميباشد ومحمد شفيع پسرحاجى حيدر ابهرى در ۸ جمادى يكم سال ۱۰۶۹ آنرا نوشته است وعبدالرضا پسرحسن حسينى عاملى يكبار در بامداد روز يكشنبه ۲۱ ربيع يكم ۱۰۶۷ اصلى را كه اين نسخه ازروى آن نوشته شده مقابله نمود ويكبار ديگرهم در ۳ ذيحجه ۱۶۰۸ در نجف از مقابلهٔ آن بياسود و مقابلهٔ اين نسخهٔ ما دوبار با آن اصل در ۱۲ رمضان ۱۰۷۰ انجام يافت . آن اصل با سه نسخه مقابله شده كه يكى از آنها را ميگفته‌اند خط قمى است يا خوانده شده براو .

چنين است آغاز آن :

« حدثنا الحسن بن عبدالله بن سعيد العسكرى قال حدثنا ابو بكر محمد بن دريد . . . قال قيس بن عاصم وفدت مع جماعة من بنى تميم الى النبى ص فدخلت وعنده الصلصال بن الدلهمس ازمجلس يكم برابر با ص ٤ گ ٤ الف ش ٦١٥ و نزديك يك صفحه كم دارد .

در گ ۳۰۲ ب دارد :

« صورة ماكان فى المقابل بها هكذا : بنسخة صحيحة و آخرى تعزى الى خط المصنف اوانها مقروة عليه فى اوقات آخرها صبيح يوم الاحد الحادى والعشرون من شهر ربيع الاول سنة ۱۰۶۷ على الاحقر عبدالرضا ابن الحسن الحسينى العاملى عفى الله عنهما وعمن دعالهما بالمغفرة والحمدلله وصلى الله على محمد وآله » .

« صورة ماكان فى آخر المقابل بها : تم بلغت المقابلة ثانياً على يد مقابلها اول مرة فصحت انشاءالله وكانت هذه المقابلة بنسخة جيدة بخط رجل عالم . واعلم انى فى المقابلتين لاحظت طرف النسخة المنسوبة الى المصنف فما كان فيها جعلته اصلا و ان خالف شيء حسب الظاهر كتب عليه كذا وماكان د ل او د ص ل اوصح د او ل د ص فليس من تلك النسخة بل من غيرها من النسخ الصحيحة وحرر ذلك فى ۳ من شهر ذى الحجة الحرام فى النجف الاشرف سنة ثمان وستين والف من الهجرة » :

(اينرو بخط همان نويسندهٔ نسخه است) .

نيز دارد: « قوبلت هذه النسخة مرتين مع النسخة الصحيحة التى قوبلت مرتين مع النسخ

المعتبرة الجيدة الصحيحة بعضها بخط المصنف ولوحظت بقدر الوسع والطاقة الاما زاغ البصر وحسر بالنظر فى تاريخ ثانى عشر شهر رمضان المبارك سنة سبعين بعد الالف من الهجرة النبوية ص » (بخط نستعليق ريز وخوش) .

(۳۰۲ گ) ــ كاغذ فرنگى ــ تيماج سرخ زركوب مقوائى با برگردان

اندازه ، ۱۵×۲۰ ــ ۸/۵×۱۴/۵ س ۱۹

[۱۳۱۲]

۶۱۵ اين نسخه بنسخ خوش با عنوان شنگرف درجدول لاجورد و زر با سرلوح زرين ولاجورد وشنگرف ميباشد وبرخى جاها حاشيه ايست لغوى وحاشيه‌اى هم هست ازسلطان (۷۲ ب) درهمه جا بنستعليق . فهرست پاره‌اى ازمطلبها در گ ۱ الف بنستعليق هست . كتاب در گ ۳ ب ــ ۲۳۷ الف .

در گ ۳ الف ودر پايان خط ومهر دارندهٔ نسخه محمد بن محمد تقى وعبدالرضا بن عليرضا وسيد كريم بن منتظم الدوله فيروز كوهى اميرامير ى در آغاز مرداد ۱۳۱۸ شمسى ديده ميشود .

(۲۳۷ گ) ــ كاغذ سمرقندى ــ جلد تيماج مشكى زركوب ضربى مقوائى

اندازه ، ۱۴×۲۳/۵ و ۷×۱۶ س ۲۰

[۱۱۴۰] انسان العيون فى سيرة الامين والمأمون (عربى)

شيخ نورالدين على بن برهان الدين ابراهيم حلبى قاهرى شافعى (۹۷۵-۱۰۴۴) اين كتاب را كه خود چنين ناميده و به السيرة الحلبية نامبردار است در سرگذشت پيامبر نوشته است . او در ديباچه ميگويد كه نخستين نويسندهٔ سيره و سرگذشت پيامبر زهرى است و پس از آن عيون الاثر ابى الفتح بن سيد الناس والسيرة شمس شامى است و من اين كتاب را از اينرو برگزيدم و چيزهائى هم بر آن افزودم و نشانه‌هائى هم براى جداساختن سخنان آندو سيره‌نويس گذارده‌ام (ديباچه ــ چلبى ۱ : ۱۵۸) .

اين كتاب در سه جلد درمصر بسال ۱۲۹۲ بچاپ رسيد ودر كنار آن سيرهٔ نبويهٔ سيد احمد زينى دحلان هست (معجم المطبوعات ص ۷۸۷) .

آغاز : بسمله . وصلى الله على سيدنا محمد و على آله وصحبه وسلم حمداً

لمن نضر وجوه اهل الحديث وصلوة وسلاماً على من نزل عليه احسن الحديث ...
فيقول ... على بن برهان الدين الحلبى الشافعى ان سيرة المصطفى ... من اهم ما اهتم
به العلماء الاعلام ... واحسن ما الف فى ذلك و تداولته الا كياس سيرة الحافظ ابى الفتح بن
سيد الناس ... سماها : « عيون الاثر » ... واما سيرة شمس الشامى ... فهو ...
اتى فيها بما هو فى اسماع ذوى الافهام كالمعادات ... عن لى ان الخص من تينك
السيرتين انموذجا لطيفا ... وقد سميت مجموع ذلك « انسان العيون فى سيرة الامين
والمأمون » .

انجام : وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم .

[۱۳۱۳]

۵۷۸ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ با نشانه‌های شنگرف و درهامش تصحیح
شده و حسین بن محمد تقی طبرسی (حاجی نوری) در رویهٔ دومین برگ پیش از
برگهای شماره‌دار نوشته که در ۱۲۸۹ این دفتر را برای خود نویسانده‌ام . ضیاء الدین
نوری هم دارندهٔ آن بود . برگهای ۱ تا ۲۵ وصالی شده و ۱۷۱ تا ۱۸۰ موریانه خورده
از میانه . این نسخه در برگهای ۵۸ ب تا ۱۸۰ الف نوشته شده و چنین است : انجام
آن : و ما دعانى الى الخروج الا الغضب لله ان تستحل حرمه و بعد ان قتل و صلب
على الجزع فوق الثنيه ومضت ثلاثة ايام جاثت (در اینکه عبدالله زبیر چرا کعبه را دوباره
ساخت برابر با ص ۲۰ ص ۲۳۴ ج ۱ چاپ مصر) .

(همهٔ دفتر ۱۸۰ گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ضربی متوالی موریانه‌خورده
باروپوش پارچه   اندازه ، ۱۸×۳۰ و ۹، ۲۲ س ۳۱

[۱۱۴۱] انوار العقول من اشعار وصى الرسول (عربی)

قطب الدین ابوالحسن محمد بن حسین بن حسن بیهقی نیشابوری کیدری شاگرد
طبرسی مفسر (م ۵۴۸) ونگارندهٔ حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق احسن الخلائق
(در گزارش نهج البلاغه در پایان شعبان ۵۷۶) و روایت کنندهٔ از نصیر الدین
عبدالله بن حمزة بن عبدالله طوسی در سبزوار بسال ۵۷۳ از روی تاج الاشعار یا
سلوة الشیعة شیخ الافاضل ادیب ابوالحسن علی بن احمد بن محمد فنجکردی نیشابوری

(۴۳۳ - نیشابور و در هشتاد سالگی در شب آدینه ۱۳ رمضان ۵۱۳) که در دویست بیت
است و از روی دیوانی از گمنام و بزرگتر از دیوان فنجکردی که در آن از کتاب
محمد بن اسحق بهره برده شده بود و جاهای دیگر نخستین بار الحدیقة الانیقة نوشته
و شعرهای علی (ع) را در آن گرد آورده و پس از اینکه دیوان گرد آوردهٔ ابوالبرکات
(ابوالسعادات) هبة الله بن علی بن محمد حسنی (ابن الشجری م ۵۴۳) بدست
او رسید از روی اینها همه و کتابهای دیگر این « انوار العقول من اشعار وصی الرسول » را
بساخت و بدین نام نامید (۱) روایتهای امام علی بن احمد واحدی شافعی خراسانی
و ادیب ابی علی احمد بن محمد مرزوقی و ابی الحسن (الجیش) المظفر بلخی
و ابی الفتح خزاعی (رثائه لابیه ابی طالب فی خدیجة) و ابی علی الفضل بن الحسن
طبرسی مفسر (مناجات یا سامع الدعاء) واصبغ بن نباته (یا حار همدان من یمت
برنی) و ابی عمرو بن العلا و ابن درستویه و ابوعثمان مازنی در اینجو دیوان او را
بکار رفت .

او دربارهٔ حرز علی و ثلاث عصی صفقت بعد خاتم ... » که در ص ۱۱۷
چاپی دیوان آمده و در نسخهٔ ما نیست از استادش طبرسی یاد نمود (۲ : ۴۳۱ ذریعه)
نام نجاشی و طوسی و سید و مفید هم در آن برده شده است .

نسخه‌ای از همین انوار العقول در کتابخانه طوس هست (دیوان مرتضوی
فهرست ۳ : ۱۷۲ ش ۴۸ و ۴۹) . نیز در بهار هند که از سید مرتضی یا قطب راوندی
دانسته شد (۲ : ۴۶۱)

در ذریعه (۲ : ۴۳۳ و ۶ : ۴۸۲) از نسخه‌های تاریخ ۱۰۳۵ نوشتهٔ از روی

۱ـ بنگرید به : روضات ۵۷۶ ـ فهرست سپهسالار ۲ : ۱۲۴ ـ نهج البلاغه
چیست ص ۱۲ ـ ذریعه ۲ : ۱۱۸ و ۴۳۱ و ۳ : ۲۰۵ و ۶ : ۲۸۵ و ۳۸۱ ـ ذیل چلبی
۱ : ۱۴۴ که از انوار العقول یاد کرده و از یکی از دانشمندان شیعی دانست ـ فهرست
آقای منزوی ۲ : ۱۱۶ـ۱۲۵ ـ در معالم ابن شهر آشوب (ش ۴۶۹) چنین آمده :
« علی بن احمد الفنجکردی الادیب النیشابوری له تاج الاشعار ، سلوة الشیعة وهی اشعار
امیر المؤمنین علیه السلام » از اینجا برمیآید که دو کتاب است مگر اینکه در ذریعه یکی
دانسته شد .

نسخهٔ ۸۵۲ و نسخهٔ تاریخ ۸۸۲ انوار العقول و از نسخهٔ تاریخ ۸۰۷ الحدیقة الانیقه یاد شده است. این انوار العقول همان دیوان علی است که بچاپ رسیده با اندکی فزونی و کاستی و بی‌یاد کردن سندها و با انداختن دیباچه و بند پایان و با دیگرگون ساختن عنوانها.

دراینکه علی ﷺ شعری سروده است جاحظ گردآورندهٔ المائة کلمة هم میگوید که او جز رجز نسروده و بگفتهٔ ابن عبدربه او از عمر و ابوبکر بهتر شعر میگفت و بنوشتهٔ نجاشی (رجال ص ۱۶۷) عبدالعزیز بن یحیی جلودی بصری (م ۳۳۲) که کتابهای بسیاری دربارهٔ زندگی و خطب و رسائل علی نوشت کتاب شعر علی دارد. چیزی که دراین‌باره میتوان گفت اینست که گذشته از شعرهای رزمی و رجز و شاید هم برخی از شعرهای مربوط بزندگی فردی و اجتماعی آن روزگار دیگر شعرها شاید از دیگران بوده و علی (ع) خوانده و انشاد کرده است و برخی هم گویا سروده دیگران از روی سخنان منثور او و بسیاری از آنها هم سروده دیگران است و باو نسبت داده‌اند.

مجلسی در بحار (۱ : ۱۶) میگوید که نسبت این دیوان بعلی شهرت دارد وبسیاری از شعرهای آن در دیگر کتابها روایت شده ولی دشوار است که همه آنهارا ازعلی بدانیم و از معالم برمیآید که دیوان از فنجکردی شیعی است و نجاشی از کتابهای جلودی شعر علی برشمرد ـ گویا مجلسی انوار العقول و الحدیقة الانیقه کیدری و تاج الاشعار فنجکردی را ندیده بود. عاملی در امل الامل ص ۵۱۷ گردآورنده دیوان‌را نشناخت.

تهرانی در ذریعه (۹ : ۱۰۱) از دیوانهای علی گردآوردهٔ جلودی و فنجکردی و ابن الشجری و گمنام یاد کرد و از دو دیوان گردآوردهٔ قاسم علی بن محمدتقی خوانساری و سید محسن امین عاملی هم نام برده‌است. درهمانجا (ص ۱۰۲) از چاپهای مصر و بیروت و لیدن از دیوان هم یاد شده است.

ابن فنجکردی‌را دانشمندان شیعی از خودشان دانستند ولی در سر گذشتنامه‌های

سنیان هیچ یادی از شیعی بودن او نشده و ما نیز اورا سنی میدانند (۱).

۱ـ در جزء دوم (از حسن تا آخر) المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ لعبدالغافر بن اسمعیل بن عبدالغافر الفارسی (م ۵۲۹ که تا سال ۵۱۸ را نوشت) از ابراهیم بن محمد صریفینی (م ۶۴۱) (نسخه ش ۱۵۴۴ کتابخانهٔ اسمعیل صائب در آنقره) چنین آمده است:

علی بن احمد الفنجکردی ابو الحسن الاستاد الادیب البارع صاحب النظم و النثر، قرا اصول اللغة علی الاستاذ یعقوب الادیب و غیره و احکمها و تخرج فیها و اختلف الی درس الفقیه مدة. و کان سلیم النفس امین الجنب عفیفاً حفیفاً ظریفاً محمود الاحوال مرضی السیرة مشتغلا بنفسه سمع الحدیث من قاضی القضاة ابی محمد الناصحی و من السادة و طبقة المشایخ و کان عدیم النظیر فی فنه.

توفی لیلة الجمعة الثالث عشر من رمضان سنة ثلث عشرة و خمس مائة. انشدنا لنفسه فی الحث علی کتبة الحدیث:

فی احادیث المصطفی احمد المنعوت کل البرکة
فلیکن الناشیء الحر الذی یطلب العلم الیها الحرکة
قویت حجة من مارسه ضعفت حجة غر ترکه
ثقة عن ثقة یرویه ماقطع السارق شبراً فلکه (؟)
نعم الحق مبین واضح فاز بالرشد لبیب سلکه

و انشدنا لنفسه:

حدیث النبی علیه السلام باد باسناده حجة بالغة
و ذلک من الله سبحانه علی خلقه نعمة سابغة
رواة الحدیث بدور الانام بدت فی سماء العلی بازغة
فلو عاش اطنب فی وصفهم زهیر و حسان و النابغة

و انشدنا لنفسه:

قال المنجم بالکواکب و الاطبة بالطبائع
و نقول بالقرآن یتلی و الاحادیث الروائع
کم فیه للعاقلین من العجائب و البدائع
ایماننا بهما لنا عندالاله من الودائع

و انشدنا لنفسه:

لیغتنم الاحداث انفاس شیخهم فما الشیخ الا الشمس قد وافت الشرف

دنباله حاشیه در صفحه پس از این

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وفی کتب اخبار النبی محمد   علیه السلام العز والدین والشرف

وله :

احادیث النبی لها رجال   لعبدالغافر الشیخ الامام

برتبها باسناد صحیح   معنعنة همام عن همام

تحافد صاعد خیرالبرایا   محمد الکریم بن الکرام

(گ ۷۱ الف و ب).

درهمین المنتخب درسر گذشت فقیه ادیب امام عمادالاسلام ابوالعلا صاعد بن محمد بن احمد بن عبدالله (استوا بامداد روز یکشنبه ۲۵ ربیع یکم ۳۴۳ ـ مشهد سکه ذیحجهٔ ۴۳۱) که گذاردن صندوق بر گور هرون رشید در طوس را ناروا دانسته و بدان فتوا داده بود و او را معتزلی و قدری خوانده‌اند دارد : « وانشدنی الادیب علی بن احمد الفنجکردی لنفسه فیما جمعه من مناقب الصاعدیة :

امام الدین صاعدنا المعلی   براه الله للاسلام صدرا

لامة احمد اضحی سراجا   وفی علم الشریعة کان فخرا

ائمة عصره کانوا نجوما   هداة راشدین و کان بدرا

(گ ۸۶ ـ ۸۷).

خوارزمی درمقتل خویش (۲ : ۱۲۸) چنین گفت : « الامام السید الادیب ابی الحسن علی بن احمد النیشابوری جامع کتاب تاج الاشعار فی النبی المختار و آله الطهار » آنگاه قصیده‌ای ازاو درستایش ازخاندان پیامبر آورده .

فتال نیشابوری درروضة الواعظین (گ ۴۲ ب ش ۶۲۴) میگوید :

قال الشیخ الادیب علی بن احمد الفنجکردی :

لاتنکرن غدیرخم انه ـ کالشمس فی اشراقها بل اظهر ـ ماکان مرفوعا باسناد الی ـ خیرالبرایا احمد لاینکر ـ فیه امامة حیدر وجماله ـ وجلاله حتی القیمة یذکر ـ اولی الانام بان یوالی المرتضی ـ من یاخذ الاحکام عنه ویاثر .

وله :

یوم الغدیر سوی العیدین لی عید   یوم تسر به السادات والعید

نال الامامة فیه المرتضی وله   فیها من الله تشریف و تمجید

دنباله حاشیه درصفحه پس از این

بقیه حاشیه ازصفحهٔ قبل

یقول احمد خیرالمرسلین ضحی   فی مجمع حضرته البیض والسود

فالحمدلله حمدالانقضاء له   له الصنائع والالطاف والجود

(نبز الغدیر ۴ : ۲۷۳ ـ ۲۷۸ ازروضة الواعظین ص ۹۰ ومناقب ساروی ۱ : ۵۴۰ چاپ ایران و مجالس المؤمنین ص ۲۳۴ و ریاض العلماء و محبوب القلوب اشکوری) :

درانساب سمعانی گ ۴۳۲ الف دارد :

الفنجکردی بفتح الفاء وسکون النون وضم الجیم اوسکونها و کسر الکاف وسکون الراء وفی آخرها الدال المهملة وهذه النسبة الی فنجکرد وهی قریة من نواحی نیشابور والمشهور بهذه النسبة ابوالحسن علی بن احمد بن الفنجکردی الادیب البارع صاحب النظم والنثر الجاریین فی سلک السلاسة الباقین معه علی هرمه وطعنه فی السن، قرا اصول اللغة علی یعقوب بن احمد الادیب وغیرهما (ع) وکان عفیفا خفیفا ظریف المحاورة قاضیا للحقوق محمود الاحوال اصابته علة ازمنته ومنعته الخروج وطعن فی السن فتاخر عن الزیارة بالقدم فاستناب عنها التعهد بالعلم سمع الحدیث من القاضی و کتب الی الاجازة لجمیع مسموعاته وحدثنی عنه جماعة من مشایخنا وتوفی لیلة الجمعة الثالث عشر من شهر رمضان سنة ۵۱۳ وصلوا علیه فی الجامع القدیم ودفن بالحیرة فی مقبرة نوح .

درمعجم الادباء (۵ : ۱۰۳) چنین آمده است :

علی بن احمد الفنجکردی ، وفنجکرد قریة من قری نیسابور علی حدالدرب . کان ادیبا فاضلا ، ذکره المیدانی فی خطبة کتاب السامی واثنی علیه . و مات سنة ۵۱۲ عن ثمانین سنة . و ذکره البیهقی فی الوشاح فقال : الامام علی بن احمد الفنجکردی الملقب بشیخ الافاضل اعجوبة زمانه وآیة اقرانه وشیخ الصناعة والممتطی غوارب البراعة الادیب البارع صاحب النظم والنثر الجاریین فی سلک السلاسة . قرأ اللغة علی یعقوب بن احمد الادیب وغیره واحکمها وتخرج فیها واصابته علة لزمته فی آخر عمره ومات بنیسابور فی ثالث عشر رمضان سنة ۵۱۳ . قال البیهقی وانشدنی لنفسه .

زماننا زمان سوء   لاخیر فیه ولاصلاحا

هل یبصر البائسون فیه   للیل احزانهم صباحا

وکلهم فیه فی عناء   طوبی لمن مات فاستراحا

وله : ولی الشباب بحسنه وبهائه ـ واتی المشیب بنوره وضیائه ـ الشیب نور المقتی لکنه ـ نورمهیب مؤذن بفنائه ـ فالهج بذکر الله وارض بحکمه ـ لاروح الفقراء دون لقائه .

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

درآنهاهست. بدینگونه:

۱- از محمد جعفربن محمد باقر قراچه داغی و محمدبن زین‌العابدین تبریزی در ۱۲٦۰.

۲- بخط شیخ محمدحسین تبریزی در کارخانهٔ آقارضا پسر حاجی احمد در تبریز در ۱۲٦۳.

۳- از آقا علی اکبر نقاش سپاهانی تهرانی و محمد بن علی اصغر سمنانی در ۱۲٦۵.

٤- ازمحمدبن محمدعلی تبریزی و محمدبن زین‌العابدین تبریزی در ۱۲۷۰.

۵- از حاج سید محمد صادق در ۱۲۷۷.

٦- بشیخ حاج سید محمودبن حاج سید حسن رضوی وابوالقاسم گلپایگانی در ۱۲۸۱ (مانا انوارالعقول را دردست داشتند) با نثراللالی (ایمان‌المرء... من کثر کلامه کثر ملامه) و سورهٔ زبور ترجمهٔ ابن عباس‌از سریانی؛ با ترجمهٔ ملارضا و برادرش آقامحمد علی پسران آقاعلی اکبرخوانساری.

۷- ازعبدالله سرابی در ۱۲۸۱ با رثاء شیخ مرتضی انصاری.

۸- بخط عبدالحسین‌بن علی با رثاء همان انصاری و بی تاریخ.

۹- همچنین چاپ سنگی نسخ بمبئی درمطبع ناصری در ۱۳۱۰.

دراین چاپها دیباچه‌و بندپایان انوارالعقول نیست‌وشعرهاهم کم وبیش دارد.

در کتابخانهٔ سپهسالار نسخه‌ایست ازدیوان (ش ۷۱۱٤) با ترجمهٔ فارسی آن میان سطرها و چنین است آغاز آن: «الاهل الی طول الحیوة سبیل – وانی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

له: الحکم‌لله ماللعبد منقلب – الا الیه‌ولاعن حکمه هرب – والمرء ماعاش‌فی‌الدنیا اخومحن – تصیبه الحادثات‌السود والنوب – فان یساعده فی اثنائها فرج – تسارعت نحوه فی اثره کرب – حتی اذاامل من‌دنیاه فاجأه – فی ارضه‌کان اوفی غیرهاالعطب». دربغیةالوعاة سیوطی ص۳۲۹ هم سرگذشت اوآمده وازیاقوت گرفته است ودارد «مات سنة ثنتی عشرة عن ثمانین سنة».

وهذاالموت لیس یحول...» ودرپایانش دعاء «یاسامع الدعاء ویارافع السماء» است از امام ابوعلی الفضل الطبرسی از صادق و آنرا صحیفه نامیده است همان که درپایان انوارالعقول دیده میشود. گویا این همان الحدیقة الانیقة باشد (ذریعه ٦: ۳۸۱).

نسخه‌ای از گزارش سید نورالله شوشتری بردیوان علی بخط محمدجعفر درآنجا هست (ش ۷۱۲۲) ونامی ازانوارالعقول درآن برده نشده است.

عبدالودود شیخ‌المدرسین مدرسه جاتگام‌در ۱۳۰۲ گزارشی بردیوان نوشته وهم آنرا بپارسی کرد که درچاپخانهٔ قیومی کانپور در ۱۳۱۳ بچاپ رسید.

چنانکه‌یاد کرده شد درانوارالعقول دربسیاری‌ازجاها ازسند روایت این اشعار یادی شده است اینك نمونه‌ای ازسندها:

دربرابر:

«وما طلب‌المعیشة بالتمنی ولکن‌الق دلوك فی‌الدلاء»

درهامش دارد:

«رواه ابونصرالهزیمی» – درعنوان «ابی‌الله الاان صفین‌دارنا – ودار کم مالاح فی‌الافق کوکب...» دارد: «قال محمدبن عمرالبلخی انشدنا ابونصر محمدالقاضی قال انشدنا ابوعمروالقاضی عن‌ابیه». همچنین درعنوان:

تعلم ابابکر ولاتك جاهلا بان علیا خیرحاف و ناعل

که دارد: «وقدروی ابوالحسن المظفرالبلخی رحمه‌الله باسناده».

درعنوان:

«اذا اقضی لك‌الرحمن رزقا یعد لرزقه المقضی بابا»

دارد: «عن عبدالصمدبن محمدالصادانی عن ابیه».

درهامش گ ۱۷۸ الف دارد: «روی‌الاخطب باسناده فی‌المناقب عن بشربن‌الحارث‌قال‌رأیت‌امیرالمؤمنین ﷺ فی‌المنام فقلت له هل تقول شیئا ینفعنی فقال (ع): انماالدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت... لیس یبقی‌احدغیرحی لایموت».

دربرابر «لایستوی من یعمر المساجدا – و من یبیت راکعاً و ساجدا – یداب فیها قائماً و قاعدا – و من یری هکذا معاندا» درهامش دارد: «قال محمدبن اسحق: ...» در اینجا داستان ساختن پیامبر مسجد مدینه را آورد. درعنوان: «انا اخو المصطفی لاشك فی نسبی ...» دارد: «ذکر الامام علی بن احمدالواحدی وهو امام اصحاب الشافعی بخراسان ...» و درهامش دارد: «وقداورده الشیخ المفید ره الاالبیت الثالث وقدروی اخطب خوارزم فی المناقب عن ابی العلاالحسن بن العلا (احمدالعطار) الهمدانی عن الحَسن (بن احمد) المقری عن ابی (احمدبن عبدالله الحافظ (حدثنا محمدبن المظفر) عن علی بن احمدبن مروان المقری عن زبیربن الحکماء (البکار) عن عبدالله بن محمدالبکری (... عن جابر) هذاالبیت (باب ١٤ مناقب خوارزمی گ ۲۹ الف ش ٦۲۱ که سند آن درعبارت یا آنچه دراین نسخه آمده یکسان نیست آنچنانکه درمیان دو کمانه نموده شده).

دربرابر «اتانی ان هنداخل صخر ...» درهامش دارد: «فی یوم احدرواه محمدبن اسحق یرثی عمه حمزة فی روایة احمدبن کامل بن خلف».

درعنوان:

«دواؤك فیك و ما تشعر	و داؤك منك و ما تبصر
و تزعم انك جرم صغیر	وفیك انطوی العالم الاکبر
وانت الوجود و نفس الوجود	و ما بك بوجد لایحضر
فلاحاجة لك فی خارج	فتخبر عنك بما تسطر»

دارد: «وممانسب الیه المحققون علیه السلام»(١) چنین بیاددارم که این بیتها را

١– مانند سه بیت: «سبقت العالمین الی المعالی ...» است که در النقض رازی ص ۲۰۰ ازمتنبی درستایش سیف‌الدوله دانسته شد. و درتاریخ رویان آملی ص ٦٤ وتاریخ طبرستان مرعشی ص۲۰۱ بیت سوم آمده واز کسی دانسته نشد. درالجواهر المضیئة (۲: ۲٤٤) ازعلاءالدین ابوبکر کاسانی حنفی نگارنده البدائع (م ٥۸۷) دانسته شده و در رباعیات خیام چاپ یکم دانش دراسلامبول در ١۳٤۰ ص ۳٦١ (نه دوم و چاپ ١۳٤٦) ودرسلسلة الترتیب چاپ تازة ترکیه ص ١١٥ ازخیام دانسته شده است. ولی ابن شهرآشوب (بحار ١۰: ١٤٥) آنها را ازحسین (ع) پنداشته است.

دریکی ازنگارشهای سهروردی شهید دیده‌ام و سروده او. اکنون هرچه گشتم نیافتم.

درعنوان: «ای یومی من الموت افر ...» و «تفنی اللذاذة ممن نال شهوتها ...» دارد: روی ابوجعفربن بابویه». ودرعنوان: «اذا المشکلات تصدین لی – کشفت حقائقها بالنظر ...» دارد: «روی الشیخ الطوسی باسناده عن ابی الاسودالدؤلی ...» درعنوان: «افلح من کانت له قوصرة ...» دارد: «قال الریاشی حدثناه ابوعاصم عن معاذبن العلاء عن ابیه عن جده قال سمعت علیاً ع یقول» درعنوان این بند «وقیت بنفسی خیرمن خیروطئی الحصا – ومن طاف بالبیت العتیق وبالحجر ... وبت اراعیهم متی ینشروننی – وقدوطنت نفسی علی القتل والاسر ... اردت به نصرالاله تبتلا – واضمرته حتی اوسد بالقبر» که علی سرگذشت خویش را هنگام کمك پیامبر درغار در آن آشکارمیدارد دارد «رواه ابوجعفرالطوسی بالاسناد وغیره واللفظ لابی جعفر» ودردنبال آن دارد: «وهذاالبیت من روایة السید اورده بعدقوله (وبت اراعیهم) وقد اورده الشیخ المفید ابوعبدالله حینئذ ایضا» این بند دارای ۷بیت است وچهارتای از آن بااندك جدائی وپس وپیش درمناقب خوارزمی باب ١۲ (گ ۲١) هم آمده است. درنسخهٔ ما ازسید باید مرتضی علم الهدی خواسته شده باشد چنانکه درعنوان بند «اصبرن یابنی فالصبراحجی – لکل حی مصیره لشعوب» آمده: «قال السیدالشریف المرتضی علم الهدی قدس الله روحه اخبرنی الشیخ المفید رحمه‌الله ...» درجای دیگر هم یادی ازسید شده چنانکه خواهیم دید.

درعنوان «تلکم قریش تمنانی لتقتلنی ...» آمده «رواه ابوعمربن العلا وابن درستویه» و پس از دو بیت:

«ما ان تاوهت فی شیء رزیت به
کما تاوهت الاطفال فی الصغر
قدمات والدهم من کان یکفلهم
فی النائبات و فی الاسفار والحضر»

دارد: «وقال ابوعثمن المازنی لم یصح عندنا انه ع تکلم من الشعر بشیء

الاهذین البیتین . قلت هذاالقول منه لایدل علی انه لایصح اصلا . فقد یصح عند غیره اشیاء لاتحصی و ان لم یصح عنده . وزاد غیره » باز دارد . وقال ابوجعفر الطوسی . . قال (ع) : « صبرت علی مرالامور کراهة . . . » .

دربارهٔ « انم الناس اعرفهم بنقصه ـ واقمعهم لشهوته وحرصه . . آمده : قال محمدبن عمر البلخی انشدنا ابونصرمحمدبن محمدبن القاضی قال انشدنا ابوعمرو القاضی عن ابیه عن جده عن امیرالمؤمنین » .

نیزدارد : « وفی روایة السید : لاصحبن العاص وابن العاص ـ من معشر من غالب مصاص . » همچنین آمده : وفی التفسیر المنسوب الی الامام الزکی الحسن العسکری ما احسن الدنیا و اقبالها ـ اذا اطاع الله من نالها . . . بزیادة من روایة السید : و کم رأینا من ذوی ثروة ـ لم یقبلوا بالشکر اقبالها . . . » درعنوان دوبند

« الحمدلله الجمیل المفضل   المسبغ المولی العطاء المجزل »

و « رایت المشرکین بغوا علینا ـ ولجوافی الغوایة والضلال » دارد ، « رواه محمدبن اسحق » و در عنوان بند « لاتظلمن اذا کنت مقتدرا ـ فالظلم مرتعه الی الندم » دارد : « و مما وجد منسوباً الیه ع بخط عتیق » در عنوان « لقد علم الامام بان سهمی ـ من الاسلام یفضل کل سهم » آمده « ذکر الامام علی بن احمد الواحدی » .

این بند : « لاتخضعن لمخلوق علی طمع ـ فان ذلك وهن منك فی الدین . . » که دارای هفت بیت است درنسخهٔ ما (۱۹۶ ب) درباب ۲۴ مناقب خوارزمی (گ ۱۸۴ الف ش ۶۲۱) هم دیده میشود مگر اینکه در آنجا چهار بیت است وبا نسخه ما یکسان هم نیست .

این بند : « الله اکرمنا بنصر نبیه ـ وبنا اعز شرایع الاسلام . . . » که دارای هفت بیت است در مناقب باب ۱۴ آمده و درنسخهٔ انوارالعقول ما دیده نمیشود ولی دردیوان چاپی ص۱۲۴ بگونهٔ دیگردیده میشود . شعرهاورجزهائی ازعلی باز درباب ۱۶ مناقب هست . درفصل ۳ باب ۱۶ آن (گ۱۴ ب) رجزی ازعلی

باقافیهٔ قاف درپاسخ رجزمعاویه هست که درانوارالعقول نیست همچنین ازسرودهای جنگی او درایتجا دیده میشود .

درروضة الواعظین فتال دوبیت « لکل اجتماع من خلیلین فرقة . . . » که علی درمرك فاطمه سروده است (مجلس فی ذکرالموت والروح گ ۱۷۸ الف ش ۶۲۴) وهمچنین بیتهای « اناالذی سمتنی امی حیدره . . . » (مجلس فی ذکرفضائل امیرالمؤمنین علی گ ۵۱ ب) و « محمدالنبی اخی وصهری . . . » درهشت بیت (فی ذکر اسلام امیرالمؤمنین گ ۳۷ ب) دیده میشود .

غزالی دراحیاء (کتاب العلم . الباب السابع . بیان حقیقة العقل واقسامه ص ۵۶ چاپ ۱۲۹۳ ایران و ۱ : ۹۱ مصر ۱۳۵۸ و ۱ : ۴۶۱ شرح زبیدی) چنین نوشت : قال علی کرم الله وجهه :

رأیت العقل عقلین	فمطبوع و مسموع
ولاینفع مسموع	اذا لم یك مطبوع
کمالا تنفع الشمس	وضوء العین ممنوع

این بیتها درانوارالعقول ودیوان چاپ ۱۳۱۰ نیامده است .

چنانکه زبیدی هم گفته غزالی آنها را از قوت القلوب ابی طالب مکی (کتاب العلم . فصل ۳۱ ، باب وصف العلم وطریقة السلف چاپ ۱۳۵۱ مصر ۲ : ۳۶) که دارد : « قد انشدنا لبعض الحکماء : رأیت العلم علمین فمسموع ومطبوع . . . » وازذریعهٔ راغب سپاهانی (فصل ۲ باب ۲ ص ۵۴ چاپ ۲ مصردر ۱۳۰۸) وازمفردات او (چاپ مصر ۱۳۲۴ ص ۳۶۴) که درهردوجا ازعلی دانست و باانذکی جدائی ، گرفته است ونیز ازاسرارالتنزیل فخررازی که درفارسی آن بنام لطائف غیائی نیافته‌ام .

آغاز : بسم الله (الحمدلله) الذی ذلت لعزته الجبابرة وتضعضعت دون عظمته الاکاسرة واتضحت الاعلام علی تزوده بالهیته و تحیرت الاوهام فی کنه هویته . انطق العقول النشطة عن عقال الفضول فهی تعرب بواضح البیان عن صمدیته . وابکم

السنتها عن ان تفوه بما يكشف عن لب ماهية، فهو الظاهر لها ببدائع صنعته الباطن
من ان يحاط علما بحقيقته . سبحانه من اله ما اعظم شأنه ، و اوضح برهانه . ثم
افضل الصلوات و ازكى السلام على نبيه المصطفى محمد سيد الانام ، وعلى عترته
الكرام و ائمة الاسلام .

و بعد فقد تحقق ان العلم انفس ما يتنافس فيه انفس العاقلين و اشرف ما يرغب
فيه قلوب الراغبين اذ به قوام الدنيا والدين و نظام العالمين وله مسالك لا يبدلطالبه
ان يسلكها كي يحصل اماليه ويدركها ومن اهم طرقه سلوكا الوقوف على حقايق
كلام العرب والعثور على دقائق مايرمزون في محاوراتهم من النكت والنخب اذ به
يطلع على بدائع معاني كتاب الله العزيز ، و روائع معاينه المشهود لهما بالتبريز ،
و هكذا على اسرار كلام سيد المرسلين والائمة الطاهرين والصحابة والتابعين .
وقد جرت العادة بان يؤنس طبع المتشوق الى ماهناك و يخرج ذهن لطالب ذاك
بعزيز من الشعر الذي اربى على السحر اذهو من مفاخر العرب والعجم ، ومحاجز عيون
عيون الادابو الحكم . و كل ممن اقام له راية واظهر فيه آية قدعني بارتباط
شوارد الكلم واصطياد فوايد الحكم . و كان المبرز والممن في الفحص عن اسراره
و مبانيه معظماً في سائر الامم ولذلك مارخص المتادب المتبصر في الانحراف عنه
وترك الالمام بطرف منه بل العلماء باجمعهم وزوبرهم كلفوا بجمعه وضبطه والتحريص
على حفظه ودرسه و نقشه في القلوب و غرسه. ثم وجدناهم قد اعتبروا في اختيار
الاشعار حال الشعراء في الحسب والنسب والسؤدد والمنصب حتى قيل : و خير الشعر
اكرمه رجالا ـ وشر الشعر ما قال العبيد . ونحن نرى ارباب الشعراء المورخين اياه
ادق من الشعر والطف من السحروان كانوا تغلغلوا في شعابه و وقفوا على دقائقه من
جميع ابوابه؛ فقد ادرج اكثرهم الحق بالباطل ومزج المطوق بالعاطل ، وقمش
من اباطيل اللهو واضاليل اللغومايسخط الرحمن ويرضي الشيطان. فلذلك ينبو عنه
طبع من غلب جده هزله و طاوع نفسه عقله و طبع على الفطرة السليمة ونشاء
في الصنعة المستقيمة. فتاملت فلم اجد شعراً اشرف نسباًومحتداواكرم منشأ ومولداً

واجمع لفوايد الدارين واجل رتبة من الاثورين من الاشعار المنسوبة الى سيد الاوصياء
ووصى سيد الانبياء امام الائمة وافضل الائمة راس العترة ورئيس الدين والملة المنصوص
عليه من رب العالمين الملقب من لدنه بامير المؤمنين ليث بني غالب ابي الحسن علي بن
ابي طالب عليه الصلوة والسلام. فقد والله تحقق انه ماعرف منقبة من المناقب يعبأبها
ومرتبة من المراتب يرغب فيها الا و امير المومنين اصلها ونظامها وله ذروتها وسنامها.
فلشعره اعلى المراتب كما ان له اعظم المفاخر واشرف المناصب و كفاه شرفاً انه منسوب
اليه من كلا جانبيه هذا ماجمع من المعاني الغرائب ما اربى على كل غريبه و تضمن
من المعاني العجائب ما ازرى بكل عجيبه على انه عليه السلم ماكان يتعب في اختراع
معاينه خاطراً ولا يكل في ابداع مبانيه ناظراً بل ينشئه انشاء المرتجل كما يبتدى
احدنا بكلامه المبتذل و هكذا اذابه في خطبه و سائر كلامه التي بهرت العقول
بالفصاحة وبلغت الذروة العليا من البلاغة والبراعة وان تعجب من ذلك متعجب فكل
افعاله عجب وذلك فضل الله يؤتيه من يشاء. وقد كنت في قديم الدهر ظفرت بمجموع
منه اشعاره الجامعة لجلائل الكلم وعقائل الحكم نحو من مائتي بيت جمعها الامام
ابو الحسن الفنجكردي رحمه الله فآنست بذلك واجتهدت في اقتناص شوارد على
مافيه زوائد اذ لم يكن الاطرفا من طرفه و درة من صدفه الى ان عثرت على
مجموع ابسط منه باعاً وارحب ذراعاً و ان لم يكن بالذي شمل الكل واستجمع
الكثر والقل فقد استخرج بعضها من كتاب محمد بن اسحق وغيره من العلماء والتقط
بعضها من متون الكتب مما وجد منسوباً اليه. فاقترح على بعض الاخوان ان اجرد
من المجموعين ما اختص بالآداب والحكم والمواعظ والعبر دون ماذكر في ساير
الاغراض فاسعفته سؤله وحققت مأموله وسميت المجموعة بالحديقة الانيقة ثم وقع
الى باخرة مجموع من اشعاره عليه السلم جمعه السيد الجليل ابو البركات هبة الله
الحسني فلم اجد فيه كثيراً مما وصل الى وان كان قد اورد اياتاً له ع شردت مني
وشذت من يدي و كنت في خلال ذلك اجد في الطلب واداب كل الدأب اتفحص
كتب التواريخ والسير والتقط ما اقف عليه من الغرر والدرر مسند او مرسلا مقيداً
ومهملا. اذ كان غرضي ان انظم افرادها واجمع آحادها فلذلك لست ادعي ان كل

فلق فيه سمع من قلق فيه وانه عليه‌السلم قطعاً ويقيناً ناظمه ومنشئه بل فى كثير منه آخذ بالظن والتخمين اذمن الشذرفى مثله‌الحكم باليقين.فان ورد على امرى مايريبه فحسبه‌من‌الكلام عليه. هذا. ولا ازعم انى‌احطت بجميع اشعاره واطلعت على نتايج افكاره ,بل اجوز ان اكون‌الحاصل عندى دون ماصفرت منه يدى وما على‌الابلل جهدى وارجوان يكون‌المنفعة به كاملة تامةوالفائدة شاملة عامة وهاانا قداملت زمايم‌الهمة الى القيام بهذه‌المهمة ورأيت بعدان‌اسمى هذاالمجموع بانوار العقول من اشعار وصى‌الرسول والله تعالى‌الموفق لما يزلف اليه وهو حسبى ونعم‌الو كيل .

بسمله . قال امير‌المؤمنين و ارث علم‌النبيين وقائدالغر‌المحجلين‌وافضل‌الخلق بعدرسول‌رب‌العالمين‌على بن‌ابى طالب عليه‌افضل صلوة‌المصلين ـ وله‌عليه‌السلام :

الناس من جهة‌التمثال اكفاء   ابوهم ادم والام حواء

انجام : وله عليه‌السلام .

ولو كنـا اذا متنا تركنا   لكان‌الموت راحة كل حى

ولكنـا اذامتنـا بعثنـا   ونسأل بعده عن كل شى

هذا ما كدى اليه كدى وادى‌اليه جهدى من‌التقاط هذه‌الدرر‌الفريدة وارتباط اوابدها‌الشريدة‌جمعتها من‌مظان متباعدة وسردتها من‌اماكن متمادية وقدحبرتها لك وسقتها اليك فعليك بالحسرعن ذراع الجد والتشمير عن ساق الجهد لحفظه ورعاية‌الفاظه ومعانيه والتغلغل فى شعاب دقائقه ومبانيه ولاتذهلن عن‌قولى فيه :

خيرالدواوين تحويه وتحفظه   ديوان شعرامير‌المؤمنين على

فيه‌المعالى وفيه‌الفضل مجتمعاً   كفضل‌صاحبه‌فى‌العالمين على

وبالله‌التوفيق . وحسبناالله و نعم‌الو كيل و صلى‌الله على محمد وعترته اجمعين

(گ ۱۹۳ الف) (بنگريد به نسخهٔ ش ٤٨ طوس ٣ : ١٧٢) .

[١٣١٤]

١١٤١ اين نسخه ش ٣ دفتريست داراى ٣ كتاب و رساله وهمه بخط نسخ با عنوانها ونشانه‌هاى شنگرف ميباشد و نويسندهٔ همه يكى است .

دراين شماره خطبه بنستعليق و درهامش عنوانها و افزوده‌هائى برمتن هست و حاشيه‌هاى افزوى بنستعليق دارد . گ ١٦٩ ب ١٩٣ الف . در ١٩٨ ب تاريخ شب سه شنبه ٩ رمضان (برج سرطان) ١١٤٥ و در ١٩٩ ب تاريخ ١١٤٨ ديده ميشود .

عنوان پاره‌اى ازبندها كه ميرساند چه‌از آنها خواسته شده يادرباره چه سروده شده درهامش آمده وگويا همين عنوانها بود كه درچاپهاى ايران از ديوان بفارسى عرب‌مآبى درآمده است واين عنوانها مانا ازخود گيدرى است .

درگ١٩٣ب دارد : «بسمله . الهى انت‌جبار‌السماء ـ حقيق‌بالمحامدو الثناء ...» كه مناجات ونيايشى است سپس شعرهاى زين‌العابدين : «تبارك ذوالعلا والكبرياء ـ تفرد بالجلال وبالبقاء ... » سپس چند بند نيايش وسرودهاى پارسايانه باعنوان «وله عليه‌السلام» آنگاه دارد : «روى‌الامام‌ابوعلى الفضل‌بن‌الحسن‌الطبرسى رحمه‌الله باسناد متصل عن ابى يحيى عمروبن توبة عن جعفربن محمد‌الصادق ... » و در آن از «صحيفه» اى يادميشود كه پيشوايان هريكى بديگرى سپرده وعلى‌بن حسين هرشب آنرا ميخوانده وآن مناجات امير‌المؤمنين است وروى حرفهاى معجم و بدينگونه آغاز ميگردد : « يا سامع‌الدعاء ـ ويا رافع‌السماء ـ و يا دائم‌البقاء ـ ويا واسع‌العطاء ـ لذى‌الفاقة‌العديم ...» سپس چندبيتى باز از شعرهاى على‌آمده و بازپسين آنها درمتن اين است :

وله عليه‌السلام

تبذر ما اصاب ولاتبالى   اسحتا كان ذلك ام حلالا

* * *

توخ من‌الامورفعال خير   واجزلها واجلها خصالا»

آنگاه دارد :

« اوصيك بتقوى‌الله فى‌الغيب والشهادة ... والرضا عن‌الله... فى‌الشدة‌والرخاء. الحمدلله رب‌العالمين ـ قد شرف بتسويد هذاالديوان‌الشريف‌المنسوب الى حضرة امير‌المؤمنين ... على بن‌ابيطالب ع الفقير‌الحقيرابن (محمدبيك على‌رضا) سنة (١٠٨٧) (در اينجا گويا همين على‌رضا عبارت را تراشيده ونام خودرا نوشت وتاريخ ديگرى آورد كه گويا ١٠٨٧ باشد و درست خوانده نميشود) ـ درهامش دوبند دارد يكى ازحسين‌بن على :

فهم‌فى‌بطون‌الارض‌بعدظهورها   محاسنهم فيهـا بوال دواثر

* * *

وان امرء ايسعى لدنياه جاهلا   ويذهل عن‌اخراه لاشك خاسر»

دیگری از کسی دانسته نشد وچنین است :

« و کن بشاقر یساذا انشاط　　　　وقسن برتجیك جهات رائی

...

تلق مواعظی بقبول صدق　　　　تفز بالامن عند حلول لائی

صح وتم بعون الله تعالی » (گ ۱۹۸ الف).

[۱۱۴۲] انیس الوحید فی شرح کتاب التوحید (عربی)

دانشمند شیعی سید نعمة الله بن عبدالله شوشتری جزائری (۱۰۵۰-۱۱۱۲) پس از اینکه هشت مجلد کتاب غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام وسه مجلد کتاب کشف الاسرار لشرح الاستبصار والانوار النعمانیه و نوادر الاخبار وشرح صحیفه سجادیه را بانجام رساند وپس از گزارشها و حاشیه‌ها که درفنها و دانشهای عربی نوشت درروز ترویهٔ سال ۱۰۹۹ درشهر حویزه این انیس الوحید را درشرح و گزارش توحید صدوق نگاشته است وروش کلامی وفلسفی شوشتری در آن آشکار است. گرچه او مشرب اخباریان دارد. این گزارش آمیختهٔ بامتن است وبنام انیس الفرید (ذریعه ۲ : ٤٦٣) وانس الوحید (۲ : ۳٦۸) هم خوانده شده است واودر گزارش بر العیون یا لوامع الانوار میگوید که من این را پس از گزارش بر توحید (همین کتاب) نوشته‌ام ودرزهر الربیع (ص ۲۹٦ چاپ ۱۲۹۲ هند) هم ازاین گزارش یاد کرد ونامی بدان نداد ولی نگارندهٔ ذریعه (۲ : ٤٦۳) می نویسد که اودراین کتاب این گزارش را انیس الفرید خوانده است.

آغاز : (کتاب انیس الفرید للسید العلامه الاواه المؤید من عندالله السید نعمة الله الجزائری نورالله ضریحه فی شرح التوحید للصدوق قدس سره) بسمله. الحمدلله الذی جعل توحیده مفتاح ابواب الجنان. وتوعد من جاحده العذاب فی النیران ... وبعد فان . . نعمت الله الحسینی الجزائری ... یقول لما وفق الله ... اتمام کتابنا غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام فی مجلدات عدتها ثمان و کشف الاسرار لشرح الاستبصار فی ثلث مجلدات حسان و کتاب الانوار النعمانیه و نوادر الاخبار وشرح الصحیفة السجادیة وما الفناه من الشروح والحواشی فی فنون العربیة اردنا التوجه

الی شرح کتاب یشتمل علی جوامع التوحید فلم نر اوفق من کتاب الصدوق الموسوم بالتوحید فوجهنا الخیل والرجل الیه واتیناه فوقفنا علیه ... وسمیناه وانیس الوحید فی شرح کتاب التوحید ».

انجام : (وبیت فی ریاض الجنة) (باب ذکر مجلس الرضا مع سلیمان المروزی) ربض الجنة اسافلها وما قرب من بابها و سورها. قال فی النهایة « انا زعیم بیت فی ربض الجنة . . . تشبیها بالابنیة التی تکون حول المدن وتحت القلاع » انتهی - وبه انتهی الکتاب علی ید مؤلفه ... نعمة الله الحسینی الجزائری ... یوم الترویه سنة التاسعة والتسعین بعد الالف و کان ختامه فی بلدة الحویزه حرسها الله تعالی من آفات الزمان و بوائق الحدثان والحمدلله وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

[۱۳۱۵]

۱۰۲۵ این نسخه بنسخ باعنوانهای ونشانه‌های شنگرف ومتن‌هم بشنگرف ودرروز پنجشنبه ۲۷ جمادی یکم سال ۱۲٤۷ نوشته شده است و ملا محمد حسین سلیمانی درهمدان دررمضان سال ۱۲٦۳ آنرا وقف کرد وتولیت آنرا بپسرش میرزا عبدالله وپس ازاو به بقیه از بن فرزندان خویش داده است (این وقف در گ ۱ الف با مهری ناخوانا نوشته شده وروی آن خط کشیدند) ودر ۱۲۸۸ دارندهٔ آن بکسی واگذار نمود.

(۳۳۳ ب) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵ × ۳٦ و ۸/۵ × ۱۹/۵ ـ س ۲۱

[۱۱٤۳] اهلیلجة (عربی)

این نامه چنانکه از آغاز آن برمیآید پاسخی است ازامام جعفر صادق (ع) بمفضل پسر عمر جعفی کوفی که او را در ص ۲۱٤ این فهرست شناخته‌ایم (۱)

۱ـ نوری درمستدرك ۳ : ٥٦۲ مفضل را ازراستگویان میداند ومیگوید که : ما گروهی ازفرزانگان اورا ازبزرگان راویان واز کسانی میدانیم که نزد پیشوایان راهنما درستکار شناخته شده است. آنگاه چندین روایت دراین باره میآورد وروایتهائی که درنکوهش او آمده است سست میشمارد و می نویسد که مفید و طوسی و ساروی و کفعمی وفرزندان بسطام درطب الائمه وصدر عاملی وابن طاوس ومجلسی یکم وابن شعبه درتحف العقول اورا ازیاران و شناختگان امامان دانستند وابن ابی عمیر از او روایت کرده است وبزرگان دیگر مانند محمد بن مسلم وجعفر بن بشیر وجز اینها هم ازاو روایت دارند و کتاب توحید او بگفتهٔ مجلسی یکم درراهنمائی باصل دین بهتر است ازنوشته‌های بیدینان وحکیمان بویژه برای توده مردم و پاسخنان پیامبران وجانشینان آنها هم درست درمیآید ونیز خود این دفتر و نوشتهٔ ان بخوبی میرساند که ساختگی نیست ودرست است.

واو باملم نوشت که کسانی درمیان مسلمانان پیداشدند که بروردگار را نمیشناسند ودلیل برای نبودن خدا میآورند و از شما میخواهم که بر آنان رد کنید و دلیل دربرابر آنها بیاورید. پس امام چنین نوشت که نامهٔ شما رسید و از اینکه گفته‌اید که خداناشناسان پیدا شدند و شمارهٔ آنها بسیار گشت و دشمنی آنها فزونی یافت آگاه شدم. خواسته‌اید که از آنها خرده گیرم و کتابی دراین باره بسازم چنانکه دررد بدعت گذاران و جدائی اندازان همین کار کرده‌ام. تا اینکه میفرماید برای شما دفتری ساخته‌ام که در آن با برخی از پیروان دینها که خدائی نمی‌شناسند گفتگو نمودم و آن بدینگونه است که پزشکی از شهرهای هند پیش من میآمد وبا من دربارهٔ اندیشهٔ خویش سخن میراند تا روزیکه هلیله‌ای (اهلیلج) را میکوبید و از آن داروئی میخواست بسازد که مرا بکار آید ـ دراین هنگام گفتگوی امام و پزشك هندی درمیگیرد و او برای خداشناسی دلیلی نمی‌بیند ومیگوید که بجز پنج حس راهی برای شناخت چیزها نداریم و باهیچیك از آنها خدائی شناخته نشد. امام فرمود که خدا را با خرد می‌شناسیم نه با پنج حس ـ تا پایان نامه امام ازروی نگریستن بهمان هلیله و پیدائی آن و از روی شناخت جهان طبیعت، خدای را ثابت میکند وصفتهای او را روشن میدارد و پزشك هندی بخدای میگراید وسخنان امام را می‌پذیرد (نیز بنگرید بفهرست طوس ٥ : ٣٠) درذریعه (٢ : ٤-٤٨٣) از چهار کتاب «اهلیلجه» یادگردید یکی از ابی‌یعقوب اسماعیل بن مهران بن ابی نصر زید سکونی کوفی از یاران رضا (ع) دوم از ابی جعفر حمدان بن‌المعافی صبیحی شاگرد کاظم و رضا (ع) که گویا راوی این کتاب باشد (بحار) سوم از ابی‌سلیمان داودبن کثیربن ابی کلده‌رقی دارندهٔ «اصل» و راوی ابی‌عبدالله و ابی‌الحسن که اندکی پس‌از رضا (ع) درگذشت چهارم از امام جعفر صادق (ع) درپاسخ نامهٔ مفضل بن عمر جعفی که گفتگوایست ازاو با پزشکی هندی و ابن‌طاوس در کشف‌المحجه فصل ١٦ ص ٩ و امان‌الاخطار باب ٦ فصل ٧ ص ٧٨ سفارش میکند که آنرا درسفرها با خود بدارند ودر آن بنگرند.

مجلسی درفصل دوم جلد یکم بحار نوشته است که برخی از دانشمندان سنی هم آنرا ازصادق (ع) دانسته‌اند (١ : ١٣).

او درجلد دوم بحار (ص ٤٧ - ٦٢) همهٔ «اهلیلجه» را بروایت از یك ناشناخته‌ای ازمحرزبن سعید نحوی ازمحمدبن ابی‌مسهر (مشتهر) دررمله ازپدر او از نیایش آورده و گزارش نموده است. ابن‌شهرآشوب درمعالم (ش ٨٠٩) آنرا ازمفضل واملاء صادق درباره توحیددانسته. ابن‌ندیم درفهرست (ص ٢٥٠) درسرگذشت هشام‌بن‌الحکم از کتاب‌الدلالات علی حدوث‌الاشیاء و کتاب‌التوحید او یاد کرده است که مانند همین اهلیلجه ازخداشناسی در آنها گفتگو میشده‌است.

این اهلیلجه را میرزا محمد رضای کلباسی سپاهانی ونیز دانشمندی دیگر بپارسی در آوردند. (ذریعه ٣ : ٨٢).

اینگونه استدلالی که در «اهلیلجه» دیده میشود همانست که درحیوان جاحظ(٢ : ١٠٩ و٢٩٩)هم آمده‌است وهمان استدلال غائی یا Preuve physico théologique یا Preuve des causes finales میباشد که از مدرسیان اروپا بن آواستوریاك Saint Bonaventure وتماس پاك Saint Thomas وهمچنین بسوئه Bossuet و کانت فیلسوف آلمانی (Kant) بدان ارزش نهادند(١) و پاره‌ای از استدلالهای قرآن نیزروی همین پایه است که از نظام طبیعت بود علتی غائی وخدائی آگاه ودانادریافت گردد. این دلیل را دانشمندان کالبدشناسی (وظائف‌الاعضاء) بیشتر آشنائی داشتند. بهترین دفتری که دراین زمینه ساخته شده «اظهار حکمة‌الله فی خلق‌الانسان» ابوسهل مسیحی گرگانی فیلسوف ترساست که در ص ٧١٩ شناخته‌ایم. اینگونه کالبدشناسی را جالینوس هم آشنا بوده و گویا چنانکه بیاد دارم بیرونی ازاو خرده گرفت که تو چون مردمی را دوچشم درجلو می‌بینی برای آن چنین غرضی میاندیشی و اگر او را یك چشم

١ـ بنگرید به تاریخ مسائل وحل فلسفی ژانه وسنای ص ٨٢٨ و کتاب مختصر درفلسفه نیز ازژانه ص ٨٥١.

از جلو و دیگری در پشت سر می بود غرض دیگری می پنداشتی - چنانکه گفته اند مرغ چون پر در آورد پرید نه اینکه چون میخواست بپرد پر در آورده باشد. نسخه‌های اهلیلجه یکنواخت نیست واز نسخه‌های طوس شماره‌های ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۶ مانند نسخهٔ چاپی است وشماره‌های ۳۹۴و۸۳ مانند همند وجز آنهای پیش وشماره ۳۹۵ مانا با اینهاهمه در آغاز یا انجام یکی نیست ونسخهٔ شماره ۵۰۲/۹ ما مانند چاپی است واندکی با آن جدائی دارد ونسخهٔ شماره ۱۱۳۱/۳ ما در آغاز مانند چاپی وانجام آن چیز دیگر است ودر پایان مانند شماره‌های ۳۹۴و۸۳ طوس میباشد.

[۱۳۱۶]

این نسخه ش ۹ دفتر است وبخط نسخ وروی آغاز مطلبها خط کشیده شده است گ ۲۸۵ ب - ۳۳۷ الف (بنگرید به ۵۰۲/۸).

چنین است این نسخه:

آغاز: حدثنا محرز بن سعید النحوی بدمشق ...

انجام: وان نسك في عظمته وقدرته ولطيف صنعه وجبروته جل عن الاشباه والنظائر وتكبر عن الشركاء والانداد.

[۱۳۱۷]

این نسخه ش ۳ دفتر است وخط نسخ میباشد گ ۶۵ ب ۹۴ الف اهلیلجه این نسخه با چاپ نجف (در ۱۳۶۹ با توحید مفضل) در پایان یکی نیست (بنگرید به ۱۱۳۱/۱) چنین است این نسخه:

آغاز: قال حدثنی محمد بن محرز بن سعید النحوی بدمشق قال حدثنی محمد بن ابی مسهر بالرملة عن ابیه عن جده قال كتب المفضل بن عمر الجعفي الى ابي عبدالله جعفر بن محمد الصادق ... يعلمه ان اقواماً ظهروا من اهل هذه الملة يجحدون الربوبية ... فكتب ابو عبدالله: بسمله. نعمة جل قدرها وعظم شكرها اما بعد وفقنا الله لطاعته ... فقد بلغني كتابك.

انجام: وان الله يبعث من في القبور عليه احيى واموت انشاءالله تعالى (تم كتاب الاهليلجه عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام وصلى الله على محمد و آله الاطهار الطيبين المعصومين

بعون الله الملك الوهاب - في مشهد المقدس الرضوی علی ساكنه السلام في سنة ۱۰۶۹ وقف على الشروط المرقومة في اول الكتاب - بخطه عليه السلام في جواب كتابة مفضل بن عمر في التوحيد من اصول الشيعة).

[۱۱۴۴] ایضاح دقائق النواصب (عربی)

ابوالحسن محمد بن احمد بن علی بن شاذان قمی کوفی خواهرزادهٔ ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی نگارندهٔ کامل الزیاره (م نزدیك ۳۶۹) و شاگرد صدوق و ابومحمد هرون تلعکبری (م ۳۸۵) و استاد شیخ طوسی و ابی الفتح محمد کراجکی (م۴۴۹) ونجاشی (م ۴۵۰) برای یکی از شیوخ و خواجگان این دفتر پرداخت وصد گونه منقبت از صد حدیث از طرق عامه در آن آورده است ونخستین حدیث را از حسین بن احمد بن سختویه که در کوفه بسال ۳۷۴ برای او روایت کرده بود آورد وحدیثهای دیگر هم گویا از همین پسر سختویه است. کراجکی آنرا در مسجد حرام بسال ۴۱۲ براو خوانده (هدیة الاحباب ص ۶۸ - سفینة البحار ص ۹۶۲ ج ۱) ودر الابانة والاستبصار فی النص علی الائمة الاطهار و کنز الفوائد خود از آن یاد نمود. سید هاشم بحرانی توبلی در برهان و غایة المرام و مجلسی در اربعین و نوری در مستدرك از آن بهره بردند. نگارندهٔ روضات (ص ۳۰۷ و۵۴۳) آنرا دردست داشت و آغاز آنرا یادنمود وبندهائی از آنرا که کراجکی آورده است یاد کرد. از آنها برمیآید که کراجکی از ایضاح دقائق النواصب بهره برده است همانکه درمکه درمسجد حرام بسال ۴۱۲ نزد ابن شاذان خوانده. وهمین کتاب ما باید باشد که بمناقب نامبردار است مگر اینکه خوانساری آنرا گویا جزاین کتاب ما میپندارد.

باری این دفتر بنام ایضاح دقائق النواصب با طرف ابن طاوس در نجف بسال ۱۳۴۹ در ۶۰ ص بچاپ رسید ودر ص ۶۱-۶۴ آن سرگذشتی از ابن شاذان دیده میشود. (نیز کنتوری ۵۵۵) درذریعه (۲: ۴۹۴) دارد که ایضاح جز مناقب است چه در آن ازمثالب خلفا که عقل ونقل بر آن گواه است یادشده ولی در مناقب

تنها از همان منقبتهای امامان گفتگو گردید اگرچه کراجکی آنرو را یکی دانست ـ کراجکی در کنز که در آن از سال ۴۱۸ یاد میکند (ص ۱۴۱) روایتی از پسر شاذان میآورد که در مسجد حرام مکه سال ۴۱۲ برای او گفته‌است و نامی از کتاب او نمیبرد (ص ۶۲ و ۲۸۲) و همچنین از مفید میآورد که ناصبیان دربارهٔ میراث سخنی بپسر شاذان گفته‌اند که او نتوانست پاسخ گوید و من بدان پاسخ میدهم. در اینجا در متن کنز دربارهٔ پسر شاذان عبارت « رحمه‌الله » دارد و از این برمیآید که او میان ۴۱۲ و ۴۱۸ در گذشته است (ص ۱۲۱).

آغاز : الحمدلله‌الاول فی دیمومته‌الدائم فی ازلیة‌العدل فی قضیته ... قال‌الشیخ الفقیه ابوالحسن محمدبن احمدبن علی‌بن‌الحسین‌بن الشاذان ... لقد (فقد) جمعت لك ایها‌الشیخ ماالتمست وفیه رغبت من فضائل امیرالمؤمنین علی ... والائمة من ولده ... وهی مائة منقبة و فضیلة و صمدت‌الایجاز و قصدت‌الاختصار لئلاتمل وتضجر.

انجام : ولایقبل‌الله ایمان عبدالابولایته والبرائة من اعدائه ز اللهم اکتبنا من شیعته ... والحمدلله اولا و آخراً و باطناً و ظاهراً ـ چاپی) و صلی‌الله علی سیدنا محمد ... و ارحمه برحمتك یا ارحم‌الراحمین (ش ۶۴۹).

(وصلی‌الله علی سیدنا و نبینا ومولانا محمد و آله اجمعین ـ ش ۶۵۴/۴).

[۱۳۱۸]

۶۴۹ این نسخه بنسخ است و با عنوانهای شنگرف و با حاشیه‌هائی بتازی و پارسی بنسخ و نستعلیق از چندین جاها و بسیاری از جاها از غایة‌المرام است و از فرهنگها.

در این نسخه دارد : حدثنی بها‌الحسین‌بن احمدبن سختویه بالکوفة فی سنة اربع وسبعین وثمانمائه (المنقبة‌الاولی) و درست نیست و باید «ثلثمائه» باشد مانند نسخه ۶۵۴/۴ دارندهٔ نسخه محمدعلی بن محمد حسین‌بن سید مؤمن موسوی بوده و در ۳۵ ب نوشته ومهر او (محمدعلی بن حسین‌الموسوی) دیده میشود و در ۱ الف دارد : قیمت سه‌شاهی ، در ۱ ب دارد : کتاب مناقب ابن شاذان قدس روحه .

(۳۶گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد ساده

اندازه : ۱۲×۱۸ ـ ۷×۱۲ س ۱۱

[۱۳۱۹]

۶۵۴ این نسخه ش ۴ دفتر است و بنستعلیق خوش با عنوانهای شنگرف از عنایت‌الله که در پنجشنبه صفر ۱۰۳۵ آنرا بپایان رسانده گ ۱۶۵ الف ـ ۱۸۵ الف (بنگرید به ۶۵۴/۱).

[۱۱۴۵] الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة (عربی)

شیخ محمدبن حسن حرعاملی مشغری طوسی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) در این نامه که دارای بیش از ششصد حدیث و بیش از شصت و چهار آیه و دلیلهای بسیاری از دانشمندان پیشین و پسین و پاسخ شبهات (امل الآمل ص ۴۴۸) و در دوازده باب میباشد، از روی اخبار و آیات روشن بداشت که مردگان پیش از رستاخیز بدین جهان باز میگردند.

او در باب یکم دوازده مقدمه که دوازدهمین آنها دربارهٔ کتابهائیست که از آنها بهره برده‌است ، گذارد و در باب دوازدهم بخرده گیریهای شگانه منکران رجعت پاسخ داد و در پایان گفت که من گمان نمیکنم هیچ مسئله‌ای از اصول و فروع باندازهٔ این مسئله دارای نصوص باشد. در پایان باب دوازدهم (گ ۱۰۵ الف) می‌نویسد که در این رساله ۵۷۰ حدیث آمده است و در مقدمه ۴ باب یکم می‌نویسد که در مسئله‌ای مانند رجعت آنچنانکه در اخبار آمده هیچ نباید پرسش و موشکافی کرد و بایستی آنرا بپذیرفت. او در روز ۲۰ ربیع یکم سال ۱۰۷۹ این رساله را بپایان رساند. (ذریعه ۲ : ۵۰۶ ـ روضات ۶۴۴ ـ کنتوری ۷۴).

عاملی میگوید که یکی از سیدان روزگار ما رساله‌ای در رجعت نوشته و چیزهائی در آن آورد که نمیدانم از کجا گرفته‌است و همانها که او آورده مایهٔ این شد که گروهی از گرایش برجعت بر گردند. این بود که من بدرخواست یاران این رساله‌را نوشته‌ام. او از این سید، محمودبن فتح‌الله حسینی کاظمی نگارندهٔ تفریج الکربة عن‌المنتقم لهم فی‌الرجعه را میخواهد (ش ۱۱۲۲/۳) چنانکه در ذریعه

(۱ : ۹۴ و ٤ : ۲۳۰) آمده است . این هم گفته شود که درهمین روزگار مولانا غلامعلی طبسی قاضی طوس وحسن بن عبدالرزاق لاهیجی قمی بفارسی و جمال الدین محمد خوانساری (م ۱۱۲۵) برای شاه سلطان حسین صفوی و مجلسی دوم دررجعت رساله نوشتند (کشف الحجب ۲٦۳ وذریعه ۱ : ۹۰).

آغاز : بسمله . الحمدلله محیی الاموات ومميت الاحياء الذی لاتعجز قدرته عن شیء من الاشياء . . . و بعد فيقول . . . محمدبن الحسن الحر العاملی . . . قد جمع بعض السادات المعاصرين رسالة فی اثبات الرجعة . . . وفيها اشياء غريبة مستبعدة لم يعلم من اين نقلها ... فكان ذلك سببا لتوقف بعض الشيعة عن قبولها حتی انتهی الی انكار اصل الرجعة وحاول ابطال برهانها و دليلها و ربمامال الی صرفها عن ظاهرها و تأويلها مع ان الاخبار بها متواترة والادلة العقلية والنقلية علی امكانها و وقوعها كثيرة متظافرة وقد نقل جماعة من علمائنا اجماع الامامية علی اعتقاد صحتها واطباق الشيعة الاثناعشرية علی نقل احاديثها وروايتها وتاولوا معارضها علی شذوذه و ندوره بالحمل علی التقية اذلاقائل بها من غير الشيعة الامامية . . . فالتمس منی بعض الاخوان جمع ماحضرنی من اخبارها والكشف عن حقيقة اسرارها ... فشرعت فی جمعها .. مع ضيق الوقت وتراكم الاشغال و كثرة الموانع الموجبة للكلال واشتغال البال وقلة وجود الكتب . . . وقد سميت هذه الرسالة بالايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة .. وهی مرتبة علی ابواب اثنی عشرية .

انجام : وانی مع قلة تتبعی لو اردت الآن لاضفت الی احاديث هذه الرسالة مايزيد عليها فی العدد فتضاعف الاحاديث لانی لم انقل من رسائل المتأخرين شيئا مع انه حضرنی منها ثلاث رسائل .. فقد ذكرنا فی هذه الرسالة من الاحاديث والآيات والادلة مايزيد علی خمس مائة وسبعين ولااظن شيئا من مسائل الاصول والفروع يوجد فيه من النصوص اكثر من هذه المسئلة والله الموفق و كان الفراغ من تاليفها يوم العشرين من شهر ربيع الاول سنة ۱۰۷۹ من الهجرة و كتب مؤلفها الفقير الی الله الغنی محمدبن الحسن الحر العاملی عفی الله عنه بمنه والحمدلله وحده وصلی الله علی

محمد وآله (و كان الفراغ من كتابة هذا الكتاب يوم العشرين من شهر صفر سنة اربع وثمانين والف من الهجرة النبوية صلی الله عليه وعلی آله النجبا والسلام علی من اتبع الهدی - پنجهزاد).

[۱۳۲۰]

این نسخه ش ۱ دفتری است که دارای ٦ رساله وهمه بخط نسخ تاریخ ۱۰۸۳ و ۱۰۸٤ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد وهمه ازمحمد موسوی باید باشد که نامش درپایان شماره ۱ و ۲ دیده میشود .

دومهر «عبده محمد تقی بن محمد موسوی» و «حسین بن سید محمد الموسوی» درگ ۱ الف هست خط این شماره نسخ روشن درشت و در روز بیستم صفر ۱۰۸٤ نوشته شده وحاشیه «منه‌ره» دارد بنستعلیق ـ گ ۲ پ ۱۰۵ الف . درپایان آن دارد «پنجهزار» وگویا ازآن بهای نسخه خواسته شده است :

(همهٔ دفتر ۳۹۹) ـ کاغذ ترمه ـ جلد مقوا له تیماج سرخ

اندازه : ۱۹/۵×۳٦/۵ و ۱۲×۱۷ س ۱۵

[۱۱٤٦-۱۱۷۰] بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار (عربی)

الائمة الاطهار

دانشمندان شیعی ازروی اصلهائیکه راویان، خبرهای شنیدهٔ ازامامان را در آنهامی نوشتند وازآنها بویژه چهارصد اصل در کتابها یادشده است چند کتابی ساخته و آن اصلها را درآنها گنجاندند (ص ۱۰۸۸) از کتابهائیکه درروزگاران پیش دراین زمینه پرداختند میتوان محاسن برقی و کافی کلینی ومن لایحضر قمی وتهذیب واستبصار طوسی را نام برد که بیشترآن اصلها درابنها گردآمده و با یك نظمی منطقی ترتیبی بدانها داده شده تاهرکس بخواهد بداند که فرهنك شیعی چگونه است وشیعیان درزندگی فردی واجتماعی چه میاندیشند بتواند بدانها بنگرد و بریشه وشاخه واصل و فرع این آئین آگاه گردد. درست بگوییم باید از برقی و کلینی وقمی وطوسی سپاسگزار بود که کاری بس بزرك کرده ودرپیشرفت این آئین سخت کوشیده‌و نشان‌دادند که آئین شیعی رادربرابر روش سنی خودفرهنگی است

ورهبران و پیروان این آئین مردمی اندیشنده ودانشمند وآگاه بوده‌اند. از این چهاردانشمند ایرانی سه تن که محمد نام دارند وبنام «محمدین اوایل» یادمیشوند چهار کتابی که نوشته‌اند بیشتر میان شیعیان دست بدست گشته و بدانها میگرویدند وفقیهان درفتواها از آنها بیشتر بهره می‌برده خبرهای این چهار کتاب (الکتب الاربعة المتقدمة) راپایهٔ استدلالهای کلامی وفقهی خودمیساختند. چنین بودتااینکه درروزگار صفویان آئین شیعی دردستگاه فرمانروائی راه یافت و دانشمندان شیعی پس ازروزگاری نهان بودن واز ترس دشمن نتوان اندیشه ودانش خویش‌را بخوبی آشکارساختن آسایشی یافتند ودست بکار شدند. یکی از کارهای بسیار ارزنده‌ای که کرده‌اند این بود که باز چهار تن محمد نام آنهم ایرانی (محمدین اواخر) جوامع الکلم ووافی ووسائل و بحار نوشته وجویندگان را از نگریستن بکتابهای چهارگانه پیشین ودیگر کتابها بی‌نیازساختند.

نگارندهٔ «بحار» شیخ‌الاسلام وامام جمعه مولی محمدباقر بن مولی محمدتقی بن مقصودعلی مجلسی سپاهانی(۱) (۱۰۳۷–۲۷ رمضان ۱۱۱۰) میباشد که درروزگار شاه‌عباس‌دوم (۱۰۵۲–۱۰۷۷) وشاه سلیمان (۱۰۷۷–۱۱۰۵) وشاه سلطانحسین

۱– مجلسی ازخاندان حافظ ابی نعیم احمدبن عبدالله بن احمدبن اسحق بن موسی بن مهران سپاهانی (نزدیک ۳۳٦– نزدیک ٤۳۰) نگارندهٔ کتاب ذکراخبار اصبهان وحلیة الاولیاء والاربعین فی مهدی آل محمد میباشد. شیخ بهائی ومجلسی ومیرمحمد حسین خاتون‌آبادی او را شیعی پنداشتند (ریحانة‌الادب ۵ : ۱۸٤) گورش در آب بخشان سپاهان بوده ومیرلوحی ازدشمنی با مجلسی آنرا ویران کرده است. مادرپدرمجلسی دختر کمال‌الدین درویش محمدبن شیخ حسن عاملی نطنزی سپاهانی شاگرد شیخ علی کرکی سال ۹۳۹ بوده‌است وشیخ عبدالله بن مولی جابرعاملی شاگردهمین درویش محمد پسرعمه همان دختراووخواهرزاده خود اوبوده‌است. مقصود علی نیای مجلسی ازرواج دهندگان آئین شیعی ومردی خوش‌مشرب وشعرسروده‌است. مجلسی دربحار جزو ۲ جلد ۱۹ ص ۱۳٦ از مولانا کمال‌الدین درویش محمد اصبهانی نیای مادری پدرش وقرائت او برمروج مذهب نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی در ۹۳۹ دعای صباح را یاد نمود.

(۱۱۰۵–۱۱۳۵) میزیسته وشاه سلیمان او را اندرروزشنبه چهارم جمادی یکم سال ۱۰۹۸ (همان سالی که اوبت هندرهای شهرسپاهانرا بشکست) شیخ‌الاسلام این شهر کرده است. درزمان سلطان حسین که شاهی ناتوان بوده است بست و گشود کارهای کشور بیشتر با او بود (فیض قدسی ص ۷).

این دانشمند نزدبسیاری از فرزانگان زمان خود مانند مجلسی یکم وحر عاملی وسیدعلیخان مدنی شیرازی ومولی محمدصالح مازندرانی ومولی حسنعلی شوشتری ورفیع‌الدین محمدنائینی ومحمدقاسم کهپائی ومولی شریفای رویدشتی وشرف‌الدین علی شولستانی وشیخ علی بن محمد عاملی و محمد مؤمن بن دوست محمد استرابادی وسید میرزا محمد جزائری وشیخ عبدالله عاملی و محمد طاهر شیرازی و قاضی امیرحسین و فیض کاشانی و ملاخلیل قزوینی و محمد محسن بن محمدمؤمن استرابادی ودیگران که هجده تن آنها درمستدرك وفیض قدسی یاد شده است درس خوانده یا از آنها روایت و اجازه دارد. شاگردانش به بیش از هزارمیرسیدندو چهل‌وشش تن آنها را نوری نام برده واز آنهاهستند میرزاعبدالله افندی تبریزی سپاهانی (۱) وسید نعمةالله جزایری شوشتری و امیر محمد صالح خواتون‌آبادی وشیخ عبدالله بن نورالدین نگارندهٔ العوالم.

مجلسی بااین‌شکوه وتوانائی که داشت ازنکوهش‌ودشنام دشمنان نرسته بود. شوشتری درسرگذشت خود درپایان انوارنعمانیه میگوید: «وکان شیخنا المجلسی ادام‌الله عزه ومجده لایقارب فی العلم والعمل ومع هذا کان هدفالسهام المصائب». یکی از دشمنان او میرلوحی را میتوان نامبرد که درار بعین خود درنکوهش ازمجلسی هیچ کوتاهی نکرده‌است. او چنانکه نوری درفیض قدسی میگوید مانند شیخ شرف‌الدین ابی‌عبدالله الحسین بن ابی‌القاسم بن الحسین العودی

۱– افندی ترکی‌شده واژهٔ یونانی افثنتیس (Afthendis=αὐθέντης) است وخواجه وبزرك را میرساند (الکلمات الدخیلة فی العربیه الاب روفائل الیسوعی، مجلهٔ مشرق ش ٤و۵ سال ٤۸ تاریخ ۱۹۵٤ ص ۵۵۱).

الاسدی الحلی است که درزمان محقق حلی میزیسته و رساله‌ای نوشت و در آن از پاسخی که حلی از پرسش دربارهٔ اثبات معدوم داده است خرده گرفت واورا سخت بخواری یاد نمود.

درآغاز (نیز ص۱۰) تذکرة الملوك (چاپ مینورسکی **Minorsky** روسی در۱۹٤۳ با ترجمه و گزارش انگلیسی) که پس‌ازمحمود افغان (۱۱۳۵-۱۱۳۷) وگویابرای برای اشرف‌افغان (۱۱۳۷-۱۱٤۲) نوشته شده‌است از کار ملاباشی که سر کردهٔ همه ملاهابوده‌است گفتگوشده ودارد که این کارپیشها نزدصفویان ویژهٔ کسی نبودبلکه‌هر کس که‌ازهمه‌دانشمندترمی بودبدین‌پایه‌میرسید وبدین کار میپرداخت و کارش هم این بود که ازدربار برای دانشجویان وشایستگان کمك گیرد ونگذارد بکسی ستم کنندو گناهکاررامیانجی شود ودرمسئله‌های شرعی بررسی کند ودعاها ومسئله‌های دینی بمردم بیاموزد.

آنگاه دارد:

« ودراواخرزمان شاه سلطانحسین میرمحمدباقرنام فاضلی باآنکه درفضیلت ازآقاجمال همعصرخود کمتربود برتبه ملاباشیگری سرافراز وبتقریب مصاحبت، مدرسه چهارباغ را بناگذاشته خود مدرس مدرسه مذکور گردید و داد وستد وجوهات حلال را نیز مینمود و وجوه بروتصدقاترا پادشاه نزد او میفرستاد که بمستحقین رساند ».

مینورسکی در ص ۱۱۰ - ۱۱۱ گزارش خود بانگلیسی میخواهد بگوید که ازاین « میرمحمد باقر » که درزمان آقاجمال‌الدین‌بن حسین خوانساری (م ۲۶ رمضان۱۱۲۱) میزیسته است مجلسی دوم خواسته شده‌است ولی چنین نباید باشد چه اینکه مجلسی « میر » نبوده واین واژه برای سیدان است دیگر اینکه او درآغاز شاهی سلطان حسین میزیسته و پنج سالی پیش‌از روزگار او را ندیده است نه اینکه در « اواخرزمان » او ملاباشی شده باشد پس این میرمحمد باقر کسی دیگرخواهد بود.

مجلسی را سنیان میشناختند واز کوشش او درپیشرفت آئین شیعی آگاه بوده‌اندچنانکه حافظ غلام حلیم شاه عبدالعزیزصاحب دهلوی‌درتحفهٔ اثناعشریه خود که درآن ازآئین شیعی خرده‌ها گرفت درباب سوم می نویسد: « . . . وتقی مجلسی شارح من لایحضره‌الفقیه و پسر او باقرمجلسی صاحب بحارالانوار واو خاتم مؤلفین این فرقه است و معتمدالیه این طائفه که آنچه از روایات سابقهٔ او برمحك امتحان زده و کامل‌العیار ساخته نزد ایشان حکم وحی منزل من‌السماء داردبلکه بالفعل اگرمذهب ایشان را مذهب باقرمجلسی گفته شود راست‌ترباشد ازآنکه بقدما وسابقین نسبت کرده آید » (۱).

باری مجلسی ۱۳ کتاب بزبان تازی نوشته و ۵۳ کتاب بپارسی دارد (۲) که درآنها متن‌بسیاری ازخبرها ونامه‌های‌شیعی‌را بفارسی‌درآورد ورویهمین فارسی نویسی بخوبی توانست آئین‌شیعی را در دسترس همهٔ مردم که بیشترشان از آن‌آگاه نبودند یا مغز آنان از اندیشه و پندارسنت و جماعت آکنده بود بگذارد تاجائیکه بحرالعلوم محمدمهدی‌بروجردی آرزومیکرد کاهمهٔ کتابهای اورا دردیوان عمل مجلسی مینوشتند ودربرابرآنها یکی ازکتابهای‌فارسی اورا که ترجمهٔ متون اخباراست بدو میدادند (هدیةالاحباب قمی ص۲۳۱- روضات ص۱۲۱ - فیض قدسی - فهرست سپهسالار ۱ : ۲۱۷) درمیان کتابهای تازی او گزارشی که برکافی نوشته‌است از کارهای‌علمی او بشمارمیآید واندیشه خوداو از آن آشکار میگردد. رویهم کتابهای او به ۱٤۰۲۷۰۰ بیت میرسد و اگر بر

۱- تحفهٔ اثناعشریه چاپ نولکشورلکهنوه بسال ۱۸۸۵ ص ۱٦٦وسال ۱۳۲۵ (۱۹۰۷) ص ۱۰۸ - نیز فیض قدسی نوری ص٤ و مستدرك همو ۳ : ٤۰۸ که از این یاد نمود.

۲- این شمارهٔ همه کتابهائی است که ازاودانسته‌اند که چهارتای آن شاید ازاو نباشد (فیض قدسی ص ۹- فهرست سپهسالار ۱ : ۲۱۷).

درفهرست ایوانف (ص ۲۷۲ ش ۳۹۱) دارد که درکتابخانهٔ بنگال دفتریست که درآن چهاررساله ازمجلسی ودیگران‌است. نخستین‌آن «فهرست تصانیف آخوند ملامحمدباقر» میباشد وده کتاب عربی و ٤۹ کتاب فارسی درآن نام برده شده‌است.

هفتاد وسه سال زندگی او بخش شود بهر سالی ۱۹۲۱۵ بیت و ۱۵ حرف و بهر روزی بیش از ۵۳ بیت میرسد (روضات ص ۱۲۰ و ۱۲۲ - تنکابنی میگوید روزی هزار بیت پنجاه حرفی ۱- ص ۱۴۸) شاهکار مجلسی که او با آن برسر زبانها افتاده وهر کسی اورا با آن شناخته است همین بحار است که در آن گذشته از خبرهای چهار کتاب و کتابهای دیگر شیعی آنچه از اصلهای چهارصدگانه بدستش رسیده در آن گذارده و از عبارات و سخنان دانشمندان شیعی و سنی آنچه با مطالب بستگی داشت آورده و خودهم درپاره‌ای جاها بررسی و کاوش نموده و بزبان خود «بیان» کرده است.

گرچه پیش از او کاشانی و عاملی و جزائری بمانند این کار دست زده بودند بلکه میتوان روضة الواعظین فتال فارسی نیشابوری را نمونه‌ای و شالوده‌ای برای اینگونه گردآوری پنداشت ولی بازهم میتوان گفت کاری که مجلسی کرده در فرهنگ شیعی مانند ندارد و بحار او خود یك کتابخانه یا درست بگویم موسوعه ودائرة المعارفی است برای شیعیان.

گویند روزی نزد مجلسی از پرکاری علامهٔ حلی سخن رفت و شاگردان خواستند کار استاد را هم با نوشته‌های حلی همانند سازند ولی خود او گفته بود که نگارشهای من بپایهٔ کار حلی نمیرسد چه کارهای او همه بررسی و کاوش علمی است وکار من بیشتر جمع وتألیف وگردآوری (فیض قدسی - تنکابنی ص ۱۴۹).

مجلسی در نوشتن بحار کتابها گردآورد و شاه (گویا همان سلیمان) هم بدو کمك مینمود و پاره‌ای از دیها وزمینهای شاهی را برای یافتن مدرکها و کتابها و برای نوشتن نسخه‌های بحار برگذار نمود و چون مدینة العلم صدوق را درمین سراغ گرفته بودند یکی از درباریان را با ارمغانهائی فراوان نزد فرمانروای آن کشور فرستاد و او از آنجا کتاب را برای مجلسی بیاورده است (فیض قدسی).

بنوشتهٔ نوری درفیض قدسی (ص ۶) مجلسی در نگارش بحار بی کمك نبوده است. تنکابنی در این باره سخنی دارد که بخوبی چگونگی نوشتن بحار را روشن میدارد: «طریقهٔ علامهٔ مجلسی آن بود که مثلا مسئلهٔ نزول باران و رعد و برق

میخواست تحقیق نماید بیکی از شاگردان میگفت که آیات متعلق بباران و رعد و برق را جمع کن. پس آن تلمیذ آیات را جمع میکرد و زیر آن کاغذ سفید میگذاشت تا آخوند ملامحمد باقر در زیر آن بیانات و تحقیقات را بنویسد و بتلمیذ دیگر میگفت که اخباری که در این عنوان است از فلان کتاب جمع کن و بنویس وبیاور. پس آن اخبار را آن تلمیذ جمع میکرد وخبر را مینوشت وتحت آن کاغذ سفید میگذاشت که اگر آخوند بخواهد بیان و تحقیقی بنویسد. پس آخوند بسا بود که چیزی نمی نوشت زیرا که آن خبر محتاج ببیان نبود که بنحو جلیا در تحت آن خبر می نوشت یا کاغذ سفید زیاد میآمد بهمان سفیدی میگذاشت. و نسخهٔ اصل بحار الانوار بهمین نسق است که مذکور شد. واعانت در تألیف اینگونه بوده است نه اینکه در تحقیقات و تدقیقات باو اعانت کنند یا اینکه تلامذه تلمیذ او بودند چگونه در تحقیق با او شریك بودند. واینگونه اعانت از تلامذه در بعضی از تألیفات بوده نه در همهٔ تألیفات و در بعضی از مقامات نه درهمه مقامات» (قصص العلما ص ۱۵۱).

شوشتری در انوار النعمانیه (نور فی احوال العالم والمتعلم. الفائدة السابعة فی آداب المتعلم مع الشیخ الامر الثالث) می نویسد که نگارندهٔ بحار دانشمندی با شکوه وهم شوخ بوده است ودرمیان بیش از هزار شاگرد خویش مرا برگزید و باخود همیداشت و بیشتر می نواخت و بیشتر شبها برای پاره‌ای از کارهای نگارش بحار در کتابخانهٔ او نزد او بسر میبرده‌ام (نیز قصص العلماء ص ۳۰۹ - روضات ص ۷۳۰ - فیض قدسی ص ۱۹ همه از همان شوشتری - مستدرك ۳ : ۴۰۸).

از همکاران مجلسی در نگارش بحار وشرح اصول کافی که همه از دانشمندان بزرگ (العلماء الصدور) بوده‌اند بجز شوشتری، میرزا عبدالله افندی نگارندهٔ ریاض العلماء شاگرد و همنشین و کتابدار مجلسی وشاگرد علامهٔ سبزواری ومحقق خوانساری ومیرزای شیروانی ونیز نگارندهٔ العوالم الکبیر (که بحاریست بگونهٔ دیگر وبهتر از آن ودارای خبرهای سنی وشیعی با گزارش آنها و نزدیك بصد جلد)

شیخ عبدالله بن نورالله بحرانی شاگرد مجلسی یکم ودوم دردرس وروایت را نام برده‌اند (روضات ص۱۲۳و۳٦٥ و۷۲۸ - فیض قدسی ص۱۷- فهرست سپهسالار ۱ : ۲۷۹) یکی از همکاران او و دامادش محمد صالح خواتون آبادی باید باشد چه او در حدائق المقربین فارسی خود پس ازستایش فراوانی از مجلسی مینویسد که او میخواست کاری کند که همه کتابهای چهار گانه گزارش شود وخود درصد هزار بیت بر کافی و تهذیب گزارشی نوشت (مرآة العقول و ملاذ الاخیار) و چون دید پدرش بر من لایحضر گزارش نوشت بهمان بس کرد و بمن دستور داد که بر استبصار گزارش بنویسم و من نوشتم و هنگام مرگ بمن بسپرد کـه گزارش کافی او را بپایان برم و من اکنون بدان میپردازم (روضات ۱۲۱) .

دربارهٔ بحار و چگونگی نگارش جلدهای آن و تاریخ هریك از آنها و شماره بیتهای آنها و چاپ و ترجمه و گزیده و گزارش و فهرست ودنبالهٔ آنها در روضات ص ۱۲۰ وفیض قدسی نوری و کشف الحجب وذریعه و فهرست طوس جلد یکم و پنجم وفهرست سپهسالار جلد یکم و ریحانة الادب ۳ : ٤٥٥ آنچه میباید کاوش شده و میتوان بدانها نگریست . اینك چند نکتهٔ دیگری در اینجا یاد میگردد :

مجلسی خود شالودهٔ درستی برای نگارش بحار ریخته بود ودر آغاز فهرست جلدهای آنرا یاد کرد و هرجلدی را در چند باب گذارده کـه شماره‌های آنرا درذریعه می‌بینیم . مگر اینکه این کتاب بر ارج را نیاز بیك فهرست رسا و درستی است که بتوان با آن بمطلبهای آن بآسانی پی برد و آنچه خواست یافت. گرچه شیخ عباس قمی رنجی برده و سفینة البحار و مدینة الحکم والاثار (چاپ نجف بسال ٥-۱۳٥۲ در دو جلد) نوشته ولی بپایهٔ فهرستهائی که اکنون در اروپا و مصر برای صحاح وسنن ومسانید نوشته و می‌نویسند نمیرسد . تازه چاپ زیبنده وروشنی هم از بحار نشده است .

بجز سفینهٔ قمی درذریعه از چند فهرست دیگر برای بحار که شایسته است پایهٔ کار برای آیندگان شود یاد شده است :

فهرست بابهای آن که بنام مفتاح الابواب در تهران بسال ۱۲٥۲ بچاپ رسید ، فهرست حدیثهای آن و جای هریك در کتابها ، فهرست کتابهائیکه در نگارش بحار از آنها بهره برده شد که بمانند گزارش فصل یکم دیباچه جلد یکم بحار است ، فهرست گزیده‌ای از مطلبهای بحار ، فهرست بابهای بحار بنام مصابیح الانوار .

درنامه‌ای که یکی از شاگردان مجلسی بدو نوشته ودر پایان اجازات دیده میشود فهرست کتابهائیکه شایسته است بر بحار افزوده شود آمده و دارندگان نسخه‌های آن کتابها هم گاهی نشان داده شده‌است درست بنگریم در این نامه پیشنهادهائی است که نویسندهٔ آن بمجلسی دربارهٔ کامل ساختن بحار و نگارش گزارشی برای آن داده‌است و از آن پیداست که شاگردان دیگرهم پیشنهادهائی میداده‌اند وهنوزهم ده جلد اخیر آن پاکنویس نشده بود .

خوانساری در روضات (ص ۱۲۰ سرگذشت مجلسی وص۱۳۱ سرگذشت پدر او و ص ۱۹۷ سرگذشت میرمحمد حسین و ص ٥٦۱ سرگذشت طوسی) مینویسد که نسخهٔ اصل بحار درسپاهان در کتابخانهٔ خاندان شیخ الاسلام امیر محمد حسین کبیر فرزند امیر محمد صالح پسر میر عبدالواسع حسینی سپاهانی خواتون آبادی (م ۱۱٥۱) که دخترزادهٔ مجلسی وجانشین او بوده است هست ـ او پاره‌ای از آن نسخه‌های اصل خط مجلسی را دیده بود . بنوشتهٔ تنکابنی (ص ۱٥٤)در کتابخانهٔ مجلسی که دردست خاندان امام جمعه سپاهانست همهٔ جلدهای بحار هست .

از نسخه‌های این کتابخانه شماره ٥۲٦ نسخهٔ اصل یادداشتها و مسودهٔ بحار است ونسخه‌های ٥۳۰ و ٥۳۱ و ٥۳۲ و ۱۱٤٤ و ۱۱٤٥ و ۱۱٤٦ نسخه اصل بحار و بسیاری از بندها و عبارتهای هریك از اینها بخط مجلسی است . درشماره‌های ٥۲۸ و ٥۲۹ اجازهٔ قرائت بر مجلسی است بخط خود او در پایان آنها ودرشمارهٔ ٥۳٤ بلاغ بخط مجلسی است .

امیر محمد صالح خواتون آبادی سپاهانی داماد مجلسی فهرستی برای

نگارشهای مجلسی نوشته و چگونگی جلدهای بحار و شمارهٔ بیتهای آنها و همچنین دیگر نوشته‌های او را در آن یاد کرد و خوانساری گویا از آن بهره برد. او دربارهٔ بحار کاوش نموده و گفت که از این کتاب ۱۶ جلد پاکنویس شده و نه جلد آن مانده که گویا از ایمان و کفر تا اجازات باشد و گویا اجازاتی که بخط مجلسی یافت شده عنوانهای آغاز آن از افندی نگارندهٔ ریاض العلماء باشد (ص ۱۲۰) این دانشمند شاگرد و همکار و کتابدار مجلسی بوده است (ص ۳۶۵) بنوشتهٔ نوری در فیض قدسی از جلد ۱۵ تا ۲۶ جز صلوة و مزار پاکنویس نشده و از اینها کتابهای قرآن و دعا و زی و تجمل و عشرة و اجازات و بازماندهٔ از فروع پس از مرگ مجلسی بافندی رسیده و او آنها را تا پایان زندگی خویش پاکنویس کرده است. اینست که در آغاز بسیاری از این جلدها دارد: واما بعد فهذا المجلد... من بحار الانوار تألیف الاستاذ الاستاذ المولی محمد باقر... ماننداین است عبارتی که در آغاز و پایان جلد ۱۶ (ش ۵۵۹) آمده و نوری در همین نسخه نوشته که گویا این عبارتها از افندی که این جلد و هشت جلد دیگر را پاکنویس کرده است باشد. مجلسی خود بمیر محمد صالح خواتون آبادی (۱۰۵۸ - ۱۱۱۶) داماد و شاگرد خویش سپرده بود که آنها را پاکنویس کند و او میخواسته است پس از نگارش گزارش کافی بدان بپردازد (فهرست طوس ۱ : ۱۳ اخبار) و گویا از او بوده است که افندی آن نسخه‌ها را گرفته و پاکنویس کرده است. بنوشتهٔ کنتوری پاکنویس نشده‌ها این جلدها است:

۱- ایمان و کفر و مکارم اخلاق	۲- آداب و سنن
۳- روضه	۴- قرآن و دعا
۵- زکوة و صوم	۶- حج
۷- عقود و ایقاعات	۸- احکام
۹- اجازات	

(نیز لؤلؤتی البحرین، قصص العلماء ص ۱۵۴).

نسخه‌های بحار همینکه درمیآمد دانشمندان دست بدست میبردند و چنانکه شوشتری در گزارش بر تهذیب طوسی مینویسد بمانند نگارشهای شیخ طوسی هر کراسیکه بیرون میآمد شاگردان همانجم آنرا با خود میبردند تا بخوانند و از روی آن بنویسند (روضات ص ۵۶۱).

این هم گفته شود که مجلسی جز دربارهٔ جاها از خبرهای چهار کتاب کلینی و قمی و طوسی و همچنین از کتابهای متواتر دیگر در بحار هیچ نیاورده و نخواست که آنها را مردم ترك گویند و بدانها نپردازند (بحار ۱ : ۱۸).

در این کتابخانه از ۲۶ جلد بحار ۲۴ جلد آن هست و دو جلد آن (۱۶ در آداب و سنن و ۲۴ در احکام) نیست و العشرة ۱۶ بشمار آمده است. و با یك جلد شالوده بحار (ش ۵۳۶) میشود ۲۵ جلد که اینك نسخه‌های آنها میشناسیم.

[۱۳۲۱]

۵۳۶ این نسخه بجای یادداشت و مسودهٔ بحار است که مجلسی گویا آنرا پیش از نگارش آن فراهم آورده و کتابهائی را که میخواست عبارتهای آنرا هر یك درجای خود در بحار بگنجاند در آن آورده. برگهای کوچکی درمیان برگهای اصلی نسخه بخط مجلسی گذارده شده است که برخی را خط زده است و سراسر نسخه میرساند که این نسخهٔ اصل مسودهٔ مجلسی و پاره‌ای از آن بخط خود او است و بخشی از آنرا هم گویا شاگردان بدستور او می نوشتند. بدینگونه است آنچه در این نسخه گنجانده شده: ملحمة جعفر صادق که پیش بینی هایست دربارهٔ هر روز از هفته که محرم در آن آغاز شود و اینکه چها در آن رخ میدهد (۲ الف ـ ۵ الف). مقاله دانیال که پیش بینیها و اختر بینیها است روی روز و ماه رومی (۶ الف ـ ۱۵ الف). اختیارات امام صادق (۱۶ الف) و اختیارات الایام همو بروش زردشتیان (۱۷ الف ـ ۲۰ الف) از تفسیر رازی دربارهٔ دیو و اهریمن (۲۵ الف ـ ۳۰ الف). باب العوالم. القلم واللوح والکتاب والعرش. باب السموات والمجردات. باب الاستدراج. سفارش علی بکمیل (۴۹ الف ـ ۵۱ الف) باب الفصوص والنقوش (۵۳ الف ـ ۵۴ الف) مواسعهٔ ابن طاوس (۷۹ ب ـ ۸۰ ب که چند برگی درمیان این یکی افتاده و در پایان هم سفید گذارده شده). دعاء ایام الاسبوع (۸۱ الف ـ ۸۴ ب). نوادر الصلوات (۹۱ ب ـ ۹۶ الف). از سلافة العصر سید علیخان (۱۷۳ الف ـ ۱۸۸ الف) در سرگذشت بهائی و نورالدین عاملی و شیخ حسن و نوادهٔ او و حرفوشی و شیخ محمد عاملی و شیخ حسین کرکی و حر

عاملی ومیرداماد ورسالهٔ خلیفهٔ او(۱۸۰ب) ومیرزا ابراهیم‌همدانی ودیگران (میدانیم که مجلسی دراجازات ص۱۲۲ـ۱۳۰ پاره‌ای ازرساله را آورده وهمین است که دراین نسخه آمده است) . بخشی از کتاب طهارت (۱۹۰الف ودربالای صفحه دارد مکرر) . اجازهٔ کبیره که‌درفهرست یادشده ودرمتن نیست . ازجواب‌المسائل‌الطرابلسیات (۱۸۹ ب و دربالای صفحه دارد مکرر) . کتاب‌المؤمن حسین‌بن سعید اهوازی کوفی قمی از روی نسخهٔ ۱۷ جمادی دوم ۹۴۱ (۱۹۱ الف ـ ۲۰۲ ب) . بجز اینها تکه‌هائی از بحار هم دراین نسخه هست که باهم پیوستگی ندارند و گویا یادداشتهائی بوده یا برگها را پس وپیش کرده‌اند . خط نسخ وبا عنوانهای شنگرف و گاهی درشت است وپاره‌ای جاها نستعلیق که باید ازخود مجلسی باشد . خط خوردگی‌ها وسفیدی‌هادارد پس نسخهٔ اصل خود مجلسی خواهد بود . چنین است :

آغاز : بسمله . وبه نقتی . ابواب‌الملائکة . باب حقیقة‌الملائکه وصفاتهم وشئونهم واطوارهم . الآیات . البقرة : واذقال ربك الملائکة انی جاعل فی‌الارض خلیفة الی آخرالآیات .

انجام : وعن‌ابی‌الطربال قال سمعت اباعبدالله یقول ان لله فی‌الارض حرمات : حرمة کتاب‌الله وحرمة رسول‌الله وحرمة اهل‌البیت وحرمة‌الکعبة وحرمة‌المسلم و حرمة المسلم‌وحرمة‌المسلم (صورة خط‌المنتسخ منه) تم‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب سبعة‌عشر شهر جمادی‌الثانی سنة احدی واربعین وتسعمائة ـ فهرست مطلبها در۱ الف‌است بنستعلیق .

(۲۰۳گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد مقوا که آن پارچه

الدازه : ۱۸/۵×۲۴/۵ و ۱۲×۱۷ س ۲۰و۲۳

[۱۳۲۲]

۵۲۷ این نسخه جلد یکم و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که سید محمدبن محمد قاسم‌بن سید محمد حسینی خلخالی نوشتن‌آنرا در۱۸شعبان ۱۰۸۷ بانجام رسانده . سه حاشیه دارد بدینگونه : « هکذا سمعت منه مد ظله » و « سمعت منه » و «سمعت منه ظله‌العالی» (گ۱ ب بنستعلیق) نیزحاشیه‌های «سمعت» (٤ الف و۷۱ ب و ۱۳۲ الف) و « انتهی لکاتبه » (٤۳ ب) وبا نشانهٔ « سید محمد » (٤٤ الف) ودرخیلی جاها بی‌نشانه که همه این حاشیه‌ها یك خط است وازهمان نویسندهٔ نسخه . خط مجلسی بنستعلیق درسطر۲و۳صفحه پایان‌هست ودرهامش بدان گواهی شده‌است . درگ ۳ب بخط مجلسی دارد : «بلغ سماعا ایده‌الله تعالی» و «بلغ» همچنین گواهی مجلسی که خواهیم دید وهمه یك خط است :

عبدالعلی خان (۱ الف) و دیگری در ۲٦ ذیحجهٔ ۱۲۹۸ و محمد حسن‌بن علی کرمانی که به‌پنج قران درذیحجه ۱۲۹۷ آنرا خریده بود (۱۷۵ ب) دارندهٔ نسخه بوده‌اند . آغازنسخه بمانند ش ۵۳۲ است وچنین است انجام آن :

انی وجدت فی‌التوریة انه یکون فی آخرالانبیاء نبی وهو ما یفسر‌الناقوس . (ختم‌المجلد‌الاول من کتاب بحارالانوار علی ید مؤلفه بحمدالله وحسن توفیقه حامداً مصلیاً مسلما ـ هذاان‌السطران خط‌المصنف ادام‌الله تعالی ظله‌العالی) الحمدلله‌الذی وفقنی لاتمام‌المجلد‌الاول من کتاب بحارالانوار وایدنی لکتابته‌من‌خط‌المصنف وهو... مولانا محمدباقر لازالت شموس افاداته ساطعة... ابن‌المولی . . المنتقل الی فرادیس الجنان محمدتقی المجلسی قدس‌الله روحه ... آمین‌رب‌العالمین ثم قابلت معه ... وانا ... ابن محمد قاسم‌بن سیدمحمد سیدمحمدالحسینی الخلخالی .. فی ۱۸ شهر شعبان‌المعظم سنة سبع وثمانین بعدالالف ۱۰۸۷ ـ تم) .

مجلسی گواهی میدهد که نسخه را خلخالی نزدش خوانده بدینگونه :

بسمله . انهاه‌السیدالاید الفاضل الکامل‌التقی الذکی‌الامیر سید محمدالحسینی الخلخالی ایده‌الله‌تعالی قراءة وتصحیحاً وتدقیقا وضبطافی مجالس‌عدیدة (فی)ثالث‌عشر شهرربیع‌الاول من‌شهورثمان (وثمانین) بعدالالف‌الهجریة فاجزت له زید توفیقه (ان) یروی عنی من مؤلفاتی وغیرها و . . . ما اخذ علی من‌الاحتیاط فی‌النقل (والضرب) والتمس منه ان لاینسانی فی‌حیاتی وبعدوفاتی و کتب (محمدباقر بن‌محمدتقی حشرهم‌الله مع‌الائمة من تولاه ۱۰۸۷) این اجازه در کنار برك ۱۷٤ الف که کمی بریده شده دیده میشود واندکی ازآن رفته است که بجای‌آن‌نقطه گذاری کردم یا بقرینه خوانده و درمیان دو کمانه گذارده‌ام . سطر پایان آن که درمیان دو کمانه گذاشتم می‌نماید که بخط دیگری‌باشد چه‌اینکه‌گوشه پائین‌این‌برك‌بریده شده وکاغذدیگری‌چسبانده واین‌سطررانوشته واز رقم‌تاریخ آن که گویا «۱۰۸۷» بوده‌همان«۰۸۷» مانده‌است و نباید این سطر از خود مجلسی باشد چه خلخالی نسخه را در ۱۸ شعبان ۱۰۸۷ نوشته است و آخرین باریکه آنرا برمجلسی خوانده ۱۳ ربیع یکم سال ۱۰۸۸ بیا ۱۰۹۸ باید باشد ونمیشود این گواهی را مجلسی در ۱۰۸۷ که یکسال پیش‌از تاریخ نوشتن این اجازه‌است نوشته باشد . آنهم عبارت این سطر آخربی‌غلط نیست وگویا کسی دیگر پس‌ازفرسوده‌شدن‌کاغذ آنرا بریده وکاغذی ازنوچسبانده واین سطر را ازروی نوشتهٔ مجلسی آنهم بغلط نوشته است .

(۱۷۵گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج ترباکی حاشیه‌دار مقوائی با برگردان

الدازه : ۱٦/۵×۲٤/۵ و ۱۰×۱۷/۵ س ۲۳

[۱۳۲۳]

۵۲۲ این نسخه جزو یکم جلد یکم و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و برخی جاها مانند ۷۰ ب و۷۵ و ۷٦ سفید گذارده شده وروی خط خورد گیها وسفیدیهای میان سطرهای صفحه‌ها باید گفت که نسخه اصل دست مجلسی بوده‌است . فهرست مطلبها در گ ۲ الف هست . حاشیه‌های «منه عفی عنه» که میرساند که خود نگارندهٔ کتاب آنهارا نوشت درع الف و۳۸ الف هست وبسیاری ازجاهادرمتن وحواشی همین خط او هست .

در گ٤ الف دربارهٔ «بحارالانوار» دارد : «ومن الغرائب انه يوافق تاريخ ولادتی عدد كتاب بحارالانوار كما فطن به بعض اصحابنا الاخيار . منه عفی عنه» .

چنین است این نسخه :

آغاز : بسمله و به نقتی (وعليه اتو كل واستعين) الحمدلله الذی سمك سماءالعلم وزينها ببروجها للناظرين . . . فيقول . . . ابن المتقل الی رياض القدس محمد تقی . . . محمد باقر . . اعلموا يامعاشر الطالبين للحق واليقين (۲ ب) .

انجام : باب ۱۲ آداب طلب العلم واحكامه (۸۱ الف) ... منية المريد عن النبي ص ان موسى ع لقی الخضر ع فقال اوصنی . . . بيان : قال فی الفائق : البور جمع بوار وبالفتح المصدر وقدتكون المصدر بالضم ايضا . مع ح ع الدقاق عن الاسدی عن صالح . . . قال قلت لابی عبدالله ع ان قوما يروون ان رسول‌الله ص قال اختلاف امتی رحمتی فقال صدقوا ... انما اراد اختلافهم من البلدان لا اختلافا فی دين‌الله انماالدين واحد (۸۳ الف) (از باب ۱۳ تا باب ٤۰ را ندارد) .

(۳۸۳گ) ــ كاغذ ترمه ــ جلد تيماج زرد ساده

اندازه : ۳۰×۲٦ و ۱۲×۱۷ س ۲۲

[۱۳۲٤]

۵۲٤ این نسخه ازجلد یکم و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد . و تاریخ نگارش مجلسی را ندارد ولی او گواهی میدهد که درپایان ذیحجهٔ ۱۰۹۹ مقابلهٔ آن بانجام رسید (گ ۱۸۱ ب) در گ ۵ ب و ٤۹ ب حاشیهٔ «منه» هست . این نسخه را محمد باقرنامی از شیخ محمد خزاعی عاریه بود . مهر محمد كاظم و مهر كتابخانهٔ ضیاءالدین نوری درآن هست . ونیز نوشته است : «۲۰ روپیه» گ ۱ الف .

آغاز آن مانند ش ۵۳۲ و ۵۳۳ میباشد وچنین است انجام آن :

لی . مع . صالح بن عيسى العجلی قال حدثنا ابوبكر محمدبن‌محمدبن علی‌الفقيه . . .

انه يكون فی آخرالانبياء نبی وهو يفسر مايقول‌الناقوس . ختم‌المجلدالاول من كتاب بحارالانوار على يدمؤلفه بحمدالله وحسن توفيقه حامداًمصلياًمسلما (فی شهرربيع‌الثانی من سنة ۱۰۹٦ ــ ش ۵۳۳ گ ۱۰٦ الف) (صورة خط المصنف ادام‌الله تعالى ايام افاضاته : بلغ مقابلة مصححة سلخ شهر ذی‌الحجه سنة ۱۰۹۹ ــ ش ۵۳٤) .

(۱۸۱گ) ــ كاغذ سمرقندی ــ تيماج سرخ ضربی فرسوده

اندازه : ۱۷×۲٤ و ۱۰/۵×۱۷/۵ س ۲۲

[۱۳۲۵]

۵۲۷ این نسخه جلد یکم و دوم و بنسخ با عنوانهای شنگرف است و از ۱ الف تا ۱۰٦ الف را جوادکاتب دریکم رجب ۱۲۵۷ واز۱۰۷ب تا ۲٦۳ الف را ملامحمد نجف‌آبادی درنجف در ۱۲۵۸ نوشته‌اند . محمد خليل قزوينی در ۱۲٦۸ وفضل‌الله بن عباس نوری دارندهٔ نسخه بوده‌اند ومهر نوری و كتابخانه او دراین نسخه هست .

آغاز و انجام (۱۰٦ الف) جلد یکم که درربیع دوم سال ۱۰۹٦ انجام یافت دراین نسخه بمانند ش ۵۳۲ و ۵۳٤ میباشد وچنین است جلد دوم آن که دریکم ربیع دوم ۱۰۷۷ بنگارش درآمده است :

آغاز : بسمله . وبه استعين الحمدلله رب‌العالمين . . . كتاب‌التوحيد وهوالمجلد الثانی من كتاب بحارالانوارتأليف ... محمدالمدعو بباقرابن مروج اخبارالائمه ومحيی آثارسيدالمرسلين ... محمدالملقب بالتقی .

انجام : باب نادر . كش . حمدويه عن محمدبن عيسى عن علی بن يونس‌بن بهمن قال قلت للرضا (ع) جعلت فداك ان اصحابنا قد اختلفوا فقال اخلنی من ذلك شیء . . . قل فی هذا بقول هشام ولاتقل بقول زرارة . قد تم‌المجلدالثانی من كتاب بحارالانوار على يدمؤلفه ... فی غرة شهرربيع‌الثانی من شهورسنة سبع وسبعين بعدالالف من‌الهجرة على هاجرها وآله‌الطاهرين الف الف صلوة وتحية .

(۲٦۳گ) ــ كاغذ سمرقندی ــ جلد تيماج زركوب

اندازه : ۱۹×۲۸/۵ و ۱۲×۲۰ س ۲۷

[۱۳۲٦]

۵۲۸ این نسخه جلد سوم و بنسخ وباعنوانهای شنگرف است ودرروز چهارشنبه ۱۷ محرم ۱۰۹۰ نوشته شده است . آنرا برخود مجلسی درمجلسهائی خوانده‌اند که آخرین آنها در۱٤ جمادی یکم سال ۱۰۹۱ بوده است واو بخط شکسته نستعليق خود براین گواهی داده است (گ ۳۵۸ الف) گرچه نام خودرا ننوشت ولی

این خط درست مانند خط اجازهٔ پایان ش ۵۲۹ میباشد که ازاوست . از گوشهٔ راست بالائی برگها کمی موریانه خورده و بالای برگ یکم هم بریده شده است :

چنین است این نسخه :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی امرعباده بالعدل وهوتعالی اولی به من المأمورین ...
اما بعد فهذا هوالمجلد الثالث من کتاب بحارالانوار المشتمل علی اخبارالعدل والمعاد وعلل تکلیف العباد مما الفه . . . محمد باقربن محمد تقی .

انجام : هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذاالمجلد من کتاب بحارالانوار وختم علی یدی مؤلفه ... فی حادی عشر شهرمحرم الحرام من شهورسنة ثمانین بعدالالف من الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وصلی الله علی محمد واهل بیته . ابدالابدین (بسمله . انهی الی من اول هذاالمجلد الی آخرها فی مجالس عدیدة آخرها رابع عشرشهرجمیدی الاولی من سنة احدی وتسعین بعدالالف الهجرة . والحمدلله اولاوآخراوصلی علی محمد وآله الطاهرین وکتب بیمناه الداثرة الوازرة ختم الله له بالخیر فی الدنیا والآخرة) (بخط مجلسی) .

(۳۵۸گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج سرخ فرسودهٔ موریانه خوردهٔ مقوائی

اندازه : ۱۸×۲۴ و ۱۱/۵×۱۷ س ۲۴

[۱۳۲۷]

۵۲۹ این نسخه جلد ٤ وبسبخ باعنوان ونشانه های شنگرف است که کاظم بن الحسن الحسینی درروز چهارشنبه سوم ذیحجهٔ سال ۱۰۹۱ نوشتن آنرا بانجام رسانده . حاشیهٔ « مد ظله السامی » در گ ۱۳۳ ب هست . مجلسی خود در گ ۲۷۸ الف گواهی نوشته که حاج محمودبن حاج غیاث الدین محمد سپاهانی آنرا نزد او درچند مجلس خوانده وآخرین آنها ۱۵ ذیقعدهٔ سال ۱۰۹۲ بوده است وباو اجازهٔ روایت داده است واین گواهی بخط شکسته نستعلیق مجلسی است .

ازدارندگان نسخه ملاعبدالله پسرملامحمد تقی قزوینی بوده وجعفر پسر شیخ خضر که بخط خود درگ ۱ الف نوشته است : «ملکه الاقل جعفربن المرحوم الشیخ خضر» وگویا مهرهم واست که در ۱ ب بدینگونه هست : « لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد جعفر » نیز حاج میرزا حسین نوری که به محمدعلی بروجردی امانت داد (روبهٔ برك پیش از برك یکم شماره دار) .

چنین است نسخه :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خلق الانسان و علمه البیان وسلك به سبل الهدی بعلم الدلیل ومنارالبرهان ... اما بعد فهذا هوالمجلد الرابع من کتاب بحارالانوار فی بیان

مااحتج الله سبحانه وتعالی ورسوله وحججه ص علی المخالفین والمعاندین من ارباب الملل المختلفة والعقائد الزائفة عن الدین المبین وذکر مالایخص باباً من ابواب الکتاب من جوامع علوم الدین وان فرقت اجزائها علی الابواب المناسبة لهاتیسیر للطالبین من مؤلفات . . . محمد باقربن محمد تقی .

انجام : ولنکتف فی هذاالمجلد بما اوردناه وقدوقع الفراغ منه علی یدی مؤلفه ... فی شهر ربیع الثانی من شهورسنة ثمانین بعدالالف من الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وصلی الله علی اشرف المرسلین محمد وعترته الطاهرین المنتجبین .

(بسمله . انهاه الاخ فی الله المحبوب لوجه الله المبتغی لمرضاته تعالی الحاج محمودبن المبرور الحاج غیاث الدین محمد الاصبهانی وفقه الله سبحانه لمراضیه وجعل مستقبله خیرا من ماضیه سماعاو تصحیحاوضبطافی مجالس عدیدة آخرها خامس عشرشهرذی القعدة الحرام لسنة اثنین وتسعین بعدالالف الهجریة فاجزت له روایته علی مراعیا الشرائط الروایة داعیاً لی فی مآن الاجابة وکتب بیمنه الجانیة مؤلفه غفرالله ولوالدیه حامداً مصلیاً مسلما) (بخط مجلسی درشت مانند ش ۵۲۸) .

(۳۷۸گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۸/۵×۲۹/۵ و ۱۲×۲۰ س ۲۱

[۱۳۲۸]

۵۳۱ این نسخه جزو ۲ جلد ٤ وبهمان گونه نسخ ش ۵۳۰ وبگواهی خط خوردگیها وسفیدیها نسخهٔ اصل خط مجلسی میباشد . چنین است :

آغاز : باب احتجاجاته ص علی النصاری . ج : وروی انه وفد من بلادالروم الی المدینة علی عهد ابی بکر وفیهم راهب من رهبان النصاری .

انجام : باب احتجاجات موسی بن جعفر ع علی ارباب الملل والخلفاوبعض ماروی عنه من جوامع العلوم ... وقال ابوحنیفة حججت فی ایام ابی عبدالله الصادق ع فلما اتیت المدینة دخلت داره فجلست فی الدهلیز انتظر اذنه . . . اقول سیاتی اکثرمناظراته واحتجاجاته فی ابواب تاریخه ص و کثیرمماصدرعنه من جوامع العلوم فی کتاب الروضة . باب ماوصل الینا .

(۳۷۴گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج زرد ساده

اندازه : ۱۹/۵×۲۶ و ۹×۱۶/۵ س ۱۹

[۱۳۲۹]

۵۳۲ این نسخه ازجلد ۵ است که دررمضان ۱۰۷۷ نگارش یافته وبسبخ باعنوانها ونشانه های شنگرف میباشد و آیه ها اعراب دارد . درگ ٤۷٦ ب نوشته

شده : «بتاریخ شهر ذیقعدهٔ ١٠٨٩ ابواب جمع شده» ودر گ ٤٧٥ الف نوشته شده : «عفوالله تعالی احوالات انبیا دراخبار ١٣٤١» پیداست که نسخه میان ١٠٧٧ و١٠٨٩ نوشته شده است . چنین است :

آغاز : والمراد بالعلم عقائدهم الزائفة وشبههم الداحضة او علم الانبياء و فرحهم به وضحكهم منه واستهزائهم به ويؤيده وحاق بهم ما كانوا به يستهزؤن ... باستاى شدة عذابنا فلم يك ينفعهم لامتناع قبوله حينئذ سنة الله (تفسير آيات باب پیش از ابواب قصص آدم وحوا) :

انجام : وفى رواية اخرى كساه الانطاع وطيبه. الى هنا انتهى ما اردت ايراده فى المجلد الخامس من بحار الانوار فى ... رمضان من شهور سنة سبع و سبعين و الف من الهجرة المقدسة والحمدلله اولا وآخراً وصلى الله على محمد سيد المرسلين واهل بيته الطاهرين المكرمين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين (تمت) .

(٣٧٦ گ) ــ كاغذ سمرقندى ــ جلد تيماج بيرون مشكى و درون سرخ و ساده بطوائى با برگردان اندازه ، ١٩ × ٢٥/٥ و ١١ × ١٧/٥ س ٢١

[١٣٣٠]

٥٣٧ اين نسخه از جلد ٦ است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که با اصل برابر وسنجیده شده (گ ٥٥٦ ب) وحاشیهٔ «منه طاب ثراه» دارد (٥٥٦ الف) مهرهای دارندگان نسخه: محمدزمان بن محمد محسن و ضیاءالدین نوری در گ ١ الف هست . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذى اكرم سيد انبيائه محمداً بالرسالة وشرفها به شرائف الصلوات ... اما بعد فيقول .. محمد بن محمد تقى المدعو بباقر ... هذا هو المجلد السادس من كتاب بحار الانوار المشتمل على تاريخ .. محمد بن عبدالله .

انجام : باب ذكر جمل غزواته واحواله ص بعد غزوة بدر الكبرى الى غزوة احد ... فقال اسيف بن عبدالله بن انيس هذا قتله ارى اثر الطعام (بلغ قبالا مع نسخة الاصل بتأييده تعالى) .

(٥٥٦ گ) ــ كاغذ سمرقندى ــ جلد تيماج مشكى گوشه‌ها و زيرآن سرخ اندازه ، ١٨ × ٣٠ و ١١/٥ × ٢١ س ٢٥

[١٣٣١]

٥٤١ اين نسخه نيمهٔ يكم جلد ٦ است و بنسخ با عنوانهاى شنگرف نوشتهٔ محمد نجف آبادى در نجف بسال ١٢٥٧ ودر آغاز آن پيش از خود كتاب فهرست هست . محمد خليل قزوينى در ١٢٦٨ وفضل الله بن عباس نورى كه خط ومهر او ومهر كتابخانهٔ او

هست دارندهٔ نسخه بودند (١ الف) نسخه چهل و هفت كراس و نيم و ١٣٣٧ بيت ميباشد .

آغاز مانند ش ٥٣٧ وچنين است انجام آن :

باب نوادر الغزوات و جوامعها وماجرى بعد الهجرة الى غزوة بدر الكبرى وفيه غزوة العشيرة و بدر الاولى والنخلة ... وفى هذه خرج رسول الله ص يوم العيد فصلى بالناس صلوة العيد وحملت بين يديه العنزة الى المصلى فصلى اليها وفى هذه السنة كانت غزوة بدر (قدفرغت فى ١٢٥٧ واعتذر ممن نظر فيه ان يعفو عنى لان النسخة كانت مغلوطة وانى است بمقصر . كتبه فى مشهد الغروى وانا العبد الاقل الجانى محمد النجف آبادى غفر الله له ولوالديه ــ باب تحول القبلة بلحقه) .

(٣٧٠ گ) ــ كاغذ سمرقندى جلد تيماج سرخ زركوب اندازه ، ١٩ × ٢٩ و ١١ × ٢١ س ٢٦

[١٣٣٢]

٥٣٨ اين نسخه نيمه دوم جلد ٦ است كه در سرگذشت پيامبر ميباشد ودرشب آدينهٔ ٢١ رمضان ١٠٨٤ بانجام رسيد . بنسخ است باعنوانها و نشانه‌هاى شنگرف در دوجدول شنگرف ولاجورد و محمد نجف آبادى در نجف بسال ١٢٥٨ آنرا نوشت . محمد خليل قزوينى در ١٢٦٨ و فضل الله بن عباس نورى كه خط و مهر او هست دارندهٔ نسخه بودند . چنين است :

آغاز : بسمله . باب تحول القبله . الآيات . البقرة : سيقول السفهاء من الناس ماوليهم عن قبلتهم التى كانوا عليها .. تفسير: قال الطبرسى ره سيقول السفهاء من الناس اى سوف يقول الجهال وهم الكفار .

انجام : فتبرر سول الله ص المدخل الذى رأيت . يقول مؤلف الكتاب .. قد اتفق الفراغ من هذا المجلد من كتاب بحار الانوار فى ليلة الجمعة لعشرين مضين من .. رمضان من شهور سنة اربع و ثمانين بعد الالف من الهجرة .. مع وفور الاشغال واختلال البال فارجوا من نظر فيه ان لايؤاخذنى بما يجد فيه من الخطاء والخطل والنسيان ويدعولى ولآبائى وامشائخى و اسلافى بالرحمة والغفران والحمدلله اولا وآخراً وصلى الله على محمد واهل بيته الطاهرين المنتجبين ولعنة الله على اعدائهم ابد الآبدين .

(٣٩٦ گ) ــ كاغذ سپاهانى ــ جلد تيماج سرخ زركوب اندازه ، ١٩ × ٢٩ و ١١/٥ × ٢١ س ٢٦

[۱۳۳۳]

۵۳۹ این نسخه جزو یکم جلد۷ و درسر گذشت امامان وچگونگی امامت است و بنسخ باعنوانهای شنگرف وباسرلوح زیبای رنگارنگ دردوجدول که بزرگی شنگرف و کوچکی لاجورد وزرین است و محمد رضابن محمد حسین گربایگانی (جرفادقانی) درپایان محرم۱۱۱۷ آنرا نوشته است . حسن حسینی خراسانی نسخه را به پنجاه وریال عتیق خریده است (۱ الف) . درچهاربرگ نخستین بی شمارهٔ آغاز، فهرست کتاب نوشته شده . چنین است :

آغاز : بسمله . و به نفتی . الحمدلله الذی اوضح لنا مناهج الهدی بمفاتیح الکلم و مصابیح الظلم . . . امابعد فهذا هو المجلد السابع من کتاب بحار الانوار مما الفه . . . محمد بن محمد تقی المدعو بباقر . . . وهومشتمل علی جمل احوال ائمة الکرام .

انجام: بیان. اشارة الی القائم ... اوسنة واشهر (تم الجزء الاول من المجلد السابع من کتاب بحارالانوار علی ید . . . محمد رضابن محمد حسین جرفادقانی . . . فی سلخ شهر محرم ... سنة سبع عشرومائة والف ویاتی الجزء الثانی وهو ابواب علامات الرضا وصفاته . تمت) .

(۳۲۶۵ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه . ۱۵/۵ × ۲۵ و ۹ × ۱۸ س ۲۴

[۱۳۳۴]

۵۴۰ این نسخه بمانند ش ۵۳۹ نیمهٔ نخستین جلد ۷ است وبنسخ بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف که محمد هادی بن محمد اسمعیل کرونی سپاهانی درنینوا (نجف) بسال ۱۲۶۹ درروزچهارشنبهی نوشتن آنرا بانجام رسانده . درگ۱ ب ـ۲ الف فهرست است که برسرمن‌رای درشب ۱۵ جمادی یکم سال ۱۳۰۱ بنستعلیق نوشته شد . خط ومهر کتابخانهٔ فضل‌الله بن عباس نوری درگ ۲ الف و ۳ الف هست .

آغاز مانند ش ۵۳۹ وانجام هم مانند آن وچنین دارد :

« قدتم نصف الاول من المجلد السابع من مجلدات بحارالانوار المجلسی ... علی ید اقل العباد ... فی ارض نینوا .. فی یوم الاربعا فی الشهر المنسوب الی سیدالانبیاء . . . اقل الطلاب ابن محمد اسمعیل محمد هادی الکرونی الاصفهانی . . فی سنة تسع وستین ومأتین بعدالالف من الهجرة النبویة الشریفة فی ۱۲۶۹ .

(۳۱۸۸ب) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه . ۲۱ × ۳۰/۵ و ۱۱ × ۲۰/۵ س ۲۵

[۱۳۳۵]

۹۴۷ این نسخهٔ جزودوم جلد ۷ (امامت) است که درذیحجهٔ ۱۰۸۶ نگارش یافت وبنسخ باعنوانهاونشانه‌های شنگرف میباشد واز گ ۲۳۴ الف تا ۲۴۸ ب بنستعلیق است . فهرست درآغاز هست . محمد خلیل قزوینی در ۱۲۶۸ و فضل‌الله بن عباس نوری (بخط ودوگونه مهراو) دارندهٔ نسخه بوده‌اند (گ۱و۲ الف وپایان) . چنین است :

آغاز : بسمله . ابواب علامات الامام وصفاته وشرائطه ... باب ان الائمة من قریش وانه لم یسم الامام اماما . ن : باسناد التیمی عن الرضا . . . قال النبی . . . الائمة من قریش .

انجام : اقول الاحتجاج والبراهین فی الامامة اکثر من ان تحصی وهی مفصلة فی کتب اصحابنا وشاتنا فی هذا الکتاب نقل الاخبار ... (مانند ش ۱۱۴۵) .

(۳۲۴۸ب) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۹/۵×۱۴/۵ و ۱۵ × ۲۲ س ۲۷

[۱۳۳۶]

۱۱۴۴ این نسخه از باب ۱۷ تا باب ٦٦ جلد ۷ ومانند شماره‌های ۱۱۴۵ و۱۱۴٦ روی خط خوردگیها و سفیدیها که درآنها هست نسخه اصل مجلسی است و بنسخ و پاره‌ای جاها نستعلیق و باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد وافزوده‌هائی در کنارصفحه‌ها هست که اینهم خود میرساند که نسخهٔ اصل است . چنین است :

آغاز : باب ۱۷ وجوب طاعتهم وانها المعنی بالملك العظیم و انهم اولوالامر وانهم المحسودون . الآیات . النساء . ام یحسدون الناس علی ما آتیهم الله من فضله تفسیر . قوله تعالی ام یحسدون الناس . قال الطبرسی رحمه‌الله معناه بل یحسدون الناس ... . . . فس . علی بن الحسین عن البرقی ... عن ابی عبدالله قال قلت قوله فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب قال النبوة . قلت والحکمة قال الفهم والقضاء . و آتیناهم ملکا عظیما قال الطاعة المفروضة .

انجام : باب٦٦ انهم الصلوة والزکوة والحج والصیام وسائر الطاعات واعدائهم الفواحش والمعاصی فی بطن القرآن وفیه بعض الغرائب وتأویلها (۱۱۰ الف) . ما. جماعة عن ابی المفضل عن الحسین بن علی بن عاصم عن سلیمان بن داود الشاذکونی عن حفص بن غیاث قال کنت عند سیدالجعافر جعفر بن محمد علیه‌السلام لما اقدمه المنصور فاتاه ابن ابی العوجاء وکان ملحداً فقال ماتقول فی هذه الآیة کلما نضجت جلودهم بدلناهم جلوداً غیرها (۱۱۴ب) .. وقال ما بینی وبین الحق عداوة . بسمله . ل . باب ماوصل الینا من اخبارهم علی بن جعفر عن اخیه (۱۱۵ ب) .

(۳۱۱٦ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوای سفید نه آن میشن

اندازه . ۳۰ × ۲٦ ؛ ۱۲ × ۱۸ س ۱۸

[۱۳۳۷]

۱۱۴۵ این نسخه جزوه مجلد ۷ (باب ۱۲۱ تا ۱۵۰) میباشد ومانند شمارههای ۱۱۴۴ و۱۱۴۶ روی خط خوردگیها وسفیدیهایپداست که اصل است وبنسخ ونستعلیق باعنوانها ونشانههای شنگرف بمانند همانها میباشد ودر کاغذ وجلدهم مانند ۱۱۴۴ـ چنین است :

آغاز : ابواب ولايتهم وحبهم و بغضهم ص . باب ۱۲۱ : وجوب موالاة اوليائهم ومعاداة اعدائهم ـ فس فی رواية ابی الجارود عن ابی جعفر ع فی قوله ماجعل الله الرجل من قلبين فی جوفه فيحب بهذا ويبغض بهذا .

انجام : باب ۱۵۰ : الدلائل التی ذكرها شيخنا الطبرسی روح الله روحه فی كتاب اعلام الورى علی امامة ائمتنا ... وهذا يدل علی ان الله سبحانه خرق فی انتشاء امادات وقلب الجبلات للابانة علی علو درجتهم والتنبيه علی شرف مرتبتهم والدلالة علی امامتهم (اقول الاحتجاج والبراهين فی الامامة اكثر من ان تحصى وهی مفصلة فی كتب اصحابنا وشأننا فی هذا الكتاب نقل الاخبار وانا اوردنا تلك الفصول لانه اشتمل عليها ما تستخرج منه الاخبار من الاصول وقد تم هذا المجلد بعونه تعالی فی شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة ست وثمانين بعد الالف الهجرية والحمد لله اولا و آخراً والصلوة علی محمد وآله الاطهرين) (الطاهرين برحمتك يا ارحم الراحمين) ـ (بخط نستعليق مجلسی) .

(۳۹۹گ) ـ كاغذ سمرقندی ـ جلد مقوائی سفید آه میشن

اندازه : ۲۰ × ۳۶/۵ و ۱۰ × ۱۶/۵ س ۱۹

[۱۳۳۸]

۵۴۲ این نسخه نیمهٔ یکم جلد ۸ (الفتن والمحن) است وبنسخ با عنوانهای شنگرف وآیهها با اعراب و زیرخط سرخ میباشد . در آغاز نسخه فهرست کتاب هست ـ محمد خلیل قزوینی در ۱۲۶۸ وفضل الله بن عباس نوری در ۱۳۰۰ (باخط ومهر ومهر كتابخانه) دارندهٔ نسخه بودهاند . چنین است :

آغاز : بسمله وبه نستعين . الحمد لله الذی اوضح لنا مسالك الدين باعلامه ... اما بعد فهذا هو المجلد الثامن من كتاب بحار الانوار مما الفه ... ابن محمد تقی ... المدعو بباقر ... وهو مشتمل علی ماوقع من الجور والظلم والبغی والعدوان علی ائمة الدين ... وتوضيح كفر المنافقين والمرتدين الغاصبين للخلافة .

انجام : كيفية قتل عثمان وما احتج عليه القوم فی ذلك ونسبه و تاريخه ... محمد بن عيسى عن القداح ... قال لما حصر الناس عثمان جاء مروان ... قال الجزری الاجذام

الاقلاع من الشیء . قال الربيع بن زياد و حرف .

(۳۱۶گ) ـ كاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سبز زركوب مقوائی

اندازه : ۳۰ × ۴۱ و ۱۳ × ۳۱ س ۳۴

[۱۳۳۹]

۵۴۳ این نسخه مانند ش۵۴۲ ونیمهٔ دوم جلد ۸ که درپایان ذیحجهٔ ۱۰۹۱ نگارش یافته است و بهمانگونه نسخ وعنوانهای شنگرف همان شماره و در پایان جمادی دوم سال ۱۲۳۱ نوشتن آن بانجام رسید . دارندگان نسخه همان محمد خلیل قزوینی در ۱۲۶۸ وفضل الله بن عباس نوری (باخط ودومهر او و کتابخانه او) بودهاند.

از گ۱ تا ۱۵ دنبالهٔ ش۵۴۲ است بدینگونه : «وحرف قيس البيت . ذكر الاعثم فی الفتوح » و ناتمام است وباز از س شمارهٔ ۱ آغاز میشود تا ۴۹۷ و دوسر گذشت علی میباشد.

چنین است انجام آن :

بيان الكرى النعاس و السری بالضم السير بالليل والمثل معروف . قد وفق الله تعالی للفراغ من هذا المجلد من كتاب بحار الانوار الموسوم بكتاب الفتن علی يدی مؤلفه ... ابن محمد تقی محمد باقر ... فی سابع شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة احدى وتسعين بعد الالف الهجرية . والحمد لله اولا و آخراً وصلى الله علی سيد المرسلين محمد وعترته الاكرمين ولعنة الله علی اعدائهم اجمعين .

(۳۶۸گ) ـ كاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سبز زركوب مقوائی

اندازه : ۲۱ × ۳۱ و ۱۳ × ۲۳/۵ س ۳۱

[۱۳۴۰]

۵۴۴ این نسخه جزو سوم جلد ۸ است و بنسخ با عنوانها و نشانههای شنگرف که ركن الدين محمد بن علی بن ثابت حسينی درشب سه شنبه رمضان ۱۱۱۱ نوشتن آنرا بانجام رسانده . حاشيهٔ « منه رفع الله درجته » درگ ۲۲۸ الف هست . مجدالدين دارندهٔ آن بوده است . چنین است :

آغاز . ابواب ماجرى بعد قتل عثمان من الفتن والوقائع والحروب وغيرها . باب بيعة امير المؤمنين ... اقول قال ابن ابی الحديد فی شرح النهج .

انجام نی . ابن عقدة ومحمد بن همام ... عن سليم وذكر ابان انه سمعه ... ان معوية لما دعا ابا الدرداء وابا هريرة فانطلقا والدرداء وابوهريرة فحدثا معوية بكل ماقال علی ع واستشهد عليه الناس وشهدوا به .

(۳۳۹گ) ـ كاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشكی سادهٔ مقوائی

اندازه : ۱۸ × ۲۴ و ۱۲/۵ × ۱۷ س ۲۱

[۱۳٤۱]

٥٤٥ این نسخه جلد ۹ ودر سرگذشت علی ع میباشد که در ٦ ربیع دوم سال ۱۰۷۹ نگارش یافت ، بنسخ با عنوانهای شنگرف محمد مقیم بن محمد حسن ابهری ایجی(؟) است کهدر ۱۱ محرم ۱۰۹۱ آنرا نوشت . فهرست دارد . ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است ، چنین است :

آغاز : بسمله وبه نستعین . الحمدلله الذی شیداساس الدین ونورمناهج الیقین بمحمد... فیقول .. محمد باقر بن محمد تقی . . . هذا هوالمجلدالتاسع من کتاب بحارالانوار فی بیان فضائل سیدالاخیار .. علی بن ابی طالب .

انجام : وسیأتی تمام القول فی ذلک فی کتاب المزار . هذا آخرالمجلدالتاسع من کتاب بحارالانوار ختم علی یدی مؤلفه ... فی سادس شهر ربیع الثانی من شهورسنة تسع وسبعین بعدالالف من الهجرة المقدسة النبویة علیه وآله الف الف الف صلوة وتحیة (بلغ قبالا) .

(۵۶۹۵ک) ــ کاغذ سمرقندی جلد تیماج مشکی درون سرخ

اندازه : ۲۱×۲۹ و ۱۲×۲۰ س ۲۵

[۱۳٤۲]

٥٤٦ این نسخه جزو ۷ جلد ۹ و درسرگذشت علی میباشد و بنسخ و برخی جاهها بنستعلیق با نشانهها و عنوانهای شنگرف است ، نسخهایست کهن و اصل بخط مجلسی چه خط خوردگیها و سفیدیها دارد . و نوشته که وقف است برهمه مؤمنان . چنین است :

آغاز : باب ۸۷ حبه وبغضه ص وان حبه ایمان و بغضه کفرونفاق . . . جع . لی . مع . ن : القطان عن عبدالرحمن بن محمدالحسنی .. عن النبی ... قال یقول الله عزوجل ولایة علی بن ابیطالب ع حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی .

انجام : باب ۹٦ ما علمه الرسول ص عندوفاته و بعده وما اعطاه من الاسم الاکبر وآثار علم النبوة وفیه بعض النصوص . . . یر : علی بن عبدالرحمن عن . . . ابی عبدالله قال ان الله . . . اوحی الی رسول الله ص انه قد قضیت نبوتک واستکملت ایامک . . . محمدبن عیسی بن . . . ابی عبدالله قال اوصی موسی الی یوشع بن نون . . . فاوحی بالاسم الاکبر ومیراث العلم وآثارعلم النبوة الی علی بن ابیطالب علیه السلام .

(۳۱۰۱ک) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج زرد ساده

اندازه : ۱۹×۲٦ و ۱۵×۱۹ س ۲۰

[۱۳٤۳]

٥٤٧ این نسخه جلد ۱۰ است وبنسخ باعنوانهای درشت تر وسیاه یا شنگرف ریز وبانشانههای شنگرف میباشد . منصوربن شیخ کاشف اهوازی آنرا در نجف بسال ۱۲۵۷ از روی نسخهایکه مجلسی دیده بود نوشت . فهرست کتاب دربشت برگ بی شمارهٔ آغازهست و کتاب از ۱ ب است تا ۵۷٤ الف . محمدخلیل قزوینی در ۱۲٦۸ (بخط او) وفضل الدین عباس نوری در ۱۳۰۰ (بخط ودومهراو و کتابخانهٔ او) دارندهٔ نسخه بودهاند (رویهٔ برگ بی شمارهٔ پیش از کتاب وجاهای دیگر) (بنگرید به ش ٥٤٥) چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خص بالبلاء من عباده المحبین النجباء . . . فهذا هوالمجلدالعاشر من کتاب بحارالانوار مما الفه ... محمد باقربن محمدتقی .

انجام : وصلیت الصبح واقبلت مسرعاً مخافة اهل الشام . اقدتم هذاالمجلد . . . فی شهر ربیع الاول من شهور سنة تسع وسبعین بعدالالف من الهجرة النبوی .

(۵۴۴ک) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج زرد زرکوب

اندازه . ۱۹/۵×۲۹ و ۱۱/۵×۲۰/۵ س ۲۵

[۱۳٤٤]

٥٤٨ این نسخه جلد ۱۱ است وبرگ ۱ ب نستعلیق ودیگر برگها بنسخ باعنوانها ونشانههای شنگرف میباشد و فهرست در آغاز آن هست و از «کتابخانهٔ ضیاءالدین النوری» بودهاست(۲ الف) . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی اکرمنا بسید انبیائه و اشرف اوصیائه . . . فهذا هوالمجلدالحادی عشر من کتاب بحارالانوار تألیف ... محمدالمدعو بباقر .

انجام : اقول اوردنابعض احوالهم فی باب وصیة موسی .. وسیأتی بعض احوال عبدالله بن موسی فی باب مکارم اخلاق ابی جعفر الجواد ع تم المجلدالحاد بعشرمن کتاب (بحارالانوار علی یدمؤلفه فی شهر شوال من شهورسنة سبع وسبعین بعدالالف من الهجرة النبویة والحمدلله اولا و آخراً وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین ــ ش ٥٥١) .

(۳۴۸ک) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سیاه ساده مقوائی

اندازه : ۱۸×۲٦ و ۱۰٫۵×۱۷/۵ س ۲۴

[۱۳٤٥]

٥٥١ این نسخه جلد ۱۱ است که درشوال ۱۰۷۷ نگاشته شده وآغاز وانجام آن مانند ش ٥٤٨ میباشد . بنسخ با عنوانها ونشانههای شنگرف است وصفحه

نخستین تازه‌تر و دیگر صفحه‌ها در دو جدول که بزرگتر شنگرف و کوچکتر لاجورد وزرین است . تاریخ نوشتن نسخه جمادی یکم سال ۱۰۹۶ میباشد .

(۳۶۴ف) ــ کاغذ سپاهانی جلد تیماج مشکی درون سرخ متوالی
اندازه . ۱۹×۲۶ و ۱۱×۱۸ س ۲۳

[۱۳۴۶]

۱۱۴۶ این نسخه از نیمه نخستین جلد ۱۱ است و مانند شماره‌های ۱۱۴۴ و ۱۱۴۵ روی خط خوردگی‌ها و افزوده‌های هامش و سفیدی‌ها پیداست که نسخهٔ اصل مجلسی میباشد . بنسخ ، عنوانهای شنگرف و برخی جاها نستعلیق مانا از خود مجلسی است . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی اکرمنا بسید انبیائه واشرف اصفیائه محمد ... اما بعد فهذا هو المجلد الحادی عشر من کتاب بحار الانوار تألیف ... محمد المدعو بباقر ... ابن ... محمد التقی ... ابواب تاریخ سید الساجدین .

انجام : باب مکارم اخلاقه وسیره وسننه وعلمه وفضله واقرار المخالف والمؤالف بجلالته (اباجعفر) ...کا : علی بن محمد بن عبدالله ... قال دخل عبدالله بن قیس الماصر علی ابی جعفر ... فقال الرجل بابن رسول الله لاابالك لااخبر ابن قیس الماصر بهذا ابدا فقال ذلك إليك .

(۳۸۰ف) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی ضربی متوالی باگیره
اندازه . ۳۰/۵×۲۷ و ۱۲×۱۷ س ۲۱

[۱۳۴۷]

۵۴۹ این نسخه جلد ۱۲ است که نگارش آن در روز آدینهٔ ۱۷ ذیحجهٔ ۱۰۷۷ بانجام رسیده و در روز چهارشنبه ۱۸ صفر ۱۰۸۳ نوشتن آن پایان یافت و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف مانند ش۵۴۸ میباشد . فهرست در آغاز هست . حسین بن محمدتقی نوری طبرسی (بخط او) و ضیاءالدین نوری (مهر کتابخانهٔ او) دارندگان نسخه بوده‌اند . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی زین سماء الدین بالشمس والقمر محمد وعلی خیرالبشر ... فهذا هو المجلد الثانی عشر من کتاب بحار الانوار مما الفه ... محمد المدعو بباقر بن ... محمد التقی .

انجام : الی وقت مضیه تسع و عشرون سنة . قد تم المجلد الثانی عشر من کتاب بحار الانوار علی یدی مؤلفه ... محمد باقر بن محمد تقی ... فی یوم الجمعه سابع عشر

شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة سبع وسبعین بعد الالف من الهجرة المقدسة والحمدلله اولا وآخرا وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین .

(۳۶۴ف) ــ کاغذ نرمه سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی متوالی
اندازه . ۱۸×۲۶ و ۱۱×۱۷/۵ س ۲۳

[۱۳۴۸]

۵۵۰ این نسخه جلد ۱۳ است که در رجب ۱۰۷۸ نگارش یافته و « ابن حاجی میرمحمد بن محمد مؤمن » روز یکشنبه ۲۵ شعبان سال ۱۰۸۰ آنرا نوشت و بنسخ درشت با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف میباشد . در دو صفحهٔ نخستین نشانه «وقف» روی سطرها هست . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی وصل لعباده بامام بعد امام الهم بنذکرون ... فهذا هو المجلد الثالث عشر من کتاب بحار الانوار فی تاریخ الامام الثانی عشر ... من مؤلفات ... محمد باقر بن محمد تقی .

انجام : و کتب بیمناه ... مؤلفه ... محمد باقر بن محمد تقی ... فی شهر رجب الاصب من شهور سنة ثمان وسبعین بعد الالف من الهجرة النبویة .

(۳۱۴۴ف) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ سادهٔ درون سبز متوالی
اندازه . ۲۵/۵×۳۸ و ۱۷×۲۸/۵ س ۲۹

[۱۳۴۹]

۵۵۲ این نسخه از جلد ۱۴ است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . فضل الله نوری (با دو مهر) و محمد صادق (بخط او) دارندگان نسخه بوده‌اند (۱ الف) چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله خالق الارض (الارضین) والسموات وسامك المسموكات وداحی المدحوات ... فیقول ... محمد بن محمد تقی المدعو بباقر ... هذا هو المجلد الرابع عشر من کتاب بحار الانوار المسمی بکتاب السماء والعالم .

انجام : قد مضت اخبار کثیرة من هذا الباب فی ابواب معجزات الائمة ومعجزات شرائعهم صلوات الله علیهم اجمعین (باب حقیقة الرؤیا وتعبیرها ــ س ۷ گ ۳۱ الف ش ۵۵۵)

(۲۵۶ف) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سیاه ضربی متوالی
اندازه . ۲۲×۳۱/۵ و ۱۳×۲۳ س ۲۵

[١٣٥٠]

٥٥٢ این نسخه جلد ١٤ بابهای یکم تا سی‌وسوم میباشد و بنسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف و صفحهٔ نخستین تازه و ساده‌است و محمد جعفر آنرا مقابله نموده و مهر او (عبده محمدجعفر) هست . فهرست در آغاز نسخه دیده میشود، ضیاءالدین نوری دارندهٔ آن بود (مهر) آیه‌ها اعراب دارد آغاز مانند ش ٥٥٢ و چنین است :

انجام آن : ابواب الملئکة باب حقیقة الملائکة ... الآیات البقرة واذ قال ربك للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة ... الصافات والصافات صفا ... ولداللّٰه وانهم لکاذبون (س ٨ گ ١٢٥ ب ش ٥٥٢)

(٣١٤گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سبز ضربی مقوائی

اندازه ، ١٧×٢٤ و ١١×١٨/٥ س ٢١

[١٣٥١]

٥٥٥ این نسخه از جزو ٣ و ٤ جلد ١٤ (باب الرؤیا تا باب الجراد والسمك) است و بنسخ درشت باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و با آیه‌های معرب میباشد ، در گ ٣٤٥ ب دارد : «بلغ» . مهر ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه در آن هست . چنین است :

آغاز : باب حقیقة الرؤیا وتعبیرها وفضل الرؤیا الصادقة وعلتها وعلة الکاذبة .

انجام : المحاسن عن یعقوب بن یزید ... سمعت اباالحسن ع یقول علیکم بالسمك فانه (باب الجراد والسمك وسائر حیوان الماء) .

(٣٤٨گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی فرسوده مقوائی

اندازه ، ١٩×٣١/٥ و ١٢×٢٢/٥ س ٢٥

[١٣٥٢]

٥٥٤ این نسخه از جزو ٣ و ٤ جلد ١٤ (باب جن تا پایان سماء و عالم) که درمیانه جمادی دوم سال ١١٠٤ بنگارش درآمده است . بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و آیه‌ها اعراب دارد . چنین است :

آغاز : باب حقیقة الجن واحوالهم . الآیات . الانعام : وجعلوا للّٰه شرکاء الجن .

انجام : و ذکر حدیث عباد البصری الذی قدمنا بروایة البرقی . قدتم کتاب السماء والعالم علی ید مؤلفه ... محمد باقر بن محمد تقی ... فی اواسط شهر جمیدی الثانیه من شهور سنة اربع و مائة بعد الالف الهجریة والحمدللّٰه اولا و آخرا والسلام علی سید المرسلین محمد وعترته الاطیبین الاطهرین ولعنة اللّٰه علی اعدائهم اجمعین .

(٣٦٣گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی

اندازه ، ١٨×٢٤ و ١١/٥×١٨/٥ س ٢١

[١٣٥٣]

٥٥٦ این نسخه جلد ١٥ (ایمان و کفر) است و در آغاز آن مجلسی میگوید که برای (العشرة) کتابی جدا ساختم اگرچه در فهرست آغاز آنرا در همین جلد گذارده بودم . بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف محمد جواد بن عبدالکریم تبریزی حایریست که در ١٣١٣ آنرا نوشت و مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن هست . چنین است :

آغاز : بسمله . وبه‌استعین . الحمدللّٰه الذی فضل نوع الانسان علی سائر الحیوان بالاسلام والایمان ... فهذا المجلد الخامس عشر من کتاب بحار الانوار فی بیان الاسلام والایمان وشرایطهما وتوابعهما من مکارم الاخلاق ومحاسن الاعراق .

انجام : ای لم یمهد مثله واحلنی علی عفوك ای عاملنی یوم الجزاء بعفوك وصلی اللّٰه علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین .

(٣٣١گ) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ٢١×٣١ و ١٣×٢٣ س ٢٩

[١٣٥٤]

٥٢٥ این نسخه جزو دوم جلد ١٥ (مکارم اخلاق ایمان و کفر) و بنسخ باعنوانهای میباشد . چنین است :

آغاز : بسمله . ابواب مکارم الاخلاق . اقول و سیجیٔ ماینتاسب هذه الابواب فی کتاب العشرة وفی کتاب الآداب والسنن ایضا انشاءاللّٰه . باب جوامع المکارم وآفاتها ومایوجب الفلاح والهدی . الآیات . البقرة . الم ذلك الکتاب .

انجام : باب الاخلاص ومعنی قربه تعالی ... وسنجزی الشاکرین ای نعطیهم جزاء الشکر ... ومن احسن دینا قال الطبرسی رهو فی صورة الاستفهام والمراد به التقریر ... ممن اسلم وجهه للّٰه ای اسلم ... وقیل یعنی اسلم وجهه للّٰه قصده سبحانه بالعبادة وحده کما اخبر عن ابراهیم انه قال وجهت .

(٢٥٥گ) ــ کاغذ فرنگی جلد تیماج سرخ یك لا

اندازه ، ١٨×٣٢ و ١١×١٩/٥ س ٢٠

[۱۳۵۵]

٥٥٧ این نسخه جزو دوم جلد ۱۵ (ایمان و کفر) و دارای ٦۰ باب (تا باب حزن) میباشد وبسیاری از جاها سفید گذاشته شده و میخواستند بنویسند. بنسخ است با عنوانهای شنگرف حاجی محمدبن حاجی میرزا محمد نهاوندی که درروز سه شنبه ذی‌قعدهٔ سال ۱۲۹۲ آنرا نوشت. فهرست در آغاز آن هست. مهر ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه هم دیده میشود. چنین است:

آغاز: بسمله. و به نستعین. ابواب مکارم‌الاخلاق. اقول وسیجئی ما یناسب هذه‌الابواب فی کتاب‌العشرة و فی کتاب‌الآداب والسنن ایضاً انشاء تعالی جل عظمته. باب جوامع‌المکارم و آفاتها وما یوجب‌الفلاح والهدی. الآیات. البقرة. الم ذلک الکتاب:

انجام: باب‌الحزن: مص: قال‌الصادق ع الحزن من شعار العارفین لکثرت واردات الغیب علی سرائرهم... محص: عن رفاعة عن جعفر ع قال قرات فی کتاب علی ع ان‌المؤمن یمسی حزینا ویصبح حزینا ولایصلح له‌الاذلک.

(۱۵٦گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج قرباغی ضربی مقوائی
اندازه. ۱۵×۲۲ و ۱۰×۱٦ س ۲۱

[۱۳۵٦]

٥٥٨ این نسخه جزو ۳ جلد ۱۵ (الکفر ومساوی‌الاخلاق. تا ـ باب‌القوة... والعداوة) است وبنسخ خوش باعنوانهای شنگرف همان حاجی محمد نهاوندی که درنجف درجمادی یکم سال ۱۲۹٦ آنرا نوشت. مهر ضیاءالدین نوری هم هست. فهرست درآغاز دیده میشود. چنین است:

آغاز: بسمله. ابواب الکفر و مساوی‌الاخلاق. اقول سیجئی فی کتاب‌العشرة و کتاب‌الآداب والسنن والاوامر والنواهی مایتعلق بهذه‌الابواب من‌الاخبار... باب‌الکفر و لوازمه وآثاره و انواعه و اصناف‌الشرک. الآیات. البقرة: ان‌الذین کفروا سواء علیهم.

انجام: کا: عن عدة من اصحابنا... قال ابوعبدالله ع من‌العداوة حصل مابذر. بیان: حصل مابذر... وهوعداوة‌الناس له.

(۲۲۹گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه. ۱۵×۲۲ و ۱۰×۱۵ س ۲۰

[۱۳۵۷]

٥٥٩ این نسخه جلد ۱٦ است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف حاج احمدبن حسین یزدی مشهدی واعظ که درشب ۱۹ رمضان ۱۲۹٤ درطوس آنرا نوشت.

فهرست درآغازهست. نیز مهرضیاءالدین نوری. حاجی نوری درآغاز چنین نوشته:

«کذا فی اول نسخة‌الاصل من کتاب‌العشرة» آنگاه دارد: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی خیرخلقه وخلیفته علی بریته محمد... فهذاهو المجلد السادس عشرمن جملة بحارالانوارتألیف المستغرق فی تیار رحمة‌الله‌الملک‌الولی محمد باقربن مولانا محمدتقی المجلسی.

وهذاالمجلد قدکان اولافی جملة اجزاء کتاب‌الایمان والکفر التی کان هوالمجلد الخامس‌عشرمن‌البحار ثم‌جعله لکثرة مباحثه کتاباآخروضعه عن کتاب‌الایمان والکفر وجعله مجلدا علی حدة ولذلک قدصار مجلدات بحارالانوار ستا و عشرین کما صرح به قدسه رضی‌الله عنه. فی اول کتاب‌الایمان والکفر (انتهی ـ والظاهر ان هذه‌العبارة من تلمیذه‌الفاضل الآمیرزا عبدالله‌الاصبهانی الشهیر بالافندی صاحب ریاض‌العلماء وهوالذی اخرج تلک‌النسخة وثمانیة اخری من مجلدات البحارمن‌السواد الی‌البیاض. والله‌العالم) (بالای برگ ۱ الف بخط شکسته ستعلیق حاجی نوری).

آغاز: بسمله. فیقول خادم اخبار الائمة‌الطاهرین وتراب اقدام شیعة مولی‌المؤمنین محمدباقربن محمدتقی... هذا هوالمجلد السادس عشر من کتاب بحارالانوار فی بیان الآداب والسنن والاوامر والنواهی والکبائروالمعاصی وفیه ابواب‌الحدود.

انجام: وعلی ای حال لایمکن مقایسة غیرهم بهم فی ذلک.

(۱٦٤گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه. ۳۱×۴۵ و ۱٦×۲۸/۵ س ۲۹

[۱۳۵۸]

٥٦۰ این نسخه جلد ۱۷ (الروضة فی‌المواعظ والحکم والخطب) ودر ۱٦۰۰۰ بیت میباشد. و بنسخ با عنوانهای شنگرف و آیه‌های معرب کبه محمدبن حاجی محمدعلی نوری درصفر ۱۲٤٤ آنرا نوشته‌است. حاجی میرزا حسین بن محمدتقی نوری طبرسی آنرا با نسخهٔ کم غلطی مقابله نمود وبخط خود درسرمن‌رای درجمادی دوم ۱۲۹۳ بدین گواهی داد (گ ۱٤۲ب) تصحیحات درهامش است وفهرست درآغاز. مهرضیاءالدین نوری هم درآن دیده میشود.

دراین جلد ۱۷ (ص ۳۰۱ـ۳۳۳ چاپی ـ گ ۱۲۵ب ـ ۱۳۹ ب همین نسخه) است که افسانهٔ بوداسف وبلوهر بروایت از کمال‌الدین وتمام‌النعمه ابن‌بابویه صدوق قمی ص ۳۱۷ـ۳۵۹ چاپ سنگی ۱۳۰۱ ـ ش ٦۸۳ گ ۱۷۳ ب ـ ۱۹۵ الف) دیده میشود و مجلسی درعین‌الحیوة (ص ۳۱۵ ـ ۳۸۷ چاپ ۱۳۳۱ خ تهران) هم پارسی همین افسانه را آورده است.

مجلسی در سند روایت این داستان در بحار چنین نوشت :

دك . عن علي بن احمد بن الحسن القطان عن الحسن بن علي العسكري قال حدثنا محمد بن زكريا » (ص ۳۰۱ چاپی و گ ۱۲۵ ب همین شماره) .

در ترجمهٔ فارسی این داستان نسخهٔ موزهٔ بریتانیا هم سند آن آمده است (از یادداشتهای آقای مینوی) .

در عین الحیوة چنین دارد : « ابن بابویه علیه الرحمه در کتاب کمال الدین و تمام النعمة بسند خود از محمد بن زکریا روایت کرده است » . اکنون این سه کس را بشناسیم :

۱ـ علي بن احمد بن الحسن القطان که در کتابهای فهرست و رجال کهن شیعی یاد نشده و در کتابهای رجال استرابادی واردبیلی وقهپائی و مامقانی هم گشتم و نیافتم . پس از این خواهیم دید که نام این راوی «احمد بن حسن قطان» است .

۲ـ حسن بن علي بن العسكري که باید امام یازدهم شیعی (۲۳۲ــ۲۶۰) باشد چه امام نباید از کسی داستان واقسا » روایت کند .

حسن بن علي عسكري دیگری هم یاد نکرده‌اند . همین اندازه می بینم که در مجلس نود امالی قمی دارد : «حدثنا الحسن بن عبدالله بن سعد العسكري» . خواهیم دید که نام راوی دوم «حسن بن علي سكري» میباشد .

۳ـ محمد بن زکریا که فیلسوف پزشك رازی (۲۵۱ـ۳۱۳) نخواهد بود . چه بیرونی در شمار نوشته‌های او از این نام بودامف و بلوهر یاد نکرده‌است .

درمیان راویان شیعی دو کس بدین نام یاد شده‌است : یکی بنام «محمد بن زکریا بن جندب بجلی جریری کوفي » که از یاران امام صادق بوده است (مامقانی ۳ : ۱۱۷ــ قهپائی ـ اردبیلی ـ استرابادی ص۲۹۶) اوهم راوی این داستان نخواهد بود . دیگری که راوی بخشیت این افسانه دراین سنداست «ابو عبدالله محمد بن زکریا بن دینار غلابی جوهری بصری» میباشد . او یا یکی از پدرانش برده خاندان بني غلاب بصری بودند وخود گویا گوهرفروش بوده است . وی را از اخباریان بسیارداننده بشمار آورده‌ند وبسیار ازاو ستودند . او در ۲۹۸ درگذشت (همان چهار کتاب) .

باید دید که از نوشته‌های ابن بابویه قمی چه برمیآید :

در سند روایت این داستان در کمال الدین (گ ۱۷۳ ب ش ۶۸۳) دارد :

«حدثنا احمد بن الحسن القطان قال حدثنا الحسن بن علي العسكري (باید «السكري» باشد) قال حدثنا محمد بن زکریاء » .

ولی درچاپی کمال الدین (ص۳۱۷) مانا افتاده دارد و هیچ سندی یاد نشده است .

این احمد بن حسن قطان که در کمال الدین آمده در کتابهای رجال استرابادی وقهپائی واردبیلی یاد نشده است . دررجال قهپائی دارد که قطان لقب یحیی بن سعید و کثیر بن عیاش وابی علی حسن بن محمد میباشد . دررجال مامقانی (۱ : ۵۶) از «احمد بن الحسن القطان » یاد شده و او می نویسد که نام او را درجائی ندیده‌ام مگر اینکه در کمال الدین صدوق دارد : « حدثنا ابو الحسن احمد بن القطان المعروف بابي علي بن عبدربه الرازي وهو شیخ کبیر لاصحاب الحدیث » . بگفتهٔ مامقانی دربرخی ازنسخه‌های کمال الدین (ص ۲۹٤) وخصال دارد :

« احمد بن محمد بن الحسن القطان وکان شیخاً لاصحاب الحدیث ببلد الری ویعرف بابي علي بن عبدربه» درامالی (مجلس ۲۸ ش ۵۷۲ گ ۵۹ ب و ش ۶۱۵ گ ۵٤ ب) دارد : «حدثنا احمد بن الحسن القطان المعروف بابي علي بن عبدویه (بالعین والیاء المثناة من تحت) ـ عبدربه ـ قال حدثنا الحسن بن علي السكري قال حدثنا محمد بن زکریا الجوهري» و درجای دیگر آن درمجلس ۸۳ (ش ۶۱۵ گ ۱۹۹ ب و ش ۵۷۲ گ ۲۵۰ الف) دارد :

«وحدثنا بهذا الحدیث شیخ لاهل الحدیث یقال له احمد بن الحسن القطان المعروف بابي علي بن عبدویه (عبدربه) العدل قال حدثنا ابو العباس احمد بن زکریا القطان » پس او از استادان صدوق و از راستگویان است و باید هم شیعی باشد نه ازسنیان . مامقانی درفائده چهارم خاتمه رجال خود (ص ۹۰) همین احمد بن الحسن القطان را از استادان ابن بابویه صدوق یاد نمود ولی درمستدرك چنین چیزی دیده نشده است .

صدوق درامالی مجلسهای ۸۶ (ش ۶۱۵ گ ۲۵۰ ب) و ۸۷ و ۷۲ و ۶۷ و ۵۱ و ٤۵ و ۸ از «احمد بن الحسن القطان» روایت نمود .

باز درامالی دارد : «حدثنا احمد بن الحسن القطان قال حدثنا ابو سعید الحسن بن علي السكري قال حدثنا محمد بن زکریا الجوهري البصري» (مجلس ۷٤ و۴۹ و٤۲ و٤۱ و۳٤ و۲۸ ـ ش۵۷۲ گ۲۱۳ب که بجای السكري دارد السكوني و گ ۱۲۳ب و ۱۰۰ و ۹۸ الف و۷۸ الف و۵۹ الف و۵۸ ب ـ ش ۶۱۵ گ۱۷۳ ب و۱۰۷ الف و۸۸ ب و۸۶ ب و ۷۰ الف و ۵٤ الف و ب) صدوق درخصال (چاپ ۱۳۶۷ــ۱۳۲۷ تهران ۲ : ۲۸۶) از « ابو علي احمد بن الحسن بن علي بن عبدویه القطان» یاد میکند ومیگوید که او درری درربیع یکم ۳۰۲ میزیسته است .

باز درخصال (۲ : ۱۸۹و۲۲۶و۳۸۵) و امالی (مجلس ۱۰) و کمال الدین (ص ۱۰۷و۱۱۰و۱۱۱و۱۶۳) دارد : «حدثنا احمد بن الحسن القطان عن ابو العباس احمد بن

محمدبن زکریا القطان» نام ابن احمد قطان در کمال الدین (ص ۱۵۸ و ۱۵۹) و خصال (۲ : ۲۱۹ و ۳۴۶) بازهم دیده میشود .

ابن حسن بن علی سکری یا سکونی دررجال قهپائی واردبیلی واسترابادی ومامقانی یاد نگردید .

پس سند این داستان در کمال الدین بدینگونه خواهد بود :

ابن بابویه (م ۳۸۱) از ابوالحسن احمد بن محمد بن الحسن بن علی بن عبدویه قطان رازی خواجهٔ محدثان ری وزندهٔ در آنشهر بسال ۳۰۲ که بابی علی بن عبدویه یا عبدویه نامبردار بوده است :

از ابوسعید الحسن بن علی السکری (دریك جای نسخه : (السکونی) :

از ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار غلابی جوهری بصری (م ۲۹۸) دانشمندی اخباری . (سرگذشت این جوهری دررجال نجاشی ص ۲۴۴ ومعالم العلماء ش ۷۵۶ وخلاصه حلی ص ۷۶ و رجال ابن داود حلی ش ۱۰۴۴/۳ گسـ ۷۳ ب هست. دروجیزهٔ مجلسی ص ۱۶۴ او «ممدوح» خوانده شده است چنانکه نجاشی ودوحلی هم از او بسیار ستودند) .

ابن بابویه پس از این داستان چنین مینویسد :

«قال مصنف هذا الکتاب : لیس هذا الحدیث وما شاکله من اخبار المعمرین وغیرهم مما اعتمده فی امر الغیبة و وقوعها ؛ لان الغیبة انما صحت لی بما صح الاسلام و شرائعه و احکامه عن النبی والائمة (ص) من ذلك الاخبار التی بمثلها صح الاسلام و شرائعه واحکامه » .

از این سخن قمی برمیآید که او این داستان را برای اثبات غیبت دلیل نمی آورد نه اینکه هیچ بآن ارج ننهد .

درفهرست ابن ندیم درشمار داستانها و افسانه‌های هند از کتابهای «البد» و «بوتاسف وبلوهر» و « بوتاسف مفرد » یاد شده است و از این پیداست که سه داستان بودائی در دست بوده یکی افسانهٔ بد (بودا) دیگری بوتاسف و بلوهر سوم بوتاسف تنهائی . در رسائل اخوان صفا (۴ : ۲۰۰ـ۲۱۴) داستانی است درست مانند افسانهٔ بوداسف و بلوهر مگر اینکه از آندو بنام «ابن ملك الهند والحکیم» یاد شد . در ص ۸۷ و ۱۴۹ و ۳۴۹ همین جلد هم سه داستان دیگر است که نخستین گفتگوی فیلسوفی است با خیشوان (خشنواز ؟) پادشاه هیتالیان (هیاطله) هنگامیکه فیروز پادشاه ایران خواست با او بجنگد و دومی خواب دیدن توانگر پست و هشیارشدن او و سومی رهبری شدن یکی از شاهان بزرك و باشکوه ایران بدست وزیری خردمند میباشد . اینها با افسانهٔ بودا مانند نیستند . درباره کلمهٔ بوداسف و بوتاسف که از نام نخستین بودا پیامبر هند

(بودرف و بودیستو Budaraf Budhisattva) گرفته شده باید گفت که آن درفهرست و کمال الدین و بحار وعین الحیات بغلط و روی آشنا نبودن بفرهنگ هندی «یوداسف» (ومانند آن) شده وبهمین گونه هم برسرزبانها افتاد تا آنجائیکه در نگارشهای صدرای شیرازی به کلمهٔ «یوذاسف التناسخی» برمیخوریم .

کلمه بلوهر از بلهرا گرفته شده که نام پادشاه بهندی است . در دیوان ابی نواس «بلهرجبا» دیده میشود که دو نام پادشاه «بلهرت جبا» را یکی ساخت. در سلسلة التواریخ (چاپ ۱۸۱۱ ص ۲۶ـ۲۷) عبارت «بلهرا ملك المخرمی الاذان» آمده است . این کلمه در یونانی بساخت برلام Barlaam در آمده است و مانند کلمه بوداسف که در نسخه‌های فهرست ابن ندیم بچند گونه آمده آنهم چند گونه : «بلوهر ، بردانیه ، بردانعه» نوشته شده است. بگفتهٔ فلوگل دریادداشتهای خود برفهرست ابن ندیم بآلمانی (ص ۱۴۹ و ۱۸۰) در جغرافیای ادریسی و استخری و مسعودی « جبال بلهرا ـ بلاد بلهرا » آمده است .

داستان بلوهر و بوداسف (برلام و یوساقات یا یواسف) با رنگ آئین نصرانی از عربی بزبان یونانی در آمده و از آن بزبان عبری وحبشی و اروپائی ترجمه شده است . بزبان ارمنی و گرجی هم این داستان هست . داستان بوداسف یادشدهٔ درفهرست ابن ندیم باید از زبان پهلوی گرفته شده باشد . روایت نصرانی آنرا گویا یوحنای راهب یونانی در نیمهٔ نخستین سدهٔ هفتم مسیحی در دیر قدیس سابه (Sabas) نزدیك اورشلیم در زبان یونانی ساخته است . روایت دیگری هم بیونانی ساخته یوحنای دمشقی (میانهٔ سدهٔ ۸ م) که در دربار منصور عباسی بوده است هست . چاپی که از این داستان بعربی در بمبئی در ۱۳۰۶ شده است رنگ ترسائی ندارد و ساخت اسلام هم نگرفت و بسیار باصل هندی نزدیك میباشد . برای آشنائی بریشهٔ هندی این داستان و افسانهٔ بودا پیامبر هند میتوان به L'Inde antique et la civilisation indienne از ماسن اورسل Masson Oursel چاپ ۱۹۳۳ پاریس ص ۱۸۰ نگریست . این هم گفته شود که داستان ابراهیم ادهم را هم میگویند که ریشهٔ بودائی دارد .

اصل هندی این داستان در کتابی بنام « Lalita - Vistara » بزبان هندی کهن بوده و در روزگار انوشیروان بپهلوی در آمده و در زمان منصور و هرون از پهلوی بتازی شده است .

در روزگار مأمون یا کمی دیرتر ترسایان آنرا بساخت آئین مسیحی در آورده بیونانی برگرداندند و بدین نام «برلام و یواسف Βαρλαὰμ καὶ Ἰωάσαφ» در سدهٔ ۶ و ۷ مسیحی بود که این داستان از یونانی بعبری و لاتینی و عربی نصرانی و فرانسهٔ

باستانی برگردانده شد. در سدهٔ ۱٦ آنرا از عربی نصرانی بحبشی در آورده‌اند.

این حبشی را Wallis Budge بنام « Baralâm and Yewasef » باترجمهٔ انگلیسی با دیباچه‌ای دربارهٔ تاریخ این داستان در دو جلد در کمبریج بسال ۱۹۲۳ بچاپ رسانده و پنداشت که آنرا از تازی بحبشی برگرداندند.

این ترجمه‌های یونانی ولاتینی و عبری و حبشی و ارمنی از ۹۵۰ و پس از آن میان مسیحیان شهرت پیدا کرده است.

بنوشتهٔ ابن‌ندیم (ص ۱۷۲ چاپ مصر و ۱۱۹ چاپ اروپا) ابان لاحقی داستان بوداسف و بلوهر را بشعر مزدوج بامثنوی نظم کرده است. ابن‌ندیم از آن بنام (بلوهر و برداسیه) یاد کرد. همین ابان است که کلیله ودمنه و حلم‌الهند را هم بنظم در آورد.

ترجمه‌ایکه مجلسی از آن کرده است در حیات‌الابرار سید قریش قزوینی م ۱۲٦۰ چاپ ۱۲۷۹ آمده است (ذریعه ٤ : ۱۲۸) سید محسن عاملی این داستان را تهذیب نمود (٤ : ۵۱۵) وملاعلی بهاونکری این‌داستان را گویا از عربی بگجراتی در آورده (۳ : ۱٤۹ـ نیز ۷ : ۵۲ و ۸ : ۳۱).

بجز چاپی که در بمبئی از روایت عربی اسلامی شده‌است متن آن بنام کتاب ابن‌الملك والناسك در ص ۱۳۸ـ۱٦۲ « گفتارهای یادبود هفتمین انجمن جهانی خاورشناسان در وین » چاپ ۱۸۸۸ هم دیده میشود. در دیباچهٔ آلمانی آن دربارهٔ تاریخ این‌داستان بررسی گردیده. این متنها بسیار کهن و بسیار نزدیك باصل هندی و گویا همان ترجمهٔ نخستین از پهلوی باشد و شایسته است با آنچه که در کمال‌الدین قمی و رسائل اخوان صفا آمده است سنجیده شود.

(بنگرید به: پانزده گفتار آقای مینوی چاپ ۱۳۳۳ دانشگاه ص ۲۱۳ـ من از این دانشمند گرامی بسیار سپاسگزارم که در این بررسی کوچکی که در این باره کرده‌ام پاره‌ای از یادداشتهای سودمند و پرارزش خود را در دسترسم گذارده است ـ گفتار آقای نفیسی در فرهنگ نو ش ۳ دورهٔ یکم دی ۱۳۳۱ ص ۵ و پس از آن بنام « تأثیر تعلیمات بودائی در فرهنگ پیش از اسلام ایران » ـ دائرةالمعارف اسلامی فرانسه در واژهٔ Barlaam و Josaphat و ترجمهٔ تازی آن در واژهٔ بلوهر ـ آقای زرین کوب در شمارهٔ اکتبر ۱۹۵۱ مجلهٔ روابط فرهنگی هند و ایران چاپ کلکته گفتاری دربارهٔ این داستان دارد که من ندیده‌ام همین اندازه میدانم که آقای لطف‌الله صافی از دانشگاه قم در شمارهٔ ۲ جلد ٦ اکتبر ۱۹۵۲ ص ۹ـ۱۲ از سخنان او خرده گرفت و پنداشت که آیین بودائی در فرهنگ اسلامی اثری نبخشید).

آغاز : بسمله. وبه ثقتی. الحمدلله رب العالمین... فهذا هو المجلد السابع عشر

من کتاب بحارالانوار تألیف المولی الاستاد الاستناد مولینا محمد باقر بن محمد تقی المجلسی قدس‌الله روحهما و نور ضریحهما و هذا هو کتاب الروضة منه وهو یحتوی علی المواعظ والحکم والخطب.

انجام : ولا للصعید بغیر ماء ولا للحکمة بغیر طاعة. قدتم کتاب الروضة ویتلوه کتاب الطهارة والصلوة انشاءالله تعالی والحمدلله وحده.

(۱٤۳گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۳۰ × ۳۹/۵ و ۱۳ × ۲۱ س ۳۱

[۱۳۵۹]

۵٦۹ این نسخه از جلد ۱۸ (صلوة) است و بنسخ با عنوانهای شنگرف و برخی دعاها با اعراب و فهرست در آغاز هست. دارندهٔ نسخه ضیاءالدین نوری ودیگری با مهری ناخوانا در ۱۲۷٤ بوده‌اند. چنین است:

آغاز : بسمله. وبه نستعین. باب فضل الصلوة وعقاب تارکها. الآیات. البقرة: و یقیمون الصلوة وقال تعالی واقیموا الصلوة فی مواضع.

انجام النوافل الیومیه وفضلها واحکامها وتعقیباتها.

(۳٦۷گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ با برگردان

اندازه : ۳۲ × ۳۰/۵ و ۱۳/۵ × ۲٤ س ۲۸

[۱۳٦۰]

۵۷۰ این نسخه از ۱۸ (صلوة) است و نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف وبرگهای ٦٦ تا ۷۳ سفید و نسخه کم‌دارد. مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن هست. چنین است:

آغاز : ابواب النوافل الیومیة وفضلها واحکامها وتعقیباتها. باب جوامع احکامها و اعدادها و فضائلها. الآیات. الفرقان: وهو الذی جعل اللیل والنهار خلفة لمن اراد ان یذکر.

انجام : اعلم ان المشهور بین الاصحاب ان حکم الکثرة مخصوص بالشك... وذهب جماعة الی التخصیص بما له حکم اذ العلة عدم اللزوم (در بحث شك وسهو).

(۱۷۳گ) ـ کاغذ آهارمهره ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۷/۵ × ۲۲ و ۱۳ × ۱۷ س ۲۳

[۱۳٦۱]

۵۷۲ این نسخه نیمهٔ دوم جلد ۱۸ (صلوة) است که در ۲۱ شعبان ۱۰۹۷ نگارش یافته است. بنسخ با عنوانهای شنگرف ودرشت و با آیه‌ها ودعاهای معرب

میباشد . فهرست در دو برگ چسبیده بهم آغاز و در پایان هست . غلامرضا دردیقعدهٔ ۱۳۳۶ نسخه را خریده است (۱ الف) .

درپشت صفحهٔ یکم نوشته : المجلدة الثانیة من کتاب الصلوة من کتاب بحار الانوار من باب فضل الجماعة و عللها الی آخر باب نوادر الصلوة وهو آخر ابواب الکتاب . عدد اوراقه المکتوبة اربعمائة واثنی وعشرون » . چنین است :

آغاز : بسمله . وبه نستعین . باب فضل الجماعة وعللها . الآیات . البقرة : واركعوا مع الراکعین .

انجام : اقول ستأتی صلوات شهر رمضان وسائر الاشهر ... وصلوات الزیارات فی ابوابها وقد مرت صلوات السفر فی ابوابه . (صورة خط مؤلفه متعنا الله بطول بقائه بجاه محمد وآله) وقد ختم هذا المجلد مؤلفه ... محمد بن محمد المدعو بباقر ... فی الحادی والعشرین من شهر شعبان ... سنة سبع وتسعین بعد الالف الهجریة والحمد لله اولاً وآخراً والصلوة علی سید المرسلین وخاتم النبیین محمد وعترته الاکرمین الاطهرین الاقدسین .

(۴۲۲ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج قهوه‌ای سادهٔ طولانی

اندازه : ۱۹×۳۶ و ۱۲×۱۸ س ۲۱

[۱۳۶۲]

٥٦٣ این نسخه با کیزه جلد ۱۹ (القرآن والدعاء) که در ۱۳۰ باب و ۹۵۹۳ بیت است میباشد . نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و در دو جدول شنگرف ولاجورد است . ضیاءالدین نوری دارندهٔ آن بوده است . چنین است :

آغاز : بسمله . وبه نقتی . الحمد لله الذی اکمل علی عباده الامتنان بتنزیل القران ... فهذا هو المجلد التاسع عشر من کتاب بحار الانوار فی فضائل القرآن وآدابه ... والحث علی الذکر والدعاء وانواعهما وآدابهما من مؤلفات ... محمد باقر بن محمد تقی .

انجام : الباب الثلثون بعد المائة . باب النوادر وفیه تفسیر بعض الآیات ... العلل لمحمد بن علی بن ابراهیم .... ومنه قال کنیة النبی ص فی القرآن قوله لعمرك انهم لفی سکرتهم یعمهون وقسم الله به فی القران فی قوله ... والنجم اذا هوی یعنی رسول الله ص .

(۱۵٦گ) ـ کاغذ ترمهٔ آهار مهره ـ جلد تیماج آبی ضربی طولانی

اندازه : ۱۷×۳۶ و ۱۰×۱۷/۵ س ۲۵

[۱۳۶۳]

٥٦٤ این نسخه جزو ۲ جلد ۱۹ (القرآن والدعاء) و در دعاء است و در پایان آن صحف ادریس یا اخنوخ آمده است که مجلسی لفتهای آنرا گزارش نموده . این صحیفه‌ها را ابن متویه احمد بن حسین بن محمد از سریانی بتازی در آورد و در ۲۹ صحیفه است .

ابن متویه میگوید که من نسخه‌ای فرسوده از صحف ادریس پیامبر اخنوخ ، سوری یافتم و با امانت آنرا ترجمه کردم وهیچ از آن نکاستم و بر آن نیافزودم (۹ : ۳۱۷ـ۳۲۵)

اخنوخ یا اخنوخ (هانوك Hanok عبری = آشنای بر از Iinité) که در کتابهای اروپائی Enoch یا Henoch نوشته میشود نام یکی از پیامبران و نیاکان نژاد عبرانی است و این واژه در عبری «جهاندیده و بسیاردان» را هم میرساند وهمانستکه بتازی «ادریس» گرفته از «درس» شده است . سرگذشت این مرد داستانی در پنج سفر موسی و کتاب پیامبران آمده بلکه «کتاب اخنوخ» را هم برخی از آن نوشته‌هائی میدانند که پیش از نوشته‌های دینی عبرانی بوده و در تورات و عهد دوازده پدر و کتاب زوبیله از آن یاد شده است مانند نوشته‌هائی کهن که در ودا و مانو و هند و کینگ چین یاد گردید . داستان اخنوخ میان عبرانیها مانند افسانهٔ انمدورانکی Enmeduranki بابلی و افسانه‌های آفتاب و هرمس یونانی است . گویند که اخنوخ کسی است که جبرئیل براو فرود آمده و وحی آورد که سی صحیفهٔ او میباشد و بگفتهٔ ابن ندیم (ص ۳۳) آن سی صحیفه سومین نوشتهٔ آسمانی است . این کتاب او را ترسایان قانونی ندانسته و ساختگی پنداشتند و گویا یکی از گروندگان بآئین یهود آنرا پیش از زادن مسیح بعبری نوشته است . ترجمهٔ یونانی آن هم از میان رفته و پاره‌هائی در دست هست . بندهائی از این کتاب در رسالهٔ دوم پطرس (ك ۲ ف ۲۱ بند ٤) و در رسالهٔ یهودای پاك (بند ١٤ و ١٥ برابر با ۱ : ۹ کتاب اخنوخ) آمده است . پدران کلیسا مانند ترتولیانوس در «کتاب دربارهٔ بت‌پرستان و آرایش زنان» واریژن و پرو کوپیوس و برناباس در رسالهٔ خود و ژرژ سینسل G. Syncelle بدان آشنا بوده‌اند . و گویا عبری آنرا در دست داشته‌اند .

دو کتاب بنام اخنوخ در دست هست یکی «رازنامهٔ اخنوخ ـ زبان اسلاو» دیگری «کتاب اخنوخ» بزبان حبشی که از یونانی و آنهم از آرامی یا عبری ترجمه گردید . این کتاب دومی که دیری می‌پنداشته‌اند از میان رفته است مانند کتاب دانیال میباشد و در آن بندهائی از کتابهای مقدس آمده و بمانند رؤیای یوحنا عرفانی و مرموز و دارای مثل و حکمت است . کهن‌ترین بخشهای آن از سدهٔ دوم پیش از مسیح و تازه‌ترین آن از سدهٔ نخستین مسیحی باید باشد . نسخه‌های آن یکنواخت نیست ولاورنس آنرا بچند پارهٔ بزرك و کوچك بخش کرده است . روبهم آنرا در ۱۰۸ فصل و سه بخش دانسته‌اند : یکی امثال دیگری بخش نوح سوم پیوستها .

داستانها و افسانه هائیکه در آن از اخنوخ آمده میرساند که از یك نویسنده نیست . از یونانی آن بندهائی در دست بوده و بندهائی هم در یك نسخهٔ خطی واتیکان

در ۱۸۳۲ و ۱۸۸۵ یافته‌اند . در گورستان اخمیم مصر بالا در ۱۸۸٦ پاره‌ای از یك نسخهٔ خطی همین یونانی را در گوری یافتند و یك پاپیروس دیگری از همان هم پیدا کردند . ترجمه‌های یونانی و حبشی و لاتینی آن چندبار بچاپ رسیده وچندبار هم بزبانهای فرانسه و آلمانی و انگلیسی در بارهٔ آن کتاب نوشتند . ج . بروس J. Bruce جهانگرد انگلیسی نخستین بار بسال ۱۷۷۳ در حبشه بسه نسخهٔ حبشی آن برخورد . و آنها را در کتابخانهٔ بادلیان‌ا کسفرد گذارده است . این ترجمهٔ حبشی بنام «مصحف اخنوخ نبی» (Mazhaf Henoch nabii) که کامل است باترجمهٔ انگلیسی بکوشش ریچاردلاورنس R. Laurence بایك‌دیباچه‌سودمندوحاشیه‌های دانشمندانه بنام « The Book of Enoch th prophet now first translated from an ethiopic ms.in th Bodlian library » بچاپ رسید . سومین چاپ همین لاورنس با تجدید نظر و گسترش درا کسفرد بسال ۱۸۳۸ شده بود . فرانسوا مارتن Fr. Martin آنرا از حبشی بفرانسه درآورده ودرپاریس بسال ۱۹۰٦ چاپ رسانده و آلمانی‌هم درآمده‌است . پاره‌های یونانی آنهم چند چاپ شده‌است . بازهمان حبشی و ترجمه‌های اروپائی آن چندچاپ دیگرهم‌رسیده .

دراین ترجمه حبشی بندهائی که درنوشته‌های یهودا و پطرس و دیگران آمده وگویا ازمتن عبری آن گرفته‌اند هست .

این بود آنچه که درددلاروس سدهٔ ۱۹ و ۲۰ ودردائرةالمعارف اسلامی بفرانسه وعربی و قاموس کتاب مقدس هاکس امریکائی (ص ۳۵٤ درواژهٔ خنوخ) و تاریخ فرهنك عبرانی و یهودی از آغاز تا ویرانی کشور یهود در ۱۳۵ پس از مسیح از Adolphe Lods (ص۸۵٦ چاپ ۱۹۵۰ پاریس) آمده‌است . درلاروس سدهٔ ۱۹ و کتاب فرانسوی لدس این کتاب تحلیل وبررسی شده است وپیداست که آن نسخهٔ حبشی جز آنست که در بحار آمده است . من پیشها ترجمه‌ای ازاین حبشی بفرانسه خوانده‌ام و از خواندن آن آیتهای قرآن کریم بیادم میآمد . درآن هنگام بصحف ادریس که دربحارآمده آشنا نبودم تا آنهارا باهم بسنجم .

راوی این صحف احمدبن حسین‌بن محمدبن متویه را من نشناخته‌ام و او جزدو این متویه‌ایست که دررجال شیعی یادگردید بدینگونه :

۱- ابن‌متویه ابوالحسن علی بن محمدبن علی بن سعد اشعری قمی قزدانی نگارندهٔ کتاب نوادر کبیر واستاد ابن‌شاذان (استاد نجاشی) بدو واسطه واستاد ابن ابی‌جید (استاد طوسی) بسه واسطه و استاد ابن‌بابویه ابوجعفربیك واسطه (فهرست‌طوسی ش ۳۷۱ و نجاشی ص۱۸۱ و معالم ش٤۱۵ و وجیزهٔ مجلسی ص ۱۷۲ وماممقانی ۲ :

۳۰۷ و ۳ : ٤٤ فصل ۲ - جامع‌الرواة ش ۹۸۰ گ ۲۷۵ - مجمع‌الرجال قهپائی - دررجال ابن‌داود وخلاصهٔ علامه نیامده است) .

۲- ابی‌الحسن‌علی بن متویه قمی که در٤٤۷ تهذیب طوسی‌را نزد اوخوانده‌است (نسخهٔ ش ٦۳۸ و ٦٤۰ و۵۷٤ تهذیب) در کتابهای رجال ازاو نامی برده نشده‌است .

درسر گذشتنامه‌های سنی‌هم چندتنی ازخاندان متویه سپاهان ونیشابورومروورود وجز آن یاد شده است . مانند :

ابن‌متویه ابراهیم‌بن محمدبن‌الحسن بن‌ابی‌الحسن متویه متوثی سپاهانی وبسراو محمد که مفتی وامام جامع بوده است .

علی‌بن محمدبن حسین‌بن متویه نیشابوری و ابوالحسن علی‌بن احمدبن محمدبن علی‌بن متویهٔ نیشابوری واحدی مفسر و برادرش عبدالرحمن .

ابوجعفر احمدبن محمدبن متویهٔ مرورودی کاکو و پسراوفضل‌وپسرش مطهر .

ابوعلی حسین‌بن محمدبن حسین‌بن متویه حافظ (ذکراخبار اصبهان ابونعیم ۱ : ۱۸۹ - المشتبه فی اسماءالرجال ذهبی چاپ ۱۸٦۳ بریل ص٤٦۰ - الانساب سمعانی گ ۵۰۷ - لباب ابن‌اثیر ۳ : ۹٦) درترجمهٔ محاسن اصفهان ما فروخی ازآوی ص ۱۳۷ (۵ درمتن تازی) ازخواجه نظام‌الدین اسحق متویه یادگشت . بروکلمن در ص ۲۳ Persische studien می‌نویسد که واژه « متویه » ازمتایوس Matthaios یونانی گرفته شده است .

مانند متوثی و متویه «مموبه» و «منویه» است که درنامهای طاهربن علی‌بن محمدبن منویه ومحمودبن محمدبن متویه واسطی می‌بینیم (لباب ۳ : ۱۸۵) .

مجلسی دربحار (۵ : ۷٤-۷۸) سرگذشت وپاره‌ای ازسخنان ادریس را آورد وآگاه‌است که ادریس همان اخنوخ است وازگفتهٔ مسعودی میآورد که آن نزدصابیان وفیلسوفان همان هرمس یونانی میباشد .

او از سعدالسعود ابن‌طاوس بندهائی ازصحف ادریس را میآورد :

ابن‌طاوس دریکجای همان کتاب (ص ۳۲) ازآن بنام « صحائف ادریس » یاد میکند وازروی نسخهٔ کهن نزدیك به ۲۰۰۰ سال وبی آغازوانجام ونزدیك بهفت کراس باندازهٔ ربعی بزرگ که درخزانهٔ کتب مشهدعلی درنجف یافته بود بندهائی میآورد . درجای‌دیگر(ص۳۹) ازنسخه‌ای جداگانه باندازهٔ چهار کراس بقالب ثمن که درمشهد طاهر کوفه دیده بود بندهائی میآورد ومی‌نویسد که روی آن چنین نوشته بود « سنن ادریس» بازمینویسد «وهوبخط عیسی محرره‌نقله من‌السریانی‌الی‌العربی‌عن‌ابراهیم‌بن هلال‌ابن‌ابراهیم‌بن‌هارون‌الصابی‌الکاتب» پس این مصحف را ترجمان دیگری‌هم هست

باری این نسخه بسیخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است و دعاها اعراب دارد محمد جوادبن محمدعلی موسوی آنرا دررجب ۱۳۰۱ نوشته است.

فهرست ۱۳۱ باب در آغازهست . حاجی میرزا محمدحسین نوری وضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده‌اند . چنین است :

آغاز : (بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب العالمین والعاقبة للمتقین) ابواب الاذكار وفضلها . باب ذكرالله تعالى . الآيات البقرة : فاذكرونى اذكركم .

انجام : بوائق الرجل غوائله . والدمار الهلاك .

(۵۶۵ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۲۱×۳۵ و ۱۳/۵×۲۴ س ۲۷

[۱۳۶۴]

۵۶۶ این نسخه جزو ۲ جلد ۱۹ ودردعا است مانند ۵۶۴ واز ۱۳۱ باب تنها ۳۸ بابرا دارد وبسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف و دعاها گاهی با اعراب میباشد. بدقت مقابله شده وفهرست هم درآغازآن هست ولی کم دارد .

آغاز آن مانند ش ۵۶۴ است باآنچه میان دو کمانه گذارده شده‌است و چنین است

انجام آن : باب احراز النبى ص وازواجه الطاهرات وعوذاته وبعض ادعيته ... مهج ذكررواية اخرى بدعاء النبى .

(۱۴۸ک) ـ کاغذ ترمه جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه : ۱۸×۳۴ و ۱۲×۱۹/۵ س ۲۵

[۱۳۶۵]

۵۶۵ این نسخه جلد ۲۰ (زکوة ـ صدقه ـ خمس ـ صوم ـ اعتکاف ـ اعمال سنه) که در ۱۲۲ باب باید باشد و بسخ است با عنوانهای شنگرف وگاهی جای آنها سفید گذارده شده وحاجی محمدبن حاجی میرزامحمد نهاوندی آنرا نوشته ودرص ۳۶۶ و۳۶۷ سفید گذارده‌است. فهرست درآغازهست . مهر کتابخانه ضیاءالدین نوری هم درآن دیده میشود . چنین است :

آغاز : بسمله . وبه نستعين . الحمدلله رب العالمين والعاقبة للمتقين ... فهذا هو المجلد العشرون من مجلدات بحار الانوار تأليف المولى الاولى الاستاد مولانا محمدباقر بن المولى الاولى الاستاد الاستاد محمد تقى المجلسى حشرهما الله تعالى مع مواليهما وعمهما بالفيض القدسى وهو يحتوى على كتاب الزكوة والصدقة والخمس والصوم والاعتكاف واعمال السنة . ابواب الزكوة ومايتعلق بها .

انجام : باب عمل ماء مطرشهر نيسان الرومى ... ويصلى على النبى وآله ... كل واحدة منهما سبعين مرة (ازمهج) .

(۲۴۳ک) ـ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ـ جلد تیماج کبود ضربی مقوائی
اندازه : ۲۱×۳۱ و ۱۳×۲۲ س ۳۰

[۱۳۶۶]

۵۶۷ این نسخه با گیرهٔ جلد ۲۱ (حج وعمره وجهاد وامر بمعروف ونهى ازمنكر) است و بسخ خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که درربیع یکم سال ۱۲۹۸ درطوس نوشته‌شد . حاشیهٔ «منه» درآغاز کتاب هست . مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری درآن دیده میشود . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمين ... فهذا هو المجلد الحادى والعشرون من كتاب بحار الانوار تأليف المولى العلامة الفهامة مولانا محمدباقر بن محمدتقى المجلسى قدس الله روحهما وهويشتمل على الحج والعمرة والجهاد والامر بالمعروف . كتاب الحج والعمرة وشطرمن احوال المدينة والرباط والامر بالمعروف والنهى عن المنكر .

انجام : باب النهى عن الجلوس مع اهل المعاصى ومن يقول بغيرالحق ... باب وجوب الهجرة واحكامها ... كتاب الغارات لابرهيم الثقفى باسناده عن ابن نباته قال قال على ع فى بعض خطبه يقول الرجل هاجرت ولم يهاجر انما المهاجرون الذين يهجرون السيئات ولم يأتوبها .

(۱۳۲ک) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی گل و بوته‌دار
اندازه : ۱۵/۵×۲۲ و ۸×۱۶ س ۲۵

[۱۳۶۷]

۵۷۱ این نسخه جلد ۲۲ (مزار) است که مجلسی درنجف پس از برگشتن از حج ومدینه درشب ۲۷ رجب (مبعث) سال ۱۰۸۱ آنرا بانجام رسانده . بسخ است با عنوانهای شنگرف و دعاها اعراب دارد . دارندهٔ آن محدث نوری بوده که آنرا بااصل سنجیده وبرابر کرده وحاشیه نوشت . مهر کتابخانه ضیاءالدین نوری هم درآن دیده میشود . آقای مشکوة درجمادی دوم سال ۱۳۶۱ آنرا بدست آورد . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله الذى هدانا لزيارة احبائه واصفيائه ... فهذا هو المجلد الثانى والعشرون من كتاب بحار الانوار الكاشف للاستار عن وجوه زيارات النبى والائمة ... عبدالله ... محمدباقر بن محمدتقى .

انجام : والحمدلله الذى وفقنى لاتمام هذا المجلد من كتاب البحار فى المشهد المنور الغروى ... بعد انصرافى عن حج بيت الله الحرام وزيارة قبرالنبى ص وقبور الائمة الكرام

... وکان ذلك فی لیلة مبعث النبی ص السابع والعشرین من شهر رجب ... سنة احدی وثمانین بعدالالف ... فالمرجو من اخوانی ... ان یترحموا علی ... فی حیوتی وبعد وفاتی وهل الدعاء الامثلی لکثرة زلاتی و هفواتی غفرالله لی ولوالدی وسائر المؤمنین بحق النبی وسادالی .

(۳۴۲۷م) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سبز تازه
اندازه : ۱۲×۲۱ و ۷×۱۶ س ۲۱

[۱۳۶۸]

این نسخه جلد ۲۳ (عقود وایقاعات) است و بنسخ با عنوانهای شنگرف حاجی محمد نهاوندی نجفی که در ۱۷ صفر ۱۲۹۲ آنرا بانجام رسانده . فهرست در آغاز هست وشمارهٔ برگها در آن نموده شده است . مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن دیده میشود . چنین است :

آغاز : هوالله تعالی . بسمله . الحمدلله رب العالمین ... فهذا هوالمجلد الثالث والعشرون من کتاب بحارالانوار فی احکام العقود والایقاعات من مؤلفات ... محمد باقربن محمد تقی ... ابواب الحث علی طلب الحلال ومعنی الحلال فی الآیات .

انجام : الهدایة . النذور والایمان والکفارات ... ولقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة وکانت ثمانین موطنا .

(۳۱۸۴م) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج زرد ضرابی مقوائی
اندازه : ۱۵/۵×۲۴ و ۱۰×۱۵ س ۲۰

[۱۳۶۹]

این نسخه جزو یکم ودوم اجازات (جلد ۲۵) است که در آن ۲۶ بشمار آمده است وبندهای آن شماره دارد و درفهرست آغاز شمارهٔ ۸۶ بند جزو یکم و شمارهٔ صفحه‌ها نموده شده . جزو یکم گ ۱ ب ــ ۱۴۱ ب و دوم ۱۴۱ ب تا پایان . بنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف جعفر بن محمد سپاهانی است که جزو یکم را دررجب ۱۱۸۶ (گ ۱۴۱ ب) ودوم را درروز یکشنبه پایان شوال همین سال (گ ۲۲۵ الف) بانجام رسانده . ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است . چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله رافع درجات العالمین ... فهذا هوالمجلد السادس والعشرون من ... بحارالانوار تألیف المولی الاجل الافضل مولانا محمد باقربن المولی محمد تقی المجلسی قدس الله روحهما ... وهذا المجلد آخر مجلدات البحار وهو کتاب الاجازات وهو یشتمل علی فهرس اسامی علماء اصحابنا ... بل العامة من قرب زمن ... صاحب الزمان ... الی عصری (المولی المؤلف رضی الله عنه) .

انجام : هکذا رب الارباب الاحبوبی ان یغفرالله لکم (قد تم هذا الجزو الثانی من کتاب الاجازات وهو المجلد السادس والعشرون من مجلدات بحارالانوار وبهذا یتم کتاب البحار قدس الله روح مصنفه علی یدا قل العباد جعفر بن محمد الاصفهانی ... فی یوم الاحد سلخ شهر شوال ... سنة ست وثمانین ومائة بعدالالف من الهجرة المقدسة النبویة علی مهاجرها الف الف تحیة وسلام فی ۱۱۸۶) .

(۳۲۲۵م) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۶×۲۲ و ۱۱×۱۵/۵ س ۲۱

[۱۱۷۶] برکات المشهد المقدس (فارسی)

مولی محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی دانشمند سدهٔ یازدهم و گزارنده و ترجمان نهج البلاغه و صحیفهٔ سجادیه و توحید مفضل و دعای سمات ومقامات بدرخواست دوستان برعیون اخبارالرضا ازابن بابویه قمی این ترجمه را نگاشته وجلد نخستین آنرا در ۱۰۷۵ بپایان برد .

نسخه‌ای ازاین در کتابخانهٔ سپهسالار هست (فهرست آنجا ۱ : ۲۲۵ – ذریعه ۳ : ۸۸) در پایان ترجمه دارد که تا زنده‌ام ازاین مشهد جدا نخواهم شد و این بند پارسی دنبالهٔ داستان ابیوردی است چنانکه درمتن هم دیده میشود نه اینکه سوگند و پیمانی از ترجمان باشد چنانکه در ذریعه آمده است .

سید علی بن محمد بن اسدالله امامی سپاهانی شاگرد آقا حسین خوانساری و ترجمان شفا و اشارات هشت بهشت نوشته و در آن هشت کتاب خبر شیعی را بپارسی کرد : خصال و کمال الدین و امالی قمی ومهج الدعوات ابن طاوس ومصباح کفعمی و عیون وجز آنها (ص ۳۵٤ روضات) در ذریعه (٤ : ۱۲۰) از چندین ترجمهٔ عیون یاد گردید .

باری این ترجمه قزوینی روغنی مانند متن در دو جلد است و جلد یکم در ۲۹ باب (گ ۱ الف – ۱٦۱ الف) است که در ۵ شهرالله ۱۰۷۵ درمشهد بپایان رسانده و جلد دوم از باب ۳۱ است تا بباب ٦۹ (۱٦۱ ب – ۳٦۱ الف) پس بابها ٦۹ میشود وبا ۲۱ نص و ٤۲ دلالت رویهم ۱۳۲ میگردد .

روغنی در آغاز جلد دوم (گ ۱٦۲ الف) و پایان جلد یکم (۱٦۱ الف) از گوناگون بودن نسخه‌ها یاد کرد و گفت که قمی کتاب را ۱۳۹ باب دانست با اینکه روی شماره بالا ۱۳٦ باب میشود. شاید بندهای دیگری را هم هریك بابی بشمار آورده باشد چنانکه برخی نسخه‌ها بدین گواهی میدهد. کنتوری (ص ۱۱۸) از ترجمه‌ای از عیون یاد میکند که از دیباچهٔ نسخه او افتاده داشت و او درنیافت که ترجمان کیست و نام ترجمه چیست. بنوشتهٔ او آغازش چنین بوده است:

چون کلك سخنگوی بامداد مداد
در گلشن اخبار زبان باز گشاد
برطبق حدیث کل امرذی بال
از حمد الهی سخن آغاز نهاد

آغاز سخن گذاری بحمد و ثنای حضرت باری شیمهٔ ستودهٔ راویان اخبار اخیار است و بنیان حدیث گوئی بسپاس و ستایش کردگاری شیوهٔ رضیهٔ ناقلان آثار ابرار — چون نسخهٔ ما هم افتاده دارد پیدا نیست که همان نسخهٔ کنتوری باشد. چنین است آغاز نسخهٔ ما:

ومقتدایان امت وراهنمایان ملت ودلیلان مسالك نجات وصواب وامینان علم دین ووحی و کتاب امامان دوازده گانه...

و بعد میگوید... محمد صالح بن محمد باقر قزوینی که این ترجمهٔ کتاب مستطاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام است حسب‌الامر بعضی از دوستان نوشته شد بعبارتی واضح قریب بسیاق عبارت کتاب ومسمی شد ببرکات المشهد المقدس چون در آن مکان شریف رقم زد کلك این نحیف گشته... بسمله. حمد وسپاس خدایرا که واحد قهار وعزیز جبار و رحیم غفار است

انجام: وبرخود بعهد وقسم لازم کردم که ازین مشهد تا زنده‌ام جدا نشوم. والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطناً والصلوة والسلام علی نبیه وحبیبه محمد المصطفی وآله وعترته مصابیح الدجی وسلم تسلیما.

[۱۳۷۰]

۵۸۱ این نسخه بخط نستعلیق باعنوانها برخی بشنگرف وجای نامها مفید وآیه‌ها وعبارتهای عربی بنسخ درشت‌تر درجدول زرین و لاجورد وواسر لوح زیبا بزر ولاجورد وسرخ وسبز در آغاز جلد دوم (گ ۱٦۱ ب) میباشد. حاشیه‌های (منه) دارد در گ ۱۷۵ ب و ۱۷٦ الف و ۱۸٤ ب و ۱۹۲ ب. در گ ۳٦۱ الف دو مهر «لااله الاالله الملك الحق المبین عبده محمد جعفر» و «نائب الصدر» هست.

(۳٦۱گ) — کاغذ ترمه — جلد تیماج سرخ سادهٔ مقوائی
اندازه: ۱٤×۲۳ و ۸/۵×۱۷ س ۱۸

[۱۱۷۲] بشارة المصطفی لشیعة المرتضی (عربی)

خواجهٔ کجیج (۱) شیخ امام عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم علی بن

۱ـ کجیج بیاء مجهول وبا ایج گرفته از اك پهلوی نسبت است بکجه (کجور) مانند نجیح و بوشیح و اوزیج وجلیج نسبت به نج میانرود بالا و بوش واوزدر اوزرود وجل دربادمه که همهٔ اینها در نور میباشد و باز مانند این نامها چون ایچ ولاویج وپاسلیج درآنجاهست. نیز کجیج یا کججان دیهی است در بلوك مهران رود تبریز و از آنجاست خواجه غیاث‌الدین محمد بن صدیق بن محمد کججانی یا کججی م ٦۷۷ که تذکره و سرگذشت او از بلاسی شیرازی بترجمهٔ طارمی در شیراز بسال ۱۳٦۷ بچاپ رسید. مانند کجیج کمیج است که اکنون درپیرامون آمل بیکدسته از کشاورزان میگویند: «کمج».

در کتابهای شیعی از فقیه و دانشمندی بنام کمیج برمیخوریم که شاگرد قاضی ابن براج شاگرد شیخ طوسی بوده است و او را دو پسر بود استاد ابوالقاسم و استاد ابوجعفر که هردو شاگرد پدر خود ودوریستی شاگرد مفید بوده‌اند. ابن شهر آشوب ساروی وقطب راوندی هردو شاگرد آندو بوده و در مناقب ساروی و قصص الانبیاء راوندی از آندو وطریق روایت آنها یاد گردیده. در النقض ص ۲۲۵ و ۱٦٤ از استاد ناصح‌الدین ابوجعفر کمیج و مدرسهٔ استاد ابوالحسن کمیج یاد شده است. کمج نیز روستائی است درقم واستاد مهلب ابوطاهر کمج القمی شاعر پارسی در النقض ص ۲۲۵ ومحاسن اصفهان مافروخی (ص ۳۳) وترجمهٔ آوی از آن ص ۱۲۵ نامبرده شد. پس شاید این از همانجا باشد. اینهم میدانیم که نام قم نخست کمیدان بوده وتازیان بدین ساخت در آوردند.

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس از این

محمدبن علی بن رستم بن یزدیان طبری آملی کجی (زندهٔ در ۵۰۹ و ۵۵۳ که شیخ محمدبن جعفر مشهدی درمزار خود از او روایت نمود) از دانشمندان بزرگ شیعی است .

ابن اسفندیار درتاریخ طبرستان ص ۳۰ ، مینویسد : « خواجه امام عماد کجیج فقیه آل محمد علیهم‌السلام عالم و زاهد و متدین امیرابن ورام او را بحله سالی دوباز گرفت . اهل بغداد و کوفه و شیعت سواد عرب باستفادت بهو پیوستند وهرسال یک هزار دینار بنفقات او معین گردانیده و ابن ورام دختر اورا نکاح کرد وامروز از آن دختر جوانی رسید متبحر بعلوم صاحب جاه و منزلت و اختصاص وقربت بموافقت الناصر لدین‌الله ابو العباس احمد بحله برجای است ومن یافته‌ام » (۱) .

قمی درفهرست (ص ۱۱) چنین میآورد : « الشیخ الامام عمادالدین ابوجعفر

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وازدیهای آنجا کوما بادهم یاد شده‌است . باز از دیهای اوزرود «کام» و از دیهها بابی آمل «کام کلا» برشمرده‌ و همچنین از کم‌دره و کم کلای دشت سر آمل یاد کرده‌اند (بنگرید به : مقابس‌الانوار ص ۱٤ مستدرک ۳ : ۱ــ ٤۹۰ ــ اسامی دهات کشور ص ٦۱ــ فرهنگ جغرافیائی ۳ : ۲۲۵ و ۲٤۳ و ۲٤٤ ــ تاریخ قم ص ٥٦ و ٦٥ و ٨٤ و ١٤٠) درسپاهان روستائی بنام قمدار بوده‌است (محاسن اصفهان مافروخی ص ۱۸ و ۱۹ وترجمهٔ آن از آوی ص ۳۹ و ٤۱) این نامها باید از کام که درختی است درطبرستان و از کومه (کپه بطبری) گرفته شده باشد .

۱ــ این ابن‌ورام که پسرش از نزدیکان ناصر عباسی (٦۲۲ــ٥۷٥) شده بود همان امیرزاهد صالح فقیه ابوالحسین ورام بن ابی‌فراس عیسی بن ابی‌النجم بن ورام حلی (م ۲ محرم ٦۰٥ درحله) نوادهٔ مالک اشتر نخعی و نیای مادری ابن‌طاوس و شاگرد سدیدالدین حمصی درحله و نوازش‌کنندهٔ او و استاد و روایت منتجب‌الدین قمی و محمدبن جعفر مشهدی و نگارندهٔ مجموعه‌ای بنام تنبیه‌الخاطر و نزهة‌الناظر باید باشد . (فهرست قمی ص ۱۳ــ کامل ابن‌اثیر سال ٦۰٥ ــ دیباچهٔ ج ۱ بحار ــ روضات ص ۷۳٥ ــ مستدرک ص ٤۷۱ و ٤۷۷ ــ کنتوری ص ۱٤۲ ــ رجال مامقانی ۳ : ۲۷۸ ــ فهرست طوس ٥ : ۱٦٦۲) .

نام پدران او دراین کتابها یکنواخت یادنشده‌است . نوری درمستدرک ۳۷۷ با اینکه از ابن‌اثیر مرگ ورام را در آن تاریخ یاد میکند در ص ۳۷۱ آنرا سال ٦۰٦ میداند .

محمد بن ابی القاسم بن محمد بن علی الطبری آلاملی الکجی فقیه ثقة قرء علی الشیخ ابی علی بن الشیخ ابی جعفر الطوسی رحمهم‌الله وله تصانیف منها کتاب المفرج عن (فی) الاوقات والمخرج بالبینات، شرح مسائل الذریعه. قرء علی الشیخ الامام قطب‌الدین ابوالحسین الراوندی . وروی لنا عنه » (نیز امل‌الآمل ص ٤۹٥) گویا دربارهٔ همو است که ابن شهر آشوب درمعالم (ش ۷٦٥) می‌نویسد : « محمدبن ابی‌القاسم الکجی الطبری له البشارات » (نیز امل‌الآمل ص ٤۹٥) درروضات (ص ٥٦۳)هم سر گذشت او آمده‌ و دارد که درعبارت قمی « قراء علیه الشیخ الامام ... » باید باشد و باید راوندی از او آموخته باشد چه طبری بایدبزرگتر از او باشد . این طبری کتاب الزهد والتقوی نیزدارد و کتابهای دیگر .

ازشاگردان اوست شیخ عربی بن مسافر و ابن بطریق حلی و سید ابوالفضائل الرضا بن طاهر بن الحسن بن مانکدیم حسنی نقیب و همنامش جمال‌الدین الرضا بن احمد بن خلیفة‌الجعفری و این نوادهٔ مانکدیم برای طبری رثا هم سروده بود (نیز قمی ص ٦) .

نوری درمستدرک (۳ : ٤۷٦) هم از طبری یاد نموده و گفت که از نسخه‌های بشارة‌المصطفی چهار جزء بیش ندیده‌ام با اینکه برخی از آن نسخه‌ها که من دیده‌ام کهنه بود و گویا مجلسی هم چهار جزء بیشتر نداشت چه او خبری از آن نیاورد که درنسخه‌های ما نباشد . نوری آنگاه استادان روایت طبری که بچهارده تن میرسد برمیشمرد که ۱۱ تن آنها دراین کتاب یاد شده و خواهیم دید و سه تا که در آن نیامده است این دانشمندان هستند : ابی‌الیقظان عمار بن یاسر و پسرش ابی‌القاسم سعد و شریف ابی‌عبدالله محمدبن علی بن عبدالرحمن علوی نگارندهٔ التعازی. پنجمین استاد که ما برمی‌شمریم درمستدرک نیامده و در بهره ۱٥ آن میشود . در دیباچهٔ مقابس‌الانوار (ص ۱۳) هم سر گذشت خواجه کجیج آمده واز برخی استادانش یاد گردیده ودارد که پدر او ازشاگردان شیخ بوده است .

باری آملی این دفتر را چنانکه در امل‌الآمل هم یاد شده در ۱۷ جزء

ودربارهٔ آئین شیعی و پایگاهیکه پیشوایان پاك وبرگزیدگان درپیشگاه خداوند دارند نوشته وارزش این آئین را نزد پیروان بخوبی روشن ساخته تا بدان ارج نهند وبیشتر بدان بگرایند. او هنگامیکه دیده بود شیعیان چندان بروش دینی خویش دلبستگی ندارند و دیری نمی باید که در گرایش بدان سست گردند این دفتر بپرداخته است و یکی از رواج دهندگان این دین بشمارمیآید.

آملی در آن ازخود بنام «محمدبن ابی القاسم» یاد میکند واز استادان روایت خود بدینگونه:

۱- الشیخ الفقیه المفید ابوعلی الحسن پسر شیخ طوسی که نزد او قرائت کرده است در نجف در جمادی یکم (ص ۲-٤۷- ٥٤) و جمادی دوم (ص ٦-۲۸) و شعبان (ص ۲۷-۱۳۰-۱۳۱) و رمضان سال ٥۱۱ (ص ۱۰٤-۱۲۳-۱۳۷-۱٤٤-۱٥۳-۱٥٥-۱۷۰-۱۷۳-۱۷٥-۲۳۲).

۲- السید الامام الزاهد ابوطالب یحیی بن محمدبن الحسن (الحسین) بن عبید (عبد) الله حسینی جوالی طبری نگارندهٔ جریدهٔ طبرستان (نسب نامهٔ میدان آنجا بسال ٥۰٥) درخانهٔ او بآمل درمحرم ٥۰۹ (گویا درنسخهٔ چهار جزئی ش ٤۰٦ طوس ٥ : ۳٦ حاشیه ۱ درانیجا ٥٥۹ دارد) لفظاً از شیخ امام ابوعلی جامع بن احمد دهستانی درنیشابور در ربیع یکم سال ٥۰۳ (ص ۱٥۹) و بتحدیث و نسخ ازاصل او ومعارضهٔ با آن درمحرم ٥۰۸ یا ٥۰۹ (ص ۱٥٤) ازهمان دهستانی درنیشابور درربیع دوم ٥۰۳ (ص ۱٤۷ نیز ص ٤۳-٤۷-٥٥-٥۷-۷٤- ۱٦٥) و بلفظ او با مقابله با اصل او درشوال ٥۰۹ (ص ۸٤-۱٤۳) نیز در ٥۰۸و٥۰۹ لفظاً وقراءةً درخانه‌اش درآمل (ص ٤۷).

۳- فقیه حسکای رازی نیای منتجب الدین قمی بنام الرئیس الزاهد العابد العالم ابومحمد حسن بن حسین بن حسن بن حسین بن علی بن بابویه درخانقاه او درری باجازه او وقرائت بر پسر او پس از نسخ ازاصل او ومقابله با پسر او وباقرائت برخود او وازروی نوشتهٔ او برای طبری درصفرو ربیع یکم سال ٥۱۰ (ص ۹-

۱۱-۱٤-٤۱-٤۸-٥۲-٥٥-٦٦-۸٤-۹۳-۱۰۳-۱۱۱-۱۱۳-۱۱۷-۱۳۳-۱٤٤-۱٥۰-۱٥٦-۱٦٦-۱۷۱-۱۷٥).

٤- شیخ فقیه ابوالنجم محمدبن عبدالوهاب بن سمان رازی بقرائت براو درمسجد غربی و در مشهد معروف بغزی درب زامهران ری در صفر سال ٥۱۰ (ص ٤٤-٥۹-۸۲-۹۱-۱۰۰-۱۱۰-۱۲٤-۱۲۹-۱۳٦).

٥- الشیخ العالم ابواسحاق اسماعیل بن ابی القاسم احمد دیلمی در خانهٔ خود او درآمل در کوی الناصر للحق بلفظ خود او درربیع یکم سال ٥۲۰. (ص ۱۷۰)

٦- الشریف الامام ابی البرکات عمر بن ابراهیم بن محمدبن محمدبن حمزهٔ علوی حسینی زیدی (نسباً ومذهباً) کوفی درمسجد قلعهٔ کوفه در ٥۱۰ (ص ٥٦ و ٦۰) وبقرائت درذیحجهٔ ٥۱۲ (ص ٤٦-٦٥-۷۳) و درسال ٥۱٦ (ص ۸۲-۸٦-۸۸).

۷- ابی غالب سعیدبن محمدبن احمدبن احمد ثقفی کوفی در کوفه در ٥۱۰ (ص ٦۰-۷٦-۸۱-۸۲-۸۸) وباجازه در ٥۱٦ (ص ٥٦).

۸- شیخ ادیب ابوعلی محمد بن علی بن قرواش تمیمی درنجف در محرم ٥۱٦ (ص ٦۱).

۹- الشیخ الامین ابوعبدالله محمدبن احمدبن محمدبن شهریار خازن روضهٔ حیدری و داماد طوسی درباب الوداع مشهد نجف درذی‌قعدهٔ ٥۱۰ (ص ۹٦) وبقرائت در نجف درشوال ٥۱۲ (ص ۳-۷-۱۲-٤٥-٥٦-٥۸-۷۹-۸۹) ودرنجف درذی‌قعده ٥۱۲ (ص ۸٦-۱۱۸-۱۲۰-۱۲٥-۱۳۰) ودر کوفه درربیع یکم ٥۱٦ (ص ۱۸) ودرنجف درهمین تاریخ (ص ۲٤).

۱۰- ابومحمد الجبار بن علی بن جعفر حدقهٔ رازی بقرائت درری درذیقعدهٔ ٥۱۸ (ص ٦۲).

۱۱- الشیخ ابوالبقا ابراهیم بن حسین (حسن) بن ابراهیم رفاء بصری درنجف درصفر ٥۱۰ (ص ۱۷۲) وبقرائت براو درمحرم ٥۱٦ (٤-۱٦-۲۹).

۱۲- شیخ امام فقیه عالم ابوجعفر محمدبن علی بن ابی الحسین حسن بن

عبدالصمد بن محمد تیمی نیشابوری بلفظ او در نیشابور در پایان شوال ۵۲۴ (۱۷۷-۲۰۲-۲۰۳) و در ذی قعدهٔ همین سال و در همین شهر (۶۳).

آملی از پدر خودهم روایت دارد و در همین کتاب میگوید: «وجدت فی کتاب ابی الفقیه ابی القاسم بن محمد رحمة الله علیه مکتوباً بخطه» (ص ۴۸ - گ ۲۷ الف) قطب الدین راوندی (م ۵۷۳) و سدیدالدین محمود بن علی بن حسن حمصی رازی از او روایت دارند (رجال مامقانی ۲ : ۶۵ - ذریعه ۲ : ۹۸ و ۱۱۷).

در کشف الحجب ص ۸۶ یادی از این کتاب شده و دارد که در ۱۷ جزء است و آغاز آنرا هم آورده و گویا نسخهٔ کاملی در دست داشته است. در ذریعه (۲: ۹۸) این کتاب و طبری شناسانده شد و از امل الآمل (ص ۴۹۵) آورده که آن در ۱۷ جزء است و نسخه‌هائی که اکنون هست آن اندازه نیست و نسخه‌ای که نوری داشته بود اکنون نزد سماوی میباشد و در آن خطبه‌ای که پیامبر در پایان شعبان خوانده دیده نمیشود با اینکه ابن طاوس آنرا در اقبال (ص ۱ چاپ سنگی ۱۳۲۰ تهران) از همین کتاب آورده. پس آنچه نزد او بود بیش از آن بود که اکنون در دست هست. - در نسخهٔ چاپی هم من گشتم و آنرا نیافتم شاید در شش جزء دیگر باشد.

آغاز: بسمله به نستعین . الحمدلله الواحد القهار الازلی الجبار الغفار الکریم الستار ... اما بعد فان الذی حملنی علی عمل هذا الکتاب انی لما رأیت الخلق الکثیر والجم الغفیر یتسمون بالتشیع ولایعرفونه و مرتبته ... تعمدت الی جمع مؤلف یشتمل علی منزلة التشیع و درجات الشیعة و کرامات اولیاء الائمة البررة علی الله ... رسمته (وسمیته) بکتاب بشارة المصطفی لشیعة المرتضی.

انجام: قال حدثنا محمد بن عثمان عن ابی عبدالله الاسلمی ... قال لما انهزم اهل البصرة امر علی بن ابی طالب ع ان تنزل عائشة قصر ابن ابی خلف ... قال رسول الله (ص) لن تذهب اولن تنقضی الایام حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی . تم الکتاب بعون الله تعالی . والحمدلله رب العالمین . (از جزء ۱۱ ص ۳۴۶ و پایان چاپی).

محمد حسن جواهری یازده جزء بشارة المصطفی را در چاپخانه حیدری نجف بسال ۹-۱۳۶۸ از روی نسخهٔ مخمره و نسخه چهار جزئی با دیباچه‌ای در سرگذشت طبری بچاپ رساند.

[۱۳۷۱]

⊙۱⊙ این نسخه در ۴ جزء و نسخ میباشد و محمدتقی جاجرمی در یکم رجب آنرا برای خود نوشت و میخواست الزام النواصب هم با آن باشد.

در پشت نسخهٔ ما نوشته است که «این جزء یکم بشارة المصطفی طبری است و پس از آن در همین نسخه جزوهای دوم تا چهارم میآید و خود کتاب ۱۷ جزو است چنانکه در پایان چهارمی هم خواهد آمد و با این رساله الزام نواصب بامامة علی بن ابی طالب هم خواهد بود» همهٔ اینها را محمد تقی جاجرمی نویسندهٔ نسخه بخط خود بتازی نوشته است. ولی در نسخهٔ ما آن رساله نیست و پیداست که او بجزوهای دیگر کتاب دسترسی نداشت.

پایان نسخهٔ ما: «ولیست الدنیا منهم ولیسوا منها اولئك مصابیح الدجی . تم الجزء الجزء الرابع من کتاب بشارة المصطفی لشیعة المرتضی تألیف الشیخ الفقیه الجلیل عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القسم علی بن محمد بن علی الطبری . وهذه الاربعة اجزاء من سبعة عشر جزءاً من الکتاب . و کتب هذه النسخة بیده لنفسه محمد تقی جاجرمی عفی عنه بتاریخ اول شهر رجب . والحمدلله وحده وصلی الله علی محمد و آله وسلم» برابر با ص ۲۲۴ چاپی و پایان جزوهای کتاب در نسخهٔ ما چنین است : ۱ گ ۲۴ الف (ص ۴۲ چاپی) ۲ گ ۷۰ ب (ص ۱۳۶) ۳ گ ۹۱ ب (ص ۱۷۶) ۴ گ ۱۱۴ ب (ص ۲۲۴).

محمد باقر حسینی در روز شنبه ربیع دوم سال ۱۲۰۳ (با مهر او) و درویش محمد نجفی (با مهر) و جمال الدین محمد خوانساری از دارندگان نسخه بوده‌اند.

(۱۱۴گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۲×۱۸ و ۸×۱۴ س ۲۲

[۱۱۷۳] بصائر الدرجات (عربی)

ابی جعفر اعرج محمد بن حسن بن فروخ (بردهٔ عیسی بن موسی اشعری) صفار قمی (م ۲۹۰) که از یاران امام عسکری و از محدثان بزرگ شیعی بوده است، نگارندهٔ این بصائر الدرجات میباشد . این کتاب در ۴ جزء (کنتوری ص ۸۷

ذریعه ۳ : ١٢٤) یا ده جزء (چاپ سنگی ١٢٨٥ با نفس‌الرحمن نوری ـ طوس ١ : ٢٠ و ٥ : ٣٦) میباشد . عاملی درفائدهٔ ٤ پایان وسایل می‌نویسد که بصائر را دو نسخهٔ کوچك (نسخهٔ ما) وبزرگ (چاپی) است . مجلسی دربحار (١ : ١١) آنرا از اصلهای با ارزش برشمرد و گفت که کلینی و دیگران از آن آوردند . نسخهٔ بزرگ بانفس‌الرحمن بچاپ رسیده است . درذریعه از نسخهٔ کوچکی یاد شده که درعنوان بابها بابزرگ یکی بوده ولی از چاپی نزدیك بصد و هفتاد حدیث کم داشت وگویا نسخهٔ ما همان باشد . در روضات (درسر گذشت قطب راوندی ص ٣٠١) دربارهٔ خرائج وجرائح دارد : «وهی تتضمن کثیراً من احادیث الارتفاع نظیر کتاب البصائر للشیخ محمدبن‌الحسن‌الصفار » و درست هم هست چه بسیاری ازخبرهای آن بامشرب قمیان نمیسازد ومانا بروش باطنیان وغالیان روایت شده وشاید بتوان گفت که در نسخه‌های آن دستی برده‌اند وبدینگونه بما رسیده است . باز خوانساری (درسر گذشت برسی ص ٢٨٥) میگوید : « روش غلو وارتفاع آنگاه آغاز گردید که آندو راوی ، تفسیرامام عسکری راساختند یا تفسیر فرات‌بن ابراهیم دست بدست گشت یا تفضیل فارس‌بن حاتم‌بن ماهویه قزوینی صوفی بدست مردم رسیدبلکه ازهنگامیکه خبرهای مفضل‌بن‌عمر جعفی وجابربن یزید جعفی درمیان شیعیان آشکارشده و پاره‌ای از آنها در بصائر صفار ومجالس شیخ و کشف‌الغمه وخرائج راوندی و فضائل شاذان و پسرش و دیگر کتابهای مناقب پارسی و تازی و تفسیرهای ارتفاعیان و اخباریان درج گردید . این دانشمندان ومانند آنهاچون ابن‌بطریق درعمده ورضی درخصائص وابن‌طاوس رضی‌الدین و گروهی ازدانایان بحرین وقم هم بدینگونه سخنان پرداختند تااینکه بر جب برسی رسید که کتابهادراین‌باره نوشت وپیروانش خودرا کشفیان مینامند . تارسیدبشیخیان وپشت سریان پیروشیخ احمداحسائی دربرابر فقیهان و بالاسریان کربلا که گفتار احسائی را نمی‌پذیرفتند واین سخنان بود که مایهٔ یاوه‌سرائیهای آورندهٔ « بیان » و پیروان اوشده است » .

باری طوسی درفهرست (ص ٤٤) میگوید که صفاررا کتابهااست وپرسشهائی نوشته وبرای امام عسکری فرستاده بود وابن‌الولید همه کتابهای او را روایت میکرده بجز این بصائر و روایت او از ابن ابی‌جید و دیگران بما رسید ولی حسین‌بن عبیدالله از احمدبن محمدبن یحیی از پدر خود ازصفار بصائر را برای ما روایت نمود . نجاشی (ص ٢٥١) ازاو بسیارستوده وبسیاردرستکارش دانست واز کتابهایش « الردعلی الغلاة » نام برد . اومیگوید که ابوالحسین علی اشعری قمی از ابن‌الولید همه کتابهایش را بجز بصائر برای ما روایت کرده است وابن شاذان ازاحمدبن محمدبن یحیی ازپدرش همهٔ آنهارا بابصائر روایت نموده‌است .

ازاینهابرمیآید که ابن‌الولید ابوجعفرمحمدبن احمدبن حسن قمی (م ٣٤٣) دانشمند ارجمند شیعی وشناسای برجال از بصائر پرهیزمیکرده است (فهرست طوسی ص ١٥٦ ـ رجال نجاشی ص ٢٧١) وگویا برای این بود که اوخبرهائی نزدیك بغلو روایت نموده است . ابن‌داود وحلی اورادرقسم دوم کتاب خود یاد کردند ولی ازجامع‌الرواة برمیآید که کلینی و علی‌بن حسین‌بن بابویه وسعدبن عبدالله ودیگران ازاو روایت کرده‌اند (رجال مامقانی ٣ : ١٠٣) درالنقض (ص ٦٥١ و ٦٥٣) هم گفتگوئی برسردرستکاری صفارشده است .

آغاز : بسمله . الجزء الاول من کتاب بصائر الدرجات باب فی العلم ، ان طلبه فریضة علی الناس . محمدبن‌الحسن (الصفار) المعروف بممولة (بمموله) . . . قال رسول‌الله ص طلب‌العلم فریضة علی کل مسلم . الا وان‌الله یحب بغاة‌العلم .

انجام : باب عرض‌الاعمال علی الائمة‌الاحیاء من آل محمد . . . وعنه عن محمدبن علی‌بن سعیدالزیات . . . قلت للرضا ان قوماً من موالیك سالونی ان تدعوالله لهم فقال والله انی لاعرض اعمالهم علی‌الله فی کل یوم (تم‌الکتاب . . . و کتب بیده لنفسه محمدبن‌الحسن‌الحر . . . وفرغ منه فی اواخرربیع‌الاول سنة اربع وستین بعدالالف من‌الهجرة . کتب من نسخة شیخنا الاجل الشیخ زین‌الدین‌بن الشیخ محمد قدس سره تاریخها سنة ١٠٣٣) .



پایان بصائرالدرجات ش ۱۰۶۱/۱ گ ۱۰۲ ب و مهر عاملی در گ ۱۰۳ الف
« اعتمدعلی الخالق العدل الکریم الصمد محمد بن الحسن الحر ۱۰٤٦ »

[۱۳۷۲]

این نسخه ش ۱ دفتراست و نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که محمدبن حسن حرعاملی ازروی نسخهٔ شیخ زین‌الدین بن شیخ محمد مورخ ۱۰۳۳ درپایان ربیع یکم سال ۱۰٦٤ برای خود نوشته است ودر گ ۱ الف و ۱۰۳ الف مینویسد: « الله ثقة عبده .کاتبه لنفسه : محمدبن الحسن الحر / نفعه الله به » با دو گونه مهر او. در گ ۱ الف دارد که قرب‌الاسناد حمیری ومجازات نبوی رضی هم دراین دفترهست. مگراینکه ازسومی هیچ درآن نیست وازدومی هم پاره‌ای از نیمهٔ نخستین آن هست. عنوانهای مطلبهای هردوشماره درهامش هم آمده است ونسخه‌ایست بسیارپاکیزه. بصائر از ۱ ب است تا ۱۰۲ ب.

(همه دفتر ۱۰۸گ) ــ کاغذ فرنگی ــ تیماج گلی‌سادهٔ متوالی

اندازه : ۱۱/۵ × ۱٦ = ۱٦ و ۷ × ۱۱/۵ س ۱۷

[۱۱۷٤] **بصائرالموحدین** (عربی)

حسین بن محمد زیدی حسنی بدرخواست یاران و بنام میرزا محب‌الله فرزند خلیل‌الله این کتاب را درسر گذشت پیامبر و پیشوایان ساخته است مقدمهٔ آن درچهارفصل و درسر گذشت پیامبر میباشد سپس دوازده باب است بنام دوازده پیشوای شیعی وسر گذشت فاطمه ع را درباب سوم گذارده است.

آغاز : بسمله . وبه استعین . الحمدلله الذی لایضل من هداه ولایشقی من تولاه ولا یسعد من اشقاه ولایعز من عاداه... . فیقول ... حسین بن محمد الزیدی الحسینی.

انجام : وانا اسال الله لی ولکم ان تجعلنا من اتباعهم ولنختم بالصلوة علی محمد وآل محمد وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا (وقع الفراغ من تحریره وترقیمه فی ظهر یوم الخمیس منتصف شهر محرم الحرام سنة اربع و تسعین وبعد الف ۱۰۹٤ من الهجرة النبوی علی ید... . علی قلی بن عزیزالله اردکانی حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً).

[۱۳۷۳]

۵۸۶ این نسخه بستعلیق است با عنوانهای شنگرف و علیقلی بن عزیزالله اردکانی نوشتن آنرا در نیمهٔ روز پنجشنبه نیمهٔ محرم ۱۰۹۴ بانجام رسانده .

(۳۳۶) ــ کاغذ ترمه ــ جلد طوای نه میشی

اندازه : ۱۱/۵ × ۱۸/۵ و ۷ × ۱۴ س ۱۵

[۱۱۷۵] بقاء النبی والوصی بعد الموت فی الارض (عربی)

او رفعهما الی السماء (رسالة فی ...)

امیرمحمود بن فتح‌الله حسینی کاظمی نجفی دانشمند روزگار صفویان در این نامه میگوید که میان من و چند تن از برادران دانشمندم در نجف دربارهٔ دو حدیثی که میگویند پس از سه روز تن و روان پیامبر و جانشینانش را پس از مرگ آنان بآسمان میبرند گفتگوئی شده و من میخواهم میان این حدیثها و حدیثهای دیگر که میرسانند که تن برخی از پیامبران و پیشوایان در زمین یافت شده جمع کنم و روشن سازم که تن آنان در خاک جایشان هست و آنها را پس از مرگ بآسمان برده و بر گردانند . او این نامه را در نجف در روز بیستم صفر سال نهم دهه هشتادم پس از هزار (۱۰۷۹) پس از تفریج الکربة نگاشته است .

در روضات (ص ۱۵٦) و در ذریعه (٤ : ۲۳۰) بنام رسالة فی صعود جثة الامام الی السماء من بعد ثلثة ایام و رسالة فی عدم صعود جثث الائمة علیهم السلام از آن یاد شده است .

آغاز : بسمله . بعد الحمد و الصلوة علی سیدنا و نبینا محمد و آله اهل العبا فانی اخبر الاخوان فی الایمان عن الکلام الذی جری بینی و بینهم ایضاً فی ذلک المکان ... فی الحدیثین الواردین فی ان النبی ص و الوصی ع اذا انتقل کل منهم من دار الفناء الی دار البقاء لم یبق فی الارض سوی ثلثة ایام ثم ترفع روحه و لحمه و عظمه الی السماء .

انجام : فهذا ما امکن جمعه مع تغیر الاحوال و تشتت البال ... والحمدلله رب العالمین . وفرغ من تألیفها ... محمود بن فتح‌الله الحسینی الکاظمی النجفی

نسباً و مولداً و موطناً ... بمشهد امام المتقین ... الی جنات النعیم فی الیوم العاشر من الشهر الثانی للعشرة الثانیة من السنة التاسعة للعشرة الثامنه بعد الالف من الهجرة النبویة علی هاجرها افضل الصلوة و التحیة و علی آله خیر البریة .

[۱۳۷٤]

۱۱۲۲ این نسخه ش ٤ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۳ ولی بقلم دیگر از همان محمد موسوی گ ۱٦٦ ب ـ ۱۷۵ الف .

[۱۱۷٦] بهجة المباهج (فارسی)

دانشمند نیمهٔ سدهٔ هشتم و زندهٔ در ۷۵۳ خواجهٔ عارف واعظ ابی سعید (ابی علی) حسن بن حسین شیعی بیهقی سبزواری از «مباهج المهج فی مناهج الحجج» قطب الدین ابی الحسن محمد بن الحسین بن الحسن نیشابوری کیدری (سدهٔ ششم) که در فضیلتها و معجزه‌های پیشوایان پاک است گزین نموده و این دفتر که در ٤٤ باب یا فصل است بپرداخت و نام بالا را بدان داد (ذریعه ۳ : ۱٦۳ ـ طوس ۵ : ۳٦) او بسیاری از خبرهای صحیح را که در مباهج نبود بر آن افزوده است (روضات ص ۱۷۱ و ۵۷٦) او در روزگار خواجه نظام الدین یحیی بن شمس الدین حیدر کرابی (۷۵۹ ـ ۷۵۳) از شاهان سربدار کشتهٔ در ۷۵۹ میزیسته و این بهجة المباهج و کتاب فارسی دیگر خود راحة الارواح و مونس الاشباح را که آنهم در سر گذشت چهارده معصوم میباشد بنام همان فرمانروای سربداری بسال ۷۵۳ ساخته است (طوس ۵ : ۹۰ ـ فهرست ستوری ص ۱۸۲ و ۱۲۵۳ ـ ذریعه ٤ : ۱۳۰ ـ لب التواریخ ص ۱۸۱)

آغاز : بسمله . و به نستعین حمد بی حد و ثنای بی عد آن خدای را که ایوان معلق آسمان برافراشته و برداشتهٔ حکمت او است و این بسیط هامون و بساط نیلگون باز کشیده و آرمیدهٔ صنعت اوست ... مدتی بود که در خاطر این ضعیف ابوسعید حسن بن حسین شیعی سبزواری ... میگوید که در فضائل و معجزات سید الانبیاء و اهل بیتش ع کتابی جمع کند و کثرت عیال و اشغال مانع میشد که اتفاق افتاد که مطلع شد بر کتابی درین فن که مشتمل بود بر عذر(؟) فواید

که شیخ الامام علامه علماء الکرام قطب الدین و الاسلام محمدبن الحسین بن الحسن الکنغدری . . . تصنیف کرده بود و آنرا مباهج المهج نام کرده از خدای توفیق خواست تا آنچه خلاصهٔ آن بود از آنجمله که شبهه را مجال در وی محال بود اختیار کرد و ازمکررات اجتناب نمود الا آنچه غرض از تکرار وی اظهار آن بود و این کتاب را بهجة المباهج نام نهاد ومفصل گردانید .

انجام : صادق علیه السلام او را (ویرا) بنواخت و آن نسخه درجهان . . . فاش شد والحمدلله رب العالمین (والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً) والصلوة والسلام علی محمدو آله (اولاده) اجمعین الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً (دائما) کثیراً کثیرا (نسخه ۶۰۳ تا اینجا است و نسخه بدلهای میان دو کمانه هم از آن است)(اللهم اغفر لصاحبه ولقاریه و لناظره ولکاتبه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات برحمتك یا رب . لکاتبه الفقیر امین بن حسن بن امین الشعرانی فی عشرین شهر مبارك رمضان ۹۳۵) (نسخهٔ ۹۶۸) .

[۱۲۷۵]

۳ د ۶۰ این نسخه بنسخ درشت با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و عبارتهای عربی هم شنگرف است . مجدول زرین و لاجورد و با سرلوح زیبا . فهرست ۱ ب ـ ۲ الف . کتاب ۲ ب ـ ۴۱۳ ب . معتمدالملك پسر محمد قاسمخان قاجار در تهران بسال ۱۲۵۴ دارندهٔ نسخه بوده است .

(۳۴۱۳ب) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه : ۲۳×۳۷/۵ و ۱۶×۲۹/۵ ص ۱۸

[۱۲۷۶]

۹۶۸ این نسخه بنسخ خوش با عنوانهای شنگرف ودوجدول زرین ولاجورد میباشد و امین بن حسن بن امین شعرانی آنرا در ۲۰ رمضان ۹۳۵ برای خود نوشت .

این دونسخه یکنواخت نیستند ودراین نسخه عنوان الفصل الاول دیده نمیشود و برخی جاها آب دیده ونوشته‌ها پاك شده است ، چنین است آغاز آن :

زده بودند درو جمع کرد این کتابرا بهجة المباهج نام نهاد و مفصل گردید وماتوفیقی الا بالله علیه توکلت فبافعلت ورضاه رجیت فیما ابیت . روایت است ازمحمد باقر علیه السلام

خازن علم نبوی . . که رسول . . گفت من که من محمدم و برادرم علی هردو از یك نور بودیم درپیش حضرت عنایت الهی پیش از آنکه این جهان آفرید به چهارده هزارسال .

(برابر با گ ۱ الف ش ۶۰۳ و نزدیك یك صفحهٔ ازدیباچه را ندارد) .

(۳۹۹ب) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج قهوه‌ای مقوائی

اندازه : ۱۰×۱۵ و ۵×۱۹ ص ۲۴

[۱۱۷۷-۱۱۷۸] پاسخهای قمی (فارسی و عربی)

ازمیرزا ابوالقاسم فرزند محمدحسن گیلانی رشتی قمی (۱۱۵۰/۱-۱۲۳۱) دانشمند بزرگوار شیعی دو گفتار که درپاسخ پرسندگان است اکنون شناخته میگردد :

۱ـ دربارهٔ صحت استناد خطبة البیان بامیرمؤمنان علی و دانشمند قمی مینویسد که این خطبه درنگارشهای امامیان مانند کلینی و ابن بابه و مفید و مرتضی وطوسی نیامده ورضی در نهج البلاغه آنرا نیاورده جزاینکه برخی ازدانشمندان صوفی منش شیعی مانند برسی (سدهٔ ۸ و ۹) درمناقب (۱) بسیاری از عبارتهای دوخطبهٔ بیان و طتنجیه را آورده‌اند وقاضی سعیدقمی (۱۰۳۸-۱۱۰۳) درشرح حدیث غمامه (نوشتهٔ ۱۰۹۹ ـ گ ۹۰ ب ـ ۹۳ الف ش ۴۰۳) خطبه بیان را

۱ـ گویا همان مشارق انوار الیقین فی حقائق اسرار امیرالمؤمنین باشد از رضی الدین رجب بن محمدبن رجب حافظ برسی امامی صوفی همزمان شریف گرگانی و مقداد سیوری و گزارندهٔ سورهٔ توحید . این مشارق در ۷۷۴ پرداخته شده ودر ۱۳۰۳ در بمبئی بچاپ سنگی رسید (فهرست طوس ۱: ۹۲ اخبار ۵ : ۱۶۷ و ۳۲۳ ـ فهرست سپهسالار ۱ : ۱۲۷) درمتن «مشارق» و «مطالع الاسرار» که گزارش و ترجمه مشارق است (ش ۶۴۲) پاره‌هائی ازاین دوخطبه دیده میشود (۱۰۶ الف ـ ۱۰۷ الف مطالع) بزپاره‌ای ازتطنجیه (۲۲۷ ب ـ ص ۲۲۲ ـ ۲۲۸ مشارق) و افتخار (۳۳۲ ب ـ ۳۴۹ ب ـ ص ۲۱۹ ـ ص ۲۲۲) وچند بندی که مانا از خطبهٔ بیان باشد (۳۲۷ الف وپس از آن ـ ص ۲۱۷ از کتاب الواحده و ص ۲۲۸ـ۲۳۱) و همچنین ازینگونه بندها که علی ع برای سلمان وجندب خوانده‌است (۳۲۳ب ـ۳۲۷ الف ـ ص ۲۱۳ـ۲۱۷) درآنجا آمده است و دارد : «فقال فی خطبة الفخار : انا الواقف علی الطتنجین . قال المفرون : هما الدنیا والآخرة» (۲۳۶ الف ـ ص ۲۲۳ چاپ مشارق) .

آورد (۱) و گفت که چون درمیان دانشمندان شیعی و جز شیعی شایع است نیازی بیاد کردن سند روایت ندارد. قمی این خطبه را از روی همین شرح آورده (و جز آنستکه بموی چاپ کرده است) و میگویند که دراین دو خطبه بیان وطتنجیه ومانند آنها که درمناقب برسی دیده میشود بسیاری ازوصفها که شایسته خداوند است برزبان علی ع رفته و صحت سند آنها برمن روشن نیست ومجلسی چون دررسالهٔ اعتقادات بروایتهای برسی ارجی ننهاده دربحار که اکنون نزد من نیست تا بدان بنگرم هم نباید آن خطبه‌ها را آورده باشد. درصافی کاشانی که جای اینگونه سخنان است هم دیده نمیشود. با اینکه بیشتر عبارتهای آندو خطبه تأویل آیتهای قرآن است و با اینکه او از مصباح الشریعه بسیار آورده است. این مصباح الشریعه را دانشمندان ما ارزش نمی نهند و آخوند ملامحمدباقر ره درپاسخ برخی از پرسشها گفته که راوی آن شقیق بلخی صوفی سنی میباشد وحکایتها در آن آمده که پیداست ازمعصومان نخواهد بود.

آری در «قرةالعیون» این دو خطبه از علی ع دانسته شد و گویا از برسی و مانند او پیروی شده باشد. گذشته از شك دراستناد آنها قرآن هم میرساند که اینگونه سخنها از مردمی نباید سربزند ویا تجسم و حلول و غلو و تفویض ساز گاراست وخبرهائی از امامان داریم که در آنها ازداردگان اینگونه رایها و سخنها مانند سبائیان و اسحاقیان و اخطبیان و خطابیان و غالیان نکوهش شده است وپاره‌ای از آنهارادررجال کشی می بینیم واینگونه عبارتها با سرودهای ملای رومی مانند میباشد وباقرآن وخبرمتواتر ودعاهای خود علی مانند دعای کمیل نمیسازد ومیتوان گفت که اینها ساختهٔ مانند مغیرة بن سعید و ابوالخطاب میباشد.

۱- قمی مینویسد: «وهي في استفاضة بين علماء الخاصة غنية عن السند والرواية ... وناهيك في بيان هذه الخطبة ماورد عن مولانا الصادق ع حيث سئل عن بعض عبارات هذه الخطبة الشريفة فقال هذه الخطبة الشريفة فقال انما ارجعه امير المؤمنين عليه السلام الى الامر فافهم هذه الدقيقة» قمی درآنجا ازاین خطبه ۸۳ بند را یاد میکند.

تازه اگرهم بپذیریم که علی ع چنین سخنی گفته باشد باید مانندمتشابهات قرآنی آنها را تأویل درست نمود و فریب نخورد و اینگونه تأویل درخبری که دربصائر الدرجات محمدبن الحسن صفار قمی (م ۲۹۰) سه باب پیش از باب شرح امورالنبی والائمة في انفسهم والرد علی من غلا بجهلهم مالم یعرفو من اقاویلهم (پایان کتاب) دیده میشود ودرهمانجا از صادق ع آمده (درمیانهٔ باب النوادر في الائمة واعاجیبهم درجزء دهم چاپ سنگی) که خداوند درشب معراج بپیامبر گفته: «هو (علی) الاول والآخر والظاهر والباطن» و سپس تأویل درست آنرا بدو آموخت (مانند این حدیث دراختصاص مفیدهم دیده شده ولی دربصائرالدرجات نسخهٔ ۱۰۶۱/۱ این کتابخانه نیست) این بود گزیده کوتاهی از این رساله قمی که بخوبی دربارهٔ اینگونه حدیثهاسخن رانده ومعیارشناختن آنها را بدست داد.

این گفتار درپایان جامع الشتات هم (چاپ سنگی نسخ میرزا باباءمحمد در کارخانهٔ کربلائی محمدقلی و کربلائی محمد بدست مهدی بن محمد جعفر خوانساری در ۱۲۷۷ باندازهٔ حلی) آمده و پس ازدیباچه آن دوفصل (نخستین در ۳ مقدمه و ۲ مطلب) میباشد. نسخه چاپی از روی نسخهٔ روز پنجشنبه ۸ رمضان ۱۲۲۳ بچاپ رسیده است.

آغاز: بسمله وبه نستعین. سبحان من دانت له السموات والارض بالعبودیة وحمداً لمن شهدت له جمیع الخلائق علی اختلاف السنتهم بالربوبیة. امابعد این چندکلمه ایست حسب الاقتضای عالیجناب فضائل مآب زبدة الاخوان ونخبة الخلان معین الدین الانور وناصر الشرع الابهر مولانا علی اصغر. نوشته میشود ازبرای رفع ابتلائی که ازمشاکلهٔ بعض اوهام عاطله ومناقشهٔ پارهٔ ازترهات مخایل باطله بجهت ایشان حاصل شده بود وحاصل آن اینکه درخطبة البیان که منسوب است بجناب یعسوب دین ولیث الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ... مذکوراست که آن حضرت فرموده: اناخالق السموات والارض وانا الرازق. وبعضی ازارباب اغراض فاسده متمسك بآن شده که ترویج غرض فاسد خودداده باشند عالیجناب

مشار اليه درمقام انکار بودن آن دو عبارت درخطبة‌البیان بر آمده این معنی را مستبعد شمرده و از حقیر استفاده این معنی فرموده بودند که آیا خطبة‌البیان از آن جناب است یا نه برفرض صحت انتساب بآنجناب این دوعبارت در آن هست یا نه برفرض بودن مراد از آن چه خواهدبود و نوشته بودند در نسخه که موجود است درنزد ایشان ازاین (دراین) خطبه این دو عبارت نیست پس میگوئیم وبالله التوفیق وبیده ازمة التحقیق که ضیق مجال و کثرت اشتغال مانع است از تفصیل و اشباع سخن درجواب سؤال.

انجام: این حدیث معراج این تأویل را دارد وصحیح است آنها نیز بروجهی صحیح محمول باشد پس باید چشم گشوده و از حقیقت غافل نشد. باینجا ختم میکنم کلام را ختم‌الله امورنا بالحسنی و جعل لنا الاخرة خیراً من‌الاولی فقد فرغ مؤلفه الفقیرالی‌الله الدائم ابن‌الحسن الجیلانی ابوالقاسم (گ ۹۱ ب - ۱۰۸ الف).

۲- در گزارش حدیث راس‌الجالوت (رئیس‌الجالیة - رش گالوتا) که در آن امام رضا ع با رهبر آوارگان یهود گفتگو میکند.

همین را مهدی بن ابی‌ذر نراقی م ۱۲۰۹ درپایان مشکلات‌العلوم و نواده او محمدبن‌احمد نراقی م ۱۲۹۷ جداگانه هم گزارش نموده‌اند واین یکی بامشکلات العلوم بسال ۱۳۰۵ (ص ۸-۳۴۱) بچاپ رسید

آغاز: بسمله. الحمدلله و کفی والصلوة علی عباده‌الذین اصطفی ... فقدروی لی بعض اصحابنا ... عن ... الرضا ع روایة بحذف‌الاسناد وانها فی بعض‌الکتب ولم یحضره ولم یحضرنی اصله ایضاً ولا اظنها خالیة عن‌التصحیف والتحریف ولما کانت غامضة فی‌اللفظ ملغزة فی‌التعبیر والبیان غیرواضحة‌التفسیر اقتضی عنی بیان مایصل الیه فکری ... والروایة هی هذه والعهدة علی‌الراوی. سأل راس الجالوت عن‌الرضا ع بان قال یامولای ماالکفروماالایمان.

انجام: والشهقة کالصیحة شهق فلان شهقه فمات. و کتبه مؤلفه ... ابن‌الحسن

الجیلانی ابوالقاسم ... فی‌عام الف ومأتین من‌الهجرة‌المقدسة علی مهاجرها الالف صلوة وسلام وتحیة. هذه صورة خط‌المصنف ادام‌الله العالی وافادته‌المتعالی. کتبه الاقل ابن جعفرالرضوی اسمعیل‌القمی حشرهم مع‌الصدیقین ومع‌النبی‌الامی سنة ۱۲۲۶ (۱۰۹ الف - ۱۱۵ الف) در آستانهٔ طوس نسخه‌ای ازاین گزارش قمی هست (۵: ۱۰۷).

[۱۳۷۸-۱۳۷۷]

۴ و ۵ این دونسخه شماره‌های ۴ و ۵ دفتر است و بخط نستعلیق شکسته در ش ۴ وبخط نسخ در ش ۵.

[۱۱۷۹] تحفة‌الاولیاء (فارسی)

دانشمند محمدعلی بن محمدحسن اردکانی بدستور شاهزاده محمدولی میرزا دراین دفتر کتابهای عقل و جهل تا پایان ایمان و کفر کافی را بپارسی در آورد وسه «فائده» رجالی در آغاز آن گذارده است. اومیگوید که من نخواستم بحل اشکالها بپردازم مگر آنچه بدرستی و نادرستی نسخه می‌پیوندد و من چیزی برترجمه نیافزودم.

آغاز: بسمله. و به نستعین. جواهر کلامیکه غواصان بحار معرفت را تلفظ بآن دراصل اصول دین کافی ودرا کمال تهذیب قلوب واستبصار عیون اهل توحید ویقین وافی باشد، حمد واجب‌الوجود وشکر خالق معبودیست که عقل را نور وجود بخشید ... امابعد بامداد مداد ترجمان خامهٔ سرشکسته دو زبان بنده فقیرخاکسار وذرهٔ حقیر بی‌مقدار سالك بادیهٔ سرگردانی محمد علی بن محمدحسن اردکانی ... برلوح عرض اساطین سلطنت عظمی و حجاب بارگاه رفعت و اعتلا مینگارد که چون ازجانب سعادت جوانب بندگان جلالت توامان نواب کامیاب ... دوحهٔ اقبال بوستان پادشاهی و گل همیشه بهار ظل‌اللهی ... ملك زادهٔ که باز بلندپرواز همت والانهمتش را باعقاب چرخ دعوای همسری وشاهزادهٔ که شاهین

سعادت قرین اقبال همایون فالش را با همای سپهر وظالرزرین جناح مهرهوای برتری .. فرمانفرمای فرمانروا شاهزاده محمد ولی میرزا ... امر اشرف صدور یافت که این داعی از اول کتاب عقل و جهل تا آخر کتاب ایمان و کفر از ... کافی را که تألیف ... کلینی رازی است .. بلغت فارسی مانوس بطوریکه قریب

۵ بفهم باشد ترجمه نماید ودربند حسن عبارت و نیکی کنایه و استعارت نباشد .. واین ترجمه را بتحفة الاولیاء موسوم ساخت.

انجام : استدعا از برادران ایمانی ودوستان روحانی که ازین ترجمه در نهایت آسانی مستفیض و بهره‌مند گردند در حال حیات یا بعداز ممات این سالك بادیهٔ سرگردانی آنکه اورا بدعای خیر ازروی مرحمت یاد و بطلب مغفرت ازحضرت

۱۰ رب العزة شاد فرمایند (تمت . و كان الفراغ من كتابة ترجمة هذه النسخة علی ید الاقل الخاطی الجانی ابن محمد علی الاردكانی زین العابدین یوم السبت الثالث والعشرین من شهر جمادی الثانی سنة ثمان و ثلثین و مأتین بعد الالف من هجرة محمد سید البشر صلی الله علیه وآله . . . ولعنة الله علی اعدائهم الغابرین فی لجج الكفر الی یوم المحشر سنة ۱۲۳۸)

۱۵ غریق رحمت ایزد کسی باد　　　　که کاتب را بالحمدی کند یاد

گر بهم برزده بینی خط من عیب مکن

که مرا محنت ایام بهم برزده است

[۱۳۷۹]

۶۲۴ این نسخه بشیخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وعبارتهای عربی زیر خط سرخ است از زین العابدین بن محمد علی اردكانی گویا پسر ترجمان که درروز شنبه ۲۳ جمادی دوم سال ۱۲۳۸ بانجام رسانده . هم‌ودرپایان جزء دوم كتاب حجت مینویسد که من نسخه را تا اینجا درروزشنبه دوم رجب ۱۲۳۸ نوشته‌ام (گ ۲۳٤ الف).

(۳۴۷۹م) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ترباكی مقوائی

اندازه ۱۹×۳۰ و ۱٦×۲۰/۵ س ۲۱

[۱۱۸۰] التحفة الرضوية (عربی)

امیراسمعیل حسینی مدرس خاتون‌آبادی سپاهانی (سدهٔ ۱۱) بدرخواست دوستان یكدل (اخوان صفا) درطوس حدیث عمران صابی و گفتگوی او با پیشوای هشتم راگزارش داده است . این حدیث درعیون اخبار الرضا آمده

۵ وسید كاظم رشتی هم بخواهش میرزازین العابدین آنرا گزارش نوشته ودردوشنبه ۷ شوال ۱۲٤۱ بپایان رسانده وهمین باگزارش آیة كرسی رشتی چاپ رسیده‌است (طوس ۵ : ۱۰۵) خاتون‌آبادی دراین گزارش یاد میكند ازتالیس ملطی (۳٦ ب) وانكسیمانس وبلانون (۳۳ ب) ودانا ترین روم ومكه ومدینه و یگانهٔ روز گارخویش شیخ ابراهیم كردی شهرانی شهرزوری (۳۵ ب) و «استادالبشر وحید زمانه آقا

۱۰ حسین تغمده الله بغفرانه» (۳٦ الف) وطوسی وفارابی وارشفا واشارات (۲۰ الف).

او پس از بپایان بردن گزارش آن حدیث باز بدرخواست دوستی دیگر میخواهد حدیثهای دشوار عیون اخبار الرضا را گزارش دهد و نخست گفتگوی امام رضا باسلیمان متكلم بمانند خراسان را ازباب چهاردهم آن كتاب میآورد وپاره‌ای ازعبارتهای آنرا روشن میدارد (۳٦ ب).

۱۵ درآن این شعرها آمده و میگوید كه از صوفیان تباهكار ملحد است كه بعلی بسته‌اند:

لقد كنا حروفا عالیات　　　　نزلنا فی سطور سافلات

نسینا عهد ایام الوصال　　　　ولم نذكر عهوداً سابقات

ظهرنا بعد ما كنا خفینا　　　　وصرنا الآن كل الكائنات

۲۰ اذا صرنا العوالم والمراتب　　　　وذاتنا ثم اسماء الصفات

وصلنا واتصلنا واتحدنا　　　　بذات العین صرنا عین ذات

همچنین این شعرها كه ازخواجه طوسی بنداشتند (۳۱ الف):

موجود بحق واحد اول باشد　　　　باقی همه موهوم و مخیل باشد

هرچیز که غیر اوست اندر نظرت

شخص دو ببین چشم احول باشد

اومیگوید که این شعر ازملحدان است نه ازطوسی .

خبرعالم علوی که ازروی دو بندی از زایشنامه یا خطبهٔ تمجید ابن‌سیناساخته و از علی پنداشته‌اند درآن دیده میشود (۷ الف) این خبر عالم علوی را ملا عبدالرحیم دماوندی در ۱۱۵۹ و پس‌از او وبپارسی حاج ملامحمدصالح خلخالی (۱۰۹۵-۱۱۷۵) گزارش نوشتند (فهرست طوس : ۱۰۳) .

از بطلان زمان موهوم و درستی دهرهم درآن یاد شده است (همانجا) این کتاب درذریعه یاد نگردید .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله . . (چند کلمه رفته‌است) توحیده وشرح صدورالموحدین علی تحمیده وتمجیده . . وبعد فقد سألنی بعض الخلان الذین هم اخوان الصفا . . . حین سافرت الی طوس . . . ان اشرح ماجری بین عمران الصابی و بین امام الجن والانس . . وسمیته التحفة الرضویة . . . وانا . . . اسمعیل الحبیبی الخاتون آبادی الاصفهانی :

انجام نسخه : واقول اماقوله فقال له المأمون یا عمران هذا سلیمان المروزی متکلم خراسان قصدا الی تمدحه لان بلاد خراساد معدن العلم والفضل ومن اقلیم الرابع الذی هو اقلیم العقلاء واهل الکمال .

[۱۳۸۰]

۹۵۵/۶ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق وحاشیه دارد ازشاه میرك بن میرمیه علی قاینی (۳۰ الف) و پیداست که همه نسخه هم بخط اواست .

این شاه میرك نویسندهٔ حاشیهٔ شفا ازآقاحسین خوانساری است که در برگهای ۷۱ و ۷۶ تا ۸۱ الف دیده میشود و او شاگرد خوانساری بوده و ازش بسیار می‌ستاید و پیداست که استاد هنوز زنده بود .

این نسخه بپایان نمیرسد وتا نیمه‌های گزارش حدیث رضا ومروزی میباشد (گ ۱ ب -۳۹ الف) در ۳۹ب-۴۰ الف مسئله‌های پراکندهٔ کلامی است (بنگرید به ۶۰۶/٤)

[۱۱۸۱] **ترجمهٔ امالی** (فارسی)

ترجمان، امالی (۱) یامجالس یا عرض‌المجالس ابن بابویه قمی م ۳۸۱ را که در ۹۷ مجلس است بدستور شاه روزگار خود بپارسی روانی درآورد . او دررشتهٔ سند میان نام پسر و پدر بجای « ابن » واژه « پسر » گذاشته است . درذریعه دو کس ترجمان امالی قمی دانسته شدند :

یکی سید علی‌بن محمدبن‌اسدالله امامی عریضی سپاهانی شاگرد آقاحسین خوانساری م ۱۰۹۸ وافندی نگارندهٔ ریاض م نزدیك ۱۱۳۰ که اشارات وشفاوهشت کتاب حدیث را بنام «هشت بهشت» بپارسی درآورد .

دیگری سید صادق‌بن سیدحسین توشخانگی که ترجمهٔ خودرا درطوس بسال ۱۳۰۱ نوشته است (ذریعه ٤ : ۷۸ و ۸۱ و ۸۲) این نسخهٔ ما گویا ازهمان عریضی باشد وبگواهی آغاز آن که جز آن چیزیست که در ذریعه برای ترجمهٔ توشخانگی آمده ترجمهٔ او نخواهد بود .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی خیرخلقه محمد وآله الطیبین الطاهرین المعصومین و لعنة‌الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم‌الدین .

چون امر و فرمان عز صدور یافته بود که کتاب امالی شیخ صدوق . . . ترجمه کرده شود . . . شروع درترجمهٔ آن نموده بعضی از عبارات شریفهٔ آنرا

۱- امالی حدیثهائی راگویند که شیخ و استاد از روی کتابهایی آن برای شاگردان بخواند واملا کند وآنها بشنوند وبیشتر آنها را روی مجلس سماع یا تاریخ روزی را که شنیده شد مرتب میسازند؛ ازینروی آنرا مجالس یا عرض‌المجالس نیز میخوانند (ذریعه ۲ : ۳۰۵) این امالی را شافعیان «تعلیق» میخوانند وآن سخنرانی دانشمندی است درمیان شاگردان که نوشت‌افزار (محابر وقراطیس) با خود داشته باشند و از روی گفتهٔ استاد بنویسند و کتابی بشود (چلبی ۱ : ۱٤۷) ــ امالی صدوق دوبار درتهران بسال ۱۲۸۲ و ۱۳۰۰ بچاپ سنگی رسید (فهرست طوس ٥ : ۲۲۹ و ۲۳۰).

بجهة آنکه بزبان سلیس‌تر ودرنظر مأنوس‌تر آید بلازم معنی ترجمه میشود .

انجام : حدیث کرد ما را پدرم ... گفت که ... با حسن بصری و انس پسر مالك بیرون آمدیم تا بدرخانهٔ ام‌سلمه .. گواهی میدهم باینکه رسول خدا ... این کلام را فرموده‌است سه مرتبه وصلی الله علی محمد ... ونعم‌النصیر (حدیث ۵۰۰ درمجلس ۵۰ بتاریخ روز سه‌شنبه ۱٦ ربیع یکم سال ۳٦۸) .

[۱۳۸۱]

۵۷۴ این نسخهٔ پاکیزه نسخ زیبا با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و شمارهٔ حدیثها نسخ درهامش و عبارتهای عربی با اعراب میباشد ودردو جدول زرین است ، سرلوحی زر ولاجورد وشنگرف درآغازهست . در گ ۱ الف دارد : «شرح امالی صدوق علیه‌الرحمه است وشرح مجالس نیز گویند» حاشیه‌های لغوی دارد .

۳۴۴ گ) ـ کاغذ ترمهٔ سمرقندی آهارمهره ـ جلد تیماج مشکی زرکوب طوالی
اندازه ، ۱۸ × ۳۴ و ۱٦ × ۲۵ س ۱۹

[۱۱۸۲] ترجمهٔ جلاء العیون (عربی)

سید عبدالله‌بن محمد رضای شبر حسینی حلی کاظمی (م ۱۲٤۲) جلاء العیون فارسی مجلسی دوم را بتازی درآورده ومتن حدیثهای آنرا با سندهای آن یاد نموده وراویهای آنهارا برشمرده و آن دریك مقدمه و چهارده‌باب‌است ودردوجلد باندازهٔ بیست ودوهزاربیت ونسخهٔ ما تاپایان فصل سوم باب پنجم (درسرگذشت پیشوای سوم) میانجامد و جلد نخستین آنست و نگارندهٔ ذریعه هردوجلد آنرا دیده‌است. همین‌شبر بار آنرا گزین کرده باندازهٔ ده‌هزاربیت و گزیدهٔ دوم آن‌ازهمو باندازه پنجهزار بیت است که شاید همان «مثیرالاحزان فی تعزیة سادات‌الزمان» او باشد (ذریعه۵ : ۱۲۵ ـ کشف‌الحجب ص۱۵۷) جلاء العیون مجلسی درسرگذشت پاکان و پیشوایان شیعی و آسیبها ورنجها که بدانها رسیده است میباشد ودر یك مقدمه و چهارده باب است و برای شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ ـ ۱۱۰۵) نوشته شده ودر ٦ محرم ۱۰۸۹ بپایان رسید (طوس۱ : ش۹۳ و ۵ : ش۴۹۲) و چندبار درایران (چاپ سربی تهران در ۱۲٤۰ و سنگی ۱۲۷٦و۱۳۰۱و۱۳۰۹و۱۳۲۱)

ویکبار در چاپخانه مرتضوی نجف در۱۳۵۳ بهزینهٔ دوایرانی بچاپ رسید (ذریعه ۵ : ۱۲٤ ـ طوس ۵ : ۲۵٦) .

آغاز : بسمله . وبه نقتی . الحمدلله الذی جعل الدنیا جنة لاعدائه وخصمائه واختار الآخرة لاولیائه واحبائه ... فیقول ... عبدالله‌بن محمد رضا الحسینی ... وقفت علی کتاب جلاء العیون للعالم ... مولانا المجلسی محمد باقر ... بالفارسیة لاینتفع به من لایعلمها خطر فی فکری ... ان اؤلف کتاباً محیطا بذلك جامعاً لما هنالك ... لا انی اترجم الاحادیث التی اوردها بل الاحادیث التی ترجمها بالفارسیة اتیت بها بالفاظها و اسانیدها واشرت الی مآخذها و رواتها مع بیانات وجیزة شافیة و تنبیهات لطیفة وافیة مراعیا الترتیب الذی رتبه والتبویب الذی بوبه ناقلا لتحقیقاته الشافیة وتنبیهاته اللطیفة الوافیة ... والکتاب مرتب علی مقدمة واربعة عشر بابا .

انجام : وسیأتی بیان بعض معجزاته فی فصل شهادته صلوات الله وسلامه علیه (قد تم المجلد الاول من کتاب جلاء العیون من تألیفات العالم ... مولانا وملاذنا السید عبدالله ادام الله وجوده وبقاءه والحمدلله . تم) .

[۱۳۸۲]

۵۰۱ این نسخه بنسخ با عنوانها زیرخط سرخ ودرسه جدول لاجورد و شنگرف میباشد. ازپایان پیداست که دوروزگارخودشبر و گویا بدست یکی ازشاگردان او نوشته شده‌است .

۲۱۵ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ تیماج سرخ ساده طوالی
اندازه ، ۱۳/۵ × ۲۱ و ۸/۵ × ۱٦/۵ س ۱۹

[۱۱۸۳] ترجمهٔ چهارده حدیث (فارسی)

این دفتر دو هزار بیتی از مجلسی دوم است که در آن نخست دو حدیث دربارهٔ پیش‌بینی که دراخبار از پیداشدن صفویان شده است یاد کرده آنگاه

دوازده حدیث دیگر دربارهٔ امام زمان آورده و ترجمه و گزارش نمود. این را او برای شاه‌سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) پس‌از برداختن بحار ساخته‌است(۱) در آن از رجعت هم گفتگوشده و در ترجمه حدیث ۱۳ اخبار رجعت را نزدیك بمتواتر دانست. این‌است که‌میرلوحی آنرا کتاب رجعت خوانده‌ودر الفیض القدسی (ص ۹) «رسالة فی الرجعة» ودر روضات (ص ۱۲۰) «رسالة الرجعة» ودر ذریعه (۱ : ۹) «اثبات الرجعة» نامیده شده ودر این یکی دارد که‌درهندبچاپ رسیده‌است. مگر اینکه مجلسی خود در دیباچه بدان نامی نداده است. در کتابخانهٔ طوس سه نسخه از آن هست و بنام «ترجمهٔ چهارده حدیث» در فهرست آنجا شناسانده شده (۱ : ۹۲ اخبار و ٥ : ٤١٨و٤١٩).

اینگونه خبرهای ملاحم که در آغاز آن دیده میشود در کتابهای دیگر هست و دانشمندان آنها را گاهی گواه میآوردند چنانکه در «هفت باب باباسیدنا» که نزدیك به ۵۹٦ نوشته شده وازحسن بن الصباح م ۵۱۸ دانسته‌اند دارد: «مولانا علی درخطبه میفرماید که در مصر منبر نهم و دمشق را بگیرم و خورد گردانم یعنی گردنکشان را گردن بزنم بعداز آن بغزای دیار دیلمان روم چون بنواحی آن برسم کوهها را پست کنم ودرختان از بیخ بر کنم ... ومردم آن نواحی را بطاعت وعبادت خویش درآورم واز آنجابغزای هندوستان روم» (ص ۱۷ تا ۲۰ چاپ ایوانف در بمبئی در ۱۹۳۳ با مطلوب المؤمنین) درهمین‌جا دربارهٔ این خبر تأویل اسماعیلی شده است.

متن این خبردرروضة التسلیم خواجهٔ طوسی چنین آمده: ولابنین بمصر منبراً ولانقضین بدمشق حجراً حجرا ثم لاغزون بلدالدیلم ولابلون ماوراءها من الامم ولاسهلن جبالها ولاقطعن اشجارها ثم لاغزون بلادالهند والصین «وچنین ترجمانی

۱ــ درپایان ترجمهٔ حدیث ۱۳ دارد: «واین حقیر در کتاب بحار الانوار قریب بدویست حدیث زیاده از چهل نفر مصنفین علمای امامیه که درپنجاه اصل معتبر ایراد نموده‌اند بیرون نوشته‌ام وهرکه را شکی باشد بآن کتاب رجوع کند».

شد: «بمصر منبر برنهم ودمشق بستانم پس‌از آن بدیلمان روم و کوهستانش را نرم بکنم پس و بیش دارهها بزنم و آن امتان را که پس‌از ایشان باشند یعنی مازندران و گیلان وموقان بهم برسم وبعداز آن بغزای هندوستان وچین و روم بروم» آنگاه دارد: «بعضی محبان گفتند یا مولانا اخبرنا بانك تحیا بعدالموت یعنی یا مولانا ما را خبرمیدهی بآنکه تو بازخواهی زیستن (و این همه) خود میکنی ویا کسی ازذریه واولادی این مردی بکند وفرمودلله کره السلام که‌هیهات هیهات ذهبت فی غیرمذهب یفعله رجل من اولادی یعنی چون دوری تو از این صرامد باین که گفتی ازراه بیفتادی یعنی (دور تو آخر آمد) این مردی که کند ازفرزندان من وچون دور کار بآن رسید دعوت قائم قیامت که کمال همهٔ ادیان وملل است بسرشرائع درآید» (ص ۱٤۷ چاپ ایوانف در بمبئی در ۱۹۵۰).

درنهج البلاغه (چاپ با شرح محمد عبده ۲ : ۱۳ - ۱۵ ش ۱۲٤) سخنی ازعلی بنام ملاحم بصره دربارهٔ زنگیان وتتار آمده است و همین را هم میشود ریشهٔ خطبهٔ بیان پنداشت.

ابن‌میثم درگزارش خود ازاین خبر بزنگیان وتاتار وتاریخ آنها اشاره نمود وهمچنین ابن‌ابی‌الحدید (۲ : ۳۱۰ چاپ مصر) تاریخ آنهارا بتفصیل آورد.

درمنهاج الکرامه علامه حلی (منهج ٤ امره ص ۸۱) دارد: واخبر (ع) بملك بنی العباس واخذالترك الملك منهم فقال: «ملك بنی عباس یسر لاعسر فیه ولواجتمع علیهم الترك والدیلم والسند والهند والبربر والطیلسان علی ان یزیلوا ملکهم لما قدروا ان یزیلوه حتی یشذعنهم موالیهم وارباب دولتهم وتسلط علیهم ملك من الترك یأتی علیهم من حیث بدأ ملکهم لایمر بمدینة الا فتحها ولا یرفع له رایة الا نکسها الویل الویل لمن ناواه فلایزال کذلك حتی یظفر ثم یدفع ظفره الی رجل من عترتی یقول بالحق ویعمل به» وکان الامر کذلك حیث ظهرهلاکو من ناحیة خراسان ومنه ابتداء ملك بنی العباس حیث بایع لهم ابومسلم الخراسانی.

حلی در بحث ۵ مسئله ۵ نهج الحق و کشف الصدق که برای اولجایتو خدابنده محمد نوشته است (ش ۲/۵۰۳ گ ۷۹ ب) (نیز در احقاق الحق شوشتری و ابطال

نهج الباطل و اهمال کشف العاطل روزبهان که اینگونه خبرها را پذیرفته) در باره پیشگوئیهای امیرمؤمنان علی مینویسد : « واخبر بعمارة بغداد وملك بنی العباس و احوالهم واخذ المغول الملك منهم و بواسطة هذا الخبر سلمت الحلة والکوفة والمشهدان من القتل فی واقعة هلاکو لما ورد بغداد کاتبه والدی والسید بن طاووس والفقیه بن ابی العز وسألوا الامان قبل فتح بغداد و طلبهم فخافوا فمضی والدی رحمه الله الیه خاصة فقال کیف اقدمت علی المکاتبة قبل الظفر فقال له لان امیرالمؤمنین علیه السلام اخبر بك و قال انه ترد الترك علی الآخیر من بنی العباس یقدمهم ملك یأتی من حیث بدا ملکهم جهوری الصوت لایمر بمدینة الا فتحها ولا یرفع له رایة الا نکسها الویل الویل لمن ناواه فلایزال کذلك حتی یظفر (نیز بنگرید به کشف المحجه ابن طاوس چاپ ۱۳۷۰ نجف ص ۱۱۳ و ۱۳۶) (۱) .

۱ـ هم او در کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین (چاپخانهٔ حاجی ابراهیم تبریزی ص ۱۷) می نویسد :

من ذلك اخباره ع بعمارة بغداد وملك بنی العباس واحوالهم واخذ المغول الملك منهم رواه والدی ره و کان ذلك سبب سلامة اهل الکوفة و الحلة و المشهدین الشریفین من القتل لانه لما وصل السلطان هلاکو الی بغداد قبل ان یفتحها هرب اکثر الحلة الی البطائح الا القلیل فکان من جملة القلیل والدی ره و السید مجدالدین (بن) طاوس والفقیه بن ابی العز فاجمع رأیهم علی مکاتبة السلطان بانهم مطیعون داخلون تحت الایلیة وانفذوا به شخصاً اعجمیا فانفذ السلطان الیهم فرمانا مع شخصین احدهما یقال له تکله و آخر یقال له علاءالدین وقال لهما (قولا لهم) ان کانت قلوبکم کما وردت به کتبکم تحضرون الینا فجاء الامیران فخافوا العدم معرفتهم بما ینتهی الحال الیه فقال والدی ره ان جئت وحدی کفی فقالا نعم فاصعد معهما فلما حضر بین یدیه و کان ذلك قبل فتح بغداد وقبل قتل الخلیفة قال له کیف قدمتم علی مکاتبتی والحضور عندی قبل ان تعلموا بما ینتهی الیه امری وامر صاحبکم و کیف تأمنون ان صالحنی و رحلت عنه فقال والدی ره انما اقدمنا علی ذلك لانا روینا عن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام انه قال فی خطبته الزوراء « وما ادریك ما الزوراء ارض ذات اثل یشید فیها البنیان و تکثر فیها السکان و یکون فیها مخازم (مهادم) وخزان یتخذها ولد العباس وطنا ولزخرفهم مسکنا تکون لهم دار لهو ولعب

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس از این

ملاخلیل قزوینی در آغاز صافی درشرح کافی (ج ۱ ص ۳ چاپ هند) دو حدیث از غیبت طوسی (چاپ تبریز در ۱۳۲٤) یا کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان از حافظ ابی عبدالله محمد بن یوسف شافعی گنجی م ٦٥٨) آورده بدینگونه : « روی عن النبی صلعم انه قال یخرج بقزوین رجل اسمه اسم نبی یسرع الناس الی طاعته المشرك والمؤمن یملا الجبال خوفا » (ص ۲۸۵ غیبت طوسی) و : « عن النبی صلعم انه قال یخرج رجل من الدیلم یملا الجبال والسهل والوعور خوفاً و مهابة ویسرع الناس الی طاعته البر والفاجر ویؤید هذا الدین » . (این یکی را در نسخهٔ چاپی غیبت نیافته‌ام) .

قزوینی آنگاه میگوید که دراین دو حدیث اشارتی است بشاه عباس دوم چه دولتخانهٔ او دردیلمه کوچهٔ قزوین است و قزوین هم مرز دیلم میباشد (۱) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و یکون بها الجور الجائر و الخوف المخیف والائمة الفجرة والامراء (القراء) الفسقة والوزراء الخونة تخدمهم ابناء فارس والروم لایأتمرون بمعروف اذا عرفوه ولایتناهون عن منکر اذا انکروه تکفی الرجال منهم بالرجال و النساء بالنساء فعند ذلك الغم العمیم والبکاء الطویل والویل والعویل لاهل الزوراء من سطوات الترك وهم قوم صغار الحدق وجوههم کالمجان المطرقة لباسهم الحدید جرد مرد یقدمهم ملك یأتی من حیث بدا ملکهم جهوری الصوت قوی الصولة عالی الهمة لایمر بمدینة الافتحها ولاترفع علیه رایة الا نکسها (ینکسها) الویل الویل لمن ناواه فلایزال کذلك حتی یظفر » فلما وصف لنا ذلك و وجدنا الصفات فیکم رجوناك فقصدناك فطیب قلوبهم و کتب لهم فرمانا باسم والدی ره یطیب فیه قلوب اهل الحلة و اعمالها (مستدرك ۳ : ٤٦۳ ـ روضات ص ۷٤۰ که دارد من آندو تن که با پدر حلی بهلاکو نامه نوشتند نشناخته‌ام) .

۱ـ در بحار مجلسی (۱٤ : ۳٤۳) آمده : « وجدت فی اصل عتیق من اصول اصحابنا اظن انه لوالد الصدوق اومن عاصره ... قال رسول الله قزوین باب من ابواب الجنة » نیز : « روی عن جعفر الصادق ع ان الری وقزوین وساوه ملعونات مشومات » .

درهمین « الغیبة » (ص ۲۸٤) را که محمد بن بشر از محمد بن الحنفیه پرسید : « قد طال هذا الامر حتی متی » ؟ و او پاسخ داد :

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

« الی یکون ذلك ولم یعن الزمان الی یکون ذلك ولم یجفوا الاخوان الی یکون ذلك ولم یظلم السلطان الی یکون ذلك ولم یقم الزندیق من «قزوین» فیهتك ستورها و یکفر صدورها و یغیر سورها و یذهب بهجتها من فرمته ادرکه و من حاربه قتله ومن اعتزله افتقر و من تابعه کفر حتی یقوم باکیان باك یبکی علی دینه و باك یبکی علی دنیاه » .

ازاینگونه خبرها دربارهٔ بسیاری ازشهرها در تاریخهای تبرستان و نیشابور و بخارا وقم وقزوین وسپاهان ومانند اینها می بینیم .

رافعی درفصل یکم «التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین» (نسخهٔ عکسی اسکندریه) مینویسد که بسیاری ازدانشمندان دربارهٔ خوبی ها و برتریهای قزوین دفتری ساخته مانند عبدالرحمن بن ابی حاتم که جزئی دراین باره نوشت ومن درفهرست کتابهائیکه اووقف و تصدیق کرده نامش را خوانده‌ام همچنین اسحق بن محمد بن یزید بن کیسان سپس حافظ علی بن احمد بن ثابت بغدادی سپس حافظ خلیل بن عبدالله و خلیل و نصر دو فرزند عبدالجبار سپس حسن بن احمد عطار (ص۳) ـ خبرهائی را که رافعی میآورد بسیار و بیشتر آنها از پیامبر است و او دربارهٔ سند هریك کاوش میکند واندکی هم آنهارا گزارش می نویسد .

اینست پاره‌ای از آنها : ناشناخته‌ای ازپیامبر آورده : «اغزوا قزوین فانه من اعلی ابواب الجنة » (رافعی میگوید این یکی درست ترین حدیثهای قزوین است) ـ دیگر ابی بن کعب از پیامبر آورده : « انه یکون فی آخر الزمان قوم بقزوین یضئی نورهم للشهداء کما تضیئی الشمس للدنیا» ـ سه تای دیگر که انس بن مالك ازپیامبر آورده است : «سیفتح علیکم الآفاق وتفتح علیکم مدینة یقال لها قزوین من رابط فیها اربعین صباحاً کان له فی الجنة عمود من ذهب علی رأسه قبة من یاقوتة حمراء علی رأسها سبعون الف مصراع علی کل باب منها زوجة من الحور العین » و « یحول الله تعالی ثلث قری من زبرجد خضراء ترف الی ازواجهن عسقلان والاسکندریة وقزوین » و « ان جبلا من جبال فارس بارض الدیلم یقال له قزوین تأتی جبرئیل (ع) فقال یحشرون یوم القیمة فیقومون علی ابواب الجنة صفوفا والخلائق فی الحساب وهم یجدون رائحة الجنة» دراین حدیثهای بسیار که رافعی میآورد گاهی گذشته ازقزوین ودیلم و طالقان از اسکندریه

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس ازاین

تهران در ۱۳۱۳ ص ۹۱ دردنبال سرگذشت شاه اسمعیل ورخدادهای سال ۹۰۸) از جلد ۵ خلاصة التواریخ (۱) آورده که نگارندهٔ آن می نویسد : من از شیخ بهائی حدیثی شنیدم که درآن ازفرمانروائی شاه اسماعیل آگاهی داده شده‌است بدینگونه :

«ان لنا باردبیل کنزوای کنزفلیس بفضة ولاذهب ولکنه رجل من اولادی یدخل تبریز مع اثنی عشر الفا کبا بغلة شهباء وعلی رأسه عصابة حمراء» سپس میگوید که سید کبیر سید حسن بن سید جعفر عاملی کرکی استاد پدر فقیر به پدرم گفت که دراوائل شاهی اسمعیل که بطوس میرفتم بتبریز رسیدم و شاه درشکار بود. دربازگشت ازآن براشتری سفید سوار بود وبرای گرفت چشم دستمال سرخی برسر بسته داشت و لشکر همراه او بده هزار سوار میرسید و درآن هنگام این حدیث بیادم آمد.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و روم هم یاد میشود . اوداستانی هم ازمسند ونرمی که ازدیلمیان میهن پرست دشمن بیگانگان داشته و دستور داده بود آنان را بی پروانه (الجواز) درقزوین راه ندهند یاد نمود (ص۲٦) . دوروهم نیست که این حدیثهارا جنگجویان تازی برای برانگیختن همنژادان خود برابر با ایرانیها ودیگر مردم این خبرهارا ساخته باشند آنهم دربارهٔ قزوین که مرز دیلم بوده و نیز دیگر شهرهای مانند قزوین که ارزشی داشته‌است. ازنگریستن سند ومتن این حدیثها میتوان پنداشت که تازیان ودوستارانشان آنها را ساخته‌اند . رافعی دربارهٔ نام قزوین پس از یاد کردن سخنانی افسانه‌آمیز می نویسد که بگفتهٔ برخی قزوین نخست « کشوین » (گویا گرفته از : کش ـ وین) بوده و «الحدالمرموق» را میرساند ومیخواهد مرزی را برساند که باید همیشه بدان نگریست ودیده‌بانی کرد (ای الطرف الذی لاینبغی ان یهمل ویغفل عنه) (ص ۲۵) .

۱ـ درذریعه ۷ : ۲۲۳ ازدوخلاصة التواریخ یاد شده یکی در ۵ جلد ازمیر احمد بن میر محمد حسینی قمی معروف بمیرمنشی که درروزگار تهماسب (۹۳۰ـ۹۸٤) میزیست ووزیر خراسان بود ودر ۱۰۰۱ بمرد که ج ۵ آن در کتابخانهٔ نفیسی هست دوم ازمولی محمد کاظم بن رضای طبری که باید ازتولد پیامبر تا ۱۲٦۷ باشد ولی نسخهٔ نفیسی مورخ ۱۲٦۸ یك جلد است ودربارهٔ آغاز اسلام .

باری مجلسی چنانکه گفته شد دو حدیث از نوع ملاحم در آغاز این رساله آورده است.

اول از غیبت نعمانی (ص۱٤٦ چاپ سنگی تهران در ۱۳۱۸ با اربعین شهید۱) از ابوخالد کابلی از محمد باقر (ع) که: «کانی بقوم قدخرجوا بالمشرق یطلبون الحق ولایعطونه ثم یطلبونه فلایعطونه فاذارا و ذلک وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ماسالوا فلایقبلونه حتی یقوموا ولایدفعونها الا الی صاحبکم قتلاهم شهداء» و پس از ترجمه آن گفت:

«مترجم گوید که بر صاحبان بصیرت ظاهر است که از جانب مشرق کسیکه دین حق را طلب نمود و مردم را بدین حق دعوت کرد و پادشاهی یافت بغیر سلسلهٔ علیهٔ صفویه ... نبود و در این حدیث شریف جمیع شیعیان خصوصاً انصار و اعوان این دولت ابدتوامان را بشارتها است که بر عاقل پوشیده نیست».

دوم: از همانجا (ص۱٤۷) از صادق (ع): که علی (ع) از آینده خبر میداد تا ظهور قائم تا گفت: «اذا قام القائم بخراسان وغلب علی ارض کوفان (کرمان ـ نعمانی ـ) والملتان وحاز جزیرة بنی کاوان والملتان وقام منا قائم بجیلان واجابته الابر والدیلم وظهرت لولدی رایات الترک متفرقات فی الاقطار والحرمات (الجنات) وکانوا بین هنات و هنات اذا خربت البصرة وقام امیرالامرة (بمصر) فحکی علیه السلام حکایة طویلة ثم قال اذا جهزت الالوف وصفت الصفوف وقتل الکبش الخروف هناک یقوم الآخر ویثور الثائر ویهلک الکافر ثم یقوم القائم المأمول والامام المجهول له الشرف والفضل وهو من ولدک یا حسین لاابن مثله یظهر بین الرکنین فی ذر یسیر (فی دریسین بالیین) یظهر علی الثقلین ولایترک فی الارض الادنین (دمین ـ شرا. خ ـ) طوبی لمن ادرک زمانه ولحق اوانه وشهد ایامه» (نسخه بدلها از نعمانی است واز روی آن هم تصحیح گشت).

بگفتهٔ او جزیرهٔ بنی کاوان حوالی بصره است و ابر در حوالی استراباد و دیلم، قزوین و حوالی آنست آنگاه میگوید:

«مترجم گوید خروج کنندهٔ خراسان اشاره است بامرای ترکمان مثل چنگیزخان و هلاکوخان و خروج کننده در گیلان اشاره است بشاه دین پناه رضوان مکان شاه اسمعیل ... لهذا حضرت فرمود که از ماست و اورا فرزند یاد کرد ... یا مراد همان خسرو خلد آشیانست یا دیگر از سلاطین عظام اولاد کرام او و چون راوی بسیاری از حدیث را انداخته بخصوص نمیتوان حکم کرد و کشتن قوچ فرزند خود را بگمان این فقیر اشاره است بشهادت شاهزادهٔ عالی تبار صفی میرزا... و پادشاه دیگر که طلب خون نماید اشاره است بسلطنت ... شاه صفی ... چون حدیث را اختصار کرده‌اند بعضی از وقایع بعد افتاده است اما بشارت بتعجیل ظهور صاحب الزمان ... واتصال این دولت دین‌پرور بدولت حق امام البشر از آخر حدیث ظاهر است».

در کفایة المهتدی یا اربعین میرلوحی که بمجلسی بسیار تاخته است (ش ٦١٩ گ ۲۰ الف ـ ۳۰ ب) در گزارش حدیث یکم دارد: «پس آنها که دعوای علم کنند و خواهند کتابها و رسالها تألیف نمایند که در میان عوام شهرت کند باید که ذکر اخبار متضاده را واگذارند یا توفیق بین المتضادین اگر توانند میموده باشند و حدیث شاذ ضعیف السند مرموز المتن را آلات خوشامد گفتن نسازند و آنکه حضرت آخند ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی بن ملا مجلسی در اوایل کتابیکه در رجعت نوشته‌اند فرموده‌اند آنچه مختصر آن اینست که دو حدیث بنظر رسید و بخاطر فاتر رسید که ترجمه آنرا با دوازده حدیث دیگر بموقف عرض رسانده».

میرلوحی پس از آوردن آن دو حدیث از این رساله و ترجمه و تأویلی که مجلسی از آندو کرده است از رهگذر ادبی ولغوی و نحوی و صرفی براو خرده میگیرد و میگوید گذشته از اینکه تفسیر حدیث برأی نارواست شاه اسمعیل حسینی موسوی بهادرخان از گیلان آمده و ایران را از آلایش مخالفان پاک نمود و گیلان از شهرهای شرقی که در آن خبر آمده نیست آنهم این پادشاه از تبریز بوده و بسوی شیروان رفته بود،

در ترجمهٔ حدیث دوم هم همین گونه خرده‌ها گرفت و گفت که جزیره بنی کاوان ناشناخته است و در برخی نسخه خط او « ابر » آمده و در برخی دیگر « ابرار » و چنانکه فیروز آبادی میگوید « آبر » مانند « آمل » شهریست و دیلم هم جزء قزوین است. از عبارت « قتل الکبش الحروف » « قوچ فرزند خود را بکشد » خواسته نشده و اگر از آن کشتن شاه عباس صفی میرزا را خواسته شده پس چرا او را شهید میخوانید و نمیتوان هم گفت که شاه صفی از او خونخواهی کرده و از عبارت « هناك یقوم الآخر و یثور الثائر » این خونخواهی خواسته نشده چه « یثور » از « ثوران » است نه از « ثأر ». گذشته از همهٔ اینها اینگونه تأویلها و ترجمه‌ها با اخبار دیگر نمیسازد و ناگزیر هم نیست چه « پادشاهان ما ... خواجه‌زاده و مولازاده جمیع پادشاهان روی زمین‌اند چه احتیاج کسی که دست برین گونه احادیث زند و اینطور اخبار را تأویل برین وجه کند، اگر ... بدست علمای مخالف افتد زبان بطعن علمای امامیه دراز کنند و این معنی را بهانه کرده نزد عوام خود جمیع علمای شیعه را بعدم قید و صلاح نسبت دهند » (گ ۲۵ الف و ب) و آنها را « فضیلتی حاصل است که غیر ایشان را ... حاصل نیست زیرا که ایشان بدلیل حدیث و قرآن خواجه‌زاده و مولازاده جمیع پادشاهان جهانند » (گ ۲۷ الف).

این بود نمونه‌ای از خرده گیریهای میرلوحی برهمین رساله (بنگرید بآنچه درباره همین کفایة المهتدی نوشته میشود).

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... امابعد چنین گوید فقیر خاکسار محمد باقر بن محمد تقی ... که چون بر کافهٔ ارباب فطنت و ذکا و عامهٔ اصحاب بصیرت واعتلا ظاهر و هویدا است که ادای شکر و نعمت سلسلهٔ علیهٔ صفیهٔ صفویه ... که اساطین دین مبین اجداد طاهرین ایشان ... ببرکات تأییدات ایشان استوار ... است بر کافه مؤمنان متحتم و ... لازمست و چون از پرتو خورشید این سلطنت روزافزون این ذرهٔ بیمقدار توفیق یافت که اخبار حضرت ائمه اطهار ... را درضمن

بیست و پنج مجلد از کتاب بحارالانوار جمع نمود ... و در اثنای جمع احادیث دو حدیث بنظر قاصر رسید که ائمه ... بظهور این دولت علیه خبر داده‌اند و باتصال این سلطنت الهیه بدولت قائم آل محمد ... شیعیان را بشارت فرموده‌اند بخاطر فاتر رسید که ترجمهٔ این دو حدیث شریف با دوازده حدیث دیگر که مشتمل براحوال خاتم اوصیا ... اعنی صاحب الزمان و خلیفة الرحمن ... بوده باشد بموقف عرض نواب کامیاب ... ابوالمظفر شاه سلیمان الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان ... رساند.

انجام: وهر کلمه از این دعا هر از حسنه باو عطا فرماید وهزار گناه از نامه عمل او محو نماید دعا اینست الهم رب النور العظیم ... اونربه قریباً برحمتك یاارحم الراحمین پس دست را بر ران راست خود سه مرتبه میزنی سه مرتبه بگو العجل العجل العجل یامولای یا صاحب الزمان (کتبه محمد ربیع).

[۱۳۸۳]

۱۱۲۰ این نسخه بنستعلیق با عنوانهای شنگرف در دو جدول زرین و لاجوردی و محمد ربیع آنرا نوشته است.

(۵۱ ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۱۶/۵ ×۲۶ ــ ۹ ×۲۰ س ۱۹

[۱۱۸٤] ترجمهٔ چهل حدیث (فارسی)

عبدالرحمن جامی چهل کلمه از سخنان پیامبر را بسال ۸۸٦ بنظم پارسی درآورده است. نسخه‌هائی از آن در فهرست طوس (۵: ٤۳ ش ٤۲۰ و ۱: ۲۷ ش ۸۸ و ۸۹) شناسانده شد و آن در دانشنامه (۱: ۱۳ ــ ۱۷) بسال ۱۳۲٦ خ بچاپ رسید.

آغاز: اربعین مولانا جامی: بسمله. صحیحترین حدیثی که راویان مجالس دین و محدثان مدارس یقین املا کنند حمدیست که کلمات تامهٔ جامعهٔ برزبان معجز بیان حبیب خود گذرانیده ... اما بعد این چهل کلمه‌ایست از آن

کلمات جامعه که سهولت فهم و حفظ را بنظم فارسی ترجمه کرده میآید . . .
الحدیث : لایؤمن احدکم حتی یحب لاخیه مایحب لنفسه . الترجمه :

هر کسی را لقب مکن مؤمن — که چو از رنج جان و تن کاهد
تا نخواهد برادر خود را — آنچه از بهر خویشتن خواهد

انجام : لایشبع المؤمن دون جاره

هر که در خطهٔ مسلمانی — باشد از نقد دین گرانمایه
کی پسندد که خود بخسبد سیر — بنشیند گرسنه همسایه

تمت ترجمة هذه الاربعین بتوفیق من هو خیر ناصر و معین سنة ست و ثمانین وثمانمائة . متع الله بها کل فریق وفئة والحمدلله علی الانام والصلوة علی محمد وآله البررة الکرام . قطعهٔ اتمام :

اربعین های سالکان جامی
هست بهر وصول صدر قبول
نبود از فضل حق عجیب و غریب
که بدین اربعین رسی بوصول

[۱۳۸٤]

۸٦۷ این نسخه ش ۱۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . گ ۱۵۰ پ ــ ۱۵۳ ب . پس از این درشمارهٔ ۱۲ ـ ۱۵۳ پ ـ ۱۵۹ ب ترجمهٔ کلماتی است از علی از عادل که در ص ۷۲۷ ج ۳ فهرست آقای منزوی بنام « صد کلمه » شناسانده شده با اینکه در آغاز آن دارد : « شرح چهل حدیث من کلام مولانا ع » .

[۱۱۸۵] ترجمهٔ حدیث خسوف و کسوف (فارسی)

در این نامه حکمهای سالی که در یکی از روزهای هفته نوشده و حکم گرفتن ماه و آفتاب یاد شده است .

آغاز : در ترجمه حدیث در احکام خسوف و کسوف و حوادث هرسال ، شیخ بزرگوار قطب راوندی در کتاب قصص الانبیاء روایت کرد . . . از شیخ صدوق محمدبن بابویه قمی ... که آن حضرت (جعفرصادق) فرمود که در کتاب دانیال ع نوشته است .

انجام : و هرسالی که درماه ذی‌قعدة‌الحرام ماه بگیرد شهرهای عظیم فتح شود . . . و هرسالی که ماه درذی‌حجة‌الحرام بگیرد مرد بزرگی درمغرب بمیرد و مردفاجرفاسق دعوای پادشاهی کند (تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب فی ۲٤ شعبان ۱۱۰٤) .

[۱۳۸٥]

۷۲۲ این نسخه ش ۳ دفتر است و بسیح تاریخ ۱۱۰٤ میباشد و برگ آخر وصالی شده است . گ ۱۸٥ پ ــ ۱۸۸ پ .

[۱۱۸٦] ترجمهٔ خطبهٔ علی ع (فارسی)

خطبه‌ایست از امیر مؤمنان ع در بارهٔ مؤمن که چگونه باشد . اینک ترجمهٔ فارسی آنرا میشناسیم .

آغاز : ترجمهٔ خطبهٔ جناب اسدالله الغالب ع ـ مؤمن کسی است که دردین خدا بینا و بمراسم آن دانا باشد ودردین صلب‌تر از کوه گران و درطاعت خدا سخت‌تر از سنگ وسندان باشد . کوه را با تیشه توان شکافت ودستی بردین مؤمن نتوان یافت . رویش شگفته وخندان ودلش محزون و گریان .

انجام : و اگر بشر مذکور گردد از گفتهٔ ایشان آشفته نگردد . اگر جنایست استغفار کند و اگر نه جنایست شاکر باشد .

[۱۳۸٦]

۸٦۷ این نسخه شماره ٥ دفتر است وبخط نستعلیق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . گ ۱۱٦ پ ــ ۱۱۸ پ .

[۱۱۸۷] ترجمهٔ قطب شاهی (فارسی)

این خاتون شمس‌الدین ابوالمعالی محمدبن علی‌بن احمدبن نعمة‌الله‌بن خاتون عاملی عیناثی حیدرآبادی (م پس از ٥ محرم ۱۰٦۸) شاگرد شیخ بهائی وشارح ارشاد وجامع عباسی و نگارندهٔ کتابی بزرگ درامامت، بدستورسلطان ابوالنصر محمد قطب شاه فرزند قطب شاه (م۱۰۳٥) اربعین استاد خود بهائی را بپارسی درآورد و از خود هم برآن افزود و در روزگار همو درشوال ۱۰۲۷ بپایان رساند .

بهائی این ترجمه را بدید و بستود ودر ۱٦ رمضان سال ۱۰۲۹ تقریظی شیوا برآن نوشت .

این خاتون درترجمهٔ هرحدیثی مطلبهای شرح آنرا با عنوانهای « آغاز - بینش - نمایش - بحث - طراز - انجام » آورد وی دردیباچه‌نام « ترجمهٔ قطب شاهی » بدان داده است (۱) .

خود قطب شاه چون دیده بود این ترجمه بدرازا انجامید همان حدیثهای چهلگانه را بپارسی درآورد و دیباچه‌ای بر آن افزود و«لباب‌الاحادیث» نامید (طوس۱: ۸۲ش۲٥۱) .

این ترجمهٔ خاتون‌آبادی درمطبع سپهر بمبئی بسال ۹-۱۳۰۸ بخط نسخ علی گیلانی وبکوشش میرزا ابراهیم تاجرفرزندمحمدعلی شیرازی بچاپ‌سنگی رسید.

آغاز : بسمله‌وبه‌نستعین .

ای از تو حدیث معرفت را تبیین - وی ترجمهٔ وصف تو تنزیل مبین ...

بهتر حدیثی که مجلس آرایان انجمن یقین را سرلوح کتاب بیان مزین بجواهر

۱- بنگرید به: روضات ص۲۲-هدیة‌الاحباب ص٥٦- ذریعه۱: ۲۳۹ و٤: ۷٦-فهرست سپهسالار۱: ۲۲٦-فهرست طوس ٥: ٤۸-الاربعون حدیثاً فی الادب‌الاسلامی ازد کتور عبدالقادر قرەخان -Islam Turk Edebiyatina Kirk Hadis (toplama tercüme ve serhleri) چاپ استانبول در ۱۹٥٤ ص ۱۱٦-۱۱۷- این بهترین کتابی استکه دربارهٔ اربعین‌نویسی وتاریخ آن نوشته شده وتازه‌وتر کی است.

حقایق آن تواند بود و زیباتر کلامی که گل‌چینان حدایق دین را خار شبهت وریب از گلدستهٔ عقاید تواندربود، حمدمبدعی‌است که‌خلق کونین پرتوی‌ازاشعهٔ لوای شاهی اواست ... امابعد بمسامع ارباب دانش و ذکا میرساند، داعی‌دولت قاهره محمدبن علی‌المشتهر بابن‌خاتون‌العاملی .

انجام : وهاانااختم‌الکلام حامداللهٔ علی توفیق‌الاتمام ومصلیاًعلی رسوله سیدالانام و آله‌البررة‌الکرام ومسلماً ومستقرا (گویا : مستغفرا) .

[۱۳۸۷]

این نسخه بخط نستعلیق خوش است با عنوانهای‌شنگرف‌بنسخ درشت و با نشانه‌های شنگرف وعبارتهای تازی بنسخ وگاهی بشنگرف ودرجدول زر ولاجورد میباشد . سرلوحی در۱ ب هست ودردوصفحهٔ نخستین حاشیه‌سازی شده‌است ومیان سطرها زرانسود است . منوچهر پسر مقصود غلام خاصهٔ شریفه درروز پنجشنبه ۱۷ صفر ۱۰٥۸ نوشتن آنرا بانجام رسانده .

گ ۱ ب - ۱۱ ب فهرست حدیثها ومطلبها است بهمان خط که در ۲۰ ذی‌حجهٔ ۱۰٥۷ نسوید شده است . در ۱۱ ب - ۱۲ الف گواهی بهائی است براینکه شیخ شمس‌الدین‌محمدالخاتونی از بیش‌همور اتزداوخوانده‌واینکه آنرا بفارسی درآورده‌است. این گواهی بتازی است و بتاریخ ۱٦ رمضان ۱۰۲۹ بخط نسخ قاضی حسن مکی‌بن محمددرحیدرآباد درتیهٔ روزیکشنبه سوم ذی‌قعدهٔ ۱۰٤٤ ازروی خط بهائی وبدستور دارندهٔ کتاب .

درکنار برگ ۲۲۱ ب حدیثی است بخط شکسته نستعلیق بتاریخ پایان سنبلهٔ ۱۲۸۷ - درپایان دارد :

تمت‌الکتاب‌الاربعین‌الحدیث من تألیف شیخ محمدالخاتون فی تاریخ یوم‌الخمیس ۱۷ شهرصفر ختم بالخیروالظفر سنة ثمان وخمسین والف . قدتم کاتبی بعون‌الوهاب ذلك بیت ... (پاره‌شده باندازهٔ یکی دو کلمه) همگی صدق و صواب - گر سهو وخطائی شده باشد واقع . کتبه‌العبد (المحتاج) الی رحمة‌الله‌الملك‌المنان منوچهر ابن مقصود غلام خاصهٔ شریفه . ربنااغفرلی انك انت‌الوهاب) (۱۲ ب - ۲۲۲ الف) .

آغاز فهرست : فهرست اربعین شیخ محمدبن خاتون سلمه‌الله تعالی . فهرست احادیث این کتاب و آنچه درضمن شرح هر حدیث سمت گزارش یافته است بروجه اجمال ...

انجام: فرغ من تسويد فهرست ترجمة الشيخ العالم . . . الملقب بآل خاتون شيخ محمد العاملي ادام الله ظله على رؤس المدنيين بحق محمد شفيع المذنبين في شهر ذي الحجة الحرام سنة ۱۰۵۷ .

آغاز اجازه : بسمله . امابعد الحمد والصلوة فقد قرأة على كتاب شرح الاحاديث الاربعين . . . شمس الدين محمد الخاتون .

آغاز : والحمد لله اولا وآخرا وباطنا وظاهرا . تمت عبارته ادام الله وقد نقلت من خطه الشريف . . . امتثالا لامر صاحب الكتاب . . . مادامت السموات والارضين (ذريعه ۱ : ۲۳۹) .

(۳۳۳ گ) ــ كاغذ ترمه ــ جلد تيماج مقوائي سرخ آراسته بزر و نه آن مشكى

اندازه : ۱۴ × ۲۴ و ۹ × ۱۸/۵ س ۲۱

[۱۱۸۸] ترجمة المناقب (فارسی)

دانشمند ابوالحسن علی بن حسن اودستانی زواری (سدهٔ دهم) كه بسیاری از كتابهای اخبار را بپارسی در آورده یا گزارش نموده ، كشف الغمة فی معرفة الائمة ، ابن الفخر بهاء الدین ابوالحسن علی بن السعید فخر الدین عیسی بن ابی الفتح اربلی بغدادی (۶۲۴-۶۹۲) راهم بپارسی كرده و در دیباچهٔ آن میگوید كه خدای ، جهان و مردم را برای پیامبر و دوازده پیشوا بیافرید و همه باید آنانرا دوست بدارند و بسر گذشت آنها آگاه باشند . این پارسی را او در پنج اصل گذارده و بدان نام « ترجمة المناقب » داده و پاره ای از باز گویه های اربلی را نیاورده . بگفتهٔ خوانساری او این دفتر را در سال ۹۳۸ برای امیر قوام الدین محمد (روضات ص ۳۹۴ - ذریعه ۴ : ۱۳۹) و بگواهی نسخهٔ سپهسالار در ۱۶ ربیع دوم ۹۶۸ (فهرست آنجا ۱ : ۲۲۸) بپرداخت . در نسخهٔ ما و نسخهٔ دیگری كه دیده ام چنین تاریخ و چنین امیری یاد نگردیده .

زواری از گزارندگان قرآن است بپارسی و در شمار مفسرانی مانند ابوالفتوح رازی و سید گازر و حسین كاشفی و فتح الله كاشی و دیگران میاید ؛ و او شاگرد سید غیاث الدین جمشید زواری و شیخ علی بن عبدالعالی و امیر عبدالوهاب بن علی

حسینی استرابادی و استاد فتح الله كاشی میباشد .

آغاز : بسمله . حمد بلاحد و احصا و سپاس بلاعد و انتها معبودی را رواست كه اساس قوائم قوام دین قویم و بنای دعائم نهج مستقیم را بوسائط سید انبیا و ائمهٔ هدی استوار ساخت ... امابعد بر ارباب الباب مخفی نماند كه غرض از خلقت عالم و آدم وجود با جود سید بشر و ائمهٔ اثناعشر است .

انجام : حمد و سپاس (بی قیاس) مر خدا برا و شكر بی قیاس (بی در بی مر او را بیاز) كه اهل عطا وجود و شكر و حمد و ثناء آن معبود است جلت آلاؤه و تقدست اسمائه اللهم ارزقنا من عظیم نواله . . . والصلوة والسلام علی محمد خیرالانام وعترته الكرام .

[۱۳۸۸]

۶۵۲ این نسخه بنسخ خوش با عنوانها و نشانه های شنگرف و عبارتهای تازی با اعراب و در جدول زر و لاجورد میباشد . دو صفحهٔ نخست درمیانهٔ سطرها زر اندود و سرلوحی بزر و لاجورد در آن هست . كنار برگهای آخر وصالی شده و پاره ای با خط تازه تری نوشته شده است . تاریخ نوشتن آن ۱۲۶۹ میباشد و در پایان دارد : « قد فرغ من تحریر هذ الكتاب الشریف والخطاب المنیف وهادی الامة الموسوم بكشف الغمة فی معرفة الائمة فی صباح یوم الاربعا فی شهر جمادی الاولی فی سنة ۱۲۶۹ فی هجرة النبویة » .

خط برگهای ۲ (از پائین) و ۴۴۵ تا ۴۸۱ و خط كنار برگهای ۴۸۳ تا ۴۸۸ كه وصالی شده از دیگری و تازه است و پنج برگ ۷ و ۸ و ۴۸۹ تا ۴۹۱ هم بخط دیگر باید باشد و بی جدول است پس اصل نسخه كهن تر خواهد بود . مهر كتابخانهٔ ضیاء الدین نوری در گ ۱ الف دیده میشود .

(۴۹۱ گ) ــ كاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج تریاكی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۳/۵ × ۲۳ و ۸/۵ × ۱۷ س ۲۱

[۱۱۸۹] ترجمهٔ زادة المالك اشتر (فارسی)

این دفتر از مجلسی دوم و هزار بیت است . در اجازه ای كه او بیكی از شاگردان خود در طوس در پایان شعبان ۱۰۸۵ داده (بحار ۲۵ : ۱۷۱)

ودر اجازه‌ای که در ۱۷ ذی‌قعدهٔ سال ۱۰۹۸ بمولانا حاجی محمد اردبیلی داده‌است (پایان جامع‌الرواة) از آن بنام «ترجمهٔ وصیهٔ امیرالمؤمنین للاشتر» یاد نموده ودر روضات (ص ۱۲۰) «رسالة فی ترجمة رسالة مالك الاشتر» ودر فیض قدسی (ص ۹) «ترجمهٔ عهد امیرالمؤمنین الی مالك» ودر ذریعه (٤ : ۱۱۹) «ترجمهٔ عهد مالك الاشتر» خوانده شده است. مجلسی پند ودستوری را که از امیرمؤمنان علی (ع) وبنام مالك اشتر نخعی نامزد فرمانروائی مصر دانسته شده بامه حدیث دیگر که همهٔ اینها دربارهٔ کشورداری است در این دفتر بپارسی در آورد و مانا خواست این پندها ودستورهای پیشوایان شیعی برنامه کار دربار صفوی باشد.

این نامهٔ امیر مؤمنان علی باشتر در تحف العقول ابی‌محمد الحسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی حلبی (م ۳۳۲) آمده و دارد که آنرا علی هنگامیکه فرمانروائی مصر باشتر میداد ساخته است و اندکی هم با آنچه در نهج البلاغه رضی موسوی نگارش ٤۰٠ آمده است جدائی دارد (۱).

همچنین در دعائم الاسلام ابی حنیفه نعمان مغربی دانشمند اسماعیلی (م ۳٦۳) با یك دیباچه‌ایکه در جاهای دیگر نیست دیده میشود و گسترده‌تر و درازتر از آنستکه در نهج البلاغه آمده ودر شیوائی کمتر از آن است و آنچه رضی آورد بسیار شیواتر و گزیده‌تر از این است.

در دعائم دارد که علی آنرا از پیامبر روایت کرده وبرخی‌هم آنرا از خود علی دانسته‌اند و نامی از مالك در آن برده نشده است (۲) رضی گویا در نهج البلاغه از این دوجا آنرا گرفته باشد وبنام سفارش علی باشتر خوانده وپس از او بهمین نام برسر زبانها افتاد.

۱ــ تحف العقول چاپ ۱۲۹۹ ایران ص ۲۸ ــ ۳٤ ــ ص ۱۰۲ مدارك نهج البلاغه از الهادی کاشف الغطاء چاپخانهٔ الراعی نجف در ۱۳٥٤ ــ کنی والقاب قمی ۱ : ۳۱۸ ــ ذریعه ۳ : ٤۰۰ و ٤ : ٤۳۱ ــ مینویسند که ابن بابویه قمی م ۳۸۱ زمان این ابن شعبه را دریافت و او هم از ابی علی محمد بن ابی بکر همام (۲٥۸ ــ ۳۳٦) روایت داشت و مفید از شاگردان روایت اواست.

۲ــ دعائم چاپ دار المعارف مصر سال ۱۳۷۰ ــ ۱۹٥۱ ص ٤۱۲ ــ ٤۳۱.

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغة (٤ : ٥٦ ــ ٥٨ چاپ مصر) دریافت که این نامهٔ مالك باسفارشنامه‌ای که اردشیر بابکان پادشاه ساسانی برای جانشینان خویش نوشته مانده‌است وپاره‌ای از آنرا آورد وهمهٔ این سفارشنامهٔ اردشیر در تجارب الامم ابوعلی مشکویه رازی دیده میشود (ص ۹۹ ــ ۱۲۷ ج ۱ چاپ عکسی).

در نامهٔ تنسر که ابن‌مقفع بتازی در آورده وابن اسفندیار از تازی بپارسی کرده ودر تاریخ طبرستان (ص ۱۲ ــ ٤۱) می‌بینیم از این سخنان اردشیر بهره برده شده است (۱).

در آغاز این نامهٔ تنسر گویا نامهٔ ارسطو باسکندر هم بوده که در نسخه‌های تاریخ طبرستان نیست. نامهٔ ارسطو باسکندر ودر پاسخ او هم در همان تجارب الامم (ص ٦۹ ــ ۷۲) آمده و ابن ابی الحدید هم در شرح همین نامهٔ علی باشتر آنرا بانشائی دیگر ودرازتر آورده‌است (٤ : ۱۲۹ ــ ۱۳۰) این را هم میدانیم که بندی از منوچهر شاه افسانه‌ای ایران بسران و گرانمایگان کشور در تاریخ طبری (۱ : ۲٦۷) دیده میشود. اینگونه پندها وسفارش‌نامه‌های بزرگان ایران گویا پس از ابن مقفع نگارنامهٔ آداب کبیر وصغیر که پاره از آنرا باز همان ابن ابی الحدید درشرح همین نامهٔ مالك (٤ : ۱۳۷) آورده درمیان مردم پراکنده شده است و گویا دانشمندان ایرانی میخواستند بگویند که نیاکان ما را هم فرهنگی بوده و نیازی بتازیان نداریم (دیباچهٔ بدوی بر الحکمة الخالدة یا جاویدان خرد که در خود آن از اینگونه پندها و دستورهای ایرانی و یونانی فراوان دیده میشود).

باز سفارشنامه‌ای می‌بینیم که طاهر بن الحسین بوشنگی بپسر خود عبدالله هنگامیکه مأمون فرمانروائی رقه ومصر را در ۲۰٦ بدو داده بود نوشت ومأمون

۱ــ نامه تنسر چاپ تهران در ۱۳۱۱ حاشیهٔ آقای مینوی ص ٦۰.

آنرا که بدید گفت ظاهر چیزی از کشورداری فرونگذاشت (۱) این سفارشنامه هم بنامهٔ مالك بسیار مانند است.

در «الاصول الیونانیة للنظریات السیاسة فی الاسلام» از عبدالرحمن بدوی (جزء ۱ چاپ ۱۹۵٤ مصر) دو رساله می بینیم یکی «کتاب العهود الیونانیه» از احمد بن یوسف (در گذشتهٔ در سیصد و سی و اندی) دیگری «سر الاسرار» که از ارسطو پنداشتند و یوحنا بن بطریق آنرا بتازی کرده است و دو نسخه‌ای از آن در آستانهٔ طوس (۲ : ۱ – ۲٤۰ ش ۳۸ و ۲۹) هست و بپارسی هم در آمده است. گذشته از اینکه در دومی از مسئله‌هائی گفتگو شده که گزیدهٔ آن در نامهٔ اشتر و سفارشنامهٔ پوشنگی دیده میشود در نخستین که عنوان «کتاب العهود الیونانیة المستخرجة من رموز کتاب السیاسة لافلاطون و ما اضاف الیه» دارد سه پند و سفارش است یکی «عهد الملك الی ابنه» که اذریانوس گویا همان هادریانوس **Hadrianus** پادشاه روم (۱۱۷–۱۳۸) بپسر خود میدهد و از خواندن آن پندی که امیرمؤمنان پس از برگشت از صفین بفرزند خود حسن (ع) داده است و آنرا در نهج البلاغه (باب المختار من الکتب ش ۳۱) و در تحف العقول و کشف المحجة ابن طاوس (فصل ۱۵٤ ص ۱۵۹–۱۷۳) از کتاب الرسائل کلینی ۳۲۸ (با یاد کردن روایت دیگری از کتاب الزواجر والمواعظ حسن بن عبدالله عسکری) و در بحار (۱۷ : ۷۸–۹۲) بچند روایت می بینیم و همچنین همین نامه‌ایکه امیرمؤمنان برای اشتر نوشته است بیاد میآید سپس پندیست که وزیر بپسرش میدهد آنگاه پند عامی است بپسر خود که اینها هم در بارهٔ کشورداری و زندگی شهرنشینی میباشد.

در اینگونه کتابها گویا در برابر ایرانیانی مانند ابن مقفع و اسحق بن یزید و حسن بن سهل که میکوشیدند هنر کشورداری را بر بنیاد فرهنگ فارسی استوار سازند دوستداران دانش یونانی میخواستند آنرا برروی اندیشهٔ و پندار یونانیان بگذارند و از این راه از فرهنگ تازی خودرا بی نیاز وانمود کنند.

این هم گفته شود که اندیشه‌های سیاسی بازندگی آدمی همراه است و هر دسته

۱– جمهرة رسائل العرب ۳ : ٤۸۵ – ٤۹۷ ش ۲۹٤ که در آن کتابهائیکه این سفارشنامه پوشنگی در آنها آمده مانند کامل ابن اثیر و جز آن نشان داده شده است.

مردمی ناگزیر باید این اندیشه‌ها را کم و بیش دارا باشند پس هیچ باکی هم نیست که بگوئیم علی ع اینگونه پندها و سفارشها را خود ساخته و پرداخته و از کسی هم نگرفته است و اینکه پیروان هم آنهارا از دیگران نگرفته و بدو نبسته‌اند و اگر هم مانند آنهارا درمیان ایرانیان و یونانیان ببینیم بازهم میشود گفت که این اندیشه‌ها را زندگی اجتماعی بار آورده و دانشمندان ملتها ناگزیرند که بدانها برخورند.

باری این رسالهٔ مجلسی در دو فصل است. نخست ترجمهٔ سفارش علی بمالك اشتر دوم گزارش سه حدیث:

۱– سفارش علی بعثمان پسر حنیف فرمانروای بصره از نهج البلاغهٔ رضی.

۲– نامه نجاشی فرمانروای اهواز بصادق ع و پاسخ او بدو و پندها که بدو داده است. (در رجال نجاشی ص ۷٤ دارد: «لم یرلابی عبدالله مصنف غیره» نیز کشف الریبة شهید ص ۳٦)

۳– پندی که خضر بمنصور دوانیقی داده است درهنگام طواف حج بسال ۱٤٤ از ارشاد القلوب دیلمی. (بحار ۱٦ : ۲۱۳)

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله و سلامه علی عباده... اما بعد این رساله‌ایست در ترجمهٔ بعضی از احادیث شریفه که در کیفیت ولات عدل با کافهٔ عباد که از ودایع مقربان رب الارباب وارد شده... مرقوم قلم مشوش رقم احقر عبادالله محمد باقر بن محمد تقی گردید.

انجام: که شاید او هدایت یابد یا حجت براو تمام گردد والله تعالی یعلم بحقائق الامور وهو الهادی الی سواء السبیل.

[۱۳۸۹]

۱۷/د این نسخه پیچ با عنوانهای درشت‌تر و زیر خط و گاهی بشنگرف میباشد. آیه‌ها هم گاهی زیر خط سرخ گذارده شده‌است. در گ ۱ الف خط دارندهٔ نسخه و مهر او «بسم الله الرحمن الرحیم ۱۲۲۰» و در گ ۲٤ پ مهر «محمد تقی» هست و دارد که سید عبدالله حسینی در ۱۱٤۹ آنرا خریده است.

(۱۳۳٤) – کاغذ ترمه – جلد تیماج زرد ساده

اندازه: ۱۲ × ۱۸ و ۷/۵ × ۱۲/۵ – س ۱۷

[۱۱۹۰] ترجمه و گزارش کلمات قصار (فارسی)

ترجمه و گزارشی است پارسی تازه و بسبك تازی از پاره‌ای از سخنان کوتاه امیرمؤمنان علی که در غرر الحکم و درر الحکم عبدالواحد بن محمد آمدی م ۵۱۰ آمده است و ترجمه‌های آن جز ترجمه‌ایست که درمیان سطرهای نسخهٔ خطی غرر الحکم و درر الکلم کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق دیده میشود و آن کهنه‌تر و فارسی‌تر است. در این رسالهٔ ما از کافی و دروس الاخبار و حواشی مصباح و مستطرف و ربیع الابرار زمخشری بهره برده شد. این هم گفته شود که آقا جمال خوانساری غرر الحکم آمدی را بپارسی گزارش نوشت.

[۱۳۹۰]

۸۷۸ این نسخه شمارهٔ ۱۰ دفتر است و بنسخ درشت درمتن و بستعلیق شنگرف در ترجمه و بستعلیق سیاه در شرح میباشد و عنوانها شنگرف است و نوشته‌ها در جدول است. این نسخه میانهٔ کتاب و چنین است:

آغاز: تبادروا المکارم وسارعوا الی تحمل (پیش گیرید بمکارم یعنی اخلاق و افعال نیکو و شتاب کنید سوی متحمل شدن) المغارم واسعوا فی حاجة من هو نائم (قرضها یعنی برخود لازم ساختن اداء قروض مردمان و بشتابید در قضاء حاجت کسی که او در خواب باشد یا بمعنی که او خبر نداشته باشد و از سعی نمودن در آن فارغ باشد نزد شما یا دیگران) یحسن لکم فی الدارین الجزاء وتنالوا من الله (تا آنکه نیکو شود برای شما در دنیا و عقبی مزد و ثواب آن و برسید از جانب خدا) عظیم الحباء (ببخشش فراوان و عطاء بی‌پایان) حاصل اینکه بدی حال خودرا از تنگی معاش و پریشانی احوال.

انجام: من لم یکن نافعا لمن دونه لم ینل حاجته (کسی که نباشد نفع رساننده بکسی که مرتبهٔ او پستتر از او باشد نمیرسد بحاجت خود) این فقره شریفه اشاره است باینکه حاجت شخصی روا میشود . . . و مناسب این مقامست حکایتی که در کتاب مستطرف منقول است که منصور خلیفه دوانیقی بسیار محظوظ بود از صحبت جعفر بن عبدالله بن عباس . . . پس جعفر قبول مسئول نموده (۱٦۱ الف ـ ۱۸۸ ب).

[۱۱۹۱] تعلیقهٔ سجادیه (عربی)

مولی مراد بن علیخان تفرشی (۹٦۵ ـ ۱۰۵۱) این حاشیه را در دو جلد و بنام

امام سجاد بر کتاب من لا یحضره الفقیه قمی نوشته است. سرگذشت او در جامع الرواة اردبیلی (ش ۹۸۰ گ ٤۰۱ ب) آمده است (۱) نوری در مستدرك (۳: ۷۱۷) در پایان فائدهٔ چهارم از آغاز این تعلیقه آورده است. در ذریعه (۲: ٤۰۸ و ٤: ۲۲۳) از تفرشی یاد گردید دو نسخه از این تعلیقه در فهرست طوس (۵: ۵۱) شناسانده شد. تفرشی این تعلیقه را در روز دوشنبه ۱۷ ربیع یکم ۱۰٤٤ بپایان رساند. او در پایان مشیخهٔ من لا یحضره الفقیه را هم از روی تلخیص الاقوال میرزا محمد استرابادی (با رمز: خیص) و نقد الرجال امیر مصطفی تفرشی (با رمز: نقد) گزارش نمود و نوشت که من بامیر مصطفی سپرده بودم که سخنان دانشمندان را دیگر گون نسازد ولی تا نوانست همین کار را کرد. تفرشی در انجام آن فهرستی برای رجال مشیخه با ترتیب تهجی و با شماره نوشت تا زود بتوان آنها را یافت. گویا این یکی جز فهرستی است که در پایان من لا یحضر تاریخ ۱۰۸۷ کتابخانهٔ سپهسالار (ش ۱۸۸۳) از مرادعلی نامی دیده میشود (۱: ۳۲۹) این گزارش مشیخه در نسخهٔ ما نیست. او زیر عنوان (قوله) پاره‌ای از متن را آورد و گزارش داد و همهٔ

۱ـ اردبیلی بسیار از او میستاید و مینویسد که در فلسفه شاگرد گروهی بوده که سید الحکماء والمتألهین میرزا ابراهیم همدانی (رحمه الله) از آنها بوده است و در منقول شاگرد شیخ بهائی بود. از اوست همین تعلیقهٔ سجادیه باندازهٔ بیست هزار بیت و متنی در کلام بنام العریضة المهدویة که خود آنرا بنام الرضیة الحسنیة گزارش نمود و باندازهٔ شرح جدید تجرید است و متنی در اصول فقه بنام لب الفرائد و گزارش آن بنام الوسیلة الرضویة باندازهٔ شرح عضدی بر مختصر حاجبی و نیز حاشیه‌ای بر مختلف باندازهٔ دوازده هزار بیت از آغاز تا پس از نماز آدینه و متنی در بلاغت بنام اللذریعة الحسینیة با حاشیهٔ خود او مانند زبدة الاصول بهائی و الانموذج الموسوی در بارهٔ چند مسئله دشوار که از آنهاست شبههٔ استلزام و حل آنها و در پایان آن مسئلهٔ امامت است باندازهٔ شش هزار بیت و رساله‌ای در بارهٔ گفتگوئی که میان او و صدر المحققین شیرازی در بارهٔ نجاست آب قلیل با برخورد با نجس بروش فلسفی شده و در پایان مسئله‌های جذر اصم و مانند آنرا حل نموده. اورا پسری بزرگتر بود بنام نصیرالدین محمد که تاریخ زادن او را در پشت قواعد الاحکام «بدل الخواجه نصیر» نوشت و عبارت «خواجه نصیر» (۹٦۵) هم تاریخ زاده شدن خود اواست. او در شوال ۱۰۵۱ بمرد.

حدیثهارا شرح نکرد . در آغاز آن «ازمشرق الشمسین شیخنا بهاء الاسلام و المسلمین رضی الله عنه » یاد گردید .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب الارباب و مسبب الاسباب و مفتح الابواب و مسهل الصعاب . . . وبعد فهذه تعلیقات علی من لایحضره الفقیه . . . علقها علیه فی اثناء المذاکرة احقر العباد مرادالتفرشی . . . وسمیته بالتعلیقة السجادیة .

انجام : (باب النوادر وهو آخر ابواب الکتاب ـ پس از میراث) قوله فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا . هذا یدل علی عصمتهم ع . . . وهم ع مطهرون عنه صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین والحمدلله رب العالمین . تمت بالخیر .

[۱۳۹۱]

۹۵۰۵ این نسخه بنستعلیق ریز خوش باعنوانهای (قوله) ونشانه‌های شنگرف میباشد . عنوان مطلبها درهامش هم هست . ازدو برگ آخر از گوشهٔ پائین وصالی شده و اندکی از عبارتها رفته است . محمد باقر بن محمد تقی موسوی دارندهٔ نسخه بوده ومهر او با مهر دیگر و ناخوانا در برگ ۱ الف و ۲۰۵ ب دیده میشود .

(۲۰۵گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ترنج گل و بوته‌دار

اندازه : ۱۶×۲۲ و ۱۱×۱۸ س ۲۷

[۱۱۹۲] تعلیقة طرائف الحکمة (عربی)

طرائف الحکمة ازمحمدتقی بن امیرمؤمن بن امیرمحمدتقی بن امیرمحمد رضای حسینی است (ص ۵ و ۵۷ نسخهٔ ما) ودر « بدایع حکمت » و خبرهائی درآنست از نهج البلاغه و باعنوانهای طریقه میباشد . این تعلیقه یا شرح عرفانی همچنانکه از عبارتهای آن برمیآید ازهمان نگارندهٔ متن میباشد . شارح در آن از « امیر محمدرضا » نیای خود یاد میکند وپیداست که او این شرح را درزمان پدر خود نوشته است (ص ۵۷) این امیر محمد رضا فرزند حاجی میرقاسم پسر امیر محمد باقر امیرحاج بوده ونگارندهٔ بحرالمغفرة دردعا ودلیل الزائرین وصومیه و کتاب

« چنار خونبار » که درزرآباد رودبار قزوین درهرعاشورائی خون از آن میریزد شارح میلوید که من هم آنرا دیده‌ام و رساله‌ای دربارهٔ آن نوشته‌ام پیش ازمن قوام الدین مرعشی دربارهٔ آن کتابی نوشته بود . در آغاز (ص ۱۵) از مبحثهای منطقی یاد گردید .

امیرمحمد رضا کتابی درامامت دارد که در آن از صد کتاب سنی و شیعی بهره برده است (ص ۵۷) این امیر محمد رضا قزوینی و بحرالمغفرهٔ او مانند زادالمعاد مجلسی است که در ۱۱۰۶ نوشته شده و پیش از ضیاعیه خود او که در ۱۱۰۷ آنرا بپرداخت . از نواده‌های او سید محمدتقی که بسید آقای قزوینی نامبردار بوده و در نجف درس میگفت در ۱۳۳۳ در گذشت (ذریعه ۳ : ۴۸ ـ ۸ : ۲۵۸) پیداست که او نگارندهٔ این تعلیقهٔ طرائف نخواهد بود چه اینکه نسخهٔ ما در ۱۲٤۰ نوشته شده است .

در ص ۱۵۹ ـ ۱٦۳ خبر علی که در آن آمدن رهبر زنگیان و نیز ترک وتاتار پیش‌بینی شده است آمده .

آغاز : بسمله . الحمدلله وهو اهل الحمد کله ... فهذه تعلیقة اعتلقت بطرائف الحکمة التی حررتها فیها العلوم النوررو ته عن امام العالمین ودیان الدین امیر المؤمنین .. م (بسمله) ای اسم نفسی . . . متن (الحمدلله الذی علم بالقلم) وهو النور الاول او العقل الاکمل .

انجام : (فهذه وجوه ماعلیه الناس فی اختلافهم) وعللهم فی روایاتهم علی ما فی نهج . . . اعطاه یوم القیمة امانه ورواه بسند آخر (تم الجزء الاول من شرح الطرائف لیلة السبت نوزدهم شهرصفر المظفر فی کربلاء سنة ۱۲٤۰) .

[۱۳۹۲]

۳۲۲۱ این نسخه جز بکم وسخ ، انشانه‌های شنگرف ومتن زیر خط سرخ که در ۱۹ صفر ۱۲٤۰ در کربلا نوشته شده است . مهر « عبده فضل الله الحسینی » واینکه این نسخه درطوس خریده شده وعنوان «جزء اول از شرح الطرائف» درصفحهٔ عنوان دیده میشود .

(۲۲۸ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی

اندازه ۱۵×۲۱ و ۸×۱۵/۵ س ۱۵

[۱۱۹۳] تفریج الکربة عن المنتقم لهم فی الرجعة (عربی)

امیرمحمودبن فتح‌الله حسینی کاظمی نجفی دانشمند روزگار حرعاملی درپاسخ گفته‌های برخی که میگفتند رجعت در کتاب و سنت یاد نشده است این نامه را در یك مقدمه و پنج باب و یك خاتمه نگاشته و رجعت را روشن بداشت و این نامه‌همانست که حرعاملی از آن خرده گرفت ودر برابر آن الایقاظ (ش ۱۱۲۲/۱) را نوشته است.

کاظمی آنرا در نجف و بنام اعتمادالدوله شیخ علیخان و درزمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۵) نگاشته است. باب یکم دروجوب رجعت ازروی پانزده آیهٔ قرآن و باب دوم وجوب آن از روی چندین حدیث وسوم ازروی اجماع و چهارم از روی عقل میباشد و در باب پنجم کسانیکه باینجهان برمیگردند یاد شده ودرخاتمه برمنکران رد شده است ودرپایان آن فهرست کتابهائی است که خوانده و ازروی آنها این را نوشت. (روضات ۱۵٦- کنتوری ۲٦۳- ذریعه ۱: ۹٤ و ٤: ۲۳۰).

آغاز: بسمله. الحمدلله ملهم الصواب و من الیه المرجع والمآب .. وبعد فیقول .. محمودبن فتح‌الله الحسینی الکاظمی النجفی .. انه قد جری لی کلام مع بعض الاخوان من العلماء والطلاب بمشهد امیرالمؤمنین .. فی بحث الرجعة والایاب وقد توهموا عدم ورودها فی السنة والکتاب . فاستخرت الله تعالی مع کثرة العوائق والعلائق لتحریر رسالة اثبت بها حقیقتها و وجوب الاعتقاد بها من النص الناطق والاجماع الصادق ودلیل العقل اللائق وانها من ضروریات مذهب الامامیة والمقتضی لآثارهم لاحق ولمالم یتصد احد من المؤلفین للجمع فی هذا الفن صرت بها علی من یؤلف سابق فمن ثم جعلتها تحفة لدستور الامامة والوزارة ... اعتمادالدولة العالیة العلیة السلیمانیة ... حضرة الشیخ علیخان .. وسمیتها بتفریج الکربة عن المنتقم لهم فی الرجعة ورتبتها علی مقدمة وخمسة ابواب وخاتمة.

انجام: هذا ماحضرنی من کتب القوم وانی اترقب واتوقع الظفر بغیرها یوماً بیوم لانصفحها انشاءالله والحق برسالتی هذه ما یناسبها .. لاتنفی بذلك غلیل

صدری ممن تقدم علی علی امیرالمؤمنین ع وممن تابعهم من الناکثین والقاسطین والمارقین ومن الظالمین لاهل بیت محمد صلوات‌الله علیهم اجمعین والحمدلله رب العالمین.

[۱۳۹۳]

۱۱۲۲ این نسخه ش ۳ دفتر است وبهمانگونه نسخ شمارهٔ ۲ ولی بقلم دیگر ودرشت‌تر وروشن‌تر از همان محمد موسوی میباشد. گ ۱٤۱ ب - ۱٦٦ الف. (نگریده به ش ۱۱۲۲/۱).

[۱۱۹٤] تفسیر قمی (عربی)

از دانشمند وامتگوی شیعی ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی زندهٔ درقم بسال ۳۰۷ که استاد کلینی (م ۳۲۹) بوده‌است. نگارندهٔ ذریعه (٤: ۳۰۲) بسزا در بارهٔ این تفسیر او گفتگو نمود ونشان داد که کجاها شاگرد قمی ابوالفضل العباس بن محمدبن قاسم بن حمزة موسی بن جعفر در این تفسیر دست برده وروایتهائی از باقر و دیگر امامان در آن گذارده است. درمشایخ الشیعهٔ بدر بهبائی آمده که این تفسیر از تفسیر عسکری گرفته شده و چنین نیست. چنانکه از عنوان نسخهٔ ما برمیآید قمی را سه تفسیر بزرگ ومیانین و کوچك بوده است. نگارندهٔ تفسیرالائمه محمد رضای نصیری طوسی (زندهٔ در ۱۰٦۷) پنداشت که قمی را دو تفسیر بزرك و کوچك بوده و هردو را در آن آورده است وگویا او گزیدهٔ کفعمی یا دیگران ازاین تفسیر قمی را دردست داشته و پنداشت که آنهم از قمی میباشد (ذریعه ٤: ۲۳٦)

مجلسی در بحار (۱: ۱۱) مینویسد: «کتاب تفسیر علی بن ابراهیم من الکتب المعروفة وروی عنه الطبرسی وغیره». درفائدهٔ ٤ خاتمهٔ وسائل عاملی هم این تفسیر درشمار کتابهای پذیرفته‌شده آمده است.

درفهرست طوسی (ش ۳۷۰) ازاو «کتاب التفسیر و کتاب الناسخ والمنسوخ

و کتاب اختیار القرآن و روایاته ، و در رجال نجاشی (ص ۱۸۳) همان دو تای نخستین و در فهرست ابن ندیم (ص ۳۰۷) سومین آن سه کتاب نام برده شد . در معالم العلما (ش ٤١٤) نیز همان دو تای نخستین فهرست طوسی یاد گردید حلی در خلاصه (ص٤٩) همین اندازه میگوید که او کتابها نوشته است . ابن داود در رجال خود (ش١٠٤٤ گ٦٥ب) از او مانند دیگران همان بستود و بس و یادی از نگارشهای او نکرد . در جامع الرواة اردبیلی (ص٩٨٠ گ٢٥٢ب) هم یادی از این تفسیر نگشت .

در آغاز تفسیر قمی پس از خطبه که بسخنان امیر مؤمنان علی (نهج البلاغه) مانند است روایتی از امام صادق از علی درباره علمهای قرآن آمده که در رسالهٔ محکم و متشابه سید مرتضی (چاپ سنگی نسخ جیبی در ۱۲۸ ص بسال ۱۳۱۲) گزیده مانندی از آن بنام پاسخ علی بپیروان خود دیده میشود (ص ٦) .

مرتضی در این رساله پس از خطبه خبری از صادق بدینگونه میآورد : « وقال ابوعبدالله محمدبن ابراهیم بن حفص النعمانی فی کتابه فی تفسیر القرآن » و این خبر تا پایان کتاب مرتضی است و جز خبر قمی میباشد ولی در پاره‌ای جاها باهم مانند میباشند چنانکه در آغاز و انجام نزدیك بهم هستند و خبر قمی کوتاه ولی خبر نعمانی که مرتضی آورد درازاست قمی خبر را بعلی رسانده و در نعمانی نامی از علی برده نشده است . (نیز فائدهٔ ٤ خاتمهٔ وسائل) باری قمی در این کتابیکه تفسیر همه قرآن است همان روایتهائی از صادق آورده و شاگردش ابوالفضل عباس بن محمد بن قاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر پاره‌ای از روایتهای باقر و جز او را بر آن افزود و در آن گذارده است .

از این تفسیر ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی کاتب که شاگرد کلینی بوده و نگارندهٔ « الغیبة » است در بحار (۱۹ : ٩٤ - ۱۱۹ باب ۱۲۸) آمده است مانند آنچه که در رسالهٔ مرتضی دیده میشود (نیز بنگرید به ذریعه ٤ : ۳۱۸) نوری در مستدرك (ص٣٦٥) میگوید که اصل تفسیر نعمانی خبر واحدیست از امیر

مؤمنان و مرتضی از آن گزین کرده است و نگارندهٔ وسائل آنرا داشته آنچه مسئله فقهی در آن بود بیرون کشید و من در اصل افزوده‌ای نیافتم و بدان نگریستم اگرچه بسیار معتبر است . مجلسی در بحار پس از آوردن روایت نعمانی از رساله‌ای بروایت ابن قولویه از ابوالقاسم سعد (بن عبدالله) اشعری از علی دربارهٔ اقسام قرآن یاد کرده سپس در باب١٢٩ دو روایت از احتجاج و توحید از علی آورده است و آنچه که در آغاز تفسیر علی بن ابراهیم قمی در انواع قرآن هست گزیده و کوتاه همین دو خبر میباشد (بحار ۱۹ : ۱۱۹-۱۳۰) .

شیخ تقی الدین ابراهیم کفعمی لویزی جبعی م٩٠٥ تفسیر قمی را در سالهای ٨٤٨ تا ٨٥٢ گزین نموده است . (ذریعه ۱ : ۳۵۵) .

این تفسیر قمی بکوشش حاجی احمد آقا و حاجی علی آقا بخط حسن بن مولی امین گرمرودی تبریزی در ۱۳۱۵ در ۳۷۳ ص بنسخ چاپ سنگی شده است در هامش آن تفسیر عسکری هست (۱) و تنها هم در ۱۳۱۳ چاپ شده است (ذریعه ٤ : ۳۰۲) .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله الواحد الاحد المتفرد الذی لامن شئ کان ولامن شئ خلق ما کون (اندکی با چاپی جدائی دارد) .

انجام : لو کان هذا نزل فی القرآن الاوقد انزل الله فیه .

[١٣٩٤]

٥١٦ این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . مجلسی آنرا تصحیح نموده و بنسخه دست نزده و صحیحها را در هامش نوشت . حاشیه‌هائی دارد بنستعلیق بخط مجلسی در برخی جاها با نشانه‌های (م ق ر عفی عنه) و (م ت ن مدظله)

۱ ـ تفسیر عسکری در کارخانهٔ ملاعباسعلی در تهران بسال۱۲٦٨ با تصحیح ومقابله با نسخه شیخ احمد کرکی بکوشش یوسف بن ابراهیم کجوری هم بچاپ سنگی رسید . در آغاز این چاپ در نسخه بدل بجز روایتی که در آغاز کتاب هست این روایت را دارد که این تفسیر را شاذان جبرئیل بن اسماعیل قمی از سید محمد بن سرآهنك حسنی جرجانی از سید ابی جعفر مهدی بن ابی حرب حسینی مرعشی از ابی عبدالله جعفر بن محمد بن احمد دوریستی از پدرش از شیخ صدوق ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی از ابوالحسن محمد بن القاسم استرابادی هم روایت نموده است (بحار ج ١ ف٤ در دوجا مستدرك ٦٦١)

و(ن) و(ق) و(ی) . در عنوان دارد : «کتاب تفسیر الاوسط لعلی بن ابراهیم علیه الرحمة والغفران» در برگ ۱ الف دارد : «للولد العزیز عبدالباقی ابقاه الله و وفقه» با مهر «عبده عبدالباقی الحسینی» در دو جا . نیز «اعاره الله احقر عبیده ... ابن محمد صالح محمد حسین الحسینی عاملهما الله بلطفه ... بحرمة النبی والوصی وآلهما صلوات الله علیهم اجمعین» با مهر «العبد محمد حسین الحسینی» نسخه را آقای فخرالدین نصیری در ۳۳/۱۰/۱۴ بکتابخانه هدیه نموده است.

(۳۶۳م) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه ، ۱۵×۵ ، ۲۳ و ۹×۱۷ ، س ۲۳

[۱۱۹۵–۱۱۹۷] تفصیل وسائل الشیعة (عربی)

الی تحصیل مسائل الشریعة

ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن الحسین حر عاملی مشغری (مشغر شب آدینهٔ ۸ رجب ۱۰۳۳ – طوس ۲۱ رمضان ۱۱۰۴) در این دفتر حدیثهای فروع چهار کتاب پیشین «الکتب الاربعة المتقدمة» و پاره‌ای از کتابهای ارزندهٔ دیگر شیعی را که رویهم بهفتاد و اندی میرسد ، باسند آنها بترتیب کتابهای فقهی آورده و میان آنها جمع کرده و برخی را هم روشن نموده . نام این کتاب چنانست که در بالا یاد شده (دیباچه) ولی بنام «وسائل» برسر زبانها است . این دفتر از نگارشهای پرارزش شیعی و بگفته نوری وقمی دریائی است بی کرانه وعاملی با نوشتن آن بر دانشمندان منت گذارده است و بگفتهٔ نگارندهٔ جواهر فقیه با داشتن آن وجواهر و جامع المقاصد (طوس ۵ : ۲۱۰ و ۴۰۲) برای بررسی و کاوش فقهی بنوشتهٔ دیگری نیاز نخواهد داشت . عاملی چنانکه در امل الآمل (ص۴۴۸) تاریخ ۱۰۹۷ نوید داده بود بر این دفتر گزارشی بنام «تحریر وسائل الشیعة وتحبیر مسائل الشریعة» نوشته است (طوس ۵ : ۳۹ ش۱۱۴ جلد۱ و تاریخ ۱۱۱۱ – ذریعه ۳ : ۳۹۳ که نسخهٔ تاریخ ۱۱۱۲ از جلد ۱ را دیده) و باز همین دفتر را گزیده ساخته در ۱۰۹۱ «هدایة الامة الی احکام الائمة» و در ۱۲ مطلب نگاشته است (طوس ۵ : ۲۱۱ و فهرست سپهسالار ۱ : ۳۴۱ – ۳۴۷) این گزیدهٔ او پیش از

«تحریر» بنگارش در آمده است (۱) .

ابوالرضا معزالدین عبدالصاحب بن حسن بن محمد حسن نگارندهٔ جواهر (۱۳۰۰–۱۳۵۳) مستدرک ودنباله‌ای برای آن نوشته بنام «الاشارات والدلائل» که در ۱۲ صفر ۱۳۳۴ بپایان رسیده و در نجف بسال ۱۳۵۶ چاپ سنگی شد . او حدیثهائی را که در میان کتاب وسائل بدانها باز گردانده شده شناسانده و روشن نموده (طوس ۵ : ۲۲۶ ش۲۴۹) حاج میرزا حسین نوری هم در ۱۳۰۵ مستدرکی در سه جلد بزرگ نوشته که در تهران در ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ بچاپ رسید و دانشمندان بدان ارزش می‌نهند (ذریعه ۲ : ۱۱۰) محسن بن حسن بن مرتضی بن شرف‌الدین اعرجی کاظمی (نزدیک ۱۱۲۷ – ۱۲۲۷) هم «وسائل الشیعة الی احکام الشریعة» نوشته که در فقه استدلالی است یا فروع و با دیباچه‌ای در اصول و رد بر اخباریها که در ۱۲۲۱ آنرا بانجام رسانده و آن در ۱۳۲۱ در تبریز بچاپ رسید (طوس ۵ : ۶۳۷) .

بنوشتهٔ ذریعه شیخ محمد مقابی همزمان عاملی و مولی محمد زمان قزوینی کشتهٔ آشوب افغانها و سید ابومحمد حسن موسوی بر وسائل گزارش نوشتند و کسان دیگر که نوید داده شده که در «حرف شین» یاد شود . خود عاملی در هامش نسخه‌های خط خود حاشیه‌هائی بر آن نوشته که نخست شیخ علی قمی نجفی و سپس میرزا محمد تهرانی سامری آنها را در نویس کرده‌اند و تهرانی بخوبی نشان داده است که هر حاشیه‌ای برای کدام باب و کدام حدیث است و نشانهٔ جای آن در متن چیست . این یکی جز شرحی است که عاملی بر وسائل نوشته و درباره لغت وعبارت واشکال در متن وسند حدیثها ومانند اینها است .

عاملی این کتاب را در شش جزء و بگفتهٔ خود او در دیباچهٔ جزء یکم

۱ــ برای سرگذشت عاملی نگرید به : امل الآمل همو ص۴۴۷ ــ لؤلؤتی البحرین ــ مستدرک ۳ : ۳۹۰ ــ هدیة الاحباب قمی ص۱۲۳ ــ کنی والقاب همو ۲ : ۱۵۸ ــ الفوائد الرضویه همو ۲ : ۴۷۳ ــ قصص العلماء تنکابنی ۲۰۹ ــ ریحانة الادب ۱ : ۳۱۵ (گذشته از کتابهای دیگر که یاد گردید) .

درپنجاه کتاب و بنوشتهٔ روضات (ص ٦١٧ از امل‌الآمل) درهفتاد کتاب نوشته
وچهارمین جزء آنرا درپایان جمادی یکم تا دهٔ نخستین ذی‌قعدهٔ ١٠٨٥ دوبار
پاکنویس نمود وپاکنویس یکم ششمین آنرا درنیمهٔ رجب ١٠٨٢ بانجام رساند.
فهرست جزء ششم را اودرطوس شب آدینه سه شب ماندهٔ ازذی‌حجهٔ سال ١٠٨٨
نوشت . هرجزئی از آن دارای چندباب است. درپایان این کتاب او خاتمه‌ای گذارده
دارای دوازده فائده دربارهٔ حدیث ورجال که در کتابهای دیگران دیده نمیشود
واز ارزش کتابهائیکه از آنها بهره برده کاوش نمود .

عاملی بخش ز کوة تا نهی ازمنکر را از یکم شعبان ١٠٦٦ تا شعبان ١٠٧٠
نوشته (فهرست طوس ٥ : ٢١٠ - ذریعه ٤ : ٣٥٤) وز کوة تاآخرمزاررا درپایان
جمادی یکم ١٠٨٥ ازمسودهٔ دوم بپاکنویس آورد .

باری عاملی بیست سال بنگارش این کتاب میپرداخت. از امل‌الآمل برمیآید
که او نزدیك بچهل سالگی (١٠٧٣) بطوس رفته وتاسال ١٠٩٧ (تاریخ نگارش
امل‌الآمل) که ٢٤ سال میشود در آنجابود او پیش از ١٠٦٦ برای نگارش وسائل
دست بکارشد وتا ذیحجهٔ ١٠٨٨ (تاریخ نگارش فهرست آن) بدان میپرداخت .
از ١٠٦٦ که ز کوة را آغازنمود تاصفر ١٠٨٨ که دوم‌بار پاکنویس کرد بیش از
٢٠ سال میشود و بدرخواست یاران فهرستی هم دارای حکمهای منصوص
درعنوانهای بابها برای آن نوشت که « من لایحضره‌الامام » نام دارد و میان
وسائل وهدایه میباشد وبجای رسالهٔ عملی است . دراین فهرست فتواهای منصوص
دراخبار آمده و درآغاز آن کتابهائیکه عاملی از آنها گرفته بود یاد گردید .

مولانا محمد سمیع شریف بن مؤمن گویا درسدهٔ ١١ برای محمد کاظم خان آنرا
بنام « الترجمة الکاظمیة لفهرست الوسائل العاملیة » بپارسی درآورد (فهرست
طوس ٥ : ١٣٩ ش ٦٤٤ و ٤٩ ش ٤٣٤) درذریعه (٤ : ١٢٣) از فهرستی بنام
« الحسنیة » یاد گردید .

این کتاب وسائل بهتر است ازوافی کاشانی که تنهاچهار کتابرا دارد و بترتیب

احیاء غزالی است نه بترتیب کتابهای شیعی و از بحار که چهار کتاب را ندارد
و بیشتر حدیثهای آنهم دراحکام فقهی نیست .

وسائل درمیان چهار کتاب اخیر بجای کافی کلینی است درمیان چهار کتاب
پیشین و بمانند آن در بیست سال بنگارش در آمده است (ذریعه ٤ : ٣٥٢) .

عاملی در وسائل در بیشتر جاها بحدیثهائیکه پیش گذشت یا پس از این خواهد
آمد باز گرداند . چون جای آن حدیثها روشن نبود دانشمندانی چندمانند نگارندهٔ
الاشارات والدلائل و سید ابوالقاسم خوئی دراین باره رنج بردند و آنجاها را
نشان دادند وخوئی دو کاردیگرهم کرده یکی اینکه روشن کرد که از حدیثهای
هر بابی چه مطلبهائی بیش از آنچه که عاملی دریافته است برمیآید دیگر حدیثهائی را
نشان داد که عاملی در باب خود نیاورده با اینکه همان مطلب عنوان باب از آن
دریافت میگردد (ذریعه ٤ : ٣٥٢) .

نگارندهٔ ذریعه مینویسد که من از نسخهٔ اصلی ومسودهٔ عاملی جلد پنجم را
که در ١٠٧٢ نوشته و پاکنویس یکم که دررجب ١٠٨٢ نوشته بود واز روی آن
درایران وسائل را بچاپ رساندند و پاکنویس دوم که ازروی نخستین پاکنویس
نوشته شده بود دیده‌ام . از پاکنویس دوم که من دیده‌ام همان جلدهای ١ و ٥
و ٦ بود . جلد ٤ را ازجمادی دوم تا ذی‌قعدهٔ ١٠٨٥ از روی پاکنویس نخستین
نوشته وجلد ٥ و ٦ را درصفر ١٠٨٨ هم ازروی همان پاکنویس بپایان رسانده است .
درچاپ امیربهادر در جلد ٤ این پاکنویس را دردست داشته‌اند .

این کتاب در سه جلد بخط نسخ محمدبن علی خوانساری (بسال ١٢٦٩)
وعلی بن محمدعلی خوانساری در جلد یکم بکوشش حاج محمد قاسم بن مهدی
و ملامحمد باقر بن حاج محمد علی و آقا محمد باقر بن حاج محمد رحیم همه
خوانساری در کارخانهٔ حاج عبدالمحمد تهرانی درسالهای ١٢٧٠ (پایان جزء ٥)
و یکم ربیع یکم ١٢٧١ (آغاز ج ٢) بچاپ سنگی رسید . اندازهٔ آن رحلی

و بی‌صفحه‌شمار است. آقاسید حسن و آخوند ملامحمد حسن آنرا با نسخهٔ اصل پاره‌ای از مجلدات همین وسائل و با نسخه‌های کافی و فقیه و تهذیب و استبصار ووافی وجزاینها برابر نموده و تصحیح کردند. در آغاز هر جلدی دو جزء از شش جزء فهرست گذارده شده ودر پایان جلدسوم خاتمهٔ آن هست. سر گذشت عاملی از روی لؤلؤتی البحرین و حاشیهٔ میرزین العابدین خوانساری برلؤلؤة در آغاز ج ۳ آمده است حاشیه‌های (منه) هم دراین چاپ هست.

درفهرست طوس (۵ : ۳٤٦) از چاپ سنگی سه جلدی با تصحیح سید محمد علی بن سیدمحمدصادق موسوی خوانساری وبخط علی بن محمدعلی خوانساری درتهران در ۱۲۸۳ (ج ۱) وبخط سید محمد علی رضوی خوانساری در چاپخانهٔ الله قلیخان در ۱۲۸۸ (ج ۲) و بتصحیح میرزا محمد باقر خوانساری درچاپخانهٔ استاد محمد تقی تهرانی در ۱۲۸۸ بخط سید محمد علی رضوی خوانساری (ج ۳) یاد شده است (نیز فهرست سپهسالار ۱ : ۳٤٦).

بهترین چاپ وسائل چاپ سنگی حسین پاشاخان امیربهادر جنگ وزیردربار است درسه جلد رحلی درتهران وبدستورعین الدوله که بخط نسخ محمدصادق بن محمد رضای تویسرکانی (ج ۱) وابوالقاسم نوری کمرئی (ج ۲) و محمدحسن گلپایگانی (ج ۳) میباشد. جلدنخستین در ۸۰ + ۷۰۵ ص بسال ۱۳۲۳ و دومی در ۷۵ + ٦۸۱ ص بسال ۱۳۲٤ و سومی در ۷۷ + ۵٦۳ ص بسال ۱۳۲٤ در کارخانهٔ مشهدی خداداد، بچاپ رسید. این چاپ بکوشش و دستیاری آقا میرزامحمود تاجر کتابفروش بود که وکیل مجلس گشت وباآگاهی شیخ فضل الله نوری و باتصحیح و شماره گذاری حدیثها و مقابله با چاپ یکم از شیخ محمد حسن (میرزا آقا بزرك) ساوجی ومحمدحسن یزدی وتصحیح غلطها ازعلی بن عبدالرسول. فهرست هر جلدی در آغاز هست. سر گذشت عاملی از روی لؤلؤة و حاشیهٔ خوانساری در ص ۱ پس از فهرست ج ۳ دیده میشود (نیز طوس همانجا).

چنین است فهرست آن که در نسخه‌های ما نیامده:

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی سهل لنا تحصیل علوم الدین... اما بعد فیقول... محمدبن الحسن بن علی بن محمدالحرالعاملی... لما وفقنی الله سبحانه لتألیف کتاب «تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة»... فقد صرفت فی جمعه... سنین عدیدة تقارب مدة عشرین سنة... التمس منی بعض الاصحاب تألیف فهرست لذلك... فان فهرسته کتاب فقه یشتمل علی الفتاوی المنصوصة... فشرعت فی ذلك وحیث اشتمل هذا الفهرست علی اکثر اقوالهم ع یلیق ان یسمی بکتاب من لایحضره الامام.

انجام: و کتب بیده مؤلفه محمدبن الحسن بن علی بن محمدالحر العاملی المجاور بالمشهد المقدس الرضوی علی مشرفه السلام. و کان الفراغ من تألیفه ومن کتابة هذه النسخة فی لیلة الجمعة لثلث بقین من ذی الحجة سنة ۱۰۸۸.

[۱۳۹۵]

۵۰۹ این نسخه دارای طهارة است و بنستعلیق خوش با حاشیه‌سازی در دوصفحهٔ نخستین وهمهٔ صفحه‌ها درجدول زرولاجورد وشنگرف وبرگ پایان زراندود میباشد. سرلوحی بزر و شنگرف و لاجورد و رنگهای دیگر هست. عنوانها بنسخ وشنگرف میباشد و حاشیهٔ (منه) دارد. همان نویسندهٔ نسخهٔ ش ۵۱۰ این را در ۲۵ صفر ۱۰۹۳ نوشته است.

در گ ۱ الف نوشته‌است: «من جمله کتابهائیکه حاج الحرمین الشریفین حاج فتحعلی تنکابنی.. آنرا بمولانامحمد صالح ابن مرحوم محمد مؤمن داده» چنین است:

آغاز: بسمله.. الحمدلله الذی فطر العقول علی معرفته ووهبها العلم بوجوب وجوده ووحدانیته... وبعد فیقول... محمدبن الحسن الحر العاملی... قد کنت کثیراً ماطالب فکری و قلبی... الی تألیف کتاب کافل ببلوغ الامل کاف فی العلم والعمل یشتمل علی احادیث المسائل الشرعیة... وسمیة کتاب «تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة».

انجام: قال لایجوزالصلوة فی شئی من الحدید فانه نجس ممسوخ اقول تقدم وجهه والله اعلم. تم کتاب الطهارة من کتاب المسمی بتفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة بتاریخ ۲۵ شهرصفر ۱۰۹۳).

(۳۳۱ ف) کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه ۱۸ × ۳۱ و ۱۰/۵ × ۲۰/۵ ــ ۳۴ س

[۱۳۹۶]

۱۰ـ این نسخه دارای صلوة است بهمانگونه خط با همانگونه آرایش شمارهٔ پیش ازاسدبن حسن‌بیك تربتی که ازروی نسخهٔ اصل حرعاملی در۱۲رمضان ۱۰۹۳ آنرا بپایان برده است ، چنین است :

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی محمد وآله‌الطاهرین یقول ... محمدبن‌الحسن‌الحرالعاملی ... کتاب‌الصلوة من کتاب تفصیل وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعة .

انجام : اقول ویدل علی ذلك عموم احادیث‌القصر واطلاقها وقدروی‌الصدوق وغیره احادیث فی ان‌الرضا (ع) اخرج من‌المدینة الی‌مرو ومنکرها. والله تعالی اعلم . تم‌الجزء الثانی من کتاب تفصیل وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعة ویتلوه انشاءالله تعالی فی‌الجزء‌الثالث کتاب‌الزکوة .

(۳۳۷۱ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد همان شمارهٔ پیش
اندازه ، ۱۹×۳۱ و ۱۱×۲۱ س ۳۳

[۱۳۹۷]

۱۱ـ این نسخه اززکوة است تا حج و بسخ با عنوانهای شنگرف از محمد رضابن عزیزالله تونی مشهدی که درروزچهارشنبه ۲۸ ذی‌حجهٔ ۱۱۰۶ بپایانش رسانده وآغاز نوشتن‌آن از روی نسخهٔ اصل روز آدینهٔ ۱۳ ذیحجهٔ ۱۱۰۵ بوده است ، مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در آن دیده میشود . چنین است :

آغاز : بسمله . و به نستعین . یقول ... محمدبن‌الحسن‌الحرالعاملی الحمد علی افضاله ... کتاب‌الزکوة .

انجام : اقول والاحادیث فی ذلك کثیر ورد انها معارضات غیر صریحة فی‌الزیارة فالاحوط‌الترك تم کتاب‌الحج ویتلوه فی‌الجزء‌الرابع کتاب‌الجهاد .

(۳۱۹۴ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی کهنهٔ فرسوده
اندازه ، ۲۵×۳۷ و ۱۵×۲۷ س ۳۵

[۱۳۹۸]

۱۲ـ این نسخه ازمیانهٔ نکاح است تا ذبایح وبسخ با عنوانهای شنگرف . در گ ۱ ب ودرپایان و درمیانه دارد : « بلغ قراءة وفقه‌الله تعالی » و مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری در همان ۱ الف دیده میشود . چنین است :

آغاز : علی باب‌الجنة فیقال له ادخل‌الجنة فیقول لاحتی یدخل ابوای‌الجنة قبلی

(پیش‌از باب کراهیة‌العروبة) .

انجام : باب انه لاینبغی ان ینفخ‌اللحام فی‌اللحم ... فلیس منا . الحدیث . تم کتاب‌الصید والذبایح ویتلوه کتاب‌الاطعمة والاشربة .

(۳۴۸۸ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی فرسوده
اندازه ، ۱۸×۳۱ و ۱۰×۲۱ س ۳۵

[۱۳۹۹]

۱۳ـ این نسخه ازمواریث تا خاتمه است و بسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف. حاشیه‌های (منه) درآغاز بستعلیق است ودرپایان دو حاشیهٔ نستعلیق دارد ازشبربن محمد حسینی موسوی ، حاشیه‌ای از (م د ح) هم درآن هست .

نویسندهٔ نسخه محمد رضابن عزیزالله میباشد که درشوال ۱۱۰۱ آنرا بپایان رسانده .

درگ ۱ الف مهر کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری وتاریخ ۱۱۷۵و۱۱۸۰ ازدارندهٔ دیگری دیده میشود ودرزیرخط او مهر « عبده شبربن محمدالموسوی » هست ، نیز تاریخ ۷ شوال ۱۲۶۳ ازکسی دیگر .

درپشت برك بی‌شماره آغاز چند بیتی از ارجوزهٔ مسائل میراث محمدبن حسن حر عاملی هست بخط (ابن محمدالمحمدی‌الموسوی شبر) بسال ۱۱۸۰ وحدیثی ازعلی ازآغازالدرالمسلوك فی احوال‌الانبیاء والعلماء والملوك (تألیف اخی‌الشیخ محمدبن الحسن‌الحرالعاملی عامله‌الله تعالی بلطفه‌الخفی).

چنین است نسخه :

آغاز : بسمله . الحمدلله‌رب‌العالمین ... یقول ... محمدبن‌الحسن‌الحرالعاملی ... کتاب‌الفرائض والمواریث من کتاب تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعة .

انجام : وکان‌الفراغ من تألیفه فی منتصف رجب ۲۰۸۲ (و کتب بیده مؤلفه محمدبن‌الحسن‌الحر عفاالله عنهما) .

(۳۱۱۸ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ضربی زیبا
اندازه ، ۲۴×۳۷ و ۱۵×۲۷ س ۳۵

[۱۱۹۸] توحید (عربی)

این رساله همان توحید مفضل است که درص ۲۱۴ شناسانده شده ومانند «اهلیلجه» در آن بهمان‌دلیل عنائی پرداخته شده آنچنانکه درص ۱۲۲۵ وپس‌از آن یاد کرده‌ام .

این هم گفته شود که از نگارشهای ابی‌الربیع محمدبن‌اللیث (ابن آذربادبن میروزبن شاهین‌بن آذرهرمزبن هرمز سروشان‌بن بهمن‌بن افرندار از خاندان دارای پادشاه) کتاب‌الهلیلجة فی‌الاعتبار و کتاب‌الرد علی‌الزنادقة یاد شده‌است . او فقیه و متکلم و نویسندهٔ زبردست و ایران دوست بوده و ازشناختگان برمکیان بشمار میآمد و برای یحیی‌بن خالد نویسندگی کرده است . او را زندیق هم خوانده‌اند . یکی از پدران او برده افریان شده بود . (فهرست ابن‌ندیم ص۱۷۵) رازی پزشك کتابی دررد او دارد (فهرست بیرونی ص ۲۰) .

[۱٤۰۰]

۱۱۳۱ این نسخه ش ۲ دفتراست و در گ ۹ الف - ٦٥ الف چنین است آغاز آن «الفضول و الاوعیة لحلها و الفرج لاقامة النسل» (ص ۱۱ چاپ ۱۳٦۹ نجف) و نه صفحه کم دارد . پایان آن چنین است : «قال المفضل فانصرفت من عند مولای بما لم ینصرف احد بمثله و (آخر دعوانا ان) الحمدلله رب العالمین و صلی الله علیه و آله اجمعین . تمت الکتاب بعون الملك الوهاب» درهامش اینجا دارد : « اربعة مجالس فی اربعة ایام من الصبح الی الزوال فی ایام ثلثة کمامر والرابع ماقال الی هنا» .

[۱۱۹۹] **توحید** (عربی)

ابن بابویه صدوق ابوجعفر محمدبن علی‌بن الحسین‌بن موسی‌بن بابویه قمی رازی این دفتر را در برابر مخالفانی پرداخت که چون در کتابهای شیعی بحدیثهائی برخورده بودند که نتوانستند آنها تفسیر و گزارش کنند شیعیان را گرایندهٔ بجبر و تشبیه پنداشتند . این کتاب ازرهگذر کلامی ارزش بسیار دارد و بخوبی میرساند که دانشمندان شیعی که بامعتزلیان وعدلیان در بسیاری ازمسئله‌ها بسیار نزدیکند چگونه میاندیشیدند .

آغاز : بسمله . الحمدلله الواحد الاحد الذی لاشریك له الفرد الصمد الذی لاشبیه له ... قال ابوجعفر محمدبن علی‌بن الحسین‌بن بابویه القمی الفقیه نزیل الری مصنف هذا الکتاب ... ان الذی دعانی الی تألیف کتابی هذا انی وجدت قوماً من المخالفین

لنا ینسبون عصابتنا الی القول بالتشبیه و الجبر لما وجدوه فی کتبهم من الاخبار التی جهلوا تفسیرها و لم یعرفوا معانیها و وضعوها غیر مواضعها و لم یقابلوا بالفاظها القرآن فقبحوا عندالجهال صورة مذهبنا و لبسوا علیهم طریقتنا و صدوا الناس عن دین‌الله و حملوهم علی جحود حجج‌الله فتقربت الی‌الله تعالی ذکره بتصنیف هذا الکتاب فی التوحید و نفی التشبیه .

انجام : لایخاصم الامن ضاق بما فی صدره .

این کتاب درهند بکوشش علی محمد کشمیری در ۱۳۲۱ با اعتقادات مجلسی در ۵۱۹ ص ربعی بچاپ رسید (ص ٤ - ٤۷۹) .

[۱٤۰۱]

٥۲٥ این نسخه پنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و قاسم‌بن سیدعلی طباطبائی درروز شنبه دههٔ دوم جمادی دوم سال ۱۰۹۱ درطوس نوشتن آنرا بانجام رسانده . علیقلی‌بن محمدحسین در ۱۱۲۰ دارندهٔ آن بوده و خط و مهر او در گ ۲۲۸ الف دیده میشود .

حاشیه‌های انوی نستعلیق در آن هست گاهی با نشانهٔ «لمحرره» (گ ۹۸ ب و ٤۸ ب و ٤۹ الف) .

(۲۲۸گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ فرسوده
اندازه : ۱۴×۲۱ و ۸×۱۴ س ۱۵

[۱۲۰۰-۱۲۰۳] **تهذیب‌الاحکام** (عربی)

رهبر دانشمند شیعی محمدبن حسن‌بن علی‌بن محمد طوسی (۳۸۵-٤٦۰) این کتاب را از روی اصلهای چهارصدگانه و کتابهای دیگر بپرداخت . طوسی برای یافتن آن اصلها و کتابها دو کتابخانهٔ بزرگ و پرارزش دردسترس داشت یکی کتابخانهٔ استادش سید مرتضی دیگری کتابخانهٔ شاپور پسر اردشیر وزیر بهاءالدولهٔ دیلمی که از بهترین کتابخانهٔ جهان در آن زمان بوده و در بین‌السورین کرخ بغداد بنیاد گذارده شده بود .

این تهذیب او گزارشی است بر « المقنعة » استادش شیخ مفید و مفید هم

مقنعه را برای « السیدالامین » نوشته نخست اصول دین سپس فروع را در آن آورده است (چاپ سنگی کارخانهٔ آقا محمد تقی تبریزی بسال ۱۲۷٤ از این مقنعه) . طوسی تهذیب را درروزگار استاد خود در ۲۵و۲٦ سالگی آغاز و پس از مرگ او (در٤۱۳) بپایان رساند (مستدرك ص٧٥٦ - روضات ص٥٥٦- ذریعه ٤ : ٥٠٤) .

درتهذیب آنچنانکه درمستدرك (فائدهٔ٦ ص٧٥٦) آمده است چندان اختلاف نسخه‌ای نیست مگر آنچه از رهگذر نوشتن نسخه‌ها روی دستبردها و دستکاریهای نویسندگان درمانده این کتابها رخ میدهد و باب زیادات آن بجای مستدرك میباشد که خود افزوده است نه اینکه کتاب را چند گونه نوشته باشد. پس آنچه که سید نعمةالله شوشتری بنداشته و تهذیب را درفزونی و کاستی نسخه‌ها مانند بحار دانسته درست نمیباشد (نیز روضات ص ٥٦۱) .

از نسخهٔ اصل تهذیب جزء یکم آن بخط خود شیخ که خط شیخ بهائی هم روی آنست در کتابخانهٔ سید میرزا محمدحسین شیخ‌الاسلام طباطبائی (م۱۲۹۳) بوده و امروزه دردست نوادهٔ او هست .

همه اجزاء نسخهٔ اصل خط طوسی را پدر شیخ بهائی داشته و نسخهٔ خط خودش را که در ۹٥۹ نوشته بود با آن برابر کرد (از فهرست طوس ٥ : ٥٧٠ برمیآید که نسخهٔ پدر بهائی از روی نسخه‌ای نوشته شده بود که با نسخهٔ اصل درشوال٩٤٩ برابر شده بود وخط علامهٔ حلی واجازه شهید دوم بتاریخ ۲۰ ربیع یکم ۹٥٥ بر آن بوده است) .

سید صدر علاءالملك بن عبدالقادر حسینی مرعشی قزوینی گیلانی نسخهٔ خودرا که در۹۷٤ نوشته بود با نسخهٔ خط پدربهائی بسال ۹۸٦ درقزوین برابر نمود. آنگاه مولی سلطان حسین ندوشنی یزدی استاد سلطان‌العلما نسخه‌ای بخط خود ازروی نسخهٔ مرعشی بسال۱۰۲٦ نوشته است واین نسخه اکنون درنجف میباشد. پاره‌ای ازمن لایحضره‌الفقیه خط مرعشی مورخ۹۷٦ هم اکنون درتهران هست

(ذریعه٤ : ٥٠٤) نسخه‌هائیکه درفهرستهای معارف ومجلس وطوس وسپهسالار ازتهذیب نشان داده شده بیشتر از سدهٔ۱۰ وپس از آن است ونسخهٔ کهنی که تاریخ روشنی داشته باشد در آنها یاد نگردید . بروکلمن درفهرست خود (پیوست ۱ : ۷۰٦) ازنسخه‌های برلین و پترسبورگ و پاریس و تهران و آصف و رامپور وبانکیپور یاد نمود .

تهذیب بخط نسخ احمد بن علی خوانساری در ۱۳۱٦ (ج ۱ ص ٤٤٥) با حاشیه‌های خط نستعلیق محمدبن میرزا عبدالعلی تدجرینی در ۱۳۱٦ و ۱۳۱۸ (ج ۲ ص ٤٨۲) باندازهٔ رحلی بچاپ سنگی رسید .

این کتاب نزد دانشمندان شیعی ارزش بسیاری داشت و از اجازه‌های روایت که بشاگردان میداده‌اند پیداست که چه اندازه آنرا بزرگ میداشتند. اینك نمونه‌ای از آنها

ابوزکریا یحیی الاکبربن‌الحسن بن سعید حلی (نیای محقق و نجیب‌الدین یحیی) بخط خود روی نسخه‌ای از جزء چهارم تهذیب برای امیر سعید زاهد بهاءالدین ورام بن نصربن و رام بن عیسی درربیع یکم سال ٥٨٣ اجازه نوشته ودر آن از ابن شهرآشوب وشیخ سدیدالدین عربی بن مسافرعبادی روایت نمود (ذریعه ۱ : ۲٦٤) .

علامهٔ حلی درذیحجهٔ سال۷۱۹ بسید نجم‌الدین مهنابن سنان بن عبدالوهاب حسینی « تهذیب واستبصار » را اجازه داده است (اجازات بحار ص ٥٣) .

شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی دراجازه‌ایکه در٦ محرم سال ۹۱٥ بشیخ شمس‌الدین محمدبن ترکی داده است از اجازه دادن فخرالمحققین پسر علامه « تهذیب » را بشمس‌الدین محمدبن صدقه در ۱٥ ذیقعدهٔ سال ٧٥٨ یاد نمود (ص ۷۳)

شیخ علی بن عبدالعالی کرکی بقاضی صفی‌الدین عیسی در۱۰ رمضان ۹۳۷ درسپاهان « تهذیب » را اجازه داده است .

شهیددوم در ۹۵۷ بشیخ ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی «تهذیب واستبصار» را اجازه داده است (۸۳)

دراجازهٔ شهید دوم بسال ۹۴۱ بشیخ حسین بن عبدالصمد عاملی پدر بهائی و اجازهٔ پسر شهید دوم بسید نجم‌الدین بن سید محمد حسینی رشتهٔ سند روایت «تهذیب و استبصار» بدست میآید بدینگونه: شیخ ابومنصور حسن پسر شهید دوم از چهار تن: نورالدین علی بن حسین بن ابی‌الحسن عاملی و حسین بن عبدالصمد پدر بهائی و نورالدین علی بن فخرالدین هاشمی و احمد بن سلیمان عاملی، همه از شهید دوم از نورالدین علی بن عبدالعالی میسی از شمس‌الدین محمد جزینی از پسر شهید یکم ضیاءالدین علی از شهید یکم از فخرالمحققین محمد از پدرش علامهٔ حلی از نجم‌الدین ابی‌القاسم جعفر از شمس‌الدین فخار بن معد موسوی از شاذان بن جبرئیل قمی از ابوعلی از پدرش شیخ طوسی (ص ۸۸ و ۹۸).

ابن خاتون محمد بن احمد بن نعمة‌الله عاملی در مکه در ۱۳ جمادی دوم ۱۰۰۹ روی نسخه‌ای از تهذیب که امیر اشرف محمد بن شهاب الجوزی نوشته‌است گواهی داده‌است که نسخه را کسی (گویا همین جوزی) نزد او خوانده است (فهرست طوس ۱ : ۲۳ ش ۷۲).

مجلسی یکم در پایان نسخه‌ای از جلد یکم تهذیب که سید امیر محمد مهدی حسینی نوشته بود برای همو بسال ۱۰۶۲ اجازه نوشته است (ذریعه ۱ : ۱۶۳).

همین مجلسی برای مولی محمود بن محمدمقیم طبسی در سالهای ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶ روی نسخهٔ تهذیب او اجازه نوشته است (ذریعه ۱ : ۱۵۱ و ۱۵۵) و همو برای مولانا محمود بن غلامعلی طبسی در نسخه‌ایکه او در ربیع یکم ۱۱۰۹ نزد همین مجلسی تصحیح و مقابله نموده بود اجازه نوشته‌است (طوس ۵ : ۵۶) همین مجلسی بر نسخه‌ای از تهذیب برای مولانا محمد باقر جزی (گزی) در جمادی یکم ۱۰۷۴ اجازه نوشت (همانجا) مجلسی در ربیع دوم ۱۰۹۰ و محرم ۱۰۹۸ و حر عاملی در یکم شعبان ۱۰۹۲ برای حاج ملامحمد علی مشهدی روی نسخه‌ای از تهذیب که نزد آندو خوانده است اجازه نوشتند. همین مشهدی دو اجازه دیگر هم از مجلسی گرفته که هردو را همو روی نسخه دیگری از تهذیب که همان مشهدی

نزد او تصحیح نموده است نوشت و یکی از آنها تاریخ ۱۴ جمادی یکم ۱۰۹۶ دارد (همان فهرست ص ۶۲).

رشتهٔ سند را از مجلسی اگر بگیریم بدینگونه میشود: از مجلسی از شرف‌الدین علی بن رحمة‌الله حسنی حسینی شولستانی نجفی از امیر فیض‌الله بن امیرعبدالقاهر حسینی تفرشی از شیخ محمد عاملی از پدرش ابومنصور حسن پسر شهید دوم (اربعین مجلسی ص ۳ چاپ سنگی ایران در ۱۳۰۵ با خرائج و کفایة‌الاثر)

شیخ طوسی خود گواهی میدهد که پسرم این کتاب را در ۴۴۷ از من شنیده است. چنانکه در گ ۱ الف ش ۶۴۸ این کتابخانه دارد:

صورة خط المصنف علی اصله: «هذه المجلدة السادسة اولها کتاب العتق والتدبیر والمکاتبة من تهذیب الاحکام تصنیف محمد بن الحسن بن علی الطوسی رضی الله عنه».

نسخة اجازته لولده: «سمع کتاب العتق ولدی ابوعلی الحسن بن محمد حبوه الله بقراءة ابی الحسن القمی و کتب محمد بن الحسن الطوسی فی جمیدی الاولی من سنة سبع واربعین واربع مائة».

در کنار برگ ۱۴ ب همین شماره دارد: «تم کتاب العتق والحمدلله وحده یلیه کتاب الایمان والنذور والکفارات (زیادة بخط الشیخ علی مافیها وقال الخ)». نیز: «سمع جمیع کتاب الایمان بقراءة ابی الحسن علی بن متویة القمی ولدی ابوعلی الحسن بن محمد و کتب محمد بن الحسن بن علی الطوسی فی رجب من سنة سبع و اربعین و اربعمائة» (کذا فی نسخة ع ا ر ه) (نیز در گ ۶۴ ب ش ۵۸۵ در ۵۶ ب دارد: صورة اجازة الشیخ ره لولده «سمع جمیع کتاب الوقوف ولدی ابوعلی الحسن بن محمد بقراءة ابی الحسن علی بن متویة القمی و کتب محمد بن الحسن الطوسی فی سبع و اربعین و اربعمائة» در گ ۱۸۶ الف ش ۶۴۰ چنین آمده است:

صورة ماوجد بخطه رحمه‌الله: «وسمع کتاب الفرائض ولدی ابوعلی الحسن بن

«محمد خیرهالله من اوله الی آخره و کتب محمد بن الحسن بن علی الطوسی فی شهر ربیعی سنة سبع و اربعین و اربعمائة » در گ ۲۰۲ ب همین شماره باز چنین دیده میشود :

«صورة ما فی نسخة الشهید الثانی قدس سره نقل من نسخة بخط المصنف ما هذا لفظه . وسمع کتاب الحدود بقراءة ابی الحسن القمی ولدی ابوعلی الحسن بن محمد خیرهالله و کتب محمد بن الحسن الطوسی فی غرة جمادی الاولی سنة سبع واربعین واربعمائة . والحمدلله رب العالمین .» در پایان حدود در ۲۱۸ ب همین شماره نیز آمده است .

«بخط الشهید الثانی قدس الله روحه : قوبل من اول کتاب الصید الی هنا بخط مصنفه الشیخ ابوجعفر الطوسی قدس سره فی مجالس آخرها لیلة الاحد خامس شهر ربیع الاول سنة ستین و تسعمائة و انا الفقیر زین الدین ابن علی بن احمد حامداً مصلیاً» در برگ ۱۴ ب ش ۶۳۸ نیز دارد . « کذا بخط المصنف قدس الله روحه کتاب الایمان والنذور والکفارات من تهذیب الاحکام تصنیف محمد بن الحسن بن علی بن محمد الطوسی ـ کذا فی نسخة ع آ ه .»

ارزش تهذیب در روزگار صفویان بسیار گشت و در سدهٔ ۱۱ و ۱۲ شانزده گزارش بر آن نوشتند و در سه سدهٔ ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ بیست حاشیه بر آن نگاشتند (ذریعه ۴ : ۵۰۵ و ۶ : ۵۱ ـ فهرست معارف ۱ : ۶۰)

دربارهٔ مشیخهٔ تهذیب و استبصار در ص ۱۰۸۶ سخن رفته اینک این نکته یاد میشود که سید هاشم بن سلیمان بحرانی توبلی کتکانی (م ۱۱۰۷) « تنبیه الاریب و تذکرة اللبیب فی ایضاح رجال التهذیب » نوشته و اسانید تهذیب را روشن کرده و سرگذشت رجال آنرا بخوبی یاد نمود .

پس از او شیخ حسن بن محمد بن علی بن خلف بن ابراهیم بن ضیف الله بحرانی دمستانی گزینی بسیار نیکو از همین تنبیه کرده و بدان نام « انتخاب الجید من تنبیهات السید » داده و در ۸ جمادی یکم سال ۱۱۷۳ آنرا بپایان رسانده (ش ۹۹۵ این کتابخانه در ص ۶۸۸ ج ۲ فهرست آقای منزوی ـ ذریعه ۲ : ۳۵۸ و ۴ : ۴۴۰)

همین توبلی « ترتیب التهذیب » در چند جلد نوشته و هر حدیثی را در بابی که شایستگی دارد یاد نموده و پاره‌ای از نادرستی‌های تهذیب را روشن بداشت . این را یکی از دانشمندان روزگار او « تخریب التهذیب » نامید . توبلی باز همین ترتیب را خود گزارش نمود . (روضات ۷۵۷ ـ ذریعه ۴ : ۶۴)

تهذیب در هفت جزء و ۲۰ کتاب است و بابهای آن ۳۹۳ و حدیثهای آن ۱۳۵۹۰ میباشد . و با مشیخه و اسناد ۲۱ کتاب میشود (مستدرک نوری ۷۵۶ ـ ذریعه ۴ : ۵۰۴ ـ فهرست طوس ۵ : ۵۵ ـ سپهسالار ۱ : ۲۳۵)

تهذیب یکی از چهار کتاب سه دانشمند محمد نام پیشین (کلینی و قمی و طوسی) است . در آن و استبصار گاهی همهٔ سند را مانند کافی کلینی یاد نمود و گاهی آغاز سند را انداخته پارهٔ دیگر آنرا مانند من لایحضر قمی و نهایهٔ خود آورده است (روضات ص ۵۶۰ ـ مستدرک ۷۱۹)

کلینی در کافی حدیثها را از مشایخ و خواجگان خود روایت کرده و آنها را بنگارندگان اصلهای چهارصدگانه رسانده . قمی در من لایحضر خبر را براویان همان اصلها که از زبان امام آنها را شنیده بودند رسانده است . دانشمندان دیگر خبرها را بهمان اصلها و کتابها رسانده‌اند . طوسی برخلاف همهٔ اینها رفتار کرده رشتهٔ سند روایتها را بنگارندگان کتابهائی رسانده که در آنها از اصول چهارصدگانه و جز آن که در روزگار امامان و پس از آنها نوشته شده است بهره برده‌اند . چون در دو روشی که قمی و طوسی پیش گرفته بودند خبرها مرسل میشد و رشتهٔ سند پیوسته نبود و طریق روایت « وجاده » میگشت این بود که هر دو مشیخه‌ای نوشتند و شیوخ و خواجگان روایت خود را از نخستین کسیکه از او روایت میکنند تا برسد براوی اصل و دارنده و نگارندهٔ کتابها و اصلهای چهارصدگانه در آن یاد کردند . گرچه طوسی در پاره‌ای از روایتها تنلم یکی یا دو راوی را انداخته و خبر را مرسل ساخته و از کتابهائی هم گرفته که آنها از کتابها دیگر گرفته شده‌اند و میان نگارندگان این کتابها هم پیوستگی نیست و طوسی بدین گسیختگی

اشاره هم نشود و خبر را بساخت معنعن یاد کرد پس مشیخه او این رخنه‌ها را بر میکند (روضات ص ۵۵۸) و کتاب او با این مشیخه مانند کافی که در بیشتر جاهـا رشته سند را بدست داده است (ص ۵۵۹) نخواهـد شد . گذشته از این در تهذیب خبرها خوب مرتب نشده و هر حدیثی در جای خود یاد نگردیده و باید همه جاها را گشت و خبرهای یك مسئله فقهی را یافت . این بود که کاشانی و عاملی و مجلسی بنوشتن وافی و وسائل و بحار پرداختند و تویلی و دیگران خواسته‌اند بتهذیب سروسامانی دهند (ص ۵۵۷) .

طوسی در آغاز تهذیب از اختلاف و ناساز کاری اخبار که میان او و یکی از یارانش از آن سخن رفته بود یاد میکند و میگوید که همین مایهٔ نکوهش دشمنان ما گشته‌است . چنانکه « شیخنا اباعبدالله ایده‌الله » گفته‌است یکی از همکیشان ما ابوالحسن هارونی ، روی همین خبرهای ناساز گار از آئین امامی روی گرداند چه اینکه راه سازش دادن آن خبرهارا ندانست . پس باید در این زمینه کتابی ساخت و این راه را نشان داد . دوستی از من خواست که « مقنعهٔ » استادم « شیخنا ابی عبدالله » را بگیرم و بیرون از مبادی کلامی که در آغاز آنست ، مسئله‌هـای فقهی آنرا یکایك با قرآن و سنت قطعی متواتر یا محفوف بقرائن و اجماع مسلمانان یا شیعیان و از روی حدیثهای شیعی مدلل سازم سپس خبرهای مخالف هر مسئله‌ای را با آن آشتی دهم و میان آنها جمع کنم یا اینکه سستی آنهارا روشن بدارم من در این گزارش بر « مقنعه » چیزی نمی‌افزایم و امیدوارم پس از این دفتری بسازم که همه حدیثهای یاران خودمان (اصحابنا) را در آن گزارش دهم .

او در آغاز « خاتمه » یا « مشیخه » مینویسد که ما در آغاز کتاب گفته بودیم که بهمان گزارش « الرسالة المقنعة » بس میکنیم و در هر مسئله دلیلهائی از ظواهر و آنچه بعلم برساند میآوریم سپس پاره‌ای از خبرهـای مخالفان ما میپردازیم آنگاه آنچه را که بحدیثهای یاران بستگی دارد یاد میکنیم و با آوردن خبرهای

اتفاقی و اختلافی میان آنها را جمع میکنیم . در بیشتر کتاب طهارة این کار را کردیم ولی دیدیم که سخن بدراز ا کشید و کتاب هم با این روش بریده و آشفته و نارسا خواهد شد . پس از آن در گذشتیم و همان حدیثهای متفق و مختلف یاران خودمان را آوردیم . سپس دیدیم که اگـر بدین روش بخوبی بپردازیم و آنچه باید و شاید بگوئیم بهتر خواهد بود از اینکه سخن بدراز ا کشانیم پس از آن بر گشتیم و آنچه را که نیاوردیم و از آن کاستیم در « باب زیادات » افزودیم .

از آغاز کار بهمین بس کردیم که در هر خبر یکه میآوریم نگارندهٔ کتابیکه خبررا از آن گرفتیم یا دارندهٔ اصلی که حدیث را از آن برداشتیم یاد کنیم و در بارهٔ آنچه که بحدیثهای اختلافی و اتفـاقی یاران ما بستگی دارد سخت کوشیدیم که از چیزی باز نمانیم و راه تأویل را هم در خبرهای اختلافی نمودیم آنچنانکه در آغاز کتاب پیمان بسته‌ایم که بکنیم . تأویل را هم سرسری نکردیم بلکه آنرا از خبری در آوردیم که میان دو خبر ناساز گار داوری کند و خبرهای اتفاقی را هم برای این آوردیم که هر کس بتواند آنرا پایه و مایهٔ فتوای خویش سـازد . پس از این میخواهیم راههـای روایت آن اصـول و آن مصنفـات را نشان دهیم تا خبرهائیکه آوردیم مرسل نشود و مسند گردد و میکوشیم که سخن در این باره هرچه کوتاه‌تر باشد . شاید خداوند یاری کند و آسایشی دهد که آنچه در آغاز کتاب کرده‌ایم و بپایان نبرده‌ایم بهمـان روش دوبـاره از سر گیریم و آنچه باید و شاید بیاوریم و گزارش دهیم .

از اینجا بخوبی برمیآید که طوسی شالودهٔ استبصار و مبسوط و خلاف را در همین سخنان ریخته و در سر داشت که آن کتابها را هم بنویسد . در این کتاب جز فهرست خویش نگارش دیگری از خود یاد نشود و پیداست که تهذیب نخستین دفتری‌ست که او پرداخت و چنانکه یاد شد نزدیك پنج سال در آن کار کرده‌است . او تا نیمه‌های کتاب طهارة (پایان باب ۱۳ تلقین المحتضرین) در بارهٔ شیخ مفید « قال الشیخ ایده‌الله » مینویسد و از آغاز کتاب صلوة است که میگوید « قال الشیخ

رحمه‌الله ، و از اینجا برمیآید که او یکی دو سه سال پیش از مرگ استاد بدین کار پرداخت .

او تا پایان از متن مقنعه پاره‌ای میآورد آنگاه بیاد کردن خبرها میپردازد مگر اینکه در دو جلد نخستین بخوبی پیداست که این کتاب مانند گزارشی است بر مقنعه و در جلد سوم عبارتهای آن گاهی دیده میشود و از مفید هم گاهی یاد میگردد

اینك از شعرها که در ستایش چهار کتاب و طوسی سروده‌اند می‌بینیم :

دین را کتب اربعه چون جان باشد
این چار کتاب رکن ایمان باشد
هنگام جهاد نفس این چهار کتاب
چار آینهٔ صاحب عرفان باشد

٭٭٭

ای آنکه ترا غلط روی عادت وخواست
رو کن برهی که منزل رحمت او است
میخوان کتب اربعه کز وی هر سطر
راهی است که میرود تا در دوست

(از اجازهٔ محمد طاهر بن محمد حسین قمی در ۷ ذیقعدهٔ ۱۰۸٦ بمجلسی دوم - ص ١٦٤ اجازات بحار) .

در برگ ۱ الف ش ٦٣٥ از تهذیب این شعرها در ستایش از طوسی بخط نگارندهٔ روضات دیده میشود :

هذبت یا طوسی دین محمد — بکتاب الاستبصار والتهذیب
واتیت فی التبیان کل نهایة — وازلت عنا ریب کل مریب
وبسطت فی المبسوط کل مسائل — الخلاف ومن خالفك غیر مصیب
فسقی الاله ثراك مادر الحیاء — فلقد انرت لنا بمصباح القلوب

٭٭٭

رحمات مولانا و بارئنا علی — روح المصنف فی مدی الازمان
احیی من الاخبار ما هو میت — بکتابه ذا فهو کالمرجان
فعلیك یا طوسی الف تحیة — ماغنت الورقاء فی الاغصان

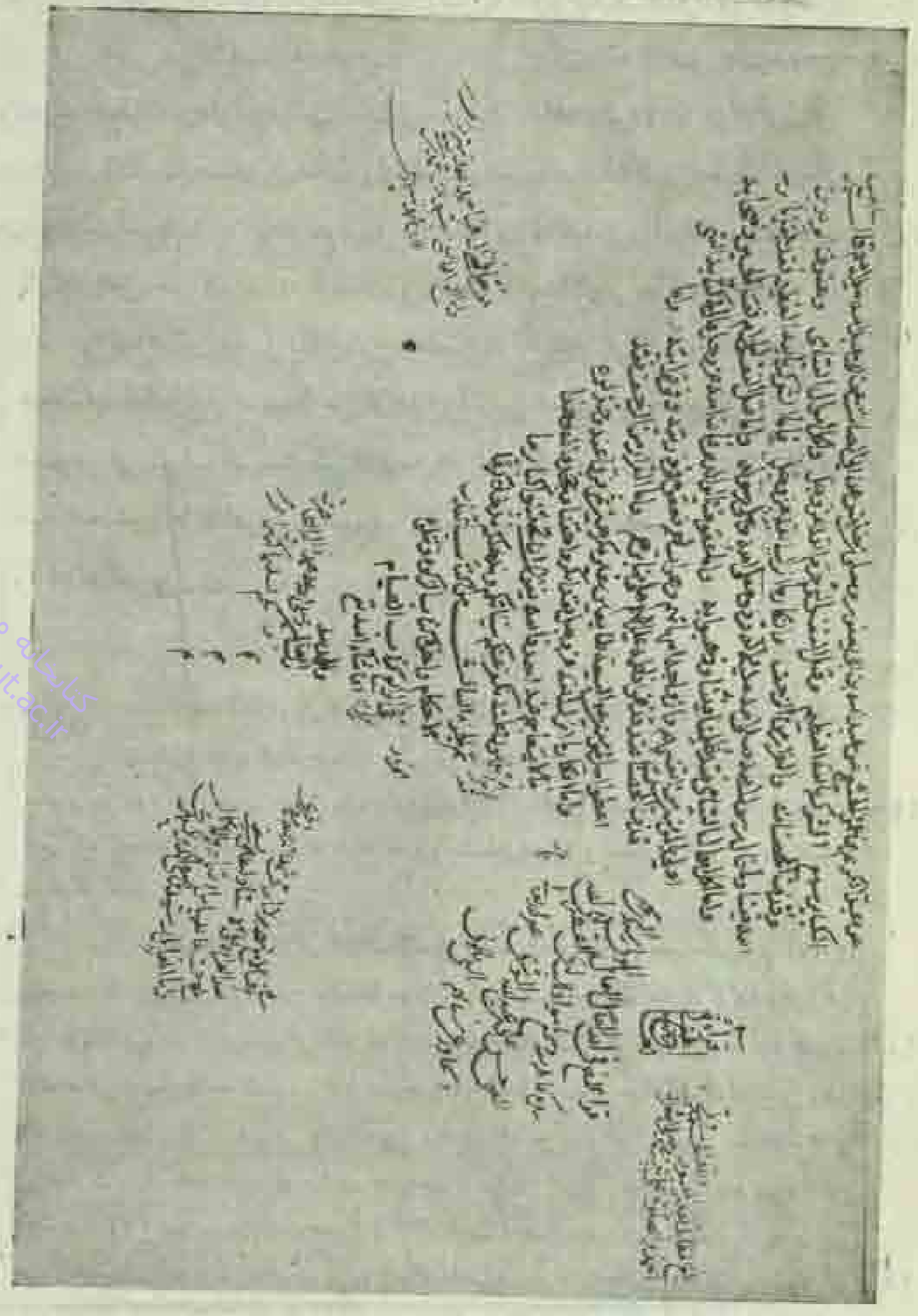
آغاز : بسمله . الحمدلله ولی الحمد ومستحقه ... ذاکرنی بعض الاصدقاء ... باحادیث اصحابنا . . وماوقع فیها من الاختلاف والتباین والمنافاة والتضاد حتی لایکاد یتفق خبر الاوبازائه مایضاده ولایسلم حدیث الاوفی مقابلته ماینافیه .

انجام : ولتفصیل ذلك شرح یطول هومذکور فی الفهارست المصنف فی هذا الباب للشیوخ رحمهم‌الله من اراده اخذه من هناك انشاءالله وقد ذکرنا نحن مستوفی فی کتاب فهرست کتب الشیعه (والحمدلله رب العالمین و صلی‌الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین (وسلم) - والحمدلله وحده والصلوة علی سیدنا محمد و آله الطاهرین) .

[۱٤۰۲]

٥٨٣ این نسخه جزء ۱و۲و۳ وجلد یکم (طهارة - زکوة) است و بسخ باعنوانها و نشانه های شنگرف که حسن بن شیخ حسین شیر بقرابات نخعی در روز یکم ربیع دوم گویا سال ۹۹۰ بپایان رسانده (۱۳۳ الف) . متن مقنعه در هامش هست . نه برگ بخط تازه‌تری است که شیخ حسین مشهدی افزوده و نسخه را کامل کرد و شمارهٔ ده مکرر شد .

در پایان طهارة (۵۱الف) رشیدالدین محمد بن صفی الدین محمد سپهری زواری مینویسد که من آن را بارهٔ دوم با نسخهٔ مولانا حاجی محمد رحمه‌الله مقابله کردم و در آخر آن نوشته بود که با نسخه‌هائی مقابله شده و در پایان یکی از آنها نوشته بود که با نسخه‌هائی چند مقابله شده در ۱۷ محرم ۹٥٤ بخط احمد بن عبدالحسین شیبانی . در ٥٥ الف دارد : « شرعت فی مقابلته من هنا عندالشیخ بهاءالدین محمد سلمه ا. » و این عبارت باید بخط سپهری باشد . همچنین « من هنا شرع رفعه‌الله - خط بهاءالدین محمد » (۷۷ ب) - در پایان صلوة (۱۳۳ الف) همان سپهری مینویسد که چون من پس از خواندن آن نزد استاد دریافتم اندك غلطی مانند فاء بجای واو وجز اینها در آن مانده است باز دوباره در ۲۰ جمادی دوم ۱۰۳٦ آنرا با نسخهٔ « مولانا حاجی محمد رحمه‌الله» مقابله کردم . او در شب ۳ شعبان ۱۰۳۱ پس از مقابله پدر او در روز چهارشنبه



گ ۱۴۹ ب ش ۵۸۳ تهذیب

۲۰ رجب ۱۰۱۲ برای نخستین‌بار با همان نسخه مولانا حاجی محمد مقابله کرده بود واین حاجی محمدبن‌احمدالشریف نسخهٔ خودرا با نسخه‌ای مقابله کرده بود که درنجف روز پنجشنبه جمادی یکم سال ۹۹۳ مقابله شده بود و باز با نسخه‌ای که در آن بخط شهید نوشته بود که خواندن این را درروز سه شنبه ۲۴ ذیحجهٔ ۹۵۳ بانجام رسانده‌اند (بخط همان‌زواری) (در۷۹ الف‌هم گواهی‌شهید بر اینکه‌نسخه‌را باعرضهٔ برخط طوسی بتاریخ روزدوشنبه ۱۷ رمضان ۹۵۳ نزدم خوانده‌اند ازروی نسخه حاجی‌محمد دیده میشود) نیزدرنسخهٔ همان حاجی‌محمد بخط احمدبن عبدالحسین شیبانی درپایان ذیحجهٔ ۹۵۳ نوشته بود که این نسخه با نسخهٔ درست سراسر برابر شدهٔ با نسخهٔ اصل مقابله گردید.

درپایان زکوة (۱۴۹ ب) خط پدرسپهری وخود او هست و مینویسند که مقابله گردید وبازهمان سپهری گواهی میدهد که من آنرا پس‌ازخواندن نزد استاد با نسخهٔ مولانا حاجی محمد رحمه‌الله مقابله کردم. پس این نسخهٔ ما سه بار مقابله گردید.

در کنار بسیاری از برگها «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» و «بلغ قبالاً» و «بلغ قبالامرةاخری» (۵۱ الف ۵۵ب) دارد که همه بخط شیخ بهائی ومولی حسنعلی شوشتری است. در۱۳۳ الف پس‌ازاین‌عبارتها دارد: «وکتب‌الفقیر الی‌الله حسن‌علی‌بن‌عبدالله». در ۱۴۹ ب پس‌ازآن عبارت دارد: «قرا الاخ فی‌الله‌الفاضل‌العامل‌المولی رشیدالدین محمدعلیه‌کاملةمنه وسمع ماسواذالک لدی‌الفقیرالی الله‌الغنی حسن‌علی‌بن‌عبدالله‌الشوشتری غفرالله تعالی وتجاوز عن سیأتهم بالنبی والولی».

حواشی بسیاری بنستعلیق درنسخه هست از آنها است با نشانهٔ «عب بخطه» و «عب رحمه‌اه» و «ع ا ه سلمه‌الله» و «من بهاءالدین سلمه‌اه» (۶۸ الف).

شیخ حسین مشهدی دارندهٔ این نسخه ودونسخهٔ ۵۸۴و۵۸۵ درروی برگ سفید نخستین مینویسد که این‌نسخه‌سه جلد وهمه بخط یک‌نویسنده‌است وازتاریخ نوشتن‌آن که در ۹۹۰ میباشد تا این تاریخ ۱۳۶۰ در یک جلد بود و بسیار کلفت و بآسانی نمیشد ازآن بهره برد ومن با هزینه‌ای که کرده‌ام کمبودی آغاز آنرا برداشتم و سه تومان دیگرهم دادم و آنرا در سه جلد گذارده‌ام و این نسخه برای من یازده تومان ایرانی‌میارزد وخواهش میکنم دیگران که پس‌ازاین، نسخه‌ها رانگاه میدارند از هم جدا نسازند و یکجا نگاه بدارند.

بازاودربارهٔ صحت‌این‌نسخه‌ومقابله‌هائیکه شده چندسطری مینویسد. اودررویهٔ برگ سفید دوم در ۲۸ ربیع دوم ۱۳۲۹ دربارهٔ صحت نسخه و اینکه مولی حسنعلی شوشتری از استادان مجلسی میباشد (پایان وسائل وفیض قدسی) سطرهائی بتازی

نوشته است و در اینجا مینویسد که تاریخ نوشتن نسخه ۹۷۲ است (جلد سوم) و من آنرا به هشت تومان ایرانی خریده‌ام .

آغاز : بسمله ، وبه نقتی . الحمدلله ولی الحمد ... (مانند چاپی) .

انجام : ویدخلکم مدخلا کریماً . تم الجزء الثالث من کتاب تهذیب الاحکام و آخره کتاب الزکوة ویتلوه فی الجزء الرابع کتاب الصیام والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین وسلم تسلیماً کثیراً .

(۳+۱۴۹ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه : ۲۵×۳٦ و ۱۵×۲۷/۵ س ۴۱

[۱٤۰۳]

٥٨٤ این نسخه جلد دوم (صیام ـ اجارات) و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف حسن بن شیخ حسین نخعی شهیر بغرابات که در نیمهٔ روز دوشنبه ۲۳ جمادی یکم و روز شنبه ۱٦ جمادی دوم ۹۹۰ و ۹۹۱ بپایانش رسانده (گ ۷٦ الف و ۹۱ الف و ۱٤۹ ب) .

حاشیه‌هائی بستعلیق دارد ودر برخی جاها با نشانهٔ «ص بخطه» یا «ع‌اه رحمه‌الله» واین حاشیه‌ها ازمولی عبدالله شوشتری میباشد (۷٦ الف و ۱٤۹ ب) .

بلاغهائی بدینگونه «بلغ قراءه ایده‌الله تعالی» هست وخودمولی حسنعلی پسرمولی عبدالله گواهی میدهد که رشیدالدین محمد زواری آنرا نزد من خوانده است بدینگونه «قدبلغت قراءة المولی الاولی الفاضل المتقی مولانا رشیدالدین محمد الزواری لدی الفقیر الی ربه الغنی ابن عبدالله (الشوشتری) حسن علی» (۲۱ ب) یا مانند آن (۷٦ الف و ۹۱ ب و ۹۸ ب و ۱۱٤ ب و ۱٤۹ ب) .

پدر همین رشیدالدین آنرا با نسخهٔ مولانا حاجی محمد و نسخه‌های درست دیگر در ۳ و ۱۵ شعبان ۱۰۱۲ مقابله نمود وخط او هست و پسر بدان گواهی داده است . خود اوهم دوباره آنرا پس ازخواندن نزداستاد با نسخهٔ حاجی محمد مقابله نموده است (۲۱ ب و ۷٦ الف و ۹۱ ب و ۱۱٤ ب و ۱٤۹ ب) این رشید آنرا با نسخهٔ مولانا عبدالله رحمه‌الله دریکم رمضان ۱۰۳۱ هم مقابله کرده است (۱۱٤ ب و ۱٤۹ ب) . چنین است نسخه :

آغاز : بسمله . وبه‌استعین . رب یسر واعن . کتاب الصیام . باب فرض الصیام .

انجام : فقال لاباس بذلک ان کانت الجاریة للقابل تم الکتاب . . ویتلوه . . . کتاب النکاح .

(۱۴۹ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی طوالی
اندازه : ۲۵×۳۷ و ۱٦×۲۸ س ۴۱

[۱٤۰٤]

٥٨٥ این نسخه جلد سوم (نکاح ـ دیات) وبنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف است و « حسن بن الشیخ حسین الشهیر بالغرابات النخعی » در ۲۲ رمضان ۹۹۲ وروز ۲۹ رجب ۹۹۱ نوشتن آنرا بانجام رسانده (۳۱ الف و۱٤۷ الف و۱٤۸ الف) . نسخه چندبار با نسخهٔ بسیار درست و بیمانند مولانا حاجی محمد مقابله شده در نجف وبا نسخهٔ «شیخ زین‌الدین رحمه‌الله» که در کربلا با نسخهٔ طوسی درشب یکشنبه ۹٦۰/۱٤٥ مقابله کرده بود و با نسخهٔ «مولانا احمد اردبیلی رحمه‌الله» و با نسخهٔ «مولانا عبدالله شوشتری رحمه‌الله» وبا نسخهٔ «شیخ حسین بن عبدالصمد رحمه‌الله» بکوشش رشیدالدین محمد بن صفی‌الدین محمد مرشدی سپهری زواری شاگرد همین شوشتری مقابله گردید وخودسپهری مینویسد که آنرا خواندم و دوبار مقابله کردم و جدینهارا درست نمودم . پدرسپهری آنرا با نسخهٔ مولانا حاجی محمد مقابله کرده بود (۳۱ الف) نسخهٔ اردبیلی هم با نسخهٔ شهیددوم و نسخهٔ مقابله‌شدهٔ با نسخهٔ دارای خط علامه وخوانده شدهٔ بر سیدمحمد بن عبدالمطلب وبا نسخه‌های دیگر مقابله شده بود (۵۷ الف و٦٤ ب و ۷۰ الف و ۷٦ ب و ۹٦ ب و ۱۱۲ الف و ۱۲۸ ب و۱٤۷ الف و ۱٤۸ ب) ـ چنین است آغاز نسخه :

بسمله . وبه‌نستعین . یارب سهل ولاتعسر . کتاب النکاح . باب السنة فی النکاح .

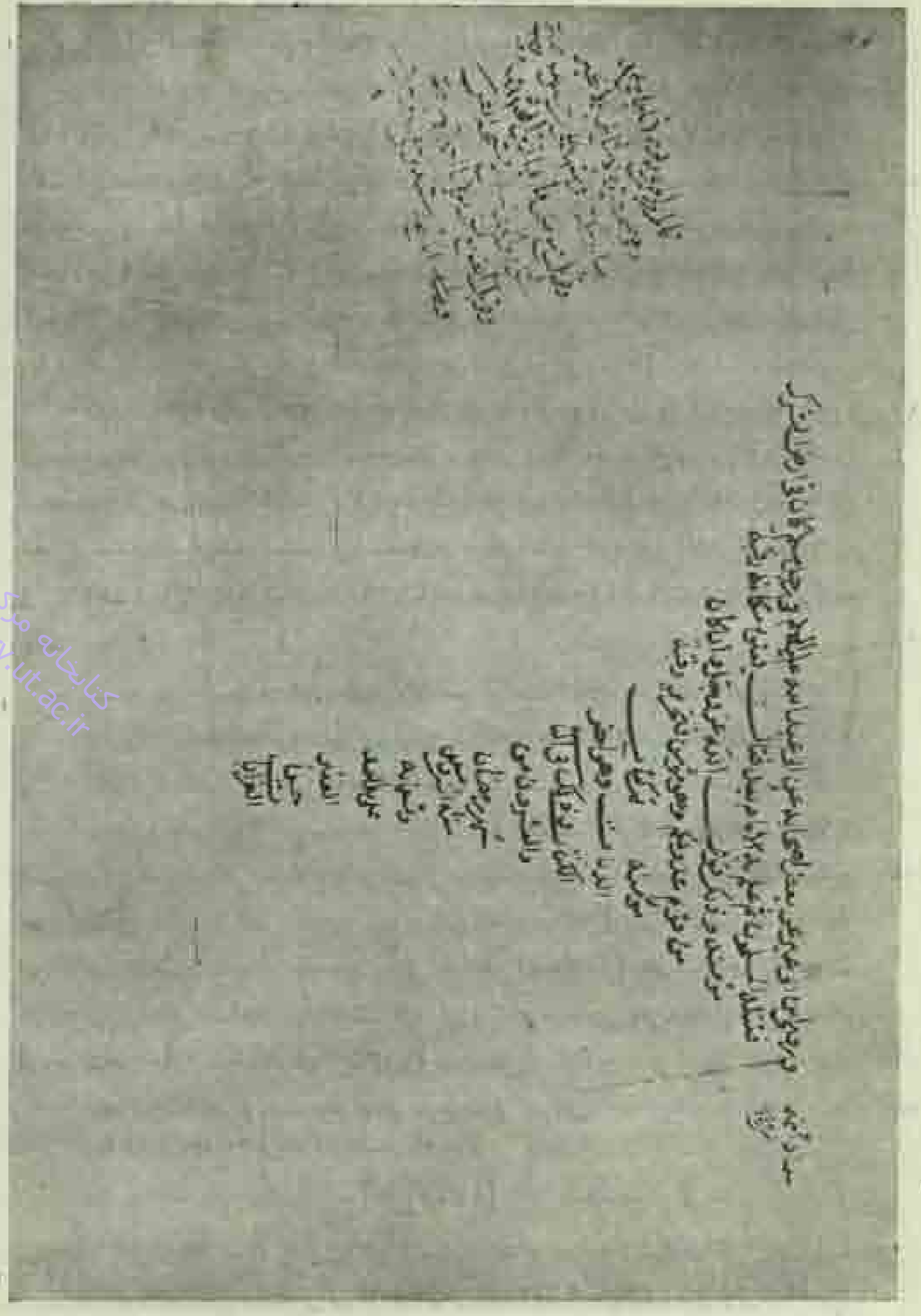
بسیاری ازجاها حاشیه دارد بنستعلیق وگاهی بانشانه «عب رحمه‌الله» (۹ الف و ۱٤ ب و ۳۰ الف و۳۵ ب) تصحیحات درهامش هست .

درخیلی جاها در کنار صفحه‌ها «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» نوشته شده ودر ۳٦ الف دارد : قد بلغت قراءة الاخ الاعز المولی رشیدالدین محمد محصا وتبیینا لدی فقیر عفوالله حسن علی بن عبدالله . تجاوز عن سیآتهما » و مانند آن در (۵۷ الف) و همهٔ این بلاغها بخط او است و او همان مولی حسنعلی (م ۱۰۷۵) پسرهمان مولی عبدالله شوشتری سپاهانی میباشد که دانشمند فقیه بوده است و نامش ابی‌الحسن علی میباشد (روضات ص ۳٦۰ ـ مستدرک ۳ : ٤۱۳) .

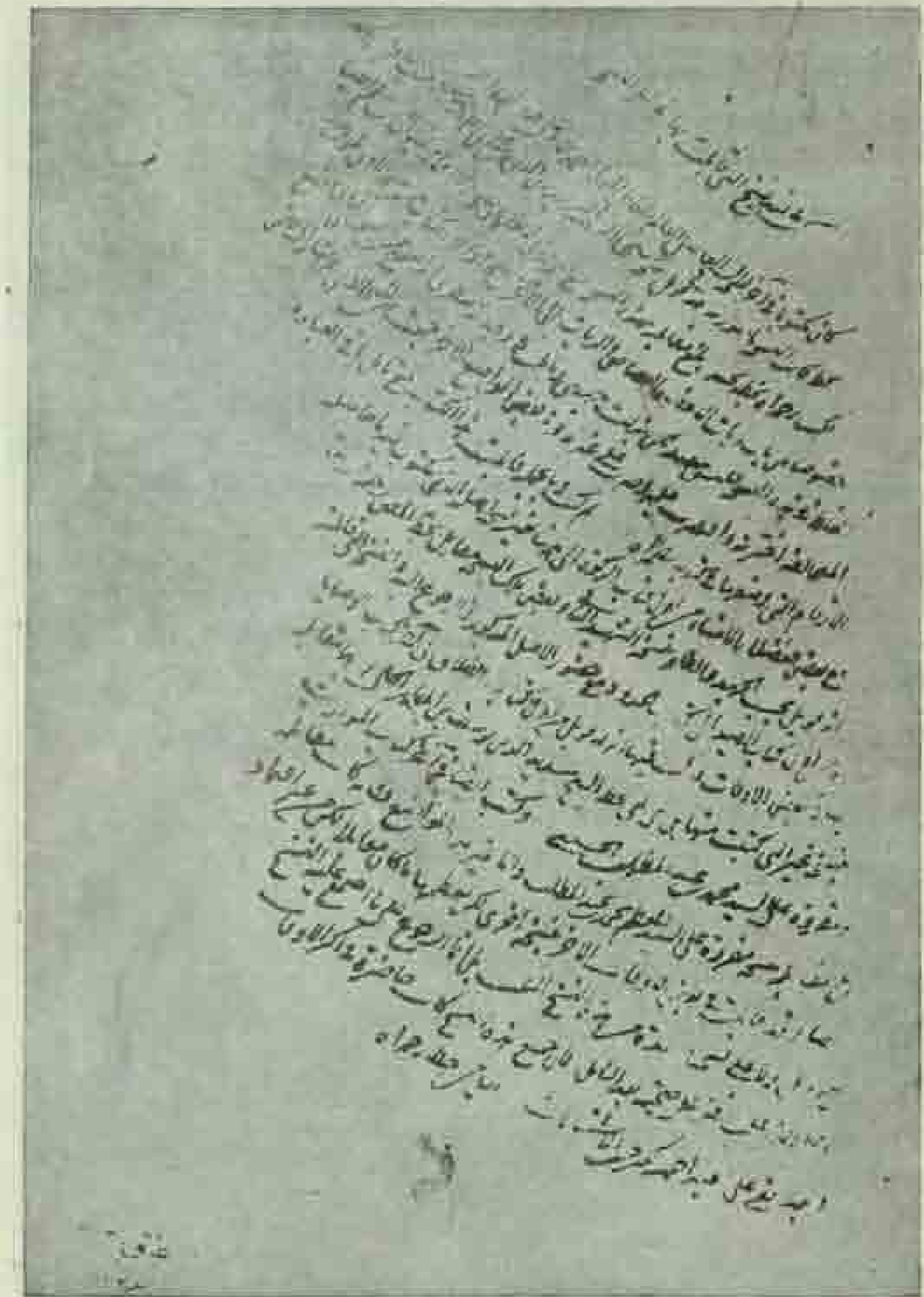
(۱۴۸ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی طوالی
اندازه : ۳۴×۳۷ و ۱۵/۵×۲۸ س ۴۱

[۱٤۰۵]

٥٨٦ این نسخه بسیار پاکیزه ش ۲ دفتر است و از آغاز تهذیب تا پایان صلوة و بخط نسخ محمد زکی با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ومتن زیرخط سرخ و۳۵ کراسهٔ هشت برگی وشمارهٔ ابجدی هر کراسه‌ای در گوشهٔ راست بالای آغاز آن



گ ١٤٧ الف ش ٥٨٥ تهذیب



گ ١٤٨ ب ش ٥٨٥ تهذیب



گ ۱۴۸ پ ش ۵۸۵ تهذیب

گرامه نوشته شده‌است . فهرست در ۲ پ ـ ۳ الف از برگهای بشماره نیامده و کتاب در ۱ پ ـ ۲۸۱ پ برگهای شماره‌دار میباشد .

حاشیه‌هائی است بتعلیق از کتابهای فقهی و پاره‌ای با نشانه‌های « م ق ر مدظله » یا «ق ر دام ظله العالی» و « م ت ق ر ه » و«ع ا ه طاب‌ثراه» که در ش ۶۳۸ کلید این رمزها را می‌بینیم . حاشیه‌ای بنام «شیخ حسن ره» هم‌هست (۲۸۲ الف) در ۲۸۲ الف محمد طاهر بن محمد زمان درروز آدینهٔ ۱۵ ذیحجهٔ ۱۱۰۰ مینویسد که از نوشتن حاشیه‌ها بیاسودم .

در ۱ الف دارد : شروع روز یکشنبه ۲۰ جمادی یکم ۱۱۲۹ و برگها ۲۸۱ واجزاء ۳۵ بدینگونه :

« الشروع فی یوم‌الاحد عشرین شهر جمیدی‌الاولی ۱۱۲۹ ـ الاوراق ۲۸۱ ـ الاجزاء ۳۵ » .

نیز دارد : « قد اشتریته لنفسی ولمن جعله‌الله بعدی فی غرة شهر ربیع‌الاول ۱۲۴۴ : محمد باقر بن زین‌العابدین الموسوی » (نیز در گ ۱ الف ش ۶۳۶) .

در ۲۰۱ الف دارد : « بلغ درسا فی مجالس ... » بتاریخ ۵ جمادی دوم ۱۱۳۰ در ۲۵۵ الف دارد : « بلغ درسا بعون‌الله تعالی فی ۲۴ شعبان ۱۱۳۰ » در ۲۸۱ ب محمد حسین بن محمد جعفر مینویسد « بلغ الدرس... الی هنا فی مجالس آخرها ... » در تاریخ پنجشنبه ۴ ذی‌قعدهٔ ۱۱۳۰ و آن دو بلاغ دیگرهم باید از او باشد .

محمد باقر بن زین‌العابدین موسوی (خوانساری نگارندهٔ روضات) در ۱ الف مینویسد که نسخه را در یکم ربیع یکم ۱۲۴۴ برای خودم خریده‌ام ومهر اوهم هست چنین است :

آغاز : بسمله ـ وبه استعین . الحمد اولی (لله ولی) الحمد (مانند چاپی) .

انجام : وان شئت فصل علیها . تمت الزیادات . والحمدلله رب‌العالمین (وصلی‌الله علی سیدنا محمد وآله‌الطاهرین وسلم تسلیما ویتلوه کتاب‌الزکوة ـ خ ل) وصلوته علی خیرته من خلقه محمد وآله‌الطاهرین . ویتلوه کتاب‌الزکوة (علی ید اقل خلق‌الله محمد زکی غفرالله ذنوبه) .

۴ (۲۸۴ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی با برگردان ـ درون تیماج سبز زرکوب   اندازه : ۱۸ × ۲۵ و ۱۰ × ۱۷/۵ س ۱۳

[۱۴۰۶]

۶۳۶ این نسخه جلددوم است وبهمانگونه خط محمد زکی وهمانگونه حاشیه‌های خط محمد طاهر ش ۶۳۵ و ۲۳ (کج) گرامه است مانند همان شماره .

در ۳ب ـ ٥ الف (برگهای بشماره نیامده) فهرست است بتاریخ ۱۷ ذیقعده ۱۱۳۱ و کتاب در ۱ ب ـ ۲۱٥ الف (برگهای شماره‌دار) حاشیه‌ها را محمد طاهر بن محمد زمان درنیمهٔ روز شنبه ۳۰ جمادی یکم سال ۱۱۰۲ بپایان رسانده (۲۱٥ الف) در ۱ الف دارد: شروع دراین‌مجلد روزشنبه ششم ذی‌قعده ۱۱۳۰ـ محمدجعفر در ۷۷ الف بخط خود گواهی میدهد که نسخه را برخود او درروز یکشنبه هشتم ربیع یکم سال ۱۱۳۱ خوانده‌اند. باز مینویسد که من این نسخه را درس گفتم و در درست ساختن حاشیه‌های آن ومقابلهٔ متن درمجلسهائی می نگریستم وبررسی میکردم که بازپسین آنها روز یکشنبه ۹ ذیقعدهٔ ۱۱۳۱ بوده است (۲۱٥ الف).

در ۱۸٤ الف بخط خوش از گفتهٔ مجلسی دوم وبتاریخ ربیع یکم سال ۱۱۷٤ چنین نوشته است که من چون دیدم که مردم بصوفیان بدعت گذار وحکیمان زندیق میپرداختند این بود که دربرابر آنها آثار امامان را درمیان آنها پیدا کردم با اینکه می‌شنیدم که دشمنان ومخالفان، ما را حشوی و خارجی میخوانند و من درهنگامیکه کتابهای چهارگانه وجز آنها را درس میگفته وباشاگردان دربارهٔ آنها گفتگو میکردم حاشیه‌هائی ازروی آنچه که ازدیگران شنیده‌بودم یاخود نوشته‌ها خوانده‌ام یابذهنم میرسید بر آنها می نوشتم. چون دراین کار شتابزدگی کرده‌ام امیدوارم که ازمن درگذرند.

محمد باقر بن زین‌العابدین موسوی (نگارندهٔ روضات) در ۱ الف مینویسد که من دریکم ربیع یکم ۱۲٤٤ نسخه را برای خودم خریده‌ام ومهر اوهم هست. در ۱ الف (بشماره نیامده) دارد: عاریه ازمیرزا ابوطالب خواجوئی.

چنین است:

آغاز: بسمله. کتاب الزکوة. باب مایجب فیه الزکوة. قال الشیخ رحمه‌الله والزکوة فی تسعة اشیاء.

انجام: وهوقریب مجیب وصلی الله علی خیرته ... وسلم تسلیماً کثیراً. تم کتاب الزیارات من کتاب تهذیب الاحکام ویتلوه کتاب الجهاد انشاءالله تعالی.

(۹+۲۱۷گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مانند ٦۳٥

اندازه: ۱۸×۲٥ و ۱۰×۱۷/٥ س ۲٥

[۱٤۰۷]

٦۳۷ این نسخه جلد سوم است و بهمانگونه خط شمارهٔ ٦۳٥ محمد زکی با همان حاشیه‌های خط محمد طاهر.

برگ ۲ ب ـ ۳ ب (بشماره نیامده) فهرست است بنستعلیق بارقم باب وحدیث که در کنار صفحه‌ها در برابر بابها وروی حدیثها هم هست و ۱ ب ـ ۲۲۸ الف (شماره دار) خود کتاب است.

محمد طاهر اصفهانی مینویسد که من حاشیه‌های جلد سوم را درروز پنجشنبه ٥ صفر ۱۱۰٤ بپایان برده‌ام (۲۲۸ الف). در ۱٥ ب بنستعلیق دارد:

«بلغ العرض متنا وحاشیة علی نسخة المخدوم المطاع الاستاد ادام‌الله تعالی ظلاله علی رؤس العباد بالنبی والوصی وآلهما الامجاد» در ٤۹ الف دارد که: با نسخهٔ «دعاگیحضرت المخدوم المطاع علامه العلماء فی الاقطاع ملاذی ... باقر علوم النبیین ادام‌الله ظلاله» (مجلسی ۲) درمتن وحاشیه درنیمهٔ روزپنجشنبه ۲۳ ج۱۱۱۰/۱ برابر شده‌است (همان نستعلیق).

نیز: «بلغ مقابلة وقراءة فی آخر شعبان ۱۱٥۹» و «بلغ بعون‌الله تعالی فی ۱۹ شهر محرم سنة ۱۱۳۲».

در ٦۷ الف دارد: «بلغ نظرا وتصحیحا وعرضا علی نسخة مخدومی العلامة دام ظله العالی فی ۲۷ شهر جمیدی الاولی ۱۱۱۰ـ «بلغ السماع منی بعون‌الله تعالی فی شهر صفر المظفر سنة ۱۱۳۲» دراینجوها بلاغها بنستعلیق است.

در ۱۲۲ الف گواهی برمرور و مقابلهٔ با نسخهٔ استاد در تاریخ ۲۳ رجب ۱۱۱۰ نوشته شده (همان نستعلیق) نیز گواهی برسماع در ٤ ع ۱۱۳۲/۲ ـ بلاغ ۱۸ ع ۱۱۳۲/۲ (۱۳۹ الف) بلاغ ۱۳ شعبان ۱۱۳۲ (۱۸٥ الف) بلاغ سماع ۲۱ ذیحجهٔ ۱۱۳۲ (۲۲۸ الف).

در ۱ الف بتازی نوشته است: (شروع دراین مجلد روز سه شنبه ۱۱ ذی‌قعده ۱۱۳۱).

در ۱ الف محمد باقر بن زین‌العابدین موسوی مینویسد که من نسخه را دریکم ربیع یکم ۱۲٤٤ برای خودم خریده‌ام و شمارهٔ برگها ۲۲۷ است. مهر اوهم هست دوبار (مانند شماره‌های ٥۳٥و٥۳٦) بازمینویسد که این نسخه باسه جلد دیگر درسهم برادرمرحومم از ارث مادری افتاده وسپس بمن رسید (بهمان خط ومهر او).

چنین است:

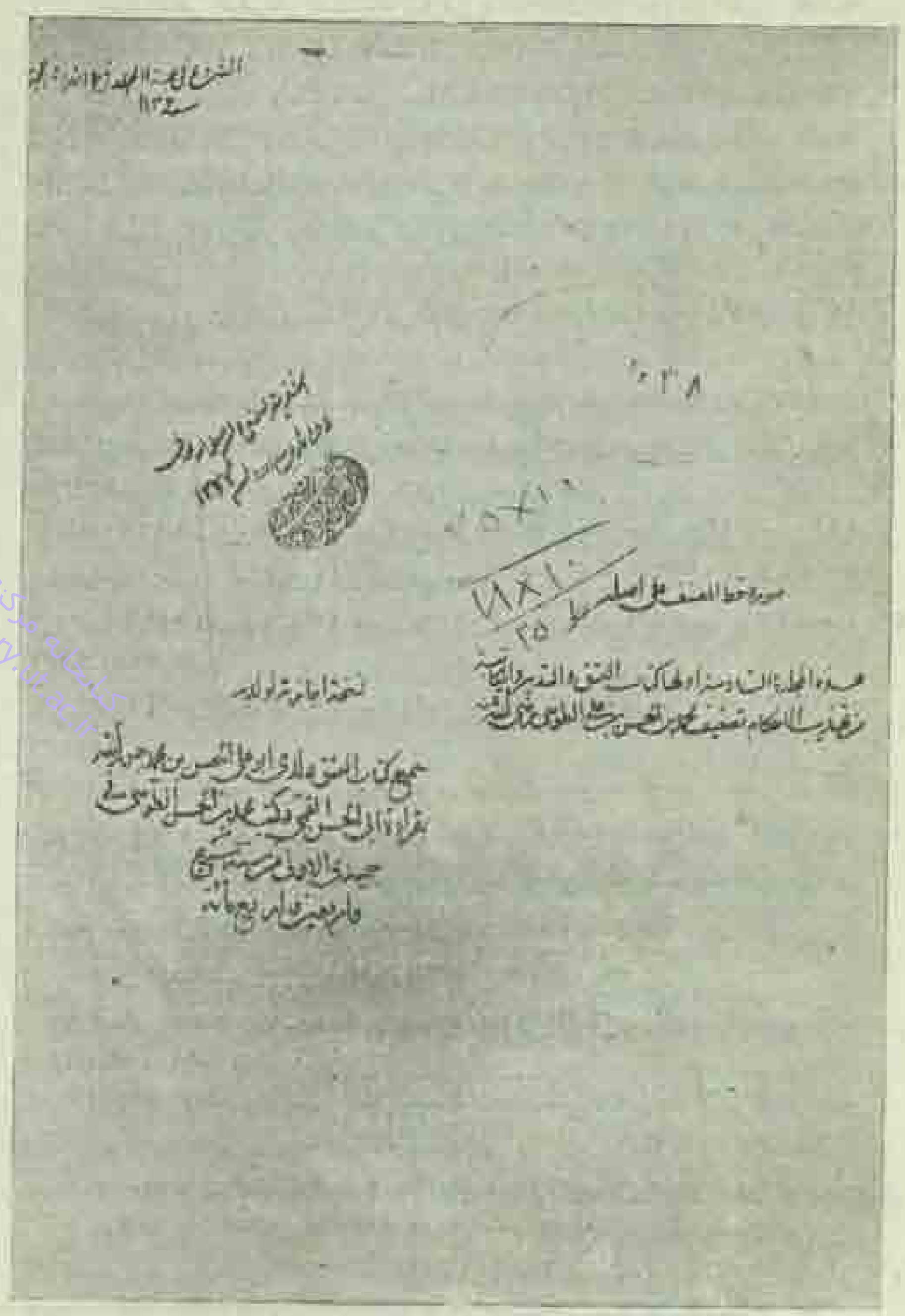
آغاز: بسمله. کتاب الجهاد و سیرة الامام علیه السلام من کتاب التهذیب. باب فضل الجهاد وفروضه.

انجام: وعلیه تبعة المال. تم والحمدلله وحده وصلی الله علی من لانبی بعده محمد وآله. تم کتاب الطلاق وتوابعه ویتلوه کتاب العتق والتدبیر والمکاتبة انشاءالله تعالی.

(۳+۲۳۰گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب با برگردان درون تیماج سبز زرکوب اندازه: ۱۸×۲٥ و ۱۰×۱۷/٥ س ۲٥

[۱٤۰۸]

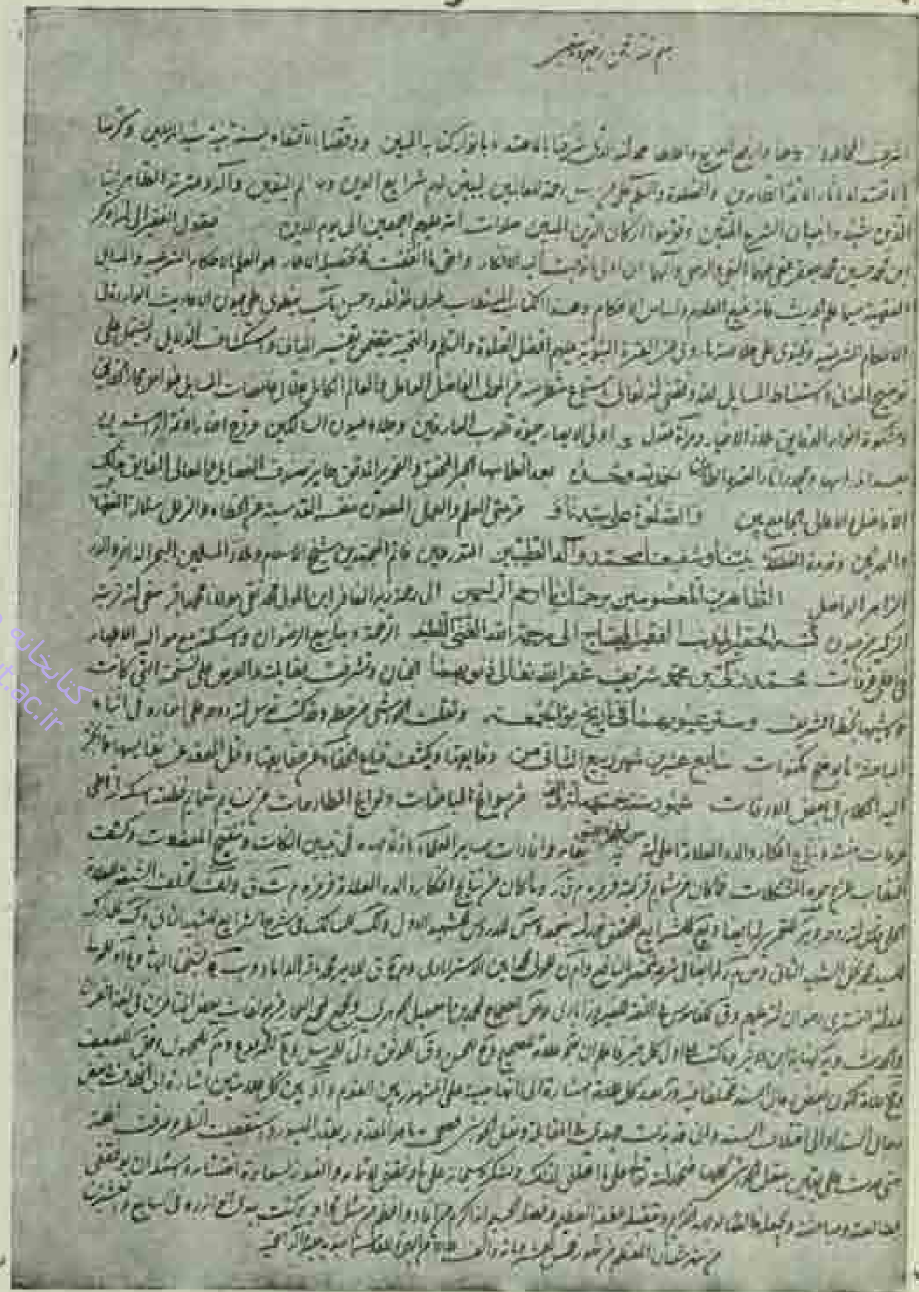
٦۳۸ این نسخه جلد ٤ است وبنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازمحمد زکی بن محمد شریف که درروز آدینهٔ ۲۷ ربیع دوم ۱۱۰٥ آنرا بپایان رسانده.



گ ۱ الف صفحه عنوان ش ۶۳۸ تهذیب



گ ۱۸۳ ب ش ۶۳۸ تهذیب



گ ۱۹۳ الف ش ۶۳۸ تهذیب

حاشیه‌هائی بشتعلیق هست با نشانه‌هائی مانند «م ق ر مدظله» و «م ق ر غفر له» (مجلسی چنانکه دراجازهٔ پایان آمده) و «م د ر ه» وجزاینها از کتابهای دیگر ، پس آن حاشیه‌ها پیش وپس‌ازمرك مجلسی نوشته شده است .

در۱۹۳ الف محمد جعفر بن محمد حسین بخط خود در۲۷ شعبان۱۱۱۵ گواهی ۵
میدهد که کتاب را ازمحمد باقر بن محمد تقی مجلسی شنیده‌ام ونسخه‌ای که از آن او بوده و حاشیه‌هائی بخط او در آن بوده است مقابله کرده‌ام و مینویسد که رمزهای پایان حاشیه‌ها بدینگونه‌است : م ق ر : مجلسی دوم ـ م ث ق : مجلسی یکم ـ الف : مختلف علامه ـ تر : تحریر او ـ یع : شرایع ـ س : دروس ـ لك : مسالك ـ ك : مدارك ـ ش م د : شرح مختصر نافع نگارندهٔ مدارك ـ ا م ن : محمدامین استرابادی ـ
م ح ق : داماد ـ ب ه : بهائی ـ ع ا ه : مولی عبدالله شوشتری ـ ق : قاموس ـ ص : ۱۰
صحاح جوهری ـ مجمع : مجمع البحار یکی از متأخران درلغت قرآن وحدیث ـ یه : نهایهٔ ابن اثیر . نشانه‌های سند خبرها که در کنار صفحه های ش ۶۳۵ تا ۶۳۸ برابر هرحدیثی دیده میشود چنین است : صحه : صحیح ـ ح : حسن ـ ق : موثوق ـ ل : مرسل ـ ع : مرفوع ـ م : مجهول ـ ض : ضعیف ـ مع : مختلف بعض رجال سنده ـ
«ر» پس از هر نشانه‌ای میرساند که نزد مشهور چنین است . «او» میان دو نشانه ۱۵
میرساند که در برخی ازرجال سند خلاف است و یااینکه درسند اختلاف است .

در ۱ الف بتازی دارد : شروع دراین مجلد ۱۶ ذیحجه ۱۱۳۲ ـ اینکه محمد باقر بن زین‌العابدین موسوی دریکم ربیع یکم ۱۲٤٤ نسخه را برای خود خریده‌است (با مهر او) در ۲۵ الف بلاغ ۲۹ محرم ۱۱۳۳ دارد بدینگونه : «بلغ بعون‌الله تعالی
فی ۲۹ شهرمحرم‌الحرام سنة ۱۱۳۳ هجری» . ۲۰

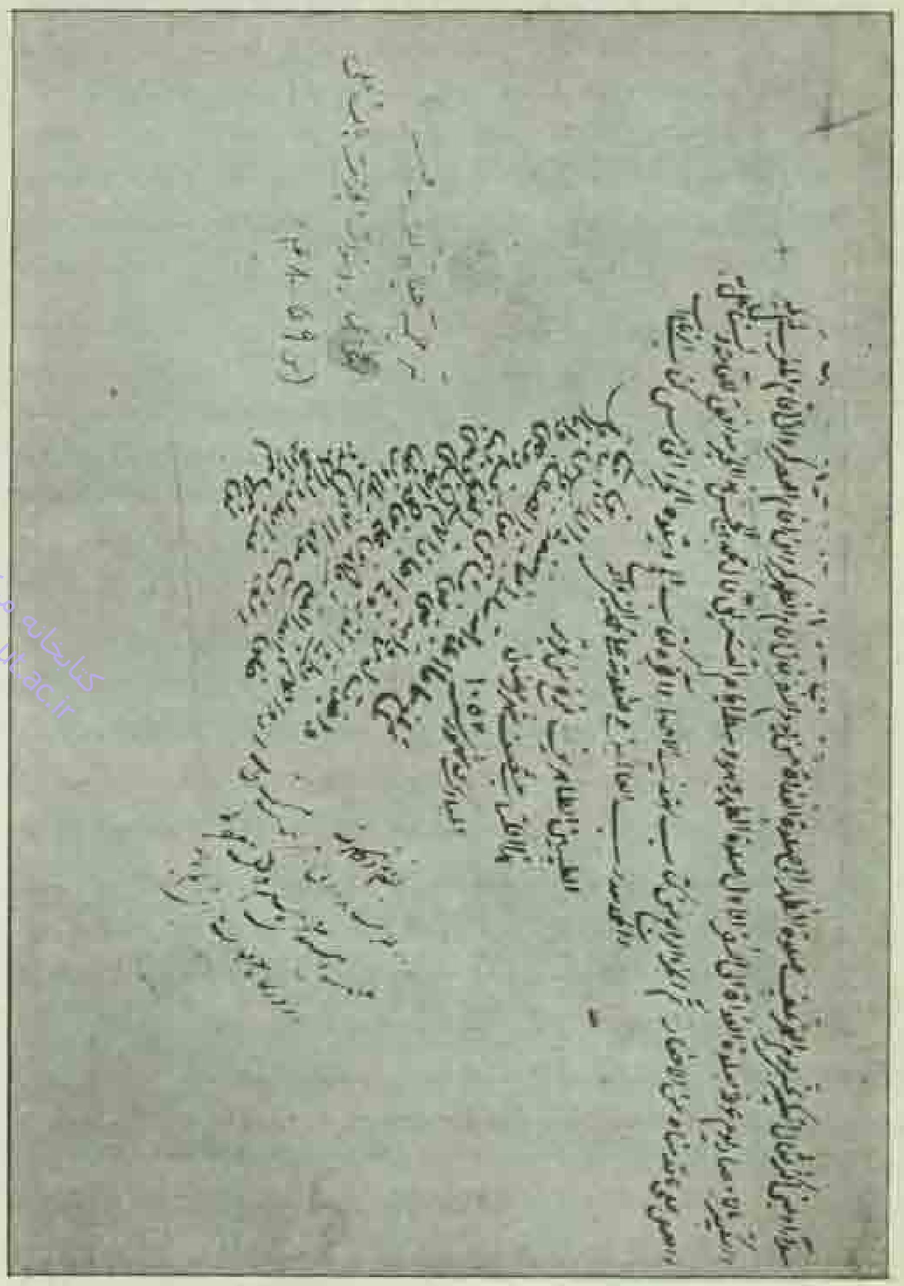
نوشتهٔ نسخه چنین است : ۱ـ فهرست بخط محمد حسن‌بن محمد جعفر در روز دوشنبه دهم ذیحجه ۱۱۵۰ (۲ ب ـ ۳ الف ازچهاربرك بشماره نیامدهٔ آغازنسخه) . ۲ـ کتاب (۱ ب ـ ۱۸۸ الف) . ۳ـ مشیخه (۱۸۸ ب ـ ۱۹۳ الف) .

چنین است آغازنسخه : «بسمله . وبه ثقتی . کتاب‌العتق والتدبیر والمکاتبة باب
العتق واحکامه» وانجام آن بمانند جاپی میباشد . ۲۵

(۴+۱۹۴گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ زرکوب طوائی با برگردان
اندازه : ۸×۳۵ و ۱۰×۱۸ س ۲۵

[۱٤۰۹]

۶۳۹ این نسخه از آغازاست تا میانه‌های زیارات ومتن نسخ و شرح با حاشیه‌ها
نستعلیق میباشد . درپاره‌ای جاها حاشیه‌ها شنگرف است . عنوانها شنگرف ۳۰
میباشد .



گ ۲۵۷ الف پایان تهذیب ش ۶۳۹ _

نسخه‌را سید امیرشرف‌الدین علی‌بن حجةالله حسنی حسینی طباطبائی شولستانی فارسی نجفی (م ۱۰۶۰ درنجف) نگارندهٔ وضیح‌المقال درشرح اثنی‌عشریهٔ صلوة ابی‌منصور عاملی دردوجلد و اجازه دهندهٔ بمجلسی (مستدرک ۳ : ۴۰۹) با شنیدن محمد تقی‌بن نظام‌الدین محمود انصاری شیرازی شاگرد اومقابله نمود. در گ ۱۹۶ الف و ۲۵۷ الف اجازهٔ سماع وروایت او بشنونده هست.

در۲ الف و۶۰ الف و۶۱ الف و۱۸۵ الف بنسخ دارد: «تم بلغ سماعاً عنی ایده‌الله تعالی» اینگونه بلاغها دربرگهای کهن هم هست.

بازدر۸۳ب و۶۱ الف زیرخط همان شیرازی بخط نسخ بشیوه‌دیگر ازشولستانی دارد: «تم بلغ سماعاً عنی ایده‌الله تعالی» نیزچند جای دیگر. همان شیرازی در۸۳ب و۱۶۱ الف و۲۵۷ الف مینویسد که من این برگهارا دربسین روزچهارشنبه ۷ جمادی دوم ۱۰۳۸ و بسین روز آدینهٔ ۱۷ ماه هشتم ۱۰۴۸ و نیمهٔ رمضان ۱۰۵۲ نوشته‌ام. و پاره‌ای ازبرگها تازه‌تر خواهد بود. در ۱۶۱ الف مینویسد که من آنرا درروز آدینهٔ ۱۰۴۸/۸/۱۷ بپایان بردم ومقابله وشنیدن از استادم درروزپنجشنبه دههٔ بازپسین و۲۷ماه‌دهم ۱۰۴۸ انجام یافت. این برگهای تازه ازشیرازی‌است وبرگهای کهنی‌هم دارد که تاریخ آنها دانسته نیست.

دارندهٔ نسخه محمد هادی‌بن محمدصالح که مهرش درچندجا هست در۱۶۱ الف مینویسد که من نسخه‌را درنجف در۱۰۷۸ خریده‌ام. در ۱ الف دارد: (انتقل الی من بین‌الورثة فی سنة ۱۳۲۴ «عبده محمد رحیم‌بن محمد هادی‌بن محمد صادق» ـ هو مال‌الحاج یوسف سلمه‌الله تعالی).

چنین است :

آغاز : کتاب تهذیب‌الاحکام تصنیف‌الشیخ‌الامام ابی جعفرمحمدبن‌الحسن‌الطوسی رحمه‌الله تعالی. بسمله. وبه نستعین رب تمم بالخیر. الحمدلله ولی الحمدومستحقه (بمانند چاپی).

انجام : زیارةالابواب‌المنسوبةالی‌الشیخ ابی‌القسم‌الحسین‌بن‌روح رحمةالله علیه. تسلم علی رسول‌الله ... الی صاحب‌الزمان علیه‌السلام ثم تقول.

(۳۴۵۹ب) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۲۵×۴۰ و ۱۶/۵×۲۸ س ۳۱

[۱۴۱۰]

۶۴۰ این نسخه ازمزار تاپایان تهذیب است ونسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف باحاشیه‌های نستعلیق باهمان نشانه‌های شماره ۶۳۹ وباتصحیحات درهامش.

دوخیلی جاهادارد: «ثم بلغ سماعاً منی ایده‌الله تعالی» بدوخط. در ۱۸ الف گواهی شولستانی بر اینکه همان شیرازی نسخه را ازمن شنیده است دیده میشود چنین است:

آغاز: بسمله. کتاب‌المزار من کتاب‌التهذیب فی انساب‌النبی ص و زیاراتهم وتوار یخهم وذکر مشاهدهم.

انجام: (از مشیخهٔ پایان) وماذکرته عن‌الفضل‌بن شاذان فقد اخبرنی به‌الشیخ ابوعبدالله ... بن سفین‌البزوفری ... (یکی دوسطری زیر کاغذ تازه رفته‌است).

۲۳۱گ — کاغذ ترمه — جلد تیماج سرخ حاشیه‌دار مقوائی

اندازه: ۳۴/۵ × ۳۹/۵ و ۱۹ × ۲۸/۵ س ۲۱

[۱۲۰۴] جامع‌الاخبار (عربی)

این کتاب دارای ۱۲ باب و۱۳۷ فصل میباشد ودربرخی نسخه‌ها ۱۴ باب است هریك چند فصل کـه رویهم ۱۳۱ فصل میشود و در پاره‌ای نسخه‌ها ۱۲۳ فصل و گاهی ۱۲۸ فصل یـا ۱۴۱ فصل میباشد. چنانکه درریاض افندی هم آمده نسخه‌های آن گوناگون‌وخورد و بزرگ ومبوب وغیرمبوب مفصل میباشد.

سید حسین مفتی کرکی نگارندهٔ دفع‌المناوات آنرا از صدوق قمی پنداشت با اینکه در آن به پنج واسطه از او نقل شده است چه اینگونه نقلها از راویان کتاب میشود باشد که در نسخه‌های کهن گاهی درمتن نوشته‌میشود. ولی درفصل ۱۰۰ ازدانشمند حمصی رازی که پس‌از ابن‌بابه قمی میزیسته ودر۵۸۳ زنده بود روایت آمده است. درفصل ۹۶ آن از اخطب خوارزم (م ۵۶۸) روایت آمده ودرفصل ۵۵ آن ازروضة‌الواعظین فتال‌نیشابور هم یاد شد. دیگراینکه کتاب بروش قمی نمی‌ماند. پس‌ازاو نخواهد بود.

فهرست آن درآغاز برخی ازنسخه‌ها از خود نگارندهٔ آن هست.

حر عاملی دروسایل ازآن نیاورد و نگارندهٔ آنرا ناشناخته میدانست.

برای نگارندهٔ جامع‌الاخبار چند کس یاد کردند:

۱- ابوالحسن‌علی بن ابی سعدبن‌ابی‌الفرج‌خیاط نگارندهٔ الجامع‌فی‌الاخبار (فهرست قمی).

۲و۳- ابونصرحسن‌بن فضل طبرسی نگارندهٔ مکارم‌الاخلاق (امل‌الآمل س ۴۶۹ و ایقاظ‌الهجعه عاملی) یا پدرش ابوعلی طبرسی.

۴- جعفربن‌محمد دوریستی شاگرد مفید که پیش‌از حمصی میزیسته‌است.

۵- حسن‌بن محمد سبزواری چنانکه در نسخه‌ای آمده ونوری از آن یاد نموده است.

۶- محمدبن سبزواری چنانکه در نسخهٔ تاریخ ۱۰۷۳ ش ۴۸۵ طوس همین کتاب بنام معارج‌الیقین و از قدوة‌المحققین ورئیس‌المحدثین محمدبن محمد سبزواری یاد گردید.

۷- شمس‌الدین محمدبن محمدبن حیدر شعیری چنانکه بگفتهٔ نگارندهٔ ریاض ازبرخی جاها برمیآید (نیز امل‌الآمل س ۴۶۹).

نوری درمستدرك‌می‌نویسد که‌درهمین کتاب‌درفصل «فضائل‌امیرالمؤمنین» دارد: «حدثنا‌الحاکم‌الرئیس‌الامام‌مجدالحکام‌ابومنصورعلی‌بن‌عبدالواحدالزیادی ادام‌الله جماله‌فی‌داره یوم‌الاحدالثانی‌من‌شهرالله‌الاعظم‌رمضان سنة‌ثمان‌وخمسمائة قال حدثنا‌الشیخ‌الامام‌ابوعبدالله جعفربن محمدالدوریستی املاء‌اورد‌القصة مجتازا فی اواخر ذیحجة سنة اربع وسبعین واربعمائة».

(این ابامنصور زیادی ازدانشمندان بیهق بوده وخاندان او تا ۵۵۰ زنده بودند - تاریخ بیهق ص ۱۲۹و۱۹۶).

چون طبرسی در ۵۴۸ یا ۵۵۲ درگذشت پس نگارندهٔ جامع‌الاخبار ازطبقهٔ او میباشد نه از طبقهٔ پسراو نگارندهٔ مکارم‌الاخلاق و با اینکه او اگر نگارندهٔ جامع‌الاخبارمیبود میبایستی‌در این کتاب که درپنجاه سالگی نوشته‌است ازپدرخود نقل کند وازطرفی مکارم‌الاخلاق را ترتیبی‌است نیکوو جامع‌الاخبار چنین‌نیست پس‌نباید از پسرطبرسی‌باشد. گذشته ازهمهٔ اینهاچون‌این‌کتاب ازعلماء

سدهٔ ٥ است پس درعموم «من ترکاهم الشهید فی روایته» داخل خواهد شد.

بنوشتهٔ ذریعه ازروی یکی ازنسخه‌هائی که بانسخهٔ چاپی دیگر گونگی دارد و بانگریستن بآنچه درفهرست قمی (ص۱۱) آمده چنین برمیآید که نگارندهٔ آن شیخ برهان‌الدین محمدبن ابی الحرث محمدبن ابی الخیرعلی بن ابی سلیمان ظفربن علی حمدانی قزوینی شاگرد همان قمی و زندهٔ در ٦۱۳ میباشد. پس نگارنده جامع از سدهٔ ششم خواهد بود ودرعموم ترکیهٔ شهید از دانشمندان شیعی سدهٔ پنجم داخل نخواهد بود.

درفصل (۱٤۱) فی النوادر (۱٦٦ الف) دارد «قال الشیخ الفقیه ابوجعفربن بابویه القمی (رض) (نیز درفصل (۱٤) «زیارة علی بن موسی بواسطه» ودرفصل ٤) درفصل (۷۸) فی تقلیم الاظفار (۱۰۲ ب) دارد «قال محمدبن علی مؤلف هذا الکتاب قال ابی فی وصیته الی» ودرهامش دارد «الظاهر انه محمدبن علی بن بابویه القمی رضوان‌الله علیهما». ولی درنسخهٔ چاپی دارد: «قال محمدبن محمدمؤلف هذاالکتاب قال ابی» در فصل (۱۰۰) فی الرساتیق (۱۲۱ ب) دارد نقل (روی) عن سدیدالدین محمود الحمصی انه قال فی البلدة شیئان والرساتیق کذلک اما اللذان فی البلدة العلم والظلم واما اللذان فی الرساتیق الجهل والدخل (اما الظلم فقد یسری الی الرساتیق والدخل) قد یذهب به الی البلد فیبقی فی البلد العلم والدخل و یبقی فی الرساتیق الجهل والظلم. درفصل (٦۲) فی الاولاد (۸۳ب) دارد «روی صاحب جمل الغرائب فی کتابه باسناده».

درفصل (۲۲) فی فضائل بسمله، از کتاب القرآآت شیخ ابوالحسین خیازی و کتاب محمدبن مسعود عیاشی آورده شد ودارد «حدثنا شیخنا ابوالعباس احمدبن علی بن الحسین القاضی».

جامع الاخبار را شرف‌الدین خویدکی و حاج شیخ حبیب‌الله قمی زیوانی (۱۲۸۹-۱۳۵۹) بسال ۱۳۲۹، بفارسی درآوردند (فهرست طوس ٥: ۳٥ و ۳۰۲) یکی ازترجمه‌های آن درتهران بچاپ رسید (ذریعه ٤: ۹۳).

این کتاب بخط نسخ بامصباح الشریعة وبافهرست هردو پیش از آنها بدستور آخوند ملامحمدخراسانی تربتی بایکی بخط محمدبن علی محمد تبریزی در۱۲۸۳ بچاپ سنگی رسید. جامع الاخبار دراین چاپ دارای ۱٥۱ فصل میباشد.

مرحوم لطفعلی درهامش نسخه‌ای ازاین چاپ مینویسد که این کتاب ازصدوق نیست «ولی خطبه ودیباچه تاآنجا که گوید (وابدأ اولا بذکرمعرفةالله. الخ.) از شیخ صدوق علیه‌الرحمه است دراول جامع الاخبار که کاتب دراینجا دیباچه قرارداده است». بگفتهٔ مجلسی و خوانساری دراین کتاب باپنج واسطه ازصدوق نقل شده‌است پس از صدوق و ازمفید نخواهدبود وشاید از ابی الحسن علی بن ابی سعدبن ابی الفرج الخیاط دانشمند پارسای واعظ نگارندهٔ «الجامع فی الاخبار» باشد (فهرست قمی ص ۸) وبگواهی برخی ازجاهای همین کتاب گویا ازمحمدبن محمد شعیری باشد. از برخی جاهای دیگر برمیآید که درآن از جعفربن محمددوریستی بیك واسطه‌روایت شده‌است. درآن پاره‌ای ازخبرهای سنی هم آمده است. گفته‌اند که از ابی نصرالحسن بن الفضل طبرسی نگارندهٔ مکارم الاخلاق شایدباشد (بحار ۱: ۷) (۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله الاول بلا اول کان قبله والآخر بلاآخر یکون بعده الذی قصرت عن رؤیته ابصار الناظرین.. امابعد فانی مذ کنت ابن عشرین حتی ذرف سنی الی خمسین مشوق الی جمع کتاب یشمل فصولا جامعة للزهد والموعظة والترغیب والترهیب من الاخبار المنقولة عن رواة الاخبار معجوجة بالقرآن منادیة بالبرهان مضبوطة بالاسناد مربوطة بالارشاد .. ولکن یقطعنی عن ذلك القواطع ویشغلنی الشواغل .. ثم اهتز خاطری... وابدأ اولا بذکر معرفةالله و توحیده وعدله و ثانیاً بذکر النبوة والامامة و بعد ذلك اوردت اشیاء کما ذکرت فی فهرسته وستری ذلك.

۱- بنگرید به: نفس الرحمن ۹ باب ۱۲- مستدرك ۳: ۳٦٦- روضات ص ۳۱ ٥- امل الآمل ص ٤٦۹- فهرست طوس ۱: ۳۰ و ٥: ٦٥- فهرست سپهسالار ۱: ۲٤۲- کنتوری ص ۱٥۰- ذریعه ٥: ۳۳-۳۷.

انجام: وقال ع بشر المشائين فی الظلم بنورتام يوم القيمة. تم الكتاب والله الموفق للصواب. وقد وفيت بماشرطته و كتبت من اخبار النبی من خاتم النبيين والائمة الراشدين المعصومين. لله الحمد علی حسن تأييده وتيسيره اولا وآخراً حمداً متواليا متواتراً متضاعفاً متكاثراً لاينقضی عدده ولاينقطع مدده. اسئل الله ان يجعل ذاك خالصاً لوجهه ولمرضاته والعمل بمافيه حسبنا الله ونعم الوكيل.

[۱۴۱۱]

۱۰۷۵ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد. درهامش هم گاهی عنوانها آمده است. بلاغ قرائت دارد و مقابله شده است. باقربن امیر محمد دارندهٔ نسخه بوده است. مهر «لااله الاالله الملك الحق المبين عبده محمد محسن» هم هست (پایان).

چنین است انجام نسخهٔ ما: له الذنوب التی اكتسبها بالنظر. فصل فی فضائل اصلاب و ارحام النبی و علی (برابر با ص ۱٦ س ۲۱ چاپ ۱۲۸۳ دو سطر آخر فصل ۵).

(۳۱۷۷) ـ كاغذ سپاهانی ـ جلد تیکتوی و تیماج از باكی ترنی تقوالی

اندازه: ۱۳ × ۱۸/۵ و ۷ × ۱۲ س ۱۵

[۱۲۰۵] جوامع الكلم (عربی)

این كتاب یكی از چهار كتاب اخبار است كه آنها را چهار دانشمند ایرانی محمد نام روزگار صفویان نوشته‌اند. از اصول دین وفقه وتفسیر و آداب واخلاق ومواعظ در آن گفتگو شده و برخی حدیثها هم وبیان، شده وروشن گردید. نسخه‌های آن تاحج میباشد. نگارندهٔ آن سید میرزا محمد بن شرف الدین علی بن نعمة الله بن حبیب الله جزایری است كه در حیدرآباد هم زیسته نزد شیخ محمد بن علی بن خاتون (م پس از ۱۰٦۸) درس خوانده واز او روایت دارد.

اودر اجازه‌ای كه بمجلسی دوم در یكم جمادی دوم ۱۰٦٤ نوشته است میرساند كه از پدر خود از شیخ عبدالنبی بن سعد جزایری نگارندهٔ الحاوی فی الرجال از نورالدین علی بن عبدالعالی كركی (م ۹٤۰) در كودكی اجازهٔ روایت

گرفته است. همچنین سید نورالدین (علی) بن (سید نورالدین كبیر) ابی الحسن علی بن الحسین (بن ابی الحسن) عاملی (جبعی) از برادر (پدری) خود سید (شمس الدین) محمد (نگارندهٔ مدارك ۹٤٦-۱۰۰۹) و از برادر (مادری) خود ابومحمد (جمال الدین ابومنصور) الحسن (نگارندهٔ معالم ۹۵۹-۱۰۱۱) فرزند (شهید دوم) زین الدین بن (نورالدین) علی بن احمد عاملی هردو از سید (نورالدین كبیر) ابی الحسن علی بن الحسین (بن ابی الحسن) عاملی از زین الدین (شهید دوم ۹۱۱ - ۹٦٦) از شیخ نورالدین علی بن عبدالعالی (میسی م ۹۳۸) بدو اجازه داده است (۱).

او شیخ روایت مجلسی (بحار) و حر عاملی هم بوده (امل الآمل) واز سید امیر فیض الله بن امیر عبدالقاهر حسینی تفرشی و سید میرزا محمد بن امیر علی استرابادی نگارندهٔ منهج المقال هم روایت میكرده است.

شیخ ابومحمد احمد بن اسمعیل جزایری نجفی نگارندهٔ آیات الاحكام وسید نعمة الله جزایری از شاگردان او بوده‌اند.

بنوشتهٔ سید نعمة الله در مقامات، او میگفته است كه در احكام شریعت مكروه

۱ـ بنگرید به: اجازات بحار ص ۱٦۵ كه این اجازهٔ سید میرزا بمجلسی در آن هست و آنچه میان دو كمانه گذارده شده برای روشنی مطلب است كه از این كتابها گرفته شد: همان اجازات ص ۱٦۹ و ۱۷۰ ـ وسائل فائدهٔ ۵ خاتمه ـ روضات ص ۶۰۳ و ۱۷۹ و ۲۸۸ ـ مستدرك ۳۹۲ و ٤۳۱ وتاریخها از سر گذشتنامه‌ها است. خوانساری در روضات ص ۱٤٤ و ۳٦۹ بپیروی از افندی مینویسد كه شیخ عبدالنبی جزایری نمیتواند از محقق كركی اجازه داشته باشد مگر اینكه از علی بن عبدالعالی درعبارت سید میرزا وحر عاملی (در امل الامل وخاتمه وسائل) ومجلسی، نواده او خواسته شده باشد. نوری در مستدرك ص ٤۰۹ میگوید شاید در آغاز جوانی از او اجازه گرفته باشد مگر اینكه بنوشتهٔ شیخ بهائی شیخ عبدالنبی درغالب‌دهی میان سپاهان وشیراز در روز پنجشنبه ۱۸ جمادی یكم ۱۰۲۱ در گذشت ودوراست بگوئیم كه در كودكی از محقق كركی اجازه گرفته است (رجال مامقانی ۱: ۱۷۱ ـ ذریعه ٦: ۲۳۷) شاید هم آن «شیخ عبدالعالی» باشد كه در ۹۹۸ در گذشت (همانجا از رجال مامقانی از گفتهٔ بهائی كه از او به «شیخنا» یاد میكند).

و منهی نیست چنانکه کعبی مباح را منکر بوده است (روضات) در امل الآمل (ص ۵۰۲) دربارهٔ او مینویسد : «السید میرزا محمد بن شرف الحسینی الجزائری کان من فضلاء المعاصرین عالماً فقیهاً محدثاً حافظاً عابداً من تلامذة الشیخ محمد بن علی بن خاتون العاملی ساکن حیدر آباد له کتاب کبیر فی الحدیث جمع فیه احادیث الکتب الاربعة وغیرها . نروی عنه » چون امل الآمل در ۱۰۹۷ نوشته شده پس او در اینسال زنده نبود واز اجازهٔ مجلسی بیکی از شاگردان خود در طوس پایان شعبان سال ۱۰۸۵ برمیآید که او در ۱۰۸۵ زنده بوده است چه اینکه دربارهٔ او می نویسد :

« ومنها ما اخبرنی به اجازة السید العالم الفاضل المحدث البارع محمد الشهیر بسید میرزا ادام الله فضله عن والده السید الامجد شرف الدین علی بن نعمة الموسوی طاب ثراه . . . » (اجازات ص ۱۷۰) پس او میان ۱۰۸۵ و ۱۰۹۷ در گذشته است .

خوانساری دربارهٔ این کتاب مینویسد : « جوامع الکلم فی الجمع بین کتب احادیث الشیعة من اول ابواب الاصول الی آخر کتاب الحج من ابواب الفروع علی طریق التمییز بالتنقیح بین الصحیح وغیر الصحیح مع الحواشی الکثیرة والبیانات الوافیة » .

نوری در مستدرک دارد : « جوامع الکلم وهو کتاب کبیر فی الحدیث جمع فیه احادیث الکتب الاربعة وغیرها وله رموز مخصوصة للکتب التی ینقل عنها رأیت مجلداً منه فی کرمانشاه وهو کتاب شریف نافع » .

جزایری در این کتاب که از خبرهای کتابهای چهارگانه و جز آنها در آن آورده چند عقد هریك چند سمط هریك چند جوهره گذارده است .

هرگونه حدیثی از صحیح وموثق و حسن و ضعیف در آن آمده و رمزهائی برای کتابهای حدیث که جزء و باب آنها هم گاهی یاد گردید در آن بکار برده شده است . رمز حدیثها که در این کتاب دیده میشود پاره‌ای از المنتقی نگارندهٔ معالم گرفته شد .

تهرانی در ذریعه فهرست مطلبهای آنرا یاد نمود .

از این کتاب نسخه‌ای خوانساری در سپاهان و نسخه‌ای نوری در کرمانشاه و نسخه‌ای کنتوری در هند و نسخه‌ای تهرانی در نجف (جلدهای ۱ و ۲) دیده‌اند . کنتوری بدان نام « جوامع الکلام فی دعائم الاسلام بطریق اهل البیت علیهم السلام » داده است . گویا این نام را که در آغاز خاتمهٔ آن آمده است دیده و پنداشت که خود کتاب بدان نامیده میشود . سید نعمة الله جزائری و خوانساری آنرا « جوامع الکلم » نامیدند (۱) . چنین است نسخهٔ ما .

آغاز : بسمله . وبه نستعین ونستهدیه الی الصواب انه هو الکریم الوهاب وفق الاتمام بمحمد وآله الکرام (العقد) الاول فی الاصول و توابعها . السمط الاول فی التوحید وفیه جواهر . الجوهرة الاولی فی فضل العقل وشرفه . ص صح : السندی بن محمد یعنی البزاز .

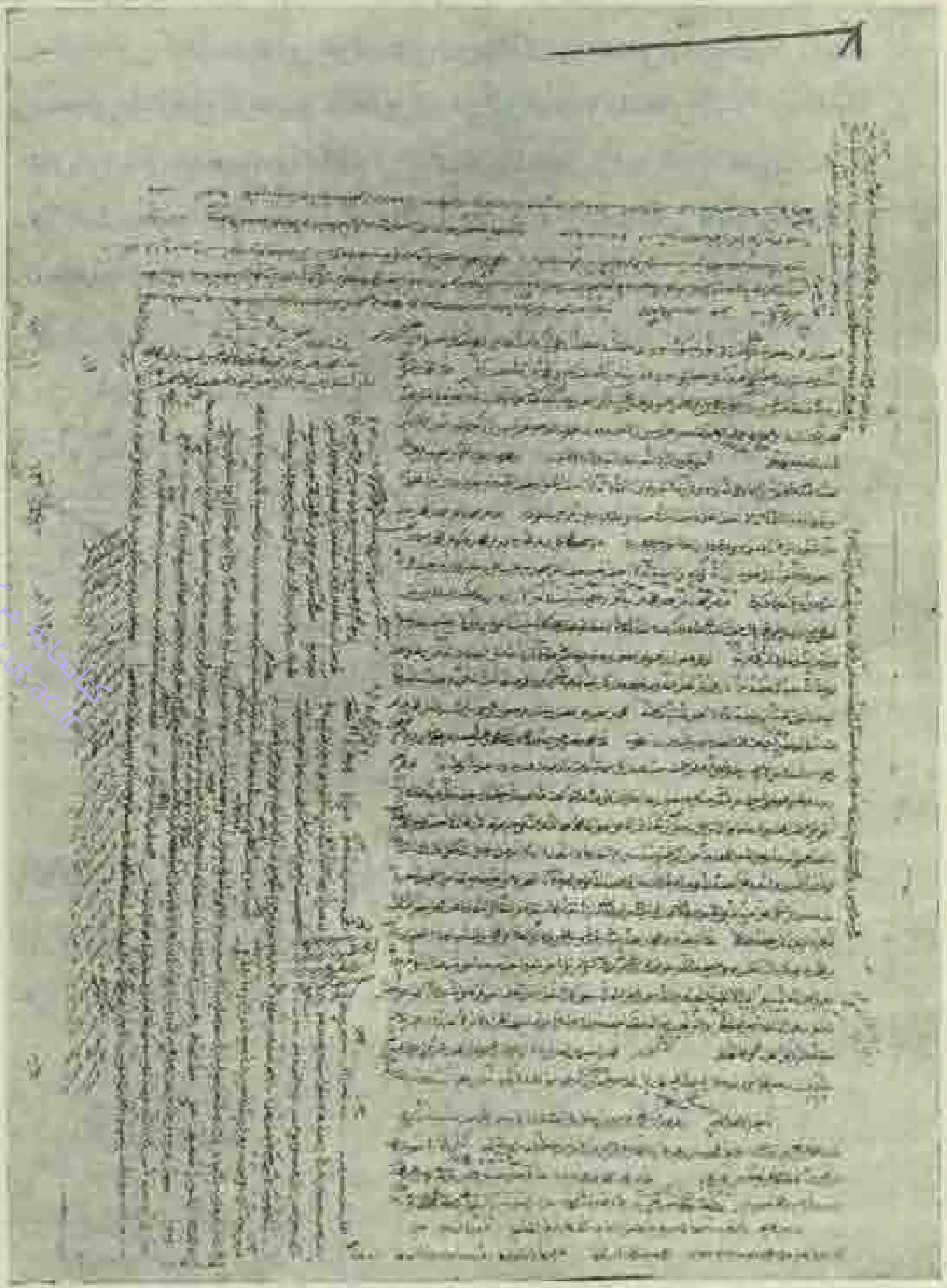
انجام : فی صح : محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی ... عن ابی عبدالله علیه السلام فی المباهلة قال تشبك اصابعك فی اصابعه ثم تقول اللهم ان كان فلان جحد حقا .

[۱۴۱۲]

۵۷۹ این نسخه پاکیزهٔ بسیار زیبا وبیمانند بخط نسخ خوش و روشن و بسیاری از جاها معرب با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ودر کنار برگها افزوده‌ها هم شده وحاشیه‌هائی است بنسخ ونستعلیق سیاه یا شنگرف با نشانهٔ « م رح » و « عفی عنه » یا « منه عفی الله عنه » وخط خورد گیها دارد و رمز حدیثها درهامش هم هست . پیداست که نسخهٔ اصل خط خود جزائری میباشد . گوشهٔ بالائی برك یکم رفته و اندکی از آغاز کتاب نیست . بسیاری از حاشیه‌ها را در کنار برگها بریده‌اند یا از فرسودگی رفته است .

درهامش ۱۱۰ ب حدیثی است بخط شکسته نستعلیق بتاریخ شب چهار شنبه

۱ـ بنگرید به : امل الآمل ص ۵۰۲ ـ روضات ص ۲۹۷ و ۶۱۵ ـ مستدرك ۳ : ۴۰۹ ـ فیض قدسی ص ۱۴ ـ فوائد رضویه قمی ۲ : ۵۳۸ ریحانة الادب ۲ : ۲۷۲ ـ کنتوری ص ۱۶۵ ـ ذریعه ۵ : ۲۵۳ .



گ ۱۲ الف ش ۵۷۹ جوامع الکلم

یکم ربیع‌المولود ۱۵ حوت اودئیل سال ۱۲۹۵ که کسی میگوید در اطاق زمستانی یوروی تهرانی نوشته‌ام - این نسخه از جوهرهٔ یکم سمط یکم عقد یکم (فضل العقل و شرفه) است تا جوهرهٔ دهم سمط یکم عقد پنجم (دعا وقرآن وعشرة).

[۱۱۰ : ۲گ] ـ کاغذ فرنه ـ جلد تیماج حالی عنابی

اندازه : ۲۲/۵ × ۳۴ و ۱۲/۵ × ۲۱ س ۲۷

[۱۲۰۶] **حاشیهٔ کافی** (عربی)

این حاشیهٔ اصول کافی کلینی بروش فیلسوفان نوشته شده است و نگارندهٔ آن دانشمند موشکاف ، سیدالحکماء المتالهین برهان اعاظم المتکلمین ، امیر رفیع‌الدین محمد بن امیر حیدر حسینی حسنی طباطبائی نائینی است که بمیرزا رفیعا نامبردار است. او استاد مجلسی (بحار ۲۵ : ۱۶۹) و حر عاملی و شاگرد بهائی وملاعبدالله شوشتری بوده است و در ۷ شوال ۱۰۷۹ یا ۱۰۸۰ یا ۱۰۸۲ در ۸۵ سالگی در سپاهان در گذشت. مجلسی در اجازهٔ خود باردبیلی نگارندهٔ جامع الروات (ش ۹۸۰ گ ۵۵۳ الف) بتاریخ ۱۷ ذی‌قعده ۱۰۹۸ از او یاد کرده و بستود و از آن برمیآید که در آن هنگام او زنده نبود. این دانشمند ، شجرة الهیه ، بفارسی در اصول عقائد برای شاه سلیمان یکم یا صفی دوم (۱۰۷۷ – ۱۱۰۵) نوشته و گزیدهٔ آن بنام ، ثمره الهیه ، نگاشته است و رساله‌های تشکیک و شبههٔ استلزام دارد و حاشیه‌هائی برشرح اشارات و مختصر اصول و صحیفهٔ کامله و مختلف و تعلیقاتی برقواعد علامه. و بپرسشهای فقهی سیدمهدی بن سیدمحمدرضای حسینی بپارسی پاسخ داده است . همنام او مولی رفیع‌الدین گیلانی هم حاشیهٔ کافی بنام شواهدالاسلام نوشته است (۱).

درفهرست سپهسالار سه نسخه شناسانده‌شده که در انجام یکی نیستند وجز نسخهٔ ما میباشند یکی از آنها (ش ۱۶۹۷) مانند نسخهٔ ما دارای حاشیهٔ نائینی بانشانهٔ

۱ـ بنگرید به : روضات ص ۶۱۳ ـ مستدرک ۳ : ۴۰۹ ـ فیض قدسی ص ۱۴ـ جامع الرواة ش ۹۸۰ گ ۱۴۷ ب ـ ذریعه ۶ : ۱۸۲ و ۱۸۴ ـ فهرست معارف ۱: ۶۷ـ سپهسالار ۱ : ۲۴۵ ـ طوس ۵ : ۱۰۹ و ۳۵۵ و ۴۱۴ .

«منه سلمه الله تعالی» است و در زمان او نوشته شده است. نسخهٔ طوس هم حاشیهٔ نائینی دارد و در پایان جز نسخهٔ ما ولی نزدیك بآن و در «باب معرفة الامام والرد الیه» از مسئلهٔ حجت و امامت.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین... قوله: المحمود لنعمة المعبود لقدرته. لما كان انعامه باعثاً لان یحمد شكراً لما وقع وجلباً لما یقع... اسند المحمودیة بالنعمة والمعبودیة بالقدرة.

انجام: (وتركهم علی قصد سبیل الحق) القصد استقامة الطریق... وفی عطف الدحض علی الصعب علی ما فی بعض النسخ اشارة الی تعدد مرتقاهم صعوبة وزلقاً كتقلید السلطنة والامارة وتصدی الافتاء والهدایة او ترك الامام المنصوب من عند الله عن بصیرة واقامة الامام بمقول ناقصة حایرة عن طریق (باب ـ نادر جامع فی فضل الامام ع وصفاته).

[۱۴۱۳]

۶۸۸ این نسخه بنستعلیق با عنوانهای (قوله) و نشانه‌ها بشنگرف میباشد و در پایان جای عنوان (قوله) سفید است.

حاشیه‌های «منه رفع الله قدره» یا «منه رفع ذكره» یا «منه مدظله» و «منه سلمه» و «من شرح صدر» و «كذا افاد مدظله» و «كذا استفید من حضرته» (۳۹ ب) و «منه» و «منه ـ من خطه» و «منه دام رفعته» و «سمع ۱۲» و «سمع» و بی نشانه دارد. پس نسخه در روزگار میرزا رفیعا نوشته شده و از آن یكی از شاگردان او بوده است و حاشیه‌ها و شاید هم متن از آن شاگرد باشد.

(۳۱۷۸ د) ـ كاغذ سپاهانی جلد مقوا نه میش

اندازه ۱۴×۲۰ و ۷×۱۴ ـ س ۱۸

[۱۲۰۷] حاشیهٔ «كتاب من لا یحضره الفقیه» (عربی)

شیخ بهائی با این نامه شالودهٔ حاشیه‌ای بر «كتاب من لا یحضره الفقیه» را ریخته و گویا هم نتوانست آنرا بپایان برد.

در كشف الحجب (ص ۱۹۰) و ذریعه (۸: ۲۲۴) از این حاشیه یاد گردید.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. ابهی خبر یبتدا به الكلام واحسن حدیث یفتتح به المرام حمد الله سبحانه علی آلائه المستفیضة الجسام و نعمائه المتواترة العظام... اما بعد فان اقل العباد محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی... یقول هذا... من تعلیقات حسان... یكشف عن خبایا كتاب من لا یحضره الفقیه نقابها.

انجام: قال قدس سره وسأل یعقوب بن عیثم الی آخر الباب: عیثم بضم العین المهمله وفتح الثاء المثلثة او اسكان الیاء وهذا الرجل اعنی (وهذا آخر ما وجد بخطه قدس الله روحه الشریف...).

[۱۴۱۴]

۹۴۴ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و متن زیر خط سرخ میباشد. محمد شریف بن شیخ ابوتراب داود در پایان محرم ۱۰۹۴ آنرا نوشته است. گ ۱ ب ـ ۳۹ الف.

[۱۲۰۸] الحبل المتین فی احكام الدین (عربی)

(الفرائض البهائیة)

شیخ بهائی و چنانكه در پایان و جیزه و دیباچهٔ همین دفتر میگوید میخواسته است كه همهٔ اخبار مربوط ببابهای فقه را در آن گرد آورد و گزیده‌ای از آنچه از حدیثهای صحیح و حسن و موثق در اصلهای چهارگانه هست و در دریافت بیشتر حكمهای فقهی سند میباشد در آن بگذارد و همهٔ آنها را در هر جا كه نیاز هست بخوبی روشن بسازد. او میخواست آنرا در چهار منهج (عبادات ـ عقود ـ ایقاع ـ احكام) بنگارد (۱) ولی بگفتهٔ خوانساری جز جلد یكم از منهج یكم (طهارت و صلوة تا آخر مبحث یكم تعقیب) در دست نیست و تنها همین اندازه را توانست بنویسد (روضات ص ۶۰۶ ـ فهرست سپهسالار ج ۱ ص ۲۴۸) مگر اینكه

۱ـ مشرق واكسیر السعادتین او كه طهارة آنرا در روز ۴ ذی‌قعده ۱۰۱۵ در قم بپایان رسانده است نیز در حدیثهای صحیح فقهی است از چهار اصل و دارای یك مقدمه ایست در درایه و چهار منهج مانند الحبل المتین چنانكه در آغاز این از آن یاد كرده و «كتاب كبیر» ش خوانده است.

از نسخهٔ ما و نسخه های طوس برمیآید که مقدمهٔ باب سوم از منهج چهارم (در مواریث) درسهام و فروض که بنام « الفرائض البهائیه » خوانده میشود هم یافت میشود (ش۶۲۳ تا ۶۲۸ ج۵ طوس) حدیثهای حبل متین گذشته ازمکررها بهزار وهشتاد وپنج میرسد وشیخ بخش یکم آنرا پس‌از نماز بامداد روز آدینه ۱۸ شوال ۱۰۰۷ در آستانهٔ طوس بپایان رسانده (ذریعه ۶ : ۲۴۰ - پایان کتاب ص ۲۶۳) هردوبخش آن پس‌ازوجیزهٔ اوودردنبال آن مشرق الشمسین ودورساله کر و تفسیرالعروة الوثقی هم درتهران در ۱۳۱۹ بچاپ سنگی رسیده (اندازه وزیری در ص ۸-۲۶۰) (فهرست طوس ۵ : ۵۶۲) .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الباب الثالث من المنهج الرابع من الحبل المتین فی المواریث وفیه مقدمة و خمسة مطالب اما المقدمة فاذ کر فیها قبل الشروع فی نقل الاحادیث اشارات وجیزة الی جمل مهمة .

انجام : وهذه صورة العمل فی الثلثة الاخیرة (جدول) والله الموفق (تمت المقدمة بعون الله والحمدلله) .

[۱۴۱۵]

۸۲۱ این نسخه ش ۷ دفتراست و بنسخ (۱۳ ب - ۱۴ ب) حاشیه‌های « منه » دارد (ص ۸۳۵) .

[۱۲۰۹] حدیث غمامه (عربی)

دراین‌حدیث بروایت ازسلمان فارسی ازمناقب علی ع آنچنانکه خودمیگوید آمده واز کوه قاف وصف شده است و روش غلووارتفاع در آن آشکاراست

این حدیث همانست که قاضی سعیدای قمی درسپاهان بسال۱۰۹۹ در۵۱ سالگی خود (۱) گزارشی عرفانی نوشته ودرپایان آن گزارش خطبهٔ بیان (در ۸۳ بند) و پاسخ صادق ع بمفضل را گذارده است .

۱ـ گفتهٔ او دردیباچه (گ ۲ الف و ب ش ۴۰۳) اینست : «الی ان وفقنی الله ... عام تسع وتسعین من ثانی الف الهجرة ایام اقامتی باصبهان حین ما ارتقی العمر درجات الخمسین ووصل الی احدی مراقی الستین » . پس او در۱۰۴۹ زاده شده است وآنچه در ص ۴۵۴ این فهرست گفته شده نادرست میباشد .

قمی مینویسد که این‌حدیث را دانشمندان میشناسندودرمجموع رائق صدوق (؟!) و کتاب شیخ حسن‌بن سلیمان از برخی ازدانشمندان امامی در کتاب منهج التحقیق او ودربحرالمناقب آمده است .

قمی آنرا از مجموع رائق (نگارش سید هبةالله موسوی نه صدوق) آورده است چنانکه در آغاز نسخهٔ ما هم دارد که مانا از آنست .

آغاز : (علی الظاهر من مجموع الرائق) ومن مناقبه ص خبر الغمامة مارواه ابوعبدالله‌بن ز کریابن دینار العلانی (مانا: الغلابی) عن ابی جبیر الاسود عن محمدبن عبدالله یرفعه الی سلمان الفارسی رض قال کناجلوساً عندمولانا وسیدنا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ص و س حین بویع عمر بن الخطاب (این‌نام روبپائین نوشته‌شده) بالخلافة (مانند آنچه در گزارش قمی آمده با اند کی جدائی) .

انجام : قال سلمان الفارسی اتم المعجزات الکبار بامیرالمؤمنین ... لعن الله من غصبك حقك و جحدك واعرض عنك وضاعف علیهم العذاب الالیم (مانند آنچه قمی آورده با جدائی اندك گ ۹۰ الف ش ۴۰۳) .

[۱۴۱۶]

۵۰۲ این نسخه ش ۴ دفتراست وبخط نسخ وآغاز مطلبها زیر خط گذارده شده گ ۱۹۰ الف - ۱۹۸ الف (بنگرید به ۵۰۲/۸) .

[۱۲۱۰] حرز (رسالة ...) (عربی)

دراین رساله حرزهای امیر مؤمنان علی و یازده فرزندش آمده است .

از اینگونه حرزها درجنة الامان الواقیة کفعمی (فصل ۲۶) والجنة الواقیة هم (فصل ۲۷) وجلد ۱۹ بحارص ۱۲۵- ۱۸۴ فراوان دیده میشود ودرصحت استناد آنها ازدورهگذر متن وسند هردوباید موشکافی کرد تا مبادا ازدعاهای هندی وایرانی وعبری و سریانی بتازی نکرده بامامان نبسته باشند یا اینکه ساختگی نباشد چنانکه درروضات خوانساری (ص ۳۸۳) و مستدرك نوری (ص ۴۶۹) اشارتی شده است .

اینگونه دعاها بنام عوذه و احتجاب و هیکل هم خوانده شده است.

درمستدرك (٤٨٥) دارد که رشتهٔ سند روایت «حرز جواد» به شیخ رکن‌الدین ابوالحسن علی بن علی بن عبدالصمد تمیمی سبزواری نیشابوری میرسد و او استاد ابن شهرآشوب و قطب راوندی و فضل‌الله راوندی بوده است (ص ٤٩٠ و ٤٩٥).

آغاز: بسمله . صلوات‌الله و سلامه علی‌النبی محمد و علی‌الائمة المعصومین . اللهم صل علی محمد المصطفی . . . ومحمد بن حسن المهدی الحجة امام الامة اللهم اجعلنا من زمرة محبیهم و متابعیهم واحشرنا معهم یا کریم . حرز لامیرالمؤمنین ع : بسمله . قال اللهم مالك الملك .

انجام: حرز لامام الامة وصاحب الزمان .. اللهم احجبنی عن عیون اعدائی... واجعلهم فی حرزك و امنك برحمتك یاارحم الراحمین وصلی‌الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین اجمعین ـ بسمله روی عن امیرالمؤمنین . . . قال رسول‌الله . . . یاعلی من قرا هذه‌الآیات‌السبع فی کل یوم لایصیبه آفة ... یا مغیث اغثنی بحرمة سیدالمرسلین محمد و آله و ذریته صلوات‌الله علیهم اجمعین (بسمله روی عن امیرالمؤمنین . . . انه قال رسول‌الله ... یا علی من قراء هذه‌الآیات‌السبع فی کل یوم لایصیبه آفة ... یا مغیث اغثنی بحرمة سیدالمرسلین . . . و ذریته صلوات‌الله علیهم اجمعین).

[۲٤۱۷]

۱۱٤۱ این نسخه ش ۲ دفتر است و بهمانگونه نسخ ش ۳ میباشد و از همان نویسنده . گ ۱٦٥ ب ـ ۱٦۹ الف (بنگرید به ۱/۱۱٤۱).

[۱۲۱۱] **حلیة‌الابرار** (عربی)

دانشمند اخباری آگاه بفقه و تفسیر سید هاشم بن سلیمان بن اسمعیل بن عبدالجواد حسینی بحرانی کتکانی (م ۱۱۰۷) نگارندهٔ مدینة‌المعاجیز بسال ۱۰۹۰ این «حلیة‌الابرار» را برای «وزیر عارف ایمانی بیك» نگاشته و درروز ۱۲ ربیع

دوم ۱۰۹۹ آنرا بپایان برده است . نسخه‌ای از این بخط شاگرد او شیخ علی بن عبدالله بن راشد بحرانی مقابی بتاریخ ۱۰۹۹ در کتابخانهٔ آستانهٔ طوس هست (فهرست آنجا ۱ : ۳۲ ش ۱۰۱) درنسخهٔ ما نام وزیر دردیباچه و پایان آن نیامده است (۱).

این کتاب در ۱۳ منهج هریکی چند باب و دربارهٔ نکوئیهای پیامبر و دخترش و دوازده پیشوای شیعی است . او «حلیة‌النظر فی فضل‌الائمة‌الاثنی عشر» هم دارد که آنرا هم در ۱۰۹۹ نوشته است .

آغاز : بسمله . رب وفقنی لاتمامه . الحمدلله وسلام علی عباده‌الذین اصطفی امابعد فیقول . . . هاشم بن سلیمان بن اسمعیل بن عبدالجواد الحسینی البحرانی انی لما نظرت فی کتب‌الحدیث مما عثرت علیه من‌القدیم والحدیث رایت احادیث کثیرة تتضمن حلیة‌الابرار محمد و آله الائمة‌الاثنی عشرالاطهار.. متبددة لم‌یحوها سلك نظام کانها انفصم فتناثرت لئالیه ففاته‌الانضمام احببت ان اجمعها فی کتاب یسهل تناولها علی الطلاب . . . وسمیته بحلیة‌الابرار محمد و آله‌الاطهار وهومبنی علی ثلثة عشر منهجا .

انجام : قال مؤلف هذاالکتاب انشاءالله تعالی اعمل کتاباً مستوفیاً کثیراً من ذلك ... و کان الفراغ من هذاالکتاب الموسوم بحلیة‌الابرار... علی ید مؤلفه ... هاشم ابن سلیمان ابن اسمعیل ابن عبدالجواد الحسینی البحرانی بالیوم الثانی عشر من شهر ربیع الثانی سنة‌التاسعة والتسعین والالف و صلی‌الله علی‌الله علی محمد و آله‌الاطهار وسلم تسلیماً کثیرا .

[۱٤۱۸]

٥۸۰ این نسخه نسخ با عنوانهای شنگرف علی بن ابیطالب مدرس همدانی است که در ۲٦ جمادی دوم سال ۱۲۹۹ آنرا بپایان رساند .

در آن دارد : «بلاغ شد» و «بلغ قبالا بحمدالله تعالی» (هامش برگ پایان) .

(۲۸۳ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب عنوالی درون آراسته

اندازه : ۳۲/٥×۴۲ و ۱۴×۳٥ س ۲۸

۱- بنگرید به : ذریعه ۷ : ۷۹ ـ ایزطوس ۱ : ۲۲ و ٥ : ۳۱۹

[۱۲۱۲] **خبر مولد علی ؑ** (عربی)

این خبر در فضائل شاذان (ص ۷۰ و ۷۹ چاپ ایران و ص ۵۷–۶۳ چاپ نجف) دیده میشود و هردو چاپ با نسخهٔ ما یکی نیستند و نسخهٔ ما درست می‌نماید. نسخهٔ ما را عارف منشی که گویا نویسندهٔ نسخه هم هست حاشیه‌هائی نوشته و در آنها از فصول النجات و آیات الاشارات و حاشیة الفتوحات یاد نموده است. این خبر رنگ غلو و ارتفاع هم دارد.

آغاز: (کتاب فیه خبر مولد ... علی بن ابیطالب ..) (عنوان در گ ۵۶ الف) بسمله. اخبرنا الشیخ الامام العالم الورع الفاضل ضیاء الدین شیخ الاسلام ابو العلا الحسن بن احمد بن یحیی العطار الهمدانی قدس الله روحه ونور ضریحه فی همدان فی مسجده فی الثانی والعشرین من شعبان سنة ثلث وثلثین ومائه (ستمائه – چاپ نجف) قال حدثنا رکن الدین احمد بن محمد بن اسمعیل القادسی (الفارسی) قال حدثنا عمر بن روق الخطابی قال حدثنا (الحجاج بن) المنهال بن (عن) الحسن بن عمران عن شاذان بن العلاء قال حدثنا عبدالعزیز عن عبدالصمد عن سالم بن (عن) خالد عن ابی السرنی (ابی السرای) (من خالد بن السری) عن جابر بن عبدالله الانصاری قال سألت رسول الله عن میلاد علی بن ابیطالب ع فقال اه اه سألت عجباً یاجابر عن خیر مولود ولد بزمان المسیح (یعنی علی سنة المسیح).

انجام: ولایجوز احد علی الصراط الا بالبراءة من اعداء علی بن ابیطالب ع (وهذا ما انتهی الینا من مولده ع علی التمام والکمال والحمد لله علی ما اولانا من موالاته والبراءة من اعدائه وله الشکر علی ما من علی من معرفته وحبه).

[۱٤۱۹]

۱۰٤۵ این نسخه ش ۶ دفتر است وشیخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وباحاشیه‌های نستعلیق سرخ با نشانهٔ «م ح ع ل» میباشد. نویسندهٔ آن محمد بن عبدالحسین حسینی است که در شب سه شنبه ۲۳ محرم ۱۰۵۶ در سپاهان بانجام رسانده. و ما نا حاشیه‌ها هم از او است (۵۶ الف – ۶۳ الف).

پیش از آن در ش ۵ پاره‌ایست از تفسیر عسکری (گ ۵۲ ب – ۵۵ ب) بنسخ.

شیخ جواد بن حسن بن طالب بلاغی نجفی (۱۲۸۵–۱۳۵۶) (رسالة فی التکذیب لروایة التفسیر المنسوب الی العسکری و کذب نسبته الیه) دارد (اعیان الشیعه ۱۷ : ۶۹).

[۱۲۱۳] **خصائص الائمة** (عربی)

سید شریف رضی ابی الحسن محمد موسوی بغدادی (۳۵۹–٤۰۶) با این دفتر شالودهٔ سرگذشتنامه‌ای را ریخته بود و میخواست سرگذشت و زندگی دوازده پیشوای شیعی را در آن بنویسد ولی پس از نوشتن سرگذشت امیرمؤمنان علی بنگارش نهج البلاغه پرداخت واین نامه را بپایان نبرده است. او در دیباچه میگوید از من خواستی درسرگذشت و اندیشهٔ دوازده امام بنویسم گرفتاری روزگار نگذاشته بود. تااینکه بزرگی میخواست ازمن نکوهش کند ودرشام عرفه سال ۳۸۳ بود که من بمشهد موسی بن جعفر ومحمد بن علی بن موسی میرفتم او بمن برخورد و پرسید کجا میروی گفتم بآن دو مشهد میروم او گفت تا کی این کار: اومیخواست بگوید که همه موسویها بوقف میگویند واز قطع برائت دارند. با اینکه میدانست من امامی هستم چنین گفت و میخواست بمن بدگوید. باو پاسخی دادم و عزم کردم این کتابرا بنویسم – او پس از نوشتن سرگذشت علی بگردآوری نهج البلاغه پرداخت و دیگر گرد این کتاب نگشت (آغاز نهج) او تنها چند باب وفصلی از خصائص علی وسخنان اورا آورد و همهٔ آن نزدیک ۱۵۰۰ بیت است و یک سوم آن سخنان کوتاه علی است (ذریعه ۷ : ۱۶٤ – کنتوری ص ۲۰۵) اودر آغاز نهج که در رجب ٤۰۰ بانجام رسید میگوید که من درجوانی بنوشتن کتابی در خصائص الائمه میپرداختم که اخبار دلپسند وسخنان نغز و گوهرین آنها در آن بود وروی چه غرضی بود در آغاز آن گفته‌ام. من از یاد کردن خصائص علی بیاسودم و گرفتاریهای روزگارهم نگذاشته بود که آنرا بپایان برم. درپایان آن سخنان کوتاه خردمندانهٔ علی را آوردم ودسته‌ای از یاران وبرادران من آنرا که بدیدند پسندیدند و ازمن درخواستند که گزیدهٔ

سخنان علی را درهمهٔ فنون از خطب و کتب و بندها و آداب در کتابی جداگانه که در آثار پیشینیان آنرا مانندی نباشد گرد آورم. در چند جای آن «قال السیدالرضی ابوالحسن» یا «قال الشریف ابوالحسن» ومانند اینها دیده میشود که نویسندگان برآنها «ره» یا «رض» افزوده‌اند (گ ۲۳ الف ـ ۲۷ ب ـ ۳۰ الف برابر با ص ۷۰ و۷۵و۸۸و۹٤ چاپی) رضی چنانکه از این نامه برمیآید دلباختهٔ سخنان علی ع بوده است چنانکه از گفته او درپایان آن پیدا است. او دو حدیث دربارهٔ فاطمه مادرعلی ع و حسن ع آورده که چنانکه محشی چاپ نجف مینویسد با آئین شیعی نمیسازد (ص ۳۵ و ۵۰) ـ نوری در مستدرك (۳ : ۳٦۹) از این خصائص یاد نمود. درطرف ابن طاوس و بحار مجلسی و کشف الظنون چلبی (آنجائیکه از نهج گفتگو میدارد) یاد گردید. اردبیلی در حدیقة الشیعه ونگارندهٔ دمعهٔ سا کبه آنرا ازمرتضی پنداشتند ودرست نیست. نگارندهٔ ذریعه چهار نسخه‌ای از آن بدید.

حرعاملی دراجازهٔ خود بشیخ محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی درطوس بسال ۱۰۸۵ رشتهٔ سند روایت خصائص را چنین یاد کرد: از شاذان قمی از احمد بن محمد موسوی از ابن قدامه از رضی ونیز از ابن شهر آشوب از ذی الفقار بن معد حسینی از محمد بن علی حلوانی ازهمان رضی (ص ۱٦۱ اجازات بحار).

درالغدیر (٤ : ۱۷٤) چنین آمده است:

«قال العلامه الحلی فی خصائص الائمة: «توجد فی العراق نسخ باسمه تشبهه فی المنهج لکن لم یصح نسبتها».

ازنام علامهٔ حلی که من آنرا دانشمند نامور سدهٔ ۷ و ۸ پنداشتم ودیری بیهوده درپی آن گشتم که دریکی از کتابهای او این مطلب را بیابم عبدالحسین حلی خواسته شده و او دردیباچهٔ خود بر «حقائق التأویل» همین رضی (ص ۸۹ چاپ هم در ۱۳۵۵ در نجف) چنین گفته است. با اینکه خود رضی در ص ۱٦۷ حقائق که آنرا درشعبان ٤۰۲ براو خوانده‌اند از نهج البلاغهٔ خود بسیار بستود.

این کتاب خصائص در نجف بسال ۱۳٦۸ با دیباچه‌ای درسر گذشت رضی بچاپ رسید ورویهم نزدیك به هزار و پانصد بیت است وفصل بازپسین آن سخنان کوتاه امیرمؤمنان علی است که باندازهٔ یك سوم کتاب میشود (ذریعه ۷ : ۱٦٤).

آغاز: بسمله. وبه ثقتی. کنت حفظك الله علیك دینك وقوی فی ولاء العترة یقینك سألتنی ان اصنف لك کتاباً یشتمل علی خصائص اخبار الائمة الاثنی عشر... علی ترتیب ایامهم وتدریج طبقاتهم ذاکراً اوقات موالیدهم ومدد اعمارهم وتواریخ وفایاتهم ومواضع قبورهم واسامی امهاتهم ومختصراً من فضل زیاراتهم ثم مورداً طرفاً من جوابات المسائل التی سئلوا واستخرجت اقاویلهم فیها ولمعاً من اسرار احادیثهم وظواهر وبواطن اعلامهم ونبذاً من الاحتجاج فی النص علیهم وحقیقة البرهان فی الاشارة الیهم.

انجام: قال الشریف الرضی ذوالحسبین (ابوالحسن رضی الله عنه) «ولو لم یکن فی هذه الفقرات المذکورة الاهذه الکلمة الاخیرة لکفی بها لمعة ثاقبة وحکمة بالغة ولاعجب ان تفیض الحکمة من ینبوعها وتزهر البلاغة فی ربیعها (الحمدلله الذی تم هذا (هنه ۱) الکلمات التی لایاتیها الباطل)

[۱٤۲۰]

این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف از حاجی محمد که برای دانشمند نوری (حسین بن محمد تقی) بگواهی همین دانشمند در گ ۱ الف بسال ۱۲۸۲ نوشته است. نوری مینویسد: «فهرست مافی هذا الکتاب: خصائص سید رضی ره ـ طرف علی بن طاوس ـ محاسبة النفس له ایضاً ـ روضة شاذان بن جبرئیل قمی ـ استکتبه لنفسی وانا العبدالمذنب المسی حسین بن محمد تقی الطبرسی فی ۱۲۸۲» درهمینجا بازدارد: «خصایص مال جناب المولی المعظم الحاج میرزا حسین النوری سلمه الله است» درپائین مهر «جزو کتابخانه ضیاءالدین النوری» هست نام حاجی محمد درپایان «محاسبة النفس» یاد شد.

حاشیه‌های انوری هم دارد که یکی از آنها بفارسی است (۲۱ الف).

(عدهٔ دفتر ۱۱۹ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ساده درون کاغذ با گل وبوته سرخ وسیاه وزمینه سبز با روپوش پارچه   اندازه ۱۵×۲۱ـ۸×۱٦ س ۱۹

[۱۲۱٤] خصائص امیر المؤمنین علیه السلام (عربی)

دانشمند نور الدین محمدهادی بن مرتضی بن نور الدین محمدمؤمن بن شاه مرتضی کاشانی (نیمهٔ ۲ سده ۱۱) پسر برادرزاده و شاگرد فیض کاشانی محمد محسن بن شاه مرتضی و مجاز از او در ۱۰۷۲ و شارح مفاتیح الشرائع همو و گزیننده بحار بروانی اودنباله و مستدرک نوشته است و آن در چهارده جزء میباشد و سیزدهم آن در کتابخانهٔ آستان طوس (ه : ۱٦٥ ش ۷۰٤) هست و هشت جلد آن در کتابخانهٔ شیخ عباس قمی بوده‌است. او دراین کتاب حدیثها را « بیان » هم نوشته است (فوائد رضویه ۲ : ٦٣٤ - ریحانة الادب ۳ : ١٤٦ - روضات ٥١٦ ذریعه۱ : ۲۲۸). چنین است جزء پنجم آن :

آغاز : بسمله . الحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی و اهل بیته ائمة الهدی کتاب خصائص امیرالمومنین . . . وهوالجزء الخامس من اجزاء مستدرک الوافی تصنیف محمد بن مرتضی المدعو بهادی ... وبذ کرفیه ... جملة مما ورد فی مناقبه وفضائله وخوارق عاداته وسائر خصائصه مما لم یسبق العهد الی ذکره .

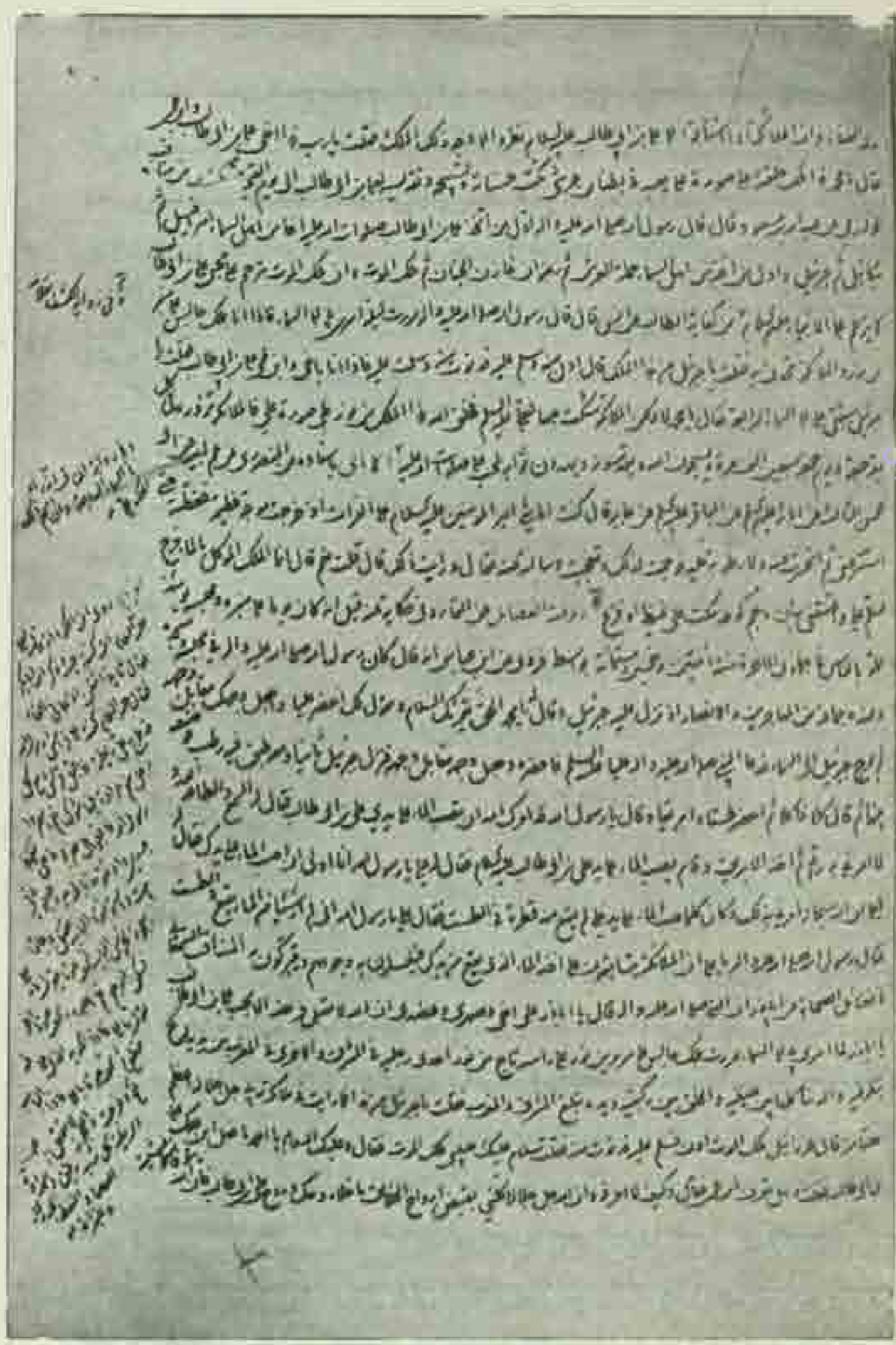
انجام : باب النوادر . تفسیر فرات باسناده عن سلیمان بن یسار قال رأیت ابن عباس لما توفی امیر المؤمنین ع بالکوفة وقد قعد علی المسجد محتبیاً ... اشهد کم معاشر الناس لاتسالون من علم من امر کم مادام علی فیکم فاذا فقد تموه فعند ذلک تقوم الآیة لیهلک من هلک عن بینة ویحیی من حی عن بینة. صدق الله وصدق نبی الله صلی الله علیه وآله وسلم .

[۱٤۲۱]

۹۱۷ این نسخه جزء پنجم و بنستعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ونسخهٔ اصل است چه اینکه خط خوردگیهادارد وسفیدههم گذاشته شده‌است ودرهامش هم نوشته‌هائی است مربوط بخود متن . دربرخی جاها مانند ۳ ب و ۱۰ ب « بلغ بحمده » دارد .

(۱۷۴ گ — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی

اندازه ، ۱۴/۵×۲۱ و ۱۱×۱٦/۵ س ۲۳



گ ۷۲ الف خصائص الائمة ش ۹۱۷

[۱۲۱۵] **خصال** (عربی)

دانشمند شیعی شیخ صدوق ابن‌بابویه قمی رازی (نزدیک ۳۱۱–۳۸۱) در آغاز این دفتر میگوید که چون دیدم خواجگان و پیران در گونه گون دانشها نامه نوشتند و دفتری نساختند که رفتارها و خویهای پسندیده و نکوهیده را در آن برشمرند با اینکه چنین کاری بسیار سودمند است این بود که من بدین نگارش پرداختم. او از باب یک آغاز سپس بدو و سه میپردازد تا میرسد بباب چهارصد و کتاب بانجام میرسد (ذریعه ۷: ۱۶۲).

نگارندهٔ «الاثنی عشریه فی المواعظ العددیه» محمد بن محمد بن حسن بن قاسم حسینی عیناثی عاملی جزینی نوادهٔ شهید دوم از خصال ابن بابویه پیروی نموده نیک و بد خویها را برشمرد و آن در ۹ رجب سال ۱۰۶۸ بپایان رسیده و در ایران بسال ۱۳۲۲ چاپ سنگی شده است (ذریعه ۱: ۱۱۹).

شیخ مهدی در «خصال الشیعه» فارسی خود پاره‌ای از حدیثها که دربارهٔ رفتار و خوی شیعیان آمده است آورد و آن در هند چاپ گشت ـ نخبة الخصال هم گزیده‌ایست از خصال ابن‌بابویه.

محمد باقر کمره‌ای و چندتن دیگر خصال را با متن و ترجمهٔ پارسی و با دیباچه‌ای در سر گذشت قمی بسال ۱۳۶۷ در دو جلد بچاپ رساندند. در این چاپ تا باب سی آن هست. پیش از آن بخط نسخ محمدرضا بن مهدی خوزانی سپاهانی بکوشش حاجی شیخ رضای کاشانی کتابفروش در چاپخانهٔ دارالفنون بدستیاری آقامیرزا عباس در دو جلد باندازهٔ وزیری در ۱۶۵ + ۱۸۰ ص باندازهٔ وزیری بچاپ سنگی رسید و در ۱۷ ربیع دوم ۱۳۰۲ چاپ آن انجام یافت (ذریعه ۷: ۱۶۲ ـ دیباچهٔ آقای نفیسی بر مصادقة الاخوان ص ۱۳ ـ کشف الحجب ۲۰۵ ـ فهرست سپهسالار ۱: ۲۳۲).

آغاز: بسمله و به ثقتی. الحمدلله الذی توحد بالوحدانیة وتفرد بالالهیة... فانی وجدت مشایخی... قد صنفوا فی فنون العلم کتباً واغفلوا عن تصنیف کتاب یشتمل علی اعداد الخصال المحمودة والمذمومة... فتقربت الی الله... بتصنیف هذا الکتاب.

انجام: «والله لقد خلق الله... الف الف عالم و الف الف آدم انت فی آخر تلک العوالم و اولئک الادمیین».

[۱۴۲۲]

ع ۵ د ۹ این نسخه بسخ روشن با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف است از محمد بن خواجه شان‌علی که در «مشهد مقدس معلی مزکی» میزیست بسال ۱۰۷۲. حاشیه‌هائی از فرهنگهای «مصباح ـ کنز ـ صحاح ـ قاموس» در کنار صفحه‌ها دیده میشود. شیر بن محمد حسینی موسوی قجاری که در نجف میزیسته است در ۱۱۷۵ این نسخه را داشته وخط او یا مهر در گ ۱ الف و ب دیده میشود. محمدرضا بن محمد امین استرابادی وعلی بن اسمعیل ترک اردوبادی نجفی دارندهٔ نسخه بودند (گ ۱ الف).

(جزء یکم گ ۱ ب ـ ۱۰۹ ب ودوم گ ۱۱۱ ب ـ ۲۳۷)

(گ ۲۳۸) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ کهنهٔ زرکوب

اندازه: ۱۹ × ۲۵/۵ و ۱۴ × ۱۷/۵ س ۲۴

[۱۲۱۶] **خطب علی ؑ** (عربی)

خطب و ملاحمی در کتابها از امیرمؤمنان علی (ع) دیده میشود که در صحت استناد آنها دانشمندان را گفتگوها است. اینک نکته‌هائی چند دربارهٔ سه خطبهٔ بیان وطتنجیه و خیردهقان:

نامه‌ای که طبری در تاریخ (۸: ۱۶۱) از گفتهٔ فرج بن عثمان قرمطی بسال ۲۷۸ آورده پاره‌ای از بندهای خطبهٔ بیان مانده است.

در رجال کشی که در سدهٔ ٤ بنگارش در آمده است از طاهر بن عیسی از یکی از کتابها از محمد بن الحسین از اسمعیل بن قتیبه از ابی العلاء خالد بن طهمان خفاف سلولی از باقر (ع) آمده که امیرمؤمنان فرمود: «انا وجه‌الله وانا جنب‌الله وانا الاول وانا الآخر وانا الظاهر وانا الباطن وانا وارث الارض وانا سبیل‌الله وبه عزمت علیه» معروف بن خربوذ قرشی مکی کوفی (که خود او یا پدرش برده قرشیان شده بود) میگوید: «ولها تفسیر غیر مایذهب فیها اهل الغلو» (ماسینیون ص ۱۰۵ ـ کشی ص ۱۳۸ ـ استرابادی ص ۳۳۷ ـ مامقانی ۳۹۲) اینگونه وصفها

در رساله‌هائی که بروایت از دو جابر انصاری و جعفی از امام باقر دانسته‌اند آمده‌است. در ص ۸۱ تاریخ الدعوة الاسمعیلیه سخنانی از امام صادق مانند خطبهٔ بیان روایت گردید. و باید اینگونه سخنان از سبائیان کوفه باشد (ماسینیون) در ص ۱۰۶۲ و ۱۱۹۵ دیده‌ایم که در اختصاص مفید و بصائر صفار هم مانند آنچه که در رجال کشی دیده میشود آمده و تأویل گردیده. در هفت باب باباسیدنا (ص ۱۵ و ۱۷) و روضة التسلیم طوسی (ص ۱۱۲) هم بندهائی مانند بندهای خطبهٔ بیان دیده میشود و بندهای یادشدهٔ در روضة التسلیم نزدیک است بآنچه که در رجال کشی و اختصاص و بصائر می بینیم ولی در هفت باب پیش از یاد کردن این سخنان داستان عبدالله سبا و سوزاندن آنها و زنده شدن آنها پس از سوختن یاد شده‌است. پس دور نیست که سبائیان چنانکه میرزای قمی (ص ۱۰۹٤ همین فهرست) هم یادی از آنها کرده است سازندهٔ اینگونه سخنهای غلو آمیز باشند همچنانکه طتنجیه با دو خطبهٔ نصیریان پیش از ۳۰۰ هجری مانندگی دارد (ماسینیون ص ۱۰٤) (۱).

این هم گفته شود که در فضائل شاذان (ص ۸۳ و ۸۹) دو حدیث آمده که در یکی علی (ع) با زهرا (ع) و در دیگری او با حسن (ع) مفاخره میکنند و کمی از خطبهٔ بیان ندارد. ابن شهرآشوب در مناقب از خطبة الافتخار امیر مؤمنان یاد نمود و در مشارق الانوار برسی نوشتهٔ ۷۷۳ (ص ۱۷۱) هم خطبه‌ای بهمین نام آمده و بسیار بخطبهٔ بیان مانده‌است. در المجموع الرائق نوشتهٔ ۷۰۳ و همان مشارق و الزام الناصب بارجینی خطبهٔ تطنجیه که گویا همان «الاقالیم» ابن شهرآشوب (طوس ۱ : ۹۷) باشد آمده است.

در نسخهٔ تاریخ ۷۲۹ طوس (۱ : ۹۷ ش ۲۹۳) خطبهٔ اقالیم و بیان هردو دیده میشود. شیخ علی بارجینی یزدی م ۱۳۳۳ در الزام الناصب سه نسخه از «بیان» آورد که در یکی نام یاران مهدی (عج) و در دیگری نام فرماندهان او در شهرها

۱ــ نیز بنگرید به: ذریعه ۷ : ۱۸۷ و ۲۰٦ ــ فهرست آقای منزوی ۲ : ۱۰۸ــ۱۱٦ و ۲۹۵ــ۳۰۵ و ۷۰۳ (در اینجاها از خطبه‌های علی و گردآورندگان آنها و از گزارش و ترجمه خطبه‌های بیان و طتنجیه کاوش شده است).

آمده است. او یکی را از «الدر المنظم فی السر الاعظم» کمال الدین ابی سالم محمد بن طلحهٔ شافعی (۵۸۲ــ٦۵۲) نویسندهٔ «مطالب السئول فی مناقب آل الرسول» در حلب بسال ٦۰۵ (روضات ص ٤٦٦) پس از «زبدة المقال فی فضائل الآل» (طوس ۵ : ۱۷۰) گرفته است.

شاپور کاشانی بدستور شمس الدین محمد فرمانروای کاشان بسال ۸٤٦ خطبهٔ بیان را بنظم در آورد (ش ۱٦٤ این کتابخانه).

حسن بن سلیمان حلی در منتخب البصائر (ش ٦۵۷/۱ گ ۱۲۲ ب) «خطبهٔ المخزون» (العجب کل العجب بین جمادی ورجب) را که «ملحمه» و پیش بینی است از امیر مؤمنان علی دربارهٔ پیشوای نهانی و مجلسی در بحار (۱۳: ۲۲۲ چاپ تبریز) هم آنرا آورده است یاد نمود. حلی میگوید من آنرا در نسخه‌ای یافتم که علی بن طاوس بر آن نوشته بود که شاید پس از دویست هجری نوشته شده باشد. عنوان نسخه «خطب امیر المؤمنین» و روایت شده از امام صادق (م ۱٤۸) بواسطه (فرح بن فروة از مسعدة بن صدقة) بوده است.

مجلسی در بحار (۱٤ : ۳۳۹ الممدوح والمذموم من البلدان) ملحمه‌ای از علی آورده که در آن از آمدن حسنی خداوند طبرستان بنیشابور و گشودن آنشهر و رسیدن او بشهرهای سپاهان و قم و کشتن مردم آنجا و چپاول کردن آنجا یاد گردید. این خطبه‌ها در پیش بینی و ملحمه با خطبهٔ بیان مانند است

بجز چاپهائیکه در ذریعه و فهرست آقای منزوی از این خطبه‌ها نشان داده شده‌است در «الانسان الکامل فی الاسلام» از عبدالرحمن بدوی چاپ مصر در ۱۹۵۰ ص ۱۰۵ــ۱۱۲ از روی دو نسخهٔ پاریس ودر «تاریخ الدعوة الاسماعیلیة» از مصطفی غالب چاپ دمشق در ۱۹۵۳ دوبار یکی در ص ٤۲ــ٤۸ و دیگری در ص ۳۳۱ ــ ۳۳٦ از روی دو نسخهٔ پاریس خطبهٔ بیان بدو روایت و باندازهٔ نیمهٔ نخستین دو نسخهٔ ما (٦۵۷/۲ و ۱۰٦۷/۳) آمده‌است. نخستین تا اندازه‌ای شیوائی دارد و نادرستی و ساختگی آنها هویدا است تا جائیکه ناشر کتاب مصطفی غالب اسمعیلی نزادی

آغاخانی در ص ٤٨ دربارهٔ دومی مینویسد:

«ان هذاالقول منسوب علی علی کرم‌الله وجهه ولیس من کلامه سیما وان اکثره لیس له معنی وفیه قول لایقوله الاعابدوثن» در «الانسان‌الکامل» گفتار هانزهنریش‌شیدر H. Schader دربارهٔ ریشه و ساخت‌شعری مسئلهٔ انسان کامل دراسلام و گفتار لوئی ماسینیون L. Massignon دربارهٔ انسان کامل دراسلام وریشهٔ رستاخیزی آن بتازی در آمده است. دراین دو گفتار از ریشهٔ آریائی و سامی «انسان کامل» و پیوستگی آن با عرفان یونانی و اسلامی و باآئین مانی کاوش شده وخطبهٔ بیان دردومی تحلیل وبررسی گردیده‌است.

خطبهٔ بیان که میگویند علی در کوفه یابصره ساخته است چهاربخش است:

۱- دیباچه‌ای که درآن نامهای خدا وپیامبر آمده است.

۲- گزارش آسیبها و آزارها وستمها که در آینده رخ داده خواهد شد و امام آنها را پیش‌بینی میکند.

۳- پرسش سویدبن نوفل هلالی کافر خارجی از امام که بربالای منبر جامع کوفه بوده و پاسخ او بسجع در ۲٦٨ نام درستایش از خود ومردن همین سوید پس‌از شنیدن آن.

٤- آسیبها و آزارهای آخرزمان وفرمانروایانی که خواهندآمد (نسخه‌های بدوی وغالب).

دردونسخهٔ ٦٥٧/٢ و ١٠٦٧/٣ آغازآن ستایش خداوند و درود برپیامبرست و پرسش همان سوید خارجی آنگاه نزدیك سیصد و شصت صفت پس‌از «انا» میآید درستایش ازخود علی و بسیار غلوآمیز میباشد سپس بگفتهٔ سلمان همان خارجی برمیخیزد وفریادی برمیکشد ودردم میمیرد. آنگاه بدرخواست مقداد حبشی بازعلی دنبالهٔ سخن را میگیرد و پیش گوئیها میکند ونزدیك به۲۳۰ تن از فرمانروایان آیندهٔ کشورها را برمیشمرد ونوید آمدن «مهدی» را میدهد.

این خطبهٔ بیان درنسخه‌ها یکنواخت نیست وبگفتهٔ برخی بزرگتر آنها نزدیك به ٥٠٠ بیت میشود واین دو نسخهٔ ما نزدیك بدوبرابر دو چاپ یاد شده میباشد. از نگریستن بآن بخوبی میتوان دریافت که ساختگی است و گویا درسالهائیکه برآن گذشت دستبردهائی هم درآن کرده‌اند و چیزهائی برآن افزوده‌اند. ازنام شهرها و کسان که درآن یاد شده هرخواننده‌ای درشگفت خواهدماند وپیداست که سازندگان آن مردمی چندان‌ناآگاه نبوده‌اند میتوان گفت که میرزای قمی دراین زمینه درست دریافته است.

مجلسی دربحار (ج ٧ باب ٨١ ص ٢٤٦و٢٦٤ نیز سفینةالبحار ١ : ١١٨) میگوید: «وان قرع سمعك شئی من‌الاخبار الموهمة لشئی من ذلك فهی اما مأولة اوهی من مفتریات‌الغلاة» نیز: «و ما رد من‌الاخبار الدالة علی ذلك (ای علی معانی‌التفویض) کخطبة‌البیان و امثالها فلم‌یوجد الافی کتب‌الغلاة واشباههم»

این‌هم گفته شود که ازغالیان «بیان‌بن سمعان نهدی تمیمی» را برشمردند و گفتند که اوازمردم «سواد کوفه» و زندیق (مانوی) بوده و برجعت و تناسخ میگرائید و علی را خدا میخواند و نامه‌ای بامام محمد باقرنوشته و او را بخود خوانده است. او پس از صدم هجری آشکار شده و خالدبن عبدالله قسری در ۱۱۹ اورا بکشت وسوزاند. مبادا او یا پیروانش اینگونه سخنان را که درآئین مانی هم ریشه دارد ساخته باشند. باز از «بنان» تبان کاهفروشی هم یاد کرده‌اند که در بارهٔ علی چنین سخنـان میگفته و کشی هم از او بیدی یاد کرده است. (لسان‌المیزان ٢ : ٦٩- رجال‌مامقانی ١ : ١٨٥و١٨٣- مقباس‌الهدایة ص٨٥- دائرةالمعارف دربارهٔ بیان)

سید محمدکاظم بن محمد قاسم رشتی (- ١٢٩٥) در ١٢٣٢ گزارشی بر خطبهٔ طتنجیه نوشته که بسیار گنگ و دشوار و آمیختهٔ با علم حروف و عرفان شیعی آنهم بروش شیخیـان میباشد و بخط نسخ در ٣٥٣ ص وزیری بکوشش محمدابراهیم در ١٢٧٠ بچاپ سنگی رسید.

رشتی دردیباچه سخنانی درباره درستی استناداینگونه خطبه‌هادارد که گزیدهٔ آنها چنین‌است :

دانشمندان درباره طتنجیه که‌از جابر بن‌عبدالله انصاری وخطبهٔ‌بیان که از سلمان وابی‌ذر وخطبهٔ افتخار که از اصبغ بن نباته روایت شده‌است چهاردسته شدند .

گروهی همهٔ اینها را بویژه آنچه که درمشارق‌الانوار برسی آمده است دور انداخته وسست وناساز گار با خرد وقرآن دانسته و کفر و تفویض و از سخنان غالیان ونصیریان وخطابیان وشلمغانیان بشمار آوردند .

دسته‌ای دیگر دراین‌باره خاموش ماندند چه دیدند که اینگونه خبرهاروائی دارد ودردعاها وزیارتها مانندآنها هست ودربرابرهم خبرهائی آمده که بااینها نمیسازد وخرد هم با اینها سازگار نیست .

سومین گروه این گونه خبرهارا پذیرفتند وخواستند که بخردآنهارا دریابند و بباطن خاندان پیامبر گرائیدند ولی براهش نرفتند و روش صوفیان ملحد گروندهٔ بوحدت وجود پیش گرفتند . چنانکه ملامحسن درقرةالعیون ازعارفی سخنی آورد وهمان را ازدوخطبهٔ بیان وطتنجیه ومانند آنها دانست .

چهارمین دسته گروندگانی هستند که دربرابر پیشوایان سر فرود آوردند وآزمون شدند و آنچه را که درست است دریافتند .

رشتی خود را ازاین گروه بشمار میآورد و مانند قاضی سعید قمی میگوید که این خطبه‌ها مستفیض بلکه متواتر است ودردعای رجب که درمصباح شیخ ازقائم آورده شده ودرزیارت رجب ناحیهٔ مقدسه و حدیثهای دیگر مانند اینها دیده میشود آنچنانکه درانیس‌السمراء شیخ سلیمان حلی‌و کتابهای‌دیگرمی‌بینیم (بنگرید به ص ۱۱۹٤ وخرده گیری میرزای قمی ازینگونه خبرها) .

[۱٤۲۳]

۵۰۲ این‌نسخه ش ۵ دفتراست وبنسخ مانند دیگرشمارمها . گ۱۹۸ الف – ۲۰۱ب (بنگرید به ۵۰۲/۸) چنین است :

آغاز : (ومن‌مناقبه علیهم‌الصلوة والسلام خبرالدهقان فی‌قتال‌النهروان یروی بعد حذف‌الاسانید) ان امیرالمؤمنین ص لما خرج الی قتال‌النهروان نزل بقریة تدعی بلهر بیل بین‌المنزل والنهروان فلما عرض حققت بوقات‌العسکر وقرعت طبولهم فقال ماالخبر قالو وارد آخرالعسکر یقول :

انجام : مانند۳/۱۰٦۷–درسماء وعالم‌بحار(۱٤ : ۱٤۹) ازرسالة‌الاستخارات ابن‌طاوس حدیثی بهو روایت آمده که یکی از محمدبن رستم بن جریر طبری امامی (درجزء دوم دلائل‌الامامة) ازحسین‌بن عبدالله حربی و (ابوالحسین) محمدبن هرون تلعکبری از (ابومحمد هرون تلعکبری ازابوالحسین) محمدبن احمدبن مخزوم (مقری مولی بنی‌هاشم) از احمدبن‌القاسم (بری) از یحیی بن عبدالرحمن از علی بن (حی بن) صالح کوفی از زیادبن منذر ازقیس‌بن سعد ؛ دومی ازاصبغ بن نباته است دراین‌حدیث علی ع درجنگ نهروان با «سرسقیل» دهقان سوارمدائن گفتگو میدارد . (نیزسفینة البحارقمی۱ : ٤۷۳) این دوروایت همین حدیث نسخهٔ ما است آنهم‌با اختلاف وهرسه هم جز آنست که دراحتجاج طبرسی ص۱۲۵ آمده است .

این‌هم گفته شود که رسالة‌الاستخارات اگرهمان «فتح‌الابواب بین ذوی‌الالباب وبین رب‌الارباب» (ش ٦۱۷) باشد که من هرچه گشتم آن دو روایت را درآن نیافتم ولی درفرج‌المهموم ابن‌طاوس ص ۱۰۲ همین دوروایت آمده است و سند نخستین آن چنانستکه نوشته‌ام و با بحار یکنواخت نیست . در دلائل‌الامامة چاپی هم این حدیث را ندیده‌ام وگویا از آن بخشی ازاین کتاب‌باشد که اکنون دردست نیست وابن‌طاوس داشته بود (ذریعه ۸ : ۱٤۵) .

بازدرهمین جلدبحار(ص۱٤٤) خبری دیگراست دربارهٔ گفتگوی علی بادهقانی ایرانی آنچنانکه دراحتجاج طبرسی (ص ۱۲۵) آمده است . همچنین خبری دیگر در ص ۱۵۳ همین جلد از احتجاج (ص ۱۲۵) و نهج‌البلاغه (۱ : ۱۲٤ ش ۷٦ چاپ با شرح عبده) آورده شد . گفتگوی علی با دهقانهای انبار درمختارحکم نهج‌البلاغه (ش ۳۸) که نجومی نیست وسخن اوهنگامیکه بجنگ خوارج میرفته (۳ : ۱٦۰) هم روایت گردید .

پس ازحدیث دهقان در گ ۲۰۱ ب دارد :ومن مناقبه ع ماوردت‌بهاالاحادیث المروية واتصلت بهاالاخبارعن‌النبی‌المختارص ما ادلهم لیل عمس فجرواضاء نهار . من ذلك استخراج الاحادیث الاربعین عن سیدالمرسلین فی مناقب اهل بیته‌المکرمین نقلامن کتاب بخزانةمشهد امیرالمؤمنین ص استخرجه ونسخه‌السعیدالمرحوم جلال‌الدین محمدبن‌المعمرالطاهر رحمه‌الله تعالی ونقلته‌انا من تلك‌النسخة من ید مملوکه و عتیقه

آتش الرومی وهورواية اسعدبن ابراهيم الاربلی عفی الله عنه اسوونه: بسمله. قال الراجی رحمة ربه المستغفر من ذنبه اسعدبن ابراهيم بن الحسن بن علی الاربلی .

درذریعه از اربعین اسعدبن ابراهیم بن حسن بن علی بن علی حلی که ازاستادان سنی خود دریك مجلس بسال ۶۱۰ روایت نموده ودرآغازآن گفته که ازبسیاری ازمشائخ حدیث شنیده‌ام وازامام شافعی وحنبلی روایت کرده که ازچهل حدیث آنهائی خواسته شده که درمنقبت اهل بیت باشد یادشده است (۱: ۴۱۰) ومینویسد که درالصمعة الساکبة نیم صفحه‌ای ازآن آمده واین اسعد سنی واربلی خوانده شده (مانند نسخهٔ ما) وگویا اورا باسعد اربلی که شیخ حسن حلی ز ه ۸۰۲ درالمحتضر ازاو بسیارمیآورد (ذریعه ۱ : ۴۱۶) یکی پنداشت با اینکه او یکی ازدانشمندان حلی وامامی است .

[۱۴۲۴]

٦٥٦ این نسخه نزدیك به ۹۳۰ کلمه وش ٤ دفتراست وبخط نستعلیق تازه گ ۹۵ ب - ۹٦ ب و چنین است : « رواه الشیخ رجب محمدبن رجب البرسی الحلی رحمه الله فی کتابه المسمی بمشارق انوار الیقین فی کشف اسرار امیرالمؤمنین ع قال ومن خطبة له علیه السلام : انا عندی مفاتیح الغیب لایعلمها بعدرسول الله ص الا انا . انا ذو القرنین المذکور فی الاولی انا صاحب خاتم سلیمان انا ولی الحساب انا صاحب الصراط والموقف انا قاسم الجنة والنار انا آدم الاول انا نوح الاول انا آیة الجبار انا حقیقة الاسرار انا مورق الاشجار انا مونع الثمار انا مفجر العیون انا مجری الانهار انا خازن العلم - انا القائم بالقسط انا معید ومحمد انا ولاحول ولاقوة الابالله العلی العظیم . وامثال هذه الکلمات منه علیه السلام کثیرة و خطبة البیان عنه مشهورة وقد ذکر الشیخ رجب فی کتابه کلمات آخر له ص من هذا القبیل بروایة سلمان وابی ذر رض فی حدیث لهما وبروایة جابر رض فی الخطبة الطتنجیة و بروایة الاصبغ بن نباته فی خطبة الافتخار الی غیرذلك و قال فی آخر الخطبة الطتنجیة بعد کلام له فی الاخبار الاتیة والحوادث الغیبیة : الاوکم عجائب ترکتها ودلائل کتمتها لا اجدلها حملة . ثم قال بعد کلام طویل من هذا القبیل : کانی بالمنافقین یقولون نص علی علی نفسه بالربانیة الافاشهدوا شهادة اسالکم بها عند الحاجة الیها ان علیا ع نورمخلوق وعبدمرزوق ومن قال غیرهذا فعلیه لعنة الله ولعنة اللاعنین»

پس ازاین شعرهائی است غلوآمیز بفارسی درستایش ازعلی . در کنار گ ۹۵ ب دارد : «این خطبة البیان را درمناقب مرتضوی کشفی ذکر کرده و گفته که صدوچهار کلمه است وحکایت دشت «ارژن» را هم نقل کرده» ودر کنار گ ۹٦ ب دارد : «ولهذا اوردعنهم ع:

حدیثنا صعب مستصعب لایفهمه الاملك مقرب اونبی مرسل اومؤمن امتحن الله قلبه بالایمان وایضا وقع عنهم فی عدة (احادیث) صحیحة : قولوافینا کل شیء و کل (قول) حط عنا بالکم الاالربوبیة » .

درگ ۹۷ الف - ۹۹ ب پراکنده‌های کلامی است ودرگ ۱۰۰ ب - ۲۰۰ ب از نهایة العقول امام رازی است درامامت و خلق اعمال (۱۷۲ ب) و مبحثهای دیگر . همه اینها بهمان خط میباشد .

(۳گ ۲۰۰)کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی ضربی فرسوده

اندازه ، ۱۱/۵×۱۸/۵ - ۱۴/۸ س ۲۳

[۱۴۲۵]

٦٥٧ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ روشن با عنوانها و نشانه‌های شنگرف تاریخ ۱۰۷۹ ودرگ ۱۴۵ ب - ۱۵۷ الف میباشد وبا نسخه ۱۰٦۷/۳ اندك جدائی دارد وچنین است :

آغاز : هذه خطبة البیان من املاء امیرالمؤمنین ووالی رب العالمین - بسمله وبه نثق الحمدلله بدیع السموات وفاطرها وساطح المدحیات وفارضها وموطد الجبال وناغرها ومفجر العیون و باقرها ومرسل الریاح وزاجرها وناهی القواصف وآمرها ومزین السماء وزاهرها .

انجام : لقوله تعالی وانذرالناس یوم یأتیهم العذاب والعذاب لهم ظهور قائمنا المتغیب لانه عذاب علی الکافرین وشفاء ورحمة للمؤمنین فیظهر وله من العمر اربعون عاما ویمکث فی القوم ثمانون عام وقیل ثلاثمأة سنة - تمت الملحمة وهی الخطبة البیانیة فی سنة ۱۰۷۹ .

(همهٔ دفتر ۱۵۷گ) - کاغذ ترمه - جلد تیماج مشکی زرکوب متوالی

اندازه ، ۱۳×۲۲-۷×۱۵ س ۲۱

[۱۴۲٦]

۱۰٦۷ این نسخه ش ۳ دفتر وبخط نسخ درشت با نشانه‌های شنگرف میباشد (٦۷ الف - ۸٦ ب) درهامش دعا وطلسم وتعویذ ونسخه‌های داروا است از روی خبرهای شیعی . دردرون جلدازسوی راست درفهرست این دفتر نوشته است : «۳۰ - عدة اوراق فیها خطب و اخبار بخط شیخنا محمدبن الحسن الحر صاحب الوسائل رضوان الله علیه ظاهرا » . دراین شماره چهارخطبه است ازعلی ع بدینگونه :

۱ - خطبهٔ بیان که با نسخهٔ ش ۶۵۷/۲ اندك جدائی دارد بدینگونه :

بسمله رب وفق . الخطبة المعروفة بالعجماء ذات البيان وهی من الفصل السادس عشر من کتاب الجفر . ویتلوها الخطبة المعروفة بالطتنجية وهی من الفصل السابع عشر منه . وتفسیر العجماء من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام . وهی : بسم الله الرحمن الرحیم . الحمدلله بدیع السموات و فاطرها و ساطح المدحیات و وزنها وموطد الجبال وناغرها ومفجر العیون وباقرها ومرسل الریاح وزاجرها ... ایها الناس سار المثل و حقق العمل و کثر الوجل واقترب الاجل وصمت الناطق و زهق الزاهق (در اینجا از سلمان وسویدبن نوفل هلالی و مقدادبن اسود کندی نام برده شده و بدینگونه میانجامد :) ویظهر له من العمر اربعون سنة ویمکث فی الارض ثمانین سنة وقیل انهم علامنا . تمت الخطبة . والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمدوآله الطیبین الطاهرین . ویتلوها الخطبة المعروفة بالطتنجية .

۲ـ خطبهٔ تطنجیه که گوینده نخست خدا را میستاید و به یگانگی او و پیامبری محمدص گواهی میدهد سپس مردم را بپیروی ازخودمیخواند آنگاه خودرا ستایشهای غلوآمیز میکند ودراینجاست که دارد «انا الواقف علی الطتنجيتين والناظر الی المغربین ورأیت افریدوس وأی العین وهوفی البحر السابع ... ورأیت الارض ملتفة کالتفاف الثوب المعصور وهی فی خرق من الطیخ الایمن فی الجانب مایلی المشرق والطتنجيتان خلجان من کافاتها لیا(؟) بطتنجيتين المتولی دائرتهما » دراینجا کسی میپرسد که ازاین سخنان چه میخواهند وما چیزی ازآنها درنمی یابیم درپاسخ پس ازاشارههای غلوآمیز بخودش باز از خود ستایشها میکند . دراینجا کسی بنام وضیعة برمه میپرسد شما کجا بودهاید درپاسخ بازهمانگونه ستایشها میآید و بکشته شدن حسین ع ودیگر هاشمیان اشاره میشود تا اینکه جابر پرسشی میکند و پاسخ میگیرد وتا پایان همین گونه ستایشهای غالیانه است و پرسشی از یکی و جابر و خطبه بیاد دوازده پیشوا درپاسخ پرسش ابن قدامه انجام میگیرد . چنین است :

« بسمله . الحمدلله الذی فتق الاجواء وخرق الفضاء وعلق الارجاء واضاء الضیاء واحیی الموتی وامات الاحیاء (۷۸الف) احمده حمداً سطع فارتفع وابتع ولمع وابتدع فاشرع وهاع ولاع حمداً یصعد فی السماء ارسالا ... ایها الناس علموا الی بیعتی بحس الیقین ... فانا الاصل والمأمول والفاضل والمفضول ووصی الرسول . انا قاسم الجنة والنار انا الواقف علی الطتنجيتين والناظر الی المغربین ورأیت افریدوس رأی العین وهوفی البحر السابع ... والطتنجيتان خلجان من کافاتها لیا(؟) بطتنجيتين (دراینجا از ابن قدامه یاد میشود و بدینگونه میانجامد :) قال ابن قدامة هذه الکلمات وحدها ، فقال علیه تضیف الیها الاثنی عشر اماماً وتدعو بها الزلت واجیبت بستجیب الیه دعائك . تمت الخطبة بعون الله تعالی وحوله

وقوته وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین .

۳ـ تفسیر خطبهٔ عجماء که همان ذات البیان یا خطبةالبیان ش۱ باید باشد وهمان ستایشهای غلوآمیز را تفسیری از امام محمد باقر ع چنانکه در نسخه می بینیم میآید واین برای این است که غلوی در آنها نباشد. چنین است: تفسیر الخطبة العجماء . بسمله . ما نظمته الخطبة من الفاظ مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه وهی العجماء ذات البیان وعجائب ماذکر فیها صلوات الله علیه . قال مولانا محمد الباقر ان هذا الامر یصیر الی من یلوی به اعنة الخیل فی الآفاق وهو المظهر علی الدین کله ومالك آیاتها وکافاتها ودلالاتها علیه . و هذا الامام الباقر علیه . قال الحسین بن علی بن المرزبان بحذف الاسناد عن جابر بن عبدالله الانصاری عن مولانا محمد بن علی الباقر قلت مولای اخبرنی عن کلام مولانا امیرالمؤمنین فی الخطبة العجماء ، فقال مولانا الباقر علیه ان جماعة دخلوا علی علی علیه وهو یخطب علی منبر الکوفة فقالوا ان معاویة یقول انه اولی بهذا الامر منك فصعب علی علی علیه فقال کیف یکون ماقاله صحیحاً (صحیح ـ نسخه) وانا دحوت ارضها وارسیت جبالها وفجرت عیونها وشققت انهارها وغرست اشجارها ... انا الاول والآخر والظاهر والباطن (دراینجا باقر ع بدرخواست جابر همه این عبارتها را آنچنان تفسیر میکند که غلوی در آنها نباشد ـ وحدیث بدینگونه میانجامد :) قوله انا الاول والآخر والظاهر والباطن یقول انا اول من صدق بمحمد ... وآخر الناس عهداً به لانه آخر من لحده ورقناً قبره والظاهر علی المنافقین لان علیاً علیه ظهر علیهم واطفاهم والباطن یقول ابطنت دین محمد ... علمنی علمه دقیقه وجلیله . وهذا (ما) وجد من تفسیر هذه الخطبة ، بحمدالله وحسن توفیقه (۸۳ب ـ ۸۵ ب) .

۴ـ خطبه نهروان که گفتگوئی است میان علی ع ودهقان ایرانی دربارهٔ پیش بینی وستاره شماری او .

بدینگونه : واما وقعة النهروان . بسمله والحمدلله رب العالمین ... قیل ان علیاً ... خرج الی قتال اهل النهروان وانه نزل بقریة یقال لها نهر «تیك» دون النهروان قالوا ماالخبر قالوا رجلا و یقول البشری لامیرالمؤمنین قبل مابشراك قال ان القوم لما سمعوا وبلغهم انزالك (نزولکم) بهذا المنزل ولوا (اکتافهم) منهزمین ... فقال امیرالمؤمنین له کذبت والله ما تعدوا الاثیلات (النخیلات) ولا تجاوزوا النخیلات (الاثلات) ... وکان فیمن تلقاه الاشرسعیل (شرسقیل) بن الاسوار وکان کاهن المدائن وکان من عظماء الفرس ... ونادی ... اترجعن عما عزمت علیه (ارجع عما قصدت واعلم) ... واعلم ان یومك هذا یوم صعب ـ ولم یبق من عسکرهم الاعشرة ولم یقتل من عسکره الا عشرة (والحمدلله

رب العالمين والصلوة على سيد المرسلين محمد و آله الطيبين الطاهرين) (۸۵ ب ـ ۸۶ ب) .

پس از این چند قاعدهٔ ستاره شماری و اخترببنی است و چند خبر و داستان حولا و شوهرش و پندی که پیامبر باو داده است و خبری نبوی دربارهٔ علی ع (۸۶ ب ـ ۹۲ ب) و گفتاری دربارهٔ سورهٔ فاتحه و تفسیر آن (۹۳ ب ـ ۹۴ ب) .

از ۶۷ الف تا اینجا همه بیك خط نسخ با نشانه‌های شنگرف که گویا از محمدبن الحسن الحر عاملی باشد. از ۹۵ الف تا ۹۹ ب خبری از دلائل الامامه است بنستعلیق ریز و در گ ۱۰۰ خبر دیگریست بنستعلیق درشت تر .

همهٔ دفتر ۱۱۳گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ثارة
اندازهٔ : ۱۵ × ۲۱ـ۱۰ × ۱۵ س ۱۹

[۱۲۱۷] الدرالمنثور من الخبر المأثور وغير المأثور (عربی)

شیخ علی بن فخرالدین ابی جعفر محمدبن ابومنصور حسن بن زین‌الدین شهید ثانی عاملی سپاهانی (۱۰۱۳ یا ۱۰۱۴ ـ سپاهان ۱۱۰۳ یا ۱۱۰۴ نزدیك نودسالگی) شاگرد برادرش زین‌الدین و شیخ نجیب‌الدین علی بن محمدبن (عیسی) مکی و سید نورالدین علی بن ابی الحسن الموسوی الحسینی (برادر مادری و پدری نگارندگان معالم و مدارك) بوده است . او دررد صوفیان « السهام المارقة من اغراض الزنادقة » دارد (نسخهٔ ش ۷۵۸ فهرست طوس ۴ : ۱۶۴) ورسالهٔ « الرد علی من یبیح الغنا » که در آن از محقق سبزواری خرده میگیرد . او از فیض کاشانی هم خرده‌ها گرفت و کاشانی نیز ازاو نکوهشها کرده است . سرگذشت او درجلد دوم همین درمنثور اوهست .

این دانشمند رمزهائی مانند حاء برای حدیث و عین برای عبارة و میم برای مسئله بکار برده است (امل الآمل ٤٤٥ ـ روضات ص ۳۹۷ ـ ذریعه ۶ : ۱۸۳ و ۸ : ۷۶) .

درمنثور درسه جزء است و نخستین را در ۱۰ صفر ۱۰۷۳ و دومی را در ۲۲ ذی‌قعدهٔ ۱۰۹۲ بپایان برده‌است وسوم آن تاریخ ندارد . در آن بسیاری از حدیثهای

مبهم و دشوار روشن گشته و پاسخهای پاره‌ای از پرسشها که گرد آورده بود در آن آورده . الفصول الانيقة نگارندهٔ معالم نیای او و « جوازابداع السفر فی رمضان » شهید یکم (ذریعه ۵ : ۲۴۱) درجزء ۳ آن هست (ذریعه) ولی در نسخهٔ ما دیده نمیشود . مجربات ابن‌سینا (ش ۲۰ فهرست آقای دکتر مهدوی) در ۱۱۷ بیت همانکه درمقامع الفضل کرمانشاهی (ص ۶ـ۱۷۴) وخزائن نراقی (ص ۴ـ۱۰۱) دیده میشود در گ ۱۶۵ب ـ ۱۶۷ و « تحفة الدهر فی مناظرة الغنی والفقر » نگارش پدر او (ذریعه ۳ : ۴۳۲) در گ ۱۶۷ ب ـ ۱۷۵ الف و گزیده‌ای از نسیم الصبا ازحسن بن عمربن حسن بن عمربن حبیب درسی فصل وادبی در گ ۱۷۵ الف ـ ۱۸۶ ب وسرگذشت شهید دوم بنام « بغية المريد فی کشف احوال الشهيد » از ابن العودی شاگرد شهید که از ۹۴۵ تا ۹۶۶ با او بوده است (ذریعه ۳ : ۱۳۶) در گ ۱۸۸ ب ـ ۲۰۹ ب و سرگذشتهای شیخ ابومنصور حسن نیای او در گ ۲۰۹ ب وشیخ فخرالدین محمد پدر اودر ۲۱۳ ب وشیخ زین‌الدین برادرخود او در گ ۲۱۸ و خود او در ۲۲۳ ب نسخهٔ ما دیده میشود . در این سرگذشتها اوقصیده‌های بسیاری ازهمین دانشمندان ودیگران آورده است .

دراین کتاب بررسیهای علمی پراکنده‌ای دیده میشود مانند: حدیث اسلام ابی طالب بجمل وشرح آن (۴۳ب) ورد برصوفیان ونکوهش سخت از تصوف (۱۳ الف ـ ۱۷ الف) ودربارهٔ حرمت غنا (۱۲ الف و ۲۱ الف) ورسالهٔ ردمفید یا مرتضی برصدوق دربارهٔ فراموشی پیامبر (۵۱ الف ـ ۵۵ب) ورسالهٔ مفید دررد برصدوق دربارهٔ شمارهٔ روزهای رمضان (۵۶ الف ـ ۶۲ الف) ورسالهٔ امام هادی دررد برجبریان و تفویضیان (۱۰۷ الف) وعبارتهائی بنظم ونثر که پیشها گرد آورده بود (۱۱۶ الف) واز « اضداد » صغانی (۱۵۳ الف) ومنظومهٔ ابن‌مالك دربارهٔ فعلهائیکه لام آنها یائی یا واوی است (۱۵۳ ب) .

نگارندهٔ ذریعه نسخهٔ نوشتهٔ ۲۷ صفر ۱۰۷۳ از شیخ احمدبن عبدالعالی میسی که برنگارندهٔ آن خوانده است دید .

آغاز : الحمدلله ملهم الصواب ومذلل الصعاب و مفيض فيضه واحسانه الى من يشاء بغير حساب (ذريعه ـ فهرست سپهسالار ۱ : ۲۵۳) .

[۱٤۲۷]

٦۵۵ این نسخه بسیخ است باعنوانهای شنگرف و گاهی درهامش ودربرگهای کهن آن (مانند ۷۳ ب وجاهای دیگر) حاشیه‌های (منه) و (منه ره) و (منه عفاالله عنه) دارد . برگهای ۲و۳و۱۱٤ تا ۱۵٦و۱٦٤و۱۸۷و۲۲۳و۲٤۲ تا ۲۵٤ کاغذ نوتر وبخط تازه‌تراست . درپشت برگ یکم بی شمارهٔ آغاز وروی برگ یکم باشماره فهرست مطلبها است و شمارهٔ برگهای اصل را نشان میدهد به شمارهٔ تازه برگها که با آن یکسان نیست . کتاب از ۲ ب است تا ۲۵٤ ب حبیب مرجان حسینی بامهر « حبیب الحسینی » واسمعیل بن لطفعلی بن احمدبن لطفعلی بن صادق تبریزی در ۱۲٦۹ دارندهٔ نسخه بوده‌اند (گ ۲ الف) واین مرجان نویسندهٔ بخشهای تازهٔ نسخه میباشد . در گ ۲۰٦ الف حاشیه‌ایست با نشانه (ع ل) و باید از خود همین شیخ علی باشد از روی خط پدر بهائی در ۱۸ ذیحجهٔ ۹۸۳ ودارد که ازاو دربارهٔ پیش‌بینی که شهید درجالی از « استنبل » کرده و گفت دراینجا مردی ازحمند کشته خواهد شد وخوداوهم درهمانجا کشته شده است پرسیده‌اند . پدر بهائی درپاسخ نوشت که از کرامت او و ازروی کشف بوده است . درآغازنسخهٔ ما که نشانی از جزء سوم کتاب درآن نیست و خطبه را هم ندارد طریق روایت او کافی را نوشته شده است .

چنین است نسخه :

آغاز : بسمله (هذا كتاب الدر المنثور تأليف الشيخ علي بن الشيخ محمد بن الشيخ حسن ابن الشهيد الثاني) قال ره بعد الخطبة في رواية هذا الكتاب فطريقي اجازة الى الثقة الجليل محمد بن يعقوب الكليني ... وعن الشيخ نجيب الدين عن الشيخ بهاءالدين بطريقه فمن ذلك في باب برالوالدين من الكافي عن عدة من اصحابنا ... اقول هذا الحديث ظاهره مشكل لفظاً ومعنى والذى يخطر بالبال ان فيه تقديماً وتأخيراً .

انجام : ومن ذلك مسئلة في باب الكفالة سئلني بعض الاخوان و كتب ماصورته ... ونحو ذلك ممايذهب الحق بسببه كالدين ونحوه و مثل ماذكر لايصلح لخلو الكفالة عن فائدة والله اعلم (تم بقلم المفتقر الى الرؤف المنان حبيب المرجان رحم الله الداعي له بالغفران هذا آخر ماوجدناه من هذه النسخة والله اعلم) .

(۲۵۴گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه ، ۱۲×۲۱/۵ و ۸×۱۷ ـ س ۲۳

[۱۲۱۸] **الدر المنظوم من كلام المعصوم** (عربی)

شیخ علی بن فخرالدین ابوجعفر محمدبن ابومنصور الحسن بن زین الدین شهید ثانی دراین کتاب کافی کلینی را گزارش نمود وازاین گزارش اوهمان جلد نخستین که « عقل وعلم » باشد بیرون آمده و این را هم پیش از الدر المنثور نوشته ودرپایان ذیحجهٔ ۱۰٦۱ بانجام رسانده (ذریعه ٦ : ۱۸۳و۸ : ۷۹) اودراین گزارش پاره‌ای ازمتن را پس از « قوله » میآورد سپس دربارهٔ آن گفتگو میدارد .

آغاز : بسمله وبه الاستعانة و منه التوفيق . اصح الاخبار سنداً و اعلاها واحسن الآثارمتنا واغلاها واوثق الاحاديث معنى واقواها حمد من تواترت اصول نعمه وفروعها وتظافرت دلائل توحيده معقولها و مسموعها ... وبعد فيقول ... علي بن محمد بن الحسن بن زين الدين . هذه حواشي يسيرة وتعليقات حقيرة كنت قد كتبتها متفرقة فعن لي ان اجعلها متسقة مع اضافة ماتيسر وعدم التعرض لمااشكل وتعسر ... على اصول الكافي والمنهل العذب الصافي ... معرضاً عن التعرض لاحوال الرجال .

انجام : قوله ع في حديث السكوني : « السنة سنتان سنة في فريضة الاخذ بها هدى وتركها ضلالة وسنة في غير فريضة الاخذبها فضيلة وتركها الى غير خطيئة » . يحتمل ان يكون المراد والله اعلم بالسنة المنقسمة الى السنتين ما كان مناط السنة ... و معنى سنة في فريضة و سنة في غير فريضة ان السنة الاولى محلها الفرض الواجب والثانية محلها غيره تم بعون الله تعالى و توفيقه مع تشويش الفكر والبدن الجزء الاول من الكتاب الموسوم بالدر المنظوم من كلام المعصوم على يد مؤلفه اقل العباد علي بن محمد بن الحسن بن زين الدين العاملي .... آخر شهر ذى الحجة الحرام من شهور سنة احدى وستين بعد الالف من الهجرة ويتلوه بعون الله تعالى وتوفيقه ومشيته في اول الجزء الثاني كتاب التوحيد والصفح ممن ظهرت له عثرة اوزلة مأمول والدعاء ممن نظر فيه مسئول والحمد لله وحده و صلواته على خير خلقه محمد وآله الطاهرين صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين (بلغ قراءة من اوله الى آخره

بعون‌الله تعالی الولدالاعزالشیخ علی ولدالاخ‌الشیخ زین‌الدین قدس‌الله روحه وقد اجزت له وفقه‌الله روایته و روایة اصله‌الشریف بطریقی الی مصنفه قدس‌الله نفسه وطهرو رمسه و کتبه‌الفقیر الی‌الله تعالی علی بن محمدبن‌الحسن بن زین‌الدین مؤلف هذاالکتاب عفاالله عنهم فی ثامن عشرشهر ربیع‌الاول ۱۰۸۵».

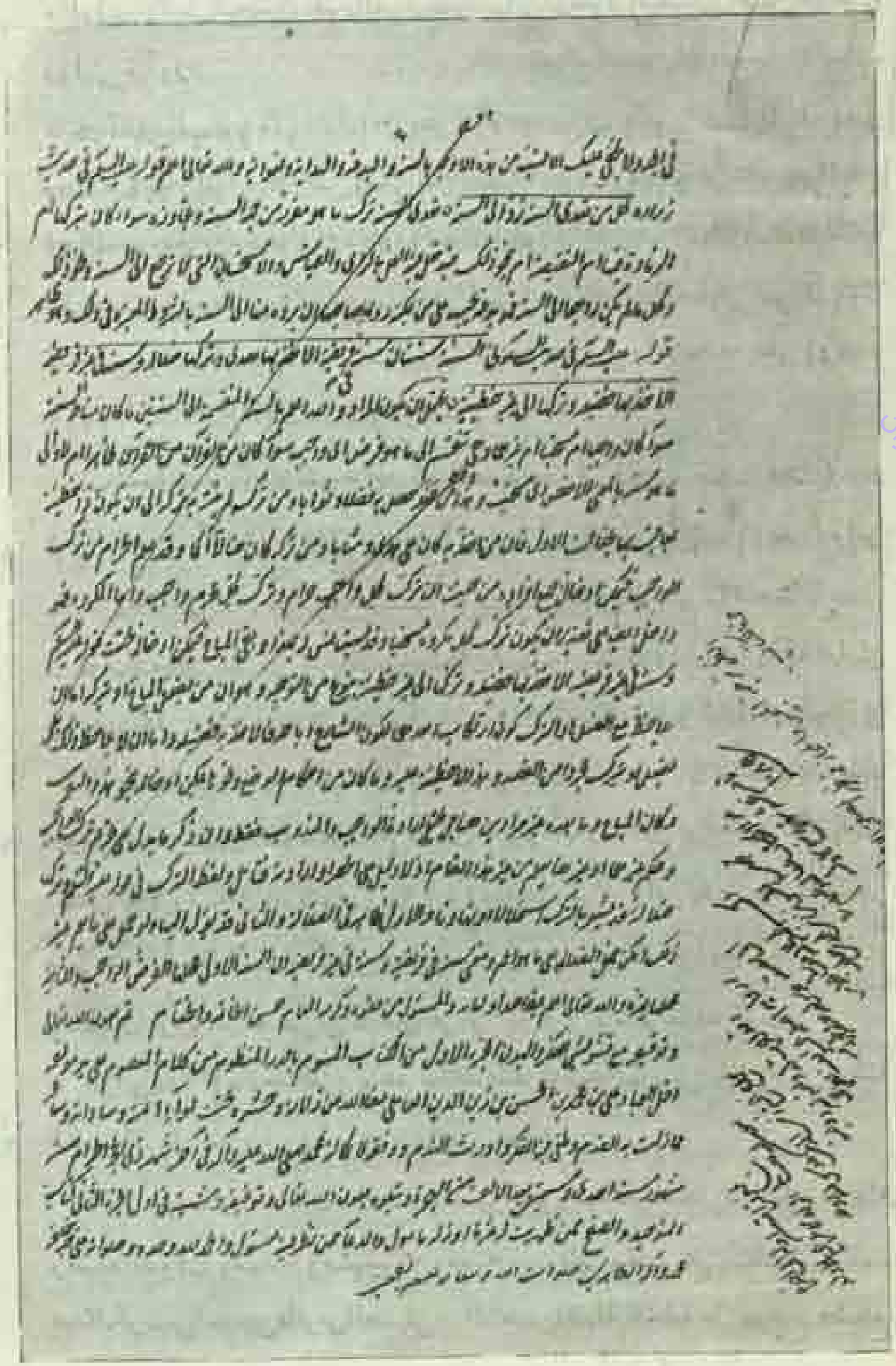
[۱۴۲۸]

۹۲۹ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق و متن زیر خط سرخ با عنوانهای شنگرف میباشد. حاشیه‌های «منه» دارد بخط شارح و تصحیحات‌هم بخط اوست. در برگ ۱۳ ب دارد: «بلغ قراءة وفقه‌الله تعالی» اجازة او برادرزاده خود «شیخ علی صغیر بن زین‌الدین» که دانشمندی ادیب و شاعر بوده و در سپاهان میزیسته است (امل‌الآمل ص ۴۳۳) در پایان بخط او بتاریخ ۱۸ ربیع یکم ۱۰۸۵ دیده میشود. نشان وقف روی سطرها هست. گ ۱ ب - ۹۲ ب.

[۱۲۱۹] الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة (عربی)

گزیده‌ایست از کتاب فرحة‌الغری بصرحة‌الغری از غیاث‌الدین ابی‌المظفر عبدالکریم بن احمدبن طاوس علوی حسینی حائری حلی بغدادی کاظمی (۶۴۸-۶۹۳) نگارندهٔ شمل‌المنظوم فی مصنفی العلوم (مقابس‌الانوار ص ۱۶- امل‌الآمل ص ۴۸۲) که در آن روشن ساخت که آرامگاه علی ع همان نجف است. این گزیده مانند اصل در دو مقدمه و ۱۵ باب میباشد. گزیننده همان سندها را انداخت و مکررها را یکبار بیشتر نیاورد و بیشتر کتاب ابن طاوس را در این رساله گنجاند. اصل فرحة‌الغری در تهران بسال ۱۳۱۱ بچاپ‌سنگی رسید و نیز در ۱۳۶۸ چاپ شده است. نسخه‌ای از این گزیده هم در طوس هست (فهرست آنجا ۱: ۲ ش ۱۱۸ و ۱۹۳ اخبار وه: ش ۷۱۰) مجلسی ۲ فرحة‌الغری را بپارسی در آورد (روضات‌الجنات ص ۱۲۰- فیض قدسی ص ۹).

گزیننده در آغاز باب ۴ (گ ۱۰۱ ب) از خواجهٔ طوسی (۵۹۷-۶۷۲) بنام



گ ۹۲ ب دو منظوم ش ۹۲۶/۱

« الوزير رئيس المحققين نصير الدين محمد » از پدر خود (محمد بن حسن طوسی) روایتی میآورد.

در آغاز باب ۵ (۱۰۳ الف) از پدر خود از ابن نما (نجیب الدین ابو ابراهیم محمد ۵ ۶۴۵) از ابن ادریس (فخر الدین محمد ۵۴۱-۵۹۸) و از فقیه نجم الدین ابو القاسم جعفر بن سعید (۶۰۲-۶۷۶) حدیث میآورد. چون همهٔ اینها از استادان علامهٔ حلی هستند و میرمنشی در تاریخ قم بفارسی و سید احمد بن شرف حسینی قمی در پشت نسخه‌ای از این کتاب که در قم بسال ۹۷۸ نوشته بود این را از علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) دانسته‌اند پس گزینندهٔ همو خواهد بود.

درمقدمهٔ دوم آن از شرح ابن ابی الحدید معتزلی (۵۸۶ - ۶ یا ۶۵۵) بر نهج البلاغه (نگارش ۶۴۴ تا ۶۴۹) آورده شد. از پایان کتاب که دربارهٔ ابن طاوس «ادام الله ایامه» میگوید پیداست که در زمان او این گزیده ساخته شده‌است.

از نکته‌های تاریخی این کتاب میتوان اینها را نام برد: زیارتها که امامان و زید بن علی و منصور و رشید و دیگر خلیفه‌ها از آستانهٔ نجف کرده‌اند و دیداری که فناخسرو در جمادی یکم سال ۳۷۱ از آن نموده است و رباط ساختن عطاملك جوینی صاحب دیوان دولت ایلخانی در آن شهر و آب رساندن او بدانجا که در ۶۶۲ کندن کاریز را آغاز نمود و در ۶۷۶ آبرا بدانجا رساند و این کاری بود که سنجر پسر ملکشاه خواست بکند و نتوانست. نیز کرامتها که در آنجا آشکار گشت و همچنین از رواقیکه عمران شاهین عراقی در غری و حائر ساخته است.

جز این «دلائل» و «حد الغری» هم نگاشته‌اند که نمیدانیم پیش یا پس از آن نوشته شده باشد (ذریعه ۸ : ۲۴۸ - روضات ص ۱۷۴)

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمد لله مظهر الحق و مبدئه و مدحض الباطل و مزجئه و مسدد الصواب و مسدیه و مشید بنائه و معلیه . . . فانی وقفت علی کتاب السید . . . عبد الکریم بن احمد بن طاوس الحسینی . . . المتضمن للادلة القاطعة علی موضع مضجع

مولانا امیر المومنین علی . . . فاخترت منه معظمه بحذف اسانیده و مکرراته و سمیته « الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة » .

انجام : حتی یظفر بالسعادتین الفانیة و الباقیة . . . الاعمال بالنعم الموصلة بمنه انتهی کلامه (تم بمنة الله وجوده یوم الخمیس فی احد عشر شهر جمیدی الاولی فی مشهد الرضا علی مشرفها الصلوة و السلام علی ید الاقل المذنب العاصی محمود بن محمد تقی الشیرازی عفی عنهما فی سنة ۱۰۶۹).

[۱۴۲۹]

۱۱۳۱ این نسخه ش ۴ دفتر است و محمود بن محمد تقی شیرازی در طوس در روز پنجشنبه ۱۱ ج ۱ سال ۱۰۶۹ آنرا نوشته است. گ ۹۵ ب - ۱۲۶ الف.

[۱۲۲۰-۲۲۲] الدمعة الساکبة فی المصیبة الراتبة (عربی)

و المناقب الثاقبة و المثالب العائبة

آخوند حاج ملا محمد باقر بن عبد الکریم دهدشتی بهبهانی نجفی (۵ نجف ۱۲۸۵) دربارهٔ رفتارهای پسندیده و کردارهای ستودهٔ پیشوایان و پاکان آیین شیعی و آسیبها که بآنان رسیده و رنجها که کشیدند این دفتر را در پنج جلد بساخت. یك مقدمه در آغاز آن هست دارای چند مقصد و باب. درمقصد یکم آن نام کتابهائی که خوانده‌است یاد شده و در دومی فهرست بابهای کتاب که در نسخهٔ ما بفصل ۱ باب ۹ میرسد و ناتمام میباشد و برگ ۱۴ سفید مانده و در برگ ۵ مقصد سوم میآید. دهدشتی میگوید که من بسیاری از حدیثهای دشوار را روشن میدارم و گزارش آنها را در هامش می نویسم و نویسندگان هم آن گزارشهای مرا در کنار نسخه‌های خود بنویسند (چنانکه درهامش نسخه‌های ما دیده میشود) این کتاب او مانند بحار گرفتهٔ از نوشته‌های دیگران است. جلد یکم را او در روز ۱۲ رجب ۱۲۷۶ بپایان رساند و دومی را در نجف در ۲۶ شب گذشتهٔ از رجب ۱۲۷۷ با اینکه تبدار بوده است و سومی را درهمانجا در پسین روز شنبه ۲۰ ذی القعده ۱۲۹۷ درهمانشهر بانجام رساند.

جلدهای ۱ و ۲ و ۳ این کتاب در یك مجلد کلانی در ۱۳۰۹ بچاپ رسید. جلدهای ٤ و ٥ که یکی درسر گذشت پیشوای نهانی و باز گشت مردگان باین جهانست بخط خود دهدشتی و بسیار گسترده و کلان و وقف شده در نجف هست و دارد ازمیان میرود.

در آغاز جلد یکم چاپی ستایشها که دانشمندان روز گار دهدشتی از آن کرده‌اند دیده میشود (ذریعه ۸ : ۲٦٤ – فهرست طوس ٥ : ۸۸).

[۱٤۳۰]

٥۵ ف

این نسخه جلد یکم (از آغاز تا پایان باب چهارم درسر گذشت حسن) است و بنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف وحاشیه‌هائی با نشانهٔ «منه» (۱۹۲ب) و بی آن بخط نستعلیق است ومهدی بن حسن قفطانی در ۷ صفر ۱۲۸۰ نوشتن آنرا بپایان رسانده.

ابوالقاسم بن حاج حسین علی شریف قزوینی در برگ ۱ ب مینویسد که من ازپس شیفتهٔ این کتاب بوده‌ام درخواب امیر مؤمنان علی را دیده‌ام که آنرا بمن داده است، بیدار که شدم این نسخه را بدست آوردم. در گ ۲ ب – ٦ الف ستایش (تقریض ۱۲) همان ابوالقاسم بن حاج حسین علی شریف قزوینی وشیخ ابراهیم بن شیخ صادق عاملی (بنثر و نظم) وابوسهل شیخ احمد بن حسن بن علی سعدی نجفی ملقب بابی قفطان (بنظم ومی نویسد : تاریخها جاء دمعة سکبت لاملاء النصائب – ارخ بحق سمها بالدمعة الساکبة) وشیخ عبدالحسین بن شیخ احمد شکر (بنثر مسجع ونظم ومی نویسد : هی دمعة سکبت من آماق) وسید صالح بن سید مهدی قزوینی (مسجع ومنظوم) وابوالمحاسن میرزا محمد همدانی (بسجع ونظم) ومیرزا یوسف تبریزی (بسجع ونظم ودارد : ارخته : اعین الاخبار والسیر) است ازاین کتاب. در گ ۱۱ الف دارد : «امانت حاجی ملاعباس بغدادی زیوری» چنین است :

آغاز : بالله اعتی علیه. بسمله. وبه ثقتی و علیه توکلی. احمدك اللهم حمد عبد فضلت موالیه الامناء علی من فی الارض والسماء... فیقول... ابن عبدالکریم الدهدشتی بلاداً والبهبهانی میلاداً والنجفی مسکناً وانشاءالله مدفناً محمدالباقر.

انجام : فتم ماأوردنا اثباته من کتاب الدمعة الساکبة فی البعیة الرائیة فی الیوم الثانی عشر من شهر رجب المرجب من سنة ۱۲۷٦ السادسة والسبعین بعدالمأتین والالف ویتلوه الجزء الثانی انشاءالله تعالی فی احوال... (آب گرفته است) سنة ۱۲۷٦ اقول ونقلت

هذا الکتاب من عدة کتب وبذلت جهدی فی تهذیبه و تنقیحه ... و کتب بیده ... ابن عبدالکریم الدهدشتی محمد باقر مؤلف هذا الکتاب والحمدلله حق حمده وصلوته علی محمد وآله الطاهرین (وقد وقع الفراغ من تسوید هذه النسخة الشریفة والنزهة اللطیفة علی ید الجانی المهدی بن الحسن القفطانی فی سابع صفر سنة ۱۲۸۰).

(۳۴۰٦ ف) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه : ۳۰×۲۹/٥ و ۱۰×۱۹/٥ س ۲٥

[۱٤۳۱]

۵۱ ف

این نسخه جلد دوم (باب ٥ سرگذشت حسین تا باب ۸ سرگذشت صادق) و بهمانگونه خط همان قفطانی که درروز شنبه ۱٤ ربیع یکم سال ۱۲۸۰ بانجام رسید. درپایان ستایشی است بنظم ازشیخ احمد بن شیخ حسن قفطان. دهدشتی در آغاز میگوید که فهرست جلدها را باز در آغاز هریکی ازآنها میآوریم، چنین است :

آغاز : بسمله. حمداً لمن تعاهد اولیائه بالبلایا کما یتعاهد المحب محبه بالهدایا... وبعد فهذا هو المجلد الثانی من کتاب الدمعة الساکبة... منا الفه... محمدباقر ابن المرحوم عبدالکریم الدهدشتی.

انجام : وکان الفراغ ... فی... النجف ... لست وعشرین لیلة انسلخت من شهر رجب ... وذلك من سنة ۱۲۷۷ السابعة والسبعین بعدالالف والمأتین من هجرة سیدالمرسلین صلوات الله علیه وعلی آله الیامین. والحمدلله رب العالمین.

(۳۴۷۴ ف) – کاغذ فرنگی فرسوده و آب دیده در آغاز وانجام – همان جلد
اندازه : ۳۰×۲۹ و ۱۰×۱۹/٥ س ۲٥

[۱٤۳۲]

۵۲ ف

این نسخه جلد سوم (باب ۹ سرگذشت کاظم تا باب ۱۳ سرگذشت عسکری) وبنسخ است با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف وحاشیه‌ها دارد بنسخ ونستعلیق وبرخی حاشیه‌ها با نشانهٔ «منه عفی عنه» است (۱۳۲ الف و جاهای دیگر) نوشتن نسخه درروز دوشنبه ۲۲ صفر ۱۲۹٥ بانجام رسید. درپایان ستایشی است بنظم ازیکی ازدوستان دهدشتی که بدو ارمغان داده است. همان ملاعباس بغدادی زیوری بامانت نسخه را داشته بوده.

دهدشتی مینویسد که دراینجاهم مانند جلد دوم که جزءهای جداجدا است فهرستهارا درآغاز هرجلد میآوریم. درپایان آن نوید جلد چهارم میدهد که درسرگذشت پیشوای نهانی میباشد. اومی نویسد که دراین جلد سوم بسرگذشت امام کاظم وفیاتهٔ سرگذشت

امام رضا که رسیدم بسال ۱۲۷۸ بمکه رفتم ودرربیع دوم همین سال بر گشتم و بدرد چشم دچارشدم و بدستور پزشکان خواستم بنجف بروم . دوستان بمن گفته‌اند که اگر این را بانجام برسانی از این درد میرهی من با اینکه چشمم هیچ نمیدید خواستم بدین کار بپردازم پس بآرامگاه امیرمؤمنان علی رفتم وغبارضریح بچشم مالیدم بهشد وبامداد ان بنوشتن آن شتافتم .

چنین است :

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله علی ماخص المخلصین باخص مصاب و وفی الصابرین اجرهم بغیرحساب ... وبعد فهذا هوالمجلدالثالث من کتاب الدمعة الساکبة ... تألیف ... محمدالمدعو بباقرابن المرحوم عبدالکریم الدهدشتی .

انجام : وکان الفراغ من هذاالجزوفی عصر یوم الست عشرین من شهر ذی القعدة ... سنة تسع و سبعین و مأتین بعدالالف . . . و کتب بیمناه . . . محمد باقربن عبدالکریم الدهدشتی البهبهانی . . . فی . . . النجف .. ولقداتحفنا بعض الاحباء بتقریض وتاریخ عندالفراغ :

هذا کتاب کلماامعنت فیه نظری وجدته محتویاً علی غوالی الدرر

☆☆☆

وترتوی منا صدور تنطفی عن وغر وناخذالثارات من اجناددولة الاصفر

(۱۹۸گ) ــ کاغذ هنانگونه وفرسوده ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۲۱×۳۴ و ۱۲×۲۳ س ۲۱

[۱۲۲۳] دوازده امام (عربی)

درذریعه (۷ : ۱۹۴ - ۱۹۶ و ۸ : ۲۶۸ - ۲۶۹) و فهرست آقای منزوی (۱ : ۱۱۱-۱۱۲) از «الخطبة الاثنی عشریه» و «دوازده امام» سخن رفته است وچنین برمیآید که اینگونه ستایشها از پیشوایان دوازده گانه یا پاکان چهارده گانه بدستور شاه اسمعیل صفوی پس از ۹۰۷ درمیانهٔ مردم روائی یافت ودانشمندانی چند مانند فیض کاشانی و پسراو ومیرزا قوام‌الدین سیفی ومحمد دهدار و نورالدین شوشتری بساختن و پرداختن آنها دست یازیدند و درروزهای آدینه و جشنها خوانده میشده است . پاره‌ای از آنهـا را هم بدانشمندان پیشین مانند ابن حماد بصری سدهٔ چهارم و پنجم ومحیی‌الدین صوفی سنی و خواجهٔ طوسی فیلسوف بسته‌اند.

گویند که ملا احمد مقدس اردبیلی می‌پنداشت که طوسی آنرا درخواب ازامیرمؤمنان علی بیاموخت. مفتی سپاهان سید حسین بن حیدر کرکی در اشراق الحق (ش ۲/۲۹۳ گ ۳۳ب) می نویسد که صلوات خواجهٔ طوسی را چهارصدسال است که درانجمنها میخوانند (ص ۵۲۷ همین فهرست) .

تنکابنی درقصص العلما (ص ۲٦۲) افسانهٔ برخورد ابن حاجب و خواجهٔ طوسی را میآورد ودر آن آمده که طوسی این دوازده امام را درخواب ازامام زمان بیاموخت و بیدار که شد آنرا نوشته است . خود تنکابنی بچند دلیل این داستان را دروغ میداند.

آغاز : (دوازده امام خواجه نصیر) بسمله . اللهم صلی علی النبی الامی العربی الهاشمی .

انجام : اللهم زدنا محبتهم . . . برحمتك یا ارحم الراحمین .

[۱٤۳۳]

۱۱۱۹ این نسخه ش ۲ دفتر است وبنسخ معرب باعنوان ونشانه‌های شنگرف میباشد وباید ازهمان طهماسبقلی نویسنده ش ۱ در ۱۰۵۰ باشد گ ۵ ب ــ ۸ الف (بنگرید به ۱۱۱۹/۱) .

[۱۲۲٤] دوحة الاخبار (عربی)

حاج مولی محمد شریف بن رضای شیروانی تبریزی شاگرد سید علی طباطبائی نگارندهٔ ریاض المسائل دراین دفتر که ٥٤ فصل است از آداب و سنن وبرخی ازمسئله‌های طبیعی و کلامی گفتگو نمود ودررجب ۱۲۲٦ آنرا بپایان رساند (ذریعه ۸ : ۲۷۲) او دربیشتر فصلها نخست آیتی از قرآن آورده سپس دربارهٔ ادب وسنتی که عنوان نموده ودرآن آیه اشارتی بدان شده گفتگو کرده خبرهای مناسب را یاد نمود . درفصل ۲۱ (٤٦ ب ــ ٤۸ ب) سخت از تصوف وصوفیان نکوهش نمود . درذریعه (۸ : ۲۷۲) از نسخه‌ای ازاین کتاب یاد شده ودارد که در ٥٦ فصل است .

آغاز : الحمدلله الذی امرنا متابعة سنن سیدالانبیاء وندبنا الی التخلق باخلاق الاجلة من الاولیاء ... فیقول... الشریف الشیروانی هذه اخبار الاخبار واخبار الاخیار انتخبتها من زهر الاعلام لتکون تذکرة للخاص والعام ... وسمیتها بدوحة الاخبار ورتبتها علی فصول .

انجام : قال نعم والباس بهذا ونحوه والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و عترته الطاهرین (قد فرغ من تسوید هذه النسخة الشریفة المسماة بدوحة الاخبار فی خیر الاخیار المذنب العاصی المسمی باسم من لانبی بعده فی الازمان الی یوم الحشر والنشر والدیوان احمد بن علی لباسانی مطابق سنة هزار و دویست وبیست وشش سنة ١٢٢٦) .

[١٤٣٤]

٥٢٢ این نسخه بنستعلیق احمد بن علی لباسانی در ١٢٢٦ و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و حاشیهٔ « منه ره » دارد در گ ٨٦ ب و ٧٩ ب و ٥٩ الف وحاشیه‌های دیگر .

(٣٩١ ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سبز ضربی یشلا

اندازه ، ١١×١٨ ــ ٧×١٤ س ١٧

[١٢٢٥] دیوان علی ؑ (عربی)

این دیوان همان « انوار العقول » است که در ص ١١٠٨ همین فهرست شناسانده شده مگر اینکه اندکی با آن جدائی دارد .

درعنوانهای این هم گاهی ازسند روایت یاد شده و درباره‌ای جاها با آن نسخه یکسان نیست .

در دیباچهٔ این نسخه درباره « خیر الشعراء ، اکرمه رجالا وشر الشعر ماقاله العبید » دارد که گویندهٔ این سخن ابوفراس فرزدق است . درسند بیتها از ابوالعباس مبرد ــ عبدالله بن یوسف از جعفر بن محمد ــ ابی سلم محمد بن عمر ــ ابی تراب النحوی ــ یحیی بن معاذ ــ ابوالفضل محمد بن عبدالملك شیبانی از ابی عمر بن العلاء ــ ابوالفضل

از ابی غریه محمد بن موسی القاضی ــ عدة من المشایخ وهمچنین از ابن عباس و جعفر صادق و حسین (ع) یادشده است . دریکجا دارد بروایت قتیبه و گفته‌اند که شعر از یکی از بنی سلیم است وامیرمؤمنان آنرا خوانده است . دریکجا دارد که شعر از اوست و گویند که از شافعی است . درجای دیگر دارد که از اوست یا از فاطمه (ع) درجای دیگر دارد از او است یا از ابی العتاهیه . درعنوان « وسیدة النسوان اول من صلی ــ علی هالکین ماتری لها مثلا » دارد : « وقال رثی اباه اباطالب وخدیجة الکبری » . شعرهای « وثلث عصی صففت بعد خاتم » از طبرسی آورده شده ودرهامش نسخه طلسمی بفارسی دارد .

کارلو آلفونسو نالینو Carlo Alfonso Nallino در تاریخ فرهنگ عربی از آغاز تا روزگار خاندان اموی که سخنرانیهای او است در دانشگاه قاهره میگوید که دیوان امیرمؤمنان علی را شیعیان برای غرضهائی که داشته‌اند ساخته‌اند و گردآوری آن کار مرتضی است قصیدهٔ زینبیه صالح بن عبدالقدوس (کشتهٔ مهدی خلیفه بسال ١٦٧) را هم که پراز پند واندرز میباشد بعلی بسته‌اند . در کتابهای ادب و تاریخ هم شعرهای رزمی و جنگی بسیاری از علی دیده میشود (١) این خاورشناس ایتالیائی مانا ازسند روایت شعرها و از گردآورندگان دیوان آگاه نبوده که چنین سخنی گفته است . این هم گفته شود که درمروج الذهب مسعودی (٤ : ٩ - ٤٣٨) چند بیتی از دیگران آمده که علی آنها را خوانده است .

[١٤٣٥]

١٠٣٥ این نسخه ش ١ دفتر است و نسخ درجدول وستونهای زرولاجورد و با عنوانهای شنگرف میباشد و ناصرالدین بن نورالدین محمد درروز شنبه ٢٤ رجب ١٠٩٩ نوشتن آنرا بانجام رسانده (ص ١ ــ ٤٥) آغاز و انجام این نسخه همانست که در ش ١١٤١/٣ دیده‌ایم مگر با اندکی جدائی . درپایان این یکی نویسنده می نویسد : « تم الکتاب الموسوم بانوار العقول من اشعار وصی الرسول... » سپس آن تاریخ را میآورد .

---

١ ــ این کتاب بعربی بوده و بایتالیائی شده و از آن بفرانسه در آمده است . ص ٨٢ ترجمهٔ فرانسهٔ چاپ ١٩٥٠ پاریس .

[۱۲۲۶] **ذهبیه** (عربی)

ازاین رسالهٔ ذهبیه در ص ۷۶۳ گفتگو شده است . درذریعه (۱۰ : ٦٤) دارد که آنرا نخستین کتاب پزشکی و بهداشت دراسلام پنداشته‌اند و برای همین بود که مأمون دستور داده بود آنرا بآب زر بنویسند و « ذهبیة » نامید . دانشمندان شیعی از سدهٔ چهارم تا کنون برآن گزارش نوشته یا آنرا بپارسی واردو درآورده‌اند .

یکی ازدانشمندان سید فضل‌الله بن علی راوندی است که گزارشی برآن بنام « ترجمة‌العلوی للطب‌الرضوی » دارد . محقق کرکی هم این را ذهبیه خوانده ونامه‌ای دانست که امام بمأمون نوشته است . سید داماد در راشحهٔ ۲۹ رواشح (ص۹۹چاپ۱۳۱۱ تهران) میگوید : « فاماالصحیفة الکریمة السجادیة فاعلی رتبة واجل خطباً من ان تعدوتدخل فی الکتب‌المصنفة والاصول المدونة المرویة و کذلك الصحیفة المبارکة الرضویة و کذلك‌الرسالة‌المقدسة‌الرضویة المعروفة بالذهبیة » نوری در مستدرك میگوید که سست وضعیف دانستن نجاشی وابن‌الغضائری و علامه و ابن‌طاوس محمدبن جمهور را چیزی نیست چه اینکه پسر او وراستگویان دیگر ازاوروایت دارند وبسیاری از روایتهای اوراکلینی وصدوق آورده و بدو گرویده‌اند وطوسی‌هم بخبرهای بی‌غلو وتخلیط او گروشی نشان داده است و درفهرست طوسی و معالم ساروی ازهمین ذهبیه و درفهرست قمی ازترجمهٔ راوندی یاد گردیده . پس آنچه درپایان امل‌الآمل عاملی آمده که گردآورندهٔ «ذهبیه» ناشناخته‌است ودرهدایه اوهم دارد که مابدان نمی گرائیم بی‌پایه‌است بااینکه اوتوحید مفضل واهلیلجه‌را درهمان هدایه پذیرفته است .

[۱٤۳٦]

این نسخه ش ٥ دفتر است و بنستعلیق تاریخ جمادی یکم سال ۱۰٦۱ در گ ۹٦ ب تا ۱۱۰ الف وچنین است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . قال موسی بن علی بن جابر السلامی اخبرنی الشیخ الاجل العالم الاوحدسدیدالدین یحیی بن محمدبن علیان الخازن ادام‌الله توفیقه قال اخبرنی ابومحمد (الحسن بن محمدبن جمهور وقال) هرون بن موسی التلعکبری (التلفوی - درنسخهٔ ما) قال حدثنا محمدبن هاشم (هشام) بن سهل رحمه‌الله قال حدثنا الحسن بن محمدبن الجمهورقال حدثنا ابی وکان عالماً بابی‌الحسن علی بن موسی الرضا (ع) خاصة به ملازماً لخدمته وکان معه حین حمل من المدینة الی المأمون الی ان سار الی خراسان واستشهد (ع) بطوس وهو ابن تسع واربعین سنة وقال کان المأمون بنیسابوروفی مجلسه ابوالحسن الرضا(ع) وجماعة من المتطببین والفلاسفة مثل یوحنا بن ماسویه وجبرئیل بن بختیشوع وصالح بن عبدالله (سلهمة - بلهمة) الهندی وغیرهم من منتحلی العلوم و ذوی البحث والنظر فجری ذکرالطب ومافیه صلاح‌الاجسام و قوامها فاغرق‌المأمون و من بحضرته‌الکلام وتغلغلوا فی علم ذلك ... (مانند بحار ومستدرك ۳ : ۳۳٥) درابنجا چنانکه درمستدرك یاد شده دو سند آمده است : یکی از سلامی از سدیدالدین یحیی ازحسن ازپدرش محمدبن جمهور ؛ دیگری ازتلعکبری‌ازمحمدبن‌هاشم‌یا هشام ازهمان حسن (نسخهٔ ما با آنچه دربحار و مستدرك آمده یکنواخت نیست وکم دارد چنانکه درمیان دو کمانه نموده شده است) .

انجام : واعلم انه من عمل بما وصفت فی کتابی هذا ودبربه جسده ولم یخالفه سلم ... وصح جسمه بحول‌الله وقوته والله تعالی یرزق‌العافیة من یشاء ویمنح‌الصحة بلادواء . فلایجب ان یلتفت الی قول من قال ممن لایعلم ولاارتیاض بالعلوم والآداب ولایعرف ما یأتی ویذر ظالماً اکلت کذا فلم یوذینی وسرت کذا فلم یؤذینی و شربت کذا فلم یضرنی وفعلت کذا فلم ارمکروهاً وانما هذاالقائل فی‌الناس کالبهیمة‌البهماء والصورة‌الممثلة لایعرف مایضره‌ممایتفعه ولواصیب‌اللص اول مرة یسرق فعوقب لم‌تعاود لکانت عقوبته اسهل واکمل لکنه یرزق‌الامهال والعافیة فیعاود ثم یعاود حتی یؤخذ علی اعظم‌السرقات فیقطع و یعظم‌التنکیل وما اورده عاقبة طمعه . والاموركله بیدالله سیدنا ومولانا جل وعلا والیه نرجع و نصیر وهو حسبنا ونعم‌الوکیل ولاحول ولاقوة الابالله‌العلی‌العظیم . قال ابومحمدالحسن‌القمی فلما وصلت هذه‌الرسالة من ابی‌الحسن علی بن موسی‌الرضا (ع) الی المأمون قراها وفرح بها وامران یکتب بماء‌الذهب وان تترجم بالرسالة‌المذهبة (و الحمدلله رب‌العالمین و صلی‌الله علی‌سیدنا محمدالنبی وآله وسلم . تم بالحسنی.تم بتاریخ جمادی‌الثانی سنة ۱۰٦۱-تم) .

[۱۴۳۷]

۱۱۲۱ این نسخه ش۱دفتریست دارای ۵ رساله همه بخط نسخ و باندازهٔ نیمی ازذهبیه‌را دارد وچنین است :

آغاز : بسمله و به نستعین. هذه الرسالة الذهبية فی الطب التی بعث الامام الهمام علی بن موسی الرضا ... الی المأمون العباسی فی حفظ صحة المزاج و تدبیره بالاغذیة والاشربة والادویة . قال الامام ... الرضا ... اعلم یا امیر المؤمنین ان الله تعالی یبتل العبد (مانند آنچه که مجلسی از کرکی آورده است) .

انجام : وایاك والحمام اذا احتجمت فان الحمی الدائمة یکون فیه فاذا (برابر با س ۲ از پائین ص ۵۵۷ ج ۱۴ بحار مجلسی) (۱ ب - ۸ ب) درهامش حاشیه‌هائی است بستعلیق از (ا م ن) ودرصفحهٔ عنوان دارد : رسالة . . . الرضا . . . المسمی بالذهبیة والرسالة المأمونیة - و نیز : قال السید الداماد فی کتابه المسمی بالرشحات : ذهبیة متواتر - نشانهٔ وقف دربسیاری ازجاها دیده میشود .

(ش ۱۴۱) - کاغذ نرمه - جلد تیماج خاکستری آراسته مقوائی ودربکنوی

اندازه : ۱۳×۱۹/۵-۷×۱۴ س ۱۵

[۱۲۲۷] رجعت (رسالة....) (عربی)

سید میرمحمد مؤمن بن دوست محمد حسینی استرابادی (کشتهٔ درمکه بسال ۱۰۸۸) داماد مولی محمد امین استرابادی بدرخواست کسی این نامه کوتاه و گزیده را در بارهٔ رجعت و باز گشت مردگان باینجهان بپرداخت ودر آن حدیثهای پیشوایان پاك شیعی را که دراین باره آمده است آورد و در آغاز آن خبرهائی یادنمود که میرساند که بایستی دربرابر آنچه ازامامان و پاکان آمده سرفرود آورد وآن گفته‌هارا بهمانها باز گرداند نه اینکه انکارنمود . او این نامه را آنچنانکه در کشف الحجب (ص ۲۶۳) و ذریعه (۱ : ۹۴) آمده است درپایان رجب ۱۰۶۹ درمکه بانجام رسانده . در روی نسخهٔ تاریخ۱۰۸۱خود استرابادی حدیثی بسال ۱۰۸۵ نوشته بود ولی درنسخه‌ماتاریخی دیده‌نمیشود . این نامه در کشف الحجب بنام رسالة فی الرجعة ودرذریعه بنام اثبات الرجعة وظهور الحجة والاخبار المأثورة

فیها عن آل العصمة یاد شده است (نیز بنگرید بروضات ص۶۰۳ و لؤلؤتی البحرین ص ۳۳) .

آغاز : بسمله . الحمدلله علی نعمائه والشکر علی آلائه . . . اما بعد فقد سئلنی بعض من لایسعنی رده تألیف مختصر مشتمل علی مسائل الرجعة فاستخرجت له من کتب المتقدمین من اصحابنا المعول علیها بعض الاخبار المنقولة عن اصحاب العصمة . . . فی الرجعة فذکرت فی اوله من احادیث باب التسلیم والرد علیهم عما ورد عنهم .

انجام : والله اعلم بحقیقة المقال . هذا آخر ما اردنا جمعه فی هذا المختصر حامداًلله ومصلیاًعلی نبیه و آله الطاهرین (تمت الکتاب فی الرجعة فی تاریخ ۳ شهر محرم الحرام سنة۱۰۸۳ منسوباً الی السید السند المؤتمن محمد مؤمن الحسینی الاسترابادی رحمه‌الله) (ششصد - مجموع هشتهزاروپانصد) .

[۱۴۳۸]

۱۱۲۲ این نسخه ش ۶ دفتراست وبهمانگونه خط ش۱ ولی بقلم دیگر وعنوانات مطلبها بشنگرف درهامش هم آمده است و ده برگ آخر بستعلیق است ودر۳محرم۱۰۸۳ نوشته‌شده‌است ونویسندهٔ آن‌همان محمد موسوی‌است. در گ۱ الف دارد «محمد مؤمن الشهید المجاور بمکة - کذا شاهدت ظهر نسخة لها» ودر گ ۱۸۷ الف دارد : مؤلفه میرمحمد مؤمن الشهید الاسترابادی المجاور بمکة ره . الظاهر انه من عیة الطوسی رحمه‌الله کمالا یخفی علی متتبعی الروایات و مراتب الرجال والرواة » درگ الف فهرست رساله‌های این دفتر هست بتازی و پارسی و از بالا بریده شده ودارد: «شهر ربیع الاول من شهور ۱۲۲۳» ودومهر «عبده محمد تقی محمد بن الموسوی» و «حسین بن سید محمد الحسینی» .

[۱۲۲۸] الرد علی المتعصب العنید المانع من لعن یزید (عربی)

دانشمند اخباری حافظ واعظ جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد بن علی بن الجوزی صدیقی بغدادی حنبلی (۵۱۰-۵۹۷) دراین دفتر

روشن نمود که نفرین ولعن بریزید پسرمعاویه رواست . او دردیباچه میگوید که کسی ازمن دریکی ازمجلسهای وعظ پرسید که آیا بریزید که با حسین کرد آنچه را که کرد ودستورداد که درشهر مدینه یغما کنند نفرین رواست ؛ من بدو گفتم که همین کردههای او خود بسنده است ونیازی بنفرین ندارد و خاموشی بهتر است . باز گفت این را میدانم مگر اینکه میخواهم بدانم براو میتوان لعن کرد ؛ من گفتم آری دانشمندان پارسا که یکی ازآنها احمدبن حنبل است آنرا روا بداشتند . این سخن من بخواجهای که حدیث خوانده بود مگراینکه هنوز از عصبیت عامیانه نرسته بود رسید . آنرا نپذیرفته و دفتری بساخت و درآن از یزید یاری نمود . آن دفتررا یکی از شاگردانم نزد من آورد و درخواست که آنرا ردنویسم . من گفتم که اورا بکمیدانش وهوش میشناسم وحدیث راهم آنکسی میتواند روایت کند که هوشمند باشد . او نه منقولات میشناسد و نه معقولات درمییابد و همان حدیث میخواند و درست از نادرست آن و مقطوع ازموصول آن وتابعی ازصحابی وناسخ از منسوخ بازنمیشناسد و نمیتواند میان دو حدیث جمع کند و عصبیتی عامیانه دارد . حدیثی را میپذیرد که بدلخواه او باشد اگرچه همهٔ فقیهان آنرا نپسندند و بعلم حدیث آشنا نیست و برای اثبات سخنان خویش حدیثهائیمیآورد کهدروغگویان برزبانمیراندند واومیان راستگو ودروغزن جدائی نمینهد . عبدالرحمن بن عیسی بمن گفت که اوحدیث سقیفه را نمیپذیرد با اینکه برسرزبانهاست وهمهآنرا درست میدانند درشگفتم که اورا محدث میخوانند با اینکه روزی اورا بدیدم که « مسلم بن یسار » را ازبزرگان صحابه میپنداشت بدو گفتم از تابعیان است او ناگزیر شد که از روی عصبیت بگوید که مانند صحابی است . او برای من حدیثی نوشت بدینگونه : « ان الله لما خلق الخلق استلقی ووضع رجلا علی رجل » و گفت که این را بایستی بخاری و مسلم روایت کرده باشند . من گفتم این حدیث درست نیست و احمدبن حنبل و ابیداود و ترمذی دوست نمیداشتند که آنرا روایت کنند و این را علتی است که من در « منهاج الوصول الی علم الاصول » خود یاد کردم .

بدو گفتم که خبرهای صفات را من گرد آوردم ودرست و نادرست آنرا ازیکدیگر جداساختم . پاسخ داد که نپذیرفتن حدیث خوارشمردن راوی آنست من گفتم مگر دربارهٔ حق باکی میتوان داشت . این خواجه فقه هم نمیداند وحدیثهائی آورده که خلاف اجماع فقیهان بوده است . اینرا بدو گفتند . پاسخ داد من ناگزیر نیستم سخنان آنها را بپذیرم . او چنانکه ابوطاهربن صدر فقیه بمن گفت یکی از دختران چهارگانه خود را بوکالت بمردی بزنی داد و صیغهٔ آنرا خواند بیآنکه بگوید کدام را خواسته بود . این مرد درپشت سر گور احمد حنبل گوری برای خود کند ومن بدو گفتم که چنین کاری پسندیده نیست . چه اینکه این زمینها از آن همه مسلمان است و مانند مسجد است . دیگر اینکه تا کنون مردگان بسیاری در پیرامون گور ابن حنبل بخاك سپرده شده و زمین دستنخوردهای نماند تاتودرآنجابخاك سپرده شوی مبادا استخوان مردگانیرا شکسته باشی واین خود ناروا است . سوم اینکه دراین گور پای تو نزدیك سر احمد حنبل خواهد بود و این بیادبی است .

دربارهٔ کودنی این مرد محبالدین ابوالبقاء فقیه برای من گفت که نزد ابن الخشاب ، عبدالمغیث را بدیدم و سخن بدینجا کشید که مردی نذر کرده بود پیاده بحج رود وپیامبر فرموده که خداوندازرنجاندن این مردخودرابینیازاست . عبدالمغیث گفت چگونه میشود که خداوندازاینگونه رنجها که مردبخود رساند بینیاز باشد با اینکه او بما تکلیفها کرده است . ما دریافتیم که او خدای را نیازمند بما میپندارد .

درنادانی و کودنی و گستاخی او همین بس که دفتری ساخته و درآن ازیزید یاری نمود وازمن خشمگین شد که چرا از حسین یاری نمودهام و یزید بد گفتهام .

پس دوستم بمن گفت مراراهنمائی کن وآنچه درست است بمن بگوو بدو منگر . من گفتم که اگر این خواجه میگفت که بهتراست ماروزگارخویشرا

در نکوهش هیچکس بیهوده نبریم کسی با او ستیزه نمیکرد مگر اینکه او با کسی که نکوهش نکوهیده‌ای روا میدارد درافتاد. این خود نادانی است چه بزرگان از دانشمندان مانند احمد حنبل آنرا روا بداشتند و قاضی ابویعلی محمد بن الحسین بن الفراء در المعتمد فی الاصول این را از او آورد و قاضی ابی الحسین محمد بن قاضی ابویعلی هم دفتری ساخت و در آن کسانی را برشمرد که شایستهٔ لعن هستند و درمیان آنها یزید را یاد کرد و گفت آنکه از نفرین بر او می‌پرهیزد یا نمیداند یا مردیست دوروی و آنچه میگویند که دیندار هیچگاه بر کسی نفرین نمیکند درجائی است که شایستگی آن نباشد. من بدوستم گفتم که اینست خط و نوشتهٔ قاضی ابی الحسین و نگارش او (۹ الف).

پس از این دیباچه چهارده فصل است. در نخستین حدیثهائی آمده که در آنها یکسانی لعن شده که در تبهکاری بیکصدم یزید نمیرسند. در دوم تا نهم سرگذشت و زندگی یزید است و کارها که با حسین و سر بریدهٔ او و خاندان او و همچنین با مردم مدینه کرده است و بمانند مقتلی است. در دهمی تا چهاردهمی (۲۸ الف) رد گفته‌های این شیخ است و او یزید را فرمانروائی میداند که مردم بدو بیعت کردند و همه از او خوشنود بودند بجز پنج تن. آنهم پیشوا اگرچه ستمکار هم باشد باید از او پیروی نمود گذشته از همهٔ اینها او را معاویه‌ایکه درباره‌اش پیامبر فرمود: « خدایا او را راهبر و راهنما کن و راه بدو بنمای » برای فرمانروائی برگزید و او مردی بخشنده بوده و قرآن میخواند و حسین بر همچه فرمانروائی بشورید. ابن جوزی همه سخنان او را در این فصلها بخوبی رد میکند.

در روضات (ص ۴۱۱ و ۶۹۱) نام این دفتر چنانکه یاد کرده‌ایم آمده‌است. ولی در خود متن نامبرده نشده. در کشف الظنون (۱: ۵۳۷) دارد که « الرد علی المتعصب العنید المانع من ذم یزید » از ابن جوزی است و آغازش چنین است: « الحمدلله کفا جلاله »...

پیش از ابن جوزی عماد الدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی کیاهراسی (گرفتهٔ

از « کیاء » و « هراس » = هراز آمل») طبری فقیه شافعی (ذی‌قعده ۴۵۰ - پنج روز پنجشنبه یکم محرم ۵۰۴) از بزرگترین شاگردان امام الحرمین جوینی و دوم غزالی بلکه برتر از او در پاسخ پرسشی که از او کرده‌اند دربارهٔ یزید گفت که او صحابی نبود و در روزگار عمر زاده شد و احمد و مالك و ابوحنیفه دو گونه سخن درباره‌اش گفته‌اند: تلویح و تصریح و ما تصریح میگوئیم و آشکارا چه او بود که نرد میباخت و با یوز شکار میکرد و همواره می میخورد و سرودها دربارهٔ می دارد. او در این زمینه داد سخن بداد و نام خویش در پشت برگهٔ پاسخ نوشت.

ابوحامد غزالی (۴۵۰-۵۰۵) برخلاف کیاهراسی و در پاسخ پرسندگان لعن بر یزید را روا نداشت (۱) و گفتار او و کیاهراسی هر دو در تاریخ ابن خلکان (ش ۴۰۳) و در روضات الجنات (ص ۶۹۱) دیده میشود. تفتازانی در شرح مقاصد هم در این زمینه گفتگو نموده و گفت لعن بر یزید رواست و پیشینیان مانند غزالی و دیگران که از آن باز داشته‌اند برای این است که مردم مبادا گستاخ شوند و دربارهٔ خلیفه‌های دیگر سخنی بگویند (روضات) از ابن حجر شهاب الدین احمد هیتمی در الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع والزندقة (چاپ شرفیه مصر در ۱۳۰۸ با تطهیر الجنان واللسان عن الخطور والتفوه بثلب سیدنا معاویة بن

۱ـ غزالی در احیاء (۳: ۲ـ ۱۲۱ چاپ ۱۳۵۸ مصر) در لعن یزید تردید کرد و میخواهد او را گناهکار نداند و زبیدی در گزارش بر احیاء (۷: ۴۸۸ـ۴۹۳) میگوید که ابن عبدالبر و ابن تیمیه و ابن حجر و ابن صلاح او را کشندهٔ حسین نمیدانند و تفتازانی که در ایران بزرگ شده و کوشش از حکایات راجع بتبهکاریهای یزید که بیشتر گزافه است پر شده بود او را شایستهٔ لعن میداند و دسته‌ای هم در لعن توقف کرده‌اند.

میبدی در شرح دیوان علی (ص ۱۲۶ چاپ سنگی نسخ ۱۲۸۵) دربارهٔ ناروائی نفرین بر یزید سخن تفتازانی در شرح مقاصد و شرح عقاید را آورده که باید بر او لعن کرد و آنهائیکه روا نداشتند برای این بود که مبادا مانند روافض بالاتر هارا لعن کنند آنگاه خود میگوید « و حق کلام آنکه اگر کسی در نفس امر ملعون باشد چه حاجت که تو زبان خود را بلعنت او آلوده کنی و اگر ملعون نباشد او را از لعنت تو هیچ زیان نخواهد بود و تو آثم گردی و متصف بید گفتی شوی ».

ابی‌سفیان ص ۱۲۵) گفته که سنیان دربارهٔ کفر یزید اختلاف دارند برخی مانند ابن‌جوزی وسبطش اورا کافرمیدانند ودسته‌ای اورا مؤمن میپندارند و گروهی ازمحققان توقف کرده‌اند. ابن‌جوزی در «الرد علی المتعصب العنید المانع من ذم یزید» سخنان احمد حنبل وقاضی ابی‌یعلی را آورده‌است. گروهی گویند که لعن او روا نیست و از آنها است غزالی. ابن‌حجر دراینجا خود هم دلیل میآورد که نباید براو لعن کرد سپس مینویسد که ابن‌صلاح هم درفتاوای خود آنرا روا نداشت و گفت که بهتر آنست که اورامانند دیگر خلیفه‌های غیرراشد وپادشاهان اسلام بدانیم نه دوستشان بداریم و نه‌لعن برآنها بفرستیم. پس‌ازاین بازابن‌حجر میگوید که غزالی و متولی (ابوسعید عبدالرحمن بن ابی‌محمد مأمون بن علی شافعی نیشابوری فقیه اصولی مدرس نظامیه م ٤۷۸) و دیگران گفته‌اند که کار یزید با خداست وواعظ ودیگران نباید مقتل حسین‌را روایت کنند و از جنگ وستیزهای صحابه برزبان رانند تا مبادا مردم آنها را دشمن بدارند و بدانها بد گویند چه آنها نشانه‌های دینند وبگفتهٔ ابن‌صلاح ونووی همه آنها عادلند (نیز بنگرید بروضات).

قاضی محدث مفسر ادیب ابن‌العربی ابوبکر محمدبن عبدالله بن محمد معافری اشبیلی مالکی (٤٦۸-٥٤۳) شاگرد غزالی وابی‌بکر چاچی واستاد روایت واسناد ابوعبدالله محمدبن عیشون وشیخ محیی‌الدین درفتوحات، میگوید که: «ولم‌یقتل یزیدالحسین الا بسیف جده - ای لانه‌الخلیفة والحسین باغ علیه» (روضات ص ٦۹٥ - زرکلی ۳: ۱۱۰ - معجم‌المطبوعات ص ۱۷٤).

درمقامع‌الفضل آقامیرزامحمدعلی کرمانشاهی (م ۱۲۱٦) فرزند‌محقق بهبهانی (چاپ دوم سنگی نسخ بکوشش آقامیرزا اسحق کتابفروش در ۱۳۱٦ ص۱۲۹) دارد که لعن بریزید رواست وبسود نفرین کننده و بزیان او.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی نجینا بالعلم من موافقة الضلال والاهواء وسلمنا به من موافقة الجهال الغوغاء واشهد ان لا اله الا الله... وان محمدا عبده و رسوله...

و علی اهل بیته الطاهرین الفضلاء وعلی اصحابه و اتباعه الی یوم الحشر والجزاء وسلم. سألنی سائل فی بعض مجالس الوعظ عن یزیدبن معاویة ومافعل فی حق الحسین ع وماامربه من نهب المدینة فقال لی: ایجوزان یلعن؟ فقلت یکفیه مابه والسکوت اصلح. فقال: قدعلمت ان السکوت اصلح ولکن هل تجوز لعنته؟ فقلت: قداجازها العلماء الورعون منهم احمدبن حنبل. فبلغ کلامی الی شیخ قد قرأ الاحادیث مرویة ولم یخرج عن العصبیة العامیة فانکر ذلك وصنف جزأ ینتصرفیه لیزید فحمله الی بعض اصحابی وسألنی الرد علیه. فقلت: مازال اعرف هذا الشیخ بقلة العلم والفهم وانما یحدث من یفهم... قال الخلیل بن احمد: الناس اربعة رجل یدری ویدری انه یدری فذاك عالم فخذوا عنه ورجل یدری ولایدری انه یدری فذاك ناس فذکروه ورجل لایدری ویدری انه لایدری فذاك مسترشد فعلموه ورجل لایدری ولایدری انه لایدری فذاك جاهل فارفضوه وهذا الشیخ لایعرف المنقولات ولایفهم المقولات لکنه یقرء الحدیث ولایدری صحیحه من سقیمه ولامقطوعه من موصوله ولاتابعیاً من صحابی ولاناسخه من منسوخه ولا کیف الجمع بین الحدیثین ومعه العصبیة عامیة فان رأی حدیثاً یوافق هواه تمسك به وان کان الفقهاء علی خلافه... ولقد اجتمعت به یوما.

انجام: قال هذا الشیخ ان قوماً دخلوا علی یزید وهویقرأ المصحف. قلنا علی هذا قطع (باندازه دوسه کلمه سفیداست) جواب هذه الحجة نسئل الله عزوجل ان یمتعنا بعقولنا ویحفظنا من موافقة اهوائنا انه قریب مجیب. والحمدلله وحده وصلی الله علی من لانبی بعده و علی اخیه المؤکد له عهده وعلی بنیه الذین باهل بهم وفده صلوة یفوت حصر (*) وعده وتتجاوزوصفه وحده. علقت هذه الرسالة تقرباً الی الله تعالی واکراماً لنبیه وبرا بوصیه صلی الله علیهما وعلی ذریتهما المعصومین الائمة الطاهرین الکرام المنتجبین - و کتب عبدالرحمن بن محمد العتائقی. و ذلك من خط المولی العالم الکامل الورع الفقیه نجیب الدین عبدالمحمود بن المبارك المجاور فی مجالس آخرها ثالث عشر ذی القعدة من سنة اثنین و ستین و سبعمائة. و کان

نجیب‌الدین قد نقلها من خط مؤلفها تجاوز الله عنه . وفی آخر النسخة مکتوب ما هذه صورته : « فرغ مؤلفه عبدالرحمن بن علی بن الجوزی فی یوم الثلثاء تاسع ذی القعدة من سنة ثمانین و خمسمائة بالمدرسة الشاطبیة من باب الازج حامداً لله سبحانه و مصلیاً علی رسوله محمد و آله اجمعین » عدة سطور نسخة الاصل ۸۳۹ سطراً ۳۱ ورق . قد قابلتها بنسخة الاصل (حرفا) فحرفاً فصحت (بصحت .. در نسخه) وعلی نسخة الاصل مکتوب ما هذه صورته : « سمع جمیع هذا (جای یک کلمه سفید گویا : من) لفظی والدای ابوالقسم علی واخته الکریمة زینب وابن (جای یک کلمه سفید) وابوالبقاء العکبری وابوغالب بن السامری وابنه ابوالقاسم وعبدالله بن الرغش (برحن) وملی (گویا : قراوعلی) وابونصر محمد بن عبدالسید وابوالقسم السلمی و محمد بن احمد الهاشمی . و کتب عبدالرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی (کتبه العبدالاثیم المهدی النوری فی غرة العاشور بمشهد الغری ۱۳٤) .

پیداست که ابن‌جوزی نگارش آنرا در روز سه‌شنبه ۹ ذی‌قعده ۵۸۰ در هفتاد سالگی خود در مدرسهٔ شاطبیه بپایان رسانده و نسخهٔ اصل ۸۳۹ سطر و ۳۱ برگ بوده است و نجیب‌الدین عبدالمحمود بن المبارک المحاور از روی آن نسخه‌ای نوشت سپس عبدالرحمن بن محمد العتائقی از روی آن نسخه برداشت و در ۱۳ ذی‌قعده ۷۶۲ نوشتن آنرا بانجام رسانده و آنرا با نسخهٔ اصل برابر نمود . چنانکه ابن‌جوزی خود مینویسد پسر و دختر او وچند تن از شاگردانش آنرا از زبان او شنیده‌اند . نسخهٔ ماهم گویا بیواسطه از روی نسخهٔ ابن‌العتائقی نوشته شده است .

[۱٤۳۹]

۸۵۴ این نسخه بخط نسخ درشت باعنوانها و نشانه‌های شنگرف است از مهدی نوری که در یکم محرم سال ۱۳۰٤ در نجف بپایان رسانده وعنوان آن در گ ۱ الف چنین است : « هو . هذا الکتاب الموسوم بالرد علی من یجوز اللعن علی یزید لامام المحدثین عبدالرحمن بن الجوزی » در همینجا مهر « جزو کتابخانه ضیاءالدین نوری » دارد .

(۳۵۷) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ۱۱/۵ × ۱۷/۵ ـ ۶/۵ × ۱۲ س ۱۴

[۱۲۲۹] رسالة الرضا الی المأمون (عربی)

این نامه در ص ۶۱۵ (ش ۱۰۱۵/۳۳) بنام « مالایسع المؤمن جهله » شناسانده شده است . در ذریعه (۲ : ۱۹۱) از آن بنام « اصول الدین » یاد شده و دارد که این جز توحیدی است که از امام رضا دانسته‌اند و مجلسی آنرا بپارسی در آورد . در این نامه گزیده‌ای از اصول و فروع دین آمده است .

این را صدوق در عیون اخبار الرضا (باب ۲٤ ص ۲۶٤) آورده است (نیز در گ ۲٤۶ ب برکات المشهد المقدس ش ۵۸۱) و در بحار ٤ : ۳۷۲ هم دیده میشود . و سند آن در این دوجا چنین است : « باب ما کتبه الرضا علیه السلام للمأمون فی محض الاسلام و شرائع الدین . حدثنا عبدالواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری العطار رض بنیسابور فی شعبان سنة اثنین وخمسین و ثلثمائه قال حدثنا علی بن محمد بن قتیبة النیسابوری عن الفضل بن شاذان قال سئل المأمون الرضا علیهما السلام ان یکتب له محض الاسلام علی سبیل الایجاز والاختصار فکتب علیه السلام ان محض الاسلام شهادة ان لا اله الا الله وحده لاشریک له الهاً واحداً احداً فرداً صمداً قیوماً سمیعاً بصیراً قدیراً قادراً عالماً .. والاشتغال بالملاهی والاصرار علی (الصغائر من) الذنوب (نیز بحار ج ۱ ق ٤) .

در بحار (ج ٤ ص ۳۷۶) دارد که من این خبر را بروایت دیگر هم دیده‌ام . این روایت همانست که در نسخهٔ ما آمده و آغاز آن مانند نسخهٔ ماست بدینگونه : « اما بعد اول الفرائض شهادة ان لا اله الا الله » پیش از آن دارد که این خبر از حمزة بن محمد بن ابی جعفر بن محمد بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب از ابونصر قنبر بن علی بن شاذان از پدرش از فضل بن شاذان از رضا روایت شده و ندارد که او آنرا بمأمون نوشته است با اختلافهای دیگری که دارد . حاکم ابومحمد جعفر بن نعیم بن شاذان از عم خود ابی عبدالله محمد بن شاذان از همان فضل هم آنرا مانند حدیث عبدالواحد بن محمد بن عبدوس روایت نمود .

در تحف العقول ص ۱۰۰ ـ ۱۰۶ دارد : روی ان المأمون بعث الفضل بن سهل

ذاالریاستین الی الرضا (ع) فقال انی احب . . . (مانند دو نسخهٔ ما).

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله رب العالمین . . اما بعد حدثنا ابوعلی محمدبن الحسن بن الفضل (المفضل) قال حدثنی احمدبن علی بن حاتم (عن ابیه) قال حدثنا ابوعبدالله الحسین بن علی بن الفضل (المفضل) قال حدثنا (الشیخ) ابوالحسن علی بن الحاتم القزوینی عن علی بن جعفر الشهریزانی (الشهرستانی) عن احمدبن حمادو الفضل بن سنان الهاشمی ومحمدبن علی بن یقطین و ابراهیم بن محمد کلهم رووا ان المأمون بعث الی الامام علی بن موسی الرضا (ع) و وجه بالفضل بن سهل ذی الریاستین فقال احب ان تجمع لنا اصول الدین جمیعاً من التوحید و الحلال والحرام و الفرائض والسنن، . فدعا الرضا (ع) بدواة و قرطاس و کتب (وقال للفضل اکتب) : بسمله . اول الفرائض (حسبنا) شهادة ان لا اله الا الله (نیز کشف الحجب ص ۴۹).

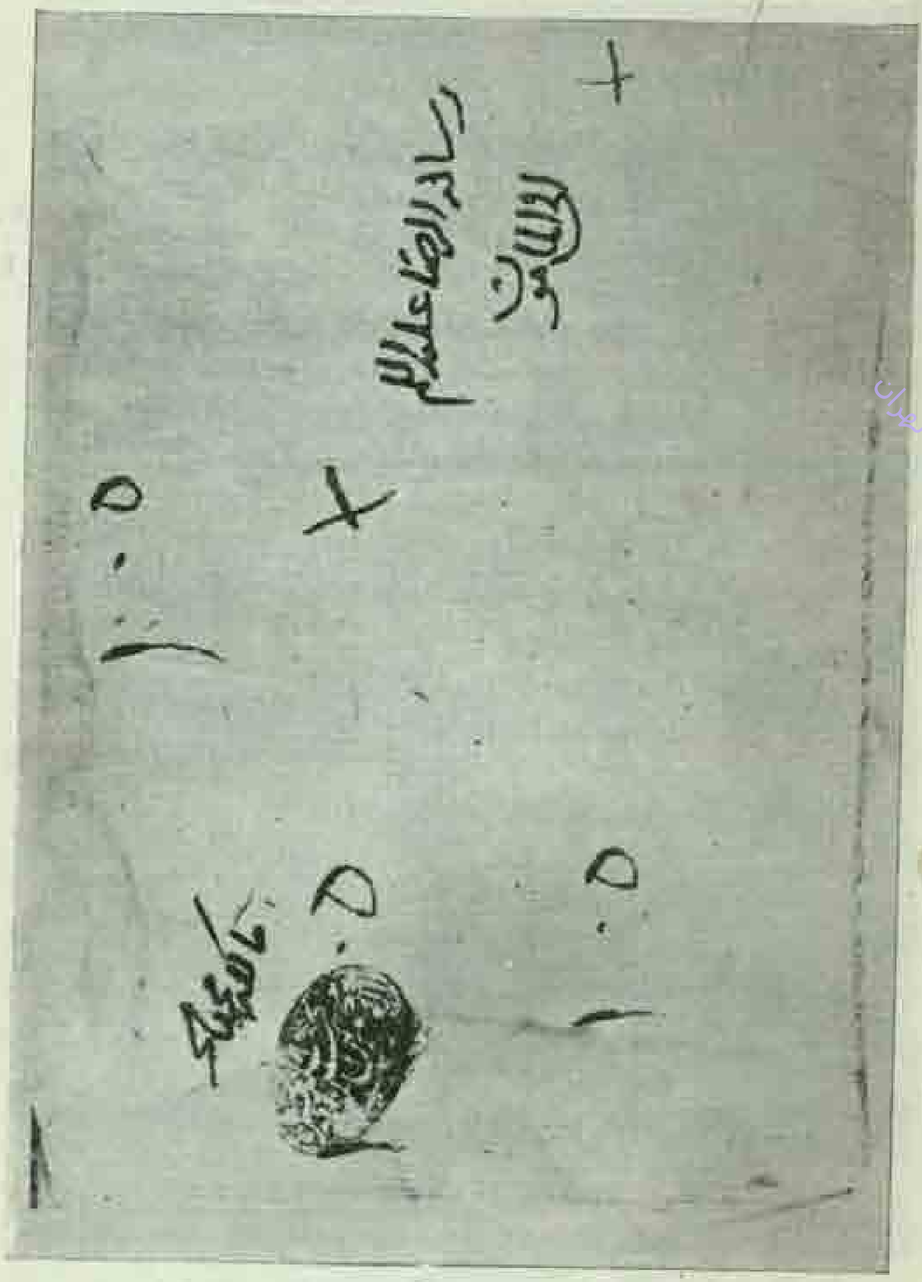
انجام : والاشتغال بالملاهی تصد عن ذکر الله (مثل الغناء و ضرب الاوتار) والاصرار علی الصغائر من الذنوب (فهذا اصول الدین . والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی نبیه و آله وسلم تسلیما) والسلام علی من اتبع الهدی وصلی الله علی محمدو آله الطیبین الطاهرین . فهذه تمام الشریعة المصطفویة المنقولة عن لسان الامام الهمام علی بن موسی الرضا .. الهم احشرنا معهم واغفرلنا ببرکاتهم وسلم تسلیماً کثیرا کثیرا (تمت بقلم الفقیر محمد رضا الحر فی شهر ذی الحجة الحرام سنة ۱۱۰۱ وقد کتبتها فی یوم و لیلة و الحمدلله وحده وصلی الله علی محمدو آله تم بالخیر وعم) (نیز تحف العقول ص ۱۰۰).

[۱۴۴۰]

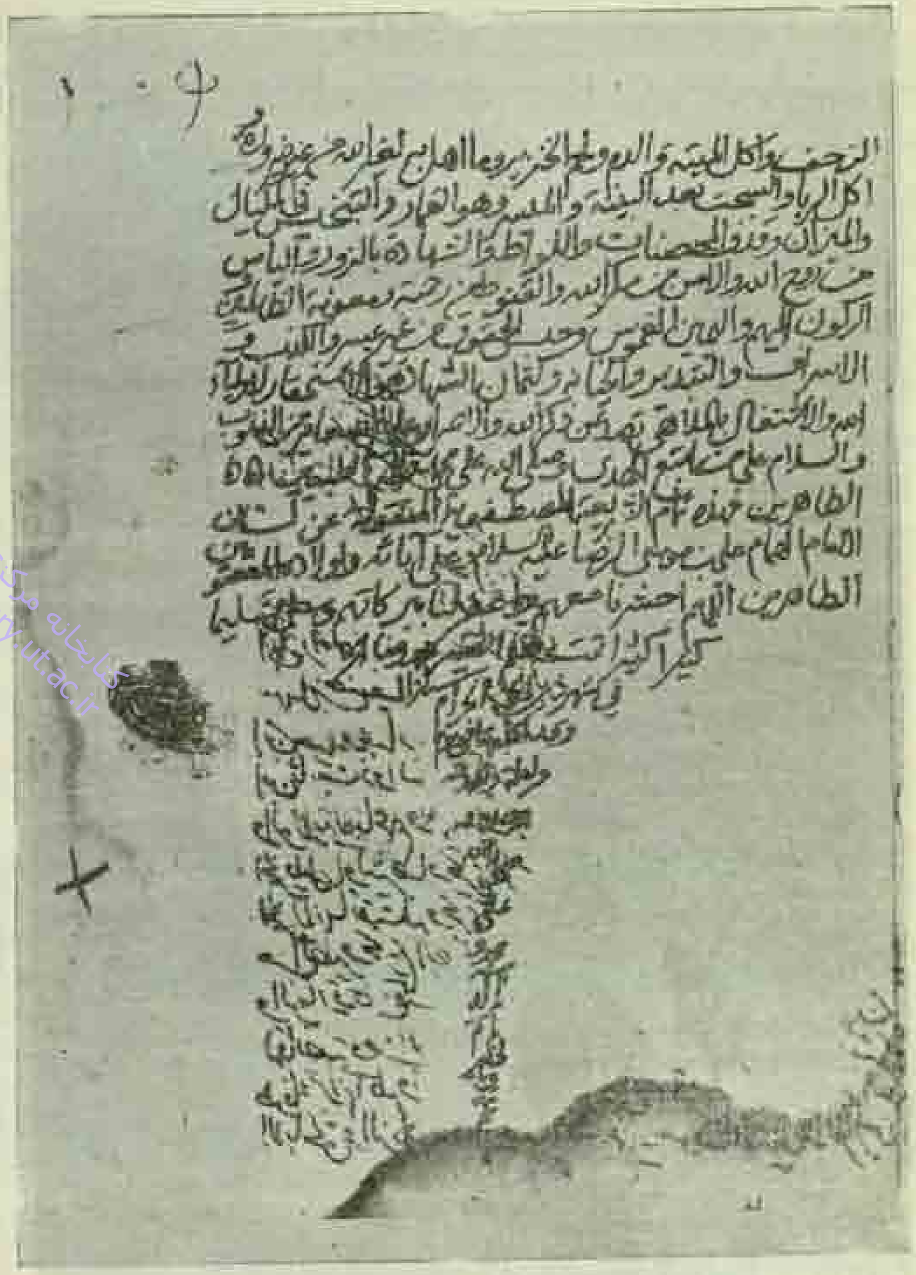
این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق محمد رضا الحر که در ذی حجهٔ ۱۱۰۱ بپایانش رسانده . گ ۱۰۵ ب ـ ۱۰۹ الف .

[۱۲۴۰] الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة (فارسی)

مولی حسین بن علی کاشفی واعظ بیهقی (م ۹۱۰) (ص ۶۵۸ و ۸۲۳ این فهرست)



گ ۱۰۵ الف رسالة الرضا الی المامون ش ۵۹۱/۳



گ ۱۰۹ الف رسالة الرضا الی المأمون ش ۵۹۱/۳

دراین رساله چهل حدیث نبوی را آورده و آنرا درهشت اصل هریک در پنج وصل گذارده است . دربیشتر این اصلها نخست آیتهای قرآن سپس حدیثها و بیتها و مثلها و داستانها آورده است . بیهقی آنرا بنام شیخ عبدالله نقشبندی در ۸۷۵ نوشته است (چلبی ۱ : ۵۵۸) فهرست اصلها آنچنانکه دردیباچه آمده است :

اصل اول درتوحید وایمان واسلام ونعت وذکر اولیاء .

اصل دوم درعبادات و آنچه متعلق بدانست .

اصل سیوم درفضائل قرآن ودعوات و اذکار .

اصل چهارم درمکارم اخلاق وفضائل انسانی .

اصل پنجم دراوصاف ردیه و رذایل اخلاق .

اصل ششم درآداب اهل سلطنت و امارت و ارباب علم و اصحاب غنا وثروت و پیشه وران ومایتعلق بها .

اصل هفتم درآنچه تعلق بازمنه وامکنه والبسه واطعمه واشربه دارد .

اصل هشتم دراحادیث متفرقه ازهرنوعی .

آغاز نسخهٔ ما : می نماید ع والعذر عند کرام الناس مقبول وبواسطهٔ آنها این کتاب بمطالعهٔ ملازمان آن عالی جناب مسمی شد بالرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة والله المفیض الجواد ومنه المبدء والیه المعاد .

انجام : این بود کلمهٔ چند چون مرقع درویشان هرپارهٔ از جائی اندوخته وبرشتهٔ مناسبت بریکدیگردوخته . نظم :

بدین گونه کین نخل نوبسته‌ایم   نگوئی که ازخویش بربسته‌ایم

ز هر گوشهٔ توشهٔ برده‌ایم   ز هر خرمنی خوشهٔ بوده‌ایم

۞۞۞

ز هشتصد فزون بود هفتاد و پنج

که گشتیم ازین نقد گنجینه سنج

دراین بارگاه نقابت پناه

پسندیده کوشند زهی عز و جاه

بیازار لطفش که دارالوفا است
قبول اگر یابد اقبال ما است
بیا کاشفی خود نمائی مکن
بکن بر دعا اختصار سخن

الهی باسرار مردان دین	بانوار پاکان راه یقین
بحق النبی و اولاده	بسر الولی و احفاده
باوراد پیران نیکونهاد	بفیض جوانان پاک اعتقاد
که شمس معالیش تابنده دار	بنی ظل عالیش پاینده دار
دل و دینش آباد دار از کرم	ز جان و تنش دور کن درد و غم
بهر ساعتی دولتی تازه ده	چو دولت دهی بیش از اندازه ده

(تمت الرسالة العلیه فی ید اقل البریة) .

[۱۴۴۱]

۵۹۰ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . گ۱ الف ـ ۱۴۰ الف .

(۳۱۴۳م) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۱×۱۶ و ۶/۵×۱۱/۵ س ۱۸

[۱۲۳۱] **الرواشح السماویة** (عربی)

فی شرح الاحادیث الامامیة

سید محمد باقر داماد استرابادی فیلسوف در این کتاب میخواسته است کافی کلینی را شرح کند و تنها دیباچهٔ آنرا شرح داده و ۳۹ راشحه درعلم حدیث پس از آن آورده است و آنرا هم بپایان نرسانده . این کتاب با حواشی داماد درتهران بسال ۱۳۱۱ باندازه خشتی در ۲۱۷ص بخط نسخ چاپ سنگی شده است .

آغاز : بسمله . والاعتصام بالعزیز العلیم . الحمدلله رب العالمین حمداً یلیق لکرم وجهه ویلیق بعز جلاله .

انجام : والاثبات فی مخالفة حکم الصدر بحسب اختلاف النسبتین النفسیة والخارجیة فلیتیقن و منها مفهوم العدد (هذا آخر ماصنف فی هذا الباب ـ نسخهٔ چاپی) .

[۱۴۴۲]

۹۸۱ این نسخه بنسخ با حاشیه‌های «منه ظال عمره» و «منه دام ظله» و «منه دام ظله العالی» و در برگهای آغاز نسخه بنستعلیق میباشد در بالای سطر نخستین روی عبارت «بسمله» نوشته است : «هذا البسملة خط افضل المجتهدین میرمحمد باقر الداماد الحسینی رحمه الله» ـ از گ ۱۳۸ ب تا ۱۴۱ ب حدیثهای برا کنده‌ایست درباره اسم اعظم وجز آن .

(۱۰۳۱۳ب) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تریاکی حاشیه‌دار مقوائی

اندازه : ۱۶×۲۶ ـ ۱۰×۱۹ س ۲۱

[۱۲۳۲] **روح الاحباب و روح الالباب** (فارسی)

فی شرح الشهاب

دانشمند شیعی شیخ امام ترجمان کلام الله جمال الدین ابوالفتوح الحسین بن علی بن محمد بن احمد بن حسین بن احمد نیشابوری رازی (زندهٔ در ۴۸۰ و ۵۲۵) استاد نصیرالدین ابوطالب عبدالله بن حمزهٔ طوسی (روضات ص ۱۸۴ و ۳۸۱) و ابن شهرآشوب (م ۵۸۸) ومنتجب الدین ابی الحسن علی قمی (م نزدیك ۵۸۵) وشاگرد پدر وعم خود وشیخ عبدالجبار رازی وشیخ ابوعلی فرزند شیخ طوسی و زمخشری نگارندهٔ کشاف (۴۶۷ ـ ۵۳۸) و همزمان با ابوعلی طبرسی مفسر (۴۷۰ـ۵۴۸) که تفسیر قرآن «روض الجنان و روح الجنان» بفارسی نگاشته‌است ، «شهاب الاخبار» قاضی ابوعبدالله محمد قضاعی مصری شافعی (م ۴۵۴) را بنام



گ ۱ ب رواشح ش ۹۸۱

یاد شده بپارسی در آورد (۱).

این کتاب را چنانکه قمی درفهرست خود میگوید باتفسیرش نزداوخوانده و از آن بهمین نام یاد کرد و نگفت بکدام زبان است چنانکه تفسیرش را هم نگفت بچه زبان است. ابن شهر آشوب از آن بنام «شرح الشهاب» یاد کرده و نمیگوید فارسی است یا تازی با اینکه تفسیرش را میتویسد بپارسی است درالنقض ص ۵۱ دارد: شرح الشهاب النبوی «درمجالس المؤمنین ازاین گزارش یاد نشده است.

گذشته از دانشمندان سنی که درمستدرك و کشف الظنون (۲ : ۷۱) یاد شده تنی چند از فرزانگان شیعی نیز بگزارش این کتاب برداختند:

۱- سید ضیاء الدین فضل الله بن علی بن عبیدالله حسنی راوندی کاشانی بنام ضوء الشهاب فی شرح الشهاب (فهرست قمی ص ۱۰ و روضات ۴۴۵ و ۴۹۲) که در بحار بسیاری از آن آورده شد.

۲- افضل الدین شیخ حسن بن علی بن احمدماهابادی استاد استاده منتجب الدین که «شرح الشهاب» دارد (قمی ص ۵ - روضات ۱۷۱و۴۴۵).

۳- برهان الدین ابوالحرث محمدبن ابی الخیرعلی بن ابی سلیمان ظفرحمدانی قزوینی که «شرح الشهاب» دارد (قمی ص ۱۱ وروضات ۴۴۵).

۱- بنگرید به: معالم العلماء ص ۱۲۸ مناقب ابن شهرآشوب ۱ : ۹- فهرست منتجب الدین ص ۵ - اجازات بحار ص۱۷۴ - النقض عبدالجلیل رازی ص۵۱ - ۱۹۴ امل الآمل ص ۴۷۳ - فهرست سپهسالار ۱ : ۱۲۹ - فهرست طوس ش ۱۲۰ ج ۱ - روضات ص۱۸۴ - مقابیس ص۱۳ مستدرك الوسائل۳:۳۶۷و۴۸۷- کشف الحجب ص ۴- ۲۹۳ - ریحانة الادب ۵ : ۱۴۷ - دیباچهٔ ناشر تفسیر او درجلد یکم و همچنین گفتار شادروان قزوینی درپایان جلد آخر چاپ یکم تهران- درفهرست طوس ۴ : ۱۵۴ کتابی بنام رسالهٔ یوحنا ازورازی شناسانده شده که بتازی است ودرست مانند الزام النواصب وماانا ازرسالهٔ یوحنای فارسی او بتازی در آورده - حشیهٔ منسوب باوهم چاپ رسیده و گویا از تازی بپارسی کرده اند (طوس ۴ : ۹۳).

٤ـ قطب‌الدین سعیدبن هبةالله راوندی (م ۵۷۳) که «ضیاءالشهاب فی شرح الشهاب» دارد (قمی ص ۷ ــ ابن شهرآشوب ص ٤٨ ــ روضات ص ٤٤٥).

۵ـ ابوالفتوح رازی بنام «روح‌الاحباب وروح‌الالباب» (مستدرك ۳ : ۳٦۷) درنامه‌ای که شاگرد مجلسی بمومیوید دارد : شروح‌الشیخ ابی‌الفتوح‌المفسر علی کتاب شهاب‌الاخبار» (ص ۱۷٤ اجازات بحار).

این نسخهٔ ما بگواهی صفحهٔ عنوان همین روح‌الاحباب رازی بایدباشد مگر اینکه درمستدرك (۳ : ٤۸۷) ازریاض سخنی ازرازی درروح‌الاحباب دردنبال گزارش «ان‌الله لیؤید هذاالدین بالرجل‌الفاجر» آورده شده که درنسخهٔ ما دربرك ۱۸۷ ب آن که جای آنست دیده نمیشود.

این نسخهٔ ما درمتن هم با نسخه‌های شهاب‌الاخبار ش ۵۰۲/۵ و ۱۰۷۵ یکی نمیباشد و نسخهٔ دیگری ازشهاب درآن گزارش شده است.

این نسخهٔ ما ترجمه و گزارش هردو است و خبرهائی مرسل بپارسی یا تازی درمیانهٔ گزارش درآن آمده است.

دردنبال گزارش «القرآن غنی لافقر بعده ولاغنی دونه» از «سوره حمد» بروش اخباری شیعی تفسیرمیکند و سپس خواص و فضائل سوره‌های قرآن را ازروی خبرهای شیعی میآورد (گ ٤۵ ب ــ ۵۸ الف) درهمینجا (گ ۵٦ ب) دارد : «وخواجه ابوجعفرطوسی رحمةالله علیه درنهایتشان آورده است که الم تر کیف ولایلاف را بیکسوره خوانند وهمچنین والضحی والم نشرح».

درگزارش «الانبیاء قادة والفقهاء سادة ومجالستهم زیادة» این شعررا آورده (٦۸ الف):

هرآنکو زاغ باشد رهنمایش ‌ ‌ ‌ ‌ بگورستان بود همواره جایش

[۱٤٤۳]

۱۲۷ این نسخه بخط نستعلیق ومتن حدیثها بنسخ و زیرخط سرخ میباشد و از آغاز وانجام کم دارد ومتن آن برابراست باگ۳ب ــ ٤۷ ب ش ۱۰۷۵ وگ ۲٤۲ الف ــ ۲۷٤ الف ش ۵۰۲/۵) وچنین است.

آغاز : (الدین) یعنی واجب دعااست حضرت رسول ... فرماید که عظیم‌ترین گناهان ازپس کبایر آنستکه بنده از دنیا برود و بر گردنش وام بود و چیزی نماند که بوام بدهند (دربارهٔ حدیث «الدین شین‌الدین».

انجام : (ان روح‌القدس نفث فی روعی ان نفسالن تموت حتی تستکمل رزقها فاتقوالله واجملوافی‌الطلب) با من گفت که هیچ نفس بنمیرد تا روزی خود تمام نخورد ازخدا بترسید و طلب دنیا نیکو بروجهی مکنید که درشریعت حرام بود و درمردن زشت (ان صا) ــ درگوشهٔ راست بالای برگ ۱ الف دارد «روح الاحباب و روح الالباب فی شرح الشهاب ازشیخ ابوالفتوح الحسین بن علی الخزاعی الرازی صاحب التفسیر» درگوشهٔ چپ همینجادارد : «۲۲ فقره میخواهد ازاول تااینجا» در ۱۳۲ ب نوشته است : «تمت المجلدة الاولی من کتاب شرح الشهاب یتلوها المجلدة الثانیة وهی الباب الثالث» ازهمینجا برمیآید که نویسندهٔ نسخه نظرعلی است ودرروزچهارشنبه دههٔ نخستین رجب ۱۰٦۰ (ستین والف) اینجا را بانجام رسانده.

(گ ۱۹۰) کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه‌دار مقوائی

اندازه : ۱۷ × ۲٤ ــ ۱۲ × ۱٦/۵ س ۱۵

[۱۲۲۳] روزشماری (عربی)

دراین گفتار مانند آنچه که برای ماههای زردشتی ورومی ویهودی گفته شده برای دوازده ماه قمری تازی وروزهای هفته آمده‌است . درآن یاد میشود از تفسیر علی بن ابراهیم قمی و ثواب‌الاعمال ابن بابویه و مسارالشیعه مفید و کتاب‌التواریخ اوو متهجد طوسی ومجمع‌البیان طبرسی وشذوذالعقودابن جوزی واز کتاب‌العلل و کتاب العجائب والغرة والمعجم والطبقات و ازمحمدبن ادریس وابن‌طاوس وسیدعمیدالدین . ازنهایة‌الارب فی امثال‌العرب خودنگارندهٔ آنهم یاد شده است . این را میدانیم که تقی‌الدین ابراهیم‌بن علی بن حسن بن محمدبن صالح عاملی کفعمی لوذی جبعی شیعی (م۹۰۵) نگارندهٔ البلدالامین والجنة‌الواقیة «نهایة‌الارب فی امثال‌العرب» دردومجلدبزرگ و بیمانند دارد (ذیل چلبی ۲ : ٦۹۰ــفهرست آقای منزوی ۱ : ۳۵ و ۹۰ ــ همین فهرست ص ۸۵۵ ــ روضات ص ۷) پس این گفتار از کفعمی میباشد و همان فصل ٤۲ جنة‌الامان‌الواقیة وجنة‌الایمان

الباقیة اواست (ش۴٤ اینکتابخانه) که در ۲۷ ذی‌قعدهٔ ۸۹۵ نگاشته‌است (۱) .

آغاز : در بیان شهورعرب وحوادثها. اماالشهور الاثنی‌عشرفنقول ذکرالشیخ الطوسی رحمه‌الله فی متهجده ان اولها رمضان و اهل‌التواریخ یجعلون اولها المحرم‌الحرام ونحن نتبعهم فی هذاالمقام (گ ۲۳۷ ب ش ٤٤) .

انجام : وخلق یوم‌الجمعة‌النیرین والنجوم والملائکه وآدم علیه‌السلام (وما ینسب الی علی‌ع فیما یصلح فعله فی‌الایام‌السبعة) .

اری‌الاحدالمبارك یوم سعد لغرس‌العود یصلح والبناء

☆ ☆ ☆

وهذاالعلم لایعلمه الا نبی او وصی‌الانبیاء

(گ ۲٤۱ الف ش ٤٤) .

[۱٤٤٤]

۱۱۳۰ این نسخه ش ۸ دفتر وبخط نستعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد .
گ ۳۱ الف ـ ۳٤ ب (بنگرید به ۲/ ۱۱۳۰) .

[۱۲۳٤] الروضة (عربی)

کتابی بنام روضه که نگارندهٔ آن گمنام است در نسخه‌ها دیده میشود ودرفهرستهاهم یادگردید . مجلسی دربارهٔ آن میگوید : « کتاب‌الروضة لیس فی محل رفیع من‌الوثوق » (بحار ۱ : ۱۳) و رمز آن دربحار « فض » میباشد .

اینکتاب چنانکه خواهیم‌دید گزیده‌و کوتاه کتابی است‌دیگراز گمنام که‌بنام‌فضائل خوانده میشود واز سدیدالدین ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل بن ابی‌طالب قمی‌مدنی (زندهٔ در ۵۵۸ و۵۸٤)هم‌دانسته‌اند. چنانکه‌عاملی‌درامل‌الآمل مینویسد

---

۱ ـ این کتاب‌درمطبعهٔ‌فخریهٔ تهران بسال ۱۳۲۱ در ۷۷٤ص‌رحلی بخط‌نسخ‌بچاپ‌سنگی رسید واین بخش درص ۵۰۹ـ۵۱۸ آنست . درآغاز این چاپ سرگذشت کفعمی است ازروضات .

نسخه‌ای ازآنرا داشته وستوده است . مجلسی هم آنرا داشته و رمزان دربحار « یل » میباشد .

این شاذان نگارندهٔ « ازاحةالعلة فی معرفةالقبله » میباشد (بحار ۱ : ۹) وروایت میکند ازپدرخود ازشیخ ابی‌الحسن‌محمدبن محمدبصری‌ازسیدمرتضی، نیزازخواجهٔ کجیج‌عمادطبری‌وفقیه‌پارسا ابومحمد ریحان‌بن عبدالله حبشی شیعی امامی‌مصری (م نزدیك ۵٦۰) شاگرد کراجکی (۱) وابومحمدعبدالله‌بن محمدبن عمرعمری طرابلسی وابوالمکارم حمزة‌بن زهرهٔ حسنی حلبی وقاضی‌جمال‌الدین علی‌بن‌عبدالجبارطوسی کاشانی‌شاگردقطب راوندی وابومحمدحسن‌بن حسولة‌بن صالحان‌قمی وابوجعفرمحمدبن‌موسی دوریستی وسیداحمدبن‌محمدموسوی و سید محمدبن سراهنگ گرگانی و ابی‌عبدالله محمدبن عبدالعزیزقمی وفقیه ابی‌محمد عبدالله‌بن عبدالواحد وعبدالقاهربن حمویه قمی . شاذان ازطبقهٔ ابن‌شهرآشوب و ابن‌ادریس ومنتجب‌الدین قمی وابی‌الحسین یحیی‌بن بطریق حلی میباشد .

ازشاگردان شاذان این‌دانشمندان را یاد کرده‌اند : سیدنقیب شرف‌الدین ابی‌طالب عبدالرحمن‌بن‌عبدالسمیع هاشمی واسطی وسیدنسابهٔ‌علامه شیخ‌الشرف شمس‌الدین ابوعلی فخاربن معدبن فخار موسوی حائری (م ٦۳۰) نگارندهٔ « کتاب‌الحجة علی‌الذاهب الی تکفیر ابی‌طالب » که نوری درمستدرك مشایخ اورا ازآن آورده‌است (ذریعه‌٦ : ۲٦۱ و۷ : ۱۷۱) نیزتاج‌الدین‌حسن‌بن الدربی و محیی‌الدین محمدبن زهرة که کتاب‌النظم فی جواب مسائل‌الامتحان واجوبة المسائل‌الدالة علی مهدی آل‌الرسول را برشاذان خوانده است ونیزالکرو الفر فی‌الامامة کراجکی را دردمشق بسال ۵۸۳ نزد همو خوانده است نیز مختاربن

---

۱ ـ این دانشمند حبشی بسیار بنهایهٔ طوسی وذریعهٔ مرتضی میپرداخته ومیگفت که چیزی را بیاد نسپرده‌ام که فراموش کرده باشم . وی همهٔ سال را روزه بود واین رزبك اورا بزرگ‌میشمرد ومیگفت که‌ازفرزندان حام کسی بزرگ نگشت مگرلقمان وبلال‌وریحان (بنگرید به : سفینةالبحارقمی ۱ : ٦۹۲ ازازهارالعروش فی‌اخبارالحبوش سیوطی) .

سعد موسوی (۱) .

از اجازهٔ جمال‌الدین ابومنصور حسن فرزند شهید دوم بسید نجم‌الدین حسینی (اجازات بحار ص۹۷-۱۱٦) برمیآید که سید محی‌الدین بن زهره ، کتاب ازاحة العلة فی معرفة القبله ، (نگارش سال ۵۵۸) را در دمشق بسال ۵۸۳ نزدش خوانده و شاذان بدو اجازه داد که همهٔ نوشته‌های او را روایت کند . همین ابن‌زهره میگوید که من «تحفة المؤلف الناظم و عمدة المكلف الصائم» را هم درهمان شهر و بسال ۵۸٤ نزد شاذان خوانده‌ام . نیز شیخ ابی‌عبدالله محمدبن جعفر مشهدی ، المفید فی التکلیف ، شریف محمد فرزند شریف اکمل هجری بحرینی را نزد سید شرفشاه بن محمدبن زیاده (نیشابوری - فهرست قمی ص۷) و شاذان در رمضان ۵۷۳ خوانده و از آنها روایت میکند (ص ۱۰۲) .

در این فضائل از ، کتاب فردوس للجمهور ، یاد گردیده (ص۱۲۷ و ص۱٤۸) و این همان ، فردوس الاخبار بماثور الخطاب المخرج علی کتاب الشهاب ، از ابی شجاع شیرویه بن شهردار بن شیرویه بن فنا خسرو همدانی دیلمی محدث مورخ (م ۵۰۹) میباشد که مانند ، الشهاب فی الحکم و الامثال و الآداب ، قضائی (م ٤۵٤) میباشد وده هزار حدیث در آن آمده‌است و راویان هم در آن یادشده و بترتیب معجم‌است و بی‌اسانید با نشانه‌های تخریج ، و رموز آن بیست میباشد . پسرش حافظ ابومنصور شهردار (م ۵۵۸) اسانید آنرا گرد آورد و خوب هم ترتیب داد و در چهار جلد گذارد و مسند الفردوس نامید . سیوطی هم جامع الصغیر را مانند آن نوشت (چلبی ۲ : ۱۸٦ - زرکلی ۲ : ٤۲۱ و ٤۱۸) .

۱ـ بنگرید به : اجازات بحار ص ۲۲ و ۲۵ و ۲۸ (اجازهٔ حلی بفرزندان زهره) وص ۳۱ـ۳۲ (اجازهٔ یکی از شاگردان حلی بسید شمس‌الدین محمد استاد شهید) وص ۱۱٤ـ مستدرک ۳ : ٤۷۹ ـ روضات ص ۳۰٦ـ امل الآمل ص ٤۷۷ و ٤۸۲ـ فوائد الرضویه ۱ : ۲۰۷ـ سفینة البحار ۱ : ٦۹۲ـ لؤلؤة البحرین دو جا ـ سرگذشت شاذان در فهرست قمی و معالم العلما و جامع الرواة و رجال استرابادی و حایری و مامقانی و ابن داود و حلی و تفرشی نیامده است .

پس شاذان پس از ۵۰۹ میزیسته و در ۵۵۸ و ۵۸٤ زنده بود .

در این فضائل و روضه از چند کس روایت شده :

۱ـ شیخ محمدبن ابی‌مسلم بن ابی‌الفوارس دارمی (آغاز فضائل که دارد شاذان از او روایت دارد) .

۲ـ شیخ ضیاءالدین ابوالعلا حسن بن احمدبن یحیی عطار همدانی (آغاز فضائل دو چاپ ایران و نجف و ص ۵۷ و ۷۱ آنهو - فهرست طوس ۵ : ۱۳۷ ش ٦٤۰) در چاپ نجف ص ۵۷ دارد که ابوالعلاء همدانی درمسجد همدان در ۲۲ شعبان سال ٦۳۳ ودرچاپ ایران ص ۷۱ دارد سال ۱۳۳ بما آگاهی داده است . در اینجا نامی از شاذان هم برده نشده است (۱) تاریخ درست باید ۵۳۳ باشد .

۳ـ شیخ الاسلام ابوالحسن بن علی بن محمد المهدی (ص ۸۹ نجف و ص ۱۱۳ ایران و گ ۷۵ ب نسخهٔ روضهٔ ما) .

٤ـ ابی‌طالب محمدبن احمدبن الفرج (المفرج) بن الازهر (ص ۱۲۲ و ص ۱۵۵) .

در گ ۷۹ ب روضه از امام فخرالدین طبری خبری آمده که در فضائل شاذان (۱۲۹ چاپ و ص ۱٦٤ چاپ ایران) دیده‌میشود . در گ ۷٤ الف از عبدالله بن محمدبن علی بن الحسین بن عبدالرحمن علوی روایتی آمده و در گ ٦۸ ب روایتی از نقیب هاشمیان تاج‌الدین در روز یکم شوال ٦۵۲ در واسط از کتاب الفردوس دیده‌میشود . در گ ٦۰ ب از ابوعبدالله بن احمد حسینی مدنی و در ٦۰ الف از احمدبن عبدالجبار عطاردی و در ۸۰ الف از قاضی کبیر ابی‌عبدالله محمد بن علی بن محمد مغاربی (المغازلی) حدیثی آمده‌است که در هر دو چاپ فضائل شاذان (ص۱۲۸ و ص۱٦۵) هم دیده میشود (۲) در گ ۹٦ ب - ۱۰۹ ب چهل

۱ـ سرگذشت ابوالعلاء همدانی درمعجم‌الادباء یاقوت ۳ : ۲٦ و فهرست قمی ص ٦ هست و نامش چنین است : « صدرالحفاظ ابی‌العلا حسن بن احمدبن حسن عطار همدانی » (٤۸۸-۵٦۹) .

۲ـ ابن‌المغازلی ابوالحسن علی بن محمدبن الطیب خطیب واسطی فقیه شافعی (م ٤۸۳) نگارندهٔ مناقب میباشد (کنی و القاب قمی ۱ : ٤۰٤) و گویا در اینجا هم همو خواسته شده است .

حدیث است.

چنانکه دیده‌ایم در فضائل درهردو چاپ روایتی از شیخ‌الاسلام ضیاءالدین ابوالعلاء حسن‌بن‌احمدبن یحیی عطارهمدانی (ره) درمسجد همدان در۲۲شعبان ۶۳۳ (ص ۵۷ و ص ۷۱) خبری آمده و همچنین دارد: «قال جامع هذاالکتاب حضرت‌الجامع بواسط یوم‌الجمعة سابع عشرذی‌القعدة سنة احدی‌وخمسین‌وستمائة و تاج‌الدین نقیب‌الهاشمیین یخطب بالناس علی اعواده» (ص ۹۶ و ص ۱۲۲) همانکه در آغازهمین روضهٔ مادیده میشود. سپس دارد: «وعن‌الفاروقی حکایة عنه انه قام یوماً علی منبره و مجلسه یومئذ مملو بالناس فی جمادی الاخرة من سنة اثنین وخمسین وستمائة بواسط» بمانند آنچه درهمین روضه آمده است وازاینجا تا پایان آن در بسیاری ازجاها باروضه یکی است. گویا کسی این‌دورا باهم بیامیخت ودراینکه پاره‌ای ازفضائل ازشاذان هست شکی نیست چه اینکه درآغاز «حدثنی... شاذان‌بن جبرئیل‌القمی» و در ص ۱۱۲ آن «قال شاذان تأمل ایهاالطاعن بقلبك وانظر بعینك هذه‌الآیات» دارد (درچاپ ایران ص ۱۴۲ قال شاذان ندارد). این فضائل و این روضه مانا یك کتاب است که درنسخه‌ها از آن کاسته یابرآن افزوده‌اند وچنانکه درروضات آمده مجلسی آنهارادو کتاب پنداشت و باید گفت اصل فضائل شاذان دردست نیست و گویا خبرهائیکه او آورده است پاره‌ای دراین فضائل که ازاوپنداشته‌اند ونیمهٔ دوم آن نزدیك است بروضه آمده باشد ونگارندهٔ روضه وفضائل وفراهم‌آورنده آنها دانسته نیست دراین کتاب چنانکه دیده‌ایم از تاریخ روز آدینهٔ ۱۷ ذی‌قعدهٔ ۶۵۱ و از فاروقی که درجمادی دوم ۶۵۲ (۵۷ الف) و همچنین درروز سه شنبه ۱۲ صفر ۶۵۳ درهمانجا (۷۰ الف) برمنبر روایتی آورده است یاد شده پس نباید ازشاذان‌بن جبرئیل قمی مدنی زندهٔ در۵۵۸-۵۸۴ باشد وازقطب راوندی م ۵۷۳هم نخواهد بود (طوس ۵: ۱۲۷و۲۹۸و۳۶۰).

پنداشت که ازعلامهٔ حلی (۶۴۸-۷۲۶) هم نیست چنانکه درص۵۷۹ این فهرست

روی اینکه در نسخه ۵۰۳/٤ نوشته بود پنداشته شده‌است. کنتوری در ص ۲۹۵ همین کتاب را که مجلسی روی گوناگون بودن نسخه‌ها دوتا پنداشت ویکی را برمز «فض» ودیگری را برمز «یل» نشان داده‌است بنام «الروضة فی‌المناقب والمعجزات» از حسین‌بن حمدان خیبلانی دانست و گفت که او آنرا پس‌از «درالمناقب فی فضائل اسرارعلی‌بن ابی‌طالب» نوشته است سرآغاز ودیباچه‌ای که میآورد همهٔ آنها درنسخهٔ ما نیست. کنتوری باز (ص ۶۰۳) از «الهدایة فی تاریخ‌الائمة ومعجزاتهم» ازشیخ حسین‌بن حمدان حضینی یادمیکند.

خوانساری درروضات (۳۰۵-۳۰۷) میگوید که دونسخهٔ کوچك (همین روضه) وبزرك ازفضائل در دست هست و هر دو نزدیك ۶۵۰ نوشته شده است و کوچکی آن نزد مجلسی بوده ودر پشت آن ازصدوق دانسته شده و او نسخهٔ بزرگ را که ازشاذان است جزاین یکی پنداشت وما از سنجش آنها دریافتیم که هردویکی‌است و کوچکی بخشی از بزرگی میباشد. خوانساری عبارتهائی ازفضائل شاذان میآورد که درنسخهٔ چاپی هست.

پس الروضه جزفضائل و گزیده‌ای از آن میباشد. فضائل بکوشش امیر اسماعیل میرزا پسرمعزالدوله بهرام میرزا باتصحیح محمودبن محمدحسینی حافظ تبریزی سلطان‌القراء بخط نسخ محمد حسن در ۲۳۸ ص خشتی در۱۲۹٤ بچاپ سنگی رسید همچنین در۱۳۰٤هم چاپ شده‌است. (فهرست طوس۵: ۹۷و۱۳۷ و ۲۹۸) نیزدرنجف درچاپخانهٔ الزهراء چاپی سربی ازآن شده است (نیزذریعه ۱: ۵۲۷) ودوچاپ ۱۲۹٤ ونجف درآغاز وانجام یکی هستند و اندکی آندو ازهم جدائی دارند.

الروضة درجنگی بکوشش حسین‌بن آقامیرمحمدخوانساری در ۹ غ ۱ سال۱۳۱۱ باندازهٔ رحلی وبخط نسخ بچاپ سنگی رسیده‌است که درآن نخست علل‌الشرائع صدوق (ص۲۰۳) ودوم معانی‌الاخبار (ص۱۱۷) سپس همین روضه (ص۱۶۲) میباشد که بخط علی‌بن محمد مؤمن طالقانی مرجانی است در۱۳۱۰-

این روضه درنسخه‌ها یکسان نیست و کم وبیش دارد چنانکه آغازآن درچاپی

ودونسخهٔ ما (۵۰۳/٤ و ٤/٦٩٤) وسه نسخهٔ طوس (ش۵٤۸–۵۵۰ ج ۵) یکی است ولی انجام آن دو نسخه ۵۰۳/٤ ما برابر است با س ۱۱ ص ۱٦۲ چاپی و باندازه نیم صفحه کم دارد. و در نسخهٔ ٤/٦۹۲ ما و ش ۵٤۸ طوس برابر با س ۱٤ ص ۱٦۱ چاپی است و همین عبارت در پایان مناقب شاذان قمی(۲) هم دیده میشود (ش۰٦٤۰ چاپی ج ۵طوس ودو چاپ ایران ونجف) و چندخبر درپایان این دو کتاب یکی است (چاپ نجف وایران) ودر ش۵٤۹ طوس عبارتی است که روضهٔ چاپی بدان پایان میگیرد. انجام ش ۵۵۰ طوس را نتوانستم در نسخهٔ چاپی بیابم که کجا است.

آغاز: بسمله. القربی هم صلی الله علیهم مع الکتاب والکتاب معهم لایفارقوه حتی یردوا الحوض علی جدهم .. جعلنی الله وایاکم ممن تولاهم ... صلی الله علیه وعلی اجداده الطاهرین ... فانی قد جمعت فی کتابی هذا الذی سمیته «الروضة» یشتمل علی فضائل امیرالمؤمنین ... مانقلته عن الثقات واتفقت علیه الرواة.

انجام: ویحذر کم الله نفسه وقوله یمین الله بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء

[۱٤٤۵]

این نسخه ش ٤ دفتر ست وبشیخ وعنوانها زیر خط از محمد باقر بن سلطانعلی گرازی در ۱۲۸۲ که آنرا از شاذان بن جبرئیل قمی پنداشته است. گ ۵٦ ب ۱۹۱ ب (بنگرید به ٦۹۲/۱).

[۱۲۳۵] روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین (عربی)

مولانا محمد تقی بن مقصود علی مجلسی یکم سپاهانی (۱۰۰۳– جامع عتیق سپاهان ۱۰۷۰) فقیه محدث پارسای صوفی وآشنای برجال وتفسیر شاگرد مولی عبدالله شوشتری وشیخ بهائی وامیر اسحق استرابادی طی الارض واستاد آقا حسین خوانساری و پسر او آقا جمال و مولی محمد باقر سبزواری و میرزای شیروانی وشیخ جعفر قاضی بوده است(۱).

۱– بنگرید به: مقابس ص ۲۲ – روضات ص ۱۳۰ – فیض قدسی ص ۲۰ – دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس از این

این روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین را او بتازی وپیش از لوامع صاحبقرانی فارسی (۱) از ۱۰٦۲ تا ۱۰٦٤ نگاشته و کتاب من لایحضره الفقیه ابن بابویه قمی را در آن گزارش نمود.

این کتاب در چهار مجلد وشرح مشیخه یا اسانید من لایحضر جلدی جدا است (ش۵۰۸) جلد دوم آن که درز کوة است تا حج بسال ۱۰٦۲ (سپهسالار ۱: ۲۵٦) بنگارش درآمده و گزارش مشیخه در ۱۰٦۳ نوشته شده و در ۱۰٦٤ پاکنویس گردیده (ش۱۲۰ و۱۲۱ و۱۲۲ ج ۱ ص۳۹ و ٤۰ طوس نیز ش۵۵۱ همانجا ۵: ۹۸).

اجازه‌ای که او بپسر خود مجلسی دوم داده در قصص العلماء تنکابنی (ص ۱۵۵ – ۱٦۵) با غلط بچاپ رسیده است و تاریخ آن جمادی یکم سال ۱۰٦۸

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

هدیة الاحباب ص۲۳۲ – کنی والقاب ۳: ۱۲٤ – فوائد رضویه ۲: ٤۳۹ – سفینة البحار سرگذشت دو مجلسی ۱: ۱٦۹–۱۷٤ – ریحانة الادب ۳: ٤٦۰ – فهرست سپهسالار ۱: ۲۵٤–۲۵۷ – امل الآمل ص٤۹۸ – لؤلؤتی البحرین – نخبة المقال ص۹٦ – المستطرفات فی الالقاب والکنی والنسب ص ۲۲٦ – الروضة البهیة – قصص العلماء ص۱۵۵ و۱٦۷ – درجامع الرواة اردبیلی هم سرگذشت دومجلسی هست – فهرست آقای منزوی ۲: ٦۰۵

۱– لوامع صاحبقرانی ترجمهٔ لفظی روان و گزارش فقهی من لایحضر میباشد و با یک دیباچه در ۱۲ فائده که بفرمان عباس دوم پس از گزارش تازی (همین روضة المتقین) بنگارش درآمده وتا پایان مزار کتاب حج که بچاپ هم رسیده درشوال ۱۰٦٦ نوشته شده است (طوس۵: ۱٦۱ ش٦۹٤) این کتاب تامزارحج که مجلد پنجم است بنستعلیق (متن بنسخ) محمد علی بن ملامحمد اسمعیل سپاهانی درچاپخانهٔ آقا سید مرتضی بدستیاری آقا میرزا حسن در دو جلد رحلی (۱ در ٤۸۷ ص درجمادی دوم ۱۳۲۲ و ۲ در ٤۰۹ ص درصفر ۱۳۲٤) بکوشش حاج شیخ محمد حسین خوانساری تاجر کتابفروش که عکس تاریخ ۱۳۳۱ او درپایان ج ۲ دیده میشود و نامش هم در آغاز و پایان ج ۱ با همین تاریخ هست بچاپ سنگی رسیده است دربالای دوصفحه نخستین ج ۱ گفتاری از همین مجلسی است که درمیانهٔ همین شرح نوشته بود وبه «منه» انجام میگیرد ودر آن دارد که من پنج تن وامام سجاد را درخواب دیده‌ام وپس از آن بیماری که دچار بودم رهیدم و روضة المتقین را نوشتم و این شرح را آغاز کردم نیز شرح صحیفهٔ کامله و تفسیر مجمع البحرین را تا یکسال پس از این خواب.

میباشد (ذریعه ۱ : ۱۶۲) استادان روایت او در این اجازه نامبرده شده است مانند بهائی و قاضی معزالدین محمد و شیخ یونس جزائری و قاضی ابی السرور و شیخ عبدالله بن جابر عاملی و شیخ ابوالبرکات واعظ و شرف الدین علی شولستانی و میرزا محمد استرابادی و شیخ جابر بن عباس نجفی و نیز از نیای خود ابونعیم سپاهانی وازسند روایت من لایحضر یاد کرد.

در عباسنامهٔ میرزا محمد طاهر وحید قزوینی (۱۰۱۵–۱۱۱۰) آمده که شاه عباس دوم بدانشمندان شیعی ارج بسیاری گذارد و مولانا محمد محسن کاشانی را بسی گرامی بداشت (ص ۲۵۵) و در قم پشت سر او نماز خواند (ص ۱۸۶) و باو فرمود که پیشنمازی کند و بمولانا خلیل الله بن الغازی قزوینی (۱۰۰۱–۱۰۸۹) در قزوین دستور داد که کافی را گزارش فارسی بنویسد و بمولانا محمد تقی مجلسی دستور داد که من لایحضره الفقیه را گزارش بنویسد (ص ۱۸۴) این دستورها را او میان ۱۰۶۴ و ۱۰۶۵ داده است (ص ۱۷۷ و ۱۹۳) (۱).

آغاز : بسمله . الحمدلله المتعالی بعز جلاله عن ادراك العالمین المنزه بوجوب ذاته وقدس صفاته عن اوصاف الواصفین المقدس باحکام افعاله واتقان . عن ان تصل الیها افکار الناظرین (کنتوری ص ۲۹۷ – سپهسالار ۱ : ۲۵۵)

[۱۴۴۶]

۵۰۷ این نسخه مجلد ۱۲ و باب النوادر است و بخط نستعلیق با نشانه‌های شنگرف بگواهی خط ملارفیعای قزوینی م ۱۰۸۹ نگارندهٔ ابواب الجنان که در پایان هست این نسخه نزدیك بروزگار مجلسی یکم نوشته شده است . در گ ۱ الف دارد : «مجلد دوازدهم ازجمله شروح من لایحضره الفقیه» .

دارندهٔ نسخه حاجی علینقی در گ ۱ الف مینویسد که نسخه‌های این شرح را که از طهارة تا حجة الاسلام را مجلسی بفارسی گزارش و ترجمه کرد و از تجارة تا پایان را بتازی بروش فارسی گزارش نموده است در سپاهان و قزوین و گیلان بدست آوردم و در ۱۲ مجلد است و من باب نوادر را که حدیثهای شگرف دارد جدا کردم تا بآسانی بخوانند .

۱ـ عباسنامه سرگذشت ۲۱ سالهٔ شاه عباس دوم است از ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۳ ـ چاپ کتابفروشی داودی اراك در ۱۳۲۹ .

چنین است نسخه :

آغاز : بسمله . باب النوادر وهو آخر ابواب الکتاب وهو کالختام بالمسك وذکر فیه محاسن الاخلاق وکان داب المحدثین افتتاح کتبهم بها کما فعله ثقة الاسلام وغیره .

انجام : ذکر ذلك مفصلا الفاضل السید الشوشتری القاضی نور الله فی کتاب مجالس المؤمنین وفی کتابه الرد علی میرزا مخدوم الشیرازی فانه کتاب حسن وفی الحقیقة شرح علی کشف الحق ونهج الصدق للعلامه .. ولما کان هذا الکتاب فی الفقه والفروع لایحتاج فیه الی ذکر هذه الاخبار ولکن ذکره المصنف تیمنا وتبرکا والحمدلله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین وعترته الطاهرین (قدفرغ من تألیف هذا الکتاب مؤلفه افضل الفضلاء ومحیی آثار الانبیاء مولانا محمد التقی ابن علی الملقب بالمجلسی سقی الله ثراه وجعل الجنة مثواه بجاه محمد وآله الطاهرین) .

همان ملارفیعا بخط شکسته نستعلیق خود در پایان مینویسد :

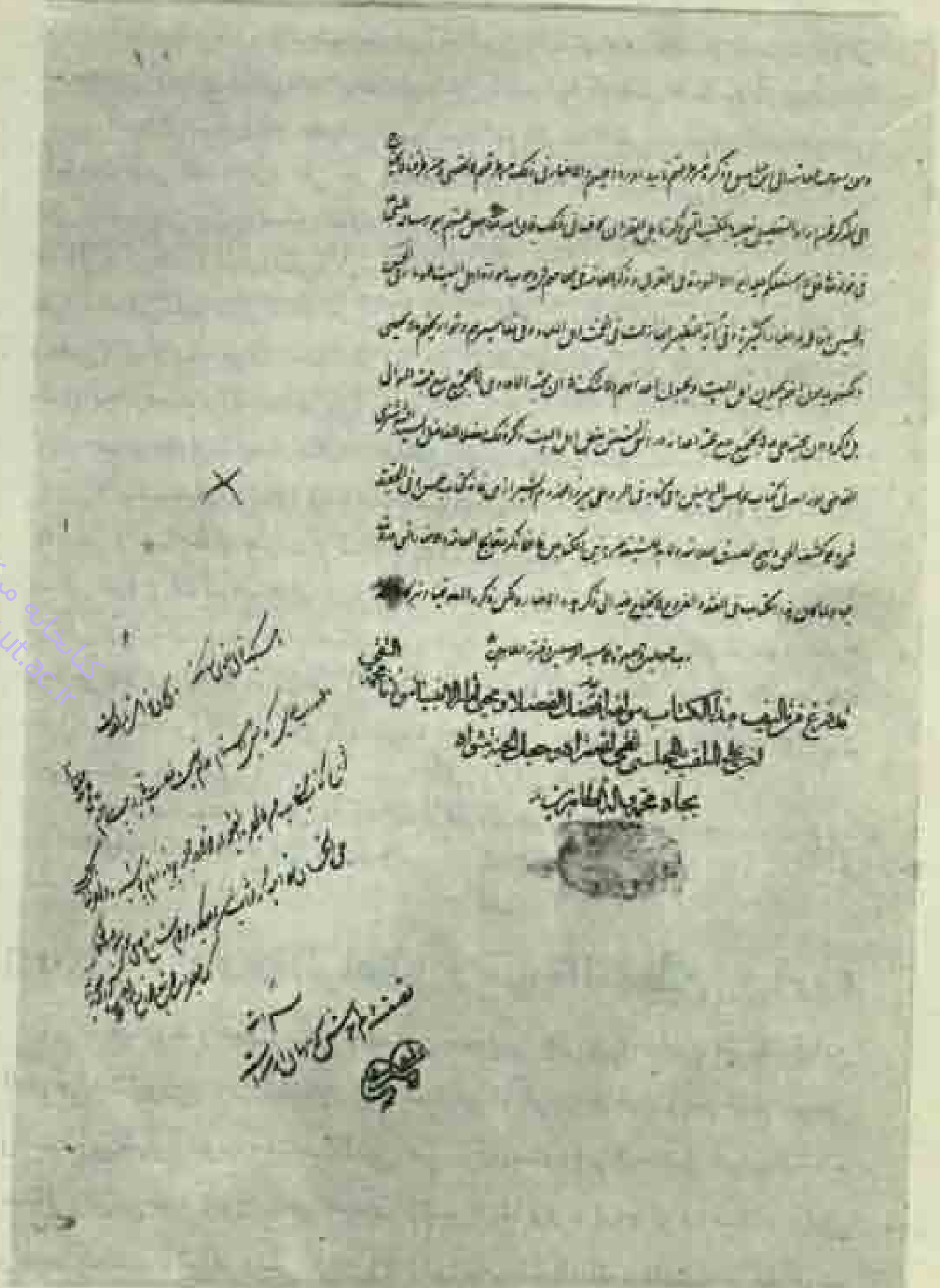
« وحسبك قول الناس فیما ملکته بان کان هذا مرة افلان . الحمدلله رب العالمین که بسعی واهتمام خدام فضیلت و کمالات پناه زایر بیت الله الحرام حاجی علینقی حفظه الله تعالی شروح کتاب مستطاب من لایحضره الفقیه در دوازده مجلد بیرایهٔ اتمام پوشیده در نظر ارباب کمال جلوهٔ استحسان نمود امید که ثواب آن بروزگار مرحوم شارح و حاجی معزی الیه عاید گردد . کتبه الفقیر ابن محمد شفیع محمد رفیع الواعظ عفی عنه ولوالدیه بمحمد و آله» نیز در پایان دارد : «هو بسمله . نصف دلم خوش است که جهان ازمن است ـ علی النقی » با همان خط ۱ الف (۱۴۰ الف) .

۱۴۰ الف ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی

اندازه : ۱۹ × ۲۹ و ۱۰ × ۲۱ س ۱۹

[۱۲۳۶] روضة الواعظین وبصیرة المتعظین (عربی)

شیخ شهید واعظ ابوعلی محمد بن حسن بن علی بن احمد بن علی فتال ابن الفارسی نیشابوری از دانشمندان بزرگ شیعی شاگرد پدر خود و پسر شیخ طوسی و استاد ابن شهر آشوب و منتجب الدین قمی بوده است و ابوالمحاسن شهاب الاسلام عبدالرزاق بن فقیه ابوالقاسم عبدالله رئیس نیشابور م ۵۱۵ او را بگناه رفض و تشیع بکشت . این مردستنی برادرزادهٔ خواجه نظام الملك و دانشمندی فقیه بوده و سنجر (۵۱۱–۵۱۵) او را از کنج مدرسه بمسند وزارت برد و در سالیکه سنجر



گ ۱٤۰ الف روضهٔ مجلسی ش۵۰۷

در برابر برادرزادهٔ خود سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه بسوی عراق لشکر کشید بدنام شده در گذشت (دستور الوزراء خواندمیر ص ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹٦ و ۱۹۷).

گویا ابو المحاسن فتال را در میان سالهای ۵۱۱ و ۵۱۵ که بوزارت رسیده است کشته باشد و چون او مرتضی م ٤۳٦ را دیده است پس نزدیك به ۸۰ ـ ۹۰ زاده و نزدیك به ۹۵ سال بزیست.

این دانشمند شیعی از سخنرانان شیوا بود و نوشتهٔ خوانساری چون مانند بلبل سخن میراند اورا فتال (گرفتهٔ از قتل، بلبل) خوانده‌اند (۱).

ابن شهرآشوب در معالم العلماء دربارهٔ او میگوید: «محمد بن الحسن الفتال الفارسی النیسابوری، له التنویر فی معانی التفسیر، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین» (ش ۷٤۵)

در مناقب او دارد: «و اما اسانید کتب اصحابنا فاکثرها عن الشیخ ابی جعفر الطوسی ره ... و حدثنا ایضاً المنتهی بن ابی زید کیابکی الحسینی الجرجانی

۱ـ بنگرید به: روضات ٥٦٤ ـ مستدرك ۳: ٤۲۸ و ٤۹۲ ـ دیباچهٔ معالم العلما ص ۷ و ۹ ـ تاریخ بیهق ص ۷۵ ـ فهرست طوس ۱: ٤۰ ش ۱۲٤ و ۵: ۲۷۲ ـ ذریعه ٤: ٤۹٦ و ٤٦۹ ـ کشوری ص ۲۹۸ ـ هدیة الاحباب ص ۲۰۸ ـ شهداء الفضیلة عبدالحسین امینی تبریزی ص ۳۷ ـ المستطرفات فی الالقاب والکنی والنسب ص ۲۱٦.

دربارهٔ نام فتال باید گفت که پیش و پس از ابن الفارسی هم برخی از دانشمندان بدین نام خوانده شده‌اند چنانکه در ترجمهٔ تاریخ حاکم (گ ۷۱ الف) دارد: شیخ محمد فتال تربت او در قبلهٔ مقبرهٔ حیره است رحمه الله » و دانشمند دیگری هم بوده بنام: شیخ شرف الدین حسن بن عبدالکریم فتال غروی فقیه شیعی و خادم روضه مرتضوی که دوانی (۸۲۸ـ۹۰۸) حاشیه زورا را در آستان مرتضوی بدستور او نوشت و در همین نجف بود که با او آشنائی پیدا کرد و بدرخواست او حکمت اشراق درس میگفت (مجالس المؤمنین سرگذشت دوانی) این فتال چنانکه در ص ٤۵۸ همین فهرست نوشته شده نسخهٔ ش ۱۰٤۷ شرح حکمت اشراق را نگریسته و در بامداد روز سه شنبه دوم ربیع یکم سال ۸۷۰ از خواندنش بیاسود.

ومحمدبن الحسن القتال النيسابوري وجدي شهرآشوب عنه ايضاً سماعاً وقرائة و مناولة واجازة باكثر كتبه ورواياته وامااسانيد كتب الشريفين المرتضى والرضى و رواياتهما ... بحق روايتي عن السيد المنتهى عن ابيه ابى زيد وعن محمدبن على القتال الفارسي عن ابيه الحسن كليهما عن المرتضى وقدسمع المنتهى والقتال بقرائة ابويهما عليه ايضا... وحدثني القتال بالتنوير في معاني التفسير وبكتاب روضة الواعظين وتبصرة المتعظين » (روضات ص ٥-٥٦٤ - ص ١٩٤ النقض ازمناقب ص ٩ چاپ يكم).

درفهرست منتجب الدين قمى آمده : « الشيخ محمدبن على القتال النيسابوري صاحب التفسير ثقة واى ثقة اخبرنا جماعة من الثقات عنه بتفسيره » و « الشيخ الشهيد محمدبن احمد الفارسي مصنف كتاب روضة الواعظين » (ص ١١ و ١٣ اجازات بحار).

درالنقض رازى ص ١٩٣ دارد : « محمد القتال النيسابوري كه تصنيف مفيد ساخته » واورادرشمارمفسران شيعى مانند شيخ طوسى ومحمدبن مؤمن شيرازى و طبرسى و ابوالفتوح رازى و ابوعبدالله محمدبن الحسين المحتسب نگارندهٔ « رامش افزاى » وقطب الدين كاشى راوندى آورده است.

حلى در اجازه اى كه بفرزندان زهره داده است مينويسد : « ومن ذلك كتاب روضة الواعظين و تبصرة المتعظين الفقيه ابى على محمدبن على بن احمد الفارسي و كتبه عنى عن والدى عن مهذب الدين (الحسين) بن برده عن محمدبن الحسين بن على بن محمدبن ابى الحسين على بن عبدالصمد التميمى عن والده عن جده من قبل امه الامام على عن المصنف » (اجازات بحار ص ٢٣ و ٩٠).

ابن داود در رجال خود (ش ٣/١٠٤٤ گ ٧١ ب) مينويسد : « محمد بن احمد بن على القتال النيشابورى المعروف بابن الفارسي ابوعلى ، لم ، جخ ، متكلم جليل القدر فقيه عالم زاهد ورع قتله ابوالمحاسن عبدالرزاق رئيس نيشابور الملقب بشهاب الاسلام لعنه الله » - ازاين رمز (جخ) مينمايد كه دررجال شيخ قتال نامبرده شده است ولى در نسخه هاى رجال (نيز مجمع الرجال قهپائى) ديده

نشد و بسيارى از دانشمندان (۱) اين را سهوى از ابن داود ميدانند گرچه قتال بايد شيخ را ديده باشد چه اينكه در كودكى ياجوانى مرتضى را دريافته است.

درامل الآمل مانند فهرست قمى دوبار از او ياد شده است بدينگونه :

« الشيخ الشهيد محمدبن احمد الفارسي القتال ثقة جليل له كتاب روضة الواعظين » و « محمدبن الحسن القتال الفارسي النيسابوري له التنوير في معاني التفسير وروضة الواعظين و بصيرة المتعظين. قاله ابن شهراشوب. وتقدم ابن احمد القتال الفارسي فتامل » (ص ٤٩٦ و ٥٠٠)

درخاتمهٔ تفصيل وسائل الشيعه سه بار (فائده ٤ و ٥ و ١٢ ج ٣ ص ٥٢٢ و ٥٢٤ و ٥٥٥) ازاو بدينگونه ياد گرديده : « كتاب روضة الواعظين للشيخ محمدبن احمدبن على القتال الفارسي » و « وتروى كتاب روضة الواعظين لمحمدبن على القتال الفارسي بالسند السابق عن الشيخ منتجب الدين عن جماعة من الثقات عن محمدبن على القتال الفارسي » و « محمدبن احمدبن على القتال النيسابوري المعروف بابن الفارسي ابوعلى متكلم جليل القدر فقيه زاهد ورع - قاله ابن داود نقلاعن الشيخ ووثقه منتجب الدين بن بابويه واثنى عليه ».

درمقابس الانوار و نفائس الاسرار شيخ اسدالله شوشترى دارد : « الشيخ الشهيد السعيد الفاضل السديد محمدبن الحسن بن على القتال الفارسي النيسابوري صاحب روضة الواعظين المعروفة و كتاب التنوير فى معاني التفسير وقدروى عنه كماصرح به السروى الذى روى عنه بلاواسطة فى المناقب » (ص ٥ و ٦).

ازسخنان اين دانشمندان روبهم برميآيد كه قتال يكى بيش نيست وهمانست كه روضة وتنوير هردورا نوشت گرچه قمى دردوجا ازاوياد كرده است. نگارندهٔ ذريعه ومامقانى ميخواهند قتال مفسرى بجز نگارندهٔ آندو كتاب بندارند با اينكه

۱- مانند ميرزا محمد استرابادى درمنهج المقال (ص ٢٨٠) و ابى على محمدبن اسمعيل حائرى درمنتهى المقال فى احوال الرجال و ميرمصطفى تفرشى درنقدالرجال (ص ٢٨٩) نگارش ١٠١٥ و بهبهانى درتعليقة برمنهج المقال ص ٢٨٠ كه چنين گفته اند. دررجال مامقانى (٢ : ٧٣) هم همان گفته هاى پيش آمده است.

از سخنان ابن‌شهرآشوب جز این برمیآید. نوری و خوانساری یک دانشمند بیشتر نپنداشتند.

مجلسی در بحار (۱ : ۵ و ۱۲) از این روضة‌الواعظین یاد کرده و گفت از فتال است و بخطا آنرا از مفید پنداشتند چنانکه قمی و ساروی و حلی هم گفته‌اند. از نوشتهٔ قمی گویا برمیآید که دو تن هستند ولی از سخن ساروی برمیآید که همان فتال شهید، نگارندهٔ تفسیر و روضه هر دو است. آنچه در رجال ابن‌داود آمده که در رجال شیخ از او یاد شده درست نیست چه او پس از شیخ میزیسته‌است. این روضهٔ او در میان شیعیان شهرت داشته است. در وجیزهٔ مجلسی (ص ۱۶۲) دارد: محمد بن احمد بن علی الفتال النیسابوری (ح) - مؤلف روضة‌الواعظین - منه ره (حاشیه).

باری فتال در «مجلس فی العجائب التی تدل علی عظمة‌الله» در بیان معانی حجب (۲۳ ب) ودر «مجلس فی ذکر وفات النبی» (۳۲ ب و ۳۳ الف) از خود چنین یاد نمود: «قال ابن الفارسی» او در این کتاب از مسئله‌های کلامی (خدا و پیامبر و پیشوا) و اخلاقی و دینی (عبادات و ادعیه) و از سرگذشت پاکان (چهارده معصوم) و از سنن کاوش نمود. ما در بحار مجلسی از ترتیب همین کتاب پیروی شده‌است. نخست آیتهای قرآن سپس اخبار در هر مسئله‌ای آمده و گاهی اشعارهم در آن دیده میشود.

در دیباچه دارد که در جوانی از من دربارهٔ اصول و فروع دین پرسشها کردند و من هم پاسخ داده‌ام. از من خواستند که دربارسائی و نیکرفتاری و اندرز و پند سخن برانم. من بکتابهای یاران نگریستم و دیدم که چنین کتابی ننوشتند مگر چیزهائی پراکنده که از آنان دیده میشود. پس خواستم از قرآن و اخبار پیامبران و امامان گرد آورم و در بابها و مجلسهای مرتب بگذارم و از آن کتابی بسازم که مانند نوشته‌های گذشتگان پراکنده نباشد. پس رنجها بردم و این کتاب پرداختم و نخستین بار است که چنین کتابی می‌نگارم و کسی پیش از من چنین

نکرده است. در آغاز هر مجلسی سخنان خدا و پیامبر را میآورم و اسناد را یاد نمیکنم چه اگر آن خبرها شایع باشند یاد کردن سند بیهوده است. اگر هم خبری حشوی و اختلاطی در آن دیدماید بآن بنگرید و بیاندیشید تا شاید مانند قرآن متشابه باشد چه سخنان پیامبر و پیشوایان از آن برتر نخواهد بود پس آنها را تأویل کنید و از دانایان بپرسید تا مبادا مانند حشویان و نادانان بگوئید که میان سخن خدا و پیامبر و پیشوایان ناسازگاری هست.

پیداست که فتال در اینجا با مالی و عرض‌المجالس قمی و طوسی و مرتضی که مطلبهائی پراکنده از هر گونه در آنها آمده می‌نگرد و میخواهد نخستین بار با ترتیب، کتاب دارای آیات و اخبار بنویسد.

فتال در پایان میگوید که خبرهای بسیاری هست که آشکار آنها حشو و دروغ است و باید در آنها نگریست و آنها را روی اصول و عقل تأویل نمود و من چنین خبرها را نیاورده‌ام مگر اینکه آنها را از پیش شناخته باشی و معنای آنها را هم یاد نکرده‌ام تا کتاب بدرازا نیانجامد. پس مپندارید که من حشوی و مخلط هستم بلکه من مردی محقق میباشم.

این روضة‌الواعظین در دو جزء و ٤۱٦ ص وزیری بخط نسخ در ۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید.

آغاز - بسمله. الحمدلله استتماماً لنعمته و استسلاماً لربوبیته و استعصاماً من معصیته . . . امابعد فانی کنت فی عنفوان شبابی قداتفقت لی مجالس وعرضت لی محافل والناس سالونی عن اصول الدیانات وابانة الفروع عنها فی المقامات فاجبتهم بجواب یکفیهم ومقال یشفیهم ... فهممت ان اجمع کتاباً یشتمل علی بعض کلام‌الله تعالی و یدور علی محاسن اخبار النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله و یحتوی علی جواهر کلام الائمة ع و ابوب ابواباً ومجالس واضع کل جنس منها موضعه فانه لم یسبق احد من اصحابنا الی تألیف مثل هذا الکتاب . . . وقعت تسمیته بروضة‌الواعظین وبصیرة‌المتعظین.

انجام : اقطع کلامنا اذا انتهینا الی هذا الموضع .. فینبغی ان لا یعتقدا حدانی کنت حشویاً و مخلطاً فانی رجل محقق و الحمد لله رب العالمین .

[۱٤٤۷]

۶۲۴ این نسخه بنسخ خوش با عنوانهای درشت‌تر و شنگرف و با حاشیه‌های نستعلیق تازه‌تر میباشد . در جدول زرین و لاجورد است و فهرست مجلسها در گ ۱ الف بنستعلیق دیگر و تازه‌تر است . و در پنج شنبه ۱۷ جمادی یکم سال ۱۱۲۰ نوشتن کتاب بانجام رسید . حاشیه‌ای از طوسی از مجمع در گ ۱۸٤ ب بخط نستعلیق شکسته هست جاهای دیگر هم حاشیه‌هائی هست .

(۱۸۵ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد زرکوب گل‌آن سرخ

۱۰ اندازه : ۱۲/۵ × ۲۵ و ۸ × ۱۹/۵ س ۲۰

[۱۲۳۷] السبعیات فی مواعظ البریات (عربی)

در این دفتر که در نسخهٔ ما از «محمد همدانی» دانسته شده گرامی بودن شمارهٔ هفت از روی اخبار و داستانهای پیامبران و پاکان روشن گردید همچنانکه در آیین اسماعیلیان هم این شماره بسیار گرامی است ایندفتر پس از دیباچه دارای هفت

۱۵ مجلس است بنام یکی از روزهای هفته از شنبه تا آدینه و هریکی دارای یك سر آغازی است کوتاه که در آن آیه و خبری دربارهٔ آن روز آمده و پس از آن بساط آن مجلس است .

در بساط مجلس یکم از آفریفتن هفت کس هفت کس دیگر را در شنبه یاد شد در بساط مجلس دوم آفریده شدن هفت چیز که هریکی هم هفت هستند در یکشنبه

۲۰ و در بساط سومی هفت گونه برتری دوشنبه و در چهارمی کشته شدن هفت کس در سه شنبه و در پنجمی کشته‌شدن هفت بدکیش بهفت چیز و در ششمی رفتن هفت پیامبر نزد هفت کس و در بساط مجلس هفتم داستان هفت زناشوئی یاد گردید .

آغاز : بسمله الحمد لله الملك الجبار العزیز الغفار المهیمن الستار .. قال الشیخ الامام الاجل ابو نصر محمد بن عبد الرحمن الهمدانی رض اعلم ان الخالق الباری ...

۲۵ زین الاشیاء السبعة ثم زین تلك السبعة بسبعة اخری لیعلم العالمون ان للعدد السبع

عند مالك الضر و النفع حظا عظیما و محلا جسیما .. فلما تأملت فی هذه الکلمات احببت ان اجمع کتاباً علی سبعة مجالس فی هذه الایام السبعة مرتباً علی اعداد السبع لیکون تبصرة للملتمسین و سمیته « کتاب السبعیات فی مواعظ البریات » (ص ۵) .

انجام : و قال النبی ... یارب ما حظ امتی فقال یا محمد حظ امتك یوم الجمعة

۵ و الجنة لی فاعطیت الجنة و الجمعة لامتك و رضائی مع الجنة هدیة لهم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و اصحابه و سلم تسلیما کثیراً کثیرا .

[۱٤٤۸]

۹۰۶ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و در ۱۷ شوال ۱۳۱۷ نوشتن آن بپایان رسید . چندجا در کنار صفحه‌ها و میان سطرها

۱۰ حاشیه دارد .

(۲۵۵ ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا

اندازه : ۱۱ × ۱۸ ــ ۷ × ۱۱ س ۹

[۱۲۳۸] سلوة الحزین (عربی)

این کتاب از قطب الدین ابی الحسین سعید بن هبة الله راوندی (۵۷۳ ●)

۱۵ میباشد . در نسخهٔ ما روایتهای آن مرسل است تنها در یکجا دارد : « حدثنی ابو جعفر النیسابوری » (۹۳ ب) همانکه در قصص الانبیاء از او روایت نموده است . در مستدرك (۳ : ٤۹۱ و ٤۹۵) این دانشمند از استادان همین راوندی و همشهری او ابی الرضا فضل الله بن علی راوندی زندهٔ در ۵٤۸ بشمار آمده و بدین نام « قطب الدین ابو جعفر محمد بن علی بن حسن مقری نیشابوری » خوانده شده است .

۲۰ این نیشابوری شاگرد پسر شیخ طوسی و حسن بن یعقوب بن احمد نیشابوری شاگرد حاکم ابی القسم عبدالله بن عبدالله حسکانی میباشد و راوی « الندبة » زین العابدین و نگارندهٔ المجالس و التعلیق و الحدود و الموجز فی النحو و الهدایة فی الهدایة (اجازهٔ حلی بفرزندان زهره در بحار ۲۵ : ۲۶ و معالم ش ۹۲٤ و فهرست قمی ص ۱۱) .

ابن شهر آشوب (ش۳۵۹) وقمی (اجازات بحارص۷) ازاین کتاب یاد نکردند ولی نگارنده روضات (ص ۳۰۰) درسر گذشت راوندی از « الدعوات » که آنرا « سلوة الحزین » نامیده است یاد نمود (نیز ذریعه ۸ : ۲۰۱) . مجلسی میگوید (بحار ۱ : ۱۳) که نسخه کهنه‌ای از « کتاب الدعاء » (کتاب الدعوات چنانکه نوری از بحار آورد) یافته‌ایم ودر آن دعاهای کوتاه فرخنده‌ای است که از اصلهای ارزنده‌ای گرفته شده است گذشته ازاینکه کار سند دعاهارا دشوار نباید گرفت. نوری درمستدرك (۳ : ۳۲۳) میگوید که در آن کتاب الدعوات که قطب راوندی سلوة الحزین نامیده است تنها دعاها نیست بلکه چیزهائی دارد درباره خوشی وناخوشی وآداب احتضار وآنچه مربوط بپس ازمرگ است و فائده‌های بسیار ونادره‌های گرانبها ومن پیشها می‌پنداشتم که آن از سید فضل‌الله راوندی است ودردارالسلام ونجم ثاقب وجز آن بدو نسبت داده‌ام وپس از اینها دریافتم که از قطب راوندی میباشد گرچه هردو دانشمند از بزرگان ما و استادان روزگار خویش میباشند چنانکه مجلسی اینگونه اشتباه کرده (بحار جلد یکم فصل ۱ ص ۷) ونگارندهٔ ریاض بدین اشتباه برخورد ورفعش نمود و من چون بمجلسی خوش گمان بوده‌ام و بمأخذ ننگریستم این اشتباه مرا دست داد . نوری « درالصحیفة الرابعة السجادیة » نگارش ۱۲۹۹ ازین کتاب آورده است (ص ۱۷ و ۱۴۰ چاپ سنگی ۱۳۱۲ تهران) .

[۱۴۴۹]

۵۰۲ این نسخه شماره ۱ دفتراست وبخط نسخ وروی عنوانهای بابها وفصلها وحدیثها خط کشیده شده است گ ۱ الف – ۱۲۹ ب (بنگرید به ۵۰۲/۸) .

فهرست بابها وفصلهائیکه درنسخه ما هست چنین است .

الفصل الثانی فی کیفیة الدعاء وآدابه واوقات استجابته (۲ ب) .

فصل فی الح الدعا واوجزه (۱۱ ب) .

فصل فی ذکر استجابة دعاء الصادقین ع وبرکتهم ودعائهم وصلاتهم عنداستجابة الدعاء (۲۱ الف) .

الباب الثانی فی ذکر الصحة وحفظها ومایتعلق بها – فصل فی خصال یستغنی بها عن الطب (۲٦ الف) .

فصل فی صحة البدن والعافیة بالصلوة والدعاء والذکر لله سبحانه فی السفر والحضر (۲۹ الف) – تسابیح النبی والائمة (۳۳ الف)- صلوات الاسبوع (۳٦ الف) – عوذة الاسبوع (۳۸ الف) – مایعمل اول کل شهر (٤۳ الف) .

فصل فی فنون شتی من حالات العافیة والشکر علیها (٤۷ الف) .

الباب الثالث فی ذکر المرض ومنافع العاجلة والآجلة ومایجری مجراها .

فصل فی صلوة المریض وصلاحه و ادبه ودعائه عندالمرض (۷۰ ب) .

فصل فی التداوی بتربة . . . الحسین . . . والدعاء والصدقة والحث علی ذلك (۷۹ ب) .

فصل فی ذکر ادعیة مفردة لاوجاع معینة (۸۷ ب) .

فصل فیما یجب ان یکون المریض علیه ومایستحب له (۹۷ الف) .

فصل فی عیادة المریض ووصیته واحواله (۱۰۱ الف) .

الباب الرابع فی احوال الموت و اهواله . فی ذکر الموت و فرحته و ترحته (۱۰۸ الف) .

فصل فی تلقین المحتضر عندالموت وغسله وتشییعه (۱۱۲ الف) .

فصل فی دفن المیت وتلقینه وزیارته وذکر القبر واحواله (۱۲۰ ب) .

چنین است نسخهٔ ما :

آغاز : دعوات الراوندی – علیهما و آلهما ان الدعاء یرد القضاء المبرم بعد ما ابرم ابراماً فاکثر و امنا الدعاء فانه مفتاح کل رحمة و نجاح کل حاجة . . وقال علیه السلام ان الله تبارك وتعالی لیعلم مایرید العبد اذادعاه ولکن یحب ان یبث الیه الحوائج .

انجام : وروی ان المحتضر یحضره صف من الملئکة عن یمینه علیهم لباس خضر وصف عن یساره علیهم لباس سود . . . فیبعث الله الی ذلك المؤمن ملکاً من بطنان السماء یبشره .

[۱۲۳۹-۱۲٤۰] شافی (عربی)

برهان العلماء مولی ابوالمظفر خلیل بن غازی رازی قزوینی (۱۰۰۱-۱۰۸۹)

از سرامدان دانشمندان بنام روزگار صفوی و از دشمنان روش اجتهاد است.
ازشیخ بهائی ومیردامادبیاموخت وباخلیفه سلطان نزدبهائی ومولی حاج محمود زمانی ومولی حاج حسین یزدی همشاگرد بوده‌است. درپادشاهان صفوی اورا بسیار گرامی میداشته‌است وپیش ازسی سالگی مدرس وسرپرست آستان عبدالعظیم دوری شده بود سپس بر کنار گشت وبمکه رفت و چندی درآنجا بماند آنگاه باز گشت ودرقزوین بماند وبنگارش کتابها پرداخت.

او این کتاب را که گزارشی است بر کافی کلینی بدستور سلطان العلما خلیفه سلطان حسین بن میرزا رفیع الدین محمد حسینی آملی سپاهانی (۱۰۰۰-۱۰٦٤) وزیر شاه عباس و شاه صفی و شاه عباس دوم (۱) درمکه بسال ۱۰۵۷ آغاز ودرپایان ذی حجهٔ همین سال درهمانشهر جزء یکم (عقل - توحید) آنرا بانجام رسانده. این گزارش‌را او تا کتاب‌الحیض فروع کافی نوشته است (جامع‌الرواة ش ۹۸۰ گ ۳۱۹ ب) نسخه‌ای از آن (توحید - ایمان و کفر) درطوس هست (۱ : ۵۰ ش ۱٤۷و۱٤۸).

این دانشمند با اجتهاد خوشبین نبوده و همه خبرهای کافی را هم درست میدانست ومیگفت که باید آنرا پذیرفت و بکاربست چه اینکه امام زمان آنهارا پسندید ودرباره آنها گفت: «کاف لشیعتنا» وهرچه درکافی با عبارت «روی» آمده سخن خود امام زمان است. او نماز آدینه‌را واجب میدانست ودرهمین زمینه بامحمدطاهر قمی ستیزه‌ها کرده‌است. کشیدن تتن را ناروا می‌پنداشت وداستانی دراین زمینه با مجلسی دوم دارد. او عمل بفروع را دراین زمان از روی علم میدانست و جن را منکر بود (با سلطان‌العلما) ومعدوم را ثابت می پنداشت (روضات ص ۲٦٦ و ۳۳٦و۷۲۹) شکل نخستین را منتج نمیدانست وداستانی در این زمینه باآقاحسین خوانساری وملامیرزای شیروانی دارد که من در بازپسین

۱- بنگرید به: روضات ص۲٦۵و۱۹۳- مستدرك ٤۱۳- ریحانة‌الادب ۲ : ۲۹۳ و۲۱٤ - درسلافة‌العصر ص٤۹۹ دارد که سلطان‌العلما در ۱۰٦٦ درگذشت ودرباره ملاخلیل میگوید که ازمردم زمان ما است.

سخن بخش دوم همین فهرست ص ٦۲ آورده‌ام همچنین ترجیح بی‌مرجح را روا می پنداشت (قصص‌العلما ص ۱۹۱).

[۱٤۵۰]

۹۱۵ این نسخه بنسخ باعنوانها وبرخی نامها بشنگرف ومتن هم شنگرف یا زیر خط سرخ است و حاشیه‌های اوری بستعلیق میباشد. تصحیحات درهامش بستعلیق و باید ازخود قزوینی باشد وخط نسخ خود کتاب از نویسنده نسخهٔ ش۹۱٦ است. نسخه درصفر ۱۰٦۱ مقابله شده است ودربرگ۲۱۳ الف دارد: «قوبل الی هنا فی صفر سنة احد ستین والف» گرچه روی همین عبارت خط زده شده‌است. همین‌جا دارد «بلغ». این نسخه که روی خط خوردگیهای فراوان وافزوده‌ها باید اصل باشد از آغاز کافی است تا پایان کتاب‌العقل وچنین است کتابها.

آغاز: بسمله. وبه ثقتی. الحمدلله علی ماوفقنا للتمسك بالثقلین ولم یجعلنا من الذین سوا عترة نبیهم فی انکارهم فی الفروع او احدالاصولین ... فیقول ... خلیل بن الغازی القزوینی ... (امرنی بشرح الکافی مفخر العلما و اعظم السادات ... اعتماد الدولة العلیة العالیة الحسینیة الموسویة الصفویة خلیفه سلطان الحسینی الملقب بسلطان العلماء ادام الله تعالی اقباله و افضاله) فان الکتاب الکافی للشیخ ... الرازی الکلینی ... کتاب لم یصنف مثله ... واحتیاج الکافی الی الشرح الشافی حرك العزم فشرعت فی شرحه فی حرم الله تعالی فی جوار الکعبة البیت الحرام... فی سنة سبع وخمسین والف هجریة (عبارت میان دو کمانه درهامش نوشته است).

انجام: ویؤیدالاولین روایة البرقی فی المحاسن الی غیرها. تم کتاب العقل والحمدلله رب العالمین ویتلوه کتاب التوحید هذا (موافق لماذکرنا فی شرح الخطبة ولما فی فهرست الشیخ الطوسی ... فی بعض النسخ هنا هکذا: هذا آخر کتاب فضل العلم من کتاب الکافی لابی جعفر محمدبن یعقوب الکلینی رحمه‌الله تعالی وهذا) مما الحقه الکتاب اوالتلامذة - بلغ (قوبل الی هنا فی صفر سنة احد ستین والف) (روی دو عبارت میان دو کمانه خط خورده است).

(۳۲۱٤) - کاغذ سپاهانی - جلد مقوای سفید
اندازه: ۱۹ × ۲۵/۵ و ۱۳ × ۱۷ س ۱۷

[۱٤۵۱]

۹۱٦ این نسخه بهمانگونه خط ش ۹۱۵ با همانگونه حواشی و جعفربن غازی رازی درقزوین درشب دوشنبه ۲۳ شوال ۱۰۵۸ نوشتن آنرا بانجام رسانده.

باز درهمین شهر درمجالسی مقابله شده که آخرین آنها درتاریخ روز سه‌شنبه ۱۶ ربیع یکم ۱۰۵۹ بوده‌است . باز بارهٔ دوم درمجالسی مقابله شده که آخرین آنها روز چهارشنبه ۲۸ ذی‌قعده ۱۰۷۶ بوده‌است . این نسخه‌هم اصل است چه تصحیحات وافزوده‌ها درهامش بستعلیق هست و باید از خود قزوینی باشد وروی این حاشیه رقم‌ها و خط خوردگیها که دارد پیداست که اصل میباشد و مانند ش ۹۱۵ از زیردست قزوینی گذشته است . توحید کافی تا باب ۳۱ «الاستطاعة» دراین نسخه هست . وچهار باب آخر که درفهرست آغاز آمده در آن نیست . چنین است نسخه :

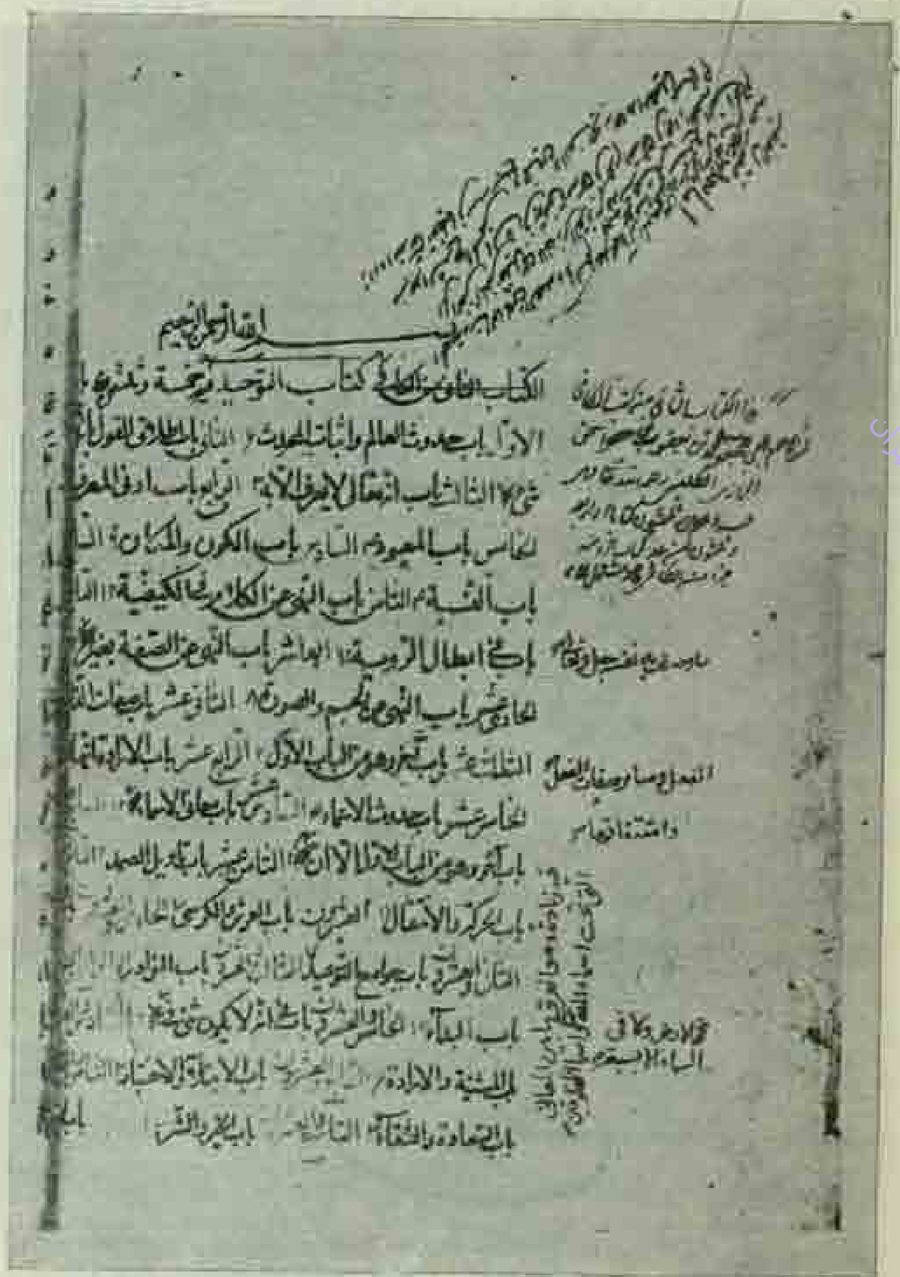
آغاز : «بسمله . (الکتاب الثانی من الکافی) الحمدلله رب العالمین . . . فیقول . . . خلیل بن الغازی القزوینی . . . قدشرعت فی شرح کتاب التوحید من جملة الشرح المسمی بالشافی ... فی جوار الکعبة ... فی سنة سبع وخمسین والف هجریة حامداً مصلیاً مسلماً . کتاب التوحید هذا الکتاب الثانی من کتب الکافی لثقة الاسلام ... الکلینی . . . وهی ثلثة وثلثون کتاباً اواربعه وثلثون ان عد کتاب الروضة جزء من الکافی وهومشتمل علی خمسة وثلثین باباً (روی عبارت میان دو کمانه خط خورده است) .

انجام : (الرابع ابوعلی الاشعری . . قلت لابی عبدالله... ندعو الناس الی هذا الامر)... (فادخله فی هذا الامر طائعا اوکارها) عبارة عن التوفیق (تم کتاب التوحید من الکتاب الکافی ویتلوه کتاب الحجة فی الجزو الثانی من الکتاب الکافی تألیف ... الکلینی رحمه‌الله تعالی) من تصرفات الناسخین . الحمدلله علی التوفیق لاتمام شرح الجزء الاول من الکافی ونسأله التوفیق لاتمام شرح کله حق الشرح وکان الفراغ منه علی یدمؤلفه فی سلخ ذی الحجة سنة سبع و خمسین والف هجریة فی مکة شرفها الله تعالی و صلی الله علی محمد وآله وصحبه الاخیار ـ وقت الاتمام ... بعید صلوة العشاء الاخرة لیلة الاثنین الثالث والعشرین من شهر شوال سنة ثمان وخمسین بعد الالف وانا اقل العباد جعفر بن الغازی الرازی ... بدار السلطنة قزوین صانها الله تعالی واهله عن کید المفسدین .

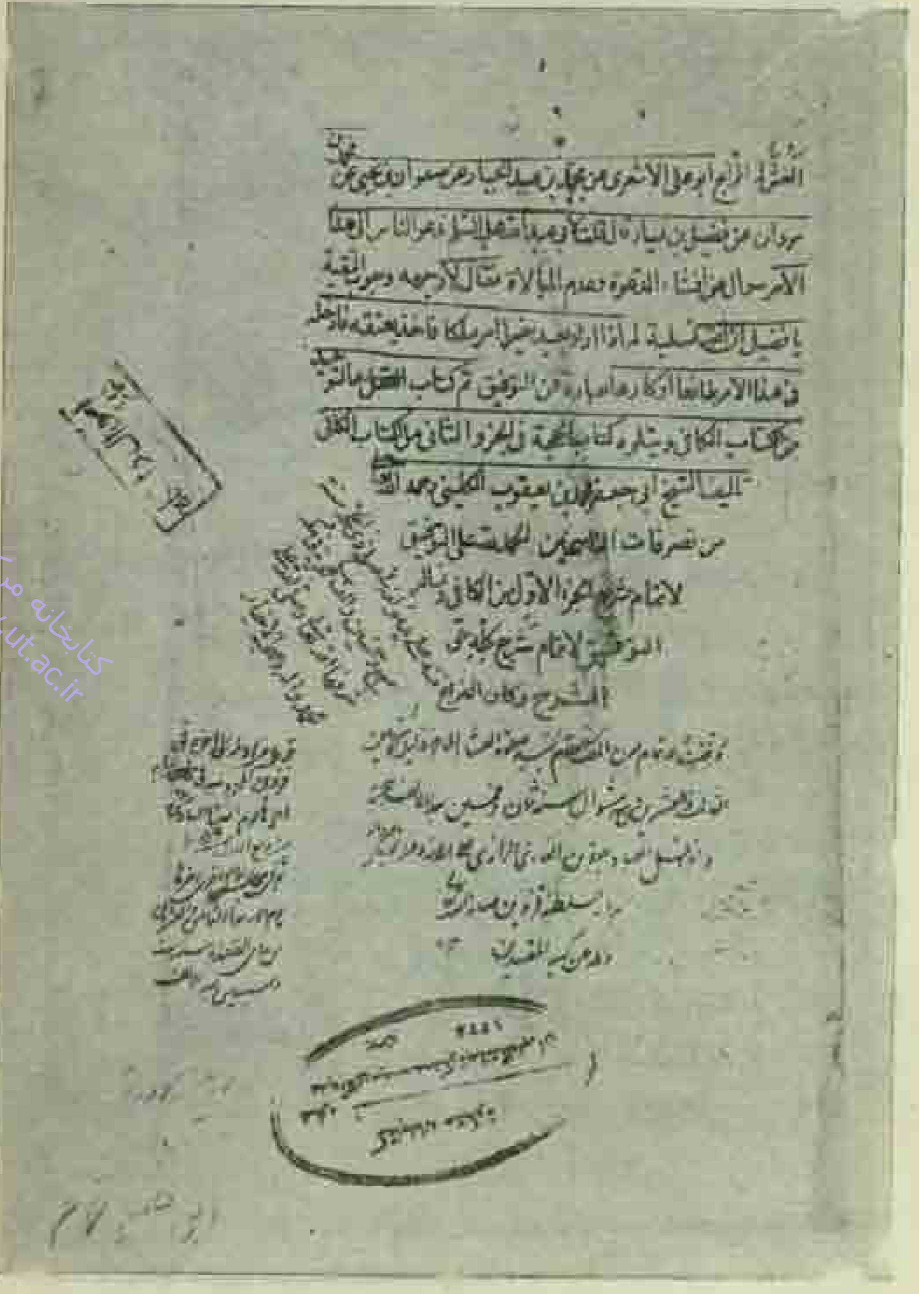
«قوبل من اوله الی آخره فی قزوین فی ایام آخرها یوم الثلثا السادس عشر من ربیع الاول سنة ۱۰۵۹ ـ ثم فی ایام اخری آخرها یوم الاربعا الثامن والعشرون من ذی القعدة سنة ست وسبعین بعد الالف » در گ ۱ الف چنین دارد : هو . لمحرره :

چرا ای فلسفی ناامن میسازی بخود ره را
زفکر سست میپوشی بخس درراه خودچه را
سیه مستانه از غفلت بهرسو میشوی مایل
چه طولی داده‌ای از کجروی این راه کوته را

رضی (القمی) بتاریخ اواخر شعبان سنة ۱۰۸٦ حسب الامر بندگان صاحبی استادی



گ ۱ ب شافی قزوینی ش ۹۱۶



گ ۲۱۰ الف شافی قزوینی ش ۹۱۶

(اخوی دام ظله) نوشته شد (شکسته نستعلیق خوش) نیز دارد: للشیخ عبدالله بن راشد البحرانی فی مدح قزوین:

بلد ینشر نسیمها یهدی الی … جنانها ولنورها لالاء
بلد علیه لمحة من طیبة … خضعت لها العلماء والفضلاء
ما انت یا قزوین الا روضة … بارجها تتارج الارجاء
والبحر یقصر دون بحرك مده … فلذاك نقصان وذا استیلاء
ما الجوهر المكنون مثل الجوهر … المبذول وهو بما به حصباء

(نستعلیق معرب) نیز مهر «یا ذا العرش المجید».

۲۱۰ گ، ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج ترنج‌دار حاشیه‌دار مقوائی
اندازه: ۱۶×۲۴ و ۹×۱۲ س ۱۹

[۱۲۴۱] شافی (عربی)

فیض کاشانی از وافی خود گزین نموده و مکررها را انداخته و از اصول وارکان آنچه محکم بود نه متشابه و از شرایع و احکام آنچه بیشتر ارزنده بود در اینجا گرد آورد. از راویان یاد نشود چه سودی در آن ندیده مگر در جاهائیکه نیازی بدانها بوده است. گاهی هم پاره‌ای از حدیثها را روشن نمود و آنچه در کافی کلینی نبوده است از نگارشهای صدوق آورد. کتاب در دو جزء (۱ـ عقاید و اخلاق ۲ـ شرایع و احکام) و هر یکی در دوازده کتاب و هر کتابی در چند باب میباشد. چنانکه خود میگوید این کتاب با وافی در برخی جاها در ترتیب و عنوان یکنواخت نیست.

کاشانی در فهرست خود از این شافی یاد نشود چون او وافی را در ۱۰۶۷ و این کتاب را در ۱۰۸۲ بپایان رسانده و فهرست را هم در ۱۰۶۹ نوشته است پس شافی پس از تاریخ ۱۰۶۹ باید آغاز گشته باشد.

اردبیلی در جامع الرواة (ش ۹۸۰ گ ۳۱۹ ب) از فیض بنام «محسن بن المرتضی الکاشی» یاد کرده از کتابهای او «کتاب الشافی ملخص الصافی» نام برده است و پیداست که درست نیست.

آغاز : بسمله . و به‌ثقتی . نحمدك اللهم یامن شرح صدورنا بنور الاسلام وهدانا لمعرفة ائمة الهدی .. فهذا ما اصطفیناه من کتابنا الوافی .. مع تصرف فی بعض المواضع فی الترتیب والعنوان اوردنا فیه ماکان بمنزلة الاصول والارکان .. وحذفنا ذکر الرواة الاعند الحاجة لقلة جدواه فیما خلص من الشافی .. وسمیناه بالشافی و جعلناه جزئین جزء فیما هو من قبیل العقائد والاخلاق و جزء فیما هو من قبیل الشرائع والاحکام و رتبناه کلا من الجزئین علی اثنی عشر کتاباً فی کل کتاب ابواب .

انجام : آخر کتاب تجهیز الموتی و المواریث و بتمامه تم کتاب الشافی بجزئیه ... وصیره لنا الیه محجة ولاجعله علینا حجة انه هو الرؤف الرحیم وفرغ منه مؤلفه محمد بن مرتضی المدعو بمحسن .. فی غرة ذی القعدة الحرام من شهور سنة اثنین وثمانین والف الهجریة والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً و باطناً وصلی الله علی محمد و اهل بیته وسلم کثیرا (لمقه ابن سید رکن الدین مسعود عقیل الحسینی فی شهر رمضان المبارك سنة اربع وتسعین بعد الالف من الهجرة) لمؤلفه فی تاریخ تصنیفه : قد جاز کتاب الشافی ـ انوار کتاب الوافی ـ ارخت لذلك الشافی ـ شمس لسماء الوافی ـ ۱۰۸۲ .

[۱۴۵۲]

۵۷۷ این نسخه بنسخ روشن با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد . هر دو جزء کتاب در آن هست نخستین (عقائد و اخلاق) در برك ۱۱٦ الف بپایان میرسد و تاریخ نوشتن آن پایان جمادی یکم سال ۱۰۸٤ میباشد و بخط علم الهدی پسر فیض در اینجا دارد : «بلغت قرائته علی بلغه الله اقصی الکمالات الروحانیة واعلی مدارج الزلفی » جزء دوم (شرایع واحکام) در برك ۱۸۷ الف انجام گرفته و نویسندهٔ نسخه در آنجا می‌نویسد : «نمقه ابن سید رکن الدین مسعود عقیل الحسینی فی شهر رمضان المبارك سنة اربع وتسعین بعد الالف من الهجرة» پس نوشتن نسخه در روزگار کاشانی و کمتر از دو سال پس از نگارش جزء دوم (۱۰۸۲) آغاز و دوازده سال پس از نگارش همین جزء انجام یافت و بیش از ده سال (پیش از ۱۰۸٤ تا ۱۰۹٤) سپری شده تا نسخه پایان گرفت . محمد تقی بن محمد کاظم خراسانی نسخه را برهمه مؤمنان وقف نمود (۱ الف) و نشانه « وقف »

در بسیاری ازجاها هست . شمارهٔ برگها وسطرها وپیتها بسیاق در گ ۱ الف هست . هر برگی ٦۲ سطر وهر سطری نزدیك به دو بیت (همانجا) .

(۱۸۷ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ضربی گل و بوته‌دار

اندازه : ۱۸/۵×۲۸ و ۱۲/۵×۲۰ س ۳۱

[۱۲٤۲] شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار (عربی)

این دفتر که در ۱٦ جزء است دربارهٔ برتری امیرمؤمنان علی و خاندانش و رد بر سنیان بروش کهن شیعی اسماعیلی میباشد . در آن در بسیاری از جاها از طبری یاد گشته و از « کتاب فضائل علی » او (ابن شهراشوب ش ٦۸۸ ـ طوسی ش ٦٤۰) آورده شده است

ابن القیاض قاضی ابوحنیفه نعمان بن ابی عبدالله محمد (۰ رجب ۳۵۱) بن منصور بن احمد بن حیون تمیمی مغربی مالکی اسماعیلی (درگذشتهٔ در قاهره ۲۹ جمادی دوم سال ۳٦۳) نگارندهٔ « دعائم الاسلام وذکر الحلال والحرام والقضایا والاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه وعلیهم افضل السلام » و « تأویل دعائم الاسلام » ازدانشمندان ارجمند اسماعیلی این « شرح الاخبار » را در شانزده جزء بپرداخت .

اسماعیلیان مستعلوی اورا « سیدنا قاضی القضاة » و « داعی الدعاة النعمان بن محمد » میگویند و ابن خلکان ودانشمندان شیعی اثنی عشری اورا « ابوحنیفة الشیعی » میخوانند . او در زمان المهدی بالله (۲۹٦-۳۲۲) در نه سال اخیر زندگی او بدو خدمت کرده و در زمان منصور بالله (۳۳٤-۳٤۱) قاضی منصوریه شد و در روزگار المعز لدین الله (۳٤۱ - ۳٦۵) قاضی القضاة وداعی الدعاة گشت و هزارها برگ در برتریها و خوبیهای خاندان پیامبر کتاب نوشت و مخالفان را رد نمود چنانکه ردی بر مالك وشافعی وابی حنیفه نوشته است اختلاف الفقهای او هم بسود خاندان پیامبر است ودعائم الاسلام اورا فاطمیان اندیشهٔ خود معز میدانند و همانست که در زمان ظاهر (٤۱۱-٤۲۷) قانون رسمی شده و درمیان بهرهٔ کنونی هم ارزش دارد (دیباچهٔ فیضی بر دعائم الاسلام چاپ هو در مصر بسال ۱۳۷۰) .

ایوانف در « راهنمای فرهنگ اسماعیلی » (ص ٦۸) می‌نویسد که این دفتر

بدستور « معز بالله » نگاشته شده و فهرست جزوهای آن چنین است : یکم در دانائی و دیگر خوی و رفتارهای امام دوم در اینکه علی نخستین کسی است که باسلام گرائید سوم در جنگهای علی چهارم نبرد او بابدینان پنجم در پیدبانی که با او دشمنی ورزیدند ششم نبرد او با معاویه هفتم خرده گیری از حشویان که خلیفه‌های نخستین را میستایند هشتم درفرمان (امر) خدائی بپیروی از علی و جانشینانش و خرد برتر علی نهم در آنچه که درقرآن دربارهٔ علی و امامان آمده‌است وهم دربرتریهای علی وثوبه‌ی که برای رفتن بهشت بپیروان اوداده شده‌است یازدهم درپیشگوئی قرآن دربارهٔ خاندان پیامبر دوازدهم دربرتریهای حسن و حسین سیزدهم سرگذشت حسن و زهرخوردن او و سرگذشت حسین چهاردهم دربارهٔ جعفربن محمد و پسر او اسماعیل وفرزند بزرگتر او محمدبن اسماعیل و پیشوایان نهانی پانزدهم دعوت‌المهدی و معجزه‌های او شانزدهم برتریهای پیروان علی .

بنوشتهٔ ایوانف این دانشمند که نخست مالکی بوده درروزگارالمهدی بسال ۳۱۳ بآئین فاطمیان گرائیدو کتابهادرفقه و حدیث و حقائق وتأویل وجدل مذهبی وعقائد و اخلاق و وعظ و تاریخ و سنت نوشته که به ٤٨ میرسد . فهرست اینها درهمین کتاب ایوانف بانگلیسی وترجمهٔ آن دردیباچهٔ برچاپ « کتاب الهمه فی آداب اتباع الائمة » همین مغربی از دکتر محمد کامل حسین (چاپ مصر ص ۱۱) بتازی دیده میشود . کامل حسین در « فی ادب مصر الفاطمیة » چاپ مصر ۱۳۶۹ ص٤٦) مینویسد که پاره‌ای ازهمین شرح‌الاخبار دربرلین هست سپس از کتابهای مغربی آنچه را که اکنون هست و آنچه را که همان نامهای آنها در کتابها یاد شده نشان میدهد .

پس ابوحنیفه نعمان چنانکه مجلسی هم نوشته است بابد نخست مالکی بوده سپس بآئین فاطمی درآمده باشد نه حنفی ؛ چه روش حنفی درافریقاچندان روائی نداشت و بیشتر مالکی بوده‌اند . ازدعائم‌الاسلام وتأویل آن واز الهمة او آشکاراست

که او اسماعیلی باطنی است نه شیعی امامی مگر اینکه اسماعیلیان پیشین نه آنچنانکه فرمانروایان عباسی و دوستاراتشان میگفته‌اند ملحد و غالی و اباحی و مزدکی وتناسخی ودشمن اسلام نبوده‌اند (۱) و درست مانند شیعیان دوازده امامی بامام

۱- پیروان آئین اسماعیلی توانسته‌اند دستگاهی دربرابر عباسیان بغداد وامویان اندلس بپاد کنند و بدست آنها بود که در فرمانروائی تازی رخنه‌ای پیدا شده آنها که خشنود نبودند بناه بفاطمیان میبرده‌اند بلکه این دولت بدست ستمدیدگان ایرانی ودیگر مردم آزار دیدهٔ شهرها درست شده بود، ازاین روی بود که فرمانروایان تازی و دوستاراتشان آنچه میتوانستند در نابود ساختن این دشمنان میکوشیدند و دانشمندان هم دانسته یا ندانسته در خرده گیری از این آئین کتاب نوشته و بدلخواه عباسیان وامویان ازهیچ دشنام ونکوهشی دربارهٔ آنها دریغ نکرده‌اند .

ابوعبدالله‌بن‌رزام (م نزدیک ۳۶۵) که دیوان مظالم را داشته بود سپس ابوعثمان سعیدبن محمد غسانی قیروانی نحوی (پایان سده ٤) آنگاه ابومحسن اباالحسین محمدبن‌العبید (العابد) الشریف‌العلوی‌الدمشقی (م ۳۸۵) کتابی دررد آنها نوشته که سرچشمه همه خرده گیریها و دشنامهای پس از اینها همین دوسه کتاب بوده است وبسیاری از نوشته‌های ایشان امروزه آشکار شد که دروغ است . ازآنها است داستان عبدالله‌بن میمون قداح مکی شیعی که قزوینی درحاشیهٔ برجهانگشای جوینی (۳ : ۳۱۲-۳٤۲) روشن نمود که او ازیاران امام باقر وامام صادق میباشد و نزد شیعیان ازراستگویان است .

گرچه ایوانف میگوید که در کتابهای اسماعیلی هیچ ازاوودندان یاد نشده است و آنها قرمطی‌هم نیستند (اصول اسماعیلیه برناردلویس ص ۸۰) ولی بگفتهٔ قزوینی (ص۳۲۲) در دستورالمنجمین اوازیاران امام صادق بشمار آورده شده و بنوشتهٔ جوینی ورشیدالدین در جامع‌التواریخ اسماعیلیان اورا ازارکان آئین خویش میدانند .

روایت ابن‌رزام که سرچشمهٔ وریشه همهٔ سخنان دیگران است درفهرست ابن‌ندیم واتعاظ‌الحنفاء والمقفی مقریزی و نهایة‌الارب نویری دیده میشود .

پس ازاین از اشعریان باقلانی (در کشف‌الاسرار وهتك‌الاستار والرد علی القرامطة) وعبدالقاهر بغدادی واسفراینی وغزالی (درفضائح‌الباطنیه وفضائل‌المستظهریه که بدستور دربار عباسی وازروی کتاب باقلانی نوشته است ودراباحیه و کیمیاء سعادت و قسطاس

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

پاك و نیکرفتار میگروند چنانکه از سخنان همین ابوحنیفهٔ مغربی و مؤید

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

مستقیم) ازاین آیین خردهها گرفتند ودر کتابهای ملل ونحل اشعری وملطی وابن حزم وشهرستانی وبزاویه ابن جوزی وسیاستنامهٔ نظام الملك طوسی رد باطنیان هست. ازمعتزلیان علی بن سعید اصطخری برای قادر عباسی و اسماعیل بن احمد بستی در کشف اسرار الباطنیة وقاضی عبدالجبار معتزلی همدانی (م ۴۱۵ یا ۴۱۶) در تثبیت دلائل نبوة سیدنا محمد دراین زمینه کار کردهاند (اصول الاسماعیلیه برناردلویس **B. Lewis** ترجمهٔ عربی چاپ مصر ۱۹۴۷ ص ۱۰و۵۷).

ازدانشمندان شیعی هم بسیاری بخرده گیری آیین اسماعیلی پرداختند مانند: ابوسهل قزوینی خراسانی (م ۲۶۰) و ابن ابی زینب ابوعبدالله محمدبن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی(م ۲۷۱) در کتاب الرد علی الاسماعیلیة وابوالفرج محمد بن ابی عمران موسی بن علی بن عبدربه کاتب قزوینی (م ۲۸۳) در الرد علی الاسماعیلیة وفضل بن شاذان نیشابوری (م۲۷۷) در الرد علی الباطنیه والقرامطة وفارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی غالی (م۲۱۹) در الرد علی الاسماعیلیة و ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۹) درباب الرد علی الاسماعیلیه در کافی ودر رسالة فی الرد علی الباطنیة والقرامطة وابوالقاسم علی بن احمدبن یقطین کوفی امامی مخمس غالی (م ۳۵۲) در فساد اقاویل الاسماعیلیة والرد علی الاسماعیلیة فی المعاد و ابن عبدك ابومحمد محمدبن علی بن عبدك عبدکی گرگانی متکلم مفسر بزرگوار شیعی درالرد علی الاسماعیلیة.

(بنگرید به: کنتوری ص ۴۴۰-۴۴۲- دیباچهٔ کامل حسین برچاپ المجالس المستنصریه- فهرست طوسی ش ۵۵۲و۳۷۹و۸۸۵ - رجال نجاشی ص ۲۷۱ و۲۱۷و۲۱۹ و۱۸۸ -معالم العلما ش۷۵۹و۶۴۲و۹۷۴-خلاصهٔ حلی ص۷۹و۶۵و۱۲۰و۱۱۱- نقدالایضاح کاشانی ۲۶۴و۳۰۶ - منهج المقال استرابادی ۳۰۹).

شیخ ابوالحسن ثابت بن اسلم بن عبدالوهاب حلبی شیعی نحوی سرپرست کتابخانهٔ سیف الدوله درحلب کتابی بنام « ابتداء دعوة العبیدیین و کشف عوارهم » نوشته واسماعیلیان هم اورا بگناه نوشتن آن بمصر برده بدار آویختند (بغیة الوعاة سیوطی ص ۲۰۹ - ذریعه ۱ : ۶۰).

اینهم گفته شود که پیش ازاینکه دشمنی با آیین اسماعیلی ورنگ سیاسی آن آشکار شود و دستگاه فرمانروائی تازی بغداد و دوستان ترك آن در دربارهای غزنوی

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس ازاین

شیرازی دردیوان و کرمانی درراحة العقل پیداست. آنها باامامیان تنهادرشمارهٔ پیشوایان که بهفت میرسانند جدائی داشتند چنانکه درالهمة همین مغربی هویداست که اسماعیلی درآداب اسلامی همان میگوید که شیعی امامی میگوید و گویا دربرخی اصطلاحات باهم جدائی داشتند مانند ستر اسماعیلی بجای تقیه شیعی امامی. چراه آنها پس از حسن صباح راه دیگری پیش گرفتند و غلو وارتفاع بلکه اندیشههای خرافی در آیین آنها راه یافت ودر کتابهای اخیر آنها در تأویل وروش باطنی افراط شده است.

سرگذشت ابن نعمان را کامل حسینی دردیباچهٔ الهمة ودرفصل ۴ «فی ادب مصر الفاطمیة » (ص ۴۲-۵۴) آورده و روشن نمود که این دانشمند از نزدیکان دربار فاطمیان بود و با معز همکاریها کرده است.

ازنگریستن بکتابهای او مانند همین شرح الاخبار والمجالس والمسایرات برمیآید که او اسماعیلی باطنی است وتأویل دعائم الاسلام او که پارههائی ازآنرا درالمجالس المستنصریه چاپ همین کامل حسین (ص ۱۶۱ و پس از آن) می بینیم براین گواه میباشد ولی نه بآن اندازه تأویل که درنگارشهای ناصرخسرو و پیروان حسن صباح دیده میشود.

ارزش او نزد فاطمیان تا بجائی بود که معز دربارهاش میگفت: «من یؤدی جزء امن مائة مما اداه النعمان اضمن له الجنة بجوار ربه» وبازوری وزیرهم

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و سلجوقی با آنان بستیزند بازهم دانشمندان شیعی امامی از آیین اسماعیلی خرده میگرفتند ولی بروش جدال کلامی وعلمی بوده نه نبرد سیاسی آمیخته بادروغ که گویا پس از باقلانی رواج پیدا کرد چنانکه درفرق الشیعهٔ نوبختی و فصول مختارهٔ مرتضی ص ۹۱ از اینگونه ردها می بینیم و آنها آن تهمتها که سنیان زدهاند هیچ ندارند. روشن است که شیعیان پس از این هم کتابها نوشتهودرفهرست قمی ومعالم ابن شهرآشوب والنقض یادی ازآنها وازدشمنی با این آیین شده ولی اگر براه باقلانی وغزالی رفته باشند روی پیروی ازاندیشههای سیاسی زمان بوده است.

اورا از بنیادگذاران این آئین بشمار آورده (ص ٤٦ ادب مصر - دیباچهٔ الهمة ص ۱۰) روی همین بود که ظاهر فاطمی (٤۱۱-٤۲۷) بسال٤۱٦ فقیهان مالکی را از مصر بیرون کرد و دستور داده که مردم دعائم را بیاد بسپرند و در برابر مزد بگیرند و مختصرانان وداعیان از روی آن پند و اندرز دهند (دیباچه الهمة ص ۱۲ چلبی ۱ : ٤۹۲) او کتابها که می نوشت فصل بفصل بمعز اشان میداد و گاهی میگفت : «امدنی المعز لدین الله بجمع شتی الخصه لی وجمعه وفتح لی معانیه وبسط لی جملته ... » (ص ٤٥ ادب و ص ۹ دیباچهٔ الهمة).

ابن شهر آشوب درمعالم (ش ۸۲٦) می نویسد : « ابن الفیاض القاضی النعمن بن محمد لیس بامامی و کتبه حسان منها شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار ».

این گفتهٔ او گویا اشاره است باینکه او در آغاز مالکی بوده و گویا هم ابن شهر آشوب کتابهای زمان باطنی بودن اورا ندیده بود . دعائم الاسلام او چنانکه کامل حسین مینویسد با فقه مالکی جز دربخش ولایت و با فقه شیعی هم جز درتحریم متعه جدائی ندارد (ص ۱۲ و ۱۰ دیباچهٔ الهمة و مستدرك ص ۳۱٤) ازاینروی بود که کراجکی فقیه شیعی م ٤٤۹ دعائم و شرح الاخبار را گزین نموده است .

درفهرست نگارشهای کراجکی که یکی از دانشمندان روزگار او پس از مرگش نوشته است دارد : « مختصر کتاب الدعائم للقاضی نعمان وهو من جملة فقهاء الحضرة » نیز « کتاب الاختیار من الاخبار وهو اختصار کتاب الاخبار للنعمان یجری مجری اختصار الدعائم » از اینجا برمیآید که شیعیان میدانستند که مغربی از فقیهان دربار فاطمی بوده وشرح الاخبارهم ازدعائم گزین شده است (مستدرك ۳۱۹ و ٤۹۷) .

پس آنچه آصف فیضی میگوید که او از آغاز اسمعیلی بوده و آنچه برخی از دانشمندان مانند شوشتری درمجالس المؤمنین و مجلسی دربحار (۱ : ۱٤) وبحرانی درامل الآمل (ص۵۱۲) وافندی درریاض العلما (ص۲۰۳و۱۰۹) با تردید

ونوری درمستدرك (۳ : ۳۱۳) وقمی در کنی و القاب (۱ : ٥٤) و هدیة الاحباب (ص۱۳) وبروجردی درالفوائدالرجالیة ودیگران گفته‌اند که او مالکی بوده سپس ازشیعیان دوازده امامی گشته است نادرست میباشد چه اینکه فیضی بسخنان مورخان اخیر اسماعیلی گرائیده و این دانشمندان هم از نگارشهای باطنی او آگاه نبوده اند. خوانساری درروضات (ص۷۲۷) مینویسد که او امامی بحق نیست و گرنه پیشینان میگفته‌اند اینکه نوری درمستدرك (ص ۳۱٤) میگوید که او در کتاب وصیت ووقوف ومیراث دعائم ازامامان پس از صادق هم روایت کرده و درباب « ذکر منازل الائمة » (ص۵۷-۷۰) کسانیرا که امامان را خدامیدانند وازدین سرباززدند کافرخوانده است و رمزهای اسماعیلیان دردعائم نیست واودردعای تعقیب نماز (ص۲٦۰دعائم) ازامامان فاطمی پس ازصادق یادنموده وخبرهای اوهم باخبرهای جعفریات یکی است ، دربرابر آنچه که از کتابهای دیگر او برمیآید دلیل دندان شکنی نخواهد بود و خواهیم دید که آئین اسماعیلی درابتدا چندان باطنی و تأویلی نبوده وبا روش شیعی چندان جدائی نداشته است . (نیز بنگرید به دیباچهٔ الهمة ص ٦ وادب مصر ص٤۲-ذریعه ۸ : ۱۹٦-۱۹۸ وفهرست طوس ٥ : ۸٥ ش٥۲٤ و ش ۱۱٥ - ذیل کشف الظنون ۱ : ٤۷۳ - مرآت الجنان۲ : ۳۷۹ - ابن خلکان ش ۳۳۷ - ابن کثیرشامی درالبدایة والنهایة - مامقانی ۳ : ۳۷۳) .

این دانشمند « افتتاح الدعوة وابتداء الدولة » دارد ودر آن تاریخ پیداشدن فاطمیان درشمال افریقا تابنیاد گرفتن فرمانروائی آنها از آغاز تامحرم ۳٤٦ (تاریخ نگارش همین کتاب) را یاد نمود (ایوانف ش ۱۰۳) و نسخه‌ای از آن نزدکامل حسین ودردانشگاه فؤاد هست . بنوشتهٔ اومغربی دراین کتاب آغاز این دعوت را که « دعوة الحق » یا « الدعوة المهدیة » میخوانده اند از پیداشدن ابن زادان کوفی دریمن درنیمهٔ دوم سدهٔ سوم سپس جنبش ابی عبدالله شیعی درمغرب تا بنیادگذاردن عبدالله مهدی دولتی درمغرب بسال۲۹٦ دانسته است (دیباچهٔ المجالس المستنصریة ص ك و ب) نگارندهٔ ذریعه (۱ : ٦۰) از آن یاد نموده و بازهم او را شیعی

اثناعشری پنداشت و گفت که سنی وشیعی اورا شیعی خوانده‌اند واو ازروی تقیه ازامامان پس‌ازصادق با کنیه‌های مشترك یادنمود ورضا را ابوالحسن وجوادرا ابوجعفر خوانده است (نیزمستدرك ص ۳۱۴ و دیباچهٔ الهمة ص ۱۲ و ادب مصر ص۴۷) نوری درمستدرك (۳ : ۳۲۱) ازهمین شرح‌الاخبار یادمیکند ومیگوید که آن درمناقب وفضائل است ونسخهٔ من که درهفت جزء است از آغاز وانجام کم دارد (همین نسخهٔ ما) ودرپایان جزء ششم (گ ۱۳۵ الف) بکتاب المناقب والمثالب باز میگرداند . این مناقب باید همان « المناقب لاهل بیت رسول‌الله » (ش ۱۰۲ ایوانف) باشد که خبرهائی دربارهٔ امامان تا جعفرصادق در آن آمده ودرپایان آن ازامویان ودعوی خلافت آنها یاد گردید و گویا همانستکه مجلسی دربحار (۱ : ۱۴) پس‌ازیاد کردن دعائم نوشته : والمناقب والمثالب کتاب لطیف مشتمل علی فوائد جلیلة » ونگفت که از کیست . ابن شهرآشوب درمعالم (ش ۸۲۶) ومناقب « شرح‌الاخبار » را ازهمین مغربی دانست (مستدرك ۳۲۲) .

کاظمی درمقابس درباب نجس‌نشدن آب کم با برخورد با نجس کـه کلینی وعمانی و کاشانی وهمین مغربی میگفته‌اند (ص ۸۵) از او یاد کرد و اورا شیعی بشمار آوردو گفت که‌او در بسیاری ازمسئله‌های ضروری مذهب شیعی باد انشمندان خلاف دارد و گویا برای همین وبرای اینکه او چندان شناخته نبود و یاران ما خود او را توثیق نکرده و خبر و کتاب اورا تصحیح ننموده‌اند، نگارندهٔ وسائل ازخبرهای اونیاورد ودعائم‌را ارزنده‌نداشت . نوری‌درمستدرك سخنان کاظمی‌را آورد و نکته‌گیریها دربارهٔ آن نمود (ص ۳۱۴ و ۳۱۷) باید گفت کـه نوری دراین‌زمینه بررسی موشکافانه کرده است و اگر کتابهای دیگر همین مغربی نمیبودناگزیربایستی‌اورا روی‌دلیلهائی که‌نوری آورده‌است شیعی‌امامی‌پنداشت. ابن‌طاوس درفرج‌المهموم (ص ۶ و ۱۴ و۱۷۳) از « النعمان‌المؤرخ لسیرة خلفاء مصر » و « النعمان‌المؤرخ لفضائلهم » یاد نمود و از سخنان او دربارهٔ دانائی منصور ومعز آورده است وهمین خود میرساند که او را شیعی امامی نمیداند .

[۱۴۵۳]

این نسخه بنسخ کهن با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ودارای دنبالهٔ جزء نخستین است (۲ الف‌۱۲ ب) تا پاره‌ای ازجزء هفتم از ۱۶ جزء کتاب بدینگونه :

جزء دوم : « سبق علی ص الی‌الاسلام » (۱۳ الف ـ ۳۷ الف) .
جزء سوم : « جهاد علی ص » (۳۷ ب ـ ۶۲ الف) .
جزء چهارم : « جهاد علی ص » (۶۲ ب ـ ۸۶ ب) .
جزء پنجم : « جهاد علی ص » (۸۷ الف ـ ۱۱۱ الف) .
جزء ششم : « جهاد علی ص » (۱۱۱ ب ـ ۱۳۵ الف) .
جزء هفتم : « فضائل علی » (۱۳۵ ب ـ ۱۵۱ ب)

ازجزء سوم تا ششم در بارهٔ جنگهای علی است درصفین وجمل ونهروان .
درپایان جزء ۶ نام « قاضی نعمان‌بن محمد » از نویسندهٔ نسخه دیده میشود .
درآغاز وانجام جزوها از کتاب هم نام برده شده است .

چنین است نسخه :

آغاز : حجة احتج بها الطبری علی بعض من‌خالفه فی تفضیل علی صلوات‌الله علیه وماعلیه من‌الحجة مع اقراره بفضله ومارواه فی اثبات خلافته و امامته مما قدحکیت ذلك عنه فی‌الباب‌الذی قبل هذا‌الباب مع تصحیحه ذلك وانه کبعض من قدمت ذکره ممن یتعاظم ان یکفر غیره ولایتعاظم‌الکفر لنفسه فمن ذلك ان کتابه‌الذی ذکرناه وهو کتاب لطیف بسط فیه فضائل علی (دربارهٔ رسالهٔ طبری دراثبات غدیرخم) .

انجام : قداحتال‌قوم‌لهذه‌الکلمة حیلة اخری‌فقالوا انماذلك منه علی‌جهة‌التواضع والشفقة لان‌المؤمن لایمدح نفسه ولایزکیها . . . وانما‌التواضع ان یسکت‌الانسان عن ذکرفضله‌وحسن‌المحاورة والمواساة‌لحسن‌العشرة (دربارهٔ خرده‌گیری‌ازسخن‌ابی‌بکر: « من فرمانروای شما شدم با اینکه بهتر از شما نیستم » که از آن بهتری نژادی خواسته نشده و ازروی فروتنی‌هم این را نگفته است ونه اینکه خواسته باشد آشکار بدارد که من برترازشما نیستم ومرا چنین مپندارید)

این نسخه همانست که نزد دانشمند نوری بوده و درمستدرك (ص ۳۲۱) ازآن یاد نمود .

دربرگ۱ الف دارد کـه نسخه ازآن آقای ضیاءالدین نوری است ونزد حسن صدرالدین موسوی کاظمی عاریت میباشد .

در ۱۲ ب و ۶۲ الف وجاهای دیگر دارد : «شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار للقاضی نعمان بن محمد المصری صاحب دعائم الاسلام » در گ ۱۳۵ الف دارد : « تم الجزء السادس من کتاب شرح الاخبار تألیف سیدنا القاضی الاجل الاوحد الافضل النعمن بن محمد قدس الله روحه » . از اینجا برمیآید که نویسندهٔ نسخه اسماعیلی است .

(۱۵۲ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با روپوش پارچه

اندازه . ۱۵×۲۰ و ۱۰×۱۵/۵ س ۲۰

[۱۲۴۳] شرح حدیث اشتراک وجود (عربی)

دراین گزارش حدیثی آورده شده که برخی خواستند آنرا برای مشترک نبودن وجود و واحد دلیل سازند و گزارنده این را نمی پذیرد واین حدیث را رسانندهٔ این مطلب نمیداند .

آغاز : قوله علیه احلت . تبتك الله . انما التشبیه فی المعانی فاما فی الاسماء فهی واحدة وهی دلالة علی المسمی . . . فامـا الانسان المخلوق المصنوع المؤلف من اجزاء مختلفة و جواهر شتی غیر انه بالاجتماع شئ واحد ـ استدل بعض العلماء بهذا الحدیث وامثاله علی ان الواحد والموجود وسائر الالفاظ التی تطلق علی الواجب والممکن لیست مشتركة معنویة بینهما .

انجام : یحصل فی احدیهما باعتبار انه قائم بذاته وفی الاخر باعتبار انه عارض لغیره فیحکم بالاشتراك المعنوی .

[۱۴۵۴]

۸۷۴ این نسخه ش ۶ دفتراست وحدیث بنسخ وگزارش بنستعلیق ش ۱ میباشد . گ ۱۷۰ الف ـ ۱۷۱ ب .

[۱۲۴۴] شرح حدیث راس الجالوت (فارسی)

گزارشی است از حدیث راس الجالوت بروش عرفانی شیعی و در آن دارد : «قال العارف ابوالخیر: الان کما کان» وشعرهای «ازجمادی مردم ونامی شدم ...»

از مثنوی مولوی در آن آمده است (برای گزارشهای دیگر این خبر بنگرید به همین فهرست ص ۱۱۹۶) .

آغاز : سأل رأس الجالوت عن الرضا فقال یامولای ما الکفر وما الایمان وما الکفران وما الجنة والنیران ... اقول ... الذی یخطر بخاطر البال فی حل المقال ... هو انه ای رأس الجالوت استفسر عن الحقیقة الانسانیة التی هی خلیفة الله .

انجام : هذا ماسنح بفاتر البال ... والعفو عن الزلل والخطا مامول وحسبنا الله ونعم الوکیل والحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین .

[۱۴۵۵]

۶۶۱ این نسخه ش ۲ دفترو به نستعلیق ریز میباشد . گ ۳۳۸ـ۳۳۹ الف (بنگرید به ۶۶۱/۱۰) .

[۱۲۴۵] شرح حدیث عماء (فارسی)

گزارشی است که جامی برحدیث «عماء» که آنرا میگوید که از ابی رزین عقیلی روایت شده است نگاشته و بروش عرفانی دو اشکالی را که بر آن وارد میشود برمیدارد: یکی اینکه خدای نیازمند بجایگاه پنداشته میشود اگر بگوئیم که پیش از آفرینش در «عماء» که ابر نازك است بوده است دیگر اینکه این حدیث میرساند که خدا پس از آفرینش در خود آفریدگان خواهد بود واین حلول است . نسخهٔ دیگر این گزارش (ش ۸۶۷/۱۷) در ص ۵۴۴ همین فهرست شناسانده شده است (۱).

درسفر پیدایش تورات (۱ : ۱ و ۲) دارد : درابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید . وزمین تهی و بائر بود وتاریکی برروی «لجه» و روح خدا سطح آبها را فراگرفت .

در «مهمانی» افلاطون دارد که خداوند وپروردگار «عشق، اروس *Eρως* » را که بزرگوار وشایستهٔ ستایش مردمان وفرشتگان است باید برترازهمهٔ خدایان دانست چه اینکه پدر ومادر ندارد وهیچ سراینده وسخنرانی هم دربارهٔ او چنین نگفت . تنها هسیودوس است که گفته (تئوگونیا ۱۱۷ـ۱۱۸) که خائوس (Xάos ـ Chaos) دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

آغاز :

ای پاك ز حیز و مبرا ز مکان
خالی ز تونی درون و بیرون جهان
از کنه تو کش نه نام باشد نه نشان
دوسر عما است دیدهٔ عقل و گمان

عن ابی رزین العقیلی رض قال قلت یا رسول الله : « این کان ربنا قبل ان یخلق

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

یا تاریکی تهی (لجه) پیش از او بوده است . بگفتهٔ او این اروس خدای خدایان و «زمین» پهناور همیشگی و پایگاه استوار همهٔ چیزها پس از خائوس پیدا شدند . آ کوسیلائوس (آرگوسی زبانشناس وخاندان شناس نزدیك ٤٧٥ پیش از م) هم همان گفتار هسیودوس را دارد . بگفتهٔ پارمنیدس «آفرینش» اروس را پیش از همهٔ خدایان دیگر میاندیشد (بخش ٦ بند ١٨٧ ب) آیا این عماء همان لجه و خائوس است ؟

این حدیث درسنن ابن ماجه (باب ١٣ دیباچه» ١ : ٧٨) وصحیح ترمذی (کتاب ٤٤ تفسیر سوره ١١ ج یکم ١١ : ٢٧٣) و مسند طیالسی (ح ١٠٩٣ ص ١٤٧) ومسند ابن حنبل (٤ : ١١ و١٢) با افزودهٔ « ثم خلق عرشه علی الماء » آمده وسندی درحاشیهٔ سنن ابن ماجه میگوید که از آن «این کان عرش ربنا» خواسته شده یاچنانکه ترمذی هم گفته از «عماء» ابر نخواسته‌اند بلکه «نیستی» خواسته شده چنانکه دربرخی نسخه‌ها «عمی» دارد .

راوی نخستین این حدیث «ابورزین لقیط بن عامر بن صبرهٔ عقیلی» از یاران پیامبر است که نزد او رفته و بدو بیعت کرده بود چنانکه دراصابهٔ ابن حجر و طبقات ابن سعد (٣٩٧ : ٥ ـ ٤٥ : ١/٢) آمده وبخاری در «خلق الاعمال ٤» وابی داود درسنن «بین النبی» روایت ازاو آورده‌اند (تقریب التهذیب ابن حجر ص ٤٣٢ وحاشیهٔ آن) ولی مامقانی اورا ناشناخته دانست .

ابن حنبل (ص ١١) دوحدیث ازاومیآورد که خدا دیده میشود ومی‌خندد .

درخصائص رضی (ص ٦٣) دارد که مردی یهودی از علی پرسیده «این کان الله من قبل ان یخلق السموات والارض» او پاسخ داد : «این سؤال مکان . وکان ولامکان» رضی دراینجا میگوید : «فقطعه فی اوجز کلمة» درامالی سیدمرتضی (مجلس ١٠) نیز چنین حدیثی آمده است (١ : ١٠٣) .

الخلق (خلقه) ؟ » قال ص : « کان فی عماء ماتحته هواء وما فوقه هواء » (صدق رسول ص) صدور این کلمهٔ جامعه ازمشکات نبوت بصحت پیوسته است اما معنی آن بحسب ظاهر خالی از اشکالی نیست .

انجام : وشك نیست که این معنی درمرتبه ثانیه است ومرتبهٔ مقدم بر آن اولی وهوسبحانه وتعالی اجل وعلا (والله اعلم بالصواب والیه المرجع (و) المآب)

رباعی :

خوش آنکه رسیدگان اسرار قدم
چون درنظر آورند این تازه رقم
هر حرف خطا که جسته باشد زقلم
شویند بآب عفو و باران کرم

تمت بعون الله وحسن توفیقه) (نسخهٔ ش ١٧/٨٦٧) .

[١٤٥٦]

١١١٣ این نسخه ش ١٤ دفتر است و بهمان خط ش ١ میباشد گ ١١١ ب ـ ١١٣ الف .

[١٢٤٦-١٢٤٧] شرح خبر کمیل (عربی و فارسی)

درص ٤٦٠-٤٦٤ همین فهرست از گزارشهای خبر کمیل یاد شده است اینك نیز دو گزارش آن دراینجا شناسانده میشود :

١ـ همان گزارش عبدالرزاق کاشی (ش ٣ ص ٤٦٢) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوات الزاکیات علی محمد وآله الطاهرین . اما بعد فهذا شرح سؤال کمیل بن زیاد لامیرالمؤمنین علیه‌السلام املاء الشیخ العالم الربانی عبدالرزاق القاشانی رحمة‌الله علیه . سال کمیل : ماالحقیقة ؟ فقال علیه‌السلام : مالك والحقیقة ... قال الشارح : الحقیقة هنا الشئ الثابت الواجب الذی لایمکن تغیره بوجه ما .

انجام : وعندالابتلاج لایحتاج الی السراج . والله اعلم بحقائق اسراره صلی الله علیه وآله اجمعین (ش ۱۱۱۳/۱۲ گ ۱۰۴ الف – ۱۰۸ ب)

۲– گزارشی است بفارسی و گویا از ابومحمد محمدبن محمود دهدار عیانی عارف زنده ۱۰۱۳ میباشد که هم خبردر آن ترجمانی شده وهم گزارش گردید . سخنی از خواجه عبدالله انصاری وشعرهائی ازشیخ عراقی درلمعات و سعدی و حافظ وشیخ اوحدی وسیدنعمةالله وسیدقاسم ومولانامحمد شیرین درآن آورده شده وازخود او که دارد : « داعی گوید » .

آغاز : (رسالهٔ کمیلیه) بسمله . نوبتی داعی مسکین قدم قلم درساحت اشارت امام الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ع روان کرده بود که درجواب کمیل بن زیاد فرموده و بزرگی نصیح گفت که مطلق نوشته اگر چنان فصیح بنویسی که عامه فهم کنند فائدهٔ آن عامتر . فرمان مشتمل شد و دربیان واضح شروع نمود وازالله تعالی توفیق اتمام خواست انه ولی الاجابة والاتمام . کمیل بن زیاد که یکی از ملازمان حضرت امیر بود روزی از آنحضرت سؤال کرد که ماالحقیقة آنچه درافواه مردم درمقابل شریعت وطریقت آنرا حقیقت خوانند چه چیز است ؟ امیرفرمود : مالك والحقیقة چه کارداری تو با سؤال ازحقیقت .

انجام : اطف السراج فقدطلع . چراغ باز کش که صبح طالع شد یعنی سخن دربارهٔ حقیقت بیان بپایان رسید وقصه ازبیان و گفتار بعیان ودیدار انجامید .

شمع بنشان که آفتاب برآمد   رخ معشوق از نقاب برآمد

بیت :

زهی نادان که آن خورشید تابان
بنور شمع جوید دربیابان

بیت :

روشن تر از این نمیتوان گفت
پیدا تر از این نمیتوان گفت

قطعه :

آنچنان مست است عاشق کزشراب آمد بهوش
آنچنان فاش است شاهد کزخودش آمد حجاب
هیچ می هرگز نخواهد کرد زین می مست تر
هیچ شاهد فاش تر زین برنیندازد نقاب

(تم الکلام والحمدلله والصلوة علی نبیه) (ش ۱۱۱۳/۱۳ گ ۱۰۸ ب – ۱۱۱ ب) .

[۱۴۵۷–۱۴۵۸]

۱۱۱۴ این دونسخه شمارهها ۱۲ و۱۳ دفتراست و بهمان خط ش ۱ عنوان و نشان ومتن بشنگرف میباشد

[۱۲۴۸] شمائل (عربی)

این نامه درسر گذشت پیامبر است ودرچندباب بروش محدثان ازابی عیسی بن سورة بن ضحاك سلمی بوغی ترمذی (۲۰۹ – ۲۷۹) شاگرد بخاری و نگارندهٔ الجامع الصحیح که سومین شش صحاح پیروان سنت میباشد و گزارشها بپارسی وتازی برآن نوشته اند (چلبی ۲ : ۶۷) وبنام « الشمائل النبویه والخصائل المصطفویه » یا « شمائل النبی » درآستانه و کلکته و فاس بچاپ رسید (معجم المطبوعات ص ۶۳۲) .

آغاز : کتاب الشمائل للترمذی . بسمله . و به نستعین . والحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی . باب ماجاء فی صفة النبی صلی الله علیه وسلم . اخبرنا ابورجاء قتیبة بن سعید . . . عن انس ابن مالك . . . یقول کان رسول الله . . . لیس بالطویل البائن ولا بالقصیر .

انجام : حدثنا محمدبن علی قال اخبرناالنضر . . . عن ابن سرین قال هذاالحدیث دین فانظروا عمن تأخذون دینکم .

[۱۴۵۹]

۸۸۶ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف از سید محسن بن علی حسینی موسوی دزفولی در ۲۱ شوال ۱۲۷۰ میباشد و احتشام‌الدوله مینویسد که درشوشتر نویسانده شده و او دارندهٔ نسخه بوده است (خط و مهر او در ۱ ب) گ ۱ ب ـ ۶۳ الف.

[۱۲۴۹] شهاب‌الاخبار (عربی)

فی الحکم والامثال والآداب

قاضی ابوعبدالله محمدبن سلامة‌بن جعفربن علی‌بن حکمون قضاعی مغربی فقیه محدث شافعی (م مصر شب پنجشنبه ۲۶ ذی‌القعده ۴۵۴) دراین دفتر که در ۱۶ باب (طوس) یا ۱۷ باب است (دو نسخهٔ ما) سخنان کوتاه وشیوای پیامبررا گرد آورد و چنانکه خود او در دیباچهٔ آن میگوید هزار گفتار از سخنان پیامبر دربند واندرز ومثل که شنیده بود درآن آورده و سندها را انداخته و ببابهائی مرتب ساخت سپس دویست گفتار برآن افزود که رویهم بهزار ودویست میرسد ودرپایان آن چند دعائی که از پیامبر باو رسیده بود گنجاند. او برای سندهای آنها دفتری دیگر جداگانه ساخته بود که هر که بخواهد بدان بنگرد.

قضاعی آنرا درمصر دردهٔ نخستین ذی‌حجه ۴۵۳ برای شیخ ابوعبدالله محمدبن برکات‌بن هلال سعیدی صوفی نحوی گفته بود و ابی‌اسحق بن ابراهیم‌بن خاتم اندلسی در ۵۱۷ آنرا نزد همان سعیدی خوانده بود وابوالقاسم هبةالله بوصیری دراین هنگام آنرا شنیده بود ودر ۵۹۷ آنرا ازهمین بوصیری شنیده‌اند (دیباچهٔ نسخهٔ ۱۰۶۰) درروضات‌الجنات ص ۴۴۵ ازسید حسین‌بن حیدر کرکی درپایان برخی ازاجازه‌هایش آورده‌است که علامهٔ حلی آنرا بنام «کتاب‌الشهاب فی‌الحکم والآداب» ازپدرش ازسید فخاربن معد موسوی ازقاضی ابی‌الفتح محمدبن احمد مندائی از ابی‌القسم‌بن‌الحصین از قضاعی روایت داشته است. دراجازهٔ حلی که به‌پسران زهره در ۲۵ شعبان ۷۲۳ داده‌است نیزازهمین کتاب بنام «کتاب‌الشهاب»

ازهمان راه روایت شده است (اجازات بحار ص ۲۳).

درمعالم‌العلماء (ص ۱۰۵) از قضاعی تنها «دستورالحکم فی مأثور معالم الکلم» یاد شده و دارد که آن دفتریست که سخنان امیر مؤمنان در آن گرد شده است وآن همانستکه بنام «دستورمعالم‌الحکم ومأثوره مکارم‌الشیم من کلام امیرالمؤمنین علی‌بن ابی طالب» باگزارش محمد سعید رافعی درمصر بسال ۱۳۳۲ بچاپ رسید. این کتاب مابنام «الشهاب فی‌الحکم والآداب» ودارای هزارحدیث درچاپخانهٔ شابندر بغداد در ۱۹۲۰/۱۳۲۷ بوسیله محمود افندی شابندر چاپ شده‌است (معجم‌المطبوعات ص ۱۵۱۵) (۱) درمستدرك (۳: ۳۶۷) دارد که گویا قضاعی شیعی میباشد و این را روی قرائنی میگوید که از همین کتاب برمیآید مگر اینکه قضاعی درمصر و درروزگار فاطمیان میزیسته و قاضی آنان بوده وازسوی آنها بدربار تیودورس درقسطنطنیه رفته‌است وشاید ناگزیربوده‌است که با آئین شیعی خود را سازگار نشان دهد (فی ادب مصر الفاطمیة از دکتور کامل حسین چاپ مصر ۱۹۵۰/۱۳۶۹ ص ۱۱۲ ـ فهرست طوس ۵: ۱۵۱ ـ روضات ۴۴۵).

این کتاب را امام حسن‌بن محمد صغانی بنام «کشف‌الحجاب عن احادیث الشهاب» درست نموده ونشانه‌هائی برای حدیثهای صحیح وضعیف ومرسل آن گذارده ومانند مشارق دربابهائی گذاشته است. سیوطی آنرا مانند جامع صغیر مرتب ساخته و«اسعاف‌الطلاف بترتیب‌الشهاب» نامید. شیخ نجم‌الدین محمدبن احمد غیطی اسکندری (م ۹۸۴) از آن گزین نموده است.

ازگزارشهای دانشمندان سنی یکی «ضوءالشهاب» ابن‌الاثیر نگارندهٔ «المثل‌السائر» است که درآن سفارش کرد که نویسندهٔ فقیه آنرا بخواند.

۱ ـ کتابی بنام «الشهاب فی‌الحکم والآداب» که‌دارای هزارحدیث نبوی ودر ۳۰ باب وبترتیب تهجی‌است ازشیخ یحیی بحرانی میباشد وحدیثهای شیعی‌هم درآن هست (چاپ سنگی نسخ حاج شیخ احمد شیرازی درتهران بسال ۱۳۲۲ در ۶۹ ص وزیری با بیان شهید بکم).

شیخ منتجب الدین قمی در فهرست (ص ٧) می نویسد که سید فخر الدین شیلة بن محمد بن ابی هاشم حسینی امیرمکی دانشمند پارسا برای ما کتاب الشهاب قضاعی را از خود او روایت نمود (مستدرك ـ چلپی ٢ : ٧١).

آغاز : (بسمله) . اخبرنا الشیخ الثقة الامین ابو القسم هبة الله بن علی بن سعود بن ثابت بن هاشم بن غالب الخزرجی الانصاری المعروف بالبوصیری قراءة علیه سنة سبع و تسعین و خمس مائة قیل له اخبر کم الشیخ ابو عبدالله محمد بن برکات بن هلال السعیدی الصوفی النحوی بقراءة ابی اسحق بن ابراهیم بن خاتم الاندلسی فی شهور سنة سبع عشر و خمس مائة بفسطاط مصر فاقر و انعم (قال) حدثنا (القاضی ابو عبدالله محمد بن سلامة بن جعفر بن علی القضاعی) رضی الله عنه (رحمة الله علیه) بمصر فی العشر الاول من ذی الحجة سنة ثلث وخمسین واربع مائة (الحمد لله القادر الفرد الحکیم الفاطر الصمد الکریم باعث نبیه محمد . . . بجوامع الکلم و بدائع الحکم . . . اما بعد فان فی الالفاظ النبویة والآداب الشرعیة جلاء لقلوب العارفین وشفاء لادواء الخائفین .. وقد جمعت فی کتابی هذا مما سمعته من حدیث رسول الله... الف کلمة من الحکمة فی الوصایا و الآداب والمواعظ والامثال .. وجعلتها مسرودة یتلو بعضها بعضا محذوفة الاسانید مبوبة ابوابا علی حسب تقارب الالفاظ . . . ثم زدت (زدتها) مائتی کلمة فصارت الف کلمة و مائتی کلمة و ختمت الکتاب بادعیة مرویة عنه .. وافردت لاسانید جمیعها کتابا یرجع فی معرفتها الیه) ـ آنچه میان دو کمانه گذارده شده از روی دو نسخه است و بیرون آن تنها از روی نسخهٔ ١٠٦٠ میباشد .

انجام : باب (الدعاء الذی یختم به کتاب الشهاب ـ نسخهٔ ٥٠٢/د) اللهم انی اعوذ بك من علم لاینفع . . . رب تقبل توبتی واغسل حوبتی واجب (یا رب) دعوتی (نسخه ٥٠٢/د تا اینجا را دارد) اللهم انی اسئلك عیشة سویة ومیتة نقیة ومردا غیر مخز ولافاضح . تم الکتاب و ربنا محمود وله المکارم والعلی والجود وعلی النبی و آله صلواته مالاح قمری واورق عود

[١٤٦٠]

این نسخه ش ٨ دفتر است و بنسخ و عنوانها زیر خط گذارده شده (گ ٢٤٠ ب ـ ٢٨١ ب) پیش از آن و پس از ش ٤ در گ ٢٤٠ ب دارد : « یتلو هذه الاحادیث النبویة الف کلمة من کلام خیر البریة ... احببت ان اضمها فی هذا الکتاب وهی المترجمة بکتاب الشهاب لفلان نسخة عتیقة مقابلة ، ما صورته : بسمله ، قال القاضی ...» آنچنانکه در بیان آغاز کتاب درمیان دو کمانه گذارده شده . این نسخه با ش ١٠٦٠ در بابها یکی است .

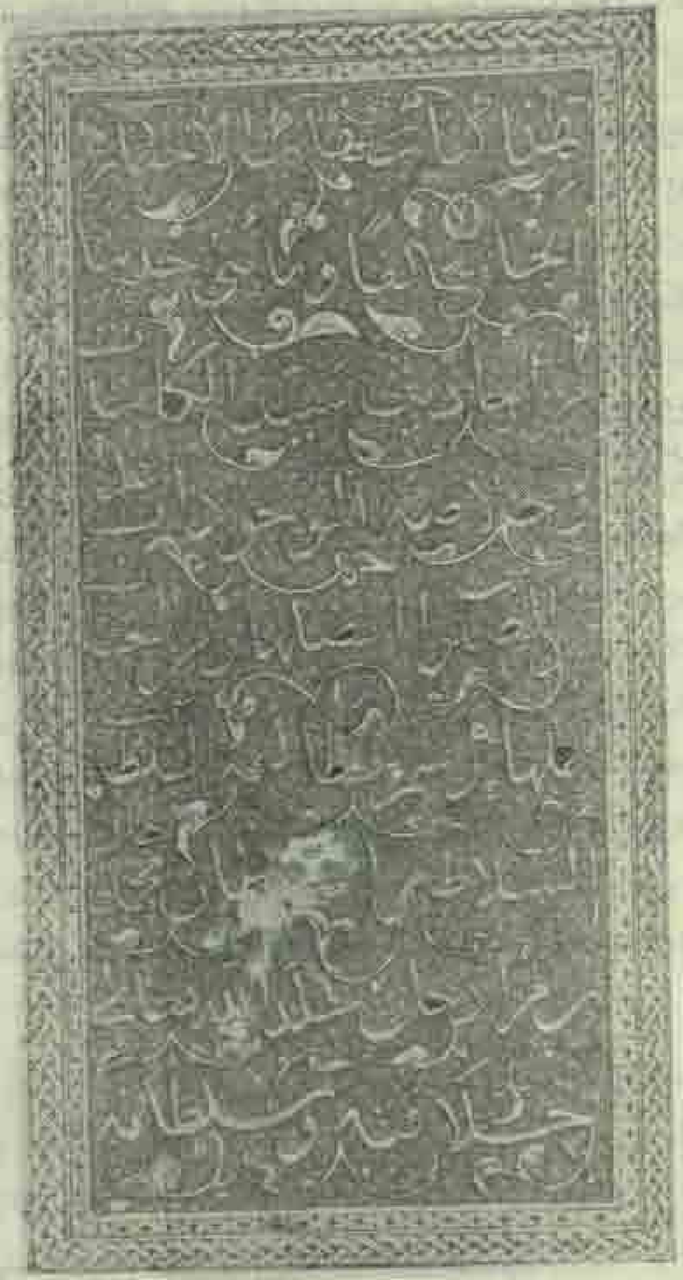
(همهٔ دفتر ٣٣٧ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا وزیر آن تیماج
اندازه ١٤×١٩/٥ ـ ١١×١٨ س ١٦

[١٤٦١]

این نسخه در ١٧ باب بنسخ معرب با نشانه‌های شنگرف و زرین و عنوانها و بابها نیز بشنگرف یا زر است حاشیه‌هائی دارد بنسخ ریزتر و عنوان مطلبها درهامش هم دیده میشود . سرلوحی دارد آراسته و برنگهای زرین وشنگرف و سبز و سرخ ولاجورد که « بسمله » در آن بخط کوفی نوشته شده است . درجدول



گ ١٦٠ الف پایان شهاب الاخبار ش ١٠٦٠



صفحهٔ عنوان شهاب‌الاخبار ش ١٠٦٠

زرین وشنگرف میباشد . درصفحه‌عنوان بزرولاجورددارد : «هذا کتاب شهاب‌الاخبار الجامع الفاً وماتی حدیثاً من احادیث سیدالکائنات . . . برسم مطالعة . . . السلطان محمدخان‌بن مرادخان . . . » پس این نسخه که « معروف » آنرا تصحیح نمود برای سلطان محمدخان پسرمرادخان نوشته شده است .

درروی برگ ٤ پیش‌از برگهای شماره خورده مهر « عبده‌الراجی لطفعلی » دارد وخط ومهردارندهٔ نسخه‌عبدالقاتل‌بن‌مؤیدالدوله‌در تاریخ ١٢٨٠ دراینجا ومهراو زیر برگ ٥٩ الف دیده میشود .

(٣٦٥ر) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی با پوشهٔ تیماج زرکوب
اندازه : ١١ × ١٨ ــ ٥/٥ × ١١ س ١١

صافی (فارسی) [١٢٥٠-١٢٦١]

برهان‌العلماء مولی ابوالمظفرخلیل‌بن غازی قزوینی (١٠٠١ – ١٠٨٩) پس‌از پرداختن بنگارش شافی که گزارشی‌است بتازی بر کافی کلینی‌ودرمکه از ١٠٥٧ آغاز گشته بود، دررمضان سال ١٠٦٤ بدستورسلطان‌محمد شاه عباس دوم‌صفوی (١٠٥٢-١٠٧٧) بگزارش‌فارسی آن در٢ ۱مجلد‌بپرداخت و کتابهای اصول آنرا از عقل تا عشرة که هفت کتاب است و نزدیك بیك چهارم همهٔ کافی درپنجسال تا تاریخ ٢٥ ج ١٠٦٩/٢ گزارش نموده است .

همهٔ این گزارش بیست‌سال بمانند خودکافی طول کشیده ودر ١٠٨٤ بانجام رسید(سر گذشت‌قزوینی درپایان جزء پنجم‌چاپ هند)قزوینی‌دردیباچه‌یادی‌از بیست سال کار کردن کلینی کرده است و در آغاز گزارش فروع کافی چنانکه خواهیم دیدهم گفت که گزارش‌اصول آن که‌نزدیك بیك چهارم‌است درپنج سال‌انجامید . وهمین میرساند که او دوست میداشته که مانند کلینی بیست سال کار کرده باشد . این گزارش فارسی او بهتراست ازگزارش تازی او (روضات ص ٢٦٧) .

دردیباچهٔ صافی آمده که درشعبان ١٠٦٤ شاه عباس دوم که قزوینی اورا وحسینی‌موسوی‌صفوی، میخواند بقزوین آمده و باگرمای تابستان قرآن‌میخواند وروزه‌هم میگرفت . دررمضان همین‌سال شبی‌دانشمندان قزوین‌را بافطارخواند

و از آنها درباره کتابهای حدیث درست دوازده پیشوای شیعی برسید. بمن نگریست و همینکه دانست که بگزارش تازی کافی کلینی میپردازم فرمود که بایست گزارشی دیگر بفارسی بنویسی.

قزوینی مینویسد که من نشانه‌هائی درشاه‌بدیدم که یادو حدیث یادشدهٔ درغیبت طوسی ساز گاری داشت وباو چنین گفتم که در آن کتاب دارد: «ویخرج بقزوین رجل اسمه اسم نبی تسرع الناس الی طاعته المشرك والمومن یملاءالجبال خوفا» نیز: «یخرج رجل من الدیلم یملاءالجبال والسهل والوعور خوفاًومهابة ویسرع الناس الی طاعته البروالفاجر ویؤید هذاالدین» دیلمی که دراین دوجا یاد شده هم نام کویی است که «دولتخانهٔ مبارکه» در آن است و اکنون آنرا «دیلمه کوچه» میگویند وهم نام مردمی است که قزوین درمرز آنهااست پس این دوخبر درست با شاه میسازد. در ص ۱۲۰۷ و پس‌از آن ازاین دو حدیث یاد کرده‌ام ودر بارهٔ دوحدیثی که مجلسی درهمین‌زمینه‌آورده و خرده گیری میرلوحی از آن وهمچنین حدیثهای مانند اینها اند کی بررسی نموده‌ام.

درعباسنامهٔ میرزامحمد طاهرقزوینی (ص ۱۸٤ نیز ص ۱۷۷ و ۱۹۳) هم یادی ازاینگونه دستورهای شاه که بقزوینی و مجلسی بکم داده بود شده است (ص ۱۳٤٦همین فهرست).

گزارش اصول کافی ازصافی درلکهنو، (نولکشور) با تصحیح مولوی‌تصدق حسین صاحب در۷ جزء درسالها۱۳۲۲-۱۳۲٤ (۱۹۰٥-٦) بچاپ رسید. درپایان جزء سوم این چاپ دربارهٔ جزءها وحصه‌های آن گفتگو گردید. هرجزئی یکی از کتابهای اصول است ازعقل تا عشرة (۱).

۱- نیز بنگرید به: فهرست مجلس۲: ٥ ش۳۳ - طوس۱: ٥۰ ش ۱٤۹ تا ۱٥۸ و٥: ۱۱۷ش ٥۹۳ تا ٥۹۷ - ملی۱: ٦٦- سپهسالار۱: ۲٦٥ - قزوینی‌درسیاری ازجاهای همین‌گزارش ازخود نام برده و درپایان کتاب عقیقه خودرا «ابوالمظفر» خوانده است.

[۱٤٦۲]

این نسخه جزء یکم است ودارای کتاب ۱ عقل که درروز آدینه ۲۸ رمضان ۱۰٦٤ آغاز و درروز چهارشنبه ۲۸ محرم ۱۰٦٥ بانجام رسید (۱ ب - ۱۰۷ ب) و کتاب ۲ توحید که درصفر۱۰٦٥ آغازودرروزچهارشنبه ۲٤ محرم ۱۰٦٦ بانجام رسید (۱ب - ۱۷٥ الف) نسخه بخط نستعلیق است باعنوانهای شنگرف ومتن نسخ از محمد باقربن هدایت حسینی که درروز سه شنبه ۱۷ رجب ۱۰۷٥ آنرا بپایان رسانده. خط خوردگیها درآن فراوان وتصحیحات درهامش و پیداست که نسخه اصل میباشد وخود قزوینی درآن دست برده وخط زده وبندهائی افزوده است.

آغاز: بسمله. و به نستعین (وبه نفتی) فتح صافی گنجینه شاهی شرح احادیث کافی رازدازان الهی کشاد نعیم نامتناهی حمد بی‌شریکی است تعالی شأنه که بدلالت کریمهٔ وماکان الناس الاامة واحدة فاختلفوا وکریمهٔ کان الناس امة واحدة فبعث‌الله‌النبیین جمیع افراد انسان را جاهل بغیب ومآل بدعوی واختلاف آفریده تا درهرچه بینکابره اختلاف در آن و دردلیل آن رود وخلایق را احتیاج بکسی که حکم کند در آن شود همگی محتاج بحکم الهی و کتاب سماوی باشند... چنین گوید... خلیل‌بن‌الغازی القزوینی ... که درشعبان هزاروشصت وچهارهجری ... پادشاه زمان ... السلطان محمدالملقب بشاه عباس ثانی الحسینی الموسوی‌الصفوی ... در ... قزوین ... نزول اجلال نمود ... درماه رمضان ... قصد ثواب افطار روزه‌داران ... باحضار علما ... فرمان داد ... التفات بااین بی‌مقدار کرده شغل شرح‌کافی کلینی مسمی بشافی رامعلوم ساخت پس ... فرمان ... صدور یافت بشرحی دیگر بر کافی بزبان فارسی ... تا جمیع خلایق ... بسهولت دریابند.

انجام: تمام شد کتاب عقل و توحید ازجمله کتاب کافی ولاحق میشودآنرا کتاب الحجة که جزء دوم‌است ... وحمدالله واست اولا و آخراً وظاهراً و باطنا. فرغ‌الشارح خلیل بن الغازی‌القزوینی ... یوم‌الاربعا الرابع والعشرین من شهرمحرم‌الحرام سنة ست وستین والف الهجریة (من‌الهجرة) النبویة‌المصطفویة. هزاران درود و هزاران سلام زما برمحمد وآلش تمام.

(بلغ ثالثاً وصحح بقدرالجهد والطاقة فی مجالس آخرها یوم...

(۱۰۷+۱۷٥=۲۸۲گ) - کاغذ ازمه - لیماج مشکی ضربی زرکوب متوالی با برگردان اندازه: ۱۷ . ۳٦ و ۱۰ . ۱۸/٥ س ۳۱

[۱٤٦۳]

این نسخه نیز دارای دو کتاب است: عقل در گ ۱ ب - ۱۲۳ ب و توحید ۱۲٥ ب - ۳۰۲ب. خط آن نسخ ومتن زیرخط سرخ وافزوده‌های قزوینی

نستعلیق میباشد . پیداست که قزوینی درآن‌هم مانند نسخهٔ ش ۶۷۹ دست برده وخط زده و بخط خود افزوده است . در ۳۰۲ ب دارد : « بلغ سماعنا ایده‌الله تعالی » با مهری که خوانده نمیشود . خلیل حسینی دارندهٔ آن بوده است . باز دارد : « بلغ ثانیا » و « بلغ ثالثاوصحح بقدرالجهدوالطاقة فی مجالس آخرها یوم‌الاربعا غرة شهر جمادی‌الآخرسنة مائة والف (۱۱۰۰) هجریة وانا المحتاج الی رحمة ربه محمدحسین‌بن الحاج افضل بیك عفی عنهما » در برگ ۱۲۳ ب دارد : « بلغ نظراً فی یوم‌الاثنین من شهر رمضان‌المبارك سنة ۱۰۷۹ وبلغ قراءة» نیز « بلغ تاتأمع‌النسخة‌المصححة وصحح بقدرالجهد والطاقة فی مجالس آخرها یوم‌السبت‌الثانی عشر من شهرجمادی‌الاولی من شهورسنة مائة والف هجریة . الحمدلله‌وصلی‌الله علی‌محمدوآله . وکتبه محمدحسین‌بن الحاج افضل بیك عفی‌عنهما » .

در برگ ۱ الف نوشته شده که : نسخه در۱۵ شعبان ۱۲۹۶ بسفارش بهرام از در آمد دو کشت‌زاد موران و طهرانچی بدست آمده و بردانشجویان سپاهان وقف گردید مگر اینکه در رمضان هرسال باید آنرا ببینند . مهر « عبده‌الراجی محمد جعفربن محمد موسوی » در اینجا هست واو این وقفنامه را نوشته است . در این تاریخها بودکه روی همین نوشته این نسخه دیده شده است : ۱۷ رمضان و پایان شوال ۱۲۹۹ و۱۳ ذی‌قعدهٔ۱۳۰۱ و۲۵ رمضان۱۳۰۲ و۳ ذی‌قعدهٔ ۱۳۰۲ و ۵ شوال ۱۳۰۳ و ۲۵ رمضان ۱۳۰٤ و۲٤ رمضان ۱۳۰۵ و ۲٦ رمضان ۱۳۰٦ و۲٤ ذیحجه ۱۳۰۷و۲۱ رمضان۱۳۱۱ و ۱٤ رمضان۱۳۱۲ و۱۷ ذی‌قعده ۱۳۱٤ ورمضان۱۳۱٦ و ۲ ذی‌قعده ۱۳۱۸ .

آغاز وانجام آن نزدیك به ش ۶۷۹ میباشد .

(۳۳۰۲ه) ـ کاغذ ترمهٔ‌آهارمهره ـ جلد تیماج تریاکی زرکوب وکارهٔ‌آن مشکی ومقوائی

اندازه ، ۱٦×۲۸ و ۱۰×۲۰ س ۲۹

[۱٤٦٤]

این نسخه دوجزء کتاب‌الحجة (جزء۲۰) است که نخستین را درمحرم ۱۰٦٦ آغاز ودرروزچهارشنبه ۲۷ محرم ۱۰٦۷ بپایان رسانده (۱ب ـ ۳۳۳ الف) ودومین (از باب ۸۱ و پس‌ازآن) را درروز آدینهٔ ۲۳ ج ۱۰٦۷/۱ درقزوین بانجام رسانده (۳۳٤ب‌ـ۶۰۰الف) خط آن نستعلیق‌ومتن نسخ وعنوانها شنگرف است . خط خوردگیها میرساند که نسخهٔ اصل دست قزوینی میباشد .

آغاز : بسمله . و به نقتی . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی محمد وآله‌الحجج المعصومین و بعد چون فقیر حقیر خلیل بن‌الغازی‌القزوینی . . . مأمور شد بصافی شرح

کافی ... کلینی بزبان فارسی وبانجام رسانید شرح کتاب‌العقل و کتاب‌التوحید را آغاز نمود شرح کتاب‌الحجه را که کتاب سیوم است از سی وسه یا سی وچهار کتاب که جزء کافی است بتاریخ محرم سال هزاروشصت وشش هجری .

انجام : فرغ‌الشارح خلیل بن‌الغازی‌القزوینی . . . من تحریره فی یوم‌الجمعة الثالث‌والعشرین من‌جمادی‌الاولی سنة سبع وستین والف هجریة بدارالموحدین‌قزوین وصلی‌الله علی محمد وآله‌المعصومین .

هزاران درود و هزاران سلام ز ما برمحمد وآلش تمام

(۳٦۰۰ه) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد حاشیهٔ آن سرخ وبابرگردان

اندازه ، ۲۰×۳٦ و ۱۰/۵×۱۷/۵ س ۲۰

[۱٤٦۵]

این نسخه بنستعلیق ومتن بنسخ وزیرخط سرخ باعنوانهاونشانه‌های شنگرف میباشد . تابرگ۱۲ تازه‌تراست وازبرگ۱۳ تاپایان بگواهی خط‌خوردگیها و تصحیحات نسخهٔ اصل است . کتاب ایمان و کفر آنچنانکه درجاپی آمده دو حصه میباشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی حبب الینا‌الایمان وکره الینا‌الکفر والفسوق والعصیان ... چون بتوفیق الهی وتوجه بادشاهی این حقیرسراپا تقصیر خلیل بن‌الغازی القزوینی ... بشرح کتاب‌کافی ... کلینی . بزبان‌فارسی وبانجام‌رسانید شرح کتاب‌العقل و کتاب‌التوحید و کتاب‌الحجة را شروع نمود درشرح کتاب‌الایمان والکفر که کتاب چهارم است از کتب کافی بتاریخ جمیدی‌الاولی سال هزاروشصت وهفت هجری .

انجام : بیست ویکم اصل . (ازباب۲۰۳) عن سماعة عن ابی عبدالله قال سمعته یقول اصبروا علی طاعةالله وتصبروا عن معصیةالله فانما‌الدنیا ساعة .

(۳۰۱ه) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوای له میش

اندازه ، ۲۰×۳۰ و ۱۲×۲۲ س ۲۲

[۱٤٦٦]

این نسخه بخط نستعلیق‌ومتن آن بنسخ‌وعنوانها شنگرف‌میباشد . خط‌خوردگیها دارد ودر پاره‌ای جاها بحاشیه رفته است .

در ص ۲٦۹ دارد : « الملك لله وانامملوکه » با مهر « اللهم صل علی محمد وآل محمد» چنین است کتابهای ۵ تا ۷ :

۵: دعا ازج۱۰٦۰/۲ تاپنجشنبه۱۵ع۱۰٦۹/۲ (درنسخه‌های ما نیست) ٦: فضل قرآن از ع ۱۰٦۹/۲ تا روزشنبه ۲۲ ج ۱۰٦۹/۱ ودرنسخهٔ ما ازآغاز کم دارد .

۷: عشرة که درفروردین وروز چهارشنبه ۲۵ ج۲/۱۰۶۹ بپایان رسید. آغاز نوروز این سال درشب آدینه ۲۷ بوده است . این کتاب درنسخهٔ ما ازپایان کم دارد .

آغاز کتاب فضل القرآن درنسخهٔ ما (ص ۱ــ۲۶۷): نمیشود دراینکه برای افادهٔ تازه باشد ... با توقف بعض حوادث بر بعضی دیگر (باندازه ۷ سطر ویك سوم سطر که روی آن خط کشیده شده) پس چنانچه اگر کسی از گرسنگی آزار داشته باشد و داند که دفع گرسنگی موقوف بر خریدن طعام و تناولست و عمداً ترك کند . . . چهارم . اصل : عن ابی عبدالله ... قال من لم یسأل الله .

انجام آن : تمم الشارح خليل بن الغازى القزوينى ... شرح هذا الكتاب فى يوم السبت الثانى والعشرين من جمادى الاولى سنة تسع وستين والف هجريه ...

هزاران درود و هزاران سلام ز ما برمحمد و آلش تمام

(بلغ مقابلة) .

آغاز كتاب العشرة (ص ۲۷۰ــ۶۰۶) که در ج ۱/۱۰۶۹ بوده است : بسمله . وبه نستعين . اصل : كتاب العشرة . شرح : کتاب هفتم ازسی وسه یا سی وچهار کتاب که جزء کتاب کافی ... کلینی ... است .

انجام آن درنسخهٔ ما : چهاردهم . اصل : عن على بن جعفر بن ميسر قال لما قدم ابوعبدالله ... اكفنى شر عبدالله بن على . مولى بمعنى ملازم مخصوص است ... ورابع شود بآنچه .

در بالای صفحه ۲۷۰ دارد : الحمدلله رب العالمين . . . فقير حقير خليل بن الغازى القزوينى مأمور شد بصافى شرح کافی ... کلینی داری و بانجام رسید شرح كتاب العقل و كتاب التوحيد و كتاب الحجه و كتاب الايمان والكفر و كتاب الدعا و كتاب فضل القرآن شروع نموده درشرح كتاب العشرة که کتاب هفتم است بتاریخ شهر جمادى الاولى سال هزاروشصت ونه هجری والله المستعان .

(۳۰۴گ) ــ کاغذ ترمهٔ موریانه خورده ــ جلد تیماج مشکی ضربی فرسوده

الدازه ، ۵/۱۶ × ۵/۲۴ و ۱۰ × ۱۷ س ۲۱

[۱۴۶۷]

۶۷۱ این نسخهٔ پاکیزه بنستعلیق و متن بنسخ زیر خط سرخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است و محمدمعین بن محمدفصیح در۱۲ شعبان۱۱۲۵ آنرا نوشت ، در آن کتاب (۸ تا ۱۰) طهارة، حیض، جنائز است (گ ۱ ب ــ ۱۷۳ الف) که درشوال ۱۰۶۹ آغاز وروز یکشنبه ۲۳ رجب ۱۰۷۰ پایان یافت و کتاب (۱۱) صلوة که دررجب ۱۰۷۰ آغاز ودرروز پنجشنبه ۱۰ ج ۱۰۷۱/۲ بانجام رسید (۱۷۴ ب ــ ۳۷۳ الف)

محمد باقر بن محمدتقی موسوی و محمد جعفر بن محمد باقر شریف سبزواری

ومحمدالدین داربندهٔ نسخه بوده‌اند و سه مهر آنها در گ ۱ الف هست . در گ ۳۷۳ الف دارد : «بلغ» .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمين حمداً كثيراً ... چون فقیرحقیرخلیل بن غازی القزوینی ... بیاری توفیق الهی وفرمان واجب الاتقیادعالیحضرت ظل اللهی اعنی نواب اشرف اقدس اعلی . . . ابوالمظفر شاه عباس ثانی حسینی صفوی ... درشوال سنهٔ هزاروشصت وچهارهجری شروع درشرح صافی کتاب کافی . . . کلینی . . . نمود شرح اصول آن که مشتمل است بر کتاب العقل و کتاب التوحید و کتاب الحجة و کتاب الايمان والكفر و کتاب الدعا و کتاب فضل القرآن و کتاب العشرة درعرض پنجسال پیرایهٔ انجام پوشیده و چون اصول کتاب مذکور تخمیناً ربع آنست اتمام شرح آن درمدت مذکوره با آنچه منقول است که مصنف . . کافی را درعرض بیست سال باتمام رسانیده مطابق افتاد اکنون که شوال هزار وشصت ونه هجری است شروع درشرح باقی آن نموده .

انجام : این آخر کتاب صلوة است از کتاب کافی ... کلینی ... وسپاس الله راست و درود کداداللّه تعالی برمحمد و آل او و محبوبان او که پاکیزگان الله و درعقب او میآید کتاب الزكوة . فبوفق الشارح خلیل بن الغازی القزوینی ... لاتمام شرح هذا الكتاب فى يوم الخميس عاشر شهر جمادى الثانية سنة احدى وسبعين والف من الهجرة النبوية المصطفوية (وفرغ من تحريره . . . ابن محمد فصيح محمد معين فى اثنى عشر شهر شعبان المعظم من شهورسنة ۱۱۲۵ خمس وعشرين ومائة والف من الهجرة) .

(۳۷۳گ) ــ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ــ جلد تیماج مشکی زرکوب متوالی با برگردان

الدازه : ۱۹ × ۲۷ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۷

[۱۴۶۸]

۶۷۲ این نسخه بهمانگونه خط ش ۶۷۱ میباشد و متن معرب است . سلیمان بن شهاب الدین محمد شالی درمدرسهٔ خلیلیهٔ قزوین درروز یکشنبه ۳ ذیقعدهٔ ۱۱۱۵ کتاب زکوة را بانجام رسانده . کتاب صوم واعتکاف بنسخ باعنوانهای شنگرف وبا متن معرب است از۱۰۷ تا۱۷۰ ولی از۱۷۱ تا پایان مانند زکوة وماناً خط همان شالی میباشد . برگ یکم بریده شده وعبارتهایی رفته است. درپایان هم کمبودی دارد . چند برگ آغازوانجام وصالی شده‌است . ازبرگ ۱۶ هم اندکی رفته وکاغذ روی آن چسبانده وعبارت ازگوشهٔ بالا رفته است .

چنین است کتابها :

۱۲ زکوة ۱ ب ــ ۱۰۶ ب از ج ۱۰۷۱/۲ تا شب چهار شنبه ۲۳ ع ۱۰۷۲/۱

۱۳ صوم واعتکاف و نوادر ۱۰۷ ب ــ ۲۰۹ ب که در ع ۱۰۷۲/۲ آغاز شده است .

آغاز : بسمله . وتستعین . الحمدلله رب العالمین ... چون فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی مأمور (شد) بشرح کافی ... وبانجام رسید شرح کتاب العقل ... و کتاب الصلوة شروع نمود در کتاب الزکوة که کتاب دوازدهم است بتاریخ شهر جمادی الثانیة سال هزار و هفتاد (ویك) (میانه دو کمانه رفته وبقرینه خوانده شدم)

انجام : که هر سریکه موسی میدانست و بوصی خود گفته بود تو بر آن مطلع - اصل : قال ثم اخرج من قبائه کتابا ... واخبرنی ما اسمك (از باب ٨٣ النوادر اصل ٧) .

(٣٢١٣ب) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی ضربی با برگردان
اندازه : ٣٠ × ٢٩ و ١٣ × ٣٠ س ٣١

[١٤٦٩]

٦٧٢ این نسخه کتاب ١٤ درحج است بهمانگونه خط ش ٦٧١ میباشد و محمد معین بن محمد فصیح در ذی حجه ١١٢٥ آنرا نوشته است . محمد باقر بن محمدتقی موسوی (با مهر) و کس دیگر که در ش ٦٧١ یادشده دارندهٔ نسخه بوده‌اند .

آغاز : الحمدلله الذی جعل الکعبة البیت الحرام قیاماً للناس ... چون همگی همت والانهمت ... نواب همایون اشرف اقدس اعلی ... متوجه است برواج مذهب حق ائمة اثنی عشر ... مأمور ساخت داعی دولت قاهره خلیل بن الغازی القزوینی را بشرح کافی ... بزبان فارسی و بانجام رسید شرح کتاب العقل ... و کتاب الصیام شروع نمود در شرح کتاب الحج که کتاب چهاردهم است بتاریخ شعبان ... سنة اثنین وسبعین والف .

انجام : تمام شد کتاب حج ... ولاحق میشود آن را کتاب جهاد ... قدوفق الله تعالی الشارح خلیل بن الغازی القزوینی ... لاتمام شرح هذا الکتاب ... فی یوم السبت سلخ شهر شعبان ... سنة اربع وسبعین والف هجریة حامداً مصلیا (وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین فی شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة خمس وعشرین ومائة والف) .

(٣٣٠١ب) ـ کاغذ وجلد مانند ش ٦٧١
اندازه : ١٨ × ٣٢ و ١١/٥ × ٢١ س ٢٧

[١٤٧٠]

٦٧٤ این نسخه بهمانگونه خط ش ٦٧١ از همان نویسنده که در نیمهٔ ذیحجهٔ ١١٢٣ نوشته شده است . در گ ٢٤٨ الف دارد : «بلغ» همان سبزواری ومجدالدین دارندهٔ نسخه بوده‌اند (با مهرها) چنین است کتابها :

١٥ جهاد گ ١ ب ـ ٥٥ الف ازروز یکشنبه از رمضان ١٠٧٤ تا نیمهٔ روز پنجشنبه ٢٥ شوال ١٠٧٤ .

١٦ معیشة یا تجارة ٥٥ ب ـ ٢٤٨ الف از پنجشنبه ٢٥ شوال ١٠٧٤ تا روز دوشنبه ١٧ ذی قعدة ١٠٧٥ .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی فضل المجاهدین باموالهم وانفسهم علی القاعدین ... چون امر نواب همایون ... پادشاه ممالك اسلام ... صادر شد که داعی ... خلیل بن الغازی القزوینی بزبان فارسی شرح نماید کتاب کافی ... را وبانجام رسید شرح چهارده کتاب از آن که کتاب العقل ... و کتاب الحج است آغاز شرح کتاب پانزدهم نمود که کتاب الجهاد است در یوم الاحد غرة شهر رمضان ... سنة اربع وسبعین والف هجریه .

انجام : کامل شد کتاب المعیشه ولاحق آن میشود ... کتاب النکاح از جمله کافی ... فرغ الشارح خلیل بن الغازی القزوینی ... من شرح هذا الکتاب من جملة شرحه للکافی المسمی بالصافی فی یوم الاثنین السابع عشر شهر ذی القعدة سنة خمس و سبعین و الف هجریة حامداً مصلیا مسلما .

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد و آلش تمام

(وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین فی منتصف شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة ثلث وعشرین ومائة بعد الالف)

(٣٢٤٨ب) ـ کاغذ وجلد مانند ش ٦٧١
اندازه : ١٩ × ٣٧ و ١٤ × ٣١ س ٢٧

[١٤٧١]

٦٥٧ این نسخه بهمانگونه خط ش ٦٧١ از همان نویسنده که در شعبان ١١٢٣ آنرا بانجام رسانده . همان سه کس دارندهٔ نسخه بوده‌اند .

چنین است کتابها :

١٧ نکاح گ ١ ب ـ ٢٠٩ الف از شنبه ١٢ محرم ١٠٧٦ تا چهارشنبه ١١ محرم ١٠٧٧ .

١٨ عقیقه گ ٢١٠ ب ـ ٢٤٣ الف از چهارشنبه ١١ محرم ١٠٧٧ تا روز شنبه ١٧ صفر ١٠٧٧ .

١٩ طلاق گ ٢٤٣ ـ ٣٢٦ الف از یکشنبه ٢٠ صفر ١٠٧٧ تا شنبه ٢١ ج ١٠٧٧/٢ .

آغاز : بسمله . الحمدلله علی بلوغ الصافی شرح الکافی کتاب النکاح ... چون حکم نواب جهان مطاع ... صادر شد باینکه داعی ... خلیل بن الغازی القزوینی بزبان فارسی شرح کند کتاب کافی ... را بانجام رسید شرح کتاب العقل ... و کتاب المعیشة آغاز شرح کتاب النکاح نمود که کتاب هفدهم است از جمله سی وسه یا سی وچهار کتاب کافی بتاریخ شنبه دوازدهم محرم هزار و هفتاد وشش هجری .

انجام : تمام شد کتاب طلاق ... ومتصل میشود بآن کتاب العتق والتدبیر والکتابة ...

فرغ من املاء شرح کتاب الطلاق ... خلیل بن الغازی القزوینی ... فی یوم السبت الحادی والعشرین من جمادی الاخرة سنة سبع وسبعین والف هجریة حامداً مصلیاً مسلماً) وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین فی شهر شعبان ۱۱۲۳).

(۳۳۲٦ک) ـ کاغذ و جلد مانند ش ٦۷۱

اندازه: ۱۸ × ۲۷ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۷

[۱٤۷۲]

این نسخه دارای کتاب ۲۰ تا ۲٦ و بهمانگونه کاغذ و خط ش ٦۷۱ از همان نویسنده که در ع ۱۱۲٦/۲ نوشته شده است.

آغاز: بسمله. الحمد لله الذی اعتق رقاب المؤمنین ... چون فقیر حقیر خلیل بن (الغازی القزوینی) ... مأمور شد بصافی شرح کتاب کافی ... و بانجام رسید (شرح کتاب العقل) ... (و کتاب الطلاق) شروع نمود در شرح کتاب بیستم ... بتاریخ سه شنبه بیست وچهارم شهر جمادی الآخر هزار و هفتاد و هفت (آنچه میانهٔ دو کمانه گذارده شده مرفته و بقرینه خوانده شده است)

انجام: تمام شد کتاب دواجن ... ولاحق میشود آنرا کتاب وصایا ... فرغ الشارح خلیل بن الغازی القزوینی ... من املاء شرح هذا الکتاب من الصا فی ... یوم الخمیس الثامن والعشرین من شهر جمادی الآخر سنة ثمان وسبعین والف بمعروسة قزوین حامداً مصلیاً مسلماً) وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین فی یوم الجمعة ثانی عشر ربیع الثانی سنة ست وعشرین ومائة والف).

چنین است کتابها:

(۲۰) عتق گ ۱ ب ـ ۱۸ الف در رجب ۱۰۷۷ بانجام رسید.

(۲۱) صید گ ۱۹ ب ـ ۳٤ الف ۳ شنبه ۲۹ رجب ۱۰۷۷ تا پنجشنبه آخر شعبان ۱۰۷۷.

(۲۲) ذبایح گ ۳۵ ب ـ ٤٤ الف از روز آدینه ۱ رمضان ۱۰۷۷ تا روز پنجشنبه ۱٤ رمضان ۱۰۷۷.

(۲۳) اطعمه گ ٤۵ ب ـ ۱۵۰ الف در روز یکشنبه ۳ محرم ۱۰۷۸ بانجام رسید.

(۲٤) اشربه گ ۱۵۱ ب ـ ۲۰۰ الف از ۳ شنبه ٦ محرم ۱۰۷۸ تا روز ۵ شنبه ۲۰ صفر ۱۰۷۸.

(۲۵) زی وتجمل و مروة گ ۲۰۱ ب ـ ۲۷۰ الف از شنبه ۲۲ صفر ۱۰۷۸ تا روز پنجشنبه ۷ ج ۱۰۷۸/۲.

(۲٦) دواجن گ ۲۷۱ ب ـ ۲۸۵ الف از ۲ شنبه ۱۱ ج ۱۰۷۸/۲ تا روز پنجشنبه ۲۸ ج ۱۰۷۸/۲.

(۳۳۲۹ک) ـ کاغذ ارمهٔ آهارمهره ـ جلد تیماج مشکی ساده متوالی

اندازه: ۱۸ × ۲۷ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۷

[۱٤۷۳]

این نسخه دارای کتاب وصایا است تا نذور و کفارات (۲۷ ـ ۳۳) خط آن مانند ش ٦۷۱ از همان نویسنده که در شعبان ۱۱۲۳ نوشتن آنرا بانجام رساند. همان سه کس دارندهٔ نسخه بودند و نیز عبدالباقی بن محمد حسین حسنی حسینی که خط او در گ ۱ الف هست.

چنین است کتابها:

(۲۷) وصایا گ ۱ ب ۵۸ الف از ۲۸ ج ۱۰۷۸/۲ تا روز یکشنبه ٦ رمضان ۱۰۷۸

(۲۸) مواریث گ ۵۸ ب ـ ۱۳٤ الف از روز یکشنبه ٦ رمضان ۱۰۷۸ تا روز سه شنبه ۱۲ ذی قعدهٔ ۱۰۷۸.

(۲۹) حدود گ ۱۳٤ ب ـ ۱۹۸ الف از سه شنبه ۱۲ ذی قعدهٔ ۱۰۷۸ تا روز یکشنبه ٦ محرم ۱۰۷۹ در قزوین.

(۳۰) دیات گ ۱۹۸ ب ـ ۲۸۳ الف از شنبه ۱۲ محرم ۱۰۷۹ تا روز آدینه ۲۲ ع ۱۰۷۹/۱ در قزوین.

(۳۱) شهادات گ ۲۸۳ ب ـ ۳۰۳ الف از شنبه ۲۳ ع ۱۰۷۹/۱ تا روز شنبه ۸ ع ۱۰۷۹/۲.

(۳۲) قضایا و احکام گ ۳۰۳ ب ـ ۳۲٦ الف از شنبه ۸ ع ۱۰۷۹/۱ تا روز شنبه ۲۹ ع ۱۰۷۹/۲ در قزوین.

(۳۳) ایمان ونذور و کفارات گ ۳۲٦ ـ ۳٤۷ الف از شنبه ۲۰ ع ۱۰۷۹/۲ تا روز دوشنبه ۲۲ ج ۱۰۷۹/۱ در قزوین و نوید میدهد که روضه را هم گزارش بنویسد.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین ... چون فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی ... مأمور شد بصافی شرح کافی ... و بانجام رسید شرح کتاب العقل ... و کتاب الدواجن شروع نمود ... بتاریخ پنجشنبه بیست وهشتم جمادی الآخر سال هزار و هفتاد و هشت هجری در شرح کتاب بیست و هفتم.

انجام: این آخر کتاب الایمان والنذور والکفارات است ... قد فرغ ... خلیل بن الغازی القزوینی ... من املاء شرح هذا الکتاب ... ویتلوه شرح کتاب الروضة فی دار الموحدین قزوین ... فی یوم الاثنین الثانی والعشرین من شهر جمادی الاولی سنة تسع وسبعین والف هجریة حامداً مصلیاً مسلماً.

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد و آلش تمام

(وفرغ من تحریره ... ابن محمد فصیح محمد معین ... فی شهر شعبان ... سنة ثلث وعشرین ومائة والف ۱۱۲۳).

(۳۳۲۸ک) ـ کاغذ و جلد مانند ش ٦۷۱

اندازه: ۱۸ × ۲۷ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۷

[۱۴۷۴]

۹۷۸ این نسخه بخط نستعلیق خوش ومتن شیخ معرب بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد دو برگ پایان وصالی شده وپاره‌ای از عبارتها رفته است واندکی از تاریخ پایان گزارش دیده میشود . فهرستی از مطلبها درجدول دارای خانه‌های چهار گوش هست وخطوط ورقم آن بشنگرف ونوشته‌ها مشکی است واز پنج برگ پیش از کتاب که خودآن شماره گذاری شده است . شماره‌ها گویا از نویسندهٔ نسخه است ولی غلط چنانکه بجای ۱۲۴ دارد : ۱۰۲۴ و فهرست از عبارت « نوزدهم در تسبحت ۱۰۱۶ (درست آن ۱۱۶ است) » آغاز و تا پایان کتاب است . چند صفحه‌ای از فهرست افتاده است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله وشیعتهم المقتفین لآثارهم الذین آمنوا وعملوا الصالحات فهم فی روضة یحبرون و بعد چون فقیر حقیر خلیل بن الغازی القزوینی مأمورشد بصافی شرح کافی ... کلینی بزبان فارسی واتمام رسانید شرح سی و سه کتاب را شروع نمود درشرح کتاب الروضة که شیخ ابوجعفر طوسی ونجاشی وغیرهما آنرا آخر کتب کافی شمرده‌اند بتاریخ سه شنبه هیجدهم شوال سال هزاروهشتاد .

انجام : الف هجریة وقدتم شرح .. الرجال فی یوم السبت ...

دردیباچه میگوید : «روضه چمن ومرغزار خوش آب وگیاه وگلهای رنگارنگ است چون این کتاب خوش کننده خواننده را » .

(۳۳۹۹هـ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ سادهٔ تودو

اندازه ، ۲۰×۳۲ و ۱۱ : ۱۳ ، ۳۷ س

[۱۲۶۲] الصحیفة الرضویة (عربی)

این دفتر درنسخه‌هائی گوناگون دارای صد تادویست یااندکی بیش اسنادا ست ودرهر اسنادی یك یا دو سه خبر وحدیث خورد وبزرگ هست وهمهٔ این حدیثها دربارهٔ اخلاق دینی وعقائد شیعی میباشد. آنرا صحیفة الرضا یامسندالرضا یاالرضویات یا صحیفهٔ رضویه خوانده واز پیشوای هشتم شیعی دانسته‌اند . پیداست که کسی آن خبرها با سند روایت خود یکجا گردآورده است . دربحار (۱ : ۱۲) آمده که « صحیفة الرضا » درمیان سنی و شیعی شهرت دارد و ابن طاوس آنرا بسند

خود از طبرسی آورده است و من در نسخه‌های کهن سند آنرا تاطبرسی دیده‌ام . زمخشری در ربیع الابرار گفته که یحیی بن الحسین میگفته است که اگر اسناد آنرا بر گوش دیوانه بخوانند به میگردد . نجاشی در سر گذشت عبدالله بن احمد بن عامر طائی آورنده این حدیثها ازاو وپدرش ستوده است . این صحیفه اصلی است مشهور ومن بدان میگرایم .

این بود آنچه که درنسخهٔ چاپی بحار مجلسی (فصل دوم جلد یکم) دیده شده وشگفت است که درنسخهٔ ش ۵۲۷ دانشگاه گ ۷ ب بجای این مطلب دارد : «رسالة صحیفة الرضا ع ایضاً مع اشتهارها فی مرتبة المراسیل لا المسانید وان شاهدت فی بعض النسخ له اسناداً الی ابی علی الطبرسی ره لکنه غیرمعلوم عندی » .

درهمین بحار (ج ۱ ف ۱ ص ۶ چاپی ونیز خطی) دارد : « رسالة (کتاب) صحیفة الرضا المسندة الی شیخنا ابی الطبرسی رحمه‌الله باسناده الی الرضا » چنین برمیآید که مجلسی در آن تردید داشته است .

اینك هشت سند روایت آن :

۱ـ امین‌الدین ابی علی فضل بن حسن طبرسی (۴۷۰-۵۴۸) در روز پنجشنبه یکم رجب ۵۲۹ ازسید ابی الفتح عبدالله بن عبدالکریم بن هوازن قشیری دردرون قبه و گنبد آرامگاه امام رضا دریکم رمضان ۵۰۱ از ابوالحسن علی بن محمد بن علی حاتمی زوزنی در ۴۵۲ از ابوالحسن احمد بن عبدالله بن محمد بن هارون زوزنی درهمان شهر زوزن از ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد حفدة العباس بن حمزهٔ نیشابوری در ۳۳۳ تا ۳۳۷ ازعبدالله بن احمد بن عامر طائی دربصره از پدر خود در ۲۶۰ از رضا در ۱۹۴ از پدر خود از پدرانش تا پیامبر از جبرئیل از خداوند (روضات ۴۹۰ ـ مقابس ۱۴ ـ مستدرك ۳ : ۳۳۵ ـ وسائل فائده ۵ درفهرست کتابها ـ فهرست طوس نسخهٔ ش ۹۹۵ تاریخ ۸۸۱ ومقابله شده بانسخهٔ تاج‌الدین شیخ حسین بن ساعد در آغاز رجب ۱۰۸۶ نیز دو نسخهٔ ۶۰۰ و ۶۰۱ ـ آغاز

نسخهٔ چاپی) (۱) .

۱ــ طبرسی امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن الحسن الفضل مشهدی شهید ادیب شاعر مفسر ریاضی فقیه از مردم تفرش میان کاشان وسپاهان بوده ودوستاباد طوس میزیست و در ۵۲۳ از آنجا بسبزوار رفته بود و مدرسهٔ دروازهٔ عراق را داشت گویند که او در دههٔ هفتاد پس از ۴۰۰ زاده است و درست هم هست چه او مجمع‌البیان را که در ده جلد وبنام ابی منصور محمد بن یحیی بن هبة‌الله حسینی نقیب ساخته است در نزدیك به ۶۰ سالگی و سر پیری نوشته وجلد یکم آنرا درروز شنبه سه‌روز مانده از شعبان ۵۳۰ (پایان جلد۱ درچاپ ۵۶ــ۱۳۳۳ صید ۱ ص ۲۷۰ پیش از تفسیر آیهٔ صیام سورهٔ بقره که این تاریخ آمده ولی درچاپهای ایران سال۱۲۷۵ ج۱ وص۱۱۶ ج۱ سال۱۳۰۴ دیده نمیشود) و جلد دهم را درروز پنجشنبه نیمهٔ ذی‌قعدهٔ ۵۳۶ بپایان رسانده مانا درشش سال این تفسیر انجام یافت .

او پس از دیدن کشاف زمخشری (۴۶۷ــ۵۳۸) که درمکه درنیمهٔ روز دوشنبه ۲۳ ربیع دوم ۵۲۴ در دوسال وسه ماه نوشته شده بود از آن گزین نموده الکافی الشافی که تفسیر کوچك او است و در یك جلد نگاشته است و پس از آن بدرخواست پسرش ابونصر رضی‌الدین حسن جوامع‌الجامع را که تفسیر میانین او است ودر ۴ جلد دردوازده ماه ازروزشنبه ۱۸صفر۵۴۲ تا ۲۴ محرم ۵۴۳ آنگاه که بیش از ۷۰ سال داشته بود بپرداخت (چاپ ۱۳۲۱ ــ ذریعه ۵ : ۲۴۸ ــ فهرست طوس ۴ : ۴۳۱ ــ فهرست سپهسالار ۱ : ۱۰۸) .

طبرسی درشب دهم ذیحجه ۵۴۸ درسبزوار در گذشت وتابوتش را بطوس بردند ودر آنجا بخاك سپرده شد (تاریخ بیهق ص ۲۴۲) و گویند که او در نودسالگی بسال ۵۵۲ در گذشت (روضات ۴۸۹ـ مستدرك۴۸۶ـ فهرست طوس ۴ :۴۵۱ـ سپهسالار ۱ : ۱۶۷ ــ سر گذشت او در آغاز و پایان مجمع‌البیان چاپهای ایران و صیدا) .

طبرسی جواهر الجمل فی النحو یا جواهر النحو را بپیروی از عبدالقاهر گرگانی (م ۴۷۴) هم برای همین نقیب (امیر صفی‌الدین ابی‌منصور محمد بن یحیی بن هبة‌الله حسینی) نوشته‌است ودرفهرست طوس (۷/۲) باشتباه آنرا از ابی‌علی فارسی پنداشته‌اند (ذریعه ۵ : ۲۶۶) .

نقیبی که مجمع‌البیان بنامش نوشته شده آنچنانکه ازتاریخ بیهق (ص ۵۷ و ۵ــ ۲۵۳) برمیآید همان سید اجل جلال‌الدین یاصفی‌الدین ابومنصور محمد بن حسن بیهقی

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

۲ــ نوری درمستدرك می‌نویسد که صحیفة‌الرضا درمجمع‌البیان طبرسی «مسندالرضا» و در کشف‌الغمه «الرضویات» خوانده شده و نسخه‌های آن

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

(شوال ۴۹۹ ــ شب پنجشنبه ۸ ذی‌قعدهٔ ۵۳۹) است که فرزند سید اجل عمادالدین یحیی (بامداد شب سه شنبه ۶ رجب ۴۶۷ ــ روز دوشنبه ۱۲ ذی‌قعدهٔ ۵۳۲) فرزند سید اجل رکن‌الدین ابومنصور هبة‌الله بیهقی (متولد شب ۲۴ محرم ۴۳۳) بوده است و این یکی فرزند سید اجل ابوالحسن علی میباشد که با برادرش ابوالمحاسن الحسن پسران نقیب‌السادة سید اجل ابوجعفر محمد بوده‌اند ومادر این دو برادر دختر ابوعلی الفضل بن ابی الحسین محمد بن الحسین طبرسی شاعر از گرانمایه‌ترین جوانان طوس بوده است و ابی منصور عبدالملك ثعالبی نیشابوری درتتمة‌الیتیمة نوشتهٔ میان ۴۲۴ و ۴۲۹ (ص۴۲ ج۲ چاپ۱۳۵۳ تهران) چنانکه بیهقی‌هم اشاره نمود ازوی یاد کرده و بستودش و گفته که پدرش مردی ادیب وشاعر فقیه بوده است واز سخنانش برمیآید که پدرش هنگام نگارش تتمه مرده وخود ابوعلی الفضل زنده و جوان بوده است . از اینجا برمیآید که این ابوعلی الفضل طبرشی شاعر نیمهٔ نخستین سدهٔ پنجم و نیای مادری ابوالحسن علی نیای پدری ابومنصور محمد زندهٔ درنیمهٔ نخستین سدهٔ ششم نمیتواند همین طبرسی مفسر باشد چنانکه آقای بهمنیار درتصحیح کتاب تاریخ بیهقی (ص ۳۰۰ و ۳۲۰) پنداشت چه ابوالحسن علی بایستی دیری پیش از ۴۳۳ که فرزندش هبة‌الله بجهان آمده و گویا در ۴۰۰ زاده شده باشد تا بتواند شوی دختر ابی علی الفضل طبرشی که در ۴۲۴ جوان بوده است بشود وپدر آن هبة‌الله گردد میتوان گفت که این طبرشی شاعر گویا نیای طبرسی مفسر بوده است پس خاندان او از دانشمندان بوده‌اند. طبرسی «اعلام‌الوری باعلام‌الهدی» را بنام علاء‌الدوله ملك مازندران فرشوادگر سپهبد ابی‌الحسن علی بن شهر یار بن قارن (۵۱۱ــ۵۳۴) نگاشته ودردیباچه از او بستود ودربارهٔ او گفت : «الاصفهبد الاجل الملك العادل المؤید المنصور شرف الدنیا والدین رکن الاسلام والمسلمین ملك مازندران علاء‌الدوله شاه فرشوادگر ابی الحسن علی بن شهریار بن قارن اعلاء‌الله شأنه ونصر سلطانه» وچنین میرساند که چون خود نزد شاه نرسیدم ناگزیر کتاب را بدو ارمغان فرستادم .

(بنگرید به: بحار ۱ : ۶ و۷ و۱۳ــ روضات ص۴۸۹ــ مستدرك ۳ : ۴۸۶ و۴۹۶ــ مجالس‌المؤمنین ــ تاریخ مازندران و استراباد رابینو ــ سالشماری زامباور ــ ذریعه ۲ : ۲۴۰ ــ فهرست طوس ۵ : ۲۲۷) .

کم و بیش دارد و « اسناد » آن چنانکه افندی در ریاض العلما آورده است چنین است : سند نسخه‌ای که او در اردبیل دیده است و بدینگونه بود : از نورالدین ابواحمد اتالیك (؟) عادل مروزی از صفی الدین ضیاءالاسلام ابوبکر محمود بن علی بن محمد سرخسی در مسجد صلاحی شادباخ نیشابور بامداد روز پنجشنبه ٤ ربیع یکم سال ٦١٠ از ضیاءالدین ابومحمد فضل بن محمد بن ابراهیم حسینی در ٥٤٧ از ابوالمحاسن احمد بن عبدالرحمن لبیدی از ابولبید عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن لبید از استاد امام ابوالقاسم حسن بن محمد بن حبیب در ٤٠٥ در خانه او در نیشابور از ابوبکر محمد بن عبدالله بن احمد بن عامر طائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ از امام رضا در « مؤلفة » او بنام « صحیفة اهل البیت » بسال ١٩٤ از پدرش .

٣- طاهر بن محمد راونیزی (روانیزی) دارندهٔ نسخهٔ « صحیفة الرضا » از سعدالدین یوسف بن فخرالدین عبدالواحد حموئی از غیاث الدین هبةالله حموئی عم او از صدرالدین ابراهیم حموئی از شرف الدین ابوالفضل احمد بن هبةالله دمشقی روز چهارشنبه ١١ ربیع یکم ٦٩٥ در خانقاه شمیاطی از ابوروح عبدالمعز (عبدالمعز) بن محمد هروی از ابوالقاسم زاهر بن طاهر شحامی از ابوعلی حسن بن احمد سکاکی از ابوالقاسم بن حبیب از ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد نیشابوری حفید از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر طائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ از رضا در ١٩٤ از پدرش (نیز فهرست سپهسالار ١ : ٢٧٢) .

٤- ابومنصور عبدالرحیم بن ابی سعید المظفر بن عبدالرحیم حمدونی از ابوالمحاسن عبدالواحد بن اسمعیل رویانی (٤١٥-٥٠٢) (تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ص ١٢٣ و مستدرك ٣ : ٣٢٥ و ٤٢٨) از ابوالفضل محمد بن عبدالرحمن بن محمد عریضی نیشابوری دردی که از مکه آمده بود از ابوالقاسم حسن بن محمد بن حبیب مفسر مفتی از ابوبکر محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد حفدة العباس بن حمزه سال ٣٣٩ از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر طائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ از رضا در ١٩٤ .

٥- ابوعلی حسن بن علی بن ابیطالب فرازی (فرزدی) معروف بخابوسه در ٥٢٧

از ابوالفضل عبدالجبار بن حسین بن محمد زبرزی از علی بن احمد بن علی بن امیرك طریقی از ابوعلی حسن بن محمد بن یحیی بن محمد بن احمد بن عبدالله بن موسی (گویا چند نامی افتاده) بن حسن بن علی بن ابی طالب ورقة الشراب در مسجد حرام روز دوشنبه ٢٧ ذی حجه ٣٩٤ از احمد بن عبدالله بن حمدونه ابونصر بغدادی در مرورد از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر طائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ از رضا از پدرش .

٦- ابوالمعالی محمد بن محمد بن حسین مرزبانی قمی که این صحیفه را از آغاز تا انجام با افزوده‌ای در پایان آن بوی خبر داده است از ابوالمعالی حسن بن عبدالله بن احمد بزاز از رکن الدین علی بن حسن بن عباس صندلی از ابوالقاسم یعقوب بن احمد از ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد حفدة العباس بن حمزة از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر طائی در بصره از پدرش در ٢٦٠ از رضا در ١٩٤ .

٧- قطب السالکین مؤیدالاسلام عبدالعلی بن عبدالحمید (المجید) بن محمد سبزواری از جلال بن محمد بن عبدالله قاینی از تاج الدین ابراهیم بن قصاع (فصاح - کنتوری) طبسی گیلکی از تاج الدین علی ترکهٔ کرمانی از غیاث الدین هبةالله بن یوسف از نیایش صدرالدین ابراهیم بن محمد بن مؤیدالدین حموئی از ابن العساکر (ابی عساکر) از ابی (ابن) الروح صفوی هروی از زاهر بن طاهر (طاهر بن زاهر) از ابوعلی حسن بن احمد سکاکی از ابوالقاسم حبیب از محمد بن عبدالله بن محمد نیشابوری از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر طائی در بصره از پدرش از رضا در ١٩٤ (نیز ش ٢ / ٦٠٢ طوس - کنتوری ص ٣٦٧ - نسخهٔ ٢٥٥٣ سپهسالار ١ : ٢٧٤ اعیان الشیعه ٤/٢ : ١٨٦) این بود شش سندی که نوری در مستدرك ص ٤ - ٣٣٣ از افندی آورده است .

٨- عمادالدین ابوجعفر محمد بن ابی القاسم علی بن محمد بن علی طبری آملی کجی از سید ابوطالب یحیی بن محمد بن حسین (حسن) بن عبدالله جوانی طبری در خانهٔ او در آمل در محرم ٥٠٩ از ابوعلی جامع بن احمد دهستانی در نیشابور

دورربیع یکم سال ۵۰۳ از ابوالحسن علی بن حسین بن عباس صیدلی از ابواسحق احمد (ابراهیم) بن محمد بن ابراهیم ثعالبی از ابوالقاسم یعقوب بن احمد سری فروشی از ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد (عبدالله بن احمد بن) حفدة العباس (عقدة بن عباس) بن حمزه در ۳۳۷ از ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر طائی از پدرش در ۲٦۰ از رضا از پدرانش از پیامبر این سه حدیث را :

۱ـ «قال رسول الله من اربعة انالهم شفیع یوم القیمة : المکرم لذریتی ، والقاضی لهم حوائجهم ، والساعی امورهم عندما اضطروا الیه ، والمحب لهم بقلبه ولسانه»

۱ـ ابوالجعد احمد بن عامر طائی که در ۱۵۷ زاده و در ۱۷۴ پیشوای هشتم رضا (ع) (م درطوس روز سه شنبه ۱۹ جمادی یکم ۲۰۲) را بدید یکی از نیاکانش در کربلا با حسین و پدرش حسان در صفین با علی کشته شده اند پسرش ابوالقاسم یا ابوالفضل عبدالله از پدرش از رضا نسخه ای را روایت کرده و نجاشی آنرا نزد ابی الحسن احمد بن محمد بن موسی الجندی که بدو داده بود خوانده است. این عبدالله کتاب قضایا امیرالمؤمنین و کتاب القضایا والاحکام دارد و میگوید که من ابالحسن و ابامحمد را دیده ام و پدرم مؤذن آنها بوده است و علی بن محمد (ابالحسن) در ۲۴۴ و حسن (ابامحمد) روز آدینه ۱۳ روز گذشته از محرم ۲٦۰ در گذشتند و معتمد و عیسی بن المتوکل بر حسن نماز گذارده است . نجاشی میگوید که آن نسخهٔ خوبی است و در آن دارد « حدثکم ابوالفضل عبدالله بن احمد بن عامر قال حدثنا ابی قال حدثنا الرضا علی بن موسی علیهما السلام » .

(بنگرید به : فهرست ابن ندیم ص ۳۱۳ ـ فهرست طوسی ش ۴۳۲ ـ نجاشی ص ۷۳ و ۱۵۸ ـ معالم ش ٦٦ ـ مجمع الرجال قهپائی ـ جامع الرواة اردبیلی ـ مستدرک ۳۳۵) .

مامقانی (۱ : ٦۳) مینویسد که در باب ۲۱ عیون چنین آمده : « حدثنا ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر بن سلیمان الطائی بالبصرة قال حدثنا ابی فی سنة ستین ومأتین قال حدثنی علی بن موسی الرضا (ع) سنة اربع وتسعین ومائة » پس احمد که در ۱۵۷ زاده در ۲٦۰ بایستی ۱۰۳ سال داشته باشد ـ من در باب ۲۱ گشتم و این عبارت را نیافتم ولی در باب ۲۳ ص ۱۳۳ همین سند دارد و بی تاریخ است . مامقانی (۲ : ۱٦۷) باز میگوید که ابوالقاسم عبدالله آنچنانکه از نجاشی برمیآید از شیوخ اجازه میباشد وچون ابن ندیم درفهرست (ص ۳۱۳) اورا از نگارندگان کتابهای اصول و فقه شیعی بشمار آورده پس بخبرهای او میتوان گروید .

(ص ۴۳ بشارة المصطفی از آملی و گ ۲ الف صحیفهٔ رضویه که دومین خبر است نیز ص ۹۳ چاپی آن)

۲ـ « قال رسول الله ص یا علی اذا کان یوم القیمه اخذت بحجزة الله عزوجل واخذت (انت) بحجزتی واخذ ولدک بحجزتک واخذ شیعة ولدک بحجزتهم فتری این یؤمر بنا » ابوالقاسم طائی در اینجا میگوید که از ابی العباس از « حجزة » پرسیدم گفت از آن « سبب » خواسته شده است و من از نفطویه نحوی پرسیدم او هم گفت « سبب » است. طبری میگوید که از آن « عصمة من الله و ذمت وحبله » خواسته شد (ص ۱٦۵ بشارة گ ۵ الف صحیفه و ص ۹۷ چاپی آن) .

۳ـ « قال رسول الله ﷺ انما سمیت ابنتی فاطمه لان الله فطمها و فطم من احبها من النار » (ص ۱۰۹ بشارة و گ ۴ ب صحیفه و ص ۹۷ چاپی آن ـ نیز مستدرک ص ۴۷٦) .

این صحیفه در چاپی نزدیک به ۱۸۴ « اسناد » میشود و در نسخه های طوس دارای ۱۰۱ یا ۲۰۳ یا ۲۰٦ حدیث و یا نزدیک باین شماره هااست (۵ : ۱۱۹-۱۲۱) در نسخهٔ سپهسالار دارای ۲۴۰ حدیث میباشد (۱ : ۲۷۲)

در نسخهٔ ما دارای ۲۱۴ « اسناد » و بیشتر از پیامبر و پاره ای از امیرمؤمنان و اندکی از امامان دیگر است و دربارهٔ اخلاق دینی میباشد . نسخهٔ ما با چاپی از اسناد هشتم و پس از آن باهم جدائیها دارند و هم از رهگذر کم و بیشی و هم از رهگذر پس و پیش بودن حدیثها باهم یکنواخت نیستند گذشته از اختلاف نسخه که در آنها هست .

اسناد نخستین این صحیفه همان حدیث « سلسلة الذهب » است که در کتابها یادشده (اعیان الشیعه ۴/۲ : ۱۲۴) و احمد جواهری مدیر مجلهٔ کوکب درخشان کرمانشاه آنرا ترجمه و بامتن درهمانشهر بچاپ سربی رسانده (فهرست طوس ۵ : ۲۴۸) نوری در مستدرک ص ۳۳۵ بیکنواخت نبودن نسخه های صحیفه اشاره

کرده و گفت که از عیون قمی و امالی مفید و سرگذشت پسر عامر پیداست که آن از اصول مشهور و در دسترس دانشمندان شیعی بوده است.

این هم گفته شود که در باب ٤٦ عیون «باب ماحدث به الرضا بمربعة نیشابور وهو یرید قصد المأمون» (ص ٢٧٤) حدیث نخستین صحیفه با سندی از همان طائی آمده است.

در عیون باب ٢٢ «ماجاء عن الرضا ع فی الایمان وانه معرفة بالقلب (بالجنان) و اقرار باللسان و عمل بالارکان» ص ١٢٥ دارد: «حدثنا احمد بن محمد بن عبدالرحمن القرشی الحاکم قال اخبرنا ابوبکر محمد بن خالد بن (عن) الحسن (الحسین) المطوعی البخاری قال حدثنا ابوبکر بن ابی داود ببغداد قال حدثنا علی بن حرب الملائی قال حدثنا ابوالصلت الهروی قال حدثنا علی بن موسی الرضا ع عن ابیه ... قال رسول الله صلی الله علیه وآله: الایمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان» سپس بچند سند دیگر هم همین خبر آمده است. این ابوالصلت عبدالسلام بن صالح خراسانی هروی شیعی (م ٢٣٦) دارندهٔ «کتاب وفاة الرضا» و از نزدیکان و شناختگان امام رضا میباشد و گویا چون با سنیان آمیزش داشت شیخ او را عامی خواند با اینکه سنیان دربارهٔ او «شیعی جلد» و «رافضی خبیث» و «رأس مذهب الرافضة» و «شیعی مع صلاحه» و «ثقة الحدیث» و «اینه یسمع ولکن کان یری التشیع ولم یر منه الکذب» گفته. کشی از او بستود (قهپائی و اردبیلی و مامقانی ٢: ١٥١ در عبدالسلام و ابوالصلت).

در جزء یکم عیون باب ٢٦ (ص ١٤٠) «اخبار نادرة» و در ص ١٧٨ «اخبار منثورة» و در ص ١٩٤ و ٢٣١ و ٢٤٠ «اخبار مجموعة» و «العلل» «جواب المسائل فی العلل» از رضا هست و دور نیست که پاره‌ای از خبرهای صحیفه در همین‌ها هم باشد و باید دید. همچنین خبرهای دیگری که در این کتاب زیر عنوانی یا جسته گریخته دیده میشود.

در بحار (٤ : ٣٧٦ - گ ٢٥٠ ب ش ٥٢٩) پس از آوردن رسالة الرضا الی مأمون بهوسته دارد:

«اقول وجدت بخط الشیخ محمد بن علی الجباعی نقلا من خط الشیخ الشهید محمد بن مکی قدس الله روحهما ماهذه صورته: روی السید الفقیه الادیب النسابة شمس الدین ابوعلی فخار بن معد جزء فیه احادیث مسندة عن علی بن موسی الرضا الامام المعصوم علیه الصلوة و السلام قراءة علی الشیخ ابی طالب عبدالرحمن بن محمد بن عبدالسمیع الهاشمی الواسطی وانهاه فی ذی الحجة سنة اربع عشرة و ستمائة فی منزل الشیخ بقری واسط و رأیت خطه له بالاجازة و اسنادا الشیخ عن ابی الحسن علی بن ابی سعید (سعد) محمد بن ابراهیم الخباز الازجی بقرائته علیه عاشر صفر سنة سبع و خمسین و خمسمائة عن الشیخ ابی عبدالله الحسین بن عبدالملک بن الحسین الخلال بقرائة غیره علیه وهو یسمع فی یوم الجمعة رابع صفر ثلث عشر و خمسمائة عن الشیخ ابی احمد حمزة بن فضالة بن محمد الهروی بهراة عن الشیخ ابی اسحق ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن یزداد بن علی بن عبدالله الرازی ثم البخاری ببخاری قرئ علیه فی داره فی صفر سنة سبع و تسعین و ثلثمائة قال حدثنا ابوالحسن علی بن محمد بن مهرویه القزوینی بقزوین قال حدثنا داود بن سلیمان بن یوسف بن احمد الغازی قال حدثنی علی بن موسی الرضا ع عن ابیه عن آبائه علیهم السلام باسمائهم فی کل سند الی رسول الله صلی الله علیه وآله: الایمان اقرار باللسان و معرفة بالقلب و عمل بالارکان. قال علی بن مهرویه قال ابوحاتم محمد بن ادریس الرازی قال ابوالصلت عبدالسلام بن صالح الهروی لوقرئ هذا الاسناد علی مجنون لأفاق. قال الشیخ ابواسحق سمعت عبدالرحمن بن ابی حاتم الرازی یقول کنت مع ابی بالشام فرأیت بالشام رجلا مصروعا فذکرت هذا الاسناد فقلت اجرب هذا فقرئت علیه هذا الاسناد فقام الرجل ینفض ثیابه» این حدیث «الایمان اقرار باللسان و معرفة بالقلب و عمل بالارکان» در اسناد سوم صحیفهٔ رضویه دیده میشود. سپس چند خبریست بهمین اسناد که پاره‌ای از آنها را در صحیفهٔ چاپی یافته‌ام. پس برای صحیفه سند دیگری هم می‌بینیم و آنچه که از ربیع الابرار زمخشری یاد شده هم درهمین روایت جاعی آمده است.

در این سند نامی از احمد بن عامر طائی برده نشده و راوی داود بن سلیمان بن

یوسف بن احمد غازی میباشد.

در باب ۲۲ عیون ص ۱۲۶ در سندی از ابواحمد داودبن سلیمان غازی همین حدیث ایمان نیز حدیثی از او در باب ۳۱ ص ۲۳۳ دیده میشود. در رجال استرابادی (ص ۱۳۵) و مامقانی (۱ : ۴۱۰) از ابواحمد داودبن سلیمان بن جعفر قزوینی دارندهٔ «کتاب عن الرضا» و از داودبن سلیمان دانشمند پارسا و از شناختگان ابی الحسن الرضا (از ارشاد مفید) یاد گردید داوی دوم صحیفه گویا همان قزوینی باشد که گویند از رضا از پدرانش از پیامبر روایت میکرده است. در مجمع الرجال قهپائی و جامع الرواة اردبیلی از همین قزوینی یاد شده است نه آن یکی.

پس از راویان حدیثهای سه کس: طائی و غازی و هروی را شناخته‌ایم با ده گونه اسناد

این کتاب را سیدمهدی یزدی در هند بسال ۱۳۰۲ با اعتقادات مجلسی و آداب المتعلمین و چند حدیث دیگر در ۱۶۸ ص بغلی بچاپ رسانده و از ص ۹۲ است تا ص ۱۳۵. در اعیان الشیعه ۲/۴ : ۱۸۷ از چاپ دمشق آن از روی نسخهٔ یمن یاد گشت.

آغاز: بسمله. اخبرنا الشیخ العالم الزاهد امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی اطال الله بقاءه یوم الخمیس غرة شهرالله الاصم رجب سنة تسع وعشرین وخمسمائة قال اخبرنا السیدالزاهدابو الفتح عبدالله بن عبدالکریم بن هوازن القشیری ادام الله عزه قراءة علیه داخل القبة التی فیها قبر الرضا علیه السلام غرة شهر الله المبارك سنة احدی و خمسمائة قال حدثنی الشیخ الجلیل ابو الحسن علی بن محمد بن علی الحاتمی الزوزنی قراءة سنة اثنین و خمسین واربعمائة قال اخبرنا ابو الحسن احمد بن عبدالله بن محمد بن هرون الزوزنی بها قال اخبرنی الشیخ ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد حفدة العباس بن حمزة النیسابوری سنة سبع و ثلثین و ثلثمائة قال حدثنا ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر الطائی بالبصرة قال حدثنی ابی سنة ستین ومأتین قال حدثنی علی بن موسی الرضا علیه السلام سنة اربع وتسعین ومائة قال حدثنی ابی موسی بن جعفر قال حدثنی ابی جعفر بن محمد قال حدثنی ابی محمد بن علی قال حدثنی

ابی علی بن الحسین قال حدثنی ابی الحسین بن علی قال حدثنی ابی علی بن ابی طالب علیهم الصلوة والسلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله حدثنی جبریل علیه السلام عن الرب تعالی یقول الله عزوجل لااله الاالله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی بشرطها وشروطها وانا من شروطها.

آغاز نسخهٔ ما: بسمله. و به نستعین. قال الامام الهمام ابوالحسن علی بن بن موسی الرضا امام المتقین وقدوة اسباط سیدالمرسلین علیه الصلوة والسلام حدثنی ابی الامام موسی بن جعفر الکاظم قال حدثنی ابی جعفر بن محمد الصادق قال حدثنی ابی الامام محمد بن علی الباقر قال حدثنی ابی الامام علی بن الحسین زین العابدین قال حدثنی ابی الحسین بن علی سیدالشهداء قال حدثنی ابی امیرالمؤمنین و امام المسلمین ویعسوب الدین علی بن ابیطالب علیهم الصلوة والسلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول الله عزوجل لااله الاالله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی (درهامش دارد:) «روی هذه الصحیفة ابوالقاسم عبدالله بن عامر الطائی عن ابیه عن الامام علیه الصلوة والسلام».

انجام چاپی: وباسناده (عن الحسین بن علی) قال جاء رجل الی الحسین (الحسن) بن علی ع (علیهما السلام) فقال - احق (فقال: حق) مایقول الناس ان آدم زوج هذه البنت من هذا الابن؟ فقال: حاشا لله. کان لآدم ابنان هبة الله وهو شیث وعبدالله. فاخرج الله لشیث حورا (حوراء) من الجنة واخرج لعبدالله امرءة من الجن فولد لذلك (وولد لهذا) فما کان من حسن و جمال فمن ولد الحوراء وماکان من قبح فمن ولد الجنیة (گ ۳۲ ب و ۳۳ الف نسخهٔ ما). و عنه: ثلثة یشفعون یوم القیمه فی الناس مثل شفاعة النبیین: العالم والخادم والفقیر الصابر. وعنه ع: الاباء ثلثة: اب من ولدك وابه من زوجك واب من علمك. وقال النبی صلی الله علیه وآله وسلم: زینة الدنیا ثلثة: المال والولد والنساء. وزینة الآخرة ثلثة: العلم والورع والصدقة. واما زینة البدن: قلة الاکل وقلة النوم وقلة الکلام. واما زینة القلب: الصبر والصمت والشکر (تمت الصحیفة الشریفة المنسوبة الی امامنا و امام الوری

ومولانا علی بن موسی الرضا علیه وعلی آبائه الاف التحیة والثناء) سه حدیث آخر را در نسخهٔ خطی نیافته‌ام.

انجام نسخهٔ ما: و باسناده: قال (حدثنا ابو القاسم الطائی قال حدثنی علی بن موسی الرضا ع قال حدثنی ابی (عن) جعفر بن محمد ع قال حدثنی ابی محمد (بن) علی قال حدثنی ابی علی بن الحسین بن علی قال حدثنی ابی علی بن ابی طالب ع قال:) قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: ان موسی بن عمران (ع) رفع یدیه وقال: یارب ان اخی هارون قد مات فاغفر له. فاوحی الله عز وجل الیه: یاموسی لو سالتنی فی الاولین والآخرین لاجبتک ما خلا قاتل الحسین بن علی علیهما السلام فانی انتقم له من قاتله. (تمت الصحیفة الرضویة علیه السلام والتحیة علی ید احقر خلق الله الغنی سلام الله بن میر شیخ الحسینی فی ثمان عشر شهر جمادی الاولی سنة تسع واربعین وتسعمائة) (این حدیث در ص ۱۳۴ چاپی آمده و با افزوده‌ها و دیگر گونگیها که درمیان دو کمانه دیده میشود و با افتادگیها و نادرستیها که دارد و پس از آن یک اسناد است که در نسخهٔ ما در برگ ۳۲ ب دیده میشود و یک اسناد پایان که آنرا شناخته‌ایم).

[۱۴۷۵]

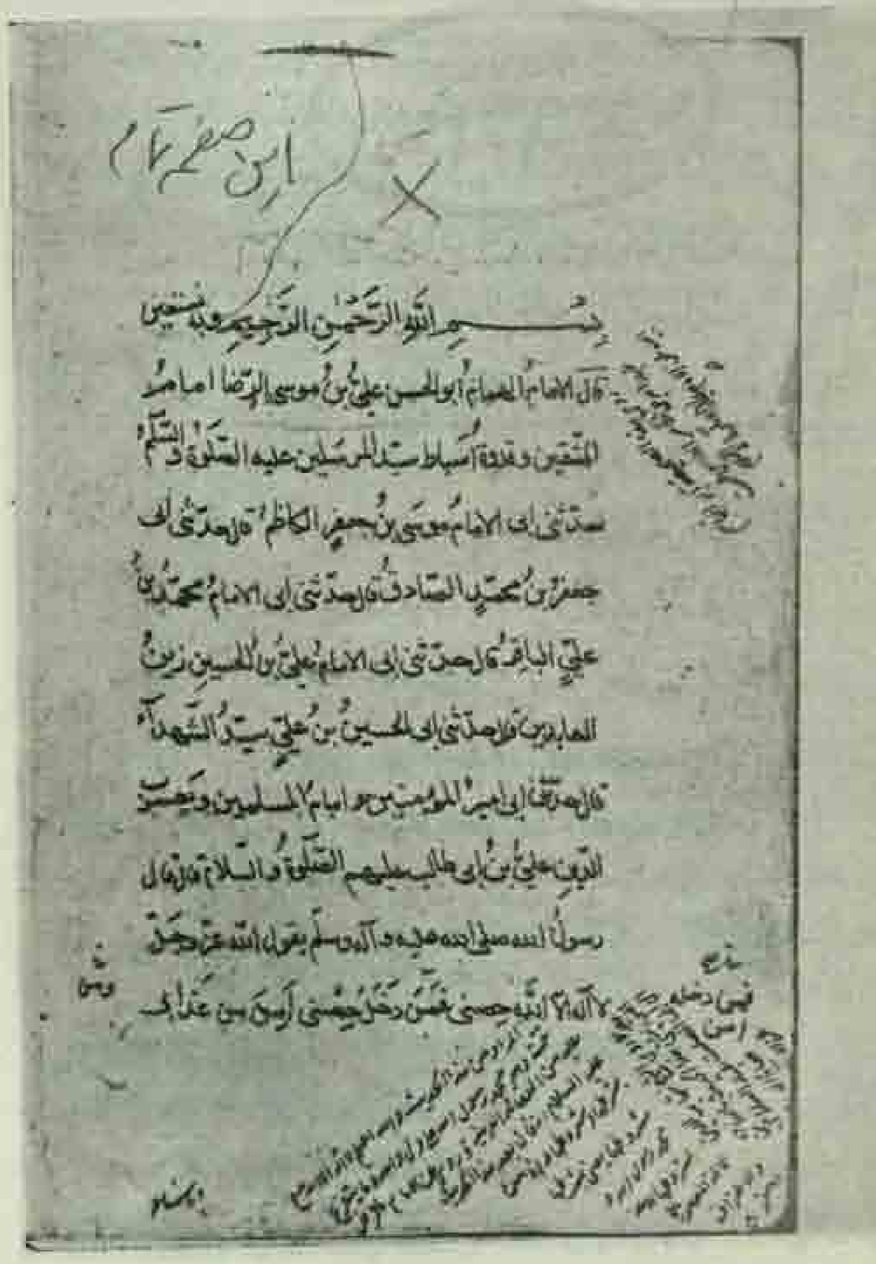
۹۶۴ این نسخه پسخ و در برخی جاها معرب میباشد و باعنوانهای شنگرف که سلام الله بن میر شیخ حسینی در ۱۸ جمادی یکم ۹۴۹ نوشتن آنرا بپایان رسانده، حاشیه‌هائی در آن هست بشنعلیق در بارهٔ روایتهای حدیثها و شرح آنها و بسیاری از آنها نشانه (م) یا (۱۲) دارد ـ مهر «محمد بن احمد الحسینی» در پایان هست. نسخهٔ ما کهن‌تر از نسخه ش ۲۵۵۳ سپهسالار است که در تاریخ ۹۷۱ نوشته شده و در آغاز از مولی عبدالعلی بن عبدالحمید بن محمد سبزواری روایت شده است.

۳۸گ ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

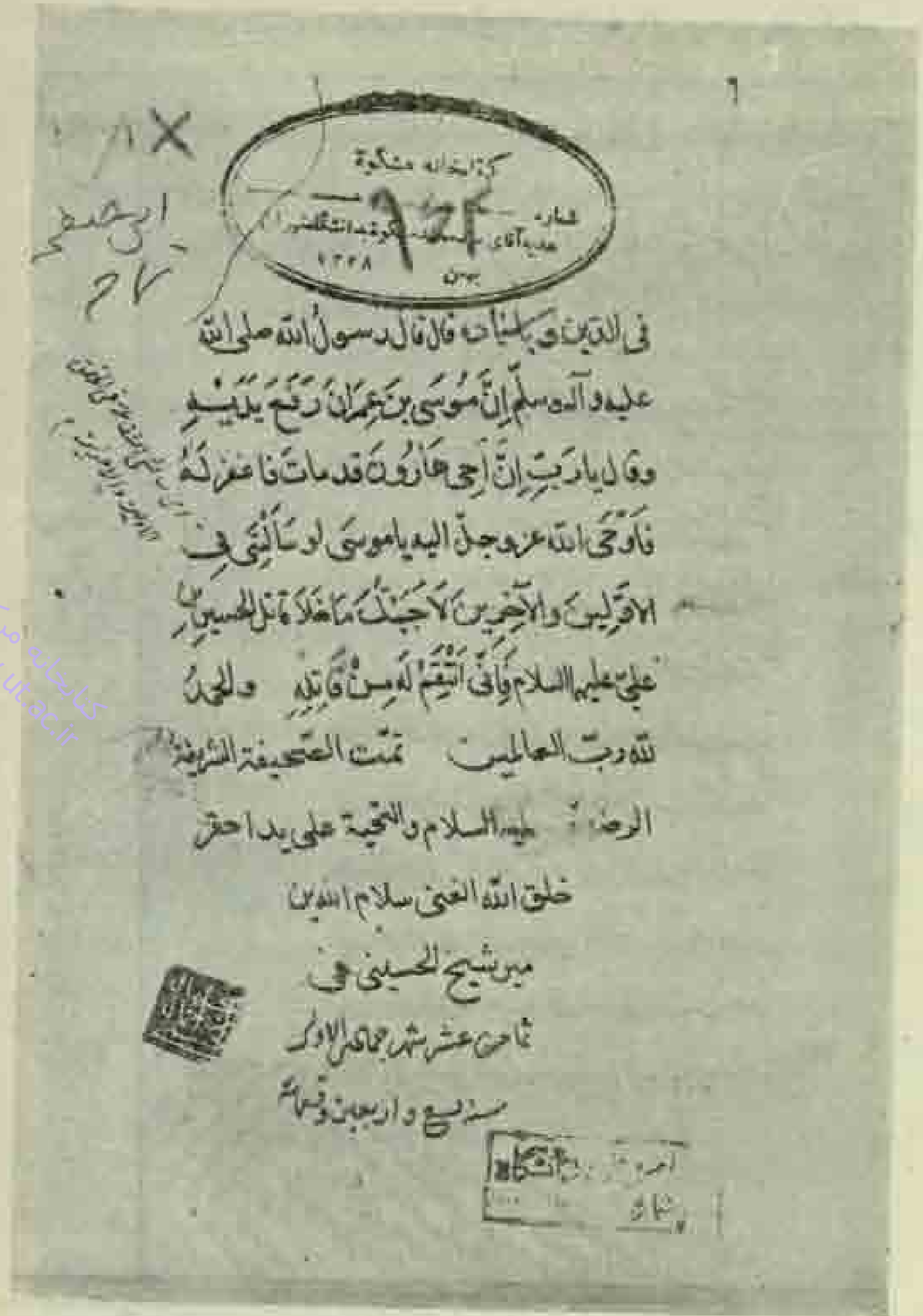
اندازه: ۱۲، ۱۸/۵ و ۷، ۱۲ س ۱۲

[۱۲۶۳] صراط النجاة (فارسی)

این دفتر در ترجمهٔ حدیث اعرابی و پاسخ امیرمؤمنان بدو دربارهٔ یگانه بودن


بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین
قال الامام الهمام ابو الحسن علی بن موسی الرضا امام المتقین وقدوة اسباط سید المرسلین علیه الصلوة والسلام حدثنی ابی الامام موسی بن جعفر الکاظم قال حدثنی ابی جعفر بن محمد الصادق قال حدثنی ابی الامام محمد بن علی الباقر قال حدثنی ابی الامام علی بن الحسین زین العابدین قال حدثنی ابی الحسین بن علی سید الشهداء قال حدثنی ابی امیر المؤمنین وامام المسلمین ویعسوب الدین علی بن ابی طالب علیهم الصلوة والسلام قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم یقول الله عز وجل لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی

گ ۱ ب صحیفهٔ رضویه ش ۹۶۴



گ ۳۸ الف صحیفهٔ رضویه ش ۹٦٤

خدا میباشد و گناهان بزرگ و کوچک و آئین امامی و روش اشعری و معتزلی در آن کاوش شده است.

دردیباچه از مجلسی دوم دانسته شده ولی نوری درفیض قدسی ص ۹ وخوانساری درروضات ص ۱۲۰ گفته‌اند که شاید از ملامحمد باقر بن ملامحمدتقی لاهیجانی نگارندهٔ تذکرة‌الائمه باشد که درزمان مجلسی میزیسته و در دانش کمتراز او بوده است.

این دفتر درتهران بسال ۱۱۳٦ بچاپ رسید (طوس ۵: ۲۰۸).
فهرست مطلبهای آن چنین است:

عبارت ۱ درترجمهٔ حدیث ودرده فصل (۲ الف).
عبارت ۲ درصفتهای سلبی خدا درهشت بحث (۱٦ ب).
عبارت ۳ در صفتهای فعلی خدا درسه مبحث (۲۲ الف).
فهرست ۲ مذهب مبتدعهٔ جبریه (٦۱ الف).
فهرست ۳ مذهب مبتدعهٔ معتزله (۷٤ الف).
فهرست ٤ مقالات شیعهٔ اثناعشریه (۷۹ الف).

گذشته ازبحثهای کلامی ملل ونحل خوبی است.

از حکیم غزنوی (۲ ب) و «شیخ ما بهاءالدین علیه‌الرحمه» (۳۳ الف) و «قاضی مجوسان این امت ناصرالدین بیضاوی» (٦۳ ب) یاد شده و حدیث نفس کمیل در آن آمده است (۳۱ الف). روایت اعرابی درآغاز بزبان پارسی آمده است.

عنوان درنسخهٔ ما دارد: «کتاب صراط‌النجاة من تألیفات افضل‌الفضلا واعلم‌العلما خاتم‌المجتهدین محمدباقر بن محمدتقی رحمه‌الله».

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الواحدالفردالمبراعن شأنه‌الاضداد والانداد... چنین گوید... محمد باقر بن محمدتقی‌المجلسی‌الاصفهانی که این رساله‌ایست دربیان ترجمه حدیث شریفی که اعرابی سؤال کرد از حضرت امیرالمؤمنین ع

از معنی واحد و یگانه بودن الله تعالی و آنحضرت جواب وی را دادند بآنچه متعلق بود بمعنی توحید ومقدمات و بیان صفات ثبوتیه و سلبیه ... و اولا ایراد مینماید آنچه که متعلق است باثبات صانع از عدل و حکمت و بعضی از مسائل قضاوقدروبیان مذاهب جبریه وقدریه و اشاعره ومعتزله ودرباب توبه و گناهان وآخر آنرا زینت میدهد بمذاهب حق اثناعشریه ... وآنرا بچهارعبارت فهرست مرتب گردانید ومسمی گردانید بصراط النجاة.

انجام: خداوند عالم همه مؤمنین ومؤمنات را ازمیل کردن بباطل ومذاهب غیرحقه نگاه دارد بحق محمد وآله الامجاد.

[۱۴۷۶]

۸۳۶ این نسخه بنستعلیق وغریبها بسخ وبانشانه‌هاوعنوانهای شنگرف ودرجدول شنگرف وزرین است. سرلوح دارد ودوصفحهٔ نخستین میان سطرها آراسته بزر است. عنوانهای «عبارت» برمز «ع» و بشنگرف میباشد. ۱ ب ـ ۹۰ الف. در ۹۰ ب ـ ۹۳ الف حدیثهای پراکنده‌ایست با خط بد. در ۹۳ ب ـ ۹۴ ب حدیث کسا است از منتخب طریحی بهمان خط کتاب ولی شکسته نستعلیق که در ۲۲ ذیحجهٔ ۱۲۷۹ بانجام رسید.

(۹۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج خرمائی ضربی طلائی

اندازه: ۱۴×۲۱ و ۸×۱۵/۵ س ۱

[۱۲۶۴] الصلاة والبشر فی الصلوة علی خیر البشر (عربی)

مجدالدین ابوطاهر محمدبن یعقوب صدیقی فیروزآبادی شیرازی شافعی دانشمند لغوی نامور (کازرون ۷۲۹ ـ زبید شب سه شنبه ۲۰ شوال ۸۱۷) دفتری بنام یادشده ساخته و درآن روشن بداشت که بر پیامبر یا خاندانش باید درود فرستاد و آن در ۴ باب و یك خاتمه است (چلبی ۲: ۸۰ ـ تاج العروس ۱: ۳۰ ـ روضات ص ۷۱۶ ـ معجم المطبوعات). دراین نسخهٔ ما دنبالهٔ باب ۱ که درآن روایتهای سنی درباره صلوة برپیامبر درست واستوار نموده شده هست وباب ۲

و تا پاره‌ای از فصل ۹ باب ۳ که باید درده فصل باشد و عنوانهای این دو باب چنین است:

«الباب الثانی فی المراسیل والموقوف. الباب الثالث فی بیان معنی الصلوة علی النبی صلی الله علیه وآله وتفسیر الآل و وجه تشبیه الصلوة النبی علیه بالصلوة علی ابراهیم وآله من بین سائر الانبیاء وختم الصلوة بالاسمین الخاصین وهما الحمید المجید و فی بیان معنی السلام علیه والرحمة والبرکة و معنی اللهم و معنی اسمه محمد ص فهذه عشره فصول» آنچه ازایندفتر در نسخهٔ ماهست بدینگونه میباشد:

آغاز: «ابن دینار وعماربن یاسر و جابربن سمرة و ابوامامة بن سهل بن حنیف ... وحباب بن المنقذ. فاما حدیث ابی‌مسعود فحدیث صحیح رواه مسلم فی صحیحه عن یحیی بن یحیی و ابی‌داود عن القعنبی کلاهما عن مالك والترمذی»

انجام: «الفصل التاسع فی اختتام هذه الصلوة بهذین الاسمین من اسماء الرب سبحانه وهو الحمید المجید. وفی الحدیث الصحیح حدیث دعاء الکرب لا اله الا الله العلی العظیم ... ورب العرش الکریم فذکر هذین الاسمین الحمید المجید عقیب الصلوة علی النبی ص مطابق لقوله سبحانه رحمة الله وبرکاته علیکم اهل البیت انه حمید ومجید ولما کانت الصلوة» سپس دارد:

«قدتم هذه الرسالة فی یوم الاحد خامس عشر شهر صفر المظفر سنة ۱۲۹۸ فی ارض الاقدس والمشهد المقدس المرتضوی الرضوی ـ بید ... محمد حسین بن محمد اسمعیل خراسانی الاصل الاملی لمولانا ... الاغا حاجی میرزا حسین نوری صانه الله تعالی عن کل آفة ... والسلام علی من اتبع الهدی ونهی النفس عن الهوی الی یوم الدین آمین یا رب العالمین».

[۱۴۷۷]

۵۰۲۷ این نسخه ش ۲ دفتر است وبنستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد حسین بن محمد اسمعیل خراسانی آملی که برای محدث نوری درروز یکشنبه ۱۵ صفر ۱۲۹۸ درطوس نوشته است. گ ۲۳ الف ـ ۸۵ ب وبرگهای ۱۳ تا ۲۲ و ۸۶ تا ۸۹ سفید است در برگهای ۴۴ الف و ۵۴ ب و ۵۵ ب و ۶۳ ب و ۶۹ الف و ۷۰ ب و ۷۱ الف و ۷۳ ب

و ٧٤ الف وجاهای دیگر حاشیه‌هائی از نوری است که در آنها گاهی بر فیروزآبادی میتازد. در حاشیهٔ گ ٦٤ الف مینویسد که نگارندهٔ قاموس در اینجا خویهاو بر تربیهای عائشه را آورده و من عبارت او را برداشتم و دشنامهائی بجای آن گذاردم (چنانکه درمتن دیده میشود) اندکی از این حاشیه پاك شده است. در همینجا میان سطرها هم دو حاشیه از اوست که بار از فیروزآبادی خرده گرفته و در یکی از آنها اورا دروغگو خوانده است.

(همهٔ دفتر ۱۳۸۹گ) کاغذ فرنگی - جلد تیماج ضربی مقوائی
اندازه: ۱۷×۲۳ و ۹×۱۶، ۱۶ س ۳۱

[١٢٦٥] الطرف من الانباء والمناقب (عربی)

فی شرف سید الانبیا والاطائب وماوردا من تصریحه بالوصیة بالخلافة لعلی بن ابیطالب ع

شریف نقیب جمال العارفین رضی الدین علی بن طاوس حلی (٥٨٩ - ٦٦٤) در این نامه که در اجازه خود بیوسف بن حاتم شامی یا الاجازات لکشف طرق المفازات فیما یحصی من الاجازات از آن (واز الطرائف فی مذاهب الطوائف) بنام بالا یاد نمود ودر بارهٔ آن نوشت که: «... اوضحت فیه من السبیل بالروایة ورفع التأویل ... وهو کتاب لطیف شریف» (اجازات بحار ص ١٨) سی و سه «طرفه» آورد و در آن پیشوائی علی ع و جانشینی او را آنچنانکه شیعیان میگویند روشن بداشت. او آنرا چنانکه در دیباچه مینویسد پس از طرائف نگاشته واز خود در هر دو نامی نبرده است بلکه طرائف را بنام عبدالمحمود ذمی کرده است (ش ٦٠٨ و ٦١٢ طوس) و گویا نمی خواسته است که آشکارا با سنیان بستیزد. این دو کتاب مانند الکشکول فی ماجری علی آل الرسول از آملی یا تونی یا بیهقی والزام النواصب قطیفی یا صیمری میباشد که در آنها هم نامی از نگارندهٔ آنها برده نشده است وشاید روی همین بوده که دومی را از همین ابن طاوس ونخستین را از علامه حلی پنداشتند.

این الطرف (با مناقب ابن شاذان) در چاپخانهٔ حیدری نجف در ١٣٤٩

در ٥٢ ص بچاپ رسید (١).

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله الذی اوضح للعباد سبل الرشاد ولم یجعل لاحد علیه حجة فی الدنیا ولا فی المعاد... وبعد فانی اسمع عن قوم تجاهلوا او جهلوا المعرفة لله ولکمال ذاته... ان یترکوا الخلائق بغیر دلالة واضحة علی طاعته... وقد رأیت کتاباً یسمی کتاب «الطرائف فی مذهب الطوائف» فیه شفاء لما فی الصدور ویحقق تلك الامور... وانما نقلت ههنا مالم اره فی ذلك الکتاب من الاخبار المتحققة ایضاً فی هذا الباب وهی ثلث وثلثون طرفة.

انجام: وقد عذر القران من فرعن اکثر من اثنتین بغیر خلاف بین المسلمین. والحمدلله علی التوفیق لامتثال اوامر المعقول والمنقول وحفظ وصایا الله والرسول فی ثواب رسوله وعترته فی قبول نصیحته (تم الکتاب والحمدلله وحده وصلی الله علی... محمد النبی وآله... اجمعین والحمدلله رب العالمین - تم بلغ قبالا والحمدلله اولا وآخرا).

[١٤٧٨]

٦٩٢ این نسخه ش ٢ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف حاجی محمد گ ٣١ الف - ٤٧ ب (شنگرد سه ٦٩٢/١) در عنوان نسخهٔ ما دارد: هذا کتاب طرف من الانباء والمناقب فی شرف سید الانبیاء والاطائب و طرف من تصریحه بالوصیة والخلافة لعلی بن ابیطالب علیه السلام. تألیف بعض احسن الله الیه وعرفه ماجرت الاحوال علیه.

[١٢٦٦] عقد الدرر فی بقر بطن عمر (عربی)

در این دفتر که در ٤ فصل و یك خاتمه است از کشته شدن دومین فرمانروای تازی و روز مرگ او و خرمی و شادی که شیعیان را در چنان روز بایستی باشد گفتگو شده است.

١- طرائف نیز بخط نسخ عبدالعلی شریف بن محمدرضا خوزانی سپاهانی از روی نسخهٔ تاریخ روز سه شنبه ١٥ ذیحجهٔ ٧٠١ بکوشش حاجی آقا شیخ باقر کتابفروش با مقابله با نسخه‌های دیگر در ١٣٠٢ در ١٧٦ ص وزیری بچاپ رسید.

نگارندهٔ آنرا گویا مجلسی و افندی نمیشناخته‌اند. درفهرست کنتوری وطوس وسپهسالارهم نامی از آن نیست.

از خود ایندفترهم چیزی بدست نمیآید همین اندازه پیداست که او پیش از نگاشتن آن قصیدهٔ رائیه‌ای سروده و مینویسد که خوب است آنرا درروز نهم ربیع یکم درانجمنی که برای شادکامی بپا میدارند برخوانند و آغاز آن چنین است :

تبسم الدهر عن ثغر من الدرر　　لما تمکن بنات الدهر فی عمر

وازهمین قصیده است :

یا صاح صح ان هذا عید فاطمة　　عیدالسرور ببقرالبطن من عمر

٭٭٭

یوم اقر به عین البتول وعین ال　　مصطفی و علی خیرة البشر .

٭٭٭

غراء رائقة حسناء فائقة　　جائت وفی جیدها عقد من الدرر

(فصل ٤ گ ٩ ب)

اودرهمین فصل ٤ بنثرمسجع وبنظم سخنانی دارد وخوشی وشادی خویش را از کشته‌شدن این فرمانروا آشکار میدارد و درپایان دفتر میگوید که مؤمنان بایستی درایتروز (۱) خوراکهای خوب بکار برند و پوشاك نیکو دربر کنند و تهی دستان شیعی امامی را دلخوش وشاد سازند.

۱ــ پیروان سنت گویند که عمر درروز چهارشنبه ۲٦ ذی‌حجهٔ ۲۳ بمرد و شیعیان مرگش را درنهم ربیع یکم میدانند چنانکه مجری دراین باره و شادی که شیعیان را باید باشد درزوائدالفوائد واقبال علی بن طاوس والمحتضر حسن بن سلیمان حلی آمده است (بحار ۸ : ۳۱۳ ــ مستدرك ۱ : ۱۵۵) وآن مانا همانست که درآغازفصل یکم همین عقدالدرر ازخط شیخ علی بن مظاهر واسطی آورده شده‌است . دانشمند بزرگوار آقای حاج شیخ آقا بزرك تهرانی در نامه‌ای که نوشته و بپرسشم دراین باره پاسخ

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس‌ازاین

دربحار (۸ : ۳۱۱) آمده : « وجدت فی کتاب عقدالدرر لبعض الاصحاب عن علی بن ابراهیم ... عن الصادق ع انه قال کانت صهاك جارية لعبدالمطلب وكانت ذات عجز وكانت ترعی الابل وكانت من الحبشة وكانت تميل الی النكاح ... وكان الخطاب اباه وجده وخاله وكانت حنتمة امه و اخته و عمته فافهم فقد قيل فيهذا المعنی شعر وقيل انها تنسب الی الصادق عليه السلام :

من جده خاله و والده　　و امه اخته و عمته

اجدران يبغض الوصی وان　　ينكر يوم الغدير بيعته

این عبارت درفصل ۲ همین دفتر (گ ٤ الف و ب) یافت میشود . از ریاض العلماء افندی (ش۹۹۳ ص ۱۸۵) گویاچنین برمیآید که یکی ازدانشمندان پس از شیخ علی کرکی (۱) «عقدالدرر فی بیان بقربطن عمر» نوشته وآن همان « الحدیقة الناضرة والحدقة الناظرة » میباشد . نگارندهٔ ذریعه (٦ : ۳۸۹) هم ایندورا یکی دانست ونگفت از کیست .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

داده‌است میگوید که ابن علی بن مظاهر واسطی یا حلی نگارندهٔ کتاب مقتل عمراست واوشاید شاگرد علامه حلی ونگارندهٔ مسائل مظاهریه باشد وسیدهاشم توبلی ازاین مقتل عمر واسطی بهره برده است (تبرجه کتابی ۱) .

دانشمند گرامی آقای شهاب‌الدین مرعشی درپاسخ پرسشم چنین نوشته‌اند که حاجی نوری درشاخهٔ طوبی که آنهم دربارهٔ مرگ عمر است ازعقدالدرر بسیار آورد ونسخهٔ این کتاب درکتابخانه آقاضیاء نوری فرزند شیخ فضل‌الله نوری بوده است .

۱ــ محقق دوم الشیخ العلائی نورالدین ابوالحسن علی بن عبدالعالی کرکی (درگذشتهٔ ۱۸ ذیحجهٔ ۹٤۰ درهفتاد واند سالگی) از دانشمندان شیعی و کسی بود که در دستگاه فرمانروائی صفویان آشکارا برد و شیخ نفرین میکرده ودشنام میداد واسرارا نفحات اللاهوت فی وجوب لعن الجبت والطاغوت درطوس بسال ۹۱۷ نوشته‌است (فهرست طوس ۵ : ۲٦۵) وشاگردش امیرمحمد بن ابیطالب استرابادی آنرا بپارسی درآورد (بحار ۱ : ۱۰ ــ روضات ۳۹۱ ــ مستدرك ۳ : ٤۳۱) .

در فصل ۲ این کتاب (گ ۵ ب) دارد لقد اجاد القائل حیث قال :

عجباً لائمتنا الذین تقدموا — ولکل قوم مذهب و امام
دفعوا امامة آل بیت محمد — وهم لین والاهم اعلام
وتقبلوا قول الائم (۲) امامهم — لو کان حیاً سالم الحجام
لاقمته لکم امام و ابنه — والرجس مروان الحمار و هشام
ان قلت قال محمد فیقال لی — وابو هذیل یقول و النظام
ایرد دعوی جعفر بن محمد — ویصدق الوشاء و النظام
والاشعری امام قوم نافقوا — و ابو کلاب کلهن لئام
و کذاک احکام الشریعة غیرت — فالعرف نکر و الحلال حرام

در فصل ٤ (گ ۸ الف) دارد : شعر رحم الله قائلها

اما تری الیوم قد بان السرور به — یا حبذا من سرور جاء فی القدر
طاب التلذذ فی الدنیا لدی خبر — قد جاء فی جملة الاخبار فی الخبر (البشر)
فی قتل جاف بغی لا وفاء له — دون البریة مجبول علی الکفر
یا نفس فابتهجی فی حسن منفرج — مع الاحبة فی روض من الزهر
وانعمی بلذیذ العیش فی مرح — فصفو عیشک مأمون من الکدر
بمجمع من اهیل الفضل قد جمعوا — حسن التفکه فی الاخبار و السیر
هذا هو العیش لو دام الزمان لنا — فی دولة الحق رب الامر فی البشر

نیز در فصل ٤ (گ ۸ الف) دارد . شعر :

فاصبحت الاغصان من طرب بها — تمایل و الاطیار فیها تغرد
برق نسیم حین ینساب جدول — وهل ارحین عن المغنی المنشد

. . شعر :

کرر حدیثک قد تضوع ریحه — مسک وطاب علی السماع صحیحه
واعده حتی یشتفی من طیبه — مضنی الفؤاد و صبه وجریحه
وحدیثک المرفوع حله بمسمعی — فعساه من الم الفؤاد یریحه

وعساه یقطع من رسائل ادمعی — ویزیل معضل علتی و یزیحه
ان کنت تروی مسنداً من لوعتی — ارویت منه ما تطول شروحه

نیز در فصل ٤ (۹ الف) دارد :

عصابة من سراة الناس منتجبة — صید غطارفة لیسوا باغمار
غر میامین وصالون قواطعهم — شمس العداوة اخاذون بالثار
هم اذا المحل وافی سحب امطار — وان رحی الحرب دارت اسد اخدار
المنعمون بلا من یکدره — المانعون حمی الاعراض و الجار
والطاعنون و ساق الحرب قائمة — و المطعمون علی یسر و ایسار
یغضون عمن اتی ذنباً یحل بهم — ولا یجازون عن عرف بانکار
مناظر حسنة والقول یشفعها — منهم فنالوا بهذا طیب اخبار
تراضعوا درة الانصاف بینهم — فما یجول لهم جول بافکار
تجلببوا بجلابیب المکارم و الآداب — لکنهم عارون من ذل ومن عار
من تلق منهم تقل لاقیت سیدهم — مثل النجوم التی یسری بها السار

چنانکه یاد شده است او در فصل ٤ (۹ ب) دارد : « وقم قیام المحب الطائع وانشد بترتیل حسن لدی کل منصت وسامع ممایحسن انشاده یوم التاسع من شهر ربیع الاول وشرح حال مایوفق ایراده فیما علیه المعول تسر به اهل الایمان و تکمد به اهل الکفر و الطغیان معتقد ذلک من اعظم الوسائل الی ربک یوم حشرک و اکمل الفضائل یوم بعثک من قبرک قصیدة تحلی الطروس بجواهر مصارعها و تسر النفوس بتواصل مقاطعها نظمتها قبل ابتدائی بتألیف هذه الرسالة والله الموفق للصواب والدلالة ـ شعر :

تبسم الدهر عن ثغر من الدرر — لما تمکن بنات الدهر فی عمر

تا اینکه میگوید :

من عبد عبد کم العبد تجل فتی — الصواف احمد رب الشعر و الفکر

پس این کتاب باید از « احمد بن الصواف » باشد (؟)

از سوی دیگر این بیتها با سروده‌های سید ماجد بحرانی بسیار مانند است و اگر آن نام مستعار نباشد میتوان این کتاب را از او پنداشت.

فهرست این نامه چنین است:

الفصل الاول فی فضل یوم وفاته و نفاقه فی ایام حیاته واظهاره العداوة والبغضاء لفاطمة الزهراء.

الفصل الثانی فی نسبه وبیان حسبه.

الفصل الثالث فی بیان مقتله ویوم وفاته وما اکنه فی وصاته.

الفصل الرابع فی وصف حال سرور هذا الیوم علی التعیین.

خاتمه: وهی ابتهاج الانفس بالسرور وانفراج الهموم علی القلب المغموم.

آغاز: بسمله. الحمدلله الملک العلام ذی الجلال والاکرام علی جزیل الانعام وجمیل الانتقام.. وبعد فهذه نبذة من غرائب الآثار وعجائب الاخبار فی وفاة العتل الزنیم والافاک الاثیم (جای دو کلمه سیاه شده) علیه اللعنة والعذاب الی یوم الحشر والحساب فانها من لب اللباب وذکری لاولی الالباب.. واجد ربان تکتب بالنور علی جبهات الایام والدهور وسمیتها «عقد الدرر فی شرح بقر بطن عمر» ورتبتها علی فصول وخاتمة.

انجام: فرحاً بمقتل العتل الزنیم والافاک الاثیم... وصب علی هامته مقامع الزبانیة و من تابعه من الاشرار من الظالمین والمنافقین والقاسطین والناکثین والحمدلله رب العالمین.

هذا آخر ما سمحت به القریحة والرویة مع تشتت الاهواء واختلاف الآراء مع قلة براعتی (؟!) واضطراب عبارتی ولولم یکن المقصود من تحریر هذه الرسالة الاسرور العترة النبویة والشیعة الامامیة لکان فیه الکفایة والنهایة والحمدلله وصلی الله علی محمد وآله اجمعین (کتبه محمدبن الحسن العقدائی).

[۱۴۷۹]

۱۰۲۷ این نسخه ش ۱ دفتر است و بسخ محمدبن الحسن العقدائی میباشد این نسخه را ما نابرای محدث نوری نوشته بود چنانکه شماره ۲ همین دفتر گواه است ومهر

«کتابخانه ضیاءالدین نوری» بر آن هست. گ ۱ ب - ۱۲ الف.

(همه دفتر ۳۸۹گ) - کاغذ فرنگی - تیماج سرخ ضربی مقوائی

الدازه: ۱۷ × ۲۲ - ۸ × ۱۵/۵ س ۲۰

[۱۲۶۷] علل الشرائع (عربی)

ابن بابویه قمی (۳۸۱م) در این کتاب که در دو جزء و ۳۸۵ باب میباشد علت بسیاری از امور طبیعی و تاریخی و فقهی را از روی خبرهای شیعی آورده است و آن از رهگذر فرهنگ شیعی و تاریخ فقه ارزش فراوانی دارد و کتابی است بسیار سودمند.

این کتاب با معانی الاخبار هم و با روضه در ۱۳۱۱ بخط نسخ علی بن محمد مؤمن طالقانی مرجائی بکوشش حسین بن آقا میرمحمد خوانساری لبرودی در ۲۰۳ + ۱۶۲ ص رحلی بچاپ سنگی رسید.

آغاز چاپی: وبه نستعین. الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین وسلم تسلیما قال الشیخ ابو جعفر محمدبن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه الفقیه القمی رضی الله عنه وارضاه وجعل الجنة منقلبه ومثواه باب ۱ العلة التی من اجلها سمیت السماء سماء والدنیا دنیا والآخرة والآخرة.

آغاز خطی: بسمله. الحمدلله رب العالمین و به نستعین. و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. ابواب علل الشرایع والاحکام والاسباب. باب ما انه لم یجعل شئی الالشئی قال (الشیخ) ابو جعفر محمدبن علی بن الحسین (بن موسی) بن بابویه الفقیه القمی مصنف هذا الکتاب رحمه الله... حدثنا ابی رحمة الله علیه... عن جمیل بن دراج قال سألت اباعبدالله... عن شئی من الحلال والحرام قال انه لم یجعل شئی الالشئی (باب ۸ فی انه لم یجعل شئی الالشئی ص ۱۴ چاپی).

انجام خطی: ابی قال حدثنا سعد بن عبدالله عن محمدبن مهران عن ابی اسحق اللیثی عن ابی جعفر (ع) عن المؤمن المستبصر اذا بلغ فی المعرفة... وما ابنائک الا بالصدق وما ظلمهم الله وما الله بظلام للعبید اللهم اجعل هذا الکتاب ذریعة الیک

ووسيلة لديك فانه اعظم الوسائل واكرم الفضائل ياارحم الراحمين واكرم الاكرمين (آخرين -برگ- ست که درچاپی هم آمده و با آن یکنواخت نیست).

انجام چاپی: خذها اليك يااباسحق . . . فانك ان اذعت سرنابليت في نفسك ومالك واهلك وولدك (پایان باب ۳۸۵ نوادر العلل چاپی).

[۱۴۸۰]

۵۹۵ این نسخه نسخ معرب با عنوانهای شنگرف درجدول زرین و لاجورد است و سلطان محمدبن محمدبن علی بن قاسم بن حسن حکمابادی تبتری دردوم شوال ۱۰۵۴ آنرا نوشته است. دربرگ ۱ الف و ب دارد که نسخه درتاریخ جمادی یکم ۱۱۵۶ ازآن ابی الفضل ضیاءالدین محمدبن محمدعلی بوده است (بامهر: لااله الاالله الملك الحق المبين . العبد ضياءالدين) ودرتاريخ ذی‌قعدة ۱۲۷۰ ازکتابخانهٔ شاهزاده خانلر میرزای احتشام الدوله (با مهر: احتشام الدوله) خانلر باز مینویسد که من آنرا درهمدان درذیحجهٔ ۱۲۶۲ بچهارتومان خریده‌ام (با مهر: خانلر) مهر «خان» در برگ ۲۴۲ ب هم هست. خط دو کس دیگر که دارندهٔ نسخه بوده‌اند در برگ ۱ الف هم هست و درست خوانده نمیشود.

(۳۴۴۳) -کاغذ ترمه - جلد تیماج سرخ ضربی ترنج و عنوانی با برگردان
اندازه ۱۷ ، ۳۱ و ۱۰ ، ۲۰ - ۱۹ س

[۱۲۶۸] العمدة من صحاح الاخبار (عربی)

في مناقب امام الابرار

شمس الدين شرف الاسلام سديد النطق مفتي الفريقين ابوزكريا يا ابوالحسين يحيى بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمد بن البطريق الاسدي الحلي محدث متكلم شيعی (۶۰۰- یا ۶۰۶ در ۷۷ سالگی) شاگرد عماد کجیج طبری وابن شهرآشوب واستاد ابن زهرهٔ حلبی وسیدفخار (۶۳۰-) بوده ودرزمان ابن ادریس میزیسته است. او نگارندهٔ «العمدة» که در ۳۶ فصل است میباشد و در دیباچهٔ آن میگوید که چون دیدم سنی وشیعی دربارهٔ برتریهای امیرمؤمنان سخنان گوناگون بگفتند خواستم کتابی دراین باره بنویسم که کسی از آن دو گروه پیش از من ننوشته باشند. او دراین کتاب از خبرهای سنیان آورده و از کتابهای آنان که بدانها نگریسته نام برده و اسانید کتابهائیکه خبرهائی از آنها آورده است یاد کرده و استادان سنی او از این اسانید بدست میآید او دربرخی جاها کراسه و جزء کتاب سنی را هم یاد نمود. هرچه که آورده از کتابهای آنها است (۱).

ابن بطریق کتاب دیگری هم دارد بنام خصائص الوحی المبین فی مناقب امیرالمؤمنین (۲) که درآغاز آن ازاین «العمدة» و «مستدرك المختار في مناقب وصي المختار من طريق السنة خاصة» یاد کرده است. او در آغاز خصائص هم رشتهٔ سند روایت کتابهای سنی را یاد نمود.

آغاز: بسمله وبه نقتی حدث الشيخ الاجل الاوحد العالم الامام الفقيه شمس الدين شرف الاسلام سديد النطق ابوالحسين يحيى بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمد بن البطريق الاسدي الحلي ضاعف الله سعده قال الحمدلله شكر الجزيل الائه واستدعاء لمزيد نعمائه (فهرست ۳۶ فصل در دیباچه هست).

انجام: قال يحيى بن الحسن قدوفينا بما وعدنا في صدر هذا الكتاب من جمع المناقب من مسند احمدبن حنبل ومن الصحاح الستة وموطأ مالك . . . فهذه عمدة كتب الاسلام التي عليها عمل المستبصر . . . فلايظفر رواية باقامة حجة.

[۱۴۸۱]

۵۹۶ این نسخه نسخ باعنوانهای شنگرف درجدول زرین ولاجورد است ومحمودبن محمدحسین خولستانی درروز ۲۰ ربیع دوم ۱۰۸۴ نوشتن آنرا بپایان رسانده.

۱- العمدة ازروی نسخهٔ ۹۶۴ در ۳۶ فصل با یک «فصل واحد» ودارای ۹۱۳ حدیث بدستور آقامیرزا صادق آقا فرزند آقامیرزا محمد مجتهد تبریزی بخط نسخ حاج احمدبن حاج ابراهیم تبریزی با سرگذشتی از ابن بطریق درآغاز در ۱۳۰۹ در ۲۴۶ ص بچاپ سنگی رسید.

بنگرید به: ذریعه ۷: ۱۷۵ و ۱: ۸۳ و ٤: ۱۹۸ - طوس ۵: ۱۲۷ و ۲۶۵ - روضات ۷۳۹ - مستدرك ٤۷۶.

۲- این خصائص در ۲۵ فصل و با الهداية في الامامة دوانی ومشكوة الانوار مجلسی ولمعات الانوار سیدابوالقاسم سدهی سپاهانی بخط نسخ محمدمحسن گلپایگانی درچاپخانهٔ سیداسدالله در ۱۳۱۱ بچاپ سنگی رسید.

میرمحمد حسین وضیاءالدین نوری دارندهٔ آن بوده‌اند .

۱۷۸۵ش ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج خالی ضربی دورویی عوالی ۱۱ برگردان
اندازه : ۱۶ × ۲۹/۵ و ۹/۵ × ۲۰ س ۲۲

[١٢٦٩] عوالی اللئالی الحدیثیة علی مذهب الامامیة (عربی)

ابن ابی جمهور احسائی (زندهٔ در ۸۳۸ - ۹۰٤) ازدانشمندان اخباری شیعی صوفی که بهمهٔ خبرهای کتابهای شیعی میگرائیده‌است دراینه‌فتر هر گونه حدیثی درست و سست را آورد و با خبرهای سنی آنها را بیامیخت این بود که برخی از خواجگان و استادان بدان نگرویدند و دسته‌ای مانند نگارندگان لؤلؤتی البحرین ووسائل وبحار بخبرهای او چندان ارجی ننهادند (همین فهرست ص ٦٢٥ - کنتوری ص ۲۹۵ - روضات ص ٥٩٥) نوری در مستدرك (٣ : ٥-٣٦١) سرگذشت اورا آوردو سخنان دانشمندان را دربارهٔ اویاد کرد وبخرده گیریهای خوانساری درروضات (ص ٥٩٨) پاسخ داد و از دو کتاب عوالی و دررالئالی او گفتگو نمود او این دانشمند را راستگو و درستکار میداند و بخبرهای او میگراید وبگفتهٔ او سید نعمةالله جزائری در گزارش خود براین عوالی بنام الجواهر الغوالی یامدینة العلم می نویسد که ما یافتیم که خبرهای اواز چه کتابهائی گرفته شده وهمه‌ازچهار کتاب وجز آنهااز کتابهای ابن‌بابویه ودیگردانشمندان محدث وفقیه میباشد . نوری بازمیگوید که برفقیه است که خبرهای این کتابرا مانند دیگر کتابها بسنجد وسست واستوار آنها را ازهم بازشناسد و میتوان هم دربارهٔ آن گرچه در آغاز وانجام آمیختگی دارد چنین کاررا کرد . نام این کتاب آنچنانکه نوری مینویسد بگواهی شیخ محمد حسن خضر و نسخه‌های اصل وشرح واجازه‌هاعوالی اللئالی است گرچه غوالی اللئالی برسرزبانهاست در نسخهٔ ماهم « عوالی اللئالی » دارد (دردیباچه و پایان) .

کتاب دارای مقدمه ایست در ده فصل

۱ـ هفت طریق روایت او که بسیاری از دانشمندان از آن شناخته میشوند

وهمهٔ اینها دربحار (۲۵ : ٤٨-٤٩) آورده شده

۲ـ چرا این حدیثها راگرد آورده است .

۳ـ سندهای معنعن او .

٤ـ حدیثهائیکه سند آنها را انداخته است .

٥ـ حدیثهای او دربارهٔ معالم دین .

٦ـ حدیثهای دیگر .

۷ـ دسته‌ای دیگر از حدیثها .

۸ـ حدیثهائی در آداب .

۹ـ حدیثها درفقه .

۱۰ـ حدیثها در آداب دینی) - پس‌از مقدمه دو باب است :

۱ـ حدیثهای فقهی بی‌ترتیب بابهای آن در چهار مسلك : روش گذشتگان ٣٦ ب ، روش جمال المحققین در حدیثهای مصالح دین ، روش شهیدیکم ٤٨ ب ، روش شیخ مقداد سیوری .

۲ـ حدیثها بترتیب بابهای فقه ازطهارة تادیات دردو بخش : روش جمال المحققین بروایت پسرش فخرالمحققین ، روش محقق حلی بروایت ابن‌فهد حلی سپس یك خاتمه که خبرهای پراکنده‌ای در آن هست و بیشتر آنها شیعی است .

درپایان نسخهٔ ما دارد که جلال‌الدین بهرام‌بن علی‌بن بهرام استرابادی این کتاب را ازمن شنید وباو اجازهٔ روایت‌داده‌ام واو کتاب را برمن خوانده‌است وآخرین باری که ازمن شنیده‌است روزششم ذی حجهٔ ۸۷۸ بوده‌است . نسخه‌ای ازاین بخط خود او درطوس (۱ : ٦٠ ش ۱۸۲) هست که درخانهٔ میرزامحسن رضوی درچهارماه زمستان ۸۹۷ نوشته ودر۲۳صفرهمین سال بپایانش برده‌است . دراجازه‌ایکه او بهمین رضوی داده‌است نوشت که‌اواین کتابرا که‌عوالی‌اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة نامیده شده سراسر ازمن شنیده‌است واین شنیدن او درنیمهٔ ذی‌قعدهٔ همین سال بانجام رسیده (ص ٤٧ اجازات بحار) فهرست مطلبها

در نسخهٔ ما (برگ پایان) با شمارهٔ برگها هست.

آغاز : بسمله و به ثقتی الحمد لله الذی اعلی اعلام العلماء الاعلام ووفقهم بطریق الدرایة والروایة لتبین معالم الاسلام و تهذیب طرائق شریعة رسول الملک العلام ورفع قواعد الدین الشریف والشرع المنیف بمساعی الفقهاء القوام و فضلاء الانام ...

وبعد ... ولما کان تلقی الحکم والآثار والاحکام والاخبار عن النبی والائمة الاطهار طوراً بالتقریر والافعال وطوراً بالاستفتاء والاقوال ... حدانی ذلک علی جمع کتاب جامع لاشتات المتفرقات من جمل مارواه الثقات عن النبی ... والائمة ... فشرعت فی جمعه وتهذیبه ونهضت فی ترتیبه وتبویبه ... فجمعته من کتب متفرقة ومظان متباعدة وجعلته فی مرکز و نصاب ... وسمیته « عوالی اللئالی الحدیثیة علی مذهب الامامیة » ورتبته علی مقدمة وبابین وخاتمة.

انجام : وهذا آخر ما اوردنا (؟) ایراده و اثباته من الاحادیث الواصلة الینا بطریق الروایة عن اهل الروایة علی الشرائط المعتبرة والروابط المرضیة ولله الحمد والمنة علی التوفیق لاتمامه وصلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین الی یوم الدین (اللهم خلدوابدوزد عمرومزید (؟) جمعیت (؟) صاحب هذه (؟) الکتاب بحق محمد وآله الامجاد علیهم السلام. و کان الفراغ من کتابته فی شهر صفر ختم بالخیر والظفر فی تاریخ سنة خمس وخمسین والف).

الحمد لله الذی انقذنا من حیرة الجهالة وعمایة الضلالة ... و بعد فقد سمع منی مؤلفی هذا وهو کتاب «عوالی اللئالی الحدیثیة علی مذهب الامامیة» من اوله الی آخره المولی ... مولانا جلال الملة والحق والدین بهرام بن شمس الدین بهرام بن علی بن بهرام الاسترابادی ... و کانت القراءة المذکورة فی اوقات متفاوتة ومجالس متعددة وقع بالاتفاق آخرها فی الیوم السادس من ذی حجة الحرام آخر شهور سنة ثمان و سبعین (و) ثمانمائة بالبلدة الاسترآباد حماها الله من جمیع الاعاد والحمد لله وحده والصلوة علی خیر خلقه محمد وآله وسلم.

[۱۴۸۲]

۶۹۳ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ روشن باعنوان و نشان شنگرف که نوشتن آن در صفر ۱۰۵۵ بانجام رسید. گ ۱ ب — ۲۱۱ ب. حاشیه‌های « منه مد ظله العالی » و « منه سلمه الله تعالی » ـ ستعلیق ما نا از نسخهٔ اصل همین گونه آورده شد. در نیمهٔ دوم نسخه حاشیه‌ها با نشانهٔ « منه ره تعالی » میباشد (از برگ ۷۴ تا پایان) نسخه از پسر محمد زمان شیرازی بشش هزار دینار و یک توب الجه خریداری شد (۱ الف)

هبهٔ دفتر ۲۳۲ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی با برگردان

اندازه : ۲۰×۳۱ و ۱۳×۱۸ س ۲۳

[۱۲۷۰] عیون اخبار الرضا (عربی)

ابن بابویه قمی (۳۸۱م) برای خزانهٔ صاحب عباد طالقانی سپاهانی (۳۲۶-۳۸۵) این دفتر پرداخت ودر آن سرگذشت پیشوای هشتم شیعی را آورده است. در آن از رجب سال ۳۵۲ که او با اجازه امیر سعید رکن الدوله بزیارت مشهد رضا رفته بود یاد میکند (باب ۷۳ ص ۳۸۱ چاپی) فهرست بابها در آغاز کتاب هست و شمارهٔ آنها در چاپی ۷۳ ودر نسخهٔ ش ۵۹۴ ما ۱۳۹ و در ش ۶۰۷ ما ۶۹ درمتن و ۱۳۹ در نسخه بدل آن میباشد.

این کتاب در ۱۳۱۷ بخط نسخ زین العابدین قمی از روی نسخهٔ سید نعمة الله شوشتری در ۳۸۷ ص وزیری در دوستون بچاپ سنگی رسید.

دربارهٔ سند روایت این کتاب مجلسی در بحار (ج ۱ فصل ۵ ص ۲۷) می نویسد که در برخی از نسخه‌های کهن نوشته بود:

که گفته است مرا شیخ والد ابوالحسین علی بن ابیطالب بن محمد بن ابیطالب تمیمی مجاور (نجف) از سید فقیه عزالدین شرف السادة ابومحمد شرفشاه بن ابی الفتوح محمد بن الحسین بن زباد علوی حسینی افطسی نیشابوری (ادام الله رفعته) در ۵۷۳ در نجف هنگامیکه مجاور آنجا بوده است از شیخ فقیه ابوالحسن علی بن عبدالصمد تمیمی (رض) در خانه اش در نیشابور در ۵۴۱ از سید امام زاهد ابوالبرکات

خوزی (رضی الله عنه) از ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی (رض).

آغاز : بسمله . وبه ثقتی . الحمدلله الواحد القهار العزیز الجبار الرحیم الغفار ... قال ابوجعفر محمد بن علی . . بن بابویه القمی . . وقع الی قصیدتان من قصائد ٥ الصاحب الجلیل کافی الکفاة ابی القاسم اسمعیل بن عباد (اطال الله بقائه . .) فی اهداء السلام الی الرضا . . . وصنفت هذا الکتاب لخزانته المعمورة .

انجام : حدثنا ابوالعباس احمد . . . یقول حضرت مشهد الرضا (ع) بطوس فرأیت رجلا ترکیا قد دخل القبة .. فقال الترکی قد ظهرلی من امر هذا المشهد ما صح لی به یقینی وقد آلیت علی نفسی علی ان لا افارق هذا المشهد ما بقیت) (آنچه ١٠ درمیان دو کمانه گذارده شده در ش ٩٩٤ د نیست) .

[١٤٨٣]

٩٩٤د این نسخه بنسخ روشن با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ودر رو جدول است که بزرگی بشنگرف و کوچکی زرین و لاجوردی میباشد . سرلوحی زرین ولاجورد وشنگرف دارد . نامهای پیامبر و پیشوایان وآیه‌ها که معرب است زیرخط ١٥ سرخ میباشد . خط میرزا « حسین نوری » درآن هست . نیز دارندهٔ دیگری که مهر « بسم الله الرحمن الرحیم » دارد . در کتابخانهٔ ضیاء الدین نوری نیز بوده است (٣ الف) .

(٣٠٧گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد مقوا وگوشه‌ها وته آن میشن

اندازه : ١٦×٢١/٥ و ١١×٢١/٥ س ١٧

[١٤٨٤]

٢٠ ٩٥٧د این نسخهٔ بسیار پاکیزه ودرست‌شده بنسخ است و با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که در بیهٔ روز شنبه ٣ ع ١/ ٩٦٢ نوشته شده است . حاشیه‌های لغوی نیز دارد . در برخی برگها مانند ١٩ ب و ٥٠ ب دارد : « بلغت » در گ ١ الف خط ومهر حسین بن حیدر حسینی کرکی در رجب ٩٨٤ در سپاهان وخط تاج الدین حسینی ٢٥ ومیر محمد باقر وکس دیگر در ١٢٠٨ دیده میشود .

(٣١١گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی گل وبوته‌دار مقوائی

اندازه : ١٧/٥×٢٥/٥ و ١٠/٥×١٧ س ٢٠

[١٢٧١] عیون المعجزات (عربی)

شیخ حسین بن عبدالوهاب محدث فقیه شاعر همشاگرد رضی و مرتضی نزد ابی التحف مصری ودیگران وهمشاگرد رضی و طوسی درروایت از هارون بن موسی تلعکبری بیك واسطه بوده است .

٥ او چون دید که شریف ابی القاسم علی بن احمد بن موسی بن جواد علوی کوفی (م ٣٥٢) نگارندهٔ « کتاب الاستغاثة » در « تثبیت المعجزات المشهورة للنبی » معجزه‌های امامان را با اینکه نویدداده بود نیاورده است ودر کتابهای دیگرهم آنها را ندیده بود و چون دید که در بصائر الدرجات فی تنزیه النبوات که در معجزات پیامبران است و جزدو بصائر الدرجات صفار و سعد بن عبدالله قمی (هردو در اخبار ١٠ اصول و فروع) میباشد حدیثهای بسیاری درفضائل آمده است پس خواست از این یکی گزین کند و دفتری دراین باره بسازد و معجزاتی در آن بیاورد که « مرتفعه » و « مفوضه » که بظاهر و باطن میگرایند و نیز « مقصره » از امامیان با آنها مخالف نباشند این بود که این کتاب « عیون المعجزات » یا « تتمیم المعجزات » را نگاشته تا دسترس همه باشد . دراین کتاب آنچنانکه او میگوید خبرهائیکه تنها ١٥ « مرتفعه » میآورند نیست وهر که آنها را بخواهد باید بکتاب « الهدایة الی الحق » او بنگرد . گرچه بهتر است بهمان خبرهائی بپردازند که اجماعی باشد و همه بگویند . دراین کتاب او ازخود یاد نمود (١٤ ب و ١٨ ب و ٥٥ الف و ٨٤ ب و ١٠٤ الف) و از « کتاب البیان فی وجوه الحق » خود (١٤ ب) و از بصائر وبصائر الدرجات (ص ٥٥ و ٧٥ و ٧٧ و ٨٢ و ٨٩ ـ گ ٥٨ ب و ١١٥ الف و جاهای ٢٠ دیگر) و کتاب الواحدة ابن ابی جمهور قمی و کتاب الانوار والقدرة (٦٠ الف و ٨٤ ب) و « الانوار » ابی علی حسن بن همام قطان م ٣٣٦ (ص ٦ و ١٠ و ١٣ و ٣٦ چاپی) روایتی که از ابن همام میآورد باید با واسطه باشد (ص ٣٩ و گ ١٨ الف ـ ص ٣٩٠ کشتودی از بحار) نیز از خط ابی القسم بندار بن الحسن بن ذوزان از خط ابی الحسن محمد بن الحسین بن سلمان (٩٣ الف و ٩٥ الف و ٨٤ الف) و از کتاب

القریش ابی‌الحسن نسابه بخط خود او (ص ٤٥) و از کتاب ابوعبدالله محمدبن زکریا الغلابی (ص ٤٩) واز کتاب الوصایا نگارش ابی‌الحسن علی‌بن محمدبن زیاد صیمری (ص ۹۵ و ۱۲۷) و از احمدبن الحسین مادرانی وشمانکین واذکوتکین پسر سمانکین (ص ۱۳۳ - ص کح دیباچهٔ آقای محدث بر محاسن برقی) واز طریق حشویه (ص ٥۲ و ٥٤).

استادان روایت حسین بن عبدالوهاب اینها هستند:

۱- ابوالتحف ابوالحسن علی بن محمدبن ابراهیم بن الحسن بن الطیب المصری (رحمه‌الله) درعندجان بسال ٤۱٥ (ص ۱٥ و ۱۸ و ۲۳ و ۲٥ و جاهای دیگر چاپی و گ ٤ ب نسخهٔ ما وجاهای دیگر)

۲- ابوعلی احمدبن زیدبن دارا (ص ۳ و ۸).

۳- ابوالحسین بن احمد الخضر المؤدب.

٤- ابومحمد الحسین بن الحسن بن محمدبن محمدبن نصر (ص ٤٠ و ٦۹ - گ ۱۹ ب و ٥٠ الف).

٥- ابوعبدالله کازرانی کاغذی.

٦- ابوالغنائم احمدبن منصور سروی.

۷- ابوطاهر احمدبن الحسین بن منصور الحلاج عندجانی (گ ۱٤ ب).

۸- قاضی ابوالحسن علی بن ودیع طبرانی (۲۳ الف).

۹- احمدبن محمدبن عیاش جوهری ۴۰۱- نگارندهٔ «مقتضب الاثر» (ص ٤).

مجلسی در بحار (۱: ٦) مینویسد: عیون المعجزات را از مرتضی دانستند و نزد من روشن نیست ولی کتاب لطیفی است و نسخه‌ای کهن از آن دارم و شاید از قدماء محدثان باشد ودر آن از ابی‌علی محمدبن همام ومحمدبن علی بن ابراهیم روایت دارد.

افندی نگارندهٔ ریاض گوید که من نسخه‌ای کهنه ازعیون در کازرون دیده‌ام که از ۷ رمضان تا یکم شوال ٤٤۸ نگارش شده ودر ٥٥٦ نوشته شده بود (همان

نسخه‌ای که سلامی در ۱۰٦۸ یافته است).

بحرانی درمدینة المعاجز (ص ٥) آنرا از مرتضی پنداشت و از آن بهره برده است ولی نوری درمستدرك میگوید که ازمرتضی نیست چه خبرهای آن با سبك او نمیسازد (ص ٥۲٦).

خوانساری درروضات (ص ۳۰۱ درسر گذشت راوندی) از نگارشهای همین راوندی از «التلخیص من فصول عبدالوهاب» یاد نمود و در (ص ۳۸۱ درسر گذشت نگارندهٔ الاستغاثة) گفته که این عیون از مرتضی نیست و دنبالهٔ تثبیت المعجزات واز حسین بن عبدالوهاب میباشد. نوری درمستدرك (ص ۳۳٤) ازاین کتاب ونگارندهٔ آن یاد نمود (نیز ذریعه ۳: ۳٤۰ و ۳٤٥).

دررجال قهپائی واردبیلی واسترابادی وحائری ومامقانی ازاین دانشمند یاد نگردید. علامه و ابن‌داود هم ازاو نام نبرده‌اند.

آغاز نسخهٔ ما: جدی افتخار الدین عزیزالله بن شرفشاه الشهیر بشاهمیر السلامی علی البقعة العلیة النورانیة ورأیت صورة الوقف مکتوبة فی ظهر الورقة بخطه وختمه ... ولما بلی الکتاب واندرست اوراق اوائله وتعذر استنساخ الباقی بتفتت الحواشی لقلته مخلوق الدیباجة متروك الصدر وقنعت فی النقل بالامکان وذکرت عبارة المؤلف بعینها ماختم به الکتاب الی العنوان لتفید تبصراً لمن رام ان یتبصر وتدبراً لمن حاول ان یتدبر والله العاصم عن الاباطیل والهادی الی سواء السبیل وهذه عبارته رفع الله درجته: «قال الحسین بن عبدالوهاب مؤلف هذا الکتاب قداقتصرت مماسمعته وقرائته فی الحضر والسفر من براهین الائمة ... و دلائلهم علی ما الفته واودعته هذا الکتاب ... واستغفر الله العظیم لی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات انه هو الغفور الرحیم» وحرر ذلك فی شهر شوال ... لعام ثمان وستین بعدالالف ...

والشرح لی کلام الحسین بن عبدالوهاب رحمه‌الله: «حدثنی الشیخ ابوالحسن علی بن محمدبن ابراهیم ابن الحسن بن الطیب المصری المعروف بابی التحف ... فی سنة خمس عشرة واربعمائة ... عن الحسین ع ان امیر المؤمنین ... اجتاز بارض بابل ...

فخرج (من بعض الاودية اسد) ثعبان عظيم فقرب من اميرالمؤمنين . . . وسجد له وسلم عليه (وبصبص اذنيه) بامرة المؤمنين وتوقف حواليه فرد عليه السلام ثم ولى واسرع في المشي (۲ الف - ۵ الف) (ص۱۵ چاپی و نزدیک ۱۴ ص آنرا ندارد).

انجام: «فقال لعن الوقاتون» (برابر با س ۱۲ ص ۱۳۴ چاپی - آنگاه بدین عبارت که در چاپی نیست پایان میابد): «وساله احد من خواص شيعته . . . عن ظهور القائم . . . فقال ... اما انه لايقوم قائمنا ... او يقيم شيعتنا المواساة بينهم فيأخذ بعضهم من مال بعض بغير اذنه وقلوبهم بذلك طيبة» يقول . . . محمدهادي السلامي الاحدي . . هذا آخر تأليف المؤلف وله بعد ذلك كلام نقلته في العنوان وبعده هذه عبارته: «تم الكتاب ... وقدكان ابتداء تأليف هذا الكتاب في السابع من شهر رمضان سنة ثمان واربعين واربعمائة ووقع الفراغ منه في يوم الفطر منه» انتهى. و بعد ذلك عبارة الاصل هكذا «كتبه صاحبه و فرغ منه في الثالث من جمادي الاول سنة «تنو» (= ۵۵۶) ... حامداً لله الموفق . . . وداعياً المصنف رضي الله عنه وغفر ذنوبه - قدفرغ من تسويده في يوم الفطر سنة خمس وسبعين بعد الالف من الهجرة النبوية عليه و آله افضل الصلوات و اكمل التحيات» - در پایان چاپی حدیثهائی هست که در نسخهٔ ما نیست بدینگونه: «حدث محمدبن جعفر قال خرج بعض اخواننا يريد العسكر . . . عن الحصني قال خرج في احمدبن عبدالعزيز توقيع انه قد ارتد فتبين ارتداده بعدالتوقيع باحد عشر يوما» و آن از روی نسخه شیخ محمدبن صفرعلی همدانی جورقانی از روی نسخهٔ محمد حر عاملی که در پایان آن «دخل في ملكي الفقير محمدالحر العاملي سنة ۱۰۸۷» نوشته بود درچاپخانهٔ حیدری نجف بسال ۱۹۵۰/۱۳۶۹ درد + ۱۴۲ ص باندازهٔ ربعی با دیباچه‌ای از محمدعلی اوردوبادی درسرگذشت حسین بن عبدالوهاب بچاپ سربی رسید در آغاز این چاپ هم حدیثهائی آمده که در آغاز نسخهٔ ما نیست بدینگونه

بسمله - حدث ابوالحسين احمدبن الحسين العطار ... لما رجع اميرالمؤمنين ع

من قتال نهروان اخذ على النهروانات و اعمال العراق . . . وقدازدادوا معرفة باميرالمؤمنين ع (ص۱ تا س ۴ ص ۱۵) گذشته از جدائیهای دیگر که این دو نسخه با هم دارند و کم وبیش و پیش و پس هم در آنها هست تا آنجائیکه ایندو را دو روایت جداگانه از یک کتاب میتوان دانست با اینکه نویسندگان در آن دستبردها کرده‌اند وشایسته است نسخهٔ ماهم جداگانه چاپ شود.

[۱۴۸۵]

۹۶۵ این نسخه نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است که محمدهادی سلامی احدی در یکم شوال ۱۰۷۵ از روی نسخهٔ تاریخ ۳ جمادی یکم سال ۵۵۶ (تنو) که در ۱۰۶۸ یافته بود نوشته است وآن یکی هم از روی نسخهٔ اصل که در ۷ رمضان تا یکم شوال ۴۴۸ فراهم آمده بود نوشته شده بود.

سلامی مینویسد که نسخه دیباچه نداشت وآغاز آن ازمیان رفته بود و من این دیباچه را در شوال ۱۰۶۸ است که مینویسم، در آغاز آن نشدی از حسین بن عبدالوهاب آمده که از پایان کتاب او است سپس آغاز کتاب که نخستین حدیث آن بتاریخ ۴۱۵ است از شیخ ابوالحسن علي بن محمدبن ابراهيم بن الحسن بن الطيب مصري معروف بابي النجف درعندجان. در برگ ۲۵ب پس از یادشدن داستان جزیرهٔ هفتم چون که علی ع اعمار بدانجا رفته اند دارد: «يقول الواثق بلطفه الابدي محرر هذه الحروف محمدهادي . . . هذا قريب من آخر الحديث وقد سقط من الرسالة التي اثرنا آنفا باقي الكلام لانذراس القرطاس وتفتت الحواشي» برگ ۶ سفید و نسخه باندازهٔ یک صفحهٔ چاپی (ص ۱۵ س ۱۶ - س ۱۸ ص ۱۷) کم دارد.

عبدالله بن الحسن البحراني دارندهٔ نسخه بوده است (۱ الف).

(۱۱۴ ص) - کاغذ ترمه - جلد تیماج سرخ ساده

اندازه: ۱۰/۵ × ۱۹ و ۵ × ۱۱/۵ س ۱۵

[۱۲۷۲] غاية المرام في شرح تهذيب الاحكام (عربی)

سید نعمةالله جزایری شوشتری (۱۰۵۰ - ۱۱۱۲) در دیباچهٔ این گزارش مینویسد که در جوانی بدرخواست دوستان گزارشی بر تهذیب الاحکام نوشته بودم و آن بچند مجلد میرسید سپس گزارشی بر استبصار بنام کشف الاسرار بساختم

آنگاه اوازنهایه بپرداختم. بگزارش تهذیب خود نگریستم دیدم که میتوان آنرا کوتاه‌تر ساخت پس با اینکه زندگیم آشفته بود وهماره در گردش بوده‌ام از آن گزین کرده‌ام ودرهشت جلد آنرا بانجام رسانده‌ام و «غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام» نامیده‌ام.

در آغاز آن مقدمه‌ایست درهشت مطلب:

١- تقسیم اخبار بروش دانشمندان شیعی.

٢- تاریخ تقسیم حدیث پس از ابن طاوس وعلامه حلی.

٣- اینکه اگر از یك راوی چندین تن از خواجگان و مشایخ روایت کنند همین خود میرساند که اودرستکار و نیك است.

٤- گونه گون حدیثها دردرایه.

٥- خواجگان و مشایخ در نوشتن چهار کتاب (الجوامع الاربعة) بروشهای گوناگون رفته‌اند.

٦- بررسی دربارهٔ سخنان مجتهدان در چند قاعده اصولی و تاریخ پیشرفت و گسترش چهارمذهب وروش اشعریان و جنگ وستیز مجتهدان و اخباریان.

٧- راه احتیاط پیش گرفتن.

٨- دستور نوشتن کتابهای حدیث وسجاوندی آنها که پدر بهائی آغاز کرده بود.

درمطلب ٥ و آغاز گزارش از نسخه‌ای از تهذیب که درخاندان شهید دوم درسپاهان بوده است یاد نمود و گفت که آن نسخه آشفته و درهم بوده است.

شوشتری جزء ٥ (از آغاز صلوة تا جنائز) را درروز سه شنبه نزدیك پایان ربیع دوم ٩٣ ، ١ درشوشتر بپرداخت (کشوری ص ٣٢٨ و ٣٩١ او جزء ٧ را که از دیون تا اجارات است هم دیده است).

درپایان دارد که درهنگامیکه لشکریان روم یا سپاهیان سلطان محمد (رابع ١٠٥٨-١٠٩٩) با مردم شهرهای جزایر ما جنگ میکردند و چند ماه دژ و قرنه را حصار داده بودند من پس از اینکه از فرا گرفتن دانش بیاسوده بودم بنگارش

گزارشی گسترده برعبارتهای همین تهذیب درچند جلد پرداخته بودم چون دیدم که آن بدرازا کشید کوتاهش ساختم ودرهشت جلد گذارده‌ام:

[١٤٨٦]

٦٩٨- این نسخه بشیخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد. عنوان مطلبها درهامش هم آمده است. حاشیه‌هائی بنستعلیق دارد با این نشانه‌ها:

«کذا افاده المؤلف ره» (گ ٥٧ ب) و «لمحرره» و «م ح باقر» (٦٣ ب) و «منه عفی عنه وعن والدیه وعن جمیع المؤمنین! آمین» (١٤٩ب) و «منه عفی عنه» (١٦٢ ب و ٢٣٧ ب و ٣٤٥ ب).

نیز درهامش دارد: «بلغ قبالا» (١٩ و ٣٠ ب) و «بلغ تصحیحا» (٢٣ الف نیز ٢٧٤ الف) و «بلغ تصحیحا من خط المؤلف وفقه الله تعالی» (٤٨ الف) و «بلغ سماعا منی افاضه الله تعالی» (٥٠ الف) و «ثم انتهت قراءة الی هنا زیدت تأییداته» (٨٨ الف) و «ثم انتهت قراءة الی هنا زیدت افاداته» (٨٩ ب) و «بلغ قراءة وفقه الله تعالی» (١٣٤ ب) و «قراءة الی هنا زیدت سلامه» (١٤٩ب) و «قراءة الی هنا زید علمه وحفظه» (١٧٩ب) و «قراءة الی هنا زید حفظه» (٢٥٠ ب) و «قراءة علی مؤلفه عفی الله عن جرائمه» (٣١٠ الف) و «بلغ قراءة ایده الله تعالی» (٣٢٤ ب) و «قراءة علی مؤلفه زیدت سلامه» (٣٣٣ الف).

پس این حاشیه‌ها و بلاغها همه ازخود سید شوشتری وشاگرد او وبخط آنهاست ونسخه درروزگار او نوشته شده است.

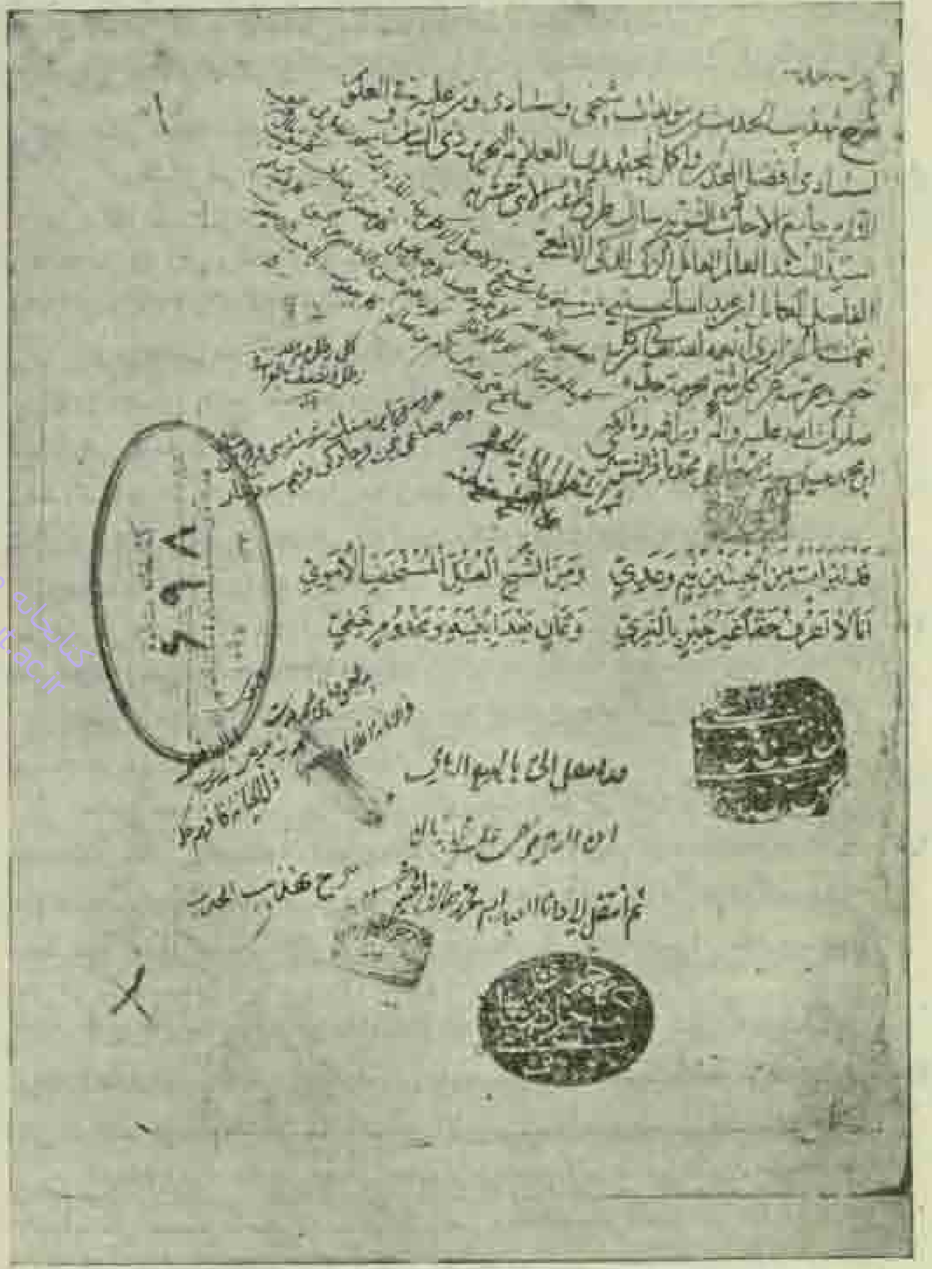
حاجی محمد زمان بن مرتضی گویا نویسندهٔ نسخهٔ ش ٩٥٣ و محمد محسن بن محمدصادق حسینی این نسخه را خریده‌اند وضیاءالدین نوری هم دارنده نسخه بوده‌است. دارنده دیگری بنام محمدباقر بن محمدحسین سید محمد شاهی شوشتری شاگرد شارح بخط خود گواهی میدهد که این گزارش از اواست و از وی نام میبرد. نسخه بپسر همو علی تقی بن محمدباقر رسیده بود (١ الف).

آغاز: بسمله، وصلی الله علی محمد وآله. الحمدلله الذی جعل احادیث اهل البیت ... مرقاة للنجاة وتهذیب کلامهم سببا لرفع الدرجات ... فیقول ... نعمت الله الحسینی الجزائری انی قد کنت فی ایام الشباب بالتماس بعض الاحباب شرحا مبسوطا علی تهذیب الحدیث.

انجام: قوله عنه عن محمد. مجهول بل صحیح لان حمادبن عثمان ممن اجمعت العصابة علی تصحیح ما صح عنه ... فکیف حصر وجه الجمع فی الحمل علی التقیة (شرح مسئلة نجاست خمر ونبیذ ومسکر).

٣٣٦ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با رویوش پارچه

اندازه: ١٤ × ٢٠ و ١٠ × ١٥ س ١٧



گ ۱ الف غایة المرام ش ۶۹۸

[۱۴۸۷]

۵۹۳ این نسخه نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد . حاشیه‌ای بنشانهٔ
«ع ل عفی عنه» در گ ۱۱۷ ب هست . مجلد ششم تا هشتم که از تجارات
تا جنایات است دراین نسخه آمده و در پایان بخش یکم که مجلد ششم و از تجارات
تا نکاح (گ ۲ ب ــ ۱۱۵ الف) میباشد دارد که درپسین روز آدینهٔ ۸ صفر ۱۰۹۷
درصباهان بانجام رسید . نوشتن آن درشوشتر سال ۱۱۷۲ بوده است ودرپایان بخش
دوم یامجلد هفتم (طلاق تاوصایا گ ۱۱۶ ب ــ ۲۰۰ الف) دارد که این مجلد درشوشتر
در ذیحجهٔ ۱۰۹۸ بنگارش در آمده است . نوشتن آن درپسین روزچهارشنبه ۸ ع ۲/ ۱۱۷۱
انجام یافت . بخش سوم یا مجلد هشتم (فرائض و مواریث تادیات گ ۲۰۰ الف ــ
۲۴۶ الف) پس از جنگی بود که درمتن یاد گردید . نوشتن آن هم درهمین سال ۱۱۷۱
بوده است و نویسندهٔ آن محمدزمان بن المرتضی میباشد و گویا همان است که دارندهٔ
نسخه ش ۶۹۸ بوده است . در گ ۱۱۱ الف حاشیه‌ایست از «میرسیدعلی» در ۱۱۷۵
و در گ ۱۷۴ الف از «علی بن محمد صادق عفی عنه» ــ میرسیدعلی بن مرتضی موسوی
(با مهر) وضیاءالدین نوری (با مهر) دارندهٔ نسخه بوده‌اند . خط محمدصادق بتاریخ
۱۰۲۶ هم هست (۲ الف) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی اوضح عن شرائع احکامه باخبار اهل البیت . . .
وبعد فان . . . نعمت‌الله الموسوی الحسینی الجزائری قد وفقه‌الله . . . لشرح ماتقدم من هذا
الکتاب فی مجلدات خمسة وهذا هو المجلد السادس . کتاب التجارات . باب فضل التجارة .

انجام : والمأمول من‌الله . . . ان یجعله نوراً یسعی بین ایدینا . . . ویجعل مابقی
من ایام العمر مقصوراً علی رضاه مصروفاً عما سواه (وقع الفراغ من ترقیمه فی السنة
المسبوقة المرقومة بعون الملك الوهاب) .

(۲۴۷ ص) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه : ۲۰×۳۱ و ۱۴×۲۴ ــ س ۲۰

[۱۲۷۳] غررالاخبار ودررالآثار (عربی)

فی مناقب ابی الائمة الاطهار

ابومحمد حسن بن ابی الحسن بن محمد دیلمی محدث واعظ شاعر دانشمند
سدهٔ هشتم و نگارندهٔ ارشادالقلوب واستاد ابن فهد حلی (۷۵۷–۸۴۱) که درعدة
الداعی (نگارش ۸۰۱) از او روایت میکند در این دفتر که در ۵۰ فصل است

وسندها را هم آورده است فضائل علی را یاد نمود . او در آن (فصل ۷ گ ۱۵ ب) از برانداخته شدن خاندان عباس و ستمگریهای مغولان ، کفاره یاد میکند و میگوید که کمتر از صد سال از آن تاریخ (که ۶۵۶ بوده است) میگذرد پس این دفتر در نزدیک ۷۵۰ بنگارش در آمده است (۱) چنانکه قمی هم گفته است حدیث کساء که میگویند طریحی نخستین بار در منتخب خود آورده است در همین کتاب (فصل ۲۱ گ ۶۳ ب) دیده میشود . در آن (گ ۴۶ الف فصل ۱۹) از عیون و محاسن مفید آورده شد .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله الملك القاهر الاعظم ذی السلطان الباقی الادوم المتعالی عن صفات المخلوقین المنزه عن نعوت الواصفین الی ما لا یلیق بوحدانیته ولا یماثل بعظمته . . . فیقول . . . ابومحمد الحسن بن ابی الحسن بن محمد الدیلمی . . . انی حیث نقلت من طرق شتی عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال من نقل عنی اربعین حدیثاً الی امتی یرید بذلك وجه الله والدار الآخرة حشره الله تعالی مع النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین و حسن اولئك رفیقاً و قال من من نقل عنی اربعین حدیثاً کتب فی زمرة العلماء و حشره الله تعالی فی جملة الشهداء . وقال من من حفظ اربعین حدیثاً من سنتی ادخلته یوم القیمة فی شفاعتی و قال من ان لعلی بن ابیطالب ع فضائل لا تحصی فمن ذکر فضیلة من فضائله او منقبة من مناقبه لم تزل الملائکة یستغفرون له ما بقی من الکتابة رسم . . . حرکنی ذلك و رغبنی فی ذکر الیسیر من فضائله . . . ولم التزم ذکر کل سندها لشهرتها وظهورها بین العلماء وفی کتبها المنقولة فیها المسندة عن رجالها بل اذکر الرجل والرجلین من رواتها واشیر الی کتبها الا ما شذ عن خاطری و بعد عن ناظری والذی حملنی علی ذلك ضیق الوقت وان لا یطول الکتاب ولا مراتی ملازمة او مزمنة . . . وترجمة هذا الکتاب غرر الاخبار ودرر الآثار فی مناقب ابی الائمة الاطهار علی امیر المؤمنین وسید الوصیین و امام

۱– بنگرید به : روضات ص ۱۷۸ – کنی والقاب قمی ۲ : ۲۱۲ هدیة الاحباب همو ص ۱۳۷ – ذریعه ۱ : ۵۱۷ و ۲ : ۲۳۸ ؛

المتقین اخی النبی المصطفی المختار . . . ، ویشتمل هذا الکتاب علی خمسین فصلا اولها فی ذکر فضل العلم والعلماء .

انجام : ومکلم الثعبان والغزالة والذئب والجمل علیه سلم فعلیه وعلی آله افضل الصلوة والسلام وعلی اصحابه الکرام تمت مسائل ابن سلام علی الکمال والحمدلله وحده وصلی الله علیه و علی آله و اصحابه وسلم تسلیماً کثیرا (علی ید الضعیف الحقیر ابن محمد حسن اکبر التربتی فی سنة ۱۱۰۲) .

[۱۴۸۸]

۵۹۱ف این نسخه ش ۱ دفتراست ونسخ با عنوانهای شنگرف که اکبر بن محمد حسن تربتی در ۱۱۰۲ نوشتن آنرا بپایان برده است . گ ۱ ب – ۸۸ ب ، در ۸۹ الف شعرهائی است بتازی و ۸۹ ب – ۹۱ ب سفید است .

[۱۲۷۴] الغیبة (کتاب . . .) (عربی)

شیخ ابن ابی زینب ابی عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی شاگرد کلینی و از بزرگان دانشمندان شیعی و مفسر که ببغداد آمده و بشام رفته و در آنجا در گذشت در این کتاب از غیبت امام زمان سخن رانده و بود او را روشن بداشت .

او در دیباچهٔ این کتاب می نویسد که شیعیان گرایندهٔ بامامت روزگار ما سخنانی پراکنده دارند و گروهی غالی ودسته ای کوتاه ورز ومقصر و بیشتر آنها در امام زمان شك دارند ولی شیعی نباید در حجت وامام زمان شك کند و من چون کار آنان را بدینگونه دیدم در این دفتر آنچه از سخنان علی و امامان دیگر از روی روایتهای شیوخ وخواجگان بیاد داشتم نگاشتم چه بهمهٔ آنها دسترسی نداشتم ومن آنرا در چند باب کردم . ابی الحسین محمد بن ابی الحسن علی شجاعی نویسنده این کتاب را در ذیحجهٔ ۳۴۲ از نعمانی روایت نمود نجاشی (ص ۲۷۱) مینویسد که من دیدم این کتاب را در مشهد عتیقی بر شجاعی میخواندهاند و پسرش ابوعبدالله الحسین آنرا با دیگر کتابهای نعمانی بمن بسپرد ونسخه ای که خوانده شده بود

نزد من است (روضات ص ۵۲۹) این کتاب با اربعین شهید یکم در تهران بسال ۱۳۱۸ بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. حدثنا الشیخ ابو الفرج محمد بن علی بن یعقوب بن ابی قرة العنابی (القنابی) رحمه الله قال حدثنا ابی الحسن محمد بن علی البجلی الکاتب واللفظ من اصله: کتبت هذه النسخة وهو ینظر فی اصله قال حدثنا ابو عبدالله محمد بن ابراهیم النعمانی بحلب (وعن نسخة اخری – حدثنی محمد بن ابی الحسن الشجاعی الکاتب حفظه الله قال محمد بن ابراهیم ابو عبدالله النعمانی رحمه الله (تعالی) فی ذی الحجة سنة اثنی و اربعین وثلثمائة قال: الحمدلله – رب العالمین – الخ – کذا فی نسخة – هامش) الحمدلله رب العالمین الهادی من یشاء الی صراط مستقیم المستحق الشکر من عباده باخراجه ایاهم (باخراجهم – خ ل) من العدم الی الوجود وتصویره ایاهم فی احسن الصور.

انجام: باب ما روی فی مدة ملك القائم دون (بعد – خ ل) قیامه. حدثنا احمد بن محمد بن سعید بن عقدة الکوفی ... عن ابی عبدالله ع انه قال ملك القائم تسع عشر سنة واشهر ... قال ان القائم ع یملك تسع عشر سنة واشهرا (صورة ما رسمه المؤلف) والذقد اتینا علی الغرض الذی قصدنا له وانتهینا الی مرادنا وفیه کفایة و بلاغ لمن کان له قلب او القی السمع وهو شهید فانا نحمدالله علی انعامه علینا ... ونسئله ان ... یزیدنا هدی وعلما وبصیرة وفهما ولا یزغ قلوبنا بعد اذهدینا وان یهب لنا من لدنه رحمة انه کریم وهاب والحمدلله وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین وسلم تسلیماً کثیراً مبارکاً زاکیاً نامیاً طیباً برحمتك یا ارحم الراحمین (تمت).

[۱۴۸۹]

۵۷۸ این نسخه ش ۱ این دفتر و نسخ با نشانه‌های شنگرف میباشد ودرهامش تصحیح شده است گ ۱ ب – ۵۷ الف.

[۱۲۷۵] فرائد السمطین (عربی)

دانشمند محدث صوفی و پیشوای بزرگ شیخ الاسلام شمس الدین ابو اسحاق

ابراهیم بن سعدالدین محمد بن المؤید ابی بکر بن ابی عبدالله محمد بن حمویه بن محمد جوینی خراسانی (۶۴۴ – ۷۲۲) بسیار بروایت حدیث میپرداخت و میکوشید که دفترهائی از آن فراهم آورد (روضات ص ۴۹ – الغدیر ۱ : ۱۱۴ – مستدرك ۳ : ۴۵۸).

او در این کتاب که در نسخهٔ ما (گ ۱ الف) «کتاب السمطین فی مناقب الرسول والبتول والمرتضی والسبطین» و «فرائد السمطین فی تفصیل مناقب المرتضی والزهراء والسبطین» و در روضات «فرائد السمطین فی فضائل المرتضی والبتول والسبطین» خوانده شده دو سمط گذارده است.

نخستین دارای فاتحه وخاتمه و ۷۲ باب و در برتریهای امیر مؤمنان علی میباشد. دومین آن هم دارای ۷۲ باب است و در آن از برتریها و نیکوئیهای خاندان پیامبر تا «مهدی» (عج) یاد گشت. در آن گرچه خبرهای تفضیل و غلو وارتفاع که کمتر در نوشته‌های سنی دیده میشود بسیار است ولی آشکارا سه خلیفه را بحق میداند پس او شیعی نخواهد بود اگر چه افندی در ریاض او را شیعی پنداشته است (روضات).

نخستین روایت این دفتر از عزالدین محمد بن علی بن ابی البدر بغدادی است باخواندن بر او در جایگاه زرود هنگامیکه از حج برمیگشته‌اند در تاریخ بامداد روز آدینهٔ ۱۸ ذیقعدهٔ ۶۹۴ (گ ۶ ب) و بازپسین روایتها از ابو علی حسن بن علی بن ابی بکر بن یونس بن الخلال شده در دمشق و بتاریخ ۶۹۵ (۱۵۵ ب) جزاین تاریخها هم درمیانهٔ کتاب هست. این کتاب در رجب ۷۱۶ بپایان رسیده است. بنوشتهٔ خوانساری این دفتر بیش از ده هزار بیت است و بیشتر آن اسناد میباشد و نام بسیاری از دانشمندان سنی و شیعی در اسنادهای آن آمده است و پاره‌ای از آنها را که استاد روایت حموئی در آنها یاد شده خوانساری برشمرد.

از استادان شیعی او اینها هستند:

۱– خواجهٔ طوسی که از او چنین یاد میکند «اخبرنا الصدر الامام العلامة

نصیرالدین ابوجعفر محمدبن محمدبن الحسن بن ابی بکر المشهدی الطوسی اجازة رحمه‌الله ، بروایت از دائی او نورالدین علی بن ابی منصور شمعی (٤ ب).

۲- پدر علامه حلی سدیدالدین یوسف بن المطهر (۱۱۷ الف و ۱۳۶ الف).

۳- محقق حلی نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر در ٦٧١ (٧٥ ب).

٤- پسر عم او یحیی بن سعید.

٥- شیخ مفیدالدین بن الجهم حلی بدینگونه ، مفیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن ابی الغنائم بن الجهم الحلی ، (١٤٩ ب).

٦- سیدالنسابه جلال (شمس) الدین عبدالحمیدبن فخار بن معدبن فخار موسوی (٢٨ ب و ٦٧ الف).

٧- جمال‌الدین احمدبن طاوس حلی در خانهٔ او در کوی عجلان شهر حله در ٢ ذی‌قعدة ٦٧١ (٦٦ الف - ١٣٨ الف).

حموئی در آن از ، مشاهدة الآیات فی اشراط الساعة و ظهور العلامات ، خود یاد کرده است (١٤٨ ب).

درهمین دفتر دارد که نجم‌الدین عبدالله‌بن جعفر دوریستی ١١٨ سال بزیست (٦٦ ب) گویا همین حموئی است که غازان برادر محمد اولجایتو را در انجمنی بزرگ که در کاخ خود درلار دماوند در چهارم شعبان ٦٩٤ بیاراسته و خود شست و شوئی کرده و پوشاک پدر حموئی را پوشیده بود مسلمان کرده است و از پی آن بسیاری از ترکان باسلام گرائیدند (روضات).

سند ، ادعیة السر ، هم بهمین حموئی میرسد آنچنانکه خوانساری یاد کرده است.

شمس‌الدین محمدبن یوسف بن الحسن زرندی مدنی اشعری شافعی که از ابن صباغ مالکی روایت میکند و فیروزآبادی از او روایت دارد ، نظم درر السمطین فی فضائل المرتضی والبتول والسبطین ، دارد (حاشیهٔ روضات ص ٦٢٨).

آغاز : انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم . وبه نستعین . تبارك الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً وبعث الیهم مستقلا باعباء الرسالة داعیاً باذنه

وسراجاً منیرا ... وبعد فالحمدلله ... یقول ... ابراهیم‌ابن محمدبن ابن المؤید الحموئی ... هذه فوائد احادیث من بحر الفضائل مستخرجة وفی سلك الاخلاص منظومة و ازهار اخبار یزهی بها ریاض المزایا والمفاخر التی هی سحب الولایة مرهومه.

انجام : واتفق ختم هذا الکتاب .. فی ذکر الفرج المنتظر فی جمیع الابواب ... وتجز الفراغ من نظم هذه الفرائد فی سلك الانتخاب و کتبه وتحریره .. رجب سنة ست عشرة وسبعمائة لعبدالله الفقیر الی رحمته ابراهیم بن محمدبن المؤید الحموئی ... وهو یقول احمدك اللهم یامفرج الکروب .. علی توفیقك لهذا العبد .. لاستخراج درر هذه الفضائل من قاموس الاخبار و رصفها فی سمط الابیات واشکرك علی هذه النعمة ... فزد اللهم ماغرست فی قلوبنا من محبة عبادك المعصومین وائمتنا الطاهرین سحائب المزید ... واعف عنا بکرمك تکریماً لولایتهم فانك رحیم ودود...

یارب سهل زیاراتی مشاهدهم	فان روحی تهوی ذلك الطینا
یارب صیر حیوتی فی محبتهم	ومحتدی معهم آمین آمینا

والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله ومظهر حقه محمد واهل بیته الطیبین الطاهرین اجمعین.

[۱٤٩٦٠]

٥٨٢ این نسخهٔ کهن بخط نسخ باعنوانهای شنگرف ودرجدول شنگرف ولاجورد میباشد . ترنج زیبائی در برگ ١ الف هست وسرلوحی در ١ ب . میانهٔ برگ ١ کمی سوراخ شده واز ترنج وعبارت متن اندکی رفته است دربرخی جاها مانده (کنارهٔ برگ ٥ ب) دارد : « بلغت المقابلة » . برگ ١ الف دارد « الواثق بلطف الله الغنی ابراهیم بن محمد الحسینی وفقه‌الله لمراضیه ».

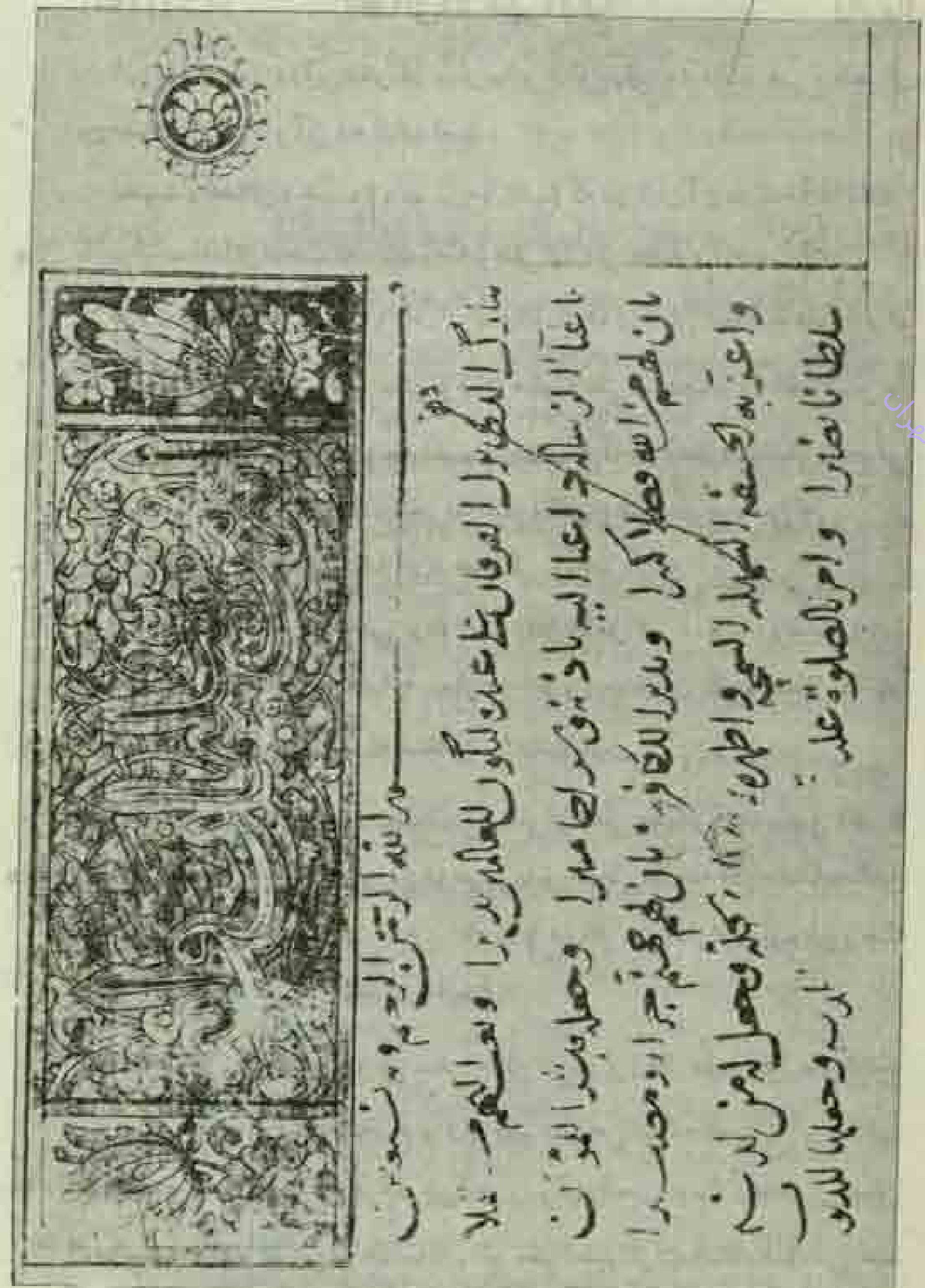
آقای مشکوة نسخه را درشب ١٦ ذی‌قعدهٔ ١٣٦١ از آقای میرزا مجدالدین فرزند صدرالافاضل به ٦٠٠ ریال خریده است . نشانهٔ وقف هم در نسخه هست.

(١٥٦گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد مقوائی زرد تا آن عیش

الداره : ٢٠ ، ٣١ و ١٣/٥ ، ٢٢/٥ ص ٣٣



گ ۱ الف صفحهٔ عنوان فرائدالسمطین ش ۵۸۲



گ ۱ ب آغاز فرائدالسمطین ش ۵۸۲

[١٢٧٦] فضائل الاشهر الثلثة (عربی)

ابن بابویه قمی دراین دفتر از برتریها و نکوئیهای سه ماه رجب و شعبان ورمضان یاد نمود وآن سه کتاب است :

نخست « فضائل رجب » (١ ب - ١٩ الف) که درپایان آن در نسخهٔ ما دارد : « تم کتاب فضائل رجب بحمدالله ومنه وصلى الله على محمد وآله » .

دوم « فضائل شعبان » (١٩ الف - ٣٥ الف) که در پایان نسخهٔ ما دارد : « تم کتاب فضائل شعبان بحمدالله وحسن توفیقه وصلوته علی نبیه محمد وآله الطاهرین » .

سوم « فضائل رمضان » (٣٥ الف - ٨٩ ب) که در آغاز این یکی و دومی کلمه « باب » آمده وعبارت « اخبرنا الشیخ (الفقیه) ابو جعفر محمد بن علی ... بن بابویه (الفقیه) رض قال حدثنا ابی رحمه الله .. » هم دارد .

این سه کتاب نزد حرعاملی بوده است (امل الآمل ص ٥٠٣ - روضات ٥٣١) ومجلسی هم درفصل ١ و ٢ دیباچهٔ بحار (١ : ٥ و ١١) از آن بنام « فضائل الاشهر الثلثة » یاد کرده ومیرساند که نسخهٔ آنرا داشته بود .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین اخبرنا ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه رضی الله عنه قال حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحق الطالقانی .. عن .. الرضا (ع) قال من صام اول یوم من رجب رغبة فی ثواب الله عزوجل وجبت له الجنة .

انجام : قال حدثنا اسمعیل بن جعفر .. عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم رب صائم حظه من صیامه الجوع و رب قائم حظه من قیامه السهر - تم الکتاب بحمدالله و حسن توفیقه و فرغت من تحریره وقت العصر یوم الاربعاء من شعبان المعظم سنه (؟) و ثمانین و خمسمائة - تم بقلم الحقیر تراب اقدام المؤمنین عبد الحسین اللهم اغفر له ولوالدیه وارحمهما کما ربیانی صغیرا .

[١٤٩١]

٦٩٩ این نسخه نسخ با نشانه‌های شنگرف میباشد وآغاز مطلبها زیرخط سرخ است . نویسندهٔ آن عبدالحسین است که گویا از روی نسخهٔ ٥٨٠ نوشته است .

٨٩ گ - کاغذ فرنگی - جلد پارچه

اندازه : ٥/١٠ × ١٦ و ٧ × ١٧ س ١٤

[١٢٧٧] فلاح السائل ونجاح المسائل (عربی)

این کتاب از علی بن طاوس دربارهٔ کارهای شبانه و روز ودردوجزء است وجزء یکم ده جزء مهمات صلاح المتعبد و تتمات مصباح المتهجد که پس از ٦٣٥ آنرا انگاشته ودردنبال مصباح المتهجد بیاد مادری خود شیخ طوسی گذارده است (مستدرك نوری ٣ : ٣٦١ - ذریعه ٨ : ١٧٧ - فهرست آقای منزوی ١ : ١٠٩) اوجزء یکم آنرا دربارهٔ عبادتهای ازهنگام بیداری تا خواب نوشته ودرپایان آن نوید داده که دردومی آدابی را بیاورد که ازپیامبر برای هنگام بیدارشدن ازخواب رسیده است .

[١٤٩٢]

٩٠٤ این نسخه پاره‌ایست از جزء یکم و در ٢ دفتر است و بنستعلیق ٦ ربیع دوم ١٣٣٢ از روی نسخه نوشتهٔ ابدال خادم در نجف در روز پنجشنبه نیمه‌های ماه شوال ١٠٧٧ ونویسندهٔ این نسخهٔ ما درهمین سال بنجف رفته و دوماه درآنجا ماند و بدستور استاد خود آقامیرزا محمد علی رشتی نجفی این را نوشته است و نسخه چنین است :

آغاز : « الفصل الثالث والعشرون فی تلقی الملکین الحافظین عند ابتداء اللیل ... یقول السید ... رضی الدین ... ابو القاسم علی ... بن محمد الطاوس ... ایها العبد ان کنت مسلما » .

انجام : تم ما نقل علی سارك تلك یقول السید ... رضی الدین ... ابو القاسم علی ... بن محمد الطاوس ... ان هذا کتاب فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم واللیلة لاصحاب الانام ... اذا حبس النائم من رقاده وهو علی ما کان علیه من عافیة وتمام مراده انشاءالله تعالی وصلی الله علی سید المرسلین محمد النبی وآله الطاهرین .

گ ٦٦ الف - ٩١ ب - کاغذ فرنگی زرد (بنگرید به ١/٩٠٤) .

[١٢٧٨] فوائد حديثية (عربی)

دراین « فوائد » حدیثهائی چند از پیامبر و پیشوایان گلچینی شده و همهٔ آنها از « کلمات قصار » آنان است . گرد آورندهٔ آنها همان نویسندهٔ نسخه و محمد بن عبدالحسین حسینی « می باشد .

آغاز : (فوائد لماتقطه) بسمله . عن من ع لاتصح العبادة الا بالتوبة قال تعالی التائبون العابدون فقدم التوبة علی العبادة فهی اول المقامات والعبودیة اخیرتها .

انجام : و رأسها الفؤاد وهو معدن التوحید قال تعالی ما کذب الفؤاد ما رای (تم بقلم المذنب ابن عبدالحسین محمد الملتقط حسنت عواقبه بالحسنی بمحمد و آله اسماء الله الحسنی) .

[١٤٩٣]

١٠٥٩ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف همان حسینی است که نزدیک ١٠٥٦ نوشته است . حاشیه‌هائی هم دارد . گ ٤١ ب – ٤٣ ب .

[١٢٧٩] فهرست رجال مسند کتاب من لا یحضره الفقیه (عربی)

این فهرست گویا از محمد قاسم بن محمد مؤمن اردستانی شاگرد مجلسی است (ش ۱ و ٦٢٧ من لایحضر درهمین فهرست) .

درفهرست طوس (ش ٧٣٨ و ٧٤٥ و ٧٥٥) یاد شده از پنج فهرست القابالی رجال احادیث برخی با شماره و رمز و گزارش رمزهای انواع حدیث دوتا از گمنام و یکی از محمد موسی بن جلال محمد کاشانی که رجال را به ٣٨٣ تن رسانده و یکی از سید محمد شفیع با رمز انواع حدیث و پنجمی آن همین نسخهٔ ما است و پیش از هرنامی در آن شماره‌ای هست .

درفهرست سپهسالار (ش ٤١٥ ص ٣٢٨) از سه فهرست یاد شد که یکی با رمز است و دیگری بروش دیگر و سومی از مراد علی نامی میباشد .

علاء الدین گلستانه هم در ٢٤ دائره رجال اسناد مشیخهٔ قمی را فهرست وار نشان داد (فهرست آقای منزوی ٢ : ٦٠٦) .

آغاز : بسمله . و به توکلی و اعتمادی . هذا فهرست رجال مسند کتاب من لایحضره الفقیه واعیت فیه الرجل والاب واب الاب مرتب علی حروف التهجی و وضعت ارقاماً علی کل اسم فی الاصل بعدده بالترتیب الذی ذکره المصنف ره ثم وضعت علی کل رقم علی اسمه فی الاصل علی تلک الاسم فی هذا الفهرست یستخرج الاسماء والاطلاع علی الطرق واشرت الی الاسماء الذی ذکرهم مکرراً بعین الطرق الاولی او بغیره .

انجام : ٣٥٦ یونس یعقوب م . ق . تم بعون الله ... فی تاریخ تاسع عشرین شهر رمضان المبارک بسنة ثمان وسبعین بعد الالف من الهجرة النبویة المحمدیة صلی الله علیه و آله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین .

[١٤٩٤]

٦٢٧ این نسخه ش ٢ دفتر است و بهمانگونه خط ش ١ میباشد گ ٣١٤ ب – ٣١٧ الف .

[١٢٨٠] فهرست کافی (عربی)

محمد جعفر بن محمد صفی ناعی فارسی با گفتگوی با دانشمندان فهرستی از مطلبهای بابهای کافی که عنوانها آنها را نمیرساند ساخته و پس از یاد کردن عنوانها مطلبها را برشمرد . کنتوری (ص ٢٧٧) از رسالة فی فهرست ابواب الکافی واحادیث کل باب از محمد علی بن عبدالله حسینی یاد کرد (ملی ١ : ٦٧) .

آغاز : بسمله . وبه نقتی . الحمد لله الذی جعل العقل للدروس قواعد الجاهلیة من صفقه کفایة الاسلام و نفقت ارادته السریعة و رحمته الوسیعة باذهاب رجس الکفر عن عباده من شقشقة الایمان ومعرفة الاحکام ... یقول ... محمد جعفر بن محمد صفی الناعی الفارسی لما کان کتاب الکافی من اضبط کتب الاخبار ... و کان ذلک منشأ

توهم تطبيق العنوانات مع مابين فی ذيلها وحرمان من لم يتصفح غيره فی التأدی الی المقاصد وتيلها اظهرت ماكان محروقاً تحت اشعة شموس الابواب واخرجت الفرائد المخفية فی قمار بحار النوادر والاذناب . . وجعلته تحفة لاخوانی .

انجام : يعمل بكتاب الله لايری فيكم منكر الا انكره . تمت كتاب الروضة بعون الله وحسن توفيقه فی ۲۶ محرم الحرام سنة ۱۲۷۳ .

[۱۴۹۵]

این نسخه ش ۲ دفتر است ونسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد . گـ ۲۹۸ ب – ۳۶۳ ب س ۲۹ .

[۱۲۸۱] قرب الاسناد (عربی)

ابوالعباس عبدالله بن جعفر بن الحسين بن مالك بن جامع حميری قمی شاگرد دو امام جواد وعسكری ع ومحدث فقيه و راوی موثق وخواجه و رهبر قميها و نگارندهٔ كتابها (نزديك ۲۴۰ – نزديك ۳۰۰) از راويان دستهٔ هشتم است . او در ۲۹۰ يا ۲۷۰ و اندی بكوفه آمده ومردم آنجا ازش حديث شنيدند ويكی از نگارندگان قرب الاسناد است كه ازميان كتابهای اوهمين بجای مانده است .

در قرب الاسناد روايتهائی گنجانده ميشود كه خود از امام شنيده باشند يا بيك واسطه از او گرفته باشند . دراين كتاب پسرش محمد كه از دانشمندان شيعی است راوی اوميباشد (۱) در آن ۱۳۸۷ حديث است درمسئله‌های فرعی بروش فقيهان وسندهای قريب ازجعفر صادق (جزء ۱) وموسی كاظم (ج ۲) ورضا (ج ۳) در آن آمده است (طوس ۵ : ۱۴۰) .

از نويسندگان « قرب الاسناد » اين دانشمندان را نام برده‌اند:

۱ – درفهرست طوسی ش ۲۹ ومعالم العلماء ش ۴۸۱ از يك قرب الاسناد او ياد شده ودر رجال نجاشی ص ۱۵۲ ازسه قرب الاسناد او (ازرضا وابی جعفر پسر او وصاحب امر) ياد گشت . نيز بنگريد به : خلاصهٔ حلی ص ۵۲ – تنزيه القميين ص ۲۸ – دو ديباچهٔ بروجردی وطريحی بر دوچاپ) .

۱ – علی بن ابراهيم بن هاشم قمی نگارندهٔ تفسير كه در روزگار حميری ميزيسته است .

۲ – ابی الحسين كرخی .

۳ – علی بن بابويه پدر صدوق .

۴ – ابوجعفر محمد بن جعفر بن بطهٔ مؤدب قمی .

۵ – ابی جعفر محمد بن عيسی يقطينی .

۶ – ابی الفرج محمد بن ابی عمران موسی بن علی بن عبدويه كاتب قزوينی .

۷ – همين حميری كه سندهای نزديك ازصادق و كاظم ورضا وجواد ومهدی را در « قرب الاسناد » خود گرد آورده وپسر او محمد اين كتاب را روايت ميكرده است گرچه ابن ادريس درسرائر آنرا از پسر پنداشت ولی مجلسی در بحار (۱ : ۱۱) وعاملی دروسائل (فائدهٔ چهارم خاتمه) آنرا از پدر دانستند . در ترتيب اجزاء اين كتاب اختلاف است . نسخهٔ ابن ادريس مورخ پايان رمضان ۵۷۴ است ازروی نسخهٔ خط ابوالغنائم محمد بن حسين بن مهجناز بزاز . سپس شيخ احمد بن محمد بن يحيی الاوالی (بن عاقل) بحرينی ازروی آن در نيمروز شنبه ۱۳ ع ۹۷۷/۱ نسخه‌ای نوشته سپس زين الدين بن محمد بن حسن شهيد ثانی (۱۰۰۹–۱۰۶۴) ازروی آن در سه روز گذشته از ج ۱۰۳۳/۲ نسخه‌ای نوشته آنگاه حر عاملی از روی آن نسخه‌ای نوشته آنگاه امير بيك بن حاج سلطان ميرك جورمكنی در ۳ شعبان ۱۰۸۳ ازروی آن نسخه‌ای نوشته كه درطوس (ش ۶۴۶ ج ۵ ص ۱۴۰) هست .

كنتوری (ص ۴۱۱) نسخه‌ای داشت از روی نسخهٔ ابن ادريس كه درپايانش اجازهٔ ابی غالب زراری و اجازهٔ محمد پسر حميری از پدر خود از هارون بن مسلم بن مسعدة بن صدقه ازجعفر صادق داشته بود وميگويد كه گويا نزد مجلسی بوده است . و گويا همان ازهند بشوری رسيده بود .

فاضل هندی م ۱۱۳۷ اين كتاب را بشيخ احمد عربی حلی بروايت ازپدرخود تاج الدين حسن از مولی حسن علی از پدرش مولی عبدالله شوشتری م ۱۰۲۱

اجازه داده بود. مجلسی در بحار (۱ : ۱۱) میگوید: قرب‌الاسناد که من آنرا ازروی نسخهٔ کهن گرفته شدهٔ از خط محمدبن‌ادریس نوشته‌ام‌ در آن‌صورت خط او بدینگونه: «الاصل‌الذی ... » بوده‌است (این‌عبارت‌را پس‌ازاین خواهیم‌دید).

قرب‌الاسناد یکبار در چاپخانهٔ حیدری نجف بسال ۱۳٦۹ (۱۹۵۰) با دیباچهٔ عبدالمولی طریحی در ۲۳٤ص ربعی ازروی نسخهٔ تاریخ ۱۳۳۵ محمدعلی اردوبادی تبریزی بچاپ سربی رسید. اردوبادی نسخه‌را در ۱۳٦۹ با نسخهٔ شیخ شیرمحمدبن صفرعلی همدانی جورقانی مقابله کرده‌بود. بارهٔ دیگر در چاپخانهٔ اسلامیهٔ تهران در ۱۳۷۰ بدستور حاج آقا حسین بروجردی با دیباچه‌ای درسر گذشت حمیری در ۱۷۷ص باجعفریات واشعثیات در ۲۵۲ص وزیری بچاپ سنگی رسید. این چاپ ازروی نسخهٔ حاج احمد خادمی بروجردی تاریخ ۱۳۵۹ که ازروی نسخهٔ شاگرد نوری نوشتهٔ ازروی نسخهٔ خود نوری نوشته شده بود میباشد.

آغاز: بسمله. محمدبن عبدالله‌بن جعفرالحمیری عن‌ابیه عن هرون‌بن مسلم ... قال کان علی یقول فی دعائه وهوساجد اللهم‌انی اعوذبك ان تبلینی ببلیة تدعونی ضرورتها علی ان اتغوث بشیء من معاصیك.

انجام: نعم اذا جاءت‌الشهوة وانزلت‌الماء وجب علیهاالغسل آخرالجزءالثالث من کتاب قرب‌الاسناد.

درپایان نسخهٔ نوری که گویا همان نسخهٔ کنتوری بوده و نسخهٔ شاگرد او ازروی آن‌نوشته‌شده‌بود داشته‌است: «حکایة ماوجدت فی‌النسخة‌التی نقلت‌منها: وبخط ابن مهجناز البزاز ماهذه لفظه (صورته): حدثنی بکتاب قرب‌الاسناد لابی العباس‌عبدالله‌بن جعفرالحمیری ابوغالب احمدبن‌محمدبن‌محمدبن سلیمان‌الزراری الکوفی (الشیبانی ۲۸۵ – ۳٦۸) رحمه‌الله قال حدثنی عبدالله‌بن جعفرالحمیری بهذاالکتاب وبجمیع کتبه قرائة علیه ومالم‌اقرأه منها فانه دخل‌فی جملة مااجازه‌لی وقداطلقت لابی‌الغنائم محمدبن علی بن‌الحسین بن مهجناز البزاز ادام‌الله عزه و نفعه (متعه) بالعلم وفقه (بقیة) الکلام ـ انقطعت‌الورقة (عن‌النسخة) ـ نسخة اجازة

کانت فی‌الاصل بخط محمدبن عبدالله‌بن جعفرالحمیری تاریخهاصفرار بع وثلثمأة: وقداطلقت لك یا اباعمر وسعیدبن‌عمرو ان تروی هذاالکتاب‌عنی عن ابی(علی) تمام هذاالکتاب وماکان فیه عن بکرالازدی وسعدان‌بن مسلم فاروه عن احمدبن اسحاق‌بن سعید (سعد) عنهما. و کتب محمدبن عبدالله‌بن جعفرالحمیری بخطه‌فی صفر سنة اربع و ثلثمأة. تم‌الکتاب والحمدلله رب‌العالمین و صلی‌الله علی سیدنا محمدوآله‌الطاهرین و کتب محمدبن ادریس و کان‌الفراغ منه نسخاًسلخ (شهر) رمضان سنةاربع وسبعین وخمسمأة حامدالله ومصلیاًعلی خیرته من بریته‌محمدالنبی والاصفیاء من عترته ـ هذا ماوجدته بخط ابن ادریس رضوان‌الله علیه ورحمته. وعلیه‌ایضاًبخط (الاصل‌الذی نقلتها (نقلته ـ بحار) منه کان فیه لحن صریح و کلام مضطرب فصورته علی ماوجدته خوفاً من‌التغییر والتبدیل فللناظر (فالناظر) فیه تمهید (یمهد) العذرفقد بینت عذری‌فیه) وعلیه ایضاً بلغ‌العرض باصله فوافق علی ماهوعلیه والحمدلله‌رب‌العالمین (کنتوری) (عبارت میان دو کمانه‌از‌الاصل تافیه در بحار ۱ : ۱۱ آمده است).

[۱٤۹٦]

۱۰٦۱ این‌نسخه ش۲دفتراست. وبهمانگونه خط حرعاملی که درش ۲ یادگردید گ ۱۰۳ ب ـ ۱۰۹ ب‌چنین است انجام نسخه:

وعنه عن‌عبدالله عن جعفربن‌محمد عن‌ابیه قال مرعلی بکربلا فی اثنین من‌اصحابه قال فلما مربها ترقرقت عیناه للبکاء ثم قال هذا مناخ رکابهم وهذاملقی رحالهم وههنا تهراق‌دماؤهم طوبی لك من‌تربة علیك تهراق دمائهم طوبی لك من‌تربة علیك تهراق دماءالاحبة. وعنه عن عبدالله‌بن میمون‌القداحی عن جعفربن محمد عن (برابر با ص۱۱ س ۲۰ چاپ نجف و ص ۸ س۱٤ چاپ تهران) (بنگرید به۱۰٦۱/۱۰) این نسخه باید همان باشد که نسخهٔ ش ٦٤٦ طوس ازروی آن نوشته شده است وبگواهی‌آن نسخه عاملی این یکی را ازروی نسخهٔ تاریخ ٤ جمادی دوم سال ۱۰۳۳ شیخ زین‌الدین‌بن محمد عاملی (۱۰۰۹ـ۱۰٦٤) نوشته است ونسخهٔ اوهم ازروی نسخهٔ اوائل میباشد. درصفحه عنوان دارد: «یأتی‌فی آخره حکایة خطوط جماعة من‌العلماءبروایته واجازته» ۱۰۳ الف.

[١٢٨٢] قصص الانبیاء (عربی)

این دفتر در بیست باب است و سر گذشت پیامبران از آدم تا محمد صلی الله علیه و آله و سلم از روی خبرهای شیعی در آن آمده است. فهرست بابها در دیباچهٔ آن دیده میشود. عاملی در امل الآمل و خوانساری در روضات (ص ٣٠١) و نوری در مستدرک (ص ٤٨٩) آنرا از قطب الدین ابی الحسین سعید بن هبة الله بن حسن راوندی کاشانی دانسته‌اند.

قمی در فهرست (ص ٦) و ابن شهر آشوب در معالم (ش ٣٥٩) در شمار نگارشهای او این دفتر را یاد نکرده‌اند و قمی (ص ١٠) آنرا در شمار نگارشهای سید راوندی هم نیاورده و در معالم از این سید هیچ یاد نشده است. مجلسی در بحار می‌نویسد که من نسخه‌ام را با نسخه‌ای از این قصص که خط شهید روی آن بوده است سنجیدم (فصل ٢ ج ١) و روی اسنادهائیکه در آن آمده است باید از قطب راوندی باشد ولی ابن طاوس در برخی از اسنادهای خود آنرا از سید ضیاء الدین ابی الرضا فضل الله بن علی بن عبدالله حسینی راوندی کاشانی پنداشته است و در رسالهٔ نجوم و فلاح السائل این را آشکارا بگفته است. (رسالهٔ نجوم اگر فرج المهموم باشد خواهیم دید ولی فلاح السائل را ندیده‌ام) کاظمی در مقابس (ص ١٤) و کنتوری در کشف الحجب (ص ٤١٣) گفته‌اند که قصص الانبیاء از قطب راوندی یا از سید راوندی میباشد.

ابن طاوس در فرج المهموم (ص ٢٧) آنرا از قطب راوندی پنداشته است.

این دو راوندی (١) هردو از بزرگان شیعی و از دانشمندان نامور سدهٔ ششم

١ـ سر گذشت دو راوندی در مستدرک ص ٣٢٤ و ٣٢٥ و بحار ج ١ فصل ٤ از مناقب ابن شهر آشوب و فهرست قمی ص ١٠ و ٦ و النقض ص ١٦٩ و ١٩٠ و معالم (ش ٣٥٩) و امل الآمل ص ٤٩٢ و ٤٧٦ و لؤلؤتی البحرین و اجازات بحار (٢٤ و ٢٦ و ٢٣ اجازهٔ حلی فرزندان زهره) یاد شده است و کتابهای آندوهم در اینجاها نامبرده شد. پیداست که سید راوندی در ٥٢٩ و ٥٤٨ زنده بود. سمعانی در انساب از این سید یاد نمود. دنبالهٔ حاشیهٔ در صفحه پس از این

هستند. نوری در مستدرک برای سید راوندی ٢٢ استاد (ص ٤٩٣-٤٩٧) و برای قطب راوندی ٢٣ استاد (ص ٤٨٩-٤٩١) برشمرده است. کاظمی در مقابس ص ١٤ از برخی از استادان قطب و خوانساری در روضات (ص ٣٠٠ و ٤٩٢) از برخی از استادان هردو راوندی یاد کرده‌اند. پیداست که خیلی از آنها استاد هردو بوده‌اند.

چنانکه ابن طاوس گفته و مجلسی هم یاد کرده است بگواهی اسنادهای قصص میتوان گفت که آن از قطب راوندی میباشد. اینك رشتهٔ سند روایتهای این دفتر که در فصل چهارم جلد یکم بحار مجلسی هم برخی از آنها آمده است:

١ـ شیخ ابوالحسن علی بن علی بن عبدالصمد نیشابوری از پدرش از سید

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

آنجا آنکه در الغدیر ٤: ١٨٦ چاپ تهران آمده او در ٥١١ گزارشی بر نهج البلاغه نوشته است. از این گزارش او پاره‌ای در نهج البلاغهٔ نسخهٔ کابلی دیده میشود.

از خط شهید یکم برمیآید که قطب راوندی در نیمهٔ روز چهارشنبه ١٤ شوال ٥٧٣ در گذشت (بحار ٢٥: ١٥).

ابن طاوس در کشف المحجه (ص ٢٠) چنین مینویسد: الفصل الثلاثون: ومما یؤکد تصدیق الروایات بالتحذیر من علم الکلام و ما فیه من الشبهات التی وجدت الشیخ العالم فی علوم کثیرة قطب الدین الراوندی واسمه سعید بن هبة الله رحمه الله قد صنف کراساً وهی عندی الآن فی الخلاف الذی تجدد بین الشیخ المفید والمرتضی، وکانا من اعظم اهل زمانهما وخاصة شیخنا المفید، فذکر فی الکراس نحو خمس و تسعین مسألة قد وقع الاختلاف بینهما فیها من علم الاصول، وقال فی آخرها: لو استوفیت ما اختلفا فیه لطال الکتاب. و هذا یدلك علی انه طریق بعید فی معرفة رب الارباب (نیز روضات ص ٣٠١) افندی در ریاض مینویسد که من بر پشت نسخه‌ای از امالی صدوق دیده‌ام که سید فضل الله راوندی چنین نوشته بود که این کتاب را فقیه علی بن علی بن عبدالصمد تمیمی از روی اجازه‌ایکه بمن و دو پسرم احمد و علی داده و این اجازه را از نیشابور در ربیع یکم ٥٢٩ نوشته بود بمن خبر داد از پدر خود فقیه زاهد علی بن عبدالصمد از سید عالم ابی البرکات علی بن الحسین خوزی از املا کنندهٔ آن ابن بابویه (مستدرک نوری ص ٤٩٥ ـ ص ١١٠٥ همین فهرست).

ابوالبرکات علی‌بن‌الحسین حسینی خوزی از ابن‌بابویه (آغاز باب یکم ۲ الف و باب هشتم ۴۷ الف و باب دهم ۶۲ الف) (مجلسی - روضات ۴۹۲ ومستدرک ۴۹۰و۴۹۵ ومقابس ۱۴).

۲- محمدبن علی‌بن‌عبدالصمد نیشابوری از پدرش ازهمان خوزی از ابن‌بابویه (باب یکم ۶ الف ودهم ۶۲ الف) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ - مقابس ۱۴).

۳- ابوحرب المجتبی بن الداعی ازشیخ ابی عبدالله جعفر بن محمدبن احمدبن العباس بن الفاخر عبسی دوریستی رازی زندهٔ در ۴۷۴ ازشیخ مفید از ابن‌بابویه (باب یکم ۱۲ ب) (مج - روضات ۱۴۴ و ۳۰۱ - مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ - مقابس ۴).

۴- سید ابوالصمصام ابوالوضاح ذوالفقار بن احمد (محمد) بن سعید (معبد) حسینی مروزی ازطوسی از مفید از ابن‌بابویه (باب دوم ۱۵ ب) (مج - فهرست قمی ۶ - روضات ۳۰۱و۴۹۲ - مستدرک ۴۹۱ و ۴۹۵ مقابس ۱۴).

۵- شیخ ابوجعفر محمدبن علی‌بن‌المحسن (الحسن) حلبی از طوسی از مفید از ابن‌بابویه (باب دوم ۲۱ ب) (مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ - قمی ۱۰)

۶- ابونصرغازی (قاری درنسخهٔ ما) از ابی‌منصورعکبری ازمرتضی ورضی ازمفید از ابن بابویه (باب سوم ۲۶ ب) (مستدرک ۴۹۰و۴۹۵).

۷- شیخ امام قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن علی‌بن‌الحسین مقری نیشابوری ازعلی‌بن عبدالصمد تمیمی از خوزی از ابن بابویه (باب سوم ۲۸ الف) همانکه درسلوة‌الحزین از او روایت نموده است (ص ۱۳۵۵ همین فهرست) (مستدرک ۴۹۱و۴۹۵- قمی ۱۱-در روضات ۴۹۲ ازسید ابی جعفر حسینی نیشابوری ازاستادان سید راوندی یاد گشت ومانا جز شماره‌های ۷ و ۵ است . از گفتار قمی برمیآید که این دوشمارهٔ ۷و۵ استاد هردو راوندی بوده‌اند و دوتن هستند درمقابس ص ۱۴ مانا میخواهد آندوشماره را یکی بداند).

۸- ابوالبرکات محمدبن اسمعیل حسینی مشهدی (نگارندهٔ مزار) از علی‌بن

عبدالصمد نیشابوری ازخوزی از ابن‌بابویه (باب چهارم ۲۹ ب) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰و۴۹۵ مقابس ۱۴).

۹- استاد ابوالقاسم بن کمیج ازدوریستی ازمفید از ابن‌بابویه (باب چهارم ۳۰ ب) این پسر کمیج در ص ۱۱۷۹ همین فهرست شناسانده شده است . ابن شهرآشوب درمناقب (بحار فصل ۴ ج ۱) کتابهای مفید را ازاو و برادرش ازپدرشان از ابن براج ازشیخ مفید روایت نمود (مج - مستدرک ۴۹۰- مقابس ۱۴) (دراجازهٔ شیخ زین‌الدین محمدبن ابی نصرمحمدبن علی قمی پزشك شاگرد سید راوندی به جمال‌الدین ابونصر علی‌بن ابی سعد محمدبن‌الحسین بن ابی‌سعید متطبب قمی شاگرد عزالدین ابوالحسن علی‌بن فضل‌الله راوندی دررجب ۵۸۷ از استاد خود امین‌الدین بن ابی‌القاسم مرزبان‌بن حسین که ابن کمیج خوانده میشده یاد شده است (نهج‌البلاغه نسخهٔ کابلی - فهرست قمی ص ۱۲و۹).

۱۰- ابوجعفرمحمدبن‌المرزبان از دوریستی از پدرش از ابن‌بابویه (باب پنجم ۳۵ الف) (مج - مستدرک ۴۹۰).

۱۱- ادیب ابوعبدالله الحسین المؤدب قمی ازدوریستی ازپدرش ازابن‌بابویه (باب پنجم ۳۶ ب) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰).

۱۲و۱۳- شیخ ابوسعدالحسن بن علی ارابادی و شیخ ابوالقاسم‌الحسن‌بن محمدالحدیقی از دوریستی از پدرش از ابن‌بابویه (باب پنجم ۳۹ الف) (مج - روضات ۴۹۲- مستدرک ۴۹۰).

۱۴- شیخ ابوعلی فضل‌بن حسن‌بن فضل طبرسی از دوریستی از مفید از ابن بابویه (باب ششم ۴۰ باب) (مج - روضات ۳۰۱ - مستدرک ۴۹۰).

۱۵- ابوالحسین احمدبن محمدبن علی‌بن‌محمدالمرشکی ازجعفربن محمد ازجعفربن احمد از ابن‌بابویه (باب ششم ۴۲ ب) (مج - مستدرک ۴۹۰).

۱۶- هبة‌الله‌بن دعویدار اخباری از دوریستی از جعفربن محمد مریسی از ابن‌بابویه (باب ششم ۴۳ ب) (مج - روضات ۴۹۲ - مستدرک ۴۹۰).

۱۷- سید مرتضی بن الداعی از دوریستی از پدرش از ابن بابویه (باب یکم ۷ ب وباب هفتم ٤٤ ب) (روضات ۳۰۱ - مستدرک ٤۹۰ و٤۹٥ - مقابس ١٤).

۱۸- سیدعلی بن ابی طالب سلیقی حسینی از دوریستی ازپدرش از ابن بابویه (باب هفتم ٤٦ الف) (مج - روضات ٤۹۲ - مستدرک ٤۹۰و٤۹٥).

۱۹- سید ابوالسعادات هبةالله بن علی الشجری بغدادی (٤٥۰-٥٤۲) ازپدرش از ابن بابویه (باب هشتم ٥۰ ب) (مج - روضات ٤۹۲ - مستدرک ٤۹۰و٤۹٥).

۲۰- ابوالمحاسن مسعودبن علی بن محمد صوانی از علی بن عبدالصمد تمیمی ازخوزی از ابن بابویه (باب هشتم ٥١ ب - مستدرک ٤۹۰).

دراین بیست سند از سه استاد قطب راوندی: عماد کجیج طبری و ابوجعفر کمیج و عبدالرحیم بن الاخوة بغدادی (ش: ب و ك و كب نوری - اجازات ص ١٥) یادنشده ودرشماره‌های ١ تا٨و١٣ (بنوشتهٔ خوانساری) و١٧و١٨ ازاستادان هردو راوندی یادگردید. درشماره‌های ۹و١۰و١٢و١٤و١٥و۲۰ ازهمان استاد قطب راوندی تنها نامبرده شد. شماره‌های ١١ (مؤدب قمی) و ١٦ (دعویدار) و١۹ (ابن شجری) بنوشتهٔ خوانساری و گویا بپیروی از افندی در ریاض استاد هردو راوندی بوده‌اند گرچه نوری (ص ٤۹۲) این را نمی‌پذیرد و آنها را تنها استاد قطب راوندی میداند.

پس آشکارمیگردد که قصص‌الانبیاء ازقطب راوندی میباشد نه سید راوندی چه در آن از کسانی روایت شده که استاد او نیستند.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی خلق الزمان والمكان و منه التمكین والامكان الذی دل علی نفسه لمخلوقاته وتعرف من خلقه بمصنوعاته... امابعد فان (فی) قصص الانبیاء والرسل... الطافاً تدعوا الی محاسن الاخلاق وعبراً تروح عن الشك والنفاق... والكتب المصنفة فی هذاالمعنی فیهاالغث والسمین والبرد والتمین فجمعت... زلالها وسلیته جریالها وحصلته مرتباً وفصلته مبوبا... وجعلت كل باب منها یشتمل علی عدة فصول.

انجام: ولكل نبی وصی اوصی الیه من الله وان وصیی لعلی بن ابی طالب لسیدهم و افضلهم و اكرمهم علی الله سبحانه و تعالی جل ذكره (تم الكتاب. والحمدلله رب العالمین).

[١٤۹٧]

(٤٦) این نسخهٔ تازه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد. ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است.

(۳٦ص - كاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی درون‌مقوای آراسته با روپوش‌پارچه اندازه: ١٥×۲١ و ٨/٥×١٥/٥ س ١۹)

[١۲٨٣-١۲٨٥] کافی (عربی)

ابوجعفر اعور محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی (١) رازی بغدادی سلسلی از رهبران دانشمند شیعی است که در ۳۲٧ درباب الكوفه دردرب السلسلة بغداد می‌نشست (استبصار ۲: ۳٥۳) ودرشعبان ۳۲۹ سال «تناثر نجوم» بنوشتهٔ نجاشی (ص ۲٦٦) وطوسی دررجال (ش ٨٤٧/١ گ ٧٥ ب و ٩٧٩/١ گ ٨۰ الف) وحلی در خلاصه (ص ٧١) وابن داوددررجال (ش ١۰٤٤/۳ گ ٧٦ ب) یا۳۲٨ بنوشتهٔ طوسی در فهرست (ش ٥۰١) وابن ماكولا وابن طاوس در كشف المحجة (فصل ١٥٤ ص ١٥٦) و بازهمان ابن داود وحلی یا۳۲٦ بنوشتهٔ كاظمی (مقابس ص ٨) دربغداد در گذشت و

١- كلینی مانند حوین از دیههای فشافویهٔ ری است (فرهنگ جغرافیائی ١: ١٨۲ - ١٨۳) وكلینی از اینجا است. سمعانی درانساب گ ٤٨٦ ب از كلین نام برد ولی ازكلینی ما یاد نكرده است.

درسیاست نامهٔ خواجه نظام الملك (م ٤٨٥) كه درهمین سال بانجام رسیده‌است آمده كه خلف جانشین عبدالله بن میمون دركلین كه دیهی است دریشابویه رفته بود وآئین باطنی را بمردم آنجا بیاموخت واحمد پسر او و غیاث كلینی نحوی (از دیك ۲٨۰) نگارندهٔ «بیان» در تأویل باطنی ازهمین كلین بوده‌اند وبوحاتم (گویا ابوحاتم عبدالرحمن احمدبن حمدان بن احمدرازی ورسنانی داعی دیلم م۳۲۲ استادسعدبن عبدالله قمی) هم گویا ازهمین پشابویه بوده است. و همچنین ابوجعفر كبیر از وی بوده است

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

ابوقیراط ابوالحسن محمدبن جعفر حسنی (۱) براو نماز خوانده است و آرامگاهش در نزدیک «صراة الطائی» در گورستان «باب الکوفه» در باختره کرخ «بغداد» شده بود. ابن الحاشر احمدبن عبدون براز ادیب محدث (م ۴۲۳) (استرابادی ص ۳۸) میگفته است که من آرامگاهش را میشناخته‌ام و براوح آن نام او و پدرش بدینگونه «هذا قبر محمدبن یعقوب الرازی الکلینی الفقیه» نوشته بود و اکنون ویران شده است (نجاشی و طوسی و حلی و کنتوری از ابن ماکولا) گرچه امروزه آنرا در خاور بغداد در رصافه در باب جسر سوی بازار می پندارند و بزیارت آنجا میروند.

طوسی در رجال و ابن شهرآشوب (ش ۶۴۲) اورا «ابوجعفر اعور» خوانده‌اند و درباره لقب «اعور» ماماقانی در تنقیح المقال میگوید که تنها طوسی در رجال چنین گفته و کسی دیگر او را چنین نامیده گویا افزودهٔ نویسندگان نسخه‌ها باشد.

در البرهان فی وجوه البیان از ابوالحسین اسحاق بن ابراهیم بن سلیمان بن وهب دارد: «کتب الدیانات المصنفة للکلینی وللحسین بن سعید وغیرهما» این کتاب پیش از مشیخة من لایحضره الفقیه که از «محمدبن یعقوب الکلینی» یادمیکند باید نوشته شده باشد (۲) وازدومی گویا حسین بن سعیدبن حماد کوفی اهوازی قمی خواسته

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وهمهٔ اینها درروائی این آئین کوششها کردند (ص ۱۵۸–۱۶۰ چاپ ۱۳۱۰ تهران) درفهرست ابن ندیم (ص ۲۶۶ و ۲۶۸) ازغیاث و ابوحاتم یادگشت (نیز بنگرید به: الفرق بغدادی ص ۱۷۰ و مختصر رسعنی ص ۱۷۲ و التبصیر اسفراینی ص ۸۴ و لسان المیزان ۱: ۱۶۴ ورسائل فلسفی رازی ص ۲۹۰ و راهنمای ابواتقد ص ۳۲ و ماماقانی ۲: ۱۶).

۱– این ابوقیراط استاد تلعکبری بوده و او ازوی درسال ۳۲۸ حدیث شنیده و ازاو اجازه دارد (استرابادی ص ۲۸۸– ماماقانی ۲: ۹۴).

۲– ازاین دانشمند شیعی واین کتاب او درهیچ جائی یاد نشده و از همین کتاب او برمیآید که نیایش سلیمان در ۲۷۲ درگذشت وآنهم پس ازعلی بن عیسی م ۳۳۷ نوشته

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

شده است (ماماقانی ۱: ۳۲۸).

ازاین دانشمند شیعی ابن ماکولا (م ۴۸۶) بنام «ابوجعفرمحمدبن یعقوب کلینی رازی» (کنتوری) و ابن الاثیر (م ۶۰۶) درجامع الاصول (کتاب النبوة باب ۴) و فاضل طیبی (م ۷۴۳) درشرح مشکوة المصابیح هردو بنام «ابوجعفر رازی» وفیروزآبادی (م ۸۱۷) درقاموس وابن حجرعسقلانی (م ۸۵۲) درتبصیر هردو بنام کلینی یاد کردند و یکی از بزرگان آئین شیعی بلکه مجدد مذهب درپایان سدهٔ سوم خوانده‌اند (روضات ۵۲۴ – مستدرک ص ۵۲۶ – ماماقانی ۳: ۲۰۱ – تعلیقهٔ بهبهانی ص ۳۲۹) زبیدی درتاج العروس میگوید که او را چون در درب السلسلة بغداد می نشست سلسلی میخوانده‌اند. درلسان المیزان همان عسقلانی (۵: ۴۳۳) هم سرگذشت او هست ومینویسد که او در بغداد ازمحمدبن احمدالجبار وعلی بن ابراهیم بن عاصم و جزآنها روایت کرده است و از فقیهان شیعی و نگارندگان آنها بوده است ودر ۳۲۸ در بغداد درگذشت.

دانشمندان شیعی هم ازاو بنیکی یاد کرده و اورا خواجه و پیشوای این آئین خوانده‌اند چنانکه شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد که گزارشی است براعتقادات ابن بابویه دربارهٔ کافی او می نویسد: «وقدذکر الکلینی فی کتاب الکافی وهواجل کتب الشیعة و اکثرها فائدة» (چاپ دوم ص ۲۷ نیز مستدرک ص ۵۳۲) نجاشی وحلی و ابن داود دربارهٔ او می نویسند: «شیخ اصحابنا فی وقته بالری ووجههم وکان اوثق الناس فی الحدیث واثبتهم صنف الکتاب الکبیر المعروف بالکلینی یسمی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

شده و خود او از ابن الفرات م ۳۱۲ سماع دارد پس باید در نیمهٔ سدهٔ چهارم نوشته شده باشد. درآن از کتابهای دیگر او (الحجه، الایضاح، التعبد، اسرارالقرآن) نیز یاد شده است. نیمی از این کتاب بنام نقدالنثر قدامة بن جعفر درمصر بچاپ رسید با اینکه ازاو نیست وهمهٔ آن در کتابخانهٔ چستربیتی هست و کلینی در برگ ۱۵۰ پ آن یادشده. دانشمند گرامی آقای مجتبی مینوی که باین نکته‌های سودمند برخوردند نسخهٔ همین البرهان را برای چاپ آماده کردند ومن ازاینکه ایشان بیدریغ این آگاهی‌ها را در دسترسم گذارده‌اند از ایشان بسیار سپاسگزارم.

الکافی فی عشرین سنة » طوسی دو رجال می نویسد : «جلیل القدر عالم بالاخبار» ودرفهرست می نویسد : « ثقة عارف بالاخبار » ابن شهر آشوب میگوید : « عالم بالاخبار » درالنقض رازی (ص ۱۷۸) یکی از « روات و ثقات ائمه » « و محمدبن یعقوب کلینی » بشمار آمده است .

شیخ بهائی گویانخستین کسی است که اورا «ثقةالاسلام» خوانده است (پایان وجیزهٔ درایه و اجازهٔ او بصفی الدین محمد قمی دره۱۰۱۵ در ص ۱۳۰ اجازات بحار) همچنین سید ماجد بحرانی دراجازهٔ بامیر فضل الله دست غیب در ۱۰۲۳ (بحار ۱۳۹) و حر عاملی درفائدهٔ سوم خاتمهٔ وسائل و طریحی درجامع المقال درمسئله ٥ باب دوم اورا همینگونه یاد کردند .

مجلسی دروجیزهٔ رجال (ص۱۶۶) هم اورا بهمین نام خوانده و در مرآةالعقول (۳:۱) نیز گفته : «والشیخ الصدوق ثقةالاسلام مقبول طوائف الانام ممدوح الخاص والعام » شیخ حسن دمستانی درانتخاب الجید من تنبیهات السید نگارش ۱۱۷۳ (ش ۹۹۵) هم اورا بدین نام ستوده است . خوانساری درروضات (ص ٥٢٥) ونوری درمستدرك (ص ٥۳۲) سخنان شهید یکم ومحقق کرکی و پدر بهائی و خود او و شیخ علی عاملی و امین استرابادی و مجلسی یکم و خلیل قزوینی ومحدث نیشابوری را درستایش از کافی آورده و بسزا در بارهٔ آن سخن گفتند .

باری این دانشمند زندگی او برای ما چندان روشن نیست و همین اندازه میدانیم که درری رهبری این آئین را داشته بود ودر پایان زندگی ببغداد آمده دانشمندانی چند از او بهرهمند گشتند . او کتاب تعبیر (تفسیر) الرؤیا والرد علی القرامطة و کتاب الرجال و کتاب رسائل الائمة و کتاب ماقیل فی الائمة من الشعر دارد . استادان روایت کلینی آنچنانکه درعین الغزال شمرده شده به ۳٥ میرسد . بجز آن دو تن که در لسان المیزان یاد گردید .

شاهکار کلینی همین کتاب کافی او است که بگفتهٔ نجاشی و حلی و ابن داود بیست سال در آن کار کرد واز خبرهای شیعی آنچه درست و استوار یافت در آن

آورد . کافی یکی از چهار کتاب سه محمد یا چهار اصل سه ابوجعفر (اجازهٔ داماد بسید حیدر کرکی در ۱۰۲۸ دربحار ص ۱۳۶) است و از کتابهای پرارزش شیعی است . او کافی را بدرخواست برخی از شیعیان شهرهای دور نوشت (عین الغزال) .

کلینی دردیباچه مینویسد : برادرم : اینکه از نادانی مردم و پرهیز آنها ازدانش نالیدهای آگاه گشتم . پرسیدی که آیا تنها روی پیروی از گذشتگان میتوان بجائی راه برد : من میگویم که نه ، چنین نیست . باید با آگاهی ودانش بانچه که خداوپیامبرفرمودهاند رسید . از ناساز گاری روایتها یاد کرده و گفتهای که کسی با تو نیست تا با او گفتگوی بداری و میخواهی دفتری نزد تو باشد که همهٔ هنرهای دین در آن باشد واگر خبرهای درست راستگویان را بخواهند در آن بیابند . خداوند یاری نمود و آنچه خواستهای دراین دفتر آمدهاست اگرهم کم و کاستی در آن باشد خودمان نخواسته بودیم که کوتاه ورزیم . ما در « کتاب الحجة » تااندازهای رساسخن راندهایم اگرچه بسزا دربارهٔ آن گفتگو نکردهایم امید که پس ازاین دفتری گسترده تر و کلان تر اگر بتوانیم بنویسیم .

نام « کافی » گویا ازعبارت « کتاب کاف » که در دیباچه هست گرفته شدهاست کلینی دراین کتاب خبرهای کلامی و فقهی شیعی ترتیب منطقی بسیار پسندیده و شاید بهتر از ترتیب مجامیع سنی داده است . او درهر بابی نخست حدیثهای درست تر و روشن تر میآورد و بهمین گونه پیش میرود تا اینکه حدیث مجمل و تاریك درپایان آن باب بیاید (عین الغزال ص۱-۳- روضات ص۵۲۶) این کتاب که بگفتهٔ شوشتری درمجالس المؤمنین نزدیك به هشتادهزار بیت میرسد بنوشتهٔ طوسی درفهرست دارای سی کتاب میباشد و نخستین آنها کتاب العقل وفضل العلم و بازپسین آنها روضه است ودربارهٔ آن طوسی میگوید « و کتاب الروضة آخر کتاب الکافی » ابن شهر آشوب هم آنرا سی کتاب دانست واز برخی از آنها نام برد وازروضه هم یاد کرد ولی گویا اودواجن ورواجن ، زی وتجمل ، روضه را

که در رجال نجاشی و فهرست طوسی از کتابهای کافی بشمار آمده جز کافی میداند. نجاشی شماره‌ای برای کتابهـای آن یاد ننمود ولی کتاب العقل را جدا و کتاب فضل العلم را جدا و پس از اینها تا سی و یك کتاب برشمرد و کتاب روضه را در پایان آورد ترتیب کتابها هم در این فهرستها یکی نیست و گویا در نسخه‌هائیکه اکنون در دست هست تا اندازه‌ای از ترتیب شیخ پیروی شده است.

چنین است کتابها در رجال نجاشی:

العقل ـ فضل العلم ـ التوحید ـ الحجة ـ الایمان والکفر ـ الوضوء والحیض ـ الصلوة ـ الصیام ـ الزکاة والصدقة ـ النکاح والعقیقة ـ الشهادات ـ الحج ـ الطلاق ـ العتق ـ الحدود ـ الدیات ـ الایمان والنذور والکفارات ـ المعیشة ـ الصید والذبائح ـ الجنائز ـ العشرة ـ الدعاء ـ الجهاد ـ فضل القرآن ـ الاطعمة ـ الاشربة ـ الزی والتجمل ـ الدواجن والرواجن ـ الوصایا ـ الفرائض ـ الروضه.

در فهرست چنین است:

العقل و فضل العلم تا الایمان والکفر ـ الدعاء ـ فضائل القرآن ـ الطهارة والحیض ـ الصلوة ـ الزکوة ـ الصیام ـ الحج ـ النکاح ـ الطلاق ـ العتق والتدبیر والمکاتبة ـ الایمان والنذور والکفارات ـ المعیشة ـ الشهادات ـ القضایا والاحکام ـ الجنائز ـ الوقوف و الصدقات ـ الصید والذبائح ـ الاطعمة والاشربة ـ الدواجن والرواجن ـ الزی والتجمل ـ الجهاد ـ الوصایا ـ الفرائض ـ الحدود ـ الدیات ـ الروضة.

چنانکه می‌بینیم «کتاب العشرة» را نجاشی یاد کرد و در نسخه‌ها در پایان اصول و در گزارش قزوینی (صافی کتاب ۷) و در مرآة العقول (کتاب ۷) است گرچه طوسی از آن یاد ننمود. ابن شهر آشوب از همین کتاب بدینگونه یاد میکند: العقل ـ فضل العلم تا الایمان والکفر ـ فضل القرآن ـ الدعاء ـ الطهارة ـ الحیض ـ الصلوة ـ الزکوة الی آخر کتب الفقه. گویا او از طوسی پیروی نمود.

در نسخه‌های اخیر که در ترتیب کتابها یکسان نیستند (طوس ٥) کافی را بسه بخش کرده‌اند اصول (از عقل تا عشرت در ۷ کتاب) و فروع (از طهارت تا ایمان و نذور و کفارات در ۲٦ کتاب) و روضه که یك کتاب است (معارف ۱: ٦٤ ـ طوس ۱: ٦٤ و ٥: ۱٤۳ ـ سپهسالار ۱: ۲۸۸) کنتوری مینویسد (ص ٤۱۹) که کافی سی و چهار کتاب و ۳۲٦ باب میباشد و حدیثهای آن به ۱٥٦۷۰ یا ۱٥۷۷۰ میرسد در سه تای آن سخن خود کلینی و در دو باب سخن یونس بن عبدالرحمن و در یك باب سخن فضل بن شاذان و در برخی بابها سه گفتار از کلینی و یك گفتار از زید بن ثابت میباشد.

در عین الغزال اصول ۷ کتاب و فروع با روضه ۲٥ کتـاب رویهم بپیروی از ذکری ۳۲ کتاب بشمار آمده است.

در بارهٔ کتابهای کافی چنانکه دیده‌ایم سی و سه و سی و دو نوشته‌اند و در نسخه‌ها و گزارشها سی و چهار شمرده‌اند. مگر اینکه در اجازهٔ سید حسین بن حیدر کرکی به محقق سبزواری که کلینی در آنهم ثقة الاسلام خوانده شده است کافی پنجاه کتاب بشمار آمد (روضات ص ٥۲٦) او گویا در اینجا از علامهٔ حلی پیروی نمود چه او در اجازهٔ خود بسید مهنا بن سنان مدنی در ۷۱۹ نوشته که کتاب کلینی کـه کافی نامیده میشود در پنجاه کتاب است و آنرا بسند خود از طوسی از مفید از ابن بابویه از ابن قولویه از کلینی روایت نموده است (اجازات بحار ص ۲۹ و ٥۳) بنوشتهٔ نوری در مستدرك (ص ٥٤۱) و خوانساری در روضات (ص ٥۲٦) شهید در ذکری بابهای آنرا سی و دو دانست گرچه من این را در این کتاب (ص ٦) نیافته‌ام گویا در چاپی این بند را انداختند.

شمارهٔ حدیثهای کافی آنچنانکه در عین الغزال آمده چنین است: ٥۲۷۲ صحیح و ۱۱۱۸ موثق و ۳۰۲قوی و ۹٤۸۷ ضعیف رویهم ۱٦۱۹۹ حدیث میشود. نوری در مستدرك (ص ٥٤۱) می‌نویسد که این رقم «۱٦۱۹۹» را از روی خطه علامه حلی آورده‌اند. بحرانی در لؤلؤتی البحرین شمارهٔ حدیثها را از گفتهٔ یکی از خواجگان روزگار او بدینگونه آورده: که همهٔ آنها ۱٦۱۹۹ حدیث است و ٥۰۷۲ صحیح

بروش متأخران و۱۴۴ حسن و۱۱۱۸ موثق و۳۰۲ قوی و۹۴۸۵ ضعیف میباشد. دردوضهٔ بهیه و روضات ص ۵۲۶ و فهرست سپهسالار و کنتوری هم از همین لؤلؤة همین شمارهٔ یااختلاف آمده است وهمه حدیثهارا روبهم ۱۶۱۹۹ دانستند با اینکه مجموع درهیچیك از اینها با این رقم درست نمیآید و بحساب لؤلؤة باید جمع آنها ۱۶۱۲۱ باشد و گویا درنسخه‌های آن غلطی هست.

چنانکه شهید درذکری (ص ۶) گفته است حدیثهای کافی درمتن و اسانید بیش‌از حدیثهای شش صحیح (۱) میباشد (نیز روضات ص ۵۲۶ - مستدرك ص ۵۴۱ - عین‌الغزال).

ملاخلیل قزوینی در آغاز گزارش فارسی خود برروضهٔ کافی بنام صافی بچند دلیل سست میخواهد روضه را از کافی نداند و میگوید که چون نامه‌اینکه امام صادق بدوستان خود نوشته باید از «رسائل» کلینی گرفته در آغاز این روضه گذارده باشند این است که روضه را هم دیگران از کلینی پنداشتند. دراینجا او گفتهٔ شهید که روضه از کافی نیست میآورد. ازاینجااست که او درخیلی جاها از دو گزارش تازی (شافی) و پارسی (صافی) خود میگوید که اگر روضه را

۱- صحاح یا اصول و کتب ششگانه این کتابها است: صحیح محمدبن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶) که در ۱۶ سال آنرا گرد آورد و نزدیك به ۲۷۰۰ حدیث در آن است - صحیح مسلم نیشابوری (۲۰۴ - ۲۶۱) دارای ۴۰۰۰ حدیث - سنن ابی‌داود سجستانی (۲۰۲-۲۷۵) دارای ۴۸۰۰ حدیث - سنن ابن ماجهٔ قزوینی (۲۰۹-۲۷۷)دارای ۴۰۰۰ حدیث - سنن ترمذی (۲۰۰-۲۷۹) که آنرا بداشمندان نشان داده است - سنن نسائی خراسانی (۲۱۵-۳۰۳).

بجزاینها ازمجامیع حدیث که فراوان است میتوان اینهارا یادنمود: مسند ابی‌حنیفه کوفی (۸۰ - ۱۵۵) موطأ مالك (۱۹۳ - ۱۷۹) که درچهل سال آنرا بپرداخت و ۱۷۲۰ حدیث دارد - مسند ابی‌داود طیالسی فارسی (۱۲۴ - ۲۰۴) مسند شافعی (۱۵۰-۲۰۴) - مسند ابن‌حنبل مروزی (۱۶۴-۲۴۱) دارای ۳۰۰۰۰ حدیث در ۲۴ جلد - مسندداری سمرقندی (۱۸۱-۲۵۵).

(بنگرید به: تاریخ فنون‌الحدیث خولی چاپ ۱۳۳۹ مصر - فی‌الحدیث‌النبوی زرقاء چاپ ۱۳۷۲ مصر).

از کتابهای کافی بشمریم سی و چهار و گرنه سی وسه میشود.

او درپایان ترجمهٔ دیباچهٔ کافی (ش ۹۷۹ گ ۳۰ الف) و آغاز گزارش تازی (ش ۹۱۵ گ ۳۲ ب) که همان سخن شهید را آورده است هیچ نامی از ابن ادریس نبرده که نگارندهٔ روضه باشد. نمیدانم خوانساری (روضات ص ۲۶۷) ونوری (مستدرك ص ۵۴۶ از ریاض) از کجامیگویند که اوچنین سخنی دارد. او دراینجاها از شمارهٔ کتابهای کافی گفتگونمود و ترتیبی که خود بکتابها داده با ترتیب طوسی درفهرست سنجید.

قزوینی در آغاز گزارش فارسی می نویسد که کلینی از کتاب خود آنچه می‌نوشت بسفیران امام زمان میداد و آنها آنرا باو نشان میدادند و درهر کجائی از کافی که «قد قال العالم» یا «فی حدیث آخر» یا مانند اینها باشد سخن خود امام است وکلینی آشکارتر ازاین دیگر نمیتوانست بگوید. برخی میگویند که امام‌زمان دربارهٔ آن فرمود «کاف لشیعتنا» (عین‌الغزال - رجال محدث نیشابوری بنوشتهٔ خوانساری ص ۵۲۶) ریشهٔ این سخنان گویا گفتار ابن طاوس است در کشف‌المحجه (ص ۱۵۹) که کلینی درزمان گماشتگان امام این روایتها را داشته است وهمین خود راهی است برای گرویدن و باورداشتن نوشته‌های او. مجلسی درمرآة‌العقول (۱ : ص۶) گرچه کسانی‌را که میگویند همهٔ کافی‌را بامام نمودند و اینکه کلینی با رخصت امام خبرهای ناسازگار را یاد نمود مجازف و گزافه گوی میخواند وروی سخن اوملاخلیل قزوینی است؛ ولی بازمیگوید همینکه امام‌ازچنین نگارشی روی نگرداند می توان پنداشت که‌ازاین کار خوشنود بوده است. نوری هم درمستدرك (ص ۵۳۲ - ۵۴۶) روی سخنان خود کلینی و گفته‌های دانشمندان شیعی دربارهٔ اووقرینه‌های دیگر آنرا از کتابهای گرویدنی و پذیرفتنی و پرارزش شیعی بشمارمیآورد.

ریشهٔ همهٔ این سخنان گویا عبارت «الآثار الصحیحة عن الصادقین» ومانند آنست که دردیباچهٔ کافی می بینیم ولی ازنگریستن بسراسر دیباچه برمیآید که کلینی‌هم

مانند دیگر دانشمندان در نگارش این دفتر آنچه توانست از بررسی و کاوش دریغ ننمود و کوشید که از خبرها آنچه که درست میدانست در آن بیاورد.

چون در آغاز کافی دارد: «اخبرنا ابوجعفر محمدبن یعقوب» اینست که ملا صالح مازندرانی می‌نویسد که این سخن از راویان است یا گفتهٔ خود کلینی است بزبان آنها یا سخن خود اوست بروش التفات از تکلم بغیبت.

مجلسی در مرآة العقول (۱ : ۷) در گزارش حدیث یکم مینویسد که این سخن از راویان کافی مانند نعمانی و صفوانی و جز او است یا از خود کلینی بروش گذشتگان. از دو نسخهٔ نعمانی و صفوانی در حاشیهٔ آغاز روضهٔ چاپی هم یاد گردید.

شاگردان کلینی که کافی را از او روایت کرده‌اند این دانشمندان هستند:

۱- ابومحمد هرون بن موسی تلعکبری (م ۳۸۵).

۲- ابوالمفضل محمدبن عبدالله بن عبدالمطلب شیبانی که گروهی از دانشمندان شیعی دربارهٔ او بد گفته‌اند.

۳- ابوالحسن احمدبن محمدبن علی بن سعید کوفی استاد سید مرتضی.

۴- ابوالحسن (الحسین) عبدالکریم بن عبدالله بن نصر بزاز در تنیس (۱) و بغداد.

۵- ابن ابی رافع ابوعبدالله احمدبن ابراهیم صیمری کوفی بغدادی استاد تلعکبری و مفید و ابن الغضائری.

۶- ابوالحسین احمدبن احمد کاتب کوفی که نجاشی دید که گروهی کافی را در مسجد لؤلؤی (همان مسجد نفطویه) نزد او میخوانده‌اند.

۷- محمدبن محمدبن عصام کلینی که ابن بابویه از او روایت دارد.

۸- محمدبن علی ماجیلویه قمی استاد ابن بابویه (تنزیه القمیین ص ۲۴ مستدرک ۵۷۴).

۱- در مشیخهٔ استبصار چاپ هند تنتر و در فهرست طوسی تفلیس آمده است و درست همان تنیس میباشد و آن شهریست در یکی از جزیره‌های دریای روم نزدیک دمیاط (مامقانی ۳ : ۲۰۱).

۹- ابوعیسی محمدبن احمدبن سنان زاهری رازی استاد ابن بابویه.

۱۰- علی بن احمدبن موسی دقاق استاد ابن بابویه.

۱۱- ابی القاسم جعفربن محمدبن جعفربن موسی بن قولویه قمی (م ۳۶۹) استاد مفید و تلعکبری و ابن الغضائری و ابن عبدون (۱).

سه دانشمند دیگر هم از شاگردان ویژهٔ کلینی بودند که کافی را نسخه برداشتند و یادی از آنها در نسخه‌های گوناگون کافی مانده است (مستدرک ص ۵۳۳) اینست نام آنها:

۱- ابوعبدالله محمدبن احمدبن عبدالله بن قضاعة بن صفوان بن مهران جمال صفوانی شاگرد کلینی و علی بن ابراهیم قمی و استاد تلعکبری و مفید که در نسخه‌های کافی در خیلی جاها (مانند نص بر حسن بن علی و سجاد و رضا) از نسخهٔ صفوانی یاد گشت (اردبیلی گ ۳۲۸ الف - قهپائی - استرابادی و بهبهانی ص ۲۸۰ - روضات ص ۵۲۸) این دانشمند را میگویند که نویسنده و خواننده نبود و کتابها را برای شاگردان از بر میخوانده است. ابن ندیم اورا در ۳۴۶ دیده است و دربارهٔ امی بودن او میگوید «قال لی عنه الثقة انه کان یتمس بذلک» (ص ۲۷۸) او شاگرد ویژهٔ کلینی بوده و کافی را می‌نوشته است (عین الغزال ص ۱۱).

۲- ابن ابی زینب ابی عبدالله محمدبن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی بغدادی شامی (زندهٔ در ۳۴۲) (استرابادی ص ۳۷۳ - اردبیلی گ ۳۲۰ الف - قهپائی - روضات ص ۵۲۹ - مستدرک ۵۲۵).

۳- ابوغالب احمدبن محمدبن محمدبن سلیمان بن الحسن بن الجهم بن بکیربن اعین بن سنسن زراری بکری بغدادی (۲۸۵- ج ۱/ ۳۶۸) خواجه و استاد و رهبر و فقیه زمان خود که در ۳۴۰ از تلعکبری روایت نمود (استرابادی و بهبهانی ص ۵۴ و ۴۵) او در رساله‌ایکه در سر گذشت خاندان «اعین» در ۳۵۶ برای پسر پسر خود

۱- آغاز گزارش تازی قزوینی (ش ۹۱۵ گ ۳۵ الف) - روضات ص ۵۲۷- مستدرک ص ۵۲۷ و ۶۶۶ از مشیخهٔ من لایحضر- عین الغزال ص ۱۱-۱۲- لؤلؤتی البحرین

ابی‌طاهر محمد بن عبدالله نوشته در فهرست کتابهائیکه نزد او بوده و از نگارندگان آنها روایت میکرده است کافی را بشمار آورده و می نویسد که همهٔ آنرا از کلینی روایت دارم و پاره‌ای را براو خوانده‌ام و پاره‌ای را ازاو اجازه گرفته‌ام وصلوة و صوم آنرا در یك نسخه و حج آنرا در نسخهٔ دیگر و طهارة وحیض را در یك جزء نوشته‌ام وهمهٔ اینها مجلد است ومیخواهم دیگر بخشهای آنرا هم در یك جزء از « ورق طلحی » بنویسم (لؤلؤتی البحرین - اردبیلی ۲۹ ب - قهپائی - مامقانی ۱ : ۸٦) درفهرست ابن ندیم (ص ۳۰۸) نام نیای او « منبس » آمده و دارد که او در روم راهب بوده و پسرش اعین بردهٔ مردی ازشیبان گشته بود.

شیخ طوسی همهٔ نوشته‌ها و روایتهای کلینی را ازمفید از ابوالقاسم جعفر بن محمدبن قولویه از کلینی روایت میکرده است. بیشتر کتابهای کافی را هم نزد ابی‌عبدالله حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری (م نیمهٔ صفر ٤۱۰) (استرابادی ص ۱۱٤) خوانده و او از زراری وتلعکبری و ابن قولویه و صیمری و شیبانی از کلینی آنرا روایت میکرد. باز طوسی آنرا از سید مرتضی از ابی‌الحسن احمدبن‌محمدبن‌علی‌بن‌سعید کوفی (مامقانی ۱ : ۷۱ استرآبادی ص٤٦) از کلینی روایت داشت. نیز ازابن‌عبدون ابن‌الحاشر ابی‌عبدالله احمدبن‌عبدالواحدبن‌احمدبزاز ادیب محدث (م٤۲۳)ازصیمری وتنیسی از کلینی روایت دارد. ابن تنیسی وصیمری همهٔ نوشته‌ها وروایتهای کلینی را ازاودر باب‌الکوفه دردرب‌السلسلهٔ بغداد بسال ۳۲۷شنیده یااجازه گرفته بودند (فهرست‌طوسی - مشیخهٔ تهذیب واستبصار همو)

علامهٔ حلی کافی را از پدرش و ازمحقق و از احمدبن طاوس هرسه از فخاربن معد موسوی‌ازشاذان‌بن‌جبرئیل قمی ازعمادطبری ازمفید طوسی‌ازپدرش طوسی از مفید از ابن بابویه از ابن قولویه از کلینی روایت میکند نیز بنا همین سند از شاذان قمی از ابی‌عبدالله دوریستی ازمفید ابن‌المعلم. همچنین ازهمان سه تن ازیحیی‌بن محمد سوراوی ازحسن‌بن هبةالله‌بن رطبه ازمفید پسرطوسی تا کلینی

(اجازات بحارص۲۹و۵۳و۸٤- پایان خلاصه ص۱٤۰و۱٤۱- سندهای دیگری‌هم حلی دراینجاها برای خود یاد کرده).

شهیددوم دراجازهٔ خود به تاج‌الدین‌بن شیخ هلال جزائری در۹٦٤ باسند خودکافی را ازمیسی ازجزینی‌ازضیاءالدین علی پسرشهید یکم‌ازشهید ازعمیدی ازفخرالمحققین ازپدرش علامه ازپدرخودو ازمحقق حلی‌هردو ازنجیب‌الدین‌بن نما از ابی‌علی حسن پسر طوسی از طوسی از مفید از ابن بابویه از ابن قولویه از کلینی روایت نموده است (اجازات بحار ص ۲۹و۵۳و۸٤).

رشتهٔ اسناد روایت مجلسی ازکافی هم چنین است : و ازپدر خود از شیخ بهائی ازپدرش‌ازشهید دوم» (پایان وجیزه ص۱۷۹)او چند اجازه برای‌شاگردان خودبسالهای ۱۰۷٦و۱۰۷۷و۱۰۸۷ درپشت برخی ازنسخه‌های کافی نوشته است (ذریعه ۱ : ۵-۱۵۰).

میرصدرالدین محمد واعظ پسرغیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی بسید علی‌بن قاسم حسینی عریضی یزدی دوری درجمادی یکم سال ۹۷۳ اجازه داد ورشتهٔ سند روایت او کافی ودیگر کتابها را در آن از پدران او است تا میرسد بعلامه از پدرش از ابی‌الفرج نیلی ازمفید پسر طوسی (اجازات بحار ص ۸۰ - روضات ص٦٤۱ - ذریعه۱ : ۲٤۸ و۱۰ : ۳۸ - مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات ش۱ س۱ تاریخ مهر ۱۳۳۲ خ ص ٤-۹).

دردیباچهٔ الدرالمنثورشیخ‌علی‌عاملی(۵۵٦٦ك۲ب) رشتهٔ سند روایت کافی چنین است : شیخ علی‌بن محمدبن حسن‌بن شهید دوم از دو استادش نورالدین علی‌بن‌ابی‌الحسن موسوی حسینی‌ونجیب‌الدین علی‌بن‌محمدبن عیسی‌ازجمال‌الدین ابومنصور حسن پسرشهید ثانی و شمس‌الدین محمدبن علی حسینی موسوی شهیر بابن ابی‌الحسن از علی‌بن ابی‌الحسن وشیخ عزالدین حسین‌بن عبدالصمد و سید نورالدین علی‌بن فخرالدین هاشمی از شهید ثانی از نورالدین علی‌بن عبدالعالی

میسی از شمس‌الدین محمدبن‌المؤذن جزینی از ضیاءالدین علی پسر شهید یکم از پدرش از پسر علامه از علامه، ازمحقق حلی ازشمس‌الدین فخاربن معد موسوی ازابی‌الفضل شاذان‌بن جبرئیل قمی ازابی‌جعفر محمدبن‌القسم طبری ازپسر شیخ طوسی ازطوسی ازمفیدازابی‌القسم جعفربن محمدبن قولویه از کلینی؛ نیزازمفید از ابن بابویه قمی از کسانیکه از آنها روایت دارد؛ نیز از روی اجازهٔ از سید نورالدین ازسیدعلی‌بن‌علوات ازشیخ بهائی ازپدرش ازشهیدثانی؛ نیزازنجیب‌الدین از شیخ بهائی.

درفهرست معارف ۱۸ گزارش برای کافی برشمرده‌شد وازیك گزارش‌اسانید آن ازعلی‌بن‌ابراهیم قمی ازدانشمندان کنونی یادگشت. نگارندهٔ ذریعه (۶: ۱۸۰) از ۲۲ حاشیهٔ کافی یاد کرده است.

از کافی چندین نسخه‌درفهرست کتابخانه‌های ایران شناسانده شده و نسخه‌های دارای تاریخ روشن درآنها چندان کهنه نیست تنها درفهرست طوس (۱: ۶۶ ش ۱۹۸) از نسخهٔ نوشتهٔ در ۶۵۵ و مقابله‌شدهٔ در ۹۶۱ یادگشت و نسخه‌های تاریخ ۹۵۳و۹۵۷و۹۷۶و۹۸۰هم‌درآنجاهست‌دیگرنسخه‌های آنجا از ۱۰۰۹ است تا ۱۱۲۹ـ در کتابخانهٔ ملی نسخه‌های ۱۰۶۸و۱۱۷۷هست ودر کتابخانهٔ سپهسالار دو نسخه نوشتهٔ ۹۷۲ و ۹۷۸ تا ۹۸۴ میباشد ودیگرنسخه‌های آنجا از ۱۰۰۰ است تا ۱۱۷۲ وبیشترنسخه‌های طوس وسپهسالار نوشتهٔ سدهٔ یازدهم است وبسیاری ازآنها را مجلسی دیده است (فهرست معارف ۱ - طوس ۱و۵ - سپهسالار ۱).

اصول کافی از آغاز تاعشرت بکوشش آقامشهدی محمدحسین پسر آقامشهدی غلامحسین کازرانی شیرازی کتابفروش‌درتهران‌در ۱۲۷۸ بخط نسخ چاپ سنگی شده است (رحلی و بی‌صفحه‌شماری) فروع کافی ازطهارة تا کفارات بکوشش فضل‌الله‌بن شمس‌الدین حکیم الهی (۱۲۸۷ - ۱۳۵۳) وحاج شیخ محمدتقی پسر مولی محمدرضا درچاپخانهٔ آقاسید مرتضی بمباشری آقامیرزا حسن بخط نسخ احمد تفرشی و با تصحیح او و با حواشی در دو جلد در ۴۲۷ + ۵۷۵ ص رحلی

در ۵-۱۳۱۲ در تهران بچاپ سنگی رسید در پایان آن « عین‌الغزال فی فهرس اسماء‌الرجال» همین الهی درمقدمه و دو قسم و خاتمه درسرگذشت کلینی و کافی ومشیخهٔ آن بخط یحیی‌بن محمدباقر تفرشی در ۸۸ ص هست (نیزطوس ۵ : ۳۰۳) روضه کافی با تحف‌العقول و منهاج‌الهدایهٔ کاشانی و تسهیل‌السبیل بالحجة همو در ۱۲۹۷-۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید. حواشی نیز بر روضه در این چاپ هست (رحلی در ۳۲۱ ص سنگی نسخ). در فهرست طوس (۱ : ۲ و ۵ : ۳۰۲) از دو چاپ اصول کافی در تبریز بسال ۱۲۸۱ و ۱۳۱۱ یادگردید. همچنین درلکهنو بسال ۱۳۰۲ (۱۸۸۵) همهٔ کافی بچاپ رسیده است

[۱۴۹۸]

۹۳۳۰ این نسخه ش ۱ دفتراست واز آغازاصول تا پایان روضه وبنسخ خوش برخی جاها معرب باعنوانها ونشانه‌های شنگرف درجدول زرین میباشد. حاشیه دارد تا برگ ۷ب بشنعلیق خوش. از ۸ الف تا ۲۹۶ جدول بزرگتری‌هم درهرصفحه بلاجورد هست.

محمدصادق‌بن مولانامحمدتقی فراهانی درنزدیك بپایان ماه جمادی یکم سال ۱۰۹۴ نوشتن پاره‌ای از نسخه از ۱ ب تا ۸۳ ب (آغاز اصول تا پایان عشرة) را بانجام رسانده ومقابله‌هم شده‌است. از ۸۴ ب تا ۲۹۶ ب (ازطهارة تاپایان روضه) را سید محمدبن سید ابوالقاسم موسوی درروز چهارشنبه ۲۰ ع ۱۲۵۴/۱ نوشته است واین‌هم مقابله شده چنانکه درهمین پایان و درچند جای دیگر مانند ۱۹۵ ب و ۱۹۹ الف گواهی داده شده است.

مهر «محمد باقربن زین‌العابدین موسوی» وخط ومهر دارندهٔ نسخه «محمد ربیع» که از زیر کاغذ پیدا است در ۱ الف دیده میشود.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله‌المحمود لنعمته‌المعبود لقدرته . . . امابعد فقد فهمت یا اخی ماشکوت من اصطلاح اهل دهرنا علی‌الجهالة وتوازرهم وسعیهم فی عمارة طرقها ومباینتهم‌العلم و اهله ... وقد یسرالله وله‌الحمد تألیف ماسألت . . . وارجو ان یسهل‌الله عزوجل ماقدمناه من‌النیة ان‌تأخرالاجل صنفنا (صنعنا) کتاباً اوسع واکمل منه نوفیه حقوقه.

انجام : حتی یبعث‌الله عزوجل رجالامنا اهل‌البیت یعمل بکتاب‌الله (عزوجل) لایری فیکم منکر الا انکره (تم کتاب‌الروضة من‌الکافی لمحمدبن یعقوب‌الکلینی ره وهو آخره والحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی محمد وآله اجمعین) .

(۳۶۷ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلدتیماج مشکی درون سرخ وطوالی

اندازه : ۲۲ × ۳۸ و ۱۵/۵ × ۲۸ س ۴۵

[۱۴۹۹]

۶۳۱ این نسخه کتاب‌الروضه است و نسخ خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که محمد صادق‌بن محمدکاظم سپاهانی آنرا نوشته است . محمد حسین‌بن محمد صالح دارندهٔ نسخه بوده است .

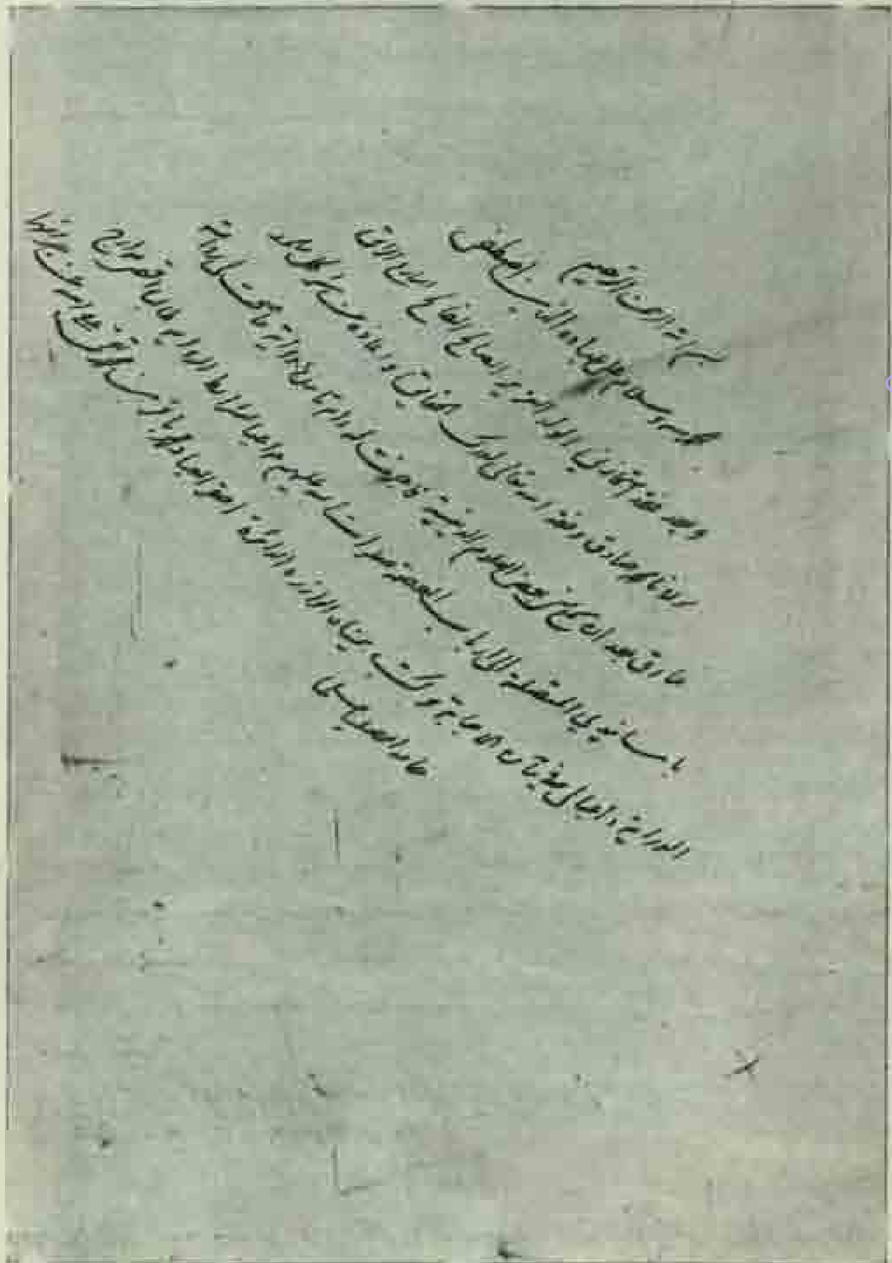
در گ ۱۱۸ب ــ ۱۱۹الف اجازه‌ایست ازابی‌ترابی‌برای همان نویسندهٔ نسخه محمد صادق‌بن‌محمدکاظم خوانساری سپاهانی در ۷ ج ۲/ ۱۰۹۱ و ازآن‌برمی‌آید که‌ابی‌تراب استاد مولانا محمد صادق بوده واورا بپرورد وخود شاگرد مجلسی دوم و سیدعلی‌بن حجةالله حسینی حسنی شولستانی که درطوس میزیسته است بوده و باو اجازهٔ روایت کتابهای مجلسی که بسیاری را نام میبرد وروایت کتابهای دیگر که درفهرست بحار آمده‌است میدهد . درآن ازتعلیقات خود بر کتابهای چهار گانه یادمیکند و باو دستور میدهد که باخبار بپردازد و از بدعت گذاران از حکیمان وصوفیان که کتاب و سنت را کنار گذارده‌اند بپرهیزد . ازآن برمی‌آید که مجلسی هنوز زنده‌بود ودرآن ازاستادان مجلسی یکم مانند مولاناحسن‌علی شوشتری وسیدالحکماء والمتالهین میرزارفیع‌الدین محمد نائینی ومولانامحمد شریف رویدشتی شاگردان بهائی ومولانا عبدالله‌بن حسین شوشتری یادگشت . این اجازه و اجازهٔ مجلسی بهمان نویسنده را دوذریعه یافته‌ام .

آغاز : بسمله . و به نستعین . م . کتاب‌الروضة . محمدبن یعقوب‌الکلینی و ض قال حدثنی علی‌بن ابراهیم ... عن ابی‌عبدالله‌ع انه کتب بهذه‌الرسالة الی اصحابه و امرهم بمدارستها والنظرفیها وتعاهدها بمافیها والعمل بها فکانوایضعونها فی مساجد بیوتهم فاذا فرغوا من‌الصلوة نظروافیها ... : بسمله . امابعد فاسئلوالله ربکم‌العافیة وعلیکم بالدعة والوقار والسکینة .

انجام : مانند ۶۳۰/۱ : د . تم کتاب‌الروضة من کتاب‌الکافی لابی‌جعفر محمدبن یعقوب‌الکلینی رحمه‌الله‌والصلوة‌علی خیرخلقه‌محمدوآله‌اجمعین . کتبه وصححه وانا‌الحقیر الفقیرالجانی محمد صادق‌بن محمدکاظم‌الاصفهانی .

یلوح‌الخط فی‌القرطاس دهرا   وکاتبه رمیم فی‌التراب

اجازهٔ‌روایتی‌مجلسی بنویسندهٔ نسخهٔ در گ ۱۱۸ الف‌هست بخط خود اوبدینگونه :



گ ۱۱۸ الف کافی ش ۶۳۱



گ ١١٩ الف کافی ش ٦٣١

١٥ بسمله . الحمدلله . . فقداستجازني الولدالعزيز الصالح الفالح البارع الرائق مولانا محمد صادق ... بعد ان سمع مني بعض العلوم الدينية فاجزت له . . . ماصحت لي روايته باسانيدي المتصلة الى ارباب العصمة . . . مراعياً الشرائط الرواية طالباً اقصى مدارج الدراية . . . و كتب بسناه . . . محمد باقر بن محمد تقي عفى الله عن جرائمهما حامداً مصلياً مسلماً .

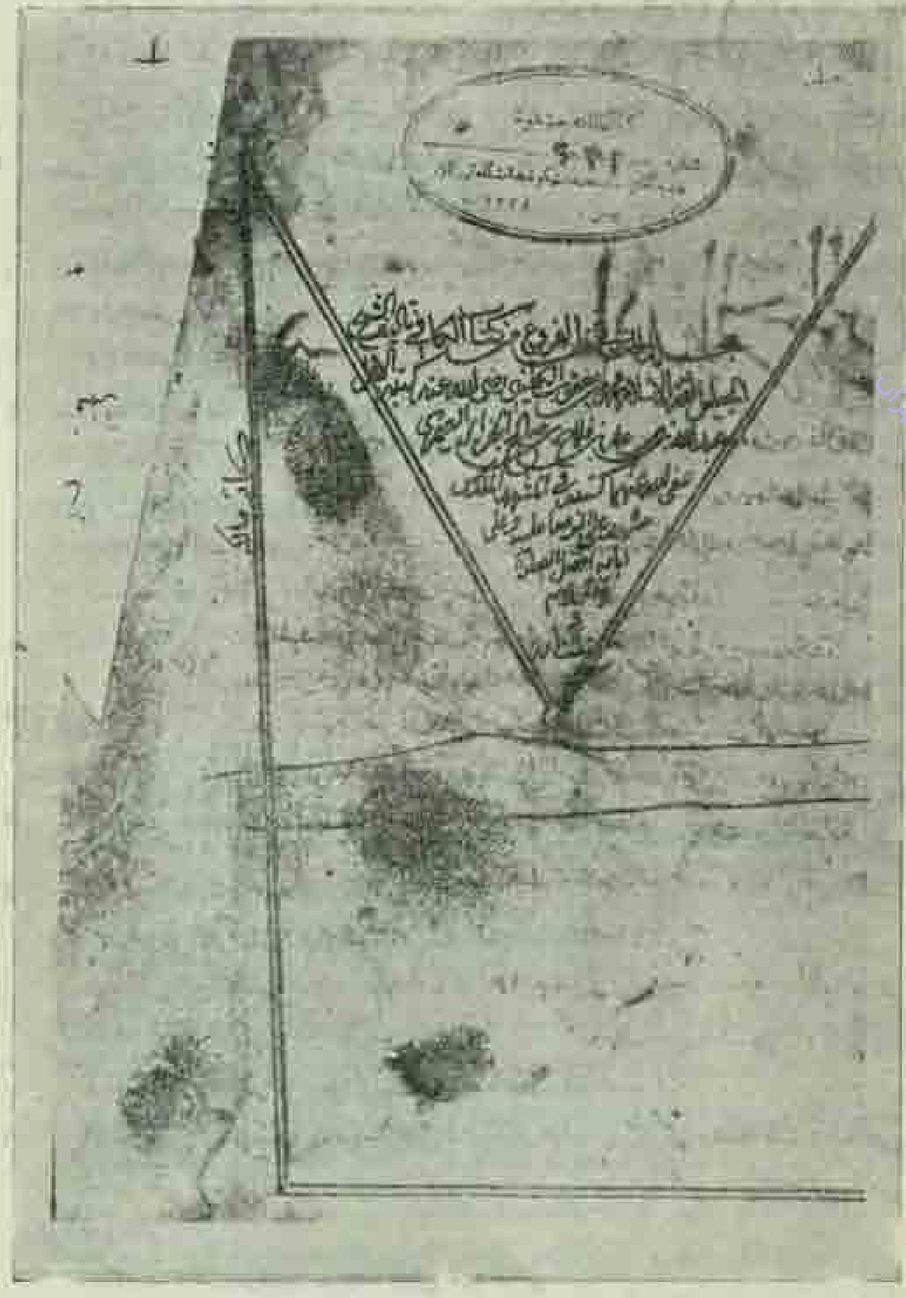
(١١٩گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده با برگردان

اندازه ٠ ١٩/٣٦ ر ٩×١٦/٥ س ٢٠

[١٥٠٠]

٦٣٢ این نسخه جلد دوم فروع کافی (کتاب جهاد ـ باب السلم فی الرقیق) و بنسخ است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و درجدول شنگرف میباشد، عبدالله بن مساعد بن

٢٥ فلاح بن صالح جزایری حیری نسخه‌را درطوس بسال ١٠٩٠ برای خودنوشته ودارندهٔ



گ ١ الف کافی ش ٦٣٢

نسخه بوده ومهر اوهم هست (١ الف) دراین نسخه پاره‌هائی ازجهاد ودواجن و زی وتجمل و امر بمعروف ونکاح ومعیشت هست. برگهای ٥ با ٦ و ٤٥ با ٤٦ و ٦٣ و ٦٤ و ٨٩ و ٩٠ باهم پیوستگی ندارند و کم دارد.

آغاز: کتاب الجهاد. باب فضل الجهاد. بسمله. عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد... عن ابی عبدالله ع قال قال رسول الله ص: الخیر کله فی السیف وتحت ظل السیف ولا یقیم الناس الا السیف والسیوف مقالید الجنة والنار.

انجام: باب السلم فی الرقیق وغیره من الحیوان. ... عن ابی عبدالله ع قال سئل عن الرجل یسلم فی الغنم ثنیان وجذعان وغیر ذلك الی اجل مسمی قال لاباس.

در ٥ الف دارد: «بلغ قبالا نسخة الشیخ محمد الحر وهی مصححة من نسخة الشیخ الشهید الثانی رحمه الله» بهمان خط میمری که درصفحهٔ عنوان هست. در ٧ الف دارد: «بلغ مقابلة» نیز در گ ٧٠ الف و ١٠٥ الف و جاهای دیگر که «بلغ تصحیحا» هم دارد بهمان خط بشنگرف یا سیاه.

(٩٩٧ش) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه، ١٧×٢٤ و ١٣×١٨ س ٢١

[١٥٠١]

١١٢٣ این نسخه از آغاز است تا باب الاستدراج کتاب الایمان والکفر و بهمانگونه نسخ ش ١١٢٤ با حاشیه‌های نستعلیق از کتابهای گوناگون و با نشانه‌های «ا م ن ر ه» و «م ق ر عفی عنه» (مجلسی دوم) و «م ت ق ی مد ظله العالی» (مجلسی یکم) و «ر ف ی ع دام ظله العالی» (رفیعا) و «صالح سلمه الله» و «صالح مدظله» و «کذافادالوالدالعلامة مدظله السامی» در ٣٣٨ الف دارد «بلغ فی ذی القعدة سنة ١٠٨٤» و در ٣٤٠ الف «بلغ فی ذی الحجة سنة ١١٠٦».

درهامش این شماره و شماره‌های ١١٢٤ ــ ١١٢٥ درستی و سستی حدیثها برمز بشنگرف نشان داده شده است.

آغاز آن: مانند چاپی و ش ٦٣٠/٢ است وچنین است:

انجام آن: والحسنة فی غیره لاتقبل. تم کتاب الایمان والکفر والطاعات والمناهی والمعاصی من کتاب الکافی والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی رسوله النبی الامی وآله وسلم.

(٩٩١ش) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج تازه مشکی

اندازه، ١٥×٢٣ و ٧×١٥ س ٢٣

[١٥٠٢]

١١٢٦ این نسخه پاره‌ایست از فضل العلم و کتاب التوحید تاپایان عشرة وپنج خوش با عنوانهای شنگرف درمتن وهامش وبا نشانه‌های شنگرف و دردوجدول یکی زرین ولاجوردو بزرگی شنگرف میباشد. حاشیه دارد بخط نستعلیق. صدرالدین محمد بن ملاحسین لاهیجانی درمحرم ١٠٧٦ نسخه را نوشته است. در گ ٤١٤ ب دارد: رشیدالدین محمد سپهری (وعوض بن حیدر شوشتری بدستور بزرگی که نام اورا در نسخه پاك کرده‌اند) آنرا با چند نسخه مانند نسخه‌های مولانا حاجی محمد ومیر شرف الدین علی شولستانی که بلاعهائی بخط مولانا حسن علی شوشتری داشته است مقابله کرده‌اند واین مقابله درشب آدینهٔ یکم ذی‌قعدهٔ ١٠٨٣ بانجام رسید وهمان عوض بن حیدر باین دومقابله بخط خود گواهی داده است. کسی دیگرهم که نامش را پاك کرده‌اند واز آن همان «ابن نظام» خوانده میشود آنرا نزد شیخ عبدالحسین نجفی شاگرد شیخ فخرالدین در ١٠٨٦ هم مقابله نمود. محمد رحیم بن محمد جعفر بن محمد باقر شریف سبزواری بخط شکسته نستعلیق خود در بالای همین برگ که ازسطر یکم نیمی زیر کاغذ دیگری رفته است برای کسی اجازهٔ روایتی نوشته ونام آن کسی درست خوانده نشده و گویا «محمد هاشم» باشد.

آغاز: سأله عن مسئلة ماجابنی ثم جاء رجل فسأله عنها فاجابه بخلاف ما اجابنی... باب الاخذ بالسنة وشواهد الکتاب.

انجام: اغسلها. تم کتاب العشرة والحمدلله وحده لاشریك له وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین وسلم کثیراً علی ید... صدرالدین محمد بن ملاحسین السالکدمین(؟) من اعمال لاهیجان تحریراً فی شهر محرم الحرام سنة ست سبعین والف.

(٤١٤ش) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد ندارد

اندازه، ١٦×٢٦ و ١٠×١٧/٥ س ٢١

[١٥٠٣]

١١٢٤ این نسخه از کتاب الدعا است تا کتاب الزکوة وبشنگرف با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد. پاره‌ای از حاشیه‌ها بخط نستعلیق مجلسی است و پاره‌ای بخط دیگری و نشانه‌های آنها «م ح ق ی» و «م ق ر مدظله» و «م ق ر عفی عنه» و «م ق ر» و «مدظله السامی» (١٧٥ ب و ١٧٦ الف و جاهای دیگر) میباشد حاشیه‌های لغوی وفقهی از کتابهای دیگر هست.

در ٢٦١ ب مجلسی یکم گواهی میدهد که پسرم «محمد باقر» آنرا نزدم خوانده (بتاریخ آغاز رجب ١٠٦٤).

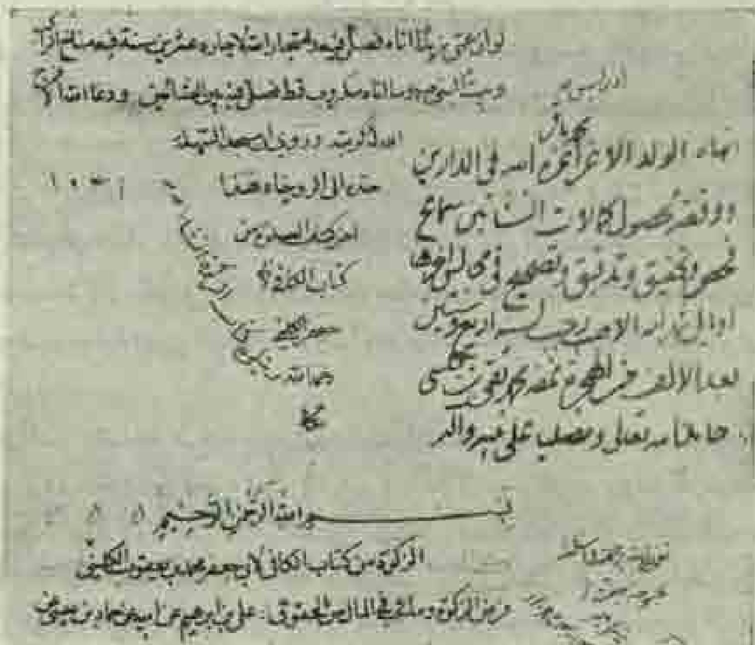
در ۱۷۱ الف و ۷۹ الف دارد: «بلغ قبالا» از مجلسی یکم همچنین «بلغ قبالا افاض الله علیه» در ۱۱۸ ب. در ۱ الف خط ملا محمدتقی ایروانی دیده میشود. همچنین دارد که در تهران سال ۱۰۳۸ خریده شده و نوشته است که حاشیه‌ها بخط مجلسی است. ضیاءالدین نوری دارندهٔ نسخه بوده است (گ ۲ ب).

آغاز: بسمله. کتاب الدعاء. باب فضل الدعاء والحث علیه.

انجام: قال حصنوا اموالکم بالزکوة. تم کتاب الزکوة ویتلوه کتاب الصیام والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین.

۳۹۰ گ. ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی ترنجی ودورو با رویوش پارچه

اندازه: ۱۴×۲۳ و ۷×۱۵ س ۲۳



نمونهٔ یك صفحه از جلد دوم کافی نسخهٔ مجلسی دوم که حواشی آن همه بخط هو است واینجا اجازهٔ مجلسی یکم بدوم دیده میشود

گ ۲۶۱ ب کافی ش ۱۱۲۴

[۱۵۰۴]

۱۱۲۵ این نسخه نکاح فروع کافی است و بهمانگونه خط ش ۱۱۲۳ و ۱۱۲۴ میباشد، حاشیه‌هائی دارد بهمانگونه خط همان شماره‌ها بانشانه‌های «م ح ق ر ه»



گ ۱۲۸ الف کافی ش ۱۱۲۴

و «س م د ز ه» و «م ت ق ر ه» و «م ق ر عفی عنه» (بخط مجلسی) و «ب ه ر ه»
واز کتابهای فقهی، در بسیاری ازجاها بلاغ دارد. آغاز وانجام تازه است.

آغاز: کتاب النکاح من فروع الکافی للکلینی. بسمله. باب اختلاف الزوج والمرئة واهلها فی الصداق.

انجام: باب الفاختة والصلصل... فنقول فقدتکم ونرجوه. تم باب الفاختة والصلصل من فروع الکافی ویتلوه باب الکلاب انشاءالله تعالی.

(۲۷۱گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی
اندازه: ۱۴×۲۳ و ۷×۱۵/۵ س ۲۳

[۱۵۰۵]

۱۱۳۳ این نسخه جزء ۱ و ۲ کافی از آغاز تا کتاب حجت است وسرخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد و حاشیه‌ها بخط نستعلیق ریز درهامش و در برگهای کوچك جداگانه چسبیدهٔ برگهای نسخه هست بانشانه‌های «رفیع رفیع‌الله درجاته» یا «رفیع ره» و «میرزا رفیعا» و «صالح ره» و «خلیل» و «م ق ر ه» و «ح ل» و «م ح ق» واز کتابهای دیگر. در تاریخ ٤ ذی‌قعدهٔ ۱۰٦٤ نوشتن آن بانجام رسید.

نویسندهٔ آن بگواهی یکنواخت بودن خط همان محمد زمان بن مقری سلطان قاری مشهدی نویسندهٔ دومی میباشد. درون جلد نوشته شده که بهای نسخه ده تومان ایرانی است.

در گ ۱ الف خط شیخ حسین مشهدی است که نسخه را میستاید. نیز دارد که رفیع‌الدین محمد یزدی خادم ابن محمد امین (با مهر) نسخهٔ (اصول کافی و روضه که خود مقابله و تصحیح نمود) را بپسرش ابوالحسن معزالدین محمد معصوم که درشب شنبه ۱۸ ع ۱۰۷٤/۱ زاده شده بخشید وبگفته همان پسر براین بخشش تقی‌الدین محمد بن محمد باقر رضوی وعلی بن شمس‌الدین جیلانی ومحمد بن حسن حر عاملی ومحمود بن کمال‌الدین یزدی وچند تن دیگر که نامها ومهرهای آنها خوانده نشده است گواهی داده‌اند.

نیز دارد که نسخه بابراهیم بن محمد بن ناصر بن عبدالله بحرانی احسائی فروخته شده است.

آغاز آن: مانند ش ۶۳۰/۱ و چنین است **انجام** آن: قال سألت اباعبدالله ع عن العنبر وغوص اللؤلؤ فقال ع علیه الخمس. تم الجزء الثانی من الکافی من کتاب الحجة ویتلوه کتاب الایمان والکفر والحمدلله وحده و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین فی تاریخ رابع شهر ذی‌القعدة الحرام من شهور سنة اربع و ستین فوق الالف من الهجرة

النبوی صلی الله علیه وآله وسلم.

(۲۰۹گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه: ۲۱×۳۱/۵ و ۱۱×۱۵ س ۲۰

[۱۵۰۶]

۱۱۳٤ این نسخه از ایمان وکفر است تا عشرة وباهمانگونه خط ش ۱۱۳۳ درمتن وهامش وبا حواشی از کتابهای گوناگون و محمد زمان قاری مشهدی ابن مقری سلطان درطوس درسه شنبه ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۰٦٥ نوشتن آن را بانجام رسانده. همان رفیع‌الدین محمد یزدی ابن محمد امین درطوس نزدیك پایان رمضان ۱۰۸۲ باخواندن دیگران این نسخه را مقابله نمود (گ ۱٤۱ الف و ۲۰۸ الف پایان کتاب که خط و مهر او هست) محمد رضای شریف در کرمانشاه درذیحجهٔ ۱۱٤۸ دارندهٔ نسخه بوده (خط و مهر او درهمانجا) خط همان شیخ حسین مشهدی هم درآغاز نسخه هست. صفحهٔ بازپسین جلد یکم در آغاز جلد دوم دوباره نوشته شده است.

آغاز: بسمله. وبه نثق. کتاب الایمان والکفر باب طینة المؤمن.

انجام: قال اخسلها. تم بعون‌الله کتاب العشرة... ویتلوه... کتاب الطهارة.

(۲۰۹گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد مانند شمارهٔ پیش
اندازه: ۲۰/۵×۳۰/۵ و ۱۱×۱۵/۵ س ۲۰

[۱۲۸٦] کتاب سلیم (عربی)

ابی صادق سلیم بن قیس عامری هلالی کوفی تابعی از یاران ودوستاران امیرمؤمنان و حسن و حسین و سجاد (ع) که درزمان سجاد (۳۸-۹٤) از ترس حجاج (٤٥-۹٥) نهان شده در نوبندگان فارس باابان بن ابی عیاش فیروز فارسی پناه برد ونزدیك ۹۰ در گذشت.

این اصل او که کتاب السقیفه هم خوانده شده بگفتهٔ ابن ندیم (ص ۳۰۷) نخستین کتاب شیعی است وچنانکه نعمانی در الغیبة (ص ٤۷) نوشته است این کتاب از بزرگترین اصلهای شیعی است وبدان میگرویدند وبروایت مرسلی که مجلسی در بحار از امام صادق آورده است هرشیعی باید آن را داشته باشد واگرنه از آیین خویش آگاه نخواهد بود چه این دفتر الفبای شیعی (ابجد الشیعة) ورازی از رازهای خاندان پیامبر است (نیز سفینة البحار ۱: ٦٥۷)

این کتاب را همان ابان فارسی تابعی راوی از انس بن مالك و امام سجاد وابراهیم بن عمر یمانی صنعانی (سده ۳) ازسلیم روایت کرده‌اند. طوسی و ابن الغضائری این دو را نپسندیده‌اند و سست دانسته‌اند بلکه ابان سازندهٔ این اصل خوانده شده است (منهج المقال استرابادی و تعلیقهٔ بهبهانی ص ۱۵ و ۲۵- ابن الغضائری ش ۱و۲) دربارهٔ کتاب سلیم هم ابن الغضائری گفته است بی گمان آن ساختگی است ونشانه‌هائی هم دارد که همین را میرساند یکی آنکه در آن نوشته شده که محمدبن ابی بکر پدر را دردم مرگش پند داد (ص ۱۸۰) با اینکه او دراین هنگام دوسال وچندماه بیش نداشته‌است. مگر اینکه گفته‌اند که در برخی نسخه‌هادارد که‌عبدالله‌عمراین کار کرده‌است. دیگر اینکه‌دو آن‌دارد که‌پیشوایان سیزده‌اند (ص ۱۹٦ نیز مسعودی) این را پاسخ داده‌اند که از آن دوازده پیشوا و خود پیامبر خواسته شده است یا اینکه تنها درنسخهٔ ابن الغضائری سیزده داشته‌است (مانندچاپی) بهبهانی میگوید که ابن بابویه درخصال در چندجا ازسلیم آورده که پیشوایان دوازده‌اند. ولی این را هم باید گفت که ابن برنیه ابونصر هبةالله بن احمدبن محمد کاتب متکلم محدث زندهٔ در ۴۰۰ که خود را دخترزاده دختر ابی جعفر محمدبن عثمان عمری میدانست و نزد ابی الحسن ابن شیبه علوی زیدی میرفته و کتابی هم برای اونوشته است در آن گفته که پیشوایان بگواهی کتاب سلیم سیزده‌اند و از خاندان علی و یکی از آنها زیدبن علی میباشد (نقدالایضاح کاشانی ص ۳۵۴ - استرابادی ص ۲۵۹).

نویسندگان‌سنی‌هم‌ازسلیمو کتاب او خرده گرفته‌اند ولی سخنان آنهادراین‌باره نتوان ارزش نهاد چه دراین کتاب نکته‌هائی دربارهٔ فرمانروایان تازی آمده که آنها نمی‌پذیرند و روی دشمنی دینی است که از اینگونه نوشته‌های شیعی خرده میگیرند.

خرده گیریهای دانشمندان شیعی را هم گفته‌اند که از گفته‌های سنیان ریشه گرفته است ولی گذشته ازسند کتاب باید بخودآن‌نگریست وباتاریخ سنجید

و دریافت که چه اندازه درست است.

دربارهٔ این کتاب و سلیم و راویان او ابن الغضائری (ش ۵۲) و حلی درخلاصه (ص ۱۰۴ و۸۳) و استرابادی (ص ۱۷۱) وبهبهانی درتعلیقه وخوانساری درروضات (ص ۳۱٦) و مامقانی (۲ : ۵٦) و تهرانی درذریعه (۲ : ۱۵۲)کاوش نمودند وبهترین بررسی که دربارهٔ آن شده‌است همان دیباچهٔ چاپ نجف آنست که دانشمندی بدان پرداخت و از رهگذر شیعی ارزش بسیاری دارد و چیزی فرو گذارنکرده است وشایسته است که بدان نگریست.

این را هم بگویم که این دفتر از رهگذر سرگذشت مردم ایران در آن هنگام که تازیان بیگانه برآنهاچیره بوده‌اند هم ارزش دارد ونامه‌اینکه معاویه بزیادبن ابیه نوشته که تا میتواند ایرانیان را خوار بدارد در آن هست (ص۱۴۱) مجلسی دربحار (فصل ٤ ج ۱) ازدوسند روایت این کتاب یاد نمود ودرجلدهای دیگرآن و کتابهای دیگرشیعی خبرهائی ازسلیم آمده که برخی از آنها دراین کتاب نیست (دیباچهٔ چاپی) (۱).

[۱۵۰۷]

۵۷۵ این نسخه ش ٦ دفتراست و بهمان خط ش۲ وصفحه‌شماری دیگری در۱٦۷ ص دارد ومیان ص ۱۴۳و۱۴۴ کم‌دارد. پیش از آن گفتاریست از سید نعمت الله شیبه در آداب خواندن قرآن گ ۳٦پ ـ ۴۲ ب بهمین خط وبتاریخ ۱ ح ۱۲٦۰/۱.

آغاز: بسمله. قال حدثني ابوطالب محمدبن صبیح بن رجا بدمشق سنة اربع وثلاثین وثلثمائة قال اخبرني ابوعمرو عصمة بن ابی عصمة البخاری قال حدثنا ابوبکر احمدبن المنذربن احمدالصنعانی بصنعا شیخ صالح مأمون جار اسحق بن ابراهیم الدبری قال حدثنا ابوبکر عبدالرزاق بن همام بن النافع الصنعانی الحمیری قال حدثنا ابوعروة معمربن راشد البصری قال دعانی ابان بن ابی عیاش قبل موته بنحو شهر (از این پس مانند چاپی است

۱- برای سرگذشت سلیم نیز بنگرید به : کشی ص۶۸ - نجاشی ص٦- فهرست طوسی ش ۳۳٦ - رجال طوسی - ابن شهرآشوب ش ۳۸۱ - مسعودی در التنبیه والاشراف ص۱۹۸ - ابن‌داود گ۶۰الف- لسان المیزان- تفرشی ص۱۵۹- حائری - استرابادی - قهپائی - اردبیلی - نوری درمستدرك ۳ : ۷۳۳ فائدة ٦ - مامقانی.

که سند آن همان سند دوم بحار میباشد ــ سند این دو نسخه‌ها همان است که خوانساری یاد کرده وماننده نسخه دوم تهرانی میباشد و نسخه‌های نوری وحائری هم چنین بوده است).

چنین است پایان آن: «فاستيقنت عند ذلك انه ساحر (بمانند چاپی ص ١٣ س ١٧٩) فذكرالله ذلك بالمدينة فاجتمع رأيي ورأيك على انه ساحر فقال عمر اما هؤلاء» (نزدیك بآنچه در بحار است).

[١٥٠٨]

این نسخه بخط نستعلیق ونسخ تازه است و برخی جاها سفید گذارده شده است.

آغاز آن مانند نسخه ٥٧٥/٥ میباشد وچنین است انجام آن:

ويظهر نار بالحجاز ويخرب جامع الكوفة وماشيده البالي بالصراط واذاهلك ملك الترك وتميد لسان الشام ويكثر الملوك ويظهر الحق. الحمدلله اولا وآخراً و صلى الله على محمد وآله اجمعين ــ هذه صورة نسخة كانت بايدينا من كتاب سليم. و وجد بعض الاخلاء نسخة فى محروسة اصفهان ذكر انها نسخة المرحوم المجلسى المتقدم وفى آخرها زيادة على مافى نسختنا هذه حديث همام المعروف واربعة احاديث اخرى هذه صورتها: وعن ابان بن ابى عياش (عن) سليم بن قيس قال قام رجل من اصحابنا يقال له الهمام وكان عابداً مجتهداً فقال يا اميرالمؤمنين صف لى المؤمن ... قال سمعت سلمان الفارسى يقول ان علياً باب فتحه الله من دخله كان مؤمناً ومن خرج منه كان كافرا (گ ٥٢ ب ــ ٥٥ الف).

(٥٥ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا

اندازه ٢٢×١٧/٥ و ١٢×١٦/٥ س ١٥

[١٢٨٧] كتاب اليقين (عربی)

رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن طاوس در این دفتر که در ٢٢٠ باب است و کشف الیقین هم خوانده میشود ازروی خبرهای پیامبر که در نوشته‌های سنیان آمده است روشن نمود که علی را امیرمؤمنان می‌نامیدند.

آغاز: بسمله و به نستعين يقول مولانا الصاحب المصنف الكبير العالم العادل ... ابوالقسم علي بن ... بن الطاوس العلوي الفاطمي احمدالله جل جلاله الذي سبق في علمه جل جلاله ما يجري حال عباده عليه ... وقد سميته كتاب اليقين باختصاص مولانا

اميرالمؤمنين على بامرة المؤمنين.

انجام: لم يبق عندي شك فيما كشفناه من صحيح الطرق و سبيل التوفيق و صلى الله على سيد المرسلين محمد و آله الطاهرين و سلم تسليماً والحمدلله رب العالمين.

[١٥٠٩]

این نسخه نسخ است با عنوانهای شنگرف و بگواهی خط حاجی نوری که در گ ١ الف هست او آنرا برای خود نویسانده است.

١٦ برگ در آغاز افزوده است وفهرست کتاب تا باب ١٢٩ بهمان خط در آنها نوشته شده است.

(٥٦ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با روپوش پارچه

اندازه ١٥×٢١ و ٩×١٥/٥ س ١٩

[١٢٨٨] كشف الاحتجاج (فارسی)

مولانا ابوالحسن علی بن حسن زواری سپاهانی مفسر زنده در ٩٤٦ و ٩٦٨ وشاگرد محقق کرکی واستاد مولی فتح‌الله کاشانی برای شاه تهماسب بهادرخان صفوی احتجاج ابومنصور احمد طبرسی را بپارسی درآورده و بدین نام نامیده است(١)

١ــ بنگرید به فهرست سپهسالار ١: ٢٨٨ و فهرست آقای منزوی ١: ٣٦ وفهرست طوس ٥: ١٥٥ ــ چند ترجمهٔ دیگر هم از احتجاج شده:

١ــ مولی نظام‌الدین احمد غفاری مازندرانی برای سید احمد جان بارخان حسینی مرعشی وهمو نگارستان را برای احمد بن محمد بن عبدالغفار قزوینی غفاری در ٩٤٩ نوشته است. (کنتوری ص ١١١ ــ ذریعه ٤: ٧٥).

٢ــ از ملا فتح‌الله بن ملاشکرالله شریف کاشانی ٩٨٨ (سپهسالار ١: ١٢٤).

٣ــ از مولی عمادالدین شریف قاری استرابادی مازندرانی (سده ١٠ و ١١) نگارنده تحفهٔ شاهی در تجوید بنام شاه تهماسب وتجوید القرآن (ذریعه ٣: ٤٤٤ و ٣٧١)

٤ــ از محمد جهارمحالی برای محمد شاه قاجار بنام ترجمة المحمدیه (نسخهٔ آقای حسن مصطفوی بخط نستعلیق خوش و آراسته محمد عیسی در ١٢١٣) و ترجمه ایست عرب مآب.

آغاز : افتتاح این مقال همایون فال عدیم المثال که حسن فصاحت و جمال بلاغتش بزیور بدایع مناقب آل اطهار ... آراسته (۱)

انجام : و تعبد در آن اقتضاء تعبد بچیزی میکند که تمام نشود صلوة الا بآن ازمعرفت آل وعترة طاهرین والختم بالصلوة علی سیدالانام محمد صلی الله علیه وآله الغر الکرام .

[۱۵۱۰]

این نسخه بخط نستعلیق باعنوان ونشان شنگرف میباشد ومقصودبن محمد امین کربایکانی در ۲۱ ع ۲/ ۱۰۵۵ نوشتن آنرا بپایان برده است . درانجام آن دارد : « تمت بعون الله فی یوم الجمعة احدوعشرین من شهر ربیع الثانی من شهور سنة خمس و خمسین بعدالالف من الهجرة النبویة المصطفویة علی ید العبدالمذنب ابن محمد امین مقصود جربادقانی عفی عنهما سنة ۱۰۵۵ » .

۱۴۳ ص ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی طولانی

اندازه : ۱۶ × ۲۴/۵ و ۱۱ × ۱۷ ـ س ۱۹

[۱۲۸۹] کشف التعمیة فی حکم التسمیة (عربی)

این نامه ازشیخ محمدبن الحسن الحرعاملی طوسی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) است که در دهه میانین ماه ذیحجه سال ۱۰۷۷ بپرداخت و آنرا در رد «شرعة التسمیة» سید داماد ۱۰۴۱ (ش ۱۴۳ و ۱۴۴ اخبار فهرست طوس ج ۱) نگاشته وازاو بنام « یکی از سیدان متأخر » یاد کرده است وازعبارتهای آن که دراین میآورد (۱۱۹ الف و ۱۳۴ الف) پیدا است که ازداماد میباشد . عاملی دراین نامه مانند سید حسین کرکی دراشراق الحق (ص ۵۲۵ همین فهرست) روشن میدارد که میتوان نام امام زمان را برزبان آورد (نیز بنگرید به امل الآمل ص ۴۴۸)

حرعاملی میگوید نامبردن امام زمان اگرچه درپاره‌ای ازخبرها ناروادانسته

۱ـ آغاز آن درنسخهٔ ش ۶۸۰ و ۶۸۱ تاریخ ۲۲ محرم ۱۰۶۵ طوس چنین است : « ای فاتحه مصحف حمدت توحید ... از رحمت آیتی است قرآن مجید ، خضارت ونظارت ریاض ایمان » .

شد مگر اینکه آن خبرها درباره آن روز گاریست که شیعیان ازدشمنان خویش میترسیدند وخودرا آشکارا شیعی نشان نمیدادند وناگزیر نبایستی نام آن امام را برزبان بیاورند . روائی و ناروائی این هم چیزی نیست که مانندی نداشته باشد چه مادراخبار می بینیم که نباید از زاده شدن امام زمان آ گاهی داد و ازدو امام کاظم وصادق ع نام برد بلکه نباید نام ‹ امام › را برزبان آورد و نباید دشمنان دین را نفرین نمود و نباید متعه کرد و از غیبت امام زمان سخن گفت و ماه رمضان را بی واژه ‹ شهر › برزبان آورد و چیزهای دیگر مانند اینها که برای یك زمانی وروی علتی ازآنها نهی شده است نه اینکه همیشه ناروا باشند (فصل ۹) .

آغاز : بسمله . و به نقتی . الحمدلله الذی اختار لنفسه احسن الاسماء ...

امابعد فیقول سمی مولانا القائم المهدی ... محمدبن الحسن بن علی بن محمدالحر العاملی ... قد وقفت فی هذه الایام علی رسالة لبعض السادات الاجلاء المتأخرین الذین یقرب زمانهم من زماننا هذا مضمونها اثبات تحریم تسمیة صاحب الزمان فی المجالس مطلقاً مدة زمن الغیبة من غیر تفرقة بین حال الامن والخوف والتقیة فحصل لی منها العجب حیث انها خلاف ما نطقت به الاخبار الکثیرة ... وخلاف مایعتقده کل من لقیناه من علمائنا ومشائخنا و کل من وصل الینا کلامه من العلماء السابقین واللاحقین ... الا القلیل الذی کلامه غیر صریح فی ذلك ... مع وجود المحمل الصحیح لاحادیث النهی ولکلام ذلك القائل وهو التخصیص بوقت الخوف والتقیة ... وقد وجب علی ان اجمع ماتیسر جمعه من الاخبار الصریحة وما اشتمل علی الامر بالتسمیة عموماً او خصوصاً مع انه لایحضرنی جمیع ما احتاج الیه من الکتب فی ذلك وماوجدته من الاحادیث الان کان فی معارضة احادیث النهی فانه یزید علیها و یرجح من وجوه کثیرة ... و انا اذکر الآن بعض الاحادیث الدالة علی الجواز ثم اذکر کیفیة الاستدلال بها ثم اورد احادیث النهی کما اوردها السید ره ثم اذکر تأویلها وما یدل علیه ثم اورد کلام السید واجیب عنه ... علی انه لایلزمنا الدلیل لانانافون للتحریم ولادلیل علی النافی ولاناندعی الجواز وهو عندهم الاصل ولانا

مسکون بالمشهور کادیکون اجماعاً بل لایکادیتحقق فیه خلاف کماستعرفه من غیر صاحب الرسالة المذکورة وقد سمیت هذه الرسالة ، کشف التعمیة فی حکم التسمیة ، وهی مرتبة علی اثنی عشر فصلا .

انجام : وقد اوردنا منها مافیه بل فی بعضه کفایة لاولی الالباب والله سبحانه هو الموفق لسلوك سبیل الصواب والعاصم من الخطاء والزلل والاضطراب وهو المسئول والمأمول فی الدنیا و یوم المآب . تمت الرسالة الموسومة بکشف التعمیة فی حکم التسمیة بقلم مؤلفها سمی مولانا المهدی وعبده المخلص الولی محمد بن الحسن الحر العاملی عامله الله بلطفه الخفی وفرغ منها فی العشر الاوسط من ذی الحجة سنة ۱۰۷۷ . والحمدلله وحده و صلی الله علی محمد و آله ـ وهذه الرسالة رأیتها بخط المؤلف وخاتمه احدهما سجعه : ، عبد امام الزمن محمد بن الحسن ، والآخر : و عبده محمد الحر ، محفوفاً باسماء الائمة حتی القائم باسمه . ـ وحرر ذلك العبد م ح م د الموسوی عفی عنه بالنبی والوصی صلی علیهما

[۱۵۱۱]

۱۱۲۲ این نسخه ش۲ دفتر است و بهمانگونه خطش۱ولی نسخ در آن ریز تر است و از «م ح م د الموسوی» که میگوید من این رساله را بخط خود همان شیخ حر دیده‌ام با دومهر او بدینگونه « عبد امام الزمن محمد بن الحسن » و « عبده محمد الحر » با نامهای دوازده پیشوا . حاشیه‌های «منه رحمه‌الله» و از سید بهاءالدین نائینی و همان نویسندهٔ نسخه «محمد موسوی» دارد بنستعلیق . گ ۱۰۶ ب ـ ۱۴۰ الف . (بنگرید به ۱۱۲۲/۱) .

[۱۲۹۰] کشف الکافی (عربی)

شاه محمد بن محمد برای بهادر خان شاه سلطان حسین موسوی صفوی کافی کلینی را گزارش نموده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله القدیم ذاته والحدیث سماته والشکر للمنعم العلیم الذی صفاته عین ذاته . . . فیقول . . . محمد بن محمد المدعو بشاه محمد ان اهم ماوجهت

الیه الهمم واحق ماتوجهت الیه الامم ... هو العلوم الدینیة ... وان اعظمها قدرا ... هو علم التفسیر والحدیث ـ وبعد القرآن المجید احق بالتلقی کتاب الکافی ... سیما اصوله لایمکن ان یفهم فی الجملة الامن برع فی العلوم النقلیة والعرفانیة ولهذا کشفت القناع ... وازالت النقاب عن خدود نفائسه کما سمعت من مشائخ هذا الفن واضفت الیه ماخطر فی الخاطر ... جعلته تحفة للمجلس الذی هو حیرة الجنان بهجة وبهاء وهدیة المحفل الذی هو غیرة الجنان نزهة وصفاء اعنی مجمع الاکابر والاماجد الذی هی سدة سلطان سلاطین العالم ... الممتاز بالنسب النبوی والحسب العلوی ... ابی المظفر شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی بهادر خان ... وسمیت هذا الشرح بکشف الکافی .

انجام : (ان المستأکل بعلمه) ... (والمراء) الجدال (التبوء) اخذ المنزل بوأه الله منزلا اسکنه ایاه ... انما المستأکل بعلمه الذی یفتی بغیر علم ولاهدی من الله عزوجل لیبطل به الحقوق طمعاً فی حطام الدنیا .

[۱۵۱۲]

۶۳۳ این نسخه از آغاز تا باب «المستأکل بعلمه» است و بنسخ با عنوان و نشان شنگرف است و در جدول زرین ولاجورد و دو صفحهٔ نخستین بزر حاشیه‌سازی شده و در دو جدول است . متن زیر خط سرخ و سرلوحی بزر و لاجورد و شنگرف هست و رنگارنگ و زیبا است .

(۱۹۴گ) کاغذ سمرقندی آهار مهره ـ جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی فرسوده اندازه ۱۸×۱۹ و ۱۲×۱۳ س ۱۵

[۱۲۹۱] کشف المحجة لثمرة المهجة (عربی)

رضی الدین ابوالقاسم علی بن طاوس برای پسر هفت ساله خود محمد (زادهٔ در ۶۴۳) و پسر سه سالهٔ خود علی (زادهٔ ۶۴۷) و خویشاوندان خود این دفتر بپرداخت و آن در مناقب و حدیث و کلام است و در ۱۵۹ فصل و سرگذشت و زندگی علی او از آن پیداست . او مینویسد که پیش از نیمهٔ روز پنجشنبه نیمهٔ محرم ۵۸۹

ازمادربزادم وا کنون که پیش از نیمهٔ روز نیمهٔ محرم ۶۴۹ است آغاز ۶۱ سالگی من میباشد (۲ب) بهمین سال او این دفتر وا می نگاشته است . نام دیگر آن «اسعاد ثمرة الفؤاد علی سعادة الدنیا والمعاد » میباشد (۴ الف).

فیض کاشانی آنرا در دو فن گزین کرده تسهیل السبیل بالحجة فی انتخاب کشف المحجه نامیده است و آن با تحف العقول و روضهٔ کافی ومنهاج الهدایه همو در ۱۲۹۷-۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید .

این دفتر در نجف در ۱۳۷۰ بچاپ رسید وسر گذشت ابن طاوس در دیباچهٔ آن هست . عبدالنبی بن علی بن محمد جعفر استرابادی آنرا بپارسی در آورد و آن در ۱۳۴۵ در ایران بچاپ سنگی رسید . فهرست پاره‌ای از کتابها که داشته بود و فهرست نگارشهای خود او درفصل ۱۴۳ آن یاد گردید (ص ۱۲۶ - ۱۴۰) درهمین فصل دارد که نیای او ورام آورده که دانشمند حمصی میگفته است که : « لم یبق للامامیة مفتی علی التحقیق بل کلهم حاك » (ص ۱۲۷) .

او بپسر خود میسپرد که کتاب مفضل واهلیلجه املاء صادق را بخواند (ص۹) و میگوید که فرو رفتن در کلام مایهٔ این میشود که درمسئله‌های مهم اسلام شك کنند پس از کلام باید پرهیز کرد وبا متکلمان و اصحاب مقالات نیامیخت . (ص ۱۹) . گفتگوی او با سنیان دربارهٔ دشنام صحابه و رجعت و متعه و مهدی (ص۵۴) و گفتگوی او بابرخی دانشمندان مستنصریه دربارهٔ خلافت وشیعی شدن سنی (ص ۷۶ -- ۷۰) وبا حنبلیان (ص ۸۱) و زیدیان دربارهٔ امامت (ص ۸۲) درآن هست . او ازاینکه مرتضی و رضی بکارهای دولتی پرداخته‌اند علت یاد میکند (ص ۱۱۲) .

آغاز : بسمله . یقول عبدالله ومملو که . . . ابوالقاسم علی بن . . . طاوس . . . احمدالله جل جلاله ببیان المقال ولسان الحال حمداً دائم الاتصال والکمال .

انجام : هذا ما کان الفی فی روعه ولاروع احد من العارفین وانما عرفه به

سیدالمرسلین . / . والحمدلله رب العالمین فصل المائة والاربعون ثم اوردناه بالله جل جلاله من هذه الرسالة ثم عرضناه علی قبول واهبه صاحب الجلالة ناقله من فی النبوة والرسالة و ورود الجواب فی المنام بما یقتضی حصول القبول والانعام والوصیة بامرك والوعد ببرك وارتفاع امرك والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدالمرسلین محمدالنبی جدك وآله (وعترته) الطاهرین وسلم .

[۱۵۱۳]

۶۰۹ ج: این نسخه ش ۱ دفتر و بخط نستعلیق است نا عنوانهای شنگرف که کمال‌الدین محمد دررودی پنجشنبه ۱۵ رجب ۱۰۳۹ آنرا نوشته است . (گ ۱ ب - ۹۶ ب)

[۱۲۹۲] الکشکول فی ماجری علی آل الرسول (عربی) والجمهور بعدالرسول

این نامه که در آن از ریشهٔ جنگ و ستیز میان سنیان و شیعیان گفتگو گردیده و روشن شده که آئین شیعی درست و استوار میباشد از سید حیدر بن علی بن حیدرعبدلی (عبیدی) حسینی آملی عارف شیعی و زندهٔ در ۷۸۷ دانسته شده و برخی آنرا از سیدحیدربن علی دیگری پنداشتند (ذریعه ۳ : ۳۰۸) و برخی خواستند بگویند که از علامه حلی است (روضات ص ۱۷۴) با اینکه چنین نیست چه این نامه در ۷۳۵ نه سال پس ازمرك او بنگارش در آمده است . درروضات (ص ۲۰۲) از سید قطب الدین حیدر موسوی تونی که همین آملی درفص داودی گزارش خود برفصوص الحکم از او یاد کرد (مجالس المؤمنین مجلس ۶) و از شیخ فخرالدین حیدربن علی بن ابی علی محمدبن ابراهیم بیهقی که فخرالمحققین حلی رسالة النیة خود را بدرخواست او نوشته است یاد گردید (بنگرید به ص ۴۲۶ همین فهرست) درذریعه (همانجا) از سید حیدر بن علی بن حیدر مجاز ازفخرالمحققین بسال ۷۵۹ وجز آملی نیز یاد شد .

از خودنامه همین اندازه برمیآید که آن درسال ۷۳۵ که جنگی سخت میان سنی و شیعی در گرفت و بدرخواست بزرگی نوشته شده و بسیار شیوا و رسا

و روان است و نگارندهٔ آن تا میتوانست داد سخن را داد. دو نسخه‌ای از آن در طوس بشمارهٔ ۲۴۴ (ص ۱۸۰ اخبار ج ۱) و ۹۴۰=۹۴ (ص ۲۲۵ ج ٤) و یك نسخه در کتابخانهٔ ملی تهران بشماره ۹۹٤ هست و در چاپخانهٔ حیدری نجف بسال ۱۳۷۲/۱۹۵۳ با دیباچه‌ای از عبدالرزاق موسوی مقرم بچاپ رسید و او میخواهد بگوید که از آملی میباشد. از این کتاب برمیآید که نگارندهٔ آن در بارهٔ داستان آدم و ابلیس رساله‌ای جداگانه دارد (گ ۷ الف) این کتاب و الزام النواصب وطرائف ابن طاوس مانند هم هستند.

او از فرمانروایان و خلیفه‌ها بسیار بد میگوید و مینویسد که آنها مدرسه‌ها برای سرگرمی عوام ساختند تا پرده‌ای برروی تبهکاری آنها باشد ومدرسیان مردم را بسوی خلیفه بخوانند (۱۱ب) و از برخی دانشمندان این شعرها (که در چاپی نیست) میآورد:

ایها القوم الذی فی المدرسة	کلما حصلتموه وسوسة
فکر کم ان کان فی غیر الحبیب	مالکم فی النشأة الاخری نصیب

(۱۸ ب) در سراسر آن داستانهای پیامبران و سرگذشت خلافت سه خلیفه وخبرهای سنی گواه آمده و در پایان آن چهل منقبت علی برشمرده شد (۱۱۹ الف) شعرهائی هم در آن دیده میشود. یکی از سخنان تازهٔ او اینست که میگوید خداوند اختلاف را زشت شمرد ولی سنیان گویند که پیامبر فرمود: «اختلاف امتی رحمة» بی گمان آنرا روی غرضهائی ساخته اند. نامه بگفتگوهائی که میان مفضل وصادق ع شده است پایان مییابد.

از عبارت: «ان المستعصم کان اظلمهم و اذلهم و علیه ختمت الدولة العباسیة» که در بیان ریشهٔ جنگ وستیز شیعی وسنی در آغاز کتاب دیده میشود (۸ ب) (در چاپی ص ٤۱ معتصم دارد) هم برمیآید که پس از برانداخته شدن فرمانروائی عباسیان بسال ٦٥٦ نگارش در آمده است. نکتهٔ دیگر آنکه نگارندهٔ این کتاب آنرا بمانند کشکول دریوزگی درویشان پنداشته و در چند جا واژهٔ «دروزه»

بکار برده‌است چنانکه در آن دارد: «دروزة من مکارم الائمة الاطهار» و «فصل فی دروزة الکشکول فی مناقب آل الرسول» و «لعل من یقف علی مادروزت فی هذا الکشکول فیری من اختلاف الوانه و فنون طعومه وحدة ریحه و شناعة منظره مایوجب له النفار والاعراض عنه ولوطعم ذوالمعرفة من لقمة اوذاق منه تهمة وکان له سیاحة بین الفقراء والمدروزین من المغرور لوجد سوق من المطعم المتولف من ذلك المأکول المختلف مایلزمه الشره علی اکله والتهافت علی لطع الکشکول وشرب ماء غسله ولیتمتع بالاکل منه غیر مرتاب ولامستکبر ولامتفر ولوجد سریان نفعه فی البدن الصحیح وضرره بالجسد المعتل. وان منعه منه کبر الجهل وعجب الحماقة المتولدان من الغضب الشیطانی الابلیسی انکر الی ذروته الفطرة وسعتهم الولایة قبل الفرقة بدینهم وان علمنا اخذناهم ولم نأخذ صغیراً بذنب کبیر» (گ ۳ الف - ۱۰٦ ب - ۱۲٦ الف).

آغاز: بسمله. الحمدلله والسلام علی عباده الذین اصطفی خصوصاً علی سید اهل الاصطفا من اخوان الصفا وخلان الوفا محمد المصطفی صلی الله علیه وآله ورجاله اهل الصبر والوفا التابعین له وعلی من لوم اقتفی فقد کتب الی اعز الناس علی واقربهم زلفی لدی ایدمالله سعادته وابدسیادته حین هاجت الفتنة بین الخاصة والعامة وذلك فی سنة خمس وثلثین وسبعمائة.. وجری بینهما من الامور الشنیعة مااوجب السئوال عن مثل هذه الامور الحاصلة بین الشیعة والجمهور وماسبب حدوثها فی زمن دون زمن وما هذه الاحقاد والتهاویل والتخیلات والاضالیل مع انهم علی ملة واحدة و کتاب واحد و رب واحد... والتمس اعلی الله شأنه و اوضح برهانه ان یکون ذلك بایضاح کاف وجواب شاف... واقترح ادام الله اقباله وانجح آماله ان یکون طریق الاشارة فیه اکثر من العبارة و لسان العبارة بها اوضح من الاشارة... فوافقته فی ملتمسه ومن برکة نفسه... فاجبته ملبیا واطعته متبیاً وسارعت الی اوامره مجیباً مؤلفاً (معلنا - بدل)... ثم جمعت ماالفته مضافاً الی ماصنفته سئوالا من ممدالقلوب بالانوار ودروزة من مکارم الائمة الاطهار وسمیتها

« رسالة الكشكول فيما جرى على آل الرسول والجمهور بعد الرسول » .

انجام : « كان يقول العالم ثلثة عالم ربانى ومعلم على سبيل نجاة وهمج رعاع اتباع كل ناعق لم يستضيئوا بنور الحكمة ولم يلجئوا الى ركن وثيق . والحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين . اللهم انى اسئلك بمشاكى انوارك ومحل اقتدارك وخزائن اسرارك ان تصلى على محمد وآل محمد وان تجعلنى من اولياء محمد وآل محمد . . . وارنى موقف زيارتك مع شيعة محمد وآل محمد وتشركنى معى فى هذا الدعاء سائر اولياء محمد وآل محمد برحمتك يا ارحم الراحمين . آمين يا رب العالمين » .

[١٥١٤]

اين نسخه ش ١ دفتر است و بخط نستعليق خوش و با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرفی از عنايت‌الله كه در شب چهارشنبه ١٢ صفر ١٠٣٥ آنرا بپايان رسانده و محمد شفيع بن محمد مقيم آنرا تا توانست از آغاز تا انجام با چندين نسخهٔ درست ناشده برابر و درست نموده و مينويسد (كنار برگ ١٣٣ الف) كه باز هم نادرستيهائی مانده كه درجاهای آنها نشانی گذارده‌ام و اميدوارم كه پس از اين خدای مرا بدرست آنجاها رهبری كند و من اين نسخه‌را درست سازم و اين كارم در آغاز سال ١١٠٦ بپايان رسيد . نسخه بدلها و تصحيحات در هامش ديده ميشود . در چندين جا دارد : « تم بلغ قبالا بحمدالله تعالى » يا « بلغ بحمدالله قبالا » و بخط همين محمد شفيع است . صفحهٔ يكم مانا خط تازه‌تری است و بخوشی خط ديگر صفحه‌ها نيست .

در گ ٢ الف عبارت : « بسم‌الله . مالكه والمالك لله سيد شريف بن فلاح الكاظمى عفى عنه » و مهر « جواد بن مرتضى الحسنى الحسينى الطباطبائى » ديده ميشود ودرجاهای ديگر هم مانند ٢ ب و ١٨٥ الف و ٢٦٢ الف و ب همين مهر هست . در ٢ ب دو بار مهر « العبد محمد هدى الحسنى الحسينى » ديده ميشود (گ ٢ ب ــ ١٣٣ الف) در گ ٢ الف از نگارندهٔ اين نامه سودمند كه علامهٔ حلى نبايد باشد و گويا سيد حيدر بن على عبيدلى حسينى آملى بگواهى گمان شوشترى در مجالس المؤمنين آنرا نوشته است گزارش شده و دارد كه چون در خلاصه از آن ياد نگرديده و تاريخ اين كتاب هم ٧٣٥ و ده سال پس از مرگ حلى است پس از او نخواهد بود . اين هم گويا بخط همان محمد شفيع ميباشد .

(همهٔ دفتر ٢٨٥ گ) ــ كاغذ سمرقندى ــ جلد تيماج سرخ ضرابى

اندازه : ١٢ × ٢٣ ــ ٧ × ١٣/٥ س ١٩

[١٢٩٣] كفاية المهتدى فى معرفة المهدى (فارسى)

ميرلوحى سيد محمد بن محمد موسوى حسينى مطهر نقيبى سبزوارى سپاهانى اين دفتر را كه ترجمه و گزارش چهل حديث در سر گذشت پيشوای نهانی و باز گشت مردگان است از روی « كتاب الغيبة » حسن بن حمزهٔ علوى طبرى (حديث ٣٦) و كمال‌الدين و تمام‌النعمه ابن بابويه قمى و اثبات الرجعه والمائة التى جمعها من طرق العامه از ابومحمد فضل بن شاذان بن خليل نيشابورى قمى م ٢٦٠ ساخته است .

او در ديباچه (گ ٧ ب ــ ١١ ب) مينويسد : كه من نخست « اربعينى » بنام « زاد العقبى فى مناقب الائمة والاوصيا » نوشته‌ام سپس خواستم « اربعينى » جداگانه در سر گذشت باز پسين جانشين پيامبر بنويسم و گروهى هم از من خواسته بودند كه چنين چيزى بنگارم چه كتابى كه مجلسى دوم در رجعت (ترجمهٔ ١٤ حديث ش ١١٢٠) نوشته مايهٔ جنگ و ستيز دانشمندان گشته بود و ميبايست كه من دفترى بنگارم . چون تهى‌دست بودم و سخن بى‌نوايان را خريدارى نيست چنانكه من در برابر ستايش مجلسى يكم از ابومسلم مروزى و حلاج جادو گر و بدكار سخنانى گفته بودم و نادانها شمشيرهای كين از نيام كشيدند و آهنگ كشتن من كردند و آزارها بمن رساندند (١) اين بود كه در اين كار سستى روا بداشتم تا اينكه

١ ـ مولى مطهر بن محمد مقدادى در « رد صوفيه » كه در ١٠٦٠ نوشته است مينويسد كه ميرلوحى مردم را از ستايش ابومسلم باز ميداشت و صوفيان در برابر عوام را برانگيختند تا بدو پشت پا زدند و آزارها كردند اين بود كه گروهى از دانشمندان براى كمك بميرلوحى رساله‌ها در بارهٔ ابومسلم بپرداختند (ذريعه ٤ : ١٥١) و آنها همان رساله‌هائى است كه دشمنان دو مجلسى و تصوف در نكوهش از ابومسلم نوشتند از آنهاست رساله‌ای از همين ميرلوحى و رساله‌ای از سيد احمد بن زين‌العابدين علوى عاملى بنام « اظهار الحق ومعيار الصدق » نوشتهٔ ١٠٤٣ بيارى از ميرلوحى (ذريعه ٤ : ١٥٠) همين دانشمندان بودند كه رساله‌ای جداگانه در نكوهش از تصوف نوشتند و در حديقة الشيعه اردستانى گنجاندند و نورى اين رساله را بديد (مستدرك ٣ : ٣٩٤) ميرلوحى در رسالهٔ « ترجمهٔ

دنبالهٔ حاشيه در صفحهٔ پس از اين

درشب ۱٤ شعبان ۱۰۸۱ خوابی بدیدم و بمن فرمودند که این رساله را بنویسم
من هم چهل حدیث آنچنانکه میخواستم بیاد سپردم ودراین رساله گنجاندم
مگر اینکه از حدیثهائیکه تنها فضل بن شاذان آورده و نشانه‌هائی هم با آنها
نبود که آنهارادرست وراست وانمودسازدمن آنگونه حدیثهارانیاوردم. میرلوحی
در گزارش حدیث نخستین میگوید که من این اربعین‌را در ۱۰۸۱ بپایان رسانده
بودم مگراینکه برای آگاهاندن آخند (مجلسی) درپایان شعبان ۱۰۸۲ «این
چندکلمه» را بر آن افزودم (گ ۲٤ الف) این افزوده همان خرده گیریهااست
که از آن رساله مجلسی کرده است ودر (ص ۱۲۱۱) دیده‌ایم. میرلوحی پیش‌از
«کفایةالمهتدی فی‌معرفةالمهدی» شالودهٔمناظره‌و گفتگوئی با «عبارتی دل آویز
و اشارتی شورانگیز» میریزد که میان سیدها و دانشمندان درسده‌ها و سالهای
گذشته رخ داده است و میرساند جنگ و ستیزی را که میان آنها درمیگرفت
وپیداست که او میخواهد گله‌هائیکه خود ازمجلسی‌دوم داشته آشکار بدارد
واز «سید» خود را میخواهد و از «دانشمند» مجلسی را. چه او درپایان این
گفتگو اززبان کسیکه آنرا می‌شنیده‌ومیان آندوداوری کرده‌است‌میگوید که:
«مرا اعتقاد آنست که سادات خواجه زادگانند ودیگران بنده زادگانند واگر
اذروی فرض خواجه زادهٔ ازعلوم دینیه بی‌بهره باشد بنده‌زاده را با کمال دانش
کی رسد که بااو لاف مساوات زند» تااینکه میگوید: «و نمیدانم حضرت آخند
ملامحمد باقر مانند والد علامه خود نسبت به بسیار کسی ازعلویین بلکه باجمیع

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ابی‌مسلم» خود میگوید که‌اومردم‌رابدستگاه فرمانروائی ستمکارانهٔ عباسیان میخواند
نه‌دولت‌امامان و بسزای کار بدخویش‌رسیده‌بدست بدتر ازخودی‌مانند منصور درجوانی
کشته گردید (۱۳۷) این سخن او مردم روزگارش را خوش نیامد وباو آزار کردند
و یکبك اوگروهی از دانشمندان که یکی همان عاملی بوده است کتابها و رساله‌ها
دراین‌باره نوشتند (ذریعه ٤: ۱۰۱ – ۱۵۰ ازگفته سید عبدالحسیب پسر همین عاملی)
فهرست ۱۷ رساله‌ایکه دراین باره نوشته شده درذریعه دیده میشود (٤: ۱۵۱).

منتسبان دودمان حضرت سیدالمرسلین و ائمهٔ معصومین... اعراض فرموده‌اند
واز دوستی این فرقه که واجب عینی است مطلقاً دست برداشته‌اند و خبر معتبر
«من اهان ذریتی فقد اهاننی» را برطاق نسیان گذاشته» آنگاه از «خر کمان
وشکنجه» کشیدن میرزاباقرایبك یهودیان را وستودن اوازسیدی در آن هنگام
و یاری دادن «ملامحمد تقی بن ملامجلسی» بآن یهودان ودشمنی او با آن سید
روی دوستی با حلاج یاد میکند ومیگوید که دوستی او بابرخی ازسیدان روی
سودجوئی است. آشکاراست که سخنان میرلوحی را چندان پایه ومایه‌ای نباید
باشد چه او چیزهائی دربارهٔ مجلسی یکم میگوید که باور کردنی نیست مانند
اینکه «عوام... بعدازفوت اوحضرت صاحب‌الزمان را کفش‌بان او میشمردند
ومعجزه براستراومی‌بستند وتابوتش را شکستند واز برای‌تیمن وتبرك ریزه‌های
آنرا بجای تعویذ بربازو بستند» دراینجا او داستانی دربارهٔ رکابداری دو تن
برای مجلسی یکم هنگامیکه از مکه برمیگشت و پرسیدن مسئله‌هائی از او
تااینکه درپاسخ پرسش او که شما دوتن کیستید یکی گفته من حسین‌بن علی‌بن
ابی‌طالب هستم ودیگری گفته من صاحب‌الزمان هستم؛ ازعلی رضای اردستانی
آورده است. سپس میگوید که من دربرابرسخنان ایندومجلسی چیزهائی گفته
بودم وعوام برمن شوریدند وتهمتهابمن‌زدند چه‌اینکه ازدوستداران این‌خاندان
هستند. سپس داستان ملاخزانی شاعر و شیخ علی‌بن عبدالعال (علیه رحمةالله
الملك‌المتعال) وداستان شیخ محمدعلی مشهدی دانشمند پارسا و عبدالله «متجنن
عاقل» را میآورد و به «نصیحةالکرام وفضیحةاللئام» گزیدهٔ محمدبن نظام‌الدین
محمدعصام از نگارش ملامحمدطاهر و به «رساله ادراءالعاقلین واخزاءالمجانین»
خود باز گشت میدهد تاهر که بخواهد آن «شیخ شیطان صفت» و آن «متجنن
ملحد» را بشناسد بدانها بنگرد او میگوید که هرجا «آخند مرحوم» بگویم
«ملامحمد تقی‌بن ملامجلسی» وهرگاه «حضرت آخند» بگویم «ملامحمد باقر» را
میخواهم (دیباچه).

در گزارش حدیث یکم یاد میکند از اینکه « حضرت آخند » میرزا حبیب شاگرد ملامحمد علی استرابادی را که در یکسال « فاتحة الکتاب » را نزد او تفسیر نمود گفته بود که بمسجد دیگر رود و پند دهد و نگذارده که درمسجد خود بماند چنانکه میرزا محمد عبدالحسیب ملامحمد محسن کاشی را بمسجد جامع جدید فرستاده وخود بمسجد جامع قدیم بماند ولی او چنین کاری را نکرده است و روی همین، سالها است که میان آندو خوب نیست. مگر این مسجد را برای فرزندان «ملامجلسی شاعر» ساخته اند « گ ۲۳ ب ـ ۲۴ الف) اودر اینجا از ربیع یکم سال ۱۰۸۳ یاد میکند که سخنان گروهی را دراصلاح گفتار مجلسی شنیده بود که از «اذا قام القائم بخراسان» در حدیث دوم رسالهٔ مجلسی چنگیز خان خواسته شده است ومیگوید چنین نباید باشد زیرا چنگیز ملتان هند را که سلطان علاء الدین مسعود پادشاه آنجا بود نگرفته است. او از داستان هاروت وماروت که مجلسی آورده خرده گرفت که باعصمت فرشتگان ساز گار نیست اگر چه در تفسیر علی بن ابراهیم آمده چه آن روایتی است سست. سپس میگوید که ایشان چون سخنانم را در این باره شنیدند در رسالهٔ مذمت صوفیه از آن بر گشتند. چنانکه او بپیروی از پدرش میگفته که علی ع در جنگ احد زخمهای بسیار یافته بود و من آنرا نپذیرفتم و روی سخنان من این داستان را آنها سست دانستند . من میدانم که مردم باو گرویده اند مگر اینکه دستور دارم که این رساله را بنویسم ومن دررساله های «اعلام المحبین» و«ادراء العاقلین» نوشته ام که تودهٔ مردم دانشمندان را درست نمی شناسند وبیسواد متصوفی را بابر اعتقاد متقلقی را درصدر مجلس جا دهند وقدوه واسوهٔ خود نام نهند واگر عالمی عامل بیسالوسی باسیدی فاضل بیساختگی وچاپلوسی سلام کند گوشهٔ ابرو هم حر کت ندهند . . . همیشه سجیهٔ ظاهر بینان جهان بدینسان بوده که صاحبان مکر و حیله و اهل بلاده و بلایه را عزیز دارند و مردمی را که اززرق وریا وفریبندگی ومکاریها خالی باشند فرو گذارند وبعضی از اصحاب فضل و کمال که خودفروشی دوست ندارند و ایشان را استرهوار و شاطر

و رکابدار نباشد بز اخفش و گوساله اعمش بمثل اگر بریشان گذرد بنظر تحقیر بریشان نگرند واستهزا پیش گیرند » (۳۰ ب).

در گزارش حدیث دوم میرلوحی با مجلسی باز درمیافتد که چرا بااینکه در گزارش حدیث هشتم بپیروی از صادق ع از تعیین وقت برای آمدن پیشوای نهانی سر باز زده به « ابجد مغاربه » پرداخته و گفته که در قرآن از « المص » که برابر است با ۱۳۱ پیداشدن عباسیان خواسته شده است ـ مگر محمد بن عبدالله بن الحسن و برادرش ابراهیم و ادریس بن ادریس و زید شهید و حسین بن عابد و دیگر امامزاده ها نشوریدند وبا فرمانروایان روز گار خویش نجنگیدند مگر آنها هاشمی نبودند با اینکه عباسیان دیگر نشانی از آنها نیست ولی ادریسیان درمغرب وخاندان زید شهید در « بفراج » ازشهرهای خاوری هنوز هستند چرا «حضرت آخند» یادی از آنها نکرده اند (۳۹ ب) اودرهمینجا از «طایفهٔ که بوحدت وجود قایلند » یاد کرده و میخواهد برساند که پدر مجلسی صوفی بوده است ـ در گزارش حدیث چهارم می نویسد که امیر محمد باقر داماد در « شرعة التسمیة » میگوید که حدیث لوح میان سنی وشیعی براههای گوناگون روایت شده است . من هنگامیکه نزد او وشیخ بهائی شاگرد بوده ام درباره روائی و ناروائی بنام خواندن امام زمان هنگام غیبت گفتگوها داشتم از اینروی سید داماد آنکتاب را نوشته است .

در گزارش حدیث ۱۷ باز از «شیخ ما شیخ بهاء الدین محمد عاملی غفرالله له» و«شرعة التسمیة » و«سیدما امیرمحمد باقر داماد روح الله روحه » یاد میکند وخود را از « کمترین خوشه چینان خرمن آندو » میشمارد واز رساله «ادراء العاقلین واخراء المجانین » و کتاب « ریاض المؤمنین وحدائق المتقین » خود نام میبرد .

در گزارش حدیث ۱۹ میگوید که روایتی که مجلسی درترجمهٔ حدیث ۱۲ از خرائج وجرائح راوندی آورده است روی چندین علت رجالی، سست میباشد .

در گزارش دوحدیث ۲۸ و ۲۹ می نویسد که « حضرت آخند » درترجمهٔ

حدیث دربارهٔ مادر امام زمان درست سخن نگفت و «درمعنی آن لفظ کیسه نوشته» و بجای «بخط رومی و لغت رومیه» «بخط فرنگی و لغت فرنگی» آورده است و فرنگی و رومی را از هم بازنشناخت چنانکه قزوین و دیلمانرا یکی دانست. او در ترجمهٔ همین حدیث بجای موزه کفش گفته با اینکه دوتا هستند وانگهی دربیرون آوردن کفش نیازی بدیگری نیست. وی‌درترجمهٔ حدیث پنجم آنرا از کلینی وقمی وطوسی ومرتضی و دیگران روایت نمود با اینکه جز در کمال‌الدین وتمام‌النعمه قمی دیده نشده آنهم او آغاز حدیث را که گویا دریافته بود که باحدیث خریداری ملیکه دختر پسر قیصر نمیسازد ترجمه نکرد. در گزارش حدیث ۳۳ میگوید حدیث هشتم که «حضرت آخند» در کتاب رجعت آورده‌اند سست است وترجمهٔ اوهم نادرست.

درگزارش حدیث ۳۷ دارد که من حدیث ابن بابویه را آنچنانکه یکی از دانشمندان گزیدهٔ آنرا بپارسی درآورد دراینجا میآورم چه اینکه «حضرت آخند» در کتاب رجعت خود همهٔ آنرا ترجمه کرده است (۱۱۷ الف - ۱۱۸ ب)

درپایان گزارش حدیث ۳۸ یادی از «ریاض‌المؤمنین وحدائق‌المتقین» که اودرجوانی نگاشته است یاد میشود. پیش‌از آن دارد که گفتار «حضرت آخند» دراینکه پیامبر وعلی و حسین ع پیش‌از رستاخیز نزدیك بنود وچهارهزارسال پادشاهی میکنند درست نیست چه پس‌از درگذشت امام زمان بی‌درنك رستاخیز آغاز خواهد شد.

درگزارش حدیث ۳۹ باز ازگفتهٔ مجلسی درترجمهٔ حدیث ۸ و ۱۳ که امام زمان «بزی چند درپیش انداخته داخل مکه خواهد شد» و دربارهٔ مردن یا کشته شدن هنگام رجعت خرده گرفته است (۱۶۵ ب - ۱۶۶ الف).

درگزارش حدیث چهلم باز دربارهٔ پادشاهی امام زمان درسیصد و نه سال چنانکه درخبرها آمده و فضل‌بن شاذان دربارهٔ پاره‌ای از آنها گفته که «هذا حدیث ماول» دارد: «آیا حضرت آخند راه بتأویل آنحدیث برده‌اند» و پس‌از

چند صفحه‌ای باز از سخن مجلسی درترجمهٔ حدیث ۱۳ که برای پیامبر و علی وحسین ع چندین‌سال‌پادشاهی‌پس‌از امام زمان گفته‌است خرده گرفت که‌باحدیث «لاخیر فی‌العیش بعدی‌المهدی» سازگار نیست. درهمین جاها دارد: «وحضرت استاد من علیه اعتمادی امیرمحمد باقر داماد رحمةالله علیه در کتاب شرعةالتسمیة مجملی‌ازمضمون آنرا روایت کرده» میرلوحی بازدرهمین‌جا پس‌ازاینکه روشن ساخت که پادشاهی امام زمان برستاخیز پیوسته است ازسخنان مجلسی درترجمهٔ حدیث۱۳ که پس‌ازامام زمان دیری این جهان می‌پاید واهریمن با سپاهیان خود باعلی ع و سپاهیانش میجنگد و بر آنها چیره میشود و هرکه هست مرگی و کشته شدنی برای اوهست و اگر پیش‌از رجعت بمیرد دررجعت کشته خواهد شد واگر کشته شود دررجعت خواهد مرد و گروهی نیکان بسیار نیك و بدان بسیار بد بدنیا برمیگردند واینکه بیشتر دانشمندان ما دررجعت دعوی اجماع کرده‌اند و گفته‌های دیگر او خرده‌ها گرفت و گفت شما غنا را ناروا دانستید بااینکه بگفتهٔ مریدان حلاج‌پدرشما آوازخوش را دوست میداشت ودرجشنهای عروسی ومهمانی برای اوخوانندگی میکردند وسرود بکار می‌بردند وخود او مانند شاه‌میرك زرکش خواننده داشت و دبیری دوستدار میرقاسم ذاکر اوقات بوده‌است پس خوب بود که اواین فتوای حرمت غنا را ندهد چه وچندین‌هزارتن درشنیدن‌غنا «بکردار پدر او تمسك‌میکنند. او روایتی‌ازامام‌علی‌نقی‌ع درنهی اززیارت ازصوفیان آورده پس‌خوب است بزیارت پدرخود هم نرود چه «آخند مرحوم» تصوف را بسیاردوست میداشت و «توضیح‌المشربین وتنقیح‌المذهبین» و «اصول فصول‌التوضیح» میان مردم هست و درسپاهان بیشتر از هزار نسخه میتوان یافت وهمه‌آنها را میخوانند (۱) واین دو کتاب گفتگوئی است که میان ملامحمدطاهر شیخ‌الاسلام قم (۲) و «آخند مرحوم» درگرفته وقمی ازاقتصاد

۱- توضیح‌المشربین وتنقیح‌المذهبین بفارسی است ودر۲۳ باب وهربابی در ٤ فصل که درنیمهٔ دوم سدهٔ ۱۱ نوشته شده ومیان دوستان ودشمنان تصوف درآن داوری

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

وغیبت طوسی و اعتقادات ابن‌بابویه و ازمفید و دیگران بدیهای حلاج را آورده

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

شده‌است . درباب نخست آن رساله‌ای در نکوهش از تصوف که گویا از مولی محمدطاهر شیرازی قمی م ١٠٩٨ وهمان « الفوائدالدینیة فی الرد علی الحکماء والصوفیة » باشد آمده سپس درباب دوم حاشیه‌ایکه مجلسی یکم برهامش آن نوشته واز تصوف ستود آنگاه درباب سوم پاسخی که نگارندهٔ آن رساله بمجلسی داده سپس میان این دو داوری شده وبرمجلسی رد شده است . این حاشیه گویا ازمجلسی نباشد وبدو بسته‌اند ومیرلوحی پنداشت که‌ازاوست ومیگفت کەدرسپاهان‌هرازنسخه‌ای‌ازاین‌هست (درهمین کفایه چنانکه دیده‌ایم) ولی سماهیجی (م ١١٣٥) درالنفحة‌العنبریه نوشتهٔ ١١٣٢ ازرد تصوف همان شیرازی وپاسخ مجلسی بدویاد کرد و گفت که هیچ یکی ازآنهارا ندیده‌ام ــ اصول فصول‌التوضیح گزیدهٔ خود توضیح‌المشربین است و نویسندگان گمنام اینهومیخواهند مجلسی یکم را صوفی نشان دهند بااینکه فرزندش دررساله اعتقادات (ص ٥٣٥ همین فهرست) نوشت که چنین نیست . شیخ علی نگارندهٔ درمنثوردرالسهام المارقةفی‌الرد علی‌الصوفیة توضیح‌المشربین‌و اصول فصول‌التوضیح را از کتابهای رد برصوفیان شمرد (ذریعه ٢ : ٢٠٠ و ٤ : ٤٩٥) .

٢ـ مولی محمد طاهربن محمد شیرازی قمی نجفی دانشمند متکلم اخباری واهل دشمن تصوف وفلسفه بود وطرفدار نمازآدینه و مخالف آنرا کافر میخواند و میان او وملاخلیل‌قزوینی‌درسرهمین‌نمازآدینه‌ومجلسی‌یکم درسر تصوف گفتگوها‌و نامه‌نگاریها رخ داد. او دررساله رد برصوفیان بسیاری از دانشمندان‌را کافر خواند بلکه هرکه در کفر کسانیکه سخنانی مخالف شرع بآنها نسبت داده شده شك کند در نزد او کافر میباشد. او پوشیدن خرقه و صوف و چله‌نشینی و مردم‌گریزی‌وشنیدن آواز خوش وواژه‌های طریقت وحقیقت برزبان‌آوردن وگرایش بعشق و مکاشفهٔ عرفانی و تجرد روح و مانند اینهارا بدعت ونارروا میدانست. او بشبههٔ ابن کمونه پاسخ داده است واربعین درفضائل‌علی‌ع ودیگر امامان وحجةالاسلام‌دراصول‌فقه و کلام وردبرمجتهدان وبهجةالدارین دریاره‌ای‌ازمسئله‌های‌فلسفی‌وحکمةالعارفین دررد فیلسوفان وشبهه‌های مخالفان ورسالهٔ جمعه والفوائدالدینیة دررد فیلسوفان وصوفیان‌نوشته‌است وتهذیب را شرح‌نمود ودرآغازآن روش اخباری‌را استواربداشت ودربرهان‌قاطع وتحفةالابرار اوهم رد برصوفیان شده است . این دانشمند فیض کاشانی را مجوسی میخواند وازشاه سلیمان صفوی کــه ناگزیر می‌بنوشید بد میگفت و شاه اگر میانجی گری برخی ازفرمانبدهان نمیبود اورا میکشته است (روضات ٧ـ٣٣٦ چاپ ٢) .

ولی او این‌خبرهارا مجهول برشمرده است . رسالهٔ محمد طاهرقمی‌را علی‌بیك‌نامی از حلاجیان دزدیده و درشهرها بگردانده و بدانشمندان بنمود و کسی جزاو آنرا رد نکرد پس چرا «حضرت آخند» دررسالهٔ « مذمت حکما ومذمت ما » نوشته : « وایاك‌ان تظن‌بالوالدالعلامة‌نورالله ضریحه‌انه کان من‌الصوفیة اویعتقدمسالکهم ومذاهبهم حاشاه عن ذلك » مگر اوفراموش کرد که شیخ‌علی رحمه‌الله میان من و«آخند مرحوم» میانجی شده وماد‌رمسجد همدیگررابدیدیم و گفتگوها کردیم و سیدای قاری براین گواه است ـ دراینجا میرلوحی سخن بدرازا میکشاند ویادی از « امیر سید احمدداماد امیرمحمدباقرداماد علیهما رحمةالله رب‌العباد » و پارسائی اومیکند و خرده‌ایکه حکیم شفائی از «حضرت آخند» دربارهٔ اندازهٔ آشنائی او بمنطق گرفت بیاد میآورد .

این بود نمونه‌ای ازسخنان میرلوحی دربارهٔ دودانشمند بزرگوارمجلسی یکم ودوم، مگر اینکه خدمتها که آندو بآئین پاك شیعی کرده‌اند با اینگونه سخنان فراموش نخواهد شد . نوری درفیض قدسی (ص ٢٢) نیز دراین زمینه گفتگونمود و یاد ازمیرلوحی کرده است .

ازسخنان میرلوحی برمیآید که اوشاگردمیرداماد م١٠٤١ وبهائی م١٠٣٠ بوده‌ودرروزگاردومجلسی‌یکم (١٠٠٣-١٠٧٠) ودوم (١٠٣٧-١١١١) ومولی محمد طاهربن محمد حسین شیرازی قمی (م ١٠٩٨) و سید احمد عاملی (م ١٠٦٠ــ١٠٥٤) میزیسته است پس او پیش‌از ١٠٣٠ وتا شعبان ١٠٨٢ ودرربیع یکم ١٠٨٣ زنده بوده‌ازسر گذشت او درذریعه (١ : ٤٢٧ و ٤ : ١٥٠) و ریحانةالادب (٤ : ش٤٠٩) اندکی آمده‌است . اورا پسری بود بنام محمد هادی که اربعین واصول عقائد نوشته است (ذریعه ١ : ٤٣١) .

او نگارندهٔ این دفترها است : ادراءالعاقلین و اخزاءالمجانین (ذریعه ١ : ٣٨٩) واعلام‌المحبین واربعینی بنام زادالعقبی فی‌مناقب‌الائمة‌والاوصیاء و ریاض المؤمنین و حدائق‌المتقین کــه درجوانی نوشته است و این کتاب کفایةالمهتدی

فی معرفةالمهدی که نسخه تاریخ ۱۱۱۱ (سال مرگ مجلسی) بشماره ۸۳۳
درجلد سوم فهرست مجلس شناسانده شده است و مناظره نسخهٔ ما در آغاز آن
نیست .

آغاز : بسمله و به نستعین . بخاطر فاتر میرسد که تمهید بساط مناظره نماید
که بجهت اظهار حق درستین ماضیه و قرون خالیه میان سادات و علما وقوع
یافته ... از کتابی که حضرت آخند در رجعت نوشته‌اند ظاهر و پیداست و ازطرز
وطریقه آنجناب روشن وهویداست حضرت‌الله تعالی از تقصیرات آخند مرحوم
در گذرد وفرزندان ارجمندش را هدایت کند بحرمة‌النبی و آله‌الطاهرین صلوات‌الله
علیهم اجمعین والحمدلله رب‌العالمین و سلم تسلیماً کثیراً کثیرا (مناظرهٔ پیش از
کتاب گ ۱ الف - ٤ الف) بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی
اشرف حججه محمد و آله‌اجمعین امابعد چنین گوید محتاج رحمت حضرت باری
محمدبن محمد لوحی الحسینی الموسوی السبزواری الملقب بالمطهر والمتخلص
بالنقیبی که برضمیر ارباب دانش و اصحاب دانش مخفی نیست که حدیث صحیح
من حفظ علی امتی اربعین حدیثا ... ازاحادیث مشهوره ... است .. وباید که ناظر
ومطالع وقاری وسامع این رساله بدانند که دراین اوراق هرجا آخند مرحوم
مذکور گردد مراد ملامحمد تقی بن ملامجلسی وهر گاه حضرت آخند قلمی شود
مطلب فرزند سعادتمند او ملامحمدباقر خواهد بود واین اربعین را بکفایةالمهتدی
فی معرفةالمهدی موسوم گردانید (گ ٥ ب - ۱۲ الف).

انجام : معاشر الناس انی منذر وعلی هادو العاقبة للمتقین والحمدلله رب‌العالمین
تم هذاالمختصر الموسوم بکفایةالمهتدی فی معرفةالمهدی والحمدلله علی اتمامه
وصلی‌الله علی محمد و آله وسلم کثیراً کثیراو السلام علی من اتبع الهدی (تم‌الکتاب
بعون‌الملک‌الوهاب علی یدالفقیر الحقیر المحتاج الی رحمة ربه‌الغنی ابن شیخ
عبدالجوادالکاظمی محمد مؤمن فی سنة ثلث و ثمانین و الف من الهجرة النبویة
وصلی‌الله علی محمد و آله اجمعین).

[۱۵۱۵]

این نسخه نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف وروی عبارتهای عربی خط
سرخ کشیده شده است و محمد مؤمن بن شیخ عبدالجواد کاظمی در ۱۰۸۳
یکسال پس از نگارش میرلوحی و گویا درزندگی او آنرا نوشته است .

سیدحسین موسوی کبرهی نسخه را بعلی اکبر بن عبدالکریم خوراسگانی سپاهانی
بخشید (گ ٥ ب) دردرون جلد ازسوی راست اطفعلی صدرالافاضل دانش بخط خود
چنین نوشته : « از مؤلفات جناب میرمحمدحسینی سبزواری لوحی متخلص بنقیبی علیه‌الرحمة
موسوم بکفایةالمهتدی» وزیر آن (آقای) فخرالدین گواهی داده که این خط از نیای من است.

(۱۹۱گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد سادهٔ عطوالی

اندازه : ۱۵×۲۴/٥ ـ ۱۰×۱٦/٥، ۱۵ س

[۱۲۹٤] کمال‌الدین وتمام‌النعمة فی اثبات (عربی)

الغیبة و کشف‌الحیرة

ابن‌بابویه قمی دراین‌دفتر روشن‌نمود که امام زمان هست واز روی اخبار
بود او را اثبات کرده‌است.

او در دیباچه میگوید که از طوس و زیارت رضا (ع) چون بنیشابور
بر گشته بودم دیدم که بسیاری از شیعیان در بارهٔ غیبت امام‌زمان سر گردانند وبجای
اینکه راه راست و درست پیش گیرند و در برابر دین سر فرود آورند باندیشه
وسنجش و آراء و مقاییس میپردازند پس من کوشیدم و از روی سخنان پیامبر
وخاندان اوراه بدانها نمودم . تا اینکه خواجه‌ای بزرگوار و دانشمند بنام وشیخ
نجم‌الدین ابوسعید محمدبن الحسن بن علی بن محمدبن احمدبن علی بن الصلت قمی «
ازقم آمده بود و من هم دیدار او را چشم میداشتم . پدرم از نیای او « محمدبن
احمدبن علی بن الصلت » روایت میکرده واو را در دانش ودین و پارسائی وعبادت
میستوده است .

این دانشمند روزی بمن گفته بود که یکی از بزرگان و فیلسوفان ومنطقیان
دربخارا هست وسخنی در بارهٔ پیشوای نهانی میگوید که مراسر گردان ساخته‌است

که چرا او تا این اندازه نهان ماند و چرا کسی از او آگاه نیست؟!

من سخنانی بدو گفتم و خبرهائی از پیامبر برای او خواندم و از گمانش بیرون آوردم. پس از من درخواست که در این زمینه دفتری بسازم. من هم باو نوید دادم که هرگاه بمیهنم ری برسم خواهم آنرا نوشت. تا اینکه همان پیشوای نهانی را درخواب بدیدم که بمن فرمود چرا بنگارش آندفتر نمی‌پردازی تا از این درد دوری از خان و مان و نزدیکان برهی. من بدو گفتم که درباره غیبت چیزهائی نوشتم. او گفت که ناگزیری باز بنویسی و غیبتهای پیامبران را یاد کنی. سپس خود رفت و من بیدار شدم و تا بامداد گریستم و نالیدم و روز که شد این دفتر را آغاز کردم.

دربارهٔ داستان بوداسف و بلوهر که در همین کمال الدین آمده و از سند آن در ص ۸ - ۱۱۶۳ همین فهرست اندکی کاوش شده است اینك این نکته را هم یادآور میشوم که کتابی بنام «زبدة التصانیف» در یك مقدمه و چهار باب بفارسی در حکمت عملی و سیاست هست و سرگذشت برخی از فیلسوفان و دانشمندان و صوفیان هم در آن آمده است. در آغاز آن در دنبال سرگذشت ادریس یا هرمس سیزده فصل او بپارسی همانکه از بابا افضل کاشانی دانسته‌اند دیده میشود. پس از آن داستان بوداسف و بلوهر و پندهای هوشنك میباشد. این کتاب برای فتحعلیشاه قاجار و بسیار چاپلوسانه نوشته شده است ولی بسیار سودمند میباشد (نسخهٔ ش ۴۳۴۳ کتابخانهٔ ملك) دربارهٔ سند روایت این داستان در کمال الدین از گفته‌های پیش روشن گشت که راوی آن رازی پزشك نیست. گرچه خاورشناسانی مانند روزن V. von Rosen و هومل F. Hommel چنین پنداشتند و ماسینیون هم گفته که چون داستانی از «بوذی ستوا» بزرگی مانوی هست و با روایت باختری پیوستگی هم دارد و چون دربرگهای برا کندهٔ تورفان نیز همین افسانه بزرگی مانوی هست و آن با روایت ابن‌بابویه مانند است پس ریشهٔ این داستان مانوی خواهد بود و راویان آن خود مانوی بوده‌اند و رازی هم که در «رسالة فی العلم الالهی» با آئین مانی آشنائی داشته است پس این افسانه را هم از مانویان گرفته و روایت او با بن بابویه رسیده (انسان کامل بلوی ص ۷۷) در اینکه این افسانه از مانویان گرفته شده و بپهلوی و سپس بتازی در آمده آنگاه بیونانی شده باشد سخنی نیست ولی چنانکه دیده‌ایم راوی آن در کمال الدین محمد بن زکریای غلابی است نه رازی. این هم گفته شود که رجال سند روایت داستان بوذاسف همان سه تن که یاد شده است در قصص الانبیاء راوندی (ش ۶۴۱ فصل ۱۵ گ ۷۸ الف) بدینگونه: ابن بابویه از احمد بن الحسن القطان از حسن بن علی شکری از محمد بن زکریا الجوهری هم آمده است. سرگذشت همین غلابی جوهری در فهرست ابن الندیم ص ۱۵۷ هست. این نیز گفته شود که ابن ندیم (ص ۲۳۲) از شعر مزدوج و مسمطابان لاحقی کتاب الزهر و برذاسف یاد نمود (نزدیك بآنچه که در ص ۱۷۲ گفته است: کتاب بلوهر و برذانیه).

درعیون المعجزات حسین بن عبدالوهاب (ص ۴۹) از ابوعبدالله محمد بن زکریا الغلابی یاد شده (ص ۱۴۲۹ همین فهرست) و همو را راوی حدیث غمامه (ش ۵۰۲/۴) هم پنداشته‌اند (ص ۱۲۸۱ فهرست) از مستدرك نوری برمیآید که همین غلابی در سند روایتی از من لایحضره الفقیه هم آمده و احمد بن الحسن بن عبدربه القطان و حسن بن علی سکونی (شاید سکری) از استادان ابن‌بابویه بوده‌اند (ص ۶۰۷ و ۷۱۳ و ۷۱۴) در فهرست ابن ندیم (ص ۱۱۷ و ۱۵۶) از حسن بن سعید سکری نگارندهٔ «انساب بنی عبدالمطلب» و ابوسعید حسن بن حسین سکری ادیب مورخ یاد گشت. پیدا نیست که این دو با آن یکی چه پیوندی دارند (۱).

این کتاب قمی در چاپخانهٔ آقامیرزا باقر رازی بخط نسخ با فهرست و با وقفنامهٔ حاجی علی نقی کاشانی تاجر تهرانی (نستعلیق) در ۳۹۱ ص وزیری بسال ۱۳۰۱

۱ـ در ص ۱۱۷۰ از ابن متویه یاد کرده‌ام اینك نیز این نکته را میآورم: افندی در ریاض (ص ۳۱۸) میگوید که «ابن متویه احمد بن الحسین بن محمد متویه صحف من کتابهٔ ادریس در خداشناسی و دعاوا هورزاد در ۳۶۷ از سریانی بتازی در آورد و من نسخه‌ای از آنرا داشته‌ام و نسخهٔ کهنی هم در هرات دیده‌ام و شاید این ابن متویه شیعی بوده است. کسی هم آنرا برای شاهی بسال ۷۰۴ بپارسی در آورده بدینگونه که زیر هر واژه تازی واژه‌ای پارسی نوشته است» او از چند ابن متویهٔ دیگر هم نام میبرد.

بچاپ سنگی رسیده (جزء ۱ ص ۲-۱۹۱ و ۲ ص ۱۹۱-۳۸۳).

آغاز: بسمله. الحمدلله الواحد الاحد الفرد الصمد الحی القادر العلیم الحکیم.. قال الشیخ الفقیه ابوجعفر محمد بن علی بن . . . بابویه القمی مصنف هذا الکتاب اعانه الله علی طاعته ان الذی دعانی الی تألیف کتابی هذا.

انجام: فنبذوه واتبعوا اهواءهم فنعمهم الله و مقتهم فقال عز و جل و من اضل ممن اتبع هواه .. فتعسا لهم ... کذلك یطبع الله علی کل قلب متکبر جبار) والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً و باطناً وسلم تسلیماً دائماً کثیراً کثیراً کثیرا.

[۱۵۱۶]

۹۸۳ این نسخه بنسخ خوش با نشان و عنوان شنگرف است از محمد نصیر قندهاری که در کربلا در ۱۱ رجب ۱۰۶۸ آنرا بپایان رسانده. درجدول زر و لاجورد است و سرلوح دارد و تصحیح شده است. فهرست در ۱ ب وجزء ۱ در گ ۲ ب ـ ۱۰۶ ب وجزء ۲ در گ ۱۰۷ الف ـ ۲۰۷ ب میباشد. علی بن حسین عاملی در ۱۱۵۷ دارندهٔ نسخه بوده وهمچنین حسین بن محمدتقی طبرسی در ۱۲۸۷ (بخط ایندو) و ضیاءالدین نوری (۲ الف).

(۲۰۹ گ) ـ کاغذ ترمه ـ تیماج تریاکی کناره سرخ

اندازه: ۱۲×۲۵ و ۱۲×۱۸ س ۳۳

[۱۲۹۵] گفتگوی دیك الجن با هرون (عربی)

دیك الجن ابومحمد عبدالسلام بن رغبان بن عبدالسلام کلبی (۱۶۱ - ۲۳۵) از مردم موته که در حمص وشام میزیسته از سرآمدان شاعران شیعی است و مرثیه‌ها برای حسین ع سروده و روش ابی تمام طائی (م ۲۳۱) داشته بود داستان او با رشید را شیخ یوسف بحرانی در کشکول و نوری در ظلمات الهاویه آورده‌اند وسرگذشت او در اغانی و تاریخ ابن خلکان (ش ۳۵۷) و حیاة الحیوان دمیری (چاپ ۱۲۸۵ در کارخانهٔ علی قلی خان) و کنی و القاب قمی (۲: ۲۱۲) دیده

میشود(۱) دراین نامه دارد که این گفتگو از «المثالب والمناقب من کتب العامة» از شیخ مفید گرفته شده است (درفهرست طوسی و سروی از چنین کتابی ازمفید یاد نشده است) دیك الجن در این نامه ابواسحق نامیده شده و دارد که او از بزرگواران و دانشمند و شاعر و فقیه و ادیب و نحوی وصرفی و کلامی ومنطقی و آگاه به بسیاری از دانشها و سرآمد در پارسائی و پرهیزگاری بوده است. بهرون گفته بودند که او زندیقی است که خدای نمیشناسد و برستاخیز و پیامبری نمیگرود و به پیشوائی نمیگراید. او دستور داد که ویرا نزدش بیاورند. دیك الجن آمد وهرون خشمگین بدو گفته که شنیدم خدا و پیامبر و پیشوا نمیشناسی و برستاخیز نمیگرائی وی پاسخ داد که چنین نیست من مرگرا خواب و برانگیخته شدن را بیداری وجهان را روز و گور را شب وخانه را گور و فردا را رستاخیز می‌پندارم ومیگویم که مهر خداوندی نمیگذارد که مردم از رستگاری دور و به تبهکاری نزدیك گردند ورو ی همین است که برای آنها فرمانروائی خواهد بود همچنانکه درروزگار پیش بوده است

هرون پرسید که تو این شعر بگفته‌ای:

«اصبحت جم بلابل الصدر   وابیت مطویاً علی الجمر»

او دنبالهٔ آنها را هم سروده خود دانست. هرون گفت تو را زندیق گفته‌اند. دریافتیم که رافضی هم هستی. او گفت بگفته‌های سخن چینان آشوبگر که از هر کسی پیروی میکنند و خلافت را ازه پاسبانی تو باز داشتند گوش مده

۱ـ ابن خلکان مینویسند که او از مردم سلمیه است ولی در حمص زاده شد. همیشه درشام مانده و بعراق هیچ نرفته بود و برای کسی هم شعر نسروده و دست نیاز بکسی دراز نکرده بود. مرثیه‌هائی برای حسین (ع) گفته است. همیشه برتازیان میبالیده که ازما بهترند. پاره‌ای از شعرهایش را ابن خلکان آورده. بگفتهٔ دمیری او شاعر روزگار عباسیان وشیعی بوده است. اورا با ابونواس ودعبل داستانی است. دمیری درباره‌اش میگوید: «کان ماجنا خلیعا مزاحا ما کفا علی قصف و اللهو و متلافا لماورثه».

من این شعرهای زندقه را از ولید زندیق دارم و او ازعمرسعد و او از یزید و او ازمعاویه و او از عمرخطاب و او از ابی بکر و او ازنیای خود عبدالعزی زندقه بیاموختند . وهریك شعرهائی دربیدینی گفته‌اند که دراین نامه دیده میشود. هرون این شعرها که شنید بدو خلعت بخشید و گفت که این سخنان پوشیده بدار وبمانند ما برزبان میاورد (۱).

آغاز : بسمله . حکی بعض الثقات ان الخلیفة هرون الرشید وشی عنده بدیك الجن

۱ـ شیخ یوسف بحرانی درازی (۱۱۰۷ـ۱۱۸۶) درانیس المسافر وجلیس الحاظر یا کشکول (چاپ سنگی سنخ بمبئی در ۲ـ۱۲۹۱ دردوجزء ص ۴۵۵ و ۳۹۶ص وزیری بزرگ) چنین مینویسد : نقل صاحب کتاب مناقب الفاخرة وهو من اصحابنا رضوان الله علیهم قال ذکر الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمان قدس الله سره فی کتابه کتاب المثالب والمناقب تصنیفه ره قال کان علی عهد الرشید بن المهدی رجل یقال له اسحق بن ابراهیم الملقب بدیك الجن کان عالما فاضلا شاعر ادیبا فقیها عارفاً بکثیر من العلوم وکان مع ذلك شیعیا فوشی به الی الرشید ...» ودر پایان آن دارد : «یقول جامع هذا الکشکول وحاکی هذه النقول قدمنا نقل هذه الحکایة بوجه آخر عن دیك الجن مع المتوکل والمعتمد علی ماحکیناه هنا عن الکتاب المتقدم ذکره وفی ظنی انی رأیتها کذلك سابقا » (ص ۱۲۸ـ۱۳۱ ج ۲) مگر اینکه آنچه او آورده با نسخهٔ ما یکسان نبوده واند کی جدائی دارند . بحرانی در ص ۱۱۲ ـ ۱۱۴ همین جزء چنانکه خود یاد کرده مینویسد چنین گفتگوئی میان دیك الجن ومتوکل عباسی شده است ودرآغاز آن مینویسد : «نقل فی غیر کتاب من کتب التواریخ والاخبار ان المتوکل .. سهر ذات لیلة ... فارسل من یحضر له الحسن الکر کدان المعروف بدیك الجن وکان الحسن ... معروفاً بحب اهل البیت » دراین داستان دوم دیك الجن «کر کدان » خوانده میشود و در آن یزید و معاویه ومهالك بن الحبشیة و ابابکر زندیق و بیدین دانسته شده و شعرهائی الحادی از آنها درانکار نبوت ومعاد یاد گردید . دراین داستان آمده که متوکل (یا معتمد) دیك الجن را نیمه شبی نزد خود خواند ومیخواست ازشعرها که سروده :

اصبحت جم بلابل الصدر	وابیت مطویا علی الجمر
ان بحت یوما طل فیه دمی	وان سکت یضیق به صدری

از او بازخواست کند و او دربرابر شعرهـا الحادی آنها را خوانده و از آسیب وشکنج رهید .

ابو اسحق الشاعر وکان رجلا من الاجلاء الفضلاء فقیهاً عالماً ادیباً نحویاً صرفاً کلامیا منطقیاً جامعاً لکثیر من العلوم لایقدر احد علیه فی البحث وکان فی کمال الزهد والتقوی فقالو الرشید بانه من اهل الزندقة لایثبت صانعاً ولایقول ببعث ولابنبوة ولایقر بامامة فقال الخلیفة : «علی به» فاحضر بین یدیه فسلم دیك الجن علی الخلیفة : فقال له الخلیفة : «لاسلام علیك ولااهلا بك ولاسهلا : سمعت بانك لاتثبت صانعاً ولاتقول ببعث ولانبوة ولا امامة » فقال دیك الجن : حاشا ان اکون کذلك وانا اعتقد ان الموت کالنوم والبعث کالیقظة ، والدنیا کالیوم والقبر کالیلة ، والحجرة کالقبر وغداً کالقیمة . واعتقد ان الله لایخلی الخلق من لطف یکونون معه من الصلاح اقرب والی الفساد ابعد ، ولایخرج ذاك اللطف حتی یجعل له خلیفة یکونون معه کما کانوا فی الصدر الاول . هذا اعتقادی یاخلیفة الزمان » .

انجام : «فقال الخلیفة : « اتدری ابوبکر من این اخذ هذا المعنی » قال : « نعم . اخذه من جده عبدالعزی حیث یقول :

لعبت هاشم بالملك فلا	خبر جاء ولا وحی نزل »

فخلع علی دیك الجن وقال : « اکتم ما انت فیه کما کتمنا » .

و کتب من کتاب المثالب والمناقب من کتب العامة (عمیهم الله بالعمی ، والسلام علی من اتبع الهدی) من تصنیف الشیخ المفید ، افادنا الله بفوائده وعودنا عوائده کما هی عوائده .

[۱۵۱۷]

۵۷۵ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۲ میباشد . گ ۳۰ ب ـ ۳۲ ب . درپایان دارد :

«تم وبالخیر عم بقلم مالکه منصور بن ایوب الجزائری وبمعاونة الشیخ الاجل الشیخ عابد الحویزی الجزائری وکان البدءة یوم الثلثا والفراغ یوم الجمعة فی یوم سابع عشر جمادی اول سنة ۱۱۶۰ بارض مخا الیمن » این شیخ عابد وشیخ منصور همانند که ش ۲ (الزام الناصب) را درهمین مخا در ۱۷ همین ماه همین سال نوشته‌اند ـ در گ ۳۲ ب حاشیه‌ای دارد وبیتی ازشرح الزیارة احسائی آورده شده وپیداست که شعرهای ابابکر

در آنجاهم آمده است. حاشیه‌های دیگری هم هست که شعرهائی میافزاید. بنگرید به ص ۵۳۸.

[۱۵۱۸]

٦٥٤ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنستعلیق خوش با نشانه‌های شنگرف عنایت‌الله نزدیك ۱۰۳۵ میباشد گ ۱٦۲ ب - ۱٦٤ ب (بنگرید به ٦٥٤/۱).

[۱۲۹٦] گفتگوی رضا ﷺ با ابن الجهم (عربی)

این گفتگو آنچنانکه درعیون الاخبار قمی (ص۱۰۷-۱۰۸) آمده میان پیشوای هشتم شیعی وعلی بن محمدبن الجهم درباره عصمت پیامبران شده است. باز درهمان عیون (ص ۱۰۸-۱۱٤) واحتجاج طبرسی (۲۳۳ چاپ ۱۳۵۰ نجف) مانند همین گفتگو بروش دیگری دیده میشود (حاشیهٔ ۱ ص ٦۲۹ همین فهرست) ولی قمی در پایان آن میگوید: «وقال مصنف هذاالکتاب: هذاالحدیث غریب من طریق علی بن محمدبن الجهم مع نصبه وبغضه وعداوته لاهل البیت» (نیزاعیان الشیعه ۲/٤۲: ۱۵۰-۱٦٤) نام درست این مرد ابوالحسن علی بن الجهم بن بدر بن الجهم بن مسعود قرشی سامی (نزدیك ۱۸۸-۲٤۹) است. اورا برادری بود بنام محمد که بزرگتر ازاو و دانشمندی ادیب وازشناختگان مأمون ومعتصم بوده است.

ماناداین گفتگونام دوبرادر را باهم بیامیختند. سرگذشت این علی در دیباچهٔ دیوان اوچاپ خلیل مردم بك دردمشق بسال۱۳٦۹ دیده میشود. او بکون وفساد وسمع کیان ارسطو و حدود منطق میپرداخت ومتکلمی بزرگ بوده و شاعری بسیار شیوا و درنزد مأمون با زندیقان گفتگوی میداشته است. از نزدیکان و شناختگان متوکل هم شده بود و ستایشها دربارهٔ او سروده است. او مردی سنی ظاهری حنبلی و دشمن رافضیان و معتزلیان و زندیقان و بدعت گذاران و گمراهان ودوستدار وشیفتهٔ خاندان عباس بوده وازشیعیان بدمیگفته وبطالبیان دشنام میداده است. پس همچنانکه ابن بابویه گفته است شگفت است که بگوئیم چنین گفتگوهائی میان او وپیشوای شیعی شده باشد واوهم درپایان آن دربرابر

او سر فرود آورده و بگوید که شما درست میگوئید ومن دیگر درپیرامون چنین اندیشه‌های نادرست نخواهم گشت. (نیز بنگرید به: کنی قمی ۱: ۲۳۸ - استرابادی ص۲۳۷ که میگوید دشمن خاندان علی وچنین خبر - مامقانی۲: ۳۰۲).

آغاز: بسمله. روی عن ابی الصلت الهروی قال جمع المأمون لعلی بن موسی الرضا اهل المقالات من اهل الاسلام والدیانات من اهل الیهود والنصاری والمجوس والصابیین وسائر اهل المقالات فلم یقم احد الاوقدالزمه حجته کانه القم حجرا. اقام الیه علی بن محمد (بن) الجهم فقال یابن رسول الله اتقول بعصمة الانبیاء قال نعم.

انجام: فبکی علی بن محمد (بن) الجهم وقال یابن رسول الله انا تائب الی الله عزوجل ان انطق فی انبیائه ع بعد یومی هذاالاماذکرته. نقل من کتاب عیون الاخبار.

[۱۵۱۹]

۱۱۳۰ این نسخه ش ۹ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ ودر ۸ ذی‌قعدهٔ ۱۲۳٦ نوشته شده است گ ۳۵ الف.

[۱۲۹۷] مثیر الاحزان و منیر سبل الاشجان (عربی)

ابن‌الابریسمی شیخ نجم‌الدین جعفربن نجیب‌الدین ابی ابراهیم (ابی جعفر) محمد (۵٦۷-٦٤۵) بن جعفربن ابی البقاء هبة‌الله‌بن نمابن علی بن حمدون ربعی حلی ازدانشمندان سدهٔ هفتم که شمس‌الدین محمد حسینی زندهٔ در٦۳۷ وعلی بن طاوس م٦٦٤ واحمدبن طاوس م٦۷۳ ومحقق حلی م٦۷٦ را دیده واستادعلامهٔ حلی بوده است. انگارندهٔ این کتاب است درسه مقصد وسرگذشت حسین بن علی ع را در آن آورده ودریکم جمادی یکم سال٦۸۹ آنرا بانجام رسانده. اودراین کتاب در دوجا از خود بدینگونه «قال جعفربن محمدبن نما مصنف الکتاب» یاد نمود (ص ٦ و۹۳) همو پس ازاین کتاب بنوشتن اخذالثار فی احوال المختار باقوب الغفار

فی شرح الثار پرداخت چنانکه دردیباچهٔ آن همین را گفته ودرپایان آنهم از خود بنام « جعفربن نما » یاد نمود . شگفت است که مثیرالاحزان در چاپ نجف از نجیب‌الدین محمد پدر او پنداشته شده و عبدالمولی طریحی دردیباچهٔ آن سرگذشت پدر را آورد و بخود کتاب ننگریست که در دوجا از پسر دانسته شده است . خوانساری در روضات ص ١٤٦ گفته است که مثیرالاحزان شاید از ابن‌الاربسی دیگری بنام نجم‌الدین جعفربن شمس‌الدین محمد پسر این نجم‌الدین جعفر باشد ولی بنوشتهٔ اعیان‌الشیعه دو دانشمند باین نام نداریم . (١)

درمثیر یاد میشود از النور فی فضائل الایام والشهور ابن جوزی (ص ٨٧) والخصائص العلویة علی سائر البریة والمآثر العلیة لسید الذریة از ابوعبدالله محمدبن احمدبن علی سنی حافظ سپاهانی نطنزی سدهٔ ٥ و ٦ (ذریعه ٧ : ١٧٠) (ص ٧٥ و٧٦) وابن زیدون مغربی (ابوالولیدبن زیدون احمدبن عبدالله اندلسی قرطبی شاعر « ٣٦٣) که شعرهائی ازاومیاورد (ص ٩٤) واز کتاب الیاقوت ابوعمرزاهد (ص ٦٠ و٧٦) واخبار تاریخ البلاد بلاذری (ص ١١ و٧٥) و تاریخ محمدبن جریر طبری (ص ٢٧ و٦٣) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الکاشف لعباده عن اسرار مراده الواصف نفسه فی کتابه بانجاز میعاده الراقم علی جباه البشر محتوم اشقائه و اسعاده .. قال جعفر بن محمد بن نما مصنف هذا الکتاب ان الذی بعثنی علی عمل هذا المقتل انی قد رأیت المقاتل قد احتوی

١ـ بنگرید به : اجازات بحار ص ١٧ و٣٩ (اجازهٔ شهید بابن الخازن) و ٤١ و١٠٢ و١٠٥ . ـ مستدرك ص ٤٤٣ و ٤٤٧ و ٤٧٧ ـ روضات ١٤٦ و ٥٧٦ ـ کنی و القاب قمی ١ : ٤٢٨ ـ هدیة الاحباب ص ٩٤ و٢٥٤ ـ مامقانی ١ : ٨١ و٢٢٣ و٢ : ٩٦ ـ ذریعه ١ : ٣٦٩ و١٠ : ٤٣ ـ ذیل چلبی ١ : ٤٩ و٢ : ٤٢٨ .

مثیرالاحزان درتهران بسال ١٣١٨ بچاپ رسید و با قرة العین لاخذ ثار الحسین هم درنجف بسال ١٣٦٩ چاپ شده است (نیز اعیان الشیعه ٩ م ١٠ : ٤٣٧ و ١٦ : ١٣٧) اخذالثارهم دربحار (١٠ : ٢٨٢ـ٢٩٣ چاپ ١٣٠٤) دیده میشود .

بعضها علی الاکثار والتطویل و بعضها علی الاختصار والتقلیل ... فوضعت هذا المقتل متوسطاً بین المقاتل ... وسمیته مثیرالاحزان و منیر سبل الاشجان و رتبته علی ثلثة مقاصد .

انجام : والی ههنا انتهت مقاصدنا و علی الله جل جلاله فی المکافاة معتمدنا والیه ملاذنا ومردنا ... فاسهم اللهم له من ثواب الباکین مایوصله الی درجة الخاشعین واحشرنا مع النبیین والمرسلین والصدیقین و فی زمرة الشهداء والصالحین و آخر دعویهم ان الحمدلله رب العالمین . . تم الکتاب علی ید مصنفه . . . جعفر بن محمد بن محمد بن نما الربعی فی غرة شهر جمادی الاولی لسنة تسع وثمانین والحمدلله و صلواته علی سیدالبشر محمد و آله و صحبه المیامین الغرر آمین رب العالمین (درچاپ نجف تاریخ ندارد) .

[١٥٢٠]

٦١٨ این نسخه ش ٢ دفتر است و نسخ که درروز پنجشنبه ٢٤ شوال ١٣٠٧ نوشتن آن بانجام رسید .

گ ٣٩ ب ـ ٨١ الف (بنگرید به ٦١٨/١) .

[١٢٩٨] **مجمع البحرین** (عربی)

فی مناقب السبطین الحسن الحسین

سید ولی‌الله بن نعمة‌الله حسینی رضوی موسوی حائری (سدهٔ ١١) دراین کتاب که در ٢٥ باب است خبرهائی از کتابهای سنی وشیعی درمناقب این دوامام آورده است (سپهسالار ١ : ٢٢١ کنتوری ٤٨٨) او « کنزالمطالب فی فضائل علی بن ابی طالب » و « منهاج الحق والیقین فی تفضیل علی امیرالمؤمنین علی سائر الانبیاء والمرسلین » و « درر المطالب وغرر المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب » و « افراد السرائر ومصباح الزائر » بپارسی و کوچك درسرگذشت امامان وزیارتهای آنها دارد و درمنهاج خبرهای سنی و شیعی آورده مانند دیگر کتابهای خود و گویا

همان باشد که بدرخواست مولانا خواجه علی آملی نوشته است (ریاض‌العلماء ش ۹۹۳ ص ۱۱۳) .

آغاز : بسمله و به نستعین الحمدلله المتفضل المنان المتطول الحنان الذی خلق الانسان و علمه البیان ومن علیه بالایمان . . . فیقول الحقیر . . . ولی بن نعمة‌الله الحسینی الرضوی قدکان فی قصدی دائماً ان اجمع شیئاً فی غرر مناقب الامامین الهمامین . . . وسمیته و مجمع البحرین فی مناقب السبطین الحسن والحسین . .

انجام : الباب الخامس والعشرون فی ذکر فضل کربلاء والشفا بتربتها . فی کمال الزیارات عن ابی سعید عن بعض رجاله عن ابی الجارود . . . ذکر الشفاء فی تربته من کمال الزیارات عن ابی یعقوب قال قلت لابی عبدالله یأخذ الانسان من طین قبر الحسین ینتفع به . . . فقال اشتر به عسلا وزعفرا ثم خذ من طین قبر الحسین ع واعجنه بماء السماء واجعل فیه من العسل والزعفران و فرقه علی الشیعه لیتداووا به مرضاهم .

[۱۵۲۱]

این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد گ ۱ ب - ۶۳ ب . پیش از این ٤ برگ سفید است و دو برگ دیگر پس از آن که روی آنها نوشته شده و از فصلهای ۱۶ و ۱۷ این کتاب میباشد و مکرر است .

(همه دفتر ۸۱ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی بتلا
اندازه : ۱۵ × ۲۰/۵ - ۷ × ۱۴ ص ۱۹

[۱۲۹۹] محاسبة النفس (عربی)

این رسالهٔ علی بن طاوس حلی درص ۶۷۶ (ش ۸۸۱/۳) شناسانده شده و آغاز و انجام آن که اند کی با این نسخه جدائی دارد در آنجا دیده میشود . چنانکه در دیباچهٔ این نسخهٔ کنونی ما آمده است رساله باید ده باب باشد ولی در خود متن آن تنها عنوانهای باب ۱ و ۲ و ٤ دیده میشود و در عنوان باب ۳ بجای کلمه باب فصل دارد و عنوان باب ۵ در آن نیست . گویا نویسندگان نسخه‌ها در آن

دستبرده‌اند مگر اینکه کم و کاست ندارد .

[۱۵۲۲]

این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از حاجی محمد که در پایان آن چنین نوشته : « وهذا آخر رسالة ابن طاوس . . . کتبه العبد الحقیر حاجی محمد . . . » نسخه بدلها و تصحیحات در هامش هست - گ ٤۸ الف - ۵۵ ب (بنگرید به ۶۹۲/۱) .

[۱۳۰۰] المحاسن (عربی)

ابوجعفر احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی کوفی برقی (از برقه رودقم) قمی (م ۲۷٤ یا ۲۸۰) نگارندهٔ این محاسن است که از کتابهای گسترده و جامع شیعی میباشد . در بحار آمده (۱۰ : ۱۱) که محاسن از کتابهای با ارزش است و کلینی در کافی و دیگر نگارندگان و مؤلفان از آن بهره برده‌اند .

او در این کتاب از راویان ضعیف و سست هم روایت نمود و خبرهای مرسل هم در آن هست . شمارهٔ بابهای آن در فهرستها و نسخه‌ها یکنواخت نیست و کم و بیش دارد و بابهای آنرا رویهم ۳٤۹ نوشته‌اند . فهرست بابهای آن در کشف الحجب و فهرست آستانهٔ طوس دیده میشود (۱) .

آقای محدث در دیباچه‌ایکه برچاپ زیبای خود از این محاسن (در دو جزء باندازهٔ وزیری نظ + ۶۵٤ ص و با سنجش با بحار مجلسی و با شماره گذاری کتابها و بابها و حدیثها بسال ۱۳۷۰ - ۱۳۳۰) نوشته است بیشتر آنچه را که سرگذشت نویسان و فهرست نگاران در بارهٔ برقی آورده‌اند یاد نموده و خواننده را از گشتن در آن کتابها بی نیاز ساختند .

۱- بنگرید به : روضات ص ۱۳ - نامهٔ دانشوران ٤ : ۱۰۶ - اعیان الشیعه ۱۰ : ۳۹۹ - کشف الحجب ٤۹۰ - فهرست طوس ۵ : ۱۶۳ ش ۷۰۰ تاریخ ۱۰۵۲ هند و ش ۷۰۱ تاریخ ۱۰۵۳ درقم - تنزیه القمیین ص ٤۱ .

محاسن در ۱۱ کتاب است: ۱- القرائن ۲- ثواب‌الاعمال ۳- عقاب‌الاعمال ۴- الصفوة والنور والرحمة ۵- مصابیح‌الظلم ۶- العلل ۷- السفر ۸- الماکل ۹- الماء ۱۰- المنافع ۱۱- المرافق - وبا رجال همین برقی ۱۲ کتاب میگردد. نوری گوید دو کتاب «المحبوبات» و «المکروهات» دنبال «کتاب مصابیح‌الظلم» را چنانکه در فهرست طوسی آمده یك کتاب جدا بشمار آورده و در وهم محاسن را با رجال سیزده کتاب خوانده است ولی از گفتار نجاشی و فهرست نسخه‌های محاسن برمیآید که آندو باید دو کتاب جداگانه باشند و با رجال چهارده کتاب خواهد شد (ص ۶۴۸ چاپی).

آغاز: بسمله. الاول من (الاشکال و) القرائن وهو من باب‌الثلاثة. احمدبن ابی‌عبدالله‌البرقی عن معویةابن وهب عن ابی‌عبدالله ع قال یامعویة من اعطی ثلثاً لم یحرم ثلثا.

انجام: عنه عن ابیه ... عن‌الحلبی قال سئلته عن‌الثنیة تنفصم ... فلیصنع مکانها سنا بعد ان تکون ذکیة. تم کتاب‌المرافق من‌المحاسن بمن‌الله وعونه وصلی‌الله علی محمد وآله وسلم تسلیما کثیراً کثیرا.

[۱۵۲۲]

۱۰۵۸ این نسخه بسیج با عنوانهای شنگرف و آغاز جمله‌ها در پاره‌ای جاها زیرخط سرخ میباشد ومحمدحسن بن شیخ جواد آغائی در ۱۲۷۹ آنرا از روی نسخهٔ نادرستی نوشت وبدان دست برد. حاجی نوری که خط او در گ ۱۶۸ب و بنام حسین بن محمدتقی نوری طبرسی هست آنرا در کاظمین ازروی دو نسخهٔ درستی تا نیمه‌های کتاب‌الماکل درست نمود و چون آندو را از دست داد بازمانده را با یك نسخهٔ دیگر که کمی نادرست هم بود درست کرد و این مقابله را در شب پنجشنبه ۲۳ ربیع دوم سال ۱۲۸۰ بانجام رساند وعبارت «بلغ قبالا ایده‌الله تعالی» در گ ۶ الف وجاهای دیگر هست وتصحیحها در هامش آمده‌است. فهرست کتابهای این محاسن با اشاره بر گهای نسخه ونیز شمارهٔ بابهای کتابها وجدائی که در این شماره‌ها هست و افزوده‌های آنها در صفحهٔ عنوان دیده میشود (۱ الف).

۱۷۶گ- کاغذ فرنگی - جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه: ۱۸×۳۰/۵ و ۱۰×۱۹/۵ س ۲۶

[۱۳۰۱] مرآة‌العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول (عربی)

مجلسی دوم در این دفتر که بدوازده مجلد میرسد اصول و فروع کافی کلینی را گزارش نموده است و همین است که از آن پایگاه علمی او بخوبی پیدا است. از سخن سید عبدالله نوادهٔ سید نعمة‌الله شوشتری برمیآید که شوشتری از کسانی بود که در نگارش بحار و گزارش کافی مجلسی بدو کمك میکرده‌اند. ولی این‌راهم میگویند که همین شوشتری چون شرح تهذیب خود را بمجلسی نشان داد او گفت «هذه بضاعتنا ردت الینا». (روضات ص ۹-۷۲۸).

مجلسی در پایان جلد دوم (ص ۲۷۲) میگوید که من پیشها تعلیقاتی بر کافی نوشته بودم. چون دیدم دیگران آنها را گرفته در کتابهای خود گنجانده‌اند و از خود وانمود ساختند این بود که چیزهائی بر آنها افزودم و این دفتر را در ربیع دوم ۱۱۰۰ بپرداختم.

او حجت را در پایان رجب ۱۱۰۲ و روضه را در شب پنجشنبه ۸ رجب ۱۰۷۶ بانجام رساند.

این کتاب بفرمایش میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وبکوشش محمد حسنی در ۴ جلد رحلی بخط نسخ ابوالقاسم کمرینی ومحمدصادق تویسرکانی از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۵ با فهرست و با متن کافی درهامش و با وقف‌نامهٔ مشیرالسلطنه بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی وهب‌الحیوة والقوی و افاض‌العقل لیغلب الهوی ... فیقول ... ابن ... محمد تقی ... محمد باقر ... انی لما رأیت اهل دهرنا علی آراء متشتتة و اهواء مختلفة ... ولقد کنت علقت علی کتب‌الاخبار حواشی متفرقة عند مذاکرة‌الاخوان ... فشرعت فی جمعها ... وابتدات بکتاب‌الکافی ... وازمعت علی ان اقتصر علی مالابدمنه فی بیان حال‌الاسانیدالاخبار التی هی لها کالاساس والمبانی ... وساذکر فیها ... کلام بعض افاضل‌المحشین و فوائدهم وما استفدت من برکات مشائخنا ... من غیرتعرض لذکر اسمائهم اومایرد علیهم

ثم انه كان مما دعانى اليه وحدانى عليه التماس ثمرة فؤادى واعز اولادى ومن كان له ارقي و سهادى محمد صادق . . . وسميته بكتاب مرآت العقول فى شرح اخبار آل الرسول .

انجام : وقد وقع الفراغ من تسويد هذه الاوراق على يد مؤلفه ... ابن محمد تقى محمد باقر ... ليلة الخميس الثامن من شهر رجب الاصب من شهور سنة ست و سبعين بعد الالف . . . ولقد رقمتها على غاية الاستعجال . . . ولقد كنت مشتغلا بالمباحثات و غيرها من المؤلفات . . . والحمدلله اولا و آخراً والصلوة على قرم الانبياء . . . وعترته . . . الطاهرين .

[١٥٢٤]

١١٤٢ اين نسخه جلد سوم و شرح نيمهٔ دوم كتاب الحجة كافى است و بنسخ و نستعليق با عنوان و نشان شنگرف و متن زير خط سرخ و در صفحهٔ نخستين متن با زر و شنگرف ولاجورد حاشيه‌سازى شده است . درست شده‌ها و افزوده‌ها در كنار برگها هست و همين خود ميرساند كه نسخهٔ اصل است . مرحوم صدرالافاضل (لطفعلى بن محمد كاظم) كه نسخه را داشته بوده گواهى ميدهد كه آنرا خوانده و نسخه بخط خود مجلسى است خط و مهر او بتاريخ ربيع دوم ١٣٢٢ ميباشد (١و٢ الف و ب و ٣ الف) .

آغاز : بسمله . باب (كراهية التوقيت) اى لظهور القائم وكان المراد بالكراهية الحرمة ان كان من غير علم . الاول صحيح .

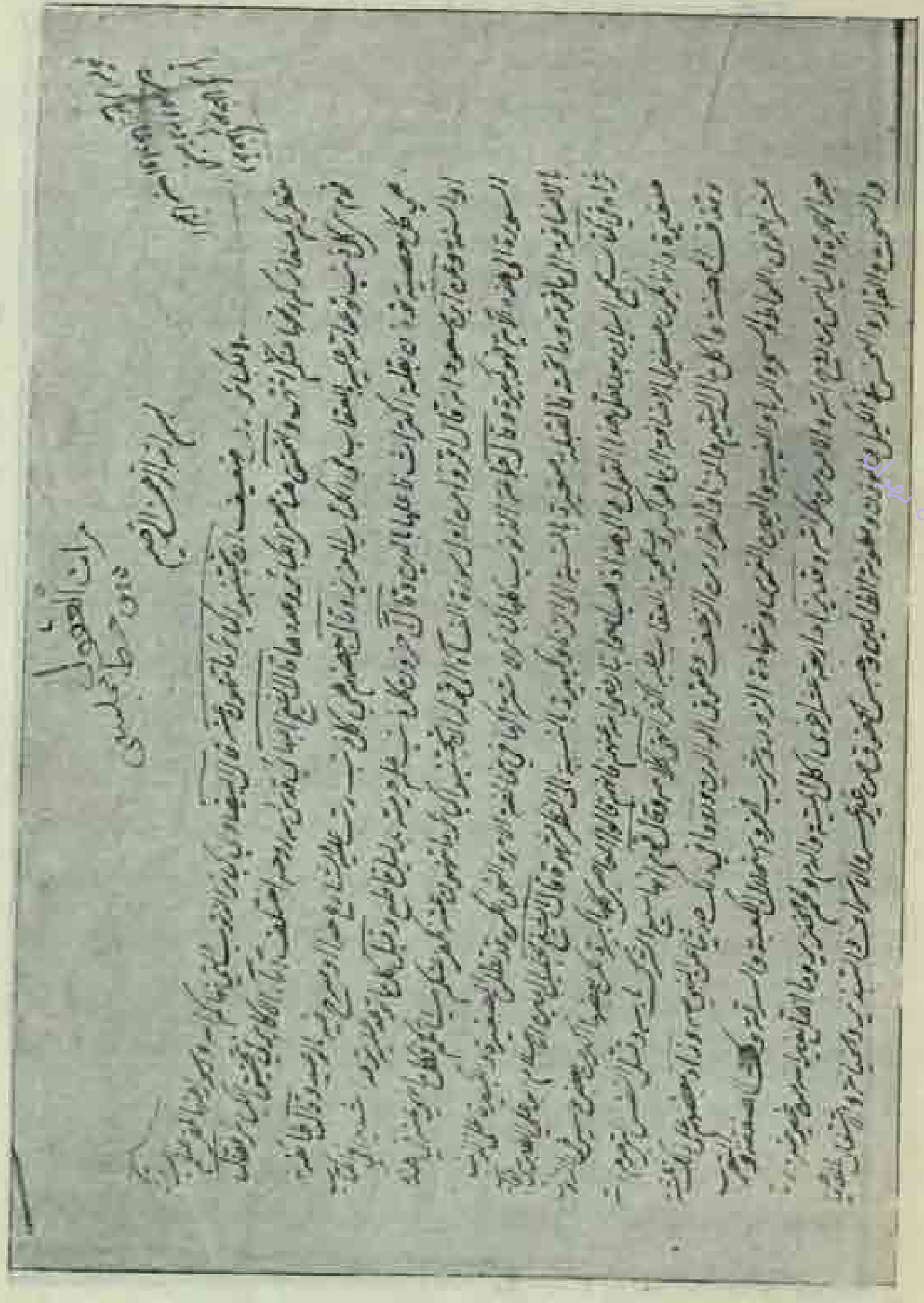
انجام : باب الفىء والانفال وتقسيم الخمس وحدوده وما يجب فيه . . الثامن والعشرون كالسابق (من العنبر) اى اخذالعنبر .. (والغوص) .. (فعلى) تعليلية والضمير لكل من العنبر واللؤلؤ . قد اتفق الفراغ من جمع هذه التعليقات وتأويلها مع تشتت البال و وفور الاشتغال فى اواخر شهر رجب الاصب من السنة الثانية بعد المائة والالف الهجرية على يدى مؤلفه . . . محمد باقر بن محمد تقى . . . والحمدلله اولا وآخراً والصلوة على سيد المرسلين محمد وعترته الاطيبين (١ : ٢٧٢ـ٤٤٩ چاپى) .

(٩٦٤ص) ـ كاغذ سپاهانى ـ جلد پارچه‌ئى و بوله‌دار مقوائى

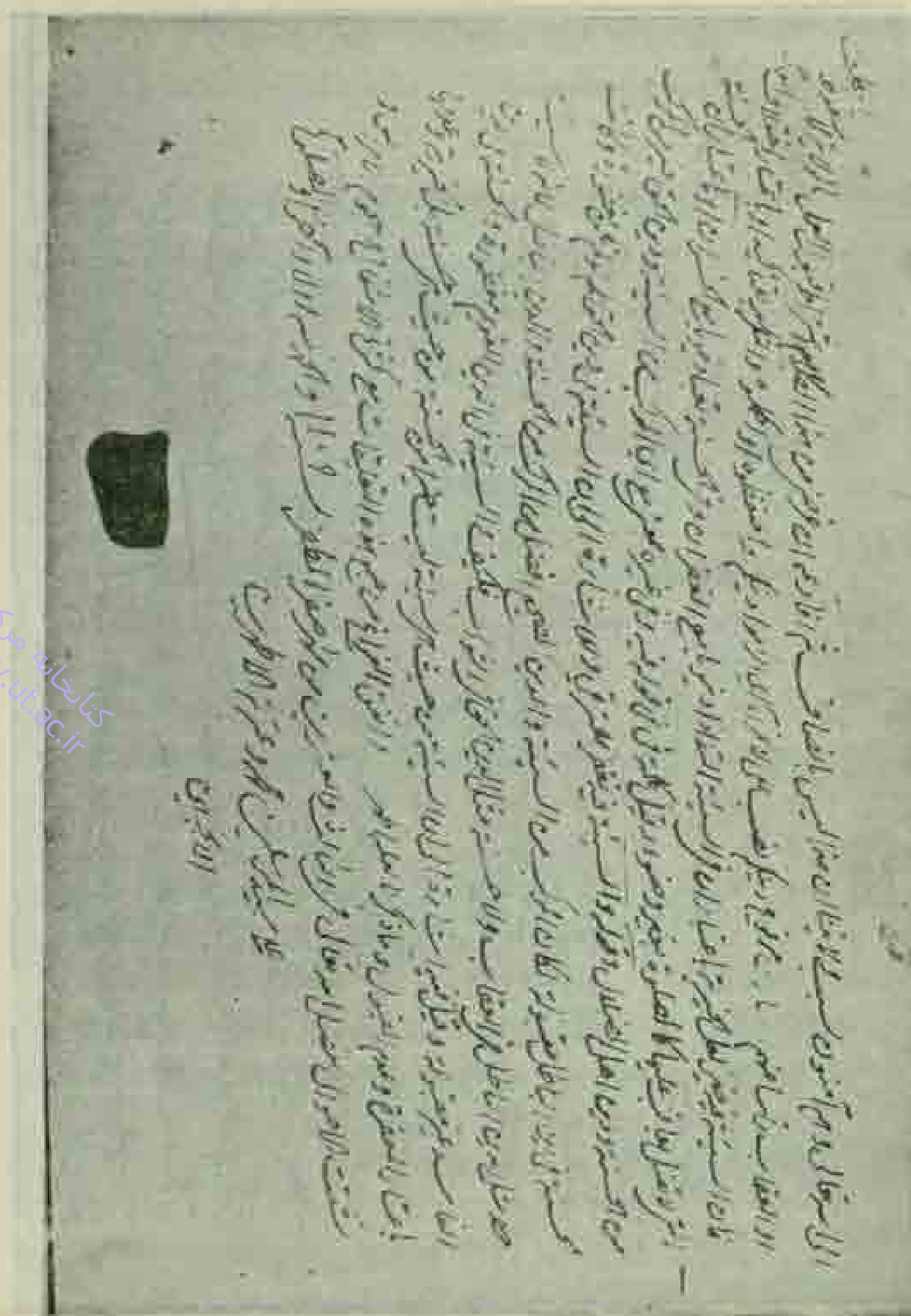
اندازه : ٣١×٢٧ و١٥×١٦ س ٣٣

[١٥٢٥]

١١٤٣ اين نسخه اصل وجزء آخر شرح ايمان و كفر است و بخط نستعليق مجلسى با عنوان و نشان شنگرف و متن زير خط سرخ ميباشد خط خورد گيها دارد و افزوده‌ها در كنار صفحه‌ها هست .



پشت برگ دوم مرآة العقول ش ١١٤٣



رویهٔ برگ پایان مرآة العقول ش ۱۱۴۳

آغاز: بسمله . باب الکبائر . الاول ضعیف (ان تجتنبوا کبائر ماتنهون عنه) قال البیضاوی : کبائر الذنوب التی انها کم الله ورسوله عنها .

انجام: باب . الاول صحیح (علی الله موجوب ـ بوجوب « چاپی ») کذا فی اکثر النسخ ... السادس مرفوع . (دینکم) نصب علی الاغراء ... وماذکرنا لعله اظهر. واتفق الفراغ من جمع هذه التعلیقات مع کثرة الاشغال وهجوم الامراض وتشتت الاحوال ... فی الثالث والعشرین من شهر صفر المظفر سنة ۱۱۰۹ والحمدلله اولا و آخراً والصلوة علی سید المرسلین محمد وعترته الاطهرین الانجبین (۲ = ۲۵۰ـ۴۳۱ چاپی) .

(۱۳۰گ ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد پارچهٔ گل وبوتهٔ دار عنوانی

الداره : ۲۱×۲۷ و ۱۵×۱۶ س ۲۱

[۱۳۰۲] مسائل ابن سلام (عربی)

عبدالله بن سلام اسرائیلی انصاری (۴۳۰) از یاران پیامبر است و نام او نخست اسماویل یا حصین بوده و پس از پرسشها که از پیامبر کرده واسلام آورده پیامبر اورا درمدینه عبدالله نامید. دانشمندان شیعی اورا چندان خوب نمیدانند (سفینة البحار ۲ : ۱۳۴ـ مامقانی ۲ : ۱۸۵) ولی در طبقات ابن سعد (۲/۲ : ۱۱۱) دارد که او از دانشمندان ودانای بیکتاب میباشد ودر قرآن از دانشمندان فرزندان اسرائیل و گواه اسرائیلی بشمار آمده و بزبان پیامبر دهمین ده تن که ببهشت میروند خوانده شده است. درجاهای دیگر طبقات هم از او یاد شده (فهرست نامها) نیز در بحار (۱۴: ۴۵۱) از بخاری حدیثی آمده ومیرساند که او از نیکان است وپیامبر اورا مسلمان خوانده است. دراجازات بحار (ص۱۷۴) دارد : « واجوبة مسائل عبدالله بن سلام الجدید الاسلام من النبی ﷺ فانها وان کانت عامیة الا انها صالحة للتأیید والتأکید وهی عندکم اشتریتها لکم » .

باز در بحار (۱۴ : ۳۴۶ ـ ۳۵۳) چنین آمده : « باب نادر (۱۲ ـ ابواب العناصر و کائنات الجو ...) . اقول : وجدت فی بعض الکتب القدیمة هذه الروایة فاوردتها بلفظها. ووجدتها ایضاً فی کتاب ذکر الاقالیم والبلدان والجبال والانهار والاشجار مع اختلاف یسیر فی المضمون وتباین کثیر فی الالفاظ اشرت الی بعضها

فی سیاق الروایة وهی هذه . مسائل عبدالله بن سلام و کان اسمه « اسماویل » فسماه النبی « عبدالله » عن ابن عباس رضی الله عنه قال لما بعث النبی صلی الله علیه و آله امر علیاً ان یکتب الی الکفار و الی النصاری والی الیهود ... » در اینجا گفتگوهای پیامبر است با ابن سلام . باز در بحار (٤ باب ٣ : ٩٠ - ٩٢) همین گونه مسائل و گفتگوی میان آندو از اختصاص مفید (ش ٥١٤ باب یکم گ ٩ ب - ١٣ الف - ص ١٠٦٢ همین فهرست) آمده و نیمهٔ نخستین آن یکی و گزیده‌تر و کوتاه‌تر از آنست و پایان این یکی در س ٢٢ ص ٣٤٩ ج ١٤ دیده میشود بدینگونه : « خص . عن ابن عباس : قال لما بعث محمد صلی الله علیه و آله ان یدعوا الخلق الی شهادة ان لا اله الا الله ... فامره جبرئیل ع ان یکتب الی اهل الکتاب یعنی الیهود والنصاری و یکتب کتاباً و املی جبرئیل ع علی النبی ص کتابه و کان کاتبه یومئذ سعد بن ابی وقاص فکتب الی یهود خیبر ... » .

این نسخهٔ ما جز آندوتا است که در اختصاص و بحار آمده و گفتگوی همان ابن سلام است با امیرمؤمنان علی و پاسخ او است با ابن سلام و مانند آنچه که میان ابن سلام و پیامبر گذشته است .

آغاز : مسائل عبدالله بن سلام لامیر المؤمنین ع . بسمله . عن ابان بن تغلب الکندی عن الباقر ع عن ابیه ع قال لما اقبل امیر المؤمنین ع من صفین قام الیه عبدالله بن سلام و قال یا امیر المؤمنین ان لله حججاً فی خلقه و خلفاء فی ارضه استنبطهم الله علمه واستخزنهم سره واستودعم کتابه وعرفهم حکمه

انجام : قانا علی قول عدل مخلصاً لا اله الا الله وحده لا شریك له ... واو کره المشرکون . تمت المسائل وفیها شفاء لما فی الصدور والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین .

[۱۵۲٦]

۱٠٤٥ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد بن عبدالحسین حسینی نزدیك ۱٠٥٦ وحاشیه‌هائی دارد بنستعلیق . گ ٤٥ ب - ٥٢ الف .

[۱۳٠۲] المسائل (عربی)

ابوالحسن علی عریضی فرزند امام جعفر صادق ع که در عریض دیهی درمدینه که پدر باو داده بود و سپس در کوفه میزیسته و بدرخواست قمیان بقم آمد و درهمانجا بسال ۲۱٠ در گذشت . او در زمان مرگ صادق (۱٤۸) دوساله بوده‌است واز برادرخود موسی ع مسئله‌هائی پرسیده و پاسخ گرفته وبیشتر آنها دراین کتاب هست (کنتوری ص ٥۱٠ - طوس ٥ : ۱٥۳)

نجاشی (ص ۱۷٦) میگوید که عریضی « کتاب الحلال والحرام » دارد که بدوگونه مبوب وغیرمبوب بادواسناد برای ما روایت شده‌است . از آن همین مسائل اوخواسته شده است . طوسی درفهرست (ش ۳٦۷) ازاو دودفتر یاد کرد یکی کتاب المناسك دیگری « مسائل اخیه » که این یکی را با دواسناد روایت میکند . درمعالم العلما (ش ٤٦۷) هم ازو کتاب مسائل » یاد گشت . اسناد روایتهای نجاشی وطوسی جزاین سندی است که در آغاز نسخه می بینیم . عریضی را محدثان وفقیهان ازراستگویان بشمار آورده‌اند ومردی بود راوی حدیث ودرستکار وپارسا و آگاه وهماره با برادرش امام موسی کاظم میزیست وازپدرو برادر و برادرزادهٔ خود روایت نمود و پسر برادرزادهٔ خود امام جواد را هم دریافت .

نیز بنگرید به : حلی ص ٤٥ - کشی ص ۲٦۹ - استرابادی و بهبهانی ص ۲۲۷ - تاریخ قم ص ۱۹۸ و ۲۲٤) .

آغاز : اخبرنا احمد بن موسی بن جعفر بن ابی الیاس (العباس) قال حدثنا ابوجعفر احمد بن یزید بن النضر الخراسانی من کتابه فی الجمادی الاخرة سنة احدی وثمانین ومأتین قال حدثنا علی بن الحسین بن علی بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب عن علی بن جعفر بن محمد عن اخیه موسی بن جعفر قال سألت ابی جعفر بن محمد عن رجل واقع امرءته قبل طواف النساء متعمداً ما علیه ؟ قال : یطوف وعلیه بدنة .

انجام : وسألته عن الرجل هل یصلح ان یصلی او یصوم عن بعض موتاه

قال نعم فيصلي ما احب ويجعل ذلك للميت فهو للميت اذا جعل ذلك له (صورة ماوجد فی آخر الاصل المستنسخ منه مالفظه : تمت المسائل بحمدالله وحسن توفيقه وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين).

[١٥٢٧]

٥٠٦ ﻫ این نسخه ش ٢ دفتر است و بنسخ وروی آغاز مطلبها خط کشیده شده وعنوانها درهامش بنسخ درشت‌تر است. زین‌العابدین بن ابوالحسن حسینی تنکابنی قزوینی درروز پنجشنبه ١٩ رجب ١٣٠٤ درسرمن‌رای هنگام دانشجوئی نوشتن آنرا بپایان رسانده ومقابله وتصحیح آنرا درپایان شعبان ١٣٠٤ انجام داد.

گ ١٣ ب – ٣٤ الف (بنگرید به ٥٠٦/١).

[١٣٠٤] مسار الشيعة (عربی)

فی التواريخ الشرعية عن الائمة المهدية

شیخ مفید دراین کتاب روزها و تاریخهائیکه در آئین شیعی فرخندگی دارد وکارهائیکه شایسته است دراینگونه جشنها بکنند برشمرد وسرگذشت دوازده پیشوا ودشمنان آنان را آورد.

اومیگوید که شناخت این کتاب نشانهٔ پیروان وگرایندگان بآئین شیعی است و نیکان یاران ما همیشه بچنین کارها که یاد میکنیم میپرداختند و هرگز این تاریخها را فراموش نمیکردند.

دررجال نجاشی (ص ٢٨٦) از «کتاب التاريخ الشرعية» یاد شده ولی درفهرست طوسی و معالم العلما از چنین کتابی یاد نگشت. ابن‌ندیم درفهرست (ص ٢٥٢ و ٢٧٩) از مفید یاد نمود و از او بستود ولی فهرست کتابهای او که درآن باید باشد در نسخهٔ چاپی نیست. تهرانی درذریعه (٤ : ٤٧٥) از «کتاب التواريخ الشرعية» مفید نامبرد بردو گفتگو دربارهٔ آنرا به «مسار الشيعة فی مختصر تاريخ الشريعة» باز گرداند. مجلسی در بحار ازاین کتاب بهره برده‌است.

زین‌الدین علی‌نقی طغائی کمره‌ئی فراهانی شیرازی سپاهانی (م ١٠٦٠)

نیز مسار الشیعه دارد بپارسی (فهرست سپهسالار ١ : ٣٠٤) این کتاب مفید با توضیح المقاصد بهائی و تقویم المحسنین کاشانی و صیغ العقود ملامحمد جعفر استرابادی وصیغ العقود فارسی ملامحمد یوسف استرابادی والفاظ عقود وایقاعات شیخ احمد فاضل مراغه‌ای بنسخ عبدالصمد در تبریز بسال ١٣١٣ بچاپ سنگی رسید (کتنودی ١٤٥ و ٥٠٢ – طوس ٢ : ٢٥ و ٥ : ١٦٥ و ٣٢١).

آغاز : الحمدلله على مابصرنا فی حكمته وهدانا الى سبيل رحمته ويسره من طاعته ومن علينا من فوائده المشرة لدوام نعمته فی جنته ... فقد وقفت على ماذكرت من الحاجة الى مختصر فی تاريخ ايام مسار الشيعة و اعمالها من الثابت فی الشريعة وماخالف ذلك فی معناه.

انجام : وقضى حوائجه و اعطاه سؤله كرما منه على عباده ومننا عليهم والحمدلله وحده وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين الانجبين.

[١٥٢٨]

٥٠٦ ﻫ این نسخه ش ١ دفتر است و بنسخ روشن وجای عنوانها سفید از زین‌العابدین بن ابوالحسن حسینی تنکابنی قزوینی درسبزوار آنگاه که دانش میاندوخت ودرشب پنجشنبه ٧ ج ٢ سال ١٣٠٤ آنرا بپایان رسانده.

(همهٔ دفتر ٣٢٨ ص. کاغذ فرنگی. جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ١١×١٧ – ٦×١١ س ١٦

[١٣٠٥] مسلی المصابین (فارسی)

دانشمند محمودبن علی‌نقی بن الجواد علوی فاطمی چون دید که فرزند شاهزاده بهمن میرزا درگذشت ایندفتر که در یک فاتحه و سه فایحه هریک چند عائده و یک خاتمه است بپرداخت ودرآن از بردباری وشکیبائی وسرفرود آوردن دربرابر سرنوشت گفتگو نمود.

آغاز : بسمله. وهوالمستعان. نحمده على ما منحنا من المصائب والبلايا كما نحمده على آلائه ... وبعد بندهٔ ضعیف ... محمودبن علی‌نقی بن الجواد العلوی الفاطمی ... بعرض ... میرساند.

انجام : واز اعداء ثواب بعض آیات یاسور قرآن بروح مفارق از بدنش مضایقه نفرمایند ختم الله لنا ولکم بالحسنی . . . ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین .

[۱۵۲۹]

۹۲۰ این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است ودر دوجدول بزرگی شنگرف و کوچکی زرین ولاجورد ویا سرلوح زرین و دو صفحهٔ نخستین باحاشیهٔ گل وبوتهٔ رنگارنگ میباشد . در گوشهٔ بالایی صفحه‌ها عنوانها بنسخ سیاه هم آمده است . عبدالحسین بن عبدالکریم در ۲۲ صفر ۱۲۵۷ درروزگار نگارنده نوشتن آنرا بانجام رسانده . حاشیهٔ (منه) بنستعلیق در آن هست .

(۱۳۲ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹×۱۶ س ۱۹

[۱۳۰۶] مشکوة المصابیح (عربی)

محیی السنة ابومحمد حسین بن مسعود فراء بغوی (م ۵۱۶) مصابیح السنة نگاشته است .

شیخ ولی الدین (الله) اباعبدالله محمدبن عبدالله خطیب عمری تبریزی (م ۷۴۹) مصابیح را کامل نمود و بابهای آنرا دنباله‌ای نوشت و صحابی که حدیث از او روایت شده و کتابیکه حدیث از آن گرفته شده یادنمود و برباب صحاح وحسان آن جز در برخی جاها فصل سومی افزود این را اومشکوة المصابیح نامید و در پایان روز آدینهٔ رمضان هنگامیکه ماه شوال سال ۷۳۷ را میدیده‌اند از نگاشتن آن بیاسود . او اسناد را یاد نمود و مصابیح را گسترده‌تر ساخت . در آن از بخاری تنها ۳۲۵ اسناد واز مسلم تنها ۸۷۵ وازهردو ۱۰۵۱ واز دیگران ۲۶۸ اسناد گرفته شده است که رویهم میشود ۴۷۱۹ اسناد . خود او میگوید که حدیثهای آن ۴۴۸۴ است: ۲۴۳۴ حدیث آن صحیح و ازدوشیخ و ۲۰۵۰ آن حسن واز ابوداود وترمذی ودیگران میباشد (۱) .

۱ـ چلبی (۲: ۴۴۲) گزارشها وحاشیه‌ها و گزینهای مصابیح ومشکوة را برشمرده . دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز : بسمله . الحمدلله . نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور انفسنا . . اما بعد فان التمسك بهدیه لایستتب الا بالاقتفاء لما صدر من مشکوته . . . و کان کتاب المصابیح الذی صنفه . . . ابومحمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی . . . اجمع کتاب صنف فی بابه

انجام : قال الترمذی هذا حدیث حسن . قال مؤلف هذا الکتاب . . وقع الفراغ من جمع الاحادیث النبویة . . . آخر یوم الجمعة من رمضان المبارك عند رویة هلال شوال سنة سبع وثلثین وسبعمائة بحمدالله و حسن توفیقه والحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله وصحبه اجمعین .

[۱۵۳۰]

۹۲۱ این نسخهٔ بنسخ وبرخی جاها معرب با عنوانهای شنگرف و با سرلوح زیبا ودر دوجدول زرین ولاجورد میباشد . حاشیه‌های لغوی وجز آن دارد بنسخ ریز بانشانهٔ «ه‍ط» در آغاز . درپایان حاشیه‌های فارسی هست بنستعلیق . حاشیه‌هائی هست ازمفاتیح .

(۳۶۶ص) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ‌کناره سبز وسادهٔ مقوائی
اندازه : ۱۶×۲۸ و ۹/۵×۱۶/۵ س ۱۵

[۱۳۰۷] مصائب المظلومین (عربی)

این دفتر درهشت باب ویك خاتمه است وداستان آزارها و آسیبها که بنه پیشوای شیعی رسیده و چگونگی درگذشت ومرگ آنان وچگونگی پنهان شدن پیشوای دوازدهم در آن آمده وسرگذشت امام سجاد تا امام زمان در آن هست

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

مشکوة درپطرسبورگ دردوجزء در ۹ـ۱۸۹۸ ودرقازان در ۱۹۰۹ ودربمبئی ودهلی چندبار ودر کلکته و درهامش مرقاة المفاتیح لمشکاة المصابیح علی هروی م ۱۰۱۴ درمصر در ۱۳۰۹ بچاپ رسیده . ترجمهٔ انگلیسی آنت درکلکته در ۱۸۰۹ چاپ شد (معجم المطبوعات ۶۲۷ و ۱۷۹۱ ـ فهرست طوس ۵ : ۱۶۸ .)

ونگارنده آن محمدبن علی میباشد که آنرا «مصائب المظلومین» برابر با ۱۲۴۰ نامیده و همین تاریخ نگارش آن هم هست. در باب ۲ و ۵ آن از مجلسی و در باب ٤ از سید عبدالله الشبری یاد گردید.

آغاز: مصائب المظلومین. بسمله. هو ثقتی و به استعین و علیه اتوکل انه نعم الوکیل والحمدلله ولی الحمد واهله والصلوة علی محمد وآله وبعد فیقول ... محمدبن علی ... انی لما رأیت ان اشرف ماینفق فیه کنوز الاعمار ... هو التحلی بذکر آل محمد ... جمعت فی مصائب الائمة التسعة الابرار مؤلفاً مشتملا علی کیفیة وفاتهم وغیبة قائمهم .. وسمیته مصائب المظلومین مؤرخا بذلك مامضی من الهجرة من السنین وبوبته الی ثمانیه ابواب وخاتمة.

[۱۵۳۱]

این نسخه ش ۲ دفتر است و نسخ در گ ۲۱ الف - ٦۵ ب و بپایان نمیرسد وچنین است انجام آن: «الباب السادس فی بعض ما اصیب به الجواد التقی ... فامتحنوا بالجمعرع بماتبین لکم بعدما وصفت لکم من حالة قالوا قدرضینا الك یا امیرالمؤمنین ولافتنا بامتحانه.

همهٔ دفتر ۱۱۳گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ساده

اندازه: ۱۵ ۲۱ - ۱۰ / ۱۵ س ۱۹

[۱۳۰۸] مصابیح الانوار فی مشکلات الاخبار (عربی)

مجلسی دوم سید عبدالله بن محمد رضا الحسینی حلی کاظمی (۱۱۸۸ - ۱۲۴۲) دانشمند آشنای بحدیث و تفسیر و فقه و کلام و اصول فقه و شاگرد پدر خود و شیخ جعفر نجفی (م ۱۲۲۸) وسید محسن محقق اعرجی (م ۱۲۴۰) و سیدعلی طباطبائی (م ۱۲۳۱) و شیخ احمد احسائی (م ۱۲۴۳) و شیخ اسدالله کاظمی (م ۱۲۲۰) و میرزا محمد مهدی شهرستانی (م ۱۲۱٦) و میرزای قمی (م ۱۲۳۱) و استاد سید کاظم رشتی (م ۱۲۹۵) (۱) در دیباچهٔ این دفتر که بروش اخباریان

۱- بنگرید به: دارالسلام ص ۲۷۷ و ۲۹٦ - کنی و القاب ۲: ۳۱۸ - هدیة الاحباب

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

و در دو جلد (۱- دارای ۱٦۰ حدیث گ ۱ ب - ۱۳۸ الف و ۲ دارای ۲۰۲ حدیث گ ۱۳۹ ب - ۲۳۲ الف) و یك خاتمه دارای ٤٦ مسئلهٔ دشوار (در نسخهٔ ما گ ۲۳۲ ب - ۲۳٤ ب) میباشد میگوید که حدیثهائی دیدم که حکیمان و متکلمان و فقیهان و محدثان در آنها گفتگوها کردند و آنها گرچه دشوار بوده است مگر اینکه پس از جستجوها برای من روشن گشته و من خواستم همهٔ آنها را یکجا گرد آورم. سی سال است که میگذرد و من همواره بحدیثهای خاندان پیامبر مینگرم درست حدیثها هم در این کتاب بررسی شده است. تم بالاهم در پایان جلد یکم و آغاز جلد دوم دیده میشود. (کنتوری ص ۵۲٤) شمارهٔ بیتهای آن ۲۲۰۰۰ میباشد.

از سخنان او دربارهٔ حدیث یکم هم برمیآید که او شاگرد «شیخ جعفر نجفی مدظله» بوده و از او روایت دارد.

پیداست که او پس از سی سالگی (۱۲۱۸) و پیش از ۱۲۲۸ (سال مرگ شیخ جعفر) بنگارش این دفتر پرداخت.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ص ۱٦۰ - روضات ص ۳٦٦ - نخبة المقال ص ٦۲ - دیباچهٔ تفسیر او چاپ تهران در ۱۳۵۲ که سرگذشت او بخامهٔ یکی از شاگردان او هست. او در اجازهٔ خود بسید محمدتقی قزوینی در ۱۲۴۰ (ذریعه ۱ : ۲۰٤ - روضات) بیش از ۵۰ نگارش از خود یاد نموده و بیتهای آنها را هم برشمرده. در اجازه اینکه پدر نگارندهٔ نخبة المقال (همانجا) داده است هم آنها را یاد کرده و شمارهٔ بیتهای آنها رویهم ۱۵۰۰۰۰۰ بیت میشود. استادان او هم در این دو اجازه نامبرده شده است (نیز ص ۲۰۲ همین) شمارهٔ نگارشهای اورا نوری ۵۲ (بجز حواشی و قیود واجوبة المسائل) آورده و در دیباچهٔ تفسیر ۷۰ آمده است (آنهم بجز همانها) او جامع المعارف والاحکام دارد در چهارده یا بیست مجلد و در آن خبرهای کلامی و اصولی و فقهی از روی چهار کتاب گرد آمده است و خاتمه‌ای رجالی در آن هست و در ۱۲۳۳ و ۱۲۳٤ بدان میپرداخت. همین را او با انداختن اسانید و مکررات در ٦۰ هزار بیت و باز این یکی را یکبارهٔ دیگر در ٤۰ هزار بیت گزین نموده است. پس او هم یکی از گردآورندگان اخبار شیعی میباشد. (نیز ذریعه ۵ : ۷۱).

آغاز : بسمله . و به نستعين . الحمدلله الذی عجزت عن ادراك ذاته العقول والافهام و تحيرت فی درك كنه صفاته لطائف الاوهام ... فيقول ... عبدالله بن محمد رضا الحسينی ... انی ... منذ ادركت الحلم الی هذا الحين الذی مضی من العمر ماينيف علی ثلثين كنت مشغوفاً بتتبع اخبار اهل بيت النبوة .

[۱۵۳٦]

۹۹٤ اين نسخه نسخ است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ودرپايان مجلد يكم دارد : «تم المجلد الاول من مصابيح الانوار فی حل مشكلات الاخبار ويتلوه المجلد الثانی ... علی يد المسكين الحقير الفقير » پس مانا نسخهٔ اصل است . چنين است انجام آن در نسخهٔ ما : «٤٦١ فی امراة ورثت اربعة ازواج واحداً بعد واحد ... ماروی عن اميرالمؤمنين ع انه قال لابن عباس كيف انت اذا ظلمت العين العيون . الجواب قد ورد تفسير هذا الحديث عنه ع و انه قال له ابن عباس يامولای كلمتنی بهذا الكلام مراراً ولا اعرف معناه فقال له ع عين عتيق و عين عمر وعين عثمان و عين معاوية و عايشة و عين عبدالرحمن بن عوف و عين عمرو بن العاص و عين عبدالرحمن بن ملجم وعين عمر بن سعد قاتل الحسين » .

(۳۳۴ ص) - كاغذ فرنگی - جلد تيماج زرد ضربی گل و تو لقدار عنوانی
اندازه : ۱۴ × ۲۳ و ۱۸ × ۳۰ - س ۲۷

[۱۳۰۹] مصابيح القلوب (فارسی)

خواجه ابی سعيد حسن بيهقی سبزواری نگارندهٔ بهجة المباهج (ص ۱۱۹۱) اين دفتر را در پند و اندرز برای مبتديان و نوكاران از روی خبرهای شيعی وداستانهای تاريخی پرداخت (كنتوری ٥٢٤) .

آغاز : بسمله . شكر وثنا وحمد بی منتها خدای را كه منزه است از ادراك اوهام وافهام ومتعالی است از حوادث ليالی و صروف ايام ... چون مؤلف اين كتاب ... الحسن الشيعی السبزواری ... راغب وعظ و تذكير بود خواست كه از برای مبتديان اين فن از اين نوع كتاب را جمع كند ... و اين كتاب را تاليف كرد ومفصل گردانيد بر پنجاه سه فصل .

[۱۵۳۳]

۱۸٦ اين نسخه نستعليق است وباعنوانهای شنگرف ميباشد . ميان برگهای ۱ و ۲ كم دارد ودنبالهٔ فهرست وآغاز فصل يكم در آن نيست ودر پايان هم بدينجا ميانجامد : «القصه چون پيش سليمان عليه السلام رسيدند سليمان بگشاده روئی وخندان پرسيد ودرويشان نگاه » (از فصل ٥٣) و گويا يكی دو صفحه را ندارد . در برگ ۱ الف دو تاريخ ۱۲۲۹ و ۱۲۵۹ ديده ميشود .

(۳۰۱ ص) - كاغذ نرمه - جلد تيماج سرخ مقوائی
اندازه : ۱٦ × ۲۵/٥ و ۹ × ۱۷/٥ - س ۲۳

[۱۳۱۰] مصادقة الاخوان (عربی)

از صدوق ابن بابويه قمی (پيش از ۳۱۱ - ۳۸۱) و دستور وكارنامه‌ايست برای برادران دينی كه چگونه باهم زندگی كنند ودر ٤۳ باب هر يكی در چند بند ميباشد ودر هر بندی يك اسناد است .

اين رساله در تهران بسال ۱۳۲٥ با ترجمهٔ پارسی فهرست نگار وبا ديباچهٔ آقای سعيد نفيسی در سرگذشت ابن بابويه بچاپ رسيد .

آغاز : بسمله وبه نقتی . باب اصناف الاخوان . حدثنا محمد بن يحيی العطار ... قال (اميرالمؤمنين) الاخوان صنفان : اخوان الثقة و اخوان المكاشرة .

انجام : عن ابی الجارود عن ابی عبدالله ع قال يأتی علی الناس زمان ليس فيه شیء اعز من اخ انيس او كسب درهم حلال .

[۱۵۳٤]

٦۰٥٤ اين نسخه ش ۲ دفتر است ونستعليق باعنوانها و نشانه‌های شنگرف در كاغذ كبود ودرپايان دارد : بلغ قبالا - گ ۳۸ ب - ٥۳ الف ٥ × ۱۲ - س ۱۳ (بنگريد به ٦۰٤/۱) .

[۱۵۳٥]

۱۱۳۱ اين نسخه ش ٥ دفتر است وبدينجا ميانجامد : «... باب من يجب اجتناب مواخاته ... ويقتی سراك وينقل حديثك » - گ ۱۲۷ ب - ۱٤۱ ب برابر

با س ۸ س ۵۲ و نزدیک به به بند از همین باب را ندارد . درهامش نسخه تصحیحات آقای مشکات دیده میشود .

[۱۳۱۱] مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة (عربی)

این کتاب هماستکه در ص ۴۹۵ همین فهرست (ش ۸۸۱/۱۲) شناسانده شده است .

درباب ۲۷ ازوهب بن منبه یاد شده و درباب ۸۶ شعری از علی ع آمده است ودرباب ۸۹ دارد : « سمعت ابی الباقر » نوری درمستدرک شش تن ازدانشمندان سنی را ازروی رجال نجاشی وفهرست طوسی برشمرد که هریک نسخه‌ای ازامام صادق روایت میکرده‌اند . یکی از آنها فضیل بن عیاض بصری صوفی پارسا میباشد و بگمان او شاید این کتاب نسخهٔ همو باشد چه صوفیانه است وبا روش او میسازد . درباب ۷۸ آن خبری است که مانند آن درمجالس طوسی (تاریخ آدینهٔ ۲ رجب ۴۵۷) ازشقیق بن ابراهیم بلخی آمده است و گویا چنانکه مجلسی پنداشته‌است طوسی نسخه‌ای از آن‌را داشته‌بود . بگفتهٔ نوری گویا همان خبرهائی که در آغاز بابهای این کتاب پس از « قال الصادق » آمده است از او میباشد و روایتها و آثاری که پس از آن میآید از گردآورندهٔ آنست (نیز بنگرید به اعیان الشیعه ۴ : ۶۲۰) .

آغاز : (کتاب مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة من تصانیف الامام الحاذق جعفر بن محمد الصادق علیه وعلی آبائه الصلوة والسلام) بسمله . الحمدلله الذی نور قلوب العارفین بذکره وقدس ارواحهم بسره وبره وطهر افئدتهم بفکره . . . اما بعد فهذا کتاب مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة من تصانیف الامام الحاذق جعفر بن محمد الصادق . وهومبوب علی مائة باب .

انجام : وسائر الکتب ترجع الی هذه الثمان هذا آخر الابواب والحمدلله واهب العقل وملهم الخیر والعدل والثواب والیه المرجع والمآب .

[۱۵۳۶]

این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ معرب خوش باعنوانهای شنگرف ازعبدالکریم ابن ابوالحسن خوراسکانی که در ۱۲۱۴ آنرا نوشته است . دردیباچهٔ آن فهرست است ودرآن شمارهٔ بابها درمتن کتاب بازگردانده شده وشماره‌ها درفهرست ومتن هردوهست . درش ۸۸۱/۱۲ نه فهرستی است ونه بابها شماره دارد . این شماره بر ش ۸۸۱/۱۲ پس ازعبارت «حقاً وصدقاً» چنین افزوده دارد : « وروی عن الصادق انه قال لبعض تلامذته یوماً ای شئ تعلمت منی فقال ثمان مسائل ... » باندازهٔ یک صفحه وچند سطر . گ ۱۴۲ الف ـ ۱۷۷ الف .

[۱۳۱۲] مطالع الاسرار (فارسی)

حسن خطیب قاری دراین دفتر مشارق الانوار حافظ رجب برسی را بپارسی کرد . او چهل سال درطوس زیسته وبدستور شاه سلیمان صفوی حسینی موسوی بدین ترجمه پرداخته ودر ۱۸ ذیحجهٔ سال ۱۰۹۰ آنرا بانجام رسانده . آنچه در آغاز مشارق از علم حروف و تصوف بوده است بدستور شاه نیاورده همان مناقب معصومان را ترجمانی کرده و آیتهای قرآن وحدیثهای پیامبررا بروش امامیان گزارش نموده است . درفصلهائیکه برخی از دینها و آئینها کاوش نموده است او می نویسد که من عقیده‌ها وپندارهای سست آن دینها واندیشه‌های امامیان را ازروی ملل ونحل شهرستانی و منهاج الکرامهٔ حلی و تبصرة العوام سید مرتضی آورده‌ام (گ ۴۰۶) .

آغاز : بسمله . وبه‌ثقتی . اشراقات لوامع حمدی که طبقات افلاک وساحات صفحات عرش ادراک نوظهورش فروغ گیرد . شایستهٔ بارگاه کبریای احدی است ... امابعد برصحیفهٔ عرض نگاشته میشود که چون ذره بیمقدار ... حسن الخطیب القاری مدت چهل سال در آستانهٔ ... ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) بشرف قرائت آن مشهد مقدس وبمنصب شایستهٔ خطابت ان ارض اقدس هرصبح وشام قیام داشت .

انجام :

چشم هنربین بود ازعیب پاك — بی‌هنرازعیب کندزان چه‌باك

والحمدلله الملك المنعام علی الختم والاتمام ... حسبناالله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر .

۵

[۱۵۳۷]

۶۶۴۲ این نسخه بسیخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ومتن معرب و میان دوخط زروشنگرف است . درجدول زروشنگرف وسرلوحی دارد ودوصفحهٔ نخست وصفحهٔ ٤٠٦ حاشیه‌سازی شده‌است . عبدالله بن عبدالله درذیحجهٔ ۱۲۲۷ نسخه را وقف نمود (۱ الف) .

(۳۰۵ گ) کاغذ ترمه - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با برگردان

اندازه : ۲۱ × ۳۴ و ۱۲/۵ × ۲۳ س ۲۵

[۱۳۱۳] معادن الحکمة (عربی)

علم‌الهدی محمد فرزند دانشمند فیض کاشانی (م میان ۱۱۱۲ و۱۱۲۳) دراین دفترنامه‌ها و نوشته‌ها وتوقیعات معصومان وپاکان آئین شیعی را از کتابهای حدیث

۱۵ گرفته و گنجانده ودر جمادی دوم سال ۱۱۰۳ آنرا بپایان برده است (ریحانة‌الادب ۳ : ۱۱۹) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی کتب فی قلوبنا ولاء اهل بیت النبوة والاصطفاء بمدادالعنایة‌الازلیة‌التی لیس لتأدیة حقها کفاء ... ونستخیره فیما ازمع عزمنا علیه من ابداع هذاالکتاب الموسوم بمعادن‌الحکمة من مکاتیبهم وتوقیعاتهم .

۲۰ **انجام :** اقول واذوفیت بماوعدت ایراده فی هذاالکتاب ... ان لی ان اقطع الکلام ... واشتغل عن نظم تألیفه ... محمدالمدعوعلم‌الهدی ابن محمدالمحسن ... لشهرجمادی‌الاخرة من شهورحجة ثلث ومائة والف ... سائلا من‌الله تعالی ان ... لا تجعلنا ناسین لذکرك فیما اولیتنا ولاذاهلین عن شکرك فیما ابلیتنا ولاتزغ قلوبنا بعد اذهدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب .

[۱۵۳۸]

۶۹۵۰ این نسخه نسخ خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ودرجدول زر ولاجورد میباشد . مهر « محمد علم‌الهدی علم‌الهدی علم‌الهدی » در ۲۳٤ ب دیده میشود وچنین میرساند که نسخهٔ زمان اواست . در ۲۳۵ ب تاریخ ۱۲۵۷ هست .

۵

(۲۳۷ گ) کاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی

اندازه : ۱٦/۵ × ۲٦/۵ و ۱۰ × ۱٦ س ۲۰

[۱۳۱٤] معجزات الائمة (عربی)

این دفتر ۱۳ باب و در معجزه‌ها و آگاهیها و گفتگوهای دوازده پیشوا وفاطمهٔ زهراء (ع) است ودربرابر آنهائیکه چنین چیزهارا نمی‌پذیرند ومیگویند

۱۰ که برای امامان در آئین اسلام معجزه‌ای نیست و برای تقرب بعلی (ع) نوشته شده‌است ودردیباچه دارد : « اوالف مااظهروه من المعجزات واقاموه من الدلائل والبراهین مما سمعته و قرأته فی کتاب مقصور علی ذکر المعجزات والبراهین » (٤ ب) این نام بالاهم درصفحهٔ عنوان نسخهٔ ما بخط تازه‌تری هست .

درآن حدیثهائی ازابوالحسین محمد تلعکبری (۲۵ الف وجاهای دیگر)

۱۵ و ابن‌بابویه آمده ودارد هم « حدثنا ابوجعفرمحمدبن جریر الطبری » (درخیلی جاها) وهمچنین از کتاب‌الانوار یاد شده است (۷ الف و ۱۹ ب) و گویا از آن الانوار پسر شیخ طوسی خواسته شده‌باشد . شاگردان شهید ازاین انوار میستودند وخبرهای آنرا باخبرهای درست موافق میدانستند وآن میان دانشمندان مشهور بوده ودرماه ربیع یکم تا روز زاده شدن پیامبر خوانده میشده است (بحار ۲٦

۲۰ و۲۵ : ۱۷۱و۱۷۲ - ذریعه۲ : ٤۱۱) یا از آن الانوار فی تاریخ‌الائمة‌الاطهار شیخ ابی‌علی محمدبن ابی‌بکرهمام بن سهل اسکافی (۲۵۸-۳۳٦) خواسته شده‌است (ذریعه ۲ : ٤۱۲) نیز در آن یاد شده ازجلد دوازدهم تاریخ محمدالنجار خواجهٔ محدثان مدرسهٔ مستنصریه (۲٤ ب) وبی گمان همان « تذییل محب‌الدین محمدبن محمودالنجار (م ٦٤۳) لتاریخ‌الخطیب » میباشد .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی نور قلوبنا بهدایة محمد وشرح صدورنا بولایة علی .. وبعد فان الله ... لما ابدع العالم ... اوجبت حکمته ان یدعوهم الی معرفة خالقهم .

انجام : وانت علی یمین القائم تامر وتنهی (کتب هذا النفسه العبد محمد بن صالح الغروی فی مشهد الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام) .

[۱۵۳۹]

۵۲۳ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف است از محمد بن صالح غروی که در طوس برای خود نوشته است . در گ ۳۰ ب دارد «بلغ قبالا» .

(۶۹ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۴×۱۸ و ۹×۱۳ س ۱۷

[۱۳۱۵] مقامات النجات (عربی)

از دانشمند اخباری شیعی سید نعمة الله فرزند سید عبدالله موسوی حسینی جزائری شوشتری (صباغیه ۱۰۵۰ ـ جایدر ۱۱۱۲) که بمانند فصول صد گانهٔ مسجع ابن جوزی در ۹۹ مقام هریکی درمطلبی کلامی و خلقی درعبارتی روان نه بسجع درسه مجلد شالودهٔ آنرا ریخته (دیباچه) و نخستین را در ۳۱ مقام درشام روز ۱۷ ع ۱ سال ۱۱۰۳ درخانهٔ خود نزدیك بجامع بزرگ درشوشتر بپایان رساند . او دردیباچه از عقود المرجان فی حواشی القرآن والنکت الظریفة فی شرح ملحقات الصحیفة والانوار النعمانیة خودیاد کردو گفت که من این را بروش فصول ابن جوزی نوشتم مگر اینکه چون بندها باید روشن و روان باشند نه درقالبهای آراسته و پیچیده من آن را مسجع نساختم . درهریك ازاین مقامها گنشته ازمطلبهای کلامی و فلسفی وعرفانی واخلاقی یکی ازاسماء حسنی بترتیب تهجی درخور آن مطلب گزارش داده شده و روی سخن را بکسی قرار داده

که بندهٔ همان باشد واین نامها تابحرف ضاد رسیده است (۱) دراین کتاب روش

۱ـ چنین است فهرست مقامها :

مقام ۱ توحید بنام الله گ ۲ الف
« ۲ رسالت بنام باری گ ۲ الف
« ۳ امامت بنام باطن گ ۱۹ ب .
« ۴ دین حق شیعی بنام باقی گ ۲۸ ب .
« ۵ عالم ذر بنام باسط گ ۳۳ ب .
« ۶ طینت بنام باعث گ ۳۸ ب .
« ۷ عشق حقیقی بنام بصیر گ ۴۶ ب
« ۸ محبت خدا بنام بدیع گ ۵۲ ب .
« ۹ ریا وعجب وسمعه بنام تواب گ ۶۴ ب .
« ۱۰ غیبت بنام جبار گ ۷۴ ب .
« ۱۱ نیت بنام جلیل گ ۸۱ الف .
« ۱۲ توبه بنام حکیم (ذوالحکمة) گ ۸۸ الف .
« ۱۳ دنیای ستوده ونکوهیده بنام حلیم گ ۹۴ ب .
« ۱۴ ظیره وتوکل وچشم بنام حکیم (حاکم) گ ۱۰۳ ب .
« ۱۵ دلجوئی وتسلیت بنام خالق گ ۱۱۰ ب .
« ۱۶ لذت دفع الم است بنام خافض گ ۱۱۶ ب .
« ۱۷ تجسم اعمال ومیزان بنام خبیر گ ۱۲۵ ب .
« ۱۸ نام مادرموسی و کم وکاستی درقرآن بنام ذاری گ ۱۳۴ ب .
« ۱۹ اختلاف مجتهدان ومحدثان بنام رب گ ۱۴۰ ب .
« ۲۰ تکبر بنام رازق گ ۱۴۵ ب .
« ۲۱ خواب دیدن بنام رقیب گ ۱۵۵ الف .
« ۲۲ بیماریهای قلب و درمان آنها بنام رشید گ ۶۴ الف .
« ۲۳ شبهه وحلال وحرام بنام رحمن گ ۱۷۲ الف .
« ۲۴ حلال وحرام وطاهر ونجس وصحیح و باطل بنام رحیم گ ۱۷۸ ب
« ۲۵ بی ارزشی عقل دربرابر نقل بنام سلام گ ۱۸۵ الف .
« ۲۶ ارزش فتاوا پس ازمرگ بنام سمیع گ ۱۹۱ ب .

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس از این

عرفانی آمیختهٔ با اخبار گرفته شده و شعرها و داستانها آمده است. روی همین‌ها بود که بدستور مجلسی، سید جزائری دیگر آنرا دنبال نکرد و نسخه‌ها بیش از جلد یکم در ۳۱ مقام را ندارند (روضات الجنات ص ۲۲۰ چاپ ۱).

شوشتری در این دفتر شعرهای پارسی و تازی و نکته‌های تاریخی بسیار میآورد و داستانهای بی‌پایه و بنیادهم در سرگذشت دانشمندان در آن فراوان است. در آن از «استادنا المحقق شیخ العصر فی العلوم العقلیة الفاضل الخوانساری عطرالله ضریحه» و «استادنا المحقق الیزدی طاب ثراه» و نورالله شوشتری نگارندهٔ مصائب النواصب فی رد هفوات الروافض و احقاق الحق و بهاءالدین محمد عاملی در پاسخ شیخ صالح جزائری و سلطان شاه اسمعیل و «مولی العارف لطف‌الله النیشابوری» و احمد اردبیلی استاد شیخ حسن و شیخ محمد که نامه‌ای بشاه عباس یکم دربارهٔ

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

مقام ۲۷ وضو و غسل بنام شکور گ ۲۰۱ الف.
« ۲۸ حائل شدن خدا میان مرد و دل او بنام شهید گ ۲۱۱ ب.
« ۲۹ فی لباس بنام صبور گ ۲۲۳ الف.
« ۳۰ روح بنام حمید گ ۲۳۲ الف.
« ۳۱ اجل بنام ضار گ ۲۴۳ ب.

نسخه‌ای از همین جلد نخستین از آن دانشمند گرامی آقای حکمت آل آقا دیده‌ام که باندازهٔ رحلی کوچك و بخط نسخ باخوانها و نشانه‌های شنگرف در ۱۹۱ برگ با کاغذ فرنگی و جلد تیماج مشکی ساده بوده است و بدستور آقامحمد جعفر بن محمد علی بن آقای وحید بهبهانی دانشمند فقیه کرمانشاهی از همانشهر بهمت قاسم بن حسن بن علی شوشتری درهمین شهر دربامداد روز پنجشنبه ۱۲ ج ۱ سال ۱۲۲۸ نوشتن آن انجام گرفت. همین آقامحمد جعفر در ۱۲۲۸ در گ ۱ الف بخط و مهر خود نوشته که نسخه از آن او است و درهمین‌جا بخط و مهر محمدتقی بن محمد جعفر دارد که باو رسید آنگاه دارد که علی اکبر بن محمدتقی (بخط و مهر او) آنرا بر فرزندان آقامحمد تقی در ج ۲ سال ۱۲۹۹ وقف نمود.

نسخه ش ۲۶۷ طوس در ۱۲۱۹ نوشته شده و نسخه ش ۲۶۸ و ۷۲۳ آنجایی تاریخ است (فهرست آنجا ۱: ۸۰–۸۷ اخبار ـ ۵ : ۱۷۴).

گناهکاری نوشته و پاسخ شاه بدو (مقام ۱۴) (۱) و «شیخنا السبزواری عطرالله مرقده» و رثاء شریف مرتضی در مرگ ابواسحق صابی و نشست و خاست بهائی با سنیان و صوفیان که شیخ عمر بصری او را سنی و صوفیان و ملحدان و عشاق او را از خود می‌پنداشتند و فیض‌الله تفرشی در رجال او را ثقه ندانست و «شیخنا المعاصر ابقاه‌الله» ازاو بدمیگفت (مقام ۲۷) و پاسخ فیض کاشانی بمردم طوس و نکوهش از تصوف، و محمدعلی مقری صوفی و زمخشری که کشاف را بغزالی نشان داده بود (مقام ۲۸) و «جدنا صاحب الکرامات السید شمس الدین» و «فاضل القاشانی» و «شیخنا المحدث» یاد میشود گذشته از دانشمندان پیشین که بسیار از آنها یاد شده است.

او درمقام ۲۲ قصیدهٔ عینیهٔ ابن سینا را آورده و گزارش نمود و آقای محفوظ عراقی این گزارش را بیادبود هزارهٔ ابن سینا در تهران در ۱۹۵۴ بچاپ رسانده است. درمقام ۲۲ یاد میکند از طاعونیکه در رجب و شعبان سال ۱۱۰۲ در بصره و حویزه و دورق افتاد و بسیاری ازمردم را بکشت و بیشتر دانشمندان دینی آنجاها از میان رفتند. میگوید که اکنون ماه شوال همین سال است که بنوشتن این کلمات میپردازم. باز درمقام ۲۶ میگوید در این تاریخ ۱۱۰۲ که من این کتاب را می‌نویسم دررودداریان شهر شوشتر سنك زرد کوچکی اززیر آب در آورده‌اند و اندازهٔ آن چنانکه من اکنون درهمین هنگام که این

۱ـ چنین است آن نامه و پاسخ آن:

« بانی ملك عاریت عباس بداند (بدانکه) چه اگر (اگرچه) این مرد اول ظالم بود اکنون مظلومی مینماید چنانچه ازتقصیر او بگذری شاید که حق سبحانه و تعالی پارهٔ از تقصیرات تو بگذرد. کتبه بندهٔ شاه ولایت احمد اردبیلی ».

جواب: « بعرض میرساند عباس، که خدماتی فرموده بودند بجان منت داشته (داشته) بتقدیم رسانید. امید که این محب از دعای خیر فراموش نکند. کتبه کلب آستان علی عباس ».

(نیز مستدرك نوری ۳ : ۳۹۳ – روضات ص ۲۴).

کلمات را مینویسم سنجیدم بهشت انگشت میرسد وروی آن بهمان رنگ نوشته شده : « بسمله . لااله الاالله . محمد رسول‌الله . علی ولی‌الله » آنگاه ازمانند این شگفتیها یادمیکند وبمقامهای پیشین بازمیگرداند . شوشتری در۱۱۰۲و۱۱۰۳ بنوشتن این کتاب میپرداخته است .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی نزه قلوب اولیائه عن‌الالتفات الی‌ماسواه وصفی اسرارهم عن‌ملاحظة کل ماعداه وتجلی لهم باسمائه وصفاته حتی‌اشرقت افکارهم بانوار معرفته و کشف لها عن سبحات جلاله حتی احترقت بنار محبته ثم احتجب عنها بحجاب کنه جبروته حتی تاهت فی بیداء کبریائه و عظمته . . . فیان . . . نعمة‌الموسوی‌الحسینی‌الجزائری . . . یقول لما فرغنا من آخر مؤلفاتنا وهوعقود المرجان فی حواشی القرآن والنکت‌الظریفة فی شرح ملحقات‌الصحیفة اردنا من‌الله ... ان یجعل لنا حظا من قوله ... فتشوقت‌النفس الی تألیف کتاب مقصور علی‌المواعظ والامثال والآیات و الاخبار المبینة لماخفی من‌الاحوال ... فرایناان یسمی کتابنا هذا مقامات‌النجاة ... وفصلناه تسعة وتسعین مقاما .

انجام : الخاتمةمعنی‌الضار ... والاشیاء تنتهی الیه‌جل‌شأنه بواسطة وبلاواسطة وقدتم ... مااردناه من هذاالمجلدالاول من مقامات‌النجاة وسیتم ... المجلدان الآخران وقدوقع تمامه عصریوم‌المولود ... سنةالثالثة بعدالمائة والالف‌الهجریة فی محروسة شوشتر فی دارناالقریبة من‌الجامع الاعظم والمرجو من‌اخوان‌الصفا وخلان‌الوفا اسدال ذیل‌العفو علی ماوقع فیه من‌الهفو . قال هذه‌الاحرف مؤلفه المذنب‌الجانی نعمت‌الله‌الموسوی‌الحسینی‌الجزائری عفی‌الله عن سیئاته وحشره مع ائمته وساداته حامداً مصلیا .

[۱۵٤۰]

این نسخه بخط نسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ونوشتن آن درشام روز دوشنبه ۷ شوال ۱۱٤۹ (٤٦ سال پس‌ازنگارش جزائری) بپایان رسید و در صفر ۱۲۵۹ (پس‌از ۱۱۰ سال) بانسخه‌ای که محمد موسوی از روی نسخهٔ خط جزائری ودارای عنوانها بسرعتی نوشته بودبرابر گشت و اختلافهای دونسخه درهامش

دیده میشود . صفحه یکم این نسخه لولوبی است .

[گ ۲۵۴] ــ کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۳۱×۲۰-۱۴×۲۳ س ۲۲

[۱۳۱٦] مقتل (عربی)

ابومخنف لوط‌بن‌یحیی ازدی‌غامدی کوفی‌شیعی(۱۵۷م) آشنای‌بتاریخ‌عراق که‌از جعفرصادق روایت مینموده‌است ، کتابهادرسر گذشت وتاریخ دارد که‌یکی مقتل الحسین است وطبری از آن بهره برده ، مگر اینکه آن از میان رفته ودردست نیست ومقتل چاپی‌یا خطی که امروزه هست ازاو نیست و با آنچه که طبری ازاوآورده است نمیسازد (هدیةالاحباب قمی ۳۸ - کنی والقاب همو ۱ : ۱٤۸ - روضات ۷۳۲) بگفتهٔ ابن ابی‌الحدید اوشیعی نیست و امامت را باختیار میدانه ولی بنوشتهٔ فیروزآبادی درقاموس اوشیعی است وخبرهای او پذیرفتنی نمیباشد . علامه حلی درخلاصه ص ٦٦ ومجلسی دروجیزه ص١٦٢ اورا ازنیکان بشمارآوردند وخبرهای‌اورا طبری وابن‌اثیرپذیرفته‌اند . سرگذشت اودرفهرست ابن‌ندیم ص ۱۳٦ وفهرست شیخ ش ۵۷۳ ورجال نجاشی ص ۲۲٤ و معالم‌العلماء ش ٦۲٦ آمده و نگارشهای اوهم یاد شده است (نیز فوات‌الوفیات ۲ : ۱٤۰- زرکلی ۳ : ۸۲۱) .

این مقتل با جلد دهم بحار بالهوف ابن‌طاوس واخذالثار ابن‌نما وحکایة مختار همین ابی‌مخنف و حکایة سفاح‌بخط نسخ در۱۳۰٤ بچاپ سنگی‌رسیده‌در ۳۷٦ ص رحلی .

آغاز : بسمله . (وبه نقتی . روی ابومخنف لوط‌بن یحیی‌الازدی رضی‌الله عنه عن یحیی بن سعید) قال حدثنا ابوالمنذر (بن) هشام (بن مسیب) الکلبی قال حدثنا (عبدالله‌بن محمدالشامی قال حدثنا) عبدالرحمن‌بن جندب (بن عبدالله) الازدی قال دخلت انا وسلیمان‌بن صردالخزاعی ... علی‌الحسن‌بن علی ... وسلمنا علیه فرد علیناالسلام .

(آنچه میان دو کمانه گذارده شده تنها از نسخهٔ ماست) (ابو المنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی شیعی م ٢٠٦ از ابو مخنف روایت دارد ـ نجاشی ص ٣٠٥ و کنی ٣: ٩٠ ـ فهرست ابن ندیم ص ١٣٩ ـ نه آنچنانکه در این مقتل آمده آنهم نام کلبی بدرستی برده نشده است).

انجام چاپی: ثم ان یزید ... خرج ذات یوم الی الصید والقنص فی عسکره ... فطرحه تحتها وجعلت تخوض فی بطنه و تقطع امعائه الملعون الفاجر المابون (داستان مرگ یزید در شکار . پس از این داستان عبارتهائی هست که در نسخهٔ ما نیست و بدینجا میانجامد :) ثم الانتقام منه فی جهنم فانها مقره لعنه الله تعالی لعناً الی یوم القیمة الا لعنة الله علی الظالمین (در پایان نسخهٔ ما هم چیزهائی هست که در چاپی ندارد).

انجام نسخهٔ ما: وجعل یقطع من لحمه ویطعمه حتی قضی نحبه ... واما اصحابه جدوا فی طلبه فلم یروه ولا وجدوا له خبراً ولا طاحوا له علی اثر فراحوا فوقعت بینهم الفتنة علی الخلافة حتی قتل منهم خلق کثیر لارضی الله ولعن الله عبیدالله بن زیاد ... ولعن الله یزید فی کل جدید ولعن الله من شدو الجم و تهیأ لقتالك یااباعبدالله ولعن الله بنی امیة قاطبة لعناً لاینقطع آخره وهذا ما انتهی الینا من مقتل سیدنا ... الحسین ... وعلی آبائه افضل الصلوة والسلام واستغفر الله من الزیادة والنقصان انه غفور منان اللهم اغفر لنا بحق محمد وآله.

(پایان کار یزید و نابود شدنش در شکار آهو ـ این داستان شکار و مرگ او در چاپی و خطی یکسان نیست).

[١٥٤١]

٥٠٥ این نسخه بنسخ خوش است با سر لوح و نگارك در آغاز و دو صفحه نخستین زراندود و همهٔ صفحه‌ها درجدول زرین ولاجورد میباشد.

(٣٦٣ ص) ـ کاغذ نرمهٔ نازك ـ جلد تیماج زرالدودگل و بوته‌دار.

اندازه : ١٢ × ١٩/٥ و ٨ × ١٤/٥ س ١٧

[١٣١٧] من لایحضره الفقیه (کتاب ...) (عربی)

رهبر دانشمند شیعی ابن بابویه ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی

(از پدر) دیلمی (از مادر که کنیزی از دیلم بوده است ـ مستدرك ص ٥٢٤) از دانشمندانی بسیار روایت دارد که خوانساری آنها را بیش از ٧٠ دانسته (روضات ص ٥٣٢) و نوری (مستدرك ٧١٣) شمارهٔ آنها را به ٢٠٤ رسانده است.

او این دفتر را که یکی از چهار کتاب شیعی است و در چهار مجلد یا جزء و ٦٦٦ باب میباشد و دارای ٥٩٦٣ حدیث (٣٩١٣ مسند و ٢٠٥٠ مرسل) است (١) در شهر ایلاق ذی‌قعدهٔ سال ٣٧٢ بپایان رسانده (طوس ٥ : ١٨٦ و ١٩١ نسخهٔ ش ٧٥٤ مورخ رجب ١٠٦٠) (٢).

١ـ شمارهٔ بابها و حدیثهای من لایحضر درهریك از جزءها و جلدها در لؤلؤتی البحرین وروضهٔ بهیه و مستدرك و قصص العلما وفهرستهای کنتوری و طوس ومعارف وسپهسالار هست وهمهٔ آنها نادرست است ودرست آن جدول زیر باید باشد.

جزء	باب	حدیث	مسند	مرسل
١	٨٧	١٦١٨	٧٧٧	٨٤١
٢	٢٢٨	١٦٣٧	١٠٦٤	٥٧٣
٣	١٧٨	١٨٠٥	١٢٩٥	٥١٠
٤	١٧٣	٩٠٣	٧٧٧	١٢٦
	٦٦٦	٥٩٦٣	٣٩١٣	٢٠٥٠

از مستدرك (ص ٧١٧) برمیآید که شیخ بهائی در گزارش آن نخستین بار حدیثهای آنرا برشمرده (نیز التعلیقة سجادیهٔ تفرشی). شمارهٔ تفصیلی از یکی استادان بحرانی است که در لؤلؤتی البحرین آورده.

٢ـ برای سرگذشت ابن بابویه بنگرید به : نخبة المقال ص ٩٢ و ٢٠٧ ـ کنتوری ص ٥٦٣ ـ مستدرك ٥٢٤ و ٧١٧ ـ استرابادی ص ٣٠٧ ـ نقد الرجال تفرشی ص ٣٢٢ ـ تنکابنی ص ٢٧٦ ـ ٢٨٢ ـ کنی و القاب قمی ١ : ٢١٢ ـ سفینة البحار ٢ : ٢٢ ـ فوائد رضویه ٢ : ٥٦٠ ـ هدیة الاحباب همو ـ سپهسالار ١ : ٣٢٥ ـ طوس ٥ : ١٨٥ (گذشته از کتابهای دیگری که یاد کرده‌ام).

در تاریخ بغداد (٣ : ٨٩) دارد : محمد بن علی بن الحسین بن بابویه ابو جعفر القمی نزل بغداد وحدث بها عن ابیه وکان من شیوخ الشیعة ومشهوری الرافضة حدثنا عنه محمد بن طلحة النعالی اخبرنا محمد بن طلحة بن محمد حدثنا ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

عزالدین حسین عاملی دروصول الاخیارالی اصول الاخبار (ص ٦٩) پنج اصل

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بابویه القمی املاه حدثنی ابی ...» .

این دانشمند را علامهٔ حلی وپسر او ومحقق کرکی و علی بن هلال جزائری عراقی (ص۲۲و۴۷و٦٦و۵۵ اجازات بحار) صدوق خوانده‌اند ودرسخنان جزائری و کرکی حافظ وثقه‌هم دیده میشود وپنداشت که ازخیلی پیشهادانشمندان اورا صدوق می نامیده‌اند (روضات ص ۵۳۰ ومستدرک ص ۵۲٤) .

درپارهٔ شکی که برخی‌ازاستادان شیخ سلیمان بحرانی درراستگوئی ودرستی قمی کرده‌اند خوانساری (ص٤۰٤و۵۳۰) وبهبهانی درتعلیقه (ص۳۰۷) ونوری (ص۵۲٤ و۵۲۷) وحائری ومامقانی ۳: ۱۵٤آنچه میباید نوشته‌اند. گویا آن استادان برای فتواها وروایهای نادری که ازاو دیده‌اند دروثاقت او شک کرده‌اند باآنکه بگفتهٔ شهید دوم دربدایه (ص۸٦) استادان ومشایخ مانندکلینی ودیگران‌را نیازی باین نیست که کسانی دیگر آنها را درستکار بخوانند چه‌درستی آنها شهرت دارد. داستانی درابن زمینه درلؤلؤتی البحرین وروضهٔ بهیه وتعلیقه بهبهانی (ص۳۰۷ ازحاشیهٔ بلغة) ازشیخ بهائی یاد شده که از او از درستی و راستی زکریا بن آدم و ابن بابویه پرسیده بودند او پاسخ داد که نخستین برترازدومی است سپس درخواب‌دید که ابن بابویه ازاو گله نمود .

ازفهرست نجاشی (ص ۲۷۹) برمیآید که ابن بابویه پنج بار با رکن‌الدوله (۳۲۲ـ۳٦٦) انجمن کرده وگفتگوی کلامی ومذهبی باهم کرده‌اند ونمونه‌ای از آن درنسخهٔ ش ۹٤٤/۲ (ص ٦۲۸ همین‌فهرست)دیده میشود واین‌همانست که شیخ جعفر بن محمد دوریستی آنرا نوشته وفارسی آن درمجالس المؤمنین وقصص‌العلماء تنکابنی آمده است خوانساری هم درروضات (ص ۵۳۳) آنرا آورده .

درپارهٔ شکافیکه درخاکجای ابن‌بابویه درری پیدا شده ودسته‌ای بدرون آن رفته ومیگفته‌اند که تن‌اورا درست بدیدند وازهم نپاشیده ونپوسیده بود درروضات‌الجنات خوانساری (۱۲۲٦ـ۱۳۱۳) نگارش ۱۲۸۷ دارد که گویند نزدیک ۱۲۳۸ چنین رخ داده وفتحعلیشاه‌هم آگاهی یافته وبدانجا رفت وخواست خود درآن شکاف وسرداب برود وآنرا ببیند درباریان گفته‌اند که شاه برترازاین‌است . گروهی میروند وگواهی میدهند و شما را باور خواهد شد و همین‌کار را هم کردند خوانساری میگوید که من با تردید این را میگویم (چه او درآنسال دوازده سال بیش نداشت) .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

درحدیثهای درست یا نادرست شیعی که ازپیامبرو پیشوایان آمده است میشمارد: کافی ، مدینة‌العلم ، من‌لایحضره‌الفقیه ، تهذیب ، استبصار . آنگاه میگوید که دومی وسومی ازابن‌بابویه قمی‌است . نجاشی (ص۲۷۷) دربارهٔ قمی وشیخناوفقیهنا ووجه‌الطائفة بخراسان » گفته وازمدینة‌العلم یاد کرد ولی نامی از «من‌لایحضره الفقیه » نبرده است مگر اینکه کتابهای آنرا جداگانه برشمرد چنانکه قهپائی بدین نکته برخورده‌است . بحرانی درلؤلؤتی‌البحرین ازنجاشی درشگفت مانده که چرا ازمن‌لایحضر یاد ننمود (نیز روضات ص۵۳۲) درمعالم‌العلما (ش ۷٤۰) دربارهٔ‌او «مبارزالقمیین» گفته شده ودارد : «مدینة‌العلم‌عشرة‌اجزاء» واز آن یکی نه‌نامی برده ونه کتابهای آن برشمرده‌شد . طوسی‌درفهرست (ش:٦۹۰) دربارهٔ‌اش «جلیل‌القدر . . حافظاً للاحادیث بصیراً بالرجال ناقداً للاخبار لم یر فی‌القمیین مثله فی‌حفظه و کثرة‌علمه »ودربارهٔ‌مدینة‌العلم« اکبرمن‌من‌لایحضره الفقیه » گفته آنگاه ازاین دومی یاد نمود بی آنکه کتابهای آنرا برشمرد .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

درقصص‌العلماء تنکابنی نگارش۱۲۹۰دارد که نزدیک بچهل سال پیش (۱۲۵۰) آنجا را بشکافتند وتن اورا تروتازه ونافرسوده دیدند .

محمدباقرتهرانی درروح وریحان نگارش ۱۲۹۸ (ص۵۱۲) مینویسد که چندی پیش چنین چیزی راگروهی درستکار وراستگو بدیدند و آنها هنوز زنده‌اند چنانکه دربارهٔ سید مرتضی در۹٤۲ (روضات ص ۳۷۵) و دربارهٔ کلینی‌هم چنین داستانی رخ داده بود (روضات ص ۵۲۷) .

مامقانی درتنقیح‌المقال نگارش۱۳۵۰می نویسد که درچهل سال پیش (۱۳۱۰) شنیده‌ام که در نزدیک بپایان سدهٔ ۱۳ چنین رخ داد و سید ابراهیم لواسانی تهرانی بچشم خویش چنین دیده بود .

نگارندهٔ ریحانة‌الادب (۲ : ٤۷۰ ـ ٤۷٤) اینداستان را از گفتهٔ خوانساری ومامقانی میآورد ومیگوید سخنان ایندو یکی نیستند و دوبارهم که چنین چیزی نشده بود پس نتوان آنرا باورنمود .

دیده‌ایم که تاریخ ایندداستان بگفتهٔ خوانساری ۱۲۳۸ وبنوشتهٔ تنکابنی وگویاهم تهرانی نزدیک ۱۲٤۰ وبگفتهٔ مامقانی نزدیک ۱۳۰۰ میباشد .

ابن‌ندیم (ص ۸ – ۲۷۷) می‌نویسد که خط قمی را درپشت جزوی دیدم که کتابهای دویست گانهٔ پدر خود و کتابهای هیجده گانهٔ خود را بکسی اجازه داده بود (۱) او از قمی تنها « کتاب‌الهدایة » یاد میکند که‌طوسی و ابن شهرآشوب وساروی یادنکرده‌اند ولی نجاشی‌از آن نام‌برد . عاملی درامل‌الآمل (ص۵۰٤) وفائدهٔ ٤ وسائل از مدینة‌العلم یاد نکرد.

از این سخنان برمیآید که قمی را مدینة‌العلم بود در ده جزء و بزرگتر از من‌لایحضر و این یکی مانا گزیدهٔ آن میباشد و گویا طوسی و ساروی آنرا دیده‌اند و شاید هم عزالدین آنرا داشته بود و داستانی هم دربارهٔ آوردن آن از یمن برای مجلسی در ص ۱۱۳۸ همین فهرست یاد کرده‌ام ولی خود مجلسی دربحار نه دردیباچهٔ جلد یکم و نه درپایان جلد اجازات از آن یاد ننمود . خوانساری (ص ۵۳۱) می‌نویسد که نسخهٔ آن پس‌ازعلامه ودوشهید ازمیان رفته ودانشمندان هرچه کوشیدند وهزینه‌هادراین راه کردند بجائی نرسیدند واینکه میگویند که نزد پدر بهائی بوده است دورمی مینماید وسه « محمد » (کاشانی وعاملی ومجلسی) هم آنرا نداشته‌اند . بهبهانی در تعلیقه (ص ۳۰۸) می‌نویسد که ما آنرا ندیده‌ایم . از فهرست کنتوری (ص ۵۰۰) هم برنمیآید که آنرا دیده باشد .

از سخن شهید درذکری (ص ٦) برمیآید که آنرا داشته است چه میگوید که مدینة‌العلم و من‌لایحضر و تهذیب و استبصار نزدیك بکافی هستند درشمارهٔ حدیثها مجلسی یکم در آغاز شرح مشیخه (ش ۲/۵۰۸ گـ ۲۰۳ پ) میگوید

۱ـ شمارهٔ کتابهای قمی آنچنانکه تنکابنی ازروی فهرست نجاشی برشمرده به ۱۸۹ میرسد اگر من‌لایحضر را جداگانه بشمار نیاوریم . شمارهٔ آنها درفهرست طوسی بجز کتابهائی که بیاد نداشت به ٤۰ میرسد و درمعالم ۵٦ کتاب یاد شده است . چون همهٔ کتابهای او دراین دوجا بشمار نیامده است قهپائی درمجمع‌الرجال نوشت : « بقهم بعضها من‌الفقیه » تا دوفهرست نجاشی وطوسی باهم سازگار آیند .

نجاشی وطوسی وساروی نوشته‌اند که قمی نزدیك به ۳۰۰ کتاب نوشته است .

« وکان شیخنا البهائی رض یذکر ان عندنا کتاب مدینة‌العلم اکبرمن من‌لایحضره الفقیه و ذکرابوه فی کتاب الدرایة ان اصولنا الخمسة الکتب الاربعة و کتاب مدینة‌العلم لکنه لم‌نره والظاهر انه کان عندهما وضاع عنهما کماضاع اکثر کتبهما وکان یذکر کثیرا ان کتبی الفا کتاب تقریبا وبعد فوته ظهرمنها قریبا من سبعمائة کتاب و رأینا کتاب دعائم‌الاسلام المنسوب الیه و هو کتاب کبیر لکنه ظهر انه لیس منه » .

باری حدیثهای من‌لایحضره‌الفقیه را گروهی برحدیثهای کتابهای دیگر از چهار کتاب برتری داده‌اند چه اینکه قمی را هوشمندتر و موشکافتر از کلینی وطوسی پنداشتند واینکه اوفتواهای خودرا در آن گنجانده وآنچه را که میان خود وخدای درست و استوار میدانست آورد اگرچه نباید همهٔ خبرهای او را قطعی پنداشت .

ازینروی برخی خبرهای مرسل او را هم که باندازهٔ سه یك کتاب است مانند مراسیل ابن ابی‌عمیر با ارزش داشتند چه او اگر بآن راوی که نام نبرد ارزش نمیداد خبررا بامام یا پیامبر نسبت نمیداد و اگر بچنین خبری نمیگرائید آنرا هیچ نمیآورد (مستدرك ص ٥٤٧ و ٧١٨) .

رشته‌های اسناد روایت کتاب من‌لایحضره‌الفقیه دررجال نجاشی وفهرست طوسی ومناقب ابن‌شهرآشوب واجازات بحار (ص ۲۲و۲۹و٤۷ و۵۳ و۵۵ و٦٦ و۸۰) وفائدهٔ۵ پایان وسائل آمده‌است . درروضات (ص۵۳۲) رشتهٔ اسناددیگری آمده بدینگونه :

پدر علامهٔ حلی از برهان‌الدین محمدبن محمدبن علی حمدانی قزوینی از منتجب‌الدین قمی از پدرخود از پدر خود حسکای رازی شاگرد طوسی و برادرزادهٔ ابن‌بابویه قمی (نیز ص ۱۵۷ بدایهٔ شهید) .

ابن شهرآشوب درآغاز مناقب (فصل ۵ بحار ۱ : ۲۵) میگوید که من اسانید کتابهای ابن‌بابویه را از محمد و علی پسران علی‌بن عبدالصمد نیشابوری

از پدرشان از ابی البرکات علی بن الحسین خوزی از او روایت میکنم واز رشتهٔ اسنادم بشیخ طوسی. رشتهٔ سند او بطوسی در لوامع صاحبقرانی (۱: ۲۲) هست.
ابن بابویه آغاز سند حدیثها را در کتاب نیاورد ولی در پایان آن مشیخه‌ای گذارد و اسناد خبرهای سراسر کتاب را در آن نشان داد. چون این مشیخه بترتیب تهجی نبود و نیاز بگزارش هم داشت دسته‌ای بدینکار پرداختند و دربارهٔ روشن ساختن آن و بازشناختن هر اسنادی که درست یا نادرست یا سست است رنجها بردند.

نخستین بار حلی در فائدهٔ ۸ خلاصه و ابن داود در پایان رجال از سندهای مشیخه کاوش نمودند. ملامراد تفرشی در تعلیقهٔ سجادیه ومجلسی یکم (ش ۵۰۸) بر آن جداگانه گزارش بسیار سودمند نوشتند. ملااسماعیل مازندرانی در خرده گیری از گفتار مجلسی یکم سخنی دارد که در نسخه ش ۷۹۱ گ ۹ ب دیده میشود. عاملی در فائدهٔ یکم پایان وسائل همان مشیخهٔ بی ترتیب قمی را ترتیب داد و نوری در فائدهٔ پنجم پایان مستدرك بر آنچه عاملی آورده است از روی سخنان تفرشی و مجلسی گزارشی نوشت و فهرستی دیگر هم بر آن افزود. مامقانی در فائدهٔ سوم پایان تنقیح المقال (۳: ۸٦) هم همان مشیخه را فهرست وار آورد قهپائی در مجمع الرجال واسترابادی در منهج المقال ومجلسی دوم در پایان وجیزه و حائری در منتهی المقال هم همان مشیخه را با ترتیب آوردند و حکم هر سندی را هم نوشتند.

نگارندگان دیگر کتابهای رجال مانند سیدهاشم بحرانی وطریحی واعرجی در بخش دوم عدة الرجال (ش ۹۸۸ گ ۱۲۷ - ۱٦۸) هم چنین کاری کرده‌اند. از کسانیکه در این زمینه کار کرده‌اند حاج محمدحسین قاضی تبریزی م ۱۲۹۳ را هم نام برده‌اند. (نیز بنگرید به: مستدرك ص ۵٤۷ - فهرست آقای منزوی ۲: ٦۰٦).

از گزارشهای مشیخه که در فهرستها آمده بدینگونه است:

گزارش علاءالدین گلستانه (ش ٤۱۵ فهرست سپهسالار) و میرزا محمد استرابادی (فهرست معارف ص۷۲ - طوس ش۷٤٦) وابومنصور حسن پسر شهید در ۹۸۲ (فاضلیه ص ۸۱ ش ۷۰)

درفهرست معارف (۱: ۷۳) ۸ گزارش و ۱۱ حاشیه ودرذریعه (٦: ۲۲۳) ۱۵ حاشیه برای من لایحضر یاد گردید.

این هم گفته شود که نسخه‌های دارای تاریخ روشن از من لایحضر در فهرست طوس از ۹۷۱ تا ۱۰۹۹ (ج۱و۵) ودرفهرست معارف تاریخ ۱۰٤۰ ودرفهرست فاضلیه از ۱۰۵٤ تا ۱۱۰۸ و در فهرست سپهسالار از ۱۰۲۰ تا ۱۰۸۷ میباشد و پیداست که درروز گار صفویان نسخه‌ها از این دفتر برداشته‌اند.

من لایحضر در چاپخانهٔ جعفریه لکهنو در چهار جزء و دو جلد وزیری بزرگ (۱۹ + ۲۰۸ - ۱٦ + ٤۰۳ص) بخط نسخ محمد میرزا ابن الحاج میرزا امام علی مرادآبادی با فهرست در ۷ - ۱۳۰٦ بچاپ سنگی رسید. سرگذشت ابن بابویه در آغاز این چاپ هند هست. همچنین در ایران بفرمایش حاجی احمدآقا مؤیدالعلما فرزند حاجی ابراهیم آقا در «ما کته جدیدة» او بکوشش فرزندش آقامشهدی محمود آقا در ۱۳۲٤ در چهار جزء و یك جلد بی مشیخه در ٤٦۳ ص رحلی بخط نسخ چاپ سنگی شده است (نیز فهرست سپهسالار ۱: ۳۲۷).

ابن بابویه در دیباچه می نویسد: چون از شهر خویش دور شدم و ببلخ رفتم و بشهرك «ایلاق» رسیدم چندی با «نعمةالله ابوعبدالله محمد بن حسن بن اسحق بن الحسین (الحسن) بن اسحق بن موسی بن جعفر» که بدانجا آمده بود بسر بردم و برمن خوش میگذشت. روزی از «کتاب من لایحضره الطبیب» محمد بن زکریای متطبب یاد شده بود و او از من درخواست که در فقه هم چنین دفتری بنام «من لایحضره الفقیه» بنویسم تا مردم بدان بنگرند و بدستور آن کار کنند. او بسیاری از نگارشهای مرا برای خود نوشت و از من هم آنها را بشنید و روایت نمود و برهمهٔ آنها که به ۲٤۵ کتاب میرسید آگاه گشت.

من چون اورا شایسته وسزاوار بدیدم پذیرفتم و بنوشتن این دفتر پرداختم

وفتواهایم را در آن گنجانده‌ام نه اینکه مانند دیگران آنچه را که روایت میکنم در آن گذارده باشم. من از کتابهای مشهوری بهره برده‌ام که در فهرست کتبی که از مشایخ و خواجگان و پیشینیان خود روایت میکنم دیده میشود.

آغاز: بسمله. اللهم انی احمدك واشكرك و اومن بك واتوكل عليك واقر بمعبني اليك . . . وتعاليت عما يقول الظالمون علوآ كبيرا قال الشيخ الامام السعيد ابوجعفر محمد . . . بن بابويه القمي الفقيه نزيل الري مصنف هذا الكتاب (قدس الله روحه) امابعد لماساقني القضاء الى بلاد الغربة وحصلني القدرمنها (بها) بارض بلخ من قصبة ايلاق.

انجام: وروى العلاء بن محمد البصرى . . . قال النبي . . . ان عليا ع وصيي وخليفتي . . . فعلى وفاطمة والحسن والحسين نفلي واهل بيتي فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا.

آغاز مشیخه و اسانید: بسمله. يقول محمد بن علي . . . بن بابويه القمي مصنف هذا الكتاب رحمه الله: كلما كان في هذا الكتاب عن عمار بن موسى الساباطي فقد رويته عن ابي ره.

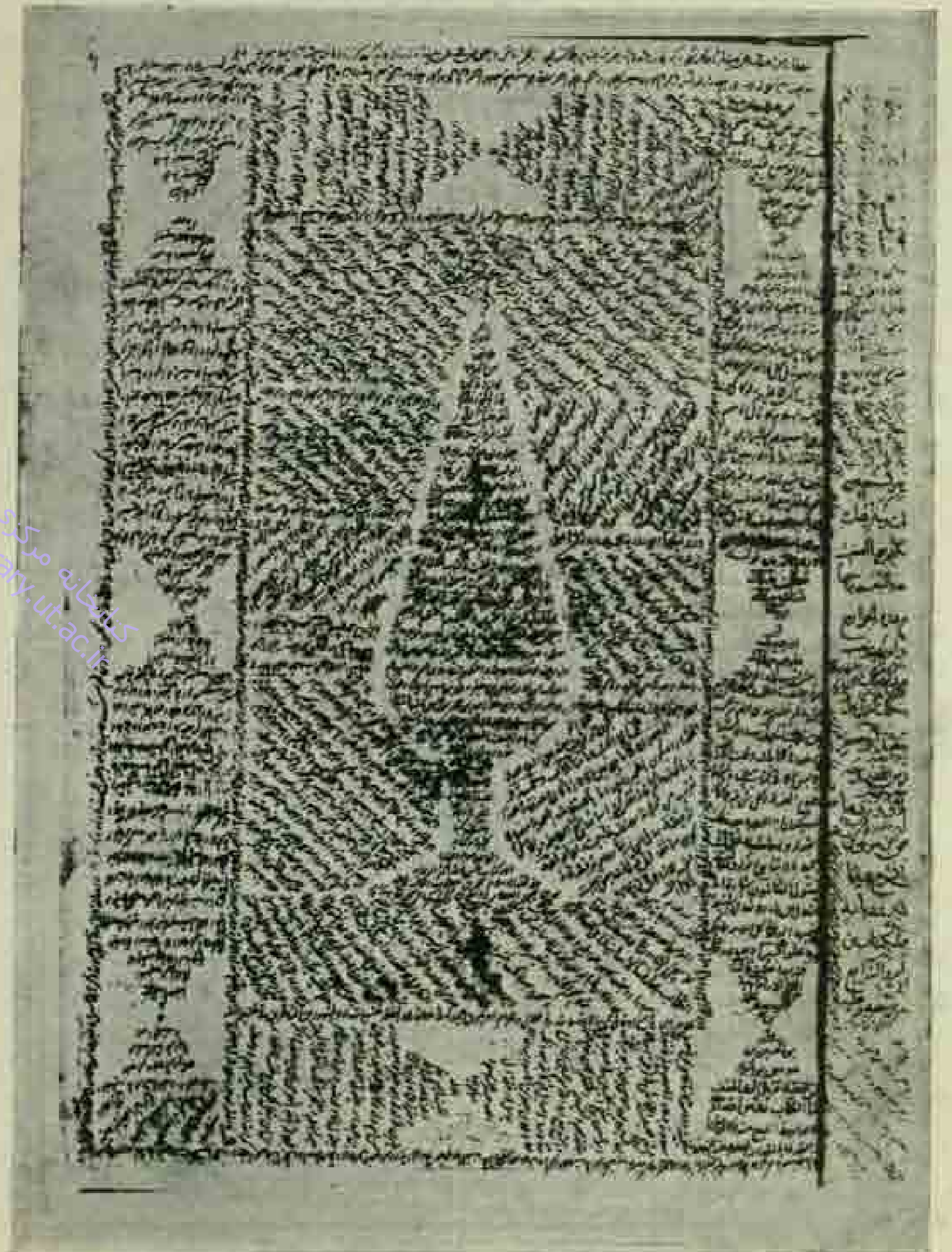
انجام: وما كان فيه عن سعيد بن طريف الخفاف فقد رويته عن ابي . . . عن سعد بن طريف الخفاف.

[۱۵٤۲]

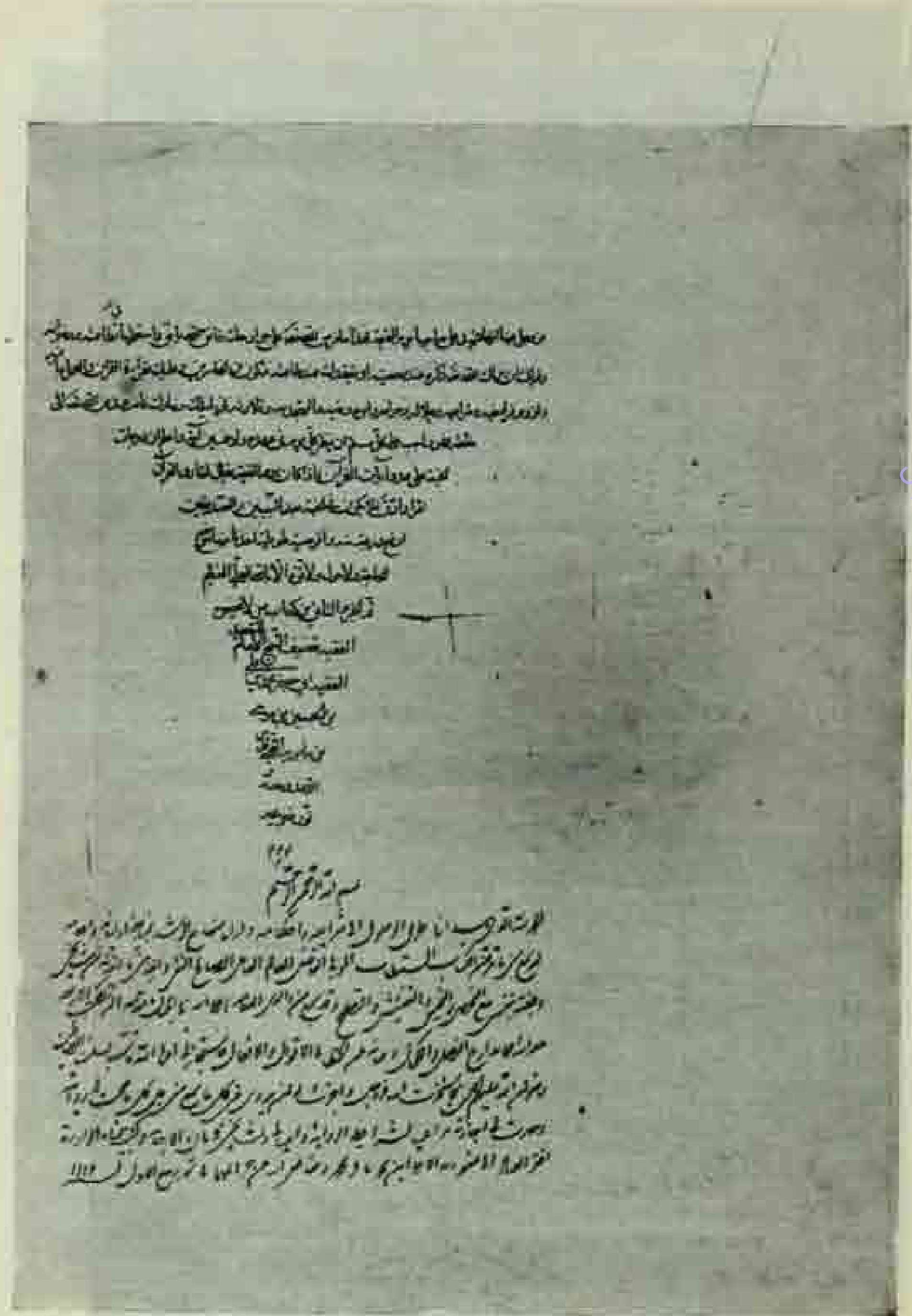
۶۲۲۷ این نسخه ش ۱ و نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف میباشد. حاشیه‌های آن نستعلیق با نشانه‌های «سلط ره» و «م ت ی ر ه» (از شرح مجلسی یکم) و «ب ه ر ه» (از مشرق الشمسين بهائی) و نیز از وسائل و شرح اربعین میباشد. نویسندهٔ متن و حاشیه‌ها مولانا محمدقاسم بن مولانا محمد مؤمن اردستانی است که نزد مجلسی دوم آنرا مقابله کرده و از او اجازه گرفت. اجازهٔ مجلسی در گ ۳۰۰ الف بشکسته نستعلیق هست و گواهی میدهد که اردستانی از من آنرا شنیده است و یادی از بحارهم کرده است. این نسخه بر محمدرضا پسر مجلسی که مرآت العقول را بنام او نوشته است خوانده شده و او در پایان جزو دوم در پایان زیارات بخط خود اجازه‌ای نوشته (۱۷۰ب) و گواهی داد که این را از من و پدرم (اعلی الله فی الجنان مقامه) شنیده



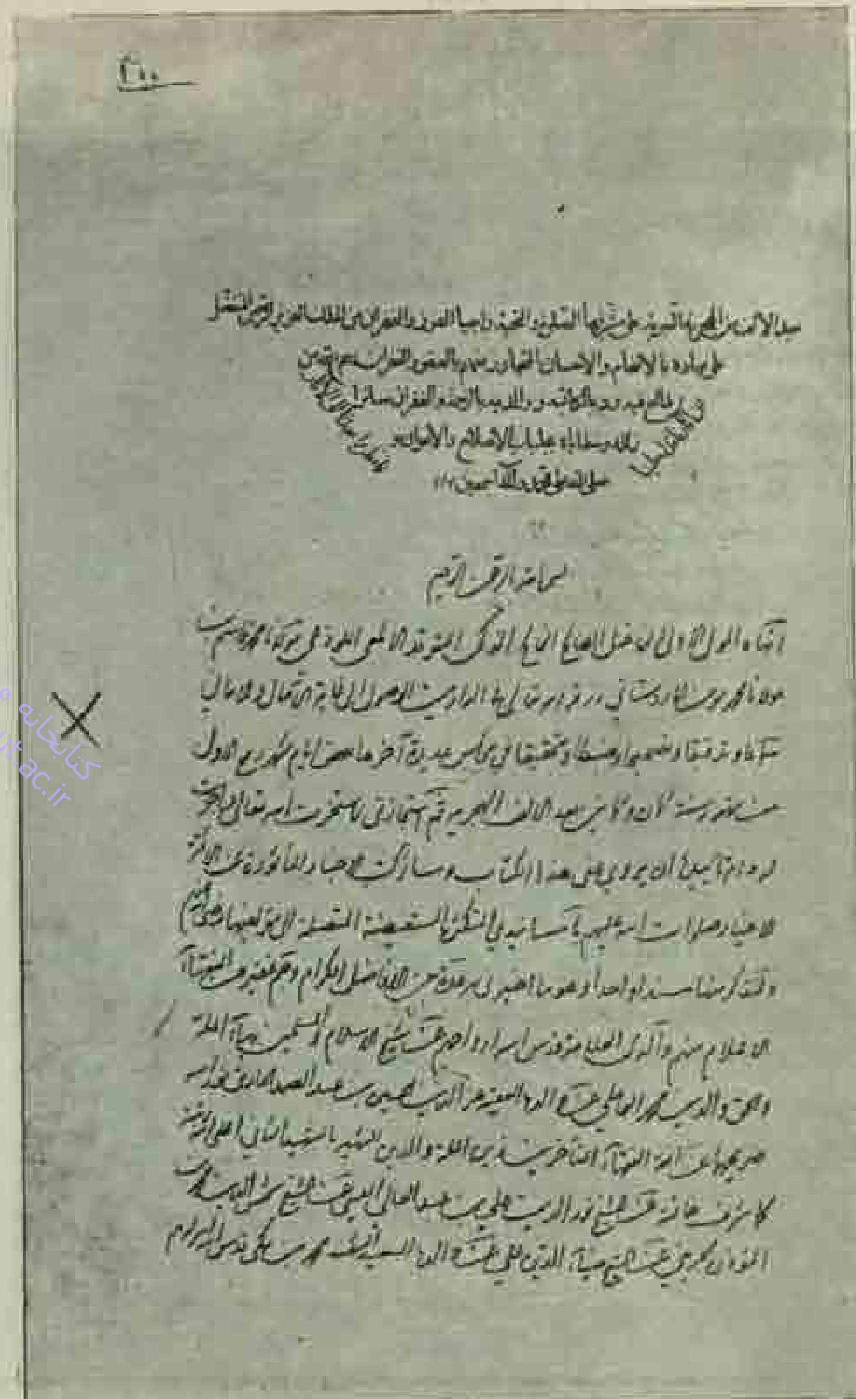
گ ۵ ب من لا یحضر ش ۶۲۲۷



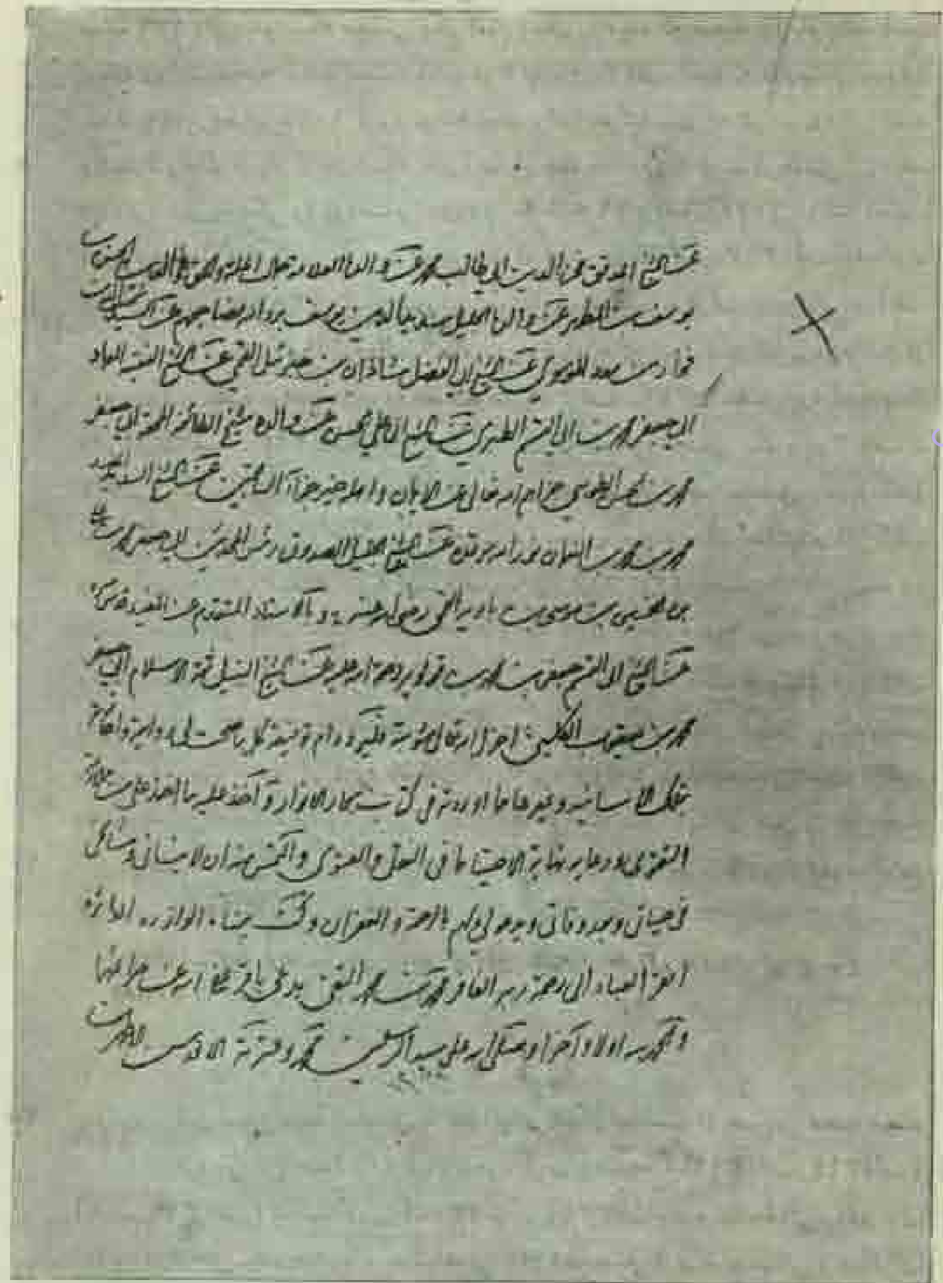
گ ٦ الف من لا يحضر ش ٦٢٧



گ ١٧٠ ب من لا يحضر ش ٦٢٧



گ ۳۰۰ الف من لایحضر ش ۶۲۷



گ ۳۰۰ ب من لایحضر ش ۶۲۷

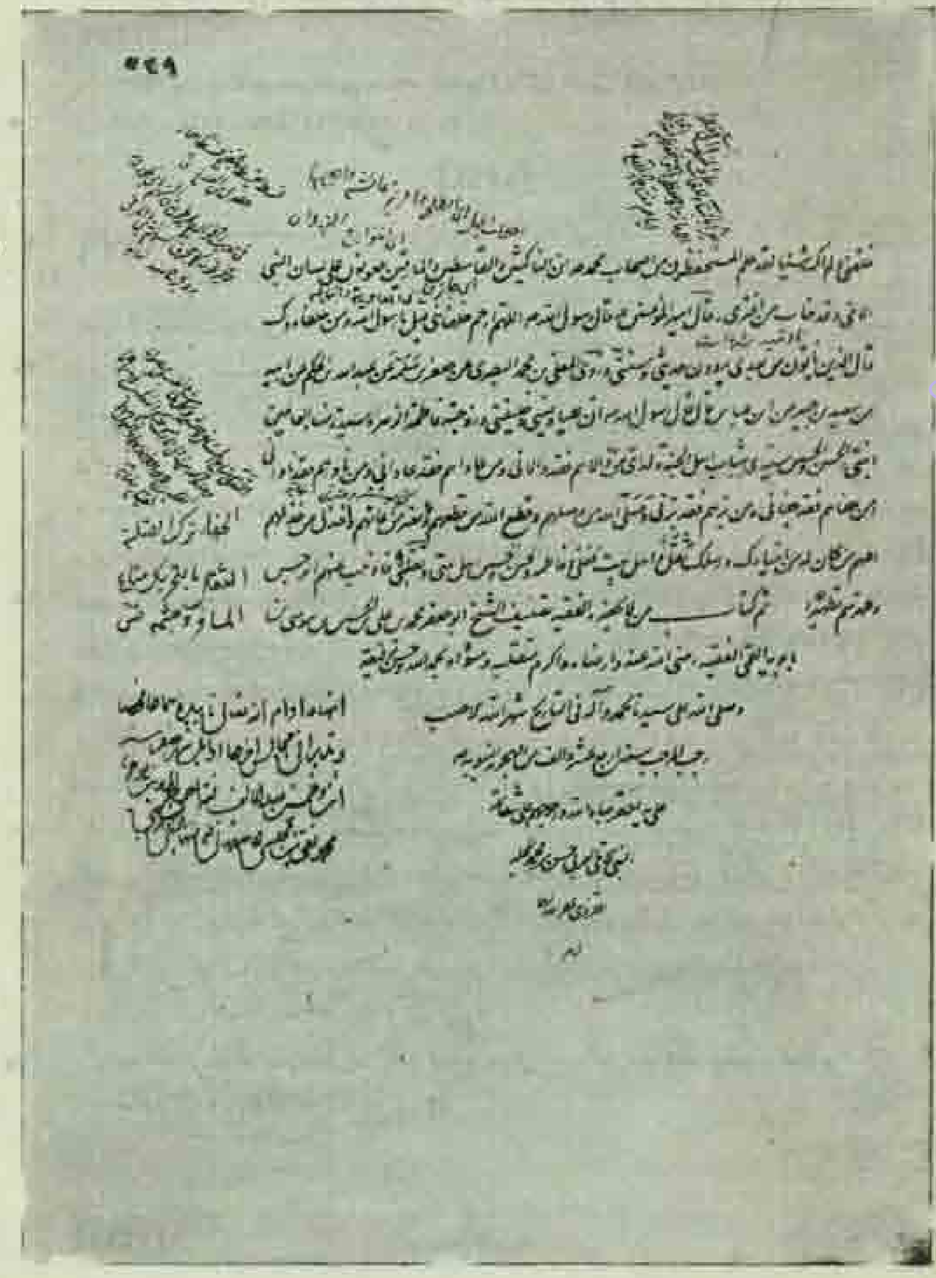
واجازه خواسته ومن دراین تاریخ ربیع دوم ۱۱۱۲ بدو اجازه دادم . دربرگ ۱۷۱ ب ـ ۱۷۲ الف خوابیکه مجلسی یکم امام زمان را دیده که صحیفه را باو داده است وسند روایت صحیفه آمده است . کتاب در۵ ب ـ ۳۰۰ الف است که اردستانی درروز سه شنبه ۱۰ رمضان ۱۰۷۸ آنرا نوشته است . اسانید کتاب در۳۰۱ب ـ ۳۱٤ب است وشمارهٔ رجال با یاد کردن اینکه خبر آنها درست یا نادرست است درهامش آن دیده میشود . این یکی را اردستانی درروز سه شنبه ۲۹ رمضان ۱۰۷۸ نوشته است . فهرست رجال سند کتاب بترتیب تهجی وبارقم ورمز در۳۱٤ب ـ ۳۱۷ الف آمده‌است وشماره رجال تا ۳٥٦ رسانده شده است . این فهرست مانا ازخود اردستانی میباشد. دربرگ۳۱۸ سخنی است ازمجلسی یکم دربارهٔ رمزهای اسنادهای کتاب درحاشیه او برهمین کتاب باسه میانجی ازروی خط‌هو. در۳۱۹الف ـ ۳۲۲ب سخنان پراکنده‌ایست ودر۳۲۱ الف ـ ۳۲۳ الف پاره‌ایست از گزارش فارسی مجلسی یکم . در۲ الف ـ ٤الف ترجمه و گزارش سر آغاز کتابست بفارسی متن نسخ وترجمه نستعلیق . دربرگ٤ سخنی است ازمجلسی دوم بفارسی (درلوامع) دربارهٔ سند روایت حدیثهای این کتاب وجز آن . در ۱ الف دارد که سید محمد باقر رضوی در ٤ رمضان ۱۲٦٦ نسخه را داشته است . در ۱ ب بخط « محمدهادی ره » دارد که خبرهای کلینی نود هزار بیت وتهذیب هشتاد هزاربیت ومن‌لایحضر بیست وهفت هزار بیت است حدیثهای این کتاب رویهم‌میشود :۵۹٦۳ ـ در۵ الف دارد که میرزا محمدهادی نسخه را بکسی بخشیده‌است و مهر آنکس با خط او درد وجا بدینگونه : « لااله‌الاالله‌الملك‌الحق‌المبین . العبد محمد صادق » دیده میشود . نیز دارد : ابتیاعی سنة ۱۱۲۸ـ نیز مهر و خط محمد باقربن محمد مؤمن‌الرضوی که دارندهٔ نسخه بوده‌است . بازخط فرهادبن ولیعهد بتاریخ ۱۷ صفر ۱۲۹٤ که درشیراز این نسخه را خریده است .

(۳۳۱گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج قهوه‌ای حاشیه‌دار مقوائی درون آن تیماج سرخ
اندازه : ۱۷×۲۵ و ۱۰×۱۷ س ۳۵

[۱۵٤۳]

۶۲۸ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف است از حسن‌بن محمد مجلد قزوینی در رجب ۱۰۱٤ (پایان‌خود کتاب ومشیخه گ۳۲۹ الف و۳٤٤ الف) (۱ ب ـ ۳۲۹ الف) اسانید دربرگ۳۳۰ ب ـ ۳٤٤ الف‌است ونشانه‌هائی برای رجال اسانید درهامش دیده میشود . حاشیه‌هائی بنام «محمدتقی» و شیخ بهائی و دیگران هست .

مجلسی یکم بخط خودمی نویسد که کتاب‌را ازاو شنیده‌اند و بازپسین مجلس سماع آن



گ ۳۲۹ الف من‌لایحضر ش ۶۲۸

آغاز صفر ۱۰۵۲ بوده است (گ ۳۲۹ الف) شوابهٔ او گویا همین قزوینی نویسندهٔ نسخه میباشد. در پایان دارد: «در عهد شاه عباس اول تحریر شده است» (گ ۳۴۴ الف).

۳۴۴ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج گردآگی ضربی با برگردان

۵ اندازه: ۱۶×۲۵ و ۱۱×۱۷/۵ س ۳۰

[۱۵۴٤]

۶۲۹ این نسخه بسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است از محمد علی بن کمال‌الدین بن محمد که در روز یکشنبه (۶) شعبان ۱۰۴۰ نوشتن کتاب و در روز شنبه ۱۲ شعبان نوشتن امالیه کتاب را بانجام رسانده. حاشیه‌های انوی دارد. در کنار صفحه‌ها دارد: «بلغ سماعاً منی ایده‌الله تعالی» که باید بخط زین‌الدین علی بن سلیمان بحرانی قدمی ام‌الحدیث (م قدم ۱۰۶٤) باشد. او شاگرد محمد بن حسن بن رجب مقابی بحرانی وشیخ بهائی بوده است. در بحرین او نخستین بار بدستور صفویان امام جمعه شده بود و سپس استادش مقابی باین پایگاه رسید. این بحرانی رهبر علمی بحرین هم بوده وبر تهذیب واستبصار ومختصر نافع حاشیه نوشته است (فوائد رضویهٔ قمی ۱: ۳۰۲)

۱۵ هبو گواهی میدهد که محمد تقی بن محمد رضی شیرازی این کتاب را ازمن شنیده واجازهٔ روایتی بدو داده است و تاریخ آن جمادی دوم سال ۱۰۵۸ و ۲ صفر ۱۰۵۹ میباشد (پایان جزو دوم که در روز شنبه ۱۹ ع ۱/ ۱۰۴۰ نوشته شده است ص ۳۹۱ و در تکلح ص ۵۲۰) ـ کتاب: ص ۱ ـ ۷٤۵ ـ امالیه: ص ۷٤۸ ـ ۷۸۱ ـ در گ ۱ الف تاریخ جمادی دوم سال ۱۲۸۸ از کسی که نسخه را خریده است دیده میشود و مینویسد

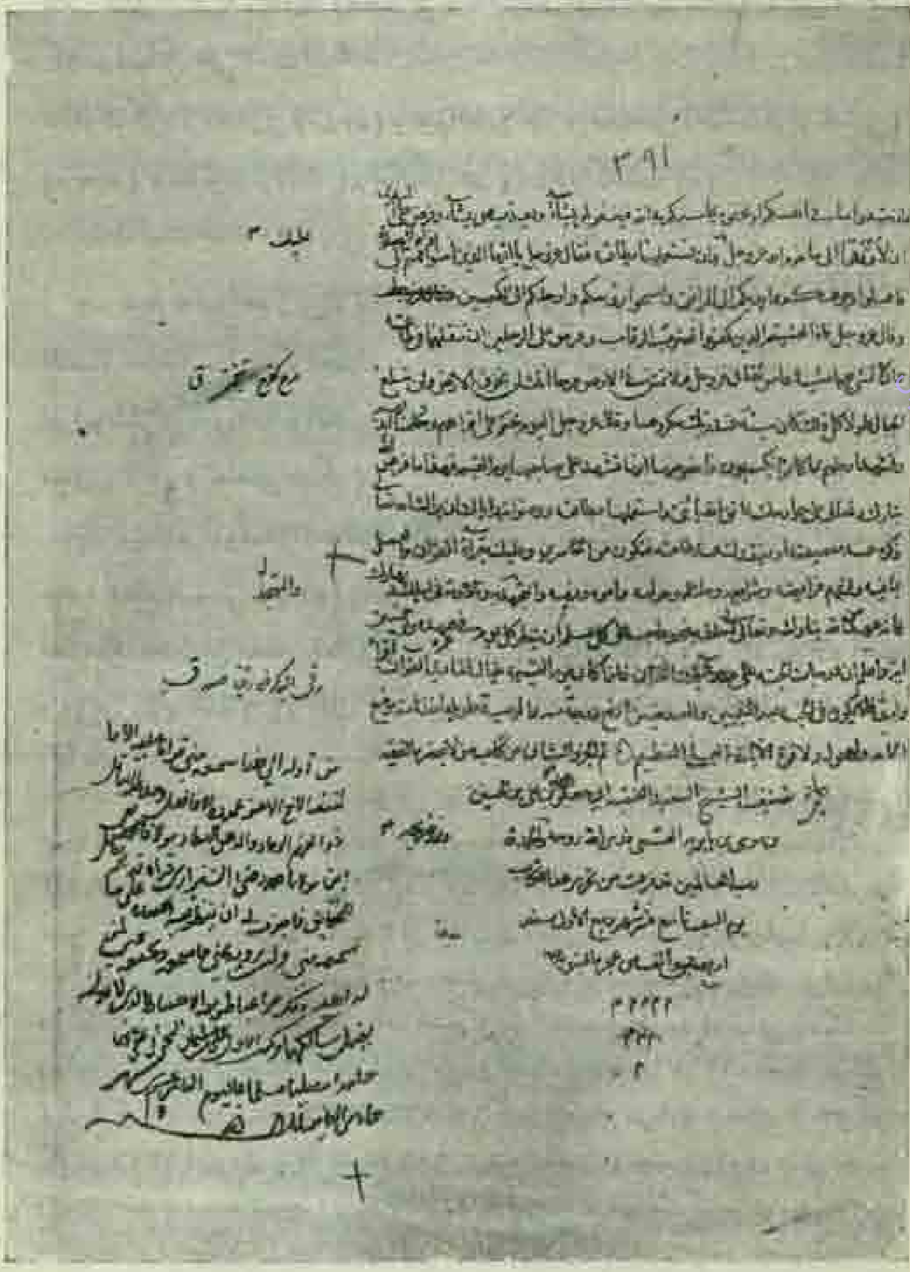
۲۰ که درست ۱۲۸۷ است. محمد حسین بن فخرالدین احمد موسوی در ۱۱۳۵ ومیرزا آقا الشهیر بابوطالب ابن الحاج میرزا دارندهٔ نسخه بوده‌اند. کسی دیگر در تاریخ ربیع یکم ۱۲۸۷ نوشته که آنرا از کتابفروش گران خریدم وآنرا خواهم خواند و اگرچه ازعمرم چیزی نمانده حاشیه بخط خود بر آن می نویسم. پاره‌ای از حاشیه‌ها ازاو باید باشد. برگ دوم نسخه افتاده و کم دارد.

۲۵ (۳۹۱ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده کناره‌ها کاغذ چسبیده است.

اندازه: ۲۰×۳۱ و ۱۱×۱۹/۵ س ۲۳

[۱۳۱۸] مناقب (عربی)

صدرالائمه (اخطب) خطیب خوارزم ابی المؤید (ابومحمد) موفق بن احمد المؤید بن



گ ۳۹۱ الف من لایحضر ص ۶۲۹

ابی‌سعیداسحاق‌المؤید (محمد) بن سعید خوارزمی مکّی حنفی فقیه محدث حافظ ادیب شاعر که به « خلیفهٔ زمخشری » نامبردار بوده است نگارندهٔ این مناقب که درفضائل علی است میباشد.

اوشاگرد زمخشری (م ٥٣٨) ونجم‌الدین عمربن‌محمدبن احمدنسفی (نخشبی) (م ٥٣٧) بوده ودر نزدیك ٨٤ سالگی در ٥٦٨ در گذشت (١).

چنین است اسناد روایتهای خوارزمی دراین مناقب:

١ـ شیخ امام‌زاهد زین‌الائمه‌ابوالحسن علی‌بن‌احمد عاصمی خوارزمی ازشیخ القضاة اسمعیل‌بن‌احمد واعظ از پدرش شیخ‌السنه ابوبکر احمدبن‌الحسین بیهقی از ابوبکربن‌بابویه و ابوالحسن محمدبن‌الحسین‌بن داودالعلوی (١٠ب و٢٠ب ـ مقتل ١ : ٤٣ و جاهای دیگر).

٢ـ سیدالقراء وصدرالحفاظ ابوالعلاء حسن‌بن احمدبن ابی‌الحسین‌بن احمدبن محمد عطارهمدانی (م٥٦٩) (فهرست قمی ص ٦) وامام اجل‌نجم‌الدین ابومنصور محمدبن حسین‌بن محمد بغدادی (با اجازه) از مهذب‌الائمه (١١ الف و٣٣ الف و٦١ ب و٧١ الف و ٧٤ الف ـ مقتل همو ١ : ٢٢ و جاهای دیگر) و امام اجل

١ـ بنگرید به : بغیة‌الوعاة سیوطی ص ٤٠١ـ الجواهرالمضیئة٢ : ١٨٨ـ روضات ص ٧٢١ از همان بغیه و رجال میرزامحمد محدث اخباری نیشابوری ـ ریحانة‌الادب ١ : ٤٦ ـ معجم‌المطبوعات ص١٨١٧ـ عبقات‌الانوار ٦ : ٢٧٨ـ٣١٢ دربارهٔ حدیث تشبیه ـ نامهٔ دانشوران ٤ : ١ـ٣٨ از عبقات ـ الغدیر عبدالحسین تبریزی ١ : ١٠٧ ٤ : ٣٤٠ـ٣٤٩ که از دو کتاب مناقب ومقتل او بهره برده شده وشعرهای خوارزمی دربارهٔ غدیر در آن آمده ونشان داده شده که سرگذشت او درچه کتابهائی یادگشته ـ دیباچهٔ برچاپ مقتل‌الحسین همین خوارزمی درنجف دردوجلددر١٣٦٧ـ مجلهٔ یادگار سال ٤ ش ١٨ اردیبهشت ١٣٢٧ص ٥٦ـ٦٤ گفتارقزوینی دربارهٔ نسخه‌ای ازمقتل او که در ١٣٠٦ از روی نسخهٔ تاریخ ٩٨٦ نوشته شده و درنجف از روی همان بچاپ رسیده است ـ سیدهاشم بحرانی در آغاز «غایة‌المرام» درفهرست کتابهای سنی ازاین مناقب یاد کرده بدینگونه : فضائل امیرالمؤمنین‌لصدرالائمة‌عندالمخالفین واخطب‌الخطباء عندهم‌ابی‌المؤید موفق بن احمد المکی‌الخوارزمی» نیزص١٦و٢٣و٣٤وجاهای‌دیگر.

نورالهدی ابوطالب محمدبن علی زینبی (٧٧ الف).

٣ـ علامه‌فخرخوارزم‌ابوالقاسم‌محمودبن‌عمرزمخشری‌خوارزمی(م ٥٣٨) ازاستاد امین ابوالحسن علی‌بن‌الحسین‌بن مردك رازی (٦٥ الف ـ مقتل ١ :٣).

٤ـ سیدالحفاظ زین‌الدین‌ابومنصورشهرداربن امام اجل حافظ ابوشجاع شیرویه‌بن شهرداردیلمی همدانی (م ٥٥٨) درنامه‌ایکه ازهمدان بدو نوشته‌است ازمحمودبن اسماعیل از احمدبن فاذشاه از طبرانی (٤ الف و ١٠ ب و ٧٣ الف و ٧٦ الف ـ مقتل ١ : ٣٠).

٥ـ شهاب‌الدین‌افضل‌الحفاظ‌ابوالنجیب سعدبن عبدالله‌بن‌الحسین (الحسن) همدانی مروزی که ازهمدان بدو نوشته‌بود (٦ب و١٢ الف و٣٣ الف و ٧٠ الف و ٧٤ ب و٧٥ الف ـ مقتل ١ : ٣٨).

٦ـ شیخ امام عین‌الائمة استاد ابوالحسن علی‌بن احمد کرباسی خوارزمی درخوارزم (٨ الف و ١٣ الف و ١٨٩ الف ـ مقتل ١ : ١٤).

٧ـ استاد عمادالدین ابوعبدالله محمدبن ابراهیم وبری خوارزمی (٨ب).

٨ـ امام‌اجل‌اخی سراج‌الدین رکن‌الاسلام‌امام‌الحرمین‌ابوالفرج محمدبن احمد مکی ادام‌الله سموه (٨ ب و ٢٣ ب و ٥٧ ب ـ درمقتل ١ : ٣ دربارهٔ او « رحمةالله علیه » میگوید).

٩ـ مهذب‌الائمه ابوالمظفر عبدالملك‌بن علی‌بن محمد همدانی بغدادی (٩ و١٠ الف و ٦٧و٧٧ب ـ مقتل ١ : ٤٨).

١٠ـ شیخ امام زاهد ابوطاهر محمدبن محمدالسنجی (الشیجی) درمرو وادیب ابوبکرمحمدبن حسن‌بن ابی‌جعفربن ابی‌سهل زوزنی که ازمرو بدو نوشته بود (١٥ الف).

١١ـ ابوالفتح عبدالملك‌بن‌ابی‌القاسم‌بن‌ابی‌سهل کروخی هروی (م ٥٤٨) که دربرگشت ازحج بسال ٥٤٤ ازاو حدیث فراگرفته است (١٥و١٦ ب و ٢٤ الف ـ مقتل ١ : ٩).

۱۲- صمصام الائمة ابوعفان عثمان بن احمد صرام خوارزمی (۱۶ و ۱۷ الف).

۱۳- ابوبکر محمد بن عبیدالله بن نصر بن حسین چاچی (شاشی) (۲۴ الف).

۱۴- صفی الائمه ثقة الحفاظ ابوداود محمود (محمد) بن سلیمان بن محمد خیام همدانی که از همدان بدو نوشته بود (۲۵ و ۶۹ الف - مقتل ۱ : ۶۵).

۱۵- شیخ امام ابومحمد عثمان بن ابی منصور عصاری طوسی که از نیشابور بدو نوشت (۵۸ الف).

۱۶- شیخ امام برهان الدین ابوالحسن علی بن الحسین غزنوی (م ۵۵۱) که در بغداد در خانه‌اش پایان ربیع یکم ۵۴۴ بدو گفته است. (۶۲ الف آغاز فصل ۱۹- مقتل ۱ : ۱۱۱).

۱۷- کمال الدین ابوذر احمد بن قاضی القضاة شهاب الدین ابوعبدالله محمد بن امام احمد بن علی بن بنداد (۶۸ ب).

۱۸- شیخ امام تاج الدین شمس الادبا افضل الحفاظ محمد بن بنان (نعیمان - سمان) بن یوسف همدانی که از همدان بدو نوشته بود از ابوسعید شجاع بن المظفر بن شجاع العدل در ذیحجة ۴۹۴ (۶۹ الف و ۷۴ ب و ۷۹ الف) (۱).

۱۹- شیخ ثقة عدل حافظ ابوبکر محمد بن عبد (عبید) الله بن نصر بن زاغونی (م ۵۵۲) که در برگشت از حجاز در بغداد از او حدیث فرا گرفت (۷۷ ب - مقتل ۱ : ۶ و ۱۰۶ : ۲ و ۸۳ و ۱۶۸).

۲۰- فقیه ابوسعد فضل بن محمد استرابادی که بچند واسطه میرسد بابوالفضل بن

۱- در چهارده داستان پایان اربعین قمی در سند یکم و چهارم آن از «الشیخ ابوعلی بنیمان (بیهان) بن حیدر (جندب) بن الحسن بن ابی عدی البیع الکاتب» یاد شده است (ص ۷۹ - ۱۰۰ همین فهرست) در النقض رازی (ص ۲۲۴) نام «شمس الدین محمد بنیامان (سمان) طبرسی مستوفی» آمده که گویا ابهم «بنیمان» یا «بنمان» باشد در محاسن اصفهان مافروخی و ترجمهٔ آن از آوی بنام ابوالعلاء بختیار فرزند بنیمان پسر خرزاد وهشفروز پسر خره پسر نیمان از شاعران پارسی و تازی گوی سپاهان در زمان مافروخی و سروشیار پسر بنیمان فیلسوف روزگار او بر میخوریم (محاسن ص ۳۳ و ۱۱۸ و ۳۵ - ترجمه ۱۲۵ و ۱۲۸ و ۱۲۶) پس درست این نام همان «بنیمان» باید باشد.

ابی طاهر بار ابی عثمان جاحظ که «مائة کلمة» را برای او گرد آورد. همین «مائة کلمه» در اینجا آورده شده است (فصل ۲۴-۸۵ و ۸۶ ب) (۱).

از سندهای ۸ و ۱۱ و ۱۶ برمیآید که خوارزمی از سال ۵۴۴ و پیش از مرگ برادر خود بنگارش این مناقب میپرداخته است و مقتل را پس از مرگ او و باگزیر پس از این مناقب نگاشته است (در آغاز چاپی سندهائی هم دیده میشود).

خبرهای مرسلی هم در آن آمده مانند مراسیل معجم طبرانی (۹ ب و ۷۴ الف) و مراسیل الناصر للحق (۲۹ و ۷۴ الف) و مراسیل دیگر (۶۰ الف) نیز از تاریخ ابوعلی بیهقی سلامی والمحبر الکبیر ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی

۱- خوارزمی را بجز این دانشمندان استادان دیگری هم بوده است:

۱- امام مسعود بن احمد دهستانی که روایتی از دهستان برای او نوشته بود (مقتل ۲۶ : ۶۳).

۲- سدیدالدین محمد بن منصور بن علی دیوانی مقری در کوی نصرآباد شهر ری (۲ : ۳).

۳- ابوالفضل عبدالرحمن بن محمد کرمانی (۱ : ۵۳ و ۵۷).

۴- ابوالقاسم منصور بن نوح شهرستانی که در برگشت از حج در ۱ ج ۵۴۴/۱ از او حدیث فرا گرفت (۲ : ۱).

۵- مبارک بن محمد سقطی که در دیر عاقول بر او حدیث خوانده است (۱ : ۱۱۳).

۶- سیف الدین ابوجعفر محمد بن عمر بن ابی علی حمجی که برای او نوشته است (۱ : ۸۰).

۷- شیخ سعید بن محمد بن ابی بکر فقیمی از روی اجازه (۱ : ۲۸).

۸- رکن الائمه عبدالحمید بن میکائیل (۱ : ۱۳۰).

۹- فخر الائمة ابوالفضل بن عبدالرحمن حفربندی باجازه (۱ : ۵).

۱۰- ابوالفتح عبدالواحد بن حسن باقرحی بغدادی (۱ : ۴۵).

۱۱- مجدالدین ابوالفتوح محمد بن ابی جعفر محمد طائی م ۵۵۵ که برای او نوشته است (۱ : ۲۱).

۱۲- ابوالحسن علی بن احمد بن حمویه جوینی (۱ : ۹).

۱۳- ابوالحسن بن شبران العدل در بغداد (الغدیر).

۱۴- ابوعلی حداد (الغدیر).

۱۵- حسین بن نجار (الغدیر).

والمعارف ابن‌قتیبه (۹۰ ب) شعرهائی درستایش از خاندان پیامبر از بدیع‌الزمان همدانی (۹و۳۰ ب) وصاحب عباد (۱۵و۱۷ و۳۲ ب) و حسان (۲٤ الف) و سید حمیری (۳۰و۳۲ ب) در آن آمده است. گاهی لغات خبرهاهم در آن گزارش میشود (۱۹ و ۲۸ ب و۲۹ الف و ۳٤ ب و ۳٦ و ۳۸ و ۳۹ و٤۲ الف و جاهای دیگر) خبری در آن آمده که پیامبر از رافضیان نکوهش میکند (فصل ۲۱ ۸۱ ب).

در پایان آن دو قصیدهٔ بائیه و یك نونیه است از خود او درستایش از امیر مؤمنان پس از «قال» یا «قال رضی‌الله عنه» و دومین آنها در الغدیر یاد شده وپاره‌ای از آغاز هر سه در دیباچهٔ مقتل دیده میشود. در خود مقتل (۲: ۱۵۸–۱٦۵) نثر و نظمی از او است در سوگواری حسین ع و بسیار شیوا است.

این دانشمندان شاگرد خوارزمی بوده‌اند.

۱- برهان‌الدین ابوالمکارم عبدالسید ناصر بن ابی‌المکارم مطرزی خوارزمی (۵۳۸ – ٦۱۰) که مناقب را از او روایت میکرده است (بغیه ص ٤۰۲ – اجازهٔ حلی به بنی زهره و اجازهٔ نگارندهٔ معالم در بحار ۲۵: ۲۵و۱۱۲).

۲- مسلم بن علی بن الاخت که راوی همین مناقب بوده است (بحار ۳۲).

۳- ابوالرضا طاهر بن ابی‌المکارم عبدالسید بن علی خوارزمی راوی همین مناقب از خود او. چنانکه در بحار (۳۵) آمده نجیب‌الدین یحیی بن سعید حلی (م ٦۸۹) آنرا در ۵۹۳ نزد ابومحمد عبدالله بن جعفر بن محمد حسینی خوانده واو آنرا از همین ابوالرضا روایت داشته است.

٤- ابن شهر آشوب مازندرانی که باخوارزمی نامه‌نگاری داشته است (آغاز مناقب او که در آغاز نخب‌المناقب ودیباچهٔ بحار هم هست – مقابس ص ۱٦).

۵- جمال‌الدین بن معین که مقتل اورا روایت میکرده است (فرائدالسمطین).

٦- ابوالقاسم ناصر بن احمد بن بکر نحوی (م ٦۰۷) (بغیه ٤۰۲).

این است نگارشهای خوارزمی:

۱- مناقب ابی حنیفه که درد کن بسال ۱۳۲۱ بچاپ رسید.

۲- ردالشمس لامیرالمؤمنین (مناقب ابن شهر آشوب ۱: ٤۸٤).

۳- الاربعین فی مناقب النبی الامین ووصیه امیرالمؤمنین که ابن شهر آشوب درمناقب خود آن بهره برده است. خوارزمی در مقتل خود در پایان فصل چهارم درفضائل علی (۱: ۵۰) میگوید «مجموعی فی فضائله الموسوم بالاربعین».

٤- قضایا امیرالمؤمنین (ابن شهر آشوب ۱: ٤۸٤).

۵- مقتل الحسین که جمال‌الدین بن معین از او روایت دارد و بچاپ هم رسید.

٦- فضایل امیرالمؤمنین که به «مناقب علی بن ابی طالب» نامبردار است.

۷- المسانید علی البخاری.

۸- دیوان شعر او.

از این کتابها برمیآید که خوارزمی بیشتر بسود شیعیان کار کرده است.

گرچه در بغیة‌الوعاة و الجواهر المضیئه از این مناقب یاد نشده است ولی در کتابهای شیعی این را از او دانسته‌اند چنانکه کنجی م ٦۵۸ در کفایة‌الطالب و ابن طاوس م٦٦٤ و یوسف بن ابی حاتم شامی در الدرالنظیم و اربلی م٦۹۲ در کشف‌الغمه و حمولی م ۷۲۲ در فرائدالسمطین و حلی م ۷۲٦ در کشف‌الیقین و ابن‌الصباغ مکی م ۸۵۵ و بیاضی م ۸۷۷ در الصراط المستقیم و ابن حجر عسقلانی م ۹۷۳ و بحرانی م ۱۱۰۷ در غایة‌المرام و ابوالحسن شریف م ۱۱۳۸ در ضیاء‌العالمین و شبلنجی در نورالابصار و قندوزی در ینابیع‌المودة و حضرمی در رشفة‌الصادی از مناقب نقل کرده‌اند. دانشمندان دیگری هم از سنیان در بارهٔ مناقب رهبران شیعی کتاب نوشته‌اند مانند ابن حنبل در فضائل‌العشرة و نسائی (م ۳۰۳) و ابن ابی یحیی بن حمید حلبی (م ٦۳۰) در مناقب‌الائمة‌الاثناعشر (چلبی ۲: ۲ – ۵۳۱) و ابن جوزی عبدالرحمن نگارندهٔ مناقب احمد بن حنبل در مناقب علی بن ابی طالب (ذیل چلبی ۲: ۵٦۱).

پس آنچه که ذهبی میگوید که دروغهای خوارزمی در مناقب از روایتهائی است که از «محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان» میکرده است سخنی است

بی‌پایه و مانند دیگر سخنان او دربارهٔ آیین شیعی.

فهرست فصلها:

۱- اسامیه و کناه والقابه وصفاته ۲- نسبه من قبل ابیه وامه ۳- بیعته ٤- اسلامه و سبقه الیه و سنه حین اسلم ٥- انه من اهل البیت ٦- محبة الرسول ایاه وتحریضه علی محبته و نهیه عن بغضه ۷- غزارة علمه و انه اقضی الاصحاب ۸- الحق معه وهو مع الحق ۹- انه افضل الاصحاب ۱۰- زهده وقناعته ۱۱- صعوده ظهر النبی لکسر الاصنام ۱۲- تورطه المهالك و شری نفسه ابتغاء مرضات الله ۱۳- رسوخ الایمان فی قلبه ۱٤- انه اقرب الناس من الرسول ومولی کل من هو مولاه ۱٥- امر الرسول ایاه تبلیغ سورة البراءة ۱٦- محاربته الکفار والمشرکین والناکثین والقاسطین والمارقین وماجاء عن النبی فی جهاده وهو فصول اربعة (۱- محاربته الکفار ۲- واهل الجمل ۳- و اهل الشام ٤- والخوارج) ۱۷- الآیات المنزلة فی شأنه ۱۸- انه الاذن الواعیة ۱۹- فضائله ۲۰- تزویج الرسول ایاه فاطمة ۲۱- انه من اهل الجنة وهی مشتاقة الیه وهو مغفو الذنب ۲۲- انه حامل لواء الرسول یوم القیمة ۲۳- النظر الیه وذکره عبادة ۲٤- جوامع کلمه وبوالغ حکمه ۲٥- من غیّر الله خلقهم واهلکم بسبه ایاه ۲٦- مقتله ۲۷- مدة خلافته ومبلغ سنه.

مناقب بخط نسخ محمد تقی بن جلیل تبریزی بفرمایش حاجی محسن آقای ملك التجار در کارخانهٔ استاد عبدالله در ۳-۱۳۱۲ در ۲۸۰ ص بچاپ سنگی رسید دیباچه‌ای بتاریخ ۱۳۱۱ ازمحمد باقر بن محمد جعفر همدانی بهاری درسر گذشت خوارزمی ازروی کشف الیقین حلی و الیقین ابن طاوس و از ابن نجار وابن حجر و کنجی وحموینی و جواهر سنیهٔ حر عاملی و غایة المرام بحرانی و ینابیع المودة قندوزی در آغاز آن هست (۱).

۱- چنین است چاپ شدهٔ آن:

آغاز: بسمله. و به نستعین قال الامام الاجل الصدر ضیاء الدین شمس الاسلام ناصح (تاج) الخلفا مفتی الامه مقتدی الفریقین صدر الائمه اخطب الخطبا ابو المؤید موفق ابن

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز نسخه‌ها: بسمله. من الفضائل ماجاء للعلی بن ابی طالب. وفضائله تشتمل علی سبعة وعشرین فصلا ... (فهرست فصول) الفصل الاول فی بیان اسامیه و کناه

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

احمد المکی البکری الخوارزمی رضی الله عنه ذکر فضائل امیر المؤمنین ابی الحسن علی بن ابیطالب علیه السلام بل ذکرشئ منها اذ ذکر جمیعها یقصر عنه باع الاحصاء بل ذکر اکثرها یضیق عنه نطاق طاقة الاستقصاء یدلك علی صدق ما ذکرت ما اخبرنی به السید الامام الاجل المرتضی شرف الدین عز الاسلام علم الهدی نقیب نقباء الشرق والغرب ابو الفضل (المفضل) محمد بن علی بن محمد بن المطهر بن مرتضی الحسینی فی کتابه الی من مدینة الری جزاه الله عنی خیرا (فی بعض النسخ صدر الکتاب هکذا) الحمد لله رب العالمین ولاعدوان الا علی الظالمین والصلوة علی سیدنا محمد وآله وصحبه اجمعین وبعد فیقول العبد الفقیر الی مولانا القدیر ضیاء الدین عماد الاسلام ناصح الخلفاء مفتی الانام مقتدی الفریقین صدر الادباء اخطب الخطباء موفق ابن احمد الخوارزمی رحمه الله واعاد علینا وعلی المسلمین من برکاته آمین ذکر فضائل الی آخر) قال اخبرنی السید ابو الحسن علی بن ابی طالب الحسینی السیلقی (السلقی) (باید سلیقی باشد که استاد قطب راوندی هم بوده است) بقرائتی علیه قال اخبرنی الشیخ العالم ابو النجم محمد بن عبد الوهاب بن عیسی السمان الرازی قال اخبرنی الشیخ العالم ابو سعید (سعد) محمد بن احمد بن الحسین النیسابوری الخزاعی ... اخبرنی محمد بن علی بن محمد بن جعفر الادیب بقرائتی علیه قال انبأنی الامام الحافظ صدر الحفاظ ابو العلا الحسن بن احمد العطار الهمدانی و قاضی القضاة الامام الاجل نجم الدین ابو منصور محمد بن الحسین بن محمد البغدادی قال انبأنا الشریف الامام الاجل نور الهدی ابوطالب الحسین بن محمد بن علی الزینبی رحمه الله عن الامام محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان قال حدثنی المعافا بن زکریا ابو الفرج ... و انبأنی ابو العلا الحافظ اخبرنی به الشیخ الامام الزاهد فخر الائمة ابو الفضل بن عبد الرحمن الحفربندی (الحفرتیدی) الخوارزمی جزاه الله خیرا فی اجازة قال اخبرنی الشیخ الامام ابو محمد الحسن بن احمد السمرقندی ... قال رض وفضائله تشتمل علی سبعة وعشرین فصلا الفصل الاول ... الفصل الاول فی بیان اسامیه و کناه والقابه وصفاته. الاسامی ...

انجام:

هم یلاقونه فی قعر نارهم　　مع الشیاطین مقرونون فی قرن

الدعا. قال رض الحمد لله باری النسم ومقدر القسم وکاشف الغمم ... انك اکرم الاکرمین وغفور ذنوب الاثنین حسبنا الله ونعم الوکیل.

و القابه و صفاته . الاسامی : اسمه‌اللذی اشتهر به علی . و جاء فیه یوم بدر حین احسن‌البلاء : « لاسیف الاذوالفقار ولافتی الا علی » .

انجام : الفصل‌السابع والعشرون فی مبلغ سن امیرالمؤمنین . . . اکثر روایات‌المحدثین و اصحاب‌التواریخ انه استشهد هو ابن ثلث و ستین سنة . . .
(گ ۹۰ الف) الحسن والحسین و زینب‌الکبری و ام کلثوم‌الکبری و سائرهم من امهات شتی . قال :

هل ابصرت عیناك فی المحراب	کابی تراب من فتی محراب
لله در ابی تراب انه	اسدالحراب و زینة‌المحراب

☆☆☆

هم بلا توبة فی قعر نارهم	مع الشیاطین مقرونون فی قرن

(پایان شعرهائیکه درستایش علی آورده شد . گ ۹۲ الف) .

[۱۵۴۵]

۶۲۱ این نسخه نسخ با عنوانهای شنگرف و میانه سطرهای دو صفحهٔ نخستین زراندود وحاشیهٔ این دوصفحه گل و بوتهٔ لاجورد و شنگرف با زمینهٔ زرین دارد و یا سرلوحی بسیار زیبا و همه صفحه‌ها درجدول است بزرگی لاجورد و کوچکی زر ولاجورد وشنگرف است .

(۳۹۳ط) ـ کاغذ ارمه ـ جلد تیماج مشکی ضربی دارای گل و بوتهٔ سرخ و طوالی
اندازه : ۱۶×۲۵ ـ ۱۰×۱۸ س ۲۴

[۱۳۱۹] مناهج الشارعین (فارسی)

عبدالحسیب حسینی فاطمی محمدبن سیداحمد علوی حسینی عاملی نگارندهٔ فطرهٔ ملکوتیة در گزارش اثنی عشریة بهائی در ۱۰۵۸ وسدرة المنتهی در کلام و عرفان برای عبدالله قطب شاه در ۲۰ ج۲/۱۰۶۲ (طوس ٤ : ۱۰۶۱ و ۵ : ٤۷۱) برای سلطان سلیمان صفوی (۱۰۷۷ ـ۱۱۰۵) این دفتر را در اصول و فروع دینی و اخلاق از روی اخبار پرداخت وآن در چهارده منهج هریك چند شارع

است وفهرست بخشهای آن در دیباچه دیده میشود وسبك فارسی آن بیشتر نمایش ترجمهٔ از تازی را دارد . خودآنرا در دیباچه چنین نامیده است . او درتقدیس الانبیاء از این مناهج یاد نموده است . (ص ۵٦۹ همین فهرست ـ نیز روضات ص ٦٤۲ـ ذریعه ٤ : ۱۵۰) .

آغاز نسخه : لهم‌الارض‌المیتة . . . فنه یاکلون و چهره و عذار صحاری وباغ را از گلگونه وخال لاله وداغ برفاه وفراغ ایاغ رعونت وساغررطوبت چشانیده . . چون همگی خاطر این کمینه . . محمدبن سید احمدالعلوی العاملی الشهیر بعبدالحسیب الحسینی الفاطمی .

انجام : واین قصه نیزطولانی بود وازاعاظم امور وشداید عظام باشد . تمت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب . قد وقع‌الفراغ من تسوید هذه‌النسخة الشریفة المرشدة فی شهر صفر خیرالاثر من سنة ۱۰٦۸ غسح علی یداقل خلق‌الله الغنی ابن سیداحمدالعلوی العاملی یدعی عبده محمداًعبدالحسیب الحسینی الفاطمی العلوی ختم‌الله له فی نشأتیه بالحسنی وسقاه من رحیق القدس الاعلی حامداًمصلیاً مستغفراً والحمدلله حق حمده .

[۱۵٤٦]

۵۱۷ این نسخه نسخ خوش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف است ازخود عبدالحسیب که درصفر ۱۰٦۸ آنرا پایان رسانده .

(۳۴۴ط) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی با برگردان
اندازه : ۱۴/۵×۲۴ و ۶/۵×۱۶/۵ س ۲۳

[۱۳۲۰] منتخب البصائر (عربی)

ابوالقاسم سعدبن عبدالله بن ابی خلف امیری اشعری قمی (۲۹۹ یا روز چهارشنبه ۲۷ شوال ۳۰۰) دانشمند بزرگوار و آشنای بخبرهای شیعی و سنی که بابسیاری از دانشمندان پیروسنت برخورد نموده بود از کسانیست که نگارشهای بسیار دارد که فهرست آنها را درفهرستهای طوسی ص ۷۵ ونجاشی ص ۱۲٦ و ابن شهرآشوب ص ٤۷ وعلامه ص ۳۹ می بینیم از آنهاست مناقب رواة‌الحدیث ومثالب رواة‌الحدیث وفهرس کتب مارواه و کتاب مقالات‌الامامیة یافرق الشیعة یاالمقالات

والفرق واسمائها وصنوفها (بحار ۱ : ۱۳و۳۷) که برخی این را همان فرق الشیعه میدانند که از نوبختی دانسته شد (خاندان نوبختی اقبال ص ۱۴۰ – ۱۶۵) این دانشمند قمی را بصائر الدرجات است که بنوشتهٔ طوسی وابن شهر آشوب در چهار جزء و نزدیك بهزار برگ میباشد و جز بصائر الدرجات ابوجعفر اعرج محمدبن الحسن بن فروخ صفار مملوك قمی (م ۲۹۰ درقم) است و این یکی در چهار جزء درایران بانفس الرحمن بچاپ رسیده (ذریعه ۳ : ۱۲۴) وبگفتهٔ نگارندهٔ روضات (ص ۱۷۸) خودآن در دو جزء میباشد.

باری بصائر الدرجات سعدقمی درمناقب است وشیخ جمال (عز) الدین ابومحمد حسن بن سلیمان بن محمد بن خالد عاملی حلی از آن گزین نموده منتخب البصائر خویش را پرداخت.

گرچه نگارندهٔ ریاض پنداشت که مختصر البصائر از قمی است و گزیدهٔ از بصائر الدرجات صفار ولی این سخن برخلاف گفتهٔ طوسی ونجاشی وابن شهر آشوب میباشد که همه آنرا بصائر الدرجات نامیده‌اند نه مختصر آن.

این دانشمند حلی شاگرد شهید یکم بوده و در ۱۲ شعبان ۷۵۷ از او اجازه گرفت وشیخ عزالدین حسین بن محمد بن حسن حمویانی جزء یکم ودوم خصال ابن بابویه را نزدش خوانده واو روایت آنرا در ۲۳ محرم ۸۰۲ بهو اجازه داده است وآنرا در روضات ص ۱۷۹ واعیان الشیعه ۲۱ : ۱-۴۴۰ می بینیم. اواست نگارندهٔ المحتضر فی اثبات حضور النبی والائمة عندالمحتضر که در آن روشن نمود که پیامبر وپیشوایان شیعی ببالین کسیکه نزدیك بمرگ است میآیند وایشان آنهارا می بینند وتأویلی که مفید دراین باره نموده نپذیرفت همچنین رسالة احادیث الذر ورسالة تفضیل محمد و آله علی الانبیاء والملائکة که در آن بر اوائل المقالات مفید والمسائل الحائرية طوسی رد نمود (ش ۹/۱۰۸۰ – ص ۵۳۷ همین فهرست) نیز الرجعة والرد علی اهل البدعة که درباره بازگشت مردگان است پیداست که این دانشمند حلی دراین دفترها که از رجعت و دیدن مردگان پیامبر و امامان را درهنگام مرگ

وبرتر بودن پیامبر وپیشوایان از دیگر پیامبران وجهان ذر با مانند مفید وطوسی که روش آزاد کلامی داشته‌اند میخواهد خلاف ورزد (بنگرید باعیان الشیعه ۲۱ : ۴۳۹ – روضات الجنات ص ۱۷۸).

باری حلی دراین منتخب البصائر از نگارشهای دیگر دانشمندان هم بهره برد مانند امالی طوسی (۱۴۲ب) وغیبت نعمانی وعلل الشرائع صدوق (۱۳۴ ب) والبشارة سید رضی الدین علی بن طاوس (۱۳۲ ب) چنانکه در کشف العجب ص ۸۵ هم یاد گردید وتأویل مانزل من القرآن فی النبی وآله از ابی عبدالله محمد بن العباس بن مروان (ابن حجام) (۱۲۹ ب) واحتجاج ابی منصور احمد بن ابی طالب طبرسی والغارات ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی (۱۲۸ ب) و تحریف وتنزیل احمد بن محمد بن السیاری (۱۲۸ الف) وتفسیر ابوعلی الطبرسی ومصباح المتهجد طوسی (۱۲۰ب و۱۲۳ الف) والسلطان المفرج عن اهل الایمان بهاءالدین علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید الحسینی (۱۰۹ ب) ومزار ابن قولویه (۱۲۱ ب) و کتاب المشیخة حسن بن محبوب (۱۰۵ الف) و کتاب ابی جعفر محمد بن علی شلمغانی (۹۹ ب) و غررالحکم و دررالکلم عبدالواحد آمدی (۸۶ الف) وبصائر الدرجات صفار (۷۵ ب) و کتاب ابن بطریق (۷۴ ب) وخرائج و جرائح راوندی (۲۵ ب و ۶۵ ب) و تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۲۶ ب) و کتاب الواحده (۲۱ الف) – چنانکه دیده‌ایم حلی دراثبات الرجعه هم از پاره‌ای از این کتابها بهره برده است.

آغاز این دفتر از مختصر بصائر سعد قمی است وپس از آن گزیدهٔ نگارشهای دیگر دانشمندان و در آن از صدوق و شهید یکم و سند روایت از آنها یاد شده (۲۶ب) وهمچنین از سعد بن عبدالله (۲۳ الف) وشیخ طوسی (۲۲ب) ونیز از اجازه از شهید یکم (م ۷۸۶) (۱۹ ب) و از آن برمیآید که این دفتر پس از مرگ او بنگارش در آمده است. دراین دفتر دارد: «یقول... حسن بن سلیمان انی قد رویت فی معنی الرجعة احادیث من غیر طریق سعد بن عبدالله فانا مثبتها فی هذه الاوراق

ثم ارجع الی ما رواه سعد بن عبدالله فی « کتاب مختصر البصائر » فمما اجازلی السعید الشهید ابوعبدالله محمد بن مکی الشامی ... » (۱۹ الف).

از اینجا چنین برمیآید که «مختصر البصائر» هم از سعد قمی است و حلی از خبرهای آن در این دفتر آورده است پس این کتاب منتخب البصائر گزیدهٔ از مختصر البصائر سعد قمی است و خود قمی از آن گزین نموده و حلی از این گزیده او در اینکتاب بهره برده است. در گ ۷۷ الف نیز دارد: یقول حسن بن سلیمان » و در گ ۱۰۷ ب : « یقول عبدالله حسن بن سلیمان ».

نگارندهٔ ریاض چنانکه در اعیان الشیعه و ذریعه آمده است گفته که حلی در منتخب البصائر «مختصر البصائر» را از سعد قمی دانست (آنچنانکه در آغاز نسخه ما دیده میشود) و خود بصائر از قمی نیست و از دیگری است و او در آغاز کتاب الرجعة عبارتی دارد که همین را میرساند سپس آن عبارت را که یاد کردهایم آورد بااینکه از کتاب الرجعه نیست و از همین کتاب است. نگارندگان اعیان الشیعه و ذریعه این نکته را در نیافتند و گفتند که واژهٔ «ارجع» برای امر و فرمان است نه فعل مضارع (ذریعه ۱ : ۳۹۲ و ۱۲۴ - اعیان الشیعه ۲۱ : ۴۴۲) و نگارندهٔ ریاض آنرا «ارجع» صیغهٔ متکلم پنداشته است و درست نیست. میدانیم که اگر «مختصر البصائر» مانند خود «بصائر الدرجات» هردو از سعد قمی باشد مانعی نخواهد بود که «منتخب البصائر» از این حلی باشد مگر اینکه در این زمینه آنگاه میتوان درست سخن گفت که دو بصائر دو دانه منذ قمی، کوچك و بزرگ و گزیدهٔ آنها و این نسخهها را باهم سنجید و دریافت که گفتههای دانشمندان در این باره تا چه اندازه درست میباشد. مجلسی در بحار (۱ : ۸ و ۱۳) این کتاب حلی را منتخب حلی از البصائر سعد قمی نامیده و گفت که در آن از کتابهای دیگر هم آمده و خود او از آنها نام برده است و از المحتضر و الرجعة او هم در آنجا یاد گردید. در امل الآمل (ص ۴۶۷) این کتاب مختصر حلی از البصائر همین قمی خوانده شده است و در تفصیل وسائل الشیعه (۳ : ۵۲۲) دارد که بصائر الدرجات صفار دو تا است و بزرگ و کوچك (نیز ذریعه

۳ : ۱۲۵) و مختصر البصائر از سعد قمی است و منتخب آن از حسن بن سلیمان حلی. در الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة همین حر عاملی (حدیث ۲۰ و ۲۱ باب ٤ و حدیث ۵۸ باب ۵) روایت از حسن بن سلیمان بن خالد القمی در رسالهٔ او از مختصر البصائر سعد بن عبدالله آمده که در همین منتخب البصائر (نسخهٔ ما گ ۱۵ الف و ۱٤ الف و ۱۳ ب) دیده میشود.

در کتابخانه سپهسالار «مناقب الائمه» ایست بشماره ۱۷۸۷ که در ص ۳۱۳ ج ۱ فهرست آنجا شناسانده شده و در دیباچهٔ آن نام « عبدالله حسن بن سلیمان بن محمد » دیده میشود آنچنانکه در پایان اجازهٔ حموئی هم آمده است. فهرست نگار چون دید که واژه « عبدالله » در اینجا افزوده شده و واژه « محمد » در آن آمده است پنداشت که دو حسن بن سلیمان داریم یکی نگارنده منتخب البصائر و شاگرد شهید دیگری نگارندهٔ این « مناقب الائمه » و اجازه دهندهٔ بحموئی. مگر اینکه چنین نیست و واژهٔ « عبدالله » برای فروتنی در آنجا آمده چه در منتخب البصائر هم دارد : « یقول عبدالله حسن بن سلیمن » (ش ۶۵۷ گ ۱۰۷ ب) و واژهٔ «محمد» باید نام نیای حلی بوده و از قلم نویسندگان افتاده باشد. مناقب الائمه آنجا جز منتخب البصائر باید باشد روی نشانههائیکه در فهرست داده شده، و بایستی نگارش دیگری از همان دانشمند حلی باشد و گویا همان « المحتضر فی اثبات حضور النبی و الائمة عند المحتضر » حلی است چنانکه از سنجش نشانههائیکه در آن فهرست آمده با گفتار نگارندهٔ اعیان الشیعه در این باره برمیآید.

در فهرست فاضلیه (ص ۶۵ ش ۲۸) و در فهرست طوس (۵ : ۱۴۹) دفتری بنام « کتاب الرجعة و الرد علی اهل البدعة » شناسانده شده که از بازگشت مردگان و آفرینش در آن گفتگو شده و از قدر بان خرده گیری گشت و روی نشانههائیکه از مطلبهای آن داده شده و آغاز و انجام آن پیدا است که همین نسخهٔ ما (منتخب بصائر) میباشد نه « کتاب الرجعة ... » در ش ۱۲۸۳ اخبار ج ۱ فهرست طوس از همین کتاب ما یاد شده بنام مختصر البصائر و از سعد قمی و فهرست و گزیدهٔ

از بصائر الدرجات صفار پنداشته شد یا اینکه نگارش حلی میباشد. (۱)

آغاز: بسمله (والحمدلله رب العالمین) نقلت من کتاب مختصر البصائر تألیف سعد بن عبدالله بن ابی خلف القمی رحمه الله عن محمد بن خالد البرقی... عن جعید الهمدانی و کان جعید ممن خرج مع الحسین بن علی علیهما السلام فقتل بکربلا قال قلت للحسین بن علیهما السلام بای حکم تحکمون قال یا جعید بحکم آل داود فاذا اعیینا عن شیء یلقانا به روح القدس.

انجام: من کتاب امالی الشیخ... الطوسی... قال حج عمر بن الخطاب فی امرته (۱۴۲ ب)... لان الامر من الله عزوجل مشافهة منه. واما قوله واذا اخذنا من النبیین میثاقهم (۱۴۳ ب)... فهذه الامور من الفواحش داخلة فی جملتها ولکنها اعظم الفواحش لانه ذکرها باسمائها (والحمدلله رب العالمین) والله اعلم (تمت فی سنة ۱۱۷۹) (۱۴۴ الف).

[۱۵۴۷]

۱۵۷ این نسخه ش ۱ دفتر نسخ روشن با عنوانهای شنگرف و تصحیحات در هامش و تاریخ ۱۰۷۹ میباشد. گ ۱ ب ـ ۱۴۴ الف در رویهٔ برگ پیش از این کتاب مهر «محمد باقر بن زین العابدین الموسوی» نگارندهٔ روضات و در پشت آن مهر «یا خیر النسا» دیده میشود. حسن بن محمد باقر تمامی جزائری دارندهٔ نسخه بوده و مهر «فوضت امری الی الله الغنی ابن محمد باقر حسن الشامی» او هم در گ ۱ الف دیده میشود در همینجا نام کتاب «منتخب البصائر» و نام حلی و اینکه از بصائر سعد بن عبدالله که جز بصائر الدرجات محمد بن الصفار میباشد و از کتابهای دیگر گزین نموده است

۱ـ در وجه ٤ باب ۲ الایقاظ دارد: وقد الف بعض المتأخرین وهو الحسن بن سلیمان بن خالد القمی رسالة فی ذلک قال فیها ماهذا لفظه: الرجعة مما اجمع علیه علمائنا بل جمیع الامامیة وقد نقل الاجماع منهم علی هذه المسئلة الشیخ المفید والسید المرتضی وغیرهما انتهی».

درهمین کتاب (باب ۹ حدیث ۹۶ تا ۱۱۱) از رسالهٔ همین حسن بن سلیمان روایتهائی آمده که او از کتاب الواحدة و کتاب سلیم بن قیس و کتاب التنزیل و از مختصر البصائر و کتاب سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی گرفته یا از محمد بن ابراهیم بن محسن مطار آبادی روایت کرده و یا از جاهای دیگر برداشته است.

نوشته شده است.

(همهٔ دفتر ۱۵۷ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی

اندازه ۱۲×۲۲ ـ ۷×۱۸ س ۲۱

[۱۳۲۱] منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان (عربی)

دانشمند شیخ جمال الدین ابو منصور حسن عاملی (شب آدینهٔ ۱۷ رمضان ۹۵۹ ـ ۱ محرم ۱۰۱۱ در جبع) پسر شهید دوم و نگارندهٔ معالم الاصول این دفتر را بروش علامهٔ حلی در «النهج الوضاح فی الاحادیث الصحاح» و «الدر والمرجان فی الاحادیث الصحاح والحسان» که در ده جزء میباشد (ذریعه ۸: ۸۷) پرداخت و بهمان خبرهای صحیح و حسن بس نمود و از بسیاری از خبرها در گذشت.

این دانشمند شاگرد مقدس اردبیلی بوده و اینگونه پارسائی و موشکافی در دین را از او آموخته است.

عاملی بنوشتهٔ خوانساری و کنتوری (ص ۵۶۰) آنرا بپایان نبرده و عبادات آن دو جلد در آمده است.

عاملی در این کتاب حدیثهائی را آورده است که صحیح یا حسن باشد و در کتابهای متداول آنها را برای حکمهای فقهی سند بدانند و از اینجا است که گفته اند از این سختگیری و موشکافی و راهی بر رنج که او پیش گرفته است بسیاری از خبرهای شیعی از ارزش میافتد (خوانساری).

او میگوید که کار حدیث زار گشت و غلط و تحریف و تصحیف در آن راه

۱ـ بنگرید به: روضات ۱۷۹ ـ امل الآمل ص ۲۳۱ ـ لؤلؤة البحرین ـ سلافة ص ۳۰٤ ـ مستدرک ۳: ۳۹۱ ـ اعیان الشیعه ۲۱: ۳۷٤ ـ منتهی المقال ص ۹٤ ـ سپهسالار ۱: ۳۲۱ ـ طوس ۱: ۸٦ و ۵: ۱۸٤ ش ۷۳۷ دور کوة و خمس و حج که در آدینهٔ ۲٦ شعبان ۱۰۰٦ آنرا پرداخت. از نسخهٔ ما برمیآید که او صلوة را در پایان شب سه شنبه ۲ ربیع دوم ۱۰۰٤ بپایان برده است. سرگذشت او در الدر المنثور ش ۵۵٦ گ ۲۰۹ ب (ص ۱۳۳ همین فهرست) بخوبی آمده است.

یافت و من ناگزیر بدینکار بپرداختم تا آنرا نگاه دارم - روی همین بود که او همیشه خبرها را بااعراب می نوشته است (امل الآمل). در نسخه‌ای از «من لایحضره الفقیه» که او بخط خود نوشته است هم از رخنه پیدا کردن بنیاد فقه و گسستگی رشتهٔ احادیث درروزگار او و بدی خط نویسندگان نسخه‌ها بسیار نالیده است.

دردیباچهٔ این دفتر دوازده فائده است بدینگونه:

۱- بخش کردن خبرها بروش متأخران.

۲- گواهی یك عادل درتزکیهٔ راوی بسنده نیست.

۳- مشایخ و خواجگان سه گانه (کلینی و قمی و طوسی) سندها را چگونه میآورند.

۴- طریق روایت خود عاملی از آن خواجگان.

۵- طرق روایت شیخ طوسی.

۶- نامهای مشترك را چگونه ازهم میتوان بازشناخت.

۷- مشترك نمودن نامهای برخی از راویان با اینکه چنین نباید باشد.

۸- روایتهائیکه نام امام درسند آنها برده نشده است.

۹- راویان دانشمندان پیشین که از آنها در کتابهای رجال یاد نگشت.

۱۰- چرا طوسی دردو کتاب خود گاهی ازسند روشن(متضح) درمیگذرد.

۱۱- ازعبارت «عدة من اصحابنا» در کافی چه خواسته شده است.

۱۲- از «محمدبن اسماعیل» درآغازسندهای کافی کی خواسته شد.

آغاز: بسمله. وبه‌ثقتی یا کریم. الحمدلله الذی نطقت بحدیث وجوب وجوده و ازلیته آیات سلطانه و عجائب عظمته... اما بعد فهذا كتاب منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح والحسان اجمعنافلی ان نوردفیه بتوفیق الله ماتبین لنا انتظامه فی سلك الانصاف باحدالوصفین فی الجملة من الاخبار المتضمنة للاحكام الشرعیة المتداولة فی الكتب الفقهیة التی اشتملت علیها الكتب الاربعة

انجام: فانك ذوالفضل العظیم. تم كتاب الصلوة من كتاب منتقى الجمان

فی الاحادیث الصحاح والحسان ... وفرغ منه مؤلفه.. حسن بن زین الدین بن علی العاملی ... سحر لیلة الثلثا الثانیة من شهر ربیع الثانی سنة اربع بعدالالف ... مصلیاً علی النبی وآله متوسلا بهم الیه .... فی الامداد بالتوفیق لا كمال هذاالكتاب والاعانة علی الامور الصعاب فنعم المولی و نعم المعین (هذه صورة خطه مؤلفه قدس الله روحه و نور ضریحه علی یداقل عباد الله ... صفر بن فضل السهلانی الجوازری و كان ذلك ضحوة یوم السبت سابع شهر جمادی الاول سنة ثلثة وثلثین والف وقد كتبته لاستادی و نور بصری الشیخ الفاضل ... الشیخ بهاء الدین العاملی عامله الله بلطفه الخفی بمحمد وعلی).

[۱۰٤۸]

۶۹۷ این نسخه دارای دیباجه و طهارة و صلوة است و بنسخ خوش با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف میباشد و صفر بن فضل سهلانی جوازری در شنبهٔ روز شنبه پایان جمادی یکم ۱۰۳۳ برای خود شیخ بهائی آنرا نوشته است. حاشیه‌های «منه رحمه‌الله» و «منه قدس سره» دارد. در گ ۱ الف و ب مهر «تفتیش شد سنهٔ ۱۳۱۱» دیده میشود ومهر «محمد ناطق» Mohamad:

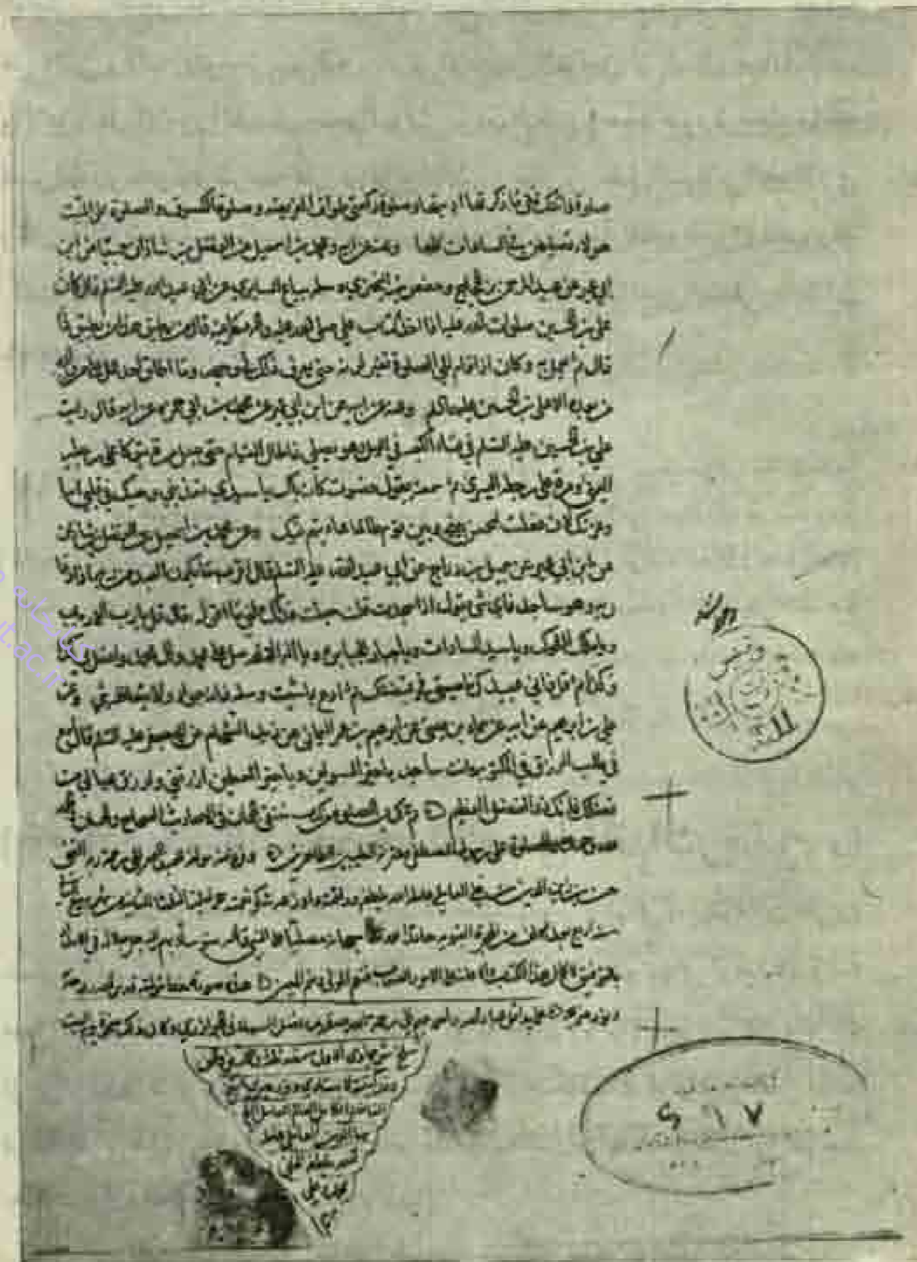
(۲۵۱ گ)- كاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ زركوب مقوائی

اندازه - ۱۹ × ۲٦ و ۱۱ × ۱٦ - ۲۱ س

[۱۳۲۲] منهج الشیعة فی فضائل وصی خاتم الشریعة (عربی)

این دفتر دریك مقدمه است دراینکه فضیلتها و برتریهای امیرمؤمنان علی را شمارش نیست ودر پاداشی که خداوند برای یاد کردن نکوئیهای او میدهد و سه فصل است نخست دریاد کردن خوبیهای او با جمال (۲ ب) دوم شمردن یك یك از برتریها و نکوئیهای او (۵ الف) سوم در آرامگاه پاك او و این فصل مانند فرحة الغری میباشد (٤٦ الف) آنگاه یك خاتمه است دراینکه بایست اورادوست بداشت واز دشمنانش بیزار بود (۵۷ ب).

این نامه چنانکه دردیباچه آمده درروزگار سلطان امیرشیخ اویس پسر امیر شیخ حسن بونان بهادرخان ایلکانی جلایری شیعی که در ۷۵۷ شاه عراق



گ ۲۵۱ ب منتقی الجمان ش ۶۹۷

کشته و در ۲ جمادی دوم ۷۷۶ بمرد (۱) بنگارش در آمده است . پس باید میان ۷۵۷ و ۷۷۶ نوشته شده باشد .

در آن یاد میشود از : خواجهٔ طوسی قدس الله روحه ، (۵ الف) و جمال الدین حسن بن مطهر قدس الله نفسه ، و داستان نامه نوشتن پدرش و ابن ابی العز بپادشاه مغول و رفتن پدرش نزد شاه و خواندن ملحمه‌ای از علی درباره زوراء و آمدن مغول بدانجا آنچنانکه علامه یاد کرده است (۱۰ الف - نیز ص ۱۲۰۵ همین فهرست) .

نیز یاد میشود از : تذکرة الخواص ابن جوزی (۶۳ ب و ۶۴ ب) و شرح نهج البلاغه از صفائی (فهرست سپه‌سالار ۲ : ۱۳۸) و تاریخ معجم البلدان یاقوت حموی و مقاتل الطالبیین ابو الفرج (۴۹ الف) و مناقب خوارزمی (۴۲ الف) واخطب خوارزم (۱ ب) و تاریخ مظفری (۵۹ ب) و داستان دشمن علی (ع) که در خواب بدست او کشته شده است (گ ۴۳ ب فصل دوم) در آن مصرعی فارسی هم آمده است : « زمشك بوی و ز خورشید نور بیست بدیع » (۲ الف) این منهج بگفتهٔ خوانساری در روضات ص ۱۴۶ (نیز کنتوری ص ۵۶۷ و ذیل چلبی ۲ : ۵۹۲) از ابن الابریسمی نجم الدین جعفر بن شمس الدین محمد بن نجم الدین جعفر بن نجیب الدین محمد بن نما است که نوادهٔ نجم الدین جعفر بن نمای معروف میباشد و پس از شهید میزیسته و از طبقه پسر علامه است ومثیر الاحزان و اخذ الثارهم از او شاید باشد نه از نیای او ولی در اعیان الشیعه دارد که دو نجم الدین جعفر بن نما نداریم .

در فهرست طوس (۱ : ۹۴ ش ۲۸۵) دارد که منهج از جلال الدین بن شرفشاه حسینی از دانشمندان پس از شهید است چنانکه عاملی در امل الآمل (ص ۴۶۴) هم چنین گفته است (نیز فوائد رضویه ۲ : ۸۱) گرچه برخی جلال الدین را همان شرفشاه خوانده‌اند یا اینکه منهج را از جلال الدین محمد پسر سید عمید الدین

۱ـ بنگرید به : لب التواریخ ص ۱۵۶ ـ زامباور ص ۶۱ و ۳۷۷ و این پول ص ۲۲۰ .

عبدالمطلب حسینی خواهرزادهٔ علامه (٦٨١–٧٥٤) (مستدرك ص٤٥٩) پنداشتند ودرست نیست. درفهرست قمی سه شرفشاه که یکی از آنها هم جلال‌الدین نامیده میشده است یاد شده (جامع الرواة) و هیچیك از آنها نگارندهٔ این کتاب ما نخواهند بود.

آغاز آن در نسخهٔ طوس چنین است: «بسمله . الحمدلله الذی عجزت عن ادراك صفاته حقائق الانظار».

آغاز نسخهٔ ما: بسمله. الحمدلله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی نبینا محمد وآله اجمعین و بعد فانی قد جمعت هذه الرسالة فی عهد الخلافة سلطان السلاطین سلطان شیخ اویس وسمیتها بمنهج الشیعه فی فضائل وصی خاتم الشریعه ورتبتها علی مقدمة وفصول وخاتمة

انجام: وانت من اهل الجنة خلقكم الله عزوجل مؤمنین فی القدم. هذا آخر ماأوردناایراده فی هذه الرسالة حیث (حسب) ماشرطناه من (ترك الاكثار والاطالة) (نسخهٔ بگواهی رابطهٔ پایان صفحهٔ آخر کم دارد و تا بکلمهٔ «من» میرسد و آنچه میانهٔ دو کمانه گذارده شده از نسخهٔ طوس است)

[١٥٤٩]

٩٦٩٥ این نسخه نسخ تازه است ونشانی از تاریخ نوشتن آن هیچ نیست چه صفحهٔ آخر آن افتاده است

(٣٦٥) ـ كاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشكی ساده

اندازه ۱۵×۲۱/۵ و ۹×۱۵/۵ س ۱۵

[١٣٢٣] منهج الیقین (فارسی)

میرزا علاءالدین محمد بن شاه میرزا ابی تراب محمدعلی حسینی (حسنی) گلستانهٔ سپاهانی (م ٢٧ شوال ١١٠٠) از دانشمندان پارسا و پرهیزگار روزگار صفویان بوده و دوبار صدارت باو داده اند و نپذیرفت. او نگارندهٔ بهجةالحدائق و حدائق الحقائق است در گزارش نهج البلاغه و کتاب روضةالشهداء وترتیب مشیخة من لایحضره الفقیه وشرح الاسماء الحسنی

گلستانه در این منهج الیقین که در ٢٥ شوال ١٠٨١ بانجام رسانده مانند شوهرخواهر خود مجلسی دوم که در گزارش سفارش و پند پیامبر باباذر کتاب عین الحیات فارسی ساخته است سفارش‌نامهٔ امام جعفر صادق را که بدوستان و پیروان خود نوشته است از روضهٔ کافی گرفته بفارسی گزارش نمود.

این سفارش‌نامه را شاگردان امام که فرموده بود بدان بپردازید و آنرا بکار بندید در نمازخانهٔ خود میگذاشتند و پس از هر نمازی بآن مینگریستند. پاره‌ای از آغاز آن در تحف‌العقول (ص ٧٦) و همهٔ آن در آغاز روضهٔ کافی (چاپ شدهٔ با همان تحف ص ١٣٢–١٣٨) و بحار (١٧ : ٢٤٢–٢٤٩ چاپ ١٢٩٧) دیده میشود.

از سند روایت این خبر در همین منهج و از گزارشی که در هامش روضه (همان چاپ) هست واز بحار برمیاید که کلینی آنرا بسه اسناد روایت کرد ودر یکی راوی آن ناشناخته است. در روضه (ص١٣٦) و بحار (ص٢٤٧) دارد که در روایت قاسم بن ربیع (صحاف از اسمعیل بن مخلد سراج) نیمی از آنست وهمهٔ آن در روایت حفص مؤذن واسمعیل بن جابر هست.

باری گلستانه در این گزارش از گناهان بزرگ چهلگانه کاوش نمود. اینفقره در بمبئی بسال ١٣٠٣ بچاپ سنگی رسید (١).

آغاز: بسمله . روائح روح افزای حمدیکه مشام مقدسان ملاء اعلی را سرگرم عطسهٔ تسبیح سازد و رو حه جبان محفل قدس ذی الجلال تواند بود که بنفخهٔ حیات بخش و نفخت فیه من روحی خجسته پیکر انسانی را در تباشیر صبح ایجاد از گران خواب عدم بیدار ساخت ... بعد ... از جمله کنوز ... وصیتی که از بحر

١ـ بنگرید به: روضات ص ٦٢٥ ـ فیض قدسی ص ١٦ و ٢٨ ـ کنی و القاب قمی ٢ : ٤٣٦ ـ هدیهٔ همو ص ٢٠١ ـ ریحانة الادب ٣ : ١٠٣ ـ ذریعه ٣ : ١٦١ و ٦ : ٢٨٤ ـ طوس ١ : ٢٥ و ٥ : ١٩٤ ـ کنتوری ص ٥٦٨ ـ جامع الروات اردبیلی گ ٢٥٢ الف ش ٩٨٠ که از او ستایش بسیاری کرده و میرساند که هنوز زنده است ومیگوید که چون بسیار خردمند وپارسا بود دوبار که باو صدارت میداده اند نپذیرفت.

مواج علوم و حقائق ... جعفر بن محمد الصادق ... بجهت اهتدای خواص اصحاب .. سمت ظهور یافته و امر بمحافظت و تعاهد آن فرموده و متتبعان اوامر و نواهی آنحضرت نظر و تأمل در آن را سادس فرائض و در مرتبهٔ روایت میشمرده‌اند .. حقیر .. علاءالدین محمد بن ابی تراب گلستانه . خواست که جواهر اسرار آنرا بقدر فهم ناقص و ذهن قاصر بعبارتی فارسی قریب بافهام در سلك تحریر منتظم سازد .. واز اخبار اهل بیت طاهرین آنچه در هر مقام مناسبت تمام داشته باشد بجهت تأیید مطالب مندرجهٔ درمطاوی آن و اشتمال بر زواید فواید ایراد نماید .. و از آنچه بعضی از مترجمین رعایت می‌نمایند از تطبیق میانهٔ جمیع (اخبار) در ترتیب و زیاده و نقصان در بسیاری از مواضع عدول نمود .. و آنرا بمنهج الیقین موسوم ساخت .

انجام : و فراغ از تسطیر این کلمات از خامس عشرین شهر شوال احدی و ثمانین بعد الف اتفاق افتاد . والحمدلله وسلامه علی عباده الذین اصطفی حمداً کثیراً دائماً و سلاماً متتابعاً متوالیاً علی ید مؤلفه ... علاءالدین محمد بن ابی تراب الحسینی عفی الله عنهما وصفح عن جرائمهما (کتبه الفقیر الحقیر العاصی محتاج الی رحمة الله الغنی الحکیم ابن محمد هاشم محمد رضا هرمتجردی جی غفرالله ذنوبهما و ستر عیوبهما بحق محمد و آله الطاهرین فی تاریخ ثانی عشر شهر صفر ختم بالظفر فی سنة ۱۰۸۳ - ان آثارنا تدل علینا . فانظروا بعدنا الی الآثار) .

[۱۵۵۰]

۵۹۶۱ این نسخه نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است ومتن معرب و زیر خط سرخ ازمحمد رضا بن محمد هاشم که در ۱۲ صفر ۱۰۸۳ نوشتن آنرا بانجام رساند . در برگ ۱ الف تاریخ زاده شدن ملامحمد باقر در روز دوشنبه ۲۳ رمضان ۱۲۵۶ و نیز مهر شیخ العراقین دیده میشود . در ۲۰۳ ب بخط شکسته از احمد بن حاج محمد جعفر سپاهنانی درحرم آباد درشب پنجشنبه یکم ذیقعدهٔ ۱۲۸۱ یادگاری نوشته شده است .

(۲۰۴ گ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج تریاکی ساده مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۴ و ۸/۵×۱۷ س ۱۹

[۱۳۲۴] نخب المناقب (عربی)

شیخ حسین بن جبر شاگرد نجیب الدین ابی الحسین علی بن فرج شاگرد ابن شهر آشوب مناقب استاد را در دو جلد گزین نموده و بدین نام نامید (کنتوری ص ۵۷۷) او از ابن شهر آشوب بایك واسطه روایت میکند و کتاب دیگری دارد بنام نهج الایمان که در دیباچهٔ نخب از آن یاد نمود و از روی هزار کتاب آنرا نوشته است .

نوری در مستدرك می نویسد که بگفتهٔ یکی از دانشمندان مناقب ابن شهر آشوب را که کشیدند به رطل سنگینی آن رسید و از گفتهٔ ابن جبر هم برمیآید که باید کتاب بسیار کلانی باشد پس نسخه‌هائی از مناقب که در روزگار مجلسی و پس از آن در دست دانشمندان بوده ومیباشد باید گزیده همین ابن جبر یا دیگری باشد چه این یکی که امروز هست بیش از چهل هزار بیت نیست . بیاضی در آغاز صراط مستقیم از این گزیده ابن جبر یاد نموده است (۱) .

---

۱ - برای سرگذشت ابن شهر آشوب بنگرید به : معالم العلما ش ۷۶۶ - امل الآمل ص ۵۰۴ - لؤلؤتی البحرین - روضهٔ بهیه - روضات ص ۵۷۵ - مستدرك ۳ : ۴۵۶ و ۴۸۴ - نامهٔ دانشوران ۱ : ۵۲۹ - کنی والقاب قمی ۱ : ۳۲۱ - هدیة الاحباب همو ص ۶۹ - فوائد رضویه ۲ : ۵۶۸ - ریحانة الادب ج ۶ - لسان المیزان ۵ : ۳۱۰ - فهرست طوسی ۵ : ۳۳۱ - رجال مامقانی ۳ : ۱۵۷ - نقد الرجال ص ۳۲۳ .

سخنان صفدی و فیروز آبادی و سیوطی و داودی در بارهٔ او در مستدرك آمده است اینك گفتهٔ صفدی را در اینجا بپارسی می نشیم :

رشید الدین (ابوجعفر) محمد بن علی بن شهر آشوب (بن ابی نصر بن ابی الجیش) سروی مازندرانی از خوانندگان شیعی که قرآن را در ۸ سالگی از بر کرد و در اصول شیعی سرآمد گشت واز شهرها بسوی او میآمدند . در قرآن وغریب ونحو پیشوا شد و در روزگار مقتفی در بغداد بر منبر وعظ میکرد و خلیفه را از آن خوش آمده او را بنواخت . خوش نما و خوبروی و زیباچهره و راستگو و خوش گفتار و پر دانش و خداترس بود بسیار بعبادت و تهجد میپرداخت وهمیشه باوضو بود . ابن ابی طی در تاریخ بخش از او

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

گزیننده در آغاز میگوید که ابن‌شهر آشوب مناقب‌را از کتب بسیاری از سنی وشیعی گرد آورد و شیخ فقیه نجیب‌الدین ابوالحسین‌بن علی بن فرج آنرا براو خواند و ازاو اجازه گرفت که همهٔ نگارشها و روایات او را نقل کند و او این اجازه‌را بطور کامل برای این‌شاگرد نوشت و گزیننده‌هم آنرا بر ابوالحسین خواند واوهم برای وی اجازه نوشت. گزیننده چون دید که این کتاب درازاست آنرا گزین کرد و مناقب دارای حجیت را آورد و حدیثهای همانندرا یکجا گرد کرد وچیزهائی‌هم افزود. این گزین برای سید اجل تاج‌الدین شمس‌الشرف ابوالحسن علی بن محمدبن ابی‌الفضل علوی حسینی که بدو دستور داد وخطبه‌ای برای آن ساخت که گزیننده در آغاز گذارده‌شده‌است در دیباچه اسانیدی‌است دربارهٔ روایت کتب سنی وشیعی ازخود ابن شهر آشوب که نکات تاریخی فراوان در آن‌هست. در آغاز بحارهم همهٔ این دیباچه دیده‌میشود.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی خلق الارواح بقدرته وسخر الریاح بشراً بین یدی رحمته .. وبعد فاعلموا .. انی لمانظرت فی الکتاب الذی صنفه الشیخ الفقیه العالم عزالدین ابوجعفر محمدبن علی بن شهر آشوب المازندرانی السروی الذی سماه بمناقب آل ابی‌طالب انه قد جمع فیه مالایوجد فی کتاب واحد.

انجام: نظم لبعض المؤمنین: نفسی تقربانها، یوم القیمة غانمة، بولاء اهالولیها، رب السماء السامیة، ونبیها و وصیها، والسیدین و فاطمة، والتسعة من نسلهم، یوم القیمة قائمة.

(تم کتاب نخب المناقب لآل ابی طالب مجملا ومفصلا ضحی یوم الاربعاء یوم الثانی عشر من شهر جمادی‌الاول من شهور سنة ثلث و اربعین و ثمانی مائة علی ید...

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بسنود: او در (شعبان) ۵۸۸ بمرد. مازندرانی کتابی در نحو بنام فصول نوشت که مسئله‌های مهم را در آن گرد آورد و المکنون المخزون فی عیون الفنون و اسباب نزول القرآن و متشابه القرآن والاعلام والطرایق فی الحدود والحقایق ومناقب آل ابی‌طالب والمثالب کتاب المدیحة والقائده که نوادر و فوائدی در آن آورد. ۹۹ سال و دو ماه و نیم بزیست و در حلب بمرد.

محمدبن عبدعلی بن ابراهیم بن المتقا غفرالله ولوالدیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات ولصاحبه امین رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد النبی و آله الطاهرین آمین برحمتك یا ارحم الراحمین).

[۱۵۵۱]

۷۸۵ این نسخه جلد یکم و بشیخ است و باعنوانها و نشانه‌های شنگرف که عبدعلی بن ابراهیم بن المتقا در نیمهٔ روز چهارشنبه ۱۲ ج ۸۴۳/۱ نوشتن آنرا بانجام رسانده. چهار برگ نخستین وصالی شده است. کسی در ربیع دوم ۹۳۹ دارندهٔ نسخه بوده است و روی اوشتهٔ او در برگ ۲۴۷ ب خط زدند. خط دیگری‌هم باهمین تاریخ درهمینجاهست ولی آنرا سیاه کرده‌اند. خط ومهر دارندگانی بنام محمودبن علی نقی بن الحسنی الحسینی الطباطبائی و دیگری که خوانده نشده در برگ ۱ الف دیده میشود. مناقب پیامبر تا ۶۷ ب و ازاینجا تا پایان مناقب علی است با مناقب زهرا در چندصفحهٔ آخر. اوراقی ازعلی دو کیمیا در ۸۹ ب دیده‌میشود آنجا که در سخنان جابر (ص ۱۰۱۸ همین فهرست) و عکس اقیونهم دیده‌میشود.

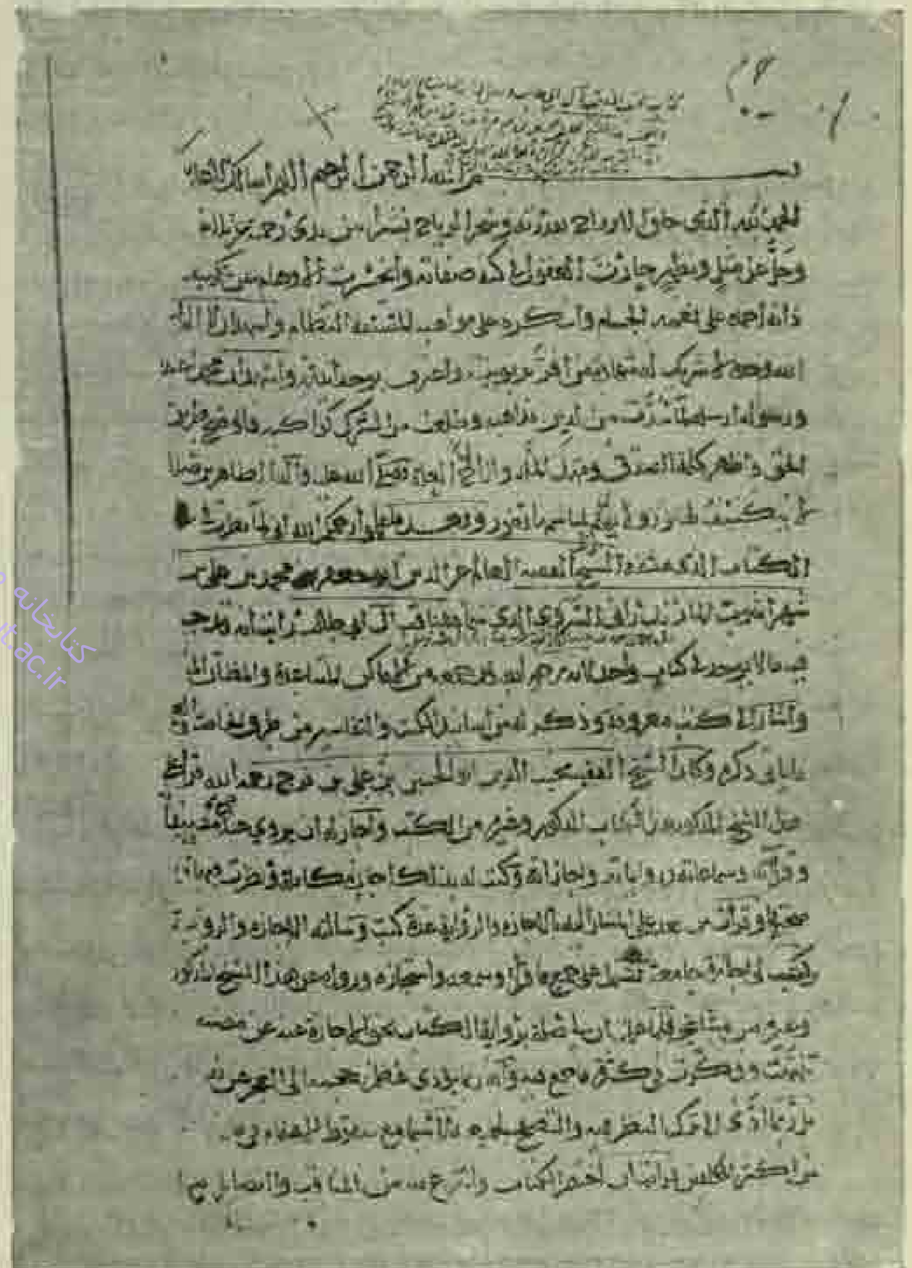
(۲۵۷ گ، کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی طلائی و ندان مشکی
اندازه: ۱۷ × ۳۶ و ۱۴ × ۳۰ س ۲۱

[۱۳۲۵] نظم اللئالی فی ترجمة نثر اللئالی (فارسی)

از عادل بن علی بن عادل حافظ از قاریان سدهٔ نهم و گویا شیرازی. ترتیب‌دهندهٔ ترجمان القرآن سید شریف گرگانی که در تهران سال ۱۳۳۳ خ بچاپ رسید ونسخه‌ای از آن‌هم در این کتابخانه هست (ش ۱۰۶۸ - ص ۳۱ - ۳۵ ج ۱ فهرست) نسخه‌ای از همین نظم اللئالی در ص ۲۹۳ ج ۲ فهرست آقای منزوی شناسانده شده است. ابن عادل «مائة کلمة» جاحظ را هم بنظم فارسی در آورد (ص ۷۲۷ ج ۲ فهرست آقای منزوی ش ۸۶۷/۲) (۱).

۱- در نثر اللئالی ۲۵۸ بند از سخنان کوتاه علی در ۲۹ باب بترتیب الفبا آمده‌است و نسخه‌های آن‌هم یکنواخت نیست (ش ۱۶۴/۷ و ۸۶۳/۵ و ۱۰۷۹ فهرست آقای

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این



گ ۱ ب نخب المناقب ش ۶۸۵



گ ۲۵۷ ب نخب المناقب ش ۶۸۵

آغاز: بسمله. ایمان المرء یعرف بایمانه. مؤمن کامل گردیدن مرد شناخته میشود بسوگندهای او.

مؤمن کامل بپرهیزد ز سوگند دروغ
گوهر ایمان او از نور حق گیرد فروغ

انجام: یبلغ المرء بالصدق الی منازل الکبار (مانند نسخه ۱۶٤/۷) میرسد مرد بسبب راستی بمنازل اولیای کبار.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پش

منزوی ۲: ۲۹۰ و ۷۳۳) «مائة کلمة» جاحظ بترتیب الفبائی نیست (ش ۱۰٤۵ همان فهرست ۲: ۷۲۹) و در الاعجاز و الایجاز ابی منصور عبدالملک ثعالبی جاحظ نیشابور (۳۵۰–٤۲۹) در باب سوم از این «مائة کلمة» و جاهای دیگر از سخنان کوتاه علی دیده میشود.

در مناقب اخطب خوارزم، باب ۲٤ (ش ۶۲۱ گ ۸۵ ب – ۸۶ ب – ص ۲۶۰) چنین آمده است: «اخبرنا الفقیه ابو سعد (السعید) الفضل بن محمد الاستراباذی حدثنا ابو غالب الحسن بن علی بن القاسم حدثنا ابو علی الحسن بن احمد الجهرمی بعسکر مکرم حدثنا ابو احمد الحسن بن عبدالله بن سعید حدثنا (حدثنی) ابو بکر محمد بن الحسن بن زید (دوید) قال ابو الفضل احمد بن ابی طاهر صاحب ابی عثمان الجاحظ کان الجاحظ یقول لنا زمانا ان لامیر المؤمنین علی ع مائة کلمة کل کلمة منها تفی الف کلمة من محاسن کلام العرب قال و کنت اسئله دهراً بعید ان یجمعها لی و یملأها علی و کان یعدنی بها و یتغافل بها ضنا بها قال فلما کان آخر یومه اخرج یوماً جملة من مسودات مصنفاته فجمع منها تلک الکلمات واخرجها الی الخطیة فکانت الکلمات المائة هذه: لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا. الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا. الناس بزمانهم اشبه منه بآبائهم... اللهم اغفر رمزات الالحاظ و سقطات الالفاظ وشهوات الجنان و هفوات اللسان. البخیل مستعجل للفقر یعیش فی الدنیا عیش الفقراء ویحاسب فی الآخرة حساب الاغنیاء. لسان العاقل وراء قلبه وقلب الاحمق وراء لسانه. الحذر الحذر فوالله لقد ستر حتی کانه قد غفر. من اطال الامل اساء العمل. الکاسب فوق قوته خازن لغیره. مسکین ابن آدم مکتوم الامل مکتوم الاجل محفوظ العمل تؤلمه البقة وتقتله الشرقة وتنتنه العرقة» این سخنان کوتاه که در اینجا آمده در «مائة کلمة» چاپ شده همراه شهاب الاخبار در ۱۳۲۲ (ص ۶۱–۶۹) که درست مانند نسخهٔ ش ۱۰٤۵ (فهرست آقای منزوی ۲: ۷۲۹) است هم با اندکی جدائی دیده میشود.

میرسد از صدق مرد اندر مقام
ختم کن بر صدق ای عادل کلام اولیا

[۱۵۵۲]

۱۵۰٤ع این نسخه ش ۱ دفتر است و متن بستعلیق درشت و ترجمه بستعلیق ریز در پایان دارد: «تمت الکتاب (کتاب) الطیبات العلویة و العبارات المبارکات المرتضویة المشهورة بنثر اللالی مع ترجمتها المنثورة و المنظومة (المشهورة) بنظم اللالی تحفة لمجلس الاکابر و الاعاظم و الاعالی و ارباب العز و المجد و المعالی علی ناظمها اصغر العباد جرما و اکبرهم جرما عادل بن علی بن عادل اعزالله فی الدارین بلطفه الشامل و کرمه الکامل وجعل اواخر عمره خیراً من الاوائل و الحمدلله تعالی» نویسنده بسیار نادان بوده و بسیار نادرست نوشته است (گ ۱ ب – ۳۷ ب).

(همه دفتر ۵۳ گ)، فرنگی، جلد مقوا
اندازه ۵/۲۱×۱۸ — ۷×۱۳ س ۱۴

[۱۳۲۶] **نور ساطع** (فارسی)

شیخ محمد بن الحسن بن علی بن محمد الحر العاملی (م ۱۱۰٤) از هدایة الامة الی احکام الائمة گزین نموده بدایة الهدایة بپرداخت و در دههٔ نخستین ماه ذیقعدهٔ سال ۱۰۹۱ آنرا بانجام رساند و در ۱۰۹٤ آنرا بر او خوانده اند (ذریعه ۳: ۵۹) این دفتر ۱۵۳۵ مسئله از واجبات منصوص و ۱٤٤۸ مسئله از محرمات منصوص از طهارت تا دیات را دارد (۱) او در امل الآمل ص ٤٤۸ از آن یاد نمود (نیز لؤلؤتی البحرین).

مولی محمد مراد بن محمد صادق بن محمد علی بن حیدر کشمیری محشی من لایحضر و نگارندهٔ رجال ملامراد و از شاگردان حر عاملی بدستور استاد و در زمان او بنگارش گزارشی گسترده بفارسی بر آن پرداخت و آنرا دلیل قاطع نامید سپس در میانهٔ کار برای اینکه همه بتوانند بهره برند بهمین ترجمهٔ فارسی نور

۱– بدایة الهدایه در نولکشور هند بسال ۱۳۱۸ چاپ شده و بکوشش حاج شیخ احمد شیرازی و خط شیخ محمد صادق نویسر کانی در تهران بسال ۱۳۲۵ در ۱۳۲ ص بغلی هم چاپ سنگی رسید (طوس ۵: ۳۵ و ۳۷۳ و ۵٤۲).

ساطع ، بس کرد و خواست پس‌ازاین آن گزارش را پایان برد (دیباچه) .

شیخ محمد جعفربن سلیمان فراهی (نیمهٔ یکم سدهٔ ۱۱) همزمان حرعاملی‌هم بدایةالهدایة را بنام کشف‌الهدایة ترجمهٔ فارسی کرد و بنام مفتاح‌الهدایه آنرا گزارش نوشت .

بازمولانامحمدطاهربن عبدالله قاری هروی اخباری زندهٔ دره۱۱۱ گزارشی آمیخته و با استدلال بربدایه بنام « منتخب‌الهدایة فی ادلةالبدایة» در ۱۱۰۵ نوشته است (۱) .

چنین است آغاز نور ساطع : « ابتدا میکنم بنام خدا رحمت کنندهٔ دردنیا مؤمنان و کافران را ودرآخرت مؤمنان‌را و بس (الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی محمد وآله‌الطاهرین) جمیع حمدها مخصوص خدا است که تربیت کنندهٔ عالمها است (کنتوری ـ طوس) .

[۱۵۵۳]

۷۲۷ این نسخه بنسخ است ومتن زیرخط سرخ و عنوانها شنگرف میباشد . درمیان برگهای۱و۲ باندازهٔ ترجمهٔ ص ۹ س ۳ متن درچاپی تا س ۵ ص٤ آن نیست وگویا یك برگی کم است .

نزدیك یك صفحه ترجمه آغازمتن‌در نسخه‌ماینست بادیباچهٔ مترجم وچنین‌است‌نسخه . **آغاز** : وچنین‌است (وسمیتهابدایةالهدایة ..) ونامیدم‌آنرابدایةالهدایة وامیدوارم که نفع یابد باین مبتدی و متوسط و منتهی (برابر با ص ۱ س ۳ چاپی متن) . . . (واللهالموفق، مقدمة، یجب‌علی المکلف‌الاقرار بوجوداللهسبحانه) وخداست‌توفیق‌دهنده، این مقدمه‌ایست . واجبست برعاقل و بالغ اقرار بوجود خدای منزه (و وحدانیته . . . وتنزهه عن‌النقص) و یگانگی خدا.... و پاکیزه‌بودن او ازکمی (ص ۷ س ۳) .

انجام : (... تمت‌الرسالةالموسومة بدایةالهدایة فی اوائل ذی‌القعدة سنة ۱۰۹۱ (الف‌وثمان‌وتسعین‌من‌الهجرة ـ چاپی) ... تمام‌شدرسالهٔ که‌نامیده شده « بدایةالهدایة» دراوایل ذیقعدهٔ سنهٔ هزار و نود و یك . تا اینجا ترجمهٔ کلام حضرت شیخ بزرگوار عالی‌مقداراست سلمه‌الله . تمام شد این‌ترجمه درماه مبارك رجب سنهٔ هزارونودهشت .

۱ـ بنگرید به : کنتوری ص ۸۲ و ۲۱۵ و ۵۹۲ ـ ذریعه ٦ : ۲۲۵ و۸ : ۲۵۹ ـ سپهسالار۱ : ۵۵۳ـ طوس ۲ : ۱٦و۵ : ٤۸۱و۵۱۸و۵۲۸ .

التماس دعادارم ازمؤمنین ومؤمنات که نگاه کنند در این ترجمه اگرغلطی یا تفاوتی درترجمه شده باشد قلم عفو بر آن کشند ودراوقات صلوات وزیارات ودعوات فقیر را یاد کنند و بسبب تقصیر این حقیر دراین اوقات فراموش نکنند . حرره محمدالشهیر برادالکشمیری . ه . (کاتب‌الحروف محمد جعفر بربیوری سنة ۱۱۰۰) .

(۳۱۸٦ه) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد کاره
اندازه : ۱۱×۱۹ و ۸×۱۳/۵ و۱٤

[۱۳۲۷] نورالمستبصرین (عربی)

ازسیدمحمدمرتضی فرزند سیدحسن علی‌علوی حسنی حسینی جون‌فوری که در ٦ صفر۱۳۱٤ بپایان رساند . دیباچهٔ آن دربارهٔ کتب حدیث شیعی مانند کافی وتهذیب وبحار ومستدرك میباشد سپس چند حدیثی است دراینکه امامان با پیامبر درهرچیزی جز پیامبری انبازند .

آغاز : بسمله . الحمدللهالذی‌هدانا‌الی‌الحق والیقین.. فیقول.. ابن‌السید حسن علی ، محمد مرتضی ... هذه رسالة سمیتها بنورالمستبصرین .

انجام : وقد کتب هذه‌الاحرف مؤلفهافی السادس من شهرصفرسنة۱۳۱٤ ثلثمائة واربعة عشر بعدالالف من‌الهجرة .

[۱۵۵٤]

۹۹٤ این نسخه ش ۷ دفتر و چاپ جون‌فور (چاپخانهٔ جعفری) در ۳٦ ص سال ۱۳۱٤ بخط نسخ کریم‌بخش میباشد در ص ۱ نوشته شده که بحاجی میرزا حسین نوری داده شده .

[۱۳۲۸] نهج‌البلاغة (عربی)

سیدرضی ابوالحسن محمدبن‌الحسین‌بن موسی بغدادی (۳۵۹ ـ ٤۰٦) گردآورندهٔ نهج‌البلاغه است (۱) .

۱ـ سر گذشت رضی ومرتضی درتاریخ ابن‌خلکان ش۶۳۹و٤۱٦ وتاریخ یافعی دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

این دفتر مجموعه‌ایست از سخنان امیرمؤمنان علی وهمان ارزش را دارد که برای

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۳: ۸و۵۵هست ، در تاریخ بغداد (۱۱: ۴۰۲) تنها از مرتضی یاد گردیده ، نیز عمدة الطالب ش ۱۸۱ گ ۱۴۶ ب و ش ۱۸۲ گ ۹۴ ب .

درفهرست ابن ندیم دراخبار لغویان و نحویانیکه دوروش بصری و کوفی را باهم بیامیختند (ص۱۲۸) دارد : «ابو الحسن محمد بن الحسین من مصنفاته کتاب شرح الجرمی، کتاب الهدایة ، کتاب العلل » از این گویا همان شریف رضی خواسته شده و این سه کتاب را او پیش ازهیجده سالگی (پیش از نگارش فهرست در ۳۷۷) باید نوشته و اینها همه در نحو باید باشد. از این «جرمی» «مختصر نحو المتعلمین» ابوعمر صالح بن اسحق بجلی نحوی جرمی (بر ده قبیله جرم) بصری بغدادی م ۲۲۴ (ابن ندیم ص۸۴ وسمعانی گ ۱۲۸ الف و جلبی ۲ . ۴۰۲) که رضی آنرا نزد رمانی خوانده است خواسته شده است . ابن ندیم از جرمی دیگری هم یاد میکند که نگارندهٔ چنین کتابی نخواهد بود (ص۱۲۰) اگر آنچه نوشته‌ام درست باشد بنام سه کتاب دیگر از رضی برمیخوریم که جز درفهرست ابن ندیم دیده نمیشود . همو باز (ص ۲۴۲) از « رسائل الشریف الرضی » یاد کرده است .

ابن درستویه (در گذشتهٔ ۳۳۰ و اندی) نگارندهٔ الهدایه و الرد علی من قال بالزوائد است ورضی آنچه که درحقایق (ص ۱۶۵) دربارهٔ نبودن حرف زائدی در قرآن گفته از مبرد (۲۱۰ـ۲۸۵) استاد او گرفته است . او ورمانی هم شرح مختصر جرمی دارند (ابن ندیم ص ۸۸ و۹۴ و۹۵) .

داستانی دربارهٔ نماز گزاردن رضی پشت سر مرتضی درروضات (ص ۵۵۰) و قصص العلما (ص ۲۹۳) آمده که مانند آنرا دربارهٔ دو برادر احمد و محمد غزالی درنفحات جامی (ص ۳۳۷) وریاض العلما (ص ۶۴ و۶۵) می بینیم. ازخواندن این دومی در اینجا داستان برخورد ابن سینا و ابوسعید بیاد میآید . دراین داستانها آمده که مرتضی ومحمد در نماز دربارهٔ مسئله حیض زنان میاندیشیدند ورضی و احمد آنرا دریافتند ونماز خودرا بشکستند . درریاض دارد که احمد دریافت که دل محمد در نماز بسوی اصطبل است ونماز خودرا برید .

سید مرتضی هم مانند برادر شیفتهٔ سخنان علی بوده ودر امالی خود (غرر الفرائد ودرر القلائد) درمجلس ۱۰ چنین مینویسد :

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

صحاح و سنن و مسانید سنی یا اصول شیعی و کتابهای چهار گانهٔ آنها هست هیچکس نمیگوید که همه خبرهای آن درست و همهٔ آن از گفته‌های علی ع است چنانکه بند «لله بلاد فلان» را که ستایشی از عمر در آن شده است شیعی نمی پسندد . در آن همه گونه خبرها از قطعی و متواتر و ظنی و واحد و مانند اینها هست و گردآورندهٔ آن دانشمندی پارسا و درستکار بوده و تا توانست در برگزیدن سخنان روایت شدهٔ از علی بررسی و کاوش کرده آنچه را که نزد او درست می نمود در آن آورده وهیچ ازخود چیزی نساخت ودر آن نگذارده است (۱) .

نجاشی در رجال (ص۲۸۳) از نهج البلاغه بنام رضی یاد کرده است همچنین ابن شهر آشوب در معالم (ص ۳۶۷) ورازی در النقض (ص۱۸۰) وقمی درفهرست (ص۱۲) ولی شگفت اینجاست که طوسی درفهرست ورجال نه از رضی یاد کرد ونه از نهج البلاغهٔ او .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

«اعلم ان اصول التوحید والعدل مأخوذة من کلام امیرالمؤمنین علی (ع) وخطبه وانها تتضمن من ذلك مالا مزید علیه ولاغایة وراءه ومن تأمل المأثور فی ذلك من کلامه علم ان جمیع ما اسهب المتکلمون من بعد فی تصنیفه وجمعه انما هو تفصیل لتلك الجمل وشرح لتلك الاصول ... وروی عن الائمة من ابنائه (ع) من ذلك مالا یکاد یحاط به کثرة و من احب الوقوف علیه وطلبه من مظانه اصاب منه الکثیر الغزیر الذی فی بعضه شفاء للصدور السقیمة ونتاج للعقول العقیمة ونحن نقدم علی ما نرید ذکره شیئاً مما روی عنهم فی هذا الباب» او پس از این بندهائی از سخنان علی وامامان دیگر را میآورد ودر ستایش از سخنان علی تا بجائی میرسد که میگوید : «وجمیع کلامه (الحسن البصری) من الوعظ و ذم الدنیا اوجله مأخوذ لفظاً و معنی او معنی دون لفظ من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) فهو فی ذلك القدوة والغایة » پس از اینهم چند بندی از سخنان علی را آورده و میگوید : « وهذا باب ان و لجناه اغترفنا من تیج بحر زاخر وشؤبوب غمام ماطر وکل قول فی هذا الباب لقائل اذا اضیف الیه اوقویس به کان کاضافة القطرة الی الغمرة اوالحصاة الی الحرة فانما اشرنا الیه اشارة واومأنا الیه ایماء » (۱ : ۱۰۳ـ۱۰۸) .

۱ـ بنگرید به : فهرست سپهسالار (۲ : ۱۱۸) از گفتهٔ شهرستانی ـ مدارك نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه از الهادی کاشف الغطاء چاپ ۱۳۵۴ نجف ص ۶ .

ازسر گذشت رضی برای روشن‌شدن مطلب تنها چندنکته‌ای دراینجا یادمیشود:

ثعالبی دریتیمة‌الدهر (۳ : ۱۳۱) میگوید که رضی اندکی پس‌از دهسالگی شعرسرود وامروزه ازبهترین‌سرایندگان طالبی است واگربگویم که اشعرقریش است دروغ نگفته‌ام (نیز تاریخ بغداد خطیب ۲ : ۲۴۶) گردآورندهٔ دیوان‌مرتضی می‌نویسد : « سمعت من بعض شیوخنا یقول لیس لشعرالمرتضی الا کون الرضی اخاه فانه اذاافردبشعره کان اشعراهل عصره » (روضات ص ۳۷۹و۵۴۷) درمعالم ص ۱۳۸ دارد : « وقالوا انه افصح قریش لانه مکثر مجید » دانشمندان دیگر گفته‌اند : « الرضی کان عالمأغلب شعره علی علمه والمرتضی کان شاعراغلب علمه علی شعره » (دیباجهٔ المجازات‌النبویة. تأسیس‌الشیعة سیدحسن‌صدرالدین‌ص۲۱۴)

باری از هوشمندی رضی این‌راهم گفته‌اند که او در کودکی و دهسالگی شعر خوب میگفت و قرآن را درسالخوردگی دراندك زمانی از بر کرد (حلی در دیباچهٔ حقائق ص ۸۴) شعرهای‌او که در کودکی و دهسالگی و ۱۵ سالگی سروده است در دیوان (ص ۵۱ و ۱۴۴ و ۱۸۵) آمده و از برخی از آنها گویا بیتهائی رانمی پسندید واز آن کاست . اودرشعرهافرمانروایان عباسی ودیلمیان را بسیار ستود و گاهی تغزل هم کرده‌است . صابی‌دانشمند نویسنده را هم اوستوده ورثا گفته‌است . اینگونه شعرها گویابرخی را خوش نیامده چنانکه سیدنعمة‌الله شوشتری درمقامات‌النجاة (مقام ۲۷ و ۳۰) ازین ستایشها خرده گرفت (روضات ص ۵۵۰) ولی نوری درمستدرك (ص۵۱۲) رضی‌رادراین گونه‌شعرها ناگزیر نشان داد وسخنان شوشتری را پاسخ گفت .

بهاءالدوله ابونصر فیروز بویه‌ای دیلمی (۳۷۹ - ۴۰۳) رضی را در ۳۹۸ « الرضی ذی‌الحسبین » ودر ذی‌قعدهٔ ۴۰۱ « الشریف‌الاجل » خوانده است (۱)

۱- دردیباجهٔ حلی ص۴۷دارد که بهاءالدوله‌در ۳۸۸ اورا « الشریف‌الاجل » خوانده ودر۴۰۱ دستورداد که درنامه‌ها اورا گذشته از کنایه با این نام بنویسند . مگراینکه ازدیوان چنین‌بر نمیآید . بازمیگوید که اورضی‌را در ۳۹۲ « ذی‌المنقبتین » خوانده‌است با اینکه ازدیوان (ص ۵۰۶) برمیآید که او بپدرش چنین نام را داده است .

(ص ۲۲ و ۴۲۵ دیوان) همچنانکه وزیر قادر عباسی ابوسعید محمدبن حسین‌بن عبدالصمد در ۴۲۰ برادر اورا « علم‌الهدی » نامید (روضات ص ۳۷۵ ومستدرك ص ۵۱۵ و قصص‌العلماء ص ۲۹۰ هرسه از اربعین شهید ولی در آن نیافته‌ام و گویا مجموعهٔ شهید را خواسته‌اند) رضی هم دربرابر چندقصیده‌ای درستایش این فرمانروای دیلمی سروده است .

اباإسحاق ابراهیم‌بن هلال‌بن ابراهیم‌بن هارون (زهرون) صابی نویسندهٔ دانشمند وشاعرشیوا و مهندس (۲۹۳ - شوال ۳۸۴) دوست رضی بوده و اورا بخلافت برمیانگیخت وقصیده‌ای هم دراین‌باره سروده و برایش فرستاد که من بفراست دریافتم که توشایستگی چنین کارراداری مبادادر آن هنگام مرافراموش کنی . رضی‌هم درقصیده‌ای بدو پاسخ گفته و از او نوازش نمود و نویدها بدو داده است (ص ۳۲۷ دیوان - روضات ص ۵۸۰و ۵۵۰) .

میانهٔ صابی ورضی نامه‌ها بنثر و نظم مبادله شده و از نگارشهای رضی « کتاب ما دار بینه وبین ابی اسحاق‌الصابی من‌الرسائل » برشمرده‌اند و ابن ندیم (ص ۱۹۳) در سر گذشت صابی از « کتاب مراسلات‌الشریف الرضی ابی‌الحسن محمدبن‌الحسین‌الموسوی » یاد نمود رضی « مختار شعرابی اسحاق‌الصابی » هم دارد . ازشعرها که اینهو دربارهٔیکدیگر سروده‌اند دردیوان رضی دیده‌میشود (ص ۲۹۷ و۵۲۷ و۵۲۸ و ۵۳۰) شعرهائیکه رضی در تهنیت دوست ترسای خود در شعانین گفته است گویا در بارهٔ همین صابی میباشد (ص ۴۹۹ دیوان) رضی (ص ۱۵۵ دیوان) و مرتضی هردو درمرگ این دانشمند صابئی رثاسروده‌اند (روضات ص ۴۵و ۱۴۲- یتیمة‌الدهر ۲ : ۲۱۱-۳۱۱) رضی در سال ۳۸۴ در همان ماهیکه صابی بمرد ودرسال ۳۹۳ بآرامگاه اودرجنینهٔ کرخایا بگذشت و یاد اینهوست خود کرد وباز دو قصیده دیگر دررثای او سروده است (ص ۳۲۱ و ۵۴۴ دیوان) .

ازپاره‌ای ازشعرهای رضی برمیآید که اوشیفتهٔ خلافت بوده‌است چنانکه میگوید :

لئن كان اعفا الخلافة لمة	لهاطر رفوق الجبين واطرار

٭٭٭

واني اذي زلداً تواتر قدحه	ويوشك يوماً ان تشب له نار

او درخلافت داعی هم داشت بنام ابی العوام عمرو بن ابی لیلی از بنی عامر بن لؤی و از خاندان کعب که گویا درسال ۳۹٤ راهنمای سفر مکهٔ او بوده است و بنی تمیم هنگامیکه آنها را دعوت بپیروی از رضی کرده بود و گویا بدستور خلفا او را بکشتند (چنانکه مقلدرا نیز کشتند) ورضی اورا پنج بار رثا گفته است (ص ۱۰٦ و۲۳۸ و۲۳۹ و۲٤۷ و٤٦٥ دیوان ـ دیباچه حقائق ص ۷۰).

پنداشت که رضی با دستگاه فرمانروائی عباسی خوشبین نبوده و فاطمیان مصررا ازخود میدانست چنانکه میگوید:

ما مقامي على الهوان و عندي	مقول صارم و انف حمى

٭٭٭

البس الذل في ديار الاعادي	و بمصر الخليفة الفاطمي
من ابوه ابي و مولاه مولا	ی اذا ضامني البعيد القصي
لف عرقي بعرقه سيدالنا	س جميعاً محمد و علي
ان جوعي بذلك الربع شبع	و اوامي بذلك الظل ري

این شعرها بقادر عباسی رسید و باو برخورد. پس انجمنی بیاراست و با بود ابوبکر باقلانی و سیدمرتضی و گروهی ازفقیهان وداوران و گواهان که شعرهارا بآنها نشان داده بود از پدررضی درخواست که پسررا وادارد که این شعرها را انکار کند و نسبت فاطمیان را دروغ نشان دهد. رضی درپاسخ پدر گفته بود که من ازداعیان مصر وازدیلمیان میترسم و چنین کارها را نمیتوانم بکنم. پدر بدو گفت که از دشمن خانگی بیشتر باید ترسید. او گویا ناگزیر شده بود که بگوید این شعرها ازمن نیست و آنها را دردیوان خویش هم نگذارده است ولی بخط او دیده‌اند ودرپایان چاپ نخبة‌الاخبار بمبئی در۱۳۰٦ هم دیده میشود.

مگر اینکه زیر نوشته‌ایکه درنفی نسب فاطمیان (۱) نوشته‌بودند گواهی نداده‌است

۱ـ نوشته‌ای ازدوبار قادر عباسی (۳۸۱ـ٤۲۲) درربیع‌دوم سال٤۰۲ (سال۱٦ پادشاهی حاکم فاطمی) بیرون داده ودربغداد ودیگرشهرها بربالای منبر برای مردم خوانده‌اند که معدبن اسماعیل بن عبدالرحمن بن سعید از خاندان دیصان‌بن سعید خرمی رهبر دیصانیان وبرادران بدکیشی وديوزادگان میباشد. این کسی که درمصر پیدا شده وبنام منصوربن نزاربن‌معد وحاکم خوانده میشود پسران ناپاك اوخودرا بخاندان علی بسته‌اند وآشوبگرند وبا علی پیوندی ندارند آنها نمیدانند که هیچ طالبی دراین شك ندارد و در مکه و مدینه درآغاز کارشان درمغرب این را همه میدانستند. همهٔ آنان بیدین وتبهکار و بدکردار و زندیق وثنوی و مجوسی میباشند. آنان آیین اسلام را کنار گذارده‌اند و مردمی خونریزند و زن را ازآن‌همه میدانند و میگساری میکنند و بپیامبران دشنام میگویند و خودرا خدامیخوانند ـ بنگرید به: اتعاظ‌الحنفاء مقریزی ص ۳٦ـ۷۳ ـ النجوم‌الزاهره ۲ : ۲۳۰ ـ تاریخ ابوالفدا ۲: ۱٤۲ـ تاریخ جهانگشا ۳: ۱۷٤ و۳٦۰ ـ شذرات‌الذهب ۳: ۱٦۲ ـ منتظم ابن‌جوزی ۷ : ۲۵۵ ـ البدایة والنهایة ابن کثیر ۱۱: ۳٤۵ـ پیش ازاین ابوشجاع‌فناخسرو عضدالدوله‌دیلمی (۳٦۷ـ۳۷۲) دربغداد علویانرا گرد کرد و از آنها نوشته گرفت که پادشاه‌مصر علوی‌وطالبی نیست وبمصر کس فرستاد وپرسید که شما از کدام خاندانید آنهاهم قاضی علی بن نعمان (۳۲۸ـ۳۷٤) راواداشتند که نسب‌نامه‌ای نوشت وآنرا بربالای‌منبرها خواندهاند (الفاظ‌تحفه‌ص۳۵)

از دانشمندانیکه در زیر آن نوشتهٔ قادری گواهی داده بودند در کتابها این کسان یاد شده‌اند:

رضی وبرادرش‌مرتضی وابن‌البطحاوی وابن‌الازرق‌موسوی ازعلویان وابوحامد احمدبن محمد اسفراینی شافعی (۳٤٤ـ٤۰٦) وابوالحسن احمدبن‌محمد قدوری حنفی (۳۷۲ـ٤۲۸) و قاضی‌القضاة ابومحمد عبدالله‌بن‌الاکفانی (۳۱٦ـ٤۰۵) و ابوعبدالله محمدبن عبدالله بیضاوی شافعی قاضی خطیب (۳٤٤ ـ ٤۲٤) و ابن‌الجزری قاضی ابوالقاسم و ابوالعباس احمدبن محمد ابیوردی شافعی (م ٤۲۵) و ابومحمد حسن‌بن محمد کشفلی طبرستانی شافعی وقاضی ابوعبدالله حسین‌بن علی صیمری حنفی (۳۵۱ـ ٤۳٦) وابوالفضل نسوی و ابوجعفر محمدبن احمد نسفی حنفی (م ٤۱٤) وابوعبدالله ابن‌المعلم‌محمدبن‌محمدبن نعمان مفید بغدادی شیعی (م٤۱۳) ومحمدبن محمدبن عمروبن ابی‌یعلی علوی و ابوطاهربن ابی‌الطیب و فقیه ابوعلی حسن‌بن حسین حسکان و قاضی ابوالعباس‌سوری (ابن‌الشیوری) وابوالقاسم‌علی بن المحسن‌تنوخی یادمیری (ازشهود)

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

(المنتظم ابن جوزی ۷ : ۲۸۱ - اتعاظ مقریزی ص ۳۶-۴۴).

یکبار رضی بکوفه رفته بود و میخواست از آنجا بمصر رود ولی ببغداد بر گشت وقصیده‌ای درستایش از ترکان و بوئیان بسرود ودر آن گفت که دیگر ازشما جدا نخواهم شد . چنین است آغاز قصیده دردیوان او (ص ۱۶۳) :

تزود من الماء النقاخ فلن تری		بوادی الغضا ماء نقاخا ولا بردا

ازدانشمندانیکه رضی از آنها آموخته یاروایت کرده است اینکسان در کتابهای خود او ودیگران یاد شده‌اند :

۱- قاضی القضاة ابی الحسن عبدالجبار بن احمد همدانی بغدادی شافعی معتزلی (* ۵-۴۱۴) که درباره او درحقائق التأویل (ص ۴۰ ، ۲۰ و ۲۳۴) میگوید « رحمه الله » ودرتلخیص البیان (ص ۹۹) میگوید « ادام الله توفیقه » او شرح الاصول الخمسة (گویا همان المغنی) وتقریب الاصول والعمد فی اصول الفقه اورا نزدش خوانده‌است (تلخیص ۱۲۷ - مجازات ۲۸-۲۹-۱۱۴-۲۳۳).

۲- ابی بکر محمد بن موسی بن محمد خوارزمی حنفی بغدادی (۴۰۳*) که او بایهای درفقه ازمختصر طحاوی را نزدش خوانده‌است ودرباره او در تلخیص (ص ۱۶۲) میگوید « ادام الله توفیقه » ودرمجازات (ص ۹۲) می‌نویسد « رحمه الله » (حقائق ۸۶-۱۱۵ - تاریخ بغداد ۲ : ۲۴۷).

۳- ابی عبدالله محمد بن عمران مرزبانی خراسانی (*۳۷۸ یا ۳۸۴) که درمجازات (ص ۱۳۷) ازاو حدیثی روایت کرده است .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ابن خلدون درمقدمه نسب فاطمیان رادرست میداند ومیگوید که پیروان در بارست بنیاد عباسی چنین دروغ را ساختند وبرسر زبانها گذاردند تا ازایشان بتوانند دربار فاطمی را که دشمن سرسخت آنها بوده‌است ازمیان ببرند واین دروغ دربغداد شهرت داشته‌است ودانشمندان هم فریب آنرا خورده زیر آن نوشتهٔ دروغین گواهی داده‌اند . او ازدانشمندی مانند باقلانی درشگفت است که دست بچنین کار بی پایه یا زننده چنین دروغی را باور نداشت . مقریزی هم آن نوشته را دروغ ونسب را درست میداند (اتعاظ الحنفاء ص ۶۰ - ۷۳).

۴- ابی الحسن علی بن عیسی رمانی ربعی بغدادی (۲۹۶-۳۸۴) یار ابوعلی فارسی که رضی پیش از آموختن نزد ابن جنی مختصر جرمی درنحو و پاره‌ای ازایضاح ابوعلی فارسی ومقدمهٔ نحو املاء همان رمانی وعروض ابواسحاق زجاج وقوافی ابی الحسن اخفش را نزد او خوانده است (حقائق ۸۷ - تلخیص ۱۶۲ - مجازات ۲۵۰ - مستدرک ۵۱۴ - فهرست ابن ندیم ص ۹۴).

۵- ابی حفص عمر بن ابراهیم کنانی یار ابن مجاهد که درمجازات (ص ۱۵۵) ازاو حدیثی آورده و میرساند که حدیثها ازاو شنیده است ونیز میگوید که من قرآن را بچند روایت نزدش خوانده‌ام (ص ۱۴).

۶- قاضی ابی محمد عبیدالله بن محمد بن عبدالله اسدی ابن الاکفانی حنفی (۳۱۶-۴۰۵) که کتاب مزنی درفقه شافعی ومختصر فقه ابی الحسن کرخی رانزدش خوانده وهردو را ازاو اجازه گرفت (حقائق ۳۴۶).

۷- ابوالفتح عثمان بن جنی رومی موصلی (پیش از ۳۳۰ - پایان صفر شب آدینهٔ ۳۹۲) که ایضاح ابوعلی فارسی را نزدش خوانده ودرتلخیص (ص ۳۶ - ۷۷-۱۰۷) درباره او « رحمه الله » و « عفاالله عنه » میگوید (مجازات ص ۲۵۰ - حقائق ص ۱۴۰ و ۳۳۱) درفهرست ابن ندیم (ص ۱۲۸) از ابن جنی « کتاب تفسیر المراثی الثلاثة والقصیدة الرائیة للشریف الرضی » یاد شد ودورهم نیست چه اوست که ازهوشمندی و زیرکی رضی در کودکی وسالخوردگی یاد کرده وازمعانی القرآن ومجازات القرآن او بستود (ص ۵۴۷ درروضات) (۱).

۱- ابن جنی قصیدهٔ رائیه‌ایکه رضی دررثاء ابی طاهر ناصرالدوله کنیه ابوالنواد عقیلی درمحرم ۳۸۲ سروده بود گزارش نمود (ص ۲۰۷ دیوان) وچنین است آغاز آن :

القی السلاح ربیعة بن نزار		اودی الردی بقریعك المغوار

ورضی هم دربرابر درقصیدهٔ لامیهٔ

ارایت من طیف الحبیب وصالا		ویابی خیال ان یزور خیالا

ابن جنی را ستوده است (ص ۳۶۲).

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

٨- ابویحیی عبدالرحیم بن محمدبن نباتهٔ ادیب صاحب خطب (م ٣٩٤) که او و برادرش مرتضی در کودکی از او آموختند و سپس مادرشان آنها را برای فراگرفتن فقه نزد مفید برده است (روضات ٦-٣٧٥).

٩- شیخ مفید (م ٤١٣) که نزد او هم با برادر خود در کودکی فقه آموخت (شرح ابن ابی الحدید ١ : ١٣- روضات ٥٤٧ - مستدرك ٥١٤).

١٠- ابوعبدالله محمدبن یحیی بن مهدی گرگانی عراقی فقیه که در حقائق (ص ٢٩٦) مینویسد : « جارانی علی وجه المذاکرة ».

١١- ابوسعید حسن بن عبدالله بن مرزبان سیرافی نحوی (پیش از ٢٩٠ - ٢ رجب ٣٦٨) که در کودکی و پیش از ده سالگی ازاو نحو بیاموخت (حقائق

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

حلی دردیباچهٔ حقائق التأویل (ص ٩٢) ابن ناصر الدوله را مقلدبن مسیب میخواند ولی درست نیست چه این ابا حسان مقلدبن مسیب فرمانروای بنی عقیل و از دوستان رضی بوده و غلامان خانگیش اورا درانبار درشب تا بهنگام درصفر ٣٩١ بکشتند و رضی اورا دراین قصیده رثا گفت :

الاسا شدذاك الجناب الممنا   وجرد ایناقلن الوشیح المزعزعا

(ص ٢٧١) وهمچنین دراین قصیده (ص ١٤٩) :

اعامر لاللیوم انت ولاالغد   تقلدت ذل الدهر بعد المقلد

پس او جز اباطاهر ناصر الدوله یادشدهٔ درست رضی میباشد که رضی دراین قصیدههم اورا رثا گفت (ص ١٤٨) :

تفوزبنا المنون و تستبد   ویاخذنا الزمان ولا یرد

وهمچنین دراین قصیده (ص ٢٧٥) :

آبدارديني والحسام معه   ولم یؤب حامل الحسام معه

چون شنیده که بنی عقیل ازقصیدهٔ رائیهٔ او درخشم شده‌اند در تاریخ جهانگشا (٣: ١٧٣) وابن الاثیر دارد که او وشبیع معتمدالدوله قرواش بن المقلد فرمانروای بنی عقیل که عباسیان موصل را بدوسپرده بودند با حاکم نامه‌نگاری داشت ودر ٤٠١ ارمغانهائی از حاکم بدورسید واوهم بنامش خطبه خواند ولی بهاءالدوله او را ازاینکار بازداشت.

رضی دراین قصیده هم (٣١٥) ابن جنی را رثا گفته است :

الاباالقومی للخطوب الطوارق   وللعظم یرمی کل یوم بعارق

ص ٨٧ - مستدرك ٥١٤ - روضات ٥٤٧ ابن ندیم ص ٩٣).

١٢- ابوعلی حسن بن احمد فارسی نحوی (درگذشتهٔ شب یکشنبه ١٧ ع ٣٧٧/١ در ٩٠ سالگی که درعشرونیه نزدیك ابی بکررازی فقیه بخاك سپرده شد) که ازاو اجازه گرفت. رضی قصیده‌ای دررثاء او سروده است (دیوان ص ٢٤٧ نیز ابن ندیم ص ٩٥)

١٣- ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری (م ٣٨٥) که درخصائص (ص ٢٥-٢٣-٤١-٤٢-٤٨-٨١) حدیثهائی ازاو آورده است (مستدرك ٥١٤).

١٤- ابوالقاسم عیسی بن علی بن عیسی بن داودبن الجراح (م ٣٩١) که درمجازات (ص ١٥٣) حدیثی ازاو آورده است.

١٥- ابواسحاق ابراهیم بن احمدبن محمد طبری فقیه مالکی (م ٣٩٣) که درجوانی نزدش قرآن خوانده است (مستدرك ٥١٠) (١).

رضی دردوقصیده (ص ٢٧٦ و ٥٠٦ دیوان) از کسی رثا گفته که میگویند اوازهاشمیان بوده وادیب لغوی که رضی نزدش بسیار درس خوانده بود و نامش (ابن عبدالله الامام المنصور) است که درجمادی دوم ٣٩١ بمرد. برای فقیهی شیعی هم که در ع ٣٦٤/١ خبر مرگش باو رسید و برای ابامحمد یوسف بن ابی سعید نحوی م ع ٣٨٥/١ رثا گفت (دیوان ص ١٥٤ و ٢٧٦).

رضی نسخه‌ای از نهج البلاغه را دررجب ٤٠٠ بانجام رساند و برگهائی درآن سفید گذارده و پس از آن چیزهائی برآن افزود. دربندیکه درپایان آن

١- نیز بنگرید به : دیباچهٔ خصائص چاپ ١٣٦٩ نجف - دیباچهٔ عبدالحسین حلی برحقائق التأویل - الغدیرچاپ تهران ٤ : ١٨٣- دیباچهٔ تلخیص البیان. در تلخیص وحقائق در بسیاری جاها از برخی از دانشمندان بی آنکه بگوید که استادم بوده‌اند یاد کرده است. بفهرست نامهای ایندو بنگرید. او درحقائق (ص ٦) از اسماعیل بن اسحق القاضی (مالکی م شب چهارشنبه ٢٣ ذیحجهٔ ٢٨٢) یاد میکند و میگوید : « وکان ... یذکره کثیراً علی وجه الاستحسان له » (ابن ندیم ٢٨٢) همچنین از بسیاری ازدانشمندان پیشین دیگر.

افزوده است در گزارش « العین وکاه السیة » از « مجازات الآثار النبویة » خود هم یاد کرد (دو نسخهٔ ۸۷ و ۱۱۴۱) در دیباچهٔ آن از « خصائص الائمه » هم یاد کرده است. در همین خصائص (ص ۶۳ - ۸۰ - ۸۷ - ۸۸ - ۹۴) از خود او بنام « السید الرضی ابوالحسن » یاد گشت و او خصائص را اندکی پس از عرفهٔ سال ۳۸۳ آغاز نموده بود (ص ۳ و ۴) او در حقائق التأویل (ص ۱۶۷) میگوید « ...فلینعم النظر فی کتابنا الذی الفناه وسمناه بنهج البلاغه ».

درهمان مجازات که خود آن در آن « مجازات الآثار الواردة عن رسول الله » خوانده شده (ص ۲) هم از نهج البلاغه یادشده است (ص ۲۲ - ۴۱ - ۱۲۷ - ۱۶۱ - ۲۵۲) در آن (ص ۴ - ۲۰ - ۲۵ - ۱۷۵) از « کتابنا الکبیر فی متشابه القرآن » و از « تلخیص البیان عن مجازات القرآن » و « کتابنا الموسوم بمجازات القرآن » (۲-۳-۲۵-۴۸-۱۱۷) یاد گشت.

او در تلخیص البیان از « کتابنا الکبیر » (ص ۲۲ و ۳۱ و ۴۰ و جاهای دیگر) یا « حقائق التأویل » (۱۱ و ۲۴) یاد نمود و در ص ۱۴۸ رساند که بنوشتن همان « کتابنا الکبیر » میپردازد و هنوز بانجام نرسیده. نیز از « مجازات الآثار النبویة » (۱۴۰) و همچنین از گفتگوئیکه میان او و پدرش (م ۴۰۰) شده و در بارهٔ او « رضی الله عنه وارضاه » میگوید (۱۹۴).

نخستین گزارش نهج البلاغه بنام « اعلام نهج البلاغه » از علی بن ناصر استکه در روزگار رضی و در سدهٔ پنجم میزیسته است و کنتوری نسخه‌ای از آنرا نشان میدهد (ص ۵۳) این دانشمند را کسی نشناساند مگر اینکه در فهرست قمی از شیخ امام الدین علی بن ناصر بن ابی طالب همدانی یا حمدانی دانشمند فقیه و سید علی بن الناصر بن الرضا الحسینی دانشمند فقیه (ص ۸۰ و ۹ نیز امل الآمل ص ۴۹۱) یاد شده و ندارد که چنین کتابی یکی از آنها نوشته باشد. در طبقات سبکی (۴ : ۲۸۴) از علی بن ناصر بن محمد بن ابی الفضل بن حفص نوقانی (نوقان رمضان ۴۷۶ - طوس سه شنبه ۲۱ رمضان ۵۴۹) یاد گشت واز گفتهٔ سمعانی میآورد که او فقیه شافعی و پارسا بوده

وشاگردان بسیاری داشته بود. گویند از ترس غزان که طوس را گرفته بودند زهره‌اش پاره شده بمرد (۱) درفهرست بهار هند ۲ : ۴۵۱ ش ۴۱۳/۲ نسخه‌ای از این اعلام شناسانده شده. و آن بخط یحیی بن احمد بن علی الروبتی بسال ۱۰۷۶ میباشد. این هم گفته شود که سید مرتضی پیش از همه خطبهٔ شقشقیه را گزارش نوشته است (روضات ۳۷۷).

شیخ قاضی جمال الدین محمد بن الحسین بن محمد بن العزی (القریب) دانشمند فقیه و داور کاشان نهج البلاغه را از بر می نوشت واو بر گفتار رضی در آغاز نهج : « علیه مسحة من العلم الالهی وفیه عبقة من الکلام النبوی » گزارشی بنام « رسالة العبقة » نوشته است (فهرست قمی ص ۱۲ - امل الآمل ص ۵۰۱) (۲).

حجة الدین فرید خراسان ابوالحسن علی بیهقی (۴۹۰-۵۶۵) در گزارش خود بر نهج البلاغة بنام معارج نهج البلاغة که در ۱۳ جمادی یکم ۵۵۲ بانجام رسانده است در دیباچهٔ آن می نویسد که من نهج البلاغه را نزد حسن بن یعقوب بن احمد قاری پارسای دانشمند در ماههای سال ۵۱۶ خوانده‌ام و نوشتهٔ او گواه من است واو آنرا از شیخ جعفر دوریستی محدث فقیه شنیده بود. من همهٔ آنرا از پدرم ابوالقاسم زید بیهقی شنیده‌ام و او آنرا از همان دوریستی اجازه گرفته بود و نوشتهٔ دوریستی براین گواه درست میباشد. پاره‌ای از آنرا هم من از برخی از استادانم شنیده دارم. روایت درست این کتاب همانست که ابی الاغر محمد بن همام بغدادی شاگرد رضی که باختیار علی آگاه بوده است روایت میکند (مستدرک ۴۹۳ - فهرست معارف ۱ : ۱۴۱ - فهرست طوس ۵ : ۱۷۱ - فاضلیه ص ۶۸ - الغدیر ۴ : ۱۸۷).

۱- بنگرید : مستدرک ۵۱۴ - ذریعه ۲ : ۲۴۰ - الغدیر ۴ : ۱۸۶ - معارف ۱ : ۱۴۱ - فهرست سپهسالار ۲ : ۱۲۳ و ۱۳۹ - در انساب سمعانی در کلمه‌های نوقانی وطوسی چنین چیزی دیده نشده است.

۲- در فهرست معارف ۱ : ۱۴۰ - ۱۴۷ پنجاه و پنج گزارش و در فهرست ابن یوسف (۲ : ۱۲۴ - ۱۳۹) ۶۶ گزارش و در الغدیر (۴ : ۶ - ۱۸۳) ۸۰ گزارش برای نهج البلاغه یاد گشت.

قطب راوندی درشرح بر نهج البلاغه که بنام منهاج البراعة و نزدیك بپایان شعبان سال ٥٥٦ بانجام رسانده بود آنرا بدینگونه روایت میکند :

١- از ابوالصمصام ذوالفقار بن محمدبن سعید (معبد) حسنی مروزی از شیخ ابوعبدالله محمدبن علی حلوانی (حرانی) از رضی (آغاز نسخهٔ ملك از شرح نهج راوندی) .

٢- از ابوجعفر محمدبن علی بن المحسن حلبی از طوسی از رضی (در نسخهٔ ملك نیافتم) اینهم طریق روایت او است از طرق شیعی که در آغاز شرح یاد کرده . طرق سنی او که در پایان آن آورده چنین است :

١- از ابو نصر غازی (غاری) از ابی منصور عکبری از رضی (پایان نسخهٔ ملك) .

٢- از شیخ عبدالرحیم بغدادی معروف بابن الاخوة از سیده نقیه دختر مرتضی از رضی عم او (در نسخهٔ ملك نیافته‌ام) .

٣- از همین ابن الاخوه از شیخ ابی الفضل محمدبن یحیی بابلی (نافلی - ناهلی) از ابی نصر عبدالکریم بن محمدالدیباجی معروف به سبط بشر الحافی که میگفته آنرا بر رضی خوانده‌اند و من شنیده‌ام (پایان نسخهٔ ملك) (١) .

١- نیز بنگرید به : مستدرك ٤٨٩- ٤٩١و٤٩٥-٤٩٧ - فهرست عاطلیه ص ٦٧ و ٦٨ - فهرست طوس ٥ : ١١١ - نسخه ش ١١٥١ کتابخانهٔ ملك تهران از شرح راوندی بسیار پاکیزه و بنسخ روشن با عنوانهای شنگرف در ١٦٩ برگ باندازهٔ وزیری میانه ودر ٦٨١ نوشته شده‌است . در دیباچه و پایان وجاهای دیگر آن بکتاب نامی داده نشده و تاریخ نگارش هم در آن ندیده‌ام درصفحهٔ عنوان بخط کهن همان « شرح نهج راوندی » دارد و بخط تازه‌ای نوشته شده « منهاج البراعة » . در پایان آن تاریخ زاد ومرگ رضی آنچنانکه دیگران گفته‌اند هست . در برگ ٢٦ب دربارهٔ خطبه‌ای از علی دارد : «قال ابوعلی مسکویه خطبها امیرالمؤمنین ..» .

در بحار (اجازات ص ١٧٢) دارد : « وشرحا النهج للراوندیین قد نقلتهم عنهما فی کتاب الفتن وغیره من کتب البحار » .

در کتابها کسان دیگر هم از شاگردان رضی بشمار آمده‌اند و رویهم سیزده تن میتوان برشمرد :

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

دراجازهٔ علامهٔ حلی بسیدمهنابن سنان مدنی در ٧ ذیحجهٔ ٧١٩ واجازهٔ او

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

١- سیده نقیه دختر سید مرتضی .

٢- ابی الاعز محمدبن همام بغدادی .

٣- سبط بشرالحافی ابی نصر عبدالکریم بن محمدبن الدیباجی .

٤- ابی منصور محمدبن ابی نصر محمدبن احمدبن حسین بن عبدالعزیز معدل عکبری که درقصص الانبیاء راوندی ازاو یادگشت .

٥- ابی عبدالله محمدبن علی حلوانی (امل الآمل ص ٥٠٤) .

٦- احمدبن محمد موسوی (امل ٤٢١) .

٧- قاضی ابوالمعالی احمدبن علی بن قدامهٔ انباری م ١٦ شوال ٤٨٦ (امل ٤٦٠- روضات ٥٤٧ - مستدرك ٤٩٢) .

٨- سید ابی زید عبدالله بن علی کیابکی بن عبدالله حسنی کجی گرگانی (امل ٥١٠ - مستدرك ٤٩١) .

٩- شیخ مفید عبدالرحمن بن احمدبن حسین نیشابوری (م ٤٤٥) شاگرد وراوی کتابهای مرتضی ورضی (فهرست قمی ص ٧- لسان المیزان ٣ : ٤٠٤ - امل ٤٨٠ - روضات ٥٤٧ بنام سید عبدالرحمن نیشابوری) .

١٠- ابوبکر احمدبن الحسین بن احمدخزاعی نیشابوری رازی پسرهمان نیشابوری وشاگرد رضی ومرتضی وطوسی (قمی ص ٣ - امل ٤٥٨ - مقابس ص١١) .

١١- قاضی سیدابوالحسن علی بن بندار بن محمدهاشمی شاگردوراوی دوبرادر (امل ٤٨٥) .

١٢- ابی عبدالله جعفر بن محمد دوریستی رازی که شاگرد مفید و مرتضی هم بوده است (فهرست قمی ص ٤ - روضات ٥٤٧) گرچه دراجازهٔ شهید دوم «ابی جعفر دوریستی» آمده ولی درست نیست چه ابی جعفر محمدبن موسی بن ابی عبدالله جعفر نمیشود شاگرد رضی باشد . نجم الدین عبدالله بن خواجه ابومحمد جعفر بن ابی جعفر یاد شده (قمی ص ٩ واجازات بحار ص ١٠٦) استاد ابن ادریس بوده است و خود جعفر پدرش استاد نظام الملك طوسی وخواجه حسن پسر دیگر همین جعفر همدم و همنشین اینوزیر بوده‌اند. ابوتراب پسرخواجه حسن هم از دانشمندان بوده‌است (النقض ص ١٠٨) قمی (ص ٩) میگوید : « مشایخ دوریست فقهاءالشیعة » .

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس ازاین

بخاندان زهره در ۲۵ شعبان ۷۲۳ آمده که او از پدر خود و از احمد بن طاوس و از نجم الدین ابو القاسم جعفر محقق حلی از شمس الدین ابی علی فخار بن معد موسوی از سدید الدین شاذان بن جبرئیل قمی از احمد بن محمد موسوی از ابن قدامه از رضی نهج البلاغه و نوشته‌ها و سروده‌ها و روایتهای اورا روایت میکند (اجازات بحار ص ۲۲ و ۲۹ و ۵۳).

در اجازهٔ شیخ علی بن محمد بن یونس بیاضی بشیخ ناصر الدین بن ابراهیم بویهی العساوی بتاریخ ۱۱ شعبان ۸۵۲ از روی اجازهٔ پسر علامهٔ حلی بمحسن بن مظاهر و ابن رقماق و احمد بن حسن بن مظاهر (که ایندو بهمان بیاضی هم همین اجازه را داده‌اند) در ذیحجهٔ ۷۴۱ آمده که همان بیاضی از ابن رقماق و احمد بن مظاهر از پسر علامه از پدرش از نیایش از سید احمد بن یوسف عریضی از برهان الدین محمد بن محمد بن علی حمدانی قزوینی رازی از سید راوندی از عماد الدین ابی الصمصام ذی الفقار بن معبد بن فخار موسوی حسینی مروزی از شاذان از عماد کجیج طبری از پسر طوسی از طوسی از رضی نهج البلاغه را روایت میکند. نیز نیای فخر پسر علامه از عمر بن هبة الله بن نافع وراق از ابی جعفر محمد بن شهر آشوب از شهر آشوب از طوسی و باز همان نیای او از یحیی بن محمد سوراوی از حسین بن هبة الله بن رطبة از پسر طوسی از خود طوسی همین نهج البلاغه را روایت دارد. (ص ۴۸).

در اجازهٔ شهید یکم شمس الدین ابی جعفر محمد بن نجده در ۱۰ رمضان ۷۷۰ آمده که او از عمید الحق عبد المطلب حسینی و فخر الدین محمد حلی و رضی الدین علی مزیدی و زین الدین علی مطار ابادی از علامهٔ حلی از محقق حلی از نجیب الدین محمد بن نما و شمس الدین ابی علی فخار از شاذان نهج البلاغه را روایت میکند

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۱۳- شیخ طوسی که در اجازه‌ها و در روضات (ص ۵۴۷) دارد که از رضی روایت میکند مگر اینکه درست نباید باشد چه رضی در ۴۰۶ درگذشت و طوسی در ۴۰۸ بعراق رفته بود (مستدرک ۵۱۰) (نیز بنگرید به الغدیر چاپ تهران ۴ : ۱۸۵).

و نیز از جلال الدین ابی محمد حسن بن نما از نجیب الدین یحیی بن سعید از محیی الدین ابی حامد محمد بن زهرهٔ حلبی از ابن شهر آشوب از همان ذی الفقار مروزی از ابی عبدالله محمد بن علی حلوانی از رضی روایت دارد (ص ۴۱).

در اجازهٔ شهید دوم بپدر شیخ بهائی بتاریخ سوم جمادی دوم ۹۴۱ آمده که او از نور الدین علی بن عبد العالی میسی از شمس الدین محمد بن محمد بن داود بن مؤذن جزینی از ضیاء الدین علی پسر شهید یکم از پدرش شهید آنرا روایت میکند (ص ۸۸).

در اجازهٔ پسر شهید دوم بسید نجم الدین آمده که غیاث الدین احمد بن طاوس از پدر خود از شیخ علی بن یحیی الخیاط از علی بن نصر بن هرون حلی از حسن بن علی بن عبیده از ابی السعادات احمد بن الماصوری عطاردی از قاضی ابی المعالی بن قدامه از رضی نهج البلاغه را روایت میکند و همین ابن طاوس آنرا که قاضی عبدالله بن محمود بن لمحجی در ۶۷۰ در درب السلسلهٔ بغداد نزد شمس الدین الکیتنی میخوانده است شنیده و کیتنی از سید کمال الدین حیدر حسینی از ابن شهر آشوب از سید منتهی بن ابی زید بن کیابکی حسینی گرگانی از ابی زید از رضی روایت میکرده است.

نیز دارد که نجم الدین جعفر بن نما از پدرش از شیخ محمد مشهدی از ابن شهر آشوب از همان سید منتهی روایت دارد.

نیز سید محیی الدین بن زهره از ابن شهر آشوب از همان ابی الصمصام ذی الفقار از حلوانی از رضی روایت میکند و باز از عز الدین ابی الحارث محمد بغدادی از قطب راوندی از مرتضی و منتهی پسران داعی از ابی جعفر دوریستی از رضی. روایت شاذان هم در اینجا یاد شده است (ص ۱۰۷ و ۱۰۷).

در اجازهٔ شیخ علی بن عبد العالی کرکی بمولی حسین بن شمس الدین محمد استرابادی بتاریخ ۱۱ شوال ۹۰۷ آمده که نهج البلاغه را از شمس الدین محمد بن المؤذن جزینی از زین الدین بن علی بن طی از شمس الدین محمد عریضی از بدر الدین

حسن بن نجم الدین از عمید الدین از علامه از پدرش و از جمال الدین احمد بن طاوس ومحقق حلی از سید فخار از شاذان از احمد بن محمد موسوی از ابن قدامه از رضی روایت میکند. (ص ٦٠)

دراجازهٔ مجلسی یکم بمیرزا ابراهیم یزدی در صفر ١٠٦٣ نهج البلاغه از طریق شیخ طوسی روایت شده است (ص ١٥١).

دراجازهٔ حر عاملی بشیخ محمد فاضل مشهدی در دهۀ دوم شعبان ١٠٨٥ روایت آن از شاذان از احمد بن محمد موسوی از ابن قدامه از رضی یاد گردید (ص ١٦١).

عاملی در فائدهٔ ٥ پایان وسائل مینویسد که ما نهج البلاغه ومجازات نبویه را باسند خودمان از شاذان قمی از احمد بن محمد موسوی از ابن قدامه از رضی و از ابن شهر آشوب از ذی الفقار مروزی از حلوانی از رضی روایت میکنیم (١).

١ـ باز ٢٢ اجازه که دانشندان شیعی از ٤٩٩ تا ١٠٩٦ دربارهٔ روایت نهج البلاغه داده اند از روی الغدیر (٤ : ٤ـ٢٩٣) ودریعه یاد میگردد :

١ـ شیخ محمد بن علی بن احمد بن بندار بابی عبدالله الحسین در جمادی دوم ٤٩٩.

٢ـ شیخ علی بن فضل الله حسینی بعلی بن محمد بن الحسین متطبب در رجب ٥٨٩ (نسخهٔ کابلی).

٣ـ نجیب الدین ابی زکریا یحیی بن احمد بن یحیی حلی بعز الدین حسن بن علی حسینی ابن الابرز در ١٧ شعبان ٦٥٥ (ذریعه ١ : ٢٦٣).

٤ـ علامه حلی بخاندان زهره در ٧٢٣ (ذ ١ : ١٧٦).

٥ـ تاج الدین حسن بن حسین بن حسن سرابشنوی کاشانی برای شاگردی روی نسخه ای از نهج البلاغه که سید نجم الدین حسین بن اردشیر بن محمد طبری در حله نوشت در ١٩ ذیحجهٔ ٧٢٨ (ذ ١ : ١٧٠).

٦ـ سید شمس الدین محمد بن الحسن بن محمد بن ابی الرضا علوی بغدادی برای شاگردی روی نسخه ای از نهج که سید نجم الدین حسین بن اردشیر بن محمد طبری در حله بسال ٦٧٧ نوشته است (ذ ١ : ٢٣٤).

٧ـ همو برای شمس (جمال) الدین محمد بن احمد بن ابی المعالی موسوی در ٧٣٠ (١ : ٢٣٤).

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

در بارهٔ نسخه های نهج البلاغه این نکته یادآور میشود که نسخه ای از آن بخط حسن بن محمد بن عبدالله بن علی جعفری حسنی نوادهٔ ضیاء الدین ابی الرضا فضل الله راوندی بتاریخ ذی قعدهٔ ٦٣١ نزد میرزای نوری بوده است (مستدرک ٤٩٤).

در نسخهٔ ش ٧٨ این کتابخانه که در ٩٩٤ نوشته شده است از نسخه های تاریخ ٤٠٠ و ٨٨د یاد گردید.

در کتابخانهٔ ملک نسخه های ش ١٥٣ تاریخ ٦٧٦ وش ١٨٧٦ تاریخ ٦٨٧ وش ١٧٩ تاریخ ٦٩٣ هست وتاریخ نگارش رضی در آنها نیست. در نسخهٔ ش ٨٧٤ آنجا تاریخ ٥٦٦ بندی که رضی پس از تاریخ ٤٠٠ افزوده در آن نیست. نسخهٔ

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

٨ـ فخر الدین محمد پسر علامه بابن مظاهر در ٧٤١ (٢٣٦).

٩ـ شهید یکم بابن نجده شمس الدین محمد در ٧٧٠ (٢٤٧).

١٠ـ علی بن محمد بن علی بن محمد بن یونس بیاضی نباطی بناصر بن ابراهیم بویهی الحساوی در ٨٥٢ (٢٢١).

١١ـ محقق کرکی به مولی عز الدین حسین استرابادی در ٩٠٧ (٢١٤).

١٢ـ همو بشیخ ظهیر الدین ابی اسحق ابراهیم عاملی در ٩٣٤ (٢١٤).

١٣ـ همو بقاضی صفی الدین عیسی در ٩٣٧ (٢١٥).

١٤ـ شهید دوم بپدر بهائی در ٩٤١ (١٩٣).

١٥ـ شیخ حسن پسر همو در اجازهٔ بزرگ (١٧٢).

١٦ـ ابن خاتون احمد بن نعمة الله بمولی عبدالله شوشتری در ٩٨٨ (١٤٦).

١٧ـ ابن خاتون محمد بن احمد بسید ظهیر الدین میرزا ابراهیم همدانی در ١٠٠٨ (٢٣١).

١٨ـ مجلسی یکم بآقا حسین خوانساری در ١٠٦٢ (١٦٢).

١٩ـ همو بپسرش مجلسی دوم در ١٠٦٨ (١٦٢).

٢٠ـ شیخ صالح بن عبدالکریم کرزکانی بحرانی بمولی محمد هادی بن محمد تقی شولستانی در ١٠٨٠.

٢١ـ مجلسی دوم بسید میرزا ابراهیم نیشابوری در ١٠٨٨ (١٤٨).

٢٢ـ همو بسید نعمة الله جزائری در ١٠٩٦ (١٦٥).

این بیست ودو اجازه بجز ١ و ٢ و ٢٠ در ذریعه یادشده و بجز ٥ و ٦ در الغدیر دیده میشود.

کهنهٔ ش ۱۱۵۹ آنجا که جزو۲ و بی تاریخ نوشتن است و گویا ازششصد باشد تاریخ نگارش رضی را دارد.

درنسخهٔ تاریخ ٤٩٤ بخط تازه‌تری (نیز درنسخهٔ ۱۷٦ گ ۲۸۰ ب – ۲۸۱ الف ونسخهٔ ۱۱٤۱/۱) چنین آمده است:

کتب الاستاد الامام ابویوسف یعقوب بن احمد رحمة الله علیه علی نسخته من هذا الکتاب بخطه

نهج البلاغة نهج مهیع جدد   لمن یرید علواً ماله امد
یاعادلاعنه تبغی بالهوی رشدا   اعدل علیه ففیه الخیر والرشد
والله ان التارکیه عموا   عن شافیات عظات کلها سدد
کانها العقد منظوماً جواهرها   صلی علی ناظمیها ربنا الصمد
ماحالهم دونها ان کنت تصفنی   الاالعنود والاالبغی والحسد (۱)

باز درهمان نسخه تاریخ ٤٩٤ (ودرنسخهٔ ۱۷٦) دارد: واقتدی به ابنه الاستاذ الامام ابوبکر الحسن بن یعقوب ادام الله توفیقه فقال:

نهج البلاغة روض جاده درر   نهج البلاغة درج ضمنه درر
نهج البلاغة وشی حاکه صنع   من دون موشیه الثرقوب والحبر
وجونة ملئت عطراً اذا فتحت   خیشومنا فغمت ریح لها ذفر
صدقتکم سادتی والصدق من خلقی   وهذه شیمة ماعنا بها بشر
صلی الاله علی بحر غواربه   رمت به نحونا لالاء القمر (۲)

۱ـ درنسخهٔ ۱۱٤۱/۱ درآغاز شعرها همان دارد: «منظومة» و نوشته نیست که از کیست.

درنسخه ۱۷٦ سه بیت نخستین که در بالای برگ بوده ریاوه وفرسوده شده و کاغذهم روی آن چسبانده‌اند یا عنوان شعر زیر کاغذ رفته است واندکی از آنها را زیر کاغذ میشود خواند.

۲ـ درعنوان این شعرها درنسخهٔ ۱۷٦ دارد: «فاقتدی به ابنه الحسن وقال وهذا» دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

وقال علی بن احمد بن محمد الفنجکردی النیسابوری فی نهج البلاغة:

نهج البلاغة من کلام المرتضی   جمع الرضی الموسوی السید
بهر العقول بحسنه و بهائه   کالدر فصل نظمه بزبرجد
الفاظه علویة لکنها   علویة حلت محل الفرقد
فیه لارباب العقول مفتح   من بعن باستظهاره یستسعد
وقری العیون الیه صوراً ان   قرانه کتاباً رائماً فی مشهد
اعجب به کلماته قد ناسبت   کلمات خیرالناس طراً احمد
نعم المعین علی الکتابة للفتی   وبه الی طرق الکتابة تهتد
واجل یعقوب بن احمد کبره   بعلو همته وطیب المولد
و دعا الیه محرضاً اصحابه   فعل الحنیفی الکریم المرشد
العاقل الندب الادیب المکتسی   لبس العفاف الناصح المتردد
ثم ابنه الحسن الموفق بعده   فیه بسننه الرضیة مقتد
کم نسخة مقروءة حصلت به   مسموعة لاولی النهی والسودد
یارب قربه و اکرم نزله   واحشره فی رهط النبی محمد
واطل بقاء سلیله الحسن الفتی   فیشا برغم الکاشحین الحسد
صنه ابابکر و کن مستمسکا   بعراه وارق الی المجرة واصعد
واسلم وعش وانعم وابهم وابتهج   وانعم وامل وسم ودرس واسعد

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بیت یکم آن چنین است:

نهج البلاغة نهج ضمنه درر   نهج البلاغة روض جاده درر

دربیت دوم بجای «الثرقوب» مانند نسخه بدل نسخهٔ ٤٩٤ دارد: «الدیباج» دربیت چهارم درآن نسخهٔ تاریخ ٤٩٤ دارد: «من عادتی» بجای «من خلقی» و «ذلکم خصلة» درنسخه بدل ولی درنسخهٔ ۱۷٦ «وانه خصلة» دارد. درنسخه ۱۷٦ دربیت پنجم بجای «غواربه» دارد «اواذیه».

تمت ولله الحمد والصلوة على النبي محمد وآله (١).

نيز در نسخهٔ تاريخ ٤٩٤ دارد: مما قيل في الكتاب:

نهج البلاغة يهدي السالكين الى — مواطن الحق من قول ومن عمل

فاسلكه تهدى الى دار السلام غدا — وتحظ فيها بما ترجوه من امل (٢)

اين شعرها هم درستايش از نهج البلاغه است:

نهج البلاغة في البرية حجة — و به تصح عقيدة الايمان

لولم يكن وحياً لبيغا لم يكن — معناه مشتقاً من القرآن

هو خامس الكتب الذي جا — ء على متفرق الانبا والاديان

في حكمة التورية والانجيل في — فضل الزبور و غرة الفرقان

انذاره لمن اعتدى و بيانه — لمن اهتدى بالنص والبرهان

١ــ در ش١٧٦ درعنوان شعرهای دنجکردی همان‌دارد: «لغيره» و از بيت پنجم که پس از بيت ششم است تا بيت سيزدهم همه با پاره‌ای زير کاغذ رفته و برخی جاها فرسوده هم شده است و آنچه مانده بی غلط هم نيست و با آن نسخه جدائی هم دارد وعبارت «تمت ... وآله» پايان را هم ندارد. دربيت ٥ دارد «كلاماً رايعاً» و دربيت ٧ بجای «الكتابة» درهر دوجا دارد «الخطابة» دربيت ١٦ بجای «وايم» دارد «وابهج».

٢ــ اين نسخه بتاريخ ٤ رجب ٤٩٤ و بخط فضل‌الله بن طاهر بن المطهر الحسينی ميباشد وبنسخ باعنوانهای شنگرف که درآغاز کم دارد. حاشيه‌های لغوی هم درآغاز ديده ميشود. درپايان دارد: «زيادة كتبت من نسخة سرية عراقية» سپس آن بنديکه رضی خود افزوده است ميآيد آنگاه سخن رضی درباينکه نهج را چگونه می‌نوشت وگاهی دربرگها سفيد ميگذشت سپس تاريخ رجب ٤٠٠ ميآيد.

مرحوم صدرالافاضل در١٣٣١دربشت اين نسخه‌درباره ابی يوسف يعقوب نيشابوری می‌نويسد که دربشت نسخه‌ای از شرح معلقات زوزنی نوشتهٔ تاريخ ٥١٩ اين شعرها ازاو ديده‌ام:

العلم حسبوا الكتابة قيده — خلد مصيرك بالقيود الواثقة

فمن الجهالة ان تصيد غزالة — فتر كتها مثل الخلية طابقة

هو معجز لم يأت خلق مثله — و كفى به التلويح والتبيان (١)

همچنين اين دوبيت:

نهج البلاغه ميخوان تا بينی — در آن چه‌مايه گوهر مخزون است

يکسر لباب علم فرازين است — نی‌ژاژ ابن خلکان و خلدون است (٢)

در نسخهٔ ش٥٨٠٣ سپهسالار (٢: ١١٩) ٢٣ بيت از ابومحمد بن شيخ صنعان

١ــ دررويهٔ برگ٢ تازهٔ نسخهٔ تاريخ ٦٠٨ بخط مرحوم صدرالافاضل اين شعرها آمده و مينويسد از کيست. درآغاز بيت ٥ «ابرازه» دارد.

اين نسخه را علی بن ابی‌سعد بنسخ معرب در ٧ صفر ٦٠٨ نوشته‌است. درباره بنديکه رضی درپايان پس از رجب ٤٠٠ افزوده است دارد: «انتهت الزيادة فی نسخة بخط الاستاد ابی يوسف يعقوب بن احمد النيسابوری رحمه‌الله» و نيز درهمين باره ودرميانهٔ کتاب درجائی دارد: «زيادة من نسخة كتب علی عهد المصنف رحمه‌الله» حاشيه‌هائی با نشانهٔ «ح» که پايه وپايان سخن را ميرساند درآن فراوان است مانند نسخهٔ کابلی مگر اينکه اديب شهير مرحوم ميرزا لطفعلی بن محمد کاظم تبريزی تهرانی معروف بصدرالافاضل ومتخلص بدانش (ـ ١٣٥٠) که درربيع يکم ١٣٢٢ دارندهٔ نسخه گشته بود حاشيه‌ها را باگزارش قطب راوندی بنام منهاج البراعة سنجيده وگواهی داد که ازهمين گزارش گرفته شده است. درحاشيهٔ اين نسخهٔ دربارهٔ «مسحة» و «عبقة» آغاز نهج بسيار نزديك است بنسخهٔ کابلی که بسياری ازحاشيه‌های آن از سيد راوندی ميباشد. صدرالافاضل دربارهٔ استاد ابی يوسف يعقوب مينويسد که از اديبان سدهٔ چهارم‌است. درهامش رويهٔ برگ پايان دارد: «كتب الرضی بخطه هاهنا علی حاشية نسخة: يتابع هنا من البيع ...».

درآغاز نسخه درصفحهٔ عنوان سه تاريخ تولد ٤ محرم ورمضان ٨٢٤ و جمادی دوم ٩٧٨ ديده‌ميشود. دررويهٔ برگ٣ تازه نوشته‌شده که فرهاد ميرزا نسخه‌را در١٧ع١٣٠١/٢ به عبدالعلی عبدی احتشام‌الملك بخشيد (بخط او) وخط عبدی هم هست.

٢ــ اين دوبيت را مرحوم صدرالافاضل دربشت نسخهٔ تاريخ نيمهٔ روزدوشنبه ١١ صفر ١٠٧٩ بخط خوش خود نوشته است وسروده خود اوست. اين نسخه بخط نسخ و نستعليق محمد هادی بن محمد تقی بن حيدر بن حسن بن ابراهيم بن فياض شولستانی سهروردی است که درشيراز نوشته است وصالح بن عبدالكريم البحرانی درصفر ١٠٨٠ گواهی داد که شولستانی آنرا نزدش خوانده است. تصحيح شده و بلاغ دارد.

دوستایش از نهج‌البلاغه هست وچنین آغاز میشود :

نهج‌البلاغة روضة ممطورة بالنور من سجات وجه‌الباری

نسخه‌ای‌بسیار پاکیزه وبرارزش نزد دوست‌دانشمندم آقای‌محفوظ‌عراقی هست که پیشها در کتابخانهٔ سردار کابلی بوده‌است وآن بنسخ روشن وپاکیزه ومعرب وبا عنوانهای شنگرف میباشد وحاشیه‌هائی فراوان از گزارشهای مدائنی وسید راوندی وگویاهم قطب راوندی در آن هست . تاریخ نگارش رضی‌دراین‌نسخه پس‌ازآن بنزدیکه خود او درپایان افزوده است دیده میشود .

درگ ۱ الف این نسخه بستعلیق دارد :

« للعبدالفقیر الی‌الله القوی‌الباری ابن‌المرحوم‌الامیرزین‌العابدین محمد هاشم الموسوی‌الخوانساری عفی‌الله تعالی عنهما وعنهما فی سنة ۱۲۷۶ - محمدهاشم‌بن زین‌العابدین‌الموسوی » .

نیز بهمانخط « بسم‌الله تعالی . ثم‌جعلته هدیة لخزانة صدیقنا‌الاجل‌الافخم‌الاعظم الارفع الاعلی وحیدالزمان فریدالایام‌المیرزا محمد رضاالمنشی ، ادام‌الله حراسته فی ۲ ذی‌قعدة‌الحرام من عام ۱۲۸۷ - محمد هاشم بن زین‌العابدین الموسوی » .

نیزدر ۳ الف : « بسمله . صارالی‌نوبة‌الاقل حیدرقلی‌بن نورمحمد خان‌الکابلی وفقهماالله لمرضاته یوم‌السبت‌الثامن عشرمن شهرصفرالمظفرسنة احدی وعشرین وثلثمائة والف ۱۳۲۱» (شکسته نستعلیق) .

نیز در ۳ ب بهمان خط : « از ورثهٔ مرحوم حاجی ابوالحسن عباس‌آبادی اصفهانی . باید باصفهان برد » .

در ۲ الف دارد :

« کان مکتوباً فی ظهرنسخة‌المنتسخ منها نسختی : یقول‌العبدالضعیف المسیء الی نفسه فی یومه واسمه ابونصرعلی‌بن‌ابی‌سعد محمدبن‌الحسن‌بن‌ابی‌سعد‌الطبیب اسعده‌الله فی‌الدارین بمحمد سیدالثقلین وآله مصابیح‌الملوین علیه وعلیهم افضل الصلوات وامثل‌التحیات : عرضت هذه‌النسخة بعدالقراءة علی‌الامام‌الکبیر‌العلامة

النحریرزین‌الدین سیدالائمة فریدالعصر محمدبن ابی نصرسقاه‌الله شآبیب رضوانه وکساه جلابیب غفرانه علی نسخة السیدالامام‌الکبیر‌السعید ضیاءالدین علم‌الهدی تغمده‌الله برحمته وتوج معرقه بتیجان مغفرته وصححتهاغایة‌التصحیح . « . ثم بعد ذلک قرائته علی ابنه السیدالامام‌الکبیر عزالدین‌المرتضی رضی‌الله عنه‌وارضاه وسمعتها علیه قراءة استبحثت عن‌معانیه وسماعاً استکشفت عن مبانیه . « . الی ان کتب : وذلک فی‌شهرربیع‌الاول سنة‌احدی وستمائة هجریة ولله‌الحمد والمنة . « . کان مکتوباً فی ظهرالمنتسخ منها هذه‌النسخة : قراء علی ولد(ی) الاعزالانجب جمال‌الدین ابونصرعلی‌بن محمدبن‌الحسن‌المتطبب ابقاه‌الله طویلا وآتاه من (؟) فضلا جزیلا کتاب نهج‌البلاغة نسخته هذه من اولها الی آخرها واجزت له روایته عنی عن‌السید الامام العالم العارف ضیاءالدین تاج‌الاسلام علم‌الهدی ابی‌الرضا فضل‌الله‌بن‌علی بن عبدالله‌الحسنی الراوندی بوأه‌الله فی جواره‌جنانه وثقل بالحسنات میزانه قراءة علیه عن‌ابن‌معبد عن‌ابی جعفرمحمدبن‌الحسن‌بن‌علی‌الطوسی رحمه‌الله عن‌الرضی‌الموسوی رضی‌الله عنه وعنی‌عن‌الاستاد‌السعیدامین‌الدین (بن) ابی‌القسم المرزبان‌بن‌الحسین‌المدعوابن « کمیج » وعن‌خال‌ابوی‌الادیب ابی‌الحسن‌محمدبن (الادیب) ابی‌محمدالحسن‌بن ابراهیم عن‌الشیخ جعفر (الدوریستی) عن‌الرضی رضی‌الله‌عنه وعنهم وعناجمیعا (وکتبه) محمدبن‌ابی نصرمحمدبن علی سلخ شهرالله المرجب سنة سبع وثمنین وخمس (مائة) هجریة نبویة حامداً ومصلیا (ومسلما) علی‌نبیه محمد وعترته (الطاهرة ؟) - آنچه میان‌دو کمانه گذارده شده جزاخیری که بقرینه باید چنین چیزی نوشته شده باشد نیمی از آنها مانده ونیمهٔ اخیرآنها روی بریدگی یا فرسودگی کاغذ رفته است » .

در ۲ ب دارد :

« کان فی ظهر نسخة‌التی قوبلت نسختی بها مکتوباً : یقول‌العبدالضعیف ابونصرعلی‌بن‌ابی‌سعدبن‌الحسن‌بن‌ابی سعدالطبیب‌اسعدهم‌الله فی‌الدارین بحق‌النبی محمدسیدالثقلین‌علیه وعلی اهل‌بیته افضل‌الصلوات وامثل‌التحیات : اجازنی‌السید

الکبیر ضیاء الدین علم الهدی رحمه الله و کتاب نهج البلاغة ، للسید الامام الرضی ذی الحسبین ابی الحسن محمد بن الحسین ابن موسی ابن الامام محمد بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم الصلوة والسلام عن السید المرتضی بن الداعی الحسنی عن الشیخ ابی عبدالله جعفر بن محمد الدوریستی عنه رضی الله عنه . والغریبین عن الشیخ زاهر بن طاهر النیسابوری المستملی عن ابی عثمن الصابونی عن ابی عبید الهروی المودب مصنفه رحمه الله . هـ . وغرر الفوائد ودرر القلائد عن السید حمزة بن ابی الاعز نقیب مشهد الحسین صلوات الله علیه عن ابن قدامة عن علم الهدی رضی الله عنه؛ وغریب الحدیث لابی عبید القسم بن سلام البغدادی عن ابی علی الحسن بن احمد بن الحسن الحداد عن ابی نعیم الحافظ عن سلیمن الطبرانی الشامی عن علی بن عبدالعزیز البغوی عن ابی عبید رحمهم الله و کذلك اجاز لی روایة جمیع ماله روایته من منقول او معقول و کتب فی رجب سنة سبع و ثمانین و خمس مائة هجریة حامداً لله تعالی مصلیاً علی سیدنا محمد و آله الطاهرین وهو حسبی ونعم الحسیب . هـ . ـ درهامش در برابر « کتاب نهج البلاغة » دارد : « ورواه لی السید ره عن السید ذی الفقار محمد بن معبد الحسنی المروزی عن ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی عن الرضی رضی الله عنه » و کان فی ظهر النسخة التی عورضت نسختی بها :

قراء وسمع علی کتاب نهج البلاغة الاجل الامام العالم الوالد الاخص الافضل جمال الدین زین الاسلام شرف الائمة علی بن محمد بن الحسن المتطبب ادام الله جماله وبلغه فی الدارین آماله قراءة و سماعاً یقتضیهما فضله واجزت له ان یرویه عنی عن المولی السعید والدی سقاه الله صوب الرضوان عن ابن معبد الحسنی عن الامام ابی جعفر الطوسی عن السید الرضی رضی الله عنه ورویته عن الشیخ الامام عبدالرحیم بن الاخوة البغدادی عن الشیخ ابی الفضل محمد بن یحیی الناتلی عن ابی نصر عبدالکریم بن محمد سبط بشر الدیباجی عن السید الرضی رضی الله عنه ورواه لی ابی قدس الله روحه عن الشیخ الامام ابی جعفر محمد بن علی بن الحسن المقری النیسابوری عن الحسن بن

یعقوب الادیب عمن سمعه من الرضی رضی الله عنه . کتبه علی بن فضل الله الحسنی حامداً مصلیاً فی رجب سنة تسع وثمانین وخمسمائة .

در رویهٔ برگ پایان نسخه دارد : « و ذلك فی رجب من سنة اربع مائة الحمدلله و صلواته علی سیدنا محمد و آله . قد اتفق الفراغ من تسویده فی غرة شهر ربیع الثانی سنة تسع و خمسین بعد الالف . علی یدی .. محمد رضا بن حاجی محمد الشوشتری ... » .

« کتبت هذه النسخة من نسخة کان فی آخره مکتوب فی آخره هـ (لذا) بخط ابی نصر ... فرغت من قراءته علی مولای و سیدی و کهفی و سندی الامام الکبیر العالم النحریر زین الدین جمال الاسلام فرید العصر محمد بن (ابی) نصر ادام الله ظله و کثر فی اهل الاسلام والفضل مثله شهر ربیع الاول من شهور سنة سبع و ثمانین و خمسمائة هجریة وبعد القراءة عرضت هذه النسخة علی النسخة المقروة علی السید الامام الکبیر العلامة ضیاء الدین علم الهدی قدس الله روحه و نور ضریحه ونقلت الیها ما وجدته فیها من النکت الغریبة والنتف العجیبه و صححتها غایة التصحیح فصحت الامازل عن النظر او تهافت عن ادراك (البصر و لله) الحمد . (این بند در هامش است واند کی از عبارتها رفته و پاره‌ای از آنها بقرینه خوانده شد که درمیان دو کمانه گذارده‌ام و در یکجا هم نقطه‌هائی گذاشته‌ام) فی آخره کذا کان مکتوباً هذه الاحرف فی النسخة التی قوبلت بها نسختی » .

« وبلغت المقابلة بنسخة السید الامام رضی الله عنه والحمدلله علی ذلك وصلی الله علی سیدنا و آله الطاهرین ـ هامش » .

« کل ما هو بالحمرة علی حواشی هذا الکتاب وفی متنه فهو نسخة السید الرضی رضی الله عنه وارضاه وجعل الجنة منقلبه ومثواه ـ هامش » .

از این بندها برمیاید که سید راوندی در ربیع دوم و در رجب ۵۸۷ و رجب ۵۸۹ و سال ۶۰۱ زنده نبود (قمی ۹ ـ مستدرك ۴۹۴)

درپشت برگ پایان نسخه دارد :

« وجدت فی آخر النسخة التی انتسخت هذا الکتاب : قال الامام الکبیر زین الدین

محمدبن ابی‌نصر سقی‌الله ثراه ورواضریحه : وجدت فی آخر نسخة من هذا الکتاب بخط الاستاد ابی یوسف یعقوب بن احمد النیسابوری رحمه‌الله : نقوش خواتیم امیرالمؤمنین علیه‌الصلوة والسلام :

علی فص العقیق و هو خاتم الصلوة : لااله‌الاالله‌عدة للقاءالله .

وعلی فص الفیروزج وهوللحرب : نصرمن‌الله وفتح قریب .

وعلی فص الیاقوت وهولقضائه : الله‌الملك وعلی عبده .

وعلی فص‌الحدیدالصینی وهولختمه : لااله الاالله . محمد رسول‌الله .

(دراینجا زیرودوی این سطرها حاشیه‌هائی دربارهٔ همین چهار بند دارد) . سپس دارد: فی آخر النسخة المذکورة: قال امیرالمؤمنین علیه‌السلام: شدوا الحسد ما اعدله ! بدا بصاحبه فقتله .

(درهمینجا بازخبرهائی هست و تاریخ زاده شدن رضی در ۳۵۹ و مرگ او درروز ۶محرم۴۰۶ واینکه او۴۶سال بزیست و گوراو و برادرش مرتضی در کربلا پهلوی آرامگاه حسین (ع) بردودرقبهٔ اومیباشد) .

از آنچه گذشت چنین برمیآید که استاد امام ابو یوسف یعقوب بن احمدبن محمد کرد نیشابوری ادیب شاعر (م رمضان ۴۷۴) نسخه‌ای از نهج‌البلاغه نوشته است (نسخهٔ کابلی ونسخهٔ تاریخ ۴۹۴و۶۰۸) وپسرش امام ابو بکر حسن شاگرد حاکم حسکانی (ص ۱۳۵۵ همین فهرست) هم نهج‌البلاغه را از شاگردان رضی (نسخهٔ کابلی) مانند شیخ جعفر دوریستی شنیده (دیباچهٔ گزارش بیهقی) واستاد ابو جعفر محمدبن‌علی بن‌حسن مقری نیشابوری استاد دو راوندی بوده‌است (نسخه کابلی ومستدرك ۴۹۵) واو وپدرش شعرهادربارهٔ نهج‌البلاغه گفته‌اند چنانکه دیده‌ایم و فنجکردی از آنها ستوده است (بغیة‌الوعاة ص ۴۱۸ - زر کلی ۳ : ۱۱۶۶) بیهقی آنرا در۵۱۶ نزد همان ابوبکر حسن خوانده واز پدرخود هم شنیده‌است . پدرش آنرا ازهمان دوریستی اجازه گرفت .

ذهبی درمیزان‌الاعتدال میگوید که نهج‌البلاغه ساختگی است وبنوشتهٔ نالینوی

ایتالیائی کاررضی یامرتضی میباشد همچنانکه « کتاب‌الجفر » و « الحجاب‌الاعظم » و جزاینها را هم ساخته و بدو بسته‌اند (ص ۸۳ ترجمهٔ فرانسوی تاریخ فرهنك عربی او) کلمان هوار فرانسوی درتاریخ ادب عربی بفرانسه (ص ۲۵۶) هم مانند نالینو چنین گفته و از گفتهٔ مستقیم‌زاده آورده که دیوان هم کار مرتضی است .

ابن‌خلکان درسر گذشت مرتضی ش۱۶ع و یافعی درمرآت‌الجنان درسرگذشت همو۳ : ۵۵ وصفدی درفوات‌الوفیات گردآورندهٔ نهج‌البلاغه را نشناختندو گفته‌اند که ازرضی است یا ازمرتضی و بگفتهٔ برخی همهٔ آنهم ساختگی است واز علی نیست. حسن‌بن‌سلیمان حلی شیعی شاگرد شهید‌دوم در آغاز « المحتضر » نهج‌البلاغه را ازمرتضی دانست بلکه برخی خصائص را هم ازاو پنداشتند (روضات ص ۸-۳۷۷) ولی ابن‌ابی‌الحدید در گزارش خوددر برابر آنها روشن نمود که نهج‌البلاغه ساختگی نیست چه بسیاری از بندهای آنرا در کتابهای پیش از رضی یافته‌اند و هرگز او نمیتوانست چنین سخنانی را خود بسازد وبنام علی نشان دهد .

اومیگوید که پاره‌ای از خطبهٔ « شقشقیه » در کتاب ابی‌القاسم بلخی معتزلی بغداد ودر « انصاف » شاگردش ابی جعفر محمدبن قبه رازی متکلم امامی دیده شده و ایندو سالها پیش‌از او میزیسته‌اند (۱: ۶۹ - الغدیر ۴ : ۱۹۷) .

درفجرالاسلام ص ۱۴۸ آمده که ازعلی ۵۸۶ حدیث مسند بپیامبر روایت کرده‌اند که پنجاه حدیث آن درست در آمده است (فصل ابن حزم ۴ : ۱۳۷) ودیوانی هم ازاودانسته‌اند بااینکه مازنی میگوید که امیرمؤمنان جزاین دوبیت شعری برزبان نیاورد .

تلکم قریش تمنانی لتقتلنی ……… فلا وربك ما بروا وما ظفروا

فان هلکت فرهن ذمتی لهم ……… بذات ودقین لایعفو لهـا اثر

ونهج‌البلاغه‌هم ازاو مشکوك است .

این نکته هم گفته شود که درروز گاررضی بسیاری از دانشمندان شیعی وسنی بقرآن وسخنان شیوای بزرگان دین و بلاغت وشیوائی نثرونظم و مسئله

اعجاز میپرداختند . اگرچه دسته‌ای گویا بپیروی از برهمنان هند اعجاز قرآن را ازروی صرفه میپنداشتند (ص ۶۱۰ وص ۷۴ بازپسین سخن درهمین فهرست) ولی گروهی مانند باقلانی از چندین راه همان بلاغت را ریشهٔ اعجاز میدانستند و پیش از او خطابی (ابوسلیمان احمدبن محمدبن ابراهیم بن الخطاب بستی ـ ۳۱۹ـ۳۸۸) هم دراعجاز قرآن خود صرفه را نمیپذیرفت وباعجاز بلاغت میگفته است . همچنین ابوالحسن علی بن عیسی رمانی معتزلی اخشیدی وراق ادیب ستاره شناس فقیه متکلم معتزلی منطقی (۲۷۶ ـ ۳۸۴) استاد رضی که نحو را با منطق بیامیخته وروشی دیگری در آن جز روش ارسطو گرفته بود اعجاز قرآن نوشته وازهفت راه آنرا معجز نشان داد ـ ترك المعارضة مع توفر الدواعی ، التحدی للكافة ، الصرفة ، البلاغة ، الاخبار الصادقة عن الامور المستقبلة ، نقض العادة ، قیاس القرآن بكل معجزة) رمانی بلاغت را ده بخش کرد : ایجاز ، تشبیه ، استعاره ، تلاؤم ، فواصل ، تجانس ، تصریف ، تضمین ، مبالغه ، حسن بیان .(دیباچهٔ چاپ اعجاز ـ القرآن چاپ ۱۳۷۴ مصر) پیداست که او دراینجا مانند ابن المعتز در البدیع از خطابهٔ ارسطو بهره برده است .

ازدانشمندان شیعی مفیددو کتاب «الكلام فی وجوه اعجاز القرآن» و« جوابات ابی الحسن سبط المعافابن زكریا فی اعجاز القرآن » دارد (نجاشی ص ۲۸۴ـ۵).

رضی هم مانند این دانشمندان گذشته از اینکه درتفسیر حقائق التأویل و تلخیص البیان و مجازات ، اعجاز قرآن و بلاغت سخنان پیامبر را روشن نمود خواست مانند باقلانی (درهمان اعجاز القرآن ص ۲۱۸ـ۲۲۳ که خطبه‌ها وسخنانی از علی را آورده است) و دیگران (۱) سخنان شیوای پیشوایان شیعی را گرد

۱ـ مسعودی درمروج الذهب (فصل ۸۴ : ۴ : ۴۴۱ـ۴۴۲) میگوید :

« والذی حفظ الناس عنه من خطبه فی سائر مقاماته اربعمائة خطبة ونیف و ثمانون خطبة یوردها علی البدیهة تداول الناس ذلك عنه قولا و عملا » آنگاه تا ص ۴۵۷ پاره‌ای از سخنان اورا میآورد ودرص ۴۵۵ میگوید که من درحدائق الاذهان فی اخبار

دنبالهٔ حاشیه درصفحه پس ازاین

آورد این بود که نخست در خصائص الائمه وسپس در نهج البلاغه بدین کار پرداخت وپیداست که اوخودرا پیش چشم این همهٔ دانشمندان موشكاف وخرده گیرشیعی وسنی میدید و گذشته ازاینکه نمیتوانست این همه خطبه‌ها ونامه‌ها و گفتارهارا خود بسازد وبنام علی (ع) نشان دهد ناگزیرهم بود که درسند آنها بررسی کند وآنچه درست‌تر است برگزیند و از متن این همه سخنان که در کتابها از علی دانسته شده هم اوچنانکه خود نهج البلاغه گواهست وبرخی از گزارندگان مانند مدائنی یاد آور شدند همه را نیاورد و گلچینی از آنها کرده است و گاهی از دو خطبه یا نامه دوبند بسیار شیوای آنها را گرفته یکجا یاد نمود . پس راه برای بررسی وسنجش درنهج البلاغه هم از رهگذر سند و هم از راه متن روی تاریخ ادب وفلسفه وقانون سبك باز است همچنانکه دانشمندان دربارهٔ مجامیع سنی و کتب اربعه شیعی چنین كارها را کردند ودربارهٔ آنها موشکافیها نمودند .

ازروی‌همرفتهٔ این نکته‌ها که یاد کرده‌ام واز آنچه که درفهرستها و کتابهای دیگر نوشته‌اند برمیآید که بشش دلیل میتوانیم نهج البلاغه را گردآوردهٔ رضی بدانیم و بگوئیم که او هیچیك ازاین سخنان را خود ساخته است بلکه آنچه در کتابها یافته ودرست می‌پنداشت در آن آورد :

۱ـ گواهی خوداودر کتابهای دیگر که نهج البلاغه ازاواست ویاد کردن او درهمین نهج از کتابهای دیگر او .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

و آل محمد ودرمزاهر الاخبار وطرائف الآثار للصفوة النوریة والذریة الزكیة ابواب الرحمة وینابیع الحكمة سخنان وخطبه‌های گوناگون اورا آورده‌ام .

ازدانشمندان اسماعیلی قاضی ابوحنیفه نعمان مغربی دردعائم الاسلام وشرح الاخبار ازخطبه‌ها ونامه‌های علی پاره‌ای را آورده است .

جاحظ نیشابور ابی منصور عبدالملك ثعالبی (۳۵۰ـ۴۲۹) درباب سوم الاعجاز والایجاز (چاپ ۱۸۹۷ مصر) سخنان کوتاه علی را از « مائة كلمة » جاحظ و جاهای دیگر گرفته ودر آن گذارده است همچنانکه «جوامع الكلم» پیامبرهم درباب دوم آن دیده میشود .

٢- گواهی خود نهج البلاغه از اینکه این سخنان از علی است و روی دیگر گونگی سبك نخواهد ساخته رضی بود.

٣- گواهی نسخه‌ها که در کتابها و فهرستها از نسخه‌های تاریخ ٤٠٠ تا امروز یاد میشود.

٤- گواهی گزارندگان و شارحان دانشمند که رضی در این کتاب سخنانی از علی را گرد آورده است. این دانشمندان از روزگار رضی تا کنون بگزارش آن پرداخته و میپردازند.

٥- گواهی روایتها و اجازه‌های دانشمندان بیکدیگر که در آنها از نهج البلاغه رضی یاد نموده و با اسناد آنرا روایت کرده‌اند.

٦- اینکه بسیاری از دانشمندان پیش از رضی یا در زمان او در کتابهای خود تنها یك خطبه چون شقشقیه و مانند آن یا چند گفتار از علی را آورده‌اند یا اینکه کتاب جداگانه نوشته و در آن سخنان علی را گرد آورده‌اند. نام بسیاری از آنها را در فهرست معارف (١: ١٣٨-١٣٩) می‌بینیم و از این کتابها هم بسیاری در دست هست و میتوان نهج البلاغه را با آنها سنجید.

سخن ذهبی و پیروان او از دانشمندان مصر و خاورشناسان روی این است که در نهج البلاغه سخنانی از علی دانسته شده که در آن (مانند شقشقیه) از فرمانروایان تازی نکوهش شده پس باید ساختهٔ شیعیان باشد یا اینکه سفارشنامه امیر مؤمنان با شتر با این درازی از علی نخواهد بود (١) یا خطبه‌های کلامی و عرفانی و خلقی دیگر که میگویند بگواهی سبك باید ساختهٔ معتزلیان و صوفیان باشد نه از آغاز

١- این سفارشنامه را اصبغ بن نباته از دلباختگان و جانبازان علی و از «ثقات مشره» او که پس از او هم بزیست روایت نموده است. او مقتل الحسین هم دارد که ابی الجارود از او روایت دارد و سفارش علی بفرزندش محمد بن الحنفیه که سعد بن طریف این یکی و سفارش اشتر را هم از او روایت میکند. اسناد این سه در نجاشی (ص ٦) و طوسی (ص ٣٧) هست. نیز: کشی ص ٦٨ - ابن شهر آشوب ش ١٣٦ - خلاصه ص ١٣ - المستطرفات ص ١٧٨.

سدهٔ یکم هجری. همه این خرده گیریها را کاشف الغطاء درهمان کتاب پاسخ گفته است.

آغاز: بسمله. امابعد حمدالله الذی جعل الحمد ثمنا لنعمائه ومعاذاً من بلائه ووسیلا الی جنانه وسبباً لزیادة احسانه.

انجام: قال السید وهذا حین انتهی الغایة بنا الی قطع المختار من کلام امیرالمؤمنین ... وذلك فی شهر رجب سنة اربعمائة.

[١٥٥٥]

١١٤١ این نسخه ش ١ دفتر و بهمان نسخ ش ٣ و از همان نویسنده و حاشیه‌هائی از شرحها بنستعلیق دارد. درهامش افزوده‌هائی است برمتن. گ ١ ب - ١٦٥ الف. در ٦٥ الف دارد. «قد بلغ المقابلة بتوفیق الله سبحانه».

درپایان مکاتبات دارد: «زیادة وجدت فی نسختین من الکتاب: ومن کتاب له لما استخلف الی امراء الاجناد ...» باندازهٔ یك سطرونیم.

درپایان خطب دارد: «زیادة من نسخة کتب علی عهد المصنف: ومن کلام له ع قاله لعبدالله بن عباس ... مایرید عثمان ان یجعلنی الا جملا ناضحا ...» که سه کلام ودو خطبه افزوده ودارد: «انتهت الزیادة».

درپایان جزء یکم دارد: «وجد بخط الرضی الموسوی رحمه الله زیادة علی الاصل یلحق: ومن خطبة له ع یذکر فیها آل محمد ع: هم عیش العلم وموت الجهل ...» پس از انجام نهج البلاغه دارد: زیادة من نسخة کتب علی عهد المصنف وقال ع الدنیا خلقت لغیرها ولم یخلق لنفسها... وقال اذا احتشم المؤمن من اخاه فقد فارقه. انتهت. نقوش خواتیم امیرالمؤمنین ع: علی فص العقیق وهو خاتم الصلوة ... وعلی فص الفیروزج وهو للحرب ... وعلی فص الیاقوت وهو للقضاء ... وعلی فص الحدید الصینی وهو لختمه لا اله الا الله محمد رسول الله (مانند نسخهٔ کابلی) الحمدلله رب العالمین والصلوة علی نبیه محمد وآله اجمعین وهو حسبنا ونعم الوکیل. منظومة:

نهج البلاغة نهج مهیع جدد — لمن یرید علوا ما له امد

(همان پنج بیت که در نسخهٔ تاریخ ٤٩٤ و نسخهٔ ش ١٧٦ هم آمده و از ابویوسف یعقوب است. سپس دارد:)

«تم الکتاب بعون الملك الوهاب فی (قریة صامغان من قرای قزوین) فی ضحی یوم الاربعا رابع اسبوع الرابع سادس ثلث الثالث اعنی العشر الاخر من الشهر التاسع من السنة (السابعة) من العشر (الثامن) من المائة الاولی من الالف الثانی من الهجرة علی

بدالفقيرابن (محمدبيك على رضا) اللهم اغفر ذنوبهما واستر عيوبهما بمحمد وآله الطاهرين «قدفرغ من تحريره فى التاريخ ابن حاجى نوروزمحمدرضا فى بلدة طهران ـ واعلموا ان هذاالمحكك المصلح مشكك فى الدين مفسد فى الدنيا» پس نسخه را محمدرضا پسر حاجى نوروز در تهران درهمان تاريخ گويا نيز روزچهارشنبه ٢٦ماه نهم سال ١٠٧٧ كه در برخى جاها تراشيده ودوباره نوشته شده نوشته است وچنانكه او گواهى ميدهد وازپايان نسخه هم پيداست «على رضا پسر محمد بيك درابنجا عبارتهائيرا كه ميان دو كمانه گذارده شده وهم درپايان انوارالعقول (ش ٣) يكى دو كلمه را تراشيده نام خود را نوشت ودراينجا درتاريخ هم دست برد.

آنگاه درهامش دارد: «قد بلغ المقابلة بتوفيق الله سبحانه» نيز «منقول من خط الشيخ على بن عبدالعال المنقول من خط الشيخ الشهيد قدس الله سره: دعاء يدعى به عند الشدائد علمه النبى ص لبعض ذريته فى المنام وكان فى حبس الرشيد ففرج عنه وهوهذا: يا سامع كل صوت ... وانت رب العرش العظيم».

اين دفتررا آقاى اسماعيل اتحاديه بواقف بخشيده بودند ودراين كتابخانه گذارده شده است.

(همهٔ دفتر ١٩٩گ ـ كاغذ ارمه ـ جلد تيماج سرخ زركوب مقوائى
اندازه: ١٣/٥×٢٣/٥ و ٦/٥×١٥/٥ س ٢١

[١٣٢٩] وافى (عربى)

فيض كاشانى فيلسوف اخبارى سدهٔ يازدهم از پنج دانشمند محمدنام اخير واو وسيد ميرزاى جزايرى ومجلسى و حر عاملى وميرزا محمد حسين نورى، گويا نخستين كس از آنهاباشد كه بگردآوردن خبرهاى پرا كنده در كتابها پرداخته است (١) او دراين دفتر كه نزديك به ٢٥٠ هزار بيت ميشود ودر١٥ جزء است

١ـ چه بحار پيش از ١٠٧٧ آغاز شده و مجلسى تا پايان زندگى خود (١١١٠) بدان ميپرداخته است ووسائل هم پيش از ١٠٦٦ آغاز گشته ودر ١٠٨٨ انجام يافت. جوامع الكلم سيد ميرزا كه ميان ١٠٨٥ و١٠٩٧ درگذشت شايد پيش ازوافى بنگارش درآمده باشد مگراينكه مانا تا حج بيشتر نوشته شده است.

پس ميتوان وافى را نخستين كتاب اخبار شيعى جامع و كامل سدهٔ يازدهم پنداشت.

دنبالهٔ حاشيه درصفحهٔ پس ازاين

گذشته ازخبرهاى چهار كتاب كافى ومن لايحضر وتهذيب واستبصار يا ياد كردن اسناد آنها باعبارتى كوتاه ازآيتهاى قرآن نيز آنچه درهربابى شايستگى داشت آورد وازاصول و فروع دينى با روشى نيكو كاوش نمود. گويا از روش فتال نيشابورى درروضة الواعظين وغزالى دراحياء العلوم پيروى نموده است. آنچنانكه خود درفهرست خويش نگارش ١٠٦٩ مينويسد: دراين دفتر١٤ مجلد است وهريك كتابى است جداگانه وآنرا در١٠٦٧ بپايان رساندم. جزء يا مجلد ١٥ كه دربارهٔ مشيخهٔ من لايحضر وتهذيب و استبصار است بنام خاتمه كتاب است كه در ١٠٦٨ بانجام رسيد (ش ٦٦٢) او دراين دفتر كوشيد كه همهٔ خبرهاى چهار كتاب را بياورد و هر كدام كه نياز بگزارش داشت روشن نمايد و خبرهاى ديگرى هم از كتابهاى ديگر بياورد تا آن خبرها روشن تر گردد. ازخبرها آنچه ناساز گار مى نمود ميان آنها سازش داد وبرخى را هم تأويل نمود.

درآغاز آن سه مقدمه گذارده ودر آنها از روش شناخت مسئله‌هاى دينى و آشنائى با اسانيد روايتها و اصطلاحات و قواعد معرفة الحديث ياد نمود. اصطلاحات ورمزهائى را كه او براى نام رجال بكار برده است پسراو ملامحمد

دنبالهٔ حاشيهٔ صفحه پيش

پس ازمجلسى كسانى ديگرهم پيش از نورى بگردآوردن اخبار پرداختند از آنهاست شيخ عبدالله بحرانى نگارندهٔ العوالم الكبير وسيد عبدالله شبر نگارندهٔ جامع المعارف والاحكام (س ١١٤٠ وهمين فهرست).

دربارهٔ جوامع الكلم اين راهم بگوييم كه درپايان اجازات بحار مجلسى (ص١٧٤) اين عبارت ديده ميشود: «و كتاب جوامع الكلم للسيد محمدمعلم الوزير الاعظم غفرالله لانى سمعت ممن كان من اهل العلم انه كان عنده كتاب الجامع للبزنطى ره» از اينجاهم برميآيد كه سيد ميرزا استاد وزير بوده و جوامع الكلم او پيش از بحار بنگارش درآمده است.

نسخه‌اى ازجلد١ و٢همين كتاب بنام «جوامع الكلام فى دعائم الاسلام» نوشته و مقابله‌شدهٔ در١٠٩٣ وبافهرستى در١٢٩٧ باحاشيه‌هاى خود جزايرى درفهرست طوس (٦٩:٥) شناسانده شده وديباچهٔ رجال ونحوابه دارد.

علم‌الهدی کاشانی دررجب ۱۰۶۷ یا ۱۰۷۷ درجمولهائی گذارده و روشن نمود (ش ۷۷۳ طوس و ۴۲۹ سپهسالار و آغاز چاپ ۱۳۲۴) درنسخهٔ ش ۶۲۵ این کتابخانه هم بخط همو چنین چیزی هست .

کاشانی دردیباچه میگوید که چون دیدم از چهار کتاب هریك را کمبودی هست چه اینکه در کافی همهٔ فقه‌نیامده‌و حدیثهاهم روشن نگشت ودرمن‌لایحضره‌هم ازاصول دین چیزی یاد نگشت و تهذیب نیز مانند آن وبا تأویلهای دوروددراز و استبصارهم گزیدهٔ آن؛ این بود که من بنگارش اینددفتر بپرداختم وبا آوردن همه خبرهای آن چهار کتاب از آنها آنچه روشن نبود گزارش نمودم .

وافی تا جزء ۸ در ۱۴-۱۳۱۰ وهمهٔ آن در ۴-۱۳۲۲ بچاپ رسیده‌است (۱) .

[۱۵۵۶]

٦٤٣ این نسخه جزء ۱ و کتاب‌العقل والتوحیداست وبنسخ خوش برخی جاهامعرب وبا عنوانها ونشانه‌های شنگرف ودرجدول زر و لاجورد میباشد و عنوان تا بها یك یادوشماره دارد . عباسقلی در۱۲رمضان ۱۰۷۶ آنرا با برادر خود شریفا در۲۸رمضان همین سال مقابله کرده‌است . حاشیه‌های «منه دام فیضه» و«منه مدظله» و «منه» بنسخ و نستعلیق ودرجدول دارد . درکنار برگ ۹۹ ب بندیست و زیر آن بنستعلیق شنگرف چنین نوشته شده : «هذاخط المصنف دام ظله» برگهای ۶ وپایان پاره شده وکاغذ چسبانده‌اند و بیشتر عبارتهای نیمهٔ بالائی صفحه از دوررفته است . نسخه در ۱۲۳۱ نزد ابوجعفر حسینی بوده است . در ۱ الف دارد که نسخه را وقف

۱ــ درمرآةالقاسان میرزا عبدالرحیم سهیل ضرابی کاشانی که بدستور شاهزاده جلال‌الدین میرزا احتشام‌الملك فرمانروای کاشان در ۱۲۸۸ نگاشته است سرگذشت فیض آمده و داردکه شماره تألیفاتش ۹۳ است و در « خمینا » ۱۰۹۱ درگذشت وآرامگاه او دربیرون دروازه قم و زیارتگاه است و نوادهٔ او درشهر کاشان هستند مانند میرزا احمد نائب‌الصدر و برادر او میرزاآقابزرگ(برگ ۲۰۸ نسخهٔ عکسی ازروی نسخهٔ ش۲۷۲ ص۱۵۴ج۲ فهرست مجلس) نیز بنگرید به : کنتوری ص ۵۹۸ــ فهرست‌طوس ۵ : ۲۰۲ــ سپهسالار۱: ۳۳۵ــ روضات‌ص۵۱۶ ــ فهرستی که‌خودفیض کاشانی نوشته‌بخوبی بسیاری‌ازنگارشهای‌اوراهیشناساند. خوانساری‌پاره‌هائی از آنرا درروضات آورده ، گزیده‌ای از آن درقصص‌العلما تنکابنی بفارسی هست (ص ۲۳۲) .

کرده‌اند ولی نیمهٔ پائین وقفنامه پاك شده ونام واقف وتاریخ آن رفته است .

آغاز : بسمله . بحمدك اللهم یامن‌هدانا بانوار القرآن والحدیث لمعرفة الفرائض والسنن ... فیقول ... محمدبن‌المرتضی المدعو بمحسن ... هذا یا اخوانی کتاب واف فی فنون علم‌الدین یحتوی علی جملة ماورد منها فی القرآن‌المبین وجمیع ماتضمنه اصولنا الاربعة‌التی علیه‌المدار فی هذه‌الاعصار .

انجام : والمذکور ماحصل‌فی‌الذکرای‌فی‌الخاطر . آخرابواب معرفة مخلوقاته وافعاله سبحانه وبتمامه قدتم الجزء‌الاول‌من کتاب‌الوافی وهو کتاب‌العقل والعلم والتوحید ویتلوه فی‌الجزء‌الثانی کتاب‌الحجة انشاءالله والحمدلله اولا وآخراً وظاهرا .

(بتاریخ دوازدهم رمضان‌المبارك سنة ۱۷۶ دردارالسلطنهٔ اصفهان نوشته شد بندهٔ کمترین عباسقلی ــ بتاریخ ۲۸ شهر رمضان‌المبارك ۱۷۶ باتفاق اخوی شریفا مقابله شد) .

(۳۰۰گ) ــ کاغذ سمرقندی موریانه خورده ــ جلد تیماج مشکی ضربی فرسوده
القازه : ۱۶ × ۳۷ و ۹/۵ × ۳۰/۵ س ۲۵

[۱۵۵۷]

٦٥٩ این نسخه جزء ۲ و کتاب‌الحجة است وبنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ونورالدین بن مولانا شاه مرتضی درنیمهٔ شعبان ۱۰۸۱ آنرا نوشته وبانسخهٔ اصل بدقت مقابله وتصحیح نمود . در گ ۱۹۸ الف دارد «بلغ قرائة» بامهر «نورالدین محمد» . نشانهٔ وقف هم درنسخه هست .

آغاز : بسمله . و منه نستعین . الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول‌الله ... کتاب‌الحجة وهوالثانی من‌اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن .

انجام : قد تم‌الجزء‌الثانی من کتاب‌الوافی و هو کتاب‌الحجة و یتلوه فی‌الجزء الثالث کتاب‌الایمان والکفر انشاءالله تعالی .

(۱۹۸گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج مشکی ساده درون سرخ وطوالی
القازه : ۱۷ × ۲۵/۵ و ۱۰ × ۱۷/۵ س ۲۴

[۱۵۵۸]

٦٤٦ این نسخه جزء ۳ و کتاب‌الایمان والکفر است وبنسخ با عنوانها ونشانهای شنگرف میباشد واسمعیل‌بن محمدصالح حسینی درسپاهان درنیمهٔ روزآدینهٔ ۳ ج ۱۰۶۸/۲ نوشتن آنرا بانجام رسانده . حاشیه‌ها بنسخ دارد و حاشیه‌های «منه» بنستعلیق . خط خوردگیها وتصحیحات هم دارد پس‌نسخهٔ اصل خواهد بود . در۱ الف دارد که نسخه از محمد رحیم هرابادی (با مهر : سلام قولا من رب رحیم) بوده و او

بشاه نظر و او بنظر محمد (با مهر) فروخته است (مانند ش ٦٤٨) همچنین دارد که از پدر به « عبدالاقل محمد صادق » رسیده است . مهر دارندهٔ دیگری بنام « عبدهالاقل محمد قاسم » در ۱ ب هست . پسران حاجی عبدالجبار از سه یك حاجی عبدالرزاق برادرخود نسخه را وقف نمودند . (۱ الف)

آغاز : بسمله وتقی ، الحمدلله والصلوة (والسلام) علی رسول‌الله ... کتاب‌الایمان والکفر وهوالثالث من اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن .

انجام : آخر ابواب‌الذنوب وتدارکها وبتمامه قد تم‌الجزء‌الثالث من کتاب‌الوافی وهو کتاب‌الایمان والکفر ویتلوه فی الجزء‌الرابع کتاب‌الطهارة والتزین انشاءالله وحده العزیز (تعالی وتقدس) اولا وآخرا وباطنا وظاهرا .

۲۱۵ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ سادهٔ مقوائی با برگردان
اندازه : ۱۵×۲۵ و ۸×۱۷/۵ س ۲۱

[۱۵۵۹]

٦٤٦٣ این نسخه جزء ۳ و کتاب‌الایمان والکفراست وبنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد ومحمد نظام‌الدین درششم رمضان ۱۰۷۷ آنرا برای خودش نوشته‌است وکسی آنرا مقابله نمود ومهراوچنین است «حسین منی‌انامن حسین» فهرست درآغاز هست . حاشیه‌هائی است بنسخ‌ونیز بنستعلیق از «صالح» . در ج ۱۲۶۱/۲ خریداری شده است

آغاز و **انجام** آن نزدیك به ش ٦٤٦ میباشد .

۱۷۷ گ) ــ کاغذسمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با برگردان
اندازه : ۲۰×۲۹ و ۹/۵×۱۹ س ۲۵

[۱۵٦۰]

٦٤٦۱ این نسخه ش۱ دفتروجزء۱و۲و۳و کتاب‌العقل والعلموالتوحید و کتاب‌الحجة و کتاب‌الایمان والکفر وافی میباشد وبنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف مانند ش ٤٥۸ وسرلوحی زیبا بزر وشنگرف ولاجورد وسبز دارد . صفحه‌ها در یك جدول زروشنگرف هست . حاشیهٔ «منه رحمه‌الله» وحاشیه‌های دیگر بنستعلیق هست . این نسخه بانسخه‌ایکه درهامش آن خط کاشانی داشته بود پس‌ازمرگ اومقابله گردید ودرپایان جزء ۱و۳ درهامش بدین مقابله گواهی شده است .

جزء ۱ در گ ۱ ب ــ ۷۷ الف نوشتهٔ روز سه شنبه ٦ ذی‌قعدهٔ ۱۱۰۲ .

جزء ۲ در گ ۷۷ ب ــ ۲۱۵ الف نوشتهٔ ۱٦ شوال ۱۱۰٤ .

جزء ۳ در گ ۲۱٦ ب ــ ۳۳۸ الف نوشتهٔ روزپنجشنبه ۱۹ ج ۱۱۰۳/۱ .

آغاز مانند ش ٦٤۳ و **انجام** مانند ش ٦٤٦ میباشد .

۳۳۹ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلدتیماج ازباکی ضربی‌درون مشکی زرکوب فرسوده مقوائی
اندازه : ۱۴/۵×۲۴ و ۲۰×۲۲ س ۲۴

[۱۵٦۱]

٦٤٦٤ این نسخه جزء٤ و کتاب‌الطهارة والتزین است وبنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وبا رمزحدیثها وشمارهٔ بابها درهامش میباشد .

در گ ۱۲۸ الف دارد « بلغت قرائته من اول هذاالجزء الی آخره متفحصاً متکشفاًمستفهماًوفقه‌الله‌وایده لاتمام سائرالاجزاء و کتب مصنفه‌محمدبن‌مرتضی‌المدعو بمحسن عفی‌الله عنه» و «تم بلغ تصحیحاً بحمدالله تعالی فی اوائل شهرربیع‌الاول سنة ۱۰۷٤» ومهر «ابوالحسن بن محمدمؤمن» درانجاهست. در۱۲۸ب تاریخ زادومرگ سعدبن‌عبدالله‌و کلینی‌وتلعکبری‌وابن‌الغضائری‌ومفیدونجاشی‌وطوسی نوشته‌شده‌ودرتوی جلدازپایان، مهدی کاشانی نوشته که این خط ازابی‌الحسن محمدبن محمد مؤمن است .

مهر این « ابوالحسن‌بن محمد مؤمن » در۱ الف و۳ الف هم هست که دارندهٔ نسخه بوده نیزمهر «المتوکل علی‌الله‌العلی محمد رضا» و «محمدرضابن محمد صفی‌الحسینی» که دارندهٔ نسخه بوده‌است درانجاهست . همچنین مهرهای «عبده ابراهیم‌بن‌اسمعیل‌بن عبدالعالی‌بن سعیدبن عبدالعالی‌بن علی‌العالی » (۳ ب) و « عبدالقدیر عبدالعالی » و «المتوکل علی‌العلی محمد رضا» (۱ الف) هست .

مهدی‌بن محمد حسین‌بن میرزامهدی‌بن محمدمؤمن کاشانی نسخه‌را ازنجف همراه آورد و بخط خود همین را درصفر ۱۲۸۳ نوشت (گ ۱ الف) خط او درتوی جلد آغازهم هست . فهرست ۱ ب ــ ۲ ب . کتاب ۳ ب ۱۲۸ الف .

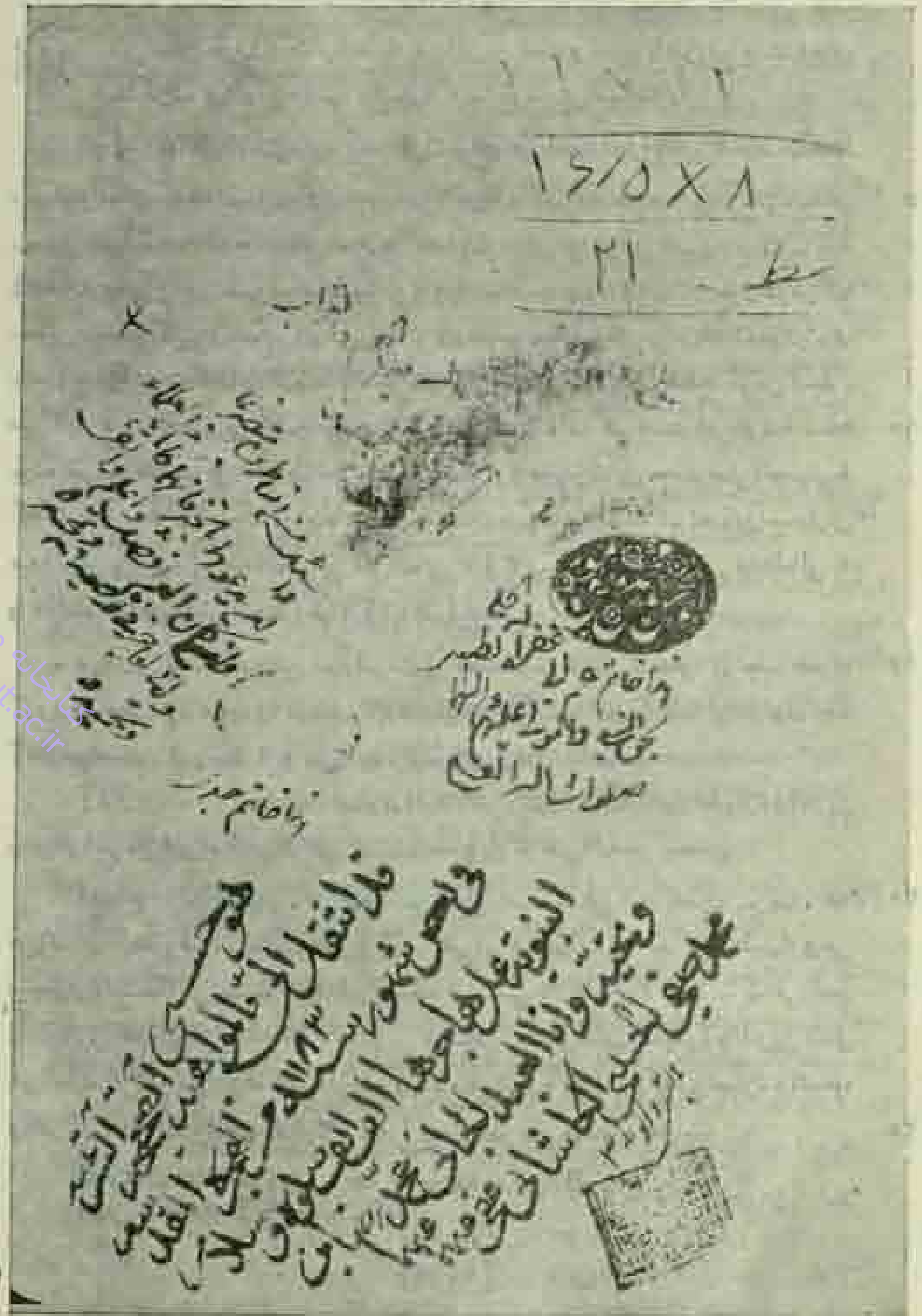
آغاز: بسمله . الحمدلله‌والصلوة‌والسلام‌علی‌رسول‌الله ... کتاب‌الطهارة‌والتزین وهوالرابع من اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن .

انجام : باب‌النوادر . کا . محمد عن بعض اصحابنا عن ابن یقطین ... یب . عنه عن‌العباس‌بن‌معروف ... دخلت‌الجویریة ... علی‌ابی‌عبدالله ... وقالت انی‌اتطیب‌لزوجی فیجعل‌فی‌المشطة‌التی‌امتشط بهاالخمرواجعله فی‌راسی قال‌لاباس . بیان ... کمافی‌الخبر السابق . آخر ابواب قضاءالتفث والتزین وبتمامها قد تم کتاب‌الطهارة والتزین الذی هوالجزء الرابع من‌اجزاء کتاب‌الوافی ویتلوه فی‌الجزء الخامس کتاب‌الصلوة والدعاء والقرآن انشاءالله والحمدلله اولا وآخرا وصلی‌الله علی محمد واهل بیته .

۱۲۸ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زره ضربی‌مقوائی
اندازه : ۱۴×۲۳ و ۸×۱٦/۵ س ۲۱

[۱۵٦۲]

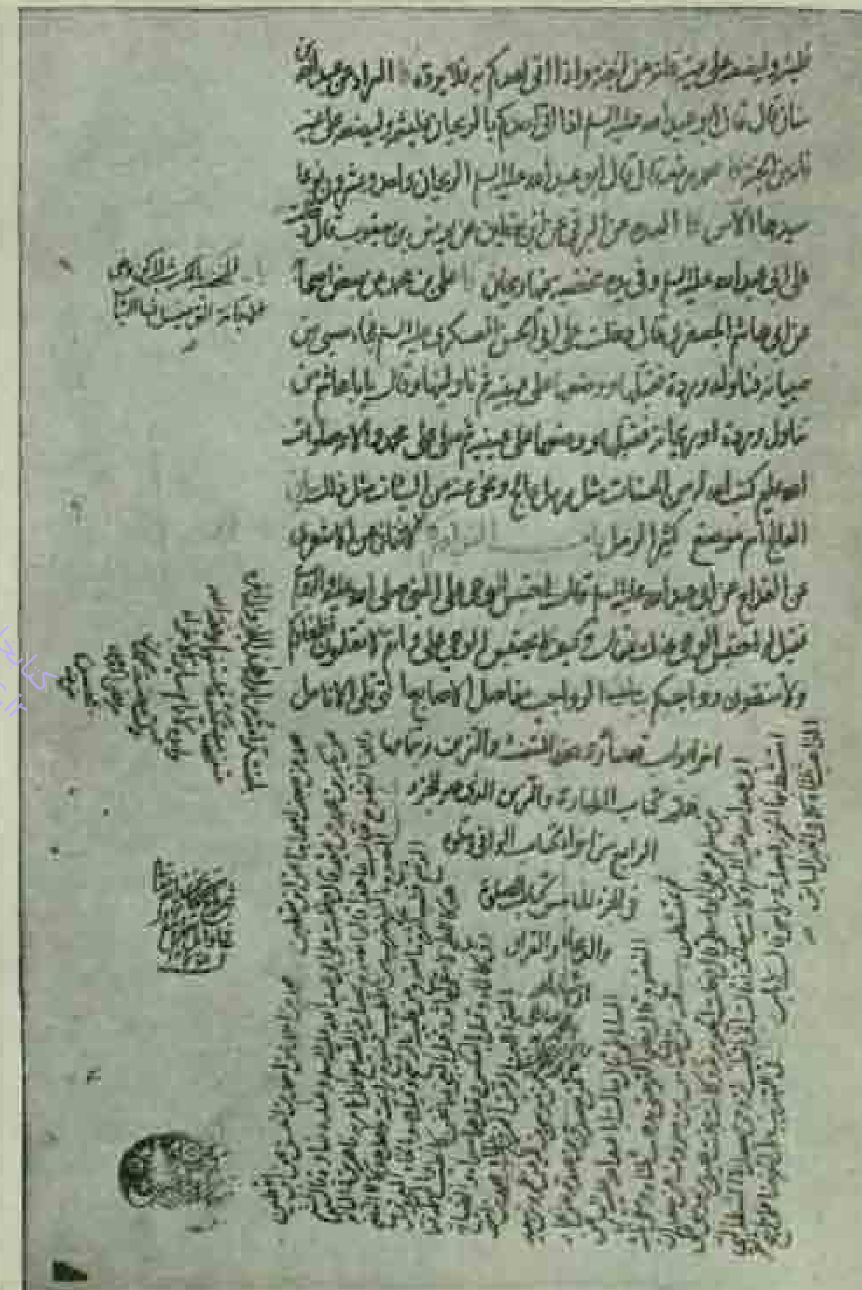
٦٤٦۵ این نسخه جزء٤ و کتاب‌الطهارة والتزین است وبنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ومحمدکاظم بن‌محمدعلی آنرا نوشته‌است . حاشیه‌های «منه»



گ ۳ الف صفحهٔ عنوان وافی ش ٦٤٤



گ ۳ ب آغاز وافی ش ٦٤٤



گ ۱۲۸ الف پایان وافی ش ۶۴۴

داود بنستعلیق وحاشیه‌ای با نشانهٔ «م ق ر ر ه» (۸۸ الف) حاشیه‌های میان سطرها بخط علم‌الهدی پسر کاشانی است و تصحیحات هم درهامش دیده میشود. نشانه‌های حدیثها درهامش هست. درگ ۱ب ۳ الف بخط نسخ و نستعلیق همان علم‌الهدی درزمان پدرش پس ازدیباچه‌ای کوتاه اصطلاحات کاشانی دراین کتاب‌دربارهٔ رجال‌مکررة‌الاسناد روشن گردید. در ۳ب ـ ٤ الف بخط نستعلیق حدیثی ازعیون اخبارالرضا نوشته شده. ۵

نسخه را محمد رحیم هرابادی (با همان مهر «سلام قولا من رب رحیم» در ش ٦٤٦) که از پدربا ورسیده بمولاناشاه نظر واو به نظرمحمد (بامهراو) فروخته است. مهر دو کس دیگر که دارندهٔ نسخه بوده‌اندهم دیده میشود: «عبده‌الاقل محمدصادق» و «عبده‌الاقل محمد قاسم» مانند ش ٦٤٨و٦٤٦ ـ پسران حاجی عبدالجبار ازسه یك حاجی عبدالرزاق با تولیت حاجی ملاعبدالوهاب نسخه را وقف کرده‌اند (۱ الف) ۱۰ فهرست ۵ ب ـ ٦ الف. کتاب ۷ ب ـ ۱۸۵ ب.

آغاز: بسمله. بك‌استعین یا کریم. الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول‌الله.. کتاب‌الطهارة ... (مانند ٦٤٤) **انجام** هم مانند ش ٦٤٤.

(۱۸۷گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا که بیش با برگردان
الدازه: ۱۵×۲۴/۵ و ۷/۵×۱٦ س ۲۱ ۱۵

[۱۵٦۳]

٦٤٥ این نسخه جزء ۵ و کتاب‌الصلوة والدعاء والقرآن است و بنسخ با عنوانها ونشانهای شنگرف میباشد وشمارهٔ بابها وتصحیحات درهامش هست. درگ ۱٤۷ب و ۲۱۸ ب داود: «انهاه صباعا علی ابده‌الله ع». فهرست ۱ ب ـ ۳ ب. کتاب ٤ ب ـ ۲۱۸ ب. ۲۰

آغاز: بسمله. والحمدلله والصلوة والسلام علی رسول‌الله... کتاب‌الصلوة والدعا والقرآن وهوالخامس من اجزاء کتاب‌الوافی تصنیف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن.

انجام: آخرابواب القرآن وفضائله وبتمامه تم کتاب‌الصلوة والدعاء والقرآن الذی هوالجزء الخامس من اجزاء کتاب‌الوافی ویتلوه فی الجزء السادس کتاب‌الزکوة ۲۵ والخمس والمیراث انشاءالله تعالی والحمدلله اولا وآخرا.

(۲۱۹گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی
اندازه: ۱۷×۲٤ و ۱۰×۱۷ س ۲۳

[۱۵٦٤]

٦٤۷ این نسخه جزء ۸ و کتاب‌الحج والعمرة والزیارات است و بنسخ با عنوانها ۳۰ ونشانهای شنگرف میباشد. شمارهٔ بابها درهامش بشنگرف هست. نیزرمزهای

خدیشهادرهامش برخی نوشته شده و نسخه بدلها وتصحیحاتهم درهامش دیده میشود. حاشیهها بنسخ وحاشیهٔ «منه» و «منه دام فیضه» بنستعلیق (١٩٤ الف و ١٧٨ الف) هست. خط خوردگی هم دارد. محمد نبی درپایان خدا را میستاید که از آغاز کتاب وافی تا انجام جزء ٨ را که این نسخه باشد با نسخهٔ اصل پس از عرض وقرائت بر استاد با دقتی مقابله وتصحیح نموده است و این کاررا او در دهٔ دوم ماه دوم سال یکم دهٔ نهم سدهٔ یازدهم (١٠٨١) بانجام رسانده.

محمدهادی بن مرتضی مینویسد که نسخه را با دقتی برمن خواندهاند وباز مینویسد که نسخه را در دههٔ یکم ماه یکم سال ١٠٨٤ دوباره برمن خواندهاند (١٩٩ ب) نیز دارد: « الله تعالی. ثم بلغ معارضة و تصحیحاً بتأییدالله تعالی » و «بلغ بحمده» (٤٤ الف و ١٩٩ ب).

آغاز: بسمله. الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول‌الله ... كتاب‌الحج والعمرة والزيارات وهوالثامن من اجزاء كتاب‌الوافی تصنيف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن.

انجام: آخر ابواب‌الزيارات و شهودالمشاهد والمساجد وبتمامها تم‌الجزءالثامن كتاب‌الحج‌من اجزاء كتاب‌الوافی ويتلوه‌فی الجزءالتاسع كتاب‌الحسبة والاحكام والشهادات انشاءالله والحمدلله اولا وآخرا.

(١٩٩ گ) ـ كاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با برگردان

اندازه: ١٨×٢٥ و ١١/٥×١٨ س ٢٣

[١٥٦٥]

٦٥٨ این نسخه جزء ٨ تا ١١ و كتاب‌الحج تا كتاب‌المطاعم والمشارب والتجملات است و بنسخ خوش با نشانهها و عنوانهای شنگرف مانند ش ٦٦١ میباشد. دردوجدول زر و لاجورد است. نسخه بدلها و تصحیحات درهامش بشنگرف و سیاه آمده است. ازصفحه‌شماری و تاریخ نوشتن نسخه برمیآید که جزء ٨ پس از ٩ و ١٠ و پیش از جزء ١١ نوشته شده است. حاشیههای « منه » بنستعلیق هست. نیز حاشیهٔ « كذا سمع منه» بنستعلیق شنگرف در ٩٩ الف.

جزء ٨ در گ ١٩٦ ب ـ ٣٤٢ الف نوشتهٔ پایان ربیع دوم ١١٠٦.

» ٩ در گ ١ ب ـ ١١٠ الف نوشتهٔ پایان رجب ١١٠٥.

» ١٠ در گ ١١٢ ب ـ ١٩٤ ب نوشتهٔ ٩ ذیقعدهٔ ١١٠٥.

» ١١ در گ ٣٤٣ب ـ ٤٠٢ الف نوشتهٔ ١١ رجب ١١٠٦.

جزءهای ٨و٩و١١ فهرست دارند.

آغاز مانند ش ٦٤٧ وچنین است **انجام** آن: « آخر ابواب‌المساكن والدواجن

وبتمامها تم كتاب‌المطاعم والمشارب والتجملات من اجزاء كتاب‌الوافی ويتلوه فی الجزء الثانی عشر كتاب‌النكاح والطلاق والولادات انشاءالله والحمدلله اولا وآخرا ».

(٤٩٠ گ) ـ كاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ ضربی درون مشكی زربی

اندازه: ٢٢×٣٣ و ١٢/٥×٢٣ س ٣٣

[١٥٦٦]

٦٦٤ این نسخه از جزء ١٠ و كتاب‌المعايش است و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد. تصحیحات درهامش دیده میشود و خط خوردگیها دارد (٢ الف و٦٢ ب و٩٨ الف و١١١ الف) وحاشیه «منه» بنستعلیق در آن هست (٢ب) پیداست كه نسخه خط خود فیض كاشانی میباشد. یحیی بن محمدعلی بن محمد رضا در ١٢١٤ ودیگری در ١١ شوال ١٢٥٨ دارندهٔ نسخه بودهاند.

آغاز: لی البقاء كماختم علی الفنا... ظلمكم اهل‌الاسلام بالتشديد ای تسبوكم الی الظلم. يتناورون الطعام يجلبونه. باب‌الاجمال فی الطلب.

انجام: آخرابواب احكام‌الارضين والمياه وبتمامها تم كتاب‌المعايش والمكاسب والمعاملات من اجزاء كتاب‌الوافی ويتلوه فی الجزءالحادی عشر كتاب‌المطاعم والمشارب والتجملات انشاءالله والحمدلله اولا وآخرا. تمت.

(١٤٤ گ) ـ كاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ درون مشكی ومقوائی بابرگردان زركوب

اندازه: ١٧×٢٥ و ٩/٥×١٧ س ٢٣

[١٥٦٧]

٦٤٨ این نسخه جزء ١٣ و كتاب‌الجنائز است وبنسخ باعنوانها ونشانههای شنگرف میباشد وتصحیحات درهامش بنسخ دیده میشود. نوشتن نسخه درروزدوشنبه ١٧ ع ٢/ ١٠٦٣ بانجام رسيد. حاشیهای بخط نستعلیق با نشانهٔ « ق ر ه » در ١٨٤ الف هست. درهمینجا دارد: « ثم بلغ سماعاً علی وفقه‌الله و زاده فی الفهم والعلم. و كتب مصنفه محسن بن مرتضی عفی عنه» بنسخ ونستعلیق نیزخبری از كافی بنسخ با نشانهٔ « و كتب محمدبن مرتضی المدعو بمحسن عفی عنه ».

نسخه از آن محمدقلی فرابادی بود و ازاو بفرزندش محمد رحیم رسید و او به مولانا ملاشاه‌نظر فروخت و او به نظرمحمد فروخته است. مهر «سلام قولامن رب رحیم» ازمحمد رحیم ومهر «نظرمحمد» هم هست (١ الف).

آغاز: بسمله. الحمدلله والصلوة علی رسول‌الله... كتاب‌الجنايز وهوالثالث عشر من اجزاء كتاب‌الوافی تصنيف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن.

انجام: آخر ابواب‌المواريث وبتمامها تم كتاب‌الجنايز وهوالثالث عشر من اجزاء

کتاب الوافی ویتلوه فی الجزء الرابع عشر کتاب الروضة انشاءالله والحمدلله اولاً وآخراً .

(۱۸۴گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد سادهٔ مقوائی با برگردان

اندازه : ۱۳×۲۵ و ۷×۱۷ س ۱۹

[١٥٦٨]

٦٦٧ این نسخه جزء ۱۲ تا ۱۵ و کتاب النکاح تامشیخة من لایحضره تهذیب واستبصار است وبهمانگونه خط ش ٦٦١ و در یك جدول زر و لاجورد میباشد . فهرستی دارد که خود کاشانی نگاشته است . در گ ٦٨٢ ب اجازه‌ایست که کاشانی بمحمدهادی داده ودر نسخه‌ایکه نسخهٔ ما از روی آن نوشته شده است بود . حاشیهٔ «منه ره» در ٥١٩ ب هست . در بسیاری از صفحه‌های آغاز وصالی شده وخیلی از عبارتها رفته‌است .

جزء ۱۲ در گ ٤٠٤ ب ــ ٥١٧ الف نوشتهٔ روز ۱۳ ذی‌قعدهٔ ۱۱۰٦ .

« ۱۳ در گ ٥١٨ ب ــ ٥٩٩ الف نوشتهٔ ۱٥ محرم ۱۱۰۷ .

« ١٤ در گ ٦٠٠ ب ــ ٦٦٩ الف .

« ۱٥ در گ ٦٧٠ الف ــ ٦٨٢ الف نوشتهٔ ۱۸ ج ۱۱۰۷/۱ .

آغاز : بسمله . الحمدلله والصلوة والسلام علی رسول . . . کتاب النکاح والطلاق والولادات وهو الثانی عشر من اجزاء کتاب الوافی تصنیف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن .

انجام : قد تم کتاب الوافی باجزائه الخمسة عشر وکمل ووفی . . . وقد فرغ منه مؤلفه ... الملقب بمحسن محمدبن مرتضی القاسانی ... وسلم تسلیما کثیراً کثیراً وانشد المصنف ایده‌الله تعالی فی تاریخه : وفیت بوافیکم اخوتی ... جمعت الاحادیث تاریخه (١٠٦٨) ــ اذ انت احسنت تعداده .

در گ ٥١٧ ب دارد : «تاریخ اتمام تصنیف وافی : اتم‌الله کتابی الوافی ــ ١٠٦٨» .

(۴۰۴گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ۲۱×۳۲ و ۱۲/۵×۲۵ س ۳۵

[١٣٣٠] وسیلة النجاة (فارسی)

محمد حسین بن سلطان محمد اردنقی خوئی در اینفتر مقتل ابی مخنف را بپارسی در آورد . ترجمه‌ایست لفظی ودر آغاز آن بندهائی از تورات و سخنانی از یهود بزبان عبری آورده و بپیامبر وخاندان او تأویل نموده‌است . درفهرست ستوری بانگلیسی ص ٢٣٤ از وسیلة النجاة محمدحسین بن محمدرضا درسرگذشت سرور شهیدان و یاران او چاپ ١٢٨٤ تهران و از وسیلة النجاة نوروز علی بن

محمدباقر بسطامی درهمین‌باره چاپ ١٢٨٤ ایران یادگشت .

آغاز : رب یسر . بسمله . و به نستعین . الحمدلله الذی خلق الجن والبشر والثناء علی من بیده القضاء والقدر . . . امابعد چون . . . محمدحسین ابن سلطان محمدار دنقی الاصل خوئی المسکن درمدت عمر اعمال خویش را بامعان نظر ملاحظه نموده . . . لهذا بترجمهٔ کتاب ابومخنف پرداخته . . . مسمی شد این کتاب بوسیلة النجاة .

انجام : سرحسین ع یکی از خدام یزید اورا برداشت رفت بکربلا بجثهٔ پاك سر اورا ملحق گردانید ودفن کرد وصلی الله علی جده ... ولعن‌الله علی غاصبی حقوق الاهل بیت وعلی اتباعه واشیاعه (تمت الکتاب الشریفة المسمی بوسیلة النجاة وفی ترجمة ابی مخنف بیدالحقیر مصطفی ساکن شهر لنکران ابن المرحوم المغفور ملا کریم السالیانی فی یوم جمعه چهاردهم شهر ربیع الاولی سبع وستون ومأتان بعدالالف ..)

[١٥٦٩]

٦٦٦ این نسخه بستعلیق است وعبارتهای تازی وعبری آن بنسخ میباشد . لنکرانی آنرا در ١٤ ع ١٢٦٧/١ با شانزدگی نوشته است .

(۸۰گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوای پارچه‌ای

اندازه : ١٦×٢٢ و ١٠/٥×١٦/٥ س ١٦

[١٣٣١] وفاة الزهراء (عربی)

از شیخ حسین بن محمدبن احمد بحرانی درازی برادرزاده شیخ یوسف بحرانی درازی (١١٠٧ ــ ١١٨٦) که برای او وبرادرش لؤلؤتی البحرین را نوشته است و استادروایت شیخ عبدعلی بن محمد بن عبدالله بن الحسین خطی بحرانی (روضات ٣٥٦) میباشد . او دراین رساله داستان درگذشت دختر پیامبر و آزارها که در زندگی خویش از دشمنان خود دیده است آورده . درآغاز آن تاریخ تولد زهرا ع از ربیع الشیعة ابن طاوس و تاج الموالید ابوعلی طبرسی و ازهار الریاض شیخ

محمدبن نعمان مفید (۱) آمده است .

شیخ ابوالحسن بکری استاد شهید دوم و نگارندهٔ الانوار فی مولدالنبی و مقتل امیرالمؤمنین نیز « وفاة فاطمةالزهراء » دارد و همچنین سید هاشم بن سلیمان بن اسمعیل حسینی بحرانی توبلی کتکانی (۱۱۰۷ ه) « وفاةالزهراء » نوشته است (روضات ص ۲۸۹ و ۷۳٦ ـ کشف الحجب ٤٦٤ ـ بحار ۱ : ٦۰) .

آغاز : هذا وفاةالزهراء . بسمله والصلوة علی اشرف الانبیاء والمرسلین . الحمدلله الذی ابتلی اولیائه فی هذه الدار باجل المصائب والاخطار واذاء النصاب والکفار .. فیقول ... حسین بن محمدبن احمدالدرازی انی موردفی هذه الصحیفة ... ماوصل الی ... لوفاة ... ام الائمة .

انجام : کمانقله محمد باقر فی کتاب البحار . و هذا آخر ماوجدناه مسطوراً من وفاةالزهراء و نستغفرالله من الزیادة والنقصان والسهو والغلط والنسیان والمأمول من الاخوان الدعاء لمؤلفها وجامعها خصوصاًمن قارئها وسامعها بالمغفرة والرضوان له ولوالدیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات المسلمین والمسلمات والصابرین والصابرات وصلی الله علی محمد وآله وسلم

[۱۵۷۰]

۱۰٦۷ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ در گ ۱ ب ـ ۱۹ الف . در پشت کتاب دارد : وفاةالزهراء گویا از سید هاشم بحرانی نویسندهٔ تفسیرالبرهان ومدینة المعاجیز ومعالم الزلفی (لؤلؤتی البحرین ص ٥٤) در گ ۱۹ الف ـ ۲۰ ب از کشف الغمة و کتاب النبوة مجلسی دربارهٔ زهراع آمده است بنستعلیق ـ نسخه چنانکه از گ ۱ الف و ۲۱ الف برمی‌آید از آن ضیاءالدین نوری بوده و نیز از شیخ احمد شکر نزد جوادالکتبی عاریه بوده است .

همهٔ دفتر ۱۱۴گ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی تازه

اندازه : ۱۵×۲۱ـ۱۰×۱۵ س ۱۹

۱ـ ازهارالریاض از شیخ سلیمان بن عبدالله بحرانی (۱۰۷۵ ـ ۱۱۲۱) میباشد (کتنوری ص ٤۱ـ جلد ۲ فهرست آقای منزوی ص ٦۸٥) .

[۱۳۳٦] هدایةالامة الی احکام الائمة (عربی)

شیخ محمدبن الحسن بن علی بن محمدالحرالعاملی (۱۱۲٤ ه) از تفصیل وسائل الشیعة خود گزین نموده این کتاب بپرداخت ودر آن دوازده مقدمه (۱ـ عقل ۲ـ علم ۳ـ خداشناسی ٤ـ عدل ٥ـ نبوت ٦ـ امامت ۷ـ معاد ۸ـ اسلام و ایمان و کفر ۹ـ آنچه شایسته است آموخت وبکاربست ۱۰ـ کسانیکه میشود ازآنها آموخت وحکم مالانص فیه ۱۱ـ پاره‌ای از عبادتهای واجب و کفر منکر آنها ۱۲ـ حکمهای مشترك میان عبادتها دردوازده فصل : ۱ـ بلوغ و عقل ۲ـ نیت ۳ـ اخلاص وریا ٤ـ عبادت آشکارو نهانی ٥ـ اکثاردرعبادت ٦ـ استواء درعمل و مداومت بر آن ۷ـ اعتراف بتقصیر درعبادت ۸ـ عجب ۹ـ اقتصاد درعبادت ۱۰ـ شتابزدگی در کارنیك ۱۱ـ نهی از کم شمردن بدی و نیکی ۱۲ـ شرط بودن ولایت درعبادت) و چهار کتاب (عبادات ـ عقود ـ ایقاعات ـ احکام) هریکی دوازده کتاب و یك خاتمه دردوازده فائدهٔ رجالی و فهرستی مانند پایان وسائل گذارده ودر ۱۰۹۱ بدان میپرداخته است . او دراین کتاب ازاحکام فقهی ازروی اخبار کاوش نمود ومسئله‌های غیرمنصوص را درآن نیاورد وخبرهارا از کتابهای با ارزش آورد وسندها ومکررها را انداخت وآنرا بدرخواست برادران دینی نگاشته است . (طوس ٥ : ۲۱۱ـ فهرست فاضلیه ص ۱۳۳ـ کنتوری ص ٦۰٤ـ لؤلؤتی البحرین) او درامل الآمل ص٤٤۷ مینویسد که هدایة درسه مجلد کوچك است وهرمطلبی ازآنهم دوازده است ازآغاز تاپایان فقه .

[۱۵۷۱]

٦۱۲ این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف است و حاشیه هائی دارد بنستعلیق با نشانه‌های «منه ره» و «میرزارفیعا علی الکافی» (۱ب وجاهای دیگر) و «من الکلیات للشیخ محمدالحر رحمه‌الله تعالی» (۳ ب) .

نوشتن نسخه را محمد فاضل بن محمد مؤمن گیلانی درروز۲۲صفر ۱۱۲۹ برای خود بانجام رسانده . درچندجا دارد « بلغ قبالا ». محمدهاشم موسوی در ۲۳ رمضان

١٢٩٢ (با خط ومهر او در ١ الف) و كمال الدين محمد در ٣٠ شعبان ١٣٢٤ (روية برگ پیش از برگ یکم شماره‌دار) دارنده نسخه بوده‌اند.

کتاب در ١ب — ١٢١ب است. در گ١٢٢ الف فهرست نامهای کسانیست که امامان از آنها بستودند و فرمودند که بآنها باید بازگشت.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمد لله على الهداية الى التوحيد والولاية ... فيقول ... محمد بن الحسن بن علي بن محمد الحر العاملي هذه رسالة مشتملة على ما لا بد منه من الاحكام الثابتة عن اهل العصمة ... وسميتها هداية الامة الى احكام الائمة.

انجام: الثاني عشر قال الصادق ... تكره الصلوة في القرو الا ماصنع في ارض الحجاز او ماعلمت منه زكوة (تمت الكتاب الطهارة من كتاب هداية الامة الى احكام الائمة عليهم السلام. كتاب الاول من كتب العبادات. وصلى الله على محمد وآله اجمعين).

(١٢٢گ) — كاغذ سمرقندي — جلد تيماج كبود ضربي يكلا

اندازه: ١٤/٥×٢٣/٥ و ٧/٥×١٨ س ٢٠

[١٥٧٢]

٦١٣

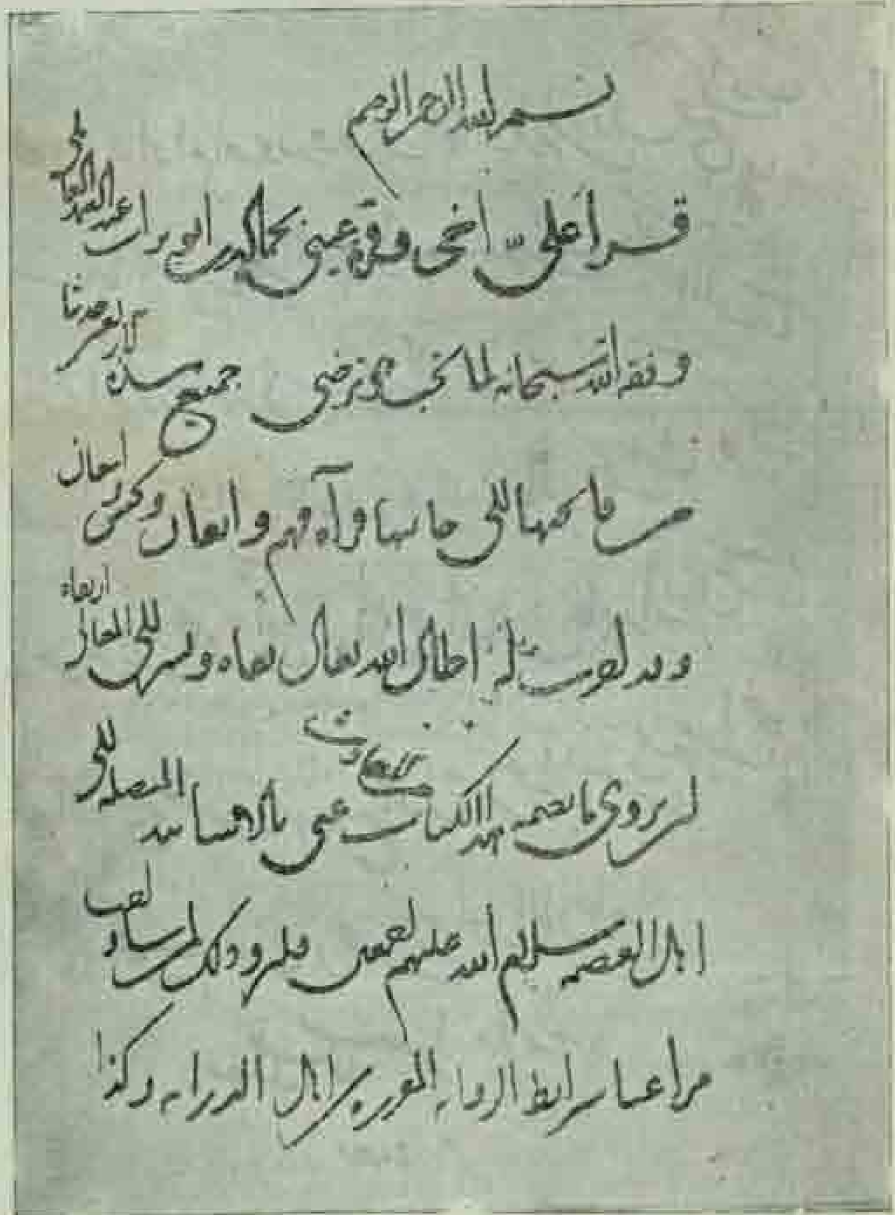
این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد وحاشیه‌های نستعلیق دارد ودر برخی جاها با نشانه «منه» (١٢٧ب و ٣٣١ الف وجاهای دیگر) در گ١ الف و ٤٣٧ب دو مهر «محمد الطباطبائی» و «یا امام حسن ادرکنی» هست.

آغاز: عليه السلام. انما وضعت الزكوة اختبار الاغنياء ومعونة للفقراء ... الثاني في وجوب السخاء والجود بالزكوة و نحوها من الواجبات و احاديثه ايضاً كثيرة نذكر منها اثناعشر (از باب دوم کتاب زکوة).

انجام: الثاني عشر في هبة المشاع سئل الصادق ... عن دار لم تقسم ... ان كان هبة قال لا يجوز. تم الجزء الثاني من كتاب هداية الامة الى احكام الائمة عليهم السلام ويتلوه في الجزء الثالث انشاء الله الكتاب الحادي عشر كتاب الوصايا ... فرغ منه مؤلفه محمد بن الحسن بن علي بن محمد الحر العاملي في سادس ربيع الاول سنة ١٠٩١ والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين.

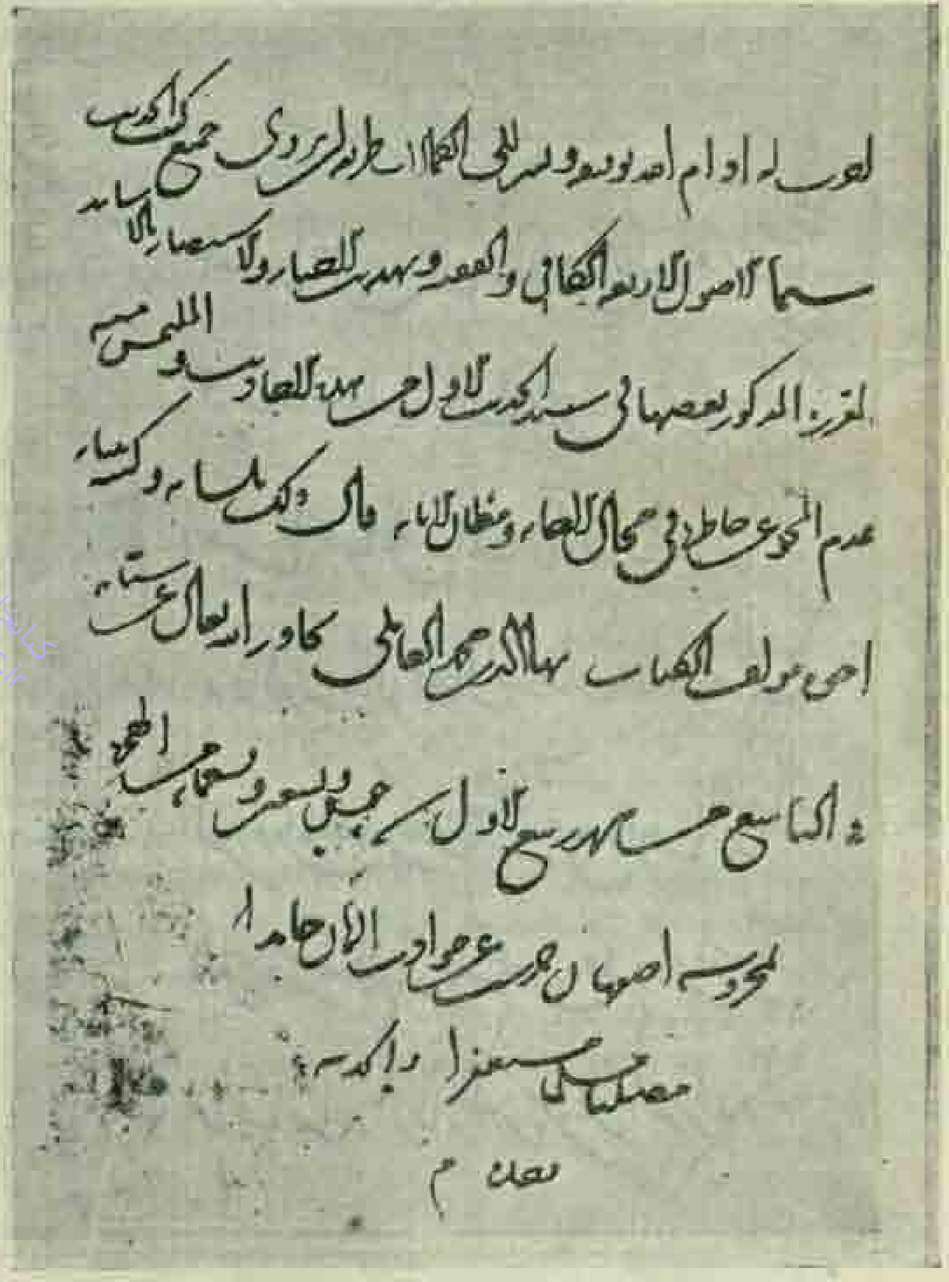
(٤٣٧گ) كاغذ سمرقندي — تيماج قهوه‌اى طوالى دو يكسوى

اندازه: ١٤/٥×١٩ و ٧×١٤/٥ س ١٥

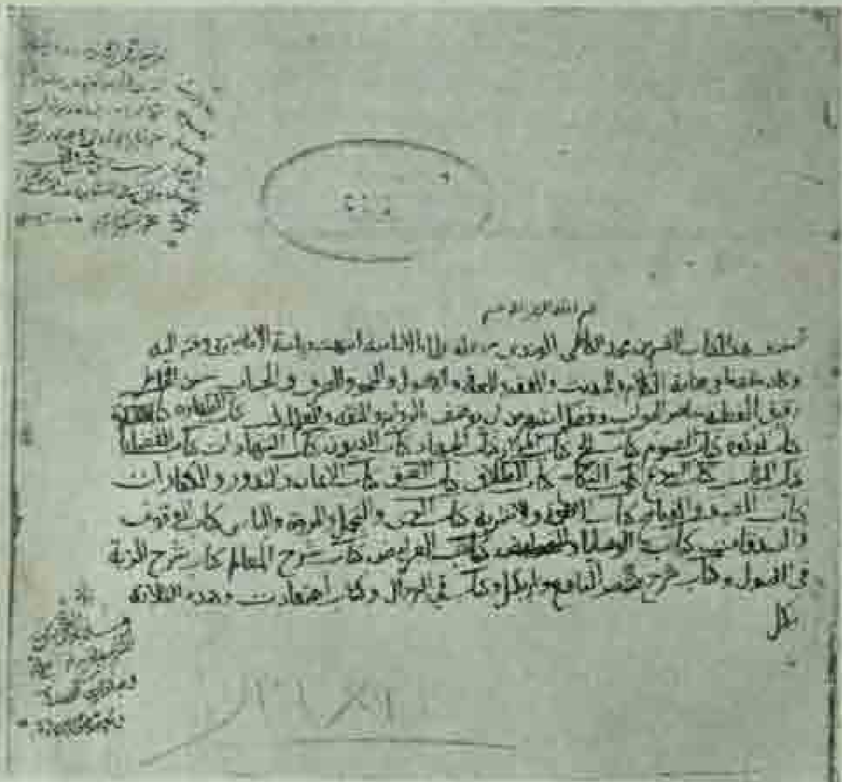


بسم الله الرحمن الرحیم

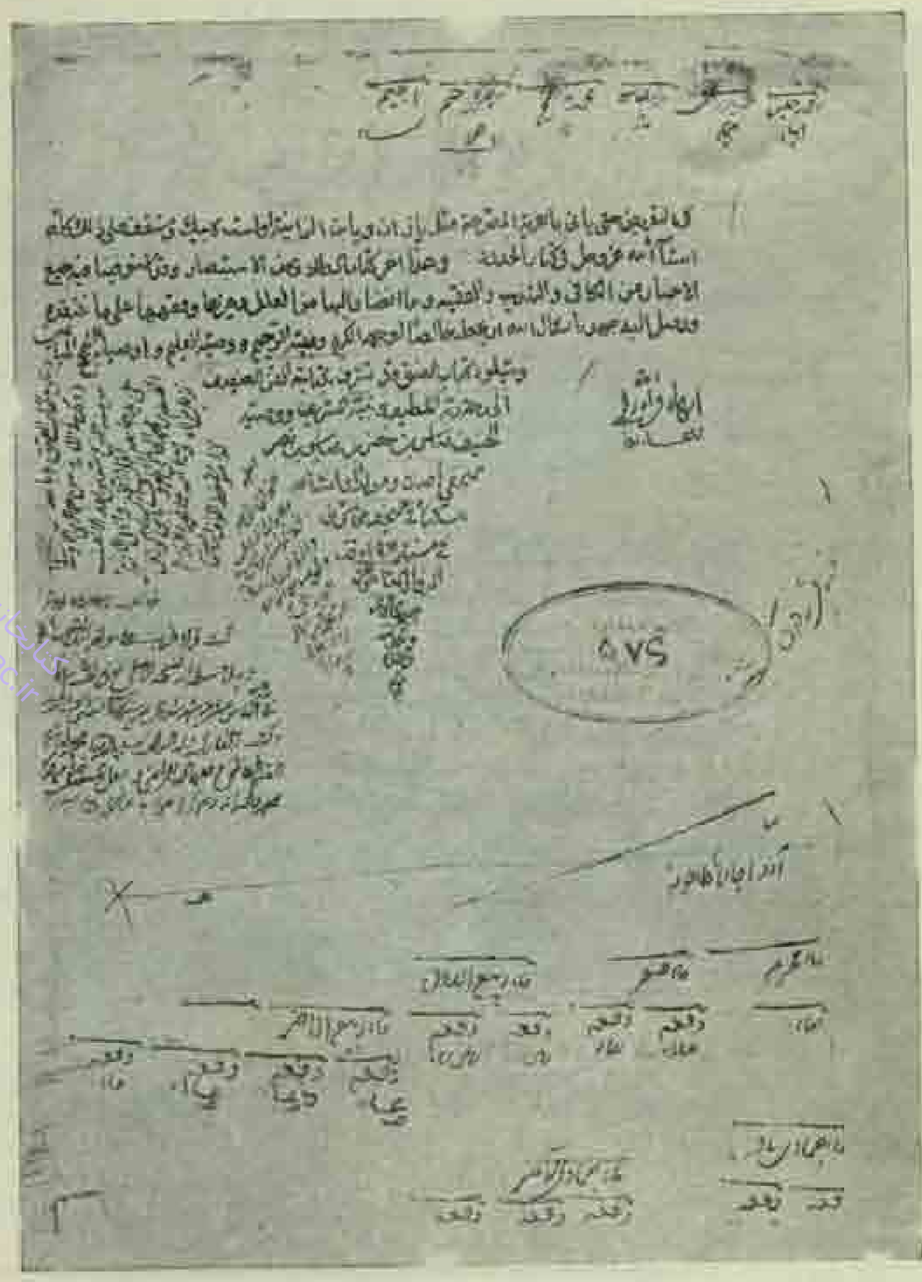
گ ٢٤٣ ب اربعین بهائی ش ٦٨٦ ص ١٠٦٧ همین فهرست.



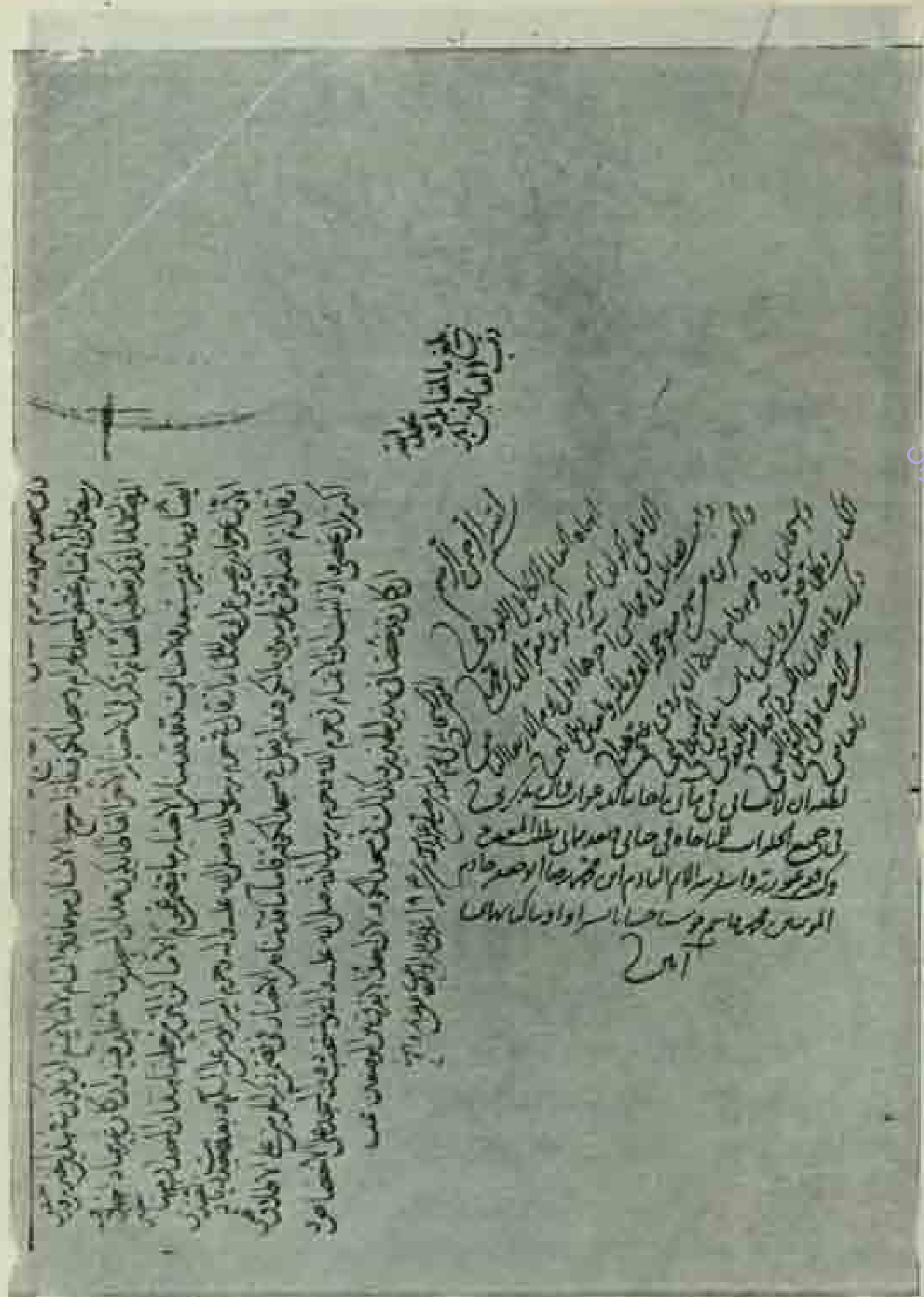
گ ٢٤٤ الف اربعين بهائى ش ٦٨٦ ص ١٠٦٧ همين فهرست



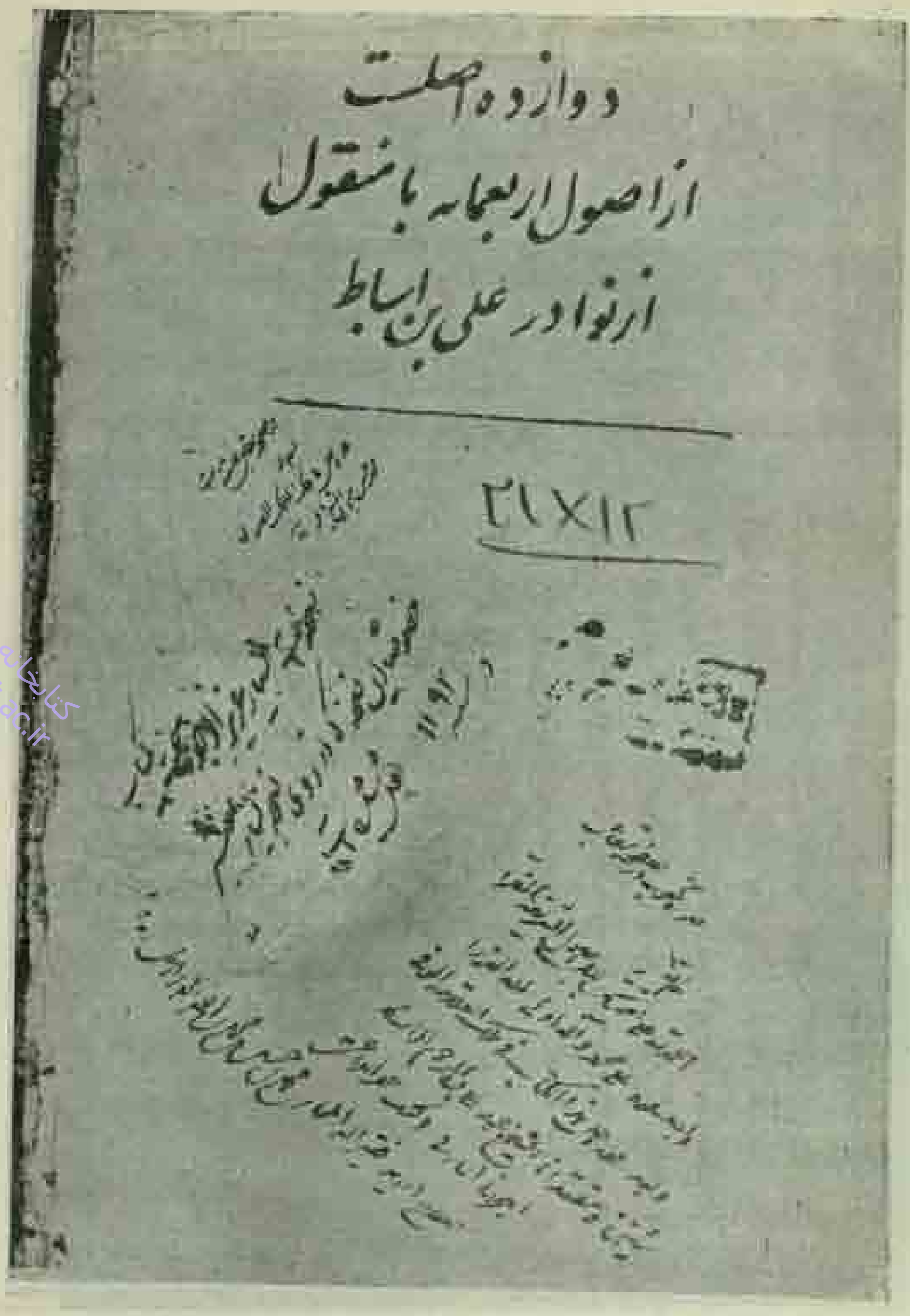
گ ١ ب استبصار الاخبار ش ٥٧٦ ص ١٠٨٣ همين فهرست



گ ۱۹۸ ب استبصار الاخبار ش ۵۷۶ ص ۱۰۸۳ همین فهرست



گ ۱۲۳ الف الاستبصار ش ۶۲۶ ص ۱۰۸۷ همین فهرست

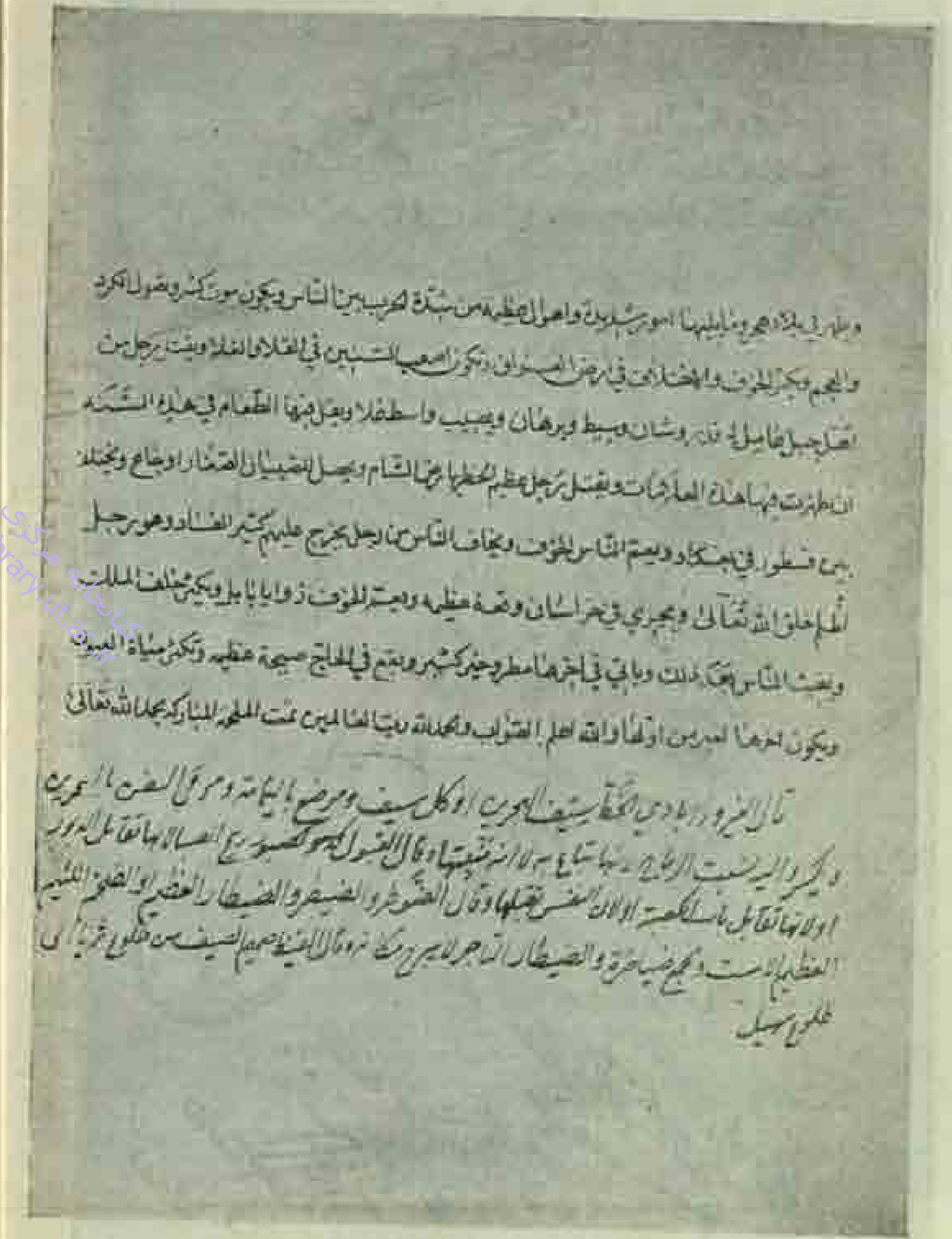


پشت الحقی برگهٔ تازهٔ اصول اربعمائه ش ۹٦٦۲ ص ۱۰۹۵ همین فهرست



گ ۱ الف صفحهٔ عنوان اصول اربعمائه ش ۹٦٦۲ ص ۱۰۹۵ همین فهرست

اینجا گفتار یازدهم که دراخبار و احادیث میباشد
بپایان میرسد
نگارنده و گردآورندهٔ این فهرست محمد تقی دانش‌پژوه
تهران مهرماه ۱۳۳٤ خورشیدی



وظهر في بلاد مصر وما يليها امور شديدة واهوال عظيمة من شدة الحرب بين الناس ويكون موت كثير ونصول الكرد
والعجم ويكثر الخوف والاختلاف في ارض العراق ويكون اصعب السنين في الغلاء الغلاء ويثب رجل من
اهل جبل [illegible] وشان وسيط وبرهان ويصيب [illegible] ويعل فيها الطعام في [illegible]
ان ظهرت فيها هلاك [illegible] ويقتل رجل عظيم الخطر من الشام ويحل الصبيان الصغار او جاع ويختلف
بين [illegible] في عسكره ويعم الناس الخوف ويخاف الناس من رجل يخرج عليهم كثير الفساد وهو رجل
اظلم خلق الله تعالى ويجري في خراسان وقعة عظيمة ويعم الخوف زوايا بابل ويكثر خلاف الملك
ويعيش الناس بعد ذلك ويأتي في اخرها مطر وخير كثير ويقع في [illegible] صيحة عظيمة وتكثر مياه العيون
ويكون اخرها [illegible] والله اعلم بالصواب والحمد لله رب العالمين تمت الملحمة المباركة بحمد الله تعالى

[illegible]

گ ۵ الف ش ۵۲٦ بحاور س ۱۱٤۳ همین فهرست

[۱۳۳۳] **ابن الغضائری (رسالة...)** (عربی)

ملامحمد اسماعیل بن الحسین بن محمد رضای مازندرانی سپاهانی خواجوئی (م ۱۱ شعبان ۱۱۷۳) در این رساله دربارهٔ ابن الغضائری ابوالحسین احمد بن حسین بن عبیدالله نگارندهٔ الضعفاء گفتگو نموده و بر مجلسی یکم تاخته که چرا در گزارش کتاب من لایحضره الفقیه دربارهٔ او سخن بدرستی نگفته و چرا او را ناشناخته پنداشت (۱) او از گفتهٔ ملاعبدالله شوشتری میگوید که کتاب رجال ابن الغضائری بسیار سودمند است و من جز نسخه‌ای از آن که در رجال ابن طاوس هست و آنهم بخط هو واز کتابخانه شهید دوم بوده است ندیده‌ام (گ ۳۰) در آن از ملامیرزا محمد استرابادی وقهپائی یاد شده است (۳٤ الف).

آغاز: بسمله . الحمدلله علی نعمته والصلوة علی اشرف بریته محمد وآله وعترته و بعد فانی حین ما رجعت بتقریب مسئلة الی شرح مولانا الفاضل المتقی محمد تقی بن علی الملقب بالمجلسی و قس ه رأیت فیه جرح من لاجرح به وتعدیل من لاعدالة له .

انجام: وغیرهما من الاقسام المذکورة فی الدرایات والحمدلله علی البدایات والنهایات والصلوة علی رسوله و آله اکمل الصلوات واتم التحیات ماسکنت الارضون وتحرکت السموات . هذا ما کتبه بیمناه الجانیة الفانیة العبد الجانی محمد بن الحسین بن محمد رضا المشتهر باسمعیل المازندرانی عفی الله عن جرائمهم بمحمد و آله وقائمهم صلی الله علیه و آله .

[۱۵۷۳]

۷۹۱ این نسخه ش ۲ دفتر است و نسخ بانشانه‌های شنگرف از خود مازندرانی است گ ۱۹ ب – ۳٦ ب . در گ ۱ الف فهرست رساله‌هاست و دارد که پیتهای

۱– بنگرید به: گاهنامهٔ تهرانی سال ۱۳۱۲ ص ۱۵۱ – روضات ص ۳۱ – فهرست آقای منزوی ۲ : ٦۱۲ .

گفتار دوازدهم

اصول فقه

این رساله ۱۵۰۰ بیت است و ۲۷ بیت کم؛ ورساله‌ها اینست : شفعه، رسالهٔ ابن الغضائری، ذهبیه . دردوجای گ ۷ ب مهر « محمد هادی » دیده میشود .

(همهٔ دفتر ۲۵۷گ) کاغذ فرنگی آهارمهره ــ جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه : ۱۱×۱۵/۵ و ۶×۱۰/۵ س ۱۵

[۱۳۳٤] اجتهاد (رسالة ...) (عربی)

دراینهدفتر باین پرسش که آیا کسیکه آشنای بزبان عربی است و علمهای دیگری راهم میداند میتواند بفتواهای کتابهای فقهی رفتار کند یا اینکه بایست بحدیثهای چهار کتاب و دیگر کتابها بنگرد و خود اجتهاد نماید ؛ پاسخ داده و گفته شده که بایستی باندازهٔ توانائی کوشید وخود اجتهاد نمود .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله اجمعین و بعد فقد سأل بعض الفضلاء الصالحین المتبحرین فی جمیع العلوم مایقول شیخنا ومقتدانا عمن له معرفة بالعربیة وغیرها هل یجوز له ان یعمل بما یفهمه من فتاوی الکتب الفقهیة ام یجب علیه ان یعمل بما یفهمه من احادیث کتب الاربعة ونحوها من الکتب المعتمد علیها من الفروع ؛ الجواب و بالله التوفیق انه ینبغی للانسان ان تکون له همة عالیة فی العلم والعبادة .

انجام : وکذلك یجوز العمل بکتاب واحد معتمد لکن بما فیه من الحدیث الصریح والله ولی التوفیق والهادی الی سواء الطریق .

[۱۵۷٤]

۹۸۹ این نسخه شماره ۲ دفتر است وبخط نسخ ناصر بن سید مساعد بن سید خلیفة بن سید عبدالله حسینی موسوی که درمکه میزیست ودرسال ۱۱۶۱ ــ گ ۶۸ ب ــ ۶۹ الف (بنگرید به ۹۸۹/٤) .

[۱۳۳۵] اجتهادیه (رسالة ...) (عربی)

دراین رساله که درباره‌ای ازیکروز کوتاه (در ۱۵ شوال ۹٤۹) نگاشته شده

روشن گردید که اجتهاد واجب کفائی است و از گذشتگان هم نمیتوان پیروی نمود و باید از دانشمندان زنده پیروی کرد . درآن دارد که ابی الصلاح و ابن حمزه و سالار دیلمی اجتهاد را واجب عینی میدانستند (گ ۱۶۷ ب) این رساله چنانکه می بینیم ازشهید دوم و جز تخفیف العباد او (ش ۸۷۲/۵) و اجتهادیهٔ کرکی (ش ۸۸۲/۲) میباشد و گویاهمان « رسالة فی عدم جواز تقلید الاموات من المجتهدین برسم السید حسین بن ابی الحسن » استکه که در ص ۶۶٤ ۱ یادمیشود. چنین است آغاز نسخهٔ ما :

یوم القیمة ونحن نذکر لك وجهاً او احداً هو اساس العمل وعماده الاقوی وعلیه تتفرع سائر العبادات والیه ترجع الفتوی ... سائلین قبل الشروع فیه ما سألتموه مؤکدین بما کدتموه .. بل اقول ان الواجب علی الانسان الایقصر فی قبول النصیحة علی الاصدقاء والاحباء الامجاد .. فاقول ان الله سبحانه قد ذم فی کتابه العزیز قوماً ترکوا الاستدلال علی معتقدهم ومایدینون به ویعتقدون بسلفهم وآبائهم (تامیرسد در گ ۱۷۱ ب بدینجا :) فالواجب علی اهل العصر استفراغ الوسع و بذل الجهد فی تحصیل الواجب الذی اقل مراتبه کونه کفائیا ... وهب ان الشبهة قد تعرض فی هذه الوجوه او اکثرها... لاضابط له یرجع الیه ولاحد له من العلم یقف علیه فتجد .

(برگ ۱۷۲ سفید است ودر گ ۱۷۳ الف دارد :)

انه لایجوز تقلید المیت ومع ذلك لم یذکره احد من شراح الکتاب فی ذلك قولا لاصحابنا یقابل ما افتی به العلامة .

انجام چنین است : وها انا ایها الاخوان فی الدین قد ادیت الامانة حسب ما امرت ... وهاهنا نقطع الکلام حامدین لله تعالی . . والحمدلله رب العالمین وقد فرغ من تسوید هذه الرسالة .. زین الدین بن علی العاملی الشهیر بابن الحجة . . . وکان زمان تألیفها ورقمها من اولها الی آخرها فی جزء یسیر من یوم قصیر وهو الخامس عشر من شهر شوال من شهور سنة تسع و اربعین وتسعمائة من الهجرة النبویة علی مشرفها السلام والتحیة حامداً مصلیاً مستغفرا .

[۱۵۷۵]

۹۸۷ این نسخه ش ۵ دفتر است و بخط شیخ حسن بن علی ظهیری عاملی که برای شیخ علی بن شیخ محمد بن شیخ حسن بن شیخ زین‌الدین شهید ثانی در نجف در جمادی دوم ۱۰۶۵ نوشته است. گ ۱۶٤ الف ـ ۱۷۸ ب. در پایان (۱۷۸ ب) دارد: «بلغ مقابلة بقدر الطاقة» و بهمین خط در گ ۱۷۹ الف ـ ۱۸۱ الف بندی از درایهٔ شهید و وجیزهٔ بهائی دربارهٔ چهارصد اصل سپس یك خبر از کافی آمده است.

(همهٔ دفتر ۱۸۱ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوای لا عطفی

اندازه: ۱۳/۵×۲۰ و ۷×۱۳/۵ س ۱۲ و ۱۹ و ۲۰

[۱۳۳٦] **اجتهادیه (رسالهٔ ...)** (عربی)

این رساله از شیخ علی بن عبدالعالی کرکی است که بپرسشهائیکه از او در بارهٔ اجتهاد کرده‌اند پاسخ میگوید و مینویسد که اجتهاد واجب و بایستنی است و نباید گذارد که در هیچ زمانی مجتهدی درمیانهٔ مردم نباشد. گرچه شهید در رسالهٔ تخفیف العباد (ش ۸۷۲/۵) روا بداشت که از درگذشتگان پیروی کنند ولی درست نیست و گفته‌های آنان را میتوان بکاربست (روضات ۳۹۳) نیز مینویسد که نمیتوان مزد گرفت و برای مردگان نماز گذارد و زیارت و حج کرد مگر اینکه زندگی ناچارسازد و خلاف اجماع هم روا نمیباشد.

آغاز: (شیخ علی بن عبدالعالی رحمه‌الله) بسمله. ماتقول السادة العلماء... فیما اذا کان القطر او العصر خالیاً من المجتهد فهل یجب علی المکلفین جمیعاً الاشتغال بتحصیل شرائط الاجتهاد ام لا... فهل یلزمه الفسق ام غیره ام لا؛ قال الشیخ رحمه‌الله: لاریب فی وجوب الاشتغال بتحصیل الشرائط علی ذلك التقدیر.

انجام: والمنازع فی ذلك معذور اذا کان بصدد التعلم لان هذا انما نشأ لجهله بالقواعد الاصولیة والله اعلم بالصواب والحمدلله وحده.

[۱۵۷٦]

۸۸۲ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ با نشانه‌های شنگرف گ ۵۷ الف ـ ۵۹ الف، ودنبال آن بحثی است تفسیری. شماره یکم آن ناسخ و منسوخ ابوالقاسم

هبة‌الله بغدادی است که در ص ۲۲۹ ـ ۲۳۰ ج ۱ فهرست آقای منزوی شناسانده شده است.

[۱۳۳۷-۱۳۳۸] **اشارات** (عربی)

حاجی محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی (کرباسی) کاخی خراسانی سپاهانی (۱۱۸۰-۱۲٦۲) در این کتاب که دارای مقدمه و سیزده منهج و خاتمه است یکدوره از مسئله‌های اصول را آورده و آنرا در ثلث یکم عشر سوم عشر ششم عشر سوم هزار دوم (۱۲۵۳) بانجام رسانده و پیداستکه در ۱۲٤۳ بدان میپرداخته است.

جزء یکم این کتاب در ۱۲٤۵ در چاپخانهٔ معتمدیه در ۲+۲۸۱ برگ رحلی کوچك بچاپ سربی رسید. (ریحانة الادب ۳: ۳۵٤ـ فوائد رضویه ۱۹: ۱۰-۲۰ کنی والقاب ۳: ۸۹ ـ هدیة الاحباب).

[۱۵۷۷]

۷۹۴ این نسخه جزء یکم و در مبادی لغوی و مباحث الفاظ است و بنسخ با عنوانها در متن و هامش بشنگرف است و در دو جدول لاجورد و زر و شنگرف با سرلوحی زیبا و در ۱۲٤۳ نوشته شده است. حاشیهٔ «منه مد ظله العالی» بنستعلیق در گ ۱٤۰ ب هست. در ۷۱ ب و ۱٦۱ الف دارد: «بلغ قبالا» در گ ۳۲۰ ب ستایشی است از کلباسی و ضمن کتاب او بخط نستعلیق از زمان همو. نسخه را سید حسن خراسانی تونی از پسر کلباسی در ۱۲٤٤ به ٤۸ ریال هر ریالی یك مثقال و نیم نقره خریده و خود کلباسی بها را باو بخشید. این عبارت را او در مدرسهٔ صدر سپاهان نوشته است (۱ الف).

آغاز: هو الموفق والمعین. بسمله. الحمدلله الذی مهد لنا قواعد الدین وجعلها ذریعة لمعارج الحق المبین... فهذه اشارات الی مفاتیح الاحکام حسب ما یقتضیه الاوقات والایام... ورتبتها علی مقدمة ومناهج وخاتمة.

انجام: ولیکن هذا آخر الجزء الاول من الاشارات. ویتلوه الجزء الثانی فی الادلة الشرعیة والتعارض والترجیح والاجتهاد والتقلید (تحریراً فی سنة ۱۲٤۳).

(۳۲۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرلاکی

اندازه: ۱۸/۵×۳۰ و ۱۱×۲۰ س ۲۳

[۱۵۷۸]

۷۹۴ این نسخه جزء دوم ودرادلهٔ عقلی وشرعی است ونسخ باعنوانهای شنگرف گویا در تاریخ ۱۲۶۶ که این رقم را ما نا با کشیدن دست روی آن خواستند پاك کنند وسیاه شده ودرست خوانده نمیشود . ابی طالب محمد موسوی درشعبان ۱۳۱۸ درتهران دارندهٔ نسخه بوده است با مهر او «ابوطالب محمد موسوی» .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین ... المطلب الاول فی الادلة الشرعیه .

انجام : والصلوة علی صادع الشریعة البیضاء والتمام فوق التمام صلوة لا انقطاع لها الی یوم القیمة وآله الطاهرین من ابدالآبدین ـ تمت الکتاب ... فی سنة ۱۲۶۶ ؟

۱۶۹گ) ــ کاغذ فرنگی آهارمهره ــ جلد تیماج سرکاره

الدازه : ۲۰/۵×۳۰/۵ و ۱۳×۲۲/۵ س ۲۱

[۱۳۳۹] البدایة فی علم الدرایة (عربی)

دانشمند شیعی زین الدین عاملی جبعی شهید دوم (۹۱۱ - ۹۶۶) نخست «غنیة القاصدین فی معرفة اصطلاحات المحدثین» نوشته سپس «البدایة فی علم الدرایة» در یك مقدمه و چهار باب نگاشته آنگاه آنرا گزارش آمیخته‌ای نمود که درشب سه شنبه ۵ ذی حجهٔ ۹۵۹ بپایان رسیده و به «الرعایة فی درایة الحدیث» نامبردار است. اینرو در ایران بسال ۱۳۰۹ بچاپ سنگی رسید (ص ۱۱۷ همین فهرست) او براین گزارش هم حاشیه‌ها نوشته که درنسخهٔ ما دیده میشود و یکی از آنها درپایان جایی هم آمده است . پیش از او درمیان دانشمندان شیعی کسی درعلم درایة الحدیث دفتری نپرداخت (روضات ص ۲۹۵ - کشف الحجب ص ۳۸۲و۳۹۵)

پیش از او شهاب الدین احمدبن علی بن حجر عسقلانی مصری شافعی (۷۷۳-۸۵۲) هم نخست «نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر» نوشته سپس آنرا بنام «نزهة النظر فی توضیح نخبة الفکر» گزارش آمیخته نمود (ش ۱۴۱ و ۱۴۶۹ و ۳۰۶۹ اخبار ج ۱ فهرست طوس) وناسولیس ایرلندی هردورا در کلکته در ۱۸۶۲ بچاپ رساند .

آغاز : بسمله . نحمدك اللهم علی البدایة فی الدرایة والروایة ونسألك حسن الرعایة الی النهایة ... فهذا مختصر فی علم درایة الحدیث وبیان مصطلحاتهم علی وجه الایجاز

والاختصار مرتب مقدمة و ابواب .

انجام : فهذه جملة موجزة فی الاشارة الی مقاصد هذا العلم اجمالا . ومن اراد الاستقصاء فیها مع ذکر الامثلة فعلیه بکتابنا تحفة (غنیة) القاصدین فی معرفة اصطلاحات المحدثین والله (تعالی) الموفق والهادی (وهو حسبنا و نعم الوکیل) (تمت بالخیر) .

[۱۵۷۹]

۸۲۱ این نسخه ش ۲ دفتراست ونسخ باحاشیه‌های «منه ره» و «ری» بنستعلیق گ ٤ ب ـ ۸ ب (بنگرید به ص ۸۳۵) .

[۱۵۸۰]

۱۰۴۴ این نسخه ش ۲ دفتراست ونسخ باعنوانهای درشت زر و بانشانه‌ها هردو بشنگرف بهمان خط شریف واحدی نویسندهٔ رجال ابن داود درقزوین روز آدینهٔ ۱۷ شوال ۶۹۷ (ص ۵۷۷ ج ۲ فهرست آقای منزوی) حاشیه‌هائی دارد که پاره‌ای برمز (ش ز) پایان میپاید وازشرح خود شهید گرفته شده است . این نسخه در ۹۶۹ بر شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی خوانده شده است (بنگرید به ش ۱۰۴۴/۱ دردنبال وصول الاخیار الی اصول الاخبار) .

[۱۳۴۰-۱۳۴۶] بشری الوصول الی اسرار علم الاصول (عربی)

دانشمند محمدحسن بن عبدالله بن محمدباقر مامقانی نجفی (۱۲۳۷-۱۳۲۳) دراین دفتر زیرعنوانهای «اصل» ودرهشت جزء درسهای استادخود شیخ انصاری و سید حسین تبریزی کوهکمری (۱۲۹۹ ه) را درسالهای ۱۲۷۶ تا ۱۲۸۲ گرد آورد و استاد کوهکمری هم درپایان زندگی درتدریس خود باین تقریرات مینگریست وبدان ارج مینهاد . نگارندهٔ ذریعه (۳: ۱۲۱) نسخه‌های پراکنده‌ای ازاین کتاب را دیده ومینویسد که نسخهٔ کاملی هم درنجف نزد سید محمد حجت قمی پسر سید علی پسر سید علی نقی برادر همان کوهکمری بوده است .

دراین کتابخانه هفت جزء آن هست و جزء پنجم همین دوره که نسخهٔ

اصل است در کتابخانهٔ مجلس (ش۱۱۱۶ طباطبائی) هست و آن در قطع و ظن است ودر ۱۲۷۸ بنگارش در آمد (۱).

[۱۵۸۱]

۸۰۲ این نسخه جزء یکم و از تعارض عرف و لغت تا امر عقیب حظر است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و نسخهٔ اصل میباشد.

آغاز : رب یسر ولاتعسر علی . الحمدلله الذی اسس اساس الدین وهدینا سبیل المهتدین .. فیقول .. محمدحسن بن عبدالله المامقانی انه لما من الله ... علی بتقبیل عتبة ابی الائمة ... ابی الحسن علی ... رأیت ان قد سطعت انوار العلم والهدایة ... ووجدت همم العلماء والمتعلمین مصروفة الی اتقان علم الشریعة واحکامها الی فقه الشیعة فاشتغلت برهة من الزمان فی تهذیب مقاصد ذلک العلم ... وکان اعظمها قدراً و اجلها خطراً علم الاصول ... فالتزمت تحریر ما استفدته من زبر الاولین وتسطیر ما اخذته من السنة الآخرین واتبعت ذلک بما سنح ببالی القاتر ... وسمیته «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول».

انجام : ولابد فی اثبات مازاد عن ذلک من الرجوع الی الادلة کما فی الامر عقیب الحظر فافهم.

(۱۴۹ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی عطوالی

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹/۵×۱۶ س ۲۱

[۱۵۸۲]

۸۰۳ این نسخه جزء دوم و از مقدمهٔ واجب تا اجتماع امر و نهی است و بهمانگونه خط ش ۸۰۲ و نسخهٔ اصل میباشد.

آغاز : بسمله . و به نستمد ونستعین . الحمدلله و سلام علی عباده ... فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هوالجزء الثانی من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول.

انجام : اذلیس هناک عنوانان جمعهما المکلف بسوء اختیاره فی فرد.

(۲۳۸ گ) ــ کاغذ وجلد مانند شمارهٔ پیش

اندازه : ۱۴×۲۱ و ۱۰×۱۵/۵ س ۲۱

[۱۵۸۳]

۸۰۴ این نسخه جزء سوم و از نهی در عبادات تا تخصیص عام به نیت و بهمانگونه خط خود مامقانی در نجف در ۱۲۷۶ و نسخهٔ اصل میباشد.

آغاز : بسمله وبه نستعین . الحمدلله و سلام علی عباده ... فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هوالجزء الثالث من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول.

۱ــ بنگرید به : احسن الودیعه ۱ : ۱۶۹ و ۱۵۸ ــ کنی و القاب ۳ : ۱۰۹ ــ علماء معاصرین ص ۸۰ ــ ریحانة الادب ۳ : ۴۳۳.

انجام : هذا تمام الکلام فی المسئلة ویتلوه الکلام فی بناء العام علی الخاص انشاءالله تعالی ... وقد اتفق الفراغ من تحریره ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی جامع هذا الکتاب فی النجف الاشرف علی مشرفها الصلوة والسلام سنة ۱۲۷۶.

(۲۱۴ گ) ــ همان کاغذ وجلد

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹/۵×۱۵/۵ س ۲۱

[۱۵۸۴]

۸۰۵ این نسخه جزء چهارم است و از بناء عام بر خاص تا اجماع منقول و بهمانگونه خط خود مامقانی و اصل است و در نجف روز یکشنبه ۱۲ ع ۲/۱۲۷۷ آنرا با نجام رسانده (ذریعه) در ۲ الف حاشیهٔ «منه وفقه الله» دارد.

آغاز : بسمله . وبه نستعین الحمدلله وسلام علی عباده ... فیقول ... محمدحسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الرابع من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول.

انجام : فلابد من ملاحظة الادلة والتتبع والتأمل . و هذا منتهی الکلام فی هذا المقام والحمدلله رب العالمین ویتلوه الکلام فی حجیة القطع والظن انشاءالله تعالی.

(۲۴۴ گ) ــ همان کاغذ وجلد.

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹/۵×۱۵ س ۲۰

[۱۵۸۵]

۸۰۶ این نسخه ش ۱ دفتر و جزء ششم و از اصل برائت تا اشتراط عمل باصول بفحص درادله است و در ۱۲۸۰ نگارش یافت (ذریعه) و بهمانگونه خط و اصل است. گ ۱ ب ــ ۲۳۷ ب.

آغاز : بسمله . وبه نستعین . رب یسر ولاتعسر علی . الحمدلله وسلام علی عباده .. فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هوالجزء السادس من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول.

انجام : وهوالاقتصار فی الاجتناب علی ما علم بالتفصیل بقوله لاحتمال کون المعلوم بالاجمال (یک صفحه سفید گذارده شده).

(۲۶۴ گ) ــ همان کاغذ وجلد برنگ زرد

اندازه : ۱۵/۵×۲۱/۵ و ۹×۱۵/۵ س ۲۱

[۱۵۸۶]

۸۰۷ این نسخه جزء ۷ و در استصحاب است و بهمانگونه خط و نسخهٔ اصل است و در روز ۱۴ رجب ۱۲۸۱ در نجف نگارش یافته است.

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله و سلام علی عباده .. فیقول ... محمد

حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء السابع من کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول .

انجام : وهذا منتهی الکلام فی باب الاستصحاب وقدساعدنا التوفیق علی اتمامه .. بارض الغری .. فی الیوم الرابع عشر من رجب المرجب من شهور سنة ١٢٨١ فی النجف الاشرف وهذا هو الجزء السابع من تحریر ... محمدحسن بن عبدالله المامقانی ویتلوه الجزء الثامن فی باب الاجتهاد والتقلید انشاءالله تعالی والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطنا .

٢٨٣ گ ــ همان کاغذ وجلد .

اندازه : ١٥×٢١/٥ و ٩/٥×١٥ س ٣٠

[١٥٨٧]

٨٠٨ این نسخه جزء ٨ ودر اجتهاد وتقلید وتعادل وتراجیح است وبیهما نگونه خط ونسخهٔ اصل میباشد ودر نجف روز یکشنبه ٢٢ شوال ١٢٨٢ نگارش یافت .

آغاز : بسمله ، وبه نستعین . الحمدلله وسلام علی عباده .. فیقول ... محمدحسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الثامن کتاب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول .

انجام : ولهذا یقدمه الفقهاء علی الاصل . ولکن هذا آخر الکلام فی هذا الکتاب المسمی ببشری الوصول الی اسرار علم الاصول . بشری فقدا نجز الاقبال ماوعدا ، والحمدلله رب العالمین .. وقد وقع الفراغ منه لمؤلفه ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی فی النجف الاشرف یوم الاحد ثانی وعشرین من شهر شوال المکرم من شهور سنة ١٢٨٢.

٣١٤ گ ــ همان کاغذ وجلد .

اندازه : ١٥×٢١ و ٩/٥×١٥ س ٣٠

[١٣٤٧] تخفیف العباد فی بیان احوال الاجتهاد (عربی)

دانشمند شیعی شهید دوم و رسالة فی الاجتهاد ، یا ، الاقتصاد والارشاد الی طریق الاجتهاد ، و ورسالة فی عدم جواز تقلید الاموات من المجتهدین بر سم السید حسین بن ابی الحسن ، (گویا همان شمارهٔ ٩٨٧/٥ ص ١٦٥٦) دارد (روضات ص ٢٩٥ ــ امل الآمل ص٤٣٧) و همین رساله (ذریعه ٤ : ٤) که نزدیک بدویست بیت میشود . در آن یاد میشود از علامه وشارح تهذیب ونگارندهٔ مهذب وذکری ودروس شهید وارشاد المسترشد و هدایة الطالبین پسر علامه . در جائی در متن دارد ، وقد استبعد بعض المتأخرین ، و در حاشیه آن آمده « هو ابن جمهور ــ منه » در آن میگوید که در یک زمانی میشود مجتهدی نباشد وپیروی از مردگان هم رواست .

آغاز : بسمله . اللهم ارنا الحق حقاً واجعلنا من اهله و انصاره وارنا الباطل باطلا وثبتنا علی اجتنابه وانکاره .. امابعد فهذه مقالة فی تحقیق ماوقع فیه الاختلاف عند عدم المجتهد من وجوب الاجتهاد ورسالة مشتملة علی تخفیف ماذهب الیه جمع من الفقها من وجوبه حینئذ علی جمیع العباد قد ابرزت فیها مایخطر ببالی وبینت فیها مادار فی خلدی بمقالی وسمیتها بتخفیف العباد فی بیان احوال الاجتهاد فعلیک بالنظر فیها بعین الانصاف والتجنب عن المکابرة والاعتساف واحفظ فی ذلک نصیحة سید الاوصیاء ... لاتنظر الی من قال وانظر الی ماقال فان الحق احق بالاتباع کماقال بعض الحکماء سقراط حبیبنا والحق حبیبنا فان اختلفا فالحق احق بالاتباع .

انجام : فان المحذور المذکور حینئذ متوجه ایضاً فما هو جوابه علی هذا التقدیر فهو جوابنا علی ذلک التقدیر والله اعلم . م .

[١٤٨٨]

٨٧٢ این نسخه ش ٥ دفتر است وبخط نستعلیق میباشد . حاشیه‌هائی در آن هست که برخی با نشانهٔ «منه» است و یک حاشیه از کسی دیگر که شهید را رد میکند وهمچنین حاشیهٔ دیگر که آنهم از کس دیگر وا بنده بخط دیگر است گ ٨٥ ب ــ ٩٤ الف .

[١٣٤٨] تهذیب الوصول الی علم الاصول (عربی)

علامهٔ حلی برای پسر خود فخر المحققین محمد ایندفتر در دوازده مقصد و ٢٧٩٠ بیت بپرداخت و گزیده‌ای از علم اصول را در آن گنجانید ودر ربیع یکم سال ٦٩٨ آنرا بانجام رساند . در پایان آن از نهایهٔ خود او یاد گردید .

این کتاب با حاشیه‌هائی از گزارش عمیدالدین (نستعلیق) وباسر گذشتی از علامه در پایان آن در تهران بکوشش ابوالقاسم ابن علی اکبر گیلانی در ٢٦ ع ١٣٠٨/١ در ١١٢ ص خشتی بخط نسخ بچاپ سنگی رسیده است .

این کتاب چنانکه امین استرابادی گفته است گزیدهٔ مختصر حاجبی میباشد . و ٢٤ گزارش و ٦ حاشیه بر آن نوشته شده است (ذریعه ٤ : ٥١١ و٦ : ٥٤) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رافع درجات العارفين الى ذروة العلاء ... فهذا كتاب تهذيب الوصول الى علم الاصول حررت فيه طريق الاحكام على الاجمال من غير تطويل ولا اخلال اجابة لالتماس ولدى محمد ... ورتبت هذا الكتاب على مقاصد .

انجام : ومن اراد التطويل فى هذا الفن فليطلبه من كتابنا المسمى بنهاية الاصول فانه قد بلغ الغاية وتجاوز النهاية والله الموفق للصواب فرغ المصنف من تصنيفه فى ربيع الاول سنة ٦٩٨ .

[۱۵۸۹]

۸۰۹

این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف درمتن و بخط ریزتر درهامش ازغیاث الدین خطیب است که در ۹۵۳ آنرا نوشته است ودرپایان آن دارد « وفرغ من تنمیقه العبدالمنیب غیاث الدین الخطیب رزق من کل خیرا وفر النصیب وجعل فى جميع اموره مصيب فى ربيع الاول سنة ۹۵۳ » برگ ۲ نونویس است . حاشیه‌ها دارد بشتعلیق پاره‌ای با نشانه‌های ص ، حم ، صدر ، صالح ، و برخی از نهایة الاصول و محصول و شرح مختصر و شرح منهاج اسنوی . حاشیه محمدصالح بن سلطان محمد سپاهانی درروز سه شنبه ۱۰ شعبان سال ۹ (رقم دهها وصدها رفته) بانجام رسید واو دارندهٔ نسخه بوده است (۱ الف و۱۰۳ ب) در گ ۱ الف تاریخ شب چهارشنبه دهم ع ۱۲۷٤/۲ دیده میشود .

(۱۰۴گ) ــ کاغذ ــ سپاهانی ــ جلد مقوا که آن میش

اندازه : ۱۴×۲۱/۵ و ۷×۱۱/۵ س ۱۰

[۱۳٤۹] جامع المقال (عربی)

فخرالدین بن محمدبن علی بن احمدبن طریح رماحی نجفی (م ۱۰۸۵) جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث والرجال در ۱۲ باب نگاشته است . دوازدهمین آن دارای ۱۲ فائده است درتمیز مشترکات یاباز شناختن راویانی که درنام و کینه ولقب ونسب یکی هستند . دربرخی نسخه‌هایك خاتمه پس از بابها هست درشمارش حدیثهای کتب اربعه وتاریخ مرگ اصحاب ومشائخ و توقیعاتی که بآنها نوشته شده است ودرنیمهٔ روز یکشنبه ۷ ج ۲ سال ۱۰۵۳ آنرا بپایان رساند ودرپایان

پاره‌ای از نسخه‌ها ترتیب مشیخة الفقیه طریحی (ذریعه ٤ : ٦۹) و درپاره‌ای از نسخه‌ها ردطریحی بمولی محمد امین استرابادی درمنع ازعمل بظن بنام وجامعة الفوائد ودرنسخه‌ای اجازهٔ عامهٔ طریحی ازمشایخ سه گانهٔ خود (امیرشرف الدین علی وشیخ محمود مشرقی و شیخ محمدبن جابر عاملی) دارد (ذریعه ٥ : ۷۳) فخرالدین بن محمد خراسانی این کتاب راگرفته ودرپایان فائدهٔ ۱۲ آن جدولی درزاد ومرگ معصومان گذارده وبنام خود کرده است و تاریخ پایان این یکی ۱۰۹۸ است (۱) .

محمد امین بن محمد علی کاظمی شاگرد طریحی غلطهای باب دوازدهم همین جامع المقال را درگزارشی که برهمین باب نوشته است برداشت و آنرا درست نمود وآن بنام مشترکات کاظمی نامبرداراست (ش ۹۸۹/۱ ص ٦٥٦ ج ۲ فهرست آقای منزوی) نسخهٔ ش ۱۹۱ این کتابخانه (فهرست آقای منزوی ۲ : ٥٥٦)

۱ــ همچنانکه ربیع الشیعهٔ ابن طاوس با اعلام الوری طبرسی جزدردیباچه یکی است . نوری ازگفتهٔ استاد خودمیاورد وهمچنین نگارندهٔ ذریعه میگوید که اگرچه ربیع الشیعه درفهرست نگارشهای ابن طاوس نیامده ولی گویا اونسخهٔ بی دیباچه‌ای ازاعلام الوری بخط خود نوشته و آنرا ربیع الشیعه خوانده بود و پس از او دیگران آنرا نگارش او پنداشتند واعلام الوری طبرسی را هم نمیشناختند وآنها خطبه‌ای بروش ابن طاوس برای آن نوشته بدو بستند به اینکه اوخود با آن پارسائی که داشت نوشتهٔ دیگران را بنام خود ساخته باشد (روضات ص ٤۹۰ــ مستدرك ۳ : ٤٦۹ــ مقباس الهدایة مامقانی ص ۱۱۹) .

مانند اینکه نزهة الناظر فى الجمع بين الاشباه والنظائر است که از نجیب الدین یحیی بن سعیدحلی (٦۰۱ــ٦۹۰) دانستند وبنام محقق حلی هم درتهران بچاپ سنگی رسیده است ولی نسخه‌ای از آنرا افندی با دیباچه‌ای دید که در آن داشت که شیخ مهذب الدین حسین بن محمدبن علی بن عبدالله گویا همان این ده آنرا برای پسر خود نوشته است و بجز دیباچه اینکه یکی هستند و مانا این را هم یحیی بن سعید بسندیده ودیباچهٔ آنرا انداخت ومتن را بخط خود نوشت ودیگران چون آنرا بخط او دیدند از خود او پنداشتند (ریاض العلماء ص ۱۳۰ ــ ذریعه ۲ : ۲٤۰و۱۰ : ۷٥ ــ روضات ۷٤۰ ــ مستدرك ۳٦۲).

همان باب ۱۲ جامع المقال است (بنگرید به ذریعه ۵ : ۷۳).

چنین است فهرست مطلبها:

المقدمة فی معنی الحدیث و الاثر والخبر.

الباب الاول فیما لابد للمحدث من معرفته من متن الحدیث و سنده و اسناده.

الباب الثانی فی بیان احکام ماتقدم وفیه مسائل.

الباب الثالث فیما شرط للعمل بالروایة من الشروط التی تتعلق بالراوی.

الباب الرابع فی العدالة المحتاج الیها کثیراً فی الروایة وفیه مسائل.

الباب الخامس فی بیان الاحادیث الواردة عن الرسول و کیفیة الاخذ بها.

الباب السادس فی بیان الباعث علی العدول عن مصطلح القدماء الی وضع الاصطلاح الجدید (درباره اصول اصحاب و چهار کتاب و تغییر اصطلاح حلی و ابن طاوس صاحب بشری برای اینکه نمیشد روی قرائن کار کرد دراین باب بحث شد ولی آنرا نمی پذیرد).

الباب السابع فیما شرط للراوی فی تحمل الروایة وانحاء التحمل وهی سبعة.

الباب الثامن فی کیفیة الروایة وجواز نقل الحدیث بالمعنی.

الباب التاسع فی بیان طریقة المحدثین فی الاسناد.

الباب العاشر فیمایتوقف علیه قراءة الحدیث من العلوم.

الباب الحادی عشر فی کیفیة کتابة الحدیث ومدرسه فهہنا مسئلتان.

الباب الثانی عشر فی ذکر المهم من اسماء الرجال و طبقاتهم وما یتعلق بذلك وفیه فوائد.

آغاز: بسمله. وبه نقتی. امابعد حمدالله الهادی الی الرشاد والصلوة علی نبیه وآله الاکرمین الامجاد فیقول ... فخرالدین محمدبن علی النجفی (الخراسانی - منه) لماکان العلم بالاحکام الشرعیه والمسائل الفقهیة من اهم المطالب ... ولایتم الابمعرفة الحدیث واحواله ورواته ورجاله سنح لی ان احرر فی مهمات مطالبهما دستوراً واقتبس من معانی انوارهما انور(۱) جامعاً بین فوائدهما محققاً لاصولهما وقواعدهما .. سمیته بجامع المقال فیمایتعلق باحوال الحدیث والرجال جعلته مرتباً علی مقدمة وابواب وخاتمه.

انجام: وطریق الحرث بن المغیرة فهذا ظاهر فی تعدیله. والله اعلم.

فهذا ما اردنا (اوردنا) ایراده من الالفاظ التی یقع فیه الالتباس علی کثیر من الناس وفیه کفایة لمن رام الاطلاع علی روایته (درایة) هذه الاوضاع (والحمدلله اولا و آخراً والصلوة علی خیر خلقه محمدبن عبدالله والائمة المعصومین الاطیاب الهداة) (ش ۱۹۱ وش ۱/۹۸۹).

[۱۵۹۰]

۹۸۹ این نسخه ش ۵ دفتر و همان ۱۱ باب است و بشیخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف وحاشیه‌ها دارد برخی با نشانهٔ «منه» ویکی با نشانهٔ «م ه د ی» عنوان بابها درهامش هم هست. گ ۹۳ ب - ۱۰۸ ب. بنگرید به : فهرست آقای منزوی ۲: ۶۵۷ - پنج شمارهٔ این دفتر بدینگونه نوشته شده است : ۱- از مهدی بن عبدالمراد در ۱۲۲۱: ۲ - از ناصر بن سید ساعد بن سید خلیفة بن سید عبدالله حسینی موسوی مکی در ۱۱۶۱ و گویا او نگارندهٔ کتابهم هست و نویسنده همان مهدی میباشد. ۳- ازهمان مهدی در ۱۲۱۶ میباشد. ۴- بهان خط ش ۳ است. ۵- بهمین خط است ودر تاریخ ۱۲۱۶.

انجام باب ۱۱ درنسخهٔ ما : الباب الحادی عشر فی کیفیه کتابة الحدیث و مدرسه فهنها مسئلتان ... الثانیة ینبغی لمدرس الحدیث تحسینه ... . وبهذا یظهر ثمره ویکثر نفعه ویتحصل المطلوب منه (تمت. وقع الفراغ من تسویدها فی ذی القعده سنة ۱۲۱۶).

[۱۳۵۰] حاشیهٔ عدة الاصول (عربی)

شیخ طوسی دراصول کتابی نوشته که بنام العدة فی اصول الفقه درفهرست او یاد شده است (۱) او دراین کتاب (۲: ۶۴) از تلخیص شافی که در ۴۳۲ نگاشته است یاد نمود.

ملاخلیل قزوینی براین عده دو حاشیه دارد که در آن دو بسیاری از مسئله‌های اصلی وفرعی وجز آنها وسخنانی شگفت آورد.

۱- عدهٔ شیخ در بمبئی در ۱۳۱۲ بچاپ رسید سپس با حاشیهٔ قزوینی درایران بسال ۱۳۱۴ چاپ شد آنگاه بی آن در بمبئی بکوشش ملك الکتاب درچاپخانهٔ دت پرساد بسال ۱۳۱۸ در دو جزء در ۱۶۲ + ۱۲۷ ص وزیری بنسخ چاپ سنگی شده است.

او درسالیان زندگی خویش آنها را تغییر میداد ازاینرو نسخه‌های آن دو سخت باهم ناساز گار آمده باندازه‌ایکه نتوان بشمار آورد. برخی ازشاگردانش نخستین حاشیهٔ اورا بردومی برتری میدادند.

محمد باقر برادرقزوینی و احمد (م ۱۰۸۳) پسر وشاگرد او ومولی علی‌اصغر شاگرد او بنام تنقیح المرام و مولی عبدالدائم احمد طالقانی (سدهٔ ۱۲) برحاشیه قزوینی حاشیه نوشتند (ذریعه ٦ : ۱٤۸ و ۷۸).

قزوینی دردیباچهٔ این نسخهٔ ما که گویا همان حاشیهٔ نخستین او باشد (مانند نسخه ش ۳۱ طوس ۲ : ۱۹٤ – سپهسالار ۱ : ٥٦٦) میگوید که بیشتر مردم روزگارما از کتابهای اصول فقه یاران ما بر گشتند ومیگویند که برخی از کتابهای نواصب (که نصب امام و بی نص را روا میدارند – حاشیهٔ منه دام ظله ۲ الف) مانند شرح عضدی برمختصر حاجبی استوارتر و بهتر نگاشته شده و منهم زمانی آن را خواندم ودرس میدادم وترویج میکردم سپس دریافتم که این کار که مدرسان ما میکنند ترویج کار نواصب است پس بهتردانستم که دانشجویان را ازخواندن آن باز بدارم این بود که این حاشیه‌ها را برعدهٔ طوسی نوشتم و دربیشتر جاها میخواهم ازمختصر ومتعلقات آن خرده گیری کنم.

طوسی درمتن هم میگوید که نویسندگان اصول هریك بروش مذهبی خویش نوشتند و یاران ما چیزی ننوشتند جز مختصریکه شیخنا ابی‌عبدالله رحمه‌الله نوشته است و بسیار چیزها ماند که باید شرح داد اگرچه سید مرتضی ادام‌الله علوه درامالی خود وآنچه براو میخواندند آنهارا روشن نمود ولی چیزی ننگاشت که سند باشد وچون شما گفته‌اید که باین فن باید پرداخت که پایه شریعت است من پذیرفتم واین را نوشتم.

قزوینی در این نسخهٔ ما دیباچه‌ای بس دراز پس از قوله : «لان الشریعة کلها مبنیة علیه» (ص ۲ عدد) دارد تا گ ۱٦٤ ب ودر آن براشعریان ومعتزلیان تاخته وازقدروارادهٔ بشری وعلت ومعلول وحسن وقبح کاوش کرده وتازه میرسد باثبات

اهمیت اصول فقه وهمهٔ این نسخهٔ ما درپیرامون همین عبارت است وبس.

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی سیدناونبیناوعدتنا فی شدتنامحمدوعلی سیدالاوصیاء ... فیقول ... خلیل بن‌الغازی القزوینی ... ان اکثر طلبة‌العلم من اهل زماننا قدرغبوا عن کتب اصول‌الفقه لاصحابنا الامامیة.

انجام : قوله : «واذاسلکنا ما نقل عنه بالعلم من الخارج ان مقصود المستدل التمسك بالظاهر فی الحکم بان العمل بالاجماع واجب بالوجوب الواقعی لیتوصل به الی الحکم بالاحکام الواقعیة فی المسائل الفقهیة بالاجتهاد (۱۷٤ ب) ... لان له ان یقول انما استدل به علی اصل الحجیة لاعلی القطعیة ایضاً (تمت الکتاب بعون الملك الوهاب) (۱۷٥ ب).

[۱٥۹۱]

۸۱۱ این نسخه بنستعلیق با عنوانها (درمتن وهامش) و نشانه‌ها و آغاز مطلبها بشنگرف و اسر لوح میباشد. حاشیه‌هائی دارد با نشانه‌های «منه دام ظله العالی – منه سلمه‌الله – منه دام ظله – منه ادام‌الله بقائه – منه حفظه‌الله تعالی – منه مدظله السامی» و حاشیه های دیگر ریزتر با نشانهٔ «منه رحمه‌الله تعالی» گویا نویسنده آنها را از نسخهٔ اصل همینگونه آورد یا اینکه پیش و پس از مرگ قزوینی نوشته شده است. نیز دارد «بلغ قبالا ایده‌الله تعالی». اندکی از متن در آغاز در بالای صفحه‌ها نوشته شده است. حاشیه «رفیع سلمه‌اه» هم در آن هست. در ۱ الف دارد «ثلاث قرائات» ودر ۱۷٥ ب مهر «افوض امری الی الله عبده محمد سعید» هست.

(۱۷٥ گ – کاغذ سپاهانی – جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ۱۰×۱۹ و ۴/٥×۱۲ – س ۱٥

[۱۳٥۱–۱۳٥۲] **حاشیهٔ فرائد** (عربی)

دو حاشیه ایست برفرائد شیخ مرتضی انصاری شوشتری که اکنون میشناسیم.

۱– بر آغاز فرائد (ص ۳–٥۹ چاپ ۱۳۰۳) ودرعنوان نسخهٔ ما دارد «حاشیهٔ فرائد شیخ قدس سره» (۱ ب).

آغاز : بسمله . قوله اعلی‌الله مقامه . وهی منحصرة فی اربعة . لابد من التکلم هنا فی موردین.

انجام: قوله رحمه‌الله: ان ادلة حجية الخبر الواحد تدل على حجيته بمفهوم الموافقة ... اقول يمكن تقرير الدليل على وجه يندفع جميع هذه المناقشات ... فلامحالة تكون الشهرة التى هى اعظم ما يكشف عن طريقة (سفيد گذارده شده و بپايان نميرسد — ١١٣٧/١ گ ١ ب – ٣٨ الف).

٥ ٢- بربخش استصحاب آن و در نسخهٔ ما دارد «تعليقة على مسئلة الاستصحاب من مصنفات الشيخ العلم والامام الاعلم الشيخ مرتضى قدس سره» (٦٥ ب).

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين سيما ابن عمه ووصيه امير المؤمنين. قوله: الاستصحاب هو لغة اخذ الشىء مصاحباً الخ. لايخفى انه لادلالة فى الصيغة المزبورة على المشار كة بين الاثنين بوجه.

١٠ انجام: قوله: واما العدمى فقد قال الاستاد الى عدم الخلاف فيه تبعاً لما حكاه عن استاده السيد صاحب الرياض من دعوى الاجماع على اعتباره فى العدميات ... اقول التحقيق فى المقام ان يقال بان نفى الخلاف بين العلماء فى الاصل العدمى كما صدر عن شريف العلماء ره محل نظر ... و لازمه ايضاً انكار حجية الاصل العدمى لانه لو كان حجة يغنى مدعى (برابر با ص ١٩٩–٢٠٣ مبحث استصحاب – ١١٣٧/٣ گ ١٥ ٦٥ ب – ٧٣ ب).

[١٥٩٢–١٥٩٣]

١١٣٧ اين دو نسخه ش ١ و ٣ دفتر است و بخط نستعليق با عنوانهاى درشت‌تر با شنگرف ونشانه‌هاى شنگرف. فهرست شماره‌هاى آن در گ ١ الف چنين است «١ و ٣ حواشى فرائد شيخ مرحوم شيخ انصارى ٢ رسالهٔ شرح حجية الظن ٤ نرك استفصال ٢٠ با ادلهٔ عقليه از تقريرات خودم».

همهٔ دفتر ٢٨٨ گ — كاغذ فرنگى — جلد تيماج زرد ضربى مقوائى

اندازه: ١١/٥×١٨ و ٧×١٢ س ٢٢

[١٣٥٣] **حاشيهٔ قوانين** (عربى)

اين حاشيه از خود ميرزا ابوالقاسم گيلانى قمى (م ١٢٣١) است بر دو جلد

قوانين خود او كه با نشانهٔ «منه رحمه‌الله» بسيارى از آنها با قوانين بچاپ رسيد. حاج مولى باقر بن غلامعلى شوشترى (م ١٣٢٧) در ١٢٧٧ آنرا كه پراكنده بود يكجا گرد آورده تدوين نمود (ذريعه ٦: ١٧٤).

آغاز نسخه‌ها: فلاينافى الحكم باختصاصه بالحقيقة المبتنى على تفسيره المعروف... ٥ (مبحث المجاز) قوله: والا فمجاز. لايخفى ان تعريف المجاز على هذا يدخل فيه الالفاظ المستعملة فى غير معانيها غلطا.

انجام: قوله: وههنا وجوه آخر ضعيفة اه. ذكره الفاضل السيد نعمة‌الله فى رسالته منبع الحيوة. تمت حواشى المجلدين من كتاب القوانين المحكمة التى علقها عليه مؤلفه دام رحمته اعنى مولانا ميرزا ابوالقاسم الجيلانى وكان الفراغ ١٠ من تسويدها فى منتهى الثلث الاول من النصف الثانى من السبع الخامس من الخمس الرابع من النصف الثانى من الثلث الثانى من الثلث الثالث من الربع الاول من الخمس الخامس من النصف الاول من الخمس الرابع من النصف الاول من الخمس الثالث من النصف الاول من الالف الثانى من الهجرة النبوية وعلى هاجرها الف الف سلام وتحية والله المستعان فى كل خوف وبلية.

كتب بنفسه لنفسه اقل الطلبة بل لاشىء فى الحقيقة ابن محمدقاسم الطهرانى ١٥ محمد اسمعيل وكان الفراغ من تسويدها فى يوم الخميس التاسع عشر من شهر ربيع الاول من شهور سنة ١٢٣٥.

[١٥٩٤]

١١٥٩ اين نسخه ش ٣ دفتر است و بنستعليق با عنوانهاى (قوله) ومطلبها در هامش بشنگرف ومحمد اسماعيل بن قاسم تهرانى درروز پنجشنبه ١٩/ع١/١٢٣٥ ٢٠ براى خودش آنرا نوشته است. حاشيه‌ها دارد با نشانهٔ «منه رحمه‌الله» در ٦٤ الف الف و «منه منه ره» در ٦٥ الف و «منه ره» در ٩٨ ب و «منه منه» در ١٥١ الف. گ ٣١ الف – ٢٠٢ الف.

[١٣٥٤] **حاشيهٔ مختصر اصول** (عربى)

ملاميرزا جان حبيب‌الله باغنوى شيرازى اشعرى شافعى (م ٩٩٤) استاد سيد حسين

خلخالی این حاشیه را بر مختصر اصول ابن حاجب نوشته است (ذریعه ۶ : ۱۲۹– سپهسالار ۱ : ۵۷۴) .

آغاز : بسمله . (قوله) من لطف الله تعالی احداث الموضوعات اللغویة . هذا الکلام یدل بظاهره علی ان الاصوات والحروف مخلوقة له تعالی ولاینا فی ذلك قوله و اقدرهم علی الصوت وتقطیعه ، اذلادلالة لذلك علی ان لهذا القدرة تأثیراً فی احداث الصوت وتقطیعه بل علی ایجاد الصوت وتقطیعه .

[۱۵۹۵]

۸۱۰ این نسخه بنستعلیق خوش است باسرلوحی زیبا بزر و شنگرف ولاجورد . دو صفحهٔ نخستین زراندود ، در دو جدول است بزر و لاجورد ، عنوانهای قوله بشنگرف ودر بیشتر جاها سفید گذارده شده ، حاشیه‌ها دارد با نشانه‌های «منه» و در بسیاری از جاها و «ملامیرزا سلمه الله تعالی» و «دام ظله العالی» در گ ۸ الف و ۴۱ ب و «منه ره» در گ ۲۴ ب و ۱۶۸ ب و ۱۶۹ ب و ۱۷۱ ب . در گ ۶۳ ب حاشیهٔ سلطان العلماء است . برگ پایان در نسخه نیست و کم دارد . در آن دارد که حاشیه از باغنوی است گرچه از دیباچه چیزی بر نمی‌آید یزدارد که بخط شفیعا است . در گ ۱ الف دارد : « شرح مختصر الاصول عضدی بخط شفیعا » و «مما انعم الله تعالی علی عبده حسین یزدانی الحسینی الاشرفی» و «خط مرحوم شاهزاده فرهاد میرزاست ملقب بمعتمد الدوله» و مهر «معتمد الدوله» و «یکصد تومان قیمت شده» .

انجام نسخهٔ ما : فلیفرض اللاوقوع الممکن الذی هو معرفة النسخ والناسخ الذی بعد تحقیق علم المکلف به ینقطع التکلیف به ضرورة ... فالمراد بمعرفة هذه المعرفة الواجبة بحصول غرض النسخ .

(۳۲۶۱ ص) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج مشکی حاشیه‌دار درون زرد زرکوب

اندازه : ۱۰×۱۹ و ۶×۱۵ ص ۳۱

[۱۳۵۵] حاشیهٔ معالم (عربی)

ملاحسام الدین صالح بن احمد مازندرانی سپاهانی (م ۱۰۸۱) این حاشیه را

در جوانی بر معالم الاصول عاملی نگاشته و بدرخواست دوستان آنرا چون پراکنده بود یکجا گرد آورد (۱) .

آغاز : بسمله . نحمدك اللهم یامن خلقنا ولم نك شیئاً مذکوراً ونشکرك یامن رزقنا بمشاهدة جلاله نضرة وسروراً ... فیقول ... محمد صالح ابن احمد ... ان بعض اخلائی حین رای ما علقته علی معالم الدین لؤلؤاً منثوراً سألنی ان احرر لهم فوائده وانظم لهم فرائده وامر علیه مروراً فاجبت مسئولهم .

انجام : قوله : ومنها ان الله تعالی قص القصة . فان قلت حکایته تعالی شأنه لیست مما نحن فیه لانه عالم بالدقائق فلایفوته شیء بخلاف الرواة ... بل لا بد فیها مراعات حسن الترتیب فی النظم ونظم هذه القصص منه سبحانه لامنهم (قدوقع الفراغ من تسوید هذه النسخة الشریفة فی شهر ربیع الاولی من سنة ۱۲۲۷ – قد قوبل هذه الحاشیة الشریفة من اولها الی آخرها الاعشر ورقات من الاجزاء الاخیرة و کانت المقابلة علی کاتب هذه الاحرف وانا المحتاج الی رحمة الله الباری ابن حاج مسیح صادق الخوانساری فی سنة ۱۲۲۷) .

[۱۵۹۶]

۷۶۱۰ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف است و پاره‌ای از عنوانهای آن در هامش بسیاه هست . متن پس از قوله که بشنگرف است زیر خط سرخ گذارده شده . صادق بن حاج شیخ مسیح خوانساری در ربیع یکم ۱۲۲۷ آنرا نوشت و بجز ده برگ پایان همه را در همین سال مقابله نمود . فهرست در جدول ص ۳۱۶ هست و ناتمام و جدول ص ۳۱۷ سفید است . کتاب در ص ۴–۳۱۳ است .

(۳۱۵۹) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سبز ضربی زرکوب متوالی .
اندازه : ۹/۵×۱۴/۵ و ۷×۱۱/۵ ص ۲۰

۱– در برخی از چاپهای معالم مانند چاپ ۱۳۱۶ در کارخانهٔ مشهدی خداداد این حاشیه هست و با حاشیهٔ خلیفه سلطان در ایران سال ۱۲۷۴ هم بچاپ رسید همچنین در کارخانهٔ الله قلیخان قاجار در ۱۲۷۸–۱۲۸۴ بخط نسخ علیرضای خوانساری بکوشش آخوند ملاعلی کتابدار مدرسهٔ خان مروی در ۱۵۴ + ۸۸ ص وزیری این دو حاشیه بچاپ سنگی رسید .

[۱۳۵۶] حجیت اخبار واجماع (رسالهٔ ...) (عربی)

دانشمند محمد سراب بن عبدالفتاح تنکابنی مازندرانی (م تخت فولاد کوی خاجوی سپاهان ۸ ذی حجهٔ ۱۱۲۴) شاگرد محقق سبزواری در این رساله در دو فصل از حجیت خبر واحد و اجماع گفتگو نمود و در رمضان ۱۱۰۵ آنرا بانجام رسانده (روضات ص ۶۱۹ - ذریعه ۶ : ۲۷۰) او در پایان رسالهٔ نماز آدینه (ش ۸۸۸/۹) از این رساله یاد کرد.

آغاز : الحمدلله الذی شرفنا باحسن الملل والادیان وفضلنا من اهله بتبعیة اهل العصمة حجج الرحمن . . . امابعد فیقول . . . محمد بن عبدالفتاح التنکابنی لما کان عمدة مایتمسك به فی المسائل الشرعیة الفرعیة هی الاخبار والاجماع لقلة الآیات المتعلقة بالاحکام علی وجه تظهر بها و ندور استقلال العقل فی شیء من الفروع خطر ببالی ان اکتب رسالة موجزة متعلقة بالامرین المذکورین مشتملة علی فصلین .

انجام : وان تجتری علی ترك الاحتیاط فی العمل والافتاء . قدتمت هذه الرسالة علی ید مؤلفها ... فی شهر رمضان من شهور السنة ۱۱۰۵ الخامسة بعد مائة والف من هجرة خیرالبریة علی هاجرها الف السلام والتحیة .

[۱۵۹۷]

۸۸۸ این نسخه ش ۸ دفتر است وبهمان خط نستعلیق ش ۷ وباعنوانهای شنگرف درمتن وهامش وباحاشیه‌های «منه سلمه الله» و «منه مدظله العالی» میباشد . نویسندهٔ آن همان محمد بن حبیب گیلانی شاگرد سراب باید باشد که شمارهٔ پیش را نوشته است . گ ۱۰۸ ب – ۱۳۳ ب .

[۱۳۵۷] حجیة الظن (عربی)

این رساله از فرائد شیخ انصاری نیست وجز آنست ودر عنوان نسخهٔ مادر فهرست دارد « رسالهٔ شرح حجیة الظن » در آن از سید استاد یاد شده است .

آغاز : بسمله . اذا علم المجتهد بحکم من الاحکام الشرعیة الفرعیة بعد استفراغ

وسعه وبذل جهده فیه فلا اشکال ولا شبهة فی اعتبار علمه و کونه حجة شرعیة یجوز الاعتماد علیها .

انجام فنعلم ان الشارع یقبل عذرنا فی علمنا بالظن حینئذ ورضی به وایضاً جواز العمل فی صورة کذا اجماعی بل بدیهی المذهب ویؤیده تتبع الاحادیث (سفید گذارده شده وبپایان نمیرسد) .

[۱۵۹۸]

۱۱۳۷ این نسخه ش ۲ دفتر وبهمان خط ش ۱ وعنوانها درمتن وهامش بشنگرف است . گ ۴۰ ب – ۶۰ ب .

[۱۳۵۸] رسالهٔ اصول (عربی)

دراین رساله از مبحثهای ترك استفصال و خطابات شفاهی و تخصیص ومطلق ومقید ومجمل ومبین وادلهٔ شرعی : اجماع وتعارض، وادله عقلی واصول آمده است . در آن از اشارات کلباسی وضوابط یاد شده است .

آغاز : فصل فی ترك الاستفصال . اعلم ان هنا قاعدتین محکیتین عن الشافعی بینهما تناف فی الظاهر .

انجام : فالخبیث مالایکون طیباً فاذا شك فی الطیب فالاصل عدمه فتدبر و تأمل .

[۱۵۹۹]

۱۱۳۷ این نسخه ش ۴ دفتر وبهمان خط ش ۳ وحاشیهٔ «منه» وخط خوردگی دارد گ ۷۴ الف – ۲۸۸ الف . درچندین جا درمیانه سفید گذارده ودر پایان هم کمتر از نیم سفید صفحه است و بپایان نرسیده و پاکنویس نشده است و نسخه اصل است .

[۱۳۵۹-۱۳۷۸] رساله‌های اخباری (عربی)

دانشمند اخباری عارف از سلسلهٔ مهدوی دکن جمال الدین ابواحمد حاج میرزا محمد بن عبدالنبی بن عبدالصانع استرابادی نیشابوری هندی نجفی (دوشنبه

۲۱ ذی‌قعدهٔ ۱۱۷۸ در اکبرآباد هند ـ کشتهٔ در کاظمین در ۱۲۳۲) شاگرد دوایت نگارندگان حدائق و مقامع و میرزا مهدی شهرستانی (م۱۲۱۶) بوده و از موسی بن علی بحرانی بهره برد . حاجی کلباسی (م۱۲۶۲) یکی از همشاگردان او بوده است. او هشتاد نگارش دارد (۱) . این دانشمند در زمان شاه عالم تیموری هندی جلال‌الدین عالی گهر (۱۱۷۳–۱۲۰۲) و پسرش اکبرشاه دوم (۱۲۲۱–۱۲۵۳) و سلطان مصطفی ٤ (۱۲۲۲ - ۱۲۲۳) و سلطان محمود عثمانی (۱۲۲۳ - ۱۲۵۵) میزیسته و چندی در هند بود و بگواهی همین رساله‌ها بفرهنگ هند هم آشنا و کتابهای برهمنان خوانده بود و نوشته‌های دینی و آسمانی آنها را بسود خود گزارش میکرد . در سال ۱۱۹۷ (۱۹ سالگی) از هند بمکه آنگاه بنجف و کربلا رفت . و روی دشمنی مجتهدان نتوانست در آنجا بماند و در روزگار محمد شاه قاجار (۱۱۹۳–۱۲۱۱) ناگزیر بایران آمده چندی در تهران و سپاهان بسر برده است . مجتهدان ایران هم بدو رشک میبردند ولی چون شاه با او مهربان بود توانست چهار سال در تهران بماند سپس روی دشمنی همانها ببغداد رفت و چهار سال و خورده‌ای هم در کاظمین بماند تا کشته شد .

۱ـ او در چهل سالگی (۱۲۱۸) صحیفة اصفاء فی ذکر اهل الاجتباء نوشته و در جلد یکم آن از همان مقدمات رجالی و مطالب علوم حدیث و درایت وجز اینها گفتگو نمود . دومین جلد آن در رجال و سرگذشت دانشمندان بترتیب تهجی میباشد . آن یکی را در ۱۲۰۸ و این دومی را در شب چهارشنبه ۲۰ رجب ۱۲۲۵ دوری بپایان رساند . درهمین دفتر است که او سرگذشت خود و استادان خود و دانشمندان روزگار خویش را آورده است . او درهمین کتاب خود را هفتمین دانشمندی میداند که برمتأخران تاختند که چرا از روش اخباری متقدمان دست کشیدند و شش تن پیش از خود را چنین یاد میکند : محمد امین استرابادی و فیض محدث کاشانی در سفینة النجاة و محدث عاملی در هدایة الابرار و شیخ ابوالحسن بن محمد طاهر عاملی نباطی فتونی سپاهانی (م۱۱۳۸) نگارندهٔ الفوائد الغروية ورضی‌الدین محمد بن حسن قزوینی (م۱۰۹۶) در لسان الخواص . درهمین دفتر است که از محمد باقر مروج بهبهانی یاد کرده و گفت که او عمان مجتهد بود و چندان مایه نداشت و محدثان را خوار بداشت .

از دشمنان میرزای اخباری شیخ جعفر جناحی نجفی کاشف‌الغطاء (م۱۲۲۸) بوده است و در هنگامیکه او از ترس جان خود از دست فقیهان عراق گریخته بایران آمده بود شیخ «کشف‌الغطاء عن معایب میرزا محمد عدو العلماء» نوشته برای فتحعلیشاه فرستاده و اورا کافر خوانده بود . هم او بود که بتهرانیها گفته بود «میرزا محمد کم لامذهب له» و همین عبارت را که سال ۱۲۲۷ را میرساند تاریخ این رساله ساخته بود . و در آن نوشت که اخباری مرا اموی و سیدمحسن کاظمی را روادارندهٔ لواط خوانده است .

اخباری هم دربرابر او را اموی و «فقیه المروانیین» خواند و گفت که او فتوی به بیرون کردن اخبار بها داده است . چون این شیخ با بیماری آماس خنازیر در گذشته بود او دربارهٔ اش گفت «مات الخنزیر بالخنازیر» . ـ شیخ در پاسخ او درهمان رساله نوشت که تو من عراقی را اموی خوانده‌ای با اینکه عراق جای عباسیان بود نه امویها . تو باید از امویان باشی چه اینکه آنها از ترس عباسیها گریخته گروهی بکرانه‌های دریا و دسته‌ای گویا از نیشابور بود که بهند رفتند وتو مانا از اینها هستی . تو ای که برای سست ساختن آئین شیعی با فرمانروایان بغداد می‌نشستی مگر اینکه آنها از تو نپذیرفتند و تورا بیرون کردند . در تهران بود که میرزا با او گفتگوهائی نمود و شیخ نتوانست با او برابری کند و کار بپرخاش و دشنام کشید و میخواستند همدیگر را مباهله و نفرین کنند (خوانساری ۱۵۲و۱۵۳و۶۲۹ ـ تنکابنی ۱۳۲و۱۲۹) .

گویند که در جدل کسی را یارای برابری با میرزای اخباری نبوده جز آقا سید علی سپاهانی طباطبائی نگارندهٔ ریاض المسائل (۱۱۶۱ - ۱۲۳۱) که در گفتگوئی براو چیره گشت و او با اینکه بنا بود که کار بنگارش نکشد ناگزیر شده که در خرده گیری از سید رساله‌ای بنویسد . چون او ببسیاری از دانشها تا هنرهای شگفت انگیز و علوم غریبه هم آشنا بود و در گفتگوها بهر مبحثی که میخواست میپرداخت بردیگران چیره میگشت .

درنخستین جنگ عباس میرزا با روس (۱۲۱۹ – ۱۲۲۸) که پیمان گلستان پس‌از آن بسته شده است یکی از فرماندهان روسی پرنس پل سیسیانف بوده که کشتارها کرده بود وایرانیها اورابنام «اینسپکتر» یا «اشپختر» میشناختند (۱) و نام او برسر زبانها بوده و می‌پنداشتند که تنها با ازمیان بردن او کار جنگ یکسره میشود. میرزای اخباری به فتحعلیشاه (۱۲۱۱ – ۱۲۵۰) ساده دل و درباریان نادان نوید داده بود که تا چهل روز سر او را برای شما میآورم و خود در آستانهٔ عبدالعظیم در دری چهله گرفت و بختم آیةالکرسی با ده وقف پرداخت و پیکره‌ای از اشپختر داشته و شمشیری بر گردن او نواخت ودراین روزها حیوانی هم نمیخورد. تا اینکه چهل روز گذشت و ازآنسوی درجنگی که در نزدیك دژ باد کوبه میانهٔ این سردار روسی ومصطفی قلی‌خان فرمانروای آنشهر درگرفته بود و او پیروز شده و بپای دیوار دژ آمده تا کلید آنرا از حسینقلی‌خان فرمانده ایرانی بگیرد ناگهان بدستورعمو باتفنگ ابراهیم خان پسرعموی او ازپا در آمده است وسرودست اورا درششم ذی‌حجهٔ ۱۲۲۰ بتهران آوردند و بدستورشاه آنهارا بخراسان بردند تابزرگان آنجاهم ببینند. کشتن او پیش از این تاریخ و پس از ۲۲ ذی‌قعدهٔ همین سال بوده است (۲) درباریان

۱– گویا از « Inspector اینسپکتر » لاتینی است که درروسی هم چنین گفته میشود ودرفارسی باین ساخت درآمده‌است وشاید هم همان «سپهدار» فارسی باشد که درروسی بآن ریخت شده است.

۲– درانسکلپدی روسی چاپ ۱۹۰۳ (۷۵ : ۲۷۵) چنین آمده است:

پرنس پل سیسیانف – ۱۷۵٤ – ۱۸۰٦ درجهٔ ژنرالی داشت و در ۱۷۹٦ بفرمان امپراطریس کاترین عازم‌ماوراء قفقاز شد که آنجاتحت‌ریاست کنت زوبف بود. در ۱۷۹۷ استعفا داد، بعد از جلوس الکساندر اول دوباره‌داخل‌خدمت شد، در۱۸۰۲ به مفتش کل پیاده نظام قفقاز منصوب شد و من‌جمله حاکم نظامی حاجی‌ترخان و فرمانده کل گرجستان نیز گردید. او ازراه دیپلماسی وهمچنین نظامی توانست بعضی از مالکین سواحل بحرخزر (داغستان‌وماوراء قفقاز) رابه طرفداری روسیه وادارد باوجود آنکه

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

وسادگان دیگر پنداشتند که ورد وافسون میرزای اخباری این سردار را بکشتن داده‌است آنهم دراین جنگی که‌ده‌سال کشید وبشکست ایران انجامید، گروهی بمیرزا گفتند خوب است شاه روس را هم بکشی‌او گفت که باین آسانی نمیشود. اوبشاه گفت اکنون باید همچنانکه بمن نوید داده‌ای اجتهاد را ازمیان برداری وروش اخباری رارواج‌دهی ولی شاه‌ازمجتهدان‌می‌ترسید و کاری‌ازپیش‌نتوانست ببرد و پولی بمیرزا داده وپوزش خواست واورا بعراق فرستاد.

دربغداد میان داود پاشا واسعد پاشا برسروزارت آنشهردشمنی بوده است واسعد بامیرزا دوست شده بود تاداود را ازمیان ببرد. داودهم که اورا آزموده بود ازاو ترسیده درنهان توده مردم را ببهانهٔ اینکه او کافراست وزود باید اورا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

فعالیتش بواسطهٔ کمی‌قشون که درجنگ ایران‌بودند محدودبود چونکه‌بواسطهٔ جنگ باناپلئون ممکن نبود که قشون بیشتری دراختیاراو گذاشته شود. درآغازسال ۱۸۰٦ سیسیانف بطرف باکو اردوکشی کرد و در همان موقع ازطرف دریا نیز کشتیهای جنگی دریادارزاوالیشین‌هم بآنجا آمد. ملك بادکوبه حسین‌خان حاضر به تسلیم شد. سیسیانف جوانمرد باتفاق دو نفر برای‌گرفتن‌کلیدها به‌نزدیك دیوار قلعه آمد. اما با عهدشکنی ونامردانگی کشته شد وقشون روسیه وقتی رئیس خود را ازدست دادند عقب نشستند. بعداً در۱۸۱۱جسد اورا به تفلیس بردند ودر کلیسای صیون دفن گردید (ترجمهٔ آقای گیلدبراند استاد زبان روسی دانشکدهٔ حقوق).

مثلی برزبانهااست که‌میگویند: «مگرپتربورگ گرفتی وسراشپختر آوردی».

میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی (۱۱۷۹–۱۲۵۱) قصیده‌ای دارد درستایش پیروزیهای ولیعهدونبردآیاران ونکوهش ازسرداران گریزان ازجنگ که بدینگونه آغازمیگردد.

آه ازین قوم بی‌حمیت بی دین — کردری‌وترك خمسه وارقزوین

تا اینکه میگوید:

بس عجب‌است اینکه خانهابخراشد — دختر ساقی بجنگ سخترو ساکین

(دیوان اوچاپ ۱۲۹۸ یامجلهٔ ارمغان ص ۱٦۷–۱٦۹– منشآت او چاپ سنگی ۱۲۸۲ تبریز نه صفحه مانده بپایان – درحاشیهٔ ایندو چاپ دارد که سختر وساکین دوسرکردهٔ روسیند).

کشت تا دیگران را گمراه نسازد براو شوراند و آنها هم درخانه‌اش ریختند واورا کشتند.

بازمیگویند که سید محمد مجاهد (۱) ودیگر فقیهان نجف بکشتن او فتوی داده بودند و مردم هم بسوی خانه‌اش رفتند. چون دیدند که او جادو کرده و دری بخانهٔ او دیده نمیشود از دیوار بدرون خانه شدند و اورا با یك پسرش و یکی از پیروان او بکشتند و ریسمان بپایش بسته تن او را در کوچه وبازار گرداندند وشامگاه نزدیك قهوه‌خانه بخاکش سپردند. زندگی وخواستهٔ اوراهم بتاراج برده بودند. او پیش‌از مرگ همی گفت و صدوق غلب (۱۲۳۲) شد تاریخنا. (تنکابنی ۱۲۹ – ریاض‌السیاحه – بستان‌السیاحه)

دورهم نیست که انگیزهٔ پاشای بغداد و تکفیر سید مجاهد و دیگران هردو سبب کشتن اوشده باشد.

درفهرست طوس(۱ – ۲۰ش۳۰ آئینهٔ‌عباسی در نمایش حق شناسی) آمده که شیخ جعفردستور کشتن اورا داده بودولی درست نیست چه‌مرگش در۱۲۳۲ بوده و شیخ

۱– آقا سید محمد مجاهد سپاهانی (درگذشته نزدیك ۱۳ ج ۱۲۴۲/۲ درقزوین) نگارندهٔ مناهل بدرخواست مردم قفقاز درنجف بجنگ باروس فتوی داد وخوددر آغاز یا دههٔ سوم شوال ۱۲۴۱ بتهران آمد و باملامحمد جعفر استرابادی وسید نصرالله استرابادی وحاجی سید محمد تقی قزوینی وسید عزیزالله طالش ودیگردانشمندان در آدینهٔ هفدهم ذی‌قعده بلشکرگاه رفتند ودرشب هجدهم ملا احمد نراقی و پسرش ملامحمد و حاجی ملاعبدالوهاب قزوینی ودیگران ازراه رسیدند وهمه دستورنبرد همگانی داده بودند. این مجتهدان در ۱۴ ذیحجه دنبال نائب‌السلطنه راه تبریز پیش گرفتند ولی آقاسید محمد مجاهد مزاجش بگشت وازتبریز بیرون شده میان راه باسهال بمرد.

این همان جنگ دوم عباس میرزای ولی‌عهد است با روس (۱۲۳۹ – ۱۲۴۳) که بشکست انجامید وپیمان ترکمانچای پس‌از آن‌بسته شد ونوشته‌اند که سیداز اندوه وسرزنشهای مردم بمرد (ریحانة‌الادب ۲ : ۴۴۷ – روضه بهیه – ناسخ‌التواریخ جلد قاجار – روضة‌الصفای ناصری).

جعفر(۱۲۲۷ •) دراین‌سال زنده‌نبودمگراینکه‌پیشها‌چنین‌سخنی گفته‌باشد(۱).

ازاین میرزای اخباری وشاگردش و شیخ احسائی اکنون چند رساله‌ای میشناسیم (۲).

۱– حرزالحواس که درآن ازسه مسئله طینت واختیار وجدائیهای میان محدث و اصولی که به بیست و دو میرسد گفتگو گردید. درآن سخنی دربارهٔ محدث واصولی‌ازرسالهٔفارسی‌مجلسی آورده‌شد وازهدایهٔ حسین‌بن شهاب‌الدین عاملی.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین. والسلام علی عباده‌الذین اصطفی. امابعدفیقول... ابواحمدمحمدبن‌عبدالنبی‌بن‌عبدالصانع... انه وردامرالسید... محمدرضابن شبر الی فنه‌الجانی ان یکتب مسئلةالطینة والاختیار والفرق بین اهل‌الاصول والاخبار.. فبادر الی الامتثال... وسمی‌الرسالة بحرزالحواس من وساوس‌الخناس.

انجام: فان بین کل فریقین منهم اختلافاً فی بعض‌الجزئیات مذکور فی محله. انتهی کلامه رفع مقامه. من آخر ذلك‌الكتاب سرقت وریقات قلیلة من نسخةالاصل (۹۲۲/۱ گ ۱ ب – ۱۳ الف).

دردنبال این بندی است (گ۱۴ ب – ۳۱ الف) که گویا ازهمین نامه‌است و درآن یاد میشود از پاسخ سلیمان‌بن عبدالله ماحوزی بحرانی دربارهٔ جدائی میان مجتهدواخباری وازمنیةالممارسین شیخ عبدالله‌بن‌صالح وچهل گونه جدائی

۱– برای سرگذشت میرزای اخباری بنگریدبه: روضات ص۱۵۲ و۶۲۵ – قصص‌العلما ص ۱۲۷ در سرگذشت آقاسید علی – هدیةالاحباب ص۱۷۳ – ریحانةالادب ۱: ۴۵ – فهرستهای سپهسالار ۱: ۶۱۰ – طوس ۴ : ۲۴۷ و ۲۶۲ و۵ : ۵۴۰ – ریاض‌السیاحه ص۱۷۰ – بستان‌السیاحه ص۵۸۳ – ناسخ‌التواریخ جلد۱ قاجار – روضةالصفای ناصری پایان جلد۹ – طرائق‌الحقائق ۱ : ۹۷.

۲– ازاین بیست رساله شماره ۵ ازطیبی وشماره۷ ازاحسائی‌است وشماره‌های دیگربرخی پیداست که ازمیرزای اخباری میباشد ودرروضات (ازرجال‌او) هم نامبرده شد مانند ۱ تا ۳و۵و۶و۱۶ ودیگرشماره‌هاهم آشکاراست که از او باید باشد.

که او میان آنها نهاده است (مسئله ۷ آن) و رسالهٔ شیخ عبدالنبی جزایری بفارسی درهمین باره واز رضی‌الدین قزوینی وضیافةالاخوان او وذریعهٔ مرتضی ونامه‌نگاری بیضاوی وعلامهٔ حلی دربارهٔ استصحاب وازفوائد استرابادی.

آغاز : قال شیخنا الشیخ سلیمان بن عبدالله الماحوزی البحرانی فی جواب مسائل ماحاصله مسئلة : ماالفرق بین الاخباری والمجتهد؟ الجواب : مضمار الکلام فیها واسع فلنقتصر علی مایحصل التنبیه فنقول.

انجام : ومن اخذ بالشبهات ارتکب المحرمات وهلك من حیث لایعلم - پس از این بندیست (گ ۳۲ ب - ۶۵ الف) که گویا دنبالهٔ همین نامه است ودر آن عبارتها وشعرهای فارسی آمده و یاد شده از شیخ مقدس حرعاملی و گفتگو شده از دلیل عقل وروش اخباری.

آغاز : قال الاستاد دام ظله فی رسالته المسماة بالشهاب الثاقب وهی التی افرغها فی غالب الترتیب والترصیف فی قدیم الزمان فی هذا الباب : اما الدلیل العقلی مع افراده المعتبرة.

انجام : فماقصر ... الروات فی النقل ولا العلماء فی الجمع والنشر جزاهم الله خیرجزاء الصالحین والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

۲ - کشف القناع عن عورالاجماع که در آن نگارشهای خود او : سیف‌الله المسلول علی معر فی دین الرسول واعصار فیه نار لاحراق شبه الاجتهاد والاخبار والحجة البالغة والحکمة البالغة یاد شده است (۷۳ ب) بندی از مقامع (ل تسط) آقا محمد علی بن آقا محمد باقر در آن آمده ودربارهٔ او میگوید ، دامت افاضاته ، (۷۶ الف).

آغاز : الحمدلله رب العالمین و سلام علی عباده الذی اصطفی امابعد فیقول ... ابواحمد محمدبن عبدالنبی بن عبدالصانع النیسابوری الخراسانی .. قد اتفق منی بعض السنین کلام فی الاجماع فجمعته فی هذه الرسالة وسمیتها بکشف القناع عن عورالاجماع.

انجام :

حال این هجران و این سوز جگر

حالیا بگذار تا وقت دگر

قل فلله الحجة البالغة فلوشاء لهدا کم اجمعین حکمة بالغة فما تغنی النذر (۹۲۲/۲ گ ۶۵ ب - ۷۷ الف) درد نبال آن بندی است که در پایان آن از رسالهٔ شهید دوم دربارهٔ اجماعات متناقض؛ آن فصلی که او در آن از اجماعهای ادعاشدهٔ از شیخ طوسی وخلاف خود او با آنها یاد کرده است آمده (۷۷ الف - ۸۶ الف).

آغاز : فائدة کافیة نافعة فی کثیر من المطالب والمباحث یقول المؤلف سألنی بعض الاعلام من الاجتهادیین ... فقال ماتقول فی نجاسة خرء الکلب والسنور والفار.

انجام : قال فی المبسوط اذا قطع انسان یدغیره وقطع آخر رجله واوضحه ثالث فسری الی نفسه کان ولیه مخیرا.

۳ - رسالهٔ قسوره که در آن دوازده دلیل و یك خاتمه است.

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی حمد بالحمد نفسه فحمده به احمد وقال انت کما اثنیت به علی نفسك فکك احمده ... وبعد فهذه براهین عقلیة صحیحة المادة والصورة علی ابطال طریقة الظن المعتاد المشهور عند اهله بالاجتهاد .. وسمیتها بقسورة والله یجعلها تبصرة.

انجام : وان اردت الاستقصاء فعلیك بمصادر الانوار فان فیها من البراهین العقلیة والنقلیة مایشفی العلیل انشاءالله تعالی والحمدلله اولا وآخرا . لیلی بوجهك مقمر و ظلامه فی الناس ساری - فالناس فی جنح الظلام و نحن فی وضوء النهار (۹۲۲/۳ گ ۸۶ الف - ۸۸ ب).

۴ - دربارهٔ روش اخباری است که در پایان صفر ۱۲۰۹ نگاشته است.

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین وسلام علی عباده الذین اصطفی امابعد فقد ثبت بالبراهین القطعیة عندالمتکلمین ان العلم زائد علی الذات الممکن کسائر صفاته غیرلازم لها.

انجام : وما اردت الا الاصلاح ما استطعت . . . واليه انيب كتب بيمناه الجانية مصنفها الجاني ابو احمد محمد بن عبد النبي بن عبد الصانع النيسابوري الخراساني في آخر الصفر من اول السنة التاسعة من العشر الاول من المائة الثالثة من الالف الثاني (١٢٠٩) من سني الهجرة المصطفوية حامداً مصلياً مسلماً في مشهد الطف بكربلا (ش ٩٢٢/٤ گ ٨٩ الف – ١٠١ الف).

٥– قسطاس الغي والرشاد يا ميزان السداد از محمد ابراهيم بن محمد علي طبسي خراساني كه در چند جا از استاد ياد ميكند و ميگويد كه او شصت برهان و چهار صد آيه و هزار و دويست و شانزده حديث براى بطلان روش ظن آورده است (١٠٤ الف) در آغاز آن درباره دليلهاى بطلان ظن اجتهادى از المصادر البرهانية وفتح الباب و قسه او پاره‌هائى مياورد و درباره او « ادام الله اظلاله » مى نويسد پس او اين گفتار را در روزگار استادش ميرزاى اخبارى بپرداخت.

آغاز : بسمله . الحمد لله الذي هدانا سبيل الرشاد ولم يكل دينه الى آراء العباد .. امابعد فيقول ... محمد ابراهيم بن محمد علي الطبسي الخراساني ... هذه براهين عقلية و تشييدات نقلية صحيحة المادة والصورة على ابطال طريقة الظن المعتاد المشهور عند اهله بالاجتهاد سميتها بميزان السداد ولقبتها بقسطاس الغي والرشاد .

انجام : خاتمة في الفروق بين المجتهدين والمحدثين وهي كثيرة ترتقي الى اربعين وازيد ولنكتف بذكر بعض منها ... الثاني عشر انهم يقولون الامور اثنان لاثالث لهما والمحدثون يقولون هي ثلثة ... و اذا ثبت ذلك فلا يجوز للنبي من ذلك ولا لاحد من رعيته حاضراً كان او غائباً (٩٢٢/٥ گ ١٠١ ب – ١١٢ ب و كم دارد).

٦– الدر الثمين يا تحفة الامين بروش عرفانى شيعى در پاسخ دوازده پرسش محمد امين خان پسر مصطفى قليخان در همدان كه در گورستان قريش دهة بكم ذي حجة ١٢٢٦ بانجام رساند . چنين است فهرست پرسشها :

١– وحى جبرئيل بپيامبر تعين جدائى بود يا جنبه‌اى از جنبه‌هاى نفسانى او

كه هنگام وحى بآن جنبه درميآمد .

٢– عزرائيل هستى جدائى است يا جنبه‌اى از انسان .

٣– جبرئيل وميكائيل واسرائيل وعزرائيل كدام يك از جنبه‌ها است .

٤– هر كسى پيامبرى وشيطانى خاص بخود دارد كه در خارج باشد .

٥– مهدى يك فرد معين محمد بن حسن است يا بطور تبادل و ناممين (از فتوحات آورده شده وفهرست كتب شيعه وسنى درباره مهدى يادشد)

٦– همين بدن درقيامت حشرميشود (الفاظ هندى برهمنان درباره قيامت و بهشت ودوزخ ياد شد).

٧– بدان وملعونان چگونه ميشود كه آفريدهٔ خدا باشند .

٨– پيامبران و پاكان كه با شهادت بحق ميرسند و شاد ميشوند پس چرا بايد از شهادت آنها متألم شد .

٩– خلود كفار با فناء جهنم نميسازد .

١٠– معراج جسمانى چگونه بود .

١١– لذات وعذابهاى جسمانى معاد همانند اين عالم است يا از عالم ديگر .

١٢– آياميشود كه وقتى تكليف از انسان برداشته شود .

پاسخها برروشن نيست در روضات ميگويد كه نسخهٔ تحفة الامين والدر الثمين نزدما هست و پرسنده شبهه‌ها و ايرادهاى الحادى كرده و پاسخ دهنده در تأويل شگفتى باز كرد تا آن علج را بفريبد ، خوانسارى آنگاه پنجمين آن را مياورد – او در اينجا ميگويد كه جزيرهٔ خضرا (در مغرب) را در قاموس و انساب سمعانى خوانده‌ام و در ١٣ بحار هست و پادرى يوسف مسيحى انگريزى كه اعلم نصارى بوده و از فرنك و نزديك آنجا آمده بود برايم شرحش را داد كه سكنهٔ آنجا مسلمانند و شاه خود را داعى گويند و يوسف جوانه فرنگسيس صورت آن جزاير را برايم كشيد (١١٧ ب) و تاريخ تولد او « نوره » (٢٥٦) وغيبت « سره » (٢٦٠) وظهوره « الحق » (١٢٢٥) است .

آغاز : بسمله . الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی امابعد این چند کلمه ایست درجواب اجمالی از مسائل دوازده گانهٔ فرزند دلبند اعز از دل و جان عالیجاه محمد امین خان بن مبرور مرحوم مصطفی قلیخان لازال کاسمه امینا که درمحروسهٔ همدان حفت بالامان ازین خاکسار استفسار نموده بودند هرچند مسئول ازسائل داناتر نبود لیکن بقدر مقدور اسعاف مأمول نمود و این وجیزه را بعزالثمین نامید و بتحفة الامین ملقب ساخت .

انجام : و از دیدهٔ اغیار باید مستور دارید و درمقام تفهم اگر میسر شود از جناب قدسی مآب الحاج الاجل الاکبر الحاج محمدجعفر که باشما قریب النسب والمسکن اند شرح مشکلات آنرا بخواهید ومن الله التوفیق ومااردت الا الاصلاح .. و الیه انیب و استغفرالله لی ولکم و کان الفراغ بمقابر القریش فی العشر الاول من الشهر الآخر من السنة السادسة من العشر الثالث من المائة الثالثة من الالف الثانی من هجرة المختار حامداً مصلیاً مستغفراً منیباً علی ید النجیب الجانی محمدبن عبدالنبی عفی عنه ۹۲۲/۶ گ ۱۱۳ ب ۱۱۳

۷ـ نامه ایست از شیخ احمدبن شیخ زین الدین (احسائی م ۱۲۴۳) بملاعلی رشتی ودر آن یادمیشود از خوابی که حسن وحسین ومحمدباقر (ع) را دیده بود و وردی باو یاد دادند که هرگاه بخواند آنها را درخواب ببیند .

آغاز : هوالله تعالی شأنه . الحمدلله والصلوة علی محمدوآله . صورة ما کتبه الشیخ الاجل الامجد الشیخ احمدبن شیخ زین الدین بعالیجناب ملاعلی الرشتی : بسمله . سلام علیك و رحمةالله و برکاته اعلم انی کنت فی اول عمری کثیرالتدبر والنظر . .

انجام : فاقبل علی النحو الذی امر به الشارع ع ویفهم قول الله تعالی اذکرونی اذکرکم وقوله تعالی نسوالله فنسیهم والسلام علیکم و رحمةالله وبرکاته . تمت (۹۲۲/۷ گ ۱۲۵-۱۲۶ الف) .

۸ـ در گزارش حدیثی ازصادق ع .

آغاز : قال ابوعبدالله ع : ان الله تبارك وتعالی خلق اسماء بالحروف غیرمتصوت

وباللفظ غیرمنطق .. ایا ما تدعو فله الاسماء الحسنی . شرح . هذا من الاحادیث المشکلة و نحن نستعین بفضل الله فی حله .

انجام : وهو وجوده الواجبی فافهم ذلك انشاءالله تعالی . هذا آخر الشرح فی هذا الحدیث الذی شرحه العالم الربانی الکاشف الحقانی جناب آخند ملاصدرالدین الشیرازی رفع الله بقدر علیه قدره . وفقت لاستکتابه من کتابه المعروف بشرح الاصول (۹۲۲/۸ گ ۱۲۶ ب - ۱۳۲ الف) .

۹ـ دربارهٔ تکلیف ومکلف وجدولی هم در آن هست .

آغاز : بدانکه امور دنیوی و اخروی خالی ازدو چیز نیست یکی موضوع ودیگری نفس حکم .

انجام : و کثرت وقلت روات و ناقلین و وثوق وعدم آن . والله المستعان . (۹۲۲/۹ گ ۱۳۳ الف - ۱۳۴ الف) .

۱۰ـ حکمة بالغة که در آن دو کتیبه است نخست دعوی الوجدان خلاف البرهان ، دوم حدود نقلی وفصوص آثار ونصوص . شرحهای فارسی ازعبیدداماد و یکی ازصوفیان در آن دیده میشود .

آغاز : بسمله . الحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی . حکمة بالغة : لقد فشی بین الطلبة والعوام دعوی الوجدان علی خلاف مقتضی البرهان عندالعجز عن الکلام و کذلك القول بعدم الفرق بین العلم والجهل المرکب فی نفس الانسان وقد حققنا هذا المرام فی کوثر الاسرار بادلة المنقولة عن الامام ع وقد استخرت الله فی اقامة البرهان علی هذا المطلب العظیم الشأن بدلیل العقل و فصل البرهان . . وفیه کتیبتان .

انجام : اما الامارة فلیست موجبة للظن ... ولم یحصل لبعضهم دون بعض ولیس کك الظن . انتهی کلامه رفع مقامه (۹۲۲/۱۰ گ ۱۳۵ الف - ۱۴۲ ب) .

۱۱ـ درپاسخ این خرده گیری که روی گفتهٔ تو باید که یا نورستکار باشی یا دیگران . او میگوید که دانشمندان دیگر هم مانند من راه کاوش و جستجو

پیش گرفتند وچشم براه نبودند که دیگری باآنها همرأی باشد ولی باید ازدلیل پیروی نمود و کسانیکه درجز ضروریات براه باطل روند بایسته نیست که تبهکار باشند.

آغاز : ازاحة واراحة : لقداوردعلی بعض الفضلاء ... بانك تفردت فی المذهب اولاثم قلت بان الحق فی واحدفیلزم اماهلاکك ونجاة الکل اونجاتك وهلاك الکل فاجبته بانی لست متفرداً فی المذهب اولا فان هذا کتابی الحجة البالغة ذکرت فیها جمیع المسائل الاصولیة وذکرت فیه الاقوال والادلة واخلت ما اخترت مشارکاً فی کل مسئلة مع جماعة من اجلاء الاصحاب من اهل الاصول والکلام المرضیین عند جمیع الاعلام مع ان مذهب التحقیق هواخذالطریق بمقتضی البرهان لم یکن لمة شریك ام کان قال الله تعالی وکان ابراهیم امة قانتا و قال قال رجل مؤمن من آل فرعون وفی الحدیث ان المؤمن وحده جماعة.

انجام : ولیس انکارمن یخالفنی علی من خواصی اذمامن احدالا وینکرعلیه من یخالفه فما کان جوابهم فهوجوابنا والله الهادی (۹۲۲/۱۱ گ ١٤٢ ب ١٤٣ ب).

١٢- برهانی است که برای زشت بودن پیروی از گمان و پندار آورده شد.

آغاز : (برهان قبح تعبدبظن) بسمله . والحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد فقد سئلنی عین الانسان وانسان عین الانس والجان ... الشیخ حسین بن افضل ... شیخنا الاجل الشیخ محمدبن عثمان الاحسائی .. ان ابین له القبح اللازم للظنون ببرهان یتبادرالیه الاذهان.

انجام : وانما فرض المستدل الاثبات لاالایجادفی القلوب ممن انصف شرف والله الموفق الهادی (۹۲۲/۱۲ گ ١٤٣ ب - ١٤٤ ب).

١٣- دراین گفتار روشن میگردد که در ١٦ جا که آنهم نمونه‌ای بیش نیست باید راه احتیاط پیش گرفت وتوقف وایست کرد.

آغاز : فائدة . قال بعض المحققین من المحدثین قدتفرد بعض فضلاء العصر ووافقه جماعة بعدم وجوب التوقف والاحتیاط عندالاشتباه فی الاحکام و عدم استحبابهما

وعدم جوازهما وانهما بدعة وان الاحتیاط عدم الاحتیاط بل هومحرم عندهم الا فی صورة واحدة نادرة الوجود بل لاوجود لها وهی تعارض الادلة من غیرترجیح ولا یظهرلها وجود عند اکثرالفضلاء.

انجام : ١٦- من کان عنده کیس فیه الف دراهم ... ومثل هذه الصور کثیرة جداً فما یقولون فیها (۹۲۲/۱۳ گ ١٤٤ ب - ١٤٥ ب).

١٤- گفتگوئی است که میان او ویکی ازدانشمندان اشعری درشهرسورت دربارهٔ امامت شده است.

آغاز : بسمله . والحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی . اما بعد فهذه مناظرة لطیفة قد جری بینی وبین علماء العامة ومتکلمی الاشاعرة کلام فی الامامة فامرنی من کنت الزم نفسی امتثاره من اوثق الاخوان ... ان احررصورة المحاورة فاسرعت الی المبادرة و ذلك انی کنت وردت بلدة سورت من بلادالجوزرات فی خدمة والدی ... عازمین الی سفرالحجاز والعراق فسمعت ان فی البلد فاضلانحریرا یقال له المولی خیرالدین من اعاظم علماء الاشاعرة فحضرت مجلسه وهوجالس فی حلقته یدرس فی المشکوة.

انجام : حتی یقال انه صارمخطئاً فی اصابته فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمدلله رب العالمین (۹۲۲/۱٤ گ ١٤٥ ب ١٤٩ ب).

١٥- دراینکه چراپیشوای نهانی ازپیش چشم پیروان ناپدید شده است.

آغاز : تحقیق دقیق : قداتفق متکلموالامامیة علی ان سبب غیبة الامام ع من الرعیة؛ وصرح به علم الهدی فی الشافی وشیخ الطائفة فی تلخیص الشافی و کتاب الغیبة والسیدابن طاوس والمحقق الطوسی.

انجام : فقد لاح الصباح والتوفیق من فالق الاصباح وهوالعلیم الفتاح والحمدلله منشی الارواح (۹۲۲/۱۵ گ ١٤٩ ب - ١٥١ الف).

١٦- فیه که دو ٤ اصل است ودرامامت بروش شیعی اخباری ودرعمل بظن و اجتهاد و تقلید . میرزای قمی درخرده گیری ازاین رفیه المجعول فی الاخبار

والاصول ، و عین العین ، نگاشته و او در برابر آن ، انسان العین ، نوشته است (ریحانة الادب ۱ : ٤٥) .

آغاز : بسمله . و سلام علی عباده الذین اصطفی . اصل : ان سأل سائل ممن لاینقض علیه ان الامامیة بنوا فی کتبهم الکلامیة قواهم باستمرار الحجة و ایجابها فی جمیع الازمان علی الاصل المعبر عنه باللطف الواجب علی اللطیف الخبیر .

انجام : فافهموا الجواب علی سبیل الحل و فصل الخطاب و اتقوا الله یا اولی الالباب .

انعم برد جواب ما انا فاحص / عنه فنار العلم ذات العلم تشعشع

تمت الرسالة المسماة بالقبسة (۹۲۲/۱٦ گ ۱۵۱ الف - ۱۵۳ الف) .

۱۷- پاسخ بمیرزا فخر الدین احمد در بارهٔ پاره‌ای از سخنان اخباریها و برخی از رأیهای آنها را از روی خرد روشن میدارد و میگوید که خبرهائیکه بسود آنها است بسیار است و ما در حکمت بالغه ۱۲۲٦ خبر آوردیم و در اینجا دوازده دلیل عقلی میآوریم .

آغاز : بسمله . والحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی . اما بعد فقد سألنی .. الآمیرزا فخر الدین احمد .. ان اوجز له بیان بعض مطالب المحدثین المعروفین بالاخباریین . وقد کانت الاخبار السلیمة السالمة علی مختارهم کثیرة بحیث لاتسعها امثال هذه الرسالة وقد جمعنا منها الفا و مأتین و ستة و عشرین فی الحکمة البالغة ولنذکر من الادلة العقلیة اثنی عشر .

انجام : و اخرجه المجلسی فی کتاب بحار الانوار نقلا من کتاب دعائم الاسلام وما اوتیت الا الاصلاح .. والیه انیب و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین . کتب القاصر الجانی ابواحمد محمد بن عبدالنبی الخراسانی عفی عنهم سنة ۱۲۰۹ فی مشهد الطفوف (۹۲۲/۷ گ ۱۵۳ الف - ۱۵٤ ب) .

۱۸- پرسشی است که شیخ ابوعلی پرسیده و پاسخی در اینجا دیده نمیشود : صورة ما استفتاه عن الخبر الوفی الشیخ ابوعلی وفقه الله تعالی : هو الحکم العدل . ماقول مدعیه الاقتصار علی العمل بالاخبار فی الخبر الوارد عن الصادق ع فی امرءة

لیس لها الاقمیص ولها مولود فیبول علیها وقوله .. تغسل القمیص فی الیوم مرة فهل یقتصرون علی امرءة ام یعمون الحکم ... ومع فقده یجب الوقوف علی ظاهره . انتهی صورة الخط (۹۲۲/۱۸ گ ۱۵٤ ب - ۱۵۵ الف)

۱۹- در بارهٔ روش ریاضت شرعی که بگفتهٔ مجلسی یکم اندیشیدن در قرآن و خاموشی و ترك لذات و دوام ذکر است در ٤۰ روز تا برسد بمقام فنا و این دشوارتر است از دانشجوئی که در آن جاه است . من اکنون در چهل سالگیم و براهنمائی مردم میپردازم و کسی را ندیدم که باین راه بپردازد و من پیامبر را همین روزها بخواب دیدم و از او پرسیدم نزدیکترین راه بسوی خدا کدام است فرموده همانکه تو میدانی . مردم بگفتهٔ کیمیاگری مالها و وقتها صرف میکنند با اینکه نیدانند که اوراست میگوید . اینکه میگویم از روی آیات و خبرهای معصومان است و از روی سخنان حکیمان ظاهری مانند ابی علی در اشارات (نمط ۹) پس شایسته است چهل روز عبادت کرد و ۱۵ مناجات زین العابدین را خواند و وردهای دیگریکه در اخبار آمده است .

چنین است این بند . و قال الفاضل المحقق مولانا محمد تقی المجلسی ره : فی طریق الریاضة الشرعیة ما صورته . والذی هذا الضعیف فی ازمنة الریاضة انی کنت فی مطالعة التفاسیر .. فانه قدورد فی الاخبار انهما سنتان واجبتان وان تبینهما فی وقتهما فاقضهما . تم بالخیر . (۹۲۲/۱۹ گ ۱۵۵ ب - ۱۵٦ الف) .

۲۰- چند بند برا کنده‌ایست که در آنها از سه درجهٔ حرام و شبهه در بارهٔ نفی علم در خارج و در بارهٔ شناختن دانش و امامت بروش اخباری عرفانی و از تقلید و نماز آدینه و اجتهاد و اصلح و تکلیف و برابری خرد و دین یاد شده است . در آن دارد خبر خود بخود راست است و بعرض شایستگی دروغ بودن دارد و خدا ما را بذات خبر تکلیف میکند نه بجنبهٔ عرضی آن . پس از استدلالهای موشکافانه‌ای میرسد باینکه از کتاب خدا و اخبار علم بدست میآید .

چنین است :

کشف الهی فی یوم الثلثا الثانی عشر من شهر رجب الاصب سنة ١٢٠٩ فی مشهد السبط الشهید ع وهو ثلثة امور: الاول ان الحرام له مراتب .. علمه بالاشیاء فتنور تبصر - تعلیم قدوسی فی بعض لیالی شعبان من سنة ١٢٠٩ اعلم ان الانسان من حیث وضعه الفطری مخلوق فی احسن تقویم واعدل ترکیب .... فهو جواب الاخباری لخصمه الاجتهادی . والله المستعان فتأمل تنسل انشاءالله تعالی - قال الشهید الثانی فی رسالة حقائق الایمان ومن ذلك الاجماع علی انه لایجوز تقلید غیر المحق ... فنختم هذا الباب الاسد ثم باب الحاجة (الی) المجتهدین والحمدلله رب العالمین - نفحة لاهوتیه فی صبیحة یوم الخمیس من شهر النبی صلعم فی سنة ١٢٠٩ اعلم ان العادة الشرعیة والعقلیة والحسیة یجب حفظها علی الحکیم القادر ... والعلم فنحنو کن من الشاکرین وقل الحمدلله رب العالمین والصلوة علی وسائط الرحمة محمد وآله الطاهرین - مکاشفة عرشیة فی اللیلة الثالثة من اشهرالله المبارك من سنة ١٢٠٩ فی عدم قبول الحکم العقلی للتخصیص عقلا ولاشرعا.. فی الاحکام الشرعیة فنحنو کن من الشاکرین وقل الحمدلله رب العالمین - اشراق شمسی فی شهرالله الاعظم اعلم ان توقیفنا فی هذه الاعصار منحصر فی الآیات والاخبار وهی کلها فی الحقیقة خبر... کاحتمال موتع من باب العادة والطبیعة ایضاً - ولنعم ماافاده بعض محققی الفضلاء من الاخوان ... فی منظومته :

ان قیل کیف القطع فی الآثار مع احتمال الکذب فی الآثار

قلنا مناط الحکم علم الوضع لااحتمال عارض من وضع

****

تم الکلام فی مناط القطع وفی مؤداه عظیم النفع

انتهی افاداته ... الی صراط مستقیم - تأیید سماوی فی قبح التعبد بالظنون قال صدرالمکاشفین : و اعلم ان المیزان میزانان میزان العلوم ... و میزان الاعمال ... هدایة کشفیة اعلم ان الصراط المستقیم الذی اذاسلکت اوصلك الی الجنة هوصورة الهدی التی انشأته لنفسك مادمت فی عالم الطبیعة من الاعمال والاحوال القلبیة ...

فائدة انتخبناها من رسالة منبع الحیوة قال العبد ... نعمة الله الجزائری وفقه الله لجمیع مراضیه وجعل ما یأتیه من احواله خیراًمن ماضیه (٩٢٢/٢٠ گ ١٥٨ب - ١٦٤ب - از این پس تا گ ١٧٤ سفید گذارده شده ونتوشته‌اند ودرمیانه‌هم بسیاری ازجاها سفید است ورساله‌ها و گفتارها کمبود دارد).

[١٦٠٠-١٦١٩]

٩٢٢ این نسخه‌ها شماره‌های ١ تا ٣٠ دفتر است و بخط نستعلیق میباشد عنوانها بشنگرف است و نشانه‌ها هم دربرخی جاهای بشنگرف میباشد . در گ ١ الف بهمان خط ش ٦ اجازه‌ایست ازهمین میرزامحمد بن عبدالنبی اخباری بحاج عبدالصمد که در دهه دوم ماه اهم سال ٦ بعد ٢ سده ٣ هزارهٔ ٢ (١٢١٦) در شیراز نوشته است چون شماره ١٨ درسال ١٢١٨ (چهل سالگی او) نگارش شده پس اینه دفتر را ما نا میرزا درهمین سالهای ١٢١٦ و ١٢١٨ می نگاشته و شاگردی آنرا در این نسخه می نوشته‌است. نیز دارد «از کتابخانهٔ خودتان عوض سهم خودم علی الحساب برداشته‌ام - العاصی محمد هادی ح ل بور ١٣١٢» .

در بند دومی که دنبال ش ١ است حاشیه‌های «منه‌دام ظله» هست . در ش ٤ هم حاشیه‌هائی است وپاره‌ای با نشانهٔ «اسنادی دام‌عمره» یا «د» است و برخی از «ملاعلی قوشچی» است . در ش ٥ نیز حاشیه‌های «منه» یا «منه عفی عنه» دارد . در ش ٦ حاشیهٔ «منه دام‌ظله» یا «منه دام‌ظله‌العالی» هست وپایان آن میرساند که بخط میرزای اخباری است گرچه حاشیه‌ها که بهمان خط متن است با این نمیسازد . در ش ١٦ هم حاشیه‌هائی است . در ش ٥ شعرها وخبرهائی از پیامبر و تفسیر آن هست بهمین خط و در گ ١٢٥ الف شعرهائی است با مداد بخط شیخ اسماعیل واعظ تائب تبریزی طوسی در ٤ شعبان ١٣٥٠ - سنجیدن خط متن وحاشیه که یکنواخت است میرساند که یکی ازشاگردان اخباری آنرا درزمان او نوشته است .

(هبة دفتر ٣١٧٤ - کاغذ فرنگی - جلد تیماج زردضربی مقوائی

الدازه : ١٥×٢١/٥ و ٩×١٤ س ١٧

رساله‌های اردکانی

[١٣٧٩-١٣٨٥] (عربی و فارسی)

ازشیخ محمد تقی ابن ابیطالب یزدی اردکانی (م ١٢٦٧) (١) چند رساله در اینجا می‌شناسیم :

١- بنگرید به : مآثر و آثار ص ١٤٥ - احسن الودیعه ١٠١:١ - اعلام الشیعه ٢٠٦:٢

۱- الجواهر الزواهر فی احکام المبانی وایضاح السرائر که در آن همهٔ مباحث الفاظ واند کی از ادله عقلی آمده است (ذریعه ۵: ۲۶۹).

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی لایحیط بکنهه المجتهدون ولایحصی نعمه العادون... یقول... محمد تقی بن ابی طالب الیزدی الاردکانی... ان هذا ما اشتمل علی امهات مقاصد علم اصول الفقه. وسمیته «الجواهر الزواهر فی احکام المبانی و ایضاح السرائر» ورتبته علی مقدمة وابواب.

انجام: بل کل واقع من الله تعالی فهو حسن فلزمهم کون الکفر والظلم وجمیع الفواحش حسنة لانه لافاعل عندهم الاالله تعالی. (ادلهٔ عقلیه- ۹۰۰/۱ گ ۱ ب - ۱۰۰ الف).

۲- رسالهٔ حجیت مظنه.

آغاز: بسمله. الحمد لولیه والصلوة علی نبیه وعترته. یقول... محمد تقی بن ابی طالب الیزدی الاردکانی... انه قد اشتد التشاجر والنقض والابرام... فی هذه الاعصار فی ان الحجة فی المسائل الخلافیة التی انسد فیها باب العلم بالحکم الواقعی هی مطلق المظنة او الظنون الخاصة. وقد خلج ببالی القاصر افکار فاحببت ان اکتب فیها شیئا... وبادرت الی وضع هذه الرسالة.. والرسالة مرتبة علی مقالات.

انجام: ولکن یصح اعتبار الاصول فیما کان مفادها موهوما (مقالهٔ ٤ -۹۰۰/۲ گ ۱۰۱ ب - ۱۱۹ ب).

۳- رسالهٔ وجوب بقاء بر تقلید مجتهد پیشین در حکمهای خلافی و جمع میان فتواهای دو مجتهد.

آغاز: بسمله الحمد لولیه والصلوة علی نبیه ووصیه وبعد یقول... محمد تقی بن ابی طالب الیزدی الاردکانی: الحق وجوب البقاء علی تقلید من قلده من المجتهدین فی الاحکام.

انجام: بل ربما یکون الظن مع من قلده فیما قلده فیه فی بعض الاحیان او بعض الموارد (۹۰۰/۳ گ ۱۲۰ الف - ۱۲۳ ب).

٤- رساله در صلح.

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمدلله الذی لایحصی نعمه العادون ولایؤدی حقه المجتهدون... میگوید بندهٔ ذلیل فانی محمد تقی ابن ابی طالب یزدی اردکانی... که این رساله ایست در صلح بزبان فارسی داعی بر نگارش آن اینست که مدتی است التفات نمودم که صیغهٔ صلح فارسی متعارف در بلاد درمیان مردم حتی درمیان طلاب و فضلاء مطابق نیست با معنی مراد از لفظ صلح درلغت عرب و منطبق نیست با استعمالات صحیحهٔ صیغهٔ ایجاب صلح عربی که مستفاد است آن استعمالات از اخبار وعبارات فقهاء.

انجام: اینکه کفایت میکند در برائت ذمهٔ مدیون از دین صدور هر لفظ دال بر آن ازدائن. حال که عصر روز سه شنبه شهر رجب سنهٔ هزار ودویست وپنجاه ونه هجری است زمان حصول فراغ از جمع آنچه ارادهٔ جمع آن داشت. والحمدلله اولا و آخراً والصلوة والسلام علی محمد وآله الکرام (۹۰۰/٤ گ ۱۲٤ ب - ۱۷۲ ب).

۵- لئالی در مسئله‌هائی کلامی وفلسفی از روی اخبار در ۱۰ فصل: ایمان و کفر وشرك وشکر وعبادت در چند لؤلؤه - وجود (در چند لؤلؤه واز قرة العیون محمد مهدی نراقی میآورد و فلسفی است) - خداشناسی در ٦ مقصد هریك چند لؤلؤة - عقل - جبر و تفویض (این دو با عنوان لؤلؤه است) - پیامبر و امام درسه مقصد هریك چند لؤلؤه - بهشت - گناهان - احباط و تکفیر - توبه - نکوهش دنیا - بحثهائی ادبی - تاریخ - فقه و اصول - پراکنده‌ها (همهٔ اینها درچند لؤلؤه است).

کتاب عربی است وبندهائی بفارسی در آن هست. از حکمة العارفین مولی محمد طاهر قمی در آن آمده است.

آغاز: بسمله وبه نستعین. الحمدلله الذی لایحصی نعمه العادون ولایؤدی حقه المجتهدون... فیقول المبتلی بحبس السلطان فی طهران من غیر جرم ولا طغیان

محمد تقی ابن ابی طالب الیزدی الاردکانی ... هذه لئالی غالیة ومطالب عالیة فی فنون شتی سمیتها لئالی لکون مفردها وهی اللؤلؤة عنوانا لکل منها ... وهی مرتبة علی فصول .

انجام : لؤلؤة : نصاب غلات اربع ... دوهزار وهفتصد رطل است ... و بسنك من تبریزی یکمن تبریز است الا بیست و پنج مثقال وسه ربع مثقال صیرفی است (۹۰۰/۵ گ ۱۷۳ ب - ۲۶۷ الف) .

[۱۶۲۰-۱۶۲۴]

۹۰۰ این نسخه‌ها ش۱ تا ۵ دفتر و بخط نسخ میباشد . خط خوردگی دارد و برخی جاها سفیدهم گذارده شده پس نسخهٔ اصل خواهد بود .

(همهٔ دفتر ۲۶۷گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۷/۵×۲۲ و ۱۴×۱۸ س ۲۵

۶- افاضات که درباره‌ای از قاعده‌های کلی اصول و فقه و با عنوانهای افاضه است ودرهنگامیکه پادشاه اورا در تهران بازداشته‌بود نگاشته‌است. پاره‌ای را پس از گفتگو با دانشمندان و برخی را پس از تدریس و دسته‌ای را در پاسخ پرسشها و پاره‌ایرا جزاینگونه نوشت (دیباچه) .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله الاول والآخر والباطن والظاهر ... فیقول ... محمد تقی بن ابی طالب الیزدی الاردکانی ... هذا ماتعمقت النظر فیه من طائفة من مسائل فقهیه ونبذة من قواعد کلیة ... سمیتها « افاضات » .

انجام : افاضة : الوجه فی قولهم بتقدیم مدعی الصحة علی مدعی الفساد فی العقود والایقاعات ... حیث انه یفیدان مدعی الفساد مدعی ومدعی الصحة منکر (۹۰۱/۱ گ ۱ ب - ۱۳۵ الف) .

۷- لئالی درمطلبهای فلسفی بروش اخباری است (دیباچه) باعنوانهای لؤلؤه ودرخیلی جاها از حکمة العارفین همان قمی میآورد .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله الذی لایحصی نعمه العادون ولایؤدی حقه المجتهدون ... فیقول ... ابن ابی طالب محمد تقی الیزدی الاردکانی ... هذه لئالی

غالیة فی فنون شتی ممایتعلق ببعض الآیات القرآنیة ومن ذکر بعض الاخبار المعصومیة وایراد بعض الادعیة المأثورة وحکایة بعض ماصدر منی من بعض المکاتبات وتعرض بعض الاحکام الفقهیة وشرح جملة من المسائل الاصولیة وتبیین طائفة من الاحکام الاعتقادیة وغیر ذلك ممایتعلق بالقراءة اوالعربیة وغیرهما واکثر هذه المجموعة هی الاحکام الاعتقادیة قد جمعتها متفرقة علی حسب ما اقتضته الحال ولقد حررتها والفتها ایام ابتلائی فی طهران بحبس السلطان من غیر جرم ولاطغیان ... اقدعنونت کل مطلب منها بلؤلؤة ولهذا سمیتها « لئالی » .

انجام : لؤلؤة . قیل ان معویة سأل رجلا من الشیعة فقال کم لابن ابیطالب من المناقب فقال کیف اقول فیمن کتم شیعته مدائحه خوفاً منك و کتم اعدائه مناقبه حسداً منهم وبین الکتمانین ملاء الخافقین . (۹۰۱/۲ گ ۲۳۵ ب - ۲۹۶ الف) .

دربرگهای ۲۶۲ ب - ۲۶۴ ب بفارسی وتازی بندهائی است بدینگونه : تسلیت بحاج سید محمد باقر و پاسخهای نامه‌های علیخان پسرزاده محمد خان ایروانی و بهاءالدوله میرزا پسر فتحعلیشاه و میرزا علیرضای یزدی و آخوند ملامحمد کزازی و آقاعبدالوهاب طراز و آخوند ملامحمد باقر گنابادی و پاره‌ای از نامهٔ حاجی ملالطفعلی دهابادی و عریضهٔ سید محمد باقر و پاسخ نامهٔ حاج ملامحمود استاد که درباره دانش او نزد شاه گفتگو نمود و رفع شبهه گناهکاری او را نزد شاه کرد .

[۱۶۲۵-۱۶۲۶]

۹۰۱ این دونسخه ش۱ و ۲ دفتر است وبخط نسخ و نستعلیق میباشد . خط خوردگی دارد و برخی جاها سفیدهم گذارده شده پس نسخهٔ اصل خواهد بود . در گ ۱۳۹ الف - ۲۳۴ ب پیش از ش ۲ مطلبهای پراکنده‌ایست با عنوانهای لؤلؤه وباید بخشی ازهمان لئالی باشد . از گ ۲۷۳ ب تا ۲۷۶ الف که بخط نستعلیق است درچندجا «بلغ مقابلة» یا «بلغ قبالاً» دارد .

(همهٔ دفتر ۲۹۶گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۸×۲۲ و ۱۴×۱۷/۵ س ۱۷

[۱۳۸۶-۱۳۸۸] رسالههای خوانساری (عربی)

ازمحمودبن‌عبدالعظیم موسوی خوانساری شاگردسیدمحمدهاشم چهارسوقی وزندهٔ در ۱۲۸٤و ۱۲۹۰ چندین رسالهٔ فقهی واصولی مانده واوبرخی ازآنهارا درنجف درهمین سالها نگاشته است.

اینك سه رسالهٔ اصولی اورا دراینجا میشناسیم:

۱ــ رسالة فی حجیة الکتاب که درآن از محکمات قرآن و حجیت آن کاوش نمود.

آغاز: فصل. اختلف بعض المتأخرین فی جواز العمل بمحکمات القرآن بدون ورود التفسیر عن الحجج المعصومین ص علی اقوال.

انجام: الخامس الاخبار الدالة علی وجوب التمسك بالکتاب... ولایخفی علیك ان بعض ادلتهم تدل علی وقوع التحریف فی آیات الاحکام ایضاً کمالایخفی (۱ب ــ ۸ب ش ۱۱۳٦/۱).

۲ــ رسالة فی الحظر والاباحة که درآن ازاین مسئله اصولی گفتگوشده است.

آغاز: بسمله. مسئلة وقع التشاجر والتنازع فی حکم الاشیاء قبل الشرع. فالمتجه علی اصل الاشاعرة من نفی حکومة العقل اصلا عدم الحکم اصلا فی کل الافعال.

انجام: ورفض قضاء العقل والخروج عن مسلك ذوی العقول السالمة عن الشبهات. والله ولی الحق وله الشکر وهو العالم والهادی الی مراشد الامور (قدتمت الرسالة علی ید الاقل الاحقر عبادالله جانجان خلف مرحوم سیف‌الله خان غفرالله له ۱۲۹٤) (گ ۲۲ الف ــ ۳۳ الف ش۳ و گ ۳۹ الف ــ ٤۷ ب ش ٥ همان دفتر ۱۱۳٦ و ایندوشماره اندکی جدائی دارند و ش ۳ خوشترهم نوشته شده است).

۳ــ رسالة فی الاجماع که فهرست مطلبهای آن چنین است: مقدمة فی معنی الاجماع، المقالة الاولی فی امکان الاجماع و وقوعه، الثانیة فی امکان الاطلاع

علی الاجماع، الثالثة فی حجیة الاجماع، الرابعة فی جهة الحجیة و کیفیتها، تذییلات، مقالة فی الاجماع المرکب.

آغاز: الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین محمد و آله الطیبین الطاهرین واللعنة علی اعدائهم الی یوم الدین. توکلت علی الحی الذی لایموت. رب یسرولاتعسر بمحمد و آله الطیبین الطاهرین. امابعد فنقول: ومن الادلة الشرعیة الاجماع وتحقیق الحال فیه یستدعی رسم مقدمة وبیان مقالات:

انجام: مقالة: بعد ماعرفت ان المصطلح علیه فی الاجماع هو اتفاق الکل اوالاتفاق الکاشف... لو اتفق الاصحاب علی اقوال لکن انکشف من القولین منها عن عدم خروج الحق عنها (تمام نیست گ ٤۸ ب ــ ۷۱ ب ش ۱۱۳٦/٦).

[۱٦۲۷-۱٦۳۰]

۱۱۳٦ این نسخه‌ها ش ۱و۳و٥و٦ دفتراست و بنستعلیق ریز و درش ۱ حاشیه‌هائی برآن هست که یکی بانشانه «منه عفی عنه» میباشد ودرش٦ خط خوردگیها وحاشیه‌ها هست.

همهٔ دفتر ۲۰۷گ ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد ضربی متوالی
اندازه: ۱۱×۱۸ و ۷/٥×۱٤ س ۲۱

[۱۳۸۹] زبدة الاصول (عربی)

شیخ بهائی دراین رساله مانندمختصر حاجبی وتهذیب حلی وبسیار گزیده‌تر و فشرده‌تر از آنها همهٔ مسئله‌های اصول را آورده و مانند ابن حاجب آنهم گویا بپیروی ازغزالی درمستصفی نمونه‌ای ازمنطق در آغاز آن گذارده‌است. این را او در۱۲ محرم ۱۰۱۸ بانجام رساند (۱).

۱ــ این رساله در ج ۱۲٦۷/۱ بخط شیخ ابوالقاسم خوانساری با حاشیه‌های بهائی بخط نستعلیق عبدالحمید صفای تفرشی باندازهٔ ربعی و بی‌صفحه‌شماری بچاپ سنگی رسید. بازهم در۱۳۱۹ بخط شیخ محمدصادق بن محمدرضای تویسرکانی باحاشیه‌های بهائی بنستعلیق در ۱۲۸ ص بغلی چاپ سنگی شده‌است. دراین چاپ است که تاریخ

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

آغاز : بسمله . و به ثقتی . ان ابهی اصل یبتنی علیه الخطاب واولی قول فصل ینتمی الیه اولوالالباب حمد من تنزه عن وصمة التحدید والقیاس . . . فیقول . . . محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی ... هذا یااخوان الدین ماتوفرت علیه دواعیکم ... من متن متین محرر الفصول یتضمن خلاصة علم الاصول فخلوالیکم زبدة وجیزة موصولة الی کنوزه و نخبة عزیزة مطلعة علی رموزه . . . و رتبتها علی خمسة مناهج .

انجام : والزم ماهو اقرب الی التقوی (والحمدلله علی نعمائه ... واملاه محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی . . . فی ثانی عشراول شهورالسنة الثامنة العشرالثانی بعدالالف والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطناً وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا) .

[۲۶۳۱]

۹۷٤ این نسخه بشیخ خوش است و با عنوانهای شنگرف دردوجدول شنگرف و لاجورد و دو صفحهٔ نخستین حاشیه سازی شده بزر و شنگرف و لاجورد و سرلوحی زیبا در آن هست . در ۱ الف دارد : « شیخ محمد علی واعظ تلواسکانی

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

نگارش بهائی آمده است . آقای نفیسی چاپ دیگری از آن بسال ۱۳۰۲ باحاشیه محمدحسین نشان داد (ص ۱۰۳) .

شیخ جواد کاظمی شاگرد بهائی نخستین بار و بدستور او بنام غایة المأمول و محمدباقر استرابادی طالقانی نیز شاگرد او و محمد حرفوشی م ۱۰۵۱ و سلطان العلماء م ۱۰٦٤ و ملاصالح مازندرانی م ۱۰۸۱ و محمد زمان تبریزی شاگرد مجلسی و آقاحسین خوانساری؛ و محمدعلی کربلائی بفارسی در ۱۱۹٦ و قاینی در ۱۲۳۲ و سیدعلی خوانساری زندهٔ در ۱۲٤٤ بنام ملین الحدید و محمدهاشم چهارسوقی م ۱۳۱۸ و شیخ علی جزائری و محمدتقی طبسی و حمدالله سندلوی بر زبده گزارش نوشتند و میرزاقوام الدین محمد سیفی قزوینی در ۱۰۳۱ بیت بسال ۱۱۰٤ و شیخ اسدالله غدادی آنرا بنظم درآوردند (کنتوری ۷ ـ ۲۳٦ ـ سپهسالار ۱ : ۳ ـ ۵۸۱ و ٦۱۸ ـ نفیسی در سرگذشت بهائی ص ۱۰۳ و ۱۵۵ و ۷ ـ ۱٦٦ ـ ص ۱۷۷۸ همین فهرست) در ذریعه (۱۰۲:٦) نه حاشیه برای آن یاد گشت که یکی حاشیه خود بهائی است که پاره از آن در چاپها دیده میشود و نسخه‌ای از آنهم در فهرست سپهسالار (۵٦۹:۱) شناسانده شد .

۱۳٤۰ » و گویا دارندهٔ نسخه بوده است .

(۳٤۱ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی

اندازه : ۱۲×۱٦/۵ و ٦×۱۲/۵ س ۱۲

[۱۳۹۰] شرح مختصر منتهی (عربی)

قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی (ایگی) شیرازی شافعی (نزدیک ۷۰۰ - دژ دریمان فسا ۷۵٦) دانشمند اصولی متکلم بر مختصر منتهی السئوال والامل فی علمی الاصول والجدل ابن الحاجب این گزارش را بدرخواست شاگردان نوشته و در ۷۳٤ آنرا بپایان رساند. درمجالس المؤمنین شوشتری (مجلس ۷ دنبال دنبال سرگذشت آملی) دارد که عصام الدین اسفراینی (۹٤۳ یا ۹۵۱) درحاشیهٔ شرح آداب عضدی نوشته که دوازده تن از دانشمندان روزگار نزد ایجی میآمده ودر نگارش و تصنیف بدو کمک میکردند از آنها بودند نیای همین اسفراینی وسیف الدین ابهری (۱) .

---

۱ ـ در علم اصول ابی الحسن محمد بن علی بصری معتزلی شافعی م ٤۵۳ المعتمد نوشته وغزالی م ۵۰۵ المنتحل فی علم الجدل (ابن خلکان ش ۵٦۰) والمنخول نگاشت (ش ۹۰ فهرست طوس ۲ : ۲۱۱ ـ ش ۱۳۵ فهرست بهارهند ۲ : ۱۵٦ ـ دیباچه بوایژ بر تهافت ص XI حاشیهٔ ٤ ش ۱۸۸ اصول الفقه کتابخانهٔ مصری قاهره) ودر آن از ابوحنیفه بدگفت . ابن خلکان (ش ۵٦۰) ویافعی درمرآت الجنان (۱۷۹:۳) آنرا از خود غزالی دانستند ولی ابن حجر هیثمی درالخیرات الحسان فی مناقب النعمان ص ۳ و نگارندهٔ منتهی الکلام آنرا ازمحمود غزالی معتزلی پنداشتند چه محمد غزالی دراحیاء ازپیشوای حنفیان بنیکی یادکرد (نیز همان فهرست بهار) مگر اینکه هنگامی نوشته باشد که هنوز جوان بوده و بعلوم جدل میپرداخت . غزالی مستصفی (نگارش ٦ محرم ۵۰۳) هم دارد . امام رازی م ٦۰٦ معتمد ومستصفی را بیاد سپرده و ازروی آندو «محصول» خودرا نگاشت وعبارتهای آندو را درآن آورد (ش ۸۷ طوس ۲ : ۲۱۰) ویکبارهٔ دیگر خودهم از آن گزین نمود (ش ۸ طوس) قاضی تاج الدین محمد بن حسین ارموی م ٦۵٦ ازروی محصول « حاصل » وسراج الدین ابوالثناء محمود بن ابی بکر ارموی

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله الذی برأ الانام وعمهم بالاکرام والدعوة

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

م ۶۷۲ ازروی حاصل «تحصیل» نوشته است. قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی م ۶۸۵ ازروی حاصل «منهاج الوصول» نگاشت (چلبی ازروی گفتهٔ شیرازی ۲: ۳۹۳ و ۳۵۸ و ۵۵۴ ـ دیباچهٔ معراج الاصول ش ۷۷۹ ـ شرح اسنوی برمنهاج بنام نهایة السؤل چاپ مصر در ۱۳۴۳ ج ۱ ص ۳).

این بود سرگذشت منهاج الوصول بیضاوی . دربارهٔ مختصر حاجبی باید دانست که آمدی در ۶۲۵ احکام خود را بپرداخت وابن الحاجب چنانکه دربارهٔ غایة الوصول خواهیم گفت مختصر منتهی را از روی آن نگاشت . آمدی هم ناگزیر از محصول وچنانکه از کتابش پیدا است ازسخنان قاضی عبدالجبار وابوالحسین بصری وابوهاشم وقاضی ابی بکر وغزالی وابوبکر رازی وابوالحسین خیاط ومحمدبن جریرطبری بهره برده است .

ابن حزم اندلسی ظاهری (۳۸۴ـ۴۵۶) پیش از رازی و آمدی « الاحکام لاصول الاحکام» نوشته ودرمیان دانشمندان شیعی سید مرتضی (۳۵۵ـ۴۳۶) ذخیره نگاشت (کنتوری ص ۲۱۹) و شاگردش ابوالصلاح حلبی بر آن گزارش نوشت (روضات ص ۱۲۸ مقابس ص ۱۱) مرتضی ذریعه هم دارد که از بهترین نگارشهای اصولی است (ص ۲۲۰ کنتوری ـ ش ۳۶ طوس ۲ : ۱۹۶) همچنین شیخ طوسی (۳۸۵ ـ ۴۶۰) هنگامیکه هنوز سید مرتضی زنده بود « عدة الاصول » بپرداخت او دردیباچهٔ آن میگوید که کسی پیش ازمن جزمفید آنهم مختصری دراینعلم چیزی ننوشت و « امالی و مفردات » هم که مرتضی نوشته است نگارشی نیست که بدان بتوان بازگشت داد (چاپ بمبئی در ۱۳۱۸) ـ علامه حلی برای ذریعهٔ مرتضی « النکت البدیعة فی تحریر الذریعة فی اصول الفقه » نگاشته (ص ۲۴ خلاصة الاقوال) و فرید خراسان ابی الحسن علی بن زید بیهقی «تلخیص مسائل من الذریعة» نوشته است (ابن شهر آشوب ش ۳۳۴) وقطب راوندی الهستقصی درگزارش همین ذریعه وعمادالدین ابی القاسم محمدبن علی طبری آملی کجی شاگرد او « شرح مسائل الذریعه » و سید کمال الدین المرتضی بن المنتهی بن الحسین بن علی الحسینی المرعشی « شرح کتاب الذریعه » نوشته اند (فهرست قمی ص ۷ و ۱۱) .

پس ازهمهٔ اینها ازبهترین کتابهای اصولی که فلسفهٔ تشریع اسلامی هم درآن بخوبی روشن گردیده الموافقات شیخ ابواسحق ابراهیم بن موسی غرناطی شاطبی م ۷۹۰ را میتوان نام برد که با بهترین روش علمی درآن کار کرده است .

الی دار السلام وخص من شاء بمزایا الانعام والتوفیق لدین الاسلام .

انجام : ارشدنا الله وایاکم لما ینفعنا فی الدنیا والآخرة .. وزادنا من فضله انه هو المستعان وعلیه التکلان والله الهادی الی سبیل الرشاد .

[۱۶۳۲]

۱۰۱۰ این نسخه بنسخ خوش روشن با عنوانهای شنگرف وبا حاشیه‌های نستعلیق وریز کناهی گرد آنها خط سرخ کشیده شده ومتن در آغاز نسخه دربالا و کنار صفحه‌ها گذارده شده است . محمد قاری رودآوی در پایان جمادی دوم سال ۸۳۶ نسخه را نوشته است .

نویسندهٔ حاشیه‌ها ودارندهٔ نسخهٔ محمد اشرف بن محمد عبدالحسیب بن سید احمد حسینی فاطمی علوی عاملی میباشد وپدر اوهم دارندهٔ نسخه بوده ودررویهٔ برگ پیش از کتاب بخط نسخ درشتی ازخود یاد کرد درهمانجا بخط نستعلیق نوشته شده که در ۲۶ صفر ۱۰۵۵ بخواندن آن پرداختم ـ درپشت همین برگ پس از گزارش حدیثی بنستعلیق دارد : « کتب فی یوم الخمیس ٤ ربیع الآخر سنة ۹۷۲ در بلدهٔ بیجا پور وقت العصر » واین یکی خط «اشرف» نیست .

نویسندهٔ حاشیه‌ها این نشانه‌ها را برای آنها گذارده است تا بدست آید که از کدام یک از شرحها گرفته شده :

ن : برای کرمانی نگارندهٔ «النقود والردود» (۱) . ق : برای قطبی (شرح قطب الدین شیرازی) . ب : برای تستری (بدرالدین) . س : برای سید (گویا سید رکن الدین موصلی) . ح : برای حلی (جمال الدین) . ط : برای خطیبی (شمس الدین) . م : برای آمدی (سیف الدین) . جع : برای خونجی (زین الدین) . ص : برای اصفهانی (شمس الدین) . ش : برای تفتازانی (سعدالدین) . « اشرف » بجای « من نحشی » . آمدی برای الاحکام . سید قدس سره : برای «من جدی السید الشریف العلامه» (۱۹۷ ب بخط نستعلیق) نیز میگوید که اگر زیر «اشرف» حرف «میم» بگذارم میرساند که آن

---

(۱) ـ محشی نقود وردود انگاشتهٔ کرمانی (شمس الدین محمد بن یوسف شافعی م ۷۸۶ شاگرد ایجی و محشی شرح او) میدانند چنانکه درفهرست بهار هند (۲ ، ۱۵۸) هم چنین گفته شده است (مفتاح السعاده ۲ : ۵٦) ولی چلبی آنرا از اکمل الدین محمد بن محمود رومی بابرتی حنفی م ۷۸۶ دانسته مانند فهرست طوس (۲ : ۱۹۶ ش ۳۷) وفهرس خزانهٔ تیموری (۳ : ۱۸۷) ـ درشذرات الذهب (٦ : ٤ ـ ۲۹۳) از کرمانی و بابرتی ودوشرح آنها برمختصر حاجبی یاد شده ولی نامی از «نقود وردود» برده نشد (نیز : سپهسالار ۱ : ۵۸٦ ـ معجم المطبوعات ص ۵۰۳) .

حاشیه نزدم ارزش دارد و اگر نه «ه». اگر پس از «اشرف» حرف «ه» بگذارم میرساند که من آنرا هنگام خواندن این کتاب نوشته‌ام و از شرح شرح و دیگر شرحها چیزی نزدم نبوده است. اگر نباشد میرساند که من آنرا هنگام تدریس نوشته‌ام (۱۹۸ ب).

در پشت برگ پیش از کتاب بشتعلیق دارد که این نشانه (۷) میرساند که مسئلهٔ برابر آن برایم روشن نگشت: «کلما علمت بهذه الصورة ۷ فی هذا الکتاب علامة بان ما تحققت المسئلة التی فی مقابلها» در حاشیه‌ها از شرح الشرح هم هست.

این نویسندهٔ حاشیه‌ها همان میرمحمد اشرف فرزند محمد عبدالحسیب فرزند نظام الدین میرسید احمد فرزند زین العابدین عاملی سپاهانی شاگرد مجلسی و نوادهٔ میرداماد میباشد. اوستکه برای شاه سلطان حسین صفوی در ۱۱۰۲ «فضائل السادات» نگاشته است.

(هدیة الاحباب ص ۱۷۷ ـ روضات ص ۱۱٦ و ٦۲٥ ـ همین فهرست ص ۱٥۷۲ ـ فهرست طوس ٤:۱٦۱ و ٥ : ۲۹۸).

در رویهٔ برگ پیش از کتاب دارد: «مشتمل برحواشی سید داماد بخط خودش».

در گ ۱ الف دارد: هو هو لاسواه. مما حوته نوبة احوج الخلق الی الرب الغنی محمد بن محمد المدعو بباقر داماد الحسینی ختم الله له بالحسنی».

دارندهٔ دیگری درهمانجا نام خود را نوشته: احمد بن حاج شیخ . . . (سیاه شده) شیرازی در ربیع یکم ۱۲٦٤.

(۳۱۹۷ ب) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ مقوائی با ابره گردان

اندازه: ۱۸×۲۷ ــ ۹×۱٦ ص ۲٥

[۱۳۹۱] غایة الوصول وایضاح السبل (عربی)

فی شرح مختصر منتهی السؤال والامل فی علمی الاصول والجدل

جمال الدین ابی عمر عثمان بن الحاجب کردی اسنوی مالکی (٥۷۰ - ٦٤٦) دانشمند ادیب اصولی نگارندهٔ کافیه و شافیه از روی «احکام الاحکام فی اصول الاحکام» علی بن محمد آمدی حنبلی شافعی (م ٦۳۱) نگارش ٦۲٥، منتهی السؤال والامل فی علمی الاصول والجدل نوشته سپس آنرا کوتاه ساخته وبساخت مختصر المنتهی در آورد و آن همانست که درمیان دانشمندان سنی و فرزانگان ایرانی (تا نگارش معالم عاملی) متن درسی بوده‌است. از شیعیان محمد بن محمود آملی (م ۷٥۰ واندی) (مجالس المؤمنین شوشتری مجلس ۷) بر آن گزارش نوشته‌است. درهمین روز گار علامهٔ حلی (٦٤۸-۷۲٦) هم بنام «غایة الوصول وایضاح السبل

فی شرح مختصر السئوال والامل» بر آن گزارش نوشته و در آن روش احکام آمدی ومحصول رازی را بکار برده است.

از این گزارش پیداست که این دانشمند شیعی در آن بر ابن الحاجب نتاخته و آنچنانکه یك گزارندهٔ را میشاید با او ساخته وهمان سخنان او را روشن داشته و گاهی باختلافی که دانشمندان شیعی در این علم با او دارند آنهم باندازه‌ایکه درخور این گزارش باشد یا اگر خود او هم آنرا یاد کرده باشد اشارت نمود.

حلی در فهرست نگارشهای خویش که در خلاصه (بسال ٦۹۳) ودر اجازهٔ بمهنا (بسال ۷۲۰) گذارده است از این گزارش بهمین نام یاد کرده و گفت که: «وهو شرح اصول ابن الحاجب، مجلد». او در این گزارش دارد: «ذکرناه فی کتاب الاسرار» و «قد اوضحنا الحق فی کتاب مناهج الیقین» (گ ۱۳ ب و ۷۰ الف).

و اینجو همانست که در خلاصه و اجازهٔ مهنا بنام الاسرار الخفیة فی العلوم العقلیة (مجلد) ومناهج الیقین فی اصول الدین (مجلد) یاد شده است. او اسرار را برای هارون بن شمس الدین جوینی م ٦۸٥ نوشته بود (نسخه‌ایکه نگارندهٔ ذریعه [۲ : ٤٥] در گنجینهٔ آستانهٔ نجف دیده است).

در آستانهٔ طوس نسخه‌ای از این غایة الوصول هست که در ۷۱۱ نوشته شده‌است (ش ٦۳ و ٦٤ ج ۲ ص ٤ – ۲۰۳ – نیز ش ٥۹ ص ۱۱۷ فهرست فاضلیه) پس حلی میان ٦۸۸ و ۷۱۱ این گزارش بپرداخته است.

اگر نسخهٔ این کتابخانه در آغاز وانجام کم و کاستی نمیداشت شاید آگاهی بیشتری از آن بدست میآمد.

عسقلانی در الدرر الکامنة فی اعیان المائة الثامنة (۲ : ۷۱) میگوید که گزارش حلی در روشن ساختن سخنان ابن الحاجب بسیار نیکو است. کرمانی در النقود والردود هم بسیاری از گفته‌های او را آورد (کشف الظنون ۳۹۱).

چلبی بی آنکه نامی بدان دهد میگوید (۲ : ٥٤۰) که گزارش حلی

دردوجلد است وبروش احکام ومحصول میباشد.

ابن کثیر درالبدایة والنهایة (۱۴ : ۱۲۵) میگوید که نگارشهای حلی بیش از ۱۲۰ مجلد است وشمارهٔ آنها به ۵۵ مصنف میرسد درفقه ونحو واصول وفلسفه و رفض و جز اینها کوچك و بزرگ و گزارش شرح اصول ابن الحاجب او میان دانشجویان شهرت بیشتری دارد ولی چندان برتری ندارد ومن دومجلددراصول فقه بروش احکام ومحصول ازاودیدم که بدك نیست ونقلهای خوب وتوجیه نیکو دارد عسقلانی نیزمیگوید (همانجا) که گویند نگارشهایش به ۱۲۰ میرسد.

آغاز : الحمدلله ذی العزة والجلال . . (من معانیه صرفنا الهمة الی کشف اغواره و ایضاح اسراره . . . ولم یتجاوز حدالشرح فی هذا الکتاب بذکر مایعتمد علیه من المسائل بل اقتصرنا علی تحلیل معانیه وسمیناه و بغایة الوصول وایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السئول والامل ») .

انجام : (اقول اختلف الناس فی تجویز التقلید فی العقلیات المتعلقة بالاعتقاد کوجود الباری ... وقال عبدالله بن الحسن العنبری والحشویة والتعلیمیة بجواز ذلك وقال آخرون بتحریم النظر فیها وان الواجب فی مثل هذه المسائل التقلید والدلیل علی وجوب المعرفة ان) .. فهذا آخر ما اردنا ایراده.

[۱۶۳۳]

این نسخه نسخ کهنه با عنوانها ونشانههای شنگرف میباشد وآغاز وانجام آن آنچنانستکه درمیان دو کمانه نوشته شده و کم دارد ومانا نسخهٔ روزگار حلی باشد چه درهامش گ ۲ ب عبارتی بنسخ دارد که درست خوانده نمیشود وبریده شده وکلمهٔ «فرائد» خوانده میشود و گویا گواهی برخواندن نسخه نزد او یا بر مقابله باشد ودر زیر آن دارد «خط الشارح رحمه الله». در گ ۲۷۰ ب مهر (فرج الله) دارد.

(۳۲۷۱ء) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سبزضربی

اندازه : ۱۴۰ × ۲۲ ـ ۸/۵ × ۱۷/۵ س ۲۵

[۱۳۹۲] **فرائدالاصول** (عربی)

حاج شیخ مرتضی بن محمد امین بن شمس الدین بن احمد بن نورالدین بن

محمد صادق انصاری شوشتری دزفولی نجفی (دزفول ۱۲۱۴ - نجف شب شنبه ۱۶ یا ۱۸ ج ۲/۱۲۸۱ در ۶۷ سالگی) دانشمند بیمانند شیعی وفقیه اصولی رجالی شاگرد سید مجاهد وشریف العلما و شیخ موسی و شیخ علی پسران کاشف الغطا وملا احمد نراقی (۱) ونگارندهٔ جواهر بوده و از بحرالعلوم و ملامهدی نراقی روایت داشته است. او مرید و پیرو حاجی سیدعلی شوشتری مجتهد عارف بوده است.

شاهکارشیخ انصاری دراینست که مسئلههای باریك وبغرنج اصولی راهم مانند صدرای شیرازی درفلسفه وعرفان بسیار ساده وروان نوشته وهم موشکافی کرده آنچه میبایست دامنهٔ بررسی و کاوش را گسترش داد واز چیزی فرو گذار نکرده است. دربارهٔ نگارش او سهل وممتنع میتوان گفت که هم بسیار آسان می نماید و هم بسیار باریك بینی در آن شده است. دیگر اینکه او دراین دانش شالودهٔ دیگری ریخت وبخش بندی دیگری کرده است وبروش دیگری بجستجو پرداخت کهدر نوشتههای پیشینیان دیده نمیشود. سوم اینکهمیتوان گفت که پس از احکام آمدی ونهایهٔ حلی کتابی موشکافانهو گسترده و کلان نوشته نشده مگر اینکه مختصر حاجبی و گزارشهای آن ومانند آن را بشمار بیاوریم ودرمیان دانشمندان شیعی هم پس از حلی گویا پیش از انصاری بخوبی فرائد کتابی ننوشتند (۲).

۱- بنگرید به : روضات ص ۲۸ درسرگذشت احمد نراقی ودر ۶۳۷ درسرگذشت مرتضی داعی بنام «صاحب الفرائد فی المسائل الاربع الاصولیة والقاصد العمد من الادلة العقلیة» - مستدرك ۳ : ۳۸۲ - احسن الودیعه ۱ : ۱۴۷ - قصص العلما ص ۷۵ و ۴ ـ کنی والقاب ۲ : ۴۵۹ - فوائد رضویه ۲ : ۶۶۴ - هدیة الاحباب ص ۱۶۸ - ریحانة الادب ۱ : ۱۱۵ - طرائق الحقایق ۳ : ۲۱۶.

۲- این را هم باید گفت که درهمین سالها بودند کسانیکه دربخشهای این دانش جداگانه کتاب نوشتند.

اینست نمونهای از آن کتابها :

ـ حجیة ظن خاص فخرالدین بن محمد بن علی طریحی نجفی ۱۰۸۵ء که در آن از محمد

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

شیخ انصاری بمسئله‌های الفاظ نیز میپرداخته و شاگردش کلانتری درسهای او را دراین زمینه گرد آورد ولی گویا بمسئله‌های عقلی اصول ارزش بیشتری میداده و میخواسته اصول را بساخت حکمت تشریع و فلسفهٔ حقوق درآورد وبراستی هم توانست شالودهٔ آنرا هرچه نیکوتر بریزد. اومباحث‌معنوی اصول‌را درفرائد که رسائل‌هم میخوانند روی سه گونه شناخت : قطع وظن وشك بخش

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

امین استرابادی خرده گرفته، وحجیة‌الظن‌الطریقی شیخ اسدالله دزفولی م ۱۲۳٤ ورساله‌های‌حجیة‌المظنة عبدالوهاب شریف قزوینی پیش‌از ۱۲٤۰ وسید محمد مجاهد م۱۲٤۲ واحمدنراقی م۱۲٤٤ومحمدعلی کاظمی م پیش‌از ۱۲٤٦وشیخ‌محمدتقی‌تهرانی سپاهانی م۱۲٤۸وشیخ علی‌بن کاشف‌الغطا م۱۲۵۳وعبدالمطلب سپاهانی عباس‌آبادی در۱۲۵٤ ومحمد جعفر شریعت‌مدار استرابادی م ۱۲٦۳ و صدرالدین محمد سپاهانی م ۱۲٦۳ ومحمد تقی اردکانی م ۱۲٦۷ .

در بارهٔحجیت شهرت سیدعلی‌طباطبائی م۱۲۳۱دورساله‌داردوپسرش سیدمجاهدهم رساله نوشت . دربارهٔ حجیت ظواهر کتاب محمد باقر بهبهانی م ۱۲۰٦ و سید علی طباطبائی و محمد علی کاظمی و سید مهدی طباطبائی م ۱۲٦۰ استاد انصاری رساله دارند . درحجیت عقل وحسن وقبح عقلی و رد براخباریان واشعریان سید عبدالله شبر حلی کاظمی (۱۱۸۸ـ۱۲٤۲) در۲۵سالگی‌خود در۱۲۱۳ رساله‌نوشت . پس شالودهٔ بخش‌بندی‌انصاری‌بدست این‌دانشمندان ریخته شده‌بود .

ازدانشمندانیکه‌انصاری‌را دریافته یااینکه‌شاگرداوهم بوده‌اند برخی دراین‌مسئله کتاب‌دارند مانند میرزا محمد علی شهرستانی م ۱۲۸۷ ومیرزا ابوالقاسم‌نوری‌تهرانی کلانتری م۱۲۹۲ که درسهای‌استاد خود انصاری‌را تقریر کرده ومباحث الفاظ‌آن بنام مطارح‌الانظار بچاپ‌رسید که‌حجیت‌مظنه نوشتند. همچنین‌محمدحسین‌طباطبائی‌تبریزی م ۱۲۹٤ رسالهٔ ظن خاص نوشته است . نیز محمد نراقی م ۱۲۹۷ و محمدتقی هروی سپاهانی م ۱۲۹۹ومحمدباقرتهرانی سپاهانی م۱۳۰۱ ومحمد فاضل ایروانی م ۱۳۰٦ و محمد تقی بشت مشهدی کاشانی پیش‌از ۱۳۰۷ و محمدحسین شهرستانی م ۱۳۱۵ وابوالمعالی کلباسی م ۱۳۱۵حجیت مظنه نوشته‌اند وابوالقاسم نراقی م ۱۳۱۹ حجیت ظن خاص نوشت .

همین انصاری ومیرزا محمد تنکابنی م۱۳۰۲ و گنمامی م ۱۳۰۵حجیت ظواهر کتاب نوشته‌اند (ذریعه ٦ : ۲۷۲و۲۷٦) .

کرده وحکم‌وحجیت هریك را روشن‌نمودوشاید بتوان گفت که‌او برای مباحث لفظی هم درهمین‌بخش قاعدهٔ کلی بدست داد . ازدیباچهٔ چاپ۱۳۰۳ ازشوشتری برمیآید که همین شاگردش آنرا تدوین نموده و گردآورده و آماده برای چاپ کرده است .

این کتاب تا نزدیك هفتاد سال دراصول تنها کتاب‌علمی دانشجویان دینی ایران‌وعراق بوده‌است تااینکه‌آخوندملامحمد کاظم هروی‌خراسانی (م ۱۳۲۹) کفایة‌الاصول خود را فشرده‌تر و گزیده‌تر آنهم بسیار پیچیده و بغرنج نگاشته وآنرا پس‌ازاین فرائد درمدرسه‌های نجف وقم ودیگرشهرها میخوانند .

درذریعه (٦ : ۱۵۲) هشتاد و دوحاشیه برای فرائد شمرده و چون کتاب درسی است هریك از دانشمندان شیعی بنکته هائی که در بارهٔ آن برخورده و میخورند آنهارا بنام حاشیه بنگارش در میآورند (۱) .

۱ـ دومقصد نخستین فرائد (قطع و ظن) بنام حجیة‌المظنة در۱۳ع۱۲٦۸/۲ با دیباچهٔ عبدالحسین‌بن محمد رضای شوشتری بخط نسخ با حاشیه‌هائی بخط نستعلیق بکوشش ملامحمدیوسف دماوندی‌بامقابله بانسخهٔ مصحح شیخ انصاری باندازهٔ خشتی وبی‌صفحه‌شماری بچاپ سنگی رسیده و چنانکه درذریعه (٦ : ۲۷۹) آمده حاشیه‌ها ازهمان شیخ عبدالحسین شوشتری‌است . درحاشیهٔ خطی نسخه‌ای ازاین‌چاپ که بانشانهٔ ٦٤۰ د در کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق هست دارد « ثم انه قد ذکر المصنف‌الاستاد فی مجلس‌الدرس ...» .

چاپ دیگری هم ازآغاز تا استصحاب فرائد بی‌دیباچه باندازهٔ رحلی دیده شده که تاریخ ندارد ولی درپایان آن‌دارد «هذاماجری تحریرقلمه‌الشریف ادام‌الله افاداته بمحمدوآله‌الطاهرین» درتوی جلدنسخه‌ای ازاین چاپ که بانشانه ۲٦۷پ در کتابخانهٔ دانشکده حقوق‌هست سه‌یادداشت‌خطی هست باتاریخهای۱۲۷۳و۱۲۸۰وحاشیه‌هائی‌هم بخط کسی درآن دارد وبرخی جاها با نشانهٔ «هروی» است وازاین عبارتها برمیآید که او یکی ازشاگردان انصاری است و این چاپ هم درزمان اوشده است . عبارتها بدینگونه است : یکجا دارد « ولعل‌الباء فی قوله سلمه‌الله : بالخطاب ، بمعنی‌اللام » درجای دیگر « لعلة ذکره‌الشیخ دام ظله فی‌المتن » نیز «سمع للمصنف دام ظله» .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

[۱۶۳۴]

۷۵۵ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که بکمالهٔ میرزا محمد هادی طالقانی تهرانی در ۱۲۶۷ بانجام رسید. خط خوردگی دارد. در ۱ الف دارد که نسخه در ۱۲۸۲ به قران فروخته شد بازدارد که درهمین سال خریده شد. گ ۱ ب – ۹۶ الف.

آغاز نسخهٔ ما که برابر است با ص۱۷۵–۱۹۹ چاپ ۳–۱۳۰۲ : بسمله . وبه نستعین الحمدلله رب العالمین . . . الی یوم الدین . المقصد الثالث من مقاصد الکتاب فی الشك . قد قسمنا فی صدرهذا الکتاب المکلف الملتفت الی الحکم الشرعی العملی فی الواقعة علی ثلثة اقسام .

انجام آن در «المطلب الثانی فی اشتباه الواجب بالحرام» : قال الغالب ان تدارك المهموم اهون من تدارك الفایة والله العالم – قد تمت الکتاب . . . وباعانة جناب المستطاب میرزا محمد هادی سلمه‌الله طالقانی الاصل وطهرانی المسکن بیدالاقل الطلاب (نویسنده

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

از چاپهای فرائد بازیکی نسخ تبریز است سال ۱۲۹۱ (طوس ۲ : ۲۲۳) وسنگی وزیری با دیباچه و بی صفحه‌شماری سال ۶–۱۲۹۵ وسنگی نسخ با دیباچه بکوشش ملامحمدبن آخوند ملاعلی و آخوند ملامحمد میرزا بن آخوند ملازین‌العابدین و حاج عبدالحسین بن آقابابا همه خوانساری در تصحیح ومقابله و بخط محمود بن سیدمحمدهاشم خوانساری در روز ۲۷ رمضان ۱۲۹۵ درزمان ناصرالدین شاه (طوس ۲ : ۲۲) نیز چاپ سنگی خط ملامحسن بن محمد خوانساری در ۱۳۰۲ با دیباچهٔ شوشتری بکوشش حاجی ملامحمد و حاجی عبدالحسین و حاجی میرزا محمد در ۱۳۰۳ با مقابلهٔ با چندین نسخهٔ تصحیح شده که در پایان آن دارد «هذا آخرماجری تحریر قلمه الشریف رفع‌الله مقامه بمحمد وآله» در ۳۵۴ ص وزیری؛ نیز همهٔ فرائد بادیباچه با تصحیح از روی نسخهٔ مصحح بکوشش حاجی میرزامحمد وحاجی ملاعلی اکبر وحاجی محمد حسن بخط حسن بن عبدالله خادم بفرمایش حاجی محمد حسین کاشانی درچاپخانهٔ میرزا حبیب‌الله در ۳۵۷ ص وزیری ، نیز چاپ ۱۳۱۵ تهران نسخ و سنگی با شرح وسیلة الوسائل محمد باقر یزدی (طوس ۲ : ۲۱۷ – معجم‌المطبوعات ص ۱۷۲٦) و چاپ ۱۳۱۹ با بحرالفوائد میرزامحمد حسن آشتیانی (طوس ۲ : ۲۹۷) و سنگی نسخ بی دیباچه با حاشیه‌های شیخ رحمة‌الله نستعلیق بخط مصطفی نجم‌آبادی در ۴۷۵ ص در ۱۳۲٦ .

نیز چاپ سربی ۱۳۷۳ در تبریز درچاپخانهٔ باستانی ، همچنین چاپ سنگی نسخ بی تاریخ و بی صفحه‌شماری و بی آن دیباچه دیده‌ام .

نام خود را نوشته سپس روی آنرا سیاه کرد و خوانده نمیشود) تحریراً فی شهر ذیحجة الحرام سنة ۱۲٦۷ – بسمله . قد قوبل بنسخة صححها بیده الجانیة : العبدالاحقر مرتضی الانصاری (–پس این مهر است :) «لااله‌الا‌الله الملك الحق المبین مرتضی الانصاری.»

(۹۶ ص) کاغذ فرنگی – جلد تیماج آبی ترنجی ضربی متوالی

اندازه : ۱۵/۵×۲۲ و ۹×۱۵/۵ س ۲۱

[۱۳۹۳] الفوائدالسنیة فی شرح النبذة الالفیة (عربی)

فی الاصول الفقهیة

شمس‌الدین محمدبن عبدالدائم بن موسی برماوی شافعی (ذی‌قعدهٔ ۷٦۳–۸۳۱) شاگرد بدر زرکشی وسراج بلقینی بوده وشرح عمده دارد (۱).

او مقدمه‌ای بنام «النبذة الزکیة فی القواعد الاصلیة» نوشته ودر آن از دلیل وخلاف یاد نمود سپس آنرا در ۱۹ ذیحجهٔ ۸۱۸ در بیش از هزار بیت (۷٦۰٤۰ بیت) بنظم در آورد و «النبذة الالفیة» نامید آنگاه آنرا در ۱۰ شعبان ۸۲۸ درمکه گزارشی گسترده با خلاف ودلیل نوشته و «الفوائدالسنیة» خوانده‌است مقدمهٔ این گزارش در تعریف و فائدهٔ اصول است وباب یکم در ادلهٔ فقه و تفسیر آنها و دوم آن در آنچه استدلال بر آن توقف دارد و سوم در تعارض ادله است وچهارمین باب دربارهٔ کسانیکه شایسته‌اند که با ادله استدلال کنند .

آغاز النبذة :

باسم‌الحمید قال عبد یحمد — ذاالبرموی الشافعی محمد
الحمدلله الذی من وفقنا — للفقه فی الدین و اصله ارتقنا
ثم الصلوة والسلام الابدی — علی النبی الهاشمی محمد
و بعد فالقصد علی رویة — نظم اصول‌الفقه فی الفیه
معری من‌الخلاف والدلیل — و نبذتی اصل لذا التأصیل

۱– بنگرید به: حسن‌المحاضرة سیوطی ۱ : ۱۸٦ (نیز پشت برگ بی شمارهٔ آغاز این نسخهٔ ما ازهمین کتاب سیوطی) – چلبی ۲ : ۵۸۲ .

* * *

ابوابها اربعة منظمة — بعدالتی جعلته مقدمة

انجام آن :

تم بحمدالله ما نظمته — ارجوا به‌النفع کما قصدته

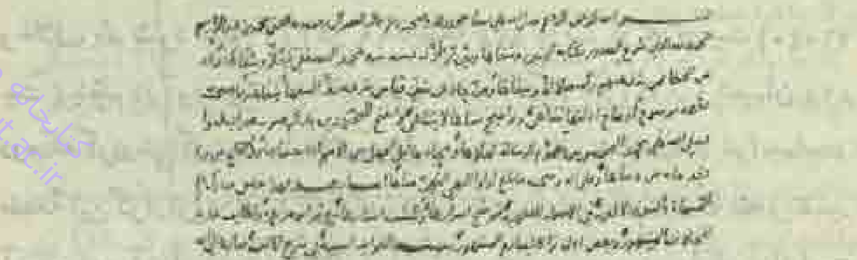
تاسع عشر حجة من سنة — ثمان عشر و ثمانی مائة

وان علی الالف ربت قلیلا — قسمها الفیة تقیلا

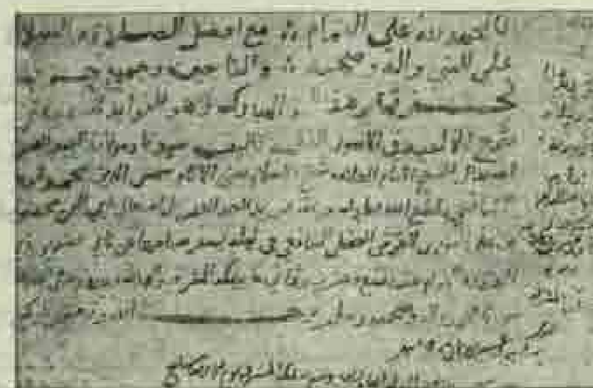
(دنبالهٔ آن و آغاز و انجام گزارش در کلیشه دیده میشود) :

[۱۶۳۵]

۹۷۶ این نسخه بخط نسخ کهن و باعنوانهای شنگرف میباشد و ابی الیمن محمد بن ... بن علی تویری قرشی عقیلی شافعی نوشتن آنرا در شب ۲۲ ذی‌قعده ۸۲۹ درزمان برماوی بانجام رسانده ، خط برماوی در پایان نسخه دیده میشود . در گ ۱



آغاز الفوائد السنیة



انجام الفوائد السنیة

الف خط دارندگان نسخه هست و یکی از آنها که خوانده شده از شیخ محمد ... ابن عبدالله فیروزحنبلی است. بیزدا رو قیمت ٤۱ قروش (بر پشت برگ بی شمارهٔ آغاز) .

(۲۲۳گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی عطوالی
اندازه : ۱۸×۲۷ و ۱۴×۲۳ س ۲۲

[۱۲۹٤] الفوائدالمدنیة (عربی)

مولی محمد امین بن محمد شریف استرابادی اخباری (م ۱۰۳۳) ازدشمنان سرسخت مجتهدان بوده و بآنان در کتابهای خویش بسی تاخته‌است. او ازعلامهٔ حلی در اینکه خبررا چند گونه (صحیح و حسن وموثق وضعیف) بخش کرده‌است نکوهش نمود یا اینکه نخستین بار ابی الفضائل جمال الدین احمدبن موسی بن طاوس حلی (م ٦۹۳) نگارندهٔ بشری بدین کار پرداخت (روضات ص ۱۹ و ۳٤ - جامع المقال فخرالدین طریحی باب ٥٦ ش ۹۸۹ گ ۱۰٤) درروضات الجنات (ص ۳۳ - ۳۹) پاره‌ای از گستاخیهای او در برابر این دانشمندان آمده و پاسخ داده شده‌است او در دانشنامهٔ شاهی خود که پس ازفوائد برای قطب شاه و بروش اربعین فخر رازی در چهل فائده نوشته است درفائدهٔ یکم میگوید که ابن جنید اسکافی که قیاس بکارمیبرد و عمانی متکلم از سنیان پیروی کردند ومفید از اینان پیروی نمود ومرتضی و طوسی هم نیز راه او را گرفتند تا اینکه علامهٔ حلی هم مانند آنها در کلام واصول فقه روش سنیان و اخباریان هردو را بکاربرد و ندانسته اخبار را بچهار بخش کرده است وشهید یکم و دوم و شیخ علی هم ازاو پیروی کردند تااینکه میرزامحمداسترابادی آمد و بمن دستورداد که روش اخباریان را زنده کنم وفوائد مدنیه نوشتم و باو نمودم و پسندید .

دانشمند استرابادی دراین کتاب که دردیباچه آنرا «الفوائدالمدنیه فی الرد علی قال بالاجتهاد والتقلید فی الاحکام الالهیة » نامیده ودر یک مقدمه و دوازده فصل ویک خاتمه گذارده‌است نیز بمجتهدان تاخته وروش اخباری را برتری نهاد او این کتاب را در ربیع یکم ۱۰۳۱ درمکه بپایان رساند و بچاپ هم

رسیده‌است (ش ٦٧ ج٢ فهرست طوس و ش ٢٨٥ ج١ سپهسالار) سید نورالدین علی بن الحسین بن ابی الحسن علی موسوی عاملی جبعی (٠ ١٠٦٨) شاگرد شهید دوم در پاسخ این کتاب «الفوائد المکیة» نوشته است (کشف الحجب ٤٠٦ – امل الآمل ٤٤٣).

شیخ مرتضی انصاری (٠ ١٢٨١) در فرائد الاصول یا رسائل (ص ٧ چاپ ١٣٠٣) گفتار او را در بارهٔ اینکه منطق از خطاء مادی عاصم نیست و نتیجه ایکه از اینجا گرفته است از فوائد مدنیه او (محکیا) آورده و رد کرد او در دانشنامهٔ شاهی هم همین سخن را دارد.

[١٦٣٦]

١٠٩٧ این نسخه ش ٥ دفتر است و بنستعلیق با عنوانهای شنگرف و حاشیه‌های (مه) دارد در برگهای جداگانه وچسبانده بیر گهای کتاب. گ ١١٠ الف – ١١٣ ب و ١٠٧ الف – ١٠٨ ب و پیش و پس صحافی شده است. نسخهٔ ما پاره‌ای از مقدمهٔ کتاب است.

آغاز: الفوائد المدنية في الرد على قال بالاجتهاد والتقليد في الاحكام الالهية تصنيف خاتمة العلماء المحققين مولانا محمد امين الاسترابادي قدس نفسه الزكية – بسمله. اما بعد حمدالله باعث النبيين... فاقول اني بعد ما قرأت الاصولين على معظم اصحابهما واستفدت حقائقهما ودقائقهما.

انجام: والقسم الثاني ما ينفرد العقل بالدلالة عليه وهو اما وجوب كرد الوديعة ... كما يقول بعض الاصحاب في عين الدابة نصف قيمتها ويقول الآخر ربع قيمتها فيقول المستدل ثبت الربع اجماعاً فينتفي.

(همهٔ دفتر ١١٣گ) – کاغذ فرنگی – تیماج مشکی تازه

اندازه: ١٥×٢١ – ١٠×١٥ س ١٩

[١٣٩٥] كاشفة الحال عن احوال الاستدلال (عربی)

ابن ابی الجمهور احسائی شاگرد شرف الدین حسن بن عبدالکریم فتال غروی خادم آستانهٔ نجف (مقابس ص ١٩) این دفتر را که در یك مقدمه و پنج فصل و یك خاتمه است بدر خواست بزرگی در طوس بسال ٨٨٠ بپرداخت و در آن

که مدخل و دیباچه‌ایست برای علم اصول چگونگی رسیدن باستدلال بر تکالیف شرعی را روی اصول دینی بروش خاندان پیامبر روشن نمود و آشکار ساخت که مجتهد را چه دانشها میباید و بکدام کتابها باید بنگرد و پاره‌ای از مبحثهای اصول و درایه را در آن آورد. در آن از بسیاری از دانشمندان مانند کلینی و ابن قولویه و ابن بابویه و مفید و مرتضی و طوسی و ابن ادریس و راوندی و محقق و ابن داود و علامه و پسر او و شهید محمد بن مکی و ابن فهد و شیخ مقداد سیوری و ابن متوج و زنجانی (٢١٧ الف) یاد گشته است. (کنتوری ص ٤١٨ – طوس ٢: ١٠٣ ش ٣٣١).

این کتاب بسیار لطیف است و نوری در حاشیهٔ بر مستدرك (ص ٣٦٣) گویا از همین است که بسیار ستوده و نمونه‌ای از مطلبهای آنرا نشان داده است.

آغاز: بسمله و به نستعين. الحمدلله مانح التوفيق و مسهل الوصول الى الطريق و ملهم الحق اهل التحقيق... فقد التمس مني بعض السادة ... ان املي له رسالة تشتمل على ما لابد منه في كيفية السلوك الى الاستدلال على التكاليف الشرعية ... فاجبته مع قصر باعي و اشتغالي باشغالي ... وسميتها بكاشفة الحال عن احوال الاستدلال ... ورتبتها على مقدمة وخمسة فصول وخاتمه.

انجام: فلنقطع الكلام مجدين لله تعالى على الوصول الى هذه الطريق والسلوك مسلك اهل التحقيق ومصلين على محمد و آله اهل التوفيق و نسئل منه الشفا من الرحيق و نستغفرالله من الزيادة والنقصان انه الكريم المنان (و كان الفراغ من كتابة هذه الفصول ٥٥٥) (١ گویا ١٠٥٥ است که تاریخ نوشتن ش ٦٩٣/١ هم هست).

[١٦٣٧]

٦٩٣ این نسخه ش ٢ دفتر است و بنسخ روشن ش ١ ولی جای عنوانها سفید گذارده شده است. گ ٢١٣ ب – ٢٣٢ الف.

[۱۳۹٦] الكواكب الضيائية فى شرح الزبدة البهائية (عربى)

بجز دوازده گزارشی که درسر گذشت بهائی از آقای نفیسی (فهرست نامها) آمده است (ص۱۷۰۲همین فهرست) این گزارش آمیخته را هم یوسف بن محمد حسینی قاینی خراسانی بر زبدهٔ بهائی نوشته و جزو نخستین آنرا که تا اجماع منقول و شهرت است در نیمهٔ جمادی دوم ۱۲۳۲ بپایان رسانده .

آغاز : بسمله . الحمدلله اس الموجودات و اساس الكائنات و مؤصل اصول الاشياء وبانى مبانى النسمات .. و بعد فيقول .. يوسف بن محمد الحسينى القاينى الخراسانى .. ان علم اصول الفقه لايخفى علو رتبته وعظم شأنه ومحله ... وقد صنف فيه العلماء ... مطولات جميلة و مختصرات مليحة لكن ماصنفه . . . الشيخ محمد بن حسين بن عبدالصمد العاملى الحارثى المشتهر فى الآفاق بالبهائى ... رسالة شريفة . . . وقد خطر ببالى . . . ان اكتب عليه شرحا . . . وسميته بالكواكب الضيائية فى شرح الزبدة البهائية .

انجام : بل الظاهر خلافه . تم الجزو الاول من الكواكب الضيائية فى شرح الزبدة البهائية على يد مؤلفه... يوسف بن محمد الحسينى الخراسانى منتصف جميدى الآخر سنة اثنين وثلاثين و مأتين بعد الف... ويتلوه الجزو الثانى بعون الله الموفق الباقى والله اعلم بالصواب .

[۱٦۳۸]

۷۷۷ این نسخه بخط نستعلیق است با نشانه‌های شنگرف ، در ۲ الف بامهر «عبده سیدعلی» دارد که نسخه نزد سید محمد طباطبائی عاریت میباشد ، در پایان تاریخهای تولد ۱۲۳۳ و۱۲۳٦ و۱۲٤۲ و۱۲٤٤ دیده میشود .

(۲۰۱گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹×۱۵ س ۲۱

[۱۳۹۷] لب اللباب (عربى)

مولی محمد جعفر استرابادی دراین رساله که بدرخواست برخی ازشاگردان

باشتابزدگی نوشته گزیده‌ای ازدرایه را درآن آورده و آن دریك مقدمه است (تعريف علم الرجال وموضوعه وبيان الحاجة اليه) و ۸ باب (تعريف الخبر وتقسيمه وانحاء تحمل الحديث و كون التذكية شهادة اوخبراً اوظنا اجتهاديا والفاظ الجرح والتعديل و لزوم ذكر باب الجرح والعدالة وتعارض الجرح والتعديل والرجوع الى كتب الرجال وتميز المشتركات) ويك خاتمه (مشائخ هذا العلم ورجحان بعضهم) دراين خاتمه فهرستی ازنویسندگان رجال است .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين اما بعد فيقول ... محمد جعفر الاسترابادى ... هذه رسالة فى علم الرجال كتبتها على سبيل الاستعجال اسعافاً (استجابة) لحاجة بعض الاحباب وسميتها بلب اللباب .

انجام نسخهٔ ۹۹٤/٤ : فعليك بملاحظة احوالهم من كتب الرجال ثم انه اختلف العلماء فى محمد بن اسمعيل . . نعم يصح القول بالاعتبار من جهة حصول الظن بالصدق والحكم (تمت الكتاب للرسالة المدونة فى علم الرجال من مصنفات مولانا الاجل ... الحاج ملاجعفر الاسترابادى فى يوم السبت من شهر ذى قعدة الحرام من سنة ثلث وستين ومأتين بعد الالف الكاتب الاقل قاسم ابن المرحوم مسيح الكيلانى الاصل الحائرى المسكن اللهم اغفرلى ولوالدى واستر عورتنا .. من رحمتك بحق محمد وآله سنة ۱۲٦۳) .

انجام در نسخهٔ ش ۱۱۰۹/۱ : ومنهم المولى الميرزا محمد الاسترابادى صاحب الرجال الكبير والوسيط والصغير الى غير ذلك من العلماء فعليك بملاحظة احوالهم من كتب الرجال (تمت فى سنة ۱۲۳۵) ــ برابر با گ ۱۱٦ الف س ۹ ش ۹۹٤/٤ ونزدیك بده س كه دربارهٔ محمد بن اسمعيل است ندارد .

[۱٦۳۹]

۹۹٤ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف و قاسم بن مسیح گیلانی درروز شنبه ذیقعدهٔ ۱۲٦۳ آنرا نوشت . گ ۵۱ ب ــ ۱۲۱ الف .

[۱٦٤۰]

این نسخه ش ۱ دفتراست و بخط نستعلیق ش ۳ میباشد. گ ۱ ب – ۲۷ الف – ش ۲ عبارتی است از تنقیح دربارهٔ آئین خاندان پیامبر و روایتهائی که از آنها شده است در گ ۲۷ ب – ۲۸ الف.

(همهٔ دفتر ۲۰۲ ص) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ زرکوب طوالی
اندازه: ۱۱×۲۰ و ۹/۵×۱۴ س ۲۰

[۱۳۹۸] مجمع الاصول (عربی)

شیخ محمدباقر بن محمدعلی مازندرانی شاگرد شیخ محمد بن فضلعلی بن عبدالرحمن ابن فضلعلی شرابیانی نجفی (۱۲٤۸–۳۲۲) درسهای استادرا دراین کتاب تقریر نموده است (۱).

آغاز: بسمله. اللهم انی احمدك علی ماالهمتنی سبل السعادة... فیقول... محمدباقر ابن محمدعلی المازندرانی... فی ایام توقفی فی الارض الغری حین حضرت فی مجلس درس بعض اساطین العلما مدالله اطناب ظلاله... اردت ان اكتب كلما سمعت منه من مسائل علم الاصول... وسمیته بمجمع الاصول.

۱– چنین است فهرست اصلهای آن:

اصل فی وجوب مالا یتم الواجب الا به (۱ ب – ۵۷ الف بخط اسدالله بن آقا نصرالله دردههٔ سوم جمادی دوم ۱۳۰۵).

اصل فی اقتضاء الامر النهی عن ضده (۵۸ الف – ۹٤ ب بخط همو در نجف در دههٔ یکم ربیع یکم ۱۳۱٦).

اصل فی اقتضاء الامر الاجزاء (۹۵ ب – ۱۲۲ الف ازهمو درهمانجا ودرهمانسال).

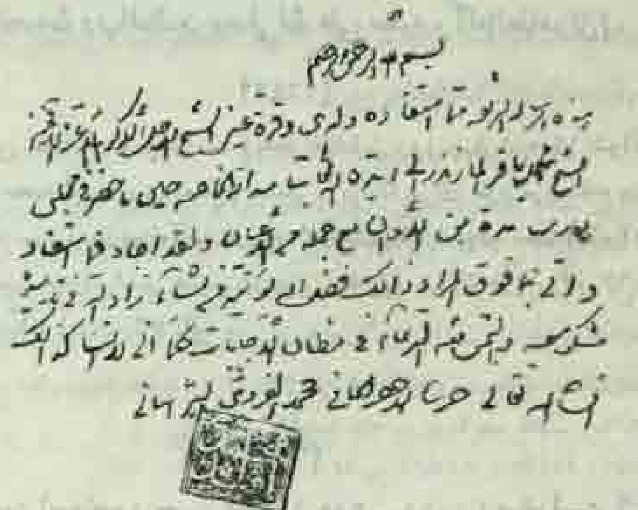
اصل فی اجتماع الامر والنهی (۱۲٤ الف – ۱٤۲ الف بهمانخط ودوصفحه سفیداست وگویا کم دارد).

اصل فی تداخل الاسباب والمسببات (۱٤۳ ب – ۱۵٤ ب)

اصل فی عدم معذوریة جاهل الحکم (۱۵۵ ب – ۱٦۵ ب دراینجو همان خط وچند صفحه سفید است وگویا کم دارد).

اصل فی التعادل والتراجیح (۱۷۵ ب – ۲۳۳ ب همانگونه خط در دههٔ سوم رمضان ۱۳۱٤) سرگذشت شرابیانی دراحسن الودیعه ص ۱۷٦ وعلماء معاصرین ص ۷٦ هست.

انجام: ویشهد بذلك ماقال العضدی فی تعریف الاستصحاب حیث قال ان الحكم الفلانی قدكان ولم یظن عدمه وكلما كان كذلك فهو مظنون البقاء. هذا تمام الكلام فی بیان تعادل(؟) والتراجیح (حرره الاحقر اسدالله ابن نصرالله المازندرانی المشترمستاقی(؟) حشرهما الله بفضله مع من یتولیهما من الائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین تحریراً فی العشر الثالث رمضان المبارك ۱۳۱٤).



خط دانشمند شرابیانی که گواهی میدهد که مازندرانی نگارندهٔ مجمع الاصول در آن ازاو بهره برده است. گ ۱ الف ش ۷۹۸

[۱٦٤۱]

این نسخه بخط نستعلیق روشن و با عنوانهای درشت‌تر است و اسدالله بن نصرالله مازندرانی در دههٔ سوم رمضان ۱۳۱٤ آنرا نوشت.

(۲۳۳ ص) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ ضربی طوالی
اندازه: ۱۵/۵×۲۱ و ۱۰×۱۵ س ۱۵

[۱۳۹۹] معارج الاصول (عربی)

محقق حلی (م ٦۷۷) دراین رسالهٔ کوچك گزیده‌ای از علم اصول را

در ده باب ودر ۲۷۰۰ بیت آورده است (۱).

آغاز : بسمله . الحمدالله علی سابغ نعمه وسابغ عطیته کما اشکره علی جلیل هبته وجمیل هدایته ... وبعد ذلك فانه تکرر من جماعة من الاصحاب ... التماس مختصر فی الاصول ... فاجبتهم الی ذلك ... وهو یشتمل علی ابواب عشرة .

انجام : فعلی هذا النهج یکون احتجاجك علی مایرد علیك من هذا الباب والله العاصم (والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین) .

[۱٦٤٢]

این نسخه ش ۱ دفتراست وبخط نستعلیق روز چهارشنبه ۱٤ شوال ۱۱۱۰ و محمد ابراهیم بن معصوم حسینی آنرا که برای خود نویسانده بود درچند مجلس مقابله نمود و بازپسین آنها درروز ۳ شوال ۱۱۱۰ بوده است (۱ و ٥۲ الف) سید مهدی پسر سید ابراهیم حسینی قزوینی نسخه را بردانشجویان در ۱۱٦۳ وقف کرده است . گ ۱ ب – ٥۲ الف .

[۱٤۰۰] معالم (عربی)

جمال‌الدین ابومنصور حسن عاملی (۹٥۹ – ۱۰۱۱) میخواست کتابی بنام « معالم‌الدین و ملاذالمجتهدین » دارای یك مقدمه (در دو مقصد : فضیلت علم ، مباحث مهم اصول) و چهار بخش فقه بنگارد . مقدمهٔ آن و پاره‌ای از فقه را توانست بنویسد و این است که پس از او در مدرسه‌های شیعی جانشین مختصر

---

۱ – معارج در ۱٦٤ ص بغلی با مبادی‌الوصول علامهٔ حلی در ٥۷ ص و بندی در استصحاب (ص ٥۷ – ٦۰) بکوشش ابوالقاسم پسر علی اکبر گیلانی بخط نسخ ابوالقاسم پسر آخوند ملامحمد رضای نوری کمربنی در روز شنبه شعبان ۱۳۱۰ با تصحیح حبیب‌الله گیلانی اشکوری رودبارکی در روز یکشنبه ۲٥ شوال همین سال در تهران بچاپ سنگی رسید – ابن داود در رجال (گ ٥۱ الف ش ۱۰٤٤) از حلی بستود و گفت که او مرا از کودکی بپرورد و نوازشها کرد و بمن بیاموخت و همه نگارشهای خود و آنچه که خوانده وروایت کرده و یا بتوان روایت نمود بمن اجازه داد . او درربیع دوم سال ٦۷۷ درگذشت .

حاجبی و تهذیب حلی شده است . چنانکه در ذریعه (٦ : ۲۰٤) آمده ٤۹ حاشیه بر آن نوشته‌اند . چندین بار هم در ایران بچاپ سنگی رسیده .

آغاز : بسمله . الحمدلله المتعالی فی عز جلاله عن مطارح الافهام فلایصل الی کنه جلاله العارفون .

انجام : فکلام الشیخ عندی هوالحق . والحمدلله رب العالمین اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً کماهواهله والصلوة علی اشرف المخلوقین من بین بنی نوع الانسان هوالانبیاء ورسوله والائمة الطاهرین .

[۱٦٤۳]

این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانها ونشانه‌های شنگرف و با سرلوحی با زمینه آبی و گل و بوته وآرایش سبز وسرخ ولاجورد وزر ودردوجدول شنگرف ولاجورد وزرمیباشد . حاشیه‌های ملاصالح وسلطان درآن دیده میشود .

عبدالعظیم حسینی سمنانی در گ ۱ الف تاریخ زاده‌شدن ابوصالح بهاءالدین محمد موسوی در بامداد روز پنجشنبه ٥ ج ۱۱۰۳/۱ را نوشته است .

(۱۲۸گ) – کاغذ سمرقندی – جلد تیماج سرخ عنوالی
اندازه : ۱۱×۱۹ و ٥×۱۰/٥ س ۱٥

[۱٤۰۱] معراج الاصول (عربی)

قاضی ناصرالدین عبدالله بن ابی‌القاسم علی بن عمر بیضاوی (م ٦۸٥) منهاج‌الوصول الی علم‌الاصول خود را در یك مقدمه و ۷ کتاب بپرداخت و آن باندازهٔ بیست برگ خشتی است .

مجدالدین ابراهیم بن فخرالدین احمد بن محمد ایکی برای خزانهٔ قاضی ناصرالدین نصرالله بن قاضی قطب‌الدین احمد بن فضل‌الله قزوینی در گزارش آن این معراج‌الاصول را بپرداخت و میگوید که من همان لفظها را روشن میکنم وچون در متن همهٔ مسئله‌ها آمده من چیزی بر آن نمی‌افزایم . او پاره‌ای از متن را پس از « قوله » میآورد سپس گزارش میکند . (چلبی ۲ : ٥٥٥ – ص ۱۳۲ ش ۹۸ فهرست فاضلیه) .

آغاز : بسمله . قال مولانا الامام العالم المحقق ... مجدالملة والحق والدین

فخر الاسلام والمسلمين ابراهيم بن الامام المغفور ... احمد بن محمد الايكى متع الله المسلمين بفوائد اقلامه وعوائد انعامه : «سبحانك اللهم ياواجب الوجود ويا واهب الخير والجود افض علينا انوار رحمتك .. وبعد فان اشرف الامور بهجة و جمالا... تعلم العلوم الموجب للوصول الى اعلى مراتب الجود ... لاسيما العلوم الجامعة بين المعقول والمنقول الشاملة للفروع والاصول كعلم اصول الفقه .. وان كتاب المنهاج من مصنفات الاستاذ المحقق ... ناصر ... الدين عبدالله بن ... ابى القسم على بن امام الدين عمر البيضاوى كاف لدقائقه .. فاستخرت الله ان اشرح له بما يمكن حله ثانياً تذكرة لخزانة المولى المعظم ... ناصر ... الدين نصرالله بن الامام ... قطب ... الدين احمد بن فضل الله القزوينى ... وسميته بمعراج الاصول فى شرح منهاج الوصول ».

انجام : ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی شرح هذا الکتاب والله اعلم بالصواب . وقع الفراغ منه نهار الخميس رابع عشر جمادى الاول من شهور سنة ثمان وثمانين وثمانمائة غفر الله لمن طالع فيه و دعا الكاتبه و مؤلفه بالمغفرة ولجميع المسلمين آمين .

[۱٦٤٤]

۷۷۹ این نسخه بنسخ کهن و با عنوانهای شنگرف میباشد . از دیباچه و پایان آن برمیآید که نسخه دو روز گار ایلکی آغاز و گویا پس از مرگش بانجام رسید .

(۱۸۹ص) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه : ۱٤×۲۰/۵ و ۱۰/۵×۱٤/۵ س ۲۹

[۱٤۰۲] مفتاح الاحكام (عربی)

مولی احمد نراقی (۱۱۸۵-٦ ــ شب یکشنبه ۲۳ ع ۱۲٤۵/۲) بروشی دیگر در این کتاب اصول را نوشته و در سه باب گذارده است . بدینگونه : «ادلة الاحكام الشرعية الفرعية ــ مايحتاج اليها فى استخراج الاحكام من الادلة ــ معالجة مافيها من التعارض» مقدمه و خاتمه‌ای هم در آن هست .

در فهرست طوس (۲ : ۲۱۱) این کتاب از سید محمد مجاهد (م ۱۲٤۲) پنداشته شد و درست نیست . در آنجا دارد که آن در ۱۲۲۸ بنگارش در آمده و بسیاری از مسئله‌ها مانند حجیت ظن که در مفاتیح الاحکام یاد نشده بود در این کتاب روشن گردید ولی چنین چیزی در دیباچهٔ نسخهٔ ما دیده نمیشود . اینهم گفته شود که در کشف الحجب ص ۵۳۷ از مفاتیح الاصول نگارش همین سید مجاهد در ۱۲٤۲ یاد گشت . در ریحانة الادب (٤ : ۱۸۳) و اعلام الشیعه (۲ : ۱۱٦) از نگارشهای نراقی مفتاح الاحکام یاد گردید (۱) .

آغاز : الحمدلله رب العالمين والصلوة على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين يقول الاذل الاحقر احمد بن محمد مهدى ابن ابى ذر ... ان من الامور الضرورية بقاء التكاليف الشرعية ... فلذلك رتبنا كتابنا هذا المسمى بمفتاح الاحكام .

انجام : وهو امر ظاهر لايقبل الشبهة رفع الله سبحانه عنا حجب الشبهات بالنبى و آله السادات (حرره العبد الاقل الفقير غفر له ابوالحسن كاشانى) .

[۱٦٤۵]

۹۷۳ این نسخه بخط شکسته بسیار زیبا وجای عنوانها سفید و میان هر دو سطری بخط زر و لاجورد است . در دو جدول زر و لاجورد و شنگرف میباشد . ابوالحسن کاشانی آنرا نوشت . کتاب ۱ ب ــ ۵۰ الف . خط دارندهٔ نسخه اسدالله بن احمد حسینی در ۱۳۱۳ با مهر او در رویهٔ نخستین برگ شماره نخوردهٔ آغاز دیده میشود . دو برگ تازه در آغاز و دو برگ تازه در پایان افزوده‌اند .

(۵۰گ) ــ کاغذ ترمهٔ آهار مهره ــ جلد روغنی گل و بوته‌دار و زیبا و آراسته در درون و بیرون و مقوائی .

اندازه : ۱۲×۱۹/۵ و ۷×۱۳/۵ س ۱۳

۱ــ بنگرید به : ذریعه ۱ : ۲٦۷ ــ طوس ٤ : ۲۲۰ و ۵ ; ٦۱۳ ــ در مرآة القاسان ص ٤۰۵ــ٤۱٤ سرگذشت نراقیها آمده و دربارهٔ ملا احمد دارد که او قاضی القضاة فتحعلیشاه و متولی مدرسهٔ سلطانی و مختار در خالصجات موقوفه بوده و در کاشان میزیسته است و نزد پدر خود و بحرالعلوم درس خوانده و نزدیک شصت سال بزیست و در ۱۲٤۵ در گذشت . فهرست پاره‌ای از نگارشهای او در آن آمده است .

[١٤٠٣-١٤٠٤] المقالات (عربی)

شیخ محمدتقی بن ابی طالب اردکانی (*١٢٦٧) در این مقالات پاره‌ای از مباحث الفاظ و ادلهٔ عقلی را آورده است (ریحانة‌الادب ١ : ٥٩).

[١٦٤٦]

٧٦٧ این نسخه بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف است و پس از مقدمه در مبحث حقیقت ومجاز میباشد. در آن عنوانهای «مقالة فی المقدمة» و «القول فیما یتعلق بالالفاظ واللغات من الاحکام وفیه مقالات» (٣١ الف) دارد. در گ ١٦ ب «بلغ قبالاً» دارد.

آغاز: بسمله. وبه نستعین الحمد لله الذی اوضح لنا مسالك الحلال والحرام وارشدنا الی اصول الدین وفروع الاسلام وجعل قواعد دینه ومعالم شرعه فی غایة التهذیب ونهایة الاحکام ... فیقول ... ابن ابیطالب محمدتقی الیزدی الاردکانی ... لما ... کان عمدة ماله دخل فی تحصیل هذا العلم الشریف والفن المنیف انما هو علم اصول الفقه احببت ان اکتب فی ذلك کتابا ... فشرعت فی هذا الکتاب المسمی بالمقالات الوافیة بمعظم المطالب الاصولیة.

انجام: وعلی قوله وقد یوجه الی آخره ان کلام التهذیب یابی عن هذا التوجیه کما یظهر من الرجوع الیه.

(١٧٤گ) ــ کاغذ فرنگی آهارمهره ــ جلد تیماج ساده مقوائی

اندازه: ٢١×١٤ و ٩×١٣ س ١٤و١٨

[١٦٤٧]

٧٧٥ این نسخه بنسخ ونستعلیق وپاره‌ای از عنوانها شنگرف وروی بیشتر عنوانها خط سیاه یا شنگرف کشیده شده است. روی نخستین برگ از دو برگ بی شمارهٔ آغاز دارد «کتاب مقالات از مؤلفات اقل طلاب محمد تقی» ودر پایان چند مبحث هم سفید گذارده شده که پس از این دنبالهٔ آن نوشته شود (گ ٤٥ و٨٥ و١١٩ و١٥٥ و١٩١) وخط خوردگی هم دارد پس این نسخهٔ اصل اردکانی است.

این مبحثها در این نسخه هست: استصحاب (٤٥ الف) و حسن وقبح عقلی وشرعی (٨٥ الف) و حکم اجزاء و شرائط عبادت که برائت است یا اشتغال (١١٩ الف) واجتهاد (١٥٥ الف) وتعارض وتعادل وترجیح (١٩١ الف).

آغاز: فی الاستصحاب وفیه مباحث المبحث الاول فی تعریفه فقال السید صدرالدین فی شرح الوافیة «هو اثبات ماعلم تحققه فی الزمان الاول فی الزمان الثانی لظن بقائه»

اراد بما علم تحققه مایعم الوجود والعدم وبالزمان الثانی ماکان کذلك بالنسبة الی الزمان الاول.

انجام: المسئلة الثامنة فی ترکب المرجحات مثنی وثلث ورباع ... والفحص والاهتمام فی کل مقام لتحصیل الراجح الاقرب الی المرام. اللهم وفقنا للوصول الی الصواب فی کل باب ومتابعة السنة والکتاب وهذا هو المجلد الثانی من کتاب المقالات. قد فرغ من تألیفه مؤلفه الجانی محمد تقی الیزدی الاردکانی بعد طلوع الفجر وقبل طلوع الشمس من الیوم الثالث من شهر جمادی الآخرة من شهور سنة احدی واربعین ومأتین بعد الالف من الهجرة النبویة علی هاجرها الف سلام وتحیة رب اجعل هذا بلدا آمنا وارزق اهله من الثمرات.

(١٩١گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد مقوا که آن پارچه

اندازه: ١٥×٢١ و ١١×١٤ س ١٨

[١٤٠٥] منیة اللبیب فی شرح التهذیب (عربی)

این دفتر گزارشی است به «قال ــ اقول» بر تهذیب حلی و در فهرستها وسرگذشتنامه‌ها بهمین نام «منیة اللبیب» خوانده شده است. مگر اینکه در دیباچه وصفحهٔ عنوان نسخهٔ شمارهٔ ٢٠١٦ کتابخانهٔ ملك دارد «تنبیه اللبیب» (١) از پایان این گزارش برمی‌آید که از ضیاء الدین عبدالله بن مجدالدین ابی الفوارس محمد بن ... الاعرج حسینی خواهرزادهٔ حلی میباشد واو آنرا پس از مرگش (٧٢٦) آغاز (دیباچه) ودر نیمهٔ روز چهارشنبه ١٥ یا ١١ رجب ٧٤٠ در نجف بانجام رساند. درصفحه‌های عنوان نسخهٔ ملك بخط تازه‌تری ونسخهٔ ما بخط کهنی مانا از نویسندهٔ آن هم ازهمو دانسته شد.

برادر او عمیدالرؤساء سید عمیدالدین ابی عبدالله عبدالمطلب (حله شب نیمهٔ شعبان ٦٨١ ـ بغداد شب دوشنبه ١٠ شعبان ٧٥٤) هم دردروز گار حلی برای پسر خود جمال الدین ابوطالب محمد (روضات ٦٣٧) گزارشی برهمین تهذیب

١ــ این نسخه بخط تعلیق است و بتاریخ شام روز سوم ذیحجهٔ ٨٤٩ ودر ٢٥٥ برگ ربعی وعنوانها ونشانه‌ها در آن شنگرف و دارد «بلغت قراءة» و حاشیه‌هائی با نشانهٔ «ص عفی عنه» و «ن» وجزانها درآن هست. هشت برگ آغاز تازه وبخط نستعلیق است.

نگاشته‌است چنانکه قواعد وانوارالملکوت ومبادی‌الوصول ونهج‌المسترشدین وراهم گزارش نمود. نسخه‌ای ازاین گزارش‌او بی آغاز وانجام درطوس هست (۲: ۹۸ ش ۴۳).

نسخه‌هائی ازاین منیه درطوس (۲: ۸ - ۲۰۶ ش ۷۳-۸۰) هست و درنسخهٔ ش ۸۰ آنجا دارد که دره۲ رجب ۷۴۰ نوشتن آن بپایان رسید. این گزارش در فهرست طوس وفهرست فاضلیه (ش۹۶ ص۱۳۱ تاریخ۹۵٤) هم‌ازضیاء دانسته‌شد. نگارندهٔروضات (ص ۳٦۸) منیه‌را ازعمیدالدین ونگارش ۱۵رجب ۷٤۰ پنداشته است اگرچه‌درپایان بیشترنسخه‌ها نام برادرش‌را دارد، چنانکه درکنی والقاب (۲: ٤٤٦) و هدیةالاحباب (ص ۲۰٤) و کشف‌الحجب (ص ۳۳۰و۵٦۹) هم چنین دارد وبگفتهٔ این دانشمندان گزارش ضیاءالدین بی‌نام خواهد بود چنانکه همین منیهٔبشرح عمیدی‌هم نامبردار است. درامل‌الآمل(ص۴۸۳) بگزارش‌عمیدالدین وضیاءالدین هردو نامی داده نشده است. درمستدرک (۳: ۳۵۹) وذریعه (٤: ۵۳) منیه از ضیاءالدین دانسته شد.

درفهرست سپهسالار(۱: ۷۰۵ ش۲۷۹) دارد که سخن خوانساری درست است واین گزارش (منیه) ازعمیدالدین است و «عبدالله‌بن محمد ...» که درپایان‌آن آمده نویسندهٔ نسخه است واین برادر گزارش آن برادر را درآن تاریخ ۷٤۰ نوشته است. ولی روی قرینه هائی که یاد شده باید از همان ضیاءالدین باشد وسخن خوانساری درست نمی‌نماید.

شهید یکم درجامع‌البین من فوائدالشرحین دو گزارش اینهردو برادر راگرد آورده وازخودهم سخنانی‌افزودو گزارش ضیاءالدین‌را بانشانهٔ «ض» از گزارش عمیدالدین با نشانهٔ «ع» جدا نمود و چون درجوانی نوشته بود دیگر دوباره بدان ننگریست وپاکنویس نکرد تااینکه شیخ عزالدین حسین عاملی (م ۹۸٤) نسخهٔ آنرا درست نمود وافزوده‌های شهیدرا با نشانهٔ «زیاده» درآغاز و «ها» درانجام نشان‌داده‌است. نسخه‌ای ازاین‌نگارش عاملی‌را بخط خود او کتنودی

(ص ۱۵۱) داشته است (ذریعه ٤: ۵۱۳و۵ : ٤۳).

این گزارش(همین نسخهٔما)پاره‌ای‌درهامش‌تهذیب‌چاپ۱۳۰۸تهران‌هست.

آغاز: بسمله. وبه‌استعین اللهم‌انی احمدك حمداً لایقدرحصره ولایحصر قدره ولاینسی ذکره ولایطوی نشره.. و بعد فان‌الالتفات الی علم اصول‌الفقه وصرف الهمة الی عرفانه ... من‌الامورالّلازمة والفروض‌الواجبة ... وکان شیخنا الاعظم ورئیسنا المعظم ... ابومنصورالحسن‌بن‌المطهرقدس‌الله‌نفسه‌ونوررمسه ... ورفع فی‌الجنان‌مقامه‌ومکانه قدصنف.. کتابه‌المسمی‌بتهذیب‌الوصول فانه‌قداشتمل علی‌الحاصل من‌المحصول واحتوی علی‌النهایة من علم‌الاصول لکنه... محتاج الناظرفیه الی‌الشرح والتنبیه احببت ان املی علیه شرحاً موضحاً لمسائله‌مقررا لدلائله ... فوضعت هذاالکتاب‌المسمی بمنیة (بتنبیه) اللبیب فی شرح‌التهذیب.

انجام: وحیث‌انتهی کلام‌المصنف قدس‌الله‌روحه‌الزکیة الی‌ههنا فلنقطع الکلام‌حامدین‌الله تعالی‌علی‌تواترنعمائه (نعمه) وتظافرآلائه وقسمه ومصلین علی سیدالرسل وخاتم‌الانبیاء محمدالمصطفی‌وآله‌الائمةالاصفیاء صلوة لاانقطاع لها ولاانقضاء. (صورة ماکتبه‌الشارح قدس‌الله روحه فی‌آخرشرحه ـ نسخهٔ ملك) فرغ من تسویدها (ه) العبدالفقیرالی‌الله تعالی عبدالله‌بن محمدبن محمدبن علی‌بن احمدبن علی‌بن‌الاعرج الحسینی فی ظهر نهارالاربعا حادیعشر (خامس عشر) شهر رجب‌الاصب المبارك من سنة اربعین و سبعمائه بالحضرة الشریفة المقدسة الغرویة صلوات‌الله و سلامه علی مشرفها (والحمدلله وحده و صلی‌الله علی سیدنا محمد و آله‌الطاهرین اتفق‌الفراغ من تسویدهذاالکتاب عشیة یوم‌الثالث من‌شهر ذی‌الحجة من شهورسنة تسع واربعین وثمانمائة هجریة علی یدالعبد... (پاك شده چندین کلمه درنسخهٔ ملك) (۱).

[۱٦٤۸]

۷۹٦ این نسخه بنسخ وباعنوانهای درشت‌تروبرخی جاهابشنگرف است واحمدبن علی‌بن حسن‌دقیق عاملی درنجف‌درنیمهٔ روزآدینهٔ پایان شعبان۹۷۰ نوشتن

۱ـ درنسخهٔ ما درپایان جای (الاربعا) سفید است وبجای «خامس عشر» دارد «حادی عشر».

آنرا بانجام رساند و جزء یکم را هم درهمانشهر وروز یکشنبه ۲۰ ع ۲ همین سال نوشته بود.

جزء ۱ گ ۱ ب ـ ۱۲۵ الف وجزء۲ گ ۱۲٦ ب ـ ۲۰۰ الف. حاشیه‌هائی هست بخط کهن ازشرح منهاج ونهایه ودر۳ الف و۲۱ الف و۲۳ب و۱۲٦ ب و۱۹۰ الف و ۱۸٤ ب حاشیه‌ایست از هاشم موسوی بخط خود او. محمد یحیی بن قاسم کاظمی وشیخ‌مهدی‌بن‌شیخ‌محمدبن‌شیخ‌قاسم کاظمی در۱۱۹۲ و پسرش شیخ حسین که دربرابر کتابی آنرا بمحمد مصری داده‌است ومحمدهاشم‌بن زین‌العابدین موسوی که پدرش بدو بخشیده‌ازدارندگان نسخه بوده‌اند واحمدبن عبدالواحد عبودی آنرا در ۱۲۳۲ خوانده است (گ ۱ الف و ۲۰۰ الف).

درپایان دارد «و وفق الفراغ من نسخه ظهر نهارالجمعة خاتم شهر شعبان‌المبارك سنة ۹۷۰ بالبقعة الشريفة بالحضرة المقدسة سيدي ومولاي اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب صلوات‌الله وسلامه على مقدسها ومشرفها وعلى الائمة الطاهرين من ولده وكتب احوج العباد وافقرهم احمدبن علي بن حسن الدقيق العاملي مستمداً من‌الله المعونة راجياًمنه الثواب والمنحة من‌قسم الطلاب والصلوة والسلام على لب‌اللباب وافصح لسان واين كتاب محمد المصطفى وعلى اخيه و ابن عمه ابي تراب و على الائمة الطيبين الطاهرين من ذريتهما والسادة الكرام الانجاب».

در گ۱ الف دارد: «كتاب منية اللبيب في شرح التهذيب تصنيف الشيخ الامام الفاضل الكامل السيد الفقيه ضياء الدين الاعرج الحسيني قدس‌الله‌روحه ونور ضريحه بمحمدو آله» (بخط کهن مانند متن).

«الله. هذا المهيدي لاخينا الشيخ حسين بن المرحوم الشيخ‌مهدي بن الشيخ كاظم الشهيدي المتصل دارهم بالصحن الشريف ممايلي‌ها في الطوس (؟) و هذه عوض النسخة التي كانت عندي سابقاً و اخذها الشيخ حسين وانا الاقل الخاطي محمدالمصري» (بخط دیگر و تازه‌تر).

نیز خط و مهردیگری که درست خوانده نمیشود و همین مهر در ۸۸ الف و۱۲٦ الف و ۲۰۰ الف هم هست.

«الله. وصلى‌الله على محمدو آله. في حوزة اقل الورى اللائذ ... وصى ... ابن القاسم الكاظمي الشهير بمحمد ...» (پاك شده وزير كاغذهم رفته وخوانده نميشود).

«هذا كتاب العميدي عندي انا الاقل حسين بن المرحوم السيد احمد بالعارية شيخ مهدي ابن شيخ محمدبن شيخ قاسم الكاظمي سنة ۱۱۹۲».

«بسم‌الله خير الاسماء. نظرت فيه واقتبست شيئاً من معانيه وانا العبد المذنب الخاطي احمد نجل شيخ عبدالواحد العبودي رحم‌الله من نظر اليها وقرء سورة الفاتحة له. في سنة ۱۲۳۲».

«قد وهبت هذا الكتاب الشريف للولد الرشيد السيد هاشم حرسه‌الله من شر كل جاهد غاشم واجريت صيغة الهبة معه. آتاه‌الله من العلم والمال سعة. وانا ابوه فقير عفو ربه البارى زين‌العابدين الموسوى الخوانسارى» (مهر: عبده زين‌العابدين الموسوى) ـ «بسمله. من متملكات احقر الفقراء الى الله الغنى القوى العبد الاثم: محمدهاشم بن زين‌العابدين الموسوى» (بمانند ۱۲٦ الف) (نیز ۲۰۰ الف که ایندو مهر پدر و پسر هست).

در گ ۲۰۰ الف دارد «بسم‌الله. قدحازه اقل الورى اللائذ بحرم الوصى بالنص الجلى محمد يحيى بن القاسم الكاظمى» (مانند آنچه که در ۱ الف نوشته شده است).

(۲۰۰ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه: ۱۹ × ۲۵ و ۱۴/۵ × ۱۹ س ۲۳

[۱٤۰٦] سوائد الفوائد (عربی)

فی بیان القواعد والفوائد

این کتاب از شیخ‌محمدجعفر استرابادی (۱۱۹۸ - ۱۲٦۳) است ودارای یك مقدمه دره امر وسه فن نخستین درادلهٔ لفظی درپنج باب (۱٤۸ الف) ودومین درادلهٔ شرعی نقلی درچهارباب (۲۰۸ ب) و سومین درادلهٔ شرعی درچهارباب (۲۷۰ ب) و یك خاتمه دراجتهاد وتقلید وتعارض وتعادل وترجیح (۲۸۸ الف) میباشد. فن یکم را اودر۱۲٤۲ وسومی را دردهه دوم ع۲/۱۲۳٦ بانجام رساند. خود اودرپایان فن یکم (۱٤۸ الف) میگوید که جلد(فن) دوم پیش از جلد (فن) یکم بانجام رسید وهمهٔ کتاب درمیانه پایان یافت مانند ماه که درنیمه بکمال میرسد. بیتهای این کتاب بچهل هزار میرسد (۱).

۱ـ درچاپخانهٔ حبل‌المتین درتهران بسال ۱۲٦۲ بدستیاری بهرام‌بیك و استاد زین‌العابدین و عبدالکریم چهار رساله از همین استرابادی بچاپ سربی رسید یکی مدائن‌العلوم که درثلث دوم دههٔ دوم ماه دوم سال پنجم عشر چهارم عشرسوم هزاردوم نگاشته است دیگری معرفت وقت و قبله سومی اصل‌الاصول دراصول دین چهارمی بنام سوائدالفوائدفی بیان‌القواعد والفوائد. این چهارمی خزائن‌العلوم اوست وفهرست مطلبهای سوائدالفوائد نسخهٔ ما میباشد وچنین است:

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز : و به نقتی . بسمله . الحمدلله‌الذی تنزه بوجوب وجوده عن شوائب نقائص‌الامکان وتعالی بکمال ذاته وعینیة صفاته عن‌مطارح‌انوار‌مصابیح‌الاذهان و بسط بکمال تفضله موائدالعقول المدرکة لقوانین‌اشرف‌الادیان . . . اما بعد فیقول ... محمد جعفرالاسترابادی لمابعدالعهد عن‌ادراك صحبة اهل‌العصروانسد غالباً مدارك‌القطع‌بالاحکام‌الشرعیة و توقف استنباطهاعلی اجتهادالعلماءالاعلام فی‌امثال‌الکتاب والسنة وکان اهم مقدماته علم‌اصول‌الفقه اردت ان اجمع‌قواعده واحررفوائده وابسط موائده وابذل عوائده فی کتاب موجز اردت ان اسمیه بعد ان اتمه بموائد العوائد فی بیان القواعد والفوائد . . . وهو مرتب علی مقدمة وفنون .

انجام : و کون‌بناءالشرع‌علی‌الظاهراظهرالله من‌یجعل‌الاصل ظاهرآوحشرنا مع من‌جعله ظاهرا . وقداتفق‌الفراغ للمؤلف فی‌العشرالثانی من شهرربیع‌الثانی من‌شهورسنةست وثلثین‌ومأتین‌بعدالالف (وللکاتب متفقاًللمؤلف شهرآومختلفاًله سنة ۱۲۳۸) .

[۱٦٤۹]

۸۰۰ این نسخه بنسخ با عنوانهای زیرخط ونیمهٔ دوم آن بنستعلیق است وعنوانها ازفن دوم تاپایان بشنگرف میباشد . درصفحهٔ یکم میان سطرها یك حاشیهٔ « منه دام‌ظله‌العالی » دارد بنستعلیق ریز و حاشیه‌های دیگر هم بهمین خط درهمین صفحه وصفحهٔ پس‌از‌آن هست .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی‌افاض بجوده‌الوجود والحیوة والصحة ومدارك العلم والقدرة ... فیقول ... محمد جعفرالاسترابادی ان هذا مختصر کالفهرست لما فی کتابنا المسمی بموائد العوائد فی بیان القواعد والفوائد ذکرت فیه‌ماهوالمختار فی‌المسائل مع‌الاشارة الی دلیل ماهوالمختار فی ذلك‌الکتاب وهو مسمی بخزائن‌العلوم لاشتماله علی کثیر ممایحتاج الیه فی‌الاجتهاد من مسائل‌العلوم و هو مرتب علی مقدمة و فنون ثلثة وخاتمة .

انجام : و مشایخ‌الاجازة کثیرة تعلم من ملاحظة کتب‌الرجال والله‌العالم بالاحوال فی جمیع‌الاحوال (ذریعه ۷ : ۱۵۵ـ اعلام‌الشیعه۲ : ۲۵۳ـ تنکابنی ص۷۰) .

تاریخ شب پنجشنبه ۲۵ ع ۱۲٦۳/۱ و روز دوشنبه ۲۰ ذی‌قعدهٔ ۱۲۷۳ در گ ۲۸۹ الف دیده‌میشود .

(۴۲۸۸د) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۲۰/۵×۱۴/۵ و ۹/۵×۱٦ س ۲۱

[۱٤۰۷] میزان‌الصواب (عربی)

از حاج ملاابی‌الحسن عبدالصاحب‌بن محمد جعفربن عبدالصاحب‌بن محمد جعفردوانی فارسی دراصول‌فقه ومبانی اجتهادبروش اخباریان‌معتدل‌درچهل فائده :

۱ـ پاسخ بمتأخران درباره سد باب علم .

۲ـ ادله دینی (۱) .

۱ـ دوانی درفائدهٔ ۲ سخن بسیارمیگوید ودر۳ مطلب کتاب وسنت واجماع را میشناساند . دراینجا است که اواز گفتهٔ یکی ازدانشمندان فرقهائیکه میان‌مجتهدواخباری هست‌میآورد وشماره‌آنهارا به۳۹میرساند ـ دراین‌باره باید به نگریست « الحق‌المبین فی‌تصویب‌المجتهدین‌وتخطئة‌الاخباریین » ازشیخ‌جعفر کاشف‌الغطاء نجفی (نزدیك ۱۱٥٤ یا ۱۱٤٦ ـ ۱۲۲۷) که در آن از عقل و اصل و کتاب و خبر نبوی و خبرهای معمول دراحکام شرعی و اجماع و قیاس و اجتهاد و تقلید کاوش نمود و اخباریان را رد کرد ونزدیك به چهل فرق میان ایندو روش یاد کرد (ص٦۷ـ۸۹) و پس‌از‌آن ازعلومیکه برای مجتهد ناگزیراست یادنمود اودرآنجا (ص ۷۹ـ۸۳) ازناروائی کشیدن تنباکو وتتن وتریاك وخوردن قهوه نزد اخباریان یاد کرد واز گفته‌های آنان خرده گرفت . این کتاب درسپاهان درشب ٥ رمضان بپایان رسید و او سپس ۱٦ قاعده فقهی را بر آن افزود .

کتاب سودمندیگردراین‌باره‌فاروق‌الحق سیدمحمدبن سیدفرج‌الله دزفولی‌است که درآن ۸٦ فرق میان مجتهد و اخباری گذارده واز منیة‌الممارسین و لسان‌الخواص ومنبع‌الحیوة وسخنان سیدنعمة‌الله وکاشانی واسترابادی بهره‌برد ودربامداد چهارشنبه ۲۰ ج ۲ سال ۱۲۰۸ درنجف بپایان رساند .

این دو کتاب را حاج شیخ احمد شیرازی بارسالهٔ حیوهٔ شهیددوم درتهران بسال ۱۳۱۹ در۱٦۰ ص رسمی بچاپ سنگی رساند .

۳- اصول فقه در یك مقدمه وسه مطلب و یك خاتمه.

٤- چند اصل که در اخبار شیعی آمده است.

٥- فریبکاری و فریبخواری نفس.

٦- سه گونه بودن مردم: مؤمن و کافر وضال.

۷- کمال موحد واینکه راه راست همان روش دوازده امامیان لابدی است.

۸- از چه کسی میتوان پیروی وتقلید نمود.

۹- پاره‌ای از نشانه‌های رستگاران وتباه کاران.

۱۰- پاسخ پاره‌ای از خرده گیریها که دربارهٔ معرفت شده است.

۱۱- اینکه دربرابر پیروان روایت و رأی و تصوف راه درست همان روش «طائفهٔ لابدیه» است و چرا چنین نامیده شدند و سخنانی بسیار درنکوهش از صوفیان و نشانه‌های آنها. دراینجا میگوید که من بپیروی از گفتار علی ع «اللهم لابدلارضك من حجة لك علی خلقك تهدیهم الی دینك وتعلمهم علمك ...» این روش را «لابدیه» نامیدم که پیروان آن بودیك «معلم ربانی عارف معصوم ولی کامل منصوص منصوب» را ناگزیر می بینند. صوفیان نزد او بترسایان ومجوس مانند میباشند.

۱۲- هفت راه دانش (ضرورت دینی ومذهبی واجماع دانشمندان دین ومذهب و کتاب محکم و سنت محکم متواتر یا محفوف بقراین علمی و عقل قاطع) وهفت گونه دانائی.

۱۳- راه رسیدن بهر امر دینی باید باز باشد و اینکه باب علم باز است وچگونگی آن و پاسخ سخنان اصولیان.

۱٤- هیجده مسئله که دوازده امامیان در آنها اختلاف کردند (اصولی واخباری) ومیزان دانائی ونادانی.

۱٥- بررسی دربارهٔ گفتار برخی که اخباررا قطعی الصدور پنداشتند.

۱٦- باید ازهمان معصوم پیروی نمود.

۱۷- از پیشوای نهانی چگونه میتوان بهره برد.

۱۸- پیشوا چگونه باید باشد وجز درخاندان محمد ﷺ ولایتی نیست وامر بمعروف ونهی ازمنکر.

۱۹- تقلید ازمرده.

۲۰- برادری وتقیه.

۲۱- دوازده مسئله اصولی واخباری.

۲۲- دربارهٔ کشیدن دود (مص الدخان) که دانشمندان آنرا حرام یا حلال یامکروه یامستحب یاجائز یاامرینکه احتیاط درترك آنست پنداشتند وهردسته‌ای برای رأی خود دلیل آورده‌اند. دوانی پس از آوردن گفته‌های دیگران بررأی خود استدلال میکند وآنرا حرام میشمارد وخبر «قائم ع النتن هذه الشجرة الخبیثة قد عمت العباد والبلاد» و نبوی «اجتنبوا من اهل البدعة والضلالة فانهم لیسوا من امتی – قیل یارسول الله وما اهل البدعة والضلالة؟ – فقال ع: هم اثناعشر قوماً اولهم شارب الدخان» و «یأتی اقوام فی آخر الزمان یتوددون بالدخان وهم من اهل الشمال و یقولون انهم من امتی وهو لشراب الاشقیاء یشربه الصغیر والکبیر والحر والعبد والذکر والانثی» دراینجا دیده میشود ودارد که دود نخست از کفار سپس ازمخالفان آنگاه ازمستضعفان بدیگران رسیده است.

دوانی دراینجا سخنان دیگران را بخوبی ردمیکند وخود کشیدن دود را بدعت میداند ومیگوید که «الملك الاعظم اشرف ملوك العالم ایده الله» از علت این رأیم پرسید که چرا قهوه نمیخوری ودود نمیکشی گفتم با مزاجم ساز گار نیست ونخواستم با او بحث کنم. گفتگوی کوتاهی که میان آندو شده دراینجا دیده میشود. دوانی اصل را بروش اخباری خود حظر ومنع میداند وهر امر تازه و بدعتی را که هیچ رخصتی نه خصوصی و نه عمومی درآن نیامده باشد حرام‌اند می پندارد).

۲۳- اجازه‌های دوانی. او دراین‌جا چند اجازه که دانشمندان بدو داده‌اند می آورد.

۱- اجازه شیخ محمد حسن بحرانی آل عصفور دردروز ۱۹ ج ۱ سال ۱۲٤٥ با روایتهائیکه دارد از پدر خود شیخ حسین ازنیای او شیخ محمد و او از استاد خود شیخ محمدبن یوسف بلادی بحرانی از استاد فیلسوف خود شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی و نیز از پدر خود ازعم او شیخ عبدعلی بن شیخ احمد ازهمان بلادی از همان ماحوزی و نیز از پدر خود از شیخ یوسف بن احمد عم او از حسین بن جعفر ماحوزی بحرانی از شیخ عبدالله بن علی بلادی از همان سلیمان ماحوزی از سلیمان بن علی بن ابی ظبیة شاحوزی بحرانی از علی بن سلیمن قدمی بحرانی ازشیخ بهائی (دیده شود لؤلؤتی البحرین) .

۲- اجازهٔ شیخ خلف بن عبد علی بن حسین بحرانی آل عصفور در بوشهر شام ۱۹ ج ۱ سال ۱۲٤٥ با روایتهای خود از مولانا شیخ حسن عم او .

۳- اجازهٔ شیخ ابوابراهیم محمد بن احمد بن حسین آل عصفور در ۱۹ ج ۱ سال ۱۲٤٥ بپیروی از اجازهایکه عمش شیخ محمد حسن بدو داده است (اجازهٔ شماره ۱) .

٤- اجازهٔ حاج ملا محمد خراسانی وحاج محمد حسن نیشابوری و میرزاعلی نیشابوری جزائری که متن اجازه آنها را ازدوانی بربودند .

٥- اجازهٔ سیدمحمدتقی حسینی قزوینی که دوانی را دیده وبا او گفتگوهای علمی نمود ویکبار درروزشنبه ۷ شوال ۱۲٦۳ باو اجازه داد ودر آن از بحرالمغفرهٔ نیای خود نام برد وبارهٔ دیگر در کربلا یکم رمضان ۱۲٥۲ بود که دوانی ازاو اجازه خواست و گرفت .

٦- اجازهٔ ملاعبدالخالق یزدی طوسی باروایتی که ازاستادخودشیخ احمدبن زین‌الدین احسائی داشته بود در ج ۱ سال ۱۲٥۹ پس از آنکه از عراق بشیراز آمده و بطوس برمیگشت .

۲٤- خدای مردم را بیکتاپرستی خوانده است .

۲٥- بدعت .

۲٦- جنگ وستیزی که برخی از فرقه‌های امامیان باهم میکنند ویکدیگر را

کافر یاصوفی یااخباری یااجتهادی میخوانند و بریکدیگر لعنت و نفرین میفرستند .

۲۷- شهردانش ودر آن .

۲۸- دلیل منحصر بودن راه علم دراخبارامامی .

۲۹- ترجیح میان خبرهای ناسازگار .

۳۰- چهارتسبیح را در نماز چگونه باید خواند .

۳۱- نکوهشها که دودسته مجتهد واخباری ازهم کرده‌اند واینکه ریاست عمومی چیست .

۳۲- باید درهرزمان رهبری باشد .

۳۳- جنگ وستیز دانشمندان شیعی دربارهٔ روش مهدوی .

۳٤- هرچیزی را نزد عقل وشرع چه حکمی است .

۳٥- اندازهٔ تقیه ومداهنه ومداوله .

۳٦- نیت قربت واستطاعت واختیار چیست .

۳۷- بدعتها .

۳۸- فرقه‌ها و مرتبه‌های آنها (محدث و فقیه و عارف دربرابر اخباری واجتهادی وصوفی) .

۳۹- احکام لغت .

٤۰- احتیاط وایمان و کفر .

دوانی در آغاز میگوید که من نخست پیرو مجتهدان بوده‌ام واز اخباریان خرده‌میگرفتم ولی چون اختلاف آنان را بدیدم بایران رفتم وبسیاری ازدانشمندان و ناموران را دیدار کردم و سرانجام بروش اخباری رهبری گشتم مگر اینکه تااندازه‌ای لرزش و اضطراب درمن بود و بمکه و مدینه رفتم و از شام بعراق برگشتم ودرهمانسال بود که بروش « اهل علم » پی بردم و باین‌دفتر بپرداختم . اومیگوید که دانشمندان سه گروهند :

۱- محدث که حدیثهای خاندان پیامبر را نقل میکند و مانند بردهٔ نادان

که از پرستارش فرمان نبرد در برابر آنها ناآگاهانه و بی‌درایت سر فرود می آورد .

۲- فقیه که روایت ودرایت هردو دارد .

۳- عارف که بروایت ودرایت واسرار آشنا است .

در برابر نخستین‌ ،اخباری که‌خبرهای واحد را می‌پذیرد و در برابر دومی ،مجتهدیکه راه دانش و آگاهی را بروی خود بسته میداند و بگمان و پندار میگراید ودر برابر سومی ،صوفی عامی هستند . همه اینها دشمن یکدیگرند ودفترها در خرده گیری از دیگران پرداختند ومانند سنی و شیعه با هم میستیزند و اندکی از آنانند که شایسته اند که از آنها پیروی نمود (او در بسیاری از جاها درباره این شش گروه سخن گفت) . من میخواهم در اینـدفتر درستگویان و پیروان راستی را بشناسانم ودرماه بازپسین سال ۱۲۵۵ در شیراز است که این را می نگارم . دوانی چنانکه می‌بینیم در ذی حجهٔ ۱۲۵۵ بنگارش ایندفتر بپرداخت و در روز سوم دههٔ سوم ماه ششم سال ۱۲۶۱ فائدهٔ ۳٦ آنرا بپایان رساند ودر ری در روز ۱۹ ماه‌هشتم ۱۲٦۳ از نوشتن فائدهٔ چهلم آن بیاسود .

آغاز : بسمله . الحمدلله وسلام علی عباده‌الذین اصطفی امابعد فانه قدطال التشاجرو کثرالنزاع بین علمائنا‌الامامیة فی‌الاخباریة والاصولیة والعرفانیة حتی آل‌الامر الی ان‌سمی بعضهم بعضاً کذا بین و لعن بعضهم بعضاً فی کل حین ورمی بعضهم بعضاً الی القشریة ونسب بعضهم‌الی الحشویة ... فاشتغلت بتألیف هذاالکتاب وانا ... ابوالحسن عبدالصاحب الدوانی ... فی الشهرالآخر من‌السنة الخامسة من‌العشر السادس من‌المائة الثالثة من‌الالف الثانی ... فی‌البلدة الطیبة المسرة بشیراز ... وسمیته بمیزان‌الصواب لیتمیزما یوجب‌الثواب عما یوجب‌العقاب ورتبته علی فوائد .

انجام : (پایان فائده ۳٦) وانه لا ایمان الا بحقیقة‌التسلیم والرضا باحکامه فی‌التکوینیات والتشریعیات وانه لاحول ولاقوة الا‌بالله (ولکن هذاآخرمااردنا

ایراده فی هذاالمجلد وقد تم بحمدالله بیدمؤلفه‌المذنب ابی الحسن عبدالصاحب‌بن ابن محمد جعفر ابن‌عبدالصاحب‌بن محمدجعفرالدوانی ... فی الیوم‌الثالث من‌العشر الآخرمن‌الشهر السادس من‌السنة‌الاولی من‌العشر السابع‌من‌المائة الثالثه من‌الالف الثانی .. وقد جعلته تحفة لعتبة‌الحضرة المهدویة والناحیة المقدسة ... وصلی‌الله علی محمدو آله‌الطاهرین والحمدلله‌رب‌العالمین ـ فقدفرغ من‌تسوید هذاالکتاب المسمی بمیزان‌الصواب العبد ... محمد علی‌ابن ملاعبدعلی ... فی یوم‌الثالث (۱) سابع عشرشهر ربیع‌الثانی من شهورسنة اثنتین وستین ومأتین بعدالف من‌الهجرة النبویة صلی‌الله علی هاجرها سنة۱۲۶۲ تم بالخیروالحسنی بحمدالله وحسن توفیقه وصلی‌الله علی محمدو آله‌الطاهرین) (میان دو کرانه در نسخهٔ ماخط خورده‌است ودوانی بر آن چهارفائده ۳۷ تا ٤۰ را افزود بدینگونه :) فائدة ۳۷ اعلم ان‌الله تعالی جعل لکل شیء حدأ وجعل علیه دلیلا یدل علیه ... ولیکن‌هذاآخرمااردنا ایراده فی هذاالمجلد وقدتم بحمدالله بیدمؤلفه‌المذنب ابی الحسن عبدالصاحب‌بن محمد جعفر ابن عبدالصاحب بن محمد جعفر الدوانی الفارسی ... فی ارض‌الری فی‌قرب جوارالسید ... المعروف‌بالشاهزاده عبدالعظیم‌الحسنی ... فی‌الیوم‌التاسع من‌العشرالثانی من‌الشهر‌الثامن من‌السنة الثالثة من‌العشر‌السابع من‌المائة الثالثة من‌الالف الثانی ... وقد جمع فیه بحمدالله من اصول معرفة الطریقه المهدویة الوسطی وابواب‌العلوم‌الحقة ورد‌شبهات‌المنتحلین للولایة ممایشتد احتیاج‌الناس الیها فی غیبة‌الحجة سیما اهل زماننا الذین وقعوافی الحیرة والشبهة ... وقد جعلته تحفة لعتبة الحضرة‌المهدویة والناحیة المقدسة وترجوا من‌الامام ... ان یسقینا من حوض جده بکاسه وبیده ریا رویاهنیئا سائغاً لاظمأ بعده ولاحول ولاقوة الا‌بالله العلی‌العظیم وصلی‌الله علی محمد و آله‌الطاهرین والحمدلله رب‌العالمین (فقدفرغ من تسوید هذاالکتاب المسمی بمیزان‌الصواب العبد ... فی یوم‌الاربعاء الثالث والعشرین شهر ذی‌القعده‌الحرام من شهور سنة ثلث وستین ومأتین بعدالالف ... سنة۱۲٦۳ وانا‌العبد محمدعلی ابن عبدعلی غفرالله تعالی لهماولوالدیهما بحق محمد

وآله‌الطاهرین صلی‌الله علیهم اجمعین).

[۱۶۵۰]

۷۷۴ این نسخه بخط نستعلیق و نسخ وعنوانها درشت‌تر و زیر خط همچنین آغاز عبارتها . شمارهٔ فائده‌ها درگوشه راست رویهٔ هر برگی هم دیده میشود . از محمد علی بن ملاعبدالعلی قلاتی فارسی که فائدهٔ ۳۶ را درروز سه شنبه ۱۷ ع ۲ سال ۱۲۶۲ و خود کتاب (فائده ۴۰) را روز چهارشنبه ۲۳ ذیقعدهٔ ۱۲۶۳ بپایان رسانده وهمو فهرستی بدستور همان دوانی برای کتاب ساخته (گ ۱ ب ـ ۴ الف) که نوشتن آن درروز ۱۱ ع ۲ سال ۱۲۶۴ انجام یافت و آغاز وانجام آن چنین است : « بسمله الحمدلله والصلوة والسلام علی امناءالله وحججه فی بریته . . . فیقول . . . انه قد صدرالامر الی العبدالذلیل من المولی الجلیل . . . الحاج ملاعبدالصاحب الدوانی مدالله ظلال افضاله و افاضاته واطال‌الله بقاءه و ادام برکاته وانا العبد بن عبدعلی محمد علی القلاتی الفارسی . . . بان اعنون لمجلد میزان‌الصواب . . . فهرستا ـ الفائدة الاربعون فی الاحتیاط وفیهامعنی الایمان والکفر وقد تم بحمدالله تعالی فی الیوم الحادی عشر من شهرربیع الثانی من شهورسنة اربع وستین و مأتین بعدالالف من الهجرة » در گ ۶۶ الف حاشیهٔ « منه عفی عنه » دارد که گویا خط همان دوانی است و ازخط خورد گیها پیداست که نسخه اصل است ودوانی ازروی نوشتهٔ نخستین خود برای نویسنده میخواند واومی نوشت وبسیاری ازجاها راکه پس ازاین نمی پسندید روی آن خط کشیده میشد ودوباره درست آن نوشته میشد چنانکه در گ ۱ الف دارد : «قوبل مع الاصل والظاهر ان هذه النسخة صحیحة . والله العالم » ـ کتاب از گ ۴ ب تا ۱۹۹ الف میباشد .

(گ ۱۹۹) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۱ ـ ۸/۵×۱۴/۵ ـ س ۱۴

[۱۴۰۸] نتائج الافکار (عربی)

دانشمند فقیه اصولی محمد ابراهیم بن محمد باقر موسوی قزوینی کربلائی (ذی حجهٔ ۱۲۱۴-۱۲۶۲) هنگامیکه نزد استاد خود شریف‌العلماء آملی (م ۱۲۴۵) معالم میخوانده است یادداشتهائی کرده وهمانها رادردوماه سال طاعون (۱۲۴۵) گرد آورده ضوابط‌الاصول بپرداخت (دیباچه) پس این کتاب که بسیاردر آن موشکافی شده است همان تقریرات درسهای آن استاد آملی میباشد . قزوینی

درنسخه‌ایکه از آن نوشته بود هم هنرمندی خویش را آشکار داشته درآغاز وانجام بیشتر سطرها یکنواخت یك حرف گذارده‌است . اوچون دید که ضوابط گسترده و کلان است و شاگردان هم آنرا میخواهند که فرابگیرند این بود که از آن گزین نموده نتائج‌الافکار ساخت وآن در یك مقدمه وچند اصل ویك خاتمه و دردوجلد میباشد ودر پایان دههٔ سوم ماه هفتم سال ۱۲۵۳ آنرا بانجام رساند (۱) وخودهم آنرادرس میگفته‌است.

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی هدانا بترتیب عوائد موائدالایادی الی نهایة معارج‌الافهام وارشدنابتهذیب فرائد فوائدالمبادی الی غایة مناهج‌الحلال والحرام ووفقنا لتحصیل ضوابط‌الاصول باتقان قوانین شریعة سیدالانام . . . فیقول . . . الموسوی ابراهیم . . . انی بعد بعدا انتخبت مما کنت حررته سابقا من المسائل الاصولیة ومبانی (الاحکام) الشرعیة الفرعیة کتاب ضوابط‌الاصول اجابة لمسئول بعض الفحول ورأیت کثرة رغبة المشتغلین فی ادراك مطالبه وشدة میل المحصلین الی فهم مسائله . . . بید انه کان لبسطه بعض الهمم قاصراً عن الوصول الی غوامض حقائقه . . . سنح ببالی القاتر ان اشمر عن ساعدالاجتهاد ثانیا . . . بتصنیف وجیزة تشتمل علی امهات مسائل‌الاصول و تألیف مختصر یحتوی کل اصل منه علی مالایحتوی علیه ابواب وفصول . . . وسمیته بنتائج‌الافکار . . . ورتبة علی مقدمة وخاتمة واصول اما المقدمة فاعلم ان اصول‌الفقه علم لهذاالعلم .

انجام : فرجح‌الاقوی فالاقوی رجح‌الله حسناتنا علی سیآتنا ورفع فی الآخرة درجاتنا بمحمد و آله الطاهرین . قدفرغ من تألیفه مؤلفه‌الفقیر فی آخر العشر الثالث

۱ـ ضوابط و نتائج هردو در ۱۲۷۵ بخط شیخ محمد بن ملاعلی خوانساری بکوشش آقاعلی‌اکبر و آقامحمد نصیر باندازهٔ رحلی بچاپ سنگی رسید . دراین چاپ دارد که ابراهیم حسینی رازی شاگرد قزوینی استادرا بخواب دید که کتاب ضوابط باید بچاپ رسد . بنگرید به : قصص‌العلما ص ۳ـ۱۴ ـ نامهٔ دانشوران ۱ : ۲۲۹ـ۲۳۹ ـ کنتوری ص ۳۷۴و۵۷۶ ـ فهرست سپهسالار ۱ : ۵۹۱ ـ فوائدرضویه ۱ : ۹ ـ هدیة‌الاحباب ص ۱۷۶ ـ ریحانةالادب ۲ : ۴۳۱ ـ روضات ص ۱۲ ـ اعلام‌الشیعه ۲ : ۱۰ ـ ذریعه ۸ : ۲۳۹

من الشهر السابع من السنة الثالثة من العشر السادس من المائة الثالثة من الالف الثانی حامداً مصلیاً مسلماً کثیرا.

[۱٦٥۱]

این نسخه بنسخ روشن است با عنوانهای درشت‌تر و با نشانهٔ شنگرف میباشد تصحیحات و افزوده‌ها درهامش هست و خط خورده و پاك شده هم در آن هست و پیداست که نسخهٔ اصل خط قزوینی است. در ۳۷ و ۳۸ الف حاشیه «منه» که باید ازخود قزوینی باشد بنستعلیق دیده میشود. برخی جاها حاشیه‌ها بخط نستعلیق خوشتر وریزتر است که گویا اینها از عبدالسمیع بن محمدعلی بن احمد بن محمد بن سمیع یزدی میباشد و نشانهٔ آنها «المحرره» و «المحرره عفی عنه» و «الذی ذکره الاستاد دام ظله العالی» است (۵۲ و ٦۱ الف) در ۱ ب ستایشی است بنظم تازی از کتاب از همان یزدی ودر ۲ الف هم همینگونه ستایش است و باید از همو باشد. در ۲ ب ـ ٤ الف فهرست کتاب هست که گویا از دیگری است. صفحه ۱ کتاب گویا از این یزدی است و خطبه‌ایست که گویا قزوینی پس از این افزوده واو نوشته است واصل کتاب که در ٥ الف است تا ٦۳ الف چنین بوده:

« بسمله. و به نستعین. رب وفق الاتمام « اصول الفقه علم لهذا العلم » نویسنده پس از افزودن خطبه در ٤ ب این را بدان پیوست.

درپایان هم داشته بود «الفقیر فی آخر شهر رجب من شهور سنة ۱۲٥۳» وروی آن خط خورده ودرپهلوی آن نوشته شده «الفقیر فی آخر العشر الثالث. مسلما» و باید بخط همان یزدی باشد. گ ۳۹ الف سفید است و کم ندارد. در ۱ ب دارد « نتایج نسخهٔ اصل بنجفران ».

(۶۴ک) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوایی

الدازه ۱۵×۲۱ و ۸×۱۵/٥ س ۲۳

[۱٤۰۹] نهایة الوصول الی علم الاصول (عربی)

دانشمند فرزانهٔ شیعی علامهٔ حلی این دفتر کلان را درعلم اصول در ۱۳ مقصد بدرخواست پسر خود فخر المحققین محمد پس از کتابهای بزرگ و کوچك که دراین علم ساخته بود بپرداخت و آنچه گذشتگان گفته و نوشته‌اند در آن گنجانده وبررسیهای خودرا نیزدر آن گذارده است.

چنین است فهرست مقصدهای آن:

نخست: مقدمات در ۷ فصل. دوم: لغات در یك مقدمه و ۸ فصل. سوم: کیفیت استدلال بخطاب الله در ۲ فصل. چهارم: امر و نهی در ۸ فصل. پنجم: عموم و خصوص و اطلاق و تقیید در ٤ باب. ششم: باقی صفات دلالت در ۲ باب. هفتم: افعال در ۷ بحث. هشتم: نسخ در ٤ فصل. نهم: اجماع در ٦ فصل. درپایان این مقصد دارد: «فرغت من تسویده سلخ جمادی الاول سنة اربع وسبعمائة والحمدلله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین». دهم: خبر در ۷ فصل. یازدهم: قیاس در ۷ فصل. دوازدهم: استدلال در یك مقدمه و ٦ فصل. سیزدهم: اجتهاد وتقلید در ۳ فصل. (هرفصل وبحث وبابی هم دارای چند بحث ومطلب یاباب وفصل است) از نگریستن بدین دفتر پیداست که حلی مانند آمدی از سخنان متکلمان واصولیان مانند عبدالجبار و باقلانی و ابن فورك و ابی الحسن بصری و غزالی و مرتضی ودیگران بهره برده است و آن درمیان کتابهای شیعی مانند احکام آمدی درمیان نوشته‌های سنی میباشد.

حلی در خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال از نگارشهای خود یاد میکند ومیگوید دراین تاریخ (ربیع دوم سال ٦۹۳) این کتابها بپرداختم. یکی از آنها همین «نهایة الوصول فی علم الاصول» است (ص ۲٥ چاپ ۱۳۱۰ تهران) دراجازات بحار مجلسی (ص ۲۰) نام این کتاب از همان خلاصه بدینگونه یادشده - «نهایة الوصول وایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السئوال والامل لابن الحاجب فی اصول الدین» اواین عبارت را ازروی نوشتهٔ محمدحسن بن محمدعلی استرابادی نجفی در طوس بسال ۱۰۹٥ آورده وازسنجش آن باخود خلاصه برمیآید که استرابادی خواسته بفهرست کتابهای علامه ترتیب علمی دهد و کتابهای مربوط بیك علم را یکجا یاد کند اینست که میان غایة الوصول که شرح مختصر ابن الحاجب است ودرعلم اصول فقه نه دراصول دین ومیان نهایة الوصول جدائی نگذاشته وهردورا یکی پنداشت بگواهی اینکه باز درجای دیگر خلاصه (ص ۲٤) نام «غایة الوصول

وایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السئوال والامل فی اصول الفقه دیده میشود .

در لؤلؤتی البحرین هم عبارت خلاصه آمده و از این کتاب بنام « نهایة الوصول الی علم الاصول » یاد گردید چنانکه درامل الآمل ص ۴۷۰ ودردیباچهٔ همین نهایه هم جنین یادشده است . دراجازه ایکه حلی بمهنا بن سنان مدنی درمحرم ۷۲۰ درحله داده است نیز از « غایة الوصول و ایضاح السبل فی شرح مختصر منتهی السئوال والامل فی علمی الاصول والجدل و هو شرح اصول ابن الحاجب » مجلد » و « نهایة الوصول » اربع مجلدات » یاد شده است (ص ۳۰ و ۵۲ اجازات بحار ـ دفتر ش ۱۰۲۲ گ ۶۸ الف ـ ۷۰ ب این کتابخانه ـ ص ۲۴ دیباچه وص ۴۳ بخش یکم همین فهرست) .

ازاینده فهرست علامه برمیآید که کتابهای اصولی علامه ایندفترها است :

۱ـ منتهی الوصول الی علمی الکلام والاصول (مجلد) که کنتوری نسخهٔ آنرا دیده است (ص ۵۶۲) .

۲ـ نهایة الوصول الی علم الاصول (اربع مجلدات) که در ۸ رمضان ۷۰۴ آنرا بپایان رساند .

۳ـ نهج الوصول الی علم الاصول (مجلد) .

۴ـ غایة الوصول که نسخهٔ نوشتهٔ ۷۱۱ آن درطوس هست (ش ۶۳) .

۵ـ تهذیب الوصول (مجلد صغیر) که پس از نهایه و برای همان پسر خود در ربیع یکم ۶۹۸ نوشته است .

۶ـ مبادی الوصول الی علم الاصول (مجلد صغیر) که بامعارج محقق در تهران در ۱۳۱۰ بچاپ رسید و گزارش علی بن سعد بن علی بن سعد بر آن در جمادی یکم سال ۶۶۷ نوشته شده (ش ۵۴ طوس) ورکن الدین محمد بن علی گرگانی شاگرد حلی برای عمیدالدین ابی طالب عبدالمطلب بر آن گزارشی بنام غایة البادی فی شرح المبادی نگاشته ودر چهارشنبه ۱۹ شوال ۶۹۷ آنرا بپایان رساند (ش ۶۵ و ۶۶ طوس ـ کنتوری) همچنین گزارشی دیگر گویا از مولی عبدالواحد شوشتری

استاد قاضی نورالله (ش ۴۶ طوس) ونیز گزارشی از علی بن علی امامی شاگرد حلی هست که برای تقی الدین ابراهیم بن محمد بصری در ۷۰۶ وبنام خلاصة الاصول نگاشته است (نسخه ش ۳۵ طوس نوشتهٔ ۷۳۳)

۷ـ « النکت البدیعة فی تحریر الذریعة للسید المرتضی » که تنها در خلاصه یاد شده ودر اجازهٔ مهنا دیده نمیشود .

سه نسخه ازاین نهایه درطوس هست (ج ۲ ص ۲۳۹ و ۲۱۳) و یك نسخه درفاضلیه (ص ۱۳۲ ش ۹۹) .

آغاز : بسمله . الحمدلله المقدس بوجوب وجوده عن الاشباه والنظائر والاضراب المنزه بکمال قدرته عن الاصحاب والامثال والاقراب ... اما بعد فان الله تعالی شرف نوع الانسان علی غیره من المخلوقات ... واوجب علی العلماء ... ایضاح تلك الدلائل المشکلة و کشف المعانی المعضلة ... ولما کان اصول الفقه هو المباحث عن تلك القواعد المحصل لغرر تلك الفرائد وجب صرف العنایة الی البحث عن مطالبه و ایضاح الحق فی مآربه وقد صنفنا کتباً متعدده من المختصرات والمطولات ... وقد سئل الولد العزیز محمد ... انشاء کتاب جامع لما ذکره المتقدمون حاولما حصله المتأخرون مع زیادات نفیسة لم یسبقنا الیها الاولون وصرفنا الهمة الی وضع هذا الکتاب الموسوم بنهایة الوصول الی علم الاصول .. وقد رتبناه علی مقاصد ـ

انجام : ولایخفی تحصیل ذلك لمن له ادنی فطانة (قال المصنف ره) ولیکن هذا آخر مانورده فی هذا الکتاب ونسئل الله تعالی ان یجعل ما ابتناه حجة لنا لا علینا ... ویوفق کل مماز مجادل عنه والحمدلله رب العالمین (وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین) (صورة خط المصنف [قدس الله سره] اعلی الله مقامه) کان الفراغ منه فی ثامن شهر رمضان المبارك سنة اربع وسبعمائة و کتب (العبد) الفقیر الی الله تعالی حسن بن یوسف بن المطهر الحلی مصنف الکتاب وصلی الله علی سید المرسلین محمد النبی وآله الطاهرین .

[۱۶۵۲]

۷۹۵ این نسخه بنسخ تازه با عنوانهای شنگرف است و سید علی بن سید محمد گیلانی آنرا خریده و با نسخهٔ برابرشدهٔ با نسخهٔ خط حلی دورروزچهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۲۳۸ مقابله نمود (گ ۳٦۷ ب) درپایان جلد یکم (گ ۲۰۵ الف) هم میبویسد که درسپاهان درروزدوشنبه یکم رجب ۱۲۳۸ ازمقابلهٔ باهمانگونه نسخه بیاسودم.

(۳٦۷گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ساده مقوائی
اندازه: ۲۰/۵×۳۰/۵ ــ ۱۲/۵×۲۲/۵ س ۲۹

[۱٤۱۰] وافیه (عربی)

ملاعبدالله فرزند حاج محمد بشرویه‌ای تونی طوسی (م کرمانشاه ۱٦ ع ۱/۱۰۷۱) نگارندهٔ فهرست تهذیب طوسی ورسالهٔ تحریم جمعه ازدانشمندان پارسای شیعی بوده و روش اخباری داشته است. او دراین وافیه که در یك مقدمه و شش باب است مبحثهای مهم اصول را آورد و در ۱۲ ع ۱/۱۰۵۹ آنرا بانجام رساند و خود او دربارهٔ آن میگوید «انه لم یسبقنی الیه احد» گویند که او چون کم استاد دیده بود دربرخی جاها سخن بدرستی نیاورده است (۱)

۱ــ بنگرید به: روضات ص ۳٦۲ و ۳۳۲ــ قصص العلما ص ۱٤٤ و ۱۹۵ــ کنتوری ص ۳۵۹ و ۵۹۹ ــ فهرست معارف ۱: ۱۰٤ و ۲: ۱۵۳ــ طوس ۲: ۱۹۹ ش ٤۷ و ٤۸ــ هدیة الاحباب ص ۱۸۷ و ۱۸٤ــ ذریعه ٦: ۲۳۰ــ فوائد رضویه ۱: ۲۵۵ــ ریحانة الادب ۱: ۲۲۷ ــ کنی و القاب ۲: ۱۱۳

برای وافیه محمد مهدی بحرالعلوم بروجردی م ۱۲۱۲ در ۱۱۸۷ برمبحث حقیقت و مجاز آن گزارش نوشت. نیز سیدمحمد جوادعاملی م ۱۲۲٦ گزارشی بر آن دارد. همچنین سید محسن اعرجی کاظمی م ۱۲۲۷ (ذریعه ٦: ۲۳۰) یا ۱۲٤۰ (مستدرک ۳۹۹ــ روضات ص ۵۲۳) نسخه‌ای از وافیه را بخط خود در روز یکشنبه پایان جمادی یکم ۱۱۸۸ نوشته وحاشیه‌هائی ازاو بر آن هست سپس گزارشی بر آن در ۱۱۹٤ بنام الوافی نوشته است. گزارش کوچکتر هم بر آن محصول خوانده میشود. سیدصدرالدین محمد قمی همدانی نجفی م ۱۱٦۵ هم وافیه را گزارش نوشت ومحمدباقرمروج بهبهانی م ۱۲۰۸ همین را در آن هنگام نزدش میخواند و او را دربیمهٔ نخستین آن ازروش اخباری باز میداشت ولی دربیمهٔ دوم آن او نبوده است. در روضات ص ۳۳۲ ومستدرك ص ٤۰٤ دارد که این قمی در ٦۵ سالگی بردههٔ ٦۰ پس از ۱۱۰۰ درگذشت پس او نزدیك ۱۱۰۰

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

آغاز: الحمدلله علی جزیل آلائه والشکر له علی جمیل نعمائه ... وبعد فهذه رسالة وافیة وجملة شافیة محتویة علی تحقیق المهم من المسائل الاصولیة سیما مباحث الادلة العقلیه ومباحث الاجتهاد والتقلید و باب التراجیح وهی مشتملة علی مقدمة وابواب.

انجام: فارجع الی احد من المرجحات المنصوصه اوقام علیه دلیل قطعی فهومقبول والافعدم الالتفات الله احوط واولی والعلم عندالله والتکلان فی المهمات علی الله وهو حسبی ونعم الوکیل وصلی الله علی محمد واهل بیته الطیبین الطاهرین هذا آخر ما اختصرناه من المطالب الاصولیة المبرهنة بالنصوص والادلة العقلیة (وانا العبدالمذنب الراجی عبدالله بن حاجی محمد البشروی الخراسانی وقد وقع الفراغ منه یوم الاثنین ثانی عشر اول الربیعین فی تاریخ ۱۰۵۹ حامدالله مصلیاً علی رسول الله وآله المعصومین امناءالله کاتبه العبدالاحقر ابن حاجی عبدالکریم محمد حسین فی شهورسنة ۱۲۵۷ من الهجرة والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً و باطنا. تمت الکتاب بعون الملك الوهاب ــ نسخهٔ دانشکده حقوق) (۱).

دنبالهٔ حاشیه صفحهٔ پیش

زاده شده وتونی را ندیده است مگر اینکه این تاریخ درست نباشد.

گویا نگارندهٔ فهرست معارف (۱: ۱۰٤) که نوشته است که سید صدرالدین قمی وافیه را نزد تونی میخوانده وهمان زمان هم بخشی از آنرا گزارش کرده وسپس آنرا بانجام رسانده است عبارت روضات (ص ۳۳۲) را بد دریافته است یا اینکه خود اوهم تاریخ مرگ قمی را ۱۱٦۵ نوشته است وناگزیر بایستی او نزدیك ۱۰۵۰ زاده شده باشد تا بتواند از تونی م ۱۰۷۱ آموخته باشد پس او در ۱۱٦۵ نزدیك ۱۱۵ سال داشته بود وچنین زندگانی درازی دربارهٔ اوسراغ نداده‌اند.

(۱) درپایان نسخهٔ دانشکده حقوق دارد:

اعلم انه قدامرنی الاستاذ العالم الجلیل المحقق دامت ایام افاداته بکتابة هذه الرسالة الوافیة فی علم اصول الفقه فاطعت و وضعت اصبع القبول علی عینی وشرعت بتوفیق الله سبحانه و لطفه الی ان ختمت فی ثامن عشر شهر ذی‌قعدة الحرام من شهور سنة سبع وخمسین ومائتان بعدالالف من الهجرة النبویة علی ذیها الف الف السلام والتحیة وارجو

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

[۱۶۵۳]

۹۰۴ این نسخه ش ۱ دفتراست و بنسخ روشن ونشانها وپاره‌ای عنوانها شنگرف میباشد. عنوان مطلبها درهامش هم دیده میشود ودر ذیحجهٔ سال ۱۲۳۶ نوشته شده است. در برگهای ۳۰ الف و ب و ۳۱ الف سه حاشیه است از امام جمعه و جماعت سپاهان حاجی میرزا محمد هاشما بنستعلیق که نویسنده مانا شاگرد او بوده و بسیار از او میستاید ودربارهٔ او میگوید: «زید اقباله العالی» در پایان مهر «محمد الموسوی» دیده میشود. گ ۱ ب – ۶۳ ب.

(همهٔ دفتر ۹۰ گ) – کاغذ فرنگی – جلد مقوا

اندازه: ۹ × ۱۵ – ۱۴/۵ × ۲۰ س ۲۰

[۱۴۱۱] وجیزه (عربی)

شیخ بهائی در این رسالهٔ کوتاه گزیده‌ای از علم درایه را گذارده و آنرا بنام وجیزه در یك مقدمه وشش فصل ویك خاتمه وبمانند دیباچه‌ای برای حبل المتین پرداخت. در فهرست فاضلیه ص ۱۱۴ ش ۵۱ نسخه‌ای شناسانده شده که در ۱۰۱۲ نوشته شده است (۱).

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

من خدمة ملازمیه سلمه الله حین ینظر بنظره الشریف ولو ان مطالعته المنیقة الدعاء والاستغفار والمسلك فی الامدادته وملازمیه وعبده ومخلصه والقایل لاستفادته وانا العبد الذلیل والفقیر المحتاج الی الله الجلیل اقل الحاج والطلبة بل اذل الاذلة محمد حسین المشهور بالخلیفة حشره الله تعالی مع سیدنا محمد وآله خیر البریة اللهم وفقنی لطاعته وجنبنی لما توجب سخطه وغضبه بحرمة محمد والته.

من همان مخلص دیرینه‌ام ای پاك سرشت

که خط بندگیم بهر تو تقدیر نوشت

۱ – این دفتر در تهران در ۱۳۱۰ با وصول الاخیار بدوش و بدایهٔ شهید باندازهٔ ربعی در ۸ ص ودر ۱۳۱۱ با خلاصهٔ علامه و رجال مجلسی بوسیله حاج میرزا عبدالله تهرانی باندازهٔ وزیری در ۵ ص بچاپ سنگی رسید. نیز در ۱۳۱۹ با حبل متین ومشرق الشمسین ودو رسالهٔ کر وعروة وثقی از همو در تهران باندازهٔ وزیری در ص ۴–۷ چاپ سنگی شده است.

آغاز / بسمله. الحمد لله علی نعمائه المتواترة وآلائه المستفیضة المتكاثرة.. و بعد هذه رسالة عزیزة موسومة بالوجیزة تتضمن خلاصة علم الدرایة و تشتمل علی زبدة ما یحتاج الیه اهل الروایة جعلتها كالمقدمة لكتاب الحبل المتین ... وهی مرتبة علی مقدمة وفصول ستة وخاتمة.

انجام: واسئل الله التوفیق لاتمام الفوز بسعادة اختتامه انه سمیع مجیب.

[۱۶۵۴]

۸۷۱ این نسخه ش ۳ دفتراست وبنسخ گ ۱۰ ب – ۱۱ ب (ص ۸۳۵).

[۱۶۵۵]

۹۱۸ این نسخه ش ۲ دفتراست وبنستعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف از محمد امین قاری در شهر گنجه در صفر ۱۰۱۵ و چنین مینویسد: «تشرفت بنقلها ببلدة گنجه فی شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة خمس عشرة و الف وانا اقل عباد الله الباری محمد امین القاری ۵» . حاشیه‌هائی دارد که برخی برمز «ه» پایان مییابد ومانا از همو است وبرخی بخط ریزتر وروشن‌تر وخوش‌تر است که در پاره‌ای جاها در پایان «من الرحیم عفی عنه» دارد. یکی از حاشیه‌ها که بخط همان محمد امین است در پایان «كذا افاد مدظله. انتهی – با – امین» دارد. پیدا است که او شاگرد بهائی بوده و چند شمارهٔ این دفتر را از آغاز دهٔ دوم ماه سوم ۱۰۱۵ تا ۲۰ شوال ۱۰۱۷ در روزگار بهائی نوشته ودر بسیاری از جاها خط بهائی در کنار صفحه‌ها گواهی میدهد که آنها را براو خوانده است چنانکه در همین شماره در گ ۱۴۳ ب و ۱۴۶ الف دارد: «بلغ قراءة ایده الله تعالی» ودر پایان در گ ۱۴۹ ب: «بلغ قراءة من اوله الی آخره. وفقه الله تعالی. حرره الفقیر مؤلف الرسالة محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی» این نویسنده شمارهٔ یکم این دفتر (مفتاح الفلاح) را از روی خط بهائی در آغاز دهٔ دوم ماه سوم ۱۰۱۵ نزدیك به بیست روز پس از نگارش بهائی (در شهر گنجه در آغاز دهٔ سوم ماه دوم ۱۰۱۵) در نزدیك «آغچه قلعه» در «سده سومی» از شهرهای گرجستان نوشته بوده. این وجیزه در برگهای ۱۴۲ ب – ۱۴۹ ب است ودر برگهای ۱۳۶ ب – ۱۴۲ ب مطلبهای پراكنده‌ایست از خبر وفقه و اخلاق وحساب ولغت و تاریخ بخط همو ودر گ ۱۳۶ ب تاریخ نیمهٔ روز پنجشنبه ۲۰ شعبان ۱۰۳۱ که بختم اتمام پرداخت دیده میشود (بنگرید به ص ۲۱۶ ج ۱ فهرست آقای مشکوة).

[۱۶۵۶]

۹۸۹ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد . گ ۹۱ الف ــ ۹۳ ب .

(همهٔ دفتر ۳۱۰۰۹گ) ــ کاغذ فرنگی ــ تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹×۱۵ س ۲۱

[۱٤۱۲] وصول الاخیار الی اصول الاخبار (عربی)

شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی همدانی جبعی عاملی (محرم ۹۱۸- هجر ۸ ع ۹۸٤/۱) دانشمندی فقیه وعارف بوده وخواندن وآموختن کتابهای حدیث را در ایران روائی داد . شهید دوم بهو اجازه داده و ازاو بسیار بستود . او پس ازمحقق شیخ علی کرکی (م ۹٤۰) ازنزدیکان دربارشاه تهماسب (۹۳۰- ۹۸٤) شده بود . نماز آدینه را واجب میدانست ودرایران بویژه خراسان آنرا برپامیداشت . درروزگار تهماسب درهفت سالگی پسرش بهائی در ۹٦۰ باخاندان و پیروان بسپاهان آمده سه سال درآنجا بماند سپس با پیشنهاد شیخ زین الدین علی منشارعاملی شیخ الاسلام قزوین گشت وهفت سال درآنجابود آنگاه بطوس رفت و پس ازاین بهودستورداده بودند که بهرات رود وآئین شیعی بمردم بیاموزد ونزدیك هشت سال رهبری دینی آنجا را داشت باز بقزوین بر گشت وبحج رفت و ببحرین بازگشت و درآنجا ماند تا در ٦٦ سالگی در گذشت (روضات ص ۹۱ و ٦۱۲) .

دراین نامه او ازدرایة الحدیث گفتگو نمود . او در آن ازسید متاله بدرالدین حسن بن سیدجعفر بن فخرالدین حسن بن نجم الدین بن اعرج حسینی عاملی کرکی م۹۳۳ بمانند در گذشته وازشهید دوم (۹۱۱-۹٦٦) همشاگرد ومجیزخود بمانند زنده یاد میکند (ص ۱۷ چاپی و گ ۳ ب نسخهٔ ما) ومیگوید که دربارهٔ قواعد احادیث نامه‌ای جداگانه نپرداختند (ص ۷ و۱۷ چاپی و گ ۲ الف) پس باید آنرا پیش از شرح شهید دوم بردرایهٔ خود که در ٥ ذی حجهٔ ۹٥۹ نگاشته است

ساخته باشد (روضات ص ۱۷۹ و۱۹۲= امل الآمل ص ٤۳۱ و ٤۳٦) گرچه تاریخ گواهی که او برخواندن شاگردش آنرا نزد خود ودرپایان این نسخه (۳٦ ب) داده ونوشته ۱۰ ج ۱ سال ۹٦۹ میباشد .

او چنانکه درص ٤۰ چاپی (گ ۷ ب) مینویسد آنرا درطوس نگاشته است ودر ص ٤۳ چاپی (گ ۸ الف) ازشاه اسمعیل حسینی (۹۰۷-۹۳۰) بمانند مرده یاد میکند و میگوید که من با یکی از دانشمندان سنی فارسی وبیگانهٔ از آئین شیعی که با پدرش ازشاه اسماعیل گریخته و بهند رفته و بزرگ شده بود والی انصاف داشته است گفتگو کرده‌ام .

ازاینجا برمیآید که او درطوس نزدیك ۹٦۹ این نامه را نگاشته است . مقدمه‌ای درسه فصل در آن هست سپس مطلبها با عنوانهای اصل و گاهی فصل میآید ودرپایان خاتمه‌ایست ودوفائده .

این نامه با وجیزهٔ بهائی و شرح درایهٔ شهید در ۲۰۰ ص رقعی درتهران درچاپخانهٔ کربلائی محمد تقی بخط شیخ احمدبن الحسین تفرشی و تصحیح محمد مهدی بن سیدحسن موسوی شوشتری جزائری در ۱ ج ۱۳۰٦/۱ بچاپ سنگی رسید .

آغاز : بسمله الحمدلله فاتح الاغلاق مانح الاعلاق مسبغ العطاء مسبل الغطاء الذی خلق الانسان فاجزل علیه الاحسان ... فیقول فقیر رحمة ربه الغنی حسین بن عبدالصمد الحارثی الهمدانی .

انجام : و امثال ذلك مما هو مقرر فی فن الخط . والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً وباطناً وصلی الله علی سیدنامحمد وآله الطیبین الطاهرین (تمت بعون الله وتوفیقه . م .) .

[۱٦۵۷]

۱۰٤٤ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ با عنوانهای درشت‌تر و نشانه‌ها هردو بشنگرف بهمانخط شریف بن بهاءالدین علی حسنی رامدی نویسندهٔ رجال ابن داود (ش ۳) درقزوین روزآدینهٔ ۱۷ شوال ۹٦۷ (ص ۵۷۷ ج ۲ فهرست آقای منزوی) میباشد . یکی دوتا حاشیه دارد بنستعلیق تازه‌تری . همهٔ چهارشمارهٔ اینفدفتر

نزد شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی خوانده شده و خواننده پیداست که همین رامدی میباشد و عاملی در کنار برگها در بسیاری از جاها در چهار شماره بخط خود براین خواندن گواهی داده است بدینگونه : بلغ قراءة وفقه الله تعالی ـ بلغ قراءة ادام الله تأییده ـ ثم بلغ قراءة ایده الله تعالی ـ ثم بلغ قراءة وفقه الله تعالی .

ش ٤ این دفتر فهرست طوسی است که محمد بن محمد بن اخی محمد در یکشنبه ۱۱ ج ۲ سال ۹٦۹ آنرا نوشته است (ص ٦٤٠ ج ۲ فهرست آقای منزوی).

در گ ۳٦ ب اجازه ایست از عاملی بنویسندهٔ نسخه که کلیشهٔ آن در فهرست آقای منزوی ۲ ۵۷۹ دیده میشود . در گ ۱ الف و ب و ۱٤۰ الف مهر « عبده محمد باقر الحسینی » و «محمد باقر» دارد .

عاملی در گ ٤۲ ب بمانند ش ۱ گواهی میدهد که این نسخه را نویسنده نزد او خوانده است بدینگونه : « انهاه ایده الله و حفظه و ابقاه قراءة وفهما وضبطا فی مجالس آخرها لیلة الجمعة منتصف جمادی الآخرة سنة تسع وستین وتسعمائة . احسن الله توفیقه ؛ من فقیر رحمة ربه الغنی حسین بن عبدالصمد الحارثی . وفقه الله لما یحبه ویرضاه انه جواد کریم » این گواهی بخط خود او است که در شب پنجشنبه نیمهٔ جمادی دوم ۹٦۹ نوشته است . در گوشهٔ راست بالای همین برگ مهری گرد زده شده که بدرستی خوانده نمیشود .

اجازه و گواهی دیگر همین دانشمند برای نویسندهٔ ش ۳ (شریف بن بهاءالدین علی رامدی) (گ ۱۰۱ ب) در ص ۵۸۸ همان فهرست یادشده و کلیشهٔ آن هم دیده میشود . پیش از اینهم بار خط خود او هست و چنین است : « بلغ قراءة ومقابلة وتصحیحاً وفقه الله تعالی وایانا لما یحب ویرضی وذلك اواخر ربیع الآخر سنة تسع وستین و تسعمائة من فقیر رحمة ربه الغنی حسین بن عبدالصمد الحارثی تجاوز الله تعالی عن سیئاته » (گ ۸٤ الف ـ پایان جزء یکم رجال ابن داود).

گفتار سیزدهم

فقه

آداب نماز

[۱۴۱۳-۱۴۱۵] (فارسی)

سه نامهٔ کوچك دربارهٔ دستورخواندن نمازدراینجا میشناسیم :

۱- از آقاجمال‌الدین‌محمدبن حسین‌بن‌جمال‌الدین‌محمدخوانساری (در گذشتهٔ درسپاهان در۲۶ رمضان۱۱۲۵) که بدستور شاه سلطانحسین صفوی این‌نامه را درهفت فصل نگاشته‌است . فهرست فصلهای آن چنین‌است : اذان واقامه وترجمهٔ آن - چگونگی و آئین و دستور نماز - ترجمه و گزارش کوتاهی از فاتحه - گزارش قدر - گزارش توحید - تعقیب وترجمهٔ و گزارش دعاهای آن - سجدهٔ شکر وترجمه و گزارش آن .

آغاز : بسمله. الله اکبر. زهی رسائی صیت جهان‌پیمای اذان‌اعلام کبریای خدائی ، و اعلان خجسته ندای یکتائی ، معبود بی‌زوال و یگانهٔ منزه از شبه و مثال که بآذان فطرت جمله اشیا تاگوش گردان هرصخرهٔ صما رسیده باقامت حجت ربوبیت وایضاح محجت عبودیت مقیمان قبهٔ خضراء وساکنان عرصهٔ غبراء و بال افشانان جوهوا درمقام تعبد و نیاز وقیام بامرنماز و هرچه باهستی آشنا چه نجوم نورافشان سیما و چه تنگ مایگان ذرات هباسبحه شمار ذکرجمیل وسرگرم تسبیح وتحمید آن صمد بی‌انبازند ... امابعد چون دربنوقت فرمان قضا جریان خسروزمان ومالك رقاب گردنکشان جهان ... ظل‌ممدود کردگار آسمان وزمین ... دوحهٔ طیبهٔ ریاض نسبت حسینیه ، ثمرهٔ شجرهٔ مبارکهٔ موسویه ... شاه سلطان حسین‌الصفوی‌الموسوی‌الحسینی بهادرخان ... شرف نفاذ یافت که این نیازمند رحمت باری جمال‌الدین محمدبن حسین‌الخوانساری رسالهٔ دربیان اعمال واجبه ومندوبهٔ نمازبطریق اختصار تألیف‌نماید لهذا... این‌رسالەرا که مبتنی‌است برهفت فصل ترتیب داد .

انجام : و هروقت که کسی حاجتی داشته باشد مناسب است که بآن نحو

سجده کند و حاجت خود بخواهد. واذ قد بلغ الکلام مقام الاختتام فلنحمدالله شکراً لنعمته والصلوة والسلام علی من ختم کتاب الرسالة ببعثه والاطهار الاخیار من عترته (بلغ مع نسخة الاصل).

[۱۶۵۸]

۷۹۲ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نستعلیق خوش با نشانه‌های شنگرف و عبارتهای تازی بنسخ و زیرخط سرخ میباشد. گ ۲ ب ـ ۵۲ ب. در ۵۲ ب دارد «بلغ مقابلة مع نسخة الاصل» حاشیهٔ «منه جلیه» و «منه» دارد از نویسندهٔ متن. عنوان درفهرست گ ۲ الف دارد «آداب نماز من افادات عالیحضرت آقاجمال دام ظله السامی» پس این فهرست درروزگار او نوشته شده است. مهر «محمدتقی» در گ ۲ الف دوبار زده شده است.

(۱۱۲۴ق) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج ترنجی ضربی

الدازه: ۱۱/۵×۱۸ و ۵×۱۲/۵ س ۱۱و۱۵

۲ـ از آقا رضی الدین محمد خوانساری برادر آقا جمال خوانساری (۱) که حدیثی را که از ابومحمد حماد بن عیسی جهنی کوفی بصری دردستور نماز آورده شده بفرمان همان شاه سلطانحسین صفوی ترجمه کرده و آداب نماز را پس از آن گزارش داده است. خوانساری دردیباچه از خود بنام «محمد رضی» یاد میکند ومیگوید که این خبر از دو راه یکی صحیح از راویان شیعی امامی عادل، دیگر حسن مانندصحیح که تنها بعدالت بعضی از آنها تصریح نشده است روایت گردید وداننشمندان هم بآن عمل کردند ودر کافی ومن لایحضر آمده است نیز میگوید که من برحدیث بیضه شرح نوشتم و برشاه عرضه کردم.

آغاز: بسمله. فاتحهٔ نماز بندگی حضرت معبود یکتائی است که هر بندهٔ طاعت پژوه که ازروی خلوص نیت وصفای طویت پشت بما سوا ورو بکعبهٔ جلالش کرده از جملهٔ

۱ـ بنگرید به روضات ص ۱۵٦ و ۱۹٤ـ او بر آقارضی محمدبن الحسن قزوینی (م ۱۰۹٦) شاگرد ملاخلیل قزوینی ونگارندهٔ ضیافة الاخوان و هدیة الخلان در تاریخ دانشمندان قزوین که درآن از التدوین رافعی هم بهره برده و خوانساری دربسیاری ازجاها ازآن آورده است میباشد (روضات ص ٦۲۳ ـ کنتوری ص ۳۷۵ و ٤۷٤ ـ امل الآمل ص ۵۰۰).

فرائض یومیه یکی را بوجهی که مقبول نظر انعك پذیری رحمت بالغه و عنایت سابقه اش تواند افتاد افتاد ـ امابعد ... پوشیده نماناد که بمقتضای مصدوقهٔ الناس علی دین ملوکهم اهتمام پادشاه دل آگاه بکار گذاری شعایر دین مبین باعث رونق پذیری کیش و آئین ... میباشد لهذا ... لازم است که ازجملهٔ احکام دینیه هرچه را اهم دانند بتقریبات مناسبه بعرض اقدس رسانند.

انجام: واینست وقت ختم کلام بذکر حق تعالی وسجدهٔ شکر ملك علام وهنگام اشتغال بورد دائمی دعای بود دین ودولت وخلود فتح وفیروزی و نصرت پادشاه ظل الله دین پناه والمستعان وعلیه التکلان (قوبل مع نسخة الاصل).

[۱۶۵۹]

۷۹۲ این نسخه ش ۲ دفتراست وبنسخ با عنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ میباشد. گ ۵۳ ب ـ ۸۲ الف. در ۵۳ الف دارد «ترجمهٔ حدیث حماد من افادات عالیحضرة علامة العلمائی آقارضی خوانساری طاب ثراه» ودر ۸۲ الف دارد «قوبل مع نسخة الاصل» از اینجا برمیآید که نسخه پس از مرگ خوانساری نوشته شده است. مهر «محمد تقی» و «عبده الراجی فیروز» در ۵۳ الف هست (۷۹۲/۱).

۳ـ رساله‌ایست بفارسی روان در آداب طهارت و نماز و پیدانشد از کیست وروی نشانه‌های نسخهٔ ما باید درروزگار صفویان نگاشته شده باشد.

آغاز: بسمله. آبی که دغدغهٔ نجاست آن داشته باشیم مثل آب چاههائی که دراکثر خانها میباشد احتیاطاً اولا بآب کر یاآب روان بی‌دغدغه فرومیکنیم وبعداز آن استعمال می نمائیم.

انجام: وبعداز اتمام حمد وبعداز بسمله توحید وبعداز قل هوالله احد... وبعداز رسوله و بعداز اتمام تشهد و بعداز اتمام سلام. والسلام.

[۱٦٦۰]

۷۹۲ این نسخه ش ۵ دفتر است وبنستعلیق روشن ودرپایان دارد «بلغ قبالا» ونسخه ازمیانه طهارت‌میان گ ۱۱۰ و ۱۱۱ افتاده وبیحث نماز می‌پیوندد. گ ۱۱۰ـ۱۱٤ الف (بنگرید به ۷۹۲/۱).

[١٤١٦] اثنی عشریهٔ بهائی (عربی)

دانشمند ارجمند روزگار صفوی شیخ بهاءالدین محمد عاملی در این نامه که خود در دیباچهٔ آن و در حاشیه اینکه بر اثنی عشریهٔ عاملی نگاشته «المقالة الاثنی عشریة» و در پایان همین اثنی عشریه و اجازه اینکه یاد خواهد شد «الرسالة الاثنی عشریة» نامیده است (گ ۲۳۸ ب و ۲۴۰ ب ش ۹۱۸/۱۲) از آنچه که بایستی شاید در نماز بجای آورد در دوازده فصل هریکی هم دوازده بند کاوش نمود و باروش منطقی و ریاضی دربارهٔ آن بررسی کرد. او این را در ۱۷ ع ۱۰۱۲/۱ بانجام رسانده (۱).

۱ــ بهائی در هریك از طهارة و وی بر سشهای منطقی (ذریعه ۱:۱۱۸) وصلوة وزکوة وخمس وصوم وحج «اثنی عشریه» نوشت. در ذریعه (۱:۱۱۳) از اثنی عشریهٔ طهارة وصلوة وزکوة وصوم بتاریخ ۱۰۱۲ و ۱۰۳۰ یاد شده است. در فهرست طوس (۲:۲) از اثنی عشریهٔ صلوة وصوم وحج تاریخ ۱۰۲۷ (ش ۲) واثنی عشریهٔ صلوة بخط شیخ زین الدین علی بن احمد نباطی که نسخهٔ آنرا نزد بهائی خوانده واو بخط خود در نیمهٔ ج ۱۰۱۲/۱ اجازهٔ روایت برایش نوشته است (ش ۴۷۰) یاد شده است (نیز ۴۷۱ و ۴۷۲ تاریخ ۱۰۲۰) نسخهٔ ش ۱ آنجا اثنی عشریه ششگانه است وبتاریخ ۱۰۷۲ و ۴۷۳ در صوم است که بهائی آنرا در پایان شعبان ۱۰۱۹ بانجام رسانده ودر ۱۰۲۰ به پیاض آورده وپس از صلوة وحج نوشته است (ذریعه ۱:۱۱۷) وتاریخ در این نسخه هم ۱۰۲۰ میباشد (نیز ۴۷۴ و ۴۷۵) و ش ۴۷۶ صلوة وصوم است بتاریخ ۱۰۲۴ و ش ۴۷۷ از صلوة است تا حج بخط محمد مقیم قزوینی در ۱۰۸۰ وش ۴۷۸ درحج است وبتاریخ ۱۰۲۴ (نیز کنتوری ۵).

درفهرستها و سرگذشتنامه‌ها از چندین اثنی عشریهٔ دیگر یاد شده که دانشمندان شیعی نگاشته‌اند چون: عاملی درصلوة (ش ۸۹۳/۴ و ۹۱۸/۸) و داماد درطهارة وصلوة وفلسفه (ش ۸۵۹) وتطنزی درمیراث پیش از ۱۰۸۰ (ش ۷۲۳/۲) وحر عاملی درده برصوفیان (کنتوری ص ۶۰) وسیدمحمدبن حسن عاملی عیناثی جزینی بنام الاثنی عشریة فی المواعظ العددیة (کنتوری ص ۶ــ ذریعه ۱: ۱۱۹) وفخرالدین محمدطریحی نجفی م ۱۰۸۵ دراصول فقه بنام اللمعة الوافیة نگارش شام چهارشنبه ۵ رجب ۱۰۵۷ (معارف ۱:۲۰۰ــ ذریعه ۱:۱۱۴) وسید خلف بن عبدالمطلب موسوی مشعشعی حویزی م ۱۰۷۴ درطهاره وصلوة (۱:۱۱۷) وسیدفضل‌الله بن محمدحسینی درنیمهٔ رجب ۹۴۵ در نجف و محمدبن حاج محمد زمان کاشانی سپاهانی نجفی در قبله در ۱ع ۱۱۶۳/۱ (ذریعه ۱:۱۱۸) و محمد (عبد) الکاظم بن عبدعلی گیلانی تنکابنی معاصر بهائی ومناظر داماد که بنام انموذج العلوم دردوازده دانش در ۱۰۱۵ نوشته و بشاه عباس اهدا کرد سپس فقه و حدیث را از آن گرفته و عشرهٔ کاملة نامید وبیکی از فرمانروایان هند داد (ذریعه ۱:۱۱۹).

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی وفقنا للاهتداء بشریعة اشرف المرسلین وسید الاولین والآخرین وهدانا لاقتفاء آثار اهل بیت الائمة الطاهرین ... فیقول ... محمد المشتهر ببهاءالدین العاملی ... هذه مقالة لطیفة فی واجبات الصلوة الیومیة ومستحباتها مرتبة الفصول علی نهج قریب یسهل تناوله علی الطلاب واسلوب غریب یهش الیه اولوالالباب ... فصارت مسائل هذه المقالة الاثنی عشریة منحصرة فی اثنی عشر فصلا.

انجام: فیکون انما قعد بعضك علی بعض. فلا تصبر للتشهد والدعاء ــ هذه صورة خطه من‌الله علی کافة المؤمنین بطول بقائه ــ اتفق فراغی من تألیف هذه الرسالة الاثنی عشریة فی یوم مولد من ختمت به الرسالة الی البریة سنة الف واثنی عشر هجریه علی صاحبها وآله الف الف صلوة وسلام وتحیة وانا احوج الخلق الی رحمة ربه الغنی محمد المشتهر ببهاءالدین العاملی وفقه‌الله للعمل فی یومه لغده قبل ان یخرج الامر من یده والحمدلله اولا وآخرا.

[١٦٦١]

۹۱۸ این نسخه ش ۴ دفتر است و بنسخ روشن با عنوانهای درشت‌تر و نشانه‌ها هردو بشنگرف از محمد مقیم بن محمدعلی تبریزی برای مولانا محمد امین (همان قاری) در ۱۰۱۴ که چنین‌مینویسد: «قدشرفت بکتابتها تذکرة للمولی الفاضل الاخ فی‌الله والمحبوب لوجه‌الله لازال کاسمه المسکین مولانامحمد امین سلمه‌الله وابقاه. وانا افقر عباداللهالولی محمد مقیم بن محمدعلی التبریزی عفی‌الله عنهم بمحمد و علی فی سنة ۱۰۱۴» حاشیه‌هائی بنستعلیق دارد که برمز ٥ دریکی دوجا ویا عبارتهای «منه مدظله» یا «منه مدظله العالی» یا «منه دام بقائه» یا «منه» یا «منه دام ظله» درسراسر آن پایان‌میابد. در کنارهٔ چندصفحه دارد: «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» وبخط بهائی است بنسخ. حاشیه‌ها بخط محمد امین قاری است ورمز «٥» از اوست. برگ ۱۷۷ سفیداست ولی کتاب کم ندارد. گ ۱۵۱ ب ــ ۱۸۴ الف. در ۱۸۴ ب بخط بهائی دارد:

«هو. قرا علی الولدالاعز الفاضل التقی الذکی الزکی نتیجة اماجدالافاضل وزبدة افاخم الاماثل مولانا محمد امین وفقه‌الله تعالی لاحراز سعادتی الدنیا والدین جمیع هذه الرسالة الاثنی عشریة من المطالع الی المقاطع واجزت له ان یرویها عنی لمن اراد واحب سائلا منه الامداد بالدعاء حرره الفقیر مؤلف الرسالة محمد المشتهر ببهاءالدین العاملی تجاوزالله عن سیئاته حامداً مصلیاً مسلماً سنة ۱۰۱۴».

(کلیشهٔ این اجازه در ریحانة الادب ۲:۳۸۳ دیده میشود).

[۱۴۱۷] اثنی عشریهٔ داماد (عربی)

فرزانهٔ دانشمند شیعی محمد باقر داماد استرابادی پرسشها که هنگام درس از او کرده‌اند پاسخها داده سپس آنها را گرد آورده دراینددفتر گنجانده است و آنرا پس از صراط مستقیم و افق مبین پرداخت. و آن در نسخهٔ ما که بپه کاره گذارده شده دارای ۵ مسئلهٔ فقهی است: ۱- پاره‌ای از حکمهای وضو (۲ ب). ۲- احداث متیمم از جنابت (۱۹ الف). ۳- وجوب ترتیب در غسل جنابت (۳۰ الف). ۴- وجوب نیت ایتمام بر مأموم (۴۳ الف). ۵- وجوب استحضار نیت برای هر یك از اجزاء عبادت (۶۳ ب) - گذشته از اینها مسئله‌های فلسفی و عرفانی هم دارد مانند مسئله منطقی تکرر اوسط در قیاس که ناگزیر نیست همهٔ آن تکرار گردد (۱۵ ب - ۱۷ ب) در آن دارد: اختار جدی المحقق اعلی الله قدره فی الشرح (۸ الف) وخالی افضل المدققین قدس الله سره فی تعلیقاته علی الرسالة (۲۹ الف) واز این دو عبارت محقق کرکی نورالدین علی بن عبدالعالی عاملی (م ۹۴۰) نیای خود و جامع المقاصد فی شرح القواعد او و شیخ عبدالعالی فرزند کرکی و دائی خود (۹۲۶-۹۹۳) و تعلیقات هم و بر رسالهٔ علی بن هلال جزائری را میخواهد (روضات ص ۳۵۱).

آغاز: بسمله. ومن جناب فضلك الاستيفاق والاستيزاع يا عليم يا حكيم سبحانك اللهم انى للسان هذه الذمة المخدجة ان يوازي حقوق نعمك و حمدى لنعمائك من اسطع ما ابلج وارعج من فضلك علي و كيف لبيان هذه اللهجة الممرجة ان يدانى قطوف كرمك بالشكر وشكرى لآلائك من المع ما لمع والنمع من طولك لدى. فيقول ... محمد بن محمد يلقب باقر الداماد الحسيني ... انى مذ مصرت العلم وتمصرت الحكمة ... هممت بارشاد التائهين ... فنهجت الى احصاف العلم القويم من الصراط المستقيم وعرجت في درج افلاك الحكمة الايمانية المتينة بالافق المبين والآن حيث اجبت عن مسائل سئلت عنها فامليت على عصابة محفل الدرس شطرا فالحاً من زواهر الكلام ... الحث على عصبة من الاولاد الروحانية بالاقتراح كى اخرطها فى سمط صحيفة ... فها انا اضرب بعصا الفحص حجر القريحة فتنفجر منه

اثنتا عشر عيناً ليعلم كل الناس مشربهم.

انجام: المسئلة الخامسة: قضية الاصل وجوب استحضار النية فعلا من كل اجزاء العبادة... ونحن نقول انا قد حققنا فى صحفنا الحكمية الالهية ان طاع(؟) الامكان هو العقم المحوجة الى الجاعل وان الحقيقة الامكانية فى حد جوهرها مفتاقة الى ابداع الجاعل اياها فالجاعل يفعل سنخ جوهر الماهية و يفعل نفس ذاتها فيفترع منها الوجود (تمت الكتاب).

[۱۶۶۲]

859 این نسخه بخط نسخ خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد و پیداست که پس از مرگ داماد نوشته شده‌است. حاشیه‌های «منه» و «منه رحمه‌الله» (۵۲ ب) و جزاینها دارد که بنستعلیق است از همان نویسندهٔ متن. حاشیهٔ برگ ۷ ب و پس از آن بنشان «ه» میباشد. در فهرست طوس و فاضلیه و سپهسالار نسخه‌ای از این یاد نگشت.

(۳۶۷ م) - کاغذ سپاهانی آهارمهره - جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه: ۱۴/۵×۲۰/۵ - ۷/۵×۱۳ س ۱۷

[۱۴۱۸] اثنی عشریهٔ عاملی (عربی)

جمال‌الدین ابومنصور حسن عاملی (شب آدینهٔ ۲۷ رمضان ۹۵۹ - یکم محرم ۱۰۱۱ در جبع) در این نامه دوازده فصل گذارده و در آن دربارهٔ نماز گفتگو نمود (۱) و بدرخواست برخی از یاران آنرا نوشته و در کربلا در روز چهارشنبه ۲۶ ج ۹۸۹/۱ آنرا بانجام رسانده(۱). گزارشهای چندی دانشمندان بر آن نوشتند و حاشیه هم بر آن زده‌اند (ذریعه ۱: ۱۱۶ و ۱۱۶:۲۱).

آغاز: بسمله و به نستعين. رب سهل ولا تعسر. الحمد لله ولى الحمد واهله وصلواته على خير خلقه وخاتم رسله محمد ... امابعد (وبعد) فهذه رسالة مختصرة

۱- فقه معالم‌الدین وملاذ المجتهدین عاملی بخشی از طهارة است و با استدلال و در کارخانهٔ مؤیدالعلما حاجی احمد آقای تبریزی در ۱۳۳۲ بچاپ سنگی رسید و جزاین اثنی عشریه میباشد.

فی فقه‌الصلوة بعشی (بعشا) علی املائها التماس بعض‌الاصحاب ... وجعلتها مرتبة علی فصول اثنی‌عشر.

انجام : بل الانصراف منها بالتکبیر والحمدلله وحده ... تحررت الرسالة ... وکان‌الفراغ من تسویدها یوم‌الاربعا رابع من شهر عاشور سنة‌العاشر و الف من‌الهجرة فی‌المشهد‌المشرف‌المقدس‌الحسینی ... و کتب مؤلفها ... حسن‌بن زین‌الدین‌العاملی عامله‌الله برافته واوزعه شکر امته حامداً مصلیاً مسلما.

[١٦٦٣]

٨٩٢ این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و نویسندهٔ آن محمدبن یعقوب جزایری قطرانی درپارهٔ بند پایان آن گواهی میدهد که : «هذه صورة خطه من خطه ومدظله الی قیام‌الحق» پس درروزگار عاملی این را نوشته است. در پایان علی‌بن احمدبن شیخ صالح عاملی درآغاز محرم ١٠١٠ گواهی میدهد که نسخه را او (گویا همان قطرانی) درچندین هنگام نزدش خوانده است وبه‌او اجازه میدهد که آنرا ازاو ازعاملی نگارندهٔ آن روایت کند (١٤٣ب). نیزدارد «بلغ قراءة وفقه‌الله تعالی» که باید خط همان مجیز باشد (١٣٩ و ١٤٠ و ١٤٢) حاشیه‌ای هم در گ ١٤٠ الف هست. گ ١٣٩ الف – ١٤٣ ب ١٢/٥ × ٧/٥ س ٢٥.

[١٦٦٤]

٩١٨ این نسخه ش ٨ دفتراست وبهمانگونه خط باعنوانهای درشت‌تر و بانشانه‌ها هردو بشنگرف از محمد امین قاری که دراردبیل دهم رمضان سال ١٠١٤ نوشته است وچنین است پایان آن : «والحمدلله وحده و صلی‌الله علی نبیه محمد وآله الطاهرین» وتاریخ نگارش خود عاملی را ندارد وسپس این عبارت میآید : «تمت الرسالة ببلدة اردبیل فی عاشر شهر رمضان‌المبارك سنة ١٠١٤ اقل عبادالله‌الباری محمد امین قاری» گ ١٩٤ ب – ٢١٥ الف. پیش از این در گ ١٩٠ ب – ١٩٣ الف (ش ٧ اینه‌فتر) دوصحیح زراره و یك صحیح حماد که در ص ٢١١ و ٢١٢ حبل‌المتین چاپی دیده میشود بخط نسخ آمده است وچنین است : «قد اشیر فی هذه‌الرسالة فی مواضع عدیدة الی‌صحیحتی زرارة‌المشهورتین و کذا اشیر فی‌مواضع کثیرة الی صحیحة حماد اما صحیحتا زرارة فهماهاتان ... نقلت‌الاحادیث من کتاب‌الحبل‌المتین فی جمادی الثانی سنة الف و اربع عشرة ببلدة نخجوان» پیداست که نویسندهٔ اینها همان قاری

میباشد. در کنار صفحه درپایان (١٩٣ الف) بخط بهائی دارد «بلغ قراءة ایده‌الله تعالی» (بنگرید به ٩١٨/٢).

[١٤١٩] اثنی‌عشریهٔ نطنزی (فارسی)

جمال‌الدین‌بن مولانا علیجان نطنزی این اثنی عشریه را درمیراث در یك مقدمه ودوازده باب و یك خاتمه نگاشته است.

آغاز : بسمله. امابعد چنین گوید ابن‌مولانا علیجان‌النطنزی جمال‌الدین که این مختصریست درعلم‌میراث بجهت‌التماس بعضی از برادران مؤمن که‌مبتدی‌اند دراین علم بعبارات نزدیك بفهم ایشان مشتمل بربعضی ازمسائل ضروری این علم که از مطالعه آن فی‌الجمله ربطی حاصل شود و از آن استعداد فهمیدن کتب مطوله بهم رسد.

انجام : اگر بعضی فوت شده باشند نصیب ایشان را بورثهٔ ایشان بدهند وبالله‌الاستعانة فی‌الابتداء والاختتام ولله‌الحمد فی‌الافتتاح. تمت‌الاثنی عشریة فی ٢٣ شهرذی‌الحجة سنة ثمانین والف کاتب‌العبدالفقیر مهدی‌بن مولانا محمدعلی‌بن عبدالخالق عفاعنهما.

[١٦٦٥]

٧٢٢ این نسخه ش ٢ دفتر و بهمانگونه خط ش ١ ودر کناربرگهای ٣٠ الف – ٤٠ ب نوشته شده است.

[١٤٢٠–١٤٢١] ارشاد (فارسی)

چهار نسخه از فقه شیعی بفارسی دراین کتابخانه هست که برخی آنها را از اردبیلی بنداشتند (١).

١– مولی احمدبن محمد افشار اردبیلی آذربایجانی (م نجف صفر ٩٩٣) دانشمند پارسا وفقیه موشکاف شیعی در تفسیر آیات احکام «زبدة‌البیان فی براهین احکام‌القرآن» دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

همهٔ اینها بفارسی و دورهٔ فقه شیعی است از طهارت تأدیبات ۱۸ تا ۲۰ کتاب

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

بسال ۹۶۲ یا ۹۸۹ (روی دو نسخهٔ کتابخانهٔ آستانهٔ طوس) نگاشته است و دو خراجیه دارد یکی را که بزرگتر است پیش از حل الخراج شیخ ماجد بن فلاح شیبانی همزمان خود نوشته که ماجد اورا در روزگار او رد نموده و از کرکی (م ۹۴۰) یاری کرده است (ذریعه ۶۷:۷) شیخ ابراهیم قطیفی (زندهٔ در ۹۱۵ ـ ۹۴۵) هم بر کرکی رد نوشت و اردبیلی در هر دو خراجیهٔ خود از قطیفی یاری نمود (روضات ص ۸ ـ ذریعه در اجازات و ۱۴۴:۷ ـ نسخه‌های چاپی این خراجیه‌ها) او در فقه باز «مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان» دارد که در کربلا و نجف از ۹۷۷ تا ۹۸۵ بدان پرداخت. در اصول او حاشیه‌ای بر شرح مختصر اصول در مبحث اجماع (کنتوری ص ۱۸۰ ـ ذریعه ۱۲۹:۶) و در کلام حاشیه‌ای بر الهی شرح جدید تجرید نوشت و آنرا بنام پسر خود ابوالصلاح تقی الدین محمد ساخته و در ۱۳ ربیع یکم سال ۹۸۶ بپایان رساند (کنتوری ص ۱۷۸ ـ ذریعه ۱۱۳:۶) در کتابخانهٔ سپهسالار نسخه‌ای بشمارهٔ ۱۴۴۶ هست که این حاشیه و دو خراجیهٔ همین اردبیلی و رساله‌ای از او دربارهٔ اجتهاد که در آن برسالهٔ «شیخنا» مینگرد (ص ۴۱۱ ـ ۴۱۷) و حاشیهٔ مولانا عبدالواحد شوشتری بر این رسالهٔ اجتهاد (ص ۴۱۷ ـ ۴۲۴) و رساله‌های دیگری از اردبیلی در آن هست. نسخه دیگری هم بشمارهٔ ۱۴۹۹ در آنجا هست و بنام حاشیهٔ تجرید اردبیلی که گویا این یکی جزء یکم آن میباشد (نیز بنگرید به ص ۶۰۰ همین فهرست و ۱۲۴:۱ فهرست آقای منزوی).

اردبیلی نزد سید علی بن الحسین بن محمد حسینی عاملی جزینی شهیر بابن صائغ و شاگرد شهید دوم درس خوانده و از او روایت دارد. سرگذشت این دانشمند در مستدرک (۳۹۲:۳) هست.

همچنین اردبیلی با مولی عبدالله یزدی (م ۹۸۱) و مولی میرزا جان حبیب‌الله باغنوی (م ۹۹۴) نزد خواجه جمال الدین محمود شیرازی شاگرد دوانی درس خواند (روضات ص ۱۶۴).

از شاگردان اردبیلی این دانشمندان را یاد کرده‌اند:

۱ـ ملاعبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱).

۲ـ ابومنصور حسن فرزند شهید دوم و نگارندهٔ معالم (۹۵۹ـ۱۰۱۱).

۳ـ سید محمد بن علی عاملی نگارندهٔ مدارک (۹۴۶ـ۱۰۰۹) روش درس خواندن ایندو نزد اردبیلی در انوار نعمانیهٔ شوشتری (احوال عالم و متعلم فائده ۱۴) یاد شده است

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

(بجزش ۷۲۳/۱ که برخی از کتابها را نداود) و بی استدلال و گاهی هم بگفته‌های

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

و ایندو نزدیک ۹۹۳ در نجف نزد اردبیلی و مولی عبدالله یزدی درس خواندند (روضات در سرگذشت ایندو).

۴ـ امیر فیض‌الله بن عبدالقاهر بن ابی المعالم حسینی تفرشی طوسی نجفی محشی مختلف و شارح اثنی عشریه بنام انوار قمریه (م رمضان ۱۰۲۵ در نجف) (امل الآمل ص ۴۹۳ ـ ریحانة الادب ۲۱۵:۱ ـ ذریعه ۱۹۵:۶ ـ ص ۳۶ دیباچهٔ روضات چاپ دوم).

۵ـ امیر فیض‌الله بن غیاث الدین محمد طباطبائی قهپائی استاد مجلسی یکم (فیض قدسی نوری ص ۱۴ ـ ذریعه ۱۱۵:۶).

۶ـ امیر علام تفرشی.

۷ـ امیر فضل‌الله بن محمد استرابادی.

این هم گفته شود که این دانشمند بدستگاه فرمانروائی صفویان هیچ ارجی نمینهاد و بوارستگی میزیسته است و همین وارستگی و پارسائی او مایهٔ این شد که کرامتها بدو نسبت دهند. او نامه‌ای در نجف برای شاه عباس (۹۸۷ بنشابور ـ ۹۹۶ سپاهان ـ ۱۰۳۸) فرستاد و شاه هم بدو پاسخ داد و از آن برمیآید که او تا چه اندازه آن شاه را کم ارج میدانست و شاه هم تا چه اندازه در برابرش فروتنی میکرده است. این نامه و پاسخ آن در انوار نعمانیهٔ شوشتری (جلد دوم احوال برزخ) و زهر الربیع او (ص ۶۳ چاپ ۱۲۹۲) و مستدرک نوری آمده است. چنانکه در روضات در سرگذشت نگارندهٔ مدارک آمده است او و نگارندهٔ معالم که هر دو شاگرد اردبیلی بودند و پروردهٔ او بدیدار آرامگاه پیشوای هشتم در طوس نرفتند تا مبادا شاه عباس یکم آنها را ناگزیر سازد که نزدش بروند با اینکه او بگفتهٔ شوشتری در انوار نعمانیه که این داستان از آنجا گرفته شده دادگسترترین شاهان شیعی بوده است. آندو در نجف ماندند و از ترس همین هیچ بایران نیامدند. پس آنچه در آغاز نسخهٔ ش ۷۷۱ بدینگونه «بنابر اشارات واجب الاطاعة لازم الاعتقاد» آمده است از آن نباید دستور شاهی خواسته شده باشد و گویا نیاز مردم را خواسته است (اگر این فقه از اردبیلی باشد) همچنانکه اردبیلی در آیات الاحکام و شرح ارشاد هم نام کسی را نبرده است.

این دانشمند در روزگار شاه اسماعیل (۹۰۷ـ۹۳۰) و تهماسب (۹۳۰ـ۹۸۴) و اسمعیل دوم (۹۸۴ـ۹۸۵) و سلطان خدابنده (۹۸۵ـ۹۸۷) و شاه عباس آنروزها که در نیشابور فرمانروائی داشته است (۹۸۷ـ۹۹۶) میزیست.

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

یکی دو تن از فقها اشاره شده و بدستور کسی بنگارش در آمده که نباید از فرمانش سر پیچید آنهم از کتابهای فقیهان و دانشمندان محقق که بدانها میتوان گرائید.
در نسخهٔ ش ۷۲۳ این فقه «کتاب ارشاد» و «شرح ارشاد» و در نسخهٔ ش ۹۳۶ هم «کتاب ارشاد» خوانده شده و آنچنانکه من اینها را با ارشاد الاذهان حلی که اردبیلی آنرا گزارش نمود سنجیده‌ام ترجمهٔ آن نیست و با آن جدائیها دارد و گزارش آن هم نیست و بر ارشاد افزوده دارد و ترتیب کتابها هم در این فقه با ترتیب ارشاد یکسان نیست اگر چه گویا نگارندهٔ این فارسی هنگام نگارش با رشاد می‌نگریسته است. در ذریعه آمده که شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقة الاسلام سپاهانی بدستور پدر خود که در ۱۳۱۸ درگذشت ارشاد الاذهان را بفارسی در آورد و فتواهای خودرا در هامش آن نوشت تا میانهٔ آن، و نسخه نزد خود او است (۷۷:۴).

در فهرست طوس (۵ : ۳۸۴ ش ۵۵۰) از ترجمهٔ گمنامی برای مختصر نافع یاد شده است و نسخهٔ ۸۹۹/۳ این کتابخانه هم آن نیست و سه نسخهٔ دیگر هم با مختصر نافع ربطی ندارد و نیز در آنجا (۲ : ۱۳۳ ش ۴۳۳) از نسخه‌ای بنام مسائل فقهی یاد شده که آنهم با هیچیك از چهار نسخهٔ ما ربطی ندارد. نسخهٔ ش ۸۹۹/۳ ما درست همانست که در کشف الحجب (ص ۳۰۳) بنام «الزبدة فی الفقه» واز احمد بن محمد اردبیلی دانسته شد و سه نسخهٔ ۷۲۳/۱ و ۷۷۱ و ۹۳۶ ما درست

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

سرگذشت اردبیلی را در این کتابها خوانده‌ام و در فهرست نگارشهای او یادی از «الزبدة فی الفقه» و «ارشاد» و یا «شرح ارشاد» فارسی در آنها نشده است:
روضات ص ۲۲ـ مستدرك ۳۹۲:۳ـ قصص العلماء تنکابنی ص ۱۷۰ (در سر گذشت بهائی که اردبیلی در آن اشاره خوانده شده و ۲۴۵)ـ هدیة الاحباب قمی ص ۲۴۵ـ کنی والقاب همو ۱۶۶:۳ـ الفوائد الرضویه همو ۲۳:۱ـ ریحانة الادب ۶۲:۴ـ امل الآمل ص ۴۶۰ـ لؤلؤتی البحرین ـ منتهی المقال ـ مامقانی ۸۰:۱ـ نقدالرجال تفرشی ص ۲۹ـ دانشمندان آذربایجان ص ۳۱ ـ هدیة العارفین اسمعیل پاشا ص ۱۴۹ ـ جامع الرواة اردبیلی گ ۲۷ ب ش ۹۸۰.

همانست که در فهرست فارسیهای کتابخانهٔ بنگال نگارش ایوانف روسی بنام «مسائل فقهیه» یاد شده است (ص ۲۶۹ ش ۳۸۴) و آن نسخه‌ایست بی نام و گمنام و بی تاریخ و در هفت باب ولی در برگ تازهٔ سفید آغاز نسخه دارد «زبده» یا «زبدة الفقه» که در کشف الحجب از اردبیلی دانسته شد مگر اینکه آغاز نسخهٔ بنگال مانند نسخهٔ ۷۷۱ کتابخانهٔ ما میباشد و جز آغاز «الزبدة فی الفقه» که در کشف الحجب نشان داده شده و در نسخهٔ ما بشمارهٔ ۸۹۹/۳ دیده میشود (مانند نسخهٔ ش ۳۷ مجلس ۱۷:۲).

این نسخهٔ ۸۹۹/۳ درست تحریر دیگری از سه نسخه ش ۷۲۳/۱ و ۷۷۱ و ۹۳۶ میباشد و گاهی مطلب کوتاه شده و گاهی بعبارت دیگر در آمده و بخش بندی دیگری شده است ترتیب کتابهای آن نزدیك بفهرستی است که در آغاز ش ۹۳۶ دیده میشود ولی عنوانها بیشتر فصل است و در بیشتر جاها بخشهای آن بمانند آن نسخه‌ها میباشد. بیشتر نیمهٔ نخستین آن با نسخه‌ها یکی است و پس از آن مانا گزیدهٔ آنها است.

در کتابخانه ملك دو نسخهٔ بی نام و گمنام بشماره‌های ۳۰۲۹ و ۲۱۷۰ هست نخستین نسخ با عنوانهای شنگرف و بتاریخ روز پنجشنبه یکم ذی قعدهٔ سال ۱۰۵۲ و در برگهای ۱ تا ۱۵۷ از نیمهٔ دوم باب دوم پیش از باب سوم که در مطهرات است و همین فقه فارسی است و چون دیباچه در نسخه افتاده است نمیتوان گفت که با کدام یك از نسخه‌های ما برابر است. از برگ ۱۵۷ تا پایان این نسخهٔ ملك خطبه‌های نکاح و زناشوئی و قباله‌ها و وثائق است بفارسی و اندکی از احکام نجوم که برای فقیه آگاهی از اینها در آن روز گار ناگزیر میبوده است.

دومین هم نسخ و در جدول رنگارنگ و در دههٔ جمادی یکم سال ۹۹۴ علی بن فتح الله شریف آنرا نوشته است و سرلوح دارد و حاشیه‌ای در آغاز با رمز جعفریه و امین خزاین السلطان در محرم ۱۱۰۲ آنرا وقف نمود و محمد باقر بن محمد تقی با مهر (محمد باقر العلوم) در صفحهٔ عنوان این وقف نامه را نوشت.

تاریخ تولدی بسال ۱۰۶۶ در آن دیده میشود . این نسخه درست مانند نسخهٔ ش ۷۷۱ کتابخانهٔ ماميباشد.

[۱۶۶۶]

۷۲۳ این نسخه ش۱ دفتر وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف وسیاه دومتن وهامش وصفحهٔ یکم بخط دیگر است . درپایان دارد : « تمت الكتاب . این کتاب ارشاد از روی کتاب مولانا عبدالرزاق قادری نوشته شد بتاریخ شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۰۷۲ ـ

این نوشتم تا بماند یادگار　　　　من نمانم خط بماند یادگار

کتبه العبد الاقل الخلائق مهدی بن مولانا محمد علی ابن عبدالخالق »

چنین است این نسخه :

آغاز: بسم الله خیر الاسماء . کتاب ارشاد . اول کتاب تجارت . ودر آن مقد (مه) است و نه باب . اما مقدمه دربیان کسب معاش ودر آن سه فصل است .

فصل اول درفضیلت کسب بدانکه سنت است کسب معاش حلال ودر آن فضل بسیار است و ثواب بزرگ .

انجام : باب درامر معروف ونهی منکر . واجب است امر بمعروف و نهی ازمنکر بهفت شرط (گ ۱۸٤ الف) ... واگر کسی قاضی شود ازقبل پادشاه ظالم جایز است که حد زند یا تعزیر نماید باعتقاد نیابت از قبل امام اگر استحقاق آنرا داشته باشد (گ ۱ ب ـ ۱۸۵ الف) .

دراین نسخه این کتابها هست : تجارت وهبه ودین واجاره ووصیت ومیراث ونکاح وفراق وعتق ونذروعهد ویمین و کفارت وصید وشکار وطعام وقضا وجهاد . دراین نسخه میراث که باید پیش ازقضا وشهادات باشد پیش از نکاح گذارده شده : دربرگ ۳۰ الف ـ ٤٤ الف .

فهرست بابها بخط ملامحمد بن ابراهیم ابوزیدآبادی بشنگرف درگ ۱ الف هست . نام نویسنده درگ ۱۸۰ الف درآخر دیات هم هست ودارد : « تمام شد شرح ارشاد درعاشر شهر جمادی الثانی سنهٔ ۱۰۸۰ (درنسخه ۱۰۰۰۸۰) کاتبه العبد الاقل ابن مولانا محمد علی مهدی ابن مولانا المرحوم ملاعبدالخالق ابوزیدابادی » این ش ۷۲۳/۱ که دربرگهای ۱ب ـ ۱۸۰ الف دارای تجارت تادیات میباشد برابر است باگ ۶۸ ب ـ ۲۲۲ ب ش ۷۷۱ وگ ۵۱ ب ـ ۱۵۵ ب ش ۹۳۶ و کتاب جهاد آن (گ ۱۸۰ ب ـ ۱۸۵ الف) که باید پیش از تجارت باشد برابر است باگ ۶۵ الف ـ ۶۸ ب ش ۷۷۱

وگ ٤۹ الف ـ ۵۱ الف ش ۹۳۶ .

(همهٔ دفتر ۱۸۸ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه

اندازه : ۱۶×۲۲ و ۹×۱۶ س ۱۴

[۱۶۶۷]

۷۷۱ این نسخه دربیست کتاب وبنسخ باعنوانها ونشانها شنگرف ازسلطان علی بن حسن علی که دریکم رجب ۹۶۹ نوشتن آنرا بانجام رسانده . حاشیه‌های (مه) یا با نشان (۱۲) بنستعلیق دارد . خطی بتاریخ ۱۲۷۱ ازابوالقاسم درزیرصفحهٔ پایان بود که پاك كردند ونام وتاریخ و برخی کلمه‌های دیگر بسختی خوانده میشود . میان برگهای ۳ و ٤ یك برگ ندارد (برابر با س ۱۵ گ ۵ الف ـ س ۱٤ گ ۶ ب ش ۹۳۶) ازمیان برگهای ۲۰۷و۲۰۸ درپایان حدود وآغاز قصاص و دیات یك برگی کم دارد (برابر با س ۱۸ گ ۱٤٤ ب ـ س ۳ گ ۱٤۵ ب همان شماره) .

این نسخه ۷۷۱ با نسخهٔ ۹۳۶ اندکی جدائی دارد وفهرست هجده کتاب در آن نیست وطهارت یك کتاب جدا ودر ۷ باب وصلوه کتابی دیگر ودر ۱۷ باب بشمار آمده است ولی در ۹۳۶ آندو یك کتاب ودر ۳۳ باب گذارده شده است . ما نانگارندهٔ این فقه فارسی هرکه بوده دوبار و بدوگونه آنرا بنگارش درآورد و آندو دربخش بندی هم یکی نیستند ازاینها گذشته آنچنانکه من آندورا باهم سنجیده‌ام یك کتاب بیش نیستند واز یك کس . این هم گفته شود که نسخه ۷۷۱ درست برابر است بانسخهٔ ۲۷۱ کتابخانهٔ ملك .

آغاز : بسمله . الحمد لله العلی اللذی اجتبی حبیبه المجتبی واصطفی صفیه المصطفی علی کافة الرسل وسائر الانبیاء والشکر للولی الذی اعلی شأن الولی النقی المقتدی والوصی الرضی المرتضی علی عامة الامم وجملة الاوصیا صلی الله علیهما و آلهما الذین بمتابعتهم فاز الاحباء و بمخالفتهم هلك الاعداء صلوة تملاء الارض والسماء و بعد پوشیده نماند که بنابر اشارة (ت) واجب الاطاعة لازم الانقیاد این اوراق مشتمل بر مسائل فقه حقهٔ امامیه از کتب فقه موثوقهٔ معمولة بها منتخب ومترجم شده مع اعتراف الفقیر بالعجز ... وقدم الاهم علی غیره . کتاب الطهارة وتوابع ودر آن هفت باب است . باب اول در احکام آبها . بدانکه هریك ازوضو وغسل وازالهٔ نجاست (نجاسات اول) بآب مطلق پاك رواست همچو آب چشمها و رودها و اما آب مضاف همچو گلاب و سایر آبهائیکه (آبها که) ازفشردن گیاهی حاصل شود مثل عرق بید وآب انگور وآب باقلا و مانند آن و آب ممزوج مثل شوربا و گلاب وآب زعفران ومانند آن چون ازمزج آب بچیزی بحیثیتی رسد که نتوان گفت که آب نیست وضو و غسل بآن صحیح نباشد و ازالهٔ نجاست نکنند (بآن نتوان کردن) .

انجام : واگر قاتلان متعدد باشند لازم شود بر هریك كفارة كامله. الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين وآله الطاهرين (تمت الكتاب ... على يدى ... سلطان علي بن حسن علي عفى عنهم سيئاتهم بحرمة النبى وآله فى غرة شهر رجب سنة تسع وستين وتسعمائة سنة ۹۶۹ هجريه).

(۳۲۲۲ـ) ـ كاغذ ترمه ـ جلد تيماج مشكى ضربى مقوائى فرسوده

الدازه : ۱۵×۲۰ و ۱۰/۵×۱٦ س ۱۹

[۱٦٦۸]

۸۹۹ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه خط نسخ دو شمارهٔ پیش و بتاریخ نیمهٔ جمادی یکم سال ۱۰۲۵ وجای برخی از عنوانها سفید است. گ ۳۳ ب ـ ۲۳۷ ب (بنگرید به ۲۰ـ۱/۸۹۹).

چنین است این نسخه :

آغاز : بسمله . حمدنا معدود معبودی را که کاینات را بخورشید آسمان رسالت ونور بمو ولایت درجهٔ ظهور داد و مرآت ضمایر زاکیهٔ قابلان انسان را بارسال انبیا ونصب ائمهٔ هدی اززنگ ضلالت وغبار جهالت بپرداخت ودرود نامعدود بر سید کاینات محمد مصطفی وآل اطهار او باد . اما بعد واین تألیفی است درفقه . کتاب اول درطهارت ومقدمات صلوة واین مشتمل است بر هفده فصل. فصل اول دراحکام آبها. بدانکه هریك ازوضو وغسل وازالهٔ نجاسات آب مطلق پاك روا باشد همچو آب چشمها و آب رود واما گلاب وآنچه از فشردن گیاهی حاصل شود مثل عرق بید وآب انگور وآب باقلا وماننده آن ممزوج مثل شوربا وآب زعفران وماننده آن چون بحیثیی باشد که توان گفت که آب نیست طهارت بآن صحیح نباشد واگر نجاستی بآن بشویند پاك گردد (؟).

انجام : وبر کودك ودیوانه و کشنده نفس خود واجب نبگردد کفارت (تم الكتاب بعون الله الملك الوهاب تحريراً فى منتصف شهر جمادى الاول سنة خمس وعشرون والف).

[۱٦٦۹]

۹۳٦ این نسخه درهجده کتاب وبنسخ باعنوانها درمتن وهامش شنگرف بالاجورد وبانشانههای شنگرف ودرجدول شنگرف ولاجورد وباحاشیههائی بنشانههای (۱۲) و (٥) بنستعلیق میباشد ومحمد رحیم شیرازی درشهر داکه از شهرهای بنگاله که جهانگیر نگر نامیده میشده در ۱۲ رمضان ۱۱۲۹ نوشتن آنرا بپایان رسانده . در ۱ الف که صفحهٔ عنوان است بخط بدی دارد : «هذا کتاب ارشاد هم مصحل و هم رشد» و این عبارت غلط اعراب هم گذارده شده . از همین عبارت من دریافتم که این باید با ش ۷۲۳/۱ هم یکی باشد و سنجیدم و یکی یافتم . فهرست هجده کتاب آن ردیباچه آمده است .

درحاشیهٔ گ ٤ ب همین نسخهٔ ۹۳٦ از « شیخ وقدوة المتأخرین » یاد گردید واین حاشیه درنسخهٔ ۷۷۱ (گ ۳ الف) نیست .

درگ ۱ الف مهرهائیست بدینگونه : « لااله الاالله الملك الحق المبين محمد صادق » و (صبح صادق گشت ازلطف الهی آشکار) و «محمد صادق» ـ در ۱۵٥ ب دارد : تاریخ تولد نورچشمی میرزا عبدالرحیم روز پنجشنبه ٥ رجب توشقان ئیل در تهران ۱۲۹٦» ـ تاریخ وفات میرمحمد باقرداماد «عروس مهرومه را مرده داماد» ـ تاریخ فوت ملامحمد باقرمجلسی «باقر علم روان شد بجنان» ـ تاریخ وفات شیخ بهاءالدین محمد عاملی «شرع شد بی سروپا تاج ازسر فضل اوفتاد» .

آغاز : بسمله . الحمدلله العلي الذى اجتبى حبيبه المجتبى واصطفى صفيه المصطفى على كافة الرسل وساير الانبياء ... (بمانند ش ۷۷۱ تا) وجعلة الاوصياهو العلي الذى انار آياته بالكتاب الهادى المبين واوضح بالدين القويم المستبين و منهاج القوى المتين وجعل متابعة الشريعة ذريعة الى نيل الكمالات و وسيلة الى ادراك السعادات و وقاية عن الشقاوية والدركات والصلوة والسلام على من هو بالافق الاعلى ثم دنى فتدلى شفيع الورى محمد المصطفى وآله الذين هم مصابيح الدجى ومنجى الخلايق عن الهلاكة والبلوى و اتباعهم بصول(؟) الى السعادات القصوى ويرقى الى الدرجات العلى اما بعد اين رساله ايست درفقه امامیه بزبان فارسی فراهم آوردهٔ از کتب فقهاء دین وعلماء محققین مشتمل برهیجده کتاب (فهرست کتابها است تااینکه دارد :) کتاب اول اول درصلوة ودرآن سی وسه باب است. باب اول دراحکام آبها .

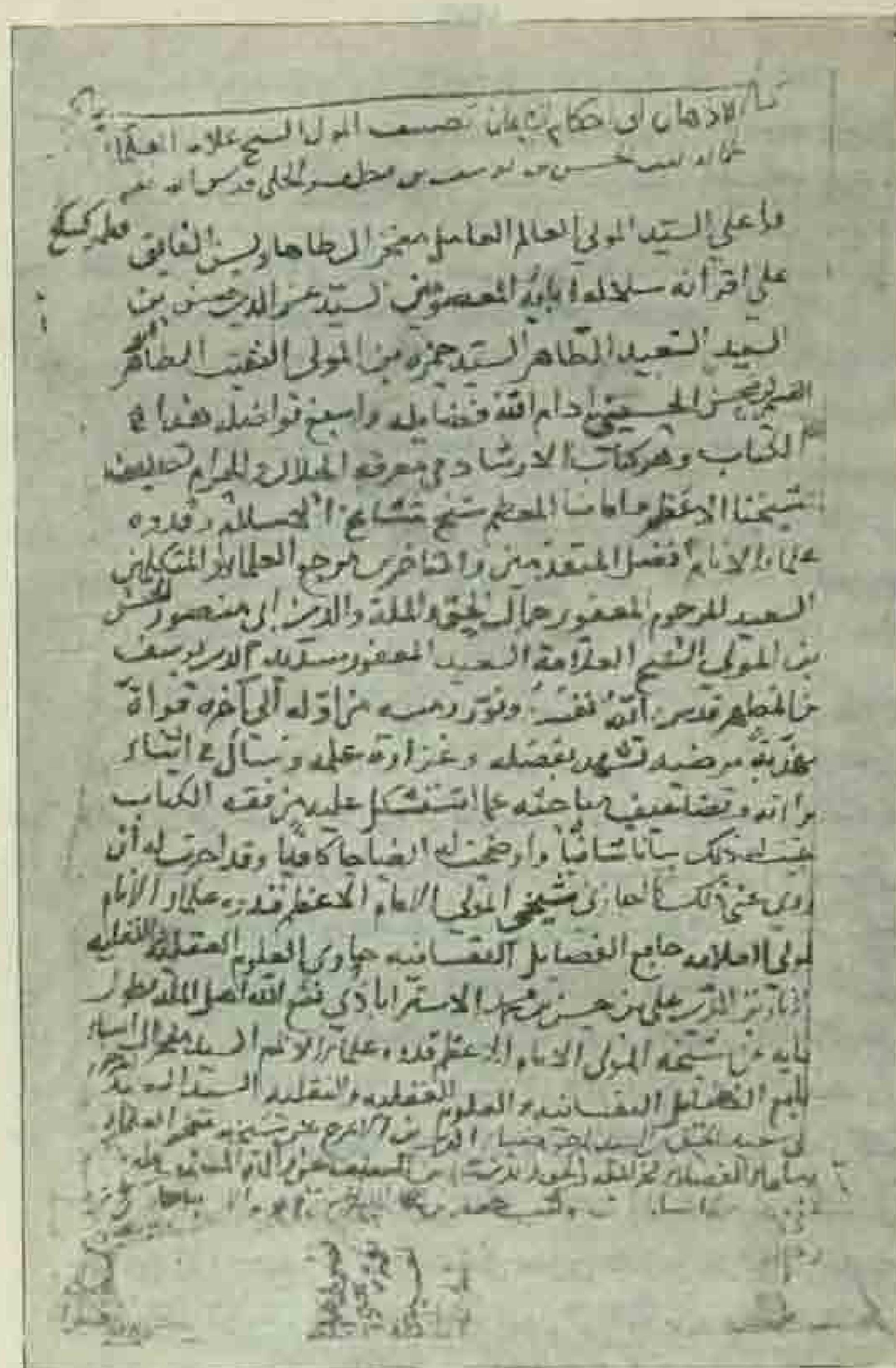
انجام : و اگر قاتلان متعدد باشد لازم شود برهریك كفارت كامله والله اعلم بالصواب ومنه المبدأ والمآب قد فرغ من تحرير هذه الرسالة ... فى بلدة داكه المسمى بجهانگیر نگر من اعمال بنگاله بتاريخ ثاني عشر شهر رمضان المبارك ۱۱۲۹ هجرى ... على يد ... محمد رحيم الشيرازى ... (نام پدر است که سیاه کرده اند ودرنام خود نویسنده هم مانا دستبرده اند) غفر الله ذنوبهما وستر عيوبهما بحق محمد وعلى ... و سلامه عليه وعليهم اجمعين .

(۳۱٥٥هـ) ـ كاغذ ترمه ـ جلد تيماج سرخ ضربى مقوائى

الدازه : ۱٥×۲٥ و ۱۰×۲۰ س ۲٦

[۱٤۲۲] ارشادالاذهان الى احكام الايمان (عربى)

علامهٔ حلی دراین دفتر که در دوجزء و بخواهش پسر خود فخرالمحققین



گ ۱ الف ارشاد حلی ش ۷۲۲

نوشته‌است پانزده هزار مسئله گنجانده‌است ودر ٦٧٦ یا ٦٩٦ آنرا بانجام رسانده (ذریعه ۱: ۵۱۰) از نسخهٔ ش ٤٨٨ طوس برمیآید که حلی آنرا در شب ۱٤ ذیحجهٔ ٦٩٩ انجام داده‌است. حلی در خلاصه (تاریخ ع ۲/٦٩٣) و اجازهٔ بمهنا تاریخ ۷۲۰ دربارهٔ آن میگوید . کتاب ارشادالاذهان الی احکام الایمان فی الفقه مجلدی سی وهشت گزارش وسیزده حاشیه بر آن نوشته‌اند و پاره‌ای از آن در ایران بسال ۱۲۷۲ با مجمع الفائدة بچاپ رسیده است (ذریعه ٦: ١٤- فهرست طوس ۲: ۳ و ۵: ۳۵۷- سپهسالار ۱ : ۳۵۵- معارف ۱: ۷٤)

آغاز : بسمله . وبه‌نستعين . الحمدلله المتفرد بالقدم والدوام المتنزه عن مشابهة الاعراض والاجسام . . . امابعد فان‌الله تعالى كما اوجب على الولد طاعة ابويه كذلك اوجب عليهما الشفقة عليه بابلاغ مراده في الطاعات و تحصيل مآربه من القربات ولما كثر طلب الولد العزيز محمد... لتصنيف كتاب يحوي النكت البديعة في مسائل الشريعة على وجه الايجاز والاختصار . . . فاجبت مطلوبه وصنفت هذا الكتاب الموسوم بارشاد الاذهان الى احكام الايمان .

انجام : ومن اراد التطويل بذكر الفروع والادلة وذكر الخلاف فعليه بكتابنا المسمى بمنتهى المطلب فانه بلغ الغاية و تجاوز النهاية ومن اراد التوسط فعليه بما افدناه في التحرير وتذكرة الفقهاء وقواعد الاحكام اوغير ذلك من كتابنا والله الموفق لكل خير والحمدلله رب العالمين .

شرح گراور صفحه ۱۷۷۳ ←

جعفر بن احمد مکی ابن الحسن شاگرد زین‌الدین علی استرابادی شاگرد ابی سعید حسن فرزند ضیاءالدین بن اعرج شاگرد پسر حلی مینویسد که من این کتابرا با همین سند از حلی روایت دارم و بسید عزالدین حسن حسینی (موسوی نجفی) اجازه روایت آنرا میدهد و گواهی میدهد که او همهٔ آنرا نزدش خوانده است .

ابن زین‌الدین علی استرابادی (م نزدیک ۸۳۷) برای همین عزالدین حسن حسینی روی نسخه‌ای از تحریر حلی درروز پنجشنبه ۱٤ع ۸۲۰/۱ اجازه نوشت (ذریعه ۱: ۲۱۱) این اجازه نسخهٔ ما پیداست که درزمان استرابادی نوشته شده است

[۱٦٧٠]

۷۲۲ این نسخه بنسخ و با عنوانهای شنگرف میباشد و از برگ ۲۱۳ تا پایان تازه است و نستعلیق وصفحهٔ آخر بنسخ درشت تریست و باخط و کاغذ تازه‌تر. حاشیه‌هائی درآن هست ریزتر با نشانه‌های «ح ا ب» و «حسن بن حمزة حسینی» (۱۸۷ الف) و بی نشانه و روی یکنواخت بودن خط باید همه حاشیه‌ها ازهمین حسینی باشد وتصحیحاتی که ازروی خط حلی درآن آمده هم ازهمواست.

پس این نسخه باید نزدیك ۸۳۷ نوشته باشد. برگ ۱٤٦ شرح شرایع است نه ازاینکتاب.

(۲۲۲گ) ـ کاغذ سمرقندی-جلد تیماج مشکی مقوائی سادهٔ فرسوده در بکسوی

اندازه: ۱۲×۱۸:۱۸ و ۹×۱۲ س ۱۵

[۱٤٢٣] # ازاحة العلة (عربی)

فی معرفة القبلة

سدیدالدین ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی مدنی (زندهٔ در ۵۵۸ و ۵۸٤) این نامه را دربارهٔ قبله (ص ۱۳۳۸ همین فهرست) وبدرخواست امیرجمال‌الدین فرامرز بن علی‌منقوانی (بقرانی) گرگانی بسال۵۵۸ درمکه نگاشته ویك دیباچه وهفده فصل درآن گذارده است (طوس ٥:٣٦٠٠) شهید درذکری (چاپ سنگی ۱۲۷٤) فصلی ازآنرا آورده‌است. حرعاملی وسید حسین بن حسن حسینی زندهٔ در ۹٦۱ وشاگرد کرکی که در ۹٤۱ نسخه‌ای ازآنرا نوشته بودآنرا ازفضل بن شاذان نیشابوری (ه ۲٦۰) پنداشته‌اند (ذریعه ۱:٥۲۷) ومجلسی درصلوة بحار (ص ۱٥۲) هم آنرا ازهمودانسته وبندی ازآنرا آورد ولی درجزء ۲ مجلد ۱۸ بحار (ص ۱٥۳ – ۱٥٦) همهٔ آنرا آورده و از ابوالفضل شاذان دانسته و گفته که برخی آنرا نشناختند وازفضل بن شاذان پنداشتند (نیز بحار ۱ : ۹) کنتوری (ص ٤۰) آنرا ازشیخ رکن‌الدین محمدبن فضل بن شاذان بن جبرئیل قمی دانسته وبرای آغازآن بند « اعلم ان الناس یتوجهون الی القبلة من اربع جوانب الارض فاهل العراق ... » را که درآغازفصل چهارم است یاد کرد.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی تفرد بالکبریاء و توحد بدوام البقاء وتفضل بالجود والنعماء وتعالی عن اتخاذ الصاحبة والابناء وامتن علینا بالرسل والانبیاء ثم اختار من بینهم من ختم به نبوتهم وسنم به ذروتهم واشمل به دعوتهم محمد بن من سیدالانام و مکسرالاصنام و مظهرالشبهة من الحلال والحرام صلی الله علیه واهل بیته الطاهرین اتم بهم علینا نعمته واکمل دینه وملته واعلی بهم کلمته ویسر علینا بهم الوصول الیه تیسیراً وشرفنا آثارهم تشریراً واذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا. اما بعد فان الامین الاجل الزاهد جمال الدین زین الاسلام والمسلمین الحاجی(؟) الحرمین الشریفین الفرامرز بن علی المنقوانی الجرجانی ادام الله سعده لما کان بمکة المشرفة سنة ثمان و خمسین وخمسمائة کانه ظن ان الامارات التی یستدل بها علی معرفة القبلة خارج الحرم یستدل بها ایضاً داخل الحرم وعندمشاهدة الکعبة وکان الجواب عن ذلك ان الله تعالی جعل تلك الامارات دالة علی معرفة القبلة لمن کان خارج الحرم نائیاً عنه واما من کان شاهدالکعبة اوجهتها فلایحتاج الی الاستدلال ولا الی معرفة الامارات فلماسمع قولی اعجبه وسألنی ان املی مختصراً علی ذکر معرفة القبلة من جمیع اقالیم الارض مما ورد عن ائمة الهدی ع فامتثلت مرسومه ادام الله نعمته فاول ما ابتدات بذکر وجوب التوجه الی القبلة ثم ذکرت بعد ذلك اقسام القبلة واحکامها وذکرت کیفیة مایستدل به اهل کل اقلیم الی منتهی حدوده الی (علی) معرفة قبلتهم (دربحاردیباچه نیامده وندارد : قال قدس سره سألنی الامیر فرامرز بن علی الجرجانی املاء مختصراً یشتمل علی ذکر معرفة القبلة ...).

انجام: فیصلی کیف شاء ولیکن ایماء و یقتصر علی التکبیر علی ماذکر اصحابنا فی کتبهم رضی الله عنهم والحمدلله رب العالمین.

[۱٦٧١]

۸۸۲ این نسخه ش ۳ دفتراست وبنسخ با عنوانهای شنگرف وحواشی دارد. گ ٥۹ ب ـ ٦٦ الف. پس از این بخشی است دربارهٔ سمت قبلهٔ شام و عبارتی ازحبل المتین بهائی (فصل۱ مقصد٦ ص۱۹۰–۱۹۷ چاپی) دربارهٔ قبله در گ ٦٦ الف ـ ۷۷ الف بهمین خط.

[۱٤۲٤] اسرار النکاح (عربی)

شیخ علی عرب در این نامه که در چند فصل و یک خاتمه است دربارهٔ زناشوئی گفتگو نمود.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی احل النکاح .. فیقول ... المشهور بشیخ علی عرب ان النکاح فضله عظیم و سره جلیل وهذه الرسالة تحتوی علی بعض اسراره وتنطوی علی شیء من اخباره وآثاره ورتبتها علی فصول وخاتمه.

[۱٦۷۲]

٥٧٥ این نسخه ش ٤ دفتراست و بهمان خط ش ۳ آن میباشد. گ ۳۳ الف – ۳٥ ب. چنین است انجام آن: «الفصل الرابع فی آداب الجماع... فلهذا جاء الدجال بعین واحدة فی وسط جبهته» و کم دارد.

[۱٤۲٥] اشارة السبق الی معرفة الحق (عربی)

این کتاب در اصول و فروع دین از طهارت تا امر بمعروف و نهی از منکر است و از شیخ علاء الدین ابی الحسن علی بن ابی الفضل الحسن بن ابی المجد حلبی نگارندهٔ کافی میباشد. نسخه‌ای از آن نوشتهٔ ۷۰۸ نزد نگارندهٔ مقابس (ص ۱۷) بوده است (ذریعه ۲: ۹۹ – روضات ۱۲۹ و ٥۱٦ – فهرست طوس ٥: ٥٥۳).

بخش نخست این دفتر گزیده‌ایست از مباحث یکتاپرستی و دادگری خداوند (ورستاخیز) و پیامبری و پیشوائی و دوم آن نماز است و زکوة و روزه و حج و جهاد.

ایندفتر در الجوامع الفقهیه ش ٤ بخط نسخ بچاپ سنگی رسید.

آغاز: بسمله. الحمدلله علی ماعم من نعمه وخص من عوارف جوده و کرمه... وبعد فقد اشرت الی تحریر مایجب اعتقاده عقلا والعمل به شرعا .. ان الذی یجب اعتقاده من الارکان الاربعة التی هی التوحید والعدل والنبوة والامامة هو مایعم تکلیفه ولایسع جهله مما جملته کافیة اهل الجمل دون النظار واهل التفاصیل.

انجام: و هذا ما قصدنا تحریره وضبطه من مهم الارکان... ونرجو من کرم الله سبحانه ان یجعل مانحوناه وابتغناه من ذلک خالصا لمرضاته وسبیلا الی توفیر المثوبة والاجر فی جناته وعونا لکل من استعان به علی طاعاته انه ولی من اعتصم به ولجأ الیه وکافی من توکل فی جمیع اموره علیه. به توفیق نیل المستنیل وهو حسبی ونعم الوکیل. تم الکتاب بعون الله وتوفیقه.

[۱٦۷۳]

۹۲۰ این نسخه ش ۹ دفتراست وبخط نسخ و جای عنوانها سفید و گاهی عنوانها شنگرف است مانند نشانه‌ها (گ ۲۳٤ الف – ۲٤۹ ب – بنگرید به ۹۲۰/۳) چنین است:

آغاز: بسمله. واذقد تقدم الکلام فی ارکان التکلیف العقلی فنشیر بعده الی ارکان التکلیف الشرعی وهی خمسة.

انجام: واما الکلام فی رکن الصوم فانه اما واجب مطلق ... اوحمل اورضاع یخشی معهما علی الولد وتفویت النیة الی بعد الزوال اواستعمال. (در این نسخه بخش نخستین نیست ودنبالهٔ روزه و پس از آن را هم ندارد).

[۱٤۲٦] اصالة طهارة الاشیاء (عربی)

در این نامه از اصل طهارت بررسی شده است. نگارندهٔ آن گویا همان بهبهانی باشد که در آغاز رسالهٔ «اصالة فساد المعاملات» از خود یاد کرده است.

آغاز: بسمله. الاصل طهارة الاشیاء وهو من المسلمات عند المجتهدین والاخباریین وناقش فی ذلک صاحب الذخیرة.

انجام: بل لابد من ثبوت الحکم بالادلة کیف کان (تمت بعون).

[۱٦۷٤]

۷۱۳ این نسخه ش ۲ دفتراست ودرهامش وبهمان نسخ متن میباشد گ ۱٤۰ ب.

[۱٤۲۷] اصالة فساد المعاملات (عربی)

در این نامه روشن شده که اصل در معاملات فساد است ودلیل بر آن آورده شد.

نگارندهٔ آن دانشمند محمد باقر بهبهانی میباشد .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی اشرف الخلق محمد و آله الطاهرین فیقول الاقل الاذل محمدباقر بن محمد اکمل ... فاعلم یا اخی ان المهم والمقصود الاصلی فی المعاملات هو الصحة .

انجام : و کذا الحال بالوفاء لانضمنه عقدواقتضاء وقس علیها حال غیرها (تمت تمت الرسالة بعون الملك الوهاب) .

[۱۶۷۵]

۷۱۴ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمان نسخ متن مفاتیح میباشد گ ۱۴۱ الف — ۱۴۲ الف .

[۱۴۲۸] الاصلاح (عربی)

سید محمد مجاهد (کربلا نزدیك ۱۱۸۰ — آغاز سال ۱۲۴۲) فرزند امیر سیدعلی طباطبائی سپاهانی حائری نگارندهٔ ریاض المسائل؛ مادر او دانشمندی فقیه و دختر وحید بهبهانی بوده است . خود او شاگرد پدر و بحرالعلوم بروجردی و داماد او بوده است .

اودراین کتاب مسائل حلال وحرام وسنن واحکام را گردآورد ودریك مقدمه درروائی تقلید برای عامی و ۳۲ کتاب از طهاره تا حدود هریك چند باب و یك خاتمه درمسئله‌های پراکنده و برای پیروان نوشته ودرطهارة وصلوة استدلال هم کرده است و دیگر کتابهای آن همان فتوی است . کتابها و خاتمه هم کم دارد ودرنسخهٔ اصل سفید گذارده بود تا پس‌ازاین بنویسد . تیمم را در ۱۲۳۹ نوشت (درنسخهٔ ما گ ۱۸ الف چنین تاریخی نیست) ودرنسخه‌ای هم تاریخ ۱۲۲۴ دیده شده‌است . این اصلاح‌را او ازمصابیح خود گزین نموده‌است . چون رساله‌ای درفقه بفارسی نداشت شاگردش ملاحسن بن محمدعلی یزدی بدستور او آنرا بنام اکمال الاصلاح نزدیك ۱۲۳۵ بپارسی درآورد (ش ۷۶ تاریخ ۱۲۴۰ طوس ۲ : ۲۳)

وباز ازآن گزین نموده مصباح الطریق نگاشته است .

شاگرد دیگر او مولی حسین بن خاجی مولی محمد واعظ شوشتری هم اصلاح را بنام تحفة المقلدین و بدستور او گزین کرده است و میرزا محمد بن ابی الفتح خان مرعشی شوشتری رونق هم تحفه را بدستور مجاهد بنظم فارسی درآورد . مولی کریم هم اصلاح را گزین کرده‌است . (ذریعه ۲ : ۱۷۱ و ۳ و ۲۸۱ : ۴۷۰ — طوس ۵ : ۳۶۴) .

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله الذی مهد لنا طریق اصطلاح العمل ومسلك النجاة والتجافی عن الخطاء والزلل وله الشکر علی هذه النعمة العظیمة والمنة الجسیمة ... فیقول ... محمد بن علی الطباطبائی هذا کتاب جمعت فیه مسائل الحلال والحرام واودعت فیه السنن والاحکام .. وسمیته الاصلاح وفیه الفوز والفلاح ورتبته علی مقدمة و کتب وابواب وخاتمة .

انجام نسخهٔ ما : « خاتمه فیها مسائل متفرقة ... الخامسة ذهب جماعة من اصحابنا الی ان اسمائه تعالی توقیفیة یجب ورودها من الشرع فمالم ترد الشرع بجواز اطلاقه علیه تعالی مطلقاً وان اتصف تعالی بمعناه وحکی عن بعض الاصحاب اله .

[۱۶۷۶]

۹۳۸ این نسخه نسخ با نشانه‌های شنگرف وجائی سفید نگذارده و یکسره نوشته شده است وحاشیه‌های «منه رحمه» بتنعلیق درآن هست .

(۲۰۷ ص) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی کهنه

اندازه : ۱۷ × ۲۶ و ۹/۵ × ۱۹ — ۱۹ س ۲۷

[۱۴۲۹] افعال الحج (عربی)

مولی عبدالله بن عزالدین حسین شوشتری دانشمند پارسا وپرهیزگار که شاه عباس اورا بسیار گرامی میداشته ومدرسه‌ای درمیدان نقش جهان برای او ساخته بود فقه وحدیث را درایران نشرداد . اودر کربلا و نجف سی سال ازمقدس اردبیلی وابن خاتون احمدبن نعمة الله عاملی وپدراو بهره برده وهنگامیکه ازحج برگشته

درجبل عامل درديه عيناث رفته بود همين احمد درروز آدينهٔ ۱۷ رجب ۹۸۸ ويدراودرنيمه‌های محرم ۹۸۸ بدواجازه داده بودند اوپس ازاين نزديك ۱۰۰۷ بسپاهان آمده و نزديك بچهارده سال درآنجا مانده و درس ميگفت . شمارهٔ شاگردانش که به پنجاه نميرسيدند ازهزار افزون گشته بود .

مجلسی یکم ومیرمصطفی تفرشی (نقدالرجال ص۱۹۷) ازشاگردان او بوده‌اند. مجلسی در نگارش شرح مشيخه و تفرشی در نگارش نقدالرجال ازاو بهره برده بودند وهردو دراين دو کتاب همين را گفته‌اند .

شوشتری ديری درسپاهان بماند سپس ازترس شاه عباس بطوس رفت تااينکه شاه او را درهمين شهر ديدار کرد و نوازش نمود و بخواهش او دبهائی بنام چهارده پيشوا بآستانهٔ طوس بر گزار نمود . شيخ بهائی بااو دوستی داشته بود. اوبقاضی عبدالمؤمن اجازه داده است. خداوردی بن قاسم افشار نگارندهٔ فهرستی درنگارندگان رجال شاگرد اوبوده است .

شوشتری درروز آدينهٔ ۲٤ محرم ۱۰۲۱ بيمار گشت وسيدداماد وشيخ لطف‌الله ميسی که با او گفتگوهای علمی ميداشته‌اند بديدارش رفته بودند و او درشب يکشنبه نزديك بامداد ۲٦ همين ماه همين سال در گذشت و هفت هزار تن براو نماز خوانده و روز مرگش عاشورائی شده بود . جسدش را پس از يکسال بکربلا برده‌اند.

اين دانشمند گزارشی برالفيه و حاشيه‌ای هم بر آن دارد ومقاله‌ای دراجتهاد وتقليد (طوس ٥ : ٤٠٦ و ٤٨٩) و گزيده‌ای بفارسی دربارهٔ نماز آدينه که آنرا واجب عينی ميداند .

مولی ابی الحسن علی نامبردار به حسنعلی پسراوهم ازشاگردان ومجاز ازاو بوده و نماز آدينه را ناروا ميدانست و رساله‌ای درآن دارد . ميرمحمد قاسم قهپائی و شريف‌الدين محمد رويدشتی ايجی و رفيع‌الدين نائينی هم شاگرد شوشتری بوده‌اند (۱) .

۱ـ بنگريد به : عالم‌آرا ص٦٥٨ـ امل‌الآمل ص٤٨٢ ـ روضات ص ۲۲و٤٥٩ـ دنبالهٔ حاشيه درصفحهٔ پس‌ازاين

شوشتری دراين نامه ازآنچه درهنگام حج بايد بجای آورد گفتگو نمود وازنسخهٔ ما برميآيد که پيش‌از ۲۵ محرم ۱۰۲۰ آنرا نگاشته است .

آغاز : بسمله . بعدحمدالله تعالی والصلوة علی النبی وآله صلوات الله عليهم يقول . . . عبدالله بن حسين الشوشتری ان هذه رسالة وجيزة قد رتبتها فی سياقه اعمال الحج علی الاجمال مضرباً عن ذكر اكثرالفروع التی ربما يتجدد بالاهمال تسهيلا للضبط وتقليلا للانتشار .

انجام : بل كان حراماً علی المحل فی الحرم ايضاولم يكن عده من محرمات الاحرام كمافعله بعضهم وجها (قدوقع الفراغ من نقله علی يد احقرعباداللهالباری محمد امين القاری ضحوة يوم السبت الخامس و عشرين من شهر محرم الحرام سنة الف وعشرين) .

[۱٦۷۷]

۹۱۸ اين نسخه ش۱۵ دفتراست وبخط نستعليق باعنوانهای درشت‌تر ونشانه‌های شنگرف محمد امين قاری که درچاشت روزشنبه ۲۵ محرم ۱۰۲۰ ازنوشتن آن بياسود . دو حاشيه دارد بخط متن . گ ۲۷۷ ب ـ ۲۷۹ الف . دربرگ ۲۸۰ الف ش ۱٦ تفسير سوره عصر است از خواجه طوسی بهمين خط که در ص ٥٥ ج ۱ فهرست آقای منزوی شناسانده شده است .

[۱٤۳۰] الاقتصاد فيما يجب علی العباد (عربی)

شيخ طوسی اين کتاب را بنام «الاقتصاد الهادی الی الرشاد فيما يجب علی العباد من اصول العقائد والعبادات علی وجه الاختصار» نوشته ونخست اعتقادهای واجب را بدليل روشن ساخت سپس ازعبادتهای شرعی (صلوة وزكوة وصوم وحج وجهاد) که بايد بکار بست ياد نمود (ذريعه ۲ : ۲٦۹) طوسی درپايان اصول عقائد گفت

دنبالهٔ حاشيهٔ صفحه پيش

مستدرك ص ٤۱۳ـ٤۱٥ـ قصص‌العلما ص ۲٤۰و۱۹٥ که اورا با ملاعبدالله شوشتری شهيد بخارا يکی پنداشت ـ اجازات بحار ص ۱۱۸و۱۱۹ـ درروضات دربخش عبدالله ازهشت دانشمند باين نام ياد شده است .

که ما آنها را در تلخیص شافی (نگارش رجب ٤٣٢) آورده‌ایم. در اینجا برای بردن فرمان شیخ این اندازه را یاد کردم و ازین پس از عبادات کاوش میکنم. پس از آنها مینویسد که در نهایه و مبسوط آنچه میبایست دربارهٔ آنها گفته‌ام. در معالم العلماء این نامه «مجموع الاقتصاد فیما یجب علی العباد» و در فهرست خود طوسی ش ٦٩٩ «الاقتصاد فیمایجب علی العباد» نامیده شده‌است. نجاشی از آن یاد ننمود.

آغاز: الحمدلله علی سوابغ نعمه و تتابع منته... فانی ممتثل ما رسمه الشیخ الاجل... من املاء مختصر یشتمل علی بیان مایجب اعتقاده و معرفته ویلزم العمل به والمصیر الیه ممالایخلومنه مکلف فی حال.

(در پایان بخش کلام مینویسد: انااستوفیناالکلام فی تلخیص الشافی وهذاالقدر کاف هنا قد امتثلت ما رسم الشیخ الاجل و اناالآن اذکر جملة من العبادات لایستغنی عنها).

آغاز نسخهٔ ما که همان عبادات را دارد: الکلام فی العبادات الشرعیة. عبادات الشرع خمس. الصلوة والزکوة والصوم والحج والجهاد وآکدها واعمها فرض الصلوة لانها لاتسقط فی حال من الاحوال مع ثبات العقل... ونحن نذکر واحداً واحداً منها علی وجه الاختصار فان استیفاء مایتعلق بکل واحد منها قد بسطناه فی النهایة والمبسوط والغرض هنا ذکر مالابد منه علی کل حال.

انجام: و تفصیل ذلك بیناه فی النهایة والمبسوط. لانطول بذکره منها. قد امتثلت مارسمه الشیخ الاجل اطال‌الله بقاءه من ذکر جمیل فی کل باب ولم اطول القول فیمله فیشق علیه ولا قصرت فی الاتیان بما یجب معرفته. و ذکرت جملا من العبادات لابد من معرفتها لیقع العمل بحسبها ولم اطنب القول فیه فان کتبی فی الفقه مشروحة کالنهایة وغیرها ومتی وقع نشاط لمازاد علی القدر رجع الیها وارجوان یکون ذلك موافقاًلغرضه ملائماًلایثاره والله تعالی المشکور علی اوفق(؟) من خدمته والمسارعة الی امتثال مرسومه وهو حسبی‌الله ونعم الوکیل والحمدلله رب العالمین وصلواته علی محمد النبی وآله الطاهرین.

[۱٦٧٨]

۹۲۰ این نسخه ش ۱۰ دفتر است و نسخ و عنوانها درشت‌تر. پاجای آنها سفیداست (گ ۲۵۱ب – ۲۷۵ الف. بنگرید به ۹۲۰/۳) در پایان دارد: تم الکتاب والحمدلله وحده وصلی‌الله علی رسوله محمد وآله‌الاکرمین. تم کتاب‌الاقتصاد الهادی الی طریق‌الحق وسبیل‌الرشاد من تصانیف شیخ‌الطائفة و امام‌المذهب شیخنا محمدبن الحسن الطوسی قدس‌الله روحه و نورضریحه ورزقنا من انوارعلمه ولمعات انواره بالنبی وآله‌المعصومین ع س.

[۱٤٣١] الفیة (عربی)

شهید یکم در این نامه که دارای یك مقدمه و سه فصل و یك خاتمه است از واجبات نماز هزار مسئله را یاد نمود. بر آن چندین گزارش نوشتند و چندین حاشیه و تعلیق دارد (ذریعه ۲: ۲۹٦ و ٦: ۲۲) و چند بار هم بچاپ رسیده است (طوس ۲: ۱۲ و ٥: ٣٦٥ و ٥٣٨).

آغاز: بسمله. الحمدلله‌رب‌العالمین... وبعدفهذه رسالة وجیزة فی فرض الصلوة اجابة لالتماس من‌طاعته حتم واسعافه‌غنم... وهی مرتبة علی مقدمة وفصول ثلث وخاتمة.

انجام: ولواطلق القضاعلی صلوة‌الطواف (والجنازة) فمجاز و کذاالنذر المطلق والحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی محمد وآله اجمعین.

[۱٦٧٩]

۸۹۳ این نسخه ش ۳ دفتر است و بهمانگونه نسخ و حاشیهٔ نستعلیق ش ۱ و با نشانه‌های «ع ل – ز ی – ح ل – هـ – ه ا یه» وهمان خوبراوی در شام شنبه ٥ روزمانده از شعبان ۹۹۲ آنرا نوشته است. گ ۱۰۱ ب – ۱۳۸ ب. برگهای ۱۱٦ تا ۱۱۹ سفید و کم دارد.

[۱۷۸۰]

۹۳۱ این نسخه ش ۱ دفتر است و بخط نسخ مسعودبن فضل‌الله در رجب ۱۰٦٦ وعنوانها شنگرف است وحاشیه‌هائی به نستعلیق با نشانهٔ «ع ل» از کرکی

و نشانه‌های دیگر مانند « شرح شرایع » داود . گ ۱ الف ـ ۵۱ ب ، چنین است : «فتم والله المستعان وهی مرتبة علی مقدمة وفصول ثلثة وخاتمة ... و کذا النفر المطلق» در ۵۳ ب ـ ۵٤ الف سخنی است از « شیخ محمد بن الجمهور » درادلهٔ عقل اصول .

(۴۱۷ص) ـ کاغذ ترمه ـ تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۳×۱۹ و ۸×۱۲/۵ س ۱۵

[۱٤۳۲] الامتناع عن الاستمتاع قبل قبض المهر (عربی)

این گفتار گویا از بهائی یا پدر او است .

آغاز : بسمله . مسئلة . یجوز للزوجة قبل الدخول منع نفسها عن الزوج والامتناع من سائر الاستمتاعات حتی تقبض مهرها لانعلم فی ذلك خلافاً بین علمائنا .

انجام : مایجوز له من الاستمتاعات منها . هذا ما خطر بالبال الکثیر الاختلال مع ضیق المجال وتشتت الاحوال والله ولی التوفیق والحمدلله اولا و آخرا .

[١٦٨١]

۹۱۸ این نسخه ش ۵ دفتر است و بهمان نستعلیق ش ۳ میباشد و با نشانه‌های شنگرف و یك حاشیهٔ «منه» گ ۱۸۵ ب ـ ۱۸۷ الف (بنگرید به ۹۱۸/۲) .

[۱٤۳۳] اوقات الصلوة (عربی)

ابومحمد بایزید علی بن عنایت‌الله بایزیدی بسطامی فقیه عارف نوادهٔ بایزید عارف نامور بوده است . او شاگرد مولی شهاب‌الدین عبدالله بن محمود بن سعید شوشتری کشتهٔ اوزبکان در بخارا بسال ۹۹۷ و پدر بهائی بوده و رساله‌ای در پاسخ برخی از پرسشهای عرفانی و کلامی دارد که خوانساری (روضات ۳٤۱ و ۳۵۹) آنرا دیده‌است همچنین رساله‌ای در قضا و قدر (ص ۳۱۸ همین فهرست) و اجازه‌ای در نیمه‌های محرم ۱۰۰٤ بسید حسین بن حیدر کرکی داده و در آن از معارج التحقیق در فقه و الانصاف فی معرفة الاسلاف در امامت نگارش خود او و از آن دو استاد خود یاد نمود (روضات ۳۵۹ ـ بحار، اجازات ص ۱۳٤ و ۱۳۵) .

در این نامهٔ بسطامی پنج فصل است در بارهٔ پنج هنگام نماز .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی هدانا الصراط المستقیم واخرجنا من غمرات الجهل بکرمه العمیم ... یقول ... ابومحمد بایزید بن عنایة‌الله البسطامی انی لما رأیت کثرة اختلاف اصحابنا فی اوقات الصلوات الخمس المفروضات .. احببت ان اجرد رسالة فی هذا الباب ... وجعلتها تحفة بخدمة من امرنی الله باحسانه ... و رتبت هذه علی خمسة فصول .

انجام : ولیقطع الکلام ههنا ... و وفقنا الله وایاکم لمرضاته بالنبی وآله واولاده المکرمین صلوات الله علیهم اجمعین .

[١٦٨٢]

۹٤٤ این نسخه ش ۱۱ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۸ از محمد شریف بن شیخ ابوتراب داود در ۳ ذی‌قعدهٔ ۱۰۹٤ و با حاشیهٔ «منه رحمه‌الله» . گ ۱۲۲ الف ـ ۱٤۹ ب

[۱٤۳٤] ایضاح الفوائد (عربی)

این دفتر که « ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد » یا « ... فی حل مشکلات القواعد » خوانده شده‌است از فخرالدین یا فخرالمحققین ابوطالب محمد (نیمه‌شب دوشنبه ۲۰ ج ۱ سال ۶۸۲ ـ شب آدینه ۲۰ ج ۲ سال ۷۷۱) (روضات ص ۵۸۹) فرزند دانشمند علامهٔ حلی است و درمیان کتابهای استدلالی فقه بیمانند و حلی آنرا بدرخواست گروهی و بدستور پدر آغاز کرده و جزء یکم آنرا که از آغاز تا وصیت است در بود پدر در حله در یکم شوال سال ۷۲٤ بانجام رسانده (پایان ش ۷۰۶) وجزء دوم وسوم را از نکاح تا دیات پس از مرگش پرداخت و در ذیحجهٔ ۷۶۰ بپایان رسانده . حلی در این گزارش بر قواعد پدر که بقال واقول است در باب وصیت از اینکه با او بسال ۷۱۲ در کرانهٔ دریای قلزم در دربار غیاث‌الدین خدابنده بوده‌است یاد میکند و باید پس از ۷۱۲ نزدیك به سی سالگی خود بدین گزارش پرداخته باشد چه میدانیم که علامه قواعد را در ۶۹۹ تا ۷۲۰ بپایان رسانده‌است.

او در پایان میراث (ش ۷۰۸ گ ۲۲ ب – نسخه دانشکدهٔ حقوق) می نویسد : « تم کتاب المیراث وبه تم الجزء الثانی من ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. و کنت قدفرغت من تسویده فی عشرة (غرة – در نسخهٔ ملو نسخهٔ حقوق) رمضان سنة خمس و عشرین و سبعمائة ثم زدت علیه زیادات لطیفة و نسخت هذه النسخة من تلك النسخة السابقة مع زیادات لطیفة و نکت شریفة ما مسها افکار الفقهاء ولا وصل الیها اذهان العلماء وفرغت من نسخها فی عشرة ربیع الاول سنة خمس و خمسین وسبعمائه هلالیة والحمدلله وحده ... یتلوه کتاب القضاء وهو اول المجلد الذی بعده وبه یتم الکتاب انشاءالله تعالی) .

جزء یکم از طهارة است تا وصیت ودر ۷۲٤ نگاشته شده و آغاز آنرا در ذریعه (٤۹٦:۲) وفهرست طوس (۵ : ۳۷۲) و انجام آن را در نسخهٔ ۷۰٦ ما می بینیم .

جزء دوم از نکاح است تا میراث که در ۷۲۵–۷۵۵ بدان میپرداخت و آغاز آن در نسخهٔ کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق وانجام در نسخهٔ ۷۰۸ ما دیده میشود .

جزء سوم از قضاست تا دیات که در ۷٦۰ بپرداخت و آغاز آن را در نسخه‌های حقوق و ۷۰۸ ما وانجام آنرا در نسخه‌های حقوق وطوس می نگریم (۱) .

۱– نسخهٔ دانشکدهٔ حقوق از نکاح تا دیات وجزء دوم و سوم ونسخ است باعنوانهای شنگرف و از حسین بن محمدبن حسن جوبانی عاملی که فرائض را درروز پنجشنبه ۹ روز گذشته از شوال ۸۰۲ نوشته و نوشتن دیات را درپسین روز دوشنبه چهارروز گذشته ازذی‌قعدهٔ همین سال بانجام رسانده . چنین است آن نسخه :

آغاز: بسمله . تو کلت علی الله وفوضت امری الی الله وما توفیقی الا بالله علیه تو کلت والیه انیب . بعد حمدالله واجب الوجود و واهب وجود کل موجود مفیض الخیر والجود . یقول محمدبن الحسن بن المطهر ادام‌الله ایامه . لما فرغت من تحریر اشکالات الجزء الاول من کتاب القواعد شرعت الآن فی تحریر الجزء الثانی واسأل من‌الله تعالی حسن التوفیق واصابة الحق بالتحقیق . کتاب النکاح وفیه ابواب .

انجام : قال قدس‌الله سره واوقتل صبی اومجنون مسلما ... اقول فیه‌امسئلتان ... فرع لواسلم بعدوجوب الکفاره سقطت باسلامه ... لکن لومات علی کفره اعوقب علیه .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

بهائی در توضیح المقاصد (ماه ششم) درباره آن میگوید : « لم یصنف فی الکتب الاستدلالیة الفقهیة مثله » (۱) .

آغاز کتاب : الحمدلله ذی العزة والبقاء والقدرة والعلاء والمجد والکبریاء (کنتوری ص ۷۳ – ذریعه ۲: ٤۹٦) .

[۱٦۸۳]

۷۰٦ ف این نسخه بخط نسخ ریز بی‌نقطه است از شهید یکم شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن جمال‌الدین مکی که درشب سه شنبه ٦ شوال ۷۵٦ درحله نوشتن آنرا بانجام رسانده . چندبرگی در آغاز و پایان فرسوده شده وکاغذ روی آن چسبانده‌اند . در گ ۷٤ الف حاشیه‌ای دارد بانشانهٔ «مد ظله» که شهید ازخط فخرالمحققین آورده وحاشیه‌های دیگری هم هست بخط شهید . در ۱۸۷ ب دارد « قد نظر فی هذا الکتاب الفقیر الی الله محمد مکی بن محمدبن شمس‌الدین حسن بن زین‌الدین محمد من سلالة الشهید محمدبن مکی فی سنة ۱۱۵٤» (اوچنانکه صدرالافاضل دانش ازروی نوشتهٔ او در پشت کتابی آورده در ۱۱٦۹ هم زنده بود) خط نستعلیق خوش زین‌العابدین بن محمد طاهر

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وهذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا الکتاب والله اعلم بالصواب وانی ملتمس من ارباب الاذهان الوقادة والافکار النقادة النظر الیه بعین الانصاف وان وجدوا عیباً ستروه بمکارم اخلاقهم وان قبل التأویل اولوه بسوابغ افضالهم وانی اختم کتابی هذا بابیات ختم بها بعض الفضلاء کتابه وهو قوله : یاجاهداً فیما عملت لجیمه عذرآ فان اخ الفضائل یعذر علما بان المرء لو بلغ المدی فی العلم ذاق الموت وهو مقصر – ومن المحال بان یری احداً حوی کنه الکمال لانه متعذر فاذا ظفرت بزلة فافتح لها باب التجاوز ان ذلك اجدر – والحمدلله علی حسن التوفیق وهداه الطریق وصلی الله علی سید الانبیاء والمرسلین المبعوث بالدین المتین وعلی آله المعصومین و عترته الطاهرین صلاة تملاء اقطار السموات والارضین . فرغت من تحریره مع تراکم صروف الدهر المنقوس والافکار فی ذی الحجة الحرام سنة ستین وسبعمائة الهلالیة و کتب اضعف العباد مصنف الکتاب محمدبن الحسن بن یوسف بن علی بن المطهر ختم اعماله بالحسنی والحمدلله وحده (نسخهٔ دانشکده حقوق) .

۱– بنگرید به : ص ۵۳۳ همین فهرست – فهرست طوس ۲: ۸۷ و ٤: ۲٤ و ۵: ۳۷۲ و ٤۷٦ – فخرالمحققین جزاین گزارش «جامع الفوائد فی شرح خطبة القواعد» هم دارد (طوس ٤: ٦۰ – ذریعه ۵: ٦۷ – کنتوری ص ۱۵۵) .

دارندهٔ نسخه‌هم درهمینجا دیده میشود و اندکی‌هم بریدگی دارد . دو برگ در آغاز افزوده شده و همان صدرالافاضل در ۱۳۴۹ یکسال پیش‌از مرگ خود (بگواهی آقای فخرالدین نصیری در ۸ محرم ۱۳۷۰) در آن این نسخه را شناسانده است . این‌نسخه جزء یکم وازنیمهٔ مبحث «لباس مصلی» است تاپایان وصیت ودر آن دربارهٔ پدر «قال دام ظله» می‌نویسد .

آغاز : الحکم لاتنظم فی الاسباب وعادالمحذورات لواستصحب شیئاً منصوباً غیرالثوب معه هل یبطل صلاته ام لا ؛ فنحررالبحث فنقول‌القدیر انه منهی عن استصحابه ... قال دام ظله : ولوصلی فی المغصوب عالماً بالغصب اختیاراً بطل . . . اقول قد تقدم مثل هذا الاشکال فی الثوب (مطلب ۱ فصل ٤ مقصد ۱ کتاب‌الصلوة) .

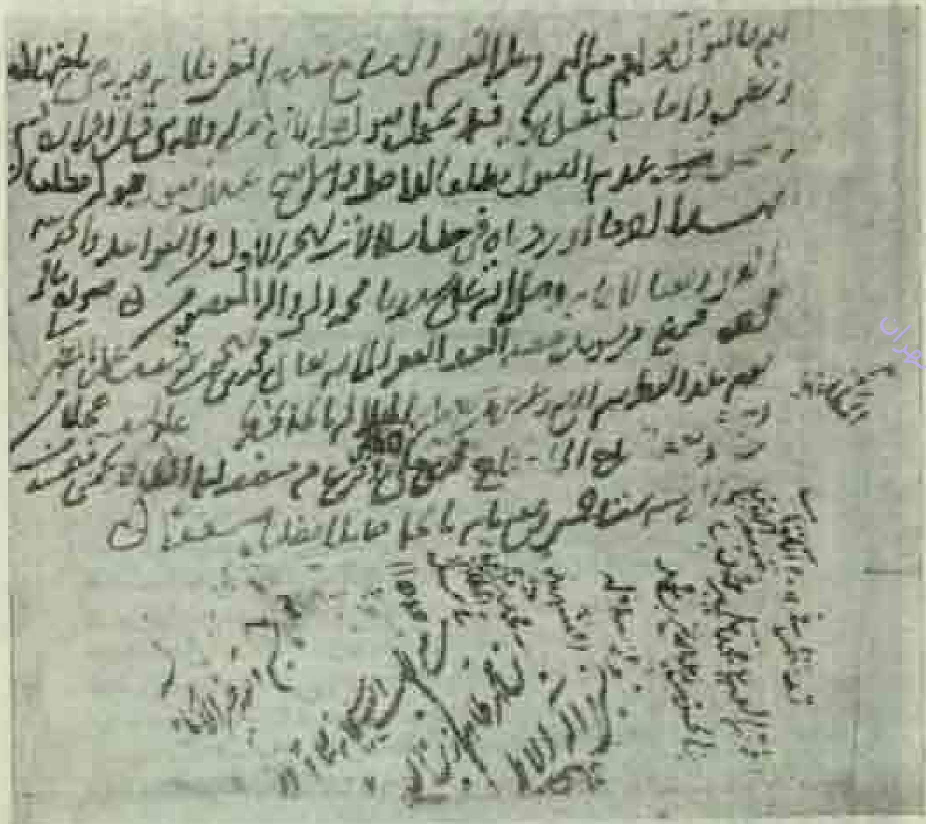
انجام : قالم هل یقبل قول‌الامین فی التعرفة‌الاقرب‌العدم ... اقول وجه‌الثبوت انه اذاکانوا . . . والاصح عندی قبول قوله مطلقا . فهذا آخر ما اوردناه فی حل اشکالات الجزءالاول من‌القواعد . والحمدلله‌الذی وفقنا لاتمامه وصلی‌الله علی سیدنا محمدوآله المعصومین . (صورة ما فی آخره) فرغ من تسویده مصنفه‌العبدالفقیر الی‌الله تعالی محمد بن‌الحسن بن یوسف بن علی بن‌المطهر فی یوم عیدالفطرسنة اربع وعشرین وسبع مائة‌الهلالیة بالحلة بخطه ... و کتب عجلامن ... محمدبن‌مکی المطلبی وفرغ فی منتصف لیلة (الثلاثا) لخمس مضت من شوال سنة ست و خمسین و سبعمائة بالحلة حامداً مصلیاً مستغفرا (آنچه نقطه گذاری شده خوانا نبود) .

۱۸۷گ - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج گرباکی ضربی آراسته مقوائی
اندازه : ۱۱×۲۰ و ۹×۱٦ س ۲۸

[۱٦۸٤]

۷۰۸ این نسخه بنسخ باعنوانهای درشت‌تر ومیان سطرها گاهی سفید گذارده شده وسپس با قلم ریزتری پرشده است . افزوده‌ها و درست شده‌ها در هامش بقلم ریزتر دیده میشود . ۲۲ برگ درآغاز موریانه خورده وکاغذ روی آنها چسبانده‌اند و پاره‌ای از مطلبها رفته و قلم خوردگی هم دارد . نسخه از نیمه های کتاب‌الایمان است تامبحث عاقلهٔ دیات . کتاب فرائض را فخر در ۱ع۱/۷۵۵ نگاشته است (۲۲ ب) قضاء در ۲۳ ب وحدود ٦۰ ب - ۷۸ الف وجنایات ۷۸ الف -۹۷ الف است و دیات از ۹۷ ب است تا پایان . دراین جلد برای پدر « قال قدس‌الله سره» مینویسد .

آغاز : الانعقاد وهواختیارالشیخ فی‌المبسوط والخلاف وابن ادریس الاصل ولانه لایمین‌الابالله تعالی کماتقدم ... قال قدس‌الله سره وقیل فی‌جزالمراة شعرهافی‌المصاب کفارةظهاروقیل کبیرة مخیرة وقیل‌لاکفارةاقول... هوالظاهرمن کلام‌الشیخ فی‌النهایة



پایان ایضاح‌الفوائد حلی ش ۷۰٦ که بخط شهید یکم شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن جمال‌الدین مکی میباشد . تاریخ انجام‌نوشتن او که در شب سه شنبه ششم شوال ۷۵٦ درحله درزمان فخرالمحققین وپیش‌از انجام یافتن همهٔ این ایضاح بوده‌است در اینجا دیده میشود



گ ۷٦ الف ایضاح الفوائد ش ۷۰۸

(طرف ۱ مقصد ۳ در کفارات از کتاب الایمان) .

آغاز جزء سوم: بسمله (رب یسر واعن) کتاب القضاء ، مقدمتان، آ: القضاء ولایة الحکم شرعاً لمن له الفتوی بجزئیات القوانین الشرعیة علی اشخاص معینة بشریة متعلقة باثبات الحقوق واستیفائها للمستحق (ش ۷۰۸ گ ۲۳ ب ونسخهٔ دانشکدهٔ حقوق) .

انجام : قال قدس الله سره: «ولو زادت العاقلة علی الدیة قیل یخص الامام من شاء والاقرب التوزیع علی الجمیع» اقول: قوله، وقیل: اشارة الی قول الشیخ فی المبسوط فانه قال: اذا کانت الدیة اقل من عدد العاقلة قال قوم توزع علی الکل بالحصص ... فعلیه الدلالة ویظهر من استدلاله بهذا وجه القرب . قال قدس (مطلب ۲ فصل ۱ باب ۳ قطب ۲ در دیات) .

(۱۱۸ب) ــ سمرقندی ــ تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱۷ × ۲۵ و ۱۱ × ۱۷ س ۳۳

[۱۴۳۵] البرهان القاطع (عربی)

فی شرح المختصر النافع

این گزارش از دانشمند سید علی آل بحر العلوم (۱۲۲٤ ــ ۱۲۹۸) پسر سید رضا فرزند سید مهدی بحر العلوم طباطبائی بروجردی نجفی است . سه جلد آن با دو رسالهٔ قبله و حبوه و پاره‌ای از گفتارهای دیگر فقهی او در ۱ــ۱۲۹۰ بچاپ رسیده . او صوم را در روز ۲۰ شوال ۱۲۷۳ بانجام رسانده است . (ذریعه ۳: ۹۳ــ طوس ۵: ٥٤٢) .

[۱٦۸۵]

۷۵۵ این نسخه بسنج است با عنوانهای شنگرف خودنگار بندهٔ آن . دارای صوم است (۱ ب ــ ۲۵۱ الف) و تجارت (۲۵۲ ب ــ ۳۵۷ الف) وقضاء (۳٦۰ ب ــ ٤۸۳ ب) . در ۱ الف دارد «مجلد الصوم من کتاب البرهان القاطع تألیف الحقیر علی آل بحر العلوم الطباطبائی . کتاب صوم . کتاب تجارت . کتاب قضا» در ۲۵۲ الف آمده : «مجلد من کتاب البرهان القاطع تألیف الحقیر علی آل بحر العلوم ــ کتابت ۵۳۵۰ بیت . بها ده قران و هفت قمری عربی . پول مقابله چهار قران مگر دوقمری . پول جلد سی وچهار شاهی ــ پول مقابله ۳۳ قمری» در ۳٦۰ الف دارد : «کتاب البرهان القاطع تألیف الحقیر علی آل بحر العلوم ــ کتابت ۵۹۰۰ بیت . بها ۱۲ قران عربی مگر دوقمری .

پول مقابله ۳ قران و۱۱ شاهی . پول جلد سی وچهارشاهی » .

آغاز : کتاب الصوم وهو يستدعى بيان امور الاول الصوم فى اللغة الامساك .

انجام : بلافاصلة على قول للرواية المتقدمة . هذا ما انتهى اليه القلم فى كتاب الصوم من . على آل بحر العلوم الطباطبائى فى اليوم العشرين من شهر شوال سنة الثالثة والسبعين بعد المأتين والالف سنة ۱۲۷۳ .

آغاز تجارت : بسمله وبه نستعين . كتاب التجارة و بعضهم عبر بالمتاجر و هو جمع متجر

انجام : او يثبت عليه باطلاق البيع لعل الاقوى الثانى لانه عوض الانتفاع فيتبع المنفعة (پنج صفحه وبنى سفید گذارده شده) .

آغاز قضاء : كتاب القضاء . ذكر له فى اللغة معان و انهاها بعض الى عشرة اداربه وآخر الى اقل بارجاع بعضها الى بعض .

انجام : تم الحاكم اذا شاهده يقضى عليه و يقيم الحد اوجوب القضاء منه بعلمه ولوادعى الوارث . تم بالخير .

(۳۴۸۳-ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۸/۵×۱۳/۵ س ۱۷

[۱٤۳٦] **بیان** (عربی)

شهید یکم شمس الدین ابو عبدالله محمد بن جمال الدین مکی بن شمس الدین محمد بن حامد بن احمد بن طی مطلبی حارثی همدانی خزرجی نبطی عاملی جزینی (کوهی درشام) جزینی (دیهی درجبل عامل) از نوادهٔ سعد بن معاذ (۷۳٤ ـ در حضیرة القدس رحبهٔ قلعهٔ دمشق روز پنجشنبه ۱۹ ج ۷۸٦/۱) دراین کتاب ازطهارة وصلوة وزكوة وخمس وصوم گفتگو نمود واستدلال هم نكرده است . چون مرگ او را دررسیده بود نتوانست آنرا بانجام برساند . ایندفتر یکبار بخط نسخ شیخ عبدالجواد نیشابوری بفرمودهٔ آقاشیخ اسماعیل خوانساری در ج ۱۳۱۷/۲ در ۲۰۱ص ربعی و بارهٔ دیگر بخط نسخ محمد حسن بکوشش حاج شیخ احمد شیرازی باحاشیه‌های شیخ علی کرکی (ص ۲-۲۲۷) وبااحکام الخلل الواقع فى الصلوة من السهو والشك (ص ۲۲۸-۲٤۸) در ۱۳۲۲ بچاپ سنگی رسیده است (نیز بنگرید به : مستدرك ٤۳۷ ـ ذریعه ۳ : ۱۷٤ ـ طوس ٥ : ٥٤٤) .

آغاز : (كتاب البيان املاء الشيخ الفريد . . . الشيخ محمد بن مكى العاملى ـ چاپ ۱۳۱۷) بسمله ، وبه نستعين . الحمدلله رب العالمين حمدا يستدر اخلاف كرمه ويستمطر شآبيب نعمه ... فان الادلة العقلية والنقلية متطابقة على شرف العلوم ومن اهمها شرع الحى القيوم وهذا ء البيان ء كافل بالمهم منه .

انجام : الركن الثانى فى الامساك وفيه مطالب الاول . فيما يمسك عنه وهو اقسام . القسم الاول الابتلاع يجب (الى هنا انتهى خطه قدس روحه وفرغ من تعليقة لنفسه فى غرة شهر شعبان المعظم احد شهور سنة ثلاث وستين وتسعمائة من الهجرة النبوية على مشرفها افضل الصلوة واكمل التحيات) (چاپ ۱۳۱۷) (... القسم الاول الابتلاع يجب فيه ـ هذا نهاية ماصنف المصنف فى هذا الكتاب ولم يوفق باتمامه ولعن الله على ظالمه وقاتله ـ چاپ ۱۳۲۲) .

[۱٦٦۸٦]

۷۸۷ این نسخه بنسخ است بانشانه‌های شنگرف و باعنوانهای درشت و گاهی هم شنگرف و گویا محمد صالح بن احمد بن جلال الدین محمد بیشوا است که در تاریخ ۱۷ع۹٥۲/۲ نوشتن آنرا بانجام رسانده . او در ۹٥۳ دارندهٔ نسخه‌هم بوده است . زیرخط او که در کلیشه می‌بینیم مهر بست گرد از «صدرالدین عفی عنه» حسین بن حیدر حسینی کرکی در سپاهان نسخه را داشته بود (کلیشه) (۹ الف و ب) نیز سلیمان بن احمد بن جلال الدین محمد بن شریف رکن الدین علی بن جلال الدین محمد... شفروة سپاهانی با مهر کوچك و گرد که در کلیشه دیده میشود (۱۷٤ ب) .

در گ ۱ الف دارد : « الواثق بالله الغنى عبده يحيى » ونیز :

« من متن ذى المنن . . . بن مقبل بن حسن فى النجف الاشرف فى الرابع والعشرين من رجب الفرد سنة ۱۱۸۸ » (یك كلمه خوانده نمیشود چه عبارت را خواسته پاك كنند) .

و « بیان شهید اول قیمت ٥ قروش » .

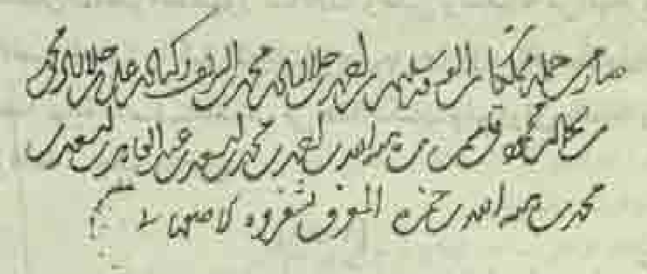
و « كتاب بيان فى فقه الامامية من مصنفات سيدنا وسندنا شيخ الشيعة محمد بن مكى الشهيد رحمه الله تعالى » .

و « بسم الله خير الاسماء قد صار فى ملكى حرره الاقل فى سنة ۱۳۲۰ » بامهر «عبده يحيى بن محمود ۱۲۹٦» (نیز در گ ۱ ب دو بار هم چهار بار) نیز مهر زمینه سرخ با خط سفید : « ينصر الله القديم لم يزل دخل فى نوبة شيخ العراقين ...» با شماره ۱۰۸۲ ومهر كوچك وچهار گوش كه خوانده نمیشود و «موروثی قدیم» (با مهری كه خوانده نشد) نیز مهر «یحیی ۱۳۱۰» .

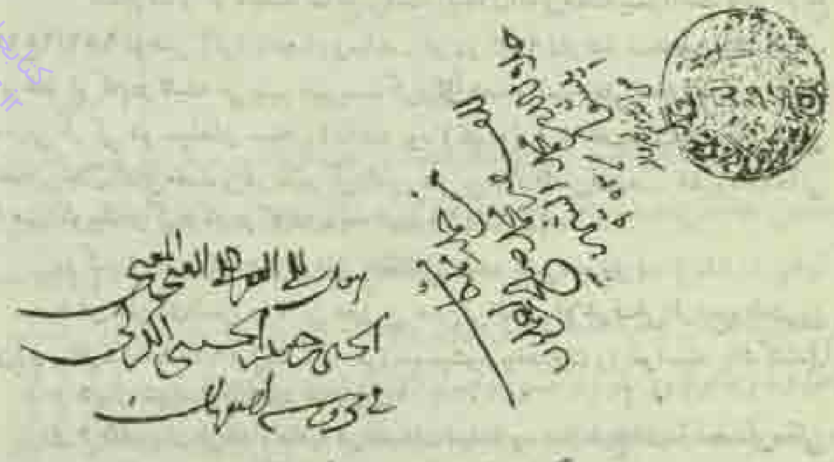
انجام نسخه: القسم الاول الانتزاع يجب فيه = التي هاهنا انتهى كلام المصنف السيد الشهيد قدس الله روحه في هذا الكتاب . ثم عاجله القضاء المحتوم والاجل بالشهادة قبل فراغه فلعن الله من ظلمه واعتدى عليه و انتقم له منهم انه على كل شيء قدير وحسن بافضل مرة(؟) محمد واهل بيته الطاهرين الذين اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وقد فرغ الكاتب الضعيف الفقير من كتابة وتحرير هذا الكتاب الاجل من الفقه الامامية الاعظمية صلوات عليهم اجمعين في سابع عشر ربيع الثاني من شهور سنة ۹۵۲ .

(۳۶۷۸ م) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی ضربی کناره ودرون زرد ومقوائی.

اندازه : ۱۲ × ۱۷/۵ و ۷ × ۱۰/۵ س ۱۴



برگ ۱۷٤ ب بیان شهید ش ۷۸۷



برگ ۱ الف بیان شهید ش ۷۸۷

[۱٤۳۷] پاسخ استرابادی بعاملی (عربی)

مولی محمدامین بن محمدشریف اخباری استرابادی م ۱۰۳۳ در پاسخ شیخ حسین بن حسن بن یونس بن یوسف بن محمد بن ظهیرالدین بن علی بن زین الدین بن الحسام

ظهیری عاملی عیناثی این رساله را نوشته است . در امل الآمل (ص ۴۹۷) و لؤلؤتی البحرین و روضات الجنات ص ۳۸ از آن بنام « جواب مسائل شیخنا الشیخ حسین الظهیری العاملی » یاد گردید .

این عاملی مردی دانشمند و پارسا و فقیه و شاعر بوده و در جبع میزیست و در همانجا در گذشت و شاگردان بسیار داشت که از دانشمندان بشمار میآمدند و نگارشهای فراوان از خود بیادگار گذاشت و شیخ محمد بن الحسن الحر عاملی از شاگردان او بوده و نخستین بار اجازه از او گرفته است (امل الآمل ص ٤۳٤) .

این دانشمند استرابادی شاگرد نگارندهٔ مدارک (سید محمد بن علی جبعی عاملی ۹٤٦-۱۰۰۹) و نویسندهٔ معالم (جمال الدین ابومنصور حسن عاملی م ۱۰۱۱) و میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرابادی (م ۱۰۲٦) و شاه تقی الدین محمد نسابه بوده است . شیخ زین الدین بن محمد بن الحسن عاملی (۱۰۰۹ - ۱۰۷٤) از او روایت میکند .

دانشمند امین استرابادی بدستور استادش میرزا محمد استرابادی و بمانند شیخ محمد بن جمال الدین ابومنصور حسن عاملی (م ۱۰۳۰) از روش مجتهدان برگشت و در دانشنامهٔ شاهی فارسی و الفوائد المدنية عربی آنچه توانست از آن روش خرده‌ها گرفت و از روش اخباریان طرفداری کرد و بمجتهدان دشنامها داد . شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی بحرانی (م ۱۱۳۵) در منية الممارسين في اجوبة سؤالات الشيخ یاسین و فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱) در سفینة النجاة و دیگر کتابهایش و مولی محمدتقی مجلسی یکم در دو گزارش خویش بر من لا یحضره الفقیه بفارسی و تازی از این روش پیروی کردند و مجلسی در آن دو کتاب از امین استرابادی یادی نموده است ولی نگارندهٔ لؤلؤتی البحرین (شیخ یوسف بحرانی م ۱۱۸٦) که خود اخباری است در درهٔ نجفیه و مقدمات حدائق روشن نمود که اینگونه سخنان را پایه و مایه‌ای نیست و گستاخی در برابر دانشمندان گذشتهٔ شیعی ناروا است . شیخ علی بن شیخ محمد بن الحسن شهیدی عاملی در السهام المارقة من اغراض الزنادقة في الرد

علی الصوفیة نگارش شب ۹ ج ۱ سال ۱۰۷۰ نیز بفیض کاشانی دراین زمینه تاخته است
(روضات الجنات چاپ دوم ص ۳۳-۳۹) .

باری ایندانشمند در آغاز این پاسخ هم بروش اخباری خویش اشاره میکند .
در آن از چند مسئله فقهی و حدیثی گفتگو شده است .

۵ **آغاز** : بسمله حامداً مصلیاً مسلماً یقول الفقیر الی الخبیرا للطیف محمد امین
الاسترابادی فی جواب شیخنا الفاضل الکامل العامل الشیخ حسین بن حسن بن
ظهیر الدین العاملی ... قوله ادام الله ایامه فالمأمول منکم تألیف کتاب وجیز فی الفقه
الخ . الاقتداء بالقدماء قدس الله ارواحهم فی هذا الباب اولی و کانت عادتهم الاکتفاء
بتألیف الاحادیث او تذییل کل باب بما یتعلق بشرح الاحادیث و بما یتعین العمل به
۱۰ من الحدیثین المتناقضین . وقد اخترت الطریقة الثانیة فی حاشیة کتاب الکافی .

انجام : قد امتثل ما اشرتم الیه علی وجه الاستعجال وتشتت البال وقد خلیت
الکراسة عندی عسی اکتب جواب المسائل الباقیة وقت الفرجة انشاءالله .

[۱۶۸۷]

۱۰۶۷ این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط نستعلیق گویا ازخود استرابادی گ ۱۰۱ ب -
۱۰٦ پ و ۱۰۹ الف .
(همهٔ دفتر ۱۱۴ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی تازه
اندازه : ۱۵×۲۱ - ۱۰×۱۵ س ۱۹

[۱٤۳۸] **پاسخ بهائی بپادشاه** (عربی)

پادشاه صفوی ازشیخ بهائی پرسیده که آیا روزه دار بایددندانهای خودرا
۲۰ باخلال پاکیزه سازد یا نه ؛ او پس از دیباچه ایکه در آن از او بستود؛ پرسش اورا
آورده پاسخ داد که اینکار بایستنی نیست . در پایان هم بهائی از او ستایش کرده است؛
این پاسخ جز آنهائی است که در ذریعه (۲:٤۸٤ و ۵:۲۰۷) یاد شده است .

آغاز : بسمله : یقول الفقیر الی الله الغنی بهاءالدین العاملی انه القی الی کتاب
من لدن حکیم علیم لازالت اطناب دولته مربوطة باوتاد الخلود و آیات ملکه

مقرونة بالابود والسعود الی یوم الموعود و کان ذلک الکتاب متضمناً لسؤال انیق
هو من سوانح خاطره الارفع الانفس و منطویاً علی بحث رشیق هو من نتایج
طبعه الاشرف الاقدس وقد صدرت اشارته العلیة ان یکتب هذا الداعی فی الجواب
مایسنح لفکره القاصر ویلوح لنظره الخاسر فامتثلت امره المطاع و قابلت اشارته
۵ العلیة بالاتباع راجیاً من لطفه الکامل و کرمه الشامل ان یسبل ذیل العفو علی مایجده
من الخلل والهفو .

انجام : فالامر فیه سهل فانه مستحب و تارک المستحب قد یوصف بالتقصیر هذا
ماخطر بالبال الکثیر الاختلال و المأمول من مکارم النواب الاعظم اعلم ملوک الزمان
وملک علماء الدوران خلدالله ملکه واجری مجری التایید فلکه ان تشرفه بالعرض
۱۰ علی جوهری طبعه الوقاد و صیرفی رأیه النقاد فان وقع فی معرض القبول فذلک
غایة المسئول والا فالاصلاح مرجو ومأمول والسلام علیکم اولا وآخراً وظاهراً
وباطنا (نقلت من خطه الشریف دام ظله اللطیف) .

[۱٦۸۸]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۱ دفتر است و بهمانگونه خط نادری میباشد . گ ۲۲۷ ب -
۱۵ ۲۲۹ الف . در کناربرگها و در ۲۲۹ ب سخنان پراکنده ایست .

[۱٤۳۹] **پاسخ بهائی بجزائری** (عربی)

شیخ صالح بن حسن جزائری دانشمندی پارسا بوده واز شیخ بهائی اجازهٔ
روایت داشته و پرسشهائی از او کرده پاسخ گرفته است (روضات ص ۳۳۰ و ٦۰٦)
او از بهائی دربارهٔ گفتار نواصب و شعری که دربارهٔ روا بودن دشنام دادن بابوبکر
۲۰ و عمر سروده اند خواسته که بنظم بدانها پاسخ گوید بهائی هم چند بیتی برای
جزائری فرستاد (مقام ۲ مقامات النجاة سید جزائری ش ٦۸٤) در ذریعه (۵:۲۱۸) هم
از « جوابات المسائل الجزائریة » همین دو یاد شده و جز این نسخهٔ ما است .

دراین پرسش و پاسخ او از بهائی پرسیده که در زنا آیا تنها همان حق خدائی

است یا حق خدا و شوهر هر دو است. بهائی در پاسخ میان زنا با زن شوهردار و بی‌شوهر و بی اکراه و با اکراه جدائی نهاده است.

آغاز: سئوال. سأل الشیخ الصالح الجزائری عن شیخنا البهائی قدس سره: هل الزنا حق الله سبحانه فقط او مشترك بينه جل شأنه وبين الزوج لو كانت المرئة المزنی بها ذات بعل او بينه وبين الزوجة مع اكراهها او بين الله جل وعلا وبين الزوجين مع الاكراه وعلى تقدير الاشتراك فما وجه التخليص من ذلك عند ارادة التوبة وهل هذا الحق يورث ام لا؟ بين نفعك الله ونفع بك الانام الى ظهور الامام... الجواب الثقة بالله وحده. اطلاق القول بان الزنا حق الله سبحانه.

انجام: سألت ايدك الله تعالى من ان هـذا الحق هل يورث ام لا فعندى فی ذلك توقف. والله تعالى اعلم بحقائق الامور.

[۱۶۸۹]

 این نسخه ش ۷ دفتر است و بهمان خط ش ۱ و ۲ میباشد. گ ۳۰ ب.

[۱۴۴۰] پاسخ تهرانی بداماد (عربی)

آقا میرزا سید صالح داماد عرب تهرانی (م ۱۳۳۰) از شیخ العراقین شیخ عبدالحسین بن علی تهرانی (م ۲۲ رمضان ۱۲۸۶) از وکالت در طلاق ضمن عقد لازم پرسیده و او پاسخ داده است (مستدرك ۳: ۸۷۷ – ریحانة الادب ۲: ۴۰۱ و ۳: ۷۵).

آغاز: بسمله. السئوال: هل القائل بان وقوع الوكالة فی ضمن العقد اللازم يوجب عدم انعزال الوكيل بالعزل وعدم صحة العزل يقول بالتفصيل... الجواب: بسم الله تعالى. نعم يمكن الفرق بين الطلاق وغيره.

انجام: اذ لا تعقل النيابة عن الميت. فتأمل. انتهى كلامه اطال الله بقائه.

[۱۶۹۰]

 این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ ریز و درشت و روی عنوانها و آغاز مطلبها خط کشیده شده است. گ ۲ ب – ۵ ب.

(همهٔ دفتر ۳۱۱ گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه: ۱۹ × ۳۴ و ۹ × ۱۶ س ۲۱

[۱۴۴۱] پاسخ رشتی (فارسی)

ملاعلی بن میرزا محمد رشتی در آغاز این گفتار با روش عرفان شیخی از صوفیان نکوهیده و دشنامها بآنها داده سپس باین پرسش پاسخ میدهد که اگر دختر را برای صغیری در نود و نه سال عقد ببندند و دختر پس از آن پسر را نپسندد آیا میتوان با رعایت صرفهٔ پسر مدت را بخشید یا نه؟ این را حاج محمد حسن معروف از میرزا ابوالقاسم هم پرسیده بود و پاسخ گرفت. مولی محمد تقی هم بدان پاسخی داده است.

رشتی در این میانه میخواهد داوری کند و از آن برمیآید که محمد جعفر نجفی میگوید که میتوان مدت را بخشید ولی حاجی محمد ابراهیم کرباسی این بخشش را ناروا میداند. رشتی در آغاز آن میگوید که من در نگارشهایم تصوف را تباه ساختم بویژه در گزارشی که در ه ۱ هزار بیت برای سفارشنامهٔ امیر مؤمنان برای اشتر نوشته‌ام و نیز در رشحات علویه در بارهٔ شبهه آکل و ما کول و در منتخب الرشحات و در فاتحة الکتاب که گزارشی است بر نامهٔ شیخ احمد احسائی بخود من. این نامه از گ ۱۳ ب نسخهٔ ما فارسی میشود و پیش از آن بتازی است. نام رشتی هم در آن یاد شده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمين والصلوة على محمد و آله الطيبين الطاهرين لاسيما وزيره واخيه.. على امير المؤمنين الذی هو منه كالضوء من الضوء.

انجام: ويبدلوا السيئات بالحسنات والصلوة والسلام على محمد و على و آلهما وقد بلغ الى هنا بيسور النظر ظاهراً اولا و آخرا (كتبه العبد... محمد حسين ابن عبدالله بامر صاحب المعظم اللهم وفقه... بجاه محمد وعترته الطاهرة).

[۱۶۹۱]

 این نسخه بخط نستعلیق است از محمد حسین بن عبدالله بدستور صاحب المعظم. گ ۱ ب – ۶۰ الف.

(۶۳ گ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۱۰ × ۱۴/۵ و ۶ × ۹/۵ س ۱۸

[۱۴۴۲] پاسخهای شفتی (فارسی و عربی)

حجة‌الاسلام حاجی سیدمحمد باقر ابن سیدمحمدنقی شفتی رشتی گیلانی سپاهانی بیدابادی (چزره ۱۱۷۵ - بسین روز یکشنبه ۲ ع ۱۲۶۰/۲) شاگرد محمد باقر مروج بهبهانی و بحرالعلوم بروجردی و سلیمان بن معتوق عاملی و سید محسن اعرجی و شیخ جعفر نجفی و میرزای قمی و شیخ اسدالله شوشتری و سیدعلی طباطبائی قزوینی و سیدمحمد استاد و ملامهدی نراقی بوده و دبری مانند همان بهبهانی اجازهٔ روایت را ناروا می‌پنداشت سپس برگشت و از دانشمندان اجازه گرفته است. او چندین کتاب فارسی و تازی در رجال و اصول و فقه دارد و در برابر پرسشها که از او کرده‌اند این پاسخها را داده و آن دو جلد میشود. جلد۱ آن از طهارة تا ودیعه دوبار بچاپ رسیده یکی سربی بسال ۱۲۴۷ بنام سئوال و جواب در ۳ + ۱۶۲ برگ دیگری سنگی در تهران بسال ۱۲۵۴ که افزوده هم دارد. جلد دوم از عاریه است تا حدود و خاتمه‌ای در متفرقات. این گویا همان اجوبة‌المسائل دو جلدی باشد که بگفتهٔ خوانساری رسالهٔ های فقهی چندی در آن گذارده شده است. تنکابنی میگوید که فتواهای او با پرسشها هشتاد هزار بیت میشود. نسخهٔ ما هردو جلد است مانند نسخه ش ۲۳۵۷ سپهسالار (۱) خود شفتی هم گویا از آن گزین نموده است (ش ۲۳۷۱ سپهسالار).

آغاز فهرست: بسمله. وعلیه توکلی واعتمادی. خوشترین کلامیکه عنوان

۱- برای سرگذشت شفتی بنگرید به: روضات ص ۱۲۵ - قصص‌العلما ص ۹۶ - روضه بهیه - تذکرة‌القبور یا رجال اصفهان گزی چاپ ۱۳۲۸ ص ۱۴۹ - نخبة‌المقال ص ۹۶ - فوائد رضویه ۴۲۶:۲ - کنی والقاب ۱۵۵:۲ - هدیة‌الاحباب ص ۱۲۳ - تاریخ اصفهان وری انصاری ص ۲۸۵ - گاهنامهٔ ۱۳۱۲ ص ۱۲۵ - مجلهٔ یادگار س ۲۸ - ۴۳ ش ۱۰ س ۵ تاریخ خرداد ۱۳۲۸ خ - ریحانة‌الادب ۳۱۲:۱ - تاریخ علما وشعرای گیلان شس گیلانی ص ۳۰ - رجال مامقانی ۸۵:۲ - فهرست طوس ۳۷۷:۵ - سپهسالار ۴۲۲:۱ و ۵۰۸ و ۵۰۹ - فهرست آقای منزوی ۴۷۱:۳ تا ۵۰۵ که درفهرست نامها نشان داده شده است - اعلام‌الشیعه ۱۹۲:۲.

صفائح نتایج افکار و دیباچه صحائف مطارح انظار از زیب و زینت و تقریر و تحریر تواند شد.

انجام: تا مزید ترتیب ثمر گردد والله الموفق والمعین ومنه الاستعانة فی طلب الیقین: مقدمة، الاصول. الطهارة ... رسالة فی الحدود. خاتمة فی المتفرقات. تم الفهرست بالخیر.

آغاز کتاب: بسمله. وبه ثقتی سئوال هر گاه شخصی تقلید مجتهدیرا ... نماید ... جواب اظهر این است که عدول لازم است

انجام: سئوال آنچه مشهور است در السنه وافواه در زیارت جناب حضرت فاطمه درقم ... جواب عین این لفظ حال در نظرم نیست که دیده باشم ... و آنچه مشهور در السنه است راجع باین میشود. وهوالعالم بحقائق احکامه.

[۱۶۹۹۲]

۷۴۰ این نسخه نسخ است با عنوانهای شنگرف. در برگ ۱ب - ۲الف دیباچه ایست از محمد ابراهیم بن ابوالحسن موسوی که در آن فهرست مطلبهای کتاب را آورده و میگوید که بدستور برخی آنرا گرد آورده‌اند و من فهرست آنرا نوشته‌ام. مهر فضل الله نوری در ۲ الف دیده میشود.

۴۳۹ ص - کاغذ فرنگی - جلد تیماج زرد ضربی عنوانی
اندازه: ۳۰×۲۰ و ۱۲×۲۲ س ۲۲

[۱۴۴۳-۱۴۵۳] پاسخهای قمی (فارسی و عربی)

از میرزا ابوالقاسم فرزند محمدحسن گیلانی رشتی قمی (۱۱۵۰/۱-۱۲۳۱) دانشمند فقیه اصولی کلامی ادیب چند گفتار فقهی در اینکتابخانه هست که در پاسخ پرسندگان نگاشته است واینک برمیشمریم:

۱- دربارهٔ شیربهائی که پدر و مادر هنگام شوی دادن دختر میگیرند از رهگذر فقه اسلامی.

آغاز: بسمله الحمد والصلوة والسلام لاهلها. ماتعارف بین اولیاء المرءة من اخذ شیء للمسامحة فی تزویجها و یقال له فی عرف العجم فی هذه الازمان

، شیربها ، هل یجوز اخذه ام‌لا وهل یجوز استرداده ولو مع التلف ام‌لا . اذا جعله جعالة للولی لامر مطلوب مثل تمشیة امر التزویج ونحو ذلك فالظاهر الحلیة وعدم جواز الرجوع بعد الفعل المجعول علیه .

انجام : واسئل الله العفو عن الزلل والاستقامة فی القول والعمل کتبه مؤلفه . . ابن الحسن الجیلانی ابو القاسم فی شهر شوال المکرم من عام خمس ومأتین والف (وهذه صورة خط المصنف دام ظله العالی وافادته المتعالی . کتبه ... محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی غفر الله له من شهور سنة ۱۲۲۶) (۱۱۵ الف – ۱۱۷ الف) .

۲ـ در بارهٔ ارث بردن زن از غیر منقول .

آغاز : بسمله والحمد والصلوة لاهلهما ما ترث المرأة من زوجها فی غیر المنقولات؟ اعلم ان الآیة الکریمة یدل علی عموم ارثها وثبوت الربع والثمن لها من جمیع المال .

انجام : والوجهان الاخیر ان لیسا بشیء . هذا ما اقتضاه الحال ... خیر اصحاب وآل وکتبه مؤلفه ... ابو القاسم بن الحسن الجیلانی فی اواخر صفر المظفر من شهور سنة الف ومائة وسبع وتسعین (ونسخه ... محمد حسین بن محمد مهدی الهمدانی من شهور سنة ۱۲۲۶ تحریر گشت) (گ ۱۱۷ الف – ۱۲۲ الف) .

۳ـ در بارهٔ نزاع زن وشوهر یا ورثهٔ آنها در کالای خانه که دانشمندان شیعی چهار گونه سخن گفته‌اند .

آغاز : بسمله . الحمدلله والصلوة علی رسول‌الله وآله واصحابه امناءالله . اختلف الاصحاب فی حکم متاع البیت اذا تنازع الزوجان فیه او ورثتهما او احدهما مع ورثة الآخر ولم یکن بینة علی اقوال فنذکر اولا ما وصل الینا من الاخبار ثم ننقل الاقوال ثم نتبعها بتحقیق الحال وتنقیح المقال .

انجام : هذا ما اقتضاه الحال فی تحقیق هذه المسئلة مع اعترافی بقلة البضاعة وندرة الاستطاعة والملتمس من الناظرین ان تلحظوه بعین الرأفة ولحظ الاصطلاح لا بنظر العناد واللجاج والکفاح وکتبه مؤلفه ... ابو القسم بن الحسن الجیلانی فی ثانی اول الربیعین من شهور سنة سبعة وتسعین ومائة بعد الالف فی دار المؤمنین قم حثت عن التلاطم (هذه صورة خط المصنف دام ظله العالی کتبه ... محمد حسین بن

محمد مهدی الهمدانی من شهور سنة ۱۲۲۶) (۱۲۲ ب – ۱۲۸ الف) .

۴ـ در بارهٔ اینکه اگر کسی را بکشند و از او مادر و کودکی از شیر باز گرفته وزنی بازماند ومادر جز بقصاص تن در ندهد خونخواهی از آن کیست .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله اجمعین . فانی مجیب الی ما التمستم من بیان ماورد علیکم من الاشکال فیمن قتل وله ام وصبی فطیم وزوجة ولا یرضی الام الا بالقصاص وتعیین ولی الدم وتبیینه مع ذکر المآخذ والاستدلال .

انجام : هذا ما اقتضاه الحال الحاضر فی تحقیق ما اقتضیتم عصمنی الله من الخطاء والخطل فی القول والعمل وعفانی عن العثرة والزلل لا یؤاخذنی فیما قصرت فیه من الکد والاجتهاد فانه ولی العفو والمغفرة وملهم (الهم – در نسخه) الرشد والسداد . وکتبه ... ابو القاسم (بن) الحسن الجیلانی فی شهر شوال المکرم من شهور سنة ثمان وتسعین (و) مائة بعد الالف (هذه صورة خط مؤلفه دام ظله العالی وکتبه ... محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی سنة ۱۲۲۶ (۱۲۸ ب – ۱۳۳ الف) .

۵ـ در بارهٔ شیر دادن خواهری کودك خواهر خود را و زناشوئی فرزندان دیگر آندو که همشیر نباشند .

آغاز : بسمله . الحمدلله والصلوة علی محمد وآله . فیجوز ارضاع احدی الاختین ولد الاخری بحد الرضاع المحرم ام لا ثم اذا حصل الرضاع فهل یجوز المناکحة بین ولدیها الغیر المتراضعین ام لا بینوا بدلیله ، الاظهر الجواز فی المقامین ولم نقف علی ما یوجب التحریم فی المقامین الا اعتبار المنزلة وهو مع ضعفه فی اصله غیر منطبق علی المسئلة الاولی .

انجام : ففی اخوة اخوة الاخوة الامر اوضح ولنقتصر بذلك ونختم الرسالة والحمدلله والصلوة علی خاتم الرسالة محمد واهل بیته الطاهرین . وکتبه مؤلفه ... ابو القاسم بن الحسن الجیلانی فی اواخر شعبان المعظم من شهور سنة مأتین والف (هذه صورة خط مؤلفه . وکتبه محمد حسین ابن محمد مهدی الهمدانی سنة ۱۲۲۶)

(۱۳۳ الف - ۱۳۸ الف).

۶- در انتقال مال بوارث باپود وام و وصیت.

آغاز: بسمله. الحمدلله والصلوة والسلام على رسول الله و آله اجمعين. اذامات وعليه دين او وصية فهل ينتقل ماله الى وارثه ام لا وهل يمنع عن التصرف فيه ام لا.

انجام: ولايبعد ترجيح الاخير فلايضر مااخترناه فى اصل المسئلة. هذا ماحضرنى الآن فى تحقيق هذه المسئله والمرجو من الله العفو عن الزلل والاستقامة فى القول والعمل انه ولى قدير وبالاجابة حقيق جدير و كتبه مؤلفه... ابن الحسن الجيلانى ابوالقاسم فى دارالمؤمنين كاشان فى سلخ شهرالله الاعظم من ۱۲۰۵ (هذه صورة صورة خط مؤلفه دام ظله العالى. كتبه الفقير محمد حسين ابن محمد مهدى الهمدانى من شهور سنة ۱۲۲۶) (۱۳۸ الف - ۱۴۲ الف).

۷- در تصرف مالك در ملك خود با اينكه ميداند يا گمان ميبرد كه ديگرى از اينگونه تصرف او زيان مى بيند.

آغاز: بسمله والحمد والصلوة لاهلهما. هل يجوز تصرف المالك فى ملكه مع علمه بتضرر الغير به ام مع الظن وعلى فرض الجواز هل يجوز اكثر من قدر الحاجة ام لا وعلى كل حال فهل يحصل الضمان ام لا؟ عنون الفقهاء هذه المسئلة بقولهم اذا ارسل فى ملكه ماء او اجج نار المصلحة نفسه.

انجام: والاصل لايخرج عنه الا بالدليل و كتبه مؤلفه.. ابوالقاسم ابن الحسن الجيلانى فى شهر شوال المكرم من عام خمس و مأتين والالف فى دار المؤمنين كاشان (هذه صورة خط مؤلفه دام ظله العالى و كتبه محمد حسين بن محمد مهدى الهمدانى سنة ۱۲۲۶) (۱۴۲ الف - ۱۴۳ ب).

۸- دربارهٔ پنیرمایه (انفحه) كه از بره مرده گرفته شود.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذى احل لنا بهيمة الانعام وميزالخبيث من الطيب والحلال من الحرام... فهذه كلمات فى بيان حكم الانفحة المأخوذة من الميتة ودليله وتوضيح معضل مايترتب عليه.

انجام: وغاية الاحتياط الاقتصار على جامده مع غسل ظاهره والله اعلم بحقائق احكامه ورسوله واوصيائه صلى الله عليهم اجمعين كتبه مؤلفه ابوالقاسم (ابن) الحسن الرشتى (دام ظله العالى و كتبه محمد حسين ابن محمد مهدى الهمدانى من شهور سنة ۱۲۲۶) (۱۴۳ ب - ۱۵۰ الف).

۹- در منجزات مریض.

آغاز: بسمله. الحمدلله وحده الذى انجز وعده ونصر عبده... فهذه رسالة فى مسئلة منجزات المريض وبينها وعجالة فى توضيح حكم تبرعات المشارف بالموت و فتويها.

انجام: تم ان لهذه المسئلة ومتمماتها فروعا وشعبا وغصونا كثيرة مذكورة فى كتب اصحابنا ولما كان وضع الرسالة لبيان اصل المسئلة فلنقتصر على ماذكرنا والحمدلله اولا و آخرا وظاهرا وباطنا. كتبه مؤلفه ابوالقاسم ابن الحسن الجيلانى من شهور سنة خمس وتسعين ومائة بعد الالف (و كتبه حقير فقير محمد حسين ابن محمد مهدى الهمدانى سنة ۱۲۲۶) (۱۵۰ الف - ۱۶۰ الف).

۱۰- در شش مسئله فقهى واصولى و كلامى كه از سبك آن پيداست كه از ميرزاى قمى بايد باشد چنانكه در فهرست آغاز نسخه (۱ الف) اين يكى هم از او دانسته شده اگرچه در آغاز وانجام آن نامى از وى برده نشده است.

آغاز: سئوال: اينكه ميگويند الفاظ اسامى معانى نفس الامريه است چه معنى دارد و چه ثمرة بر آن مترتب ميشود؟

جواب: بدانكه معانى ومفاهيم در حد ذات خود استقلال دارند ومقيد بقيدى نيستند كه خارج از آنها باشد.

انجام: و بر فرض ورود آنها از اهل تأويل... بايشان و بر ظاهر آنها نبايد اعتقاد كرد. والله العالم. تمت (۱۶۰ ب - ۱۶۴ الف).

۱۱- در شرط ضمن عقد كه ميگويد در اين مسئله دشوار بسيار انديشيدم و از دانشمندان پرسيدم و بكتابها نگريستم چيزى پسنديده نيافتم وجز بالهام

وتیروی خدائی نتوان براز آن پی برد و پس از اینکه چندین بار در آن اندیشه‌ام را بکار بردم وموشکافی کردم پاره‌ای از آن را که دریافتم در اینجا میآوردم .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله اجمعین . فلما کان مسئلة الشرط فی ضمن العقد المتداول فی السنة العلماء فی جمیع الاعصار والامصار من مشکلات الفن و عویصاته . . . فاظهرت بعض الاشکالات المخفیه ورفعت بعضها .

انجام : مع مقاومتها لها بحسب السند والدلالة والاعتضاد والله ولی العصمة والرشاد و کتبه مؤلفه الفقیر الی الله الدائم القائم ابن الحسن الجیلانی ابو القاسم فی علم الناثین والالف من الهجرة المقدسة علی مهاجرها الف سلام وثناء وتحیة (هذه صورة خط مؤلفه دام ظله العالی . کتبه الفقیر الی الله الغنی اسدالله الحسینی الرضوی ۱۲۲۶) (۱۶۵ ب – ۱۷۴ ب) .

[۱۷۰۳-۱۶۹۳]

این نسخه‌ها شماره‌های ٦ تا ۱٦ دفتر است و بخط نسخ یا نستعلیق میباشد که در ۱۲۲٦ نوشته شده است . در گ ۲ الف و ۱۷۵ ب و ۱۷٦ شعرهائی است پارسی و تازی از نظیری و یزید بن معاویه ودیگران و دو حدیث نوشتهٔ علی الخطیب صدیق در ۱۲۳۰ ــ در ۱۷۵ ب دارد : هذین البیتین لملا کاظم الازری البغدادی قالهما حین عاشق محبوبه احمد ابن سلیمان بیك باذن ابیه بمحضره فخجل ثم حمی ذاك الیوم فاخبر الملا ابوه بحمی ابنه فقال :

قالوا حبیبك محموم فقلت لهم	انا الذی کنت فی حمائه سببا
عانقته ولهیب النار فی کبدی	فاثرت فیه تلك النار فالتهبا

در گ ۱۷٦ دارد : « هذا ما کتب به سلطان الروم الی شریف المکة شرفها الله بعد ان عصی علیه : بسمله . ایها السید الزم حدك فان لم تلزم حدك لاغمدنا فیك سیف جدك . فاذا نزع الشتاء ثیابه ولبس الربیع جلبابه اتیناکم بجنود لاقبل لها . والله سمیع علیم ــ الجواب : العبد معترف بذنبه تائب الی ربه فان تأخذه فیدك الاقوی وان تعفوا اقرب للتقوی » .

[۱٤۰٤] پاسخهای کرکی (عربی)

پاسخهائی است بیازده پرسش دانشمندی که پاره‌ای از سخنان او هم آمده ونخستین آنها در منطق ودومی در کلام وسومی تا یازدهمی در فقه میباشد . در آن از اینکه کارهای خداوند بی غرض نیست بررسی شده است و با این یکی میشود دوازده مسئله ولی جز « جواب مسائل » محقق کرکی است که در فهرست طوس (۲:۳٦و۳۷ش ۲۳ و ۱۲٤ ــ ذریعه ۵:۲۲۹) شناسانده شده است در آن از نگارنده گان ایضاح و کنز سخنانی آمده ودربارهٔ محقق شریف « قدس سره » گفته شده است این پاسخها هم روی سیاك وقرینه‌ها که در نسخهٔ ماهست باید از همان کرکی باشد .

آغاز : بسمله . ونستعین . الحمدلله الذی یحق الحق بکلماته وهو بحق الحمد حقیق . . . وبعد فقد وردت علی فی المحرم . . . سنة تسع و عشرین وتسعمائة مسائل جلیلة . . . صادرة عن السادة . . . العلماء . . . فاقتفیت الاشارة وان کنت حال الورود فی ابردالاماکن وسط الشتاء علی اعلی شواهق الجبال المعانقة اعناق السماء مقتفیاً بین الثلج آثار اقدام الصید .

انجام : فاذا ارتفع النقض بقی الحکم صحیحاً مؤیداً بالنقل والحمدلله رب العالمین (قابلته مرتین مرة بنسخة مؤلفها المبعوثة الی خزانة امیر المؤمنین ع ومرة بنسخة مصححة فی المشهد الغروی) .

[۱۷۰٤]

این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف ما نا از نویسندهٔ ش ۲ با حاشیه‌های « منه خلد ظله » ویکبار با نسخه خود نگارندهٔ پاسخها که برای گنجینه امیر مؤمنان فرستاده بود و بارهٔ دیگر با نسخه درست شده‌ای در نجف برابر شده است . مهر « صراط علی حق نمسکه . عبده احمد » در گ ۱ ب و ۲۱ ب و ۸۵ ب دیده میشود . گ ۱ ب ــ ۲۰ الف .

(همهٔ دفتر ۱۳۷گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سیر تازه
اندازه : ۱۸×۱٤ ــ ۱۳×۸ س ۱۸

[۱۴۵۵] تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة (عربی)

علامهٔ حلی (م ۷۲۶) در این دفتر همان فتواهای فقهی خود را آورده و برای دلیلهای آنها به دو کتاب دیگر خود «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» که در ۶۸۸–۶۹۳ هفت جزء آنرا نگاشته است و «تذکرة الفقهاء» نگارش ۷۰۳ – ۷۲۰ بازگردانده. اینرو کتاب میانبستی دارای چهار قاعده باشد.

در دیباچه این تحریر چند بحثی است دربارهٔ فقه و برتری و شناخت آن آنگاه خود کتاب در چهار قاعده عبادات و معاملات و ایقاعات و احکام است. هر گونه فرعی در آن هست و مسئله‌های آن به چهل یا صد و شصت هزار میرسد. (ذریعه ۳ : ۳۷۸ که از دو نسخهٔ تاریخ ۶۹۹ زنجانی و ۷۲۳ دارای اجازهٔ تاریخ ۱۶ ج ۷۲۴/۲ حلی یاد نمود) قاعدهٔ ۱ در شب سه شنبه ۱۰ ع ۶۹۰/۱ و ۲ در ۱ ج ۶۹۱/۲ و ۳ در صفر ۶۹۷ و ۴ در ۸ شوال ۶۹۷ بانجام رسید.

حلی در خلاصه (ص ۲۳) در تاریخ ع ۶۹۳/۲ و اجازهٔ بهنا بتاریخ ۷۲۰ (ص ۳۰ و ۵۲ اجازات بحار) دربارهٔ آن میگوید «کتاب تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة (اربع مجلدات) حسن جید استخرجنا فیه فروعاً لم یسبق الیهامع اختصار» زین الدین علی بن الحسن بن محمد استرابادی (م نزدیک ۸۳۷) که تحریر را در ۸۳۳ براو خوانده‌اند و محقق کرکی برآن حاشیه نوشته‌اند (۶ : ۳۲) تحریر در ۱۳۱۴ بخط شیخ محمد حسن بن محمد علی گلپایگانی در دو جلد در یك مجلد و ۲۸۱ + ۳۱۱ ص رحلی بچاپ سنگی رسید.

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمد لله المتقدس بکماله عن مشابهة المخلوقات .. فان هذا الکتاب الموسوم بتحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة.

۱– بنگرید به : سپهسالار ۱ : ۳۷۰ نسخهٔ کهن پیش از ۹۲۸ و گویا از زمان حلی و دارای تاریخ نگارش که فهرست‌نگار آنرا نیاورده – معارف ۱ : ۷۸ نسخهٔ تاریخ ۸۷۶ – طوس ۲ : ۲۰ و ۵ : ۳۷۴ نسخه‌های تاریخ ۸۳۳ و ۸۶۰ و ۹۲۶ و ۹۶۳ و ۹۷۸ و ۱۰۳۵ و ۱۰۴۹ و ۱۰۵۳ و ۱۰۸۳.

[۱۷۰۵]

۱۰۰۴ این نسخه بخط نسخ کهنه است با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف و محمد بن شریف بن المؤذن در ۸ ذی‌حجهٔ ۷۶۳ نوشتن آنرا بانجام رسانده . برگ نخست فرسوده شده و کناره‌های آن در رفته مانند پاره‌ای از برگهای دیگر . حاشیه‌ها در آن هست . در چندین جا بلاغ سماع و قرائت دارد مانند «بلغت قراءة ایده‌الله» و «بلغ سماعا ایده‌الله» در ۱۴۱ ب و جاهای دیگر . برخی بلاغهای هامش و برخی حاشیه‌ها از همان محمد بن جعفر است و پاره‌ای از حسن بن حمزه که خط هر دو را در کلیشه می‌بینیم . کتاب در ۱ الف – ۲۴۴ الف است و آغاز تحریر در پشت برگی جدا نوشته شده و در رویهٔ این برگ دارد :

«لیلة الجمعة خامس عشرین جمادی الآخرة سنة احد و سبعین و سبعمائه توفی شیخ الاسلام فخر الدین ابن المطهر قدس الله نفسه» نیز خط و مهر چند دانشمند که فرسوده شده و درست خوانده نمیشود .

در گ ۲۴۴ ب دارد : «شیخنا المصنف قدس الله روحه یروی کتب الشیخ السعید ابی جعفر عماد الدین الطوسی عن والده عن السید فخار بن معد بن فخار العلوی الحسینی الموسوی عن شاذان بن جبرئیل القمی عن الشیخ ابی القسم العماد الطبری عن المفید ابی علی الحسن بن محمد بن الحسن الطوسی عن والده ابی جعفر المصنف رضوان الله علیهم اجمعین» .

نیز «من لفظة شیخنا فخر الدین محمد دام ظله : مسئلة . قوله فی باب الزکوة «شرط الضمان امکان الاداء والاسلام» عملنها بالتماس اعز الناس علی وهو ولدی یحیی فی ایام الحج من سنة سبع وخمسین وسبع مائة ...» این حاشیه از فرسودگی خط و کاغذ همه‌اش خوانده نمیشود .

در ۲۴۵ الف هم خط و مهر دارندگان از این نسخه هست که فرسوده شده و رفته است .

در ۲۴۵ ب دارد : «مما انتقل الی بفضل الله بالبیع الصحیح الشرعی و انا الفقیر عفو الله و راجی فضله حسن بن محمد علی الکروکانی» با مهر «عبده حسن محمد علی» در بالا و پائین این عبارت (مانند آنچه که در کلیشه ۲۴۴ الف دیده میشود) .

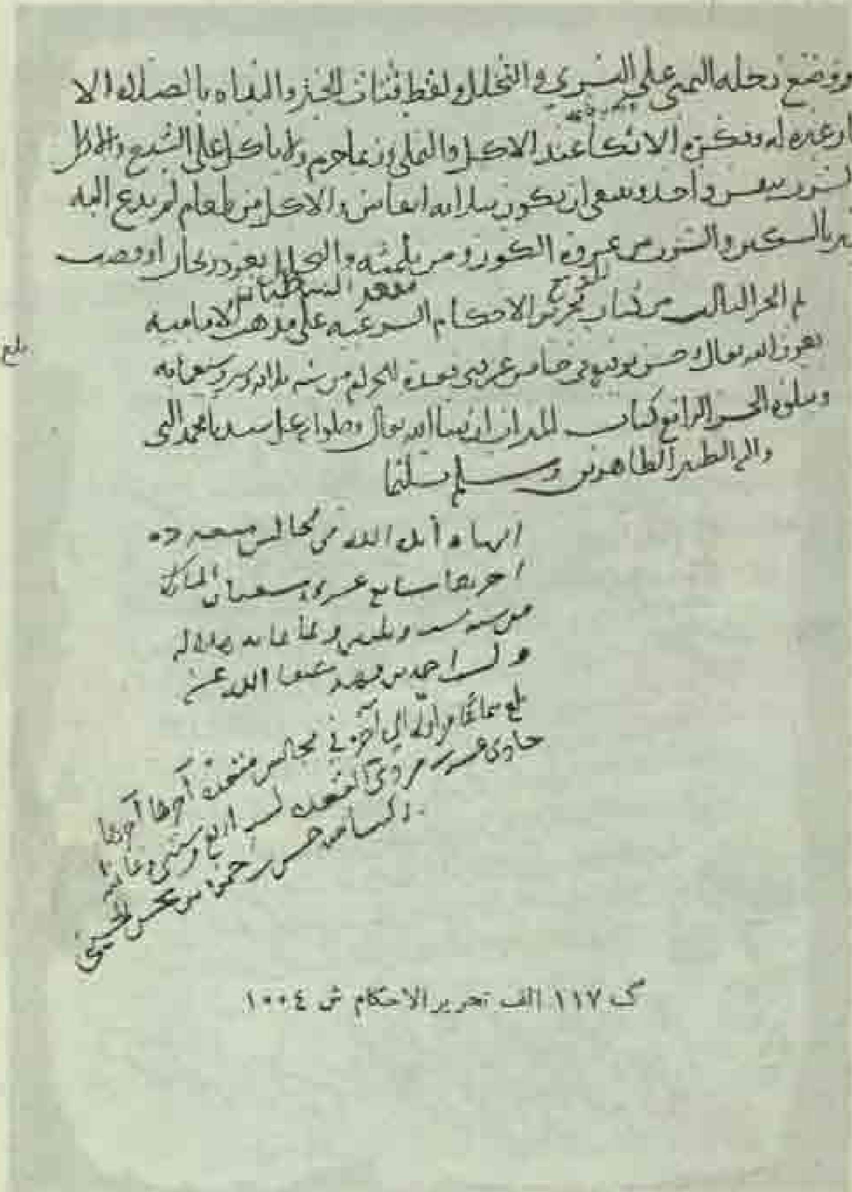
در آغاز نسخه در ۱ الف چنین است : «اذا اکراه علی القصد و کذا لو اکره علی طلاق زوجته فطلق غیرها او علی تطلیقة واحدة فطلق ثلثا» (برابر با ص ۲۱ گ ۴۶ الف ش ۱۱۲۷ از کتاب الفراق مقصد یکم در طلاق فصل یکم مطلب یکم بحث د) .

(۲۴۶ گ) – کاغذ سمرقندی – جلد تیماج سرخ ضربی

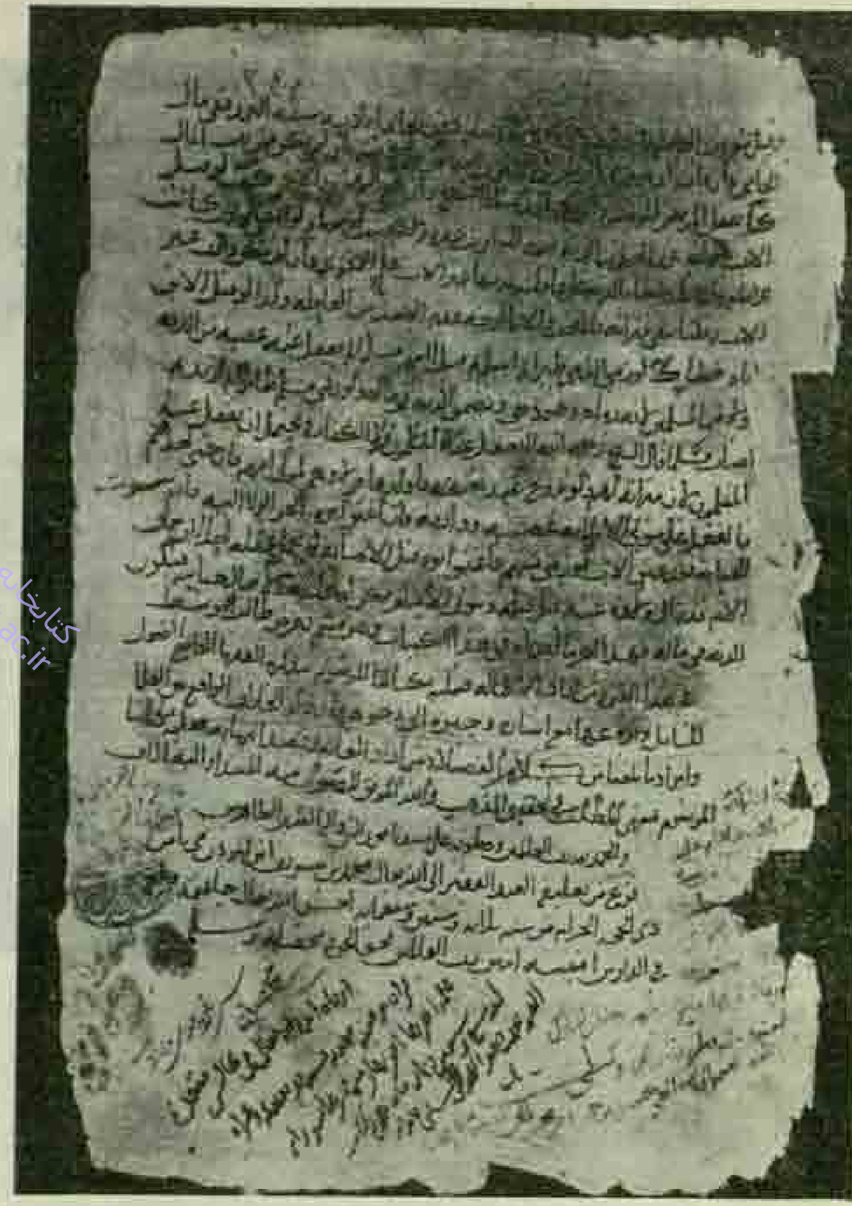
اندازه : ۱۵×۲۴ و ۱۲×۱۸ س ۲۴



روی برگی از تحریر که پشت آن آغاز کتاب است ودوشماره ۱۰۰۴ هست



گ ۱۱۷ الف تحریر الاحکام ش ۱۰۰۴



گ ۲۴۴ الف پایان تحریر الاحکام ش ۱۰۰۴

[۱۷۰۶]

۱۱۲۷ این نسخه بنسخ کهن است با نشانه‌های شنگرف و حسن بن الحسین در بامداد ۱۸ ذی‌حجهٔ ۷۲۸ نوشتن جزء سوم آنرا ازروی نسخهٔ اصل حلی (بجز از طلاق تا ایمان) بانجام رسانده و بازپسین مقابلهٔ آن در ۷۲۹ بوده است. بسیاری از جاها «بلغ قراءة ایده‌الله» یا «بخطه حاشیة» دارد. ازعنوان کتاب در ۱ الف هم برمیآید که پس‌ازمرگ حلی نوشته شده‌است. باندازهٔ یک صفحه در پایان ندارد. برخی صفحه‌هاهم فرسوده شده وصالی گردند. میان برگهای ۱۳۴ و ۱۳۵ افتاده چنانکه در بالای برگ ۱۳۵ هم نوشته‌اند.

محمدهادی امامی کاشانی و ابوالقاسم و محمد علی یزدی و محمدبن عبدالله واعظ نسخه را داشته‌اند وخط یا مهر آنها در ۱ الف دیده میشود.

آغاز: بسمله: کتاب النکاح وفیه مقدمة ومقاصد.

انجام: «فان عجز اخلت من الامام الرواية وقيل مع فقد العاقلة او فقرها يوخذ» (کتاب دیات مقصد دوم در محل دیه بحث ك — برابر با س ۱ گ ۲۴۴ الف ش ۱۰۰۴ ونیم صفحه‌ای کم دارد).

درپایان جزء سوم (۱۵۷ الف) حلی مینویسد: تم الجزء الثالث من کتاب التحریر ويتلوه فی الرابع بعون الله تعالی ومنه کتاب المیراث و کتبه حسن بن یوسف بن مطهر مصنف الکتاب فی صفر ختم بالخیر سنة سبع وتسعین وستمائة والحمدلله وحده و صلی الله علی سیدنا ومولانا محمد النبی و آله الطاهرین. الی هنا کلام المصنف برد الله مضجعه (درجای س ۱۶۲ این تاریخ دیده نمیشود) وفرغ العبد الضعیف حسن بن الحسین من نسخه ... (تراشیده شده) الاصل بخط المصنف رضی الله عنه الامن کتاب الطلاق الی کتاب الایمان صبیحة الثامن عشر من ذی الحجة سنة ثمان وعشرین وسبعمائة حامداً و مصلیاً ومسلماً — بلغ المقابلة والنظر فی مجالس آخرها شهور سنة تسع وعشرین وسبعمائة (کلیشه را ببینید).

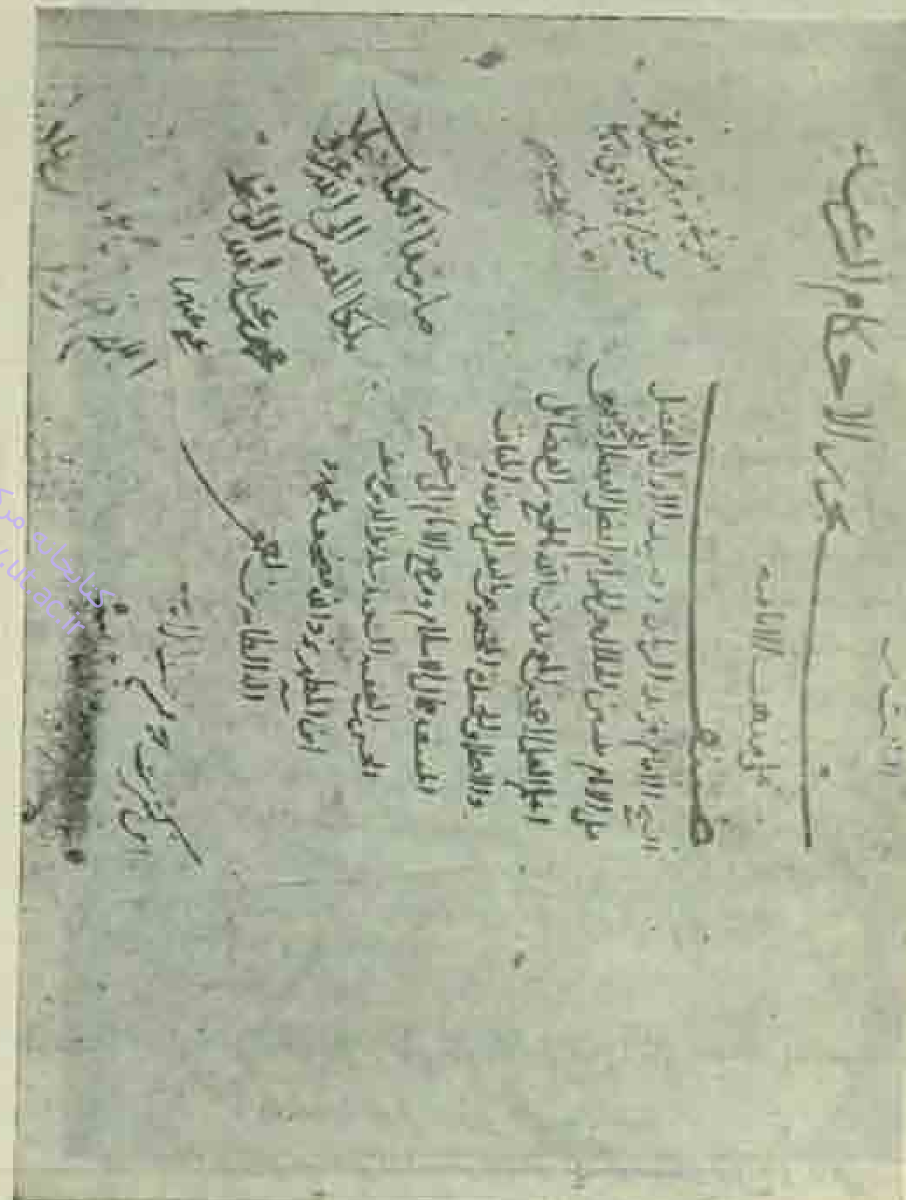
(۳۲۷۷ ک) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ساده با برگردان در یکسوی

اندازه: ۱۷×۲۳/۵ و ۱۲×۱۹ س ۲۵

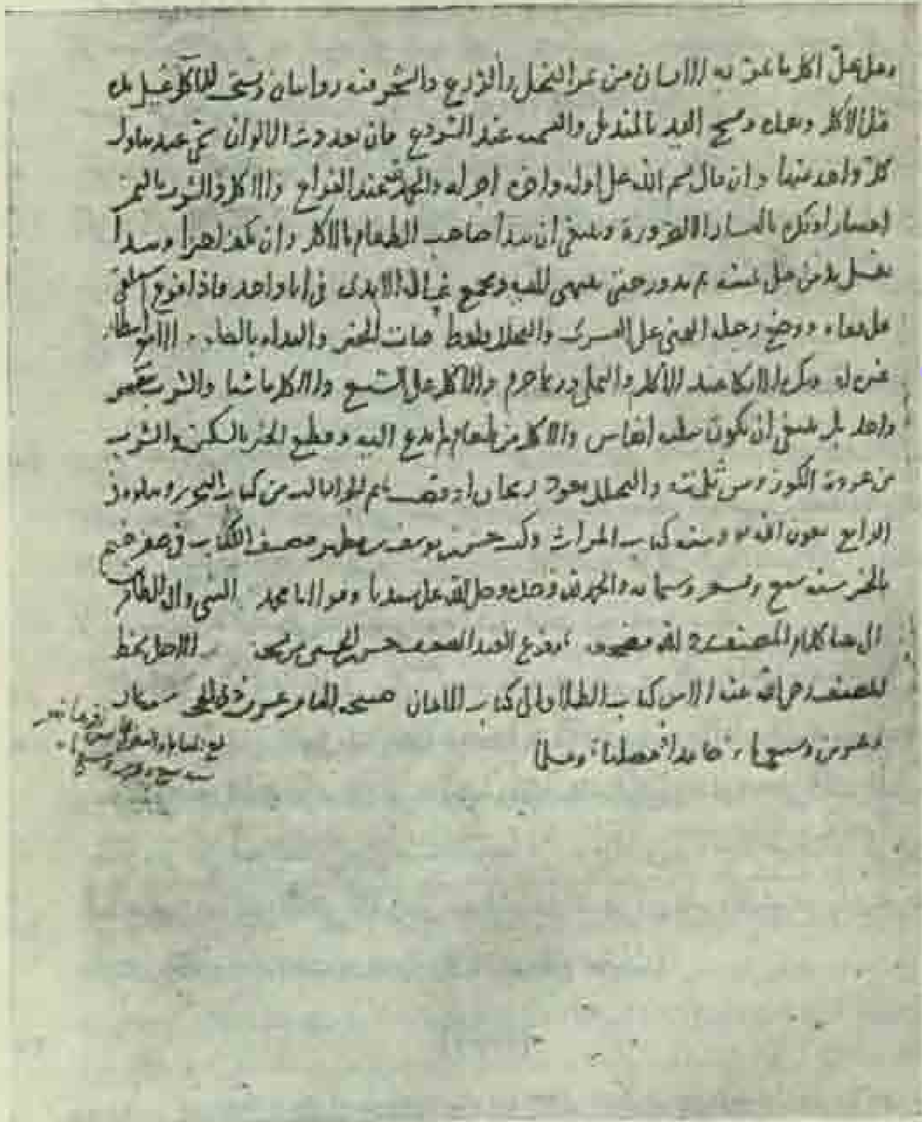
[۱۴۵۶] تحفة الابرار الملتقط من آثار (فارسی)

الائمة الاطهار لتنوير قلوب الاخيار

سید محمدباقر شفتی سپاهانی در اینفتر از نماز گفتگو نمود وفروع و گاهی هم دلایل را با اختصار آورد وبکتاب مطالع الانوار باز گرداند.



صفحهٔ عنوان تحریر الاحکام ش ١١٢٧



گ ١٥٧ الف تحریر الاحکام ش ١١٢٧

نسخه‌های آنرا بچند گونه نشان‌داده‌اند (روضات ص۱۲٦- ذریعه ۳:٤۰۳ - طوس ٥ : ۳۷۷) درذریعه تحفه‌الابرار دیگری هم از همو بفارسی و گرفته از مطالع‌الانوار یاد شود که شاید تحریر دیگری از همین باشد . محمد تقی بن حسین علی هروی سپاهانی (کربلا ۱۲۹۹) تحفه را گزین نمود و این گزیدهٔ خودراهم بنام کشف‌الاستار گزارش نوشت (ذریعه٤ : ٤۲۱) درفهرست سپهسالار گزیدهٔ دیگری‌از آن‌شناسا نده‌شد (۱ : ٥۰۸) ملامحمدجعفر بن محمدصفی آباده‌ای سپاهانی (۱۲۹۰ - پیش‌از۹۰ سالگی) شاگرد شفتی‌هم آنرا بنام وجیزه گزین کرده که بچاپ رسید (طوس ٥ : ٦۳٦) .

آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی توحد بالملك فلاندله فی ملکوت سلطانه . . . وبعدخادم شریعت‌فخرانبیاء . . . ابن محمدتقی‌الموسوی محمدباقر . . . بعرض‌برادران دینی . . . میرساند که این کتابی است دربیان صلوة واحکام آن مسمی بتحفة‌الابرار الملتقط من آثار‌الائمة‌الاطهار لتنویر قلوب‌الاخیار مرتب گردانیدم آنرا بمقدمه وچند باب وخاتمه هریك ازابواب مشتمل است برمباحث بسیار .

انجام : وآن‌دعامشتمل براین است «ان تخرجنی من‌الدنیا آمنا وتدخلنی الجنة سالما» پس تبدیل نماید «آمنا» را به «آمنة» و «سالما» را به «سالمة» وهم‌چنین‌است حال درامثال این . والحمدلله‌رب‌العالمین وصلواته‌علی اکمل‌البریة اجمعین و ابن‌عمه‌الخلیق من طینته‌الملجأ فی یوم‌الدین و آله‌الاطیبین‌الاکرمین الطاهرین (دربیان‌افعالی که زنان مخالفت دارند در آن بامردان - دربیان تفرقه مابین رجال ونساء است درادعیهٔ واردهٔ درمقام تعقیب) .

[۱۷۰۷]

۷۶٥ این‌نسخه بنسخ است باعنوانهاونشانه‌های شنگرف دردوجدول زر ولاجورد با سرلوح زیبا ودوصفحهٔ نخستین حاشیه‌سازی شده است . در٥ الف حاشیهٔ «منه ادام ظله» ودر۳۲٤ ب حاشیهٔ «منه دام ظله‌العالی» ودر ۱۷۸ ب «بلغ‌المقابلة» دارد . ازبرگ ۳۰۹ الف برمیآید که‌گویا بدستورشفتی نوشته شده‌است . دراین‌نسخه یك مقدمه وچند باب دارای چند مبحث ویك خاتمه است .

انجام‌نسخهٔ ما : مبحث پنجم سابق بیان‌شد اجزای منسیه‌نماز که‌لازم‌است‌اتیان شود یا آنها بعدازفراغ‌از نماز چند چیزاست‌اول‌سجدهٔ منسیه . . . سیم‌صلواتدرتشهداست . . . علامه حکم فرموده‌اند به بطلان نماز در کتاب تذکرة .

(۳۴۳گ) - کاغذ ترمه - جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱٥×۲۱ و ۹×۱۴ س ۲۴

[۱٤٥۷] التحفة‌السنية فی شرح‌النخبة‌المحسنية (عربی)

فی الحکمة‌العلمیة والطب‌الروحانی وهوالاکسیر‌الاعظم

سیدعبدالله‌شوشتری(۱) نخبهٔ وجیزهٔ‌فیض کاشانی(۲)را دراین‌تحفه‌ازروی

۱- سیدعبدالله‌بن‌سیدنورالدین‌بن سیدنعمة‌الله‌شوشتری (شوشتر۷شعبان۱۱۱٤- همانجا۱۱۷۳) دانشمند ادیب شاعرفارسی ومعماساز ودرویش مسلك که با شاه و گدا می‌نشست ودروش میانهٔ مجتهد واخباری داشت وبریاضی‌هم‌آشنابوده‌است . او کودك بود که نیایش برخی از کتابهای خود که حاشیه نوشته بود بدوبخشید . نزد پدر درس خواندودر۱٦سالگی سرامدگشت ونامورشد . سپس بخراسان وسپاهان وآذربایگان و فارس و روم رفت ودرآنجاها حکمت و ریاضی بیاموخت آنگاه بشوشتر برگشت و گاهیکه پدرش‌بمرد (۱۱٥۸) نادرشاه کارهای‌اورابدوبسپرد واودرمدرسهٔ دولت‌سرا نمازجمعه وجماعت میخواند وبیشترهم امامت را برادرخود سید مرتضی میداد و خود گوشه میگزید ودرپایان زندگی در گوشه گزینی درگذشت . اودربیابان‌مغان که مردم درآنجاگرد آمدند تا نادر را شاه سازند خطبه‌ای شیوا بخواند . درسفریکه بحجاز کرده بود هنگامیکه نادرمیخواست میان مذهبهای سنی وشیعی آشتی دهد واینکاررا بدست دانشمندانی ازبخاراواسلامبول وبغداد که درحله ونجف گردآمده بودند بانجام رساند او بارهبران سنی گفتگوها کرده بود . گاهیکه آزادخان افغان سپاهان بگرفت ومحمد کریم خان زند (۱۱٦۲-۱۱۹۳) براوچیره شده بود او در ۱۱٦٦ ترسائی را که افغانها گرفتارش ساخته بودند و خویشان اودربصره میزیستند بخرید وبخانهٔ خود برد وازاو انجیل و گزارشهای آن بیاموخت . دانشمندی یهودی از سپاهان و موبدی مجوسی از یزد بشوشتر آورده ازآنها تورات و کتابهای مجوسی فراگرفت .

ایندانشمند ستاره شناسی‌را درشوشترروائی‌داد ونوشته‌های اودراین‌زمینه پسند دانشمندان گشت .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

نگارشهای دیگر خود کاشانی گزارش نمود . پدرش هم خواسته بود آنرا گزارش بنویسد و در بغداد بدان پرداخت و نتوانست بپایان رساند (۱) این بود که پسر دنبال کار

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ازاوست : التحفة السنیة فی شرح النخبة المحسنیة که بدستور آخوند مولانا علی بن علی نجار برادر آخوند ملامحمد و بروش پدر خود نگاشته است ـ الذخر الرائع فی شرح مفاتیح الشرائع کاشانی (ذریعه ۱۰:۸) که میرزا قوام الدین سیفی قزوینی ناظم لمعة دمشقیه از آن که در قزوین بدو رسیده بود ستود و در نامه‌ای بشوشتری نوشت :

بحسبك ذخر السيد الموسوی فی	بیان مفاتیح الشرائع کافیا
ففیه تمام الکشف عن مشکلاته	بطرز انیق جاء النفی شافیا
واشرق نور الدین منه بشمعة	من الله ابدی کل ماکان خافیا

ـ رسالهٔ جبلیهٔ اولی در ۷۰ مسئله در پاسخ پرسش سید علی نهاوندی ـ مسائل جبلیة ثانیه در ۳۰ مسئله در پاسخ همو ـ رسائل علویه در پاسخ شیخ علی حویزاوی ـ رسالهٔ احمدیه در پاسخ مولی احمد بن مولی مطلب فرمانروای عربستان برادر سید علیخان فرمانروای حویزه و شوشتر ـ مدینة النحو ـ حاشیهٔ اربعین حدیث بدستور پدر خود ـ کاوش دربارهٔ قبلهٔ شوشتر بفارسی بدرخواست اسفندیار بك ـ کاوش در بارهٔ قبلهٔ حویزه بفارسی بدرخواست همان سید علیخان ـ التحفة النوریه در ده مسئله از ده علم بنام پدر خود ـ شرح صحیفهٔ اسطرلاب بهائی بدرخواست شیخ ابراهیم بن عبدالله بن ناصر بحرانی شاگرد خود ـ کاوش دربارهٔ قاعدهٔ استخراج انحراف درجهٔ شهرها ـ طلسم سلطانی در طلسم و ستاره شناسی بدستور ابوصالح سلطان ترشیزی ـ حاشیهٔ مقدمات وافی ـ حاشیه های پراکنده بر مطول و مدارك و مسالك و مغنی اللبیب وخلاصة الحساب و کتابهای حدیث و رجال . او شعرهای پارسی و تازی و آمیختهٔ از این دو زبان دارد و دیوانش به ۵٦۰ بیت میرسد و تخلص او « فقیر » میباشد . (تذکرهٔ شوشتر ص ٦۰ ـ تحفة العالم ص ٦۳ـ۷۰) .

۲ـ این کتاب نزدیك بسه هزار بیت و در اخلاق و فقه هردو است و مانند معتصم و مفاتیح کاشانی که بروش غزالی نزدیك به ۱۰۵۰۰ بیت نگاشته است . این نخبه در ۱۳۲٤ و ۱۳۳۰ بچاپ هم رسیده است (بنگرید به : فهرست فیض ـ طوس ۵ : ۵۲٦ و ٦۳٤ ـ سپهسالار ۱ : ۵٤۹) .

۱ـ سید نور الدین بن سید نعمة الله شوشتری (شوشتر ۱۰۸۸ ـ همانجا ذی حجة ۱۱۵۸) شاگرد پدر خود و حر عاملی و پیش از اینکه بسال ۱۵ برسد از عاملی اجازه گرفت و بشوشتر بر گشت و از پدر هم باز بهره‌مند گشت و بکمال رسید آنگاه باصفهان

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

اورا گرفت و بدستور دوست خود مولی علی بن علی نجار شوشتری شاگرد پدر او بدین گزارش پرداخت (دیباچه ـ تذکرهٔ شوشتر او) و در ۱۱٦۳ آنرا بانجام رساند (نسخه ۷۵۱ ما) نگارندهٔ ذریعه (۳ : ٤٤۲) از نسخهٔ روزگار خود او یاد میکند که آنرا در ۱۱۷۰ بشاگردان میآموخت و از نسخهٔ تاریخ ۱۱٦۳ . او در اجازهٔ بزرگ خود بتاریخ ۱۱٦۸ (ذریعه ۱ : ۲۰٦) میگوید که این گزارش در فقه و اخلاق هردو است و در موشکافی و باریك بینی و گزین مانند گزارش لمعة شهید دوم میباشد و در این شهرها آنرا میخوانند و امیدوارم که آنرا بانجام برسانم چنانکه در برخی نسخه‌ها آمده او در سال ۱۱۷۰ آنرا بپایان رساند (طوس ۲ : ۱۸ ش ۵۹) فهرست مطلبها در پایان مقدمه (گ ۱۹) دیده میشود (۱) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

رفت و حکمت آموخت و از نزدیکان درگاه شاه سلطانحسین صفوی شد و پس از گرفتن اجازه از دانشمندان آنجا بشوشتر برگشت .

این دانشمند بسیار شیوا و در برخورد باشاهان بی‌باك بوده است و هنگامیکه نادر شاه بشوشتر آمده بود دربارهٔ بیداد گریهایش و از اینکه پادشاهی را از خاندان صفوی بگرفته است با او سخنانی درشت بگفت که بر سر زبانهاست . خطبه‌هائی برای زناشوئی و نماز جمعه ساخته است . او همان کارهای رسمی پدررا داشت و رهبر علمی و دینی بوده است . اورا در پهلوی مسجد جامع بخاك سپردند و بارگاهی دارد .

ازاوست : گزارش بر طهارت یا طن نخبهٔ کاشانی و ترجمهٔ آن ـ اخلاق سلطانی که بدستور شاه سلطانحسین نوشته است ـ طهوریه بدستور همو ـ شکیات نماز ـ ترجمهٔ حدیث وصیت هشام ـ ترجمهٔ قصص الانبیا ـ رسالهٔ فروق در لغت که در چاپخانهٔ الله قلیخان بسال ۱۲۷۳ با السامی فی الاسامی و سر الادب ثعالبی بچاپ رسیده است ـ صلواتی که از آیهٔ نور مانند دوازده امام طوسی بساخت و آنرا برچهارده معصوم تطبیق داد .

(تحفة العالم ص ٦۰ـ٦۳ ـ تذکرهٔ شوشتر ص ۵۹) .

۱ـ جزء یکم کتاب الطهارة همین تحفه که در ۲۳ باب است بکوشش سید علی رضا ریحان مدرس در چاپخانهٔ شرکت سهامی طبع کتاب در ۲۹۲ ص وزیری در تهران بسال ۱۳۷۰ بچاپ رسیده و حاشیه‌هائی با نشانهٔ (م) و رمزهائی برای کتابهای حدیث و تفسیر در آن هست . و جزء دوم و سوم آن مانده و چاپ نشد . آنچه که چاپ شده همان مقصد یکم کتاب است (برابر با گ ۹۵ ب ش ۷۵۱) .

آغاز : بسمله . اللهم انا نحمدك حمداً يكون وسيلة اليك وذريعة للزلفى لديك ... فيقول ... عبدالله بن نورالدين بن نعمةالله الموسوى ... هذا ايها الاخ الوفى ... والخليل الجليل العلى ... ماتوجهت اليه همتك ... من تعليقة خفيفة على كتاب النخبة للعالم العامل والمرشد الكامل المولى محمدمحسن الكاشانى ... موسومة بالتحفة السنية فى شرح النخبة المحسنية وقد كان تصدى لهذا المرام والدى ... اعلى الله مقامه فى دارالسلام فشرح منها بضعة فى مجلد يسير و عاقه عن اتمامه عوائق الدهر العسير وارجو من الله ان يسعدنى لتمامه التوفيق ببركات انفاس الاخ الشفيق .

انجام : (والعلم عندالله) تم عندهم (هذا آخر ما اوردناذكره فى هذا الكتاب) واقصى ماقصدناه من رفع الحجاب عن وجوه مقاصد العجاب ... وقد الف الاصل فى عام الف و مأة و خمسين (۱) فى عام الف و مأة و ثلث و ستين من الاعوام الهجرية .. وانشد المصنف ... فى تاريخ ختم الكتاب وهو النخبة فى بحر التقارب الممدود : « لخمسين تمت سوى الالف عام ـ فخمس لتاريخ ختمى تمام » وفرغ من تسويده مؤلفه ... عبدالله بن نورالدين بن نعمةالله بن عبدالله الموسوى الجزائرى غفرالله له ولوالديه .

[۱۷۰۸]

۷۵۱ این نسخهٔ پاکیزه و کامل بخط نسخ است ونشانهها وعنوانها درمتن وهامش بشنگرف ومتن زیر خط سرخ است . در گ ۱ الف دارد : « بسم الله . تحفة السنيه فى شرح نخبة المحسنيه حسب المرام تفنا نظام نواب كامياب گردون قباب مالك الرقاب اسدالله ميرزا صاحب اختيار ممالك عربستان حفظهم الله تعالى سمت اختتام پذيرفت فى رجب سنة ۱۲٤۹ والحمدلله » گ ۱ ب ـ ۳۱۳ ب .

(۳۱۳ص ـ كاغذ فرنگى آهارمهره ـ جلد تيماج سرخ ضربى

اندازه : ۳۰×۲۱ و ۲۲×۲۲ س ۲۷

۱ـ مانا درإينجا عبارت « والف الشرح » يا چيزى مانند آن افتاده است .

[۱۷۰۹]

۱۰۵۸ این نسخه بنسخ خوش است ومتن بشنگرف وبانشانهها وعنوانهای شنگرف دردو جدول لاجورد وزرین که اسمعیل بن محمدتقی شیرازی بدستور آقاعلی اشرف درروز سه شنبه ۲۰ شوال ۱۲۱۹ نوشتن آنرا بپایان رسانده . تا گزارش باب ۲٤ (تطهير السر عن ماسوى الله) از كتاب طهارة برابر با ص۲۲۷ چاپى در آن هست . عنوان در گ ۱ الف دیده میشود . لطفعلى بن محمد كاظم بخط خود درهمینجا دررجب ۱۳۲۲ می نویسد که نسخه در کتابخانه‌ام آمده است .

انجام این نسخه : وجرت به السنة والله يعلم . هذا آخر الكلام فى شرح طهارة الباطن وهو المقصد الاول من كتاب الطهارة . والله الموفق والمعين (برابر با س ۱٤ ازپائین در گ ۷۷ الف ش ۷۵۱) .

(۱۰۰گ) ـ کاغذ فرنگی آبی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب

اندازه : ۱۳/۵×۲۱ و ۸/۵×۱۴/۵ س ۲۵

[۱٤٥۸] التحفة القوامية فى فقه الامامية (عربى)

سیدمیرزا قوام الدین محمدبن محمد مهدی حسنی سیفی قزوینی لمعهٔ شهید یکم را برای شاه سلطانحسین صفوی درقزوین بسال ۱۱۱٤ در چهار ربع و۴۷۹۳ بیت بنظم در آورد ونام بالارا بدان داد (دیباچه وپایان هرچهار ربع) اوشاگرد شیخ جعفرقاضی م ۱۱۱۵ بوده ودر ۱۱۰۷ ازمجلسی اجازه گرفت ونزدیك ۱۱۵۰ درگذشت . (ذریعه ۳:٤٦۲) .

این تحفه درهامش شرح لمعهٔ شهیددوم بفرمایش حاج محمد مهدی بخط نسخ محمدصادق بن ابوالقاسم حسینی بسال ۱۲۶۷ دردو جلد دریك مجلد باندازهٔ رحلی وبی صفحه شماری بچاپ سنگی رسید .

[۱۷۱۰]

۷۵۶ این نسخه بنسخ وعنوانها شر و بشنگرف که در ۷ ج ۱۱۲۸/۲ درسپاهان نوشته شده ودرهمین سال تصحیح ومقابله گردید . نویسندهٔ آن علی بن احمد حسینی حسنی است که شعری چند درستایش این تحفه درنیمهٔ روزدوشنبه۱۲ع۲/۱۱۱۷ درهبان شهر سروده است . نام شهر سپاهان وتاریخ ۱۱۲۸ درپایان ربع۲ ونام آن شهر وتاریخ ۷ ج ۱۱۲۸/۲ درپایان ربع٤ دیده میشود .

از نوشته‌های پایان ربعها و دیباچهٔ ستایش پیداست که نویسندهٔ نسخه و سرایندهٔ ستایشها یکی است . درپایان ربع یکم کنار گ ۴۹ ب دارد «بلغ قبالا بعون‌الله تعالی و حسن توفیقه» ودرپایان ربع دوم کنار گ ۹۵ الف دارد «بلغ مقابلته بعون‌الله وحسن توفیقه» ودرپایان ربع سوم کنار گ۱۴۳ الف دارد «بلغ تصحیحا» ودرپایان ربع چهارم کنار گ ۱۹۲ ب دارد «بلغ تصحیحاً وقبالا بعون‌الله تعالی وحسن توفیقه فی۱۱۲۸» . عبدالغنی الثانی ابن‌الحسن‌الحسینی‌ابن‌عبدالغنی‌الماضی در۱۱۵۳ نسخه را خریده (با خط ومهراو) ورضی‌الحسینی هم در۱۱۹۹ دارندهٔ آن بوده (با خط ومهر) و آخوند ملاعلی محمد امام تهرانی و محمد حسین تهرانی آنرا در۱ ذی‌قعدهٔ ۱۲۴۳ وقف کرده و تولیت را بدانشمندان و فقیهان اثناعشری برگزار نمودند (گ ۱ الف و ب وجاهای دیگر) .

در۱ ب ـ ۲ب نسخه مادارد : بسمله . لراقمه مخاطباً‌مهدی هذه‌التحفة‌السنیة ومبدی هذه‌الطرفة‌الحسنیة . لایرح للدین قواماً ولاقتی ملقی تحیة وسلاما .

یا ایها المولی الذی	هو فی معارفه علم
لله تحفتك التی	من لیس یقبلها ظلم
هیهات ینکر فضلها	وهوالسراج علی علم
ابیاتها بمدائها	تحکی‌الکواکب‌فی‌الظلم
لم یحو طرس مثلها	کلا ولا رقم‌القلم
منی‌السلام علیك ما	غنی‌الحمام بذی سلم

قالهما بفمه و رقمها بقلمه راجی فضل ربه‌السنی علی بن احمدالحسینی‌الحسنی کان‌الله لهما ویلفهما من فضله املهما وذلك راداالضحی من یوم‌الاثنین اثنی‌عشرة خلت من‌شهر ربیع‌الثانی سنة ۱۱۱۷ بدارالایمان اصبهان حفت بالعز والنصروالامان .

آغاز (۱۲ الف) : التحفة‌القوامیه فی فقه‌الامامیة لنظم‌الفقیرالی‌الله‌الغنی قوام‌الدین محمدالحسنی ثبته‌الله علی الدین‌القویم واوزعه شکرمنه‌القدیم منقسمة الی ارباع تقبلها الطباع وتلذهاالاسماع فالربع‌الاول کتاب‌الطهارة ۲۰۶. کتاب۲ الصلوة۳۷۲. کتاب۳ الزکوة ۸۷ . کتاب ٤ الخمس۲۱. کتاب ۵ الصوم۱۱۲. کتاب ٦ الحج ۳۸۸عدد ابیات کتبه‌الستة لمة منظومه ۱۱۸٦ .

والربع‌الثانی : کتاب ۷ الجهاد ۷۳ . کتاب ۸ الکفارات ۲۸ . کتاب ۹ النذر ۱٦ کتاب ۱۰ القضاء ۱۰۲ . کتاب ۱۱ الشهادات ٦٦ . کتاب ۱۲ الوقف ۳۱ . کتاب ۱۳ العطیة ۲۹ . کتاب ١٤ المتاجر ٤٦۷ . کتاب ۱۵ الدین ٤۷ . کتاب ۱٦ الرهن ۷۹ . کتاب ۱۷ الحجر۲٤. کتاب۱۸ الضمان۱۷. کتاب۱۹ الحوالة۱۱ . کتاب۲۰ الکفالة۱۸

کتاب ۲۱ الصلح ۳٦ . کتاب ۲۲ الشرکة ١٤ . کتاب ۲۳ المضاربة ۱۹ . کتاب ۲٤ الودیعة ۳۱ . کتاب ۲۵ العاریة ۱۹ . کتاب ۲٦ المزارعة ۲۷ . کتاب ۲۷ المساقاة ۲۲ عدد ابیات کتبه‌الاحدوالعشرین علم منظوم ۱۱۷٦ .

والربع‌الثالث کتاب ۲۸ الاجارة ٦۰ کتاب۲۹ الوکالة٤٤ . کتاب۳۰ الشفعة ۳۰ . کتاب ۳۱ السبق والرمایة۲۱ . کتاب۳۲ الجعالة۳۱. کتاب۳۳ الوصایا ۹۸ . کتاب۳٤ النکاح٤۳٦ . کتاب ۳۵ الطلاق۸۷ کتاب ۳٦ الخلع والمبارأة۲۳ . کتاب ۳۷ الظهار ۱۸ . کتاب ۳۸ الایلاء ۳۰ . کتاب ۳۹ اللعان ۵٦ . کتاب ٤۰ العتق ۳۹ . کتاب ٤۱ التدبیروالمکاتبة والاستیلاد ٦۳. کتاب٤۲ الاقرار ۷۰ . کتاب ٤۳ الغصب ٤۳ . کتاب ٤٤ اللقطة ۷۲ عدد ابیات کتبه‌السبعةعشرفقه منظوم ۱۲۲۱ .

والربع‌الرابع کتاب٤۵ احیاءالموات٤۵ . کتاب ٤٦ الصیدوالذباحة ۵۲ . کتاب ٤۷ الاطعمة والاشربة۱۰۱ . کتاب٤۸ المیراث۲۲۵. کتاب ٤۹ الحدود۳۱۳ . کتاب۵۰ القصاص ۱۸۳ . کتاب ۵۱ الدیات ۲۸۹ عدد ابیات کتبه‌السبعة عقد منظوم ۱۲۱۰ .

این‌تحفه کزوشودمسائل‌مفهوم	قدرش‌باشدبراهل‌دانش‌معلوم
از لمعهٔ منظومه و علم منظوم	فقه منظوم وهمچوعقد منظوم
تمت فرائدها النظیمة	عمت فوائدها العظیمة
تاریخ طلعتها الوسیمة	لله تحفتی الجسیمة ۱۱۱۲

آغاز کتاب (۳ب) : رب وفقنی لاتمامه بحق محمد وآله بس بسمله . وبه ثقتی .

الحمدلله الذی هدانا	الی اتباع من بهم نجاتنا
محمد وآله‌الاطهار	المصطفین‌السادةالابرار
علیهم‌الصلوة والسلام	ما اتسق‌الایمان‌والاسلام
وبعد فالعبد قوام‌الدین	یقول للمستبصر الامین
یا طالب‌العلم بغیر سمعة	علیك بالتحفة نظم‌اللمعة
لتعرف‌الحلال والحراما	وتحفظ‌الحدودوالاحکاما
حتی‌تنال‌الفوز والکرامة	والقرب‌والزلفة فی‌القیمة
ونظمها فضلا من‌الرحمن	من برکات دولة الخاقان
شمس‌سماءالجودوالافضال	وکوکب‌العزة والاقبال
مشیدالملك عظیم‌الشأن	مؤیدالدین بهادرخان
الشاه‌سلطانحسین‌الصفوی	العلوی‌الفاطمی‌الموسوی
لازال‌کهف‌الامن‌والایمان	وموئلا للعدل والاحسان
مراعیاً للخیر والصلاح	منادیاً حی علی‌الفلاح

بحمدالله بالامنيات　　　وانما الاعمال بالنيات

(تا اينجا در نسخه چاپى ديده نميشود　　　) كتاب الطهارة .

الحد للطهارة الشرعية　　　من طهور لزمته النية

ثم الطهور الماء والتراب　　　جائت به السنة والكتاب

انجام :

فى الفقه نظم لمعة تيسرا　　　فى مائة والالف والثنى عشرا

ثلثة تصحب تسعين معه　　　سبعمآت والوف اربعة

هدية قبولها مأمول　　　و تحفة سموها مسئول

تشرق كالشمس على الآفاق　　　وتقرع النور على الاحداق

(اين بيت در نسخهٔ ما نيست ودر چاپى هست) .

والحمدلله على الهداية　　　لدينه فى البدء والنهاية

(در نسخه ما دارد : هذه صورة خط المؤلف ره : تم الربع الرابع من التحفة القوامية فى فقه الامامية نظم الفقير الى الله الغنى قوام الدين محمد بن محمد مهدى الحسنى (عفى عنهما) بدار الموحدين قزوين . والحمدلله رب العالمين ــ بتاريخ هفتم شهر جمادى الثانيه من شهور سنة ١١٢٨ در دار السلطنة اصفهان صحت اتمام يافت . ملتمس آنكه كاتب عاصى را بدعاى مغفرت ياد نمايند .

در نسخهٔ چاپى دراين بند پايان مانند ذريعه قوام الدين حسينى خوانده شده ودر نسخهٔ ما در ديباچه و پايان حسنى آمده است .

در نسخهٔ چاپى عنوانها بمانند نسخهٔ ما آمده مگر اينكه بندهاى زير در آن ديده نميشود : در نسخهٔ ما در پايان ربع يكم دارد : « تم الربع الاول من التحفة القوامية فى فقه الامامية والحمدلله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين » .

در پايان ربع دوم دارد : « تم الربع الثانى من التحفة القوامية فى فقه الامامية ــ سنة ثمان و عشرين ومائة بعد الالف من الهجرة المقدسة فى محروسة اصفهان سنة ١١٢٨ » كه پيداست اين تاريخ ونام شهر از نويسندهٔ نسخه است .

در پايان ربع سوم دارد : « تم الربع الثالث من التحفة القوامية فى فقه الاماميه والحمدلله رب العالمين » .

(۱۹۳ گ ـ كاغذ ترمه ـ جلد تيماج زرد ساده

اندازه : ۱۷×۱۱/۵ و ۱۲/۵×۷ س ۱۴

[١٤٥٩] التحفة المرضية للحضرة الرضوية (عربى)

ابومحمد بايزيد على بن عنايت الله بسطامى زندهٔ در ١٤ ج ١٠١١/٢ (ص ٣١٨ و ١٧٨٤ همين فهرست) در سه مقصد: وجوب التسليم او استحبابه فى الجملة ـ تعيين الصيغة الواجبة او المندوبة ـ ابحاث نافعة (كه بهشت بحث ميرسد) اين نامه از تسليم در نماز گفتگو نموده و بدان نام ياد شده را داده و در طوس نزديك پايان رجب ٩٧٩ آن را بانجام رسانده است (كنتورى ص ٣ و ٥٣١) .

آغاز . نحمدك ونشكرك اللهم على ما كرمتنا بالتفضيل تكريما .. وبعد يقول .. ابومحمد بن عناية الله انى لما رأيت فتاوى اصحابنا فى مسئلة تسليم الصلوة متباينة متخالفة وان شواهدهم على طرفى الوجوب والاستحباب متعارضة متكافئة ... احببت ان اورد خلاصة دلائلهم ومآخذهم فى رسالة باهرة .. وسميتها بالتحفة المرضية للحضرة الرضوية اذ قد كان الفوز بهذا المرام من بركات هذه الروضة العلية وهى مرتبة على مقاصد ثلثة .

انجام : ولنقطع الكلام هنا .. وبعد وقع الفراغ من تأليفها فى اواخر شهر رجب المرجب سنة تسع وسبعين وتسعمائة .

[١٧٦١١]

٩٤٤ｃ　اين نسخه ش ٧ دفتر است و بهمانگونه خط نويسندهٔ ش ١ در روز شنبه شوال ١٠٩٤ ميباشد وحاشيه «منه رحمه الله» دارد . گ ٨٠ ب ــ ٩٩ ب .

[١٤٦٠] ترجمة الانوار لاعمال الابرار (فارسى)

جمال الدين يوسف بن عزالدين ابراهيم اردبيلى شافعى (م ٧٧٦ يا ٧٩٩) الانوار لاعمال الابرار نوشته وآن در ١٣١٠ و ١٣٢٨ بچاپ رسيده است (چلبى ١٦٧:١ ــ معجم المطبوعات ٤٢٣ ــ سپهسالار ٣٦٦:١ ــ طوس ١٠٠:٢) .

اين نسخهٔ ما ترجمهٔ عرب مآبى از آنست و ترجمان آن مولى فتح الله بن مولى ابى يزيد فرضى شابرانى شروانى زندهٔ در ٨٤٤ و ٨٥٧ (ص ٩٠٧ و همين فهرست)

میباشد. او در دیباچه یاد میکند از گفتگوئیکه در شماخی نزد شاه میان دانشمندان ومیان پیشوای مفتی شده و دارد که خود او با مولانا شرف‌الدین یعقوب یزدی فقیه شافعی مناظره کرد و او را مفحم ساخت پس شاه فرمود که او انوار را بپارسی کند. او خطاهای مانن را اصلاح کرد وعنوان هر کتاب را تعریف لغوی وشرعی نمود ومسائل مهمیکه درمتن نبود برآن افزود و مسوده را بشاه بنمود و پذیرفته آمد وپس ازدوازده سال یا بیشتر که گرفتاریهای سفروحضروتدریس داشت دوباره بدستور آن شاه بدان پرداخت و شاه در این میان بمرد. او ازمردن شاه بسی دریغ میخورد واز جانشین او شیرانشاه بسی میستاید.

چنانکه در دیباچه آمده مانن باینها مینگریست: شرح کبیر، شرح صغیر ازوافعی، روضه، شرح لباب، محرر، حاوی، تعلیق حاوی، تهذیب شیخ محیی سنه وتعلیق او و فتاوای او، نهایة‌المطلب امام‌الحرمین، وسیط و بسیط غزالی وفتاوای غزالی، تتمهٔ ابوسعید متولی، شامل ابونصربن صباغ، حاوی ابوالحسن ماوردی، مجموع ومقنع محاطی، فتاوای قفال، فتاوای قاضی حسین، بحروحلیهٔ ابوالمحاسن رویانی، حلیه شاشی، موضح ابونصرقشیری، مهذب شیخ ابواسحق شیرازی، ابانه فورانی، تذکره بیضاوی، و جز اینها که نام نمیبرد و در متن درجایش یادمیکردد. اودرمسئله‌ها بر۷ کتاب نخستین اعتماد کرده واگراختلاف داشتندبراکثراعتماد کرده درفتواومخالف را برمز گفته. ك (کبیر) ص (صغیر) ر (روضه) ش (شرح لباب) ت (تعلیق حاوی) ح (حاوی) م (محرر).

[۱۷۱۲]

۷۱۶ این نسخه بستعلیق است باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌ها دارد ازعبدالمجید وبدایی (۱۲۰ ب) ومولانا حسین یتازی (۲٤۱ الف) وازشرح کبیر (۲۳۹ الف) وبانشانهٔ کبیروازمقنع (درجاهای دیگر) درون جلد سوی راست پر کی نوشته شده وتاریخ ۱۰۷۱ دارد.

آغاز ترجمهٔ نسخهٔ ما: علوها علواً و سماؤها سمواً درمعمورهٔ شماخی حینت مع النواحی حاضر کردند ومناظره کنند تاصواب جواب وجواب صواب بمصباح مناظره

ومفتاح مذاکره روی نماید... درمیان ساخت... اشارت آن حضرت علیه... باین اقل خدام... فتح‌الله‌بن ابی یزید رسید که نواهداو را درخلعت دیگر باید زیبنده وشواهدش را زیب دیگر فریبنده... یعنی بعبارات عجم مترجم و بلغات پارسی منتظم بایوان عالی ودرگاه سامی رساند (دیباچهٔ مترجم).

... مصنف گوید امابعد ازحمد خدای تعالی... بدانك این احکامی است شرعیه ومسائلی دینیه عام است ابتلاوآزمایش بآن دردرس وفتوی وماس است حاجت بسوی او یعنی مهم است درعمل وتقوی.

انجام: تذنیب (ازخاتمهٔ کتاب‌الایداع) اگرودیعت را باجارت‌دهد باذن مالك پس چون مدت اجارت منقضی شود ودیعت باز گردد بدست مودع... و اگر از جنس حق وی باشد و گیرد بقصد تملك وتزد (برابر با ص۱۲ ص۳۵ جزء دوم چاپ ۱۳۲۸ وبیشتر این جزء ترجمهٔ آن درنسخهٔ ما نیست).

(۴۳۲۰ م) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی ترنجی دوروی مقوائی
اندازه: ۱۹×۲۵ و ۱۳/۵×۲۰ ـ س ۲۹

[۱٤٦۱] ترجمهٔ برمکیه (فارسی)

دراین‌نامه رسالهٔ برمکیه که‌دربارهٔ نمازهای روزانه وبتازی است بپارسی درآمده‌است. الرسالة‌البرمکیه فی‌فقه‌الصلوة‌الیومیه ازشیخ محمدبن زین‌الدین علی‌ابن‌ابی‌جمهوراحسائی میباشد واوخودآنرا پیش از۸۹٦ بنام «الانوارالمشهدیه» گزارش نوشته است (ذریعه ۲: ٤٤۱ و۳: ۸۸) نسخه ماهم باید ترجمهٔ همان باشد چه اینکه این نسخه نزدیك ۱۵ ذی قعده ۹۱۳ نوشته شده (تاریخ محمدی ش ۱۰۱۵/۲۸ گ ۱٤٥ ب ـ فهرست آقای منزوی ۱: ۱۹۷ و۲: ۱۱۵۰ و۵۲۵) وابن ابی جمهورهم نزدیك همین سالها زنده بود(ص۱٤۲٤همین فهرست) وترجمان نیزدر روزگار اومیزیسته ومانانشاگرداو بوده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب(؟) الشکورالصمدالغفور، ملهم‌الصدوربجمع المنثور وکتاب مسطورفی رق منثور کالبیت‌المعمور... امابعدهمی گوید مترجم این رساله و محرر این مقاله... که چون بنابرمقدمهٔ مسلمهٔ «العالم کالسراج من مربه اقتبس» دولت ملازمت فاضلی از فضلاء اسلامی بل عالمی از علماء ربانی

ادام‌الله‌فوائده میسر شد بانوار خدمتش مستنیر گشت و از بحار فوائدش بزلال تحقیق
مسائل و دقیق دلائل رسید و از علوم دینی بانواع فوائد مستفید گردید بحکم آیهٔ
کریمهٔ «لئن شکرتم لازیدنکم» شکرانهٔ این تعلم رسالهٔ مبارکهٔ «برمکیه» را
که از مصنفات آن جناب است و مشتمل بر رسائل مغنی به واجبات صلوة یومیه
بطریق اهل‌البیت‌النبویة بفارسی ترجمه کرد تا نفعش عام‌تر و فهمش تمامتر باشد.
و بغیر تبع الفاظ التزام نکرد مگر در فتوی ناشی و جائی که توضیح و تبیین را
مستزادی باشد بر حواشی بعد از استخارهٔ رب الارباب و استجازهٔ آن جناب در این
باب والله الموفق للصواب. آغاز ترجمهٔ کتاب: بدان هداك الله که نماز فاضلترین
عبادتها و کامل‌ترین طاعتها است و صاحب شریعت ... مشروط ساخته آنرا بشرطها
و مرکب کرده از رکنها و فعلها.
انجام: درست است قضاء نماز گذاشته در هر دو حال ایشان بحسب قدرة. اینست
ترجمهٔ کتاب والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب. امید برحمت ایزدی آن
است که این ترجمه را ذخیرهٔ آخرت سازد چنانك تذکرهٔ دنیا ساخت انه لایضیع
اجر العاملین واجر المحسنین آمین رب‌العالمین.

[۱۷۷۳]

۱۰۱۵ این نسخه ش ۴۱ دفتر است و به نستعلیق با عنوانها زیر خط سرخ در گ
۱۵۶ ب - ۱۷۰ الف.

[۱۴۶۲] ترجمهٔ نهایه (فارسی)

رهبر دانشمند شیعی ابوجعفر محمد طوسی (۳۸۵-۴۶۰) شاگرد مفید و مرتضی
روی یادآوری یکی از دوستان که در خبرهای شیعی ناساز گاریهای فراوانی هست
بگردآوری خبرهای پیشوایان این آیین پرداخته و تهذیب‌الاحکام خود را
که نخستین نگارش او و گزارش مقنعهٔ استادش مفید است (ص ۱۲۴۱ همین
فهرست) نگاشته است و در این هنگام بیست و پنج و شش سالی داشته است. اینرا

او پس از مرگ مفید بانجام رسانده است. پس از این او بروش فقیهان شالودهٔ
«النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی» را درسی و شش هزار مسئله ریخته و در آن
همان متن خبرها را آورده و از اسناد یاد نکرده است.

پیش از نهایه در میان دانشمندان شیعی شرایع علی حسینان قمی (پدر ابن
بابویه) روائی داشته و آن رساله‌ایست که او برای پسر خود نوشته و تا روزگار
فاضل هندی و سید محمد مهدی نجفی و شیخ اسدالله کاظمی در دست بوده است.

در روزگار مجلسی مرد ناشناسی آنرا بنام «فقه رضوی» وانمود ساخته است
و این فقه رضوی هم ظاهرا از آمیختن کتاب تکلیف ابن ابی العزاقر ابوجعفر محمد بن
علی شلمغانی (کشتهٔ ۳۲۲) و نوادر ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی
و همین شرایع پرداخته شده است.

نهایهٔ طوسی جایگزین این شرایع شده و تا نگارش شرایع محقق حلی
دانشمندان بدان مینگریستند و دانشجویان آنرا میخواندند و با اینکه چند کتابی
مانند مراسم دیلمی و وسیلهٔ ابن حمزه و جواهر الفقه ابن براج نوشته شده است
هیچیك بجای آن پذیرفته نگشت. این گرایشی که دانشمندان بنهایه کردند گویا
مایهٔ این شد که امام حکیم سدیدالدین محمود حمصی تاج رازی (سدهٔ ۶) بگوید
که شاگردان طوسی هیچیك مجتهد نبوده و از خود اندیشه‌ای نداشته‌اند و ابن
طاوس هم پیروان نیای خود (همین طوسی) را نادان بخواند. علامهٔ حلی در آغاز
منتهی میگوید که متأخران همان از طوسی بهره بردند و اگر هم از خود اندیشه‌هائی
داشتند در نگارشهای خویش آشکار نساختند.

باری این نهایه را دانشمندان شیعی سنی دوست میداشتند و پسر طوسی و قطب
راوندی و صهرشتی و محقق حلی هشت گزارش برای آن نوشتند تا آنجائیکه
داستانی در بارهٔ آن که میان طوسی و شاگردانش رفته است در کتابها و نسخه‌ها
می‌بینیم.

از نسخه‌های کهن نهایه یکی نسخهٔ شماره ۳۹۷۰ کتابخانهٔ ملك بتاریخ ۵۲۷

دیگری نسخهٔ شماره ۳۱۸ آقای خنجی بتاریخ ۵۷۹ میباشد. در الجوامع الفقهیه هم این کتاب بسال ۱۲۷٦ بچاپ سنگی رسیده است.

از این ترجمهٔ کهن فارسی نهایه تاآنجائی که من آگاهم شش نسخه‌ای هست یکی نسخهٔ تاریخ ۲-۸۹۱ کتابخانهٔ آقای اخوی دوم نسخهٔ تاریخ ۱۰۰۹ ش ۳٦٢٤ کتابخانهٔ ملک سوم نسخهٔ نوشتهٔ سید حیدر هاشمی عاملی زندهٔ در ۱۰۷٦ چهارم نسخهٔ تاریخ ۵-۱۲۹٤ کتابخانهٔ مجلس (ش ۸۳۸) پنجم نسخهٔ تاریخ ۱۲۹۷ کتابخانهٔ ملی (ش ٤۷۸) ششم نسخهٔ خط عبرت نائینی در کتابخانهٔ اخوی بتاریخ ۹-۱۳۳٦.

شاید بتوان گفت تنها کسیکه این پارسی را از روی نسخهٔ کهن آن میشناخته در نگارش خود نخستین بار از آن یاد کرده همان نگارندهٔ ذریعه (٤ : ۱٤۳) میباشد. در فهرست مجلس (۳: ٦۹) هم آن شناسانده شده است.

ترجمان این پارسی دانسته نشد که کیست و همین اندازه از خود آن پیدا است که از گیلان و طبرستان یا شاید از ری و کاشان باشد و پیش از ۸۹۲ و گویا هم پس از محقق حلی و علامهٔ حلی میزیسته است.

نگارندهٔ این فهرست گفتاری در بارهٔ نهایه و پارسی آن پرداختم که در فرهنگ ایران زمین بچاپ خواهد رسید و آنچه پیدا است‌ام در این باره آورده‌ام. این پارسی تنها از روی نسخهٔ کتابخانهٔ ملک ؛ با انداختن حاشیه های بسیار سودمند آن ؛ در چاپخانهٔ دانشگاه بسال ٤-۱۳۳۳ بچاپ رسید. شایسته است دانشگاه تهران یا دانشمندان قم آنرا از روی همهٔ نسخه‌هایکه اکنون هست برابر با متن آن از روی نسخهٔ چاپی و دو نسخهٔ کهنی که در دسترس است بچاپ شایسته و زیبائی برسانند و حاشیه‌های نسخه‌ها را هم دور نیاندازند.

آغاز : بسمله . الحمدلله ولی الحمد وموجبه وصلی الله علی خیر (ته من) خلقه محمد و آله الطاهرین من عترته وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً. مجلد اول از کتاب نهایه. و این مجلد ده کتاب است. کتاب اول در طهارة و این کتاب ده باب است. باب اول در آنکه طهارت چه و چگونگی ترتیبش. طهارت در شریعت نام آن چیزیست

که بدان مباح بود در نماز رفتن و آن بر دو ضرب است یکی وضوء است و تیمم و مدار هردو بر چهار چیز است.

انجام : و اگر کسی چیزی را از ملاهی که روا نبود تملک آن عمل نمودن (بملک گرفتن وی) چون طنبورها و چغانه‌ها (چغانها و طنبورها) و مانند این (آن) بر مسلمانان تباه کند بروی چیزی نبود و اگر بر ذمی تباه کند در حرز آن ذمی بروی بود ضمان آن. پس اگر بروی تلف کند و وی آن چیز (از آن) بظاهر کرده بود بوی (بروی) چیزی نبود بهیچ حال (والله اعلم واحکم) والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب (پایان باب ۱۱ کتاب ۱۲ جلد ۲).

[۱۷۱٤]

۲۹۲ این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط نستعلیق مجدالدین (؟) بن شرف الدین اصفهانی که برای خود نوشته است. حاشیه ندارد. نسخه از کتاب ۹ در وصیت است تا کتاب ۱۲ دیات و از جلد دوم نهایه است. گ ۲٤ الف ــ ۸۷ ب. چنانکه در ص ۱۵۷ همین فهرست دیده‌ایم رستم نامی این دفتر را که الف صغری ش ۱ آنست برای برادر خود افراسیاب بیك در شام سه شنبه ۲۰ رمضان سال ۱۳۰٤ خریده و مهر رستم هم در آن هست (گ ۲ الف) و این افراسیاب گویا از خویشان همان فرامرز باشد که مهر او در گ ۳۹ ب هست.

چنین است **آغاز** نسخهٔ ما : کتاب الوصیة واحکامها باب در حث کردن بر وصیت خدای تعالی میگوید : کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ... علی المتقین و روایت کرده‌اند از پیغمبر ص که وی گفت هر که بی وصیت بمیرد مرگش مرگ جاهلیت بود.

انجام آن مانند نسخه‌های دیگر است و در پایان دارد : «تم هذا الترجمة المتعلقة بکتاب الشریف المسمی بنهایة الاحکام فی منتصف ... (پاك شده) علی کاتبه مالکه مجدالدین(؟) بن شرف الدین الاصفهانی عفی عنهما آمین» دو مهر «یوسف ایها الصدیق» و «بنده فرامرز اسفندیار» در گ ۳۹ ب چند بار زده شده است (بنگرید به ص ۱۵٦ همین فهرست).

(همهٔ دفتر ۸۷ گ ــ کاغذ فرنه ــ جلد تیماج مشکی ساده اندازه : ۱۲ × ۱۸ و ۹، ۱٤ ــ س ۱۹

[١٤٦٣-١٤٦٤] تقریرات خراسانی (عربی)

آقازادهٔ نجفی محمدبن محمدکاظم خراسانی (نیمهٔ شعبان ١٢٩٤-١٧ ذیقعدهٔ ١٣٥٦) شاگرد پدر خود بوده و در ١٣٢٥ از نجف بطوس بر گشت . کتابها دراجاره وقضا و مباحث الفاظ دارد و همه تقریر درس پدر است . حاشیه‌ای هم بر کفایهٔ پدرخود نوشته است (١) اینك دوتقریر اورا دراینجا می‌شناسیم :

١- آغاز : (هذه تقریرات لآیةالله فی‌العالمین الآخوند ملا کاظم الخراسانی قدس‌الله سره وطیب‌الله رمسه فی‌القضاء ولواحقه) هوالموفق وبه‌نقتی ورجائی . بسمله . الحمدلله رب‌العالمین ... وبعد فیقول ... محمدبن محمدکاظم الخراسانی انی بینا احضر بحث والدی ... ادام‌الله ایام افاداته ... سنح بخاطری ان اعمل رسالة اذکرفیها مااستفدته منه‌من المطالب الغیبة ... فاعلم‌ان‌القضاء لغة کماصرح به غیرواحد لمعان کثیرة .

انجام . ولومع تتمیم مقتضاها بالاستصحاب امِلاوالمقصود بالبحث فی هذه المسئلة ان‌البینة القائمة علی الملك فی‌الامس اوعلی الید فیه . هذا ما عثرنا علیه من خط مصنفه . والحمدلله اولاوآخراً وظاهراً وباطنا . وقد حررته مع اختلال الاحوال‌وضیق‌المجال وانا‌العبد ... محمد سعیدالحسنی‌الحائری التنکابنی وکان ختامه فی یوم‌الخمیس ١٢ شهر ج ١ سنهٔ ١٣٣٧ (ص ٢-٢٦٢ ش ١١٥١/١) .

٢- آغاز : (هذا کتاب‌الاجارة ومایتعلق بها . ربی ونقنی) بسمله . وبه نقتی . الحمدلله رب‌العالمین ... کتاب‌الاجارة وهی ثابتة کتاباًوسنة واجماعاًمن المسلمین .

انجام : الفصل‌الرابع فی‌التنازع وفی مسائل (هذا ماوصل الینا من‌تحریراته الشریفة وتقریراته المنیفة ویالیت قدامتدالی آخرالدهر . والحمدلله اولاوآخرا . وقد کتبه وسوده وضیعه اقل‌العباد عملاً واکثرهم زللا‌العبدالمذنب‌الجانی الراجی الی‌عفوربه‌الباری محمدسعیدابن‌المرحوم حجة‌الاسلام‌السیدعلی التنکابنی‌طاب‌ثراه

١- این سرگذشت کوتاه را آقای حاج میرزا احمد خراسانی برادر اودرنامه‌ایکه بآقای عبدالحسین کفائی دانشجوی حقوق فرستاده است نوشت .

فی یوم‌الاربعاءالسابع عشرمن شهر جمادی‌الاولی١٣٣٧ سنة سبع وثلثین وثلثمائة بعدالالف‌من‌الهجرة‌النبویة‌علی‌هاجرهاالف سلام‌وتحیة) (ص٢-٨٦ ش١١٥١/٢) .

[١٧١٥-١٧١٦]

١١٥١ این دونسخه شماره‌های ١و٢دفتر است ونسخ باعنوانهای زیرخط درهامش میباشد .

(٣١٧٢ك) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ضربی عطوالی
الدازه : ١٦×٢٢ و ٨×١٦ س ٢٨

[١٤٦٥] تقریرات مازندرانی (عربی)

مصطفی بن معصوم حسینی مازندرانی این تقریرات را پس‌ازچهل سالگی نوشته ودرآن‌ازنماز مسافر وپوشاك نماز گذارواز‌اینکه نهی، معامله ودادوستد رافاسدوتباه میسازدواز‌قاعدهٔ لزوم وخیار گفتکونمود . مسئله‌های‌فقهی‌واصولی درآن پراکنده‌است ویادداشت مانند میباشد . درآن دارد که من در ١٢٨١دوماه پس‌از مرگ شیخ مرتضی انصاری بنجف رفته‌ام واز « ملالطف‌الله مازندرانی ایده‌الله » (١٤٠ب) یاد میکند . اوازخودنام میبردو تاریخ ١٢٨٥وشب ١٥رجب همین سال هم درآن دیده میشود (١٢٣ ب و ١١٤ الف) .

آغاز : یاهویامن هوالاهو . بسمله . وبه‌نقتی انه‌خیرموفق ومعین ادرکنی یا امیرالمؤمنین علیك و علی محبك سلام‌الله والملئکة والناس اجمعین . الحمدلله رب‌العالمین‌والصلوة‌والسلام‌علی خیرخلقه محمدوآله‌الطیبین‌الطاهرین المعصومین الذین ببرکة ارشادهم وبمن استمدادهم ... سهل سبیل‌التحصیل والتکمیل ... امابعدفالعبدالجانی مصطفی بن‌معصوم‌الحسینی‌المازندرانی ... عقیب حصول‌المأمول من‌المعقول والمنقول والوصول الی حدالاربعین بعداستکمال مراتب‌الکهول مع اشتغال جل‌العمر فی تشیید قواعدالفقه والاصول قد تشرف ... سنة احدی وثمانین بعدالالف‌والمأتین‌بالمشهد ... النجف ... بمضی شهرین‌بعد ... موت ... الشیخ ... التستری ... مرتضی‌الانصاری .

انجام : فلایجوز الاقدام بهذا النحو من الالزام و الالتزام ... بان یخرج صدق الاسم عرفا .

[۱۷۱۷]

۷۵۹ این نسخه بنسخ و نستعلیق خود مازندرانی و مسوده است و برخی جاها رفته و خوانده نمیشود و در بسیاری ازجاها سفید گذارده شده است .

(۱۶۹ ص) ـ کاغذ رزمه ـ جلد مقوا تـه آن میشی
اندازه : ۱۴×۲۲ و ۸/۵×۱۷ س ۲۷

[۱٤٦٦] تنبیه الانام فی طهارة عرق الجنب من الحرام (عربی)

احمد بن محمد باقر موسوی بهبهانی اینـدفتر را در کربلا روز دوشنبه ۲ ع ۲/ ۱۲۹٤ بانجام رسانـد . عنوانهای آن فریده است و ۱٦ فائده در آن هست .

آغاز : و به نستعین . بسمله . الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین اما بعد فیقول . . . احمد ابن محمد باقر الموسوی البهبهانی هذه وجیزة فریدة مشتملة علی فروع دقیقة من مسائل شریفة فیما تحیرت فیها الافهام ... و ... مسئلة طهارة عرق الجنب من الحرام و نجاسته .

انجام : ولنعم ما قیل صحیح الاستدلال قلیله خیر من کثرة الاستدلال و نقل الاقوال . ولقد فرغ من تصنیفه .... احمد ابن محمد باقر الموسوی البهبهانی فی کربلاء المشرفة فی یوم الاثنین الثانی من العشر الاول من الشهر الرابع من العام الرابع من العشر العاشر من المائة الثالثة من بعد الالف من الهجرة النبویة صلی الله علیه و آله ما شرق صبح و دجی ظلام فی سنة ۱۲۹٤ .

[۱۷۱۸]

۹۳٤ این نسخه بخط نسخ و مانا اصل میباشد .

(۳۸ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ تیماج سرخ و تـه آن مشکی
اندازه : ۱۴×۲۱ و ۸×۱۵/۵ س ۱۴


بسم الله الرحمن الرحیم

گـ ۷ ب تقریرات مازندرانی ش ۷۵۹



گ ٨ الف تقریرات مازندرانی ش ٧٥٩

[١٤٦٧] **تهلیلیه** (عربی)

سید امیر محمد صالح بن عبدالواسع سپاهانی خواتون آبادی (م ١١٢٦) نخست شاگرد میرزا محمد شیروانی (م١٠٩٩) بوده سپس نزد پدرزن خود مجلسی رفته و از او بهره برده است.

او در این نامه که خوانساری در روضات (١٩٨) رسالة التهلیل فی آخر الاقامة و تهرانی در ذریعه (٤ : ٥١٦) تهلیلیه خوانده‌اند از شمارهٔ تهلیل در پایان اقامه گفتگو نموده است.

در آن دارد «قد حققه الاستاد دام الله تعالی تأییداته فی شرح الدروس بما لا مزید علیه.. قال دام ظله العالی (١١٤ ب) ... انتهی کلامه زاد الله تعالی اجلاله» (١١٧ ب) و از این ها نابرمیآمد که او شاگرد آقا حسین خوانساری (م ١٠٩٩) هم بوده و این نامه را در زمان او نوشته است.

آغاز : بسمله. الحمد لله حمداً كثيراً واشهد ان لا اله الا الله ارغاماً لمن جحد و كفر ... مسئلة : هل التهليل في آخر الاقامة مرتان كآخر الاذان او مرة واحدة. الجواب : قال العلامة ... في المختلف.

انجام : على ماقاله الشيخ لانه ذكر الله بما يحصل منه فائدة لا تحصل بدونه فكان مشروعاً والله تعالى ورسوله واهل الذكر عليهم السلام اعلم (حرره محمد رضا الحر في سلخ شهر ذي الحجة الحرام من شهور سنة ١١٠١).

[١٧١٩]

٥٩١ این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط نستعلیق محمد رضا الحر عاملی در ١١٠١ میباشد. گ ١٠٩ ب ـ ١١٩ ب. در ١ الف و ٩٢ الف و ١٠٤ ب و ١٠٥ الف و ١٠٩ الف دارد: «مالكها محمد الحر» با مهر «العبد محمد بن الحسن الحر» در ١ الف مهرهای «المتوكل على الله اللطيف عبده محمد ابراهيم الشريف» و «کتابخانهٔ ضیاء الدین النوری» دیده میشود.

[۱۴۶۸] تیاسر (رسالة ...) (عربی)

این نامه همانست که در ص ۸۶۹ همین فهرست شناسانده شده و گفته‌ایم که درمیان شرح ارشاد شهید دوم (میان ص ۱۹۹ و ۲۰۰ چاپی) آمده و در المهذب البارع ابن فهد حلی (گ ۳۰ ب - ۳۱ ب ش ۷۱۱ این کتابخانه) هم دیده میشود واین نسخهٔ ما گویا از ابن فهد گرفته شده باشد گرچه اند کی باآن جدائی و افزوده دارد. در آغاز این نسخه بندی است دربارهٔ پرسش طوسی از حلی وخرده‌اینکه او از تیاسر گرفته است که درمهذب دیده نمیشود ودر نسخهٔ ۲۹۰/۲ ماهم نیست مگراینکه دربالای صفحهٔ آغاز همین نسخه‌مضمون آن بپارسی چنین آمده: «در وقتی که نصیر الحق والدین الطوسی، برداللّه مضجعه، واردمجلس شریف شیخ ابی القاسم محقق الحلی شد؛ شیخ درافادهٔ کتاب شرایع الاسلام که از مصنفات اوست بوده، خواجه التماس نمود که شیخ مشغولی خودرا باتمام رساند؛ چون بحث قبله بودمذ کورشد که: «ویستحب لهم التیاسر» خواجه فرمودند که تیاسر یا ازخارج قبله‌است بقبله یا ازقبله‌است بخارج قبله؛ اول واجب، وثانی حرام، سنت از کجا است؟! شیخ بدیهة فرمود: که ازقبله بقبله؛ وبعداز آن این رساله‌را نوشته بخدمت خواجه فرستاد.»

شهید نیز درروض الجنان (ص ۱۹۹) داستان پرسش خواجه و پاسخ نخستین حلی را که پیش‌ازنگارش رساله داده است بگونهٔ دیگری آورده است.

آغاز: واعلم انه (قد) اتفق حضور العلامة المحقق خواجه‌نصیرالدین محمدبن محمدبن الحسن الطوسی قدس‌اللّه روحه مجلس (نجم‌الدین) المصنف طاب ثراه و درسه فکان (فیما قرئ بحضوره درس) بحث القبلة بحضوره فاورد اشکالا علی التیاسر (فاجاب المصنف فی الحال بما اقتضا ذلك الزمان ثم عمل رسالة وبعثها الیه فاستحسنها المحقق حین وقف علیها وهاانامورد‌ها بلفظها: بسمله. جری من اثناء فوائدالمولی ...) وهو ان کان الی القبلة فواجب اوعنها فحرام. فاجابه

بان الانحراف عنها للتوسط فیها الان الصیاء (؟) الحرم الی یسار الکعبة اکثر. ثم عمل فی المسئلة رسالة وبعثها الیه فاستحسنها الخواجة لما وقف علیها وها انامورد‌ها بلفظها: «بسمله. جری فی اثنی فوائدالمولی افضل علماء الاسلام ...»

انجام: یکون ورودالاشکال علیه اتم وباللّه العصمة والتوفیق انه ولی الاجابة هذا آخر رسالة المصنف قدس اللّه روحه. واعلم ان غیرالمصنف اجاب عن هذا الاشکال بمنع الحصر لان حاصل السئوال ان التیاسر اما الی القبلة فیکون واجباً لامستحباً واما عنها فیکون حراما. فالجواب منع الحصر بل نقول: التیاسر فیها ابلغ وجاز اختصاص بعض جهات القبلة لمن یرید الفضیلة علی بعض او حصول الاستظهار بالتوسط بسبب الانحراف.

[۱۷۲۰]

۸۸۲ این نسخه ۴ دفتراست و بهمانگونه نسخ شمارهٔ پیش. گ ۷۷ الف - ۸۰ ب.

[۱۴۶۹] جامع المقاصد (عربی)

حاشیه‌ایست که خاتم المجتهدین شیخ محقق نورالدین ابوالحسن علی بن الحسین بن عبدالعالی کرکی (درگذشتهٔ نجف، غدیر ۱۸ ذی حجهٔ ۹۴۰) درشش جلد برقواعد علامهٔ حلی نوشته و در ۱۸ ج ۹۳۵/۱ آنرا تا مبحث مهر نکاح بانجام رسانده.

کرکی درپایان وصیت مینویسد که من نیمهٔ نخستین ایندفتر را درنیمهٔ روزشنبه چهارروزمانده از ماه صفر سال ۹۲۸ بانجام رساندم (گ ۲۰۰ الف) این تاریخ درنسخه چاپی نیامده است. از نسخهٔ فاضلیه (ص ۱۰۰ ش ۱۷، احیاء موات، رهن) برمیآید که این بخش آن در ۹۳۳ بانجام رسید.

مولی عزالدین عبداللّه بن حسین شوشتری سپاهانی (م شب یکشنبه ۲۶ محرم ۱۰۲۱ درسپاهان) درآغاز ذی حجهٔ ۱۰۰۴ درکربلا جامع الفوائد درهفت جلد نوشته و آنرا دنبالهٔ همین گزارش کرکی ساخته (طوس ۵: ۳۹۲) ولی

در گذشت و نتوانست بپایانش برد. خوانساری در روضات (ص ۳۵۹) مینویسد که نسخهٔ اصل آن نزد نوادهٔ او هست. فاضل هندی (۱۰٦۲-۱۱۳۷) نیز (پیش از ۱۰۹٦ تا ۱۱۱۰) در دنبال آن کشف اللثام نگاشته است. شیخ لطف الله بن عبدالکریم میسی (م ۱۰۳۲) برجامع المقاصد تعلیقه‌ای نوشت (ذریعه ۲-۲۳۰ و ۵ : ٦۵ و ۷۲ و ٦ : ۵٦ - طوس ۲: ۲٤ و ۵: ۳۹۳ و ٤۸۰ - سپهسالار ۱: ۳۸۱).

جامع المقاصد در ایران بی تاریخ و بی صفحه شماری بچاپ سنگی رسید. در ذریعه از نسخهٔ تاریخ ۹٤۹ یاد شده که در آن تاریخ مرگ کرکی ۹۳۷ دانسته شده مانند آنچه که در امل الآمل (ص٤٤۳) آمده با اینکه تاریخ فرمان شاه تهماسب برای کرکی ۱٦ ذی حجهٔ ۹۳۹ میباشد (مستدرك ۳: ٤۳۱ که سر گذشت کرکی و گفتار نگارندهٔ جواهر دربارهٔ جامع المقاصد ووسائل وجواهر ونیز آن فرمان در آن هست).

کرکی در دیباچه میگوید که دیری بود میخواستم گزارشی برقواعد حلی بنویسم نخست یادداشتهائی در این باره گرد آوردم که خردمندان پسندیدند سپس بدین گزارش گسترده پرداختم و آن از یاری و کمك آستان علی (ع) است و در روزگار شاه علوی صفوی موسوی نوشته شده و ارمغانی است برای او.

آغاز چاپی : بسمله . الحمدلله العلی الکبیر الحکیم الخبیر . . . و بعد فان کتاب قواعد الاحکام فی مسائل الحرام والحرام لشیخنا ... جمال . . . الدین ابی منصور الحسن ... الحلی ... کتاب لم یسمح الدهر بمثاله . . . وانی کنت علی قدیم الزمان اؤمل ان اصنع له شرحا ... وسمیته بجامع المقاصد فی شرح القواعد.

انجام : قوله : ولو دخل ولم یسم شیئا وقدم لها شیئا (کتاب نکاح مقصد ۲ در مهر فصل ۳ قسم ۱ در تفویض بضع ص٤۰ ج ۲ قواعد) ... ثم مات عنها فادعت (شیئا من صداقها علی ورثة زوجها فجاءت تطلبه منهم فتطلب البراث .. فلاشیء لها بعد ذلك) الی (هنا) وصل بکلامه غفرالله تعالی له ولوالدیه ولجمیع المجتهدین والطالبین الی یوم الدین بحق النبی و آله المعصومین الطیبین الطاهرین کتبه العبد

الاقل حسن بن عبدالله بن علی العبنانجی (؟) الطبسی الگیلکی (میان دو کمانه در انجام از چاپی است).

[۱۰۷۲۱]

۷٤۲ این نسخه بنسخ با نشانه‌ها و عنوانهای متن و هامش بشنگرف میباشد و حسن بن عبدالله بن علی عبنانجی (؟) طبسی گیلکی در ۲۳ شوال ۹۹۰ نیمهٔ نخستین آنرا نوشته است (۲۰۰ الف) حاشیه‌ها دارد با نشانه‌های « بخطه کك ـ بخطه کذا ـ کذا بخطه رحمه‌الله ـ منه ـ منه رحمه‌الله » بنستعلیق.

آغاز : بسمله وبه نوکلی ، الحمدلله رب العالمین ... قوله : المقصد الثالث (من کتاب الغصب) فی احیاء الموات : قال فی التحریر : الموات هو مالاینتفع به لعطلته (اما لانقطاع الماء عنه) او لاستیلاء الماء علیه . وفی التذکرة : الموات هی الارض الخراب الدارسة التی باد اهلها واندرس رسمها... فظاهر عبارة « کرة » یقتضی ان کون الارض مواتا لایتحقق الا اذا اندرس رسمها (ص۲۱۹ ج۲ قواعد چاپ ۱۳۲۹ ـ جامع المقاصد چاپی).

(۳۱۰ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج میوشی عنوالی
اندازه : ۲۰/۵×۳٦/۵ و ۱٤×۲۲/۵ س ۳۰

[۱٤۷۰] جعفریه (عربی)

محقق کرکی این رسالهٔ جعفریه (۱) را در یك مقدمه و پنج باب گذارده ودر آن از آنچه که باید وشاید در نماز بجای آورد یاد کرده و آنرا در نیمه‌های روز پنجشنبه ۱۰ ج ۲/۹۱۷ در طوس بانجام رسانده . این رساله در کنار تعلیقهٔ درر الفوائد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در ۱۳۱۹ بچاپ رسید و بپارسی هم در آمده و چندین گزارش بر آن نوشتند و خود او هم آنرا گزارش نمود و حاشیه هم بر آن نوشتند (طوس ۲: ۳۲ و ۵: ۳۹٤ - ذریعه ۵ : ۱۱۰).

۱ـ خواندمیر درحبیب السیر (مجلد ۳ جزء ٤ چاپ ۱۳۳۳ تهران ٤ : ٦۰۹) از کرکی بنام «شیخ علاءالدین علی بن عبدالعال» وحاشیه الفیه و جعفریهٔ او یاد نمود و گفت که او بسیار دانشمند و شیوا و پرهیزکار است و رهبر شیعیان و نامش در بغداد و نجف برسر زبانها است.

آغاز : بسمله . الحمدلله الولي الحميدالمبدء المعيدالفعال لما يريد . . . و بعد فان التماس من اجابته من افضل الطاعات .. ان اكتب رسالة موجزة تشتمل على واجبات الصلوات المفروضات وماعساه يسنح من المندوبات جدير بالمسارعة الى اسعاده . . . و كتب ماتيسر على حسب ضيق المجال و تشتت الحال بمداومة الحل والارتحال ... وهي مرتبة على مقدمة وابواب وخاتمة .

انجام : ولیکن هذا آخر ما اوردناه فی هذه الرسالة والحمدلله الذی وفق لاتمامها ... وانااتضرع (اضرع) اليه بخاصته وخالصته (خلاصته) محمد واطائب عترته مع ما اناعليه من الاعتراف بالعجز والتقصير والافتقار الى جوده المطلق فی الجليل والحقير بان (ان) يجعل مابقی من ايام هذه المهلة مقصورا على مافيه رضاه مصروفاً فيما يحبه ويرضاه (وفرغ من تسويدها مؤلفها العبدالمذنب الجانی علی بن عبدالعالی وسط نهار الخميس تقريباً عاشر شهر جمیدی الآخر سنة سبع عشر وتسعمائة ۹۱۷ من الهجرة النبوية صلوات الله على مشرفها بمشهد سیدی و مولای ثامن الائمة الاطهار ابی الحسن علی بن موسی الرضا عليه وعلى آبائه واولاده المعصومين افضل الصلوات والسلام حامداً ومصلياً ومسلما) .

[۱۷۲۲]

۸۷۲ این نسخه ش ۷ دفتر است و نسخ و نستعلیق برخی جاها معرب و عنوانها شنگرف وحاشیه‌هائی که به «منه علی عد» و «شیخ ل» و «ع ل» پایان میابدودوسه حاشیهٔ دیگر وچنین است آغاز آن: «و بندروشیه . فاليومية خمس الظهر... الثانی الوقت فللظهر زوال الشمس ...» و کم دارد و نویسنده در انجام آن میگوید : « وفرغ من کتابتها صاحبها العبدالمذنب الخاطی المحتاج الى عفو ربه الودود محمد بن عبدالرحيم بن داود وسط ليلة الاثنين من اواسط شهر ربيع الاول سنة ثمان و عشرين وتسعمائة من الهجرة النبوية فی مدرسة الحسينية الواقعة فی بلدة قاسان حماها الله عن الحدثان حامداً مصلياً محمداً مسلماً مجيداً مستغفراً اللهم ارحم من يرحم الكاتب بالدعاء والفاتحة الفاتحة بحقك وبحق خير خلقك » گ ۱۱۲ الف ـ ۱۳٤ ب دو میانه جنانها کم و کاست دارد و از برگها پاره‌ای نیست . پیش از این شماره در گ ۱۰۷ الف ـ ۱۱۱ ب دعا است .

[۱۷۲۳]

۸۹۲ این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ ۹۹۲ با حاشیه‌هائی درمیان سطرها و کنار آنها با نشانه‌های «فخر الدین ـ ع ل ـ ح ل ـ م ـ هـ ـ ح ل ن ـ ش ر ح م ـ ح ل ز ی ـ زی ـ شرح ع ل ـ ه ا ب » نیز از « شرح ملا » در ٤ الف و «منه دام ظله» در ۲ ب . متن وحاشیه هردو بخط نعمة بن سلم بن سالم مسلمی حویزاوی نویسندهٔ ش ۲ (باب حاد یعشر س ۵٤۳ همین فهرست) است درروز ۲۱ شوال ۹۹۲ ـ به پایان که تاریخ نگارش کر کی را میرساند دراین نسخه نیست . برگهای ۳۳ و ۳٤ و ۵۲ و ۵۵ سفید ورساله دراینجاها کمبودی دارد . گ ۱ ب ـ ۸٤ ب .

[۱٤۷۱] جمل العلم والعمل یا جمل العقائد (عربی)

سید مرتضی علم‌الهدی بدرخواست استاد دراعتقادات (توحید و عدل ونبوت وامامت ومعاد تاآجال واسعارواززاق) وعبادات (طهارت وصلوة وصوم و اعتکاف و حج و زکوة) اینفدتر بپرداخت ودر پایان آن به ذخیره و ملخص ومصباح خویش باز گرداند . شیخ طوسی بخش اعتقادات آنرا بنام تمهید الاصول و ابن براج بخش عبادات آنرا گزارش نوشتند قاضی ابوالفتح کراجکی هم « شرح جمل العلم » دارد (ابن شهر آشوب ش ۷٦٤ ـ کنتوری ۱۵۸ ـ ذریعه ۵ : ۱٤٤ و ٤ : ٤۳۳) عنوانها باب وفصل و کتاب است .

آغاز : الحمدلله کماهواهله ومستحقه... امابعدفقداجبت الی ماسالنيه الاستاذ ادام الله تأييده من املاء مختصر محيط بما يجب اعتقاده فی جميع اصول الدين ثم مايجب عمله من الشرعيات التی لايكاديتفك المكلف من وجوبها عليه من عموم البلوی بها ولم اخل شيأ ممايجب اعتقاده من اشارة الى دليله وجهة علمه على صغر الحجم وشدة الاختصار ولن يستغنی عن هذا الكتاب مبتدی تعليما وتبصرة ومنته تنبيها وتذكرة .

انجام : فصل فی كيفية اخراج الزكوة . . . فاما صدقة الفطرة فيخرجها من وجبت عليه بنفسه دون الامام واذا كنا قد انتهينا الى هذه الغاية فقد وفينا بما شرطنا فی صدر هذا الكتاب فمن اراد التزيد المزيد فی علم اصول الدين والغوص الى اعماقه

وتغلغل شعابه فعليه بكتابنا المعروف بالذخيرة فان آثر الزيادة والاستقصاء فعليه بكتابنا المعروف بالمصباح ومن اراد الاقتصاد فما اوردناه هنا كاف شاف (تمت رسالة جمل العلم والعمل) .

[۱۷۲۴]

۹۲۰ این نسخه ش ۲ دفتر است ونسخ و عنوانها زیر خط سیاه میباشد (گ ۵۷ الف ـ ۸۰ الف) (بنگرید به ش ۹۲۰/۳) .

[۱۴۷۲] الجمل والعقود (عربی)

شیخ طوسی بدرخواست قاضی عبدالعزیز بن نحریر بن البراج که ازوی به «الشیخ الفاضل» یاد میکند (۱) ایندفتر درعبادات (طهارة و صلوة و زكوة و خمس وصوم واعتكاف وحج وجهاد وامر بمعروف ونهی ازمنكر) وباختصار پرداخت و گفته که کتابها دراز ومطول است بویژه «نهایة» من که جز تفاریع همه چیز در آن هست واینرا هم من در دفتر دیگر (مانا مبسوط) گذارده ام که امیدوارم بانجام برسانم اینگونه دفترهای کوچك و خورد نه تنها نو كاران و مبتدیان را سودمند است ومنتهیان وسرامدان را هم بهره میرساند بلکه برای کسانیکه همیشه بکتابها مینگرند هم سودبخش خواهد بود چه اینگونه دفترها را که کوتاه مینویسند همه میتوانند ازبر کنند وازاینراه از آنها بهره برند . (دیباچه ـ آغاز مبسوط طوسی ـ ذریعه ۵:۱۴۵ ـ فهرست طوس ش ۲۴۰ ج ۲ ص ۷۴) در آن گذشته از نهایه (ص۲و۷۴ و۸۴ و۸۵ چاپی) ازتهذیب (ص ۸۴) هم یاد گردید . قطب راوندی «حل المعقود من الجمل والعقود» نوشته است چنانکه نهایه را هم درده جلد شرح نمود (فهرست قمی ص۷) این رساله ازروی نسخهٔ تاریخ روز یکشنبه ۴ ذی‌قعدهٔ ۷۸۹ در تهران بکوشش دارندهٔ چاپخانهٔ خاور بچاپ گراوری رسید .

۱ـ قطب راوندی درحل المعقود میگوید که شیخ در آغاز پاره‌ای از کتابها الشیخ الفاضل گفته وازآن ابن البراج را میخواهد وشیخ آن کتابها را بدرخواست او نوشته وپرسشهائی ازاوهم پاسخ داده است (مقابس الانوار ص ۱۷) .

آغاز : بسمله . الحمدلله حق حمده والصلوة على خير خلقه محمد .. امابعد فانا مجيب الى ما سأل الشيخ الفاضل اطال الله بقاءه من املاء مختصر يشتمل على ذكر كتب العبادات و (ذكر) عقود ابوابها وحصر جملها وبيان افعالها .

انجام : وامثلة ذلك بيناها في النهاية . فهذه جمل لخصناها و عقدنا (ها) في كل كتاب على غاية جهدنا وطاقتنا ونرجوا ان يكون الانتفاع لمن ينعم النظر فيها وان يجعل الله (تعالى) ذلك لوجهه خالصاً ويجازينا عنه باحسن جزاءه انه ولى ذلك والقادر عليه (وهو بفضله يسمع ويجيب) . والحمدلله رب العالمين و صلى الله على (سيدنا) محمد وآله (الطاهرين) اجمعين (تمت الرسالة الشريفة في عشر الاول من ربيع الاول سنة سبع وعشرين وتسعمائه . تم ـ ش ۷۸۸) .

[۱۷۲۵]

۷۸۸ این نسخه بنسخ روشن با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف است و عنوانها در بسیاری ازجاها درشت‌تر وسیاه میباشد . عنوان بخشها وفصلها درسر لوح سیاه وشنگرف گذارده شده است . نوشتن آن در دهه نخستین ربیع یکم ۹۲۷ بپایان رسید . محمد مهدی بن حاجی محمود در ۱۱۱۹ دارندهٔ نسخه بوده است . مهرهای هادی در ۱ الف ومحمد مهدی موسوی در ۱۱ ب هست .

۵۱ گ ـ کاغذ زمه ـ جلد مقوا

الداژه : ۱۱×۱۸/۵ ـ ۶/۵×۱۴ س ۱۵

[۱۷۲۶]

۹۲۰ این نسخه ش ۸ دفتر ونسخ (طهارة) وستعلیق (صلوة و زكوة) میباشد ودارای همین سه است وبس . گ ۲۲۱ ب ـ ۲۳۳ ب . چنین است پایان آن : فصل في زكوة الابل لاتجب الزكوة في الابل الابشروط اربعة . . . وفي احدى وتسعين حقتان فاذا بلغت مائة واحدى وعشرين (برابر با گ ۲۵ ب ش آخر ش ۷۸۸ وص ۳ س ۴۶ چاپی) ونزدیك یك سطر ازاین فصل کم دارد ودنبالهٔ زكوة تا امر بمعروف و نهی ازمنكر در آن نیست . (بنگرید به ۹۲۰/۳) .

[۱۴۷۳] جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام (عربی)

دانشمند بیمانند شیخ محمد حسن ابن شیخ باقر ابن شیخ عبدالرحیم ابن

آقامحمد صغیراین مولی عبدالرحیم شریف کبیر (پایان کتاب‌القضا) از مردم سپاهان بوده ودرنجف میزیسته است . او درنزدیك به ۱۲۰۰ زاده ودرنیمهٔ روز چهارشنبه یکم شعبان ۱۲۶۶ درهمانشهر نجف در گذشت.

درآغاز کار ازدرسهای آقای بهبهانی بهره برده بود وازشیخ جعفر کاشف‌الغطاء نجفی و پسرش شیخ موسی و سید محمد مجاهد نگارندهٔ مصابیح هم بیاموخت واز شیخ احمد احسائی اجازه گرفته است . یکی ازاستادانش سید جواد عاملی نگارندهٔ مفتاح‌الکرامه است که درنگارش جواهر بدو کمك میکرده است .

پس از حجة‌الاسلام شفتی و سید ابراهیم قزوینی رهبری دانشمندان شیعی باو رسید و دانشجویان بدو روی نمودند و نزدیك شصت مجتهد درانجمن درس او میآمدند واوبسیاری ازدانشمندان اجازه داده بود . سني وشیعي اورا برتراز همه میدانستند .

اورا پدردانشمندان شیعی وآموزنده وپرورندهٔ آنان خوانده‌اند . کتابخانه‌ای داشت آراسته و مردی بود پرکار و کوشا و درآغاز روزی یك کراس یاجزء فقه می‌نوشت وبرای اینکه ازمردم دور باشد وباسری آسوده فقه بنویسد ببغداد رفته و در خانه‌خودبروی دیگران بسته بود. در ۲۵ سالگی بود که بنگارش این جواهر بپرداخت وهنوز استادش کاشف‌الغطا (م ۱۲۲۷) زنده بود(۱) واو نزدیك سی سال بود که بدان میپرداخت . این نوشتهٔ اورا یکي از کارهای شگفت‌انگیز تاریخ فرهنك‌شیعی بشمار آورده‌اندو آن درمیان کتابهای فقهی مانندبحارمجلسی است درمیان کتابهای اخبار . درست بگوئیم آنرا مانندی نیست و او با این نگارش برهمهٔ فقیهان شیعی منت گذارده است . بگفتهٔ شیخ انصاری‌شوشتری، فقیه را وسائل و جواهر بسنده است مگر گاهی که بکتابهای پیشینیان باید بنگرد . خود او دربارهٔ همین کتاب میگوید که آن با جامع‌المقاصد و وسائل برای فقیه بسنده است ونیازی بکتاب دیگر نخواهد بود . (مستدرك ص ۳۹۷ و ۴۳۱ = ص

۱ـ درشرح «ولاالحجرالمستعمل» از مبحث استنجاء کتاب‌الطهاره (۱:۱۱۳ چاپ احمد) ازاو بمانند زنده یاد میکند .

۱۲۳۲ همین فهرست) اورا اگرچه دشمن حکمت واصول خوانده‌اند ولی مشرب فلسفی وروش عقلی او درهمین جواهر بویژه دربخش عقود هویداست .

خوانساری درروضات (ص ۱۸۱) چند بیتی شیوا درستایش این کتاب سروده است .

نسخهٔ اصل خود او در ۴۴ مجلد کوچك بوده و هنوز درنجف هست . خوانساری شمارهٔ جزءهای آنرا بیش‌ازسی وتنکابنی ۲۵ دانسته است .

جلد ۱و۲ آن تاریخ ندارد و تا ۱۲۲۷ در زمان کاشف‌الغطاء بنگارش در آمده است . جلد ۳ (اغسال ـ نفاس) هم بی‌تاریخ است ولی در ۱۲۳۱ شیخ عبدالکریم آنرا ازاوعاریت گرفته‌وشیخ‌موسی برای‌نویسنده‌ستایشی نوشت‌واجـالی روی آن باواجازه داده‌است . جلد ۴(احکام‌اموات ـ اغسال مسنونه) در ربیع‌دوم ۱۲۳۰ ومجلد(احکام‌سجود ـ قواطع) هم‌در ۱۲۳۰ ومجلدخمس‌درنیمهٔ‌روز پنجشنبه ۱۹ محرم ۱۲۳۱ ومجلد (صلوة‌جماعت ـ صلوة‌مسافر) در ۱۲۳۴ و آغاز مجلدات صلوة در ۱۲۳۳ ودنبالهٔ آن در ۱۲۳۶ و پاره‌ای از آن در ۱۲۴۷ پس‌از بیماری طاعون که درشوال سال پیش دربغداد پیداشده بود ونکاح درنزدیك پسین روز چهارشنبه ۱۴ ربیع دوم ۱۲۴۷ ومجلد دیات در ۱۲۵۴ وحج وعمره درروز یکشنبه ۲۶ رمضان ۱۲۵۶ و مجلد (جهاد ـ امر بمعروف و نهی از منکر) که بازپسین بخشهای جواهراست از رهگذر تاریخ درروز شنبه ۲۶ جمادی دوم سال ۱۲۵۷ بپایان رسید .

شیخ‌العراقین شیخ علی‌این مولانا شیخ زین‌العابدین مازندرانی (م کربلا ۱۳۴۴) فهرستی برای جواهر از روی چاپ سنگی حاج موسی درتهران نوشته وآن‌هم درتهران بسال ۱۳۳۲ درمطبعهٔ میرزا علی‌اصغر بخط نسخ چاپ سنگی شده است (طوس ۵ : ۶۰۴ ش ۵۴۲) جواهرهمه یا پاره‌ای از آن از ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۵ دوبار چاپ سنگی‌شده وسومین چاپ سنگی آن ازمیرزا موسی است درتهران

در ۷-۱۲۸۶ و چهارم آن چاپ سنگی کاشانی است در ۲-۱۳۱۱ و چاپ پنجم آن سنگی مؤیدالعلماء تبریزی است در کارخانهٔ نو در ۵-۱۳۲۱ (۱).

[۱۷۲۷]

۷۲۸ این نسخه جزء ۱ (آغاز طهارة تا نیمهٔ فصل دوم درحیض) است و بنسخ با عنوانهای درشت تر زرد زعفرانی با مشکی درمتن وهامش وبانشانه‌های شنگرف وروی متن خط زرد کشیده شده و دو صفحهٔ نخستین درجدول مشکی و زرد میباشد.

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی ختم الشرائع باسمحها طریقة واوضحها حقیقة واظهرها برهاناً واکثرها اعواناً ... وبعد فیقول ... محمد حسن بن المرحوم الشیخ باقر ... انی قد رأیت کتاب الشرائع من مصنفات الامام المحقق المدقق نجم الملة والدین ... قرآناً فی الاحکام الشرعیة وفرقاناً فی العلوم الفقهیة ... وکثیراً ما کنت اتمنی وارجوا ... ان امزجه بشرح یکشف للناظر بن لثام قواعده ... لکن العوائق تمنعنی والحوادث تردعنی غیر انی قابلتها (بعزمة دونه العیوق منزلة ... وشرعت فیما کنت اتسوف واتعلل وسمیته جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام) (میانهٔ دو کمانه درنسخه ما نیست و از جایی گرفته شد).

انجام : (بان تری الدم دفعة ثم ینقطع اقل الطهر ...) ... ومضی اقل الطهر الی مایقتضیه الادلة من الاوصاف.

(۴۱۷۹م) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی

اندازه : ۲۰/۵×۳۰/۵ و ۱۲/۵×۲۱/۵ س ۳۴

[۱۷۲۸]

۷۲۹ این نسخه تا پایان طهارة است و بهمانگونه خط و روی متن خط سرخ است .

آغاز : (دنبالهٔ شمارهٔ پیش) من الاصاف . فتأمل جیداً .

انجام : وظاهر الاصحاب الثانی . والله اعلم . والحمدلله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً

۱ـ بنگرید به : روضات ص ۱۸۱ ـ مستدرک ۳ : ۳۹۷ و ۴۳۱ ـ نخبة المقال ص ۸۵ ـ هدیة الاحباب ص ۱۷۱ ـ فوائد رضویه ۱ : ۴۵۲ ـ قصص العلماء ص ۷۲ ـ فاطلیه ص ۱۳۵ ـ طوس ۲ : ۲۹ و ۱۴۶ و ۵ : ۲۰۴ و ۵۵۴ ـ سپهسالار ۱ : ۳۸۷ ـ کنتوری ص ۱۶۷ ـ ذریعه ۱ : ۱۴۱ و ۵ : ۲۷۵ ـ اعلام الشیعه ۲ : ۳۱۰ ـ مآثر و آثار ص ۱۳۵ ـ ریحانة الادب ۲ : ۴۱۹ .

علی ما اتم ووفق لاتمام مباحث الطهارة وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله الطاهرین الغر المیامین .

(۴۳۴۴م) ـ همان کاغذ وجلد

اندازه : ۲۰/۵×۳۱ و ۱۲/۵×۲۴ س ۳۱

[۱۷۲۹]

۷۳۰ این نسخه جزء سوم (آغاز صلوة تا بخشی از قواطع) و بهمانگونه خط واز میرزا عبدالکریم بوشهری پسر عبدالنبی که از روی مسودهٔ شارح در ۱۲۶۰ نوشته است و با نسخهٔ مصحح از روی نسخهٔ مصنف بدست محمد حجی مقابله گردید ، در گوشهٔ برگ ۱ الف دارد «من جناب الشیخ سعد» .

آغاز : بسمله . وصلی الله علی محمد وآله ... الذین بهم ارجو من ربی ... الاعانة علی اتمام کتاب احکام الصلوة التی تنهی عن الفحشاء والمنکر :

انجام : والامر سهل . قد تم هذا الجزء کتابة وکان علی مسودة المصنف ... علی ید ... نجل المرحوم عبدالنبی میرزا عبدالکریم البوشهری ... سنة الالف والمأتین والستون من الهجرة النبویة ـ بلغ علی جهة الوسع والطاقة علی نسخة مصححة علی نسخة المصنف علی ید الاقل محمد حجی مقابلة .

(۴۳۱۶م) همان کاغذ وجلد

اندازه : ۲۰×۳۱ و ۱۲/۵+۲۴ س ۳۱

[۱۷۳۰]

۷۳۱ این نسخه جزء ٤ (رکن سوم در بقیهٔ صلوات که در بغداد شب پنجشنبه ۱ ج ۱ شش ساعت از شب گذشته بانجام رسانده) است و بهمانگونه خط و روی متن خط سرخ کشیده شده ومیرزا عبدالکریم بوشهری در نیمهٔ شعبان ۱۲۵۹ (گ ۸٦ الف) وروز شنبه ۱۸ ج ۱۲۵۹/۱ آنرا بانجام رساند . مقابله هم شده است . در ۱ الف دارد که از جناب شیخ سعد میباشد .

آغاز : بسمله . الرکن الثالث من ارکان الصلوة فی بقیة الصلوات .

انجام . علی ان الامر سهل والله العالم (قال الشارح المصنف دام مجده) والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین وتم وقع الفراغ فی لیلة الخمیس غرة جمادی الاول بعد مضی ست ساعات تقریباً منها فی دار السلام و نسئل الله التوفیق فی الباقی فانه الکریم المنان الرؤف الحنان ذو الفضل والاحسان (وقد تم علی ید مسوده ومخرجه الی البیاض یوم السبت ثمان عشر من شهر جمادی الاول من السنة تاسع وخمسین بعد الالف من الهجرة النبویة المصطفویة المحمدیة علی هاجرها وآله افضل الصلوة

واکمل السلام والتحیة).

(۳۲۸۸ش) ـ همان کاغذ وجلد

اندازه : ۱۹/۵×۳۰ و ۱۲×۲۲ س ۳۱

[۱۷۳۱]

۷۲۲ این نسخه جزء ۵ (زکوة ـ اعتکاف) است و نسخ است با نشانه‌های شنگرف وروی متن خط سیاه، ومقابله شده است.

آغاز : بسمله . وبه نستعین . کتاب الزکوة التی هی لغة الطهارة .

انجام : وعلی کل تقدیر فلایخفی علیک التحقیق فی الجمیع والله هو العالم العلیم العلام الرؤف الرحیم .

(بلغ مقابلة بحسب الجهد والطاقة والحمدلله وصلی الله علی محمد وآله) .

(۳۲۹۶ش) ـ همان کاغذ ـ جلد تیماج تریاکی زرکوب

اندازه : ۳۰×۲۰/۵ و ۱۲×۲۲ س ۲۹

[۱۷۳۲]

۷۲۳ این نسخه جزء ۶ (حج ـ جهاد) و بهمانگونه خط و روی متن خط سرخ کشیده شده و باید از همان نویسندهٔ ش ۷۲۸ـ۷۳۱ باشد ودر روز چهارشنبه نزدیک بپایان ذی‌حجهٔ ۱۲۵۹ از روی نسخهٔ شارح نوشته شده است . در نسخه ۱۲۵۰ دارد وگویا واژهٔ «تسع» نوشته نشده است . در پایان دارد که این جزء پایان شرح شرایع است که او بپرداخت. در روی برگ پیش از گ ۱ دارد «من جناب الشیخ سعد» .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین ... کتاب الحج الذی هو اعظم شعائر الاسلام .

انجام : والسنن العظام التی لاتعدو لاتحصی وکان الفراغ من ذلك یوم السبت سادس وعشرین من جمادی الثانی سنة الالف والمأتین و سبعة و خمسین من الهجرة النبویة علی مهاجرها الف صلوة وسلام وتحیة . والقسم الثانی فی العقود (هذا آخر صورة ما کتبه المصنف سلمه الله تعالی وکان هذا المجلد آخر ما کتبه المصنف سلمه الله فکمل بکماله شرح جمیع شرائع الاسلام بحمدالله عونا لعولنا فی جمیع المهام فی الدنیا و یوم القیام والحمدلله اولا وآخراً و ظاهراً و باطناً وقد وقع الفراغ من کتابته نهار الاربعاء علی نسخة کتبت علی نسخة المصنف اواخر ذی الحجة الله من شهور السنة (؟) والخمسین والالف من الهجرة) .

(۳۲۹۷ش) همان کاغذ وجلد

اندازه : ۳۰×۲۰/۵ و ۱۲×۲۲/۵ س ۳۱

[۱۷۳۳]

۷۲۴ این نسخه جزء ۷ (عقود : بیع ـ حجر) است و بهمانگونه خط و عنوانها در بالای برخی صفحه‌ها بدست عبدالرحیم بن نصرالله نوشته شده وروی متن

خط سرخ کشیده شده وبا نسخهٔ شارح مقابله گردید . در گ ۱ الف دارد «من جناب الشیخ سعد» .

آغاز : بسمله . و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین . القسم الثانی من الاقسام الاربعة التی بنی علیها الکتاب فی العقود .

انجام : تم المجلد الثالث من العقود ... ویتلوه المجلد الرابع فی الضمان انشاءالله تعالی . والحمدلله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین (بلغ مقابلة علی نسخة المصنف متعنا الله ببقائه بمحمد وآله ـ بلغ ملاحظة حواشی وزیادات حتی الکلمات والله العالم ـ حسب الامر عناوین کتابیه مکاسب دو مجلدات کتاب جواهر حتی المقدور مرقوم شد و انا الاقل عبدالرحیم بن نصرالله عفی الله عنهما) .

(۳۳۰۴ش) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مانند ۷۲۸

اندازه : ۱۹×۳۱ و ۱۲×۲۳ س ۳۱

[۱۷۳٤]

۷۲۵ این نسخه جزء ۸ (ضمان ـ عاریه) است وبهمانگونه خط وروی متن خط سیاه کشیده شده از عبدالکریم بن عبدالنبی شیرازی که درشام روز سه شنبه ۵ ج ۲ /۱۲۵۹ نوشتن آن را بانجام رسانده و با دقتی با نسخهٔ اصل مقابله گردید . در ۲۰۳ الف دارد که تاریخ نوشتن روز پنجشنبه رجب ۱۲۵۹ است . در ۱ الف باز از «جناب شیخ سعد حویزی» یاد گردید .

آغاز : بسمله . کتاب الضمان الذی هو عندنا علی ما اعترف به غیرواحد منا مشتق من الضمن .

انجام: وهذا آخر الکلام فی هذه المسائل ... ویتلوه الکلام فی النکاح والله الموفق ـ وصلی الله علی محمد وآله ... الیامین (قد وقع الفراغ من تتمة هذا الکتاب ... وهو تصنیف ... الشیخ محمدحسن بن المرحوم الشیخ باقر زادالله حسناتهما وتجاوز عن سیئاتهما ... علی ید ... عبدالکریم بن مرحوم عبدالنبی شیرازی ... عصریة یوم الثلثا خامس من شهر جمادی الثانی من شهور السنة التاسع والخمسین بعد الالف والمأتین من الهجرة النبویة علی مهاجرها التحیة وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین برحمتك یا ارحم الراحمین ـ بلغ ملاحظة لحواشیه وما تمکنا منه مما وجد بخطه من الکلمات او بغیر خطه مما رسم فی نسخة الاصل باطلاعه قدس سره وذلك بحسب الجهد التام ولعله لم یفت شیء . والله العالم والعاصم حرره الاثیم ابراهیم ـ بلغ مقابلة علی نسخة المصنف متعنا الله ببقائه بمحمد وآله .

(۳۲۵۴ش) ـ همان کاغذ وجلد .

اندازه : ۲۰/۵×۳۰/۵ و ۱۱/۵×۲۲ س ۳۱

[۱۷۳۵]

۷۳۶ این نسخه جزء ۹ (نکاح) است و بنسخ با نشانه‌های شنگرف و روی متن خط سرخ یا سیاه کشیده شده و همان عبدالکریم بن عبدالنبی بن حاجی تقی شیرازی که در «ابوشهر» میزیست در نیمهٔ روز پنجشنبه ۱۸ع۱/۱۲۵۹ آنرا نوشته است و با نسخهٔ شارح مقابله گردید.

آغاز: بسمله. کتاب النکاح الذی هو فی اللغة للوطی عند المشهور.

انجام: والتحقیق عدم حرمة ما لا یعد سفها و سرقا منه (صورة ما کتبه سلمه الله تعالی) والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً وباطناً وله الشکر علی توفیقه لاتمام کتاب النکاح الذی هو آخر قسم العقود والرجاء منه التوفیق لاتمام الباقی الذی منه القسم الثالث فی الایقاعات وهی احد عشر کتاباً (وقد کان ذلک عند العصر تقریباً فی یوم الاربعاء رابع عشر من ربیع الثانی من سنة السابعة والاربعین بعد الالف والمأتین وهی السنة التی ادب الله فی سابقتها ای السادسة والاربعین اهل بغداد وفی ذی القعدة منها اهل الحلة واهل النجف واهل کربلاء وغیرهم بالطاعون العظیم الذی قد من علینا وعلی عیالنا واطفالنا وبعض متعلقینا بالنجاة وکم له من نعمة فانه المنان الکریم الرحمن الرحیم – جابری) [وقد کان ذلک عند الظهر فی یوم الخمیس الثامن من ربیع الاول سنة التاسعة والخمسین بعد الالف والمائتین وهی السنة (التی) حرره میرزا عبدالکریم ابن مرحوم عبدالنبی بن حاجی تقی شیرازی ساکن ابوشهر – بلغ مقابلة علی نسخة المصنف متعنا الله ببقائه بمحمد وآله].

(۳۴۴گ) همان کاغذ وجلد

اندازه: ۲۰/۵×۴۰ و ۱۲×۳۲ س ۳۱

[۱۷۳۶]

۷۳۷ این نسخه جزء ۱۰ (ایقاعات: طلاق – عهد) و بنسخ و روی متن خط سرخ کشیده شده ودرزمان شارح با نسخهٔ اومقابله گردید. در ۱ الف از «جناب سعد» یاد شد.

آغاز: بسمله. القسم الثالث من الاقسام التی بنی علیها الکتاب فی الایقاعات جمع ایقاع.

انجام: بخلاف النهد. والله العالم. تم قسم الایقاعات. والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً وباطناً وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین والحمدلله رب العالمین تمت (تم مقابلة علی نسخة المصنف متعنا الله ببقائه بمحمد وآله).

(۳۷۱گ) کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ گرد آن سرخ ولزکوب

اندازه: ۳۰×۴۱ و ۱۲×۳۲ س ۳۱

[۱۷۳۷]

۷۳۸ این نسخه جزء ۱۱ (صید وذباحه – ارث) وبهمانگونه ومقابله شده با نسخهٔ شارح و دربارهٔ او دارد «سلمه الله» درروئهٔ برگ پیش از گ۱ دارد «جناب شیخ سعد».

آغاز: بسمله. والحمدلله رب العالمین... القسم الرابع من الاقسام التی بنی علیها الکتاب فی الاحکام وهی اثنی عشر کتاباً کتاب الصید والذباحة ای کتاب التذکیة بالصید والذباحة.

انجام: لاحتمال الغلط فی التفصیل (صورة ما کتبه المصنف) والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وعترته الطیبین الطاهرین سادات الامم و اولیاء النعم. (بلغ مقابلة علی نسخة المصنف سلمه الله تعالی).

(۴۲۸گ) – همان کاغذ وجلد ش ۷۳۷

اندازه: ۲۰×۳۰/۵ و ۱۲×۲۱ س ۳۳

[۱۷۳۸]

۷۳۹ این نسخه جزء ۱۲ (قضا تا پایان دیات) وبهمانگونه نسخ ومقابله شده با نسخهٔ شارح و دربارهٔ او دارد «متعنا الله ببقائه» درروئهٔ برگ پیش از گ۱ دارد «جناب شیخ سعد».

آغاز: بسمله. الحمدلله و صلی الله علی محمد وآله. کتاب القضاء الذی هو لغة لمعانی کثیرة ربما انتهت الی عشرة.

انجام: والقادر علیه والامر کله الیه تعالی شأنه. تم کتاب جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام فی لیلة الثلاثا ثلثة و عشرین فی شهر رمضان ... ورجائنا منه قبوله... وان یرفع به درجاتنا سنة الالف والمائتین والاربع والخمسین من الهجرة النبویة ... وکتب بیده مؤلفه ... محمد حسن ابن المرحوم الشیخ باقر تغمده الله تعالی برحمته واسکنه مع اولیائه فی جنته انه ذوالفضل العظیم والمن الجسیم و صلی الله علی محمد وآله والحمدلله رب العالمین (بلغ مقابلة و تصحیحاً علی نسخة المصنف متعنا الله ببقائه بمحمد وآله).

(۳۸۱گ) – همان کاغذ وجلد.

اندازه: ۲۰×۳۹ و ۱۲×۱۲/۵ س ۳۳

[۱۴۷۴] **جهة القبلة (رسالة فی تحقیق...)** (عربی)

شیخ بهائی در این رساله از جهت قبله از دیدگاه فقهی گفتگو نمود و سخنان

دانشمندان پیش از خود و گفتار خویش را در آن آورده و روی سخن او با شهید در شرح شرایع و شیخ علی کرکی در شرح قواعد است و از روی اصول ریاضی این مسئله فقهی را حل نموده. در فهرست فاضلیه نسخهٔ نوشتهٔ ۱۰۱۲ (ش ۵۲ ص ۱۱٤) و در فهرست سپهسالار نسخهٔ نوشتهٔ ۱۰۲۰ در سپاهان (ج ۱ ص ٤۱۹ ش ۵۰۵) شناسانده شده و دو نسخهٔ نوشته ۱۰۱۲ و ۱۰۲٤ در طوس هست (ج ۵ ص ٤۲۹-٤۳۰).

آغاز: بسمله. اما بعد الحمد (لله) والصلوة فيقول اقل العباد محمد المشتهر ببهاء الدين العاملي... ان تحقيق حقيقة جهة القبله التي يجب على العبد تحصيلها (والتوجه) اليها من المهمات ليكون المتوجه عارفا في الجملة بحقيقة ما يتوجه اليه ويستقبله.

انجام: فلا يجوز للمصلي استقبال الاجزاء المرجوحة للاشتمال عليها خلافا للمستفاد من تعريفي الشرحين (الشيخين) والله سبحانه اعلم بحقائق الامور. هذا ما خطر بالبال الكثير الاختلال مع ضيق المجال و تراكم الاشتغال والحمد لله اولا و آخرا وظاهرا وباطنا (والحمد لله رب العالمين).

[۱۷۳۹]

۸۲۱ این نسخه ش ٤ دفتر است و بنسخ در گ ۷۰ ب – ۸۱ ب (ص ۸۳۵ همین فهرست)

[۱۷٤۰]

۹۱۸ این نسخه ش ۹ دفتر است و بهمانگونه خط محمد امین قاری در ۲۷ ربیع دوم ۱۰۱٤ در شهر نخجوان که چنین مینویسد: انتهی کلامه دام ظله العالی، قد تمت في سابع و عشرين شهر ربيع الثاني سنة الربع عشر والف من الهجرة في بلدة نخجوان على يد اقل عباد الله الباري محمد امين القاري» گ ۲۱۶ ب – ۲۲۳ الف (بنگرید به ۹۱۸/۲) در برگهای ۲۲۳ ب – ۲۲٤ الف دعاها است و فالنامهٔ خواجهٔ طوسی.

[۱۷٤۱]

۹۸۷ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنستعلیق مانند ش ۲ با عنوانهای درشت تر و با نشانه‌ها و رقمهای شنگرف که بایستی در همان تاریخ ۱۰۶۷ در همان

سپاهان نوشته شده باشد. گ ۱٤۸ ب – ۱۵۲ الف (بنگرید به ۹۸۷/۲).

[۱٤۷۵] حاشیهٔ اثنی عشریه (عربی)

شیخ بهائی در ۱۰۱۲ هنگامیکه گوشه‌ای گزیده بود این حاشیه را بر اثنی عشریهٔ عاملی نگارش ٤ محرم ۱۰۱۰ (ص ۱۷۶۱ همین فهرست) نگاشته است. او این را پس از پرداختن به اثناعشریهٔ صلوة نگارش ۱۷ ع ۱۰۱۲/۱ که از آن بنام «المقالة الاثنی عشریة» (۲۳۸ ب و ۲٤۰ ب) یاد میکند و الحبل المتین خود او (۲٤۲ الف و ۲٤۵ الف) و پس از مرکب عاملی (در یکم محرم ۱۰۱۱) بنگارش در آورده در آن از اربعین و حواشی او بر مختلف (۲۳۹ الف و ب و ۲٤۰ ب) یاد میشود. نسخه‌ای از همین حاشیهٔ اثنی عشریه نوشتهٔ علی بن احمد نباطی عاملی در نیمهٔ روز چهارشنبه ۲۹ محرم ۱۰۱۲ و خوانده بر او بگواهی خود بهائی در ۵ صفر ۱۰۱۲ در طوس هست (فهرست طوس ۵: ٤۰۵).

آغاز: بسمله. الحمد لله على افضاله والصلوة على اشرف الخلائق محمد وآله. هذا ايها الاخوان في الدين ما سألتموه من تعليق حواش وجيزة على الرسالة الشهيدية الاثني عشرية املیتها مع توزع البال واختلال الاحوال لامور توجب للطبع كلالا وللنفس من الحيوة ملالا مشيرا فيها الى ما اعتقده القوي واعتمده في الفتوى متوكلا على عالم السر والنجوى. قوله قدس الله روحه: «ويجب للصلوة الواجبة» اقتصر من الغايات الثلث المشهورة للوضوء الواجب على هذه الغاية.

انجام: قوله: «ولا تسليم فيها» لا وجوبا ولا استحبابا وهذا مما لاخلاف فيه بين علماء الفرقة الناجية الامامية رضوان الله عليهم اجمعين. ولنختم الكلام على هذا فان عند ذكر الصالحين تنزل الرحمة اللهم ارحمنا .... بحق محمد ... وعترته ائمة الامة صلواتك عليه وعليهم اجمعين. فرغت من تعليق هذه الحواشي على الرسالة الاثني عشرية في ايام العزلة المباركة البهية سنة الف واثني عشر من هجرة سيد البرية (تمت الرسالة في بلدة اردبيل في شهر رمضان المبارك سنة اربع عشرة و الف).

[١٧٤٢]

٩١٨ این نسخه ش ١٢ دفتر است و بهمان گونه خط قاری در اردبیل در رمضان ١٠١٤ وحاشیه‌های «منه مدظله» دارد. گ ٢٣٠ ب – ٢٦٠ الف.

[١٤٧٦] حاشیهٔ ارشاد الاذهان (عربی)

الی احکام الایمان

شیخ ظهیرالدین علی بن یوسف بن عبدالجلیل نیلی زندهٔ در ٧٧٧ و نگارندهٔ کافیة الادب فی شرح الخطب در همین سال و منتهی السئول فی شرح الفصول (گزارش ترجمهٔ تازی فصول پارسی خواجهٔ طوسی، نسخهٔ طوس ٤ : ٢٦٠ ش ١٠٤٠) از شاگردان فخر المحققین پسر حلی (٦٨٢–٧٧١) واستاد ابن فهد حلی (٧٥٧–٨٤١) بوده است. این حاشیه از اوست و در آن دارد «قال شیخنا دام ظله فی الایضاح» و باید آنرا پس ٧٦٠ که تاریخ نگارش ایضاح است نوشته باشد. در آن گاهی از استاد خود از پدرش علامه و گاهی از گفتهٔ او و گاهی از روی نوشتهٔ او سخنانی میآورد. نشانه‌های دیگری هم هست و همهٔ اینها میرساند که از املاء فخر المحققین میباشد. گویا نسخه‌ای دیگر از املاء او برای پسرش ابوالمظفر یحیی هم بوده و او آنرا گرد آورده و در فهرستها یاد شده است. این نسخهٔ ما همان گردآوری و نگارش نیلی است (٤٦ ب – ١٠٨ الف) مانند نسخهٔ تاریخ ٩٤٧ طوس (٢ : ٥١ ش ١٦٧ و ٥ : ٤٠٥ – ذریعه ٦ : ١٦).

اینك پاره‌ای از نشانه‌ها که میرساند که نیلی باید از املاء حلی نگاشته باشد: در گ ٤٦ ب درحاشیهٔ بر «ولو عرض الزکوی بمثله للتجارة» دارد: «واختار والدی المصنف قدس الله سره» ودرهامش دارد: «هذا الکلام یدل علی ان هذا الشرح للشیخ فخرالدین ره» نیز درهامش درهمینجا دارد: «قال شیخنا دام ظله ...» و باز دردنبالهٔ عبارتی درهامش که بحاشیه مربوط است دارد: «من املائه مدظله» در گ ١٠٨ الف درحاشیهٔ بر «الاقرب عدم ذلك ...» درنکاح دارد: «کتب من نسخة مکتوبة بخطه مدظله» ودر گ ١٠٦ الف درحاشیهٔ بر «ولیس الرشیدة یزوجها من نفسه» دارد «واختار شیخنا مدظله فی الایضاح ووالده فی القواعد الجواز» ودر حاشیهٔ بر «ولها الاعتراض» دارد «والاقوی عند شیخنا فی الایضاح ما اختاره المصنف وهو الاعتراض» وعبارت «من املائه مدظله» در ٤٩ ب و ٥٠ الف هم دیده میشود. از عبارتی که در گ ١ الف آمده برمیآید که فاضل هندی از این حاشیه بسیار آورده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله العظیم الشأن القدیم الاحسان وصلی الله علی رسوله المبعوث باشرف الادیان و آله المخصصون بالکرامة من الرحمن. وبعد فهذه حواشی علی کتاب ارشاد الاذهان فی احکام الایمان. قوله: الحمدلله الی آخره. الحمد هو الثناء علی الفعل الجمیل الاختیاری من نعمة وغیرها یقال حمدت الرجل علی حسنه وشجاعته.

انجام: قوله: وتستوفی الدیة فی الخطاء وشبهه ولیس العفو عنها وقال ابن ادریس العفو عنها و منع الشیخ و ابن الجنید و ابن البراج من ذلك وهو مشهور بین الاصحاب والحمدلله وحده و صلواته علی سیدنا محمد النبی و آله الطاهرین – تمت الحواشی التی علی الارشاد المنقولة عن الشیخ الامام العلامة ملك المحققین قدوة الافاضل المعاصرین السعید المغفور فخر الملة والدین محمد ولد الشیخ السعید جمال الملة والحق والدین الحسن بن یوسف ابن المطهر المصنف قدس الله روحیهما وفرغ من کتابتها العبد الفقیر الی الله تعالی حسین بن حسن السبعی الاسترابادی فی یوم الاحد وقت الضحی غرة محرم الحرام من سنة سبع و ثمانین و سبعمائة هجریة وقد بلغ عمره فی هذا الیوم اثنین وستین احسن الله خاتمته بالخیر وحشره مع النبی وذریته سلام الله علیهم اجمعین وذلك بالمشهد الشریف الغروی سلام الله علی مشرفه وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین – هذا آخر ما وجد مکتوبا بنسخة الاصل من غیر زیادة ولا نقصان والحمدلله الکریم المنان و صلی الله علی سیدنا محمد النبی و آله – هکذا وجدت فی نسختی التی تممت نواقص هذا الکتاب منه وهی مکتوبة فی سنة ٢٩ بعد الالف. حرر ذلك العبد فقیر ربه محمد الموسوی عفی عنه فی ٢٠ شهر رجب سنة ١٢٥٩ والحمدلله.

[۱۷۴۳]

۷۹۸ این نسخه بنسخ و نستعلیق است بارهای از آن (گ ٦تا ١٨ و ٩١ و١٥١ و١٥٢ تا ٢٢٣ بجز برگهائی درمیانهٔ عینها) درخط و کاغذ هردو کهنه است و نویسندهٔ این بخش حسینبن حسن سبعی استرابادی میباشد که درروز یکشنبه نیمهٔ روز ١ محرم ٧٨٧ در٦٢ سالگی خود در نجف بانجام رسانده . محمد موسوی در ٢٠ رجب ١٢٥٩ ازروی نسخهٔ تاریخ ١٠٢٩ آنرا کامل نمود .

درگ ٦ الف بخط کهن درهامش دارد «بلغ قبالا» در ١ الف خط دارندهٔ نسخه محمدبن سیدزینالعابدین ودیگری درشوال ١٣٧ (١٠٣٧) با مهر «الواثق باللهالصمد محمدبن محمد» دیده میشود

(٢٢٩گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج زرد مقوائی درون تیماج مشکی

اندازه : ١٥/٥×٢۴ و ١٠×١٨/٥ س ٢٥ و ٢٧

[١٤٧٧] حاشیهٔ ارشادالاذهان الی (عربی)

احکامالایمان

محقق علیبن الحسینبن عبدالعالی کرکی (٩٤٠) این حاشیه را برارشاد حلی دردو جلد نگاشته است (تنکابنی ص ٢٤٩) . نگارندهٔ ذریعه (٦ : ١٥) از نسخههای بانجامرسیدهٔ تاریخ ٩٧٧ درقزوین و تاریخ ٩٦٨ (نیز ١٠٢٠ سپهسالار ١ : ٣٩٦) و ٩٤٤ (طوس ٢:٢ ٥١ ش ١٦٦ درست مانند نسخهٔ ما) یاد میکند واز دونسخهٔ کامل طوس تاریخهای ٩٤٧و٩٧٦ (٢:٢-٥١ ش١٦٧و ١٧٠) - ازفهرست طوس (٥ : ٤٠٥) برمیآید که نسخهٔ تاریخ ٩٤٧ ش ١٦٧ حاشیهٔ ظهیرالدین علی نیلی است نه از کرکی و نسخهٔ ش٩٠٤ بی تاریخ آنجا از کرکی و کامل میباشد .

آغاز : بسمله . وبهنستعین (الحمدللهرب العالمین .. قوله : فان السهو) كالطبيعة الثانية انما قال كالطبيعة لان الطبيعة امر وجودي والسهو امر عدمي لانه زوال المعنى عن الحافظ فلم يكن طبيعة لامحالة وانما شبهه بطبيعة ثانية لمخالفته الطبيعة الحقيقية وكانه طبيعة ثانية لها .

انجام : قوله : ويجوز الجمع بين مختلفين : كبيع واجارة و نكاح وسلف بعوض واحد. مثال النكاح مع السلف زوجتك فلانة وبعتك قفيز حنطة موصوفا مؤجلا الى شهر بدينار ... و كرهه الشيخ في الخلاف (تمت الحاشية الارشاد للشيخ المحقق المدقق محيي مراسم شرع النبوي خاتم المجتهدين علي بن عبدالعالي اعلى الله تعالى قدره في اعلى عليين على يد المذنب جعفر علي في ٢٠ شهر شعبان المعظم سنة ١٠٢٦) .

[۱۷۴۴]

۷۸۵ این نسخه ازآغاز تا بیع و بخط نستعلیق است و عنوان «قوله» پشنگرف ودرپایان جای آن سفید گذارده شده وجعفر علی در ٢٠ شعبان ١٠٢٦ آنرا نوشته است . درگ ١١٨ الف مهر محمدبن الحسین سه بار زده شده و کسی مینویسد که آنرا ازطوس بسال ١٢٦٠ خریدهام ودیگری مینویسد که چون دیدم نسخهٔ درستی است یک سوم و یک دوم روپیهٔ محمد شاهی آنرا خریدم و این ازلطف امام هفتم است ـ صفحهٔ نخست خط تازهتری است .

(١١٨گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج مشکی .

اندازه : ١٤×٢٠/٥ و ٧/٥×١٣/٥ س ١٨

[١٤٧٨] حاشیهٔ الفیه (عربی)

محقق کرکی برالفیهٔ شهید یکم این حاشیه را نوشتهاست (ذریعه ٦:٤٢٦ - طوس ٢:٢ ٥٣ و ٨٤ و ٨٦ ش ١٧٦ و ٢٧١ و ٢٧٥) کرکی دراین حاشیه میگوید که من گزارشی هم برآن نوشتهام (روضات ٣٩٢ - کنتوری ٣٢٤) (١)

١ـ دفتری درچاپخانهٔ میرزاحبیبالله تهرانی بکوشش حاج شیخ احمد شیرازی بسال ١٤ـ١٣١٢ در ٢١٠ + ١٧٨ + ١٠ ص وزیری بچاپ سنگی رسیده و درآن این کتابها هست :

المقاصدالعلية في شرح الالفية ازدوشهید ص٢ـ٢١٠ ، الفوائدالملية في شرح النفلية ازدوشهید ص ٢ـ١٤٦ ، حاشیهٔ عاملی برهمین الفیه نگارش روزپنجشنبه ٢٤ صفر ٩٩٧ در ص ٣٦ـ٢١٠ که با نسخهٔ شاگردش برابرشده و آن نسخه را هم همان شاگرد ازاستاد شنیده بود تا تاریخ چاشت روزپنجشنبه ١٣ ج ٩٩٧/١ ، حاشیهٔ محقق کرکی بر همین الفیه (تاریخ نگارش اودراینچاپ نیست) ص٢ـ٢١٠ ، المسالك الجامعية في شرح الالفية ازشمسالدین محمدبن علی بن جمهور احسائی درهامش دوعی ص ٢ـ١٧٨ .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمين ... قال سيدنا العلامة .. على بن عبدالعالى مابرح ظله ... ممدوداً .. شارحاً للرسالة الالفية فى فرض الصلوة اليومية للعلامة .. الشهيد ... يحتوى على النكات اللطيفة .. بل مبتكرات لم يسبق بها اذهان المتقدمين ولم تخطر على افكار المتأخرين : قوله : « الحمدلله » هو الثناء على الجميل من نعمة وغيرها وقيل بل (على) الجميل الاختيارى ليخرج عنه المدح على حسن الصورة ... (چاپى) .

انجام : بل يعرض ظن الموت المقضى لكون التأخير تعزيراً بالمنذور (چاپى)
تمت هذه النسخة الشريفة يوم الاحد من ثمان و عشرين شهر ذى الحجة الحرام سنة خمسين و تسعمائة فى مشهد امام الثامن على بن موسى الرضا عليه وعلى آبائه واولاده من الصلوات اكملها و من التحيات اتمها على يد افقر عباد الله الغنى ابراهيم بن عبدالواحد بن ابيطالب بن محمد الحسينى المدنى عفاالله تعالى عنهم بحق محمد و آله اجمعين الطيبين الطاهرين (نسخهٔ ما) .

[١٧٤٥]

٨٧٢ این نسخه ش ٤ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ روز یکشنبه ٢٨ ذیحجه ٩٥٠ دهسال پس از مرگ کرکی از ابراهیم بن عبدالواحد... حسینی مدنی گ ٥١ الف – ٨٤ ب و چنین آغاز میشود : « فى الدوام خاصه الکن لايحسن منه ذلك ... » برابر با س ٨ گوشهٔ راست ص ١٢٤ چاپى و دنباله حاشیهٔ کرکی است بر عبارت شهید بکم : « وقوله وعدم » بدینگونه : « بالجر عطفاً على عقاه .. » و در ص ٤ از پایین در گوشهٔ راست ص ١٢٢ همین چاپ .

[١٧٤٦]

٩٣١ این نسخه ش و در هامش ش ١ است با نشانه « ع ل » و بخط نستعلیق میباشد و چنین است « قوله : (الحمد) هو الثناء على الجميل من نعمة وغيرها » تا اینکه میرسد به « قوله : وصلوة الاحتياط ، لانها انما وجبت بسبب الشك ... قوله : عن المقضى ، هذا جواب سؤال مقدر تقديره ان القضا فعل صلوة الاداء فى خارج الوقت وهى واجبة ... فاشبه النذر فذالك ادخل فى شبهه ، ع ل » .

[١٤٧٩] حاشيةُ الفيه (عربى)

نگارندهٔ مدارك سید محمد بن على بن حسين بن ابى الحسن موسوى حسينى عاملى (م ١٠٠٩) این حاشیه‌ها را بر الفیهٔ شهید یکم برای شاگردان املا نموده و در کربلا نیمهٔ روز پنجشنبه ٢٤ صفر ٩٩٧ آنرا بپایان رسانده . شیخ حسن بن جمعة بن على زيدى نجفى نسخه‌ای از آن در ١٢ رجب ١٠٠٢ نوشته و بر عاملی خوانده بود و او هم بر آن در روز چهارشنبه ٩ رجب ١٠٠٧ چنین گواهی را داده است . (ذریعه ٦ : ٢٥) این حاشیه با گزارشهای الفیه و نفلیهٔ دو شهید و حاشیهٔ الفیهٔ کرکی و حاشیهٔ نفلیهٔ احسائی (ص ٣٦–٢١٠) بچاپ سنگی رسیده و در اینچاپ با نسخه‌ای مقابله شده که بخط شاگرد عاملی بوده و بر او خوانده بود و او هم این گواهی را بدینگونه نوشته است :

« انهاه احسن‌الله توفيقه و تسديده واجزل من كل خير مزيده سماعاً محرراً وذلك نهار الخميس الثالث عشر من شهر جمادى الاول من شهور سنة سبع و تسعين و تسعمائة و كتبه مؤلفها العبد المفتقر الى الله محمد بن ابى الحسن الحسينى حامداً مصليا مسلما » (ص ١٨٥٩ همین فهرست)

آغاز : بسمله . و به نستعين . الحمدلله حمداً كثيراً كما هو اهله والصلوة على سيدنا محمد و آله . قوله : موجبات الوضوء احدعشر – المراد بموجبات الوضوء هنا ما تناول الموجبة للوضوء خاصة وله مع الغسل .

انجام : و كذا الكلام فى سائر الواجبات الموسعة والله الموفق . هذا آخر ما اردنا املاءه على هذه الرسالة جعل‌الله تعالى خالصا لوجهه الكريم وسبباً لثوابه الجسيم وفرغ من تأليفها ... محمد بن على بن ابى الحسن الحسينى تجاوزالله عن سيئاته وحشره مع ائمته وساداته (ضحى نهار الخميس الرابع والعشرين من شهر صفر ختم بالخير من شهور سنة سبع و تسعين و تسعمائة من الهجرة الطاهرة على مشرفها افضل الصلوة والسلام و ذلك فى المشهد المشرف مشهد سيد الشهداء وخامس اصحاب العباء عليه وعلى آبائه وابنائه افضل الصلوة والتسليم – چاپى) – اتفق الفراغ

من كتابة هذا الاملاء الشريف بيد العبد المفتقر الى غفران الله عزوجل ميرزا حسين بن محسن الحسيني ستر عيوبهما وغفر ذنوبهما في ضحى يوم الاحد ثاني و عشرين من شهر صفر ختم بالخير والظفر سنة خمس وثلثين والف من الهجرة النبوية اللهم اغفر لكاتبها وقاريها وجميع المؤمنين والمؤمنات بالنبي و آله الابرار الاطهار .

[۱۷۴۷]

این نسخه بخط نستعلیق است و عنوان «قوله» بشنگرف و میرزا حسین بن محسن حسینی دو نیمهٔ روز یکشنبه ۲۲ صفر ۱۰۳۵ آن را نوشته است حاشیه‌هائی بر آن هست از «علی نقی» و دیگران و از شرح قواعد و لؤلؤیان و دروس و از خود عاملی با نشانه‌های «منه» و «منه قدس سره» .

(۳۸گ) سه کاغذ ترمه سه جلد تیماج مشکی ساده
اندازه : ۱۳×۱۹ و ۶×۱۴ س ۲۰

[۱۴۸۰] حاشیهٔ جعفریه (عربی)

این حاشیه که در بارهٔ عبارتی از جعفریهٔ محقق کرکی است (۱۳۳ الف ۸۷۲/۷) گویا از خود اواست و پس از سه بحث مطلب در آن روشن میگردد .

آغاز : قوله في الجعفرية في صلوات الآيات مشيراً الى الوقت : « فان قصر لم تجب الا الزلزلة ومن ثم تكون اداء مدة العمر مع ان الوجوب فوري جمعا بين التاقيت واعتبار سعته للفعل » فقه المسئلة يتم بمباحث . الاول : لاريب انه يشترط للعبادة الموقتة اتساع الوقت .

انجام : لان العمل ببعض و اطراح بعض فيه مع الترجيح بغير المرجح ابطال الدليل بغير سبب يقتضيه وهو معلوم البطلان (مما افاده مد الله ظله العالي الى يوم القيام) .

[۱۷۴۸]

این نسخه ش ۷ دفتر است و بنستعلیق روشن با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که در روزگار محشی نوشته شده است گ ۱۳۵ ب ـ ۱۳۶ الف . در گ ۱۳۶ ب عبارتیست از کرکی بدینگونه :

بسمله . صيغة استيجار الحج من املاء شيخنا و شيخ الاسلام والمسلمين خاتم المجتهدين علي بن عبد العالي تغمده الله غفرانه واسكنه بحبوحة جنانه هذا : اجرتك نفسي لاحج عن فلان حج الاسلام ، حج التمتع بان احرم بالعمرة من الميقات وا كمل باقي افعالها في اما كنها ثم احرم بالحج من مكة وا كمل باقي افعاله في اما كنها واضيف الى ذلك زيارة النبي صلى الله عليه و آله والائمة عليهم السلام بالبقيع و صلوة ركعتي الزيارة بكذا . فيقول المستأجر قبلت . وانا العبد الراجي : ع . عفي عنه . اللهم ارزقنا زيارة بيت الله الحرام و زيارة النبي و فاطمة الزهراء والائمة الاثنى عشر صلوات الله عليهم اجمعين عني و عن جميع المؤمنين والمؤمنات عاجلا آمين يا رب العالمين . تمت . العبد عبد الله بن عطاء الله الخادم القمي عفي عنهما بالنبي والوصي .

عدد مسائل المختصر والارشاد والشرائع والقواعد هذا .

مختصر	ارشاد	شرائع	قواعد
۹۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۴۱۰۰۰

[۱۴۸۱] حاشیهٔ روضهٔ بهیه (عربی)

ابوطالب بن میرزا بیك موسوی فندرسکی گویا نوادهٔ میر فندرسکی (ذریعه ۶ : ۹۱) بر روضهٔ بهیه یا شرح لمعه این حاشیه را نوشته است و آن در نسخهٔ ما دیباچه است و پاره‌ای از طهارة .

آغاز : بسمله : الله احمد اذ اليه يرجع كل جميل و كمال وإياه اشكر اذ عنه يفيض كل عطاء ونوال ... فيقول ... ابوطالب بن ميرزا بيك الموسوي الفندرسكي اني لما وجدت ... الروضة البهية لشارح كتاب الملة والدين ... زين الملة والحق والدين ... كلدرج اللؤلؤ من طرائف اللطائف الفاخرة ... لكنه لا يطلع على مقاصده من العلماء الا واحد بعد واحد ... فاحببت ان ارقم فيها رقيمة ترفع ستائره وتوضح سرائره .. فشرعت فيها سائلا من (الله) عزوجل ان ... يجعلها ذريعة الى الفوز بالمعارف لمن هو به صالح سيما ولدي شرفخان محمد ومحمد ابي صالح .

انجام : لانهما اي الراس والرقبة فيه اي في الغسل واحد لعدم انفكاك غسل كل منهما عن غسل الآخر في الاغلب ولا ترتيب في نفس اعضاء الغسل بان يبين في الجانب الايمن مثلا .

[۱۷٤۹]

۸۷٤ این نسخه ش۱دفتر است و بخط شکسته نستعلیق میباشد. فهرست شمارههای آن در۱ الف هست. گ ۱ ب ـ ۷۲ ب و بانجام نمیرسد.

[۱٤۸۲] حاشیهٔ شرائع الاسلام (عربی)

شیخ مرتضی انصاری شوشتری این حاشیه را نگاشته است.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی اشرف الانبیاء محمد و آله المعصومین الطاهرین. قوله: والفصل الخامس فی صلوة السفر، قال الله تبارك وتعالی فی الثلث الاخیر من سورة النساء: واذا ضربتم فی الارض ... الذین کفروا. الآیة. ووردت فی صلوة السفر کما صرح به الاردبیلی فی آیات الاحکام و کذا الفاضل المقداد فی کنز العرفان.

انجام: و کیف کان فحکمه ما عرفت من غیر اشکال. هذا آخر ما اشرنا من صلوة المسافر من کتاب شرایع الاسلام (عن النجم القمقام والبدر التمام شیخنا المرتضی واستادنا المقتدی اعلی الله مقامه تمت استکتاب الکتاب الشریف علی یدی اقل الطلبة محمد شفیع بن محمود الارومی فی ۲۷ شهر ذی قعدة الحرام سنة ۱۳۱۰ التمس الدعاء من القارئین).

[۱۷۵۰]

۷۵۷ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف و متن پس از «قوله» زیر خط سرخ و محمد شفیع بن محمود ارومی در ۲۷ ذیقعدهٔ ۱۳۱۰ آنرا نوشته است.

از کتابخانهٔ ضیاءالدین نوری بوده است.

(۳۷۰ر) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه: ۱۵/۵×۲۱ و ۹×۱٦ س ۲۴

[۱٤۸۳] حاشیهٔ قواعد (عربی)

حاشیه ایست از ضیاءالدین عبدالله بن الاعرج حسینی بر ملحقات تدبیر قواعد الاحکام

حلی و پارهای از وصایا و میراث. در ذریعه (ج ٦) از این حاشیه یاد نگشت.

آغاز: بسمله. الحمدلله القدیر والصلوة علی نبیه محمد ... و بعد فان المسائل من کتاب القواعد من ملحقات التدبیر متعذرة الفهم علی غیر ذی الفطنة والتدبیر وقد املیت هذه اللمعة مفسرة باوضح تفسیر معبرة عن معناها بافصح تعبیر ... شرح الحاق التدبیر من کتاب القواعد. قوله دام ظله: ولو دبره مریضاً ثم باعه ... اقول: اما دخول الدور فظاهر.

انجام: قوله دام ظله اما لو اجاز الآخر صحت اجازة المریض من الثلث بقیمته الان قطعا. لو اجاز الآخر اعنی الوارث الصحیح نفذ العتق فی صحیحه ... فلو لم یجز لم ینفذ العتق فی شیء من نصیبه علی ما اخترناه والله اعلم. فرغ من تسویده عبدالله بن الاعرج الحسینی منتصف لیلة الاربعاء سابع جمیدی الاول من سنة اربع و عشرین و سبعمائة الهلالیة حامدالله تعالی مصلیاً علی نبیه محمد المصطفی و آله الطاهرین.

[۱۷۵۱]

۷۰٤ این نسخه ش ۲ دفتر است و در گ ۲۵٤ ب ـ ۲۵۷ الف. خط آن نسخ ریز و کهن و گویا خط همان نگارندهٔ حاشیه میباشد.

[۱٤۸٤] حاشیهٔ قواعد (عربی)

حسین بن عبدالصمد عاملی در پاسخ خرده گیری دو شهید و شیخ علی از گفتهٔ علامهٔ حلی در قواعد در پایان مبحث اقرار این حاشیه را نوشته است.

آغاز: بسمله. قال العلامة فی القواعد فی اواخر مباحث الاقرار: ولو اقر بزوج لذات الولد اعطاه ربع نصیبه والا النصف. هکذا وقعت عبارة القواعد والشرایع واعترضها شیخنا الشهید فی حواشیه علی القواعد وتبعه الفاضلان: الشیخ علی فی شرحه علی القواعد والشیخ زین الدین فی حواشیه.

انجام: و احکام ما اذا اقر الوارث بزوجه یعلم عند التأمل بالمقایسة الی

ماتقرر . هذا هوالتحقيق . والله ولى التوفيق (نقلت هذاالنوع اللطيف من خط محرره الشيخ الفاضل الكامل المحقق المدقق افضل العلماء فى زمانه الشيخ حسين بن عبدالصمدالحارثى العاملى فى اواخر شهر ربيع الثانى سنة اربع عشر و الف فى بلدة نخجوان و كتب لاقل البارى محمد امين القارى)

[۱۷۵۲]

۹۱۸ این نسخه ش ٦ دفتر است و بهمانگونه خط شمارهٔ پیش در نخجوان بسال ۱۰۱٤ از محمد امین قاری که از روی خط شیخ حسین عاملی نوشته است گ ۱۸۷ ب ـ ۱۸۹ الف (بنگرید به ۹۱۸/۲) .

[۱٤۸۵] حاشیهٔ قواعد (عربی)

شیخ بهائی دربارهٔ عبارتی از کتاب طهارهٔ قواعد این حاشیه را نوشته است (طوس ۲ : ٤٥ ش ۱٤۸) درذریعه (۷ : ٦٦) همین حاشیه بنام « حل البحث » یاد شده است .

آغاز : بسمله . حمداً لك یامعین وصلوتك على نبيك وآله اجمعين يقول . . . بهاءالدين محمدالعاملى : هذا حل لطيف لعبارة معضلة فى قواعدالاحكام قداعيت الفحول الاعلام . . . قال طاب ثراه . ولو كان الاخلال بعضو من طهارتين فى جملة خمس طهارات رافعة .

انجام : مع ان المسافر يتعين عليه الاطلاق فى الثالثة كماعرفت ولايجوزله التعيين لعدم براءة ذمته به . والله ولى التوفيق . (تمت)

[۱۷۵۳]

۹۱۸ این نسخه ش ۱۳ دفتر است و بهمانگونه خط قاری با نشانههای شنگرف وبا حاشیههای «منه» و «منه مدظله» گ ۲٦۱ ب ـ ۲٦۵ ب .

[۱٤۸٦] حاشیهٔ مجمع الفائدة والبرهان (عربی)

این حاشیه که درنسخهٔ ما هیچ نام و نشانی ندارد و گمنام و بی نام میباشد

ازمیانههای آن برمیآید که حاشیهٔ برشرحی است (۱۵۹ ب و ۱۸۸ الف و ۱۹۸ الف) ودرآن ازشرائع با نشانه « یع » (۲۲۸ الف) و ازشهید دوم (۱٦۳ ب) ومسالك او (۲۱۹ الف) و « صاحب د ح یع » (۲۱۰ ب) و از محقق شیخ علی (۱۹۰ ب) و بدایهٔ شیخ حر (۲۰۰ الف و ۲۱۳ ب) یاد میشود پس باید پس از حر عاملی بنگارش در آمده باشد . باز از آن برمیآید که محشی را حاشیهایست هم برمدارك(۱۵۹ ب)وهم برذخیره واودربارهٔخودمیگوید «حواشينا على المدارك والذخيرة » (۲۷٦ ب) وهمچنین دارد « تعليقاتنا على الميرزا » (۲۵۹ ب) .

درمیانه کسانیکه برمدارك وذخیره هردو حاشیه دارند درذریعه (٦ : ۸۵ و ۱۹٦) ازدو کس یاد شده یکی مؤسس و مروج آیةالله استاد اکبر وحیدآقا محمد باقربن محمد اکمل سپاهانی فارسی بهبهانی (م ۱۲۰٦) دشمن اخباریان وصوفیان؛ دیگری مولی محمدبن عبدالفتاح سراب تنکابنی(م۱۱۲٤)دردریحانةالادب (۲ : ۱۷۹) ازاین سراب حاشیهای برمجمع الفائده اردبیلی یاد نگشت . درذریعه (٦ : ۱۰۹) ازدودانشمند یادشده که براین مجمع الفائدة حاشیه نوشتهاند یکی امیر رفیع الدین محمدبن حیدر طباطبائی نائینی (م ۱۰۸۲) دیگری همین بهبهانی که از آغازمتاجر است تاپایان قضاء و نزدیک ده هزار بیت و آغاز آن « الحمدلله رب العالمین » است ونسخههای آنرا تهرانی درعراق دیده است . این نسخهٔ ما ازنائینی نخواهد بود بلکه از بهبهانی است . چه در آغاز آن همان عبارتها هست و اوست که تعلیقهای برمنهج المقال میرزا محمداسترابادی (م ۱۰۲۸) نگاشتهاست (ذریعه (٤ : ۲۲۳ و ٦ : ۲۲۵) خوانساری درروضات (ص ۱۲٤) وتنکابنی درقصص (ص ۱٤٦) مینویسند که حاشیهٔ بهبهانی برمجمع از آغاز متاجر تا پایان کتاب است (نیز ریحانةالادب ۱ : ۲۲) ولی این را باید گفت که او برپارهای از شرح ارشاد اردبیلی حاشیه نوشتهاست . نخستین بندیکه اودراین حاشیه ازاین شرح میآورد در س ۵ گ ۳٤۱ ب ش ۷٤۲ این کتابخانه که همان چاپ ایران است دیده میشود ودومین آن در س ٦ گ ۳٤۲ الف و سومین بند در س ۱۵ همین برگ هست .

همهٔ اینها در آغاز متاجر میباشد. درپایان آن باز پسین بندیکه میآورد از شرط ه قصاص (مطلب ه) از کتاب القصاص میباشد که در س ۹ گ ۳۰۵ ب همین چاپ دیده میشود. بند پیش از آن در س ۱ گ ۵۰۳ ب درهمینجا و بند پیش از این یکی در س ۱۹ گ ۴۳۴ ب و بند پیش از این در س ۴ گ ۴۳۴ الف هر دو از مقصد سوم مطلب اول کتاب القضا دیده میشود (۱) بهبهانی در آن از مسئله‌های کلی کاوش نمود چنانکه درهامش نسخهٔ ما عنوانهائی دیده میشود بدینگونه «اقسام التجارات والكسب ـ الصرف ـ اجرة الحجام.. تعليم القرآن ـ استحلاف المدعى مع البينة اذا كان الدعوى على الميت ـ عدم خروج العبد عن ملك المولى بمجرد الجناية».

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين. قوله ـ و يدل عليه ايضا الآيات والاخبار الكثيرة جدا آه. فى الفقه الرضوى: اعلم يرحمك الله ان لكل مايعمله العباد من اصناف الصنائع... فحلال كله تعليمه والعمل به واخذ الاجرة عليه.

انجام: فما لولى الجناية الا الدية اه. مقتضى هذا انه ان باع المولى عبده لكونه ماله ولعدم خروجه عن ملكه بمجرد هذه الجناية يكون للمشترى ايضا ان يؤدى الدية... ثم لايخفى ان لكل واحد من المشتريين ان يسلم نفس العبد وليس له الرجوع الى البائع كما فى صورة اعطاء الدية (انتهى كلامه رفع الله تعالى مقامه والحمدلله رب العالمين والحمدلله رب العالمين قد تم على يد الاحقر الافقر غلامحسين فى سلخ رجب المرجب فى سنة ۱۲۷۴).

[۱۷۵۴]

۷۷۰ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ و روی متن پس از «قوله» خط کشیده شده و عنوانهای مسئله‌ها درهامش دیده میشود. جای «قوله» درپایان رمزی گذارده شده است. غلامحسین گلپایگانی درپایان رجب ۱۲۷۴ آنرا نوشته است. گ ۱۵۴ ب ـ ۲۸۵ ب.

(۱) ـ چنین بود سرگذشت شناختن من این حاشیه را که دیری دربارهٔ آن جستجو کردم و ناگزیر شدم که همهٔ آنرا بخوانم تا اینکه با این نشانه‌ها و با سنجش با آنچه درفهرستها آمده و آگاهیها که خودم داشته‌ام توانستم این حاشیه گمنام بی‌نام را بشناسانم.

[۱۴۸۷] حاشیهٔ مختصر نافع (عربی)

شهید دوم دراین حاشیهٔ کوچك پاره‌ای از نکته‌ها را آورده است (ذریعه ۶: ۱۹۳).

آغاز: (حاشیهٔ مختصر نافع) بسمله. قوله: «وحصرت» يقال حصر الرجل يحصر حصراً مثل تعب يتعب تعبا (از دیباچه).

انجام: قوله: «وللثانى ثلث الدية» الخ. وظاهر كلامه دية الثانى على الاول.. الاقوى انها لاتحمل مانقص اومن نصبه للحكومة عموماً او خصوصا. (تمت الحاشية لخاتم المجتهدين قدس الله روحه الشهيد الثانى شيخ زين الدين على النافع).

[۱۷۵۵]

۱۰۹۵ این نسخه بخط نستعلیق است با عنوانهای «قوله» بشنگرف میباشد. حاجی احمد در ۱۲۹۱ دارندهٔ نسخه بوده است خط و مهر او در ۱ ب هست.

(۷۵ گ) ـ کاغذ نرمه ـ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه: ۱۹×۱۴/۵ و ۱۲/۵×۹/۵ س ۱۴

[۱۴۸۸] الحبوة (رسالة ...) (عربی)

شهید دوم دراین نامه با روشی منطقی از «حبوه» که از مسئله‌های ارث درفقه شیعی است گفتگو نموده و آنرا درروز سه شنبه ۲۵ ذی حجهٔ ۹۵۶ بانجام رسانده است (طوس ۲: ۴۸ و ۵: ۴۳۱) درذریعه (۶: ۲۴۱) از چندین رسالهٔ حبوه ازدانشمندان شیعی یادشده که یکی همین است و آن با الحق المبين وفاروق الحق در ۱۳۱۹ بچاپ سنگی رسیده است.

آغاز: بسمله الحمدلله الذى حبانا بدينه القويم وهدانا الى الصراط المستقيم... و بعد فهذا تحقيق لمسئلة مهمة تعم به البلوى للمكلفين وليس لتحقيق مباحثها

مظنة يرجع اليهامن يحتاجهامن المضطرين وذلك لانفرادالاصحاب بحكمها دون غيرهم من المسلمين فلم يعم الفكر فيها سائر العلماء الباحثين وهي مرتبة على ستة مطالب دائرة على ست كلمات مفردة وهي ما و كم وهل ومن و كيف ولم .

انجام : لكثرة مايردعليهامن الشبهات بحيث لايكاد يسلم منهافرد من افرادها كما قد عرفت . والحمدلله تعالى حق حمده ــ وفرغ منهامؤلفها .. زين الدين بن علي بن احمد الشامي العاملي . . . يوم الثلث الخامس والعشرين من شهر ذي الحجة الحرام عام ست وخمسين وتسعمائة حامدالله تعالى مصلياً على رسوله وآله مسلماً مستغفرا (نسخهٔ چاپی بدينجا ميانجامد : فلابد ان يخصها من الدين شيء قضية للتعلق الشايع)

[۱۷۵۶]

۷۷۰ اين نسخه ش ٤ دفتر است و بهمان خط ش ۳ نوشتهٔ غلامحسين گلپايگانی در ۱۲۷٤ ميباشد . گ ۲۸٦ الف ــ ۳۰۰ الف .

[۱٤۸۹] حج (رسالة ...) (فارسی)

اين نامه چنانكه درفهرست طوس (۲ :٤۹ ش۱٦۳) نوشته شده ازملااحمدبن محمد افشار مقدس اردبيلی (ﻫ صفر ۹۹۳ در نجف) ميباشد ودر آن دستوراعمال حج باندازهايكه مقلدان را بكارآيد آمده است .

آغاز : بسمله . و به نستعين . الحمدلله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطاهرين (اجمعين امابعد ــ طوس) بدانكه چون كسی متوجه مكه معظمه شود بقصد گذاردن حج واجب بايد كه درحين بيرون رفتن از منزل خود نيت كند .

انجام : ونيت چنين كند كه دور كعت نمازطواف وداع خانه ميگذارم از برای رضای خدای تعالی پس بيرون آمده متوجه شود . والله اعلم بالصواب .

انجام نسخهٔ طوس چنين است : وچنانچه فقهارحمهم الله بيان كردهالله، واين را درنسخهٔ اين كتابخانه نديدهام .

[۱۷۵۷]

۸۷۸ اين نسخه ش ٦ دفتر است وبخط نستعليق درجدول لاجورد ميباشد (گ ۷۳ب ــ ۷۷ الف) .

[۱٤۹۰] حج (رسالة ...) (عربی)

ميرزای قمی (۱۱۵۱–۱۲۳۱) دردومقالهٔ اين رساله از احكام فقهی حج ياد نمود و درمقدمهٔ آن بيشتر از روی اخبار از حكمتهای دينی آن و در خاتمهٔ ازوظيفههای قلبی آن از گفتهٔ «بعض الكاملين» باتأويلی عارفانه گفتگو داشتهاست . (اعلام الشيعه ۲ : ٥٦) «مقدمهٔ اين رساله دراهميت حج ومقالهٔ نخستين آن دراعمال عمرهٔ تمتع درچهار فصل و دومی دراعمال حج و خاتمهٔ آن دروظائف حج قلبی ميباشد .

آغاز : بسمله . نحمدك اللهم يامن شرع لنا مسالك الاحكام و شرع لنا مناسك حج بيته الحرام ونشكرك على مافضلتنا به من فضائل الاكرام وغمرتنا به من جلائل الانعام ... وبعد فهذه جملة كافلة ببيان واجبات الحج والعمرة ونبذة من سننهما الفعلية واذكارهما اللفظية ووظائفهما القلبية حاولت فيها بسط اللفظ وسهولة المعنی ... ورتبتها على مقدمة ومقالتين وخاتمة .

انجام : ولنقتصر على ما اوردناه سائلين ممن انتفع به ان يشر كنافی دعائه وتوجهاته جمعناالله واياكم على طاعاته وتقبل مناومنكم بفضله و كرمه (تمت) .

[۱۷۵۸]

۸۵۲ اين نسخه ش۱ دفتر است وبخط نستعليق ميباشد وحاشيه هم دارد . گ ۱ ب ــ ۲۵ ب . در ص ۱٤۵ و ۸۷٤ همين فهرست از شمارههای ديگر اين دفتر ياد شده وبآن شماره ۸۵۲ داده شده ودرست نيست .

[۱٤۹۱] الحج المتمتع به (رسالة في ...) (عربی)

اين رساله ازفخر المحققين است كه درمدرسهٔ صاحب الزمان حله در ۷۵۵

نگاشته است . در آن دو فصل است نخستین دارای چهار بحث و دومی دارای هشت بحث میباشد .

آغاز : هذه رسالة فی الحج المتمتع به و واجباته للشیخ العلامة فخر الدین محمد بن المطهر الحلی طاب ثراه (گ ۷۸ الف) الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سید المرسلین محمد و آله الطاهرین و بعد فهذه رسالة تشتمل علی الواجبات فی الحج المتمتع به عملتها التماسا لبعض الفضلاء متقربا الی الله تعالی (برگ از بالا بریده شده و کاغذ بآن چسبانده‌اند و گویا اندکی از آغاز رفته باشد که همان بسمله باشد).

انجام : وانما یجوز النفر الاول بعد الزوال لاقبله . والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا دائما جسیما ووقع الفراغ منه بمدینة الحلة بمدرسة صاحب الزمان علیه (السلام) ۷۵۵ (بلغ المقابلة ـ هامش) .

[۱۷۵۹]

۱۰۲۲ این نسخه ش ۳ دفتر است و نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و سید حیدر آملی آنرا نزدیك ۷٦۱ نوشته است . گ ۷۸ الف ـ ۸٤ ب . حاشیه‌هائی ریزتر و بهمین خط با نشانهٔ «ه» هست .

[۱٤۹۲] حدود و تعزیرات و دیات و قصاص (فارسی)

مجلسی دوم این نامه را در دو بخش نگاشته نخستین در حدود و تعزیرات در هشت باب هریك چند فصل دومی در قصاص و دیات در دو مطلب هریکی چند فصل است . کتابی است رسا و پسندیده و سودمند و ساده که گویا برای در بار صفوی بنگارش در آمده است .

در پایان بخش نخستین (باب ۸) میگوید که تا کنون کسی مانند من تعزیرات را یکجا گرد نیاورد و من آنها را به پنجاه گونه رسانده‌ام (۲۹ ب) .

در فصل ۹ باب ۷ همین بخش (۲٤ الف) در مبحث جادو و سحر از جوکی

جادو گر که در زمان «نواب گیتی ستان علیه الرحمة» از هند آمده بود یاد میکند و میگوید که بالهی من که بهنرهای شگفت و علوم غریبه هم آشنا هستم طلسم او از اثر افتاد .

خوانساری (روضات ص ۱۲۰) از «رسالة الدیات والقصاص» فارسی مجلسی و نوری در فیض قدسی از «رسالة الدیات» فارسی او در سه هزار بیت یاد کرده‌اند . تهرانی در ذریعه (٦ : ۲۹۷) آنرا «الحدود والدیات» نامیده و میگوید که مجلسی آنرا در ٥ ج ۱۱۰۲/۱ بانجام رسانده و در نولکشور در ۱۲٦۲ بچاپ رسیده است . او از «رسالة الدیات» فارسی دیگری هم در ۵۰۰ بیت دارای سه فصل و یك خاتمه یاد میکند و میگوید که اینهم گویا از مجلسی میباشد (ذریعه ۸ : ۲۸۵) .

آغاز : بسمله . الحمد لله الذی شرع الدیات والقصاص والحدود لرفع الفساد من بین العباد و نظام عالم الوجود ... و بعد ... محمدباقر بن محمدتقی ... می نگارد که چون حق تعالی نوع بشر را مدنی بالطبع و محتاج بیکدیگر آفریده و غالباً معاملات و معاشرات سبب حدوث مشاجرات و منازعات میشود و منتهی بقتل نفوس و نهب اموال و حدوث جراحات میگردد ... لهذا جناب مقدس ایزدی ... احکام حدود و دیات و قصاص را مقرر فرموده ... لهذا فقیر بامر من یجب امتثال امره متع الله المسلمین ببقائه احکام مزبوره را در این رساله بلغت فارسی ایراد مینمایم .

انجام : بحث پنجم . مشهور میان قدمای علماء آنستکه حیوانی که بچرا میفرستند ... اگر تقصیر نکرده است ضامن نیست .

[۱۷٦۰]

۷۷۳ این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ با عنوانهای شنگرف علی بن آقاعسکر اشکوری روز آدینه بسال ۱۲۳۵ در مدرسهٔ حسین خان سردار قاجار در قزوین ـ عنوانها در هامش هم هست بسیاه (۱ ب ـ ۹۱ ب) شماره دوم آن نظمی است در تجوید بفارسی که در روزگار فتحعلیشاه قجر در تاریخ «درة نظمته» سروده شده و بهمین

خط است و برای آخوند ملارضا یادگار نوشته شد (گ ۹۲ الف – ۱۰۱ ب – فهرست آقای منزوی ۲ – ۷۰٤).

(همه دفتر ۱۷۳گ) – کاغذ فرنگی سفید و آبی – جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه: ۱۵×۲۱ – ۸×۱۵ س ۱۹

[۱٤۹۳] حرمان الزوجة من اعيان التركة (عربی)

(رسالة فی ...)

شهید دوم در این نامه از ارث نبردن زن از اعیان ترکه گفتگو نمود و آنرا پس از رسالهٔ حبوه در نیمهٔ روز پنجشنبه ۲۷ ذی حجهٔ ۹۵٦ بانجام رسانده و در این مسئله فقهی هم روشی منطقی بکار برده است (طوس ۲: ٤۸ و ۵: ٤۲۷).

آغاز: بسمله. اللهم اهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك فانك تهدی من تشاء... اعلم وفقك الله تعالى ان الاصل فی كل وارث من جميع متروكات مورثه المالية ما فرضه الله تعالى له خصوصا او عموما و قد يخالف ذلك عند اهل البيت ع فی موضعين احدهما حبوة الولد الذكر و قد حررنا البحث بما فيه كفاية فی موضع يختص به الثانی الزوجة فان المشهور فی اخبار اهل البيت ع المستفيضة حرمانها من شی فی الجملة ومع ذلك فالروايات مختلفة... و بسببه اختلفت اقوال الاصحاب و تحقيق الحال فی المسئلة يتوقف على خمسة مطالب دائرة على خمس كلمات مفردة وهی ما و من و كيف و هل و لم.

انجام: من جملة الآلات التی عبر كثير بثبوت قيمتها. هذا ما اقتضاه الحال الحاضر من بحث هذه المسئلة.. و فرغ من تسويدها مؤلفها... زين الدين بن على بن احمد الشامی العاملی... ضحى يوم الخميس السابع والعشرين من ذی الحجة الحرام حجة ست و خمسين و تسعمائة حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون.

[۱۷٦۱]

۷۷۰ این نسخه ش ۵ دفتر است و بهمان نسخ ش ٤ از همان گلپایگانی که در ۱۲۷٤ نوشته است گرچه نویسنده فراموش کرده و رقم را با حروف ۱۱۷٤ و با عدد

۱۲۷٤ نوشته است. گ ۳۰۰ الف – ۳۱۱ ب.

[۱٤۹٤] حریریة (عربی)

شیخ بهائی در بارهٔ ناروائی نماز گذاردن با پارچه‌ای از حریر که بتنهائی نشود در آن نماز خواند مانند تکه (بند شلوار) و قلنسوه (کلاه) این گفتار پرداخت و روشن نمود که چنین نمازی درست نیست. در آن دارد «قد تصدی بعض الاعلام من مشائخنا المعاصرين للذب عن القول الثانی» و در هامش نسخهٔ ما بهمان خط متن (گ ۱۵۰ ب) دارد «شيخنا شيخ عبدالعالی طاب ثراه» پیداست که او در برابر ایندانشمند: شیخ ابومحمد عبدالعالی (۹۲٦-۹۹۳) پسر محقق کرکی که چنین نمازی را روا میداشته است این گفتار پرداخت.

این نامه در جلد دوم کلمات المحققین بچاپ رسیده است.

آغاز: بسمله. مسئلة اختلف الاصحاب فی صحة الصلوة فيما لا يتم فيه وحده من الحرير المحض كالتكه والقلنسوة و امثالهما. فالعلامة فی المختلف على المنع... والشيخ و ابن ادريس و باقی الاصحاب على الجواز.

انجام: وهذا مما لا ينكره من شم رائحة الانصاف. والله اعلم بحقيقة الحال. نقلت من نسخة نقل من خط مؤلفها دام ظله البهی فی شهر ربيع الثانی سنة اربع عشر و الف.

[۱۷٦۲]

۹۱۸ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنستعلیق با نشانه‌های شنگرف و نویسنده همان محمد امین قاری است گ ۱۵۰ ب – ۱۵۱ الف. در گوشهٔ چپ پائین ۱۵۱ الف دارد: «منع الشيخ فی التبيان من قصد القراءة والدعاء معا مستدلا بلزوم استعمال المشترك فی معنييه وهو غير جائز ٥ نقل من خطه مدظله» این خط از همان قاری است و رمز «ه» هم از همو است.

در گ ۱۵۰ الف بخط همین قاری دارد:

كم من كتاب قد تصفحته	وقلت فی نفسی صححته
حتى اذا طالعته ثانياً	وجدت تبديلا فاصلحته

[۱۴۹۵] الخمس حال استتار امام الزمان (عربی)

(رسالة فی وجوب ...)

امیرمحمود بن فتح‌الله حسینی کاظمی نجفی چون دیده بود که دانشمندان در بارهٔ وجوب خمس هنگامیکه امام زمان نهانست خلاف کرده‌اند خواست دلائل آنانرا از حدیثها گرد آورد و بسه دلیل سنت و اجماع و عقل و از روی نص قرآن وجوب خمس را درچنین زمان روشن بدارد. او این رساله را در نجف در یك مقدمه و پنج باب و یك خاتمه نگاشته‌است. در پایان آن از اجازهٔ مشایخ بسوو طریق روایت خود و از دو شیخ و استاد خود جواد بن سعدالله کاظمی و حسام‌الدین درویش علی حلی بروایت آنذو از استاد خود شیخ بهائی تا شیخ طوسی و نیز از شیخ واستاد خود شیخ فخرالدین بن شیخ محمدعلی طریحی نجفی (۰ ۱۰۸۵) شاگرد شیخ محمد بن جابر شاگرد شرف‌الدین علی شاگرد میرزا محمد استرابادی شاگرد شیخ ابراهیم بن علی بن عبدالعالی میسی بروایت همهٔ این شاگردان هریك از استادان خود تا نورالدین علی بن عبدالعالی تا طوسی را یاد میکند. این نامه در ذریعه (۴: ۳۸۸ و ۲۳۰) بنام «رسالة فی تقسیم الخمس» و «تقسیم الاخماس فی زمان الغیبة و وجوب اخراجها فی مصارفها» و در روضات (ص ۱۵۶) بنام «الرسالة فی تقسیم الاخماس فی هذه الازمان» یاد شده است.

آغاز: بسمله. احمدالله علی تتابع آلائه حمداً دائماً کثیراً واشکره علی سوابغ نعمائه شکراً یصیرنی عبداً شکوراً... وبعد فانی لما رأیت الخلاف بین الاخوان فی وجوب الخمس حال استتار امام الزمان احببت ان اجمع بین ما خنعم من الاحادیث المختلفة والمؤتلفة واوفق بینها لاثبت وجوبه بالادلة الثلثة ونص القرآن ... ورتبت ذلك علی مقدمة وخمسة ابواب وخاتمة.

انجام: فهذا ما تبین لی ... وفرغ من تألیفها ... محمود بن فتح‌الله الحسینی الکاظمی بمشهد امام المتقین ... والحمدلله اولا وآخراً و ظاهراً و باطنا. واعلم ان لی من مشائخی ... الی ائمة الحدیث طرقا ... عمن ذکره من مشائخه منتهیا الی

شیخ الطائفة ... الطوسی و کتب العبد الاقل محمود بن فتح‌الله الحسینی الکاظمی النجفی نسباً ومولداً ومسکناً والحمدلله رب العالمین (هزار و هشتصد).

[۱۷۶۳]

۱۱۲۲ این نسخه ش ۵ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۴ از همان محمد موسوی میباشد. گ ۱۷۵ـ۱۸۶ الف.

[۱۴۹۶] الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة (عربی)

شهید یکم شمس‌الدین محمد بن مکی جزینی عاملی (۰ ۷۸۶) نگارندهٔ این دفتر است برای دو پسر خود رضی‌الدین ابوطالب محمد و ضیاءالدین ابوالقاسم علی و جزء یکم آنرا در پایان روز چهارشنبه دوازده شب گذشتهٔ از ربیع دوم سال ۷۸۴ بانجام رساند و تا رهن رسید و کشته شد.

در دیباچهٔ آن از ذکری که در روز سه‌شنبه ۲۱ صفر ۷۸۴ نوشته بود و از بیان که تا هنگام مرگ بدان میپرداخت یاد کرده‌است (طوس ۲: ۵۶ و ۵: ۴۲۰ - روضات ص ۵۹۴ - مستدرك ۳: ۴۳۱ - امل الآمل ص ۴۴۶ و ۴۵۵ - کنتوری ۲۱۳) سید جعفر بن احمد ملحوس حسینی حلی در ۲۶ رجب ۸۳۶ دنباله‌ای برای این دروس نگاشته و از ضمان تا دیات را در آن آورد (ذریعه ۴: ۴۱۳ - مستدرك ۴۳۹ - فاضلیه ص ۱۰۵ ش ۳۰ که بخط همین ملحوس و از مکاسب است با دنبالهٔ آن تا دیات) میرزا عیسی تبریزی پدر نگارندهٔ ریاض العلما و جواد کاظمی شاگرد بهائی و آقا حسین خوانساری برای شاه سلیمان و شاه سلطانحسین بنام مشارق الشموس تا پاره‌ای از طهارة و آقا رضی خوانساری بر صوم و اعتکاف آن در ۵ محرم ۱۱۱۲ (۱) و میرزا محمدمهدی بن هدایةالله موسوی شهید سپاهانی مشهدی در ۱۲۱۸ و شیخ جواد ملا کتاب و حاج محمد حسن کبه هر دو بر حج آن و کسی دیگر هم بنام العروة الوثقی بر آن گزارش نوشتند (ذریعه ۸: ۱۴۵ - سپهسالار ۱: ۴۴۵ - کنتوری

۱- مشارق الشموس و گزارش آقا رضی در تهران باندازهٔ رحلی و بخط نسخ سال ۱۳۱۱ چاپ سنگی شده است (طوس ۵: ۶۱۴)

ص ۳۳۳) محقق کرکی و ابن مطر جزائری بر آن حاشیه نوشته‌اند (ذریعه ٦ : ٨٥) خود دروس در تهران بسال ۱۲٦۹ بچاپ سنگی رسید (طوس ٥ : ٥٦٧).

آغاز : الحمدلله الذی انطق السنتنا بحمده والهم قلوبنا بشکر رفده ... اما بعد فان علم الفقه لایخفی شرفه وعلوه ومقداره وسموه ... وقدصنف علماء الاصحاب ... فلما انتهت النوبة الینا احببنا ان ننسج علی منوالهم ... فکتبنا فی ذلك مایسر من الذکری والبیان وعززناهما بهذا المختصر للتبیان لاقتضاء الولدین الموفقین انشاءالله ابیطالب محمد و ابی القاسم علی ... وسمیناه بالدروس الشرعیة فی فقه الامامیة .

انجام : وهذا ان الفرعان مع اشتراط الرهن فی البیع .

[١٧٦٤]

۱۰۰۴ این نسخه بنسخ پخته کهن است وبا عنوانهای شنگرف و شماره‌های کراس در گوشهٔ بالائی رویهٔ برخی از برگها درهرده برگی نوشته شده و رویهم بیش از بیست کراس ده برگی میشود واز کراس یکم بیش از یك برگ درنسخه نیست و کراس دوم در برگ ۳ الف آغاز میشود . چندبرگی مانند ۳٤ــ۳۸ نستعلیق تازه است . در کنار صفحه‌ها حاشیه‌هائی است با نشانهٔ « و کتب محمدبن المطهر » و «فخرالدین» (۷۳ ب) که گویا خط هم او باشد . و « و کتب الشیخ حسین النائلی (البابلی) رحمه‌الله » و «ظ منه» (۷ الف) و «ابن فهد رحمه‌الله» (٦ ب) و «تمت بخطه» و «منه» (۹۳ الف) حاشیه‌های دیگر هم در آن هست . در ۹۳ الف دارد «هی ماوراء العیص فی اول (درس یجب ذبح الهدی) هذا باربعة عشر ورقة» (۷۸ ب) درهمین ۷۸ ب دارد « بلغ قابلا عرضا» ودر ۳ ب «بلغت قابلا ثانیا» ودر ۸٥ ب «بلغ قابلا» وجاهای دیگر هم مانند اینها دیده میشود . حاشیه‌هائی هست با نشانهٔ «ن ح ، ن ، ٥» که گویا از شهید باشد و بخط او . در ۹٥ ب حاشیه‌ای با نشانهٔ «ح س ن الموسوی» دیده میشود . چنین است نسخه :

آغاز : الجنید والجعفی ظاهرهما الاسراع والشیخ نقل فی کراهیته الاجماع ... ویجب الصلوة علی کل مسلم ومن بحکمه ممن بلغ ست سنین ... (پیش از) درس . یجب فیها الاستقبال وستر العورة (در نماز بر مرده) .

انجام : درس . لو کان المغصوب عبداً او امة وجنی علیه عبدالغاصب ... فالظاهر التداخل

ولو طاوعته عالمة قبل بسقوط (کتاب الغصب) .

(۳۲۰٦ م) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی کهنهٔ فرسوده مقوائی
اندازه : ۱٦ × ۳۱/٥ و ۱۰/٥ × ۱۹/٥ ش ۳۱

[١٤٩٧] **ذبیحیه** (عربی)

شیخ بهائی بدستور ابوالمظفر شاه عباس علوی حسینی موسوی درپاسخ خرده گیری ایلچی پادشاه روم این نامه را دریك دیباچه وسه فصل نگاشته است . سخن ایلچی این بود که دانشمندان روم (عثمانی) پس ازمسئلهٔ امامت بزرگترین خرده‌ایکه ازدانشمندان شیعی میگیرند همین است که قرآن کشتارهای پیروان کتاب (یهود و نصارا ومجوس) را حلال دانسته ولی آنها آنرا ناروا میپندارند . این بود که بهائی با شتابزدگی و آشفتگی بدین نامه پرداخت و روشن نمود که دانشمندان شیعی درست میگویند . خود او بر آن حاشیه هم نوشته است . در «کلمات المحققین» چاپ ۱۳۱٥ ص ٤ــ۱۹۰ این نامه بچاپ رسیده است (کنتوری ص ۲٦۲ بنام رسالة فی ذبایح اهل الکتاب ــ طوس ۲ : ٦۹ و ٥ : ٤۲۹ بنام رساله در تحریم ذبایح اهل کتاب) تهرانی در ذریعه (۱۰ : ٤۳ و ٤) از آن بنام « ذبیحیه » یاد کرد و گفت که بهائی را رسالهٔ دیگری در سه فصل هست بهمین نام که روی بی باکی مردم نوشته وروشن بساخت که کشتارهمهٔ کافران حرام و ناروا است . پیش از بهائی گویا مفید نخستین بار درین باره نامه‌ای نگاشته و آن بنام « مسئلة فی تحریم ذبائح اهل الکتاب » دررجال نجاشی (ص ۲۸٦) یاد گردید .

چنانکه درذریعه آمده (٥ : ۱۹۱) از لندن پرسشی دراین باره برای دانشمندان لکهنو رسیده و آنها پاسخ داده‌اند .

آغاز : بسمله . و به ثقتی . الحمدلله علی جزیل افضاله والصلوة علی اشرف العالمین ... و بعد فیقول ... محمد المشتهر ببهاءالدین العاملی ... ان الباعث علی تألیف هذه المقالة وتحریر هذه الرسالة ان رسول ملك الروم لماورد بالرسالة من تلك المملكة الی هذه البلاد و ذکر فی بعض الایام ان من اعظم مایشنع به

علماءالروم على علمائكم بعدمسئلةالامامة حكمهم بتحريم ذبائح اهل الكتاب مع ان القرآن المجيد ناطق بتحليلها . . . فامرني . . . صاحب النسب النبوي والحسب العلوي ابو المظفر شاه عباس الحسيني الموسوي . . . ان اكتب رسالة قامعة للجاجهم وقاطعة لاحتجاجهم . . . فكتبت على سبيل الاستعجال ماسمح به قلم الارتحال مع توزع البال بالحل والترحال فامر . . . بارسال هذه الرسالة الى بلاد الروم مع رسولهم .

انجام : من دون حاجة الى حمل شيء على التقية والله اعلم بحقائق الاحوال (هذاماجرى به القلم الارتجال مع ضيق المجال والله سبحانه اعلم بمضائق الاحوال ـ تمت الرسالة) .

[۱۷٦٥]

۹٤٤ این نسخه ش ۸ دفتراست وبهمانگونه خط ش۱ ازهمان محمد شریف در ۲۰ شوال ۱۰۹٤ گ ۹۹ ب ـ ۱۰۵ الف .

[۱٤۹۸] ذخائر النبوة (عربی)

شیخ هادی بن محمد امین تهرانی سپاهانی نجفی (• نجف ۱۰ شوال ۱۳۲۱) نوادهٔ مجلسی وشاگرد محمدباقر خوانساری نگارندهٔ روضات و برادرش محمد هاشم خوانساری نگارندهٔ مبانی الاصول وشیخ انصاری وشیخ عبدالحسین تهرانی (• رمضان ۱۲۸٦) واستاد آقامیرزا صادق آقای تبریزی (• ۱۳۵۱) بوده است . اینداتشمند را کتابها درادب وتفسیر وفقه است ودرفهرستها آنها را برشمرده‌اند وپاره‌ای از آنها بچاپ هم رسیده است .

گویند که او بدانشمندان دشنام میگفته و میرزا حبیب‌الله رشتی او را کافر خوانده است ولی شیخ محمد کاظمی بدو گرویده بود .

درنگارشهای اوهم نشانی ازنکوهشها که بدانشمندان میکرده است هست . این ذخائرالنبوة فقه است با دلیل وخیارات آن در ۱۳۲۵ درتبریز بچاپ سربی

رسید (ذریعه ۷: ۲۸۰ و ۸: ۱۰) خود او درباره آن دردیباچه میگوید «وهذه الرسالة الموسومة بذخائر النبوة متكفلة بمهمات مباحث الخيار وفرقة اخرى من الاسرار» (۱) چنین است آغاز آن :



آغاز ذخائر النبوة گ ۱ ب ش ۷۹۹

انجام چاپی : يحمل عدم صلوح الصلح لجعلها لمافيه من الاستقلال والحمدلله

۱ـ بنگرید به : احسن الوديعة ۱: ۱٦٦ ـ علماء معاصرين خیابانی ص ۷۳ ـ ذریعه ۲: ۲۵ درباره الاستصحاب او که بچاپ رسید و ۳: ۱۹۳ درباره البيع المبسوط والخيارات چاپ تهران در ۱۳۲۰ ـ طوس ٤: ٤٦۹ و ۵ : ۵٦۹ و ۵۸۹ و ٦۳٦ ـ شرح البيع او که گزارشی است بر شرایع در ۱۳۲۰ ومحجة العلماء او که دربرائت واشتغال واستصحاب وتعادل وتراجیح است در ۱۳۲۱ بچاپ سنگی رسید .

این دانشمند جز حاج شیخ هادی ابن حاج ملامهدی نجم آبادی (۱۲۵۰ ـ ج ۱/ ۱۳۲۰) نگارندهٔ تحریر العقلاء چاپ تهران در ۱۳۵۲/۱۳۱۲ و جداول ارث چاپ تهران در ۱۳۰۸ میباشد وسرگذشت اودردیباچه همین چاپ تحریردیده میشود (نیز فهرست طوس ٤ : ۲۹۰ و ۵: ۵۵۳)

تعالی والسلام علی من اتبع الهدی اللهم اجعل هذا ذخراً لآخرتی واغفرا مواتی و اموات جمیع المؤمنین والمؤمنات بمحمد وآله الامجاد (هنا جف قلمه الشریف وکان طیران روحه المقدس الی روضات الجنان فی لیلة العاشر من شوال من شهور سنة ۱۳۲۱ الکاتب الحسین الکروسی ۱۳۳۵).

انجام نسخهٔ ما : واعادة الحق بعد سقوطه فکیف وهو لم یسقط فی المفروض لفساد الحق یکون العوض حراً او مستحقا. فافهم.

[۱۷۶۶]

۷۹۹ این نسخه بخط نستعلیق و اصل خط نگارنده است چه اینکه خط خوردگی وسفید دارد و بحاشیه هم رفته است.

(۱۳۰م‍ف) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ سادهٔ مقوائی
اندازه : ۱۶×۲۲ و ۱۱×۱۶/۵ س ۱۶ تا ۲۲

[۱۴۹۹] ذکری الشیعة فی احکام الشریعة (عربی)

این دفتر دارای یك مقدمهٔ اصولی در چند بحث و مطلب و چهار قطب در چهار بخش فقه میباشد و تا صلوة آن که پایان جلد یکم است در سه شنبه ۲۱ صفر ۷۸۴ بانجام رسید. نگارندهٔ شمس الدین ابوعبدالله محمد بن مکی جزینی عاملی شهید یکم (م ۷۸۶) میباشد که این کتاب استدلالی را پرداخت. در ذریعه از نسخهٔ تاریخ ۷ ع ۲/۷۸۴ آن یاد گردید (۱۰: ۴۰) و در آن (۶: ۸۶) از پنج حاشیهٔ آن یاد شده و یکی از آنها حاشیه خود شهید است بر آن (نیز طوس ۲: ۵۹ و ۵: ۵۷۲) ذکری با تمهید القواعد شهید دوم و فهرست آن در ۱۲۷۱ باندازهٔ رحلی وبی صفحه شماری بچاپ سنگی رسید.

[۱۷۶۷]

۷۱۹ این نسخه بشنخ با عنوانهای شنگرف و بلا جوردمیباشد. حسن بن سید عبدالله حسینی و محمد معصوم بن محمد مهدی حسینی و حیدر بن سید ابراهیم و فضل الله بن محتشم حسنی حسینی و عبدالستار بن علی بن ابی الحسن حسنی حسینی کاظمی در ۱۲۶۲ نسخه را داشته اند (۱ الف).

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمد لله الذی شرع الاسلام وسهل شرائعه للواردین.. فهذا کتاب ذکری الشیعة فی احکام الشریعة.

انجام : الثانیة التیمم لایرفع الحدث... فیجب علیه استعماله ولایجزیه تیممه ویمکن ان یرید.

(۳۲۲م‍ف) ــ کاغذ ترمهٔ سرخ آهار مهره ــ جلد تیماج مشکی سادهٔ مقوائی
اندازه : ۱۷×۲۵ و ۱۰×۱۵ و ۱۸

[۱۷۶۸]

۷۲۰ این نسخه بهمانگونه خط و بتاریخ ۱ ذی حجهٔ ۹۷۹ که حیدر بن علاء الدین سبزواری آنرا نوشته است. درزویهٔ برگ پیش از برگ یکم شماره دارد که برگها ۲۸۴ و کراسها ۴۸ و هر کراسی که هشت برگ است ۲۸۰ بیت میباشد. همان حیدر بن سید ابراهیم وعبدالستار در ۱۲۶۲ دارندهٔ نسخه بوده اند (همانجا).

آغاز : بارتفاع حدثه استباحة الصلوة وان الجنابة لم تبق مانعة منها... التاسعة فاقد الماء لو کان علی معاله جبائر وتعذر نزعها مسح علیها (دنباله ش ۷۱۹).

انجام : فیکون انتفاء الزائد بطریق الاولی ولیکن هذا آخر المجلد الاول من کتاب ذکری الشیعة ویتلوه انشاءالله تعالی فی المجلد الثانی کتاب الزکوة و فرغت منه یوم الثلثاء لتسع بقین من شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة اربع وثمانین وسبعمائة والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی افضل المرسلین محمد وآله صلوة تامة باقیة (وفرغ منه یوم الاول ذی الحجة سنة ۹۷۹ والحمد لله رب العالمین ... علی ید ... حیدر بن علاء الدین علی سبزواری محیت سیئات اعمالهم عن جرائدهم بالملك الودود راجیاً من الرحمن (الرحیم).

(۲۹۳م‍ف) ــ همانگونه کاغذ وجلد
اندازه : ۱۷×۲۵ و ۱۰×۱۵ س ۱۸

[۱۵۰۰] الذهبیة (عربی)

محمد اسماعیل مازندرانی سپاهانی خواجوئی (م ۱۱۷۳) در این رساله از پوشیدن پوشاکهای زرین گفتگو میدارد و آن در پنج فصل میباشد.

آغاز : بسمله. الحمد الذی جعل لباس الذهب زینة لنا فی الدار الآخرة وحرمه علینا فی هذه الحیوة الدنیا لحکمته هی علینا ساترة... فقد سألنی بعض اخوانی

فی الدین . . . عن جواز لبس الذهب واللباس المذهب والصلوة فیه وعدمه فاجبته بماحضر نی وقت السئوال فالتمس منی الاشارة الی مأخذ الحکم و مدر که وماعلیه اصحابنا فی المقامین فبادرت الیه امتثالا لامره . . . فالفت هذه الرسالة الموسومة بالذهبیه واهدیتها لتلك الحضرة العلیة . . . فاقول وانا العبد الانس بمولاه الجلیل محمد بن الحسین بن محمد بن (؟) رضا المشهور باسمعیل .

انجام فان کان یحصل منه شیء بالعرض علی النار حرم استعماله والافاشکال ازال الله عنی و عنك الاشکال واصلح لی ولك البال و احسن الی و الیك فی الحال والمآل بنبیه محمد و آله خیر آل صلی الله علیه و آله مابقی الغدو والآصال .

[۱۷٦۹]

۷۹۱ این نسخه ش۳ دفتراست وبهمانگونه خط ش۲ ازهمین ماز ندرانی میباشد. گ ۳۷ ب ــ ۵۷ ب . (بنگرید به ۷۹۱/۲) .

[۱۵۰۱] رجاء الحق (فارسی)

این نامه از محمد طاهرقمی (م ۱۰۹۸) دانشمند اخباری و دربارهٔ نماز آدینه میباشد و آنرا در خرده گیری از رسالهٔ مولانا خلیل نگاشته وروشن نمود که این نمازرا بایستی خواند . او دربرابر رسالهٔ مولی حسن علی شوشتری هم نامه‌ای نگاشته است که خواهیم دید .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی خلقنا لمعرفة الصیام والقیام وجعل یوم الجمعة للعبادة افضل الایام وفرض السعی الی صلوته علی الخاص والعام . . . اما بعد مخفی نماند که نماز جمعه ازعمدهٔ مطالب دین وایمانست وفرض متحتم برجمیع مکلفان است . . . وچون رسالهٔ که فاضل مشهور مولانا خلیل درانکار نماز جمعه وبیان تحریمش تألیف نموده بنظر این داعی دولت قاهره و تابع ائمه طاهر محمد طاهر رسید وآنرا مشتمل برتحریفات عجیبه وتصحیفات غریبه دید بنابرین برخود لازم دانسته این رساله را درابطال غلطهای رسوای او وبیان وجوب نماز جمعه تألیف نمود وآنرا برجاء الحق موسوم گردانید .

انجام : درجواب گوئیم که اورا بر سوای غلطهای مذکوره دلیلی نیست . والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم . ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب .

[۱۷۷۰]

۸۷٤ این نسخه ش۲ دفتراست وبهمان خط ش۱ میباشد . گ ۷۳ب ــ ۹٤ الف .

[۱۵۰۲] رسالهٔ عملی (فارسی)

این رساله فارسی فقهی که درپاکی ونمازوروزه ورسالهٔ عملی مانندیست چنانکه درپایان آن آمده « جهت قضای حاجت بعضی اعزه » نوشته شده است و آنچنانکه درنسخهٔ کتابخانهٔ آستانهٔ طوس (۵ : ٤۳۹ ش ٦۷۹ بنام « رساله درصلوة وصوم » وبتاریخ ٦ محرم ۱۰۰۷ درلاهور) آمده از ملا احمدبن محمد افشار مقدس اردبیلی آذربایگانی (م صفر ۹۹۳ درنجف) میباشد . چون نسخهٔ کتابخانه دردفتریست که رسالهٔ حج فارسی اردبیلی (۸۷۸/٦) همانکه درفهرست آستانهٔ طوس (۲:٤۹ ش ۱٦۳ نوشتهٔ عزیزالله گیلانی برای مولی موسی گیلانی درحیدرآباد دکن) شناسانده شده وهمچنین اصول دین فارسی اردبیلی (طوس ۱:۲ ش ۳۹ و ٤ : ۲٤ ش ۳۵۱) که در ص ۱۱۷ کشف الحجب بنام ترجمة العقائد و در ص ۲۲۸ آن بنام رسالة فی اثبات الواجب الوجود ودر ذریعه ۱ : ۱۰۳ بنام اثبات الواجب ودر ۲: ۱۸۳ بنام اصول الدین ودر ٤: ۱۱۷ بنام ترجمة العقائد یادشده همانکه در ص ۵۷۷ همین فهرست (۸۷۸/۸) بنام « کلام » یاد گردیده هم نوشته شده است پس میتوان گفت که این رسالهٔ فارسی نیز از اردبیلی میباشد بویژه آنکه این رسالهٔ عملی با شمارهٔ پیش (اثبات الواجب) (۱) و رسالهٔ حج بیك خط است .

۱ــ ازاین رسالهٔ کلامی درنسخهٔ ما پاره‌ای از نیمهٔ نخستین آن نیست و درآن دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

این هم گفته شود که اردبیلی درزبدة البیان (آیات الاحکام) و مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشادالاذهان نامی از خود نبرده وتنها در پایان صلوة دومی آنرا بدان نام خوانده‌است و بنخستین هم نامی نداده‌است پس دشواری ندارد که او این رساله‌های فارسی را نوشته و از خود در آنها نامی نبرده و بدانها هم نامی نداده باشد و ما درصحت استناد آنها باردبیلی جز گفته‌های مورخان و گواهی نسخه‌ها دلیلی نداریم .

آغاز : بسمله . وبه‌نستعین . الحمدلله‌رب‌العالمین وصلوته علی خیرخلقه محمد وآله‌وصلوات‌الله علیهم اجمعین (امابعد) مکلف یعنی انسان عاقل و بالغ ومشهور

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ازامامت بیشتر گفتگوشده ودراین بخش از بسیاری از کتابهای سنیان مانند کتابهای ابن‌طلحه ومغازلی و قوشچی و فصول مهمهٔ ابن‌صباغ والبیان فی اخبار صاحب‌الزمان کنجی و کشاف زمخشری ومختصرحاجبی ومنهاج بیضاوی وشرح نهج مدائنی ومناقب ابن‌حنبل و معجم طبرانی بهره برده شد ونیز از برخی از دانشمندان مانند ابن داود و کشی وطوسی وحلی یاد شده واز کتابهائی هم مانند رجال و فهرست همینها وکافی کلینی (در ۸۰ هزاربیت) و تهذیب و استبصار و محاسن برقی و قرب الاسناد حمیری ومن‌لایحضره‌الفقیه که نزدیك سی هزاربیت است وچندتای دیگر از سیصد کتاب او یاد گردید ومینویسد که شاگردان صادق چهارهزار میرسد و پیشینیان شیعه را چهارصد کتاب از چهارصد نویسنده بوده که بیشتر آنها ازمیان رفته چه اینکه آنها از ترس آشکار نمی‌شدند بااین‌حال نگارشهای دانشمندان آنها بسیار است (گ ۱۱۳و۱۱٤)

آغاز آن همان است که در کشف‌الحجب و ذریعه و فهرست طوس آمده است .

انجام آن چنین‌است: واما اگر درواقع ضروری باشد بردیگران ولیکن بروظاهر نشده‌باشد سبب کفر شدن انکار آن (ظاهر نیست چه‌جای آنکه اجماعی باشد که ضروری نشده باشد مثل حرمت جماع درحیض . تمت‌الرسالة بعون‌الملك‌الوهاب) آنچه میان دو کمانه گذارده شده درفهرست طوس نیامده است .

این رساله کلامی یا عقائدالاسلام ترکی عثمانی اردبیلی که محمدبن تقی تبریزی سال ۱۳۰۸ بعربی درآورد (چاپ سنگی شبستری در۱۳۲۱) (ذریعه٤:۱۱۷) اندکی پیوستگی دارند واین عربی دانشمندانه بیانه گسترده و مشروحی است ازاین فارسی که عامیانه نوشته شده وبسیاری ازمطلبهای آن در این عربی نیامده است .

آنستکه بلوغ حاصل میشود در مرد به بیرون آمدن منی و بظاهرشدن موی درشت برزهار یا بتمام شدن سال پانزدهم ازعمر او .

انجام : و اگرنه درمقابل کتب اصحاب و بیان ایشان با عدم استطاعت چه‌توان نوشت امید که عذرمقبول افتدانشاءالله تعالی (و حده‌العزیز) (تمت‌الکتاب بعون‌الملك الوهاب والحمدلله رب‌العالمین .. برحمتك یا ارحم‌الراحمین) .

[۱۷۷۱]

۸۷۸ این نسخه ش ۹ دفتراست و بخط نستعلیق درجدول لاجوردمیباشد (گ ۱٤۱ ب – ۱۵۹ الف).

[۱۵۰۳] رسالهٔ فقهی (عربی)

این رساله که درپاکی و نماز و روزه میباشد متنی است فتوائی بی هیچ استدلال . درپشت نسخهٔ ما نوشته شده که ازسیدابراهیم میباشد واو گویاهمان سید ابراهیم بن محمد باقر قزوینی (م ۱۲٦٤) نگارندهٔ ضوابط‌الاصول و نتائج‌الافکار و دلائل‌الاحکام فی شرح شرائع‌الاسلام و کتاب قضا ورسالهٔ عربی درطهارة وصلوة (گویا همین نسخهٔ ما) ورسالهٔ فارسی درطهارة وصلوة وصوم ورساله‌های مناسك حج وحرمت غیبت و نماز آدینه باشد . اوشاگرد شریف‌العلماء محمد شریف‌بن حسینعلی آملی (۱۲٤۵م) وشیخ موسی‌بن جعفر(م نزدیك ۱۲٤۲) بوده‌است. درروضات ص۱۲ وقصص‌العلماء تنکابنی ص۳-۱٤ سرگذشت‌او بخوبی یاد شده است نیز هدیة‌الاحباب قمی ص ۱۷٦ وفهرست سپهسالار (۱:۵۹۱) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی اشرف خلقه محمد وآله‌الطاهرین.فصل یجب‌الوضوء للصلوة‌الواجبة اصلا اوعرضاً عدا صلوة‌المیت.

انجام : المطلب‌الخامس مستحق‌الفطرة هومستحق زکوة‌المالیة .

[۱۷۷۲]

۱۱۲۵ این نسخه بنسخ وعنوانهای «فصل» بشنگرف ازمحمد حسین بن محمدصالح حائری ودومین نسخه‌ایست که اونوشته‌است وعبدالسمیع بن محمدعلی رازی

آنرا با نسخه خط مصنف مقابله نبود ودرروز ۲۳ رمضان ۱۲٤۵ ازآن بیاسود.

درپایان دارد: « تمت الرسالة بيدالحقير الفقير المعترف بالقصور والتقصير محمد حسين بن محمدصالح الحائرى وهذه النسخة الثانية التى كتبتها والحمدلله» درهامش بخط نستعليق ريزى دارد: «قدفرغ العبدالحقيرمن مقابلة هذه النسخة الشريفة مع نسخة الاصل التى كانت بخط مصنفها ادام الله بقاه وجعل آخرته خيراً من دنياه روحى له الفداء وجعل له الوقاء و كان ذلك فى اليوم الثالث والعشرين من شهر رمضان المبارك من سنة خمس واربعين ومأتين بعدالالف ... وانا العبد اقل الاملته عبدالسميع بن محمد على الرازى».

در ۱ الف دارد: « ملكى اقل السادات سيد محمدباقر» با مهرمحمدباقرحسينى.

(۱٦۳ق) ــ كاغذ فرنگى ــ جلد تيماج حنائى ضربى مقوائى

الداره: ۱۱×۱٦ و٦×۱۱ س ۱٦

[۱۵۰٤] رسالهٔ فقهی و فلسفی (فارسی)

دراین رسالهٔ فقهی و فلسفی از شیخ بهائی (۱۰ الف) وآداب مناظرهٔ فاضل سماكى (۱٤الف) وقصیدهٔ فلكیهٔ ابالحسین صوفی كه برای عضدالدوله ساخته است (۱٦ ب) یاد شده وازوزنهای شرعی وساعتها وتاریخهای خاوری ونماز وحساب وهیئت ومنطق گفتگو گردید.

[۱۷۷۳]

۳۸۱

این نسخه بخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف ودرجدول شنگرف ولاجورد است. میان برگهای ۲و۳و۵و٦و۱۲و۱۳و۱۸و۱۹ كم دارد.

آغاز: اللذين ذكرنا تشبلا يستفاد مماروى الشيخ الجليل رحمه‌الله فى الكافى.

انجام: بلكه عدم عروض نقادت احلاد ازمنهٔ متطاوله دراستال این امور ازمحالات عاذیه است والعلم عندالله واهله والسلام على من اتبع الهدى ۱۱۲۰.

(۳۲۵ق) ــ كاغذ سمرقندى ــ جلد تیماج زرد تازه

الداره: ۱۱×۲۱ و ۷×۱۵ س ۱٤

[۱۵۰۵-۱۵۱٤] رسالههای خوانساری (عربی)

این رساله های فقهی دردفتر ش ۱۱۳٦ و از سیدمحمود خوانساری زندهٔ

در ۱۲۰۷ (ص ۱۷۰۰ همین فهرست) میباشد بجز یكی كه از استادش محمد هاشم خوانساری است. اینك رسالهها:

۱ـ رسالة فى قاعدة «لاضرر» كه درپنج مقام است: و مدرك هذه القاعده ـ معنى الضرر والضرار والاضرار ـ معنى نفى الضرر والضرار ـ بعض مايجب التنبيه عليه ممايتعلق بالاخبار ـ فيما ينبغى التنبيه عليه.

آغاز: رسالة فى قاعدة «لاضرر» من مصنفاتى (گ ۹ الف و ب) (هو) الفتها فى النجف الاشرف على مشرفها آلاف التحية والتحف) (۱۲۸٤) بسم‌الله (والحمدلله) وصلى الله على محمد وآله الطاهرين و بعد يقول احوج المربوبين محمود بن عبدالعظيم الموسوى عفى عنهما: قاعدة فقهيه. قد كثر وشاع استدلال العلماء «قهم» فى كثيرمن المسائل الفقهية بنفى الضرر والضرار ونحن تمهيدالاقتفاء آثارهم انشاءالله نحرر هذه القاعدة تبصرة وتذكرة فنقول جلية الحال وتوضيح المقال (فى ذلك المجال) يستدعى رسم مقامات.

انجام: ثم لم نفهم المراد من قوله و اما ما قيل الخ ولا من الجواب الذى ذكره معنى محصلاً فلاحظ وتأمل (السابع ـ درش ۲ ویبداست كه بانجام نرسیده است) (گ ۹ الف ـ ۱۹ ب و۷۹ ب ـ ۹۳ الف ش ۲ و ۱۱۳٦/۸ ـ ایندوشماره اندكی ازهم جدائی دارند).

۲ـ درمسئلهٔ تعارض استصحاب با قاعدهٔ ید.

آغاز: فى حكم تعارض الاستصحاب مع اليد اعلم انه قد اختلف العلماء فى الحكم بتقديم اليد اوالاستصحاب اوبالتساوى والرجوع الى المرجحات كما يظهر من اختلافهم فى المسائل الفقهية.

انجام: لمامر من انه على احتمال كونهامن الامارات. الرابع الحكم باليد انمايكون فيما يكون قابلا لها مثل الاعيان واما المنافع فلا. (گ ۳٤ ب ـ ۳۸ الف ش ۱۱۳٦/٤).

۳ـ درقاعدهٔ ضرر. فهرست مطلبها چنین است: والمدرك ـ مواردالضرر ـ

معنی الحديث هل يفرق فيما لو اذن به ام لا وهل يثبت الضمان ام لا - من الاصول او الادلة - اشكالات - يعارض سائر الادلة او حاكم - مقدار حكومته - هل يثبت به الحكم اولا - تعارض الضررين - مايجر به الضرر وضرر ام لا .

آغاز : فی قاعدة الضرر والكلام فيها تارة فی معناها و اخری فی مدركها . اما الكلام فی المدرك : اعلم انه قد انعقد الاجماع المحقق الثابت لنا بالحدس من استدلالات من يمكننا الاطلاع علی قوله بوفاق جميع الامة علی ذلك .

انجام : فروع . لو دار الامر بين ضررين علی نفرين مثل ما اذا ادخل دابة شخص راسه فی قدر آخر فدار الامر هنا بين قطع راسها او كسر قدره (بانجام نميرسد ،
گ ۷۲ب - ۷۸ الف ش ۱۱۳۶/۷) .

۴- رسالة فی جواز المعاملة المحاباتية وعدمه .

آغاز : بسمله . الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام علی محمد و آله اجمعين . هل يجوز المعاملة المحاباتية بشرط القرض و بالعكس ام لا وهل يجوز القرض بشرط البيع المشروط بالخيار للبائع اذا رد مثل الثمن فی مدة معلومة و مع ذلك فهل يجوز للبائع استيجاره من المشتری فی ايام الخيار ام لا وهل يجوز اجارته من غير البائع بدون اذنه ام لا وهل يجوز له بيعه فی ايام الخيار ام لا ؟ تحقيق المسئلة يتوقف علی رسم مقامات .

انجام : مع عدم رجوع البائع . فلنختم الرسالة بحمدالله والصلوة علی خاتم الرسالة محمد و آل بيته الطاهرين صلوات عليهم اجمعين . وقد فرغت من كتابة هذه الرسالة مع كمال الاستعجال بحيث واتفق فی الاتمام جناب الملا كاظم بهذه الصفحات المعلومة عصر يوم الجمعة السابع من جمادی الآخرة وانا احوج المربوبين وافقر المشتاقين تراب اقدام المحصلين محمود بن المرحوم المبرور السعيد الصالح السيد عبدالعظيم طاب ثراه والسنة تسعون بعد الف و مأتين من الهجرة ۱۲۹۰
(گ ۱۹۵ الف - ۱۱۰ الف ش ۱۱۳۶/۹) .

۵- رسالة فی الغيبة در چهار مقاله (معنی لغوی و اصطلاحی غيبت - حكم

غيبت - مستثنيات غيبت - شنيدن آن) و يك خاتمه در امور متعلق بغيبت .

آغاز : وبعد فالكلام فی الغيبة لفظاً و معنی و حكما و سائر المتعلقات فی مقدمة ومقالات . المقدمة فی تحقيق المادة .

انجام : وفقنا لرعاية حقوق الاخوان . تم فی دار السلطنة اصفهان ... بيد مؤلفه .. محمود بن السيد عبدالعظيم الموسوی الخواتساری فی النصف الاول من العشر الثالث من الشهر الخامس من سنة تسع وثمانين ومأتين بعد الالف . حكاية حال لما اشتد علی الامر فی سنة ثمان و ثمانين بعد الالف ومأتين ... وقد رايت فی الطريق من ظننت انه نائم فوجدته ميتا .

او در اين داستان مينويسد كه بسال ۱۲۸۸ بر من بسی سخت گذشت چه اينكه همچه سالی را مردم نديده بودند و از نداشتن آذوقه سگ و گربه را ميخوردند تا از خود هم نميگذشتند .

(زمانيكه آدم خوری بباب گشت
هزار ودويست است هشتاد و هشت)

و مردار مسلمان تا يهود را ميخوردند و مردم ده مايشها سی هزار تن بودند و پس از اين ده تنی بيش نماندند در اين سال گندم فروش و نانوا از گرانمايگان بشمار آمدند گربه‌ها از ترس بخانه‌ها نميآمدند و مردم خانه‌های خود را ويران ميكردند و چوب آنرا ميفروختند تا خوردنی فراهم آورند و يك مد آرد پنجاه تومان ارزش داشت چه ميبايستی كالای پنجاه تومانی را داد و پنج من آرد بدست آورد . ما در اينسال بسيار تنگی كشيديم و هر چه داشتيم از كتاب و جز آن فروختيم و سرانجام من با نوكری بسوی سپاهان رهسپار شدم و بديه داران كه رسيدم نوكر را با نامه‌ای نزد پدرم فرستادم و نوشتم كه من بسوی سپاهان ميروم تا كتابهايم را كه نزد برادرم است بفروشم و در ميان راه يكی را خفته ديدم درست كه نگريستم دريافتم مرده است .

(گ ۱۱۱ ب - ۱۳۱ ب ش ۱۱۳۶/۱۰) .

٦- رسالة فى الغناء.

آغاز: ومن المحرمات فى الشريعة الغناو توضيح الحال فيهذا المجال يتوقف على التكلم فى مقامات ثلثة ١- فى الموضوع والثانى فى الحكم و ٣ فيما استثنى من الحكم.

انجام: عنده حول من يحصل له شهوة باستماع الغنافلايضر دخول الاصم فتأمل.

دربرگ ١٣٦ بندی است دربارهٔ فروش ظرفهای طلاونقره ودادوستد باپول قلب وسکه‌هائیکه دولت آنها را ازارزش قانونی انداخت بدینگونه:

«وعدم الملكية الثابتة حال كون المادة مصورة بالصور المنهية ... مع السكة المعمولة. ولعل الامر بالتأمل فى كلامه اشارة الى هذا. هذا

(گ ١٣٢ الف - ١٣٥ ب ش ١١٣٦/١١)

٧- در رهن است درشش فصل.

آغاز: كتاب الرهن فى القاموس ان الرهن اسم لما وضع عندك لينوب مناب ما اخذمنك .. فتمام النظر فيه يستدعى فصولا.

انجام: جواز جميع التصرفات الغير المنافية للرهانة.

(گ ١٣٧ الف - ١٦٠ ب ش ١١٣٦/١٢).

٨- رسالة فى محاذاة المرئة للرجل فى الصلوة ازميرزا محمدهاشم بن زين العابدين چهارسوقی سپاهانی (خوانسار ١٢٣٥ - نجف ساعت چهار روز چهارشنبه ١٧ رمضان ١٣١٨) شاگرد پدر خود و شیخ انصاری و صدرالدین محمد موسوی عاملی وامیرسید حسن بن علی حسینی مدرس سپاهانی ونگارندگان مطالع الانوار والاشارات بوده است (١) اودراین رساله شکلهای هندسی راهم رسم کرده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله

١- بنگرید به: سرگذشت او بخامهٔ خود او درآغاز چاپ سنگی مبانی الاصول با رساله‌های دیگر او در ١٣١٧- مآثروآثار ص ١٤٥- كتاب علماء معاصرين ص ٦٧- احسن الوديعه ١:١٤١- ريحانة الادب ١:٤٢١- گاهنامه سال ١٣١٢ ص ٥-١٥٤ برای سرگذشت پدر و برادر او.

الطاهرين. مسئلة: لوفرضنا محاذاة المرئة للرجل فى الصلوة اوتقدمها.

انجام: هذا ماوصل اليه فهم هذا العبد القاصر فى هذه المسئلة والله المستعان وعليه التكلان. وقدفرغ من تسيقه فى الليلة التاسعة من ذى القعدة الحرام احدو تسعين ومأتين بعدالالف وانا العبد محمدهاشم بن زين العابدين الموسوى الخوانسارى.

تم بيدى فى.. (خوانده نشده) وانا محمود الموسوى الخوانسارى (گ ١٦٧ ب - ١٧٢ ب ش ١١٣٦/١٣).

در گ ١٧٣ الف همین محمود خوانساری مینویسد که محمدهاشم دام ظله العالی این را در پاسخ سید اسمعیل بهبهانی طاب ثراه نوشته و چون من مجال نداشتم بدوستانم گفتم برای من این رابنویسند تانسخهٔ آن بماند واین کار در تهران که من در آن بودم وسید استاد بطوس میرفت رخ داد. دراین هنگام شاه فرمود که... سوار باقرماندهی شاهنواز خان وشاهزاده احتشام الملك بخوانسار بروند واشرار را از آنجا برانند. آنها تارومار گشتند ومردم ازعدل شاه خوشنود شدند. این کار مانا در ١٢٩١ بود ومن ورقه‌های ناقص را در ١٢٠٧ کامل کردم.

٩- درجواز حیل دررباکه خوانساری بایکی معاصران خود دراین زمینه گفتگو نمود واو نپذیرفت وحیل را ناروا پنداشت. این بود که خوانساری این رساله را نوشت وروشن نمود که حیل دررباروا میباشد.

آغاز: بسمله. وبه نستعين. الحمدلله وصلى الله على محمدوآله الطاهرين .. وبعد يقول .. محمودبن عبدالعظيم الموسوى الخوانسارى ... فقد تداول فى العصر الاسترباح واستجلاب النفع وطلب الزيادة فى الربويات بحيل مخرجة للمعاملة عن كونها ربا وانكر بعض المعاصرين جواز الحيلة والاسترباح فى الربويات مطلقا ... ولما اعتقدت الجواز وباحثت فيه وتكلمت معه ... فقلت له اكتب ما خطر ببالى مختصرا.

انجام: فلايثبت بالاصل المجعول الشرعى فتأمل.

گ ١٧٣ ب - ١٨٠ الف ش ١١٣٦/١٤).

١٠- در طلاق است.

آغاز : الركن الثانی فی المطلقة و شروطها خمسة الاول ان تكون زوجة ولوحكما .

انجام : ولاينا فی ذلك الحكم بوجوب العدة بمطلق المس والدخول فتدبر .

(گ ١٨١ الف - ٢٠٧ ب ش ١١٣٦/١٥) .

[١٧٧٤-١٧٨٤]

١١٣٦ این نسخه‌ها شماره‌های ٢ و ٤ و ٧ تا ١٥ دفتر است و بخط نستعلیق محمود خوانساری است و نسخهٔ اصل خود او است و برخی جاها مینماید که بخط دیگری باشد، خط در ش ٤ مانند ش ٢ میباشد همچنین ش ١١ تا ١٥ مانند ش ١٠ است ، در ش ٤ و ٧ خط خوردگی وحاشیه دارد ومسوده است . ش ٨ به نستعلیق خوش است . در ش ٩ برگهای ١٠٨ و ١٠٩ بنستعلیق دیگریست وباید ازملا کاظم باشد ودیگر برگها بخط خود نگارنده است . در ش ١٠ خط نستعلیق وعنوانها درشت‌تر وباحاشیه است . ش ١١ هم حاشیه دارد . در ش ١٢ حاشیهٔ «منه» هست وچند صفحه‌ای سفید و کم دارد ودربالای صفحهٔ آغاز آن نوشته شده « جمادی الآخرة من ١٢٨٤ » . در ش ١٥ هم حاشیه هست .

در گ ١١١ الف اجازه‌ایست ازمحمدهاشم بن زین العابدین موسوی خوانساری در ٢١ ج ٢ سال ١٢٩٠ بخط نستعلیق و مهر او که مینویسد که من بدین رساله نگریستم و دریافتم که نگارندهٔ آن برادرم میرزا محمود خوانساری مردی زیرك و هوشمند ودانااست واز گفتگوها که با اوداشته‌ام دریافتم که او شایستگی فتوا و داوری میان مردم دارد .

[١٥١٥-١٥٢٢] رساله‌های شهرستانی (عربی)

ازسیدمحمد جعفربن آقابزرگ سیدمحمدحسین بن میرزامحمد مهدی موسوی شهرستانی كربلائی (+ ١٢٦٠) (اعلام الشیعه ٢: ٢٤٨) هشت رساله فقهی دراینجا میشناسیم :

١- رسالة فی دفع شبهات السید محمد باقر بعد صدور حكم تولية موقوفات میرزا فضل‌الله الحسینی الشهرستانی منه للمؤلف ، كه میگوید سید محمد باقر (سلمه‌الله تعالی) نخست حكم داد كه تولیت وقفهای میرزا فضل‌الله حسینی


بسم الله الرحمن الرحيم

گ ١١١ الف ش ١١٣٦ : اجازهٔ محمدهاشم خوانساری بمیرزا محمود خوانساری بخط خود او (ص ١٧٠٠ و ١٨٨٨ همین فهرست دربارهٔ رساله‌های خوانساری)

شهرستانی بانگارندهٔ این رساله است چه اینکه آن وقفها دردست نیای اومحمد مهدی بوده است سپس شبهه هائی دراین حکم برایش دست داد و مرا شایستهٔ تولیت آن ندانست. اوپنج شبههٔ سیدرامیاورد وپاسخ میگوید ودر آن از بسیاری دانشمندان همان روزگار یاد شده و بسیاری از کلمات فارسی در آن دیده میشود واین رساله از رهگذر محاکمه و داوری در بارهٔ تولیت وقف وابراز دلائل دو طرف بسیارسودمند میباشد. از آن برمیآید که آقامحمدباقر بهبهانی نیای مادری نگارنده بوده است.

آغاز: بسمله. الحمدلمن تفرد بالدوام والبقاء وقهرعباده بالموت والفناء.

انجام: امالاحکام الصادرة علی تولیةالعبدالعاصی فصورتها هذه. اما صورة حکمهالشریف فهو اعلام (گ ۳ ب - ۳۲ ب. برگ ۳۳ الف سفید و نسخه بپایان نمیرسد).

۲- رسالة فی جوازالبقاء علی تقلیدالمیت.

آغاز: بسمله. الحمدللهرب العالمین والصلوة والسلام علی خیرخلقه محمد... فیقول.. ابن محمد حسین بن محمد مهدی محمد جعفرالموسوی الشهرستانی.

انجام: الاختلاف بالنسبة الی آحادالاشخاص.. تمت بالخیروالعافیة. اسئل الله سبحانه حسن العافیة فی دارالسلطنة قزوین علی ید مفتقر الی رحمة ربهالغنی ابن محمد حسین محمد جعفر موسوی الشهرستانی عفی عنهم بالنبی والوصی فی شهر ذی الحجةالحرام سنة ۱۲۵۳ (۳۳ ب - ۴۱ الف).

۳- رسالة وجیزة فی الغناء که درسه مقام ازغناء گفتگو کردهو برفیض کاشانی ومحقق سبزواری رد نمود.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین... فیقول... ابن محمدحسین بن محمدجعفرالموسوی الشهرستانی... ان هذه رسالة وجیزة فی الغناء.

انجام: حرمةالاعانةعلی الاثم. تمت بالخیروالعافیة. اسئل اللهسبحانه حسن العاقبة

فی عرصةالقبة فی عصریوم الاثنین الخامس والعشرین من شهر ربیع المولود سنة السبع والخمسین بعدالمأتین والالف ۱۲۵۷ علی یدالاذل الاحقرابن محمد حسین بن مهدی محمدجعفرالموسوی الشهرستانی فی دارالسلطنة اصفهان (۴۲ ب - ۴۷ ب).

۴- ورسالة وجیزة فی الغیبة، که درچهار «موضع» ازغیبت گفتگو نمود.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... فیقول... ابن محمد حسین ابن محمدمهدی محمدجعفرالموسوی الشهرستانی... ان هذه رسالة وجیزة فی الغیبة.

انجام: لعدم کفایةالترجیح النوعی عندتعارض النوع مع الشخص علی مابین فی محله.. تمت الرسالة... فی ظهریة یوم الثلاثاتاسع شهر جمادی الاولی سنةالسابعة والخمسین بعدالمأتین والالف ۱۲۵۷ فی دارالسلطنة اصبهان حفت بالامان (۴۸ ب - ۵۶ الف).

۵- رسالة فی حکم من تیقن الطهارة والحدث وشك فی المتأخر.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... فیقول... ابن محمد حسین محمد جعفرالموسوی الشهرستانی... ان هذهرسالة فی حکم من تیقن الطهارة والحدث وشك فی المتأخر من وجوب الطهارة اوالعدم.

انجام: لتحقق الرفع فی احدیهماالمصحح للصلوة. تمت بالخیروالعافیة... علی ید... ابن محمد حسین محمد جعفرالموسوی الشهرستانی فی تاسع عشر من شهرصفر سنة ستین بعدالمأتین والالف ۱۲۶۰ فی دارالسلطنة اصبهان (۵۶ ب - ۶۳ الف).

۶- ورسالةوجیزةفی العصیر، که ازسهرهگذر ازفشردهٔ انگور گفتگو نمود.

آغاز: بسمله. الحمدللهرب العالمین... فیقول... ابن محمدحسین بن محمد مهدی محمدجعفرالموسوی الشهرستانی... انهذه رسالة وجیزةفی العصیرالعنبی.

انجام: مضافاًالی دلالة الادلةالمتقدمة علی اشتراط ذهاب الثلثین فی الحکم بالحلیة. تمت الرسالة...علی ید...ابن محمدحسین محمدجعفرالموسوی الشهرستانی...

فی عصریة یوم الاربعا تاسع عشر من شهر محرم الحرام فی سنة الثامنة والخمسین بعد المأتین والالف ۱۲۵۸ (فی دار السلطنة اصبهان) (۶۳ ب – ۷۳ ب).

۷– «رسالة فی طهارة ما فی القدر و حلیته لو وقعت فیها قطرة من الدم حال غلیانه» او فتوی بنفی میشود بر خلاف رأی ابی حنیفه و مفید و طوسی و سلار و گروهی از دانشمندان روزگار خود او.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین ... فیقول ... ابن محمد حسین ابن محمد مهدی محمد جعفر الموسوی الشهرستانی ... انه لما شاع وذاع فی الالسن الحکم بطهارة ما فی القدر و حلیته من اللحم الواقع فیها قطرة من الدم حال غلیانه بالنار احببت تحریر هذه المسئلة بما تقتضیه الادلة المعتبرة و القواعد المقررة المبرهنة وان کان مقتضی الاصل الاولی الحکم بالطهارة.

انجام: ما ذکرنا من الفروع. وقد تمت بالخیر... فی عصریة یوم الاربعا الثامن والعشرین من شهر ربیع المولود سنة الثامنة و الخمسین بعد المأتین و الالف علی ید الاحقر ابن محمد حسین الموسوی محمد جعفر الموسوی الشهرستانی.. فی دار السلطنة اصبهان حفت بالامن و الامان (۷۳ ب – ۸۰ ب).

۸– رسالة فی اصل حکم الشبهة المحصورة.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین ... فیقول ... ابن محمد حسین محمد جعفر الموسوی الشهرستانی .. ان هذه رسالة فی اصل حکم الشبهة المحصورة من وجوب الاجتناب او العدم.

انجام: وهو کونهما ناقلین. تمت ... فی ثانی من شهر صفر من سنة الستین بعد المأتین و الالف سنة ۱۲۶۰ علی ید الاحقر محمد جعفر الموسوی الشهرستانی ... فی دار السلطنة اصبهان حفت بالامن و الامان (۸۰ ب – ۹۸ الف).

[۱۷۸۵–۱۷۹۲]

۱۱۱۱ این نسخه‌ها شماره‌های ۱ تا ۸ دفتر و بنسخ و حرفهای آغاز سطرها بشنگرف میباشد وهمه بخط خود شهرستانی است. مهر شیخ العراقین با شمارهٔ ۱۰۴۵

در ۳ الف هست.

(۸۳۱۰۳) — کاغذ فرنگی — جلد ندارد

اندازه: ۱۱×۱۵/۵ و ۷×۱۲ س ۱۵

[۱۷۹۳]

۹۵۷ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ و همان رسالهٔ ششم در عصیر عنبی میباشد واندکی با نسخهٔ پیش جدائی دارد. گ ۷۰ ب – ۷۹ الف. در ۸۱ الف – ۹۹ الف دعا است و پراکنده‌های دیگر بنسخ و نستعلیق.

[۱۵۲۳–۱۵۲۶] رسالههای عاملی (عربی)

در دفتر ۱۱۱۸ چند رساله ایست که باید از سید محمد جواد عاملی نگارندهٔ مفتاح الکرامه باشد:

۱– در بارهٔ «ریاء» در عبادات است.

آغاز: بسمله. واعلم ان الریاء فی ماهیات العبادات و اجزائها و اوصافها الداخلیة وشرائطها حرام اتفاقا حتی السید المرتضی ره قال بذلك لنص الکتاب.

انجام: ومنها لو نوی من وضوئه استباحة الدخول علی الصلوة المخصوص یجوز له الدخول علی الصلوة الاخری بعد اتیان ما نواه اوقبله. تمت.

۲– القضاء.

آغاز: بسمله. هل یجوز للقاضی و الفقیه فی زمان الغیبة اخذ مال الامام ع من الخمس والتصرف فیه ام لا.

انجام: بل العکس ثابت وایضاً لا نسلم کونها عقداً بل نقلا خاصاً براسه.

۳– رسالهٔ شك وسهو که در اعلام الشیعه (۲:۲۸۸) از آن بنام «رسالة فی الشك فی الشرطیة والجزئیة» یاد گشته است.

آغاز: بسمله. واعلم ان الشروط علی ثلثة اقسام: شرط وجود فقط وعلمی فقط و وجودی.

انجام: کما هو المشهور بل الاجماع الا لورود دلیل. تمت مسئلة الشك والسهو

نسئل الله التوفيق باتمام مسئلة النكاح وان لم يكن عندي كتب واسباب .

٤ـ الغصب :

آغاز : اذا غصب غاصب خمراً هل يضمنه ام لا . اقول هذا متصور على اقسام بيانه بان الغاصب والمغصوب منه اماذميان او مسلمان اومختلفان .

انجام : ومن قبيل ذلك دعوى وارث العبد بعد موته رقاً مع المولى . تم الغصب ناقصاً وعلى اتمامه .

[١٧٩٧-١٧٩٤]

١١١٨ این نسخه‌ها شماره‌های ۲ است بخط نستعلیق موروب مانند حاشیهٔ ش ۱ گ ۲٦ الف ـ ۲۷ ب وش ۳ نسخ و نستعلیق در گ ۲۰۰ الف ـ ۲۳۳ الف ودر ۲۰۵ الف حاشیهٔ «منه» هست ودرهامش گ ۲۱۱ الف نام «حاجی سید محمدعلی اردبیلی» دیده میشود و ش ٤ بخط نستعلیق در گ ۲۳٤ ب ـ ۲۸۱ ب و ش ٥ بخط نستعلیق گ ۲۸۲ الف ـ ۳۱۰ ب میباشد . در نزدیك بپایان ش٥ دو برگ است بازمینه سیاه که بخط سفید وهفت برگ با زمینهٔ زرد که بخط سفید یا سیاه نوشته شده‌است .

[١٥٢٧] رضاع (رسالة ...) (عربی)

محقق کرکی این رساله را دررضاع نگاشته است و آن درجلد یکم کلمات المحققین (ص ۲ ـ ١٤) ودرهامش درر الفوائد خراسانی (ص۲۸۳-۳۱۸) بچاپ رسیده است (۱) .

۱ـ درقانون مدنی اروپائی مانند فرانسه فرزند خواندگی (تبنی) هست ولی دراسلام نیست.دربرابر آن دراسلام رضاع و همشیرگی پذیرفته شده است (المقارنات التشریعیة سید عبدالله علی حسن ۱۳۲ و۱۳۳) اینگونه فرزند خواندگی که برپایهٔ شیرخوردن است درشمال افریقا ونزد بربرکاسپانها ودرمیان بربرها و کابیلها ومصریها بوده‌است. گروهی دیگر از افریقائیان فرزند خواندن را روی مکیدن خون سینهٔ پسر میدانند و درجشه روی گرفتن دست او و مکیدن انگشتش (دائرة المعارف اخلاق و ادیان هیستینگز ، بانگلیسی ۱ : ۱۰٦-۱۰۶ در Adoption)در «آیین‌نامهٔ زرتشتیان» هم‌پسرخواندگی و همشیرگی با زناشوئی ناسازگار پنداشته شد (چاپ انجمن زرتشتیان تهران ۱۹ درچاپخانهٔ فردوسی) .

آغاز : بسمله . الحمدلله كماهواهله والصلوة على (نبينا نبيه) محمد وآله . اعلم وفقك الله انه قد اشتهر على السنة الطلبة في هذا العصر تحريم المرأة على بعلها بارضاع من سنه كره ولا نعرف لهم في ذلك اصلا يرجعون اليه ... فاما الذين شاهدناهم من الطلبة وجدناهم يزعمون انه من فتاوى شيخنا الشهيد قدس الله روحه ونحن ... استبعدنا كونه مقالة لمثل شيخنا ... ولم نجد لهؤلاء ... اسناداً يتصل بشيخنا في هذا الفتوى يعتدبه ... ولسنا نافين لهذه النسبة عنه رحمه الله .

انجام : يقتضي ثبوت الاخوة لاولاده لاثبوت الاخوة لاخوة اولاده وذلك غير مقتضى للتحريم بوجه من الوجوه (والله اعلم بالصواب) (تمت الرسالة الشريفة والله اعلم واحكم بالحق)

[١٧٩٨]

٨٧٢ این نسخه ش ٦ دفتر وبخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد وچنین است آغاز آن : «عن درجة الاستنباط ان یکون دلیلا یشیء من هذه المسائل اوشاهداً علیها و منبین المسائل التی نحن بصددها ...» از دیباچه . گ ۹٥ الف ـ ۱۰٦ ب (بنگرید به ۸۷۲/۱) .

[١٥٢٨] رضاع (فارسی)

این نامه از مجلسی یکم است که میخواهد دربرابر دانشمندانیکه راه افراط یا تفریط پیش گرفتند دراین مسئله آنچه راست و میانه است بنماید . دونسخه‌ای از آن درفهرست طوس (٥ : ٤٤٥) نشان داده شده است . رساله‌ای دررضاع درجلد یکم کلمات المحققین (رساله‌های خراج و رضاع) در ۱۳۱۳ ودرهامش درر الفوائد آخوند خراسانی در ۱۳۱۹ بچاپ رسیده که از مجلسی دوم است . (طوس ٥ : ٥٧٤) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین ... وبعد چنین گوید ... محمدتقی بن مجلسی الاصفهانی که چون دراینعصر افراط و تفریط بسیار درامر رضاع واقع شده بود درمیان طلبه این رساله را نوشت تاآنچه وسط که صراط مستقیم است ظاهر شود .

انجام : که این فعل مکروه است وشیرو گوشت آن باکی ندارد .

[۱۷۹۹]

۹۴۴ این نسخه ش۱۰ دفتراست وبهبانکوله خط ش۱۰ ازهمان محمد شریف در ۱۰۹۴ گ ۱۰۷ الف ـ ۲۲ ب .

[۱۵۲۹] الرضاع (عربی)

(رسالة فی معرفة احکام ...)

این نامه دارای یك مقدمه وچند فصل و یك خاتمه است از امیر سید محمدبن عبدالکریم طباطبائی بروجردی که‌نیای بحرالعلوم مهدی بن‌مرتضی وخواهرزادهٔ مجلسی یکم واستاد بهبهانی بوده است (روضات ص ٦٥٠) .

آغاز : بسمله . و بالله استعین انه خیر معین الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله‌الطاهرین‌المعصومین اما بعد فهذه رسالة فی معرفة احکام‌الرضاع لاسیما‌المحرم منه مشتملة علی مقدمة وفصول و خاتمة .

انجام : مع ورودالنصوص‌الکثیرة به التی لامعارض لها . هذا آخر مااوردنا ایراده فی هذه‌الرسالة وعلیك بالاحتیاط فی الاخذ بمسائلها والعمل بهاعلی ماهو المقرر فی المسائل المختلف فیها وحسبناالله ونعم‌الوکیل .

[۱۸۰۰]

۱۱۰۲ این نسخه ش ۲ دفتراست وبنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد حسن‌بن احمد که درروز ۱۷ رجب ۱۳۵۱ نوشتن آنرا بپایان رساند (ص ۱ـ٤۲) حاشیه‌های «منه» دارد به نستعلیق . اودرگ۱ ب ـ۲ الف دیباچه‌ای نوشته ومیگوید که من ۲۳ سال نزد حاج آقاحسین بروجردی شاگرد بودم ومینویسد که او نگارشهادرفقه واصول ورجال وامامت دارد وتعلیقه‌ای بر کفایه وردی بر پایان‌نوشته اودیباچه را درروز۲ ج ۱ سال ۱۳۵۱ بانجام رساند (بنگرید به۱۰۲/۱۰ ۱۱ درفهرست آقای منزوی ۲:۱٦٤۱) .

[۱۵۳۰] روض‌الجنان فی شرح ارشادالاذهان (عربی)

شیخ زین‌الدین علی‌بن محمدبن احمدبن محمد عاملی شهید دوم (۱۳ شوال

۹۱۱ـ ۵ ع ۹٦٦/۱) برارشاد علامهٔ حلی این گزارش را نگاشته ودرروز آدینهٔ ۲۵ ذی‌قعدهٔ ۹٤۹ جلد یکم از طهارة تا صلوة را بانجام رساند وپیش‌ازاین هم نوشت (کنتوری ص ۳۲۰) وآن بیش‌از بیست هزاربیت میشود و این نخستین کتابیست که او درآغاز رسیدن‌بپایگاه‌اجتهاد درسی‌وسه‌سالگی(۹٤٤)نگاشته ونخستین گزارش آمیختهٔ‌بامتن‌است ازدانشمندان شیعی (مقابس ص۱۹ـ روضات ص ۵ـ۲۹٤ـ طوس ۵:۹٤٤۹) این گزارش درتهران بسال ۱۳۰۷ بچاپ رسید .

آغاز : بسمله وبه‌نستعین الحمدلله‌المتفضل‌بشرح‌معالم‌شریعته‌لارشادالانام، المتطول‌بارسال‌الرسل لتبریزالاحکام وتمییزالحلال‌عن‌الحرام ... وبعدفهذا تعلیق مختصر کافل بالامداد للمشتغلین بکتاب‌الارشاد .

انجام : والروایة مصرحة بالقید وهی مستندالحکم وقدتم بذلك کتاب الصلوة وبه‌تم‌الجزء‌الاول من کتاب روض‌الجنان فی شرح ارشادالاذهان ویتلوه فی‌الجزء‌الثانی ... کتاب‌الزکوة واتفق‌الفراغ منه یوم‌الجمعة‌الخامس والعشرین من شهرذی‌القعدة .. سنة تسع واربعین و تسعمائة علی ید مصنفه ... زین‌الدین علی‌بن احمدالعاملی عامله‌الله بفضله وعفاعنهم بمنه و وفقه لاکماله وجعله خالصاً لوجهه‌الکریم بمحمد وآله‌الطاهرین .

[۱۸۰۱]

۷۷٦ این نسخهٔ پاکیزه و زیبا بنسخ است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و با سرلوح زیبا ودردوجدول است بزرگی لاجورد وزرین و کوچکی بدین دو وشنگرف ومتن زیرخط سرخ و عبدالله‌بن محمد سعید خوانساری نوشتن آنرا درشب پنجشنبه ۲۳ صفر ۱۲۳۳ بانجام رساند .

(۲۸۱۱د) ــ کاغذ فرنگی آهار مهره ــ جلد تیماج سبز لائی مقوائی
اندازه : ۱۹/۵×۲۸/۵ و ۱۱×۱۹/۵ ــ س ۲٦

[۱۵۳۱] الروضة‌البهیة فی‌شرح‌اللمعة‌الدمشقیة (عربی)

لمعهٔ دمشقیه‌ازشهیدیکم (۷۳٤ـ۷۸٦) است که در۷روزدردمشق‌پی‌آنکه

یکتایی جز مختصر نافع بنگرد برای دوست خود میرشمس‌الدین محمد آوی رازی
از نزدیکان امیر خواجه نجم‌الدین سلطان علی بن مؤید بازپسین فرمانروای سربداری
و پادشاه خراسان (سبزوار) و دامغان و قائن و طبس و ترشیز و قهستان وورد اورد
(۷۶۶–۷۸۸) بپرداخت سپس پاره‌ای از مطلبهای آن را در ۷۸۲ درست نموده است.
این خواجهٔ خراسان دوست شهید بوده و نامه‌ای شیوا بتازی برای شهید از آنجا
فرستاد و متن آن را در شهداءالفضیله می‌بینیم در آن دارد که شیعیان خراسان رهبر
و راهنما ندارند و شایسته است که شما بدین سوی بیائید و آنها را راهنما شوید.
این پادشاه در ۷۶۰ همان سالیکه میربزرك قوام‌الدین مرعشی (۷۶۰ – ۷۸۱)
بر افراسیاب چلاوی چیره گشته بود بدست اسکندر شیخی پسر افراسیاب فرمانروای
آمل (۷۹۵–۸۰۵) از سبزوار رانده شده و ناگزیر در ۷۸۳ بدربار تیمور در نیشابور
رفته و تا پایان زندگی با او بوده و در سال ۷۹۵ نه سال پس از مرگ شهید
در خوزستان در جنگ کشته شد (منتظم ناصری ۲: ۳۹ و ۴۰ – زامباور – تاریخ
طبرستان مرعشی ص ۲۵۴ – حبیب السیر ج ۳ جزو ۲ ص ۱۱۱۷ چاپ تهران – تاریخ
مغول اقبال ص ۴۶۶ و ۴۷۵ و ۴۷۷) او نخست از خراسان بعراق و سپس از آنجا بشام
برای شهید نامه می‌نوشت و سرانجام همان آوی را با نامه و ارمغانهائی که یکی
از آنها قرآنی بوده است نزد او بسوی شام گسیل داشت و درخواست کـه او
بخراسان بیاید ولی شهید نپذیرفت و در هفت روز در همان دمشق لمعه را که در دیباچه
آن آوی فرستادهٔ او را بعنوان «بعض الدیانین» و در پایان آن بعنوان «بعض الطلاب»
یاد کرده است نوشته و برای او فرستاد. آن قرآن در خاندان شهید بوده و دختر
دانشمند او «ست المشایخ فاطمه ام الحسن» از آنچه از پدر در «جزین» برجای ماند
و بدو میرسید در گذشت و برادران خود رضی‌الدین ابوطالب محمد و ضیاءالدین
ابوالقاسم یا ابوالحسن علی و جمال‌الدین ابومنصور حسن (مستدرك ۴۳۸) بخشید
و در برابر تهذیب و مصباح طوسی و من‌لایحضر و ذکری پدرش و همان قرآن را
برای خود برگزید و سه تن هم در نوشته‌ایکه در این باره نوشته شده بر آن گواهی

داده‌اند و نسخهٔ این گواهی نـامه (تاریخ روز ۳ رمضان ۸۲۳) اکنون هست
(ریاض‌العلما ص ۱۵۳ – سفینة‌البحار ۱: ۷۲۲ – کنی والقاب ۲: ۳۴۲ – فوائد رضویه
۲: ۶۴۹ از تکمله) این دختر از پدر خود و از ابن‌معیه اجازه روایت داشت و پدر
اورا میستود و زنان را در شرعیات بدو بازمیگرداند (۱).

۱– شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین مکی بن محمد بن حامد بن احمد عاملی نبطی
(از نبطیه از شهرهای عامل) جزینی (دیهی در لبنان) در آغاز کار بعراق رفته و در خوردسالگی
نزد شاگردان علامهٔ حلی درس خواند. بغداد و مصر و دمشق و بیت‌المقدس و مقام
خلیل را هم دیده از چهل دانشمند سنی نگارشها و روایتهای آنان را روایت نمود
(اجازات بحار ص ۳۹) استادان شیعی اورا چنین برشمردند: تاج‌الدین محمد بن معیهٔ
دیباجی م ۷۷۶، رضی‌الدین ابوالحسن علی بن احمد مزیدی حلی م ۷۵۷، زین‌الدین
ابی‌الحسن علی بن احمد مطارآبادی م ۷۶۲، علاءالدین ابی‌الحسن علی بن زهرهٔ حلبی
م ۷۷۵، جلال‌الدین ابومحمد حسن بن احمد بن نما زندهٔ در ۷۵۲، ابوطالب احمد بن زهرهٔ
حلبی م ۷۹۵، سید مهنا بن جلیل بن سنان قاضی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد
موسوی م ۷۶۹، قطب‌الدین ابوجعفر محمد رازی بویهی م ۷۷۶، جلال‌الدین عبدالحمید بن
فخار بن معد موسوی، جلال‌الدین محمد بن محمد کوفی، عمیدالدین عبدالمطلب حلی
م ۷۵۴، برادرش ضیاءالدین عبدالله، فخرالمحققین محمد پسر علامهٔ حلی م ۷۷۱ (مستدرك
۴۳۹–۴۵۹).

شهید در ۱۷ سالگی (۷۵۱) از پسر علامه در خانه‌اش در حله اجازه گرفت و یکسال
پس از این از ابن نما و عمیدالدین و یکسال پس از این از ابن معیه و یکسال پس از این
از مطارآبادی اجازه گرفت. از قطب رازی و ضیاءالدین هم اجازه دارد. اجازه‌ای که
فخرالمحققین برای او در روی نسخه‌ای از ایضاح نوشته بود بتاریخ ۶ شوال ۷۵۶ میباشد
(ذریعه ۱: ۲۳۶ – اجازات بحار ص ۳۶) شمس‌الائمهٔ محمد کرمانی شافعی هم در خانهٔ
خود در درب‌السعود بغداد در آغاز جمادی یکم سال ۷۵۸ بدو اجازه داده است. (بحار
ص ۳۷) عزالدین عبدالعزیز بن جماعه هم از استادان او بوده است (ص ۳۹).

چنانکه از خط سیوری آورده‌اند (اجازات بحار ص ۳۸ و لؤلؤتی البحرین) شهید را
در زمان فرمانروائی سلطان برقوق ملك ظاهر سیف‌الدین عثمانی یلبغاوی مملوك برجی
چرکسی در مصر (۷۸۴ – کشتهٔ ۸۰۱) در روزگاریکه امیر سیف‌الدین بیدمر یا یکتمر

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

نسخهٔ اصل لمعه را آوی بنا خود برد و کسی نتوانست از آن نسخه بردارد

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

خوارزمی درشام فرمان میراند با کوشش یوسف‌بن یحیی و تقی‌الدین جبلی یا خیامی و با گواهی دادن هفتاد تن از شیعیان سنی شده و بیش از هزار سنی کرانهٔ دریا باینکه او شیعی است و برشمردن فتواهای شیعی او نزد قاضی بیروت یا صیدا گرفتارساختند سپس کارش را نزد ابن جماعه دردمشق برده‌اند و درانجمنی که همان بیمبر از فرمانبهان وداوران وخواجگان بیاراست داورمالکی دستور کشتن اورا داد و داور شافعی گفته بود که میتواند بآیین سنی بازگردد . مگراینکه روی گفتهٔ همان مالکی او را پس‌از اینکه یکسالی در زندان دمشق گذرانده بود در ۵۲ سالگی با شمشیرکشته سپس بدار آویخته آنگاه سنگسارش کرده سپس تنش را بسوختند .

(بنگرید به : دائرة‌المعارف اسلامی وزامباور دربارهٔ برقوق نیز خطط‌الشام ۲: ۱۵۵و۱۵۷ونهرالذهب فی‌تاریخ حلب ۳:۱۸۹و۱۹۳واعلام‌النبلاء بتاریخ حلب‌الشهباء ۲ : ۴۴۰) .

این‌داورشافعی مصروشام همان برهان‌الدین ابواسحق ابراهیم‌ابن‌الخطیب زین‌الدین ابی‌محمدعبدالرحیم‌ابن قاضی مصروشام بدرالدین محمدبن جماعه حموی مقدسی (مصر ع۲/۷۲۵ـ شعبان۷۹۰) است که درذی‌قعدهٔ۷۸۵ قاضی وخطیب دمشق شده ودر۷۸۶ مشیخةالشیوخ آنجاهم با اوشده بود (شذرات ۳۱۱:۶) شهید چنانکه خود میگوید شاطبیه را نزد اوخوانده است (اجازات بحار ص ۳۹) گویند که اوهمشاگرد شهیدهم بوده است . ازگفتار شهید و ابن جماعه درمجاکمه برمیآید که او شافعی بوده است (اجازات بحار ص ۳۸ـ مستدرک ص ۴۳۸) و نام داور مالکی دانسته نیست گرچه دربیشترسرگذشتنامه‌های شیعی دارد که داورمالکی نامش برهان‌الدین است باینکه ابن‌القیـهمان ابن‌جماعه‌است . نام شافعی‌را عبادبن‌جماعه خوانده‌اند و گویا در آوردن داستان ازسیوری اشتباهی دست داده است .

درشذرات‌الذهب (۲۹۴:۶) سخنی شگفت‌انگیز وسراسردروغ دیده میشود ودارد که : محمدبن مکی عراقی رافضی را چون بی‌دین و نصیری بوده و می‌خوردن را روامیداشت وجزاینها ازگناهان دیگر که بکار می‌بست درج ۷۸۶/۱ دردمشق با یار وهمکار اوعرفه راکه هم‌اندیشهٔ اوبوده است درهمینسال درطرابلس گردن زدند .

برای سرگذشت شهیدیکم بنگرید به : مجالس‌المؤمنین مجلس۵ ـ مقابس ص۱۸

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

مگراینکه یکی ازدانشجویان هنگامیکه آن نسخه دردست آوی بود از روی آن نوشت و نشد که مقابله کند این بود که درنسخهٔ دوم نادرستی‌هائی پیدا شد وخود شهید آنرا درست نمود و دونسخه یکنواخت درنیامدند . اینکار را شهید درسال ۷۸۲ کرده بود . درآنروزها که آنرا مینوشته است کسی از سنیان نزد او نمیرفت با اینکه همیشه نزد او میرفته‌اند (لؤلؤتی‌البحرین) پس لمعه را او درزندان دردمشق ننگاشته چنانکه عاملی درامل‌الآمل ص ۴۵٦ پنداشته است .

خود او در اجازهٔ بابن‌خازن در دمشق در۱۲ رمضان۷۸۴ ازخود بنام محمدبن محمدبن مکی ، یاد کرده و در بارهٔ لمعه گفته ، کتاب اللمعه الدمشقیة مختصر لطیف فی‌الفقه، (اجازات‌بحار ۴۰ ـ ذریعه ۲۴۷:۱) دراجازهٔ به ابن نجده در ۱۰ رمضان ۷۷۰ خودرا محمدبن‌مکی، خوانده واز لمعه‌یادنکرده‌است (بحار ۴۲ـ ذریعه‌همانجا) پس لمعه چهارسالی پیش‌ازمرگ او وزمانی که آزاد میزیست نوشته شده است .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

ـجامع‌الرواة ۳۹۱ ب ـ روضات ص۵۸۹ ـ نقدالرجال تفرشی ص۳۳۵ ـ امل‌الآمل ص ۴۵٦ـ لؤلؤتی‌البحرین ـ روضهٔ بهیه ـ نخبةالمقال ص ۴۷و۲۰۴ ـ مستدرک ۳ : ۴۳۷ـ قصص‌العلما ص ۲۴۱ـ هدیةالاحباب ص ۱٦۵ـ کنی و القاب ۳۴۱:۲ـ فوائد رضویه ٦۴۵:۲ ـ سفینةالبحار ۷۲۱:۱ـ مامقانی ۳ : ۱۹۱ـ ریحانةالادب ۳٦۵:۲ـ شهداءالفضیلة ص ۸۰ ـ فهرستهای طوس ومعارف ومجلس و سپهسالار درنام کتابها وفهرست‌نامهای سرگذشت شهید دوم را هم بنام شهید یازین‌الدین درهمهٔ این کتابها میتوان یافت ولی بهتر است بدو کتاب نگریست یکی از بهاءالدین محمدبن‌العودی جزینی شاگرد او بنام بغیةالمرید فی کشف احوال‌الشهید که پاره‌ای از آن که بجای مانده دردرمنثورشیخ علی عاملی آمده است (ذریعه ۱۳٦:۳) وازآن برمیآید که خود شهید هم دفتری درسرگذشت و زندگی خویش ساخته بود و ابن‌العودی از آن دراین رساله بهره برده است . خوانساری درروضات ص ۲۸۷ ونوری درمستدرک ص ۴۲۵ و تنکابنی درقصص‌العلما ص ۸۰ هم از درمنثور بهره برده از گفته‌های ابن‌العودی پاره‌ای‌را آورده‌اند. دوم همین درمنثوراست که سرگذشت اودرآن آمده است .

الروضه البهیة گزارش آمیختهٔ بامتن و در دوجلد است و هریکی ۲۱ جزو میباشد نخستین دارای ۲٦ کتاب ودومی ۲٤ کتاب است .

شهید دوم زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی (۹۱۱ - ۹٦٦) که در روزگارسلطان سلیمان قانونی‌سنیان اورا بکشتند آنرا در آغازربیع یکم ۹٥٦ آغازودرشب شنبه ۲۱ جمادی یکم ۹٥۷ بانجام رساند .

درفهرست معارف (۱ : ۸٤) ۷ گزارش دیگر برلمعه (لیز کنتودی می ۳٥۰) و۱٥ حاشیه برروضهٔ بهیه برشمرده شد . درذریعه (٦ : ۹۰) ٦٥ حاشیه برای روضه یاد گردید . صدرالافاضل چنانکه خواهیم دید ۱۷ حاشیه نمود .

[۱۸۰۲]

۷۰۹ این نسخه بخط رقاع و تعلیق وبا عنوانهای شنگرف و متن زیر خط سرخ میباشد . عنوانهای کتابهادر کنارصفحه‌هادر گوشهٔ راست بالائی رویهٔ برگها بسیاه بخط تازه‌تری دربرخی جاها دیده میشود . شمارهٔ کراسهای ده برگی بحروف ابجد درهمان گوشه دربرخی جاها بخط شهید هست . اصل نسخه جلد دوم و ازاجاره تادیات بوده ودر۲۱ کراس و رویهم ۲۰۷ برگ (بنوشتهٔ صدرالافاضل ۲۰۲ برگ) ولی آنچه اکنون مانده ازاقراراست ودر۱۱٤ برگ واز کراس دهم۷ برگ‌وتا کراس بیستویکم که‌در۷ برگ‌میباشد. دربخشی که اکنون درنسخهٔ مانیست نه کراس ده‌برگی و سه برگ از کراس دهم رویهم ۹۳ برگ بوده است ودراین بخش بازمانده (نسخهٔما) ۷ برگ از کراس دهم وصدبرگ کراسهای ۱۱ تا ۲۰ و ۷ برگ کراس ۲۱ رویهم ۱۱٤ برگ هست . این بخش رویهم میشود ۲۰۷ برگ .

میانه۲٥ برگ آغازموریانه‌خورده ووصالی کرده وبدقت‌نوشته‌اند . خط‌خوردگیها درمتن و هامش هست و بحاشیه هم رفته است و از سنجیدن گ ۱۰۱ الف این نسخه کهخط خوردگی‌وحاشیه‌رفته‌دارد با گ۳۸۱ الف ش۷۱۰ اصل‌بودن این‌یکی آشکار میگردد چنانکه مرحوم صدرالافاضل دارندهٔ نسخه دررمضان ۱۳۰٥ (با مهراودر گ ۱۱٤ب) هم ازاین‌خط خوردگیها دریافت که نسخه اصل است . اینست آنچه که آقای تهرانی‌ازروی‌خط‌او‌بخط خوش خود درپنج برگ‌جداگانهٔ‌پیوست نسخهٔ‌ما نوشته است :

«یك‌جلد ازشرح لمعه بخط شریف مصنف رضی‌الله‌عنه وارضاه .

(لکاتب‌الاحرف عفی عنه مضمناً)

هذا کتاب خطه قلم‌الذی	اضحی یمن‌الله و هو جلیل

خط‌الشهید لانه من مرقم	جمت فضائله له تفضیل
هیهات ان تلدالعصور بمثله	ان‌الزمان بمثله لبخیل

(هواللطیف‌العلی)

زهی همایون کلکی که نامهٔ این سان
کند مساعی مشکوره‌اش بدهر پدید
خط شهید چوشهدی است دربکام لبیب
که لذتی دگرش درجهان ندید نبید
بچشم جوهری دانش است هرسطرش
(اگرچه قافیه ذال است) به ز درنضید
خریدهر که‌هر آنرا ببین که تاچه‌فروخت
فروخت‌هر کس‌آنرا‌نگر که تاچه‌خرید
ز شمع رحمت و رضوان حق منور باد
هرآن‌ضریح که دروی تنش مقام گزید

مما کتبه قائلا وانا‌الفقیر الی لطف ربه‌العلی ابن محمدالکاظم لطفعلی غفرلهما بمحمد وعلی .

(ده کتاب)

از کتاب اقرار تا آخرشرح لمعه

بخط مبارك حضرت شیخ امام أسوهٔ علمای أعلام قدوهٔ دانشوران‌نخام تالی‌تلو معصوم علیه‌السلام عون فرقهٔ حقه عین طائفهٔ محقه زین ملت و دین شهید ثانی اعلی‌الله تعالی فی فرادیس قربه مقامه ومتع‌المسلمین بکلماته وافاداته وافاضاته آمین .

(هوالفتاح‌العلیم)

اهل دل را ازاین خجسته کتاب	بحقیقت روان و دل شاد است
نامهٔ کان بود بخط شهید	بی‌نیاز از ثنا و آباد است
گرچه رنج وریاضتش مثل‌است	لیك نور و صفا خدا داد است
قدس‌الله نفسه میخوان	که ترا این ذخیره بنهاد است
گرنه بهر خدا کنی تحصیل	حاصل عمر جمله برباد است

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله‌الذی‌فضل مدادالعلماء علی‌دماء‌الشهداء تفضیلا. وشرفنی‌ازیارة مرقومات الشهید . و خطه‌الشریف اجمالا و تفصیلا . شهدالله وکفی به شهیدا . که از جملهٔ نعم یزدانی بلکه از متن عطیهٔ ربانی دربارهٔ خود میشمارد سعادت زیارت خط مبارك

حضرت شیخ جلیل و امام نبیل وجه الطایفه . ثقة الامه . شرف الامامیه . حافظ آثار الشرع کاسر اصنام البدع . الرئیس الاجل الامجد . والزعیم الافضل الاسعد . افتخار الشیعه . حامی بیضة الشریعه . العالم العامل المحقق المدقق . الوحید الزاهد . المجاهد . الورع السعید . الفائز بالشهاده . زین الملة والدین المنعوت بالشهید الثانی را قدس الله روحه . از آنکه حضرتش را نسبت بعلماء متأخر همان مزیت از هر جهة ثابت است که ائمه معصومین را علیهم السلام نسبت بوی . تلك المکارم لاقعبان من لبن ـ شیباً بماء فعادا بعدا بوالا . صاحب روضات الجنات در عنوان ترجمت حضرت شهید نور الله مضجعه گوید . الشیخ الامام الهمام والبدر التمام ... الخ .

این ۱۱٤ ورق که از خط شریف آن بزرگوار قدس الله نفسه روزی شده است از نسخة اصل شرح لمعه و از ام النسخ است در حقیقت گوهریست علوی عرشی الموطن مفقود المعدن وجوهریست یکتا بی‌همتا نزد ارباب دانش علقی است نفیس شرف خزاین ذخایر است . و برترین اعلاق اخایر .

از عدهٔ اجزاء و کراریس که در زوایای یسری بخط مبارك ضبط فرموده مستفاد میگردد که حضرت شهید عطر الله بفوائح الرضوان روحه شرح کتاب لمعه را در دو مجلد تقدیر نموده جلد اول در عبادات جلد دیگر در معاملات هر یك مشتمل بر ۲۱ جزء تقریباً این ۱۱٤ ورق از جلد اخیر است متضمن ده کتاب از اقرار تا آخر دیات غیر از اسامی کتب که در گوشهٔ اوراق ثبت است و عدد اوراق که با حمرت ضبط است و باستثنای بعضی از حواشی که معلم و معلوم است تماماً نگاشته قلم حقایق رقم آن بزرگوار است که بطور مسوده مرقوم فرموده‌اند مگر چند کلمه که در وسط ورقهای اوایل برای فساد موریانه وصالی شده است بخط دیگری تدارك گردیده و چندانکه ورق پیشتر رفته است خط اصل بیشتر شده است تا در ورق ۲٦ که دیگر اثری از افساد و اصلاح نمانده است .

بدین موضع که رسید . خاطر پژمردهٔ این عاشق علم و خادم کتب علمیه با همهٔ افسردگی که از جهات عدیده دارد باهتزاز و نشاط آمده بدین ترانه مترنم گردید :

این نامه که اهل فضل را دلبند است

در هر شکن طرهٔ آن دل بند است

چون خط مبارك شهید ثانی است

بخرد داند که قدر آن تا چند است

درصورت قطعات معروض افتاد

زهی ورق که وراخامهٔ جناب شهید　　بخط گوهر آگین خود بیاراید

مداد سازد حورا ز مردم دیده　　پی نگارش چون قصد خامه فرماید

همی تو گوئی بی رنج و مکر و منت لفظ　　زعرش نور معانی بر آن فرود آید

بهای نازل یك سطر آن اگر گویند　　روان مردم دانشور است می‌شاید

برای یزدان دانا چو کسب علم کند　　بدین مقام رسد وین چنین همی باید

جهان بوسه دامان عالمی نازد　　که هیچ دامن همت بدان نیالاید

شهید آسا تا خویش را بحق ندهی　　بحق حق که حقت روی خویش ننماید

ایضاً

مرا نصیب شد از لطف کردگار کریم　　خط شهید علیه السلام والتکریم

خدای داند کانرا بقصد استشفا　　بدیده سودم از بعد بوسهٔ تعظیم

نه کم ز پیرهن یوسفست آن نامه　　کز آن شفا طلبید صد هزار گونه سقیم

از آن بصارت گر دیده شد علی التخصیص　　ازین بصیرت حاصل شود علی التعمیم

تمام خلق بهشتی شوند یکباره　　اگر بحشر کند اجرا و خدا تقسیم

بنامهٔ دگرم از خطش نسیم اگر　　دهد بشارت جان بخشمش نه زر و نه سیم

خدا بحرمت این خط و حق کاتب آن　　ز اهل علم کند دور خبث دیو رجیم

(از آنچه بقلم ارتجال در ظهر نامه که بخط مبارك شهید رضی الله عنه و ارضاه بود وقتی نوشته‌ام) .

این خط شهیدی است که در عرش خداوند

مرزوق بود از کرم واهب ذوالمن

در عالم سفلی نتوان یافتنش مثل

کاین گوهر علوی را عرشی شده معدن

ایضاً

شهید ثانی گر نامه‌اش بدست افتد

بنزد دانا نیکوتر است از هر گنج

خصوص آنکه بود هم بخط خامهٔ او

که قطعتی است ز جنت درین سرای سپنج

ز اهل علم چنو مانده است تا ایدون

که رفته است ز هجرت هزار و سیصد و پنج

بخورد و خفت کسی نگذرد ز چرخ برین

بگنج می‌نرسد کس نبرده زحمت و رنج

(اصل کتاب چون بلسان بلاغت توأمان تازی است تقریظی هم بآن زبان آن انسبست).

خط الشهيد اطاب الله مهجته — للتى العجمى خير اوزار و احراز
لاغرو ان حبره القالى علا شرفاً — على دم المؤمن المستشهد الغازى
جزاه عن شرع خير الناس خير جزآ — ء ربه عز من مجد و من حاز
جقوتنا ينبغى جلداً و انفسنا — اثمان مرقومه حقاً لاعزاز
ومن رأى خطه الجارى وبغيته — يقتعن لفكرته العليا باعجاز
بوعد افظ متى ما جاد خاطره — لمساقطه جاد مسراعاً بانجاز
ولااعجاز باسهاب الطائفه — وان تعلقه بدهاً بايجاز
لايخفى قدر هذا السفر للفطن الـ ——— فقيه كالوشى اذ يلقى لبزاز.

(ايضاً مما نظمته مرتجلا مضمنا)

لله در نتيجة الادوار — من فاظ مهجته رضى الغفار
زين الدين الحق اعلى قدره — حقاً لمجدته العظيم البارى
جمع الشهادة مع سعادة علمه — كالنور اذ يلقى على الانوار
الله يدرك ثاره من خصمه — (و كفى برب الناس مدرك ثار) من قصيدة لابى تمام
و عليك يا روح الشهيد تحية — و سلام رب البيت والاستار
هذا كتاب زينته بنانه — فغدا لهذا اسعد الاسفار
ويسر ذو العلم العريف بنظره — (وجدا كوجد فرزدق بنوار) من قصيدة لابى تمام
من باعه دراً على ميزانه — قد باعه فى ارخص الاسعار
كتب الشهيد جميعاً للمجتدى — سبل النجاة و روضة الانوار
كم جاءتنا بالطيبات من الفوا — ظل للقلوب كفوحة الازهار
اشهى لقلب الندس من قبل العذا — رى للمحب و نسمة الاسحار
من مثله فى العالمين العالـين — الفائقين اولى النهى النظار
لايدرك الوصاف غاية مدحه — نثراً فكيف بضغطة الاشعار
لم يات من داناه من اهل النهى — فى دقة الافكار والانظار
و كذاك فى حسن السليقة واستوآ — ء طريقة و جلالة المقدار
و نظام تحصيل وجودة فهمه — و لطافة الآراء والآثار
الله اسئل ان يعظم اجره — بأبى الائمة سيد الاطهار
وعليك يا جدث الشهيد سلامنا — لازلت فى غاد عليك وسار
وسقيت ما انسجم الغمامة قطرها — من رحمة الغفار بالمدرار

ازعلمائيكه برشرح لمعه حواشى نوشته اند:

۱ـ فاضل هندى برطهارت وصلوة.

۲ـ ميرزا محمد ديلماج.
۳ـ شيخ على بن شيخ محمد دردومجلد وموسوم است به (زهرات زويه).
۴ـ سيد علاء الدين حسين سلطان العلماء مختصر است ولى جناب شيخعلى نوادهٔ شهيد آنها را رد فرموده.
۵ـ آقاجمال خوانسارى دوسه مجلد.
۶ـ شيخ محمد بن شيخ حسن حفيد حضرت شهيد برطهارت وصلوة.
۷ـ محمد صادق بن عبدالفتاح.
۸ـ شيخ جعفر حويزى قريب ده هزار بيت.
۹ـ ميرزا ابراهيم پسر مرحوم آخوند ملاصدراى صدر المتالهين ازطهارت تاز كوة.
۱۰ـ آقامحمدعلى بن آقا باقر بهبهانى.
۱۱ـ آقارضى قزوينى شاگرد ملاخليل.
۱۲ـ شيخ بهائى ره غيرمدونه.
۱۳ـ ملامحمد نورى.
۱۴ـ آقاميرزامحمدعلى قراجه داغى (ازمعاصرين).
۱۵ـ ملاميرزاى شروانى.
۱۶ـ ملاصالح مازندرانى.
۱۷ـ ميرزامحمد تنكابنى.

(هوالله سبحانه)

اين پنج ورق را ازروى خط واملاء مرحوم جدم حضرت حجة الاسلام اديب شهير ميرزا الطفعلى صدر الافاضل (دانش) كه مقدمه براين كتاب مرقوم فرموده بود نقل نمودم. تمام نظماً و نثراً از آن بزرگوار است — وانا الاحقر خادم كتب علميه ابن ابنه

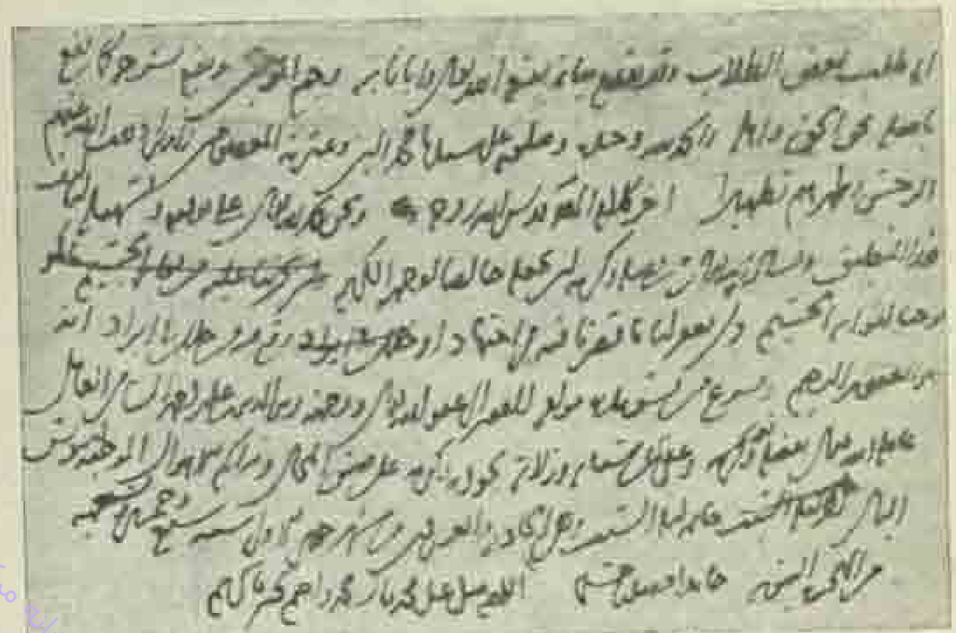
فخرالدين نصيرى طهرانى
فى ۸ محرم ۱۳۷۰ عفى عنه

درخاتمه مخفى نماند كه خط اين كتاب كه بقلم حضرت شهيد است تركيبى است از رقاع و تعليق كه اساس خط شريف برآنهاست و درحقيقت نسبت خط شريف بآن دوقلم مثل نسبت تحريرحاليه است بقلم نستعليق وشكسته...

(فهرست كتب مندرجة دراين مجلد با تعيين عدد اوراق):

كتاب الاقرار ۱. كتاب الغصب ۸. كتاب اللقطه ۱۲. كتاب احياء الموات ۱۹. كتاب الصيدو الذباحه ۲۴. كتاب الاطعمه والاشربه ۳۰. كتاب الميراث ۳۸. كتاب الحدود ۶۰ كتاب القصاص ۸۴. كتاب الديات ۹۵. تلك عشرة كاملة.

چنين است آغاز نسخه : بسماه . كتاب الاقرار . وفيه فصول . الاول الصيغة وتوابعها في شرائط المقر وجملة احكامه المترتبة على الصيغة .



گ ۱۱٤ پايان روضهٔ بهيه ش ۷۰۹

(۱۱۴گ) ــ كاغذ سمرقندى ــ جلد تيماج سرخ حاشيه‌دار ضربى مقوائى
اندازه : ۱۹×۳۱ و ۱۱/۵×۱۳/۵ س ۴۰

[۱۸۰۳]

۷۱۰ اين نسخه بنسخ ومتن زيرخط سرخ وحاشيه‌ها نستعليق ميباشد با نشانه‌هاى «منه رحمه‌الله بخطه» (۳ الف و٤ ب وه الف) و «منه قدس سره بخطه» (۲ ب) و « منه ره » (۱۰٤ الف) و « بدرالدين » و « م ل » و « ع ل سلمه‌الله » و « آقاجم» و «سلطان محمود» و «سلطان رحمه‌الله» و «سلطان». در ۳۹٤ ب نام محمد يوسف بن محمد تبريزى بتاريخ ۸ صفر ۱۲۵٦ بخط او هست . اوپسندهٔ نسخه قاضى محمد مقيم ابن ابى البقاء الشريف سپاهانى است كه درپسين روز پنجشنبه ۹ محرم ۱۰۸۹ آنرا بانجام رسانده ودرميانه‌هاى جمادى يكم ۱۰۹۰ با نسخهٔ اصل مقابله نمود . در ۱۰٤ الف و ٦۰ ب دارد « قوبل مع الاصل » فهرست كتابها از طهارة تا مساقاة (۲٦ كتاب) در۲ الف و ازاجازه تاديات (۲٤ كتاب) در ۱۹۲ الف هست ، جزء يكم ۲ ب ــ ۱۹۱ الف ، جزء دوم ۱۹۲ ب ــ ۳۹٤ الف .

در ۱ ب اجازه‌ايست از مجلسى دوم بمولانا محمد طاهرابن الحاج مقصود على اصبهانى شاگردخود كه نيمه كاره است. اودربارهٔ طرق روايت خود بكتاب كيرخويش باز گردانده وازخواجگان خود مولاحسنعلى تسترى و سيدالحكماء رفيع‌الدين محمد نائينى ومولانا محمد شريف رويدشتى ازشيخ بهائى ومولانا عبدالله بن حسين تسترى ياد كرده است .

اودرپايان مجلد ششم بحاربهمين شاگرد اجازه داده است وتاريخ آن ١٦شعبان ۱۱۰۲ ميباشد ودرپايان اصول كافى هم بدو اجازه داده وتاريخ آن ۱۰ ج ۱ /۱۰۸۷ است واين اجازه در كتابخانهٔ ميرزا فضل‌الله زنجانى هست (ذريعه ۱:۱۵۲)

در گ ۲ الف دارد :

«ابتدا هذا الشرح في مفتتح شهرربيع الاول سنة ۹۵٦» و «الجزء الاول من كتاب الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية ــ نقلت من خط مصنفه في ظهر نسخة الاصل» و «اشتمل هذا الجزء على مائتين وخمسين مسئلة خالف المصنف ملفيه في غيرهذا الكتاب جملتاخه ــ نقلت من خطه» در گ ۱۹۲ الف دارد : «الجزو الثاني من الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية ــ نقلت من خط مصنفه في ظهر نسخة الاصل » .

در ۱۹۱ الف دارد :

« وقد فرغ من كتابتها كاتبها وهو... محمد مقيم ابن ابى البقاء الشريف ... ضحى يوم الخميس الثامن والعشرون من شهرربيع الآخر ... حجة الف وتسعين ... اللهم اغفر مصنفه وكاتبه وقاريه ولمن دعالهم بالخير» درزيرمهر «رب اجعلنى مقيم الصلوة» دارد «هوالكريم . بتوفيق الله وهدايته قابلت وصححت النصف الاول من شرح اللمعة هذا مع اصله الاصيل الذى بخط مؤلفه بدر العلماء وزين الشهداء روح الله روحه ورفع فى الملاء الاعلى ذكره فصح انشاءالله تعالى وانا الفقير اليه الغنى به محمد مقيم بن ابى البقاء الشريف الاصبهانى الشهير بالقاضى عفى عنهما وتمت في غرة شهرجمادى الآخرسنة ۱۰۹۰» (بنستعليق) .

نيزدر ۱۹۱ الف دارد :

«تاريخ الابتداء في تصنيفه بخطه رحمه‌الله مفتتح شهرربيع الاول سنة ست وخمسين وتسعمائه فيكون مدة تصنيف هذا المجلد ثلثة اشهروستة ايام ع ل سلمه آه» (بنستعليق)

در ۱۹۰ ب دارد :

تم الجزء الاول من الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية يتلوه في الثاني كتاب الاجارة على يد مصنفها ... زين الدين بن على بن احمد الشامى العاملى ... واتفق الفراغ منه يوم الثلاثاء سادس شهرجمادى الآخرة سنة ست وخمسين وتسعمائة حامداللّه تعالى مصليا

على رسوله و آله مصلياً مستغفراً اللهم وفق لاكماله واجعله خالصاً لوجهك الكريم بمحمد وآله.

انجام: وفرغ من تسويده مؤلفه ... زين الدين على بن احمد الشامى العاملى ... على ضيق المجال وتراكم الاحوال الموجبة لتشويش البال خاتمة ليلة السبت وهى الحادية والعشرون من شهر جمادى الاولى سنة سبع وخمسين وتسعمائة من الهجرة النبوية حامداً مصلياً مسلماً اللهم صل على محمد وآل محمد واختم بخير يا كريم.

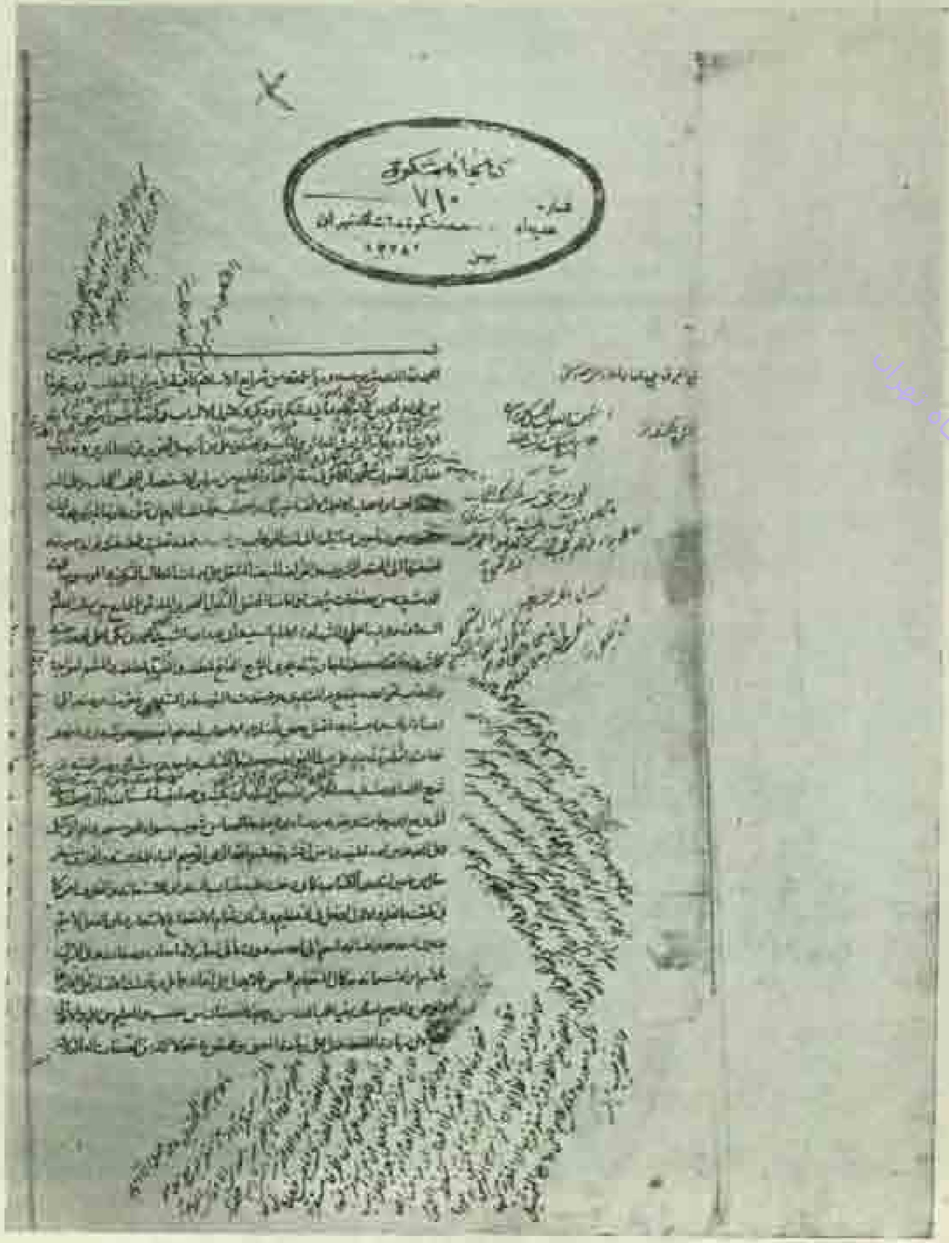
در ۳۹٤ الف دارد:

« فرغ من كتابته ،، محمد مقيم ابن ابى البقا الشريف فى وقت عصر يوم الخميس التاسع من شهر محرم .. سنة تسع وثمانين قبله الالف .... اللهم وفقنى ... واحشرنى فى زمرة الشهداء ... انك على ذلك قدير وبالاجابة جدير والحمدلله وحده» در زير مهر «رب اجعلنى مقيم الصلوة» دارد: «هو الجواد . قابلت وصححت النصف الآخر من شرح اللمعة هذا مع اصله الاصيل الذى بخط شارحه ومؤلفه بدر العلماء وزين الشهدا قدس الله روحه ونور ضريحه فصح انشاءالله وانا الفقير اليه محمد مقيم بن ابى البقا عفى عنهما و ذلك فى اواسط شهر جمادى الاوله من سنة ۱۰۹۰» (نستعليق).

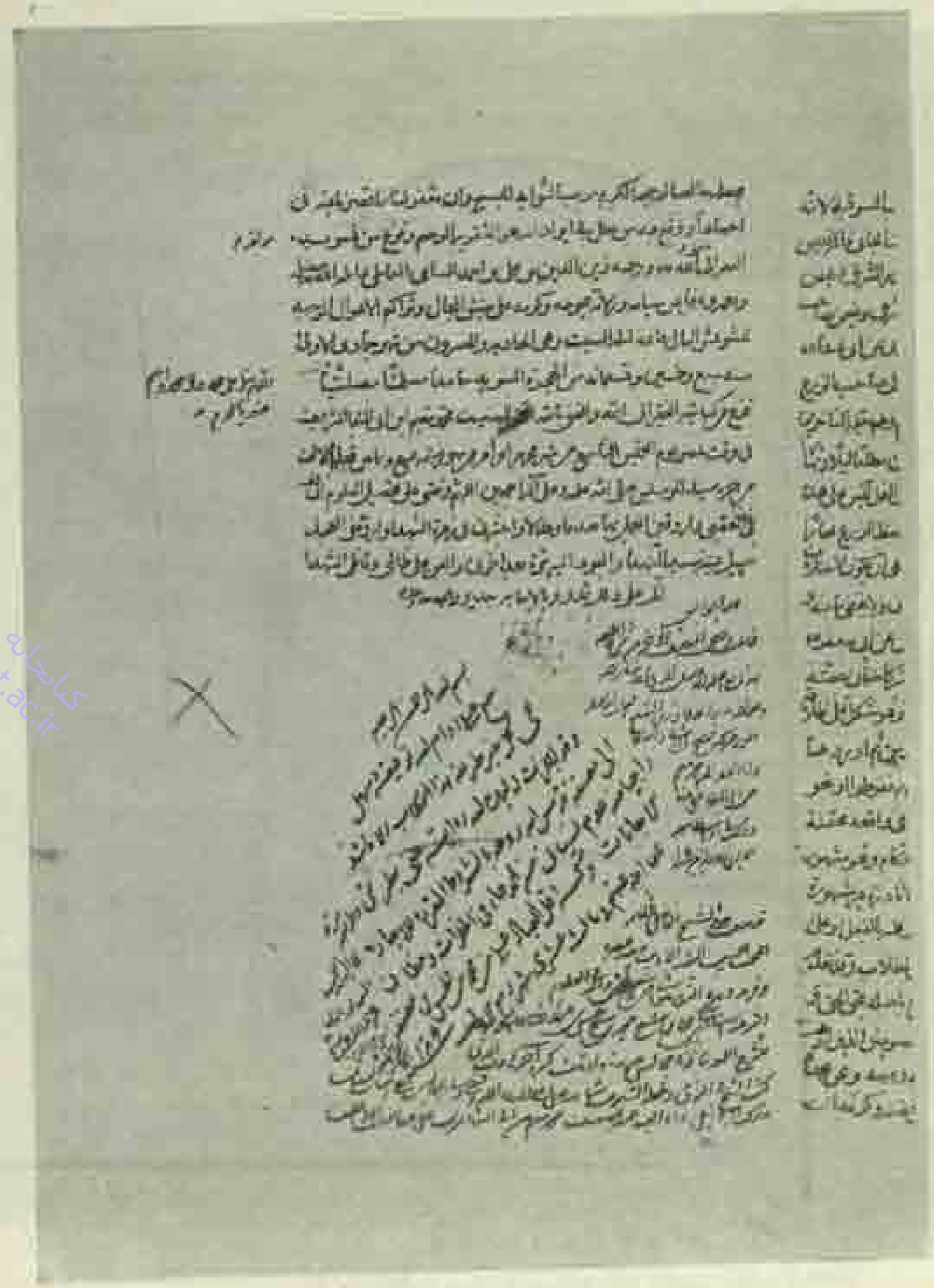
« بسمله . سمع على ادام الله توفيقه وسهل الى كل خير طريقه هذا الكتاب الاماثلى وقد اجزت له ايده الله روايته عنى بطريقى الى مصنفه قدس الله روحه بالشروط المقررة الاجازة راجياً منه عدم نسيانى من الدعاء فى الخلوات و مظان الاجابات . وكتبه اقل العباد على بن محمد بن الحسن بن مصنفه عفا الله عنهم فى ثالث عشرى شهر ربيع الاول سنة ۱۰۸۹» (نستعليق) در پهلوى كلمهٔ «بطريقى» بخط همين محمد مقيم دارد: «وطريقه مرة الى السيد النجيب السيد نورالدين عن شيخنا المرحوم شيخ بهاء الدين عن والده عن الشهيد الثانى »

«قد سمعت على الشيخ الفاضل الماهر النجيب الحسيب الفقيه الاديب وحيد عصره و فريد دهره الذى هو مولاى واستادى واليه فى العلوم الشرعية استنادى شيخ على بن شيخ محمد بن شيخ حسن بن الشهيد الثانى دام ظله من شرح اللمعة بتمامه الاماثلة فى مجالس عديدة واوقات كثيرة آخرها وقت الذى كتب الشيخ فى الفوق و خطه الشريف شاهد عدل على الدعا اللهم وفقنى وسائر الطالبين على اكتساب الفضائل وترك الرذائل وانا العبد الضعيف محمد مقيم بن ابى البقا الشريف عفى عنهما الذنوب الاله اللطيف» (نستعليق).

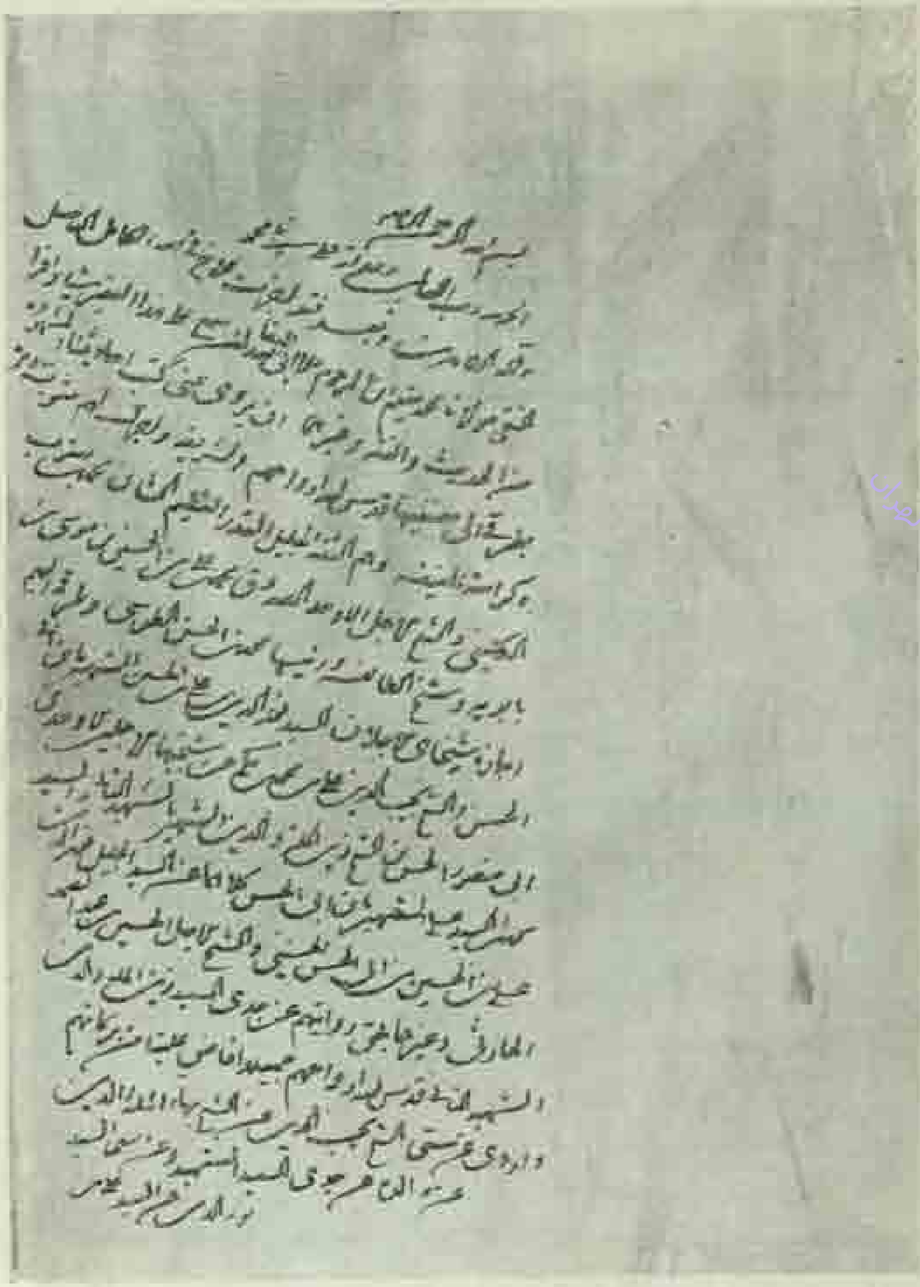
(۳۴۹۷ف) ــ كاغذ ترمه ــ جلد تيماج مشكى ضربى مقوائى .
اندازه : ۱۲/۵×۲۳ و ۷/۵×۱۴/۵ ــ ۲۶



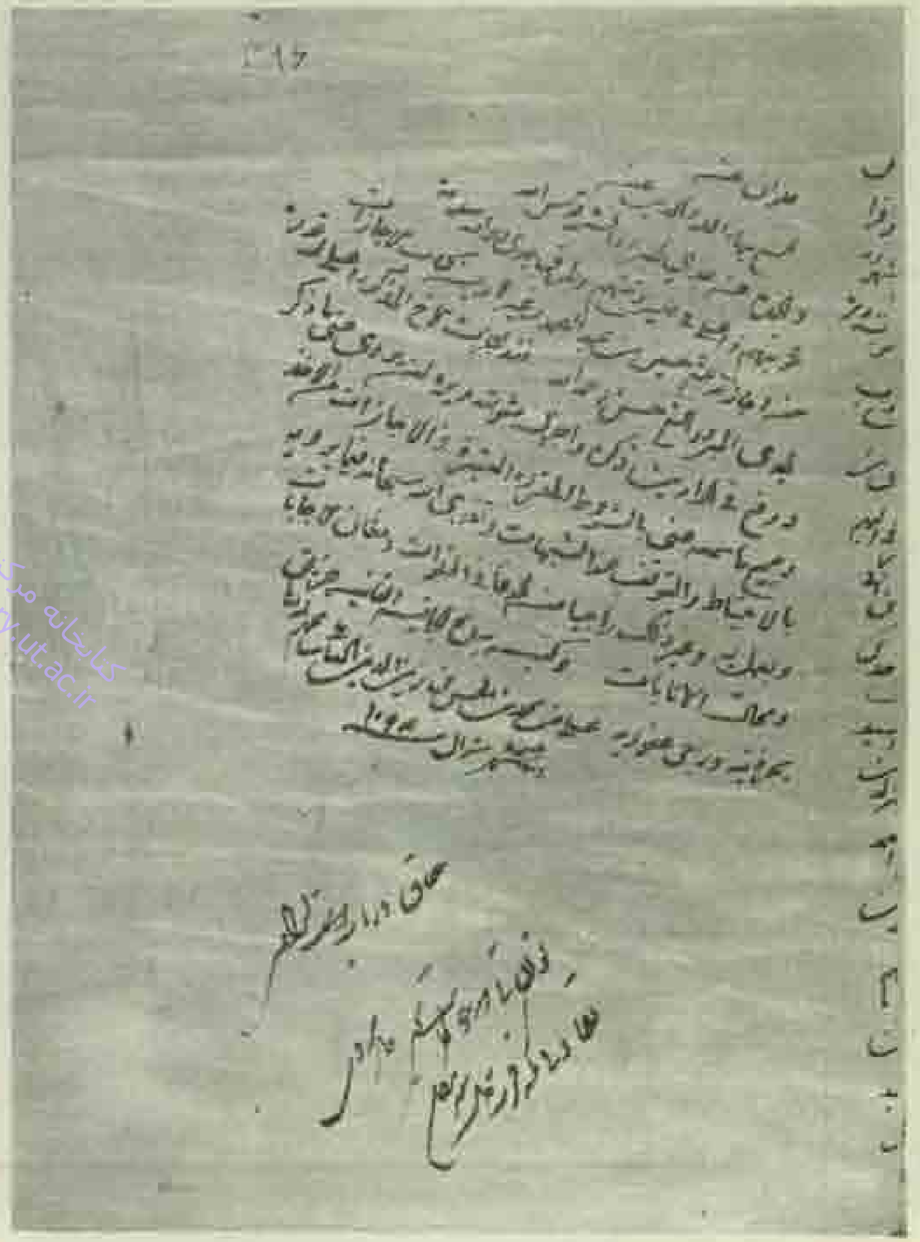
گ ۲ پ روضهٔ بهيه ش ۷۱۰



گ ۳۹٤ الف روضهٔ بهیه ش ۷۱۰



اجازهٔ شیخ علی عاملی به محمد مقیم که در ذریعه ۱ : ۲۲۰ یاد نگردید
گ ۳۹۵ ب روضهٔ بهیه ش ۷۱۰



دنبالهٔ اجازهٔ عاملی گ ۳۹۶ الف روضهٔ بهیه ش ۷۱۰

[۱۵۳۲] رؤیة الهلال (عربی)

محمد سراب تنکابنی مازندرانی (۱۸۹ ذی حجهٔ ۱۱۲۴) در این نامه از دیدن ماه گفتگو نموده و در آن سخن مشهور دانشمندان را پذیرفته و پس از اینکه گفتار استاد خود خراسانی را آورده از آن خرده گرفته است. در آن دارد «قال الاستاد طاب ثراه فی شرح الارشاد» و از آن «ملا محمد باقر خراسانی» را میخواهد (حاشیهٔ آغاز) در روضات (ص ۶۱۹) از آن بنام «رسالة فی حکم رؤیة الهلال قبل الزوال وانها هل یلحق الیوم بالشهر السابق او اللاحق» یاد گشته است.

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله اجمعین اما بعد فقد اختلف الاصحاب ره فی اعتبار رؤیة الهلال قبل الزوال وعدمه باختلاف ظاهر الروایات وقد قال استادی العلامة طاب ثراه بالاعتبار.

انجام: کون المقصود من الروایة هو هذا الاحتمال. تم الکلمات علی ید مؤلفه ... محمد بن عبدالفتاح التنکابنی فی الیوم السادس والعشرین من شهر محرم الحرام من شهور السنة السادسة والمائة بعد الالف الا الکلمات المتعلقة بالروایة الاخیرة وبعض کلمات ضم عند المباحثة وهذه الزیادة کانت فی الیوم السابع من شهر رمضان المبارک من شهور السنة التاسعة والمائة بعد الالف (تم هذه الملحقات علی ید اقل العباد ابن حبیب محمد الجیلانی فی یوم السبت تاسع شهر صفر الختم بالظفر فی سنة ۱۱۰۹ من الهجریة).

[۱۸۰۴]

۸۸۸ این نسخه ش ۷ دفتر است و بهمان خط نستعلیق ش ۳ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمد بن حبیب گیلانی شاگرد سراب که در زمان او نوشته است (گ ۹۹ ب و ۱۰۸ ب حاشیه) حاشیه‌های «منه سلمه الله تعالی» دارد. گ ۹۹ ب ـ ۱۰۸ الف. گ ۱۰۷ ب سفید و در گ ۱۰۸ الف نیم صفحهٔ پایان رساله بود که تنکابنی آنرا تغییر داد و باندازهٔ شش صفحه و نیم (گ ۱۰۴ الف ـ ۱۰۷ الف) بر آن افزود و نویسندهٔ نسخه هم این را نوشته بود و در پایان آن نوشت:

«در روز جمعهٔ سنهٔ ۱۱۰۶ سیم شهر صفر الختم بالظفر طرف صبح در چهارباغ

قهوهٔ مقابل قهوهٔ شب که شروع شد وطرف عصر روز مذکور در مدرسهٔ مرحوم ملاعبدالله تمام شد. علی ید اقل الناس الجانی ابن حبیب محمد الجیلانی. اللهم اغفر ذنوبهما واستر عیوبهما فی یوم الفزع الاکبر آمین یا رب العالمین. و مقابلهٔ این رساله در روز دوشنبه سیزدهم شهر صفر در خدمت استادی در زمان که دهی از دهات اصفهان است واقع شد»

۵ سپس او این افزودهٔ تنکابنی را در ٤ برگ که کاغذ آن سفید تیره است نوشته درمیان جا داد.

[۱۵۳۳] زهر الریاض (عربی)

میرزا محمد صالح بن محمد حسن موسوی عرب حائری تهرانی داماد (در گذشتهٔ شب آدینهٔ ۲ ع ۱۳۰۳/۲ نزدیك بنود سالگی) دخترزادهٔ سید علی طباطبائی

۱۰ بر ریاض المسائل نیای خود این حاشیه را نوشته است (۱).

[۱۸۰۵]

۷۵۸ این نسخه از طهارة است تا قضا و بخط نستعلیق با حاشیه‌های «منه» و متن پس از «قوله» زیر خط و گاهی هم نسخ میباشد و پاره‌ای از برگها سفید است.

این دو نسخه ما هیچیك کامل نیست. مهر کتابخانهٔ ضیاء الدین نوری در ۱ الف هست.

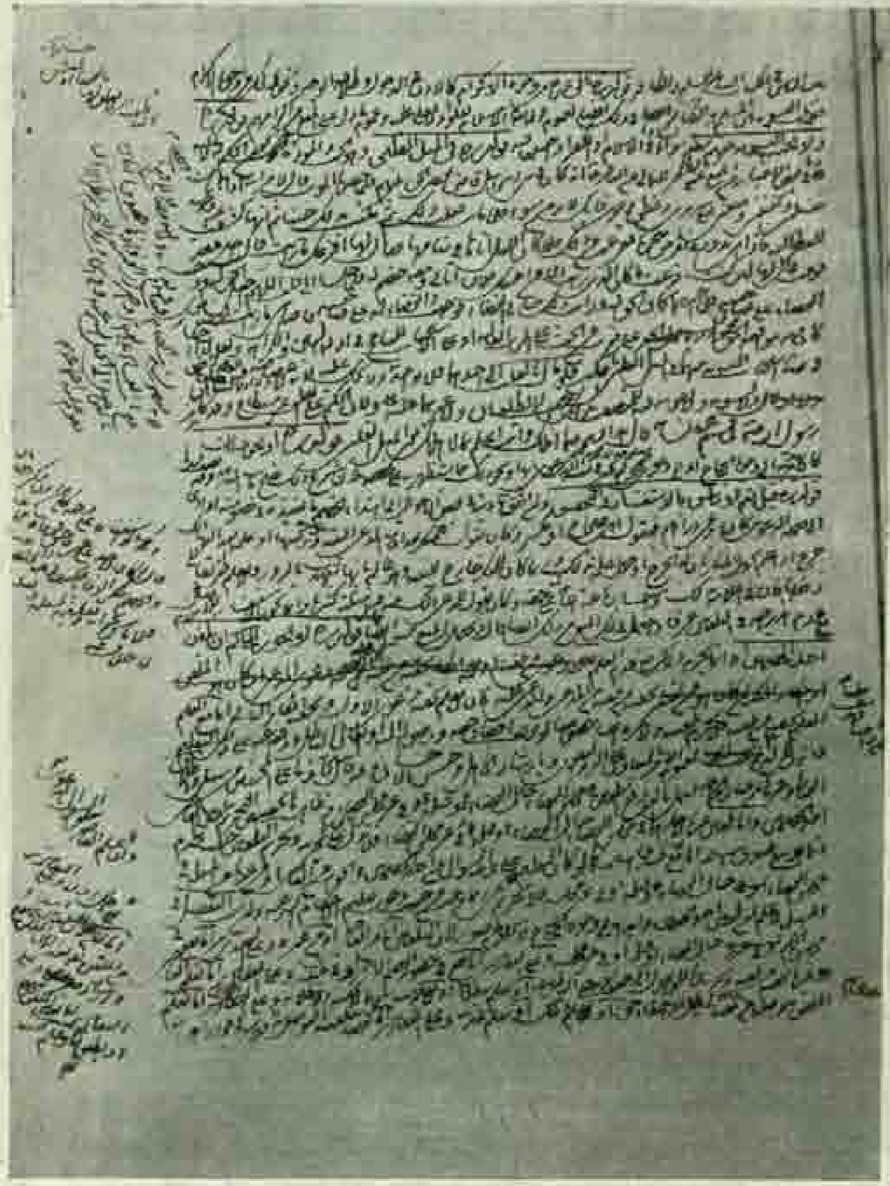
۱۵ **آغاز**: بسمله. و به نستعین. الحمد لله الذی اضاء ریاض المسائل بزهر ایضاح دلائلها واورق اشجارها بدر افتتاح عضائلها وابرق اثمارها بکشف لثام شمائلها ... فیقول ... محمد صالح بن محمد حسن الموسوی الحائری المعروف بالداماد ان هذه تعلیقات وافیة وتحقیقات شافیة علی ریاض المسائل لشیخ مشایخنا... الامیر سید علی الطباطبائی نور الله مرقده ... سمیتها بزهر الریاض ... «کتاب الطهارة» هو خبر مبتدأ محذوف.

۲۰ **انجام**: قوله ره: «دلالة علی الاتفاق علی اعتبار اذن المدعی فی مطالبة الجواب والحکم له ... » اورد علیه شیخنا فی جواهر الکلام... فهو یدل علی الاتفاق علی اعتبار اذن المدعی فی مطالبة الجواب والحکم له من هذه الجهة لا من جهة کون التعلیل من الجمیع فتأمل.

(۱۳۳۰ه) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سیرساده

۲۵ الدازه: ۱۸×۲۱ و ۱۲×۱۸ و ۱۰×۱۶ ص ۲۱ و ۳۶

۱ــ بنگرید به: مآثر و آثار ص ۲۲۵ــ ریحانة الادب ۳: ۷۵ ــ ذریعه ٦: ۱۰۰.



گ ۲۲۳ الف زهر الریاض ش ۷۵۸

[١٨٠٦]

٧٦١ این نسخه تعلیقات و حواشی داماد است بر مسائل خلل و قضاء صلوة ریاض ونسخ با عنوانهای شنگرف وپارههائی از متن که پس از «قوله ره» میآید آنهم بشنگرف وزیر خط است وحاشیههائی دارد بانشانهٔ «منه» و«منه دام ظله العالی» بنستعلیق ازهمان نویسندهٔ نسخه . در ١ الف دارد که نسخه سی و سه جزو است مگر دوورق و نیم وهرجزوی پانصد بیت .

آغاز : بسمله وبه نستعین . الحمدلله الذی اشاء ریاض المسائل بزهر ایضاح دلائلها واورق اشجارها بنور افصاح عضائلها وابرق اثمارها بکشف لثام شمائلها ... فیقول ... محمدصالح ابن محمد حسن الموسوی الحائری المعروف بالداماد ان هذه تعلیقات وافیة وتحقیقات شافیة علی جملة جمة من مسائل الخلل فی الصلوة واحکام القضاء المشروحة فی ریاض المسائل لشیخ مشائخنا ... الامیر سید علی الطباطبائی نورالله مرقده ... سمیتها بزهر الرسائل .

انجام : الا ان یجیزه الوارث . انتهی . قوله : الثالث فی احکام صلوة الجماعة .

(٥٣٤٣) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج آبی ضربی مقوائی

الداره : ١٦/٥×٢١/٥ و ١٠×١٦، ١٦س ٢١

[١٥٣٤] شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام (عربی)

نجم الدین ابو القاسم جعفر بن ابی یحیی حسن بن سعید هذلی محقق حلی (٦٠٢ ــ بامداد روز پنجشنبه ١٣ ع ٢/ ٦٧٦ یا ٦٧٧ که از اشکوب بالای خانه‌اش افتاد وهماندم در گذشت) از دانشمندان ارجمند شیعی ودرسدهٔ هفتم رهبری این گروه را درعراق داشته‌است (١) شاگردش ابن داود ازاو بسیار بستود . شاگرد دیگرش علامهٔ حلی دراجازهٔ بفرزندان زهره دربارهٔ او گفته «کان هذا الشیخ افضل اهل عصره » ابو منصور حسن عاملی دراجازهٔ بزرگ خود نوشته که قید

١ــ نخستین حلی کسی است ازفقیهان که آنهارا متأخر میناماند ودانشمندان پیش ازاو متقدم خوانده میشوند (تنکابنی ص ٢٦١) گرچه درمبحث مفرد محلی بلام معالم آمده « متقدمی الاصحاب سوی المحقق » گویا میخواهد او را که درپیشاپیش متأخران است دنبالهٔ متقدمان وازخود آنها بشمار آورد .

« اهل عصره » را خوب بود که حلی نمیاورد و گفته که «اذلاری فی فقهائنامثله علی الاطلاق» ودرست هم هست چه مانند شرایع او کتابی باین گسترش وبسط نوشته نشده واو آنچه میباید از مسئله‌های فقهی در آن آورده است و این کتاب ازپس پسند دانشمندان شده‌است جانشین نهایهٔ طوسی گشت (ص ١٨٢٩ همین فهرست)

حلی خود بدان دردیباچه نامی نداده ولی باین نام برسرزبانها افتاده وهمه آنرا بدین نام میشناسند وباید این نام از خود او باشد چه او دردیباچهٔ معتبر دربارهٔ مختصر نافع میگوید « اتفق لنا اختصار کتاب الشرائع بالمختصر النافع » (١) این کتاب دردوجلد است ودارای ١٥ یا ١٣ هزار مسئله یا چنانکه شهرت دارد ١٢ هزار مسئله (ص ١٨٦٣ همین فهرست) درآن هست (تنکابنی) .

از گفتار حلی دردیباچه برمیاید که او شرایع را بدرخواست دوستی نوشته است ودراین باره مینویسد : « من الاصحاب من ... سألنی » درنسخهٔ ٧٠٢ گ ٤ ب میان دوسطر زیر « سألنی » دارد «هومحمدبن محمودالزاهدی» سپس دردنبال آن درهامش آمده « وقیل السائل للمصنف علی بن ... الحلبی رحمهماالله » و میانه این عبارت پاك شده و درست خوانده نمیشود و پیدا نیست که بدرا این حلی کیست .

درحاشیهٔ ص ٢ شرایع چاپ سنگی شیخ رضای تاجر تهرانی (بنسخ در چاپخانهٔ آقاسید مرتضی) در ١٣١١ دارد « هذاالصاحب هو محمدبن محمودالزاهدالحلبی

١ــ بنگرید به : رجال ابن داود گ ٥١ الف ش ١٠٤٤ ــ اجازات بحار ص ٢١ دراجازهٔ علامهٔ حلی بفرزندان زهره و ص ٩٩ دراجازهٔ بزرگ نگارندهٔ معالم ــ مجالس المؤمنین مجلس ٥ ــ روضات ص ١٤٧ ــ مستدرك ٤٧٣ ــ نقدالرجال تفرشی ص ٦٩ ــ مامقانی ١ : ٢١٤ ــ مقابس ص ١٦ ــ امل الآمل ص ٤٦٤ ــ لؤلؤتی البحرین ــ روضهٔ بهیه ــ قصص العلماء ص ٢٥٩ ــ سفینة البحار ١ : ١٦٠ ــ کنی و القاب ٣ : ١٢٧ ــ هدیة الاحباب ص ٢٣٤ ــ فوائد رضویه ١ : ٦٢ ــ منتهی المقال ــ نخبة المقال ص ٢٤ و ٢٢٦ ــ نیز فهرستهای طوس وسپهسالار وفاضلیه درفهرست نامها ونام کتابهای حلی ــ سال مرگ محقق حلی در نسخهٔ یادشده رجال ابن داود ٦٧٧ آمده ولی درسرگذشتنامه‌ها ٦٧٦ آمده ازهمین رجال .

رحمه‌الله ـ کذاوجدته بخط شیخنا الشهید . ع ل » (نیزدرس۲ چاپ سنگی نسخ تبریز در کارخانهٔ حاج علی آقا کتابفروش تبریزی بفرمایش آقا محمد اسماعیل بسال ۱۳۲۰) .

حلی در شرایع اصطلاحاتی دارد کـه اینك گزارش آنها را از گفتهٔ سیوری آنچنانکه در گ۳ ب ش۷۰۲ آمده‌است در اینجامی بینیم : «قال فی التنقیح (۱) : اصطلح المصنف فی کتابه علی عبارات تذکر تفسیرها : فالاشهر ای فی الروایة ، والاظهر ای فی الفتوی ، والاشبه ای مـا دل علیه اصول المذهب من العمومـات اوالاطلاقـات فی الادلة ، والاصح ای مالایحتمل عنده غیرالمذکور ، والاحوط بمعنی ان العمل به یتیقن معه البرائة ، والاکثرای القائل به اکثر، والانسب یرادف الاشبه ، والاولی هوترجیح احدالقولین اوالاحتمالین علی الآخر بوجه ما ، والتردد ما تعارض فیه الدلیلان من غیرحصول مرجح ، وعلی قول ای لم یجد علیه دلیلا ، وقول مشهور ای بین الفقها ولم نجد له دلیلا » .

محقق مختصر نافع هم نوشته که بمانند گزیدهٔ شرایع میباشد . در ذریعه (۶ : ۱۰۶)ازسیزده حاشیهٔ شرایع یادگردید .

دانشمندانی که برشرایع گزارش نوشته‌اند اینها میباشند :

شهید دوم درمسالك وسید محمد عاملی درمدارك وسیدعلی بن الصائغ عاملی ومحقق کرکی ومفلح صیمری بنام غایة المرام ولطف‌الله حویزی ومحمدباقرشفتی بنام مطالع الانوار وامیرحسین قزوینی م۱۲۰۸ بنام مدارج الاحکام وسید محمد هاشم طسوجی بنام مفتاح الکلام وسیدمحمدابراهیم قزوینی بنام دلائل الاحکام ومحمد تقی برغانی در ۱۲۲۵ بنام منهج الاجتهاد ومحمد حسن نجفی بنام جواهرالکلام وشیخ محمود عراقی شاگرد شیخ انصاری بنام لوامع النکات وحسین اعسم نجفی بنام ایضاح الکلام ومحمد حسن مامقانی بنام ذرایع الاحلام ومیرزا محمد تنکابنی بنام بدایع الاحکام وحاج آقارضاهمدانی بنام مصباح الفقیه وحاج آقامیرزاعلینقی

۱ـ التنقیح الرائع من المختصر النافع از مقدادبن عبدالله سیوری م ۸۲۶ (ذریعه ۴ : ۴۶۳) .

م ۱۲۸۹ وشیخ مرتضی انصاری شوشتری برطهارت آن وشیخ محمدهادی تهرانی ومیرزا حبیب‌الله رشتی براجارهٔ آن (کنتوری ص ۲۳۸ـ فهرست سپهسالار ج۱ وطوس۲و۵) سید محمدتقی استرابادی شاگرد بهائی تنها خطبهٔ شرایع را گزارش نوشت (طوس ۲ : ۸۶) .

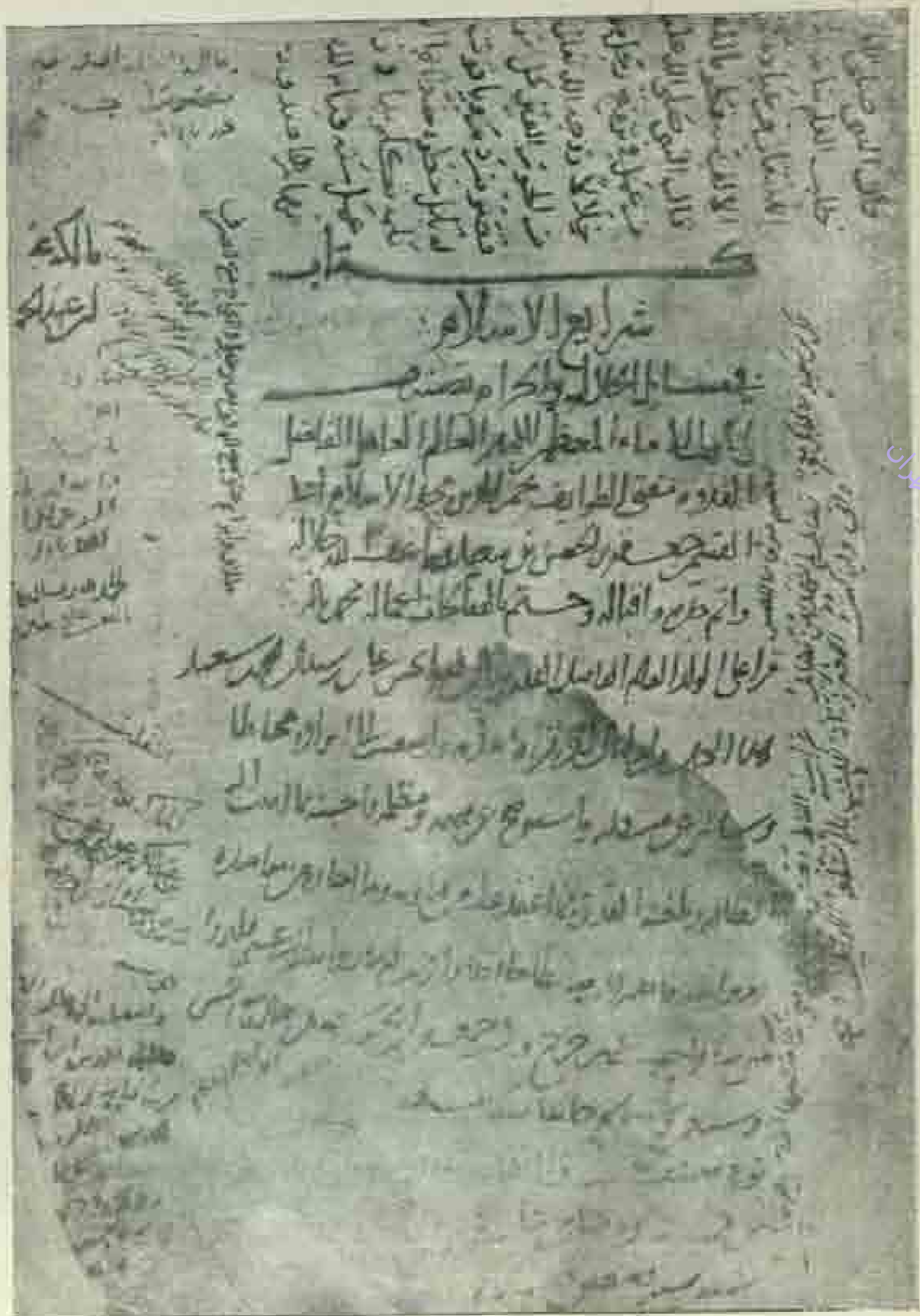
پاره‌ای ازشرایع بروسی درآمده ودرسنت پترسبورگ دردوجلد بچاپ رسید : جلد ۱ درتجارت ورهن بسال ۱۸۶۲ و جلد دوم درارث و فرائض بسال ۱۸۶۷ ودرآغاز این یکی دیباچه‌ایست ازکاظم بك و گویا ترجمان خود اوست .

آ. کری A. Querry همهٔ شرایع را بفرانسه درآورده وآن هم دردوجلد درپاریس بسال ۱۸۷۱ بچاپ رسیده است .

خواجه عابد حسین فرزند خواجه بخشش حسین انصاری سهارنپوری م ۱۳۳۰ ترجمهٔ فارسی شرایع بنام « جامع رضوی » را بنام جامع جعفری باردو درآورد وآن درنولکشورلکهنو، بچاپ سنگی رسید (ذریعه ۵ : ۴۷) .

عبدالغنی بن ابی‌طالب کشمیری شرایع را برای افراسیاب بیك خان بفارسی درآورد وآنرا جامع رضوی نامید وهمین نام تاریخ آغاز آنست که در ۱۱۶۱ باشد (ص ۴) این ترجمه درلکهنو، بسال ۱۳۳۳ (۱۹۱۵) بچاپ سنگی رسید . این کشمیری شاگرد آقابزرگ محمد صالح سپاهانی بنگالی بوده است و این سپاهانی ازعم خود آقاهادی پسر آقاعبدالباقی پسرمولی محمد صالح مازندرانی م ۱۰۸۶ روایت میکرده است (ذریعه ۵ : ۵۴) ابوالقاسم بن احمد یزدی تنها عقود ومعاملات واحکام وایقاعات آنرا با جهاد وامربمعروف ونهی ازمنکر (ازجهاد تادیات) برای محمد ولی میرزا بپارسی درآورد و اندکی هم گزارش کرد ودیباچه‌ای درایه‌ای ورجالی بسیارسودمند درآغاز آن گذارده است . تاریخ آن شب دوشنبه ۱۸/ج۲/۱۲۴۳ میباشد (نسخهٔ خط محمد علی صفائی درروزپنجشنبه ۱۲ رجب همین سال) .

شیخ محمد تقی بن مولی عباس نهاوندی تهرانی (م ۱۳۵۳) هم شرایع را بفارسی درآورد (ذریعه ۴ : ۱۰۸) .



گ ٤ الف شرایع حلی ش ۷۰۲

دربارهٔ نسخه‌های باتاریخ روشن که درفهرستهای کتابخانه‌های ایران یادشده میتوان چنین گفت که درفهرست طوس ازنسخه‌های ۱۰۳٤ تا ۱۳۳۱ ودرفهرست سپهسالار ازنسخه‌های ۹٦٦ تا ۱۱۱۸ ودرفهرست فاضلیه نسخه‌های ۱۰٦۹ تا ۱۲۵۸ یاد شده است.

۵ شرایع درتبریز درسالهای ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸ و ۱۲۸۵ و ۱۳۰۰ و ۱۳۰۹ و ۱۳۱٤ ودرتهران درسالهای ۱۲٦۳ و ۱۲۹٤ و ۱۳۰۷ بچاپ رسید. از چاپ ۱۲۷۲ هم یاد کرده‌اند. (فاضلیه ــ طوس) چاپ سنگی ۱۲۷٤ و چاپ سنگی ۱۳۱۱ تهران هم دیده‌ام.

یکی از کهن ترین چاپ شرایع همان چاپ سنگی نسخ است با حاشیه‌های ۱۰ نستعلیق در ۱۲٦۷.

درستایش از محقق حلی درنسخهٔ ش ۷۰۲ گ ٤ الف دارد: لبعضهم معرفاً فی المصنف:

لك ابن سعید فی کتابك معجز	فضائل لم یشهد بهن فضائل
غرائب الفاظ و حسن مقاصد	متی شاء منشیها احتذی وهو قائل
۱۵ وانی ان کنت الاخیر زمانه	لآت بما لم تستطعه الاوائل

آغاز: بسمله. اللهم انی احمدك حمداً یقل فی انتشاره حمد کل حامد ویضمحل باشتهاره جحد کل جاحد ... اما بعد فان رعایة الایمان توجب قضاء حق الاخوان ... و من الاصحاب من ... سألنی ان املی علیه مختصراً فی الاحکام متضمناً رؤس مسائل الحلال والحرام یکون کالمفتی الذی یصدر عنه او الکنز الذی ینفق منه ۲۰ فابتدأت ... وهو مبنی علی اقسام اربعة.

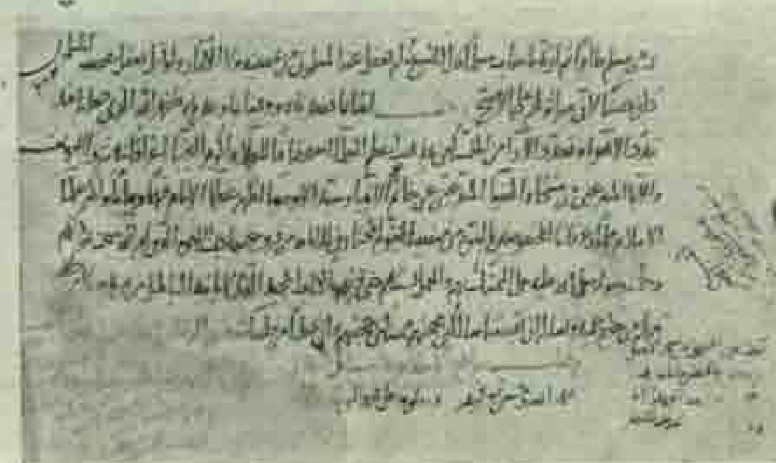
انجام: وان یجعلنا من خلصاء شیعتهم الداخلین فی شفاعتهم انه ولی ذلك.

[۱۸۰۷]

۷۰۲ این نسخه بنسخ پختهٔ روشن با عنوانهای شنگرف و درشت‌تر با حاشیه‌هائی بنسخ ریزتر میباشد. در ٦۳ ب حاشیه‌ایست از « زین‌الدین » و در ۱۳٦ الف ۲۵ از « عمیدالدین » بخط خود او دررویهٔ نخستین برگی که درآغاز افزوده شده دارد.



گ ۱۱۰ الف ش ۷۰۲



گ ۲۴۳ ب ش ۷۰۲

که حاشیهٔ فخر المحققین درمیانهٔ نسخه هست ولی من نیافته‌ام . نیز حاشیه‌هائی با نشانه‌های «ع ل» و «ه ح» و «ه ه» و «ح ن» و «ن» . نسخه دو جزء است : ۱ـ از طهارة تا وصیت گ ٤ ب ـ ۱۱۰ الف و ۲ـ از نکاح تا پایان گ ۱۱۱ ب ـ ۲۴۳ ب .

در آن دارد : انهاه ایده‌الله قراءة و شرحاً و تصحیحاً و فهماً و کتب جعفر بن سعید ... (در رفته و خوانده نشده) من سنة خمس وسبعین وسبعمائة ـ خط المصنف رحمه‌الله » ـ « نقلت هذه النسخة من نسخة الاصل و قوبلت بها بحضرة المصنف وصححته حسب الجهد الا ما غش عنه البصر » ـ « کتبه مظفر بن ... سنة ثالث وسبعین وستمائة (؟) حامداً مصلیاً مستغفراً» (پایان نسخه در ۲۴۳ ب) ـ «انهاه ایده‌الله قراءة وبحثاً وفهماً . کتبه جعفر بن سعید فی ذی‌الحجة من سنة اربع وسبعین وستمائة» (۱۱۰ الف) ـ «بلغت قراءة ایده‌الله تعالی» (بخط محقق در ۶۸ ب و ۶۹ الف و ٤٦ ب و ٤٧ الف و جاهای دیگر) نیز «بلغ عراضا» (۱۳۵ ب) در ۸ الف و ب دارد « بلغت قراءة ایده‌الله » و « بلغت قراءة ایده تعالی» با دو شیوه خط و دومی کب همچنین در ٤ ب دارد «بلغت قراءة ایده‌الله» با دو شیوه خط و تا پایان همین بلاغها هست و بخط حلی میباشد .

در ۳ الف دارد : «هو . وحسبك قول الناس فیما ملکتك ـ لقد کان هذا مرة لفلان . کاتبه مالکه نورالدین ... (خوانده نشده) عفی عنهما سنة ۹۹۹» .

« نقلت هذه النسخة الشریفة من نسخة الاصل وقوبلت بها وقرأت علی حضرة المصنف المحقق طاب ثراه و تزینت الشریف اجازة لبعض تلامذته الکرام» .

«وقد تشرفت بتملکها العبد محمد مسیح عفی عنه (محمد مسیح) (مهر) ـ قد صار هذا الکتاب العزیز العظیم فی ملکی وانا العبد ابن «العبد محمدعلی» ـ وقد وهب هذا الکتاب المستطاب والدی نورالله تعالی مرقده بالنبی وآله الامجاد الی وانا العبد المفتقر الی رحمة ربه الباری احمد الکاشانی ـ من عواری الزمان لدی العبد الجانی احمد الکاشانی «العبد احمد» .

در ۲ الف و ب خبری در فضل متعه از سلمان و ابوذر و مقداد و عمر بن امیه ضمری از ۲٤ تن از پیامبر آمده است .

در ۱۱۱ الف دارد : «الجزء الثانی من کتاب شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام تصنیف الشیخ الامام العالم الفاضل نجم الدین جلال الاسلام ابی القسم جعفر بن الحسن بن سعید ضاعف‌الله جلاله بمحمد و آله» .

در ۱ ب دارد : «نقلت فتوی الدروس و فتوی الارشاد عن الشیخ زین الدین الا کافی غفرالله له و لوالدیه و لجمیع المسلمین و کان ذلك فی النباطیة السفلی فی السبیل الذی فی الجادة الفوقا (ئی) و هو سبیل الحاج فخر عفی‌الله عنه ـ نقلت فتوی الشرایع عن الشیخ ابن موسی

بعه (زیر کاغذ رفته) فی الباطیة السفلی خلا اربع حسنات ثنتین فی کتاب الجهاد وواحدة فی کتاب التجارة وواحدة فی القرض» (بمانند خط ۱۱۱ الف).

در ۱۱۱ الف دارد: نقلت فتوی الشیخ الطوسی ونقلت فتوی نجم الدین جعفر ابن الحسن ابن سعید ونقلت فتوی جمال الدین ابن المطهر ونقلت فتوی ولده فخر الدین ونقلت فتوی عمیدالدین ونقلت فتوی شمس الدین ابن مکی ونقلت فتوی المقداد ابن السیوری نقلت جمیع فتاویهم بشرط عرفان المسئلة علی وجهها الصحیح وبشرط صحة المسطور عن الفقیه محمد ابن المؤذن فی جامع جزین و ذکر انه نقل الفتوی جمیعهم عن ابن الحاج علی من عیاناً واجاز لی العمل بهم والفتوی لهم غفرالله له ولوالدیه و عفی الله عن جمیع الفقهاء المذکورین ولجمیع المؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات وحسبنا الله ونعم الوکیل فی شهر ربیع الاول سنة ثمانیة واربعین وثمان مائة والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم (بمانند خط ۱ ب).

در ۲۲۴ ب دارد: « ... السید شرف الدین المجد لای لکاتب الاحرف ... قبل الفقیر موسی بن ... الحوالة قبولا صحیحاً شرعیاً تاریخ ثانی شهر شعبان سنة ۹٤٦» (درست خوانده نشده).

در ۳ ب دارد: « نظر فی هذا الکتاب الفقیر الی ربه القدیر محمد بن شمس الدین بن فخر الدین الشهیر بابن الناجی الحسینی العاملی تجاوز الله عن سیئاته و سائلاً ممن وقف ان یشمله بالفاتحة والدعا بالتوفیق له ولجمیع المؤمنین».

در ٤ الف دارد: « انتقلت ... المبارکة بوجه صحیح شرعی ... بن عبدالکریم بن علی بن ...» نیز خط چندتن که دارندهٔ نسخه بوده‌اند ودررفته وخوانده نمیشود.

نیز « نظر فی هذا الکتاب المبارک العبد الفقیر الحقیر الراجی عفو ربه القدیر الواثق بالملک الشافی موسی بن عبدالکافی عفا الله عنه بمنه و کرمه والسلام» (بمانند خط ۲٤٦ ب).

در ۲٤٦ ب دارد: « نظر فی هذا الکتاب المبارک العبد الفقیر الحقیر الراجی عفو ربه الواثق بالملک الشافی موسی بن عبدالکافی عفا الله عنه بمنه» (بمانند خط ٤ الف)

در ۲٤۷ الف دارد: « ولدت المولودة المبارکة ست الهند لیلة الجمعة لسبع لیالی خلون من شهر جمادی الاول من شهور اثنین و عشرین و تسعمائة علی مشرفها السلام والحمدلله وحده».

در ۱ ب دارد: لما کان یوم الاثنین ثالث شهر ذی الحجة الحرام من شهور احد و ثمانین وثمانمائة اشتری علی بن خلیل من الحاج احمد بن سیان ربع کرمه وهو فی ارض جاذیه

مشاع غیر مقسوم وربع السامیک ومایخصه فی الجرر جون وربع التین ایضاً بثمانیة اشرفیة وقبضه من ذلک خمس اشرفیة والباقی یستحق علیه بعد مضی اربعة اشهر من تاریخه وبذلک وقع الاشهاد علیهما والحمدلله وحده. شهدت علی المتبایعین بمافیه فی تاریخه وکتبه حسن بن علی بن صدقة بن صالح ـ وحسبنا الله ونعم الوکیل ـ شهد بذلک علی ابن ابوجامع ـ اقول بفضل الله و برحمته العبد الفقیر الحقیر الی رحمة الله الغنی السید شرف الدین ابراهیم بن حسین الحسینی المعروف بباباکالی المازندرانی الساکن فی بلاد استرآباد ضیعه دربندوه غفرالله له ولوالدیه ولمن قرا و دعا له بالمغفرة ولجمیع المؤمنین آمین رب العالمین».

آغاز: بسمله. اللهم یسر واختم. قال الشیخ الامام الاوحد العالم العامل الفقیه الکامل العلامة الفاضل البارع الورع نجم الدین رکن الاسلام عمدة الشریعة وقدوة الشیعة شیخ الطائفة مفتی الفرق ابوالقسم جعفر بن الحسن بن سعید الحلی شرف الله قدره و قدس فی الملاء الاعلی ذکره و بلغه غایة آماله بمحمد وآله: اللهم انی احمدک ...

انجام: تم کتاب شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام بحمدالله وحسن توفیقه وصلوته علی محمد النبی وآله وسلامه ـ انهاه ایده الله قراءة وشرحاً و تصحیحاً وفهماً وکتب جعفر بن سعید ...

پس از برگ ۱۳۹ باز از ۱۳۱ تا ۱۳۹ دوباره برگها شماره خورده است. کتاب در ٤ ب ـ ۲٤۳ پ نوشته شده است.

(۳۲۷ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرباکی گرداگرد سبز وطوالی وبابه
اندازه: ۱۸×۲۴/۵ و ۱۲×۱۹/۵ س ۲۳

[۱۸۰۸]

۷۰۳ این نسخه بشیخ است با عنوانها و رقمها بشنگرف که فخرالدین بن اشرف حسینی استرابادی در نجف درروز پنجشنبه ج ۹۲۲/۲ نوشته است. نسخه بر محقق کرکی علی بن عبدالعالی خوانده شده و بلاغها برهامش بخط هموهست در ۵ ب و ۳۵ ب و جاهای دیگر دارد « ثم بلغ قراءة ایده الله تعالی» نیز در پایان کتاب الوصیة در ۸۵ ب که دارد:

« انهاه ایده الله تعالی قراءة وفهما و ضبطا و استشراحا فی مجالس متعددة آخره خامس عشرین جمادی الآخرة من شهور سنة ثلث و عشرین وتسعمائة و کتب العبد الفقیر الی الله تعالی علی بن عبدالعالی فی المشهد المقدس الغروی علی مشرفه الصلوة والسلام حامداً مصلیاً مسلماً».

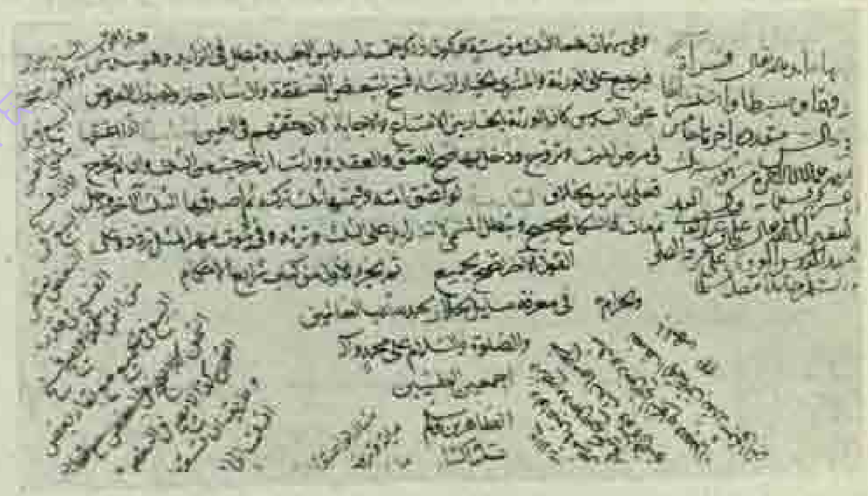
برخی حاشیه‌ها نیز بخط اواست. در ۲۱۳ الف و ب هم حاشیه‌های اواست دربارهٔ سهام ارث ودر آغاز دارد «من حواشی الشیخ علی بن عبدالعالی مدظله العالی» در ۲۱٤ الف و ب از کتابی است فقهی دربارهٔ تیمم. حاشیهٔ «ل مدظله العالی» یا «ل مدظله» فراوان دارد و باید ازهمان کرکی باشد همچنین حاشیه‌هائی است با نشانه‌های «ح ل» و «ع ل» و «ع ب» حاشیه‌ها بنسخ یا نستعلیق ریزتر است. کتاب ۲ ب ـ ۲۱۲ ب. مهر کتابخانهٔ فضل‌الله نوری در ۲ الف دیده میشود.

آغاز نسخهٔ: بسمله. رب یسر. اللهم انی احمدك ...

انجام: تمت هذا الکتاب شرائع الاسلام ... فی المشهد ... المسمی بنجف الغروية فی یوم الخمیس من شهر جمید الثانی فی تاریخ سنة اثنی وعشرین وتسعمائة علی ید الضعیف والسالك الفقیر الراجی الی رحمة الغنی فخرالدین اشرف الحسینی الاسترابادی اللهم اغفر له ولوالدیه ولمن رای هذا الکتاب و دعا الکاتبه و مالکه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات وصلی الله علی نبینا محمد وآله اجمعین.

(۲۱۴گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه: ۱۷×۲۵ و ۱۱/۵×۱٦ س ۲۳



گ ۸۵ ب ش ۷۰۳

اجازه بخط محقق دوم شیخ علی کرکی

[۱۵۳۵] شرح جمل العلم والعمل (عربی)

فقیه شیعی قاضی سعد یا سعیدالدین و عزالمؤمنین ابی القاسم عبدالعزیز بن

نحریر بن عبدالعزیز بن البراج (م ٤٨١) که جانشین شیخ طوسی درشام بوده و بدستور قاضی جلال الملك در بیست یا سی سال در طرابلس بکار داوری میپرداخته است بخش فقه جمل العلم والعمل یا جمل العقائد سیدمرتضی موسوی را گزارش نوشته است. متن در آن پس از «فصل قال الشریف المرتضی» وماانند آن و گزارش او پس از «فصل اعلم» میآید و آن از طهارت تا زکوة است و بطور تعلیق. ابن براج در آن از مرتضی باعبارتهای «شیخنا المرتضی» یا «الشریف الاجل المرتضی» هم یاد میکند (کنتوری ۳۳۲ - ذریعه ٥ : ١٤٤) شیخ طوسی تنها بخش اصول آنرا بنام تمهیدالاصول گزارش نموده است. (کنتوری ص ۳۳۲) - ابن براج در ٤۲۹ نزد مرتضی درس خواند تااینکه سید در گذشت واو نزد طوسی درس را بپایان رسانده ودر ٤۳۸ بطرابلس بر گشت ودر آنجامانده وداوری میکرده است تااینکه درشب آدینه نه شب گذشتهٔ از ماه شعبان سال ٤٨١ در گذشت و بیش از هشتاد سال داشت وزادگاه او مصر بوده است اوازمرتضی وطوسی و کراجکی وتقی بن نجم ابی الصلاح حلبی روایت میکند ومحمدبن علی بن الحسن حلبی ازاو روایت دارد. ابن براج استاد ابی الفتح صیداوی وابن بزرج هردو از دانشمندان شیعی بوده است وشیخ مفیدعبدالجبار بن عبدالله بن علی مقری رازی هم شاگرداو بوده وازاوروایت داشت. شیخ عزالدین عبدالعزیز بن ابی کامل طرابلسی قاضی شاگرد طوسی هم ازاوروایت داشت. از نگارشهای ابن البراج این کتابها را برشمرده‌اند: مهذب و کامل واشراف ومعالم ومنهاج وموجز وجواهر (ش ۵۹٦ طوسی) ومعتمد وروضة النفس ومقرب و عمادالمحتاج فی مناسك الحاج و کتابی در کلام و همین شرح جمل العلم والعمل (روضات ص ۳۵۱) که چنین است:

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین ... والعاقبة للمتقین امابعد القاضی الفقیه سعدالدین عزالمؤمنین ابی القسم عبدالعزیز بن نحریر بن عبدالعزیز بن البراج رضی الله تعالی عنه وارضاه. فصل ثم قال الشریف الاجل المرتضی رض فصل فی احکام المیاه.

انجام : فصل اعلم ان الاجماع منعقد على ان الزكوة كانت تحمل الى النبى ... فان اراد المزكى ان يفرقهما بنفسه كان ذلك جائزاً الا انه يكون تاركاً للافضل وكذلك يجوز له فى زمان الغيبة ونقد من نصيبه. تمت.

[۱۸۰۹]

۹۲۰ این نسخه ش ۳ دفتر است و بنسخ و عنوانها مفید است (۸۱ الف – ۱۲۶ ب) چنین است انجام آن : فعليه من القضاء والكفارة مثل ما على من افطر يوماً من شهر (درباره قضاء ماه رمضان برابر با س۱۶ گ۴۱ ب ش ۱/۱۰۰۵) همه شمارههای این دفتر بخط تازهایست.

(همهٔ دفتر ۲۷۵گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد پارچهٔ متوالی
اندازه : ۱۶×۲۲ ــ ۹/۵×۱۶ س ۲۱

[۱۸۱۰]

۱۰۰۵ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ با عنوانها و نشانههای شنگرف نزدیک ۱۱۳۷ از محمد بن المحسن خراسانی کدینی. در کنار برگ ۶۲ الف در پایان دارد: «اقل الطلاب محمد الكدينى الخراسانى» (گ ۲ ب ـ ۶۲ الف).

همه دفتر ۲۲۹گ) ــ کاغذ فرنگی آهار مهره ــ جلد تیماج مشکی ضربی متوالی
اندازه : ۱۵/۵×۲۱/۵ ــ ۱۰×۱۶/۵ س ۲۵

[۱۵۳۶] شرح جواهر الفرائض (عربی)

خواجهٔ طوسی دفتری درمواریث بنام جواهر الفرائض یا فرائض نصیریه دارد که دارای دو بخش است نخست «فقه المواریث» درعنوان دو فن (نخستین در دو باب هریک چند فصل ودوم در احکام وصایا و اقاریر نیز در دو باب هریک چند فصل) دوم «كيفية التخصيص مع تصحيح السهام» درچند باب وفصل. شیخ بهائی بر آن گزارشی نوشتهاست (طوس ۲: ۴۵) ملاابوالحسن شریف فرزند ملااحمد شریف قاینی ایوردی کاشانی شاگرد روایت شیخ عبدالعالی فرزند محقق کرکی (۹۹۳م) گزارشی آمیختهٔ با متن و با استدلال بر آن نگاشتهاست که همین نسخهٔ ماباشد.

(طوس : ۴۵۸ ـ اعیان الشیعه ۷: ۲۸۸ ـ ذریعه ۱: ۱۰۲ و ۵۲۵ ـ آثار الشیعه ۴: ۶۴).

درمتن از تحریر معین الدین سالم بن بدران مصری (۶۴ ب) ودر گزارش از او بنام شیخ معین الدین مصری (۳۴ الف) یاد گشت. نیز دارد «تصحیح المثال الذی اورده الشیخ الامام السعید معین الدین سالم» (۸۲ ب – ۸۳ الف) مثالهائی در ارث وشرح «العلاوة الموعودة» در ۸۰ الف ومسئلهایکه درخاتمهٔ فرائض آوردهاست در ۸۳ ب – ۸۴ ب دیده میشود.

آغاز : اهم الفرائض واوجب واجب والزم فرض حمد الله وارث ميراث السموات والارض الذى لاسبيل للقسمة اليه بضرب من الاعتبار ولاينكسر حساب الوهيته بتضاعيف الدهور والادوار .. فيقول .. ابوالحسن بن احمد .. ان الرسالة المنسوبة الى .. نصير الملة ... والدين محمد ... فى الفرائض كالدرة الزهراء والكبريتة الحمراء ... فاردت ان اشرف بشرح لها.

انجام : (ولعمتها واحدة وهذا هو الجواب عنه وبالله التوفيق وعليه التكلان) ولنختم الكلام بحمد الملك العلام ونصلى على رسوله وآله سادة الانام (۱).

[۱۸۱۱]

۷۸۱ این نسخه بنسخ است باعنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ از محمد نصیر گیلانی که در ۱۲ شوال ۱۰۲۹ آن را نوشتهاست. حاشیههائی بتازی وپارسی بخط نستعلیق درهامش هست. دائرهای در ۶۸ الف وشکلی با دودائرهٔ متداخل ودو قوس متقاطع درمحاسبهٔ سهام در ۶۹ الف مربوط بباب ۳ قسم ۲ هست. نشانهٔ حاشیهها

۱ـ چنین است متن طوسی :

آغاز . لله الحمد اهل الحمد ووليه ومنتهاه و بدئه . والصلوة على محمد حبيبه وصفيه وعلى آله مفاتيح الاسلام ومصابيح الظلام و عترته الكرام . هذه اصول وجمل من علم الفرائض وما يتعلق بها تعلق المارض مقفاة بحساب الابواب مجتنبة عن التكرير والاطناب على وجه يسهل على الحافظ الضابط تحريرها ويلوح للكيس الفطن تفصيلها.

انجام : ولعميها اثنات ولعمتها واحدة وهذا هو الجواب عنها و بالله التوفيق وعليه التكلان (طوس ۵: ۴۷۰ - ۴۷۱).

آغاز متن درنسخهٔ ما : وهى مترتبة على قسمين ... فصل فى الانساب ومراتبها. النسب هو اتصال انسان بغيره لانتهاء احدهما فى الولادة الى الآخر اولانتهائهما الى انسان آخر غيرهما على الوجه الشرعى.

«لو» ع ل ۱ ز بن ره ، م ع ل» میباشد . کتاب ۱ ب ــ ۸۲ الف . شیخ العراقین دارندهٔ نسخه بوده است (مهر ۱ الف باشارهٔ ۱۰۶۰) .

(۳۸۶ص) ــ کاغذ نرمهٔ آهارمهره ــ جلد تیماج سرخ ساده
الدازه : ۱۲/۵ × ۱۹/۵ و ۶/۵ × ۱۳، ۱۳ س ۱۷

[۱۵۳۷] شرح شرایع (عربی)

آقاحسن نجم آبادی ساوجبلاغی تهرانی فرزند ملاابراهیم فرزند آقاباقر حداد نجم آبادی از دانشمندان سدهٔ ۱۳ وشاگرد شیخ انصاری، بربیع شرایع (فصل دوم تجارت تافصل پنجم دراحکام) این گزارش را نوشته است (ذریعه ۳:۱۹۱) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین ... قال ره (الفصل الثانی) مبانی علیه کتاب التجارة (فی عقد البیع وشروطه وآدابه اماالعقد فهواللفظ الدال علی انشاء نقل الملك من مالك الی آخر بعوض معلوم . . ویقوم مقام اللفظ الاشارة مع العقد) شرح هذاالمقام یحتاج الی الکلام فی جهات .

انجام : (واما القول فی اقسام العیوب . . .) یعلم زواله سریعا . . . فلوفرض ان مقتضی خلقه شئ اوینتفع بهمقدارامعلوماً فنقصان منفعة فردمنه عن ذلك علیه سواء کان ذلك لامرداخلی اولامر خارجی ـ هذا اخرما وجد من تصنیف المرحوم . . . آقا حسن الطهرانی النجم آبادی .. وقد وقع الفراغ من نسخه وتسییقه لیلة الخمیس اثنان بقین من جمادی الاولی لیلة تحویل الشمس الی الحمل فی المشهد المشرف المرتضوی حلقد امضلیا را جیامن الناظرین فیه ان یدعو الی بالخیر من شهور سنة ۱۳۰۱ .

[۱۸۱۱۲]

۷۲۶ این نسخه بنسخ وروی آغازمطلبها خط کشیده شده وتاریخ نوشتن آن شب پنجشنبه (نوروز) ۲۲ج۱/۱/۱۳۰۱ درنجف میباشد . فضل‌الله نوری که نسخه را داشته بوده در ۱ الف نوشته که این «کتاب البیع» از آقاحسن طهرانی نجم آبادی میباشد .

(۱۲۱ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوایی
الدازه: ۱۶/۵ × ۲۲ و ۱۰ × ۱۷ س ۲۵

[۱۵۳۸] شرح مختصر نافع (عربی)

سیدعلی طباطبائی سپاهانی کربلائی فرزند سیدمحمدعلی پسر سیدابی المعالی صغیر پسر سید ابی المعالی کبیر (کاظمین ۱۲ع۱/۱۱۶۱ - کربلا ۱۲۳۱) برمختصر نافع محقق حلی دو گزارش دارد یکی بزرگ بنام ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل (فی بیان احکام الشرع بالدلائل) که بشرح کبیر نامبردار است واز کتابهای درسی دانشجویان دینی میباشد (۱) دیگری کوچك که شرح صغیر گویند (همین نسخهٔ ما) وپس از آن یکی نگاشته شده وبرای شاگردان از آن گزین نموده است

۱ـ صلوة ریاض دوتزدیك بپایان دهٔ دوم صفر ۱۱۹۴ واعتکاف درشب دوشنبه ۲۶ع۱/۱۱۹۶ ووصیت آن در ۱۱۸۹ ولعان آن درسه شنبه پایان صفر ۱۱۸۸ نوشته شده وبخش ازپسین آن درنیمهٔ شب آدینهٔ ۲۷ صفر ۱۱۹۲ بنگارش درآمده است (طوس ۵:۹۵۹ ــ نسخه‌های چاپی) .

درفیباچه نامی بدان داده نشده ولی درپایان صلوة « ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل » خوانده شده است .

درفهرست طوس (۲:۱۶۵ و۵:۹۰۰) ازچاپهای ریاض در ۱۲۶۷ و۱۲۷۲ و۱۲۷۵ و۱۲۸۱ و۱۲۸۲ و۱۲۹۲ و۱۳۰۰ تهران وتاریخ ۱۲۸۸ یاد شده است .

چهار گونه چاپ سنگی نسخ وحلی از آنرا خودم دیده‌ام یکی بی صفحه شماری وبی حاشیه وبخط عبدالله بن محمد حسین خوانساری از ۱۲۶۴ تاع ۱/۱۲۶۷ ـ نسخه‌ای از این چاپ را دیده‌ام که لطفعلی بن علی بن لطفعلی بن احمد بن لطفعلی آنرا با نسخه‌ای سنجیده و درست نمود که آنرا لیای او میرزا احمد تبریزی درشعبان ۱۲۲۵ با نسخهٔ اصل خط طباطبائی مقابله کرده بود (پایان لعان که تاریخ آن بخط لطفعلی هست) .

دوم از چاپخانهٔ حاجی احمد آقا تاجر کتابفروش پسر حاجی ابراهیم تبریزی بکوشش استاد علی وبامقابلهٔ میرزامحمدتقی وباحاشیه‌های «منه» بنستعلیق دردو جلد ۱ در ۶۳۲ ص در ذی قعدهٔ ۱۳۰۷ و۲ در ۵۷۱ ص درع ۲/۱۳۰۸ سوم ازچاپخانهٔ تهران بخط کلب علی بن عباس شرابی قزوینی در ۱۳۱۶ ــ ج ۱/۱۳۱۷ که محمد علی رضوی با آقامحمد اسمعیل بن حاج ملاعلی اکبر تاجر کتابفروش دردوجلد ۱ در ۶۴۹ ص و۲ در ۶۳۳ ص بچاپ رسانده است حاشیه‌های «منه» هم دراینچاپ هست . چهارم که همان جلد یکم بوده وتاریخ نداشت ولی جزاینچاپها بوده است .

(سپهسالار ۱: ٤٦١ و ٤٧٠ - طوس ۲: ۸۲) در فهرست طوس (٥: ٤٦١) از شرح مختصر نافع سیدمحمدعلی نگارندهٔ مدارك یاد شده است .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین وصلی الله علی خیر خلقه محمدو آله الطاهرین .
کتاب الطهارة و ارکانه اربعة الاول فی المیاه والنظر فیه فی المطلق والمضاف والاسئار . اما المطلق وهو مایستحق اطلاق الاسم من غیر اضافة فهو طاهر فی نفسه ومطهر له ولغیره بالکتاب والسنة والاجماع .

انجام : فحص الحکم بدیة الخطاء والنادر فنفی فیهما ایضاً وهما لاسیما الثانی ضعیفان جداً . اللهم ارزقنا من عظیم نواله واجعلنا من المشرقین بلقائه و وصاله بحق سیدنا و نبینا محمد صلعم . الحمدلله علی الاتمام والصلوة والسلام علی خیر الانام .

[۱۸۱۳]

۷۲٤ این نسخه بنسخ و نستعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و متن زیر خط سرخ است . نویسندهٔ آن صادق بن حسن مشهور بآقاجان بازواری میانکلی که در ۹ ج ۲/۱۲۳٦ در کوی کاسگریه بارفروش درمدرسهٔ حاجی ابراهیم تعلیمی بسر میبرده است و میگوید که من این را درزمانیکه طباطبائی زنده بود نوشتم . حاشیه‌های گوناگون بفارسی و تازی بخط ریزتری دارد . کتاب ۱ ب - ۲۵۸ ب . در ۲۵۹ - ۲٦۱ مطلبهای فقهی است بخط همو درهمان تاریخ . در گ ۲٦۲ ب جدولی است در شکیات نماز ازمحمد مهدی بهمانگونه خط نستعلیق .

(۲٦٥ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی طوالی

اندازه : ۱٤/٥ × ۲۱ و ۱۰ × ۱٦ س ۱۷

[۱۰۳۹] شرح مفاتیح الشرایع (عربی)

نورالدین محمد هادی کاشانی دانشمند سدهٔ ۱۱ (ص ۱۲۸۸ همین فهرست) برمفاتیح الشرایع فیض کاشانی درزمان او این گزارش را نگاشته است (آغاز) نسخه‌هائی از آن درفهرست طوس (۲: ۷-۷٦ و ٥ : ٤٦۱) شناسانده شده است .

این گزارش به «قول» است و پس از عنوان «قوله» پاره‌ای از متن میآید و گزارش میشود . تنکابنی درقصص (ص ۱٦۷) می نویسد که آن مانند متن که گزیده‌ایست ازمسالك ومدارك چون گزارشی است برابنهو (نیز ص ۲۳۱) .

[۱۸۱٤]

۷۱٤ این نسخه بنسخ خوش باعنوانهای شنگرف که درهامش هم هست و باحاشیه‌های نستعلیق . فهرست در ۳ ب از برگهای افزودهٔ در آغاز نسخه هست تا ۱ الف خودنسخه . کتاب درشماره گذاری نخستین دارای ۳٤٦ برگ است . خط ومهر «محمد زکی بن عبدالصمد» و «عبدالله بن محمدنصیرالشریف» باعبارت «من مواهب الله جل اسمه وعز ذکره الی الفقیر الحقیر العاطلی ابن محمدنصیر الشریف» ومهر «یا اباعبدالله الغنی» (۱ الف سه برگ افزودهٔ در آغاز) دیده میشود نیز عبارت «دخل فی ملکی بالشراء الصحیح من ابن منیر فی سنة ۱۱٤٥» بامهر «محمد زکی بن عبدالصمد» و «الطالب عبدالله الشریف» و «دخل فی نوبة الراجی العاطلی الجانی علی نفسه ابن المرحوم المبرور محمد نصیرالشریف عبدالله غفرالله لهما ولمن والدهما من المسلمین» و همان مهر «یا اباعبدالله الغنی» (۲ الف همان سه برگ) وخط ومهر «محمدباقر بن محمدتقی الموسوی» و «یا ازکی من کل زکی» وعبارت « ۳٤۱ ورقی ٥٤ سطر ۳۱۰۰۰ ب هزار بیت ماما (۱ الف) و همان مهر « یا اباعبدالله الغنی » در ۳٤٦ ب . مهرهای دیگر هم دراینجاها هست که خوانده نشده است .

آغاز : بسمله . تیمناً و تبرکاً بذکره الاعلی ، الحمدلله الذی من علی عباده بما شرع لهم من شرائع الاسلام وافاض علیهم مدارك تلك الشریعة بوسیلة نبیه و آله الکرام ... امابعد فان اولی الامور بالرعایة واحقها واهم الاوامر بالائتمار واقدمها هو العلم بالشرائع الدینیة ... و کما فاق ... مروج الشریعة المطهرة علی راس المائة الحادیة عشرة ... عمی ... محمدبن مرتضی المشتهر بمحسن ادام الله فیضه فی العالمین ... کذلك فاق مفاتیح شرائعه ... وامتاز ... لجمعه اصول المسائل الشرعیة وامهات الاحکام الفرعیة مع الاشارة الی دلائلها المتینة ومآخذها الوثیقة ... فخطر علی خاطری ... ان اشرحه شرحاً یبین عباراته ویصرح اشاراته ... وهاانا ... محمد بن المرتضی المدعو بهادی .

انجام : ولیکن هذا آخر مانورده فی الشرح المتعلق بفن العبادات والسیاسات من مفاتیح الشرائع .. ونسأل الله سبحانه ان یوفقه لاتمام شرح تمامه کما وفقه لاکمال بعضه و ان یجعله ذخراً له یوم الدین و ذریعة یقدم بها علی نعیم دارالمتقین بمحمد واهل بیته الاطیبین . وکان فراغ المؤلف من تألیفه فی العشر الاول من شهر شعبان المعظم

سنة تسعين والف بقرية قمصر من قرى قاسان صانها الله عن بوائق الحدثان (واتفق اتمام الكتاب في يوم الاحد الثالث من عشر الاول من شهر السابع من سنة الثامن من المائة الثاني من الالف الثاني ... على يد ... ابن سيد خليل الله على اكبر الحسيني عفى عنهما بمحمد وآله الاطهار).

(۴۲۵۰ک) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه: ۱۷×۲۵ و ۱۱×۱۸/۵ س ۲۷

[۱۸۱۵]

۷۱۵ این نسخه بهمانگونه خط ش ۷۱٤ است و فهرست در ۲ پ تو بزرگ افزوده در آغاز و ۱۹ الف اصل است. شماره گذاری اصل کتاب به ۳۲۰ میرسد. در ۲ الف افزوده دارد «عدد اوراق ۳۰۸ ورق و صفحه ورقی ۱۰۸ بیت جمع کل تخمیناً ۳۳۲۰۰ عدد ابیات مجلدین ۶۷۳۰۰» در ۱ الف مهرهای «محمد باقر بن محمد تقی الموسوی» و «یا ابا عبدالله» دیده میشود.

آغاز: بسمله. والحمدلله والسلام على رسول الله واهل بيته. كتاب مفاتيح المطاعم والمشارب، الاكل والشرب من ضروريات هذه البنية الضعيفة.

انجام: هذا آخر مايتعلق شرح المفاتيح ... والعالم ليس باهل للاعتراض على اهله ثم الحمدلله الملك العلام والصلوة على نبيه وآله سادة الانام (قد تم باتمام الكتابة ... في الضحى من يوم الخميس المنتصف من الشهر الرابع من العام التاسع من العشر الاول من المائة الثاني من الالف الثاني ... كتبه ... ابن سيد خليل الله بن سيد ركن الدين مسعود على اكبر الحسيني الكاشاني ... والحمدلله رب العالمين).

(۳۲۳ص) ـ کاغذ سپاهانی ـ تیماج مشکی گرداگرد سرخ ضربی مقوائی

اندازه: ۱۷/۵×۲۵ و ۱۲×۱۷/۵ س ۲۷

[۱۵٤۰] شرح مفاتيح الشرائع (عربی)

آقا محمد باقر فرزند محمد اکمل الدین بهبهانی (سپاهان ۱۱۱۸ ـ کربلا ۱۲۰۵) که مروج آئین شیعی و زنده کنندهٔ روش اجتهاد و از بنیادگذاران اصول و رجال است بر مفاتیح الشریعة فیض کاشانی فیلسوف اخباری این گزارش را نگاشته است و آن از طهارت تا خمس است (تنکابنی ص ۱٤٦ ـ کنتوری ص ۳۵۳ ـ طوس ٤٦٢:٥).

[۱۸۱٦]

۷۱۸ این نسخه بنسخ با عنوان قوله که پارهای از متن پس از آن میآید و شنگرف است و ابوالحسن بن عبدالله در ۱۲۰۷ آنرا نوشته است.

آغاز: بسمله. قوله: فمن كان الخ ـ اعلم ان الاحكام الشرعية بأسرها توقيفية موقوفة على الصدور من الشرع بالبديهة سواء كانت في العبادات او المعاملات.

انجام: وان كان من الزنا كما حقق في محله من دون فرق اصلا بين الاب والام وطرفيهما والله يعلم وقد وقع الفراغ من بعض الاجزا عصر يوم الثلثا ثالث عشر من شهر ربيع (وحرره اقل خلق الله ابوالحسن بن عبدالله من شهور سنة ۱۲۰۷).

(۴۸۴ص) ـ کاغذ ترمهٔ آهارمهره ـ جلد تیماج مشکی ضربی گل و بوته دار مقوائی

اندازه: ۲۱/۵×۳۴ و ۱۳/۵×۲۵/۵ س ۲۷

[۱۵٤۱] الشك في الصلوة (رسالة في مسائل ...) (فارسی)

مجلسی دوم در این نامه که به ۷۵۰ بیت میرسد از گمان در نماز بررسی نموده و در آن یک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه گذارده است. نوری از آن بنام «رسالة في الشكوك» (فیض قدسی) و خوانساری از آن بنام «رسالة مسائل الشك» (روضات ص ۱۲۰) یاد کردهاند و از گفتهٔ ایندو برمیآید که مجلسی نامهای هم بتازی در اینزمینه دارد. (طوس ٥:٤٣٣ ش ٦٦٩).

درهمین زمانها شیخ ابراهیم قطیفی بتازی (طوس ۲: ۷۳ ش ۲۳۸) و ملامیرزا محمد حسن شیروانی (طوس ٥: ٤٣٣ ش ٦٦٨) در شك نماز رساله نوشتند.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذي ازاح ظلمات الشبهات والشكوك والاوهام عن مناهج المسائل والاحكام بشريعة سيد الانام و روايات اهل بيته الكرام ... اما بعد چنین گوید خاك راه سالكان مسالك شرع مبين محمد باقر بن محمد تقی ... که چون نماز اشرف عبادات بدنيه واعظم قربات ربانیه است ... و بسبب کثرت و ساوس شیطان شك و سهو و نسیان اکثر نماز گذارند گان را عارض میشود ... لهذا جمعی ... التماس رسالهٔ نمودند که مشتمل بر اکثر احکام ضروریه شك و سهو بوده باشد

واستدعانمودند بلغت فارسی باشد ودرغایت وضوح نوشته شود ... اجابت مسئول
ایشارا لازم دانسته ... برسبیل استعجال باوفور اشغال ،، تحریر نمود وبرمقدمه
و پنج فصل وخاتمه مرتب گردانید .

انجام : باینجا ختم شد این رسالهٔ عجاله درمشهد ... علی بن موسی الرضا ...
۵ درروزدهم ماه ذی القعدة الحرام ازسال هزاروهشتاد وپنجم ازهجرت والحمدلله
اولاً و آخراً وصلی الله علی محمد و آله المقدسین (بلغ قبالا) .

[۱۸۱۷]

۷۹۲ این نسخه ش ٤ دفتراست وبخط نستعلیق باعنوانهای شنگرف . گ ۸٤ ب ـ
۱۰۹ ب . درپایان « بلغ قبالا » دارد . حاشیه‌هائی با نشانهٔ « منه ره »
۱۰ و «فاضل ره» درآن دیده میشود (۷۹۲/۱) .

[۱۵٤۲] الشك والسهو والنسیان فی الصلوة (عربی)

(رسالة فی ...)

فیض کاشانی دراین نامه ازگمان و فراموشی درنماز بررسی نموده و درآن
پنج ضابطه گذارده است .

۱۵ آغاز : بسمله . الحمدلله علی جزیل نواله والصلوة علی محمد و آله اما بعد
فیقول محمد بن مرتضی المدعو بمحسن عفی عنه لما كان الشك والسهو والنسیان
كالغریزی للانسان شرع فی الصلوة الاحتیاط والمرغمتان ... فمن الواجب معرفة
احكام الثلثة و كیفیة الامرین فلنضبط ملخص ذلك فی خمس ضوابط .

انجام : ویستحب له ان یطعن فخذه الایسر باصبعه الیمنی ثم یقول بسم الله
۲۰ و بالله ... فانه یزجره الشیطان ویطرده انشاءالله والحمدلله رب العالمین والصلوة
علی محمد و آله الطاهرین .

[۱۸۱۸]

۷۹۲ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق میباشد ودرپایان دارد « بلغ »
گ ۸۲ ب ـ ۸۳ ب (۷۹۲/۱) .

[۱۵٤۳] صیغ العقود والایقاعات (عربی)

(رسالة ...)

ازهنرها كه نویسندگان دیوانها وفقیهان بدان میپرداختند كتابت وانشاء
و استیفا و شروط و سجلات است كه نمونهٔ آنها را درصبح الاعشی ازقلقشندی
ودرنفائس الفنون آملی می‌بینیم . شیخ مفیددرپایان مقنعه (چاپ سنگی ۱۲۷٤) هم
۵ نمونه‌ای از شروط و سجلات را آورده است و روش نوشتن قباله‌ها و سندهای
رسمی شیعی از آن آشكارمیگردد .

درفقه شیعی یك مبحث دیگری هم پیش‌آمده و آن چگونگی خواندن
عقود واداى الفاظ درایقاعات است . دراین‌باره از متأخران برخی نامه‌هائی بنام
۱۰ صیغ و عقود نگاشته‌اند چنانكه شیخ مفلح بن حسن بن رشید بن صلاح صیمری
(زندهٔ پیش‌از ۸٤۱ تا ۸۷۳) برای پسر خود شیخ نصیرالدین حسین (۹۳۳۰)
در ۱۰ ج ۱/ ۸۷۰ رساله‌ای بنام جواهر الكلمات فی صیغ العقود والایقاعات نوشت
(طوس ٥:۳۰٤۰۳-٤۰۲ و۳٤ و۳۵)همین شیخ حسین نیز الایقاظات فی العقود والایقاعات دارد .
مولی عطاءالله بن مسیح الدین رستمداری هم درروز سه شنبه ۹ ذی قعدهٔ ۹۲۰ بدستور
۱۵ سعید بن یوسف بن یعقوب قیروانی رساله‌ای دراین‌باره دارد (ذریعه ۲: ۵۰۸ و ۳:
۳۳۵) مجلسی دوم رسالة فی صیغ العقود والنكاح بفارسی دارد (كنتوری
ص ۲۷۲) .

گویند شهید دوم هم جواهر الكلمات فی صیغ العقود والایقاعات نگاشته است
(روضات ص ۲۹٦) وآغاز آن آنچنانكه درذریعه (۵:۹-۲۷۸) ازروی نسخهٔ بی‌نام
۲۰ نوشتهٔ مقصود علی بن شاه‌محمد دامغانی در ۹۹٦ یادشده است مانندنسخهٔ ما است .

درروضات (ص ۳۹۲) وامل الآمل (ص ٤٤۳) ولؤلؤتی البحرین وقصص العلما
(ص ۲٤۹) ازرسالهٔ صیغ العقود والایقاعات محقق كركی یادگشته وخوانساری
از العقود او هم نام برده تنكابنی مینویسد كه بررسالهٔ صیغ عقود وایقاعات او گزارشهای
بسیاری نوشته‌اند یكی از آنها همانستكه كنتوری (ص ۳۳۵) بنام شرح رسالة

العقود والایقاعات از شیخ نورالدین علی بن عبدالعالی میسی (م ۹۳۳) یادنمود. درفهرست طوس (۲:۸۶ و ۵:۴۶۵) از صیغ العقود والایقاعات همین کرکی بخط خود او ودیگران یادشده ومانند همین نسخهٔ ما است پس آنچه در کشف الحجب (ص۲۷۲) وذریعه (۵:۹-۲۷۸) دربارهٔ آغاز جواهر الکلمات شهید و رسالهٔ کرکی آمده درست نیست و کنتوری وتهرانی ایندورساله راخوب نشناخته‌اند. کنتوری (بگواهی نسخهٔ ما) بند نخستین آغاز آنرا برای رسالهٔ شهید و بند نخستین و دومین را برای رسالهٔ کرکی یاد نموده است. تهرانی همان بند نخستین را برای رسالهٔ شهید نوشته وبرسالهٔ کرکی هم نام «جواهر الکلمات» داده آغاز آنرا بگونه دیگری نوشته است.

باری این رسالهٔ ماناز کرکی است وبنام اوهم در کلمات المحققین بسال ۱۳۱۵ ودرهامش درر الفوائد آخوند خراسانی بسال ۱۳۱۹ بچاپ رسید. اودراین رساله میگوید که بی لفظ هیچ عقدی دراموال وفروج موجب حلیت ونافذ نیست.

آغاز: بسمله. الحمدلله حمداً کثیراً کماهواهله والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله وبعد فهذه جملة کافلة ببیان صیغ العقود والایقاعات.

انجام: فلیطلب من هناك ولیکن هذا آخر الرسالة والحمدلله رب العالمین (والصلوة علی رسوله محمد وآله الطاهرین المعصومین).

[۱۸۱۹]

۸۷۲ این نسخه ش ۳ دفتر است وبنستعلیق باعنوانهای نسخ شنگرف ونشانه‌های شنگرف بمانند شماره‌های پیش وحاشیه‌دارد وچنین است پایان آن: «الصلح عقدلازم من الطرفین شرع لقطع تنازع المختلفین ... والصلح اصل فی نفسه ولیس فرعاً علی شیء من العقود علی الاصح الا انه یفیدفائدة عقود» برابر ص ۱۱۸ چاپ ۱۳۱۵ و ص ۲۳۲ چاپ ۱۳۱۹- گ ۴۳ پ - ۵۰ ب.

[۱۵۴۴] عدالت (رساله ...) (عربی)

محقق کرکی دراین نامه از عدالت فقهی و گناهانیکه با آن نمیسازد کاوش

نمود. در آن از قواعد شهید یاد گردید. نسخه‌ای ازاین درطوس هست (۵:۴۴۲)

آغاز: قال شیخنا و شیخ جمیع المؤمنین وارث علوم ائمة المعصومین ... محیی مراسم الشرع المبین شارح قواعد الدین المتین خاتم المجتهدین علی بن عبدالعال قدس الله سره العزیز: لما کانت العدالة تستلزم ثبوت التقوی والمروة، والتقوی انما یتحقق باجتناب الکبائر و عدم الاصرار علی الصغائر؛ لزم معرفة الکبائر علی المکلفین.

انجام: ولوکانت الشهادة علی النفی؛ لم یسمع لعدم ضبطه. فلایتعین احدالافراد لتعلق الشهادة به. والحمدلله رب العالمین. والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین.

[۱۸۲۰]

۱۰۱۵ این نسخه ش ۳ دفتر است و به نستعلیق در گ ۴ ب - ۶ ب.

[۱۵۴۵] العویص فی الاحکام (عربی)

یکی ازیاران مفیدابن المعلم بغدادی دانشمند شیعی از نیشابور نزد اورفته ودربارهٔ مسئله‌های دشوارفقه گفتگو نموده بود. سپس مفید بدرخواست دوستی که همه این سخنان رااز آنمرد شنیده بوددراینفتر گردآورد و در آن ازاینگونه مسائل آنچه که باآئین خاندان پیامبرساز گاراست وهمه سنیان یابرخی از آنها هم همان را می پذیرند یاد نمود. در آن ازمسئله‌های نکاح و طلاق و ایلاء و حدود وآداب وقصاص ودیات ومواریث وایمان آمده و شعرهائی درارث هست و آنچه که دشوارودرمزاست گشوده وروشن گشت. عنوان کتابهای فقهی باب ودرهر بابی عنوانها مسئله وجواب است. درفهرستهای ابن ندیم (ص ۲۵۲ و ۲۷۹) وطوسی وابن شهرآشوب یادی ازاینکتاب نشده ولی نجاشی (ص ۲۸۵) از آن بهمین نام یاد کرده است. عاملی درفائده سوم خاتمهٔ وسائل ومجلسی دردیباچهٔ بحار از آن نام نبرده‌اند.

آغاز: بسمله . الحمدلله علی انعامه وله الشکر علی حسن بلائه . . . سألت وفقك الله ان اثبت لك ما كنت سمعته في مذاكرة اخينا الوارد من نيشابور حرسه الله بالمسائل المنسوبة الى العويص في الفقه وما كان دار بيننا في تلك المجالس التي اتفق لنا الاجتماع فيها ممايقارب ماتقدم ذكره في معناه واضيف طرفا منها في بابه و نوعه الى ذلك وافصل بين ما اختص لمذهب آل محمد عليه و عليهم السلام مما طابقهم عليه العامة او بعضهم منه لتقف على مشروحه ويتميز لك مكنيه هذا من صريحه وانامجيبك الى ماسألت من ذلك لمعونة الله وتيسيره انشاءالله .

انجام: مسئلة في الاقرار بحق اذا قال له عندي كذادراهم ولم يبين فقداقر بثلثة دراهم على مايقتضيه اللسان ... فان قال كذاو كذادرهما اشبه الامران يكون للثمانة وعشرين درهما .

[۱۸۲۱]

۹۰۲۵ ۱ — این نسخه ش ۱ دفتر و بسیخ است با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف و حاشیه‌های نستعلیق با نشانهٔ «م ح» و «م ح ع ب عفی عنهما» میباشد . تاریخ زاده‌شدن « محمد بن عبدالحسین بن حسن بن عبدالله(علی) بن فرج الله حسیناوی نجفی » درروز ۲۵ ذی‌قعدهٔ ۱۰۲۵ و نیز پدر او همان عبدالحسین درروز پنجشنبه ۱۸ محرم ۹۸۷ در گ ۲ الف آمده و هردو بخط محمد است و نخستین را از روی خط پدر و دومی ازروی خط نیای خود نوشته و تاریخ دومین، روزیکشنبه ۸ محرم ۱۰۵۶ میباشد (۲ الف) گویا حاشیه‌هاهم ازهمین محمد است و «م ح ع ب» رمز نام او و پدر اواست . خط متن کتاب ازهمین محمد بن عبدالحسین حسینی نجفی است که درسپاهان آنرا نوشته ویادآوری میکند که «همین اندازه ازنسخه را یافتم ودیری هم گشتم که نسخهٔ کامل را بیابم» آقای مشکوة این را با نسخه تاریخ ۱۰۹۱ سنجیده ودرست نمود وازآن نسخه برمیآید که پایان کتاب تا همینجا است و دو نسخه هم یکنواخت نیستند . ۳ الف — ۲۸ الف .

[۱۵۴۶] غاية الآمال (عربی)

دانشمند فقیه پارسا محمدحسن بن عبدالله مامقانی (در گذشتهٔ ۲۹ محرم ۱۳۲۳

در ۸۵ سالگی) بر کتاب مکاسب وبیع شیخ مرتضی انصاری شوشتری این حاشیه

۱— دردیباچهٔ غاية الآمال سرگذشت انصاری بدینگونه آمده است :

انصاری دردزفول در ۱۲۱٤ ازمادر بزاد و نزد عمش شیخ حسین دانشمند آنجا درس خواند تا ۲۰ سالگی سپس با پدر بزیارت امامان عراق رفته وبکربلا رسید ودر آن هنگام (۱۲۳٤) سید مجاهد نگارندهٔ مناهل پسر نگارندهٔ ریاض وشریف العلماء رهبری علمی داشتند او باپدر نزد سید رفته سخنی گفت اوچون دید وپرسید بپدرش گفت خود برو و اورا دراینجا بگذار، او درآنجا ماند و بدرس سید و شریف تا ٤ سال میرفت (۱۲۳۸) تااینکه داودپاشا فرمانروای بغداد از سوی سلطان روم کربلا را بگرفت وعلما وطلاب بکاظمین گریختند . انصاری چند روزی در آنجا بماند و با همشهریان خود که بکربلا میخواستند بروند ونتوانستند بشهرخود بازگشت و نزدیك بدوسال درآنجا بماند سپس بکربلا رفت و یکسال بدرس شریف میرفت سپس بنجف نزد موسی بن جعفر غروی فقیه دوسال برای درس رفت آنگاه بشهرخویش برگشت ودوسال درآنجا بماند سپس بسوی طوس رفت ودرمیان راه در کاشان بنگارندهٔ مناهج برخورد و نزدیك بسه سال نزد او گفتگوی علمی داشت . او میگفت درسفرها که کردم خصوص درسفر جنگ با بنی الاصفر پنجاه دانشمند دیدم ومانند انصاری ندیدم . آنگاه بطوس رسید و چندماهی درآنجا بماند ودربرگشت بسپاهان بگذشت و ۱۵ روز بماند و نگارندگان مطالع الانوار واشارات درآنجا رئیس بودند . نگارندهٔ مطالع خواست اودرآنجابماند او نپذیرفت وبشهرخود آمد و ۵ سال بماند سپس بنجف رفت (در ۱۲٤۹) ودرس گفت و کتاب نوشت . درآن هنگام شیخ علی بن جعفر و نگارندهٔ جواهر هردو رهبری علمی داشتند ولی نخستین بنامتر بود . انصاری چند ماهی بدرس او میرفت تااینکه خود جداگانه درس میگفت و کتاب مینوشت .

پس ازمرگ نگارندهٔ جواهر (۱۲٦٦) رهبری علمی باو رسید ودرهمه‌جا ازاو تقلید میکردند . اودر ۱۲۸۱ درنجف در گذشت ودرهمانجا بخفت . اوهم تیزهوش بود وهم دارای حافظه ودر گفتگوی برخصم چیره میشد ومانند تهیدستان میزیست و بشایستگان دهش نهانی میکرد واین راهم فخری نمیدانست ومیگفت که حق تهیدستان را میدهم و خود با اینکه تهیدست بود چیزی از آن مالها نمیخورد . درهرسال ۲۰۰۰۰ تومان یا بیشتر باومیرسید . بااین‌همه‌اینکه مرد دودختری که گذارد نتوانستند هزینه سوگواری او را بدهند . چشمش ناتوان بود و درشب بخوبی نمیتوانست بکتاب بنگرد ، این بود که شبها بعبادت میپرداخت . او هیچگاه دوست نمیداشت که کتابی پاکنویس نشده

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

و تعلیقه را نگاشته است (ص ۱۶۶۱ همین فهرست ـ ذریعه ۶ : ۲۱۹) این کتاب در ۱۳۱۷ در تهران بچاپ سنگی رسید (طوس ۵ : ۵۹۹) در اعلام الشیعه (۱ : ۴۰۹) سرگذشت مامقانی آمده و دارد که این غایة الآمال حاشیهٔ دوم او است بر مکاسب شوشتری و همچنین دارد که بشری الوصول او را بسیاری از دانشمندان ایران و عراق برای خود نسخه برمیداشتند و مزد نوشتن آن تا به پنجاه تومان آنروز رسیده بود و سید کوهکمری هم آنرا بسیار بپسندید و نسخه‌ای از آن برای خود نویساند و در پایان زندگی از روی همان درس میگفت . میرزا حبیب‌الله رشتی هم به مقدمهٔ واجب ، که رسیده بود نسخهٔ آنرا از مامقانی گرفت و از روی آن درس میداد و همینکه مامقانی نسخهٔ خود را خواسته بود او در بالای منبر بشاگردان بشوخی گفته بود که بحث و کاوش من در این مسئله تنها از روی همین کتاب است و بس و آنرا پس نخواهم داد .

[۱۸۲۲]

۷۵۲ این نسخه جزء ۱ و بنسخ با عنوانهای «قوله» و نشانه‌ها بشنگرف و پاره‌های متن زیر خط سرخ میباشد . خود مامقانی آنرا روز ۱۶ع۱/۱۲۹۳ نوشته و نسخهٔ اصل است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله الذی من علی عباده ببیان الاحکام وانعم علیهم بتمیز الحلال والحرام . . . فیقول . . . محمد حسن بن عبدالله المامقانی انه لما کان کتاب المکاسب والبیع الذی هو من مصنفات ... شیخنا الامام المرتضی ... احسن ما صنفه علمائنا ... سنح لی ان ابین اشاراته واوضح عباراته ... وسمیته غایة الآمال .

انجام : هذا ما یتعلق بالجزء الاول من هذا الکتاب . والحمدلله رب العالمین وقد اتفق

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بیرون دهد و نتوانستهم بسیاری از آنها با گیزه سازد این بود که پاره‌ای از نوشته‌های او بی سروسامان بماند . چنین است فهرست نوشته‌هایاو : مکاسب ـ طهارة ـ صوم ـ زکوة ـ خمس ـ صلوة نامرتب ـ بسیاری از بابهای فقه ـ مباحث الفاظ علم اصول ـ رضاع ـ تقیه ـ عدالت ـ قضاء میت ـ مواسعه و مضایقه ـ قاعدة من ملک شیئاً ملک الاقرار به ـ نفی الضرر والضرار ـ حجیة الظن ـ اصل البرائة ـ الاستصحاب ـ التعادل والتراجیح ـ الاجماع وجز اینها .

الفراغ من التعلیق بید ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی فی النجف ... فی الیوم السادس عشر من شهر ربیع الاول من شهور سنة ۱۲۹۳ و یتلوه الجزء الثانی فی کتاب البیع انشاءالله تبارک وتعالی .

(۳۶۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سبز ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۳۱/۵ و ۱۰×۱۶ س ۲۱

[۱۸۲۳]

۷۵۳ این نسخه جزء ۲ و بهمانگونه خط مامقانی و نسخهٔ اصل میباشد .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله و سلام علی عباده الذین اصطفی ... فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الثانی من کتابنا المسمی بغایة الآمال .

انجام : ولیکن هذا آخر الجزء الثانی من کتاب غایة الآمال ویتلوه الکلام فی الجزء الثالث فی اشتراط کون المتبایعین مالکین اوماذونین من المالک او الشارع ویجری فیه الکلام فی الفضولی انشاءالله والحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطناً والصلوة والسلام علی سیدنا محمد صلی‌الله علیه و آله واوصیائه الائمة الامناء علیهم السلام .

(۲۵۹گ) ـ همان کاغذ وجلد .

اندازه : ۱۰×۱۶/۵ و ۱۹×۳۲ س ۲۲

[۱۸۲۴]

۷۵۴ این نسخه جزء ۳ و بهمانگونه خط مامقانی و نسخهٔ اصل میباشد . در گ ۲ الف حاشیهٔ «منه» هست .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی ... فیقول ... محمد حسن بن عبدالله المامقانی ان هذا هو الجزء الثالث من کتابنا المسمی بغایة الآمال .

انجام : قوله : « و لازم القول الآخر هناک جریانه هنا » المراد بالقول الآخر ما نسبه فی المسئلة الاخیرة من مسائل خیار التأخیر التی جماعة من القدماء منهم المفید والسیدان (قدهم) وهو القول بکون التلف من مال المشتری . السادس خیار الرؤیة .

(۲۳۵گ) همان کاغذ وجلد

اندازه : ۱۴/۵×۳۱/۵ و ۹/۵×۱۶/۵ س ۲۱

[۱۵۴۷] غایة الایجاز لخائف الاعواز (عربی)

در این نامه از آنچه در نماز باید دانست و بکار بست گفتگو گردید . در آن

دو فصل است (طهارت ـ صلوة).

آغاز : بسمله . الحمدلله سائغ الانعام ومبين الاحكام ... وبعد فهذه رسالة وجيزة تشتمل على مالايسع المكلف جهله من معرفة واجب الصلوة بحيث يبطل الصلوة مع الجهل به وسميتها غاية الايجاز لخائف الاعواز وفيها فصلان .

انجام : والحمدلله ولااله الاالله والله اكبر (تمت الرسالة الشريفة)

[۱۸۲۵]

۱۰۱۵ ـ این نسخه ش ۷ دفتر است و به نستعلیق در گ ۷ الف ـ ۱۴ ب .

[۱۰۴۸] غاية المرام فى شرح شرائع الاسلام (عربی)

گزارشی بدین نام از شیخ مفلح بن حسین صیمری زندهٔ در سدهٔ ۹ (همین فهرست ص ۵۳۸) در فهرست طوس (۵ : ۴۶۸) شناسانده شده است . کاظمی و خوانساری از این گزارش صیمری بهمین نام یاد کرده‌اند و بنوشتهٔ خوانساری او آنرا در روز ۱۲ ع ۱/ ۸۳۱ بانجام رسانده و شمارهٔ بیتهای آن بیش از سی هزار میباشد .

خوانساری او را « شارح ترددات الشرائع » و نگارندهٔ التنبيه على غرائب من لايحضره الفقيه میخواند و مینویسد که در این یکی فتواهای نادر و خلاف اجماع ابن بابویه قمی و مسئله‌هائیکه متأخران آنها را نمی پذیرند و گذشتگان هم بدانها نمیگرائیدند در آن آمده است او میگوید که این کتاب بسیار دلپسند است (ذریعه ۴۳۸:۴) تاریخ نوشتن نسخهٔ ما که گزارشی است به « قال ـ اقول » باید « تسعمائه » ۹۶۲ باشد نه « سبعمائه » ۷۶۲ چه صیمری در سدهٔ ۹ میزیسته است و میتوان گفت

۱ـ برای سرگذشت صیمری بنگرید به : امل الآمل ص ۵۱۰ ـ مقابس ص ۱۸ ـ روضات ص ۶۳۸ ـ فوائد رضویه ۲ : ۶۶۶ ـ ریحانة الادب ۲ : ۵۰۳ ـ فهرست طوس ۳۴:۲ و ۴۰۲:۵ ـ ذریعه ۲۷۹:۶ ـ در حاشیهٔ روضات دارد که صیمری در ۹۳۱ غاية المرام را بانجام رسانده ولی درست نیست چه پسر او در بیش از ۸۰ سالگی در ۹۳۳ درگذشت .

که این گزارش چنانکه خوانساری گفته است در ۸۳۱ نگاشته شده و نسخهٔ ما پیداستکه در ۹۶۲ نوشته شده است .

در این گزارش از فخرالدین پسر علامه و دروس و شرح ارشاد شهید و شرح مختصر نافع ابوالعباس (ابن فهد) استاد او یاد شده و سخنان این دانشمندان آمده است .

آغاز نسخه در فهرست طوس چنین است : « الحمدلله الذی هدانا للاسلام وانعم علينا بالتكليف المودى الى دارالسلام ... »

انجام ش ۷۵۱ آنجا در گ ۹۴ الف س ۱۶ (پایان امر معروف) نسخهٔ ما دیده میشود و انجام ش ۷۵۰ آنجا در گ ۳۶۹ الف س ۵ نسخهٔ ما در دیهٔ عاقله دیده میشود و نزدیك یك صفحه‌ای کم دارد .

انجام در نسخهٔ ما : وهذا ماقصدنا ايراده فى هذا الكتاب ... واناالتمس من اولى الاذهان الصافية ... النظر اليه بعين الانصاف ... ولنقطع الكلام حامدين لله رب العالمين و مصلين على محمد و آله الطاهرين (وافق الفراغ من تسويده وبياضه و تحرير الفاظه ... و كتبه لنفسه العبد الجانى ... محمد بن فضل الله بن عذار الكعبى اصلاً والنجفى مولداً والجزائرى منشأ ومحتداً وذلك فى صبح يوم الخميس غرة ربيع الاول سنة اثنى وستين وتسعمائة ... وصلى الله على محمد و آله الطاهرين وسلم تسليماً كثيرا) .

[۱۸۲۶]

۷۸۰ ـ این نسخه بخط تعلیق و عنوانها بنسخ درشت تر و شنگرف میباشد و محمد بن فضل الله بن عذار کعبی نجفی جزائری در بامداد روز پنجشنبه ۱ ع ۱/ ۹۶۲ آنرا نوشته است . جزء ۱ تا ۱۸۵ الف و جزء ۲ از ۱۸۶ ب تا ۳۶۹ ب میباشد . یك برگی میان ۱۸۵ و ۱۸۶ افزوده و سفید گذارده شده است . از برگ ۱ تا ۲۳ در نسخه نیست و از برگ ۲۴ پاره‌ای هست و برگ ۱۶ هم هست و در بارهٔ قبله است . شماره گذاری برگها کهنه است . از برگ ۲۴ که دو نماز آدینه است اندکی مانده و برگهای ۲۵ و ۲۶ از پائین موریانه خورده و کمی از سطر آخر رفته است . در ۳۶۹ ب بنسخ تازه‌تری

دارد «شرح سیمری که شاگرد محقق بود بر شرایع محقق» در همینجا تاریخ ۱۲۲۰هم دیده میشود . در ۱۸٦ ب نشانهٔ «وقف» هست :

آغاز در گ ۲۵ الف (در نماز آدینه) والعدم لعموم المنع حالة النداء ، الرابع اوكان احد المتبايعين مخاطباً بالجمعة دون الآخر ... قال قدس الله روحه : « اذا لم يكن الامام موجودا ... » اقول : اذا امكن فی حال الغيبة اجتماع العدد فی الجمعة والخطبتان استحب الاجتماع وايقاع الجمعة بنية الوجوب ويجزی عن الظهر .

در پایان وصیت (۱۸۵ الف) دارد : تم الجزء الاول من كتاب غاية المرام فی شرح شرائع الاسلام والحمدلله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين ـ بلغ الجزء الاول مقابلة بحسب الطاقة والحمدلله رب العالمين ويتلوه الثانی انشاءالله تعالی .

(۳۳٦۹ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی عنوانی در یکسوی وبار گردان
اندازه : ۱۹ × ۳٦ و ۱۲ × ۱۷ س ۲۱

[۱۰٤۹] غنية النزوع الى علمى الاصول والفروع (عربی)

از سید اجل شریف طاهر عزالدین ابی المکارم حمزة بن علی بن ابی المحاسن زهرهٔ اسحاقی حسینی حلبی (رمضان ۵۱۱ ـ حلب رجب ۵۸۵ در ۷٤ سالگی) که دانشمندی مجتهد و نگارندهٔ دفترهائی نیکو و سودمند و دارای سخنانی مشهور بوده است .

او شاگرد روایت پدر خود، وابو منصور حسن بن منصور نقاش موصلی شاگرد پسر طوسی ؛ و ابی علی حسن بن حسین بن الحاجب حلبی شاگرد ابی عبدالله حسین بن علی بن ابی سهل زین آبادی در نجف شاگرد رشیدالدین علی بن زیرك قمی و ابی هاشم مجتبی بن حمزة بن زهرة بن زید حسینی شاگردان مفید عبدالجبار رازی ؛ و ابی عبدالله حسین بن طاهر بن حسین الصغری شاگرد ابی الفتوح رازی بوده است .

شاذان بن جبرئیل قمی و محمد بن ادریس و معین‌الدین مصری و محمد بن جعفر مشهدی نگارندهٔ مزار در روایت شاگرد او بوده‌اند .

او قبس الانوار فی نصرة الائمة الاطهار و الرد علی المنجمین و نقض شبه الفلاسفة والجواب عماذ کره مطران نصیبین دارد و جز اینها که به ۱۹ میرسد .

برادر او سید ابی القاسم عبدالله هم از دانشمندانست و نگارندهٔ التحریر فی الفقه

والغنية عن الحجج والادلة پسر این یکی و برادرزادهٔ آن یکی نجم الاسلام محیی الدین ابو حامد محمد نگارندهٔ الاربعین فی حقوق الاخوان است که بنوشتهٔ نوری شهید دوم در کشف الريبة (ص ۳٦) نامهٔ امام صادق بنجاشی فرمانروای اهواز را از آن آورده است ولی در طریق شهید در اینکتاب از او یادی نشده است (۱) .

۱ـ خاندان زهره از دانشمندان حلب بوده و رهبری شیعیان آنجا را داشته‌اند . در تاریخ ابن کثیر (۲۸۹:۱۲) درباره سال ۵۷۰ میگوید آنگاه که صلاح‌الدین ایوبی کرد (۵٦٤ـ۵۸۹) بجنگ حلبیان آمده بود آنها که شیعی بودند از فرمانروای شهر پیمان ستدند که اگر در مسجدها و بازارها در اذان «حی علی خیرالعمل» بگویند و جامع اعظم جانب شرقی از آن شیعیان باشد و نامهای دوازده پیشوا را در پیش جنازه‌ها بخوانند و بر جنازه پنج تکبیر بگویند وعقود و انکحه در دست «شریف ابی طاهر بن ابی المکارم حمزة بن زهره» پیشوای شیعیان باشد ما با شما در جنگ با پادشاه ایوبی همراه خواهیم بود وچنین هم شده است .

شوشتری در مجالس المؤمنین آنجا که از حلب یاد میکند همین داستان را از ابن کثیر آورده وسال را ۵۰۷ ونام ابن زهره را «شریف ابی الطاهر ابی المکارم حمزة بن زهرة الحسینی» یاد نمود با اینکه ابی المکارم حمزة در اینسال هنوز زاده نشده بود . خوانساری در روضات (ص ۲۰۲) همین را با تاریخ ۵۰۷ از همان ابن کثیر آورده است و پیداست که او تاریخ ابن کثیر را ندیده و گویا این را از شوشتری گرفته است مگر اینکه نام ابن زهره را در اینجا « الشريف الطاهر ابی المکارم حمزة بن زهرة الحسینی » نوشته است . نوری در مستدرك (ص ٤۷۵) هم این را گویا از خوانساری آورده ولی دریافت که آن تاریخ (۵۰۷) درست نیست و گفت که گویا پیشوای شیعیان در این تاریخ پدر ابی المکارم بوده و ابن کثیر درست نگفته باشد . همه این سخنان روی این بود که شوشتری سخن ابن کثیر را درست نیاورده یا نسخهٔ مجالس که ۵۰۷ دارد نادرست است و خوانساری و نوری هم خود تاریخ ابن کثیر را ندیده بوده‌اند . چیزیکه هست اینستکه ابن کثیر نام ابن زهره را درست ننوشت یا نسخهٔ آن درست نیست .

علامهٔ حلی در ۲۵ شعبان ۷۲۳ اجازه‌ای بزرگ برای چند تن از دانشمندان اینخاندان نگاشته است مانند علاءالدین ابوالحسن علی بن ابراهیم بن محمد بن ابی علی الحسن بن ابی المحاسن زهره (علی بن محمد بن علی بن محمد بن علی بن الحسن بن زهره ـ

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

تا کجای ابن زهره در آرامگاه خانوادگی او در حلب در دامنهٔ کوه جوشن در جنوب مشهدالسقط (مشهدالحسین) بچند ذراع است و این گور او که ناپیدا بوده است در جمادی یکم سال ۱۲۹۷ آشکار شده و جمیل پاشا دیواری گرد آن کشید. بر گور او با خطی خوش چنین نوشته‌اند «بسمله. هذه تربة الشریف الاوحد الطاهر رکن‌الدین ابن ابی‌المکارم حمزة بن علی بن زهرة بن علی بن محمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر الصادق صلوات الله علیه وعلی آبائه وابنائه الائمة الطاهرین و کانت وفاته فی رجب خمس وثمانین وخمسمائة رضی الله عنه» (اعلام النبلاء ۴ : ۲۸۵) نام ابن زهره مانا در اینجا درست یاد نشده است.

ابن ادریس در مزارعهٔ سرائر (چاپ سنگی سید محمدباقر در ۱۲۷۰) مینویسد که من با ابی‌المکارم بن زهره نامه‌نگاری داشتم و او را هم دیدم و سخنانی نادرست که در نگارش خود آورد باو گفتم و او در برابر گفته‌های من پوزشهای سست میآورد.

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

روضات) و پسرش شرف‌الدین ابی عبدالله الحسین و برادرش بدرالدین ابی عبدالله محمد بن ابراهیم و دو پسر او امین‌الدین ابی طالب احمد و عزالدین ابی محمد حسن (اجازات بحازات بحار ص ۲۱ ـ ۲۸ـ مجالس المؤمنین ـ ذریعه ۱ : ۱۷۶) ابن ابیطالب احمد استاد شهید یکم بوده و بدو اجازه داده است (ذریعه ۱:۱۴۲ـ اجازات بحار ص ۹۸) ولی سبط ابیطالب احمد بن قاسم بن زهره شاگرد او بوده است (روضات ص ۲۰۱).

بدرالبدیع شریف حسن بن محمد بن علی بن زهرهٔ حسنی حلبی نقیب اشراف حلب و ناظر مارستان آن شهر بوده و تابهنگام اورا در خانه‌اش در ۷۳۲ بکشتند (اعلام النبلاء تاریخ حلب الشهبا از محمد راغب طباخ حلبی ۴: ۵۶۱ چاپ ۱۳۴۳/۱۹۲۵).

درهمین کتاب طباخ (۴: ۲۸۵) آمده که نیای شریف حمزة بن زهره اسحاقی حسینی «محمد» را حرانی ابن احمد حجازی میستوده است و این حرانی را هم ابوالعلاء معری ستایش میگفته است و نوادهٔ اسحاق بیشتر از این «محمد» میباشند.

بنگرید به: روضات ص ۲۰۱ ـ امل‌الآمل ص ۴۷۴ و ۴۸۳ ـ لؤلؤتی البحرین ـ مقابس ص ۱۵ ـ مجالس المؤمنین مجلس ۵ ـ کنی والقاب ۱: ۲۸۸ ـ هدیة الاحباب ص ۶۱ ـ سپهسالار ۱: ۴۸۵ ـ اعیان الشیعه ۸: ۱۷۹ ـ تنکابنی ص ۳۰۲

من امیدوار بودم که او بنوشته‌های خود بنگرد و خود بتواند پیش از مرگ آنها را درست کند. مگر اینکه چنین نکرد و درگذشت.

باری ابن شهر آشوب (ش ۲۹۵) میگوید «غنیة النزوع» حسن» وسید محیی‌الدین ابوحامد محمد همین کتاب را نزد پدر خود خوانده است (اجازات بحار ص ۱۰۲) خواجهٔ طوسی هم همهٔ جزء سوم و بیشتر جزء دوم را که در اصول فقه است از شیخ معین‌الدین سالم بن بدران بن علی مازنی مصری خوانده و او هم روی نسخهٔ نوشتهٔ ۶۱۴ از این کتاب که خط طوسی هم بر آن بوده است بخط خود در ۱۸ ج ۶۱۹/۲ اجازهٔ روایت طوسی همین کتاب را از خود او از همین ابن زهره نوشته است (اجازات ص ۱۶).

این غنیه در کلام و اصول و فقه هرسه است و باندازه چهار هزار بیت و ترتیب آن در فقه مانند کتابهای دیگر نیست.

ابن زهره در اصول و فروع هردو بر سنیان از روی دلیل رد میکند و دلائل آنها را هم گاهی میآورد و سست نشان میدهد. تنکابنی (ص ۳۰۲) مینویسد که در هر صفحهٔ غنیه پس از یاد کردن حکمی فقهی دارد «ذلك للاجماع» با اینکه نمیتوان در همهٔ مسائل گفت که اجماعی است و همین است که مایهٔ سستی سخنان ابن زهره میباشد و اینهم که برخی خواسته‌اند بگویند که او امام زمان را میدید و حکمهای فقهی را از او میآموخت و چون نمیتوانست همین را آشکارا بگوید این بود که باجماع تمسك میکرده نباید درست باشد چه اینگونه سخن خود فریبکاری است. گویا ابن زهره در اینکتاب روش مرتضی در «الانتصار فی انفرادات الامامیة من المسائل الفقهیة» را گرفته و اجماع دخولی شیعی را حجت میداند. مرتضی در جواب المسائل الموصلیات الثالثة که در ۴۲۰ نوشته است هم بدینگونه اجماع تمسك نموده بخبر واحد وقیاس ارجی نگذارده است (ذریعه ۵: ۲۳۵) پس ابن زهره کاری تازه نکرده که شگفت انگیز باشد.

این نامه در الجوامع الفقهیه (رسالهٔ نهم) بخط نسخ بچاپ رسید.

آغاز چاپی : بسمله . الکلام فی اصول الفقه . لما کان الکلام فی فروع الفقه یبنی علی اصول له وجب الابتداء باصوله ثم اتباعها بالفروع .

انجام : واذقد وفینا بما اشترطناه علی انفسنا فی صدر الکتاب فنحن قاطعون الکلام حامدون لله سبحانه علی نعمته الدوام و آلائه العام حمداً یکون لحقه قضاء ولشکره اداء مستغفرون له تعالی من بعض عن واجب ماقصدناه وعدول عن حق فیما سطرناه برتون الیه سبحانه من کل ماخالف الصواب وجانبه وصاد ویأبیه الهدی متوسلون الیه باکرم الوسائل لدیه فی توفیر حظنا من الثواب علیه انه علی کل شیء قدیر وهو حسبنا ونعم الوکیل وصلی الله علی سیدنا محمد نبیه و آله الطاهرین وسلم علیهم اجمعین تسلیماً باقیاً الی یوم الدین والحمدلله رب العالمین .

[۱۸۲۷]

۹۲۰ این نسخه ش ٤ دفتر است و بستعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و روی پاره‌ای عبارتها خط سرخ کشیده شده (گ ۱۲۷ ب - ۱۵۷ ب = بنگرید به ۹۲۰/۳) و از آغاز بخش فروع است تا پاره‌ای از « کیفیة الصلوة علی الاموات» و چنین است :

آغاز . بسمله . الکلام فی التکلیف السمعی اعلم ان الارکان من عبادات الشرع خمسة: الصلوة والزکوة والصوم والحج والجهاد .

انجام : فی کیفیة الصلوة علی الاموات ومایتعلق بذلك . . . ثم استدعی بجریدتین بجریدة فشقها نصفین وعرض (غرس) فی قبر کل واحد وقال انهما .

کنتوری (۳۹۵) مینویسد که ما بخش سوم آنرا که در « الکلام فی التکلیف السمعی» بوده است دیده‌ایم و آغازش چنین است :

«الحمدلله علی ماوفقه من الهدایه و یسره من المعرفة والدرایة » این خطبه در چاپی و نسخهٔ ما نیست و این نسخهٔ چاپی هم دو بخش پیش نیست و بخش نخستین که کلام باشد در آن دیده نمیشود .

[۱۵۵۰] **فرائد ملتقی الابحر** (عربی)

شیخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم حلبی حنفی (م ۹۵٦) ملتقی الابحر نگاشته و در ۹۲۳ آنرا پاکنویس نموده است .

حاج اسمعیل افندی ابن الحاج سنان ابن الحاج اسمعیل بن حسین بن ابراهیم بن خلیل بن اسمعیل سیواسی (م ۱۰٤۸) آنرا درس میگفته و بدرخواست دوستی بر آن بنام « فرائد ملتقی الابحر» گزارش نوشته است . او خود در خواب دیده بود که چنین کاری را خواهد کرد و شمس الدین حاج مؤیدالدین سیواسی هم در خواب دیده بود که او چنین خواهد کرد . پس او در ۳م شعبان ۱۰۳۱ بکمك همت شیخ عبدالمجید سیواسی آنرا آغاز کرد و دو سال و هفت روزی این گزارش در مسوده بود و بر اثر گرفتاریها و کشته شدن سلطان و دانشمندان و آشفته شدن کار وزیران و فرمانروایان و پراکنده شدن آنها نتوانست آنرا بانجام رساند تا اینکه در روز ۱۵ صفر ۱۰۳۵ آنرا پاکنویس کرد و شیخ الاسلام سلطان مرادخان بن احمدخان بن محمدخان عثمانی ارمغان داد .

این گزارش در ٤ مجلد و پیداست که پیش از دو گزارش « مجمع الانهر» نگارش شیخی زاده محمد م ۱۰۷۸ در ۱۰۷۷ و « الدرالمنتقی فی شرح الملتقی» نگارش علاءالدین محمد حصفکی دمشقی م ۱۰۸۸ پرداخته شده است . (چلبی ۲: ۱۵۱۵- معجم المطبوعات ۱۳ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۱۱۷۰-۱۱۷۰)

آغاز : بسمله . الحمد لمن منح لنا کنز درر الهدایة و غرر الوقایة مقدار الکفایة ... فیقول ... اسمعیل بن سنان السیواسی ... لما کنت اذاکر کتاب ملتقی الابحر فی الفقه الذی صنفه ... الشیخ ابراهیم بن محمد الحلبی ... قال لی بعض الاخوان هذا کتاب فاخر مشتمل علی مسائل المتون الاربعة مع زیادات مأخوذة من مسائل الهدایة ومجمع البحرین لکن لم یسمع احد تصدی تفسیر مخفیاته ... فبقی بکراً ... فهلا تکون له عروساً ... فاجبته ... وسمیته فرائد ملتقی الابحر .

انجام : قدوقع الفراغ من تبییضه وتنمیقه فی الیوم الخامس عشر من صفر ... سنة خمس و ثلثین و الف . . . وانا الفقیر الحاج اسمعیل بن الحاج سنان ابن الحاج اسمعیل ابن حسین ابن ابراهیم بن خلیل بن اسمعیل السیواسی لینه الله تعالی قلبه القاسی وازال قلبه الوسواسی (قد وقع الفراغ من تسوید هذا الکتاب ... عن ید ... علی بن

عبدالله ... اللهم اغفره ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات برحمتك يا ارحم الراحمين).

[۱۸۲۸]

۵۰۵۹ این نسخه بنسخ ومتن زیر خط سرخ و علی بن عبدالله آنرا نوشته است.

(۳۴۷۸) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی طلائی
اندازه: ۳۰/۵×۴۹ و ۱۳/۵×۳۱/۵ س ۳۳

[۱۵۵۱] **فصول اذان** (عربی)

محمدسراب تنکابنی مازندرانی (م۱۸ ذی حجهٔ ۱۱۲۴) شاگرد محقق سبزواری (روضات ص ۶۱۹) در این نامه از فصول اذان گفتگو نموده و آنرا در پسین روز آدینهٔ نیمه‌های شعبان ۱۰۹۸ بانجام رسانده.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمين والصلوة على خير خلقه محمد و آله اجمعين فقد اشتهر بين الاصحاب رحمهم الله كون فصول الاقامة مثنى مثنى عدا التهليل.

انجام: ولم يظهر لی دليل على حجية واحد منهما على امر شرعی. قد تم تأليف هذه الكلمات فی عصر يوم الجمعه اواسط شهر شعبان المعظم من شهور ثمان وتسعين والف على يد مؤلفه احقر خلق الله محمد بن عبدالفتاح التنكابنی غفرالله ذنوبهما و ستر عيوبهما (وقد تم تسويد هذه الرسالة فی ظهر يوم الجمعة الثانی والعشرون شهر رمضان المبارك فی سنة ۱۱۰۱ على يد العبد المذنب احقر خلق الله محمد جعفر من جملة المخلصان الصاحب الكتاب غفرالله ذنوبهما وستر عيوبهما. قوبلت هذه النسخة مع النسخة مصنفها المحقق افضل الفضلاء رئيس الحكماء الراسخين محمد بن عبدالفتاح التنكابنی المشهور بمحمد السراب).

[۱۸۲۹]

۸۸۸ این نسخه ش ۳ دفتر است و بخط نستعلیق محمد جعفر از دوستان سراب که نوشتن آنرا در نیمهٔ روز آدینهٔ ۲۲ رمضان ۱۱۰۱ بانجام رسانده. حاشیهٔ

«منه سلمه الله تعالی» دارد پس در روزگار سراب هم نوشته شده است. گ ۷۷ ب ـ ۹۰ الف.

[۱۵۵۲] **فصول خمسه** (عربی)

ملامحمد اسماعیل مازندرانی سپاهانی خواجوئی (م ۱۱۷۳) در این رساله از شفعه در هنگامیکه شفیع بیش از یکی باشد گفتگو میدارد و میگوید که بیشتر دانشمندان گفته‌اند که در اینجا شفعه نیست و همین درست است.

آغاز: بسمله. اقول بعد الحمد والصلوة وانا ... محمد بن الحسين المشتهر باسمعيل المازندرانی لما اختلف اصحابنا لاختلاف الاخبار فی ثبوت الشفعة لما زاد عن شفيع واحد ... و كان تحقيق ذلك من المهام ...: اردت الاشارة الى ما نقول عليه لنؤل وقت الحاجة والضرورة اليه.

انجام: ومن هنا نقطع الكلام عن هذه المسئلة المبنية على «فصول خمسة» ناسب ان نسمی الرسالة بها حامدين لله على الاتمام ومصلين على رسوله وآله الكرام عليهم السلام الى يوم القيام (يمكن تعلقه بكل من الثلثة. فتأمل. منه مدظله).

[۱۸۳۰]

۷۹۱ این نسخه ش ۱ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۲ از همین مازندرانی میباشد گ ۱ پ ـ ۱۸ ب. (بنگرید به ۷۹۱/۲).

[۱۵۵۳] **فقه فارسی** (فارسی)

این نامه که در فقه پیروان سنت است از متنهای کهن و شیوای پارسی میباشد واز رهگذر این زبان ارزش بسیاری دارد. در نسخهٔ ما پاره‌ای از زکوة وصوم و حج و نذر که با آن ربع عبادات بانجام میرسد و بیوع و شهادت و آداب و فضائل قرآن هست. درون جلد آن بخط تازه‌تری بشنگرف دارد «کفایة فی الفقه بالفارسیة للامام البغوی الشافعی المتوفی ۵۱۰» چلبی از «کفایة فی الفروع

وهی باللغة العجمیة » یادنمود که شاید همین فارسی ما را خواسته باشد ولی نگفت از کیست . باز گفت « کفایة فی القرائة للامام البغوی » (۲:۳۲٤) بغوی باید همان ابومحمد محیی السنة حسین بن مسعود شافعی مفسر محدث باشد که نگارندهٔ شرح السنه و معالم التنزیل است و مصابیح که مانند من لایحضر قمی است در انداختن اسنادها و پیوستن خبر براوی اصل . و مرگ او را در ۵۱۰ نوشته اند (هدیة الاحباب ص ۱۰۷).

نگارنده در نگاهداری واژه‌های فارسی و پرهیز از عرب مآبی پیدا استکه کوششها کرده است و نمونهٔ آنرا دراین بند می‌بینیم که در آغاز بیوع دارد : « بیع آن باشد که مردی گوید دیگری را این کالاء خویش بچندینی بتو فروختم آن کس گوید کی خریدم » (۲۸ ب).

آغاز نسخهٔ ما : مانده باشد وده گوساله بیارد و دیگر در د(؟) سال تمام شود مسنه واجب آید و نشاید گوسالهٔ خرد دادن و اگر سیصد گوسفند دارد در آخر سال صد بره بیارند چون سال اصل تمام شود چهار گوسفند واجب شود و بره خرد نشاید دادن اگر گوسفند میشینه دهد یکساله کم نشاید و اگر بز دهد دوساله .

انجام: کتاب برین ختم افتاد ان شاء الله که نافع باشد خوانندگان را و جمع کننده را ونویسنده را دعا کند واو را و مادران و پدران واستادان او را وجمله مؤمنان را از خدای آمرزش خواهد که ابوالدرداء روایت کند از رسول صلی الله علیه وسلم که دعا مسلمان برادر خویش را در غیبت مستجاب باشد فریشتهٔ برسر او موکل باشد که هر کـه برادر را دعا کند فریشته گوید آمین وترا هم چنین . نفعنا الله والمؤمنین به والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی رسوله محمد وآله اجمعین وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین و الملئکة المقربین وغفر للمؤمنین رب العالمین (تم الکتاب بحمد الله تعالی ومنه وسعة فضله وجوده فی غرة شهر الله ذوالقعدة سنة اثنین و سبعمائة و صاحبه العبد العاجز المحتاج الفقیر الی رحمة الله

وشفاعة نبیه علیه السلام ابوالمعالی احمد بن ابی المعالی بن ابی محمد بن ابی المعالی بن ابی سعد بن ابی نصر بن الحسن (یا: الحر) بن العباس غفر الله له ولوالدیه ولجمیع امة محمد علیه السلام) .

[۱۸۳۱]

۱۰۱۲ این نسخه ۱ ش از دفتر و نسخ کهن است با نشانه‌های شنگرف و کفایه یا فقه فارسی در آن بتاریخ یکم ذی قعدة ۷۰۲ واز ۱ الف است تا ٤۲ الف .

در گ ٤۲ الف و ب پاره ایست از یك کتاب تصوف تازی وسخنانی از رودباری و ابن شاهین وجنید و ذوالنون مصری و جعفر بن محمد بن نصیر و جعفر صادق در آن آمده است بدینگونه :

« یقول سمعت باعلی الروذباری یقول کل ماتوهم متوهم بالجهل انه کذلك فالعقل یدل علی انه بخلافه ... انه ولاینه (آنگاه دارد :) باب فی لبس المرقعات اعلم فی لبس المرقعات اشارات لطیفة ومعانی شریفة منها اتباع رسول الله من واصحابه ... لقوله صلعم یکفی المؤمن من الدنیا ثلثة خرقة یوری بها عورته و کسرة یشد بها جوعته وبویت یسجنة(؟) من الحر والبرد ... ولاتجعلنا من اهل التفاخر والتزین بینه » .

سپس بخشی است از نکاح که گویا از همان کفایة باشد و بدینگونه است :

« اگر کسی عقد نکاح خواهد کرد سنت آنستکه داماد (و) ولی نزدیك یکدیگر نشینند و آنکس که تلقین عقد میکند اگر داماد در عربیت معرفتی دارد او را تازی تلقین دهد و اگر در عربیت دستی ندارد او را بپارسی تلقین دهد ... چنانکه از پیش شرح داده شد همچنان کند والله اعلم بالصواب » (٤۳ الف و ب) در همین بند روش قباله نوشتن ونمونهٔ آن و خطبه نکاح هم هست . از این پس دعائی است باملاء « شیخی ابوالعباس احمد بن السعید المغفور محیی الدین ابراهیم بن السعید سراج الدین عمر الفاروقی طیب الله ثراه » سپس خبری در « فضل الدعاء » از ابن عباس وحسن بصری (٤۳ الف و ب) .

در ٤٦ ب دارد : « الجزء فیه من کلام مولانا نجم الدین الرازی قدس الله روحه (در ٤٥ بیت) :

عاشقان چـان نثار کنند	برسر لااله الاالله
نفس اماره را کشند بزار	بردر لااله الاالله

❁❁❁

تیره رنگه محدثات بجز	قدم لاالـه الاالله

(همهٔ دفتر ۳٤۹) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ضربی

اندازه : ۱۷×۲۲ و ۱۲×۱۷ ـ س ۱۹

[۱۵۵٤] قاطعة اللجاج (عربی)

فی تحقیق حل الخراج

محقق کرکی که از نزدیکان دربار صفوی بوده و خود هم درعراق دیهها و کشتزارهـا دردست داشت گروهی از او خرده گرفتند و این کردارهایش را نپسندیدند این بود که او بنگارش این نامه پرداخت ودر آن ازتوانگری مرتضی و رضی و درباری بودن خواجهٔ طوسی و علامهٔ حلی یاد کرده و دربارهٔ محمد خدابنده «السلطان المقدس» گفته است این را هم میدانیم که فرمانی طهماسب صفوی در۱۶ ذیحجهٔ ۹۳۹ بنام او نوشته و بهمهٔ شهرها فرستاده بود که همهٔ مردم ایران از او پیروی کنند ودر آن از چندین دیه درعراق یاد شده که باو بخشیده ودستورهم داده بود که ازضرابخانهٔ حله ده تومان تبریزی باو بدهند. کرکی در آن «مختص برتبهٔ ائمهٔ هدی وخاتم المجتهدین وحجة الاسلام ونایب الامام ومقتدی الانام» خوانده شده است. این فـرمان را در مستدرك ص ٤۳۲ می بینیم ودر روضات ص ۳۹۱ هم پاره‌ای از آن آمده است (۱).

۱ــ این فرمان درایندو از ریاض‌العلماء افندی آورده شده است. تهماسب فرمان دیگری هم نوشته و فرموده که اگر از کرکی پیروی نکنند کیفر داده خواهند شد. روی همین فرمانها بود که کرکی نامه‌هائی بشهرهای ایران دربارهٔ گرفتن خراج ونگاهداری رعیت میفرستاد. اوازعراق بقزوین وسپاهان وهرات آمده وشاه تهماسب بدو گفته بود که فرمانروا توئی و من یکی از کارکنان تو هستم. شاه اسماعیل هم سالانه هفتادهزار دینار باو میداد تامیان دانشجویان پخش کند. سیورغالی که تهماسب درعراق در آن فرمان باو داده بود به هفتصد تومان میارزید.

کرکی قبلهٔ شهرهای ایران‌راهم برگردانده و برسر این کار او وکارهای دیگرش غیاث‌الدین منصوردشتکی بااو ناسازگاری نمود (ص ۳۹۳ روضات) وپدرشیخ بهائی‌هم رساله‌ای درخرده گیری ازاین کاراو «تحفة اهل الایمان فی قبلة عراق العجم وخراسان» نگاشته است (امل الآمل ص ٤۳۵ ــ لؤلؤة البحرین ــ روضهٔ بهیه ــ روضات ص ۱۹۲ و ۶۱۲ــ ذریعه ۳: ٤۲۳).

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

دراین نامه پنج مقدمه و یك مقاله و یك خاتمه است ودرنیمهٔ روزدوشنبه

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

دربرابر کرکی شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی بحرینی (م نجف ۹٤٤) واردبیلی رساله‌ها نوشتند وخراج راناروابنداشتند. اردبیلی که دانشمندی پارسا و وارسته بود وگریزان ازدیوان ودربارشایستگی داشت که چنین فتوائی دهد. قطیفی‌هم باکرکی چندان میانهٔ خوبی نداشته و دربرابر فتوای او دربارهٔ شرط نبودن توالی درده روز قاطع کثرت سفر «الرسالة الحائرية فی تحقیق المسألة السفریة» نوشته وباو گفتگوها داشته بود بلکه دریکی ازمجموعه‌های خود ازاو خرده‌ها گرفت واورانادان خوانده است. قطیفی گذشته از اینکه دربرابرهمین قاطعة اللجاج کرکی السراج الوهاج نوشته دربرابر رضاعیه او هم رضاعیه نگاشته است.

او از پذیرفتن ارمغان شاه تهماسب که درعراق برایش فرستاده بود سرباززد و روی همین کرکی از او نکوهش کرده است و او پاسخ درستی نتوانست باو بدهد (روضات ص ۸).

از کارهای علمی کرکی منع از تقلید میت است که شهید دوم با اوخلاف ورزید (ص ۱۶۵۶ و ۱۶۵۸ و ۱۶۶٤ همین فهرست) دیگر رواداشتن سجود برگل پختهٔ از تربت حسینی است که دربارهٔ آن در نجف در ۱۱ ع ۱/ ۹۳۳ «رسالة السجود علی التربة» نوشته ودر آن ازقطیفی خرده گرفت.

او «نفحات اللاهوت فی لعن الجبت والطاغوت» هم نوشته وچند تنی از جوانان ماخود همراه میداشت که با اومیرفتند و آشکارا بردو «شیخ» و پیروان آنها نفرین میفرستادند این بود که دانشمندان شیعی مکه بدانشمندان دارای محراب ومنبر سپاهان نوشته بودند که شما در آنجا پیشوایان سنت را دشنام میگوئید وما را در اینجا سنیان آزارمیکنند.

درباریان صفوی ماانا چندان بااو خوشبین نبوده‌اند چنانکه محمودبیك مهردار باگروهی میخواسته است بخانه اوبرود وباشمشیراورابکشد ولی درهنگامیکه درمیدان صاحب‌آباد تبریز باشاه داشت چوگان‌بازی میکرده است ازاسب افتاد وبمرد و گویند نفرین کرکی بوده است (روضات ۳۹۳ ومستدرك ٤۳۲).

ماانا همین‌درباریها بودند که کرکی‌را زهر بکشتند (مستدرك ۳۳٤) ودشمنی آنها باید روی این بوده باشد که اودربکاربردن دستورهای اسلامی و بازداشتن از گناهان وکارهای ناشایسته بسیار سرسخت بود و این با روش دیوانیـان سازگاری نداشت. (روضات ۳۹۳ــ مستدرك ٤۳۲ ــ تنکابنی ۲٤۷).

۲۱ع۲/۹۱۶/۲۶ آنرا بانجام رسانده .

شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی بحرینی کـه گفتگوئی با او کرده بود (۱) ودرفقه روشی دیگر داشته‌است از کرکی خرده گرفت واین‌نامه‌را « مثیرة العجاج کثیرة الاعوجاج » خوانده و دربرابر آن که درستان نسخه‌ای از آنرادیده بود « السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعة اللجاج » نوشته‌است (۲) ابن قطیفی دروجوب نماز آدینه‌هم کرکی را رد نمود (کنتوری ۲۵۸) .

آغاز : بسمله . (وعليك اعتمادي يا كريم) الحمد لله الذي ايد كلمه الحق بالبراهين القاطعة واعلى كلمة الصدق بالحجج اللامعة ... وبعد فاني لما توالى على سمعي تصدى جماعة من المتسمين بسمة الصلاح ولمة من غوغاء الهمج الرعاع اتباع كل ناعق الذين

۱ـ درفهرست کتابخانهٔ دانشگاه استانبول : نسخه‌های خطی عربی : جلد۱جزو۲ : تفسیر : ازفهمی ادهم‌قره‌تای : ۱۹۵۳ص۱۷۸ش۴۱۱ درزیرعنوان «مجموعة في التفسير» از « مناظرة جناب شيخ ابراهيم القطيفي البحريني (۹۴۴) با شیخ علی کرکی » یاد گشت .

ازروضات ص ۸ برمی‌آید که قطیفی در۹۰۹و۹۴۴ زنده بود .

۲ـ دردفتری کـه بسال ۱۳۱۵ بچاپ سنگی رسیده است رساله‌های خراج کرکی وقطیفی ودونامه از اردبیلی درباری از قطیفی و خراجیهٔ ماجدبن فلاح شیبانی (سدهٔ ۱۰) درخرده‌گیری از قطیفی و اردبیلی دیده میشود . طوس ۵ : ۴۷۴ ـ کنتوری ۳۰۷و۴۰۹) .

دفتری بخط نسخ باعنوانهای شنگرف نزدآقای شبیهانی دیده‌ام که این رساله‌هارا داشت .

قاطعة اللجاج ـ وجوب مقدمة واجب سید ماجد بحرانی تاریخ روز ۵ ج ۲/ ۱۰۹۳ نوشتهٔ محمدتقی بن محمد مؤمن ـ المسائل الحيرية شيخ طوسي درفقه ودارای ۱۲۵مسئله ـ الهدى الى طريق الصواب در۷باب باشرح آن منار البشرى في شرح الهدى ازشجاع بن علی حسینی در کلام باحواشی منه قدس سره و ناتمام ـ چندپاسخ شیخ علی بن عبدالعالی رحمه‌الله به فضل‌الله حسینی استرابادی درفقه ـ پاسخ به محمدبن نظام استرابادی گویا از همو و درفقه ـ رضاعیه شیخ علی علیه‌الرحمة ـ عبارتهای شرح شرایع و مسالك دررضاع ـ پاسخ فارسی و عربی سید داماد بپرسش فارسی دربارهٔ رضاع (نوشتهٔ عبدالله) ـ پاسخ پرسش دررضاع بعربی ازمولانا عبدالله مقتول .

اخذوا من الجهالة بحظ وافر واستولى عليهم الشيطان فحل منهم في سويداء الخاطر لتمريض العرض وتمزيق الاديم والقدح بمخالفة الشرع الكريم والخروج عن سواء المنهج القويم حيث انا لزمنا الاقامة ببلاد العراق وتعذر علينا الانتشار في الآفاق لاسباب ليس هذا محل ذكرها ولم نجد بدا من التعلق بالقرية لدفع الامور الضرورية من لوازم متممات المعيشة ... وفي زماننا حيث استولى الجهل على اكثر اهل العصر .. و كثرت جرائتهم على اهل الدين استخرت الله تعالى و كتبت في تحقيق هذه المسئلة رسالة ... ولم اودع هذه الرسالة من الفتوى الا ما اعتقدت صحته ... و وسمتها بقاطعة اللجاج في تحقيق حل الخراج ورتبتها على مقدمات خمس ومقالة وخاتمة .

انجام : وان يصفح عن ذنوبنا ويتجاوز عن سيئاتنا وله الحمد والمنة اولا وآخراً ظاهراً وباطناً (قد) فرغ من تسويدها مؤلفها ... علي بن عبدالعالي بوأه الله محلا سنيا في جنانه و كساه بفضله حلل رضوانه وسط نهار الاثنين تقريباً حادي عشرى شهر ربيع الثاني من سنة سنة عشرو تسعمائة حامداً ومصلياً عود اعلى بدء .

[۱۸۳۲]

۸۷۲ این نسخه ش ۲ دفتراست ونسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازمحمدبن عبدالرحیم درنجف نزدیك بپایان روزشنبه ۱۱شوال ۹۲۹ ودرپایان دارد : « وقد كتبتها من نسخة قد قوبلت من اولها الى آخرها بخط المؤلف مد ظله العالي مرة ومرة بعضها قد قوبلت بنسخه مقابلة بخطه سلمه الله و بعضها بخطه ابداً لله ايام افاداته الى يوم الدين » حاشیه‌های «منه مد ظله» و «منه مد ظله العالي» دارد . گـ ۲۱ب ـ ۴۲ الف (بنگرید ۸۷۲/۱) .

[۱۸۳۳]

۹۰۳ این نسخه ش ۳ دفتر است و بسخ خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از عبدالکریم‌بن ابوالحسن خوراسکانی که با شتاردگی شبانه روز درآن کار کرد و در روز پنجشنبه ۱۶ محرم ۱۲۱۴ آنرا بانجام رسانده . گـ ۷۷ الف ـ ۱۹۶ ب . درعنوان دارد « رسالة الخراجية لشيخنا علي بن عبدالعالي رحمة الله عليه »

[۱۵۵۵] قصر الصلوة فی الاماکن الاربعة (عربی)

(رسالة ...)

شیخ بهائی دراین نامه که آنرا با شتابزدگی و نیاندیشیده درهنگامیکه میخواست آرامگاه «شاه طور» را دیدار کند نوشته است از قصر نماز درسفر گفتگو نمود.

او سخن مشهور را که وجوب قصر باشد درهمه جا جز درچهار جا می پذیرد دربرابر گفتار ابی حنیفه که درهمه جا اختیاری میپندارد یا دسته‌ای از امامیان مانند ابن‌بابویه و ابن‌براج که درآن چهارجاهم اجباری میدانند. درفصل دوم و پس از آن سخن یکی از دانشمندان را که میخواهد از ابن‌بابویه یاری کند میآورد. عنوانها دراین نامه فصل است و یك تذنیب که درآن فتواهای نادر ابن‌بابویه را برمیشمرد.

درروضات (ص ۶۰۵) این نامه بهمین نام یاد شده ولی کنتوری (ص ۲۷۸) آنرا «رسالة فی القصر والتخییر فی السفر» خوانده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی قصرت الالسن بتمامها عن اداء حمده والصلوة علی سیدنا محمد وآله اکمل الخلائق من بعده. اختلف اهل الاسلام فی مسئلة قصر الصلوة فی السفر هل هوواجب حتمی لایجوز العدول عنه الی الاتمام اوتخییری.

انجام: بل الادلة التی ازالت حکم الاستصحاب فی مسئلتنا اکثر من الادلة التی ازالت حکمه فی هاتین الصورتین کما یشهد به الانصاف والله ولی التوفیق. تم تحریرها بقلم الاستعجال علی سبیل الارتجال ایام الارتحال الی زیارة المزار القائض النور الموسوم بشاه طور علیه وعلی آبائه السلام الی یوم النشور (نقلت من خط نقل من خط مصنفها دام ظله العالی فی بلدة نخجوان فی شهور سنة الف واربع عشرة من الهجرة).

[۱۸۳۴]

این نسخه ش ۱۶ دفتراست و بهمانگونه خط قاری با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که درنخجوان در ۱۰۱۴ نوشته است. حاشیه‌های «منه مدظله» دارد. گ ۲۶۶ الف – ۲۶۷ ب.

[۱۵۵۶] قواعد الاحکام (عربی)

فی معرفة الحلال والحرام

رهبردانشمند شیعی علامهٔ حلی (۶۴۸-۷۲۶) ایندفتر را بدرخواست پسر خودفخر المحققین نگاشته وفتواهای خودرادر ۶۶۰۰ مسئله (۱) باترتیبی روشن و منطقی درآن گذارده و باستدلال نپرداخته است. خوانساری مینویسد که او بیست سال بنگارش آن میپرداخت. ایندفتردردوجزء است ونخستین آن درشب نهم رمضان ۶۹۹ دردههٔ ششم زندگی و پنجاه ویکسالگی او و بخش بازپسین آن درشب ۲۴ ذیحجهٔ همین سال بانجام رسید وچون اومنتهی را درسی ودوسالگی (۶۸۰) نگاشته است و آن هم مانا نخستین نگارش فقهی او است (ص ۳ منتهی چاپ ۱۳۳۳) پس سخن خوانساری شاید درست باشد (ص ۵۳۳ همین فهرست – روضات ۱۷۳ و ۵۸۸) او در خلاصه (ص ۵۲) بسال ۶۹۳ از این دفتر بهمین نام یاد کرد ودراجازهٔ بهنا در ۷۲۰ (ص ۳۰ و ۵۲ اجازات بحار) گفته که آن دردو جلد است.

درفهرست معارف (۱: ۹۳) ۱۷ شرح و ۸ حاشیه و درذریعه (۶: ۱۶۹) ۱۵حاشیه برای قواعد یادگشت. کنتوری (ص ۳۴۵) ده شرح یاد نمود (نیز ص ۴۱۷) درفهرست فاضلیه (ص۱۹۹) ازنسخهٔ تاریخ ۹۷۵ بااجازهٔ علی بن هلال جزائری بشیخ بهاءالدین استرابادی در۸۸۹ (ذریعه ۱: ۲۲۲) ونسخهٔ تاریخ ۱۱۲۱ ودرفهرست معارف ازنسخهٔ تاریخ ۹۷۱ ودرفهرست سپهسالار (۱: ۴۹۶) از نسخه‌های تاریخ ۹۷۷ و ۱۰۵۱ و ۱۰۵۳ باگزارش پسراو برخطبهٔ آن بنام جامع الفوائد و ۱۰۶۵ و ۱۰۷۳ ودرفهرست طوس (۲: ۹۴ و ۵: ۴۷۶) ازنسخهٔ کهن گویااززمان حلی و نسخهٔ ۷۲۷ بخط شاگرد حلی جمال‌الدین احمد بن محمد بن حداد باگواهی بردرستی مقابلهٔ آن از شیخ علی بن هلال جزائری در ۸۸۸ و دانشمندی دیگر در ۸۵۰ وبا اجازهٔ شیخ محمدبن علی بن ابی جمهور احسائی بشیخ علی بن قاسم

۱– شماره مسئله‌های آنرا ۱۴۱۰۰۰هزارهم نوشته‌اند (ص۱۸۶۳همین فهرست)

علامه و نسخه‌های تاریخ ۸۵۸ و ۹۱۹ و ۹۵۸ و ۹۷۰ و ۹۸۷ و ۱۰۲۰ و ۱۰۳۵ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۸ و ۱۰۷۵ و ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ و ۱۰۸۴ یاد شده است.

درفهرست فاضلیه (ص ۵-۱۴۴) از چاپ سنگی ۱۲۷۹ درتهران از قواعد یاد گردید. چاپ سنگی از آن بخط نسخ علیرضابن عباسعلی خوانساری در ۱۲۷۲ باندازهٔ رحلی دیده‌ام. همچنین چاپ سنگی رحلی نسخ بکوشش اسماعیل گیلانی شفتی از شعبان تا ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۹ درچاپخانهٔ سید مرتضی در دوجزء (۱ بخط حاج میرزا سید حسن بن حاج میرزا علی‌نقی مدرس حسنی یزدی در ۳ شعبان ۱۳۰۳ در ۳۵۸ ص و ۲ بخط محمدبن میرزاعبدالعلی درجزینی دردههٔ دوم ذیحجهٔ ۱۳۱۵ در ۳۴۷ ص با حاشیه‌های نستعلیق از گزارشهائی مانند ایضاح‌واز «عل ره» وجز آن (طوس ۵ : ۶۰۵).

آغاز : بسمله . و به نستعین و علیه التکلان . الحمدلله علی سوابغ النعماء وترادف الآلاء المتفضل بارسال الانبیاء لارشادالدهماء والمتطول بنصب الاوصیاء لتکمیل الاولیاء ... فهذا کتاب قواعدالاحکام فی معرفة الحلال والحرام لخصت فیه لب الفتاوی خاصة وبینت فیه قواعد احکام الخاصة اجابة لالتماس احب الناس الی واعزهم لدی وهوالولدالعزیز محمد ... و قد رتبت هذاالکتاب علی عدة کتب.

انجام : هذه وصیتی الیک والله خلیفتی علیک والسلام علیک ورحمةالله وبرکاته (قال المصنف دام ظله) فرغت من تسوید هذاالکتاب فی لیلة رابع عشری ذیحجة سنة تسع وتسعین وستمائة و کتب حسن بن یوسف بن مطهر مصنف الکتاب والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدالمرسلین محمدالنبی و آله الطاهرین وسلم کثیرا.

[۱۸۳۵]

۷۰۴ این نسخه ش ۱ دفتر است و بنسخ با عنوانهای شنگرف و باحواشی وبرتر میباشد. نشانه‌های آن ازعبارتهائی که میآید وازکلیشه‌ها پیدااست. درخیلی جاها «بلغت قراءة ایده‌الله» دارد. محمد ابراهیم حسینی دشتکی چنانکه خواهیم دید ومحمدعلی موسوی دارندهٔ نسخه بوده‌اند (۲۵۴ الف) گ ۱ ب - ۲۵۴ الف.

مرحوم صدرالافاضل بنوشتهٔ آقای نصیری دربارهٔ این نسخه چنین مینویسد: «کتاب قواعد علامه قدس سره»

واجازه بخط مبارك ایشان. هو. این کتاب عزالوجود دوبار تصحیح شده است : اول تصحیح مقابله با مبالغه دوآن چنانکه جناب صدرالدین محمدبن ابراهیم دوآخر جزء اول بخط زیبای خود تصریح نموده‌است. ثانی تصحیح قرآءت بحضرت علامه اعلی‌الله مقامه چنانکه فصل بفصل و سبق بسبق درحاشیه بخط مبارك بلوغ قراءت را مرقوم فرموده بعددرظهرورق اول کتاب اجازه بهمان صدرالدین علیه‌الرحمه مرحمت شده‌است فلایخفی شأنه. هوالله سبحانه.

دراین نسخه خط شریف چند تن ازعلماء عظام دیده میشود. اول علامه مطلق رضی‌الله عنه. ثانی خط محمد ابراهیم دشتکی. ثالث خط صدرالدین دشتکی که هردو ازاجداد سید علیخان مشهورند. رابع خط سید ضیاءالدین عبدالله بن محمدبن علی‌بن الاعرج خواهرزاده و راوی علامه که ازمشایخ روایت شهید بوده است (خط جناب سیدعبدالله دردوسه ورقی است که آخر کتاب الحاق شده وبمنزله حاشیه‌است برقواعد) (۲۵۴ ب - ۲۵۷ الف) حرره لطفعلی غفرله.

درگ ۱ الف چنانکه درکلیشه ص۱۹۷۳ می‌بینیم اجازه‌ای دارد بدینگونه :

۱- قرء علی السید العالم الفقیه (الکبیر) الفاضل الزاهد الورع العلامه افضل المتأخرین.

۲- لسان المتقدمین مولانا (ملك الائمه) والفضلاء صدرالدین محمدبن ابراهیم الدشتکی ادام‌الله تعالی

۳- توفیقه وتسدیده واجزل من کل عارفة حظه ومزیده وادام بقاه ورفعته وافاض.

۴- علیه برکاته و رحمته هذاالکتاب قراءة مهذبه مرضیة شهد بفضله ویدل علی نبله ویعرب

۵- عن فطانته و ینبیء عن جودة قریحته ویخبرنی اتنا قرائته (دقیقا) عندمباحثته عما اشکل

۶- علیه من (فقه) الکتاب فبینت له ذلك بیاناً وافیاً واخذه اخذعارف مستبصر وقد

۷- اجزت له روایة هذاالکتاب وغیره من مصنفاتی وقراآتی وجمیع ما املاته ورویته

۸- واجیز لی روایته من کتب اصحابنا السابقین رضوان‌الله علیهم اجمعین فلیروذلك

۹- لمن شاء واحب محتاطاً لی وله فی الروایة وانکر(؟) لی من الغلط والتحریف والتصحیف

۱۰- و کتب العبدالفقیر الی الله تعالی حسن بن یوسف بن علی بن المطهر مصنف الکتاب

۱۰- فی منتصف جمدی الاولی من سنة اربع وعشرین وسبعمائة ببغداد حامدا

۱۲- لله علی آلائه ومصلیاً علی سیدرسله وانبیائه محمدالمصطفی وعترته الاطهار.

آقای نصیری در پایان این بنمی نویسد: «هوالله.

چون قرائت اجازهٔ مقابل که خط حضرت مصنف علامهٔ مطلق اعلی الله مقامه است بواسطه سرعت تحریر و قدمت کتابت دشوار میشود ، من بنده ازروی خط مرحوم جلدم صدرالافاضل متخلص بدانش طاب‌ثراه که مقدمه برای این کتاب مرقوم داشته بودند (و همچنین عبارات ظهر این ورق) را برای ضبط در این کتاب نوشته تقدیم حضرت آقای مشکوة میننمایم . وانا الاحقر خادم کتب علمیه فخرالدین نصیری طهرانی

فی ۸ محرم الحرام ۱۳۷۰ عفی عنه»

در گ ۱۲۵ الف دارد : قال المصنف دام ظله : يتلوه في الجزء الثاني بتوفيق الله تعالى كتاب النكاح . فرغت من تسويده ليلة تاسع شهر رمضان المبارك سنة تسع وتسعين وستمائة و كتب حسن بن يوسف بن مطهر مصنف الكتاب والحمد لله على نعمه الوافرة والصلوة على نبيه محمد و عترته الطاهرة ــ و فرغ المنتسخ من الاصل بحمدالله تعالى وحسن تيسيره يوم الثلثاء الثاني والعشرين من ربيع الاول سنة ثلث عشرة وسبعمائة في البلدة المعظمة المشهورة المسماة بالسلطانية شيدالله اركان دولة بانيها في المدرسة الشريفة الايلخانية المسماة بالسيارة خلد ملك منشيها (وهو اضعف عبادالله محمد بن ابراهيم الحسيني الدشتكي) (ميان دو كمانه تراشيده شده وتازه‌تر نوشتند) غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات و رزقه جميع ما يأمل و يرجو منه انه على كل شيء قدير والصلوة على خير خلقه محمد واهل بيته الطاهرين ــ بلغت المقابلة وقد بالغت في تصحيحه غاية وسعي وقوتي والحمدلله وحده والصلوة على خير خلقه محمد و آله الطاهرين و كتب محمد بن ابراهيم الحسيني غفرالله له ــ وجدت في كتاب مصنف هذا الكتاب بخطه الاشرف ادام الله ايامه: وجدت بخط شيخنا محمد بن ادريس: بلغت الحلم في سنة ثمان و خمسين وخمسمائة. وبخط والده الصالح: توفي والدي محمد بن ادريس رحمه يوم الجمعة وقت الظهر ثاني عشر شوال سنة ثمان وتسعين وخمسمائه ــ وايضاً بخطه دام ظله :

امير الحسن رفقا بالرعايا	فان الحسن في الدنيا عطايا
ولا تسب القلوب وانت فيها	فاخشى ان تكون من الرعايا

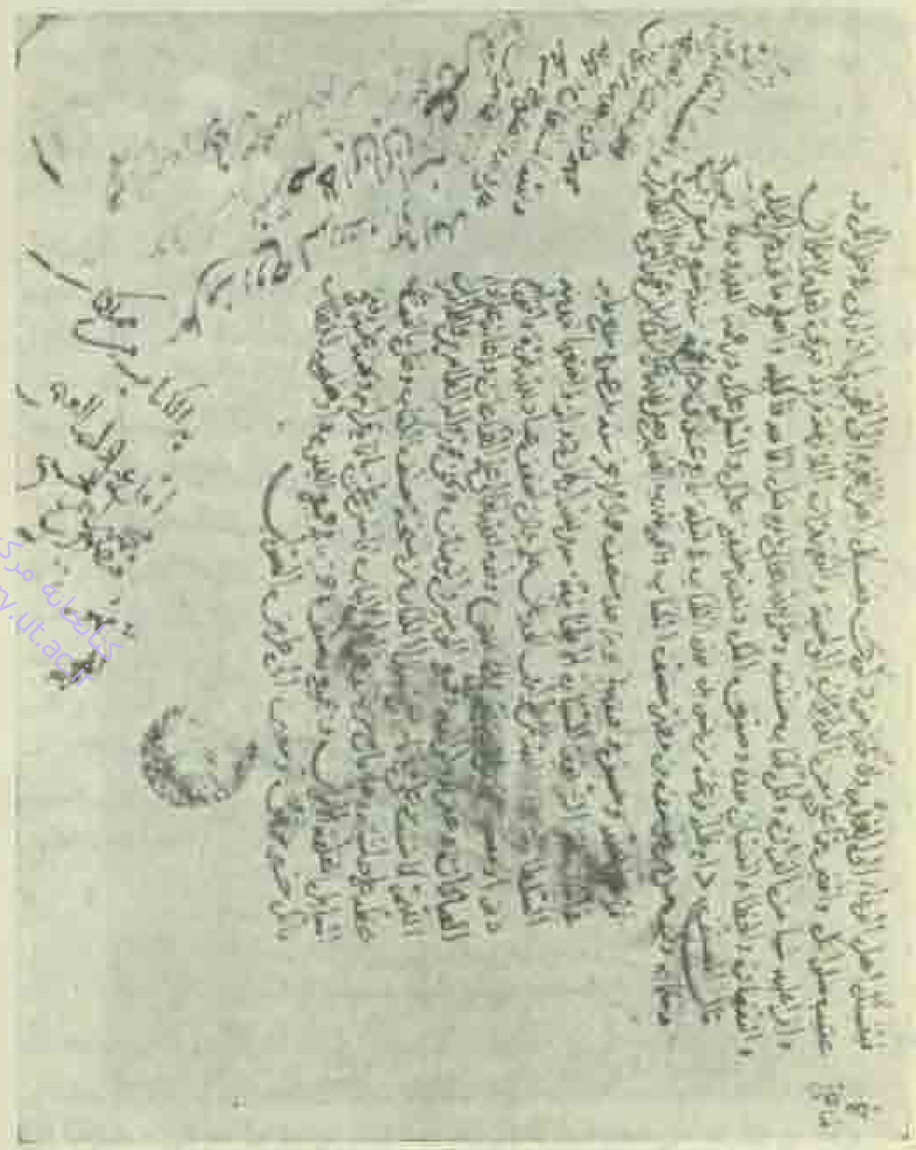
در ۲٦ الف دارد « بسمله . و اليك اعتمادي . هو المالك وحده وكل شيء ما لك الاوجهه .. وبعد فهذا هو الجزء الثاني يتلو الاول من الكتاب كما يتلى الثالث عقيب الثاني ولقد من الله ... على عبده صدر الثاني ... فعند ذلك او صله الله ثم الى خصوصاً الى المخصوص منهم بالخصايص والشرافات سلمه الله سبحانه وتعالى عن الشرور والآفات ... (يكي دو كلمه‌اى پاره شده) وولدي الحسن الاحسن جلاء العيون وشفاء الصدور ابي علي غياث الدين ابن محمد منصور ...» در اينجا محمد منصور صدر ثانى گواهى ميدهد كه نسخه از آن



گ ۱ الف قواعد حلی ش ۷۰۴

اجازهٔ علامه بسید ابراهیم دشتکی نیای سید علیخان مدنی

نگارندهٔ سلافة العصر و ریاض السالکین



گ ۲٥٤ الف قواعد حلی ش ۷۰٤

پایان قواعد که برخود حلی خوانده شده است

او است و از پسر خود ابی‌علی غیاث‌الدین حسن یاد میکند . او همانکسی باید باشد که علامه بدواجازه داده (۱ الف) ونیای سید علیخان است .

(۳۲۵۷ ب) ــ کاغذ دولت‌آبادی ــ جلد تیماج ترپاکی حاشیه‌دارضربی طوالی
اندازه : ۱۷×۲۴ و ۱۲×۱۷/٥ ــ س ۲۸

[۱۸۳٦]

۷۰٥ این نسخه بنسخ باعنوانهای درشت‌تر و بانشانه‌های شنگرف میباشد وازبلاغ پایان برمیآید که پیش‌از ۷۲٥ ودرروزگارعلامه نوشته شده است .

دربسیاری ازجاها درکنار برگها دارد : «بلغت قراءة ایده‌الله تعالی» .

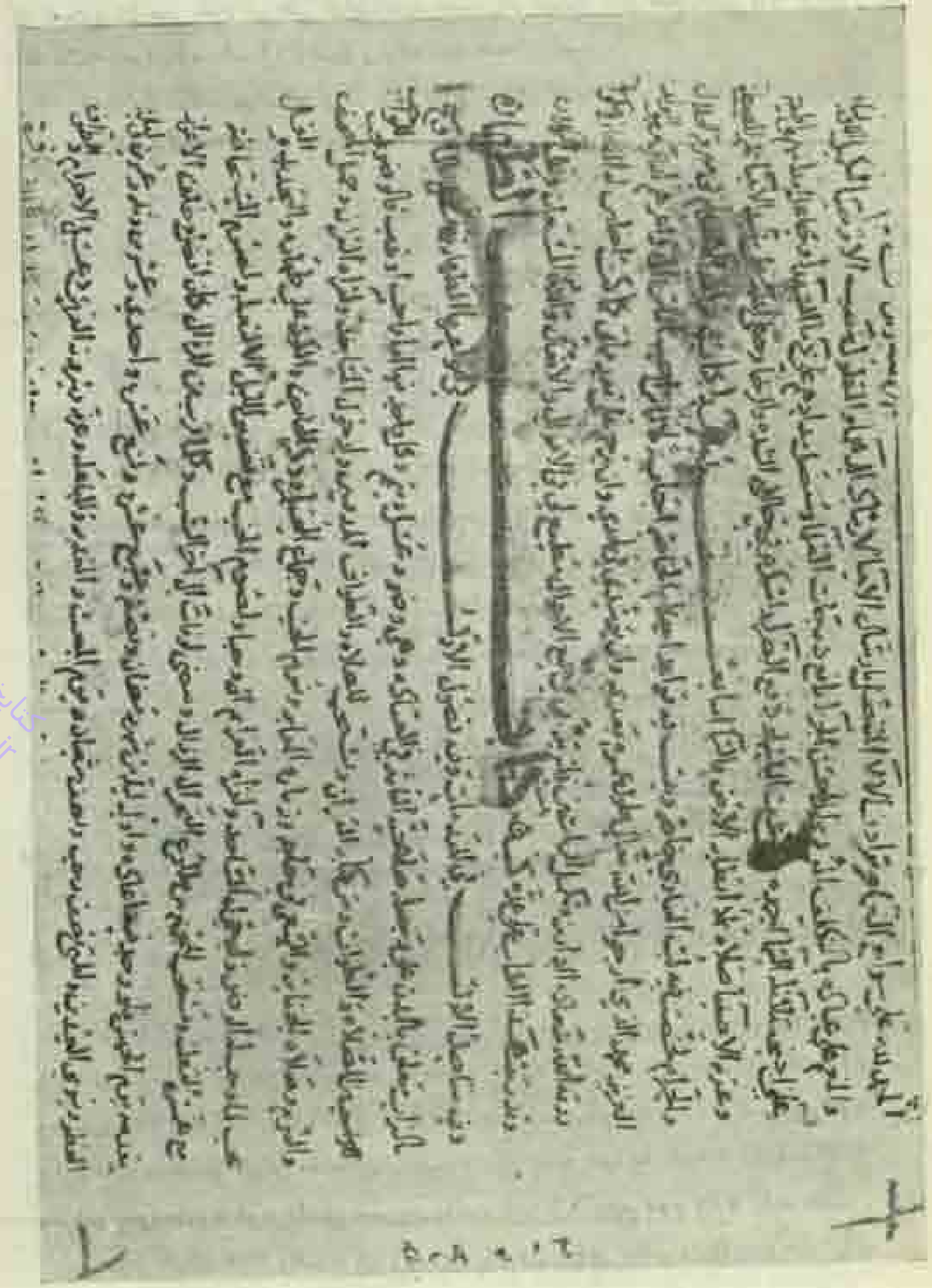
در۱ الف دارد : « قدانتقل ارثاً الی العبد ابن‌المرحوم محمد ابراهیم المنتظب» و دو کتب الفقیر الی‌الله تعالی حسن بن علی بن حسن بن احمدالعاصی(؟)العاملی الکرکی» در۱۰۲ الف پایان جزء یکم دارد «... (سیاه کرده‌اند) بنسخة الاصل » در۱۰۳ الف که‌صفحهٔ‌عنوان‌جزء دوم است‌دارد: «الجزء الثانی من کتاب قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام تصنیف الشیخ الامام العالم الفاضل قبلة‌الدین وقدوة العارفین الموّدعین (؟) السلف بقیة‌الخلف شیخ مشایخ المسلمین لسان‌الحکما والمتکلمین والفائق بعلومه علی علوم من کان قبله من‌الاولین والآخرین جمال‌الملة والحق والدین الحسن بن الشیخ العالم الفاضل سدیدالدین یوسف‌بن‌المطهر ادام‌الله فواضله بمحمد وسلم» .

در گ ۲۱٤ الف درپایان دارد : « انهاه ایده‌الله تعالی و ابقاه قراءة و بحثا واستشراحاً وحفظاً و... لماوصل‌من‌معانیه وفقه‌الله تعالی وایانالذالك بمحمدو آله‌الطاهرین وذالك فی عدة مجالس آخرها خامس جمادی‌الآخر سنة خمس‌وعشرین وسبعمائة کتبه العبدالفقیر المحتاج الی رحمة‌الله تعالی وغفرانه حسن بن ناصربن ابراهیم‌العاملی حامداًلله ومصلیاً و مستغفراً والحمدلله رب‌العالمین » (کذا) بلاغها بخط او و دیگری دربسیاری ازجاها هست .

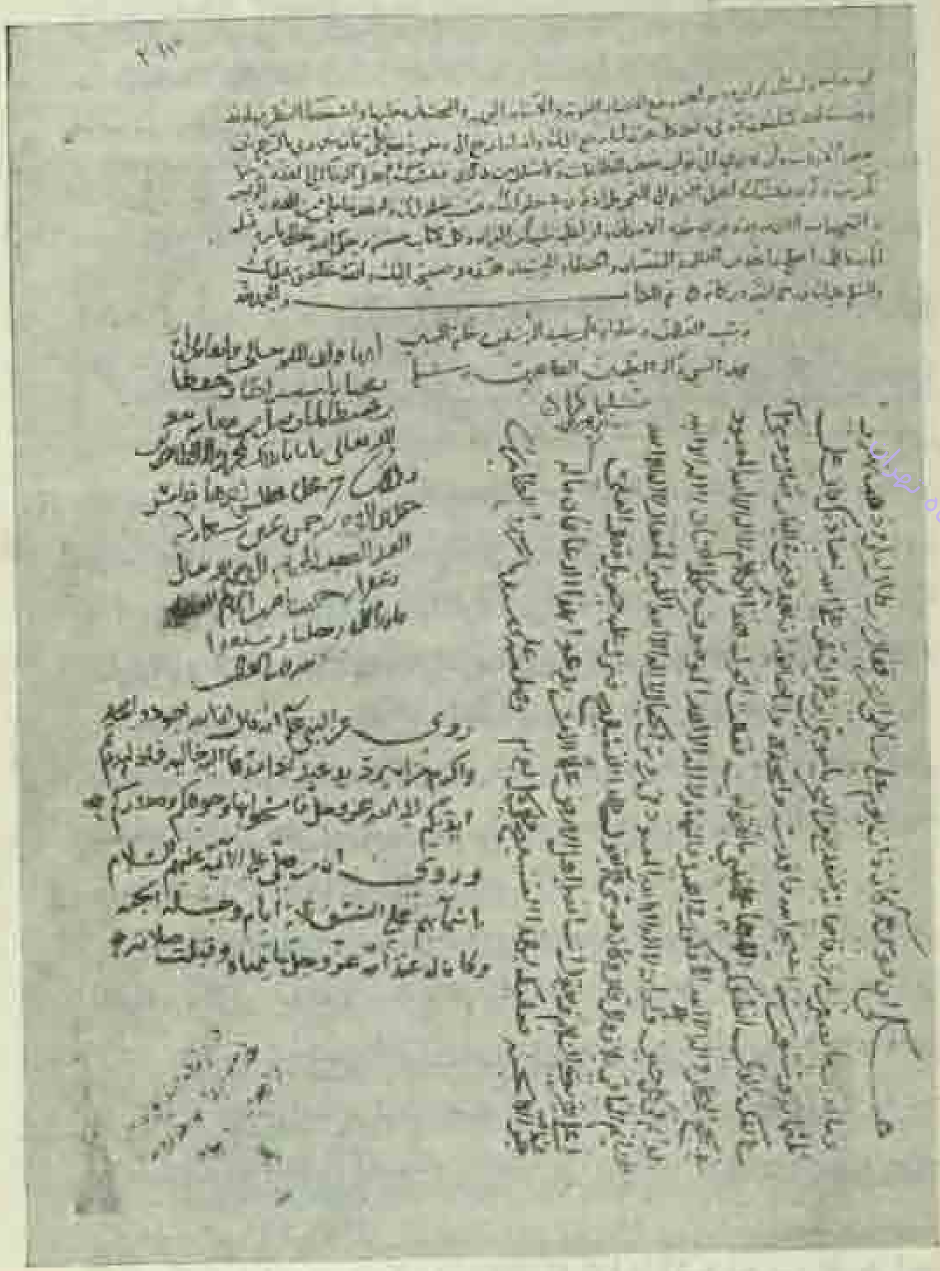
در ۲۱٤ ب دارد که شیخ جمال‌الدین ابومنصور ابن مطهر درشب ۲۰ محرم ۷۲٦ درگذشت وفرزندم جمال‌الدین یوسف‌بن محمدبن ابراهیم درچاشت دوشنبه ۲۳ رمضان ۷۷۳ وخواهر پدرومادری اوشام مریم درشب یکم محرم ۷۷٥ ازمادرزادند وفرزندم ابوالحسن علی بن محمدبن‌ابراهیم نزدیك بنیمهٔ شب سه شنبه ٥ ذی‌قعدهٔ ۷۸۳ وبرادر پدرومادری اوعزالدین حسن درچاشت شنبه ۱٦ ربیع دوم ۷۸۷ زاده شدند .

دربرگهای ۲۱٥ الف ــ ۲۱۸ ب دعا وافسون وشعر وادب وروایت وعبارتهای فقهی است .

همچنین در گ ۲۱۷ ب پیش‌از دعائی دارد : «نقلته‌عن شیخنا الشیخ جمال‌الدین



گ ۱ ب قواعد علامه ش ۷۰۵



گ ۲۱۴ الف قواعد علامه ش ۷۰۵

دام ظله ... » و پیش از دعای دیگر دارد : « نقلت عن شیخنا الشیخ جمال الدین دام ظله من الشیخ زین الجیعی من الشیخ عزالدین ابن عبدالعالی انه وجد بخط الشهید ... » همه اینها مانا یک خط است و باید از همان محمد بن ابراهیم باشد که دارندهٔ نسخه بوده پس او پیش از ۷۲٦ تا ۷۸۷ میزیست با اینکه همان تاریخها بخط اوست و بس .

(۲۱۷ ص) ــ ۲کلد سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی کنارهٔ آن زرد و جدوالی
اندازه : ۱۷×۲۴ و ۱۱/۵×۱۷/۵ س ۳۰

[۱۵۵۷] القواعد والفوائد (عربی)

شهید یکم (م ۷۸٦) بسیاری از قاعده‌های کلی فقه و اصول و ادب با فروع آنها را در این دفتر گرد آورد و در این زمینه گویا نخستین کسی باشد از دانشمندان شیعی که بدین کار پرداختند . شمارهٔ قاعده‌ها ۳۰۰ و شمارهٔ بیتها نزدیک ۳٦۰۰ میباشد.

او در اجازهٔ خود به ابن خازن در دمشق در نیمهٔ روز چهارشنبه ۱۲ رمضان ۷۸٤ از آن با عبارت « کتاب القواعد و الفوائد فی الفقه مختصر یشتمل علی ضوابط کلیة اصولیة و فرعیة یستنبط منها احکام شرعیة لم یعمل الاصحاب مثله » میستاید و میگوید که یاران پیش از من بدینکار نپرداختند (روضات ص ۵۹۱) .

در فهرست طوس از نسخه‌های تاریخ ۱۰٦۰ و ۱۰٦۸ و ۱۰۸٤ و ۱۳۲۷ از روی نسخهٔ ضیاءالدین علی پسر شهید به واسطه (۲:۹۸ و ۵:٤۷۰) و در فاضلیه از نسخهٔ تاریخ ۹٦٦ (ص ۱۲۰) یاد شده است .

شیخ مقداد سیوری م ۸۲٦ همین قواعد شهید یکم را بنام « جامع الفوائد فی تلخیص القواعد » گزین نموده و بنام « نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الامامیة » آنرا ترتیب داده و مسئلهٔ قسم را بر آن افزود (ذریعه ٦۸:۵ ــ طوس ۲ : ۳۱ و ۱۳۹) از گزارندگان قواعد حرفوشی است که پاره‌ای از گزارش او بچاپ رسید .

در ذریعه (٦ : ۱۷۳) آمده که ۹ حاشیه بر آن نوشته‌اند (سپهسالار ۱ : ۵۰۰ ــ کنتوری ص ٤۱٦ و ۳٤۷) .

این کتاب قواعد شهید یکم با پاره‌هائی از گزارش شیخ محمد بن علی بن احمد حرفوشی حریری کرکی عاملی شامی (م ۱۰۵۹) بنام « القلائد السنیة » و با حاشیه‌های

شیخ بهائی و حاج سید محمد بن محمود حسینی عصار مازندرانی لواسانی تهرانی طوسی (۵ ــ ۱۲٦٤ ــ ۱۳۵٦) و دیگران بخط نسخ شیخ احمد بن الحسین تفرشی طالقی در نیمهٔ ذی حجهٔ ۱۳۰۸ (حاشیه‌ها بنستعلیق) و با تصحیح آقامیرزا محمد حسین چراغچی باشی که مینویسد که از گزارش حرفوشی یک سوم در دسترس بوده است و باسر گذشت حرفوشی و همین لواسانی بخامهٔ خود او در آغاز در ۳۲۸ ص وزیری در همین سال بچاپ سنگی رسید .

پیش از این هم بخط نسخ محمد صادق حسینی گلپایگانی در ۱۲۷۰ بکوشش آخوند ملاعلی کرمانی باندازهٔ خشتی و بی صفحه شماری بچاپ سنگی رسیده بود (طوس ۵:۵ ٦۰) .

پیش از شهید از دانشمندان سنی ابی محمد عزالدین عبدالعزیز بن عبدالسلام سلمی م ٦٦۰ « قواعد الاحکام فی مصالح الانام » نگاشته و قاعده‌های کلی اصول و فقه را باموردهای جزئی سنجیده است (چاپ ۱۳۵۳/۱۹۳٤ مصر) پس از او « کتاب الموافقات فی اصول الشریعة » ابی اسحق ابراهیم غرناطی مالکی م ۷۹۰ را باید یاد نمود که در این زمینه شاهکاری است و هوش اروپائی این دانشمند اندلسی از روش موشکافانه‌ایکه در آن بکار برده است پیداست (دو چاپ شده) جمال الدین عبدالرحیم اسنوی (م ۷۷۲) « التمهید فی تنزیل الفروع علی الاصول » نگارش ۷٦۸ در قواعد کلی اصول و فقه و همچنین « الکوکب الدری » در قواعد کلی نحو و فقه دارد (چلبی ۱:۳۳۱ و ۲:۳۳۸) .

بنوشتهٔ تهرانی در ذریعه (٤:٤۳۳) شهید دوم آنچنانکه در دیباچهٔ « تمهید القواعد الاصولیة و العربیة بتفریع قواعد الاحکام الشرعیة » میگوید این کتاب خود را که در صد قاعده با فرعهای فقهی است و قواعد اصولی و نحوی در آن جدا شده است از روی آن دو کتاب اسنوی نگاشته است . اگرچه در دیباچهٔ چاپی چنین گفتاری از او نیافته‌ام مگر اینکه در نسخه‌های خطی باشد و دور هم نیست چه او همچنانکه در ص ٦۸٤ همین فهرست دیده‌ایم در « منیة المرید » از « تذکرة السامع »

بهره برده است . این شهید اودر کارخانهٔ استاد عبدالخالق بسال۱۲۷۲ بافهرستی که خود شهید برای آن نوشته است بنسخ باندازهٔ رحلی با ذکری بچاپ سنگی رسید .

از پسینیان ملا احمد نراقی «عوائد الایام» نگاشته وقاعده‌های کلی فقهی و اصولی و رجالی را در آن آورده و بخوبی از آنها بررسی نموده ودرربیع دوم ۱۲٤٥ آنرا بانجام رساند . اینهم درایران بسال۱۳۲۱بنسخ باندازهٔ وزیری چاپ سنگی شده است .

آغاز : باسمه سبحانه و تعالی . بسمله . رب تمم بالخیر . اللهم انی احمدك والحمد من نعمائك واشكرك والشكر من عطائك . . . واسئلك ان . . . تجعل ماعزمنا علیه من تألیف هذا القواعد والفوائد عدة وذخراً لیوم لقائك .

انجام : ومنها انتظار الامام المؤتم فی صلوة الخوف وهذا یوصف بالوجوب .

[۱۸۳۷]

۱۰۱۱ این نسخه بنسخ خوش با عنوانها بزر یا شنگرف درجدول زر و لاجورد و با سرلوحی زیبا میباشد و حسین کرمانی درروز عاشورای ۹۲۸ آنرا نوشته است . ۱ ب – ۱۳۰ الف .

در۱ الف دارد « من المتملكات الفقیر الحقیر نظام » با مهر « یاخفی الالطاف نجنا مما نخاف . نظام» و «هو المالك . من مواهب الله تعالی سبحانه علی . حرره الآثم الجانی محمد ابراهیم القزوینی » با مهر «تلك حجتنا آتیناها ابراهیم» و « ثم انتقل بطریق المبایعة الشرعیة الی مملوك مالك الملك الحقیقی عمادالدین محمدبن ... (خوانده نشده) تحریراً شهررجب ۱۰٤۳» با مهریکه خوانده نشده است . دررویهٔ برگ پیش از این وی شماره دارد «قد انتقل الی بالهبة صحیحة وانا العبد الضعیف الآثم » با مهر «عبده محمد هادی الحسینی» و «الله اکبر . هذه اشتریت فی شهر کتبایت بهذه ای بمبلغ بیست جنکری کنبایتی» .

(۱۴۵ه‍) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۴ و ۹×۱٦/٥ س ۲۱

[۱۰۰۸] الکتاب الجامع للشرائع (عربی)

دانشمند فقیه ادیب نحوی شیعی نجیب الدین ابواحمد یا ابی‌زکریا یحیی بن احمدبن یحیی بن الحسن بن سعید هذلی حلی (کوفه ٦۰۱ – حله روز عرفهٔ ٦٨٩ یا ٦٩۰ یا ٦٩٥) پسر عم محقق حلی (جعفربن الحسن بن یحیی) و دخترزادهٔ ابن ادریس و استاد علامهٔ حلی که از محقق و دو ابن نما نجیب الدین محمد حلی و جلال الدین حسن وابوعلی فخار بن معد موسوی و ابن ابی البرکات و ابن الاخضر وشیخ علی بن حماد لیثی واسطی ومحیی الدین بن زهره روایت میکرده (فهرست طوس ٥ : ٥٢٧) و عبدالکریم بن احمدبن طاوس معالم العلما را از او روایت داشته است . نگارندهٔ المدخل فی اصول الفقه (کنتوری ٥۰۰) و نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه و النظائر (فهرست طوس ـ چاپ سنگی ۱۳۱۸ تهران بنسخ ازاسمعیل گیلانی رشتی و بنام شیخ فاضل ابی القاسم نجم الدین جعفر حلی ؛؛ باندازهٔ بغلی در ۱۷۱ ص – روضات ص ۷٤۰ – کنتوری ٥٨۰) والفحص والبیان عن اسرار القرآن چنانکه بیاضی در صراط مستقیم بدو نسبت داده است ودر آن روشن داشت که آیتهای عدل در قرآن بیش از آیتهای جبر است وهمین « الکتاب الجامع للشرائع » میباشد واین یکی بنام « جامع الشرائع » (کنتوری ۱٥٣ – مستدرك ٤٦٢ از رجال ابن داود وریاض – ذریعه ٥ : ٦۱) وجامع یحیی بن سعید (سپهسالار ۱ : ٣٨٥) نیز خوانده شده است . این کتاب از طهارت است تادیات ودر پایان دیات «اصل» ظریف بن ناصح (۱) آورده شد (۲۱۹ الف – ۲۲٥ الف) آنرا در جمادی

۱ـ نسخه تازه‌ای از اصول اربعمائة که ۱٨ اصل در آن آمده است در کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق هست (بخط مولانا نصرالله القزوینی در ۱۳۰٨ که لطفعلی بن محمد کاظم در ۱۳۱٥ دارندهٔ آن بود) نخستین آن بخشی از کتاب «درست» است که در نسخهٔ نوری (مستدرك ۲۹٦) هم بود . دوم تا هفتم ونهم تا پانزدهم آنرا مجلسی (بحار ۱ : ۱٦ ف ۲) در نسخهٔ آبی در ۳۷٤ از نسخهٔ قمی از نسخهٔ تلعکبری داشته بود همانهاییکه در نسخهٔ نوری

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

دوم سال ۸٦۱ براو خوانده‌اند (ذریعه ٥ : ٦۱) مسائل فقهی در آن بی استدلال میباشد دربارهٔ اینکتاب گفته‌اند :

لیس فی الناس فقیه مثل یحیی بن سعید   صنف الجامع فقها قدحوی کل شرید

برخی درباره‌اش گفته‌اند :

یاسعید الجدود یابن سعید   انت یحیی و العلم باسمك یحیی

ما رأینا کمثل بحثك بحثا   خلته العالم المحقق وحیا

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

هم بوده و در نسخهٔ ما (ش ۹٦۲ ص ۱۰۸۸ همین فهرست) هم هست . هشتم آن کتاب محمد بن جعفر قرشی است که در رجال نامش نیامده است (از خط شیخ الاسلام ملارحیم جامی در ۱۲۸۳) شانزدهم آن خبر ملاحم تلعکبری که با حاشیهٔ شیخ حر است . هفدهم «مرثیة الحسین من ابن الحداد» است هیجدهم کتاب عبدالله بن یحیی کهراوی آنست و در فهرستها از او دانسته شده و همانست که ظریف بن ناصح کوفی بغدادی هم آنرا روایت کرده و بدیات ظریف نامبردار است (رجال طوسی دربارهٔ محمد بن ابی عمیر طبیب کوفی) پراکندهٔ این دیات در کافی و همهٔ آن در من لایحضر و تهذیب آمده است . آنرا امیر مؤمنان علی بپرداخت و بفرماندهان و سران لشکر خود نوشت و بامامان (صادق و کاظم ورضا) آنرا نشان دادند و آنها آنرا بپذیرفتند (ذریعه ۲ : ۱٥۹ و ۸ : ۲٦۸) نوری در مستدرک (۳۰۸) از آن یاد کرد و سندیکه در همین جامع یحیی بن سعید برای آن آمده است آورد همچنانکه در وسائل از کافی و تهذیب و من لایحضر جسته گریخته دیده میشود . نجاشی (ص ۱٤٦) و طوسی (ش ۳٦۳) و ابن شهر آشوب (ش ٤۱۰) از آن یاد کرده‌اند . نسخهٔ دیات را در مجموعهٔ دانشکدهٔ حقوق همان نصرالله قزوینی درهمان سال نوشته و در دیباچه ازسند و ارزش آن کاوش نموده و از نجاشی و کلینی در کافی آورده است . درایـن نسخه حاشیه‌هائی است دربارهٔ این راویان و نشان داده شده که برخی از این حدیثها در کدامیك از کتابهای چهارگانه آمده است و بیشتر این حاشیه‌ها نشانهٔ «نص» دارد که ما با همان قزوینی باشد و او از خط شیخ حر از شیخ الاسلام ملارحیم جامی بهره برده است . در آن حاشیه‌هائی است با نشانهٔ «م دح» (گویا از حر عاملی) عاملی میگوید که حدیثهای این چهارده اصل (از اصل زراد تا نوادر) را دیده‌ام وبررسی کرده‌ام و بیشتر آنها در کافی یا کتابهای ارزندهٔ دیگر آمده با اینکه از قرینه‌هائی برمیآید که درست است جز دو حدیث یکی از نرسی دیگری از عبدالملك بن حکیم که شاید از روی تقیه باشد .

چنانکه از دیباچه برمیآید خود او بدان نام بالا را داد و نوید داد که پس از انجام رساندن آن کتابی گسترده‌تر و دارای مسئله‌های اختلافی و اتفاقی با دلائل بنویسد - نسخه‌ای بنام اینکتاب در فهرست سپهسالار شناسانده شده (۱ : ۳۸٥) که بگواهی آغاز آن نباید الکتاب الجامع للشرایع ما باشد (۱) .

۱- در ریاض العلماء ش ۹۹۳ ص ۱۳۰ سرگذشت همین حلی آمده : از اربعین شهید وفرحة الغری ابن طاوس و نظام الاقوال قرشی و امل الآمل و رجال ابن داود و اجازهٔ علامهٔ حلی و بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة سیوطی و طبقات ذهبی و پایان وسائل الشیعه و اوائل دروس و حواشی آن از رسالهٔ اسامی المشایخ شاگرد شیخ علی کرکی و شرح ارشاد شهید در قضاء صلوات فوائت و اجازه شیخ حسین بن علی بن حماد لیثی واسطی بشیخ نجم الدین خضر بن محمد بن نعیم مطارآبادی و اجازهٔ شیخ علی کرکی بشیخ علی میسی . او میگوید که مجلسی و دسته‌ای نزهة الناظر را از او دانسته‌ولی نسخه ای از نزهه با دیباچه ای هست که در آن دارد شیخ مهذب الدین حسین بن محمد بن علی بن عبدالله گویا همان شیخ مهذب الدین حسین بن رده آنرا برای پسر خود نوشته است و نزهة این دانشنده آن دیباچه را ندارد ولی هر دو باهم یکی هستند . در ذریعه (۲ : ۲٤۲) دارد که نزهه بمانند اعلام الوری است که آنرا طبرسی نگاشته و در نوشته‌های ابن طاوس آنرا بنام ربیع الشیعه یافته اند (روضات ٤۹۰ - مستدرك ٤٦۹) و نزهه را هم یحیی بن سعید پسندیده و خطبه آنرا انداخته و کتاب بنام او شده است .

سید مجدالدین ابو الفوارس محمد بن علی بن الاعرج حسینی پدر عمیدالدین از همین حلی روایت دارد و سید عبدالکریم بن طاوس معالم العلماء را در ۱۲ ذی قعدهٔ ٦۸٦ نزد او خواند .

این حلی معالم الدین درفقه دارد که سبط الشیخ علی کرکی در اللمعة در مسئلهٔ نماز جمعه آنرا بدو نسبت داد و کشف الالتباس عن نجاسة الارجاس که کفعمی در برخی از مجموعه‌ها مسئلهٔ نجاست مشرکان را از آن آورده و کتاب فی السفر که شهید در ذکری آنرا بدو نسبت داد .

او در پشت نسخه‌ای از نهج البلاغه بسید عزالدین حسن بن علی بن محمد بن علی معروف بابن الابریز بخط خود در تاریخ ٦٥٥ اجازه داد و در پشت نسخه‌ای از نهج البلاغه بسید نجم الدین ابی عبدالله الحسین بن اردشیر بن محمد طبری در ٦۷۷ اجازه نوشت و از اینجا برمیآید که او از سید محیی الدین ابی حامد محمد بن عبدالله بن زهرهٔ حسنی حلی از ابن شهر آشوب روایت دارد . حموینی در فرائد السمطین در خانه‌اش در ذی قعدهٔ ۷٦۱ براو قرائت نمود بروایت از سید محیی الدین ابی حامد محمد بن عبدالله بن علی بن زهره حسینی اسحاقی حلبی .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی ابتداء بالنعم وایدهم بالقدر و ارشدهم بالدلیل وهداهم سواء السبیل .. امابعدفقدعزمت علی جمع کتاب فی مجرد الفقه حاو للاصول جامع للابواب والفصول وسمیته «الکتاب الجامع للشرایع» ... وقداجمعت انشاءالله علی عمل کتاب اذکرفیه الخلاف والوفاق ووجوه الاقوال وادلة المسائل عندالفراغ من هذابتوفیق الله تعالی . کتاب الطهارة . باب المیاه . قال الله تعالی وانزلنامن السماء ماء طهورا . ولایجوزازالة النجاسة ورفع الحدث الا بالماء المطلق .

انجام : واعلم ان درجات الجنة علی عدد آیات القرآن ... لرفع درجة منه . والوصیة طویلة اخذ منها موضع الحاجة . ولاقوة الابالله العلی العظیم وحسبنا الله نعم الوکیل تم الکتاب والحمدلله العلی .

[۱۸۳۸]

۵۵۰۹ آ این نسخه ش ۲ دفتر است و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف تاریخ دوشنبه ۱۳ رمضان ۱۲۳۷ ازمحمدبن المحسن الخراسانی الکدیشی .

(گ ٦۲ ب ـ ۲۲۸ ب) (بنگرید به ۱/۱۰۰۵) .

[۱۵۵۹] کشف الرموز (عربی)

ابن ربیب (یا ابن زینب بنوشتهٔ شیخ عباس قمی) عزالدین حسن بن ابیطالب یوسفی آبی (آوی) شاگرد محقق حلی و علامه بوده است . دو شهید و سیوری و صیمری (۲ الف) و فاضل هندی در کشف اللثام (تنکابنی) از سخنان او آورده‌اند (۱) او با استاد خود گفتگویها داشته بود و دربسیاری از مسئله‌ها برخلاف اورفته است. درقضا بمضایقه ودرنمازآدینه بتحریم فتوی داده وزن را از «رباع» محروم میدانست . او پس از خود محقق درمعتبرنخستین کسی است

۱ـ بنگرید به: ـ روضات ص ۱٤۷ ـ سعدیة الاحباب ص ٩٦ ـ کنی و القاب ۱ : ۲ـ فوائدالرضویه ۱ : ٩۵ـ ریحانة الادب ۱٤۰:۱ قصص العلما ص ۳۰۸ ـ مقابس ص ۱۷ ـ فهرست طوس ۱۰۱:۲ـ سپهسالار ٤۸۰:۱ ـ مامقانی ۲٦۷:۱ .

که برمختصر النافع او این گزارش «کشف الرموز» رانگاشته و آن گزارشی است میانه وچنانکه بحرالعلوم بروجردی درنسخهٔ کهن دیده‌است دررمضان (شعبان درنسخهٔ ما) ٦۷۲ آنرابانجام رسانده . این گزارش سودمند، وسخنان دانشمندان ودلیلهای احکام باختصار در آن آمده وازسخنان سیدابی الفضائل ابن طاوس در همینجا است که بهره برده شد .

در آن سه مقدمه است یکی اینکه از «اشهر، اصح، احوط» چه خواسته شده است دیگری درچگونگی آوردن روایتها سوم دربارهٔ دانشمندانیکه سخنان آنها دراین گزارش آمده است ورمزهائی برای نامهای آنها ومیگوید که از گفته‌های ابن جنید نیاورده‌ام (۱) این کتاب پیش از مختلف علامهٔ حلی نوشته شده‌است.

۱ـ درمقدمهٔ یکم دارد « قد قررالمصنف دام ظله ان کل ما فی کتابه من قوله «الاشهر» یعنی به من الروایات المختلفة وان (الا) ظهر فی فتاوی الاصحاب وان (الا) شبه ماتدل علیه اصول المذاهب من العمومات والاطلاق است اودلالة العقل اوتمسك بالاصل وفی معناه (الانسب) والاصح (من) الاقوال ممالایحتمل عن غرض المصنف ویستعمل الاحوط بمعنی المندوب والاولویة» (عبارت درنسخهٔ ما غلط دارد وبقرینه آنچه میشد درست کردم ـ مقدمهٔ دوم مهذب بارع روشن‌تر ازاین است) .

دردومی میگوید که من ازروایتها آنچه که شاذ ونادر نباشد آوردم و کوشیدم آنچه را درست‌تر میدانم بیاورم مگر اینکه مشایخ درفتواهای خود آنرا بکار برده باشند و من بعمل آنها میکنم نه بآن خبر . دراستدلالها کوشیدم روان و روشن وشیوا باشد .

درسومی میگوید که از سخنان خواجگان و رهبران شیعی گفته‌های اینان را آوردم : شیخ طوسی ومفید ومرتضی و علی بن بابویه و پسرش ابوجعفر محمدبن علی وحسن بن ابی‌عقیل عمانی وابوالصلاح علی بن تقی (۲) حلبی وابویعلی سلار و محمدبن ادریس ، از پیروان طوسی سخنی نیاوردم چه گفته‌های خود او بسنده است مگر گاهی که سخنی ازقاضی عبدالعزیز بن البراج وقطب راوندی نگارندهٔ مغنی ورایع وعمادالدین طوسی نگارندهٔ واسطه ووسیله میآوردم . از ابن جنید هیچ یاد نمیکنم واز نگارشهای او درگذشتم .

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

چه اینکه حلی نخستین کتاب خود منتهی را در ۳۲ سالگی (۶۸۰) نگاشته است و مختلف هم در ۷۰۸ بانجام رسید. درمختلف و کشف‌الرموز هردو سخنان فقیهان شیعی آمده و گاهی هم در آوردن فتواهای آنها یکنواخت نیستند (مامقانی).

او تا پایان گزارش دربارهٔ محقق «شیخنا دام ظله» میگوید و پس‌از «قال» پاره‌ای‌ازمتن نافع‌را میآورد وسپس گزارش میکند. درنسخهٔ ما پس‌از «سمیت الکتاب» سفید است.

آغاز: بسمله. یقول‌العبدالضعیف‌الراجی عفوربه‌الحسن‌ابن ابیطالب‌الیوسفی الآبی حمداً لمنعم لایحمدالابنعمته وصلاة علی سید لایرحم‌الا.. (سفید) وتمسکا بشریف لایقبل‌الطاعة الابمحبته و حجته و عترته... فلما وفقنی ربی... ارشاد المصالح... فاتفق... توجهی‌الی‌الحلة السیفیة... فقرات عندالوصول وبلدة طیبة ورب غفور، فکم بهامن‌اعیان‌العلماء... بایهم‌اقتدیت اهتدیت و کان صدرجریدتها و بیت قصیدتها جمال کمالها و کمال جمالها‌الشیخ... نجم‌الدین... ابا‌القاسم جعفر بن‌الحسن بن‌سعید عظم‌الله قدره وطول عمره فاستسعدت ببهاء طلعته... فلما فرغت من بحث کتابه‌الشرایع و منتخبه‌النافع فی‌الشرایع... فالتمس منی بعض اخوانی‌فی‌الدین ورفقای فی‌طلب‌الیقین... ان اکشف قناع‌الاشکال عن رموزات کتاب‌النافع اعنی کتاب مختصر‌الشرایع... فوجدت طاعته واجة واجابته طاعة

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحهٔ پیش

دربارهٔ نگارندهٔ متن «شیخنا دام ظله» میگویم و دربارهٔ ابوجعفرطوسی «شیخ» و برای او و مفید «شیخین» و برای اینان با مرتضی «ثلاثه» و برای محمدبن ادریس حلی «متأخر» میگویم چه او ازمتأخران دیگربرتراست چون هوشمند وتیزبین بوده و خوب ریشهٔ فقه را شناسانده و بسیاری از جاها را روشن کرد افسوس که او مایهٔ پوشیدگی فقه شد چه اینکه او بر «شیخ» ستم کرده ونگذارد که ازاو بهره برند.

ابن فهد نیز درآغاز مهذب بارع (مقدمه ۳) همین رمزها (تا برای دانشمندان زمان خودهم) وهمین‌گونه‌سخنان دارد.

فهممت به... وشرطت الا اجاوز من شرح الرمز الی حل‌اللفظ الا فی‌الندرة مع ماس‌الحاجة وان اخل بایضاح‌الرموز الامازاغ‌البصر.

انجام: وحیث انتهی ماارِدنابیانه ونجزماقصدنا تبیانه فلنقطع‌الکلام... فی تعلیق هذه‌الاوراق بالحاح بعض‌الاحباءالخلصاء و کتب علی جناح‌السفر... فلاجرم ضاق‌الوقت عن‌هذاالمقصد فابرزت علی‌الاستعجال و حررت فیه علی‌سبیل الاقتصار... وعهدی مع‌الله... ان تمکنت فی وطن خلوا السراشرح فی دستور یتضمن شرح‌الکتابین و یجوز سبق‌القصب فی‌المتدانین(؟)نقل مخلصاً اللهم‌سهل و وفق. واتفق‌الفراغ لمصنفه فی‌شعبان‌سنة اثنین وسبعین وستمائة (العبدالمذنب محمدالخراسانی).

[۱۸۳۹]

۷۶۲۱ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف و با عنوان مطلبها گاهی درهامش میباشدودو صفحهٔ نخستین درجدول سرخ است نویسندهٔ‌آن محمدخراسانی‌است و نسخه چندان کهنه نیست. شیخ محمدعلی واعظ تلواسکانی در ۱۳۴۰ دارندهٔ نسخه بوده است (۲ الف).

(۳۱۵۴) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی درون سرخ ومقوائی

اندازه: ۱۴×۲۰ و ۸/۵×۱۴/۵ ـ ص ۳۴

[۱۵۶۰] کشف‌القناع (عربی)

شیخ یوسف‌بن احمدبن ابراهیم درازی بحرانی (ماحوز ۱۱۰۷ ـ کربلا روز شنبه ۱۴ ع ۱/۱۱۸۶) نگارندهٔ الحدائق‌الناضرة فی احکام‌العترةالطاهرة نگارش ۱۱۸۵ و لؤلؤتی‌البحرین نگارش روز ۱۱ ع ۱/۱۱۸۲ در کربلا (۱) این رساله را در روز ۲۰ شوال ۱۱۴۹ درشیراز بانجام رساند و آنرا چنانکه درپایان لؤلؤة گفته است «کشف‌القناع عن صریح الدلیل فی‌الرد علی من قال

۱ـ روضات ص ۷۴۱ـ ذریعه ۶: ۲۸۹ـ فهرست سپهسالار ۱: ۳۹۹ـ فهرست آقای منزوی ۲: ۶۴۴ـ تنکابنی ص ۹۶.

فی الرضاع بالتنزیل » نامید و ازسخنان میرداماد درضوابط الرضاع خرده گرفت (کتتودی ٤٦٨) درروضات از آن بدینگونه « رسالة فی الرد علی السید الداماد فی القول بعموم المنزلة فی الرضاع » یاد گردید . در آن شش مقام وسه باب است .

[۱۸٤۰]

۸۹۱ این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که ابوالحسن بن محمدرضای دامغانی در کربلا در ۳ محرم ۱۱۷۸ با شاگردی نوشتن آنرا بانجام رسانده . حاشیه‌هائی دارد با نشانهٔ «منه مد ظله العالی» و «منه مدظله» بخط نستعلیق . در پایان (گ ۳۸ الف) بخط شکسته دارد «بسم الله والحمدلله . بلغ تصحیحها الاماازاغ عنه البصر وحسر عنه النظر من مؤلفها الفقیر کثیر الجرم والتقصیر عامله الله تعالی بجوده واحسانه بتاریخ الیوم التاسع شهر محرم الحرام سنة ۱۱۷۸ فی ارض کربلا والحمدلله وحده وصلی الله علی محمد وآله» .

آغاز نسخهٔ ما (گ ۱ الف - ۳۸ الف) چنین است : اومنهما والخالة فصاعداً هی کل انثی ولدتك بواسطه اوغیرواسطة (از مقام یکم پیش از باب یکم) .

انجام : وزاغت عنه الافهام من الغطاء والخطل فی الاحکام و کتب محرر الرسالة بیده ... یوسف بن احمد بن ابراهیم الدرازی البحرانی ... بتاریخ الیوم العشرین من شهر شوال ... من السنة التاسعة والاربعین بعد المائة والالف فی دار العلم شیراز صانها الله تعالی من الذل والاعواز حامداً مصلیاً مسلماً مستغفراً آمین آمین (هذا آخر کلامه دام ظله العالی ، تم) .

[۱۵٦۱] کفایة الایتام فی معرفة الاحکام (فارسی)

سید جعفر کشفی دارابی (۱۲٦۷ -) اصول « اجابة المضطرین » را که جلد یکم آنست در ۱۲۵۵ بانجام رساند (ش ۱۱۱۷) وجلد دوم وسوم آنرا دردست داشت و چون با استدلال بوده و بدرازا کشیده بود بدستور شاهزاده خواست کوتاهتر و بی‌استدلال بنگارد این بود که این کفایة الایتام را دوسه فن نخست عبادات که در نسخهٔ ماهست دوم درمناکحات ومعاملات وایقاعات سوم درمواریث وحدود وسیاسات (دیباچه) برای همان شاهزاده محمد تقی میرزا پسر فتحعلیشاه نگاشته است .

در آغاز آن از همین شاهزاده بستود . عنوانها در آن « فن و ارشاد و کفایه » است .

آغاز : و به ثقتی و اعتمادی . بسم الله والحمدلله ... و بعد نگارندهٔ این اوراق ... (پاره شده) بعرض اهل اطاعت و وفاق میرساند که چون احیاء امردین ... برهر کس ... لازم وواجب ... میباشد .

انجام : درباب ایلاء که یکنوع ازیمین میباشد والله اعلم . این است آخر فن اول ... از کتاب کفایة الایتام و بعداز آن فن دویم که در بیان معاملات است تحریر داده میشود انشاءالله تعالی والحمدلله رب العالمین .

[۱۸٤۱]

۱۰٦٤ این نسخه نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد و خود دارابی آنرا در ۱۲۵۹ نوشته است ونسخهٔ اصل میباشد ومقابله شده است . فهرست فن یکم : گ ۲ ب ۹ ب . کتاب : ۱۰ ب - ۳۸۸ ب . نام نویسنده وتاریخ و نام شاهزاده سیاه شده وبرنجی خوانده میشود .

۳۸۸ گ) - کاغذ فرنگی آهارمهره - جلد تیماج زربکی تازهٔ مقوائی
اندازه : ۱۵ × ۲۱ و ۹ × ۱۵ س ۱۸

[۱۵٦۲] کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد (عربی)

سید عمیدالدین عبدالمطلب حسینی (٦۸۱ - ۷۵٤) شاگرد علامهٔ حلی و استاد شهید یکم بدرخواست دانشجویان این گزارش را به « قوله - اقول » ودر دو جلد برقواعد حلی نگاشته و از خود هم چیزهائی بر آن افزوده و بنام فرزند خود جمال الدین ابوطالب محمد بپرداخت . دردیباچه میگوید که من هم گزارش کردم وهم اگر سختی بوده ویا از روایتی یاد شده یا خلاف و اجمالی وموشکافی در آن بوده من بدانها اشاره کردم وسند روایت را هم آوردم وروشن نمودم وبررسی کردم امید که پسرم ابوطالب از آن بهره‌مند گردد . جزء یکم آنرا او در نیمهٔ رجب و ۲ شعبان ۷۳۷ بانجام رساند جز نزدیك یك کراس را که درروز

سه شنبه‌ی رمضان همین سال بپایان برده‌است (نسخهٔ ما) او در آن آنچه افزوده است باندازهٔ نیمی از قواعد میشود و از گفتگوبها که او باحلی کرده وسخنانی که میان ایندو درهنگام درس وجز آن رفته است در آن دیده میشود (روضات ص ۳٦۸)

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی اوضح لعباده سبل الرشاد و هداهم الی طرق السداد ... وبعد فان جماعة من طلاب علم الفقه لما وقفوا علی کتاب قواعد الاحکام فی معرفة الحلال والحرام لشیخنا الامام السعید العلامة جمال الدین ابی منصور الحسن بن ... المطهر قدس الله روحهما ... وجدوا فیه مسائل مشکلة ونکات معضلة محتاج ادراکها الی بحث وتدقیق و کشفها الی شرح وتحقیق فکرروا علی السئوال مرة بعد اخری فی عمل کتاب یحتوی علی شرح معضلاته و کشف مشکلاته .. ازعمت عزمی علی عملی هذا الکتاب الموسوم بکنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد ... وارجو .. ان یکون الولد العزیز العضد ابوطالب محمد ... ممن وفق الانتفاع به :

در ۱۳۸ الف نسخهٔ ما در پایان جزء یکم دارد : تم الجزء الاول من کنز الفوائد فی شرح مشکلات القواعد و بالله التوفیق ومنه الاعانة والهدایة الی سواء الطریق وذلک فی اوقات (او) لها منتصف رجب المرجب المبارک سنة سبع وثلثین وسبعمائه وآخرها العشرون من شعبان المبارک من السنة المذکورة الانحوامن کراس واحد تمم فی یوم الثلثا خامس شهر رمضان المبارک من السنة المذکورة والحمدلله وحده وصلوته علی سیدنا محمد النبی وآله الطاهرین کتبه مصنفه عبدالمطلب الاعرج الحسینی عفاالله عنه ـ هذا صورة ما کتبه المصنف قدس الله روحه ونور ضریحه .

انجام: لان الکفار عندنا مخاطبون بجمیع فروع العبادات کما انهم یکلفون باصول الدین فهذا آخر کتاب کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد والحمدلله رب العالمین

(نسخهٔ ش ۳۱۹۰ تاریخ ۹۹۲ طوس ۲ : ۹۹ـ نسخهٔ تاریخ ۱۲٤۵ سپهسالار ۱ : ٤٦۵)

[۱۸٤۲]

۷٦٦٦ این نسخه بنسخ است باعنوانهای «قوله ، اقول» بشنگرف در آغاز وانجام ودرچند صفحهٔ انجام عنوانها سیاه و درشت است ودرمیانهٔ نسخه عنوانهای دوگانه درشت‌تر و خط متن بنسخ ریزتر است (گـ ٤۰ ـ ۳۵۸) در گـ ۸۱ الف

دو حاشیه است بخط ریز با نشانه‌های « شرائع » و « ع ل عد » که شرح شیخ علی بر قواعد یا جامع المقاصد از این دومی باید خواسته شده باشد .

ملامحمد قاضی دارندهٔ نسخه بوده و محمد رسول بن عبدالعزیز در ع ۱/۱۲۳٤ آنرا خریده‌است مهر «محمد رسول الله» او هم هست (رویهٔ برگ پیش از برگ یکم) .

انجام نسخه : قوله : رحمه‌الله وقاتل العمد اذا اخذت الدیه منه صلحا . . . قیل لا یجب الکفارة فی ماله اقول القول المحکی هو قول الشیخ فی المبسوط ... واختار المصنف فی المختلف وجوب الکفارة . قوله رحمه‌الله ولو قتل صبی ومجنون مسلما) (برابر با ص۳ ص ۳٤٦ قواعد چاپ ۱۳۱۵ وشرح سه سطر و نیم دیگر از خاتمهٔ «دیات» وهمهٔ «وصیة» حلی بپسر خود درنسخهٔ ما نیست) .

۳۷۳ش ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۲٦×۳۱/۵ و ۱۱×۱۷/۵ س ۲۵

[۱۵٦۳] کنز الفوائد (عربی)

ایندفتر درفقه واصول وادب است ودر آن از بهائی وداماد وفیض وفاضل صالح شارح کافی م ۱۰۸۱ (گـ ۱۳۵ الف) ومجلسی وافندی وشیخ حر و سید جزائری و آقاجمال ومراد تفرشی ومحقق قمی وحق المبین علامهٔ نجفی یاد شده ونیز دارد « والمساجد » . در آن (گـ ۲۸ ب) از صحت استناد رسالهٔ نماز آدینهٔ شهید دوم کاوش شده ودارد که ابن العودی ونگارندهٔ مدارک آنرا از او دانسته و او هم آنرا چنانکه در ریاض العلما آمده در ربیع یکم ۹٦۲ چهار سال پیش از کشته شدن (اگر بگفتهٔ امل الآمل ۹٦٦ باشد) یا سه سال پیش از آن (اگر بنوشته پسر بهائی ۹٦۵ برابر با : «مثوی الشهید» باشد) نگاشته است .

آغاز : الحمدلله الذی قد عیت الالسنة عن اداء محامده وقصرت العبائر عن بیان مدائحه . . . وفیها مطالب ـ ان ظاهر اخبار الید انما هو ملکیة العین ولا اقل من الشک فی شمولها لملکیة المنفعة .

انجام : فائدة قال فی المغنی فی باب لات . . . وقد وقع الکتابة بالقراءة الشاذة کثیراً ومنه قوله .

[۱۸٤۳]

۹۱۴ این نسخه نسخ تازه‌است با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و با حاشیه بخط نستعلیق با نشانهٔ «منه مدظله العالی» (۳۹ ب) میباشد و از زمان نگارنده است.

(۵۰۰ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا
اندازه: ۱۸×۱۲ و ۱۰×۱۵/۵ س ۳۴

[۱۵٦٤] **اللمعة الجلية في معرفة النية** (عربی)

جمال الدین ابو العباس احمد بن شمس الدین محمد بن فهد اسدی حلی فقیه پارسای عارف (درگذشته در حله بسال ۸٤۱ در ۸۵ سالگی) شاگرد فخر المحققین وشهید یکم در اینکتاب یك مقدمه گذارده در وجوب نیت و نه باب در نیت نه گونه عبادت از طهارت تا امر بمعروف وماناد راینگونه بحث خواست از عارفان پیشین که در وساوس نفس گفتگو داشتند پیروی کند.

در فهرست طوس (۲ - ۲۰۷) از نسخهٔ تاریخ ۹۷٦ و بنام اللمعة الجلية یاد گشت چنانکه کنتوری (ص ۴۸۰) هم اللمعة الجلية را درست پنداشت مگر اینکه در مجالس المؤمنین و در فهرست (طوس ۵ : ٤۸۵) بهمان «اللمعة الجلية» نامیده شده (ص ۲۰) درباره آن «کتاب اللمعة في النية» گفته‌است وخوانساری در امل الآمل (ص ٤٦۰) ومقابس (ص ۱۸) از آن نامی برده نشد. نوری در مستدرك (ص ٤۳۵) همان نام بالا را بدان داده‌است.

باری کتابی در نیت باین درازا و باین موشکافی جز ابن فهد مانا ننوشته‌است.

آغاز: بسمله. رب وفق یا کریم. الحمد لله مبدع الصور ومنشیء البشر وخالق الشمس والقمر الذی بالجود والاحسان اشتهر وفی آیاته ومخلوقاته ظهر وبکنه ذاته عن الاوهام استتر فلا یتلوث بفهم ملك ولا بشر. نحمده علی مانهج لنا من الشرع المطهر الهادی الی احسن السیر و اوضح لنا من العبر الباعثة للفکر المؤدیة الی سعادة المنتشر... فهذه المقدمة الموسومة باللمعة الجلية في معرفة النية وهی مع اشتمالها علی فروع غریبة و نکات عجیبة حلوة المطعم لذیذة المغنم عملتها راجیاً بوضعها الثواب ومتوکلا علی رب الارباب وفیها مقدمة وابواب.

انجام: ولو اخل بالنية او التعيين لم يخرج عن العهدة و نية المندوب آمر بالمعروف لندبه قربة الى الله فهذا آخر ما اردنا ايراده و قصدنا تعداده في هذه اللمعة نفع الله بها الطالبين انه خير موفق ومعين والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين، سلم كثيراً كثيراً (كتبه كمال الدين).

[۱۸٤٤]

۸۷۹ این نسخه ش ٦ دفتر است و بنسخ معرب با عنوانهای شنگرف که کمال الدین عبدالله بن سعید گرگانی نزدیك ۸۷۸ آنرا نوشته است. گ ۱٤۵ ب ـ ۱٦۷ ب و ۲۱۳ الف ـ ۲۲٤ الف. حاشیه‌هائی بخط نستعلیق بر آن هست.

[۱۸٤۵]

۸۸۴ این نسخه ش ۷ دفتر است و بنسخ شمارهٔ پیش و عنوانهای مطلبها پاره‌ای درهامش دیده میشود و درمتن جای آنها سفید است وحاشیه‌ها دارد که مانا از دیگری است نه از خود ابن فهد. چنین است انجام آن: «کتاب الجهاد ... فيقول: اتوجه للجهاد في سبيل الله لوجوبه قربة الى الله. ويجب اعادتها اذا خفت» و کم دارد. گ ۱٤۵ الف ـ ۱۷٤ ب.

[۱۵٦۵] **لوامع النكات** (عربی)

شیخ محمود بن جعفر بن باقر بن قاسم میثمی عراقی تهرانی (رشان کزاز ۱۲٤۰ـ۱۳۱۰ در نجف) شاگرد پدر خود وسید شفیع جابلقی بروجردی م ۱۲۸۱ وملا اسدالله بروجردی م ۱۲۷۱ وشیخ مرتضی انصاری؛ نگارندهٔ «جوامع الاصول» یا «جوامع الشتات فیما برز من العلامة الانصاری من الافادات» در مسئله‌های اصولی بجز حجیت ظن و اصول عملی و تعادل و تراجیح در دو مجلد بزرگ و نزدیك ۱۵۰ هزار بیت و «دار السلام فیمن فاز بلقاء (بسلام) الامام» در ۱۳۰۱ و نزدیك ۲۲ هزار بیت بپارسی (چاپ ۱۳۰۳) و «قوامع الفضول عن وجوه حقائق الاصول» که بروش فصول در دو مجلد بزرگ و نزدیك ده هزار بیت در همهٔ مبحثهای اصول و گرفته از سخنان انصاری که پس از جوامع و لوامع نوشته و در آن بیشتر به تعلیقه مینگرد

و «خزائن الکلام فی شرح قواعد الاحکام» در دو مجلد بزرگ نزدیک ۸۰ هزار بیت در گزارش باب طهارة قواعد، و «کفایة الراشدین فی الرد علی جماعة المبدعین» نزدیک ۵ هزار بیت و «مشکوة النیرین» در مناقب و مصائب نزدیک ۲۰ هزار بیت میباشد. باین تقریرها که او از درسهای فقهی و اصولی استادش انصاری کرده و باین گردآوری که از یادداشتهای پراکندهٔ او نموده است دانشمندان شیعی بسیار ارج مینهند و بدان نیازمندند و همواره در آن مینگرند (۱).

عراقی در آغاز اینکتاب «لوامع النکات الجامع لما برز من الشیخ الانصاری فی الفقه» که در چهار مجلد و نزدیک صد هزار بیت استمیگوید که من «جوامع الشتات الحاوی لما برز من شیخنا الانصاری قده فی المباحث الاصولیة» نگاشتم یاران هوشمندم از من درخواستند که کار فقهی استاد را هم بنمایانم این بود که بدین نگارش بپرداختم و عنوانهای «شرایع» را در آن آوردم و بترتیب آن پیش رفتم تا بجای گزارشی برای آن باشد و آن بر چهار بخش میباشد. من میخواهم آنچه را که شیخ انصاری دریافته و ننوشته یا اینکه نوشته و پراکنده مانده و در دسترس همگان نیست بنگارم و چون خود او طهارت و تجارت را نگاشته است من از آن در گذشتم - عنوانهای آن «لامعه» است و باید بیش از شش جزء باشد و آنچه من آگاهم که نوشته شده بدینگرنه است:

جزء ۱ و ۲ در صلوة ش ٧٤٤ اینکتابخانه؛ جزء ۳ در خمس و صوم که در تاریخ چهارشنبه ۲۳ ع ۱۲۸۸/۲ نگاشته است (ش ۷۹۱ کتابخانهٔ طوس ۵: ۸ - ٤٨٧)؛ جزء ۵ در رهن و اجاره - وقف و صیت و نکاح تاریخ ۱۲۸٦ در نجف (ش ۷٤۸ نیمهٔ دوم و ۷٤۹ نیمهٔ یکم در اینکتابخانه - ش ۷۹۲ طوس جزء یکم نوشتهٔ ۱۷ ج ۱۲۹۰/۱ و ۷۹۳ نیمهٔ دوم)؛ جزء ٦ در صید و ذباحه و غصب و احیاء موات و لقطه - قضا و شهادات (ش ٧٤٥ همهٔ آن و ۷٤٦ نیمهٔ یکم و ۷٤۷ نیمهٔ دوم) از جزء سوم

۱- بنگرید به: مآثر و آثار ص۱٦٦ - ذریعه ۵: ۲٤۸ و ۲۵۱ و ۸: ۲۱ - و ریحانة الادب ۲: ٤۳۵ - فهرست طوس ۵: ۲٦٦ - دیباچه و پایان چاپ سنگی قوامع در تهران اندر ۱۳۰٦ که سرگذشت او بخامهٔ خود او و دیگری هست.

و جزءهای پس از ششم آگاه نیستم. تاریخ جزءهائی که در اینکتابخانه هست از آنچه که درباره آنها نوشته‌ام بدست میآید.

[۱۸٤٦]

٧٤٤ این نسخه جزء ۱ و ۲ در صلوة و بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از خود عراقی در نجف شام روز چهارشنبه ۱۲ صفر ۱۲۸۸ - شیخ حسین مشهدی نسخه را در رجب ۱۲٦۸ ببهای سی تومان ایرانی خریده و بخط خود دربارهٔ ستایش و ارزش این نسخه شرحی نوشته و سرگذشت عراقی را هم آورد (۱ الف).

آغاز: بسمله. وبه نستعین. وهو القوی العزیز. الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین. وبعد فیقول العبد المبتلی العاثر محمود بن جعفر بن باقر انی بعد ما کتبت جوامع الشتات الحاوی لما برز من شیخنا الانصاری قده فی المباحث الاصولیة من الافادات سئلنی جماعة ... ان اکتب کتاباً فی المسائل الفقهیة یجمع به من هذا الباب ما التقطت من مطارح انظاره ... فاجبت ... ان اکتب کتاباً جامعاً لما سمعناه منه طیب رمسه شفاهاً و خطابة او وصل الینا منه حکایة او کتابة موسوماً بلوامع النکات معنوناً غالباً بما فی الشرائع من العنوانات مراعیاً فیه ترتیبه من الاقسام والکتب بل من جمیع الجهات حتی یکون کالشرح الکاشف لتام قواعده ... فوفقت وله الحمد لذلک ... غیر انه یردمضجعه لما کان من عاداته الجاریة انه ما یصطاد الخنزیر ولا یقنع باثبات الید علی الصید الاسیر ... ماجاء الکتاب وافیاً لجمیع الکتب والفروع والابواب ... الا ان کل فرع منه اصل یتفرع علیه الف فرع.

انجام: فهذا آخر ما اردنا ذکره من مباحث الصلوة وبه تم الجزء الثانی من اجزاء لوامع النکات الجامع لما افاده شیخنا الانصاری طیب رمسه فی المباحث الفقهیة ... وقد فرغ من تألیفه و تسویده العبد المبتلی العاثر محمود بن جعفر بن باقر من ارض الغری فی عشیة یوم الاربعاء الثانی عشر من شهر صفر من شهور سنة ۱۲۸۸ ثمانیة وثمانین بعد الالف ومأتین من الهجرة ... والحمد لله اولا و آخراً کما هو اهله ومستحقه.

(۲۹۳ص) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه: ۲۱/۵×۳۱ و ۱۲×۲۱ س ۲٤

[۱۹٤۷]

۷٤۵ این نسخه همه جزء ششم و در صید و ذباحه تا قضا و شهادات برابر با آنچه که در ش ۷٤٦ و ۷٤۷ آمده است و بخط نستعلیق خوش با عنوانها در بالای صفحه‌ها و روی آغاز مطلبها و عنوانها خط کشیده شده است. در شب آدینهٔ ۲۰ صفر (اربعین)

۱۲۹۸ نوشته شد ـ شمارهٔ ش ۹۵٦ است.

آغاز : بسمله . الحمدلله علی نعمائه والصلوة والسلام علی محمد خاتم انبیائه . . . فیقول العبد المبتلی العاثر محمود بن جعفر ابن باقر ان هذا هو الجزء السادس من کتاب لوامع النکات الجامع لما برز و وصل الینا من شیخنا الانصاری قدس سره فی الفقه من الدقائق والتحقیقات کتبته تذکرة لنفسی وللطالبین ... القسم الرابع فی الاحکام.

انجام : هذا آخر الجزء السادس من کتاب لوامع النکات وقد فرغ من تألیفه وتسویده مؤلفه العاثر محمود بن جعفر بن باقر المبتلی تسبأفی المشهد المشرف الغروی النجف الاشرف علی مشرفه الآلاف من التحیة والثناء (قد تمت الکتاب ... فی لیلة الجمعة الاربعین ولیلة العشرین من شهر صفر المظفر ثمان و تسعین و مأتین بعد الالف من الهجرة النبوی علیه وعلی هاجرها الف الف سلام).

(۴۷۸ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ترپاکی ضربی مقوائی
الدازه : ۱۷×۲۲ و ۱۰×۱٦/۵ س ۱۹

[۱۸٤۸]

۷٤٦ این نسخه نیمهٔ یکم جزء ششم و درصید وذباحه وغصب و احیاء موات ولقطه وقسم رابع احکام است واین قسم ۱۲ کتاب باید باشد وبخط نسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد همان مشهدی دارندهٔ نسخه مینویسد که دراین نسخه همان کتابها است و همهٔ آن بخط حجة الاسلام آقا سید حسن کاشی پیشناز معروف مشهد مقدس میباشد ومن اوزا دیده‌ام (۱ الف).

آغاز : بسمله . و به نستعین . الحمدلله علی نعمائه والصلوة علی خاتم انبیائه . . . فیقول العبد المبتلی العاثر محمود بن جعفر بن باقر ان هذا هو الجزء السادس (... ۷٤۵).

انجام : کاعتبارهم علی قول الفقراء فراجع وتأمل وتبصر والله الهادی ویتلوه الکلام فی باب القضاء انشاءالله تعالی.

(۲۱۴ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
الدازه : ۱۵/۵×۲۱/۵ و ۹×۱۵ س ۲۰

[۱۸۵۰]

۷٤۷ این نسخه نیمهٔ دوم جزء ششم و درقضاء وشهادات است وبنسخ با عنوانها ونشانهای شنگرف مانند ۷٤٦ ودرروز آدینهٔ ۷ع۱/۱۱۹۱ نوشته شده‌است. عراقی آنرا در نجف ۲۱ رجب ۱۱۸۷ بنگارش درآورده بود. خط همان مشهدی دارندهٔ نسخه بتاریخ ۲ع۱/۱۳٦۵ برگ ۱ الف هست.

آغاز : بسمله . کتاب القضاء . والنظر فی صفات القاضی و آدابه و کیفیة الحکم

واحکام الدعاوی . الاول فی الصفات . لامعة : فی الشرائع : ویشترط فیه البلوغ.

انجام : بمانند ۷٤۵ : « ... علی مشرفه الآلاف من التحیة والتحف فی الحادی والعشرین من رجب سنة سبع وتسعین ومأتین بعد الالف والحمدلله اولا و آخرا کما هو اهله ومستحقه وقد فرغ من تنمیقه وتحریره کاتبه فی الیوم الجمعة لسبع مضین من شهر الربیع الاول من سنة ۱۲۹۱ من الهجرة النبویة والحمدلله اولا و آخرا (تاریخ نگارش در آن نسخه نیست).

(۲۰۵ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
الدازه : ۱۵×۲۲ و ۹×۱۵ س ۲۰

[۱۸۵۰]

۷٤۸ این نسخه نیمهٔ دوم جزء پنجم ودروقف ووصیت ونکاح است که عراقی آنرا در نجف بسال ۱۲۸٦ نگاشته است . نسخه بهمانگونه خط ش ۷٤٦ میباشد . شمارهٔ جزءهای این نسخه ٤٤ وبرگهای آن ۲۳٦۲ است (۱۸٦ الف).

مزه وشتن آن هم بسیاق درهمینجا نوشته شده است . خط همان مشهدی دارندهٔ نسخه بتاریخ ٦ع۱/۱۳٦۵ در آن هست.

آغاز : بسمله . کتاب الوقف . والنظر فی العقد والشرائط واللواحق . الاول فی العقد . لامعة : الوقف عقد.

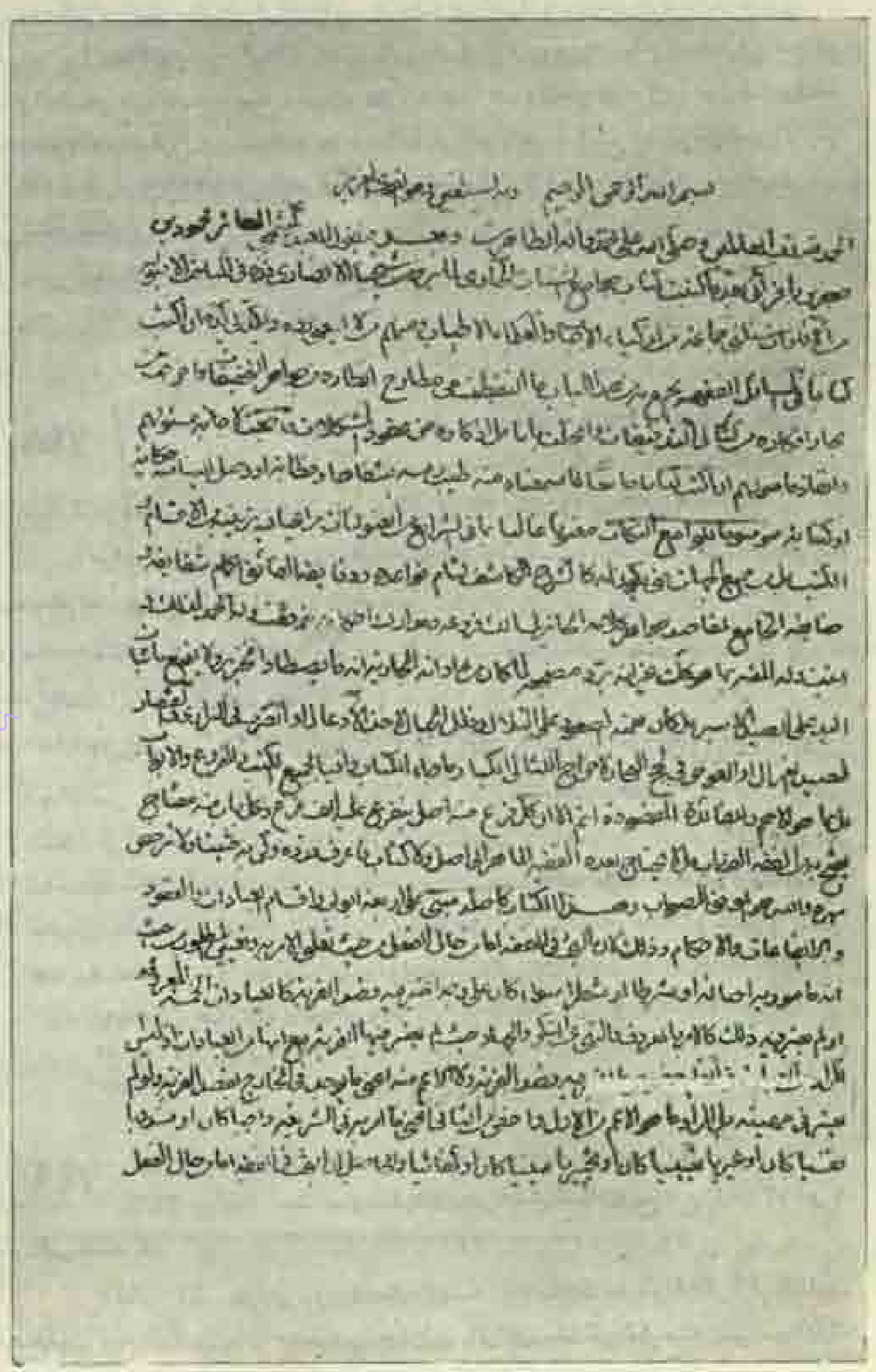
انجام : مع انه احوط للدین واوفق بالطریق الموصل الی الحق والیقین اللهم اجعلنا ممن یأخذون بالاحتیاط ... ابد الابدین هذا آخر الجزء الخامس من کتاب لوامع النکات فی تحقیق مهمات مباحث العقود و احکامها و یتلوه الجزء السادس فی مهمات مباحث الاحکام انشاءالله تعالی . قد فرغ من تسویده وتألیفه مؤلفه العبد العاثر محمود بن جعفر بن باقر المبتلی فی ... النجف ... والحمدلله اولا و آخرا و باطنا و ظاهرا کما هو اهله ومستحقه فی سنة ست وثمانین ومأتین بعد الالف ۱۲۸٦.

(۱۸٦ص) ـ همان کاغذ وجلد ش ۷٤٦
الدازه : ۱٦×۲۲ و ۹×۱۴ س ۲۰

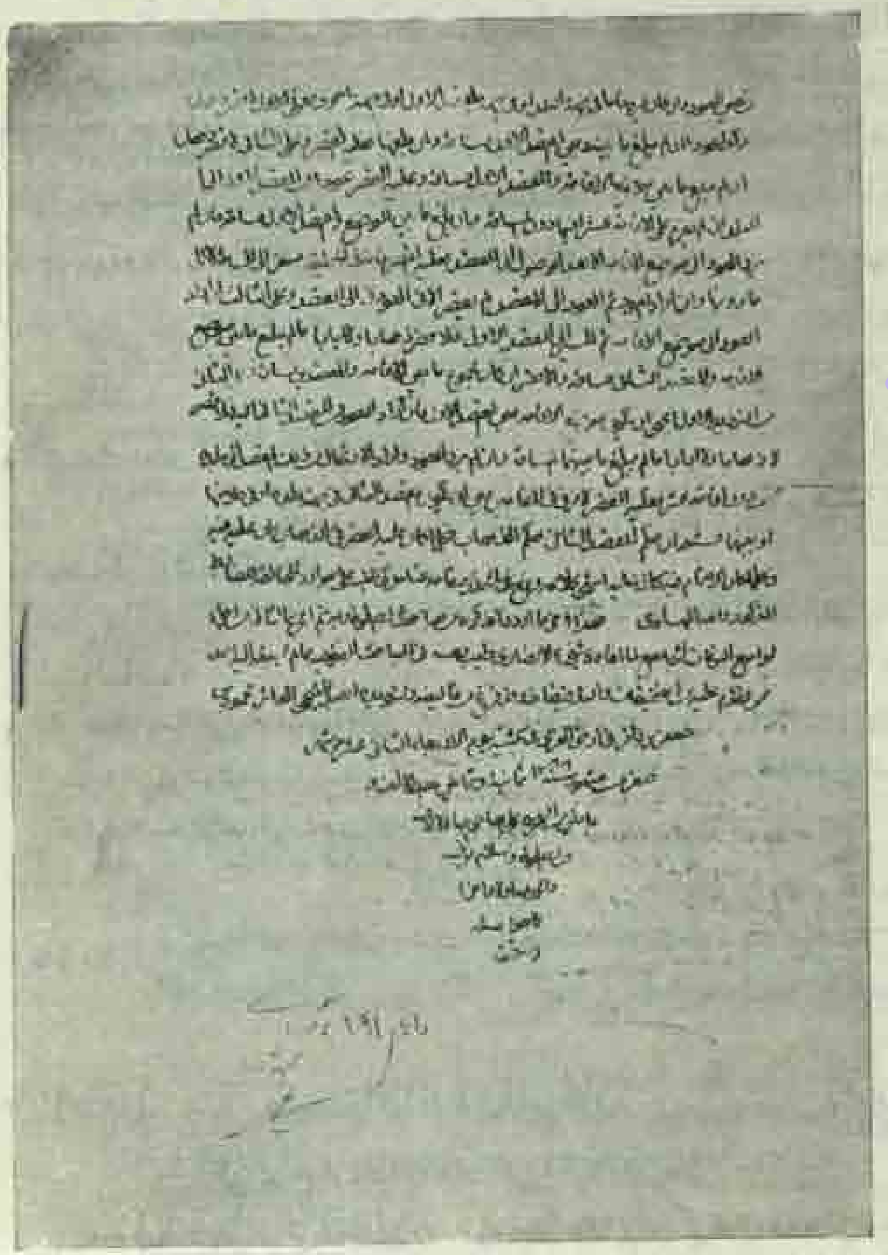
[۱۹۵۱]

۷٤۹ این نسخه نیمهٔ یکم جزء پنجم ودررهن و اجاره است و بهمانگونه خط ش ۷٤٦ میباشد . خط همان مشهدی دارندهٔ نسخه بتاریخ ۲ع۱/۱۳٦۵ در ۱ الف هست.

آغاز : الله . هو تقی . وبه نستعین . بسمله . وبه نستعین الحمد والشکر لرب العالمین فیقول العبد المبتلی العاثر محمود بن جعفر بن باقر ان هذا هو الجزء الخامس من اجزاء



گ ۱ ب اوامع النکات ش ۷٤٤



گ ۲۹۱ ب اوامع النکات ش ۷٤٤

كتاب لوامع النكات الحاوى لما برز من شيخنا الانصاري قدس سره في الفقه من الافادات كتبته تذكرة لنفسي وللطالبين ... وهو مشتمل على كتب . كتاب الرهن .

انجام : وامامن محكمها حكم الامانات في قبول قول الامين عند دعوى السلف كما لايخفى والله الهادي .

[۱۶۹۰س: همان كاغذ وجلد ش ۷۴۹
اندازه : ۱۵٫۵ ۲۲ ع ۹ × ۱۵ س ۲۰

[۱۶۶۶] مالابد منه في مذهب الامامية (فارسی)

دراين منظومه ازاصول وفروع شيعى تا زكوة آمده است .

آغاز :

تبارك خالق بيچون تعالى ربنا الاعلى
حكيم وعادل وعالم قديم وفرد وبى همتا
بدان كز واجبات آمد بنام حق ادا كردن
كه نام ذات پاك اوست مقصود همه اشيا

انجام :

همين حب نبى داريم و آلش — كز ايشانست اميد شفاعت
بدين شاديم وخوشدل چون سليمى — به فقر و عافيت كرده قناعت

تمام شد مالابد في مذهب الامامية عليه السلام

[۱۸۵۲]

۱۰۱۵ اين نسخه ش ٤٠ دفتر است و بستعليق با عنوانها به شر و شنگرف . گ ۱٤۷ ب — ۱٥٤ ب .

[۱۵۶۷] مجمع الفائدة والبرهان (عربى)

في شرح ارشاد الاذهان الى احكام الايمان

مقدس اردبيلى مولى احمد بن محمد (م صفر ۹۹۳) اين گزارش را براى پسر خود محمد بر ارشاد علامۀ حلى نگاشته ودر كربلا در رمضان ۹۷۷ آنرا آغاز و جزء

يكم (طهارة وصلوة) آنرا در نجف ۱۰ ع ۹۷۸/۱ و جزء باز پسين آنرا درهمانشهر در نيمۀ روز يكشنبه ۲ صفر ۹۸۵ بانجام رسانده . او در ديباچۀ آن از كسى نستوده و در خود آن پاره هائى از متن را پس از قوله آورده آنگاه بگزارش پرداخته است . خود، آنرا در پايان جلد يكم چنين ناميده و آنچه كه مى نگاشت بدو شاگرد خود او نگارندگان معالم و مدارك ميداده تا بدان بنگرند و هر جا كه ميبايد درست كنند از اين گزارش از نكاح تا ايمان و كفارات در دست نيست و گويا چون يادداشتها و پيشنويس خود از همين گزارش را بشاگردان خويش داده بود تا آنرا پاكنويس كنند و اين بخش را ابدهم نوشته بود آنها نتوانستند آنرا بخوانند و از روى نوشتۀ او نسخه بردارند و استاد در گذشت از اينروى برخى از آنها از نگارندۀ مدارك درخواستند تا آنرا كامل سازد اين بود كه او همين بخش (نكاح تا نذر) را آنهم از مختصر نافع بنام «نهاية المرام» گزارش نوشت نه از خود ارشاد چه اينكه نميخواست همان كار استاد را دنبال كند تا مبادا گستاخى بشمار آيد . از اين گزارش او بر نافع نسخه اى اكنون هست . (مستدرك ۳۹۱ - روضات ۶۰۲ - كنتورى ص ۵۹٤ - طوس ۵ : ٤۶۱ - فهرست معارف ۱ : ۹۵) در ذريعه (۶ : ۱۰۹) دو حاشيۀ نائينى و بهبهانى (ش ۷۷۰/۳ ص ۱۸۶۶ همين فهرست) بر اين گزارش اردبيلى ياد شده است (نيز معارف) (۱) .

آغاز : بسمله . الحمد لله خالق الهداية والارشاد و مميز الانسان من بين المخلوقات بالكرامة والوداد .

انجام : هذا آخر ما اردنا ايراده ... قد وصل الى هنا يوم الاحد ثانى شهر الصفر ... وقت صلوة الظهر في النجف ... سنة خمس وثمانين وتسعمائة .

[۱۸۵۳]

۷٤۲ اين نسخه چاپ سنگى تهرانست بخط نسخ محمد بن على خوانسارى كه بدستور حاج محمد تقى بن مولا محمد حسن خوانسارى در روز آدينۀ ۸ ذى قعده ۱۲۷۲

۱- بنگريد به : ص ۶۰۰ همين فهرست - طوس ۲ : ۵ - ۱۲٤ نسخۀ تاريخ ۱۰۲۱ و ۵ : ۹ - ٤۸۸ و ۶۰۹ نسخۀ ۱۰۹۹ - سپهسالار ۲ : ٤٤۱ نسخۀ ۱۲۵۰ .

بانجام رسید (گ۱۱۲ الف) حاشیه‌هائی برآن هست از یکی از دانشمندان که در برخی جاها عنوان مطلبها را هم در کنار برگها نوشته و برگها را هم شماره گذاری کرده است. فهرستی از پاره‌ای از مطلبهای آن با شمارهٔ برگها در درون جلد و روی برگ یکم بخط همو هست. این چاپ درجزء یکم (طهارة وصلوة) از روی نسخهٔ جمال‌الدین بن حسین خوانساری از روی نسخهٔ درست عده روزگار اردبیلی شده است و از طهارة تا عطایا واز صید وذباحه تا دیات است متن در پاره‌ای جاها در بالای برگها هست.

(۵۳۴ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۲۲×۳۱ و ۱۵×۲۰ س ۴۱

[۱۵٦۸] **مختصر نافع** (عربی)

محقق حلی در این دفتر گزیدهٔ آنچه را که در شرائع خود آورده است یاد نمود و خود در دیباچهٔ آن بدان نامی نداده ولی در دیباچهٔ معتبر (ص۳) آنرا بنام بالا خوانده و گفت «اتفق لنا اختصار کتاب الشرائع بالمختصر النافع». شمارهٔ مسئله‌های آنرا نه هزار نوشته‌اند (ص ۱۸٦۳ همین فهرست).

خود حلی نخستین بار برمختصر نافع گزارشی بنام المعتبر فی شرح المختصر آمیخته با متن بدستور بهاءالدین محمدبن شمس‌الدین محمدبن محمد جوینی نگاشته مگر اینکه آنرا بپایان نبرده و نسخه‌های آن دارای طهارة و صلوة وزکوة وخمس وصوم واعتکاف و حج میباشد (چاپ ۱۳۱۸ تهران) سپس آبی بنام کشف الرموز وابن فهد بنام المهذب النافع و المقتصر من شرح المختصر وسیوری بنام التنقیح الرائع لمختصر الشرائع و عاملی بنام غرر الجامع و نگارندهٔ مدارك بنام نهایة المرام وقطیفی بنام ایضاح النافع وطریحی بنام الضیاء اللامع وطباطبائی در دو شرح کبیر وصغیر وعلی بن رضا فرزند بحرالعلوم بروجردی (۱۲۴۲–۱۲۹۸) بنام البرهان القاطع لاحکام مختصر الشرائع و محمدرضای شیرازی (۱۳۰۲۹) بنام الانوار الرضویه برآن گزارش نوشتند. گزارشی از گمنام هم درفهرست طوس (۵:٤٥۹ ش ۷۲۷) یادگشت ترجمه‌ای بفارسی هم از آن شده است (طوس ٤۱۳:۵) تهرانی در ذریعه (٦:۱۹۳) نه حاشیه برای آن برشمرد.

مختصر نافع بکوشش محمدباقربن حاج محمدزمان تهرانی در٤–۱۳۲۳ در۲۵۳ص ربعی بچاپ سنگی رسید. درفهرست طوس (۲:۱۷٦) از چاپ ۱۲٦۷ هند هم یادگشت (۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی صغرت فی عظمته عبادة العابدین ... امابعد فانی مورد لك فی هذا المختصر خلاصة المذهب المعتبر بالفاظ محبرة و عبارات محررة ... علی ما بان لی سبیله ووضح لی دلیله.

انجام: الثالثة لایعقل العاقلة البهیمة ولااتلاف مال ویختص ضمانها بالجنایة علی الآدمی. فهذا ما اوردنا ذکره و قصدنا حصره مختصرین مطوله محررین محصله و نسأل‌الله سبحانه ان یجعلنا ممن شکر عمله و غفر زلله و جعل الی الجنة منقلبه ومنتقله انه لایخیب من سأله ولایخسر من امله و صلی‌الله علی محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً کثیرا.

[۱۸۵٤]

۷۷۸ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف میباشد. حاشیه‌هائی بنسخ ونستعلیق دارد با نشانهٔ «ع ل» و «ح ل» وبی نشانه ودر کنار برگ ۲۳۸ ب اجازه‌ایست از حسام‌الدین درویش علی حلی برای سیدیحیی ابن سیداحمد اعرج حسینی که مینویسد که او این نسخه را سراسر نزد من خوانده و تاریخ آن ٦ رمضان ۱۰۳۲ میباشد. بلاغ سماع درهامش هست. سه برگ نخستین وبرگ بازپسین نونویس است وتاریخ۱۲۳۵ درپایان دربرگ نونویس دیده میشود

(۲۳۹گ) ــ کاغذ ترمه ــ جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه: ۱۳×۲۰ و ۱۰/۵×۱٤ س ۱۳

۱ــ بنگرید به: چلپی ۲: ۵۸۱ که آنرا «النافع فی مختصر الشرائع» خوانده است ــ کتوری ٤۹۸و۵۳۳و۳۵۲ــ فاضلیه ص۱۲۷ــ طوس ۲:۱۱۵ و۵:٤۹۱ــ سپهسالار ۱:۵۱۲ ــ ذریعه ۲:۵۰۲.



گ ۲۳۸ ب بازپسین صفحهٔ بخط کهن در پایان مختصر نافع ش ۷۷۸

[۱۵۶۹] مختلف الشیعة فی احکام الشریعة (عربی)

علامهٔ حلی در این دفتر فتواهای اختلافی و سخنان ناساز گار دانشمندان شیعی را آورد و خود یکی از آنها را بر گزید و برای آن دلیل یاد نمود.

پیش از او مفید و مرتضی و طوسی دربارهٔ خبرهای ناساز گار و مسئله‌های اختلافی اصولیان و فقیهان سنی و شیعی نگارشها پرداختند (بنگرید بآنچه که دربارهٔ مسائل الخلاف طوسی خواهم نوشت) عزالدین آبی هم در ۶۷۲ در کشف الرموز (ش ۷۲۱ س ۱۹۸٤ همین فهرست) از سخنان ناساز گار دانشمندان فقه یاد نموده است. حلی پس از او بوده که این دفتر را بانجام رسانده. او نخستین جزء مختلف را در ٤/ج۲/۶۹۹ (ذریعه ۸ : ۲٤۹) و جزء دوم را در پایان ذی حجهٔ ۷۰۰ نوشته (نسخهٔ ما) و از جزء پنجم نکاح را در ۷۰۶ و طلاق را در ۷۰۰ (ش ۳۵۱ و ۳۵٤ طوس) و پس از آن تادیبات را در ۱۵ ذی قعدهٔ ۷۰۸ بانجام رساند (۱).

حلی در دیباچه میگوید که من در این دفتر همان مسئله‌های اختلافی را آوردم نه اتفاقی دانشمندان ما را چه اینکه در «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» هردو گونه از مسئله‌های فقه را یاد کردم و هر که بخواهد، بدان بنگرد. در هر مسئله‌ای اگر دلیلی برای گویندهٔ آن یافتم یاد نمودم و اگرنه باندیشهٔ خویش دلیلی برای آن پنداشتم و نوشتم و میان دانشمندان از روی میانه روی داوری کردم. چنین دفتری هیچ یکی از دانشمندان پیش از من ننوشتند و من نخستین بار است که بچنین نگارشی پرداختم. حلی در خلاصه (ص ۲٤) در ۶۹۳ دربارهٔ آن مینویسد «کتاب مختلف الشیعة فی احکام الشریعة ذکرنا فیه خلاف علمائنا خاصة وحجة کل شخص والترجیح لما نصیر الیه» و در اجازهٔ بمهنا در ۷۲۰ میگوید «کتاب

۱ـ بنگرید به : چاپ سنگی مختلف در تهران بسال ٤ـ۳ـ۱۳۲۲ بخط نسخ ومقابلهٔ غلامحسین بروجردی عراقی بکوشش شیخ احمد شیرازی در ۷ جزء، نخستین در ۱۷۱ ص دوم در ۲۸۱ ص سوم در ۱۰۳ ص چهارم تا هفتم در ۲۷٤ ص رحلی ـ نسخه ش ۳۵۳ طوس (۱۰۸۰۲).

مختلف الشیعه فی احکام الشریعة سبع مجلدات ، (ص ۳۰ و ۵۲ اجازات بحار) .

در فهرستهای سپهسالار (۱: ۵۱۵) وطوس (۵: ۴۹۲) فهرست جزءها و کتابهای مختلف آمده است .

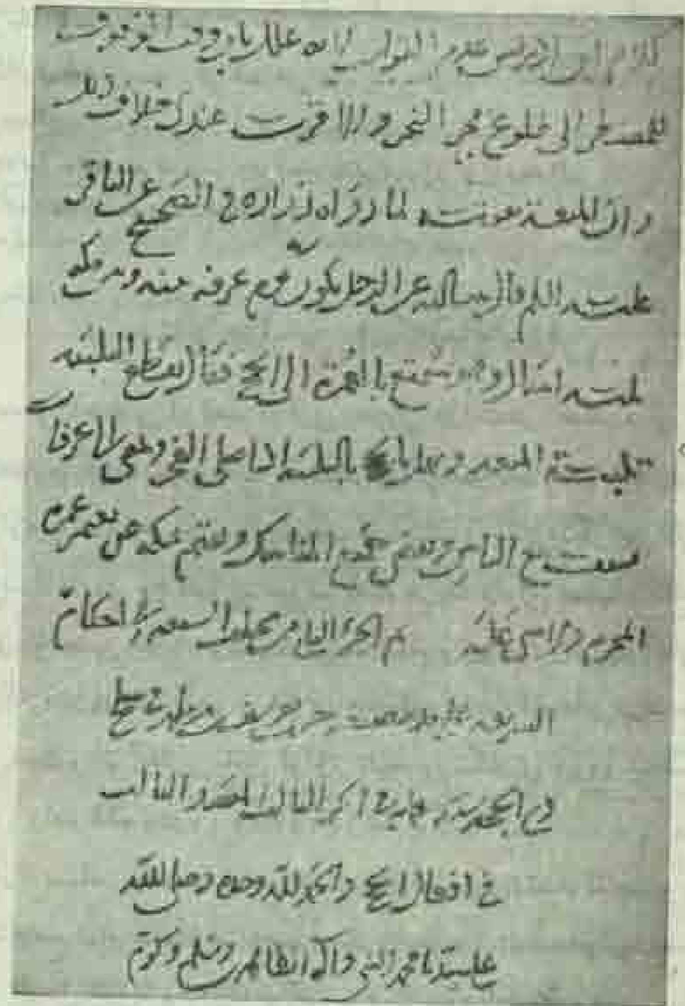
در فهرست کنتوری (ص ۳۵۲) از گزارش فیض الله بن عبدالقاهر حسنی تفرشی (م رمضان ۱۰۲۵) بر مختلف یاد شده و این یکی از همان حاشیه‌های سیزده گانهٔ مختلف است که در فهرست معارف (۱: ۹۷) و ذریعه (۶: ۱۹۴) برشمرده شد . در فهرست طوس (۵: ۴۹۲) هم از یاده‌ای از حاشیه‌های آن یاد گردید .

آغاز : بسمله . وبه نقتی . الحمدلله محق الحق وقامع الباطل و مظهره و ممیز انواع الانسان عن غیره من انواع الحیوان بقوة العرفان . . . امابعد فانی لما وقفت على كتب اصحابنا المتقدمین . . . ومقالات علمائنا السابقین فی علم الفقه وجدت بینهم خلافاً فی مسائل كثيرة . . . فاحببت ابراد تلك المسائل فی دستور یحتوی على ما وصل الینا من اختلافهم فی الاحكام الشرعیة و المسائل الفقهیة دون ما اتفقوا علیه اذ جعلنا ذلك موكولا الى كتابنا الكبير المسمى بمنتهی المطلب فی تحقیق المذهب فانه جمع بین مسائل الخلاف والوفاق . . . ثم ان عثرنا فی مسئله (مقالة) على دلیل لصاحبها نقلناه والا حصلناه بالتفكر وانبتناه ثم حكمنا بینهم على طريقة الانصاف . . . ووسمنا كتابنا هذا (وسمیناه) بمختلف الشیعة فی احکام الشریعة وهذا الكتاب لم یسبقنا احد ممن تقدمنا من العلماء ، ولا نهج طريق الادلة فیه من تقدم من الفضلاء .

انجام : ولیكن هذا آخر ما اردنا اثباته فی هذا الكتاب . . . فرغت من تسوید الجزء السابع من مختلف الشیعة فی احكام الشریعة و به تم الكتاب من تسویده فی خامس عشر ذی القعدة من سنة ثمان و سبعمائة والحمدلله وحده و صلى الله على سیدالمرسلین محمد النبی وآله الطیبین الطاهرین .

[۱۸۵۵]

۷۰۷ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف میباشد ودارای « كرة » وخمس وصوم وبخشی ازحج است واز پایان آن برمیآید كه جزء دوم است كه انجام میگیرد وبخط خود حلی است در پایان ذی‌حجهٔ ۷۰۰ ـ شمارهٔ كراسها در گوشهٔ بالائی برگها



گ ۲۳۵ الف پایان جزء دوم مختلف علامه ش ۷۰۷

در نسخهٔ چاپی پس از « ولا شی علیه » دارد « تم المجلد الثانی من مختلف الشیعة فی احكام الشریعة ویتلوه فی الجزء الثالث المقصد الثالث فی افعال الحج » و این تاریخ در آن نیست .

نوشته شده وهر کراسی دوازده برگ است و چنین نوشته شده « الثالثة من الثانی ، الرابعة من الثانی ... العشرون من الثانی » وبهم نزدیك بیست و یك کراس میشود . برگ ۱۱۹ نونویس است . برخی جاها حاشیه دارد مانند ۱۷۱ ب و ۲۲۳ الف . برخی جاها کاغذ چسبانده‌اند .

۵ **آغاز نسخه** : بسمله . توکلت علی الله . کتاب الزکوة وفیه مقاصد . الاول من یجب علیه . مسئلة .

(۲۳۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی گرده آن سرخ ومقوائی
اندازه : ۱۱/۵×۲۵ و ۷×۱۸/۵ س ۲۱

[۱۵۷۰] **مرآة الاخیار فی احکام الاسفار** (عربی)

۱۰ محمد بن احمد بن ابراهیم درازی بحرانی دراین دفتر احکام دینی مسافر را گنجانده ومیگوید خوب است که مسافران آنرا همراه داشته باشند . اومینویسد که من از هیچ شیخ وسیدی پیروی نمیکنم و بکتاب و سنت میگرایم . دراین دفتر مقدمه‌ایست دارای ۳۱ فصل و سیزده بحث هریك دارای فصلها و مقامها و یك خاتمه و یك حسن خاتمه هریك دارای سه مقام و فهرست اینها در آغاز هست .

۱۵ درازی آنرا در ۱ رمضان ۱۱٤۲ یا ۱۱۸٤ بانجام رسانده . اوماننا برادر شیخ یوسف بحرانی است و از آغاز و پایان لؤلؤتی البحرین نگارش ۱۱۸۲ پیداست که او در ۱۱۱۲ زاده شده ودر ۱۱ ع ۱۱۸۲/۲ زنده بود .

آغاز : بسمله . الحمدلله جامع الشتات والمأمول من ارتضاه للنجاة و بعد فهذا فهرست جامع لمافی هذه الرسالة من ابحاث وابواب ... المقدمة وفیها احدوثلثون

۲۰ فصلا ... الفصل السابع وفیه مقدار الضرب فی التیمم والحمدلله وحده ... الاخیار الانجبین وجنده (فهرست مطلبها ۱ ب ـ ۵ الف) بسمله وبه نستعین الحمدلله الذی فرض الصلوة اولا رکعتین رکعتین و فرض لنبیه امر دینه فاضاف لکل اثنتین اثنتین ... فیقول ... محمد بن احمد الدرازی انه کثیراً مایختلج فی الخاطر ... تألیف رسالة فی احکام المسافر وسمیتها مرآة الاخیار فی احکام الاسفار (٦ ب ـ ۷ الف)

انجام : وانتهاء تصنیف هذه الرسالة الحاویة الجلیلة ... (۱) غرة شهر رمضان الحرام ختم بالخیر والرضوان للسنة ۱۱۸٤ (٤۲) علی ید مؤلفها ... محمد بن احمد بن ابراهیم البحرانی الدرازی حامداً مصلیاً ... متضرعاً والحمدلله وحده وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین .

۵ (وکان الفراغ من کتابة هذه الرسالة الجلیلة یوم الثانی عشر من شهر صفر ... سنة ۱۱۸٤ (۲) الحادیة (؟) والثمانین بعد المائة والالف علی ید ... علی بن عبدالحسن بن عبدالنبی البحرانی الشاحوزی غفرالله له ولوالدیه ولمؤلفها ولوالدیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات انه کریم رزاق والحمدلله وحده و صلی علی محمد وآله الطاهرین الطیبین تم تم تم تم) .

۱۰ [۱۸۵٦]

۷۲۵ این نسخه پنبح است با عنوانهای شنگرف از علی بن عبدالحسن بن عبدالنبی بحرانی شاحوزی که درروز ۱۲ صفر ۱۱۸٤ یا ۱۱۸۱ آنرا بانجام رسانده . درروی ۱ برگ پیش از کتاب دارد : « قد انتقل الی وانا علی بن ابراهیم القمی » با مهر « علی بن محمد بن ابراهیم » در ۱ الف دارد « بملك هذه الرسالة مؤلفها وفی حیازة

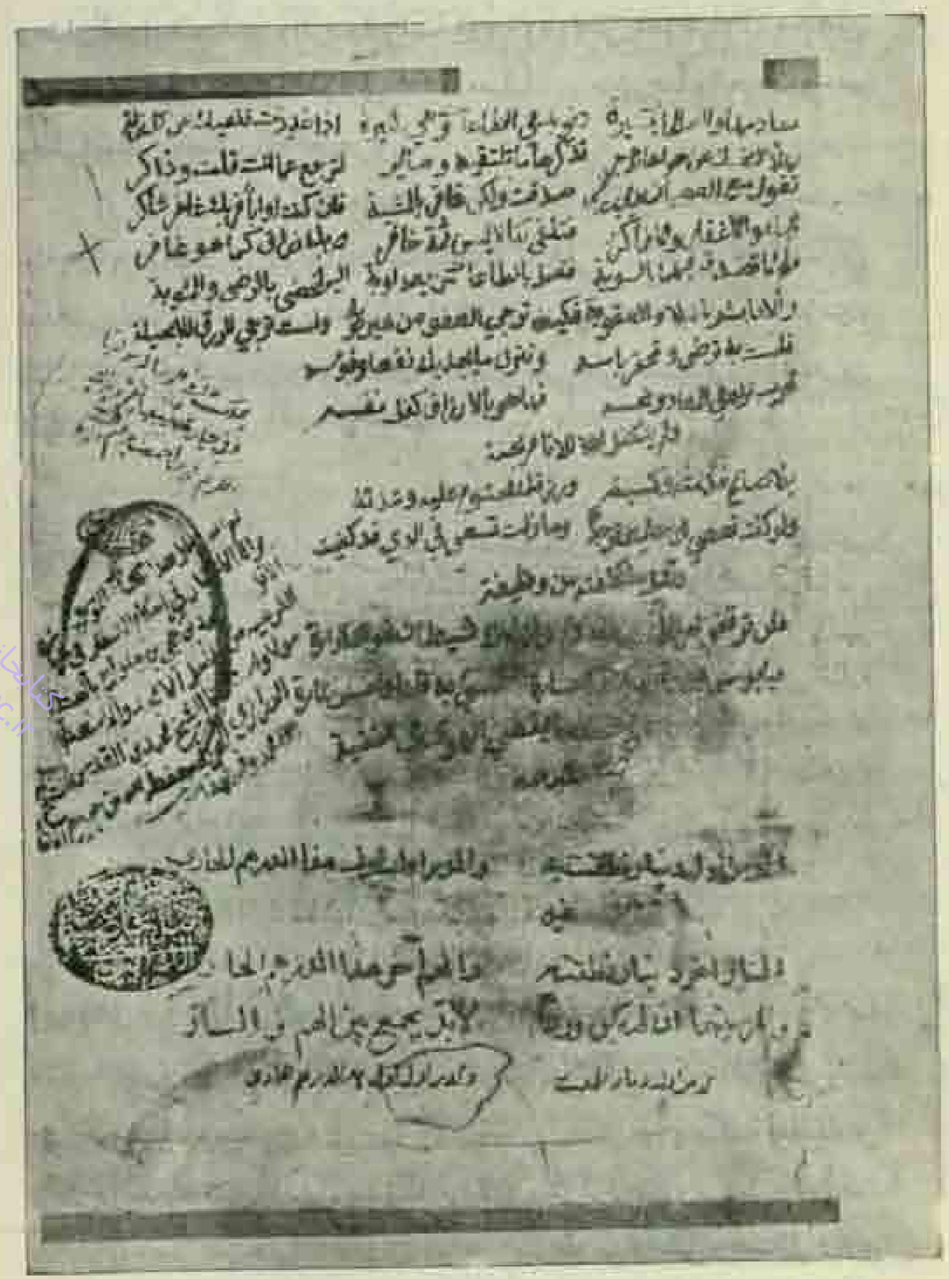
۱۵ مصنفها فقیر ربه الغنی الکریم محمد بن احمد بن ابراهیم الدرازی » و نوشته استکه او به محمد بن حجی بن جلواح شاگردش بخشید (بخط این شاگرد) . ضیاءالدین نوردی دارندهٔ نسخه بوده است .

(۱٦۰ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ترنجی مقوائی
اندازه : ۱۵×۲۰ و ۹/۵×۱٦/۵ س ۱۹

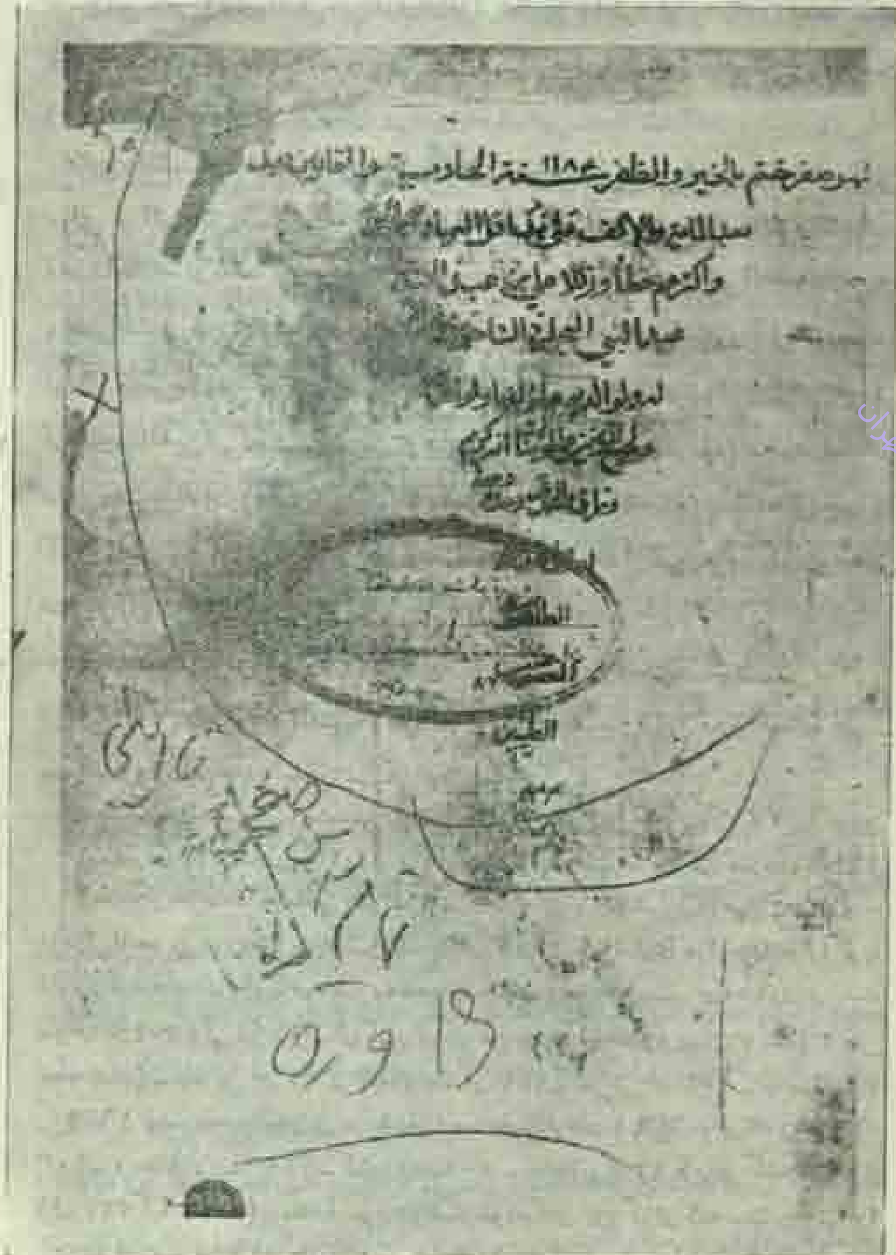
۲۰ [۱۵۷۱] **المراسم العلویة فی الاحکام النبویة** (عربی)

ابویعلی سالار (سلار) حمزة بن عبدالعزیز دیلمی حلبی در گذشتهٔ درخسروشاه تبریز درروز شنبه ٦ (یا شش روز گذشتهٔ از) رمضان ٤٦۳ بگفتهٔ نظام‌الدین قرشی در نظام الاقوال یا صفر ٤٤۸ بگفتهٔ صفدی ، شاگرد مفید و مرتضی بوده‌است . ابن جنی سر بیری نزداودرس خوانده . بسر طوسی وحلبی وحسکای رازی

۲۵ ۱ـ بجای نقطه‌ها در نسخه دارد « غرة شهر یوم السادس عشر من شهر ذی الحجة »



کـ ۱ الف مرآة الاخیار ش ۷۲۵



کـ ۱۶۰ الف مرآة الاخیار ش ۷۲۵

وعبدالجبار رازی و محمدبن عبدالرحمن خزاعی نیشابوری و عبدالله بن حسن بن حسین بن بابویه وابوالکرم بن مبارك فاخر نحوی شاگرد او بوده‌اند. اینداشنمد شیعی را حلی در خلاصه (ص۴۲) وابن داود در رجال (گ ۵۹ ب) وقمی در فهرست (ص ۶) از در سنگویان و نیکان برشمردند.

این دانشمند ادیب فقیه از خواجگان و پیشوایان شیعی است و سید مرتضی برای او المسائل السلاریة نوشته است و آن گویا همان تکملة غرر الفوائد ودرر القلائد او باشد که هردو در ۱۲۷۲ بچاپ رسید (۱) چون ابی الحسین بصری «نقض الشافی» نگاشته بود مرتضی بهو دستور داد که «نقض» آنرا بنویسد، او در درس گاهی جانشین او هم میشده است. اسناد روایت کتابهای او از منتجب الدین قمی است از پدرش از نیای او حسکای رازی (لؤلؤه) - او در این دفتر در دو بخش عبادات (طهارة - جهاد) ومعاملات (عقود واحکام) مسئله‌های فقهی را آورده است. فتواهائیکه فقیهان در کتابها از او آورده‌اند از همین مراسم است و محقق حلی از آن گزین نموده است.

در فهرست طوس (۲:۱۳۸) از نسخهٔ تاریخ ۷۰۲ مراسم یاد گشت.

این نامه در الجوامع الفقهیه (ش ۱۰) بنسخ محمد رضا بن میرزا عبدالله طبیب خوانساری در ۱۲۷۶ بچاپ سنگی رسید (۲).

۱- طوس ۲:۳۷- ذریعه ۲:۸۳ و ۵:۲۰۶ و ۲۲۳- فهرست آقای منزوی ۲:۱۶۴
۲- بنگرید به: نجاشی ص ۱۹۳ - معالم ش ۸۹۶ - امل الآمل ص ۴۷۷ - لؤلؤتی البحرین - روضهٔ بهیه - روضات ص ۲۰۰ (خوانساری در اینجا او را گویا از روی نوشتهٔ افندی در ریاض «حمزه» نامید همچنین در هدیة الاحباب ص ۱۵۰ و در فهرست طوس ۵:۵۵۴ ولی در کتابهای کهن دیگر من چنین ندیده‌ام و بیمان «سلار» بس شده است) - مقابس ص ۱۱ - بغیة الوعاة ص ۲۵۹ - تفرشی ص ۱۵۶ - جامع الرواة گ ۱۶۶ ب - مجمع البحرین در «سلر» - سفینة البحار ۱:۶۳۹ - فوائد رضویه ۱: ۲۰۳ - ریحانة الادب ۲: ۲۱۰ - کنتوری ص ۵۰۱ - مامقانی ۲:۴۲- آبی در کشف الرموز (ش ۷۲۱ گ ۳ الف) در مقدمهٔ سوم در شمار خواجگان بزرگوار که سخنان آنها را آورده است نوشته «ابویعلی سلار» همچنین ابن فهد حلی در مهذب بارع مقدمهٔ سوم (ش ۷۱۱) نوشته «ابی یعلی سلار بن عبدالعزیز».

آغاز: بسمله. الحمدلله ذی (الحمدلذی) القدرة والسلطان والکرم والامتنان (والاحسان - چاپی) والعرش المجید المبدی المعیدالذی رسم الشریعة ونهی عن الخدیعة وامر بالعلم والعمل ونهی عن الزلل والخطل (الخلل) ... اما بعد علی اثر ذلك (اطال الله للحضرة العالیة المظفرة المنصورة الوزیریة (السیدیة) الاجلیة السعادة والبقاء، وادام لها السلطان والعلاء والقدرة (والنور) والسناء، وکبت الحسدة لها والاعداء. - نسخهٔ ش ۵/۵۲۰ ولی در نسخهٔ ۷۰۱ ندارد مگر اینکه در هامش که بریده شده کلمه‌های «واطال ... الوزیریة ... السلطان والعلاء والقدرة» دیده میشود) فان احق مااشتغل به العارفون وعمل به العاملون الرسوم الشرعیة والاحکام الحنیفیة ... وقد عزمت علی جمع کتاب مختصر یجمع کل رسم ویحوی کل ختم من الشریعة وابینه (واتینه) علی القسمة لیقرب (لیتقرب) حفظه ویسهل درسه ... اقول اول الکتب کتاب العبادات وهی عادات ومعاملات فالعبادات (تنقسم ستة اقسام) طهارة وصلوة وصوم وحج واعتکاف و زکوة و خمس و جهاد والعادات تنقسم قسمین عقود و احکام (اولا ان الرسوم الشرعیة تنقسم قسمین عبادات و معاملات فالعبادات تنقسم ستة اقسام طهارة ... وزکوة والمعاملات تنقسم قسمین عقود واحکام - چاپی و ش ۵/۹۲۰ که با تازگی آن درست‌تر مینماید) ... وهذاالقسم یشتمل علی کتب شتی نبینها عندالمصیر الیها بعون الله تعالی وتوفیقه. کتاب الطهارة. الطهارة علی ضربین صغری و کبری (دو نسخهٔ ما در پاره‌ای جاها یکنواخت نیستند).

انجام: فقد اتینا فی هذاالکتاب علی کتب الفقه مع الاختصار ... مع قلة حجمه وصغر جسمه حاو للعبادات متضمن الشرعیات لایفوته الاالقلیل ... فهو ملیح المبانی غزیرة المعانی ولم نؤلفه لقصور الکتب المصنفات عما فیه بل لان اصحابنا رض اذا اختصروا اثبتوا العبادات ولم یذکروا المعاملات ولانه علی طریقة من القسمة غیرمالوفة وبینة غیرمعروفة فبذلك برز علی الاقران ووجب لفضله الاقرار والاذعان ونقسم علی تالیه ودارسه وقاریه ان یترحم علینا مااستفاد وان یجعل ذلك کله کالمعتاد ویمدنا بالدعاء والشکر والثناء وینسب ما استفاد منه الیه ویطوی شفقته علیه والله

سبحانه یوفقنا وایاکم للصالحات ویجعل عاقبتنا اجمعین الی الجنات انه جواد کریم بار رحیم. تمت الکتاب بحمدالله و حسن توفیقه و صلواته علی محمد وآله بعده وهو حسبنا ونعم الوکیل.

[١٨٥٧]

٧٠١ این نسخهٔ بسیار پاکیزه و کهن ودارای همهٔ بابهای فقه بنسخ با اعراب و با عنوانهای شنگرف ودرشت تر است و از علی بن الحسین بن فادشاه بن ابی القاسم بن امیرة بن ابی الفضل بن بندار بن ... بن موسی بن الامام ابی جعفر الجواد ... که در نیمهٔ روز پنجشنبهٔ ١٥ ربیع یکم سال ٦٧٥ نوشتن آنرا بپایان رساند. در گ ٤٥ الف حاشیه‌ای فارسی دارد بخط دیگر. در کنار برگ ٧٦ ب دارد: هذا الکتاب خط جدی العالی رحمه‌الله وانا السید محسن بن محمد بن علی بن محمد بن علی المذکور رحمه‌الله... (٩٢٤)
این نسخه ده جزو است هر یک دو ٨ برگ و شمارهٔ جزوها در پاره‌ای جاها در گوشهٔ راست بالای رویهٔ برگ ٩ بخط کهن همان نویسنده دیده میشود.

در بالای گ ٢ الف با خط کهنه‌ای دارد: کتاب الاحکام النبویة والمراسم العلویة تصنیف الشیخ العالم ابی یعلی سلار بن عبدالعزیز رضی‌الله عنه وحشره مع ائمته الطاهرین صنفه فی جمادی الآخره سنة تسع وتسعین وخمسمائة (این تاریخ درست نیست) وهو عندی ایضاً علیه اجازا ادریس علی بن زین العابدین بن حسن بن تاج الدین بن عمادالدین بن ابوطالب بن ناصرالدین بن ضیاءالدین بن حسین بن احمد بن ... (چند کلمه‌ای خوانده نشده و برخی هم بحدس خوانده شده است).

(٣٧٦) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تازهٔ زرد
اندازه: ١٧/٥×٢٦ ـ ١٢/٥×١٧/٥ س ١٧

[١٨٥٨]

٩٢٠ این نسخه ش ٥ دفتر و بنستعلیق وگاهی شکسته یا بنسخ و عنوانها گاهی شنگرف وگاهی سیاه و درشت‌تر و جای آنها گاهی سفید میباشد و بخش طهارت آن در ١٤ ربیع دوم سال ١٢١٨ بانجام رسید (گ ١٥٩ ب ـ ١٧٨ الف) نسخه چنین است: بسمله. الحمدلله ذی القدرة والسلطان والکرم والاحسان... (تا میرسد به:) ذکر تطهیر الثیاب ومایصلی فیه. النجاسات علی ثلثه اضرب... فاما دم القروح خاصة فانه ان لم یکن بهذه الصفة وزاد علی قدر الدرهم فانه یجب ازالته و دم الجراحات التی لایمکن غسلها خوفا (برگ ١٦٦ الف و نیمهٔ این برگ و ١٦٦ ب سفید است و باندازهٔ شش سطر چاپی ندارد چنانکه درهامش هم بدان اشاره گردید

این سطرها که پایان طهارت است در ١٧٨ الف دیده میشود و در برگ ١٦٧ الف دارد:) بسمله. کتاب الصلوة. الصلوة علی ضربین واجب و نفل (در اینجا حاشیه‌ایست از تذکرهٔ حلی ودر برگ ١٦٧ ب حاشیه‌ایست از مبسوط)... کتاب الصوم. ذکر اقسام الصوم. الصوم علی اربعة اضرب... فالمعین صوم الایام فی کل شهر (در گ ١٧٧ الف و پشت آن سفید است) (بنگرید به ٩٢٠/٣).

[١٥٧٢] المسائل الآملیات (عربی)

سیزده پرسش است که سید حیدر بن علی بن حیدر بن علی عبیدلی علوی حسینی آملی مازندرانی عارف زندهٔ در ٧٨٧ از فخرالمحققین در چندین مجلس درحله در پایان رجب ٧٥٩ و پس از آن پرسیده و او بدو پاسخ داده است (١)

١ـ نخستین پرسش آملی دربارهٔ گفتار حلی است در آغاز باب حادی‌عشر در اینکه خدا و پیامبر و پیشوا ورستاخیز را باید بدلیل شناخت و از کسی در آن پیروی نشود همچنانکه در «المدنیات» هم گفته است ـ حلی در بخش نخستین همین مدنیات گفته که در اصول پیروی و تقلید بسنده نیست (٢٤ الف) ولی میتوان در آن همان بکتابها نگریست ودر فروع باید از دانشمندان پیروی نمود (٢٥ ب) او در بازپسین پاسخ همین بخش هم تقلید را در اصول بسنده ندانست (٤٨ ب).
دراین باره که شناسائی اصول دین تا چه اندازه میباید و چگونه است خواجهٔ طوسی رساله‌ای دارد بنام اعتقادات (ذریعه ٢: ٢٢٦) وشوشتری همهٔ آنرا در مجالس المؤمنین درسر گذشت طوسی آورد بهائی در پاسخ پرسشی که درهمین زمینه از او کرده‌اند گفته طوسی را گواه آورده و دلیل را در اصول مانند طوسی لازم ندانست (هامش همین مجالس چاپ ١٢٦٨ درهمانجا) فیض کاشانی آغاز رسالهٔ طوسی را درمنهاج الهدایة (ص ٢٩٧ چاپ ١٣٠٣ و ص ٤٥١ چاپ ١٣١٤) گنجانده است. گروهی از دانشمندان شیعی حله نیز مانند یحیی بن سعید وسدیدالدین یوسف ویوسف بن علوان ونجیب‌الدین محمد بن نما ومحقق حلی ومحمد بن ابی العز حلی بخط خود درهمین زمینه پاسخ نوشته‌اند که نسخهٔ آن درمدینه بدست شهید یکم رسیده واو از روی آن نسخه برداشت ونسخهٔ شهید بدست شرف‌الدین علی بن جمال‌الدین مازندرانی پنج هزاری شاگرد شوشتانی رسیده واوهم از روی آن و نسخهٔ کرکی که فتوای خود را هم در آن نوشته بود نسخه‌ای نوشت. همهٔ این دانشمندان دراین باره همان اعتقاد اجمالی را بسنده میدانند و الفاظ آنرا بایستنی نمیپندارند (ذریعه ٥: ١٥٢) از گفتهٔ فیض برمیآید که اردبیلی هم در شرح ارشاد چنین گفته‌است. شهید دوم درحقائق الایمان (ص ١٥٦ چاپ ١٣١٢) در ایمان دلیل منطقی را شرط میداند ومیگوید که آن متصور هم نباشد بسنده است ودلیل اجمالی بسنده نیست

نوری در مستدرك (۳ : ۴۵۹ و ۴۶۲) از آن یاد کرده و پیداست که همین نسخهٔ مارا درهمین دفتر دیده بود . عاملی هم دراعیان الشیعه (۲۹:۲۹) مینویسد که من نسخهٔ آنرا دیده‌ام ونگارندهٔ ریاض هم آنرا دیده بود . بگفته او پرسش وپاسخ مهناو حلی (مسائل مدنیات) و اجازهٔ فخر بآملی هم در آن بوده است . درذریعه (۲ : ۷۲و۵ : ۴۰۴) از نسخه‌ای ازهمین‌مسائل که‌پاسخهای آن بخط فخرودر کتابخانهٔ طوس بوده وشیخ عبدالحسین تهرانی ازروی آن نسخه برداشته یاد گشته است . پیداست که همین نسخهٔ مارا خواسته است چه اینکه درنسخهٔ ما هم پاسخهابخط فخراست وبسیار کم نقطه دارد وبامرکب سیاه‌تر وبرنجی میتوان آنرا خواند .

چنانکه می‌بینیم نام پرسنده ، حیدربن علی بن حیدر علوی حسینی آملی ، میباشد و او شاید جز ، سید رکن‌الدین حیدربن تاج‌الدین علی‌بن تاج شاه (تاج‌الدین علی بادشاه) بن سید رکن‌الدین حیدرعلوی حسینی ، باشد که همین فخر در پشت مسائل مدنیات (پاسخ بمهنا گ ۶ الف ۱۰۲۲/۱) در نزدیك بپایان ربیع دوم ۷۷۱ بدو اجازه داده است (۱) .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله رب‌العالمین والصلوة علی خیر خلقه

۱ـ بنگرید به : ذریعه ۱ : ۲۳۵ و ۵ : ۲۰۴ ـ اعیان‌الشیعه ۲۹: ۲۵ـ ۳۳ ـ دیباچهٔ کشکول جائی .

دراعیان‌الشیعه (ج ۲۹) ازسه دانشمند حیدرنام دیگرهم یاد شده است :

۱ـ سید قطب‌الدین حیدر موسوی تونی تبریزی ، ۶۱۸ درتبریز که عارف بود وسیدحیدر آملی درشرح فصوص ازاو یاد کرد . نگارندهٔ آثار عجم اورااز بزرگوارانی شمرده که بسیاری پیرو اوبوده‌اند وحیدریان از پیروان اویند (ص ۴۶) .

۲ـ سید حیدربن سید نورالدین علی بن علی‌بن ابی‌الحسن موسوی عاملی جبعی (برادرزادهٔ نگارندهٔ مدارك) که درسپاهان میزیست و کتاب کشکول دارد (ص ۳۴ـ امل‌الآمل ص ۴۳۶) .

۳ـ حاجی فخرالدین حیدربن سعید شرف‌الدین علی‌بن ابی‌علی محمدبن ابراهیم بیهقی (امل‌الآمل ص ۴۸۴) که‌فخرالدین پسر علامه «الفخریة فی معرفة النیة» را بنام او نوشت وازاو بهمینگونه یاد کرد وستود (ص ۳۴) .

محمد وآله الطاهرین . هذه مسائل سألتها عن جناب الشیخ الاعظم سلطان العلماء فی العالم مفخر العرب والعجم قدوة المحققین المخصوص بعنایة رب العالمین الامام العلامة فخر الحق والدین ابن المطهر مدالله ظلال افضاله وشید ارکان الدین ببقائه مشافهة فی مجالس متفرقة علی سبیل الفتوی وکان ابتداء ذلك فی سلخ رجب المرجب سنة تسع وخمسین وسبعمائة هجریة نبویة هلالیة ببلدة الحلة السیفیة حماها الله عن الحدثان وانا العبد الفقیر حیدربن علی بن حیدر العلوی الحسینی الآملی اصلح الله حاله وجعل الخیر (الجنة) مآله : مایقول شیخنا ومولانا الامام العلامة فی قول والده قدس الله سره فی الحادی عشر «اجمع العلماء کافة علی وجوب معرفة الله ... والمعاد بالدلیل لا بالتقلید» ... لان الشیخ قدس الله سره ذکر فی المدنیات وجوب المعرفة .. الجواب عن المسئلة الاولی ان الذی ذکره والدی قدس الله صحیح حق ... (این یکی پاسخ بخط آملی است ودرهامش گ ۷۱ ب بخط فخرالمحققین دارد :)

وهذا صحیح . قرأ علی اطال الله عمره ورزقنا برکته وشفاعته عند اجداده الطاهرین واجزت له روایة الاجوبة عنی . وکتب محمدبن الحسن بن المطهر ، (درزیرهمین پاسخ (۷۲ب) بازبخط فخرالمحققین دارد :) وهذا جوابی وهو کلامی وعلیه اتفاق الامامیة ومرتضی الائمة (؟) وکتب محمدبن الحسن بن المطهر ، (۱۲ پاسخ دیگرهمه بخط فخرالمحققین است ودردنبال آنها هم نام خودرا نوشته است) .

انجام : ذلك یجوز ان یؤخر بان یحج ولی بعده او یحج عنه غیره من ماله اولا ... وطول بقائك (از پرسش ۱۲ در گ ۷۶ ب ـ نیمی ازاین برگ پاره شده وکاغذ دیگری بآن چسبانده‌اند ودنبالهٔ پاسخ ۱۱ ازمیان رفته واز پرسش وپاسخ دوازدهم وسیزدهم اندکی مانده است) .

[۱۸۵۹]

۱۰۱۲ این نسخه ش ۲ دفتر است وبنسخ خود سید حیدر درپرسش و فخرالمحققین درپاسخ میباشد . گ ۷۱ب ـ ۷۶ب . برگ ۷۶ بریده شده ووصالی گردیده و پاره‌ای ازعبارتها رفته است .

[۱۵۷۳] مسائل الخلاف (عربی)

دانشمندان شیعی گذشته از خبرهای مختلف و ناساز گاریکه‌از پیشوایان بدانها رسیده و همین خود مایهٔ گوناگون شدن سخنان آنان میشده است چون باصول عقلی پابند بودند وروشهای گوناگونی دراصول فقه داشتند این بود که در پاره‌ای ازاصول و فروع گاهی باهم ساختگاری نداشتند تا آنجائیکه ابن‌جنید اسکافی بقیاس با اینکه در آئین شیعی روشی ناروا دانسته شده بود رفتار میکرده است و مفید با صدوق دربسیاری از مسئله‌های اصلی و فرعی خلاف نموده و این از گزارشی که او بر عقائد صدوق نوشته است پیداست . این بود که خیلی از آنها کتابهائی دربارهٔ مسئله‌های خلافی میان خود آنها یا میان آنها و سنیان نگاشته‌اند.

چنانکه دربحار (اجازات ص ۱۶۲) از مسائل الخلاف مفید یاد گردید و سید مرتضی درانتصار که پس از ۴۲۰ نوشته‌است درمسئلهٔ دوم کتاب طهارت میگوید : « وقد تکلمنا علی هذه المسئلة فی مسائل الخلاف بما استوفیناه » باز درمسئلهٔ ۸ میگوید : « وقد ذکرت ذلك فی کتاب مسائل الخلاف » و « وقد بیناه فی مسائل الخلاف »(۱).

ابن طاوس در کشف المحجة (فصل ۳۰ ص ۲۰) مینویسد که قطب راوندی گرامی نوشت و خلافها و ناساز گاریهای مفید و مرتضی در نود و پنج مسئلهٔ علم اصول را در آن یادنمود و گفت که اگرمن بخواهم همهٔ سخنان ناساز گار آنرا

۱ـ نجاشی (ص ۲۸۳) از مسائل اهل الخلاف و جواب المسائل فی اختلاف الاخبار مفید نامبرده است . درفهرست طوسی (ش ۴۲۱) از مسائل الانفرادات فی الفقه تامة ومسائل منفردات فی اصول الفقه ازمرتضی ودررجال نجاشی (ص۱۹۲) از کتاب الخلاف فی اصول الفقه ومسائل انفرادات الامامیة وماظن بانفرادها و شرح مسائل الخلاف هو یاد شده ودرمعالم العلماء (ش۴۶۵) وفهرست طوسی (ش۴۲۱) داره «مسائل الخلاف فی الفقه لم یتمه ومسائل الخلاف فی اصول الفقه لم یتمها وماتفرد به الامامیة من المسائل الفقهیة » ازهمین سید مرتضی .

بیاورم بدرازا خواهد کشید. نسخهٔ این گرامی نزد ابن‌طاوس بوده است .

طوسی همچنانکه پس‌از تهذیب بنگارش استبصار پرداخت و خبرهای ناساز گاررادر آن گنجاند همچنین پس‌ازنوشتن نهایه که همان تهذیب است ولی ساده‌تر و کوتاه‌تر و بی‌اسناد بنوشتن این مسائل الخلاف یا الخلاف فی‌الاحکام پرداخت که دارای ۳۵ کتاب و ۲۲۸۰ مسئله است (ذریعه ۷ : ۲۳۵) اودراینهفتر ازتهذیب واستبصار یاد نموده است .

طوسی دراینکتاب سخنان مخالفان سنی خودرا آورد ورد نمود . وازآن رایهای گوناگون فقیهان اسلامی بخوبی بدست میآید و تاریخ فقاهت راازروی آن میتوان آگاه گشت .

نام‌این کتاب چنانکه درفهرست طوسی(ش ۶۹۹) آمده « مسائل الخلاف مع الکل فی الفقه»میباشد. در آغاز کتاب هم نزدیك باین می‌بینیم ابن‌شهرآشوب دربارهٔ آن میگوید « مسائل الخلاف مع الکل فی الفقه خمسة اجزاء حسن » ابن ادریس‌درالسرائر الحاوی لتحریر الفتاوی همه جا از « مسائل الخلاف » و «نهایه» نام‌میبردو از نهایه‌ودیگر کتابهای شیخ بسیار خرده‌میگیرد . حلی درمختلف‌الشیعه « الخلاف » و « مسائل الخلاف » مینویسد و « النهایه » .

شیخ طبرسی از مسائل الخلاف گزین نموده « المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف»نوشته‌ودر آن‌باجماع که‌در آن‌یکی‌بسیار آمده‌وخبرهای‌شیعی که‌در تهذیب‌یادشده است‌استدلال نکردو پاره‌ای‌از مسئله‌ها راهم انداخت(مستدرك ۳ ـ ۵۰۶) این یکی گویا چنانکه افندی میگوید همان « المنتخب من الخلاف » باشد که بسال ۵۲۰ گزین شده‌است ونگارندهٔ آنرا عاملی درامل الآمل (ص ۵۱۶) ندانسته که کیست و افندی نسخه‌هائی ازآن‌را درطوس دیده بود یکی ازآنها نسخهٔ کهنی بود که در ۷۰۶ نوشته شده بود پس این «المنتخب» ازصیمری (شیخ مفلح‌بن حسن‌بن رشید (راشد) بن صلاح) زندهٔ درسدهٔ نهم که درزمان علی‌بن هلال جزائری وشیخ‌علی کرکی‌میزیسته است نخواهد بود(ریاض‌العلماء ش ۹۹۳

ص۲۰٤) و باید نگارش طبرسی باشد (در ریاض‌العلماء نسخهٔ دانشگاه سرگذشت صیمری نیست و در ص ۲۷۷ و ۲۷۲ از طبرسی یاد و بجای دیگر باز گردانده شد که آنهم در آن نسخه نیست) ابن صیمری چنانکه در ذریعه آمده (٤ : ٤۲۲) تلخیص‌الخلاف نوشته که منتخب‌الخلاف هم نامیدند پس او و طبرسی هردو خلاف را گزین نموده‌اند.

(بنگرید به : امل‌الآمل ص ٥۱۱ - روضات ص ٦۳۸ - کنتوری ص ٥٥٦).

چنین است مسائل‌الخلاف طوسی :

آغاز : بسمله و به نستعین الحمدلله حق حمده ... سألتم ایدکم‌الله املاء مسائل الخلاف بیننا و بین من خالفنا... وذکر مذهب کل مخالف علی التعیین و بیان الصحیح منه و ماینبغی ان یعتقد وان اقرن کل مسألة بدلیل یحتج به علی من خالفنا.

انجام: دلیلنا ما قلناه فی المسئلة الاولی سواء ابوا اما کونها ام ولد فان طریقه الاشتقاق وهذه قد ولدت منه فینبغی ان تسمی بذلك.

مسائل‌الخلاف در تهران بسال ۱۳٦۹ در دو جلد رحلی در ۲۷۸ + ۲٦٤ ص با سرگذشت طوسی در آغاز بچاپ‌سنگی رسید.

[۱۸٦۰]

۱۷٤۱ این نسخه نسخ است با عنوانهای شنگرف با درشت‌تر (از ٥۱ تا پایان) و میان برگهای ٥۰ و ٥۱ پس از مسئلهٔ چهارم کتاب‌الجمعة «الجمعة واجبة علی اهل القری والسواد ... فان تحقیق مذهبهم فی الوجوب انها لاتجب» (۸۹:۱) تا مسئلهٔ یکم «بیع خیارالرؤیة صحیح وصورته ان یقول بعتك...» (آغاز کتاب‌البیوع ۱۹۲:۱) کم دارد.

چنین است انجام نسخه : مسئلة. (اذا) ارتد (المسلم) ثم دبر مملوکا فان کان ممن یستتاب ... مسئلة قد یراد علی سیده التدبیر.

(از کتاب‌التدبیر برابر با ص ۱٦ ص ۲٦۲ ج ۲ چاپی و بیش از یك صفحه ندارد).

(۳۱۱۱م) - کاغذ سمرقندی - جلد مشکی ضربی طوالی

الاندازه : ۲۰×۲۹ و ۱٥×۲۳ ص ۳۹

[۱٥۷٤] المسائل المدنیات (عربی)

پرسشها ایستکه سید نجم‌الدین مهنا بن سنان بن عبدالوهاب جعفری عبدلی حسینی مدنی از علامهٔ حلی کرده و پاسخ گرفته‌است. حلی دو بار باین مهنا اجازه داده یکی در حله در ذیحجهٔ ۷۱۹ که در همین نسخهٔ ما گ ٤۹ ب - ٥۱ ب آمده و در اجازات بحار دو بار (ص ۲۹ و ٥۳) بچاپ رسید (ذریعه ۱۷۸:۱ بتاریخ ۷۰۹) دیگری در تاریخ محرم ۷۲۰ که در نسخهٔ مادر گ ٦۸ الف - ۷۰ ب بخط سید حیدر در یکم ذی‌قعدهٔ ۷٦۲ هست و در اجازات بحار آنهم دو بار (ص ۳۰ و ٥۲) دیده میشود. فهرست کتابهای حلی هم درمیان این اجازه گذارده شده مگر اینکه این فهرست در بحار در هر دو جا در پایان این اجازه آمده و در ص ۳۰ هم بی‌تاریخ است چنانکه در ذریعه (۱۷۸:۱) هم بی‌تاریخ میباشد. این اجازه در ش ۱۲۰ و ۱۲۲ طوس هم هست.

فخرالمحققین هم باین مهنا در ۷۲۰ اجازه داده و آن در بحار (اجازات ص ۳۰) بی‌تاریخ دیده میشود و در ش ۱۲۲ طوس با تاریخ ۷۲۰ در آغاز «جواب مسائل» او بتاریخ نیمهٔ محرم ۷۲۰ هم هست (ذریعه ۲۳٦:۱).

عاملی در امل‌الآمل (ص ٥۱۱) از مهنا یاد کرده و او را فاضل فقیه محقق خوانده و گفته «له مسائل الی العلامة والعلامة جواباتها» در لؤلؤتی البحرین هم مهنا فاضل و محقق و شاگرد اجازهٔ حلی و «صاحب‌الاسئولة‌المشهورة» خوانده شده و دارد «ان العلامة رض لم یوفها حقها من الاجوبة کمالایخفی علی من راجع اجوبته مع دقة تلك المسائل واحتیاجها الی مزید بحث و تحقیق» نوری در مستدرك (٤٦٥:۳) سرگذشت او را آورده و گفته که او «کتاب‌المعجزات» دارد که نزدیك بخرائج و جرائح راوندی است با افزوده‌های بسیار - نوری در آن باین پرسش و پاسخها «مسائل مدنیات» گفته است. حلی در این مسائل از مهنا بسیار ستود.

حلی در نخستین پاسخ بخش نخستین این مسائل مدنیات به «نهایة‌المرام فی علم‌الکلام» خود باز گشت داد (۹ الف) و در پاسخی دیگر به «مختلف»

(۲۰ ب) و درپاسخی دیگر به « کتاب مدارالاحکام » خود (۳۰ ب) باز گرداند .

[۱۸۶۱]

۱۰۲۲ این نسخه ش ۱ دفتراست و پنج باعنوانهای شنگرف ومشکی ازسیدحیدر آملی میباشد . در گ ٦ الف دارد « رسالة لمسائل المدنيات للشيخ الاعظم طاب ثراه » ودربالای آن هم دو کلمه‌ای هست که خوانده نمیشود . نیز دارد « امانت جناب شیخ محمدتقی سلمه‌الله » .

در ۱ الف فهرست نوشته‌های این دفتراست ودر ۱ ب عبارتهای فقهی است ازعلامه بخط سید حیدر . در ۲ ب ـ ۳ الف خبرهای پراکنده‌ایست از علی . در ٤ الف و ٥ الف و ۷۷ الف و ۹۱ الف ـ ۹۳ الف فهرست همین مسائل مدنیات است وشماره‌های صفحه‌ها درفهرست روی شماره گذاری نخستین میباشد . در ٥ ب دارد « فائدة جليلة » دربارهٔ خبری ازعسکری .

در ٦ الف این اجازه است که دردیباچهٔ کشکول چاپی و اعیان‌الشیعه عاملی (۲۹: ۳۰) آمده‌ودرذریعه (۱:۲۳۵ و ۲:۷۲ و ٥:٤٠٢ یاد)شده است :

« رسالة المسائل المدنيات للشيخ الاعظم طاب ثراه.هذه المسائل و اجوبتها صحيحة سئل والدى عنها فاجاب بجميع ماذكره فيها ههنا و رويته (قرأتها) انا علي والدى قدس‌الله سره ورويته (رويتها) عنه وقد اجزت لمولانا السيد الامام العالم العامل المعظم المكرم افضل العلماء و اعلم الفضلاء الجامع بين العلم والعمل شرف آل الرسول مفخر اولاد البتول سيد العترة الطاهرة ركن الملة والحق والدين حيدر بن السيد السعيد تاج الدين علي پادشاه بن السيد السعيد ركن الدين حيدر العلوى الحسيني ادام‌الله فضائله و اسبغ فواضله ان يروى ذلك عني عن والدى قدس‌الله سره و ان يعمل بذلك ويفتي به . و كتب محمد بن الحسن بن يوسف بن على ابن المطهر الحلى فى اواخر ربيع الآخر سنة احدى و سبعين وسبعمائة والحمدلله تعالى وصلى الله على سيد المرسلين محمد النبي وآله الطاهرين »

عاملی (ص ۳۱) یادی از خط آملی در یکم ذیقعدهٔ ۷٦۲ (درهمین نسخهٔ ما) و ازاجازهٔ علامه بمهنا وتاریخ ۲۷ رجب ۷٦٦ کرده است . درگوشه راست بالای این برگ درهمینجا دارد : « حرره العبد ميرقادر بن طعمة الحسيني الاحد وتسعين وثمانمائة »

مسائل مدنیات سه بخش است نخستین در گ ٦ ب ـ ٤۸ ب که درطوس (۲ : ۳٦ ش ۱۲۰ تاریخ ۹۹٤) هست .

آغاز : بسمله . و به نستعين . هذه مسائل و رسائل من العبد الفقير الى رحمة ربه مهنا بن سنان بن عبد الوهاب الحسيني ... الى الشيخ العلامه جمال الدين الحسن بن يوسف بن

على بن المطهر الحلى قدس روحه ونورضريحه . المملوك مهنان بن سنان بن عبدالوهاب الحسيني يقبل ابواب الحضرة العالية المولوية العالمية العاملية العابدية الزاهدية الورعية الناسكية الجمالية لازالت تقبل وتخدم ويذكرها بذالذكرالجميل والوفاق ولما كانت الحضرة العالية ... اشتهرفضلها عندالقاطن والمجتاز وعم ذلك اهل الحجاز وكان المملوك ممن سمع فطرب وانتشى وماترب فكان كما قال الشاعر :

ولماتذاكر كم في مسامعي	تشققكم قلبي ولم ير كم طرفي

... فلما ... سهل طريقه الى هذاالبلاد واوصله بفضله الى بغداد ... وقدكان في خاطر المملوك مسائل يودلووصلت الى الحضرة العالية... يقول العبد... حسن بن يوسف بن على بن المطهر الحلى : بعد حمدالله تعالى ... مايقول سيدنا ... في المؤمن هل يجوز ان يكفر .

انجام : مايقول سيدنا الامام فيمن يعتقد ان له ربا ... الجواب لايجوز التقليد في اصول الايمان وقد يحتاج في كثيرمنها الى التنبيه والتمثيل تم القسم الاول من المسائل وجوابها بحمدالله و حسن توفيقه عاشر ربيع الآخر سنة احدى و ستين و سبعمائة هجرية نبوية (٦ ب ـ ٤۸ ب) درهامش بخط فخرالمحققين دارد :

« هذا جواب والدى قدس‌الله سره وهوالحق ويحل للعلماء ... (یک کلمه خوانده نشده) عمله وانا موافق لذلك . و كتب محمد بن الحسن بن المطهر » .

حاشیه‌های خط فخرالمحققین چنین است : « هذا الجواب قول والدى قدس‌الله سره واعتقاده واعتقادى و كتب محمد بن الحسن بن المطهر » (۱۹ الف) و « هذا جواب والدى وقوله . واعتقادى انا كذلك و كتب محمد بن الحسن بن المطهر » (۲٤ الف) ـ در ۹ الف و ۲٤ الف دارد : بلغ قراءة ادام‌الله فضله (فضائله) .

در برگ ٤۹ ب ـ ٥۱ بندیست که ازآغازآن اندکی بریده شده وکاغذ دیگری روی آن چسبانده‌اند و کم دارد بدینگونه : ... وشاهدمن الخبر مازاد على الخبر كان كما قال الشاعر :

مازلت اسمع عن عليا ... ثنا	ابهى من الشمس او اضوء من القمر
حتى التقينا فلا والله ما سمعت	اذنى بافضل مما قدراى بصرى

فلما شاهد المملوك شمائل مولانا الرضية ... تجاسرفي السئوال وطلب من مولانا ... ان يشرف هذه المسائل بجواباته وان يكتب للمملوك اجازة بجميع مصنفات مولانا ومقرواته و مسموعاته وان يذكرفي الاجازة اتصال سنده ... وحسبناالله ونعم الوكيل . يقول العبد... حسن بن يوسف بن على بن المطهر الحلى لما كان امتثال امرمن تجب طاعته ... من الامور اللازمة ... و كتب حسن بن يوسف بن المطهر الحلى في ذي الحجة سنة تسع

عشرو سبعمائة حامداً لله مصلياً على نبيه (این اجازه در ص ۲۹ و ۵۳ اجازات بحار دیده میشود).

بخش دوم در گ ۵۱ ب ــ ۵۸ الف است و همانستکه درفهرست طوس (۲ : ۳٦ ش ۱۲۱) شناسانده شده.

آغاز : هذه الاسئولة المذكورة مع اجوبتها . ما يقول سيدنا الامام العلامة ... فى من طلق زوجته ثم راجعها باللفظ ... الجواب لاشك ان الرواية تدل على تفريق الطلقات

انجام : مايقول سيدنا الامام فى الغاصب اذا كان متمكناً من رد المغصوب هل يصح منه الصلوة فى اول وقتها ام لا ... ويجب عليه رد المغصوب بقدر الامكان اما بالسفر بنفسه اوبغيره وان طال السفر وعظمت المشقة . تم القسم الثانى من المسائل المذكورة فى تاريخ المذكورسنة احدى وسبعين وسبعمائة هجرية نبوية الهلالية (۵۱ ب ــ ۵۸ الف).

در ۵٤ الف و ٦٦ ب حاشیه‌ایست از «اسدالله» ودر ۵٤ الف از «محمد ابراهیم على عنه» هردو بخط نستعلیق.

بخش سوم در گ ۵۸ ب ــ ٦۷ ب میباشد و گویا درهمان ش ۱۲۱ طوس (۲ : ۳٦) هم هست. در ش ۱۲۲ تاریخ ۹۹۳ (۲ : ۳٦) و ش ۵۸۲ تاریخ ۵ رمضان ۸۸۳ و ش ۵۸۳ تاریخ ۲۲ ۱۰ (۵ : ۷۰ ــ ۳۹٦) پاسخ فخر المحققین است بهمین مهنا که در نسخهٔ ما نیست ودر این دو شمارهٔ اخیر چهار بخش از مسائل مدنیات میباشد سه تای آنها پاسخ وپرسش حلی ومهنا ویکی پاسخ وپرسش پسرحلی ومهنا است . در ش ۵۸٤ آنجا همان بخش نخستین است وبس.

درذریعه (۲ : ۹۲ و ۵ : ۸ ــ ۲۳٦) از دو بخش یکم وسوم این مسائل یاد شده است ودارد که نخستین پاسخها را مهنا نزد حلی درخانهٔ او درحله در ۷۱۷ خوانده است.

حلی دراین بخش سوم درپاسخ مهنا مینویسد که من درپایان شب آدینهٔ ۲۷ رمضان ٦٤۸ زاده شدم و پسرم فخر المحققین ازدیك نیمهٔ شب ۲۰ ج ٦۸۲/۱ از مادر بزاد (گ ۵۹ ب).

آغاز : الله الموفق . هذه اسئولة آخر من جناب المرتضوية المهنائية طاب ثراه . قال المملوك مهنا بن سنان الحسينى يقبل ابواب الحضرة العالية ... وصحبة هذه الخدمة مسائل يضيفها الى تلك المسائل الاولة ويشرف الجميع بخطه ... ويذكر سيدى من جملة ذلك تاريخ مولده ... وكذلك مولد ... فخر الحق والملة والدين ... لما كان امتثال امر من يجب طاعته ويحرم مخالفته من الامور الواجبة ... سارع العبد الضعيف حسن بن المطهر الحلى الى اجابة مولانا ... نجم الحق والملة والدين ...

مايقول سيدنا الامام العلامة ... فى قول اصحابنا ان التكليف لايكون على جهة الالجاء ... الجواب لامنافاة بين الآية وبين كلام المعتزلة .

انجام : مايقول سيدنا الامام العلامة فى المسائل التى لم يرد فيها نص عند اصحابنا ... الجواب : ادلة الاحكام عندنا منحصرة فى كتاب الله ... وليس شئ من هذه الانواع القياس فلايتوهم انا نعدى الحكم من صورة الى اخرى الاعلى احد هذه الانواع فلاينسب الينا العمل . تمت المسائل بعون الله وحسن توفيقه والحمدلله رب العالمين و صلى الله على خير خلقه محمد و آله اجمعين .

پس از این در برگ ٦۸ الف ــ ۷۰ ب نسخهٔ ما اجازه دوم علامه است بهمین مهنا درحله درمحرم ۷۲۰ که فهرست نگارشهای او درمیانهٔ آنست و آملى درپایان آن مینویسد :

«وفرغ من تحريره العبد الفقير الحقير الواثق الى رحمة ربه القدير حيدر بن على بن حيدر العلوى الحسينى الآملى اصلح الله حاله فى غرة ذى القعدة من اثنى وستين وسبعمائة هجرية نبوية».

[۱۵۷۵] المسائل الناصريات (عربى)

این دفتر ازسید مرتضی بغدادی و دارای ۲۰۷ مسئله است و در الجوامع الفقهیه (شمارهٔ ششم) بخط نسخ محمد رضا بن میرزا عبدالله خوانساری در ۱۲۷٦ بچاپ رسیده‌است. طوسی درفهرست (ش ٤۲۱) و ابن شهر آشوب (ش ٤٦۵) بنام «المسائل الناصرية فى الفقه» از آن یاد کرده‌اند ولی نجاشی (ص ۱۹۲) نامی از آن نبرده است . مرتضی در آن فتواهای نیای خود ناصر الحق را که ابن ندیم (ص ۲۷۳) اورا از فقیهان زیدی بشمار آورده است یاد نموده و خرده گرفت ویا گزارش نمود . از سخنان خود ناصر و مرتضی چنانکه خواهیم دید پیداست که او زیدی است چنانکه در کتابهای مورخان هم چنین آمده‌است ولی گروهی از دانشمندان شیعی مانند بهائی وعاملی و مامقانی و دیگران گویا چون مرتضی در آغاز این دفتر از او بستوده و نجاشی (ص ٤۲) دربارهٔ او گفته «كان يعتقد الامامة» پنداشتند که او امامی است با اینکه مرتضی درسدهٔ چهارم میزیسته و با دانشمندان هرمذهبی آشنائی داشته و خود هم مردی آزاد اندیش بوده است و نمیتوانست دربارهٔ ناصر که نیای اوهم بوده است بد گوید و ناگزیر میبایستی از او بستاید.

نجاشی هم گویا میخواسته است بگوید که او خود را پیشوا می‌پنداشت چنانکه در خلاصهٔ علامه (ص ۱۰۳) که از نجاشی بهره برده است دارد « کان یعتقد الامامة لنفسه » (۱).

برای روشن شدن مطلب ناچار اندکی از سرگذشت ناصر را میآوریم:

ناصر الحق الکبیر الاصم الاطروش ابی محمد حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی السجاد (۲۵۵ - آمل ۲۵ شعبان ۳۰٤) از علویان دانشمند و پارسا بوده و شعر میسروده و تفسیری بزرگ دارد که مفسران زیدی از آن میآورند و زیدیان باو خوشبین بوده و از رهبران دینی خود میشمرند چنانکه در معالم ابن شهر آشوب (ش ۸۲۷) در باره‌اش دارد: « امام الزیدیة له کتب کثیرة منها: الظلامیة، الفاطمیة » مگر اینکه نجاشی (ص ٤۲) چنانکه دیده‌ایم در باره‌اش گفته که « کان یعتقد الامامة » و از نگارشهایش این کتابها را برشمرد: کتاب صغیر و کبیر در امامت - کتاب فدك - کتاب خمس - کتاب فصاحة ابیطالب - کتاب معاذیر بنی‌هاشم فیما نقم علیهم - کتاب انساب الائمة و موالیدهم الی صاحب الامر - کتاب الشهداء و فضل اهل الفضل منهم - کتاب طلاق - از نام این کتابها هم هیچ بر نمیآید که او امامی است چنانکه برخی پنداشته‌اند.

شیخ بهائی میگوید که او از سیدهای بزرگوار شیعی بوده و از آن فرمانروائی که داشت خشنود نبوده است پس باید امامی باشد. علامهٔ حلی در خلاصه (ص ۱۰۳ بخش ۲ در شمار ضعفا و مانند آنها) در باره‌اش گفت که « کان یعتقد الامامة لنفسه » پس نباید امامی باشد چنانکه سید مرتضی در این کتاب ناصریات هم در بسیاری از جاها از او خرده گرفت و از مسئله‌های ۲۰۵ و ۲۰۷ پیداستکه او امام را نه آنچنانکه امامیان گویند مجتهد میداند و خطا را براو روا میدارد و اینجاها استکه مرتضی گفته‌های اورا با سخنان امامیان ناساز گارنشان میدهد

۱- در ذریعه (۵ : ۲۳۹) از همین ناصریات و « جوابات المسائل الناصریة » دیگر که در ۳۳ مسئله است و یکی از نوادههای ناصر از مرتضی پرسیده و او در محرم ٤۲۹ از نگارش آن بیاسوده است یاد گردید (طوس ۲: ۱۳٤٠).

و در دیباچه هم هیچ نگفت که او شیعی بوده است بااینکه از بزرگواری و سروری و گرانمایگی و دانش و پارسائی او ستود و یاد نمود که او مردم دیلم را باسلام خوانده و باین دین در آورد، نمیتوان هم گفت که او خواهان این فرمانروائی و پیشوائی نبوده است و اگر نه جنگها نمیکرد و مردمان نمیکشت و در « بورود » نیم فرسنگی آمل از سپاهیان صعلوك آن اندازه بکشتن نمیداد که خون در دریا شود اینجا استکه اخطلی شاعر، حسن بن قاسم فرمانده جنگی او را میستاید و میگوید:

واثبت معجزة بیوز وذالذی　　　اجریت فیه من الدماء سیولا

تا سیزده بیت دیگر که این مردمکشی و جنگ و ستیز را در آن گزارش داده است (آملی ص ۷۷ ابن اسفندیار ص ۲٦۹).

چرا ابن اسفندیار در بارهٔ پسرش ابی الحسین احمد میگوید: « امامی المذهب » و مینویسد که او بر ابومحمد حسن بن قاسم رشك برده که چرا پدر دستگاه پادشاهی خویش را باو سپرد و از فرزندان خود چشم پوشید. در اینجا است که او شعرهائی شیوا در گله از پدر سروده که از آنها است:

فیاعجبی من قرب اسباب مبعدی　　　و کثرة اعدائی و قلة مسعدی

و یا دولة قامت علی بجورها　　　و یاوالدا ٔ ام یرع لی طیب مولدی

فیما بال اترابی رفعت رؤسهم　　　وطأطأت منی جاهداً بتعمد

او در این شعر بر پدر میتازد که چرا دیگران را بر من که دانشمند و گرانمایه‌ام و از نزدیکان توام برتری نهادی. این رأی تو سست است. تا اینکه در پایان، شعر طرفة بن العبد البکری را آورده است:

ستبدی لك الایام ما کنت جاهلا　　　ویأتیك بالاخبار من لم تزود

آملی در تاریخ رویان (ص ۸۰) می نویسد که ابی الحسین احمد صاحب الجیش (که در آمل میزیست و در رجب ۳۱۱ در گذشت) پس از مرگ ناصر کبیر پدر خود، ابومحمد حسن بن قاسم داعی صغیر داماد خود را از گیلان بخواست و پادشاهی

بدو سپرد چون خود روش امامیان داشته بود و در این مذهب خویشتن را امام خواندن ناروا است (نیز راینو ص ۳۹) ابن اسفندیار (ص ۲۷٦) میگوید که پسر قاسم در ۱۷ رمضان ۳۰٤ بآمل رفته و ابوالحسین احمد پادشاهی بدو داده بود. باز آملی (ص ۷۸) و ابن اسفندیار (ص ۳-۲۷٦) چنین مینویسند:

«و او (درمنقصت پدر) و بتعصب با پدر [از آنجا که] امامی المذهب بود میگوید، شعر:

یا ایها الزیدیة المهملة	امامکم ذا آیة منزلة
کف له بالاخذ مبسوطة	وفی العطایا جعدة مقفلة
اشلی علی الامة اولاده	واظهر الرشوة والقندلة
یا رخمات الجوتیالکم	قصتم فاخرجتم لنا جندلة
توبوا الی الرحمن واستغفروا	من قبل ان تأتیکم زلزلة

مجلسی در وجیزه (ص ۱٤۹) درباره او میگوید: «حسن بن علی بن الحسن الاطروش فیه مدح ویقال انه ناصر الحق الذی اتخذه الزیدیة اماما».

باری ناصر الحق از یاران عماد الدوله ابی الحسن علی بن بویهٔ دیلمی بوده است و پس از مرگ او عماد الدوله بخراسان گریخت و در ۳۰۲ که سپاهیانی از دیلم همراه داشته بود خود را نخستین پادشاه دیلمی خوانده است.

همین ناصر است که ابی مفضل شیبانی که در سندهای صحیفهٔ سجادیه از او یاد میشود از او روایت دارد (روضات ص ۱٦۸) این هم گفته شود که نسب ناصر در فهرست ابن ندیم بگونه دیگری آمده است و در ریاض هم (چنانکه در روضات و اعیان الشیعه یادشده) حسن بن حسین بن علی بن حسین بن عمر بن علی بن الحسین ع یاد گردیده و درست نیست. در ناصریات چاپی هم نسخه مغشوش و بدو گونه آمده و نادرست می نماید و درست آن در تاریخ ابن اسفندیار ص ۹۷ و تاریخ رویان آملی ص ۷٦ و ص ص دیباچهٔ بحر زخار دیده میشود. مامقانی یکبار نام حسن بن علی بن الحسن بن عمر بن علی بن الحسین ابومحمد الاطروش (الاصم) را یاد کرده

و سخنان نجاشی و حلی و مجلسی را آورده و اورا بستود و از نیکانش برشمرد چه اینکه نجاشی از او بنیکی یاد کرد پس او از دانشمندان امامی باید باشد؛ و در امامت دوازده پیشوا نگارش هم دارد؛ او سخن تفرشی (نقد الرجال ص ۹۳ و ٤۰٦) را که گفت گویا او همانست که زیدیان او را پیشوای خود دانستند و ناصر الحق نامبردار است سست دانست و گفت که ناصر الحق نیای او است و پیشوای زیدیان هم حسن بن زید است!! مامقانی پس از این از حسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسین ناصر الحق یاد کرد و گفت که شیخ در رجال اورا از کسانی برشمرد که از امام روایت ندارند و گویا همان باشد که صدوق از او روایت دارد و مرتضی در «شرح المسائل الناصریات» گفت که او نیای مادری من است و از او بنیکی یاد کرد و اگر زیدی میبود چنین نمیکرد. آنگاه سخنان ابن ابی الحدید را آورد. مگر اینکه او مادر مرتضی را دختر احمد بن حسن ناصر اطروش پنداشت با اینکه خود مرتضی گفت که او دختر حسن بن احمد بن حسن ناصر بوده است پس یکنام را انداخته است (شرح نهج البلاغه چاپ مصر ج ۱ ص ۱۱ که دارد او دختر حسین بن حسن ناصر اصم خداوند دیلم و ناصر الحق بوده است همچنین در چاپ تهران از بدایع نگار) این لغزش اورا نگارندهٔ روضات هم دریافته. مامقانی آنگاه از رسالهٔ اثبات صاحب الزمان بهائی چنین آورد که دانشمندان ما ناصر را پیرو صادق ع میدانند چنانکه از نگارشهای او برمیآید مگر اینکه چون او دسته‌های گوناگون را بیاری خویش میخواند برای دلجوئی آنها ناگزیر بود چیزهائی را آشکار بدارد که با آئین شیعی نمیساخته است مانند جمع میان غسل و مسح در وضوء و جمع میان قنوت امامیان و شافعیان و تردید در حلیت متعه و تحریم آن چنانکه در یکی از کتابها گفته است که من دوست ندارم بچیزی (متعه) دستور دهم که مردم در آن یک سخن نیستند اینگونه سخنان او برای این بود که مردم از او نرمند. مامقانی باز میگوید اگرچه زیدیان او را پیشوای خویش میدانند مگر اینکه این نمیرساند که او هم خود را پیشوا میپنداشت چنانکه نصیریان علی ع را آفریدگار

میپنداشتند وشاید هم آن پیشوا داعی الی الحق بوده نه ناصر الحق و برای تبرا کنندن مردم هم نمیتوان سخنان ناروا گفت واین با پارسائی ودانش که مرتضی درباره او گفته است نمیسازد چرا این کار با داعی الی الحق که کردارهای نکوهیده بسیار داشته است میسازد. (رجال مامقانی ۱: ۲۹۲) نوری در مستدرك (۳: ۵۱۶) نام نیای مادری مرتضی را حسین بن احمد بن حسن ناصر کبیر اطروش یاد نمود واطروش را دانشمندی پنداشت که در آئین شیعی نگارشها داشته و یکی از آنها صد مسئله‌ایست که مرتضی آنها را درست ساخته و « ناصریات » نامید و گفت همو است که در تبرستان و دیلم بیرون آمد و در آمل در گذشت یا کشته شد و زیدیان بیجا او را پیشوای خود میدانند چه او از بزرگان و دانشمندان امامی است (۱).

۱ــ از نویسندگان زیدی سید محمد بن محمد بن یحیی زبارهٔ حسنی صنعانی در «اتحاف المسترشدین بذکر الائمة المجددین ومن قام بالیمن المیمون من قرناء الکتاب المبین وابناء سید الانبیاء والمرسلین» (چاپ مطبعة المقام الشریف صنعاء یمن بدستور الحضرة الشریفة بسال ۱۳۴۳) مینویسد (ص ٤) که الناصر للدین (للحق) الحسن الاطروش ابن علی بن الحسن بن علی بن عمر الاشرف بن علی بن الحسین در مدینه بسال ۲۳۰ زاده و هنگام سجود در ۷۵ سالگی در شب آدینهٔ ۲۵ شعبان ۳۰٤ در آمل بمرد و گورش در آنجا است. او از کسانیستکه با دانش وشمشیر در شهرهای گیل و دیلم دین را رواتی داد و در سال ۲۸٤ بود که او مردم گیل را بسوی خود خوانده است. در نیشابور آسیبی بگوشش رسید و کر شد واورا اطروش خواندهاند. صنعانی باز (ص ۴۳) این شعرها را درباره اطروش آورد:

وجدد الدین بارض الدیلم	قرنه الثالث خیر قائم
الناصر الاطروش وهو الحسن	الطاهر الحفاظة المؤتمن
من جاء فیه انه (الشیخ الاصم)	فی قول طه المصطفی خیر الامم
مولده المیمون فی (کرود)	فی طیبة کان بلاجحود
ثم دعا فی (وفد) بالجیل	و دیلم فی فئة وجیل
ومات فی (الاربع بعد الثالثة)	فی (آمل) بل الا له جدثه

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

آغاز: بسمله. الحمدلله علی ماخص وعم من نعمه وظهر و بطن من منته

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

وعمره (داع) الی الرشاد	وناعش للحق فی البلاد
صلی علیه الله من مجدد	بعلمه و سیفه المجرد
وصاحب الجیل من لله محتسبا	شد الازار وباع النوم بالسهر
الناصر الطاهر المیمون طائره	مطهر الجیل من شر الغوص قذر
دعا عقیب ابن زید دعوة صدعت	انوار ها فسناها غیر مستتر
وکان اسلام (جستان) علی یده	فی الف الف من العباد للشجر
سالت ضفادع امواه بدعوته	علی الافاعی فذادتها عن النهر

نیز دارد: (فیه ورد الاثر عن النبی ص انه قال: «من علامات الساعة خروج الشیخ الاصم من ولد اخی...») فتواهای ناصر در البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار نگارش المهدی لدین الله احمد بن یحیی المرتضی (۷٦٤ــ۸٤۰) چاپ مصر در ۱۳٦٦/۱۹٤۷ دیده میشود. در این هم دارد که ناصر در ۲۳۰ زاده شده است.

در عمدة الطالب درباره ناصر چنین آمده است:

«ابا محمد وامه ام ولد تدعی «حبیبه» وهو الناصر الکبیر الاطروش امام الزیدیة کان مع محمد بن زید الداعی بطبرستان فلما غلب رافع علی طبرستان اخذه و ضربه الف سوط فصار اصم واقام بارض الدیلم یدعوهم الی الله تعالی والی الاسلام اربع عشرة سنة ودخل طبرستان فی جمادی الاولی سنة احدی وثلثمائه فملکها ثلاث سنین وثلثة شهور ولقب الناصر للحق واسلموا علی یده وعظم امره وتوفی بآمل سنة اربع و ثلثمائة وله تسع وسبعون سنة (تسعون وقیل خمسة وتسعون ــ ش ۱۸۲) ... فولد ابو محمد الناصر ابا الحسن علیا الشاعر الادیب امه ام ولد ... فکان (ابو الحسن علی) ینتحل مذهب الامامیة الاثنی عشریة وهو الذی ناقض عبدالله بن المعتز فی قصائده علی العلویین وکان یهجو الزیدیة ویضع لسانه حیث شاء من اعراض الناس ولما مات الناصر ارادوا ان یبایعوا ابنه ابا الحسین احمد بن الحسن فامتنع من ذلك وکان ابنة الناصر تحت ابی محمد الحسن بن القاسم الداعی الصغیر فکتب الیه ابو الحسین بن الناصر واستقدمه وبایعوه وغضب ابو القاسم جعفر بن الناصر وجمع عسکراً وقصد طبرستان فانهزم الداعی ووافی ابو القاسم بن الناصر یوم النیروز (سنة ستة وثلثمائة وسمی نفسه الناصر واخذ الداعی بعد او نفذ وحمله الی الری الی علی بن وهسودان) (۱۸۲) الی ابن وهسودان فقیده و حمله الی قلعة دیلم فلما قتل علی بن وهسودان خرج الداعی وجمع الخلق وقصد جعفر بن الناصر فهرب الی جرجان فتبعه الداعی فهرب ابن الناصر

دنبالهٔ حاشیهٔ درصفحهٔ پس از این

وایاه نسئل الزیادة فی الیقین ولزوم حجة الدین ... و من بعد فان المسائل المنتزعة

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

راجلا الی الری وملك الداعی الصغیر طبرستان الی سنة ست(عشرة ـ ش ١٨١) وثلثمائة ثم قتل بآمل قتله مرداویج (ش ١٨١ گ ١٥٧ وش١٨٢ گ ١٤٢ با کم وکاست)

الدکی از سر گذشت او : ناصر الحق اطروش فقیه زیدی در ٣٠١ دردیلم برخاست و بیشتر طبرستان بگرفت و بیشتر مردم آنجا را زیدی کرد. مردم گیل ودیلم ازاو پیروی میکردند وچندی در آمل بزیست ومدرسه و کتابخانه‌ای در آنجا بنیاد گذارد. واو یار دوداعی حسن ومحمد فرزندان زید بوده است ودر گیلان و دیلمان سپاهی گرد آورد تا اینکه محمدبن هرون از اسماعیل سامانی روی گرداند و با او بپیوست و او دیگر بار بتبرستان رفت و با سپهبد شهریار پسر باذوسپان (فادوسفان= بات کست بان) وسپهبد شروین پسر رستم باوند فرمانروای کوهستان و برادرزاده او پرویز ماندارلارجان که نمایندهٔ اسماعیل بوده‌اند چهل شبانه روز درمشکا جنگید و پیروز شد و سامانیان تا ممطیر گریختند واو پس از چندی بگیلان رفت وسامانیان همچنان در تبرستان بماندند و با همراهان سپهبدان در آنجا فرمانروائی میکردند.

اسماعیل بن احمد سامانی هنگامیکه به تبرستان آمده بود ناصر به جستان بن وهسودان مرزبان دیلم پناه برد ودر ٢٨٧ بود که او ببهانه خونخواهی از داعی الحق محمدبن زید باسپاهیانی از گیل ودیلم که همراه داشت درفلاس در نیمفرسنگی آمل باسپاهیان آملی احمد پسر اسماعیل سامانی جنگید وشکست خورد و کاکی پادشاه گیلان وفیروزان شاه دیلم وبیشتر دیلمیان کشته شدند. ناصر بگیلان گریخت و چهارده سالی درآنجا بماند و باجتهاد پرداخت. تا اینکه محمدبن صعلوك بجای ابوالعباس احمدبن نوح بآمل وروبان رسید ومردم فجم ومرزو گیل ودیلم نزد ناصر رفتند واورا بجنگ باتبرستانیان برانگیختند واو بدانجا روی نمود و پسر خود احمد را درسال ٣٠١ بروبان فرستاد واومیهم (مسیهم) ازکار کنان سامانی را از آنجا بیرون کرده است.

ناصر خود بکلار رفته وسپهبد کلار بدو گروید. او از آنجا بسوی کوره شیر وسپس بچالوس رفت و سپهسالار او حسن بن قاسم داعی صغیر دربورود (بورآباد) با محمد صعلوك با پانزده هزار سپاه جنگید ومردمی بسیار بکشت تا بجائیکه خون بدریا ریخته بود. سرانجام صعلوك بگریخت. ناصر درروز یکشنبه جمادی دوم ٣٠١ بچالوس رسید واز خراسانیان که دردژ آنجا بوده‌اند همه را بکشت ودژ را باخاك یکسان کرده است

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس از این

من فقه والناصریة، رض تع عنه وصات وتأملتها واجبت المسئول من شرحها وبیان وجوهها و ذکر من یوافق و یخالف فیها و انا بتشیید علوم هذا الفاضل البارع کرم الله وجهه احق واولی لانه جدی من جهة والدتی لانها فاطمة بنت ابی (محمد)

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

تاآنجا که هیچ نشانی از آن برجای نماند. پس از دوروز ناصر بآمل رسید ودر سرای حسن زید فرود آمد و آملیان چون اوراداد گر پنداشتند بدو گرویدند. او باز باسپاهیان سامانی جنگید وسرانجام با آنها سازش نمود و سپهبد شروین هم با او ساخته بود. ناصر فرمانروای همهٔ تبرستان شده بود. او حسن بن قاسم را بگیلان فرستاد تا پادشاهان آنجا را پیرو او سازد. هروسندان پسر تیدا و خسرو فیروز پسر جستان و ایشام پسر وراز ادپادشاهان دیگر بپسر قاسم گرویدند که او ناصر را دستگیر کند و خواسته‌های آنان را که از آنها گرفته بود بستاند. او بآمل آمد و ناصر خواست بپایدشت بگریزد حسن اورا بگرفت و بدژ لارجان فرستاد. سپاهیان او بتاراج سرای ناصر پرداختند و خواستند دست بپرد گیان او بزنند. این بود که پسر قاسم چند کس بیوه زد تا نگذارد که آنها بخانسان اودست یازند ودر اینجا جنگ درگرفت و آملیان هم از آنها نکوهیدند که چرا با پیشوای پیشین خود چنین میکنید. آملیان ناصر را بآمل بر گرداندند و سرانجام با میانجیگری ابی الحسین احمد میان ناصر وحسن آشتی شده وناصر هم از فرمانروائی دست برداشت و گوشه گزید و رهبر دینی شد و در آمل مدرسه‌ای ساخت که گورش درهمانجا است او تاهنگام مرگ با مردم از روی شرع رفتار میکرده و در ٢٥ شعبان ٣٠٤ بمرد.

بنگرید به : تاریخ طبرستان ابن اسفندیار (٩٧:١ و ٢٥٩ و ٢٦٧ تا ٢٧٥) ـ تاریخ رویان آملی ص٧٦ ـ تاریخ طبرستان مرعشی چاپ تهران ص٢١٥ ـ دودمان علوی رابینو ترجمهٔ محمد طاهری شهاب ص ٣٣ ـ مجالس المؤمنین جلد ٦ مجلس ٨ ـ تاریخ گیلان کدبور ص ١٠ ـ منهج المقال ص ١٠٣ ـ اعیان الشیعه ٢٨٨:٢٢ که در آن از طبری ومسعودی ومشکویهٔ رازی و ابن اثیر ومجدی و نگارندهٔ عمدة الطالب و اقندی ودیگران بهره برده شد.

اینهم گفته شود که ابومحمد حسن پسر ابی الحسین احمد پسر ناصر در بغداد نقیب بوده وچنانکه مرتضی مینویسد درهمانجا بسال ٣٦٨ بمرد.

او نیای مادری مرتضی بوده ودر ٣٦٢ که پدر مرتضی از نقابت بر کنار شده بود نقیب علویان گشت.

الحسن بن احمد ابی الحسین صاحب جیش ابیه الناصر الکبیر ابی محمد الحسن بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی السجاد ... والناصر کما تراه من ارومتی وغصن من اغصان دوحتی . . . اما ابومحمد الحسن الملقب بالناصر بن ابی الحسین احمد الذی شاهدته و کاثرته و کانت وفاته ببغداد فی سنة ثمان وستین وثلثمائة فانه کان خیراً فاضلا دیناً نقی السریرة جمیل النیة حسن الاخلاق کریم النفس و کان معظماً مبجلا مقدماً فی ایام معز الدولة وغیرها . . ولانه کان ابن خالة بختیار عز الدولة فان اباالحسین احمد والده تزوج « دبر خجیر » بنت سهلان کسا الدیلمی وهی خالة بختیار واخت زوجة معز الدولة ولوالدته هذه بیت کثیر فی الدیلم و شرف معروف وولی ابومحمد الناصر جدی الادنی النقابة علی العلویین بمدینة السلام عند اعتزال والدی ره لها سنة اثنی وستین وثلثمائة فاما ابوالحسین احمد بن الحسن فانه کان صاحب جیش ابیه و کان له فضل وشجاعة ونجابة و مقامات مشهورة ... واما ابومحمد الناصر الکبیر و هو الحسن بن علی ففضله فی علمه و زهده و فقهه اظهر من الشمس الباهرة وهو الذی نشر الاسلام فی الدیلم ... وسیرته الجمیلة اکثر من ان تحصی ... فاما ابوالحسن علی بن الحسن فانه کان فاضلا و اما الحسن بن علی فانه کان سیداً مقدماً مشهور الریاسة واما علی بن عمر الاشرف فانه کان عالماً وقد روی الحدیث واما عمر بن علی بن الحسین ولقبه الاشرف فانه کان فخم السیادة جلیل القدر والمنزلة فی الدولتین معاً الامویة والعباسیة و کان ذا علم وقد روی عنه الحدیث .... وانا الآن مبتدی بالکلام علی المسائل وایضاح الحق منها .

انجام : المسئله السابعة والمائتان ولایخالف الامام المتأخر الامام المتقدم « هذه المسئله انما تتفرع علی غیر اصولنا : ان الامام معصوم وانه لایحکم بالاجتهاد الذی یجوز ان یقع الخلاف فیه بل بالنص والعلم .. والخطاء لایجوز علی الائمة حسب ماقدمناه . وقد انتهینا من الکلام علی المسائل الواردة الی الحد الذی لاتطویل فیه ولاتقلیل واوردنا فی کل مسئلة علی اختصار واقتصار مایکفی فی العلم بها والاطلاع علی مکنونها والتفرقة بین صحتها وباطلها . . . ولم یورد فیما اعتمدناه الا ماهو

طریق للعلم وموجب للیقین الا ما استعملناه فی خلال ذلک من ذکر الاخبار التی ینقلها الفقهاء . . دون الاخبار التی ینقلها الشیعة الامامیة وانما اوردنا هذه الاخبار وهی واردة من طریق الآحاد ولا علم یحصل عندها بالحکم المنقول علی طریق المعارضة للخصوم والاستظهار فی الاحتجاج علیهم بطرقهم و استدلالاتهم کما فعلناه مثل ذلک فی کتابنا « مسائل الخلاف » وان کنا قد ضمنا فی ذلک الکتاب الی الاحتجاج علی المخالفین لنا باخبار الآحاد الاحتجاج علیهم بالقیاس علی سبیل المعارضة لهم فانا لانذهب الی صحة القیاس فی الشریعة ولا الی ثبوت الاحکام به وانما یثبت الاحکام بما یوجب العلم ویثمر الیقین وقد دللنا علی صحة هذه الجملة فی مواضع کثیرة من کتبنا ولولا ان هذا الجواب عن المسائل الواردة لاتلیق بذلک لذکرناه و ما توفیقنا الا بالله علیه توکل والیه ننیب و هو حسبنا و نعم الوکیل وصلواته علی خیرته من بریته محمد و آله الطاهرین وسلم تسلیماً کثیراً .

[١٨٦٢]

٩٢٠ این نسخه ش ٦ دفتر است و بسخ باعنوانهای شنگرف میباشد (گ ١٧٩ — ٢٠٢ ب) در گ ٢٠٠ الف درباره مسئلة ٣٨ حاشیه ایست که در آن از قرب الاسناد و کشف الحق حلی وخلاف طوسی آورده شده است .

(بنگرید به : ٩٢٠/٣) این نسخه از نیمهٔ دوم مسئله ٣٨ است تا نیمهٔ نخستین مسئله ١٠٨ وچنین است :

آغاز : بالوضوء وجب ان یعید الوضوء دلیلنا علی صحة ماذهبنا الیه الاجماع المتکرر ذکره .. فیجب ان یعمل علی الیقین وهو الوضوح (الوضوء — چاپی) ویطرح الشک . المسئله التاسعة والثلثون : خروج المنی من غیر شهوة لایوجب الاغتسال .

انجام : المسئلة الثامنة والمائة : و اقل الاقامة عشرة ایام . هذا صحیح و الیه یذهب اصحابنا .. فان قیل هذا خلاف مذهبکم لانکم تقولون ان المدة عشرة ایام . قلنا من قال ان المدة عشرة ایام یوجب التمام لخمسة عشر یوماً لدخول العشرة فیها .

[١٥٧٦] مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (عربی)

شهید دوم زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی بر شرایع محقق حلی

این گزارش را نگاشته و جزء نخستین یا عبادات را درروز چهار شنبه سه روز گذشتهٔ ازرمضان ۹۵۱ (پایان جهاد گ۱۹۹ الف ش۷۶۲) وو کالت را در آغاز بهار ۱ع۹۵٦/۱ (پایان نسخهٔ ش۱۱۲۱) وعقود را درروز چهارشنبه ۲۱ ع۹٦۳/۲ (پایان جلد ۱ چاپی) وعتق را درنزدیك بپایان ج ۹٦۳/۲ ونذورزا در ۱ رمضان ۹٦۳ ولقطه را درذی‌قعدهٔ ۹٦۳ (طوس ٥:۵۰۱) نوشته و همهٔ آنرا درنیمهٔ روز دوشنبه ۸ع۹٦٤/۲بانجام رساند (پایان نسخهٔش ۷٦۳) اونخست آنرا مانند حاشیه و در یك جلد و گویا در نه ماه نوشته سپس بر آن افزده تا بهفت مجلد کلان رسانده‌است. بخش عبادات آن گزیده و کوتاه ولی درعقودومعاملات آن باستدلال پرداخته شد (روضات ص ۲۹٤- طوس ٥:٤٩٥و۵۰۱) او میخواست برای آنچه که درآن بکوتاهی پرداخته بود دنباله‌ای بنویسد و زنده نماند و دخترزادهٔ او در ۹۸۹-۹۹۸ مدارك‌الاحکام نوشته و کاراورا کامل ساخت.

درنسخهٔ ش ۱۱۲۱ گ۱ الف این دوبیت درستایش ازمسالك آمده است:

نظرنا في المسالك نظرشوق فكانت نظرتي في العين كحلا
فزين الدين حي غير فان علينـا مسلك‌الاحكام املا

پسرشهید درستایش مسالك میگوید:

لولا كتـاب مسالك‌الافهـام ما بان طرق شرائع‌الاسلام
كلاولا كشف‌الحجاب‌مؤلف عن‌مشكلات غوامض‌الاحكام

(اعیان‌الشیعه ۲۱:٤۰۲).

مسالك در ۱٤-۱۳۱۰ بکوشش حاجی شیخ رضا کتابفروش تهرانی بخط کلب علی‌بن عباس افشار شرندی قزوینی درجلد ۱ (۵۱۵ ص) وعلی‌بن عبدالرسول درجلد ۲ (۵۹۷ ص رحلی) با خود شرایع درهامش بخط غلامحسین بروجردی همه بنسخ بچاپ سنگی رسید. درفهرست طوس (۲: ۱۷۲ و٥ : ٦۱۲) از چاپ تهران در۱۲٦۲ و ۸-۱۲٦۷ و ۱۲۷۳ و ۱۲۸۲ یاد شده است (کنتوری ۵۰۲ - طوس ۲:۱۱۰- فاضلیه ۱۲٤- سپهسالار ۱:٤۵۳).

آغاز: بسمله. وبه‌نستعین. الحمدلله‌الذی اوضح‌مسالك‌الافهام الی تنقیح شرائع‌الاسلام‌بوشرح‌صدورمن‌اختارهم‌من‌الانام‌بایضاح مسائل‌الحلال‌والحرام ... فهذه نکت مختصرة و فوائد محررة وضعتها علی کتاب شرائع‌الاسلام بالتماس جماعة‌من‌المحصلین‌الاعلام تقیدمطلقهاوتفتح مغلقهاوتبین مجملها وتسهل معضلها تغنی‌المشتغل‌بالکتاب عن اسفار کبار وتطلعه علی دقائق تذعن لها قلوب‌الاخیار مجردة غالباً من دلیل اوتعلیل مقتصرة علی قصیر من طویل ... وسمیتهاومسالك الافهام الی تنقیح‌شرایع‌الاسلام.»

انجام: والاصح مراعاة‌الابتداء والخاتمه کمامروهویرجع هنا الی اعتبار الخاتمة‌نسئل‌الله تعالی حسنهاوسلامة عاقبتهافی‌الدارین وحیث‌انتهت مسائل‌الکتاب التی تعلق‌الغرض ببحثها فلنحمدالله تعالی علی نعمه و نسئل من جوده و کرمه ان یتقبل منا ما علمناه ... وان یجعل مابقی من ایام هذه‌المهلة علی طاعته موقوفاً وعما یبعد عن مرضاته مصروفاً انه هوالجواد الکریم والحمدلله حمدالشاکرین والصلوة علی سیدالمرسلین محمد وآله وصحبه اجمعین. (چاپی).

[۱۸٦۳]

۷٦۲ این نسخه بسخ باعنوانهای شنگرف میباشد وفضل‌الله‌بن‌محمدبن‌الصقر کعبی عراقی نجفی درروز دوشنبه ۱٤ ع ۹۵٦/۲ نوشتن آنرا بانجام رسانده. او جزء یکم را درروز چهارشنبه ۲۳ ج ۹۵۵/۱ نوشته بود (۱۹۹ الف) برگ یکم نونویس است.

در گ ۱۹۸ ب (پایان عبادات) دارد «تمت‌المقابلة بعون‌الله تعالی علی‌الشیخ مصنفه‌سلمه‌الله تعالی الی‌قریب نصف کتاب‌الحج والباقی علی‌السید حسن‌النقطی نسخة مقابلة علی‌الشیخ ومبلغ له بخطه علی‌آخرها والحمدلله رب‌العالمین و صلوته علی نبیه محمد و آله‌الطاهرین».

این نسخه ازمیانهٔ طهارة است تا میانهٔ بیع.

آغاز: ووجوب‌اللبس یکون بنذروشبهه اولاصلاح غلط لایتم الابه فان اصلاحه واجب‌علی‌الکفایةصونا‌للعجز قوله: (اولدخول‌المساجد مع‌اللبث) فی غیرالمسجدین (ص ۲ چاپی).

انجام: قوله: اذاوجدبراس‌المال عیباً فان‌کان من غیرجنسه بطل‌العقد ... انما

یبطل العقد مع ظهور العیب من غیر الجنس . . . فالاقسام ستة عشر وحکمها قد علم مما اسلفناه هنا وفی باب الصرف . قوله : اذا اختلفا فی القبض هل کان قبل التفرق او بعده فالقول . الخ .

(برابر با ص ۱ گ ۹۰ پ ش ۱۱۲۱) .

(۳۳۶۰ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد ضربی ...

الدازه : ۱۸×۲۷ و ۱۴×۲۰/۵ س ۳۸

[۱۸٦٤]

۱۱۲۱ این نسخه بنسخ است باعنوانها و نشانه‌های شنگرف وصنع الله بن ذی النون بن علاء الدولة جنیمی نوشتن آنرا در شب آدینة ۱٤ ذی قعدة ۹٦٦ بانجام رسانده ومقابلهٔ آن در ۲۰ صفر ۹۷۰ بپایان رسید . در کنار چند برگی «بلغت المقابلة» دارد . نام چند تن از دارندگان نسخه چنین در آن دیده میشود : شیخ محسن بن حاج مرتضی اعسم که در ۱۰۳۸ آنرا خریده است ؛ محمد علی بن شیخ عباس بلاغی (با مهر او) ؛ جعفر نجل شیخ محسن اعسم بادیگر اجزاء کتاب ؛ عباس بن حسن بلاغی نجفی ؛ محمدعلی بلاغی که بعبدالله بن سیدمحمدرضا امانت داد ـ محمد بن سیدجعفر بن سیدمرتضی اعرجی در آن نگریست (۱ الف) .

این نسخه جلد دوم و از تجارت است تا وکالت .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب العالمین ... . القسم الثانی فی العقود وفیه خمسة عشر کتابا . قوله : «کتاب التجارة» قدسبق فی کلام المصنف فی زکوة التجارة کثیره ما یدل علی ان المراد بالتجارة عقد المعاوضة بقصد الاکتساب عند التملك .

انجام : قوله : «ولوظهر فی المبیع عیب رده الی الوکیل دون الموکل» لانه لم یثبت وصول الثمن الیه .. وکیف کان فقول الشیخ ضعیف وکذا تعلیله . کتاب الوقوف والصدقات . تم المجلد الثانی من هذا التعلیق علی ید مصنفه . زین الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی ... فی اوقات مختلفة واحوال متفرقة مشوشة للقوی والافکار مانعة من الجلد والاصطبار موجبة للمسامحة عند العثار آخرها مفتتح شهر ربیع الاول المفتتح لاول الربیع سنة ست وخمسین وتسعمائة حامداً لله تعالی ومصلیاً علی اشرف الانبیاء واکمل الاصفیاء وعلی آله النجباء واصحابه الاتقیاء مسلماً مستغفرا .

(۳۴۰۳ف) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج سرخ ضربی ...

الدازه : ۱۹×۲۹ و ۱۱×۱۷/۵ س ۲۲

[۱۸٦٥]

۷٦۳ این نسخه بخط تعلیق ریز محمد بن مکی بن علی جبلی عاملی است که در بامداد روز شنبه ۲۱ ع۲/۹٦۷ نوشتن آنرا بانجام رسانده . او از دانشمندان بوده و از پدر خود از شهید دوم روایت میکرده است (امل الآمل ص ٤٥٥) حاشیه‌هائی در آن هست . از آنهاست بانشانهٔ «حاشیة بخطه» و «منه بخطه» (۸٦ الف) از برگ ۱ اندکی از بالا بریده شده و کاغذ تازه چسبانده‌اند .

این نسخه از قضاء است تا پایان مسالك .

آغاز : کتاب القضاء . القضاء لغة یطلق علی احکام النبی ص (الشیء ـ چاپی) وامضاء ومنه «وقضینا الی بنی اسرائیل» وعلی الاتمام ومنه «فاذا قضیتم مناسککم» .

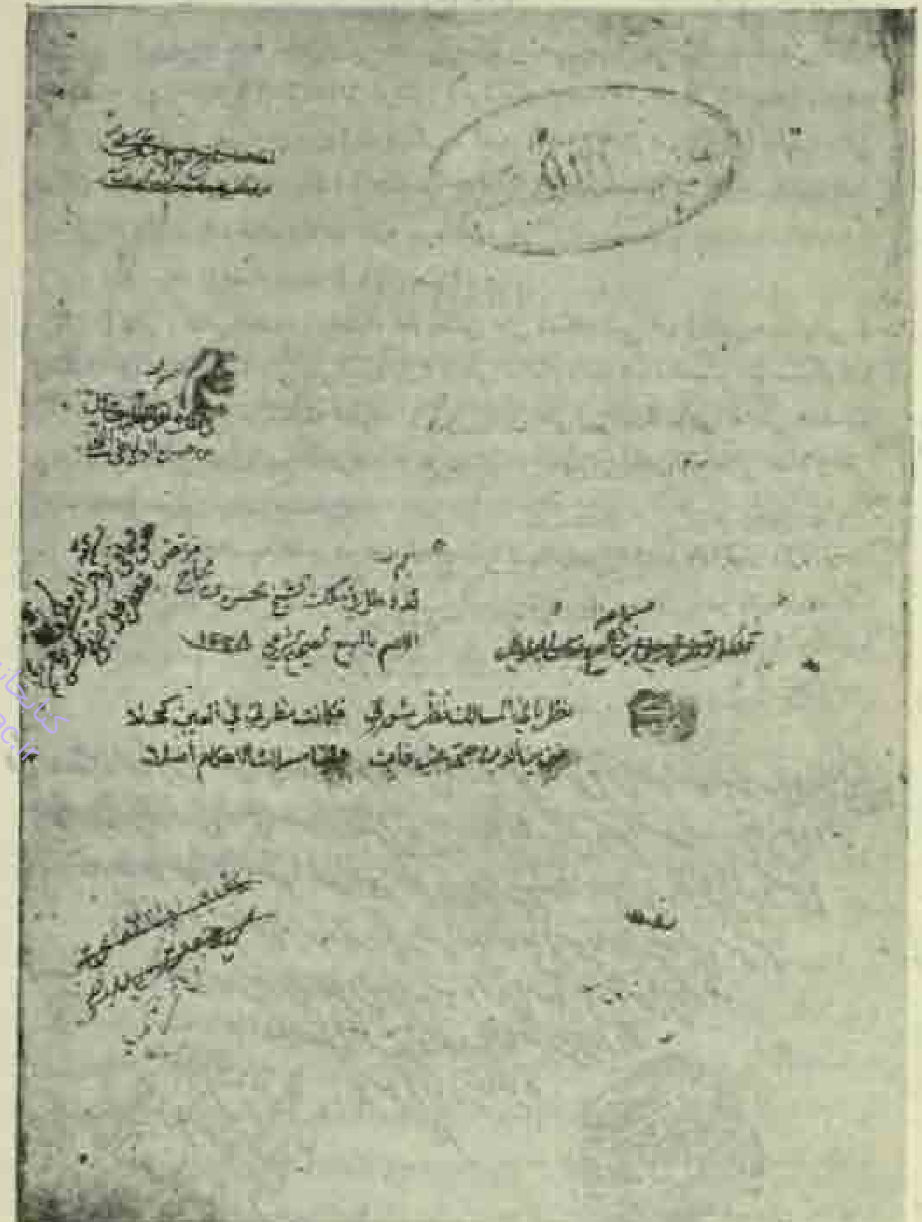
انجام : فرغ من تعلیقه مصنفه .. زین الدین علی بن احمد الشامی العاملی منتصف نهار الاثنین ثامن شهر ربیع الآخر عام اربع وستین وتسعمائة . تقبل الله تعالی عمله وغفر زلله حامداً مصلیاً مسلماً مستغفرا .

(۱٦٦ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج آلبالوئی ضربی حاشیه‌دار مقوائی

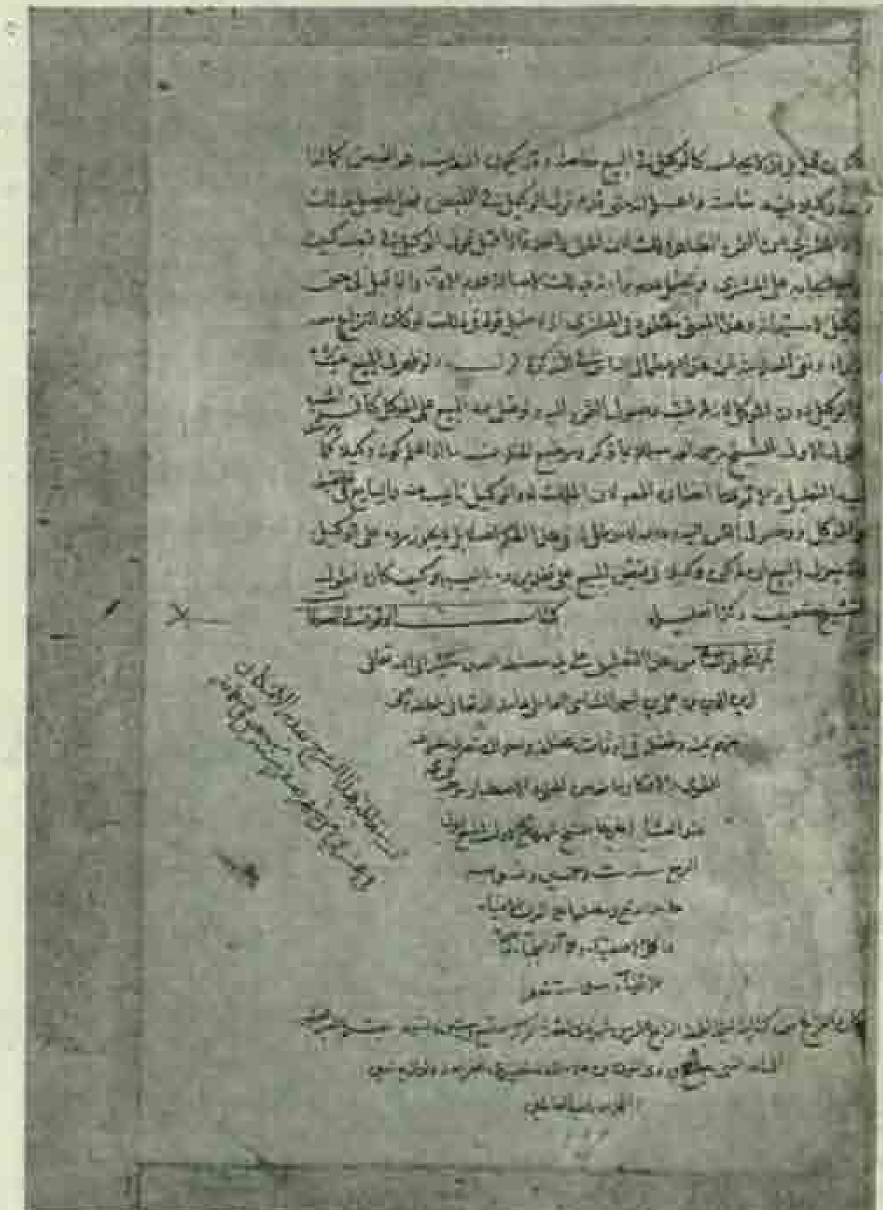
الدازه : ۱۸×۲۷ و ۱۲×۲۰ س ۳۷



گ ۱٦٦ الف پایان مسالك ش ۷٦۳



گ ۱ الف ش ۱۱۲۱ «مسالك» كه خط برخى از بزرگان و شاعران عراق در آن ديده ميشود



گ ۳۰۲ الف پايان مسالك ش ۱۱۲۱

[۱۵۷۷] مسکن الشجون فی حکم الفرار من الطاعون (عربی)

سید نعمة‌الله جزایری شوشتری این‌دفتر را درسال ۱۱۰۲ که درعراق طاعونی پیدا شده بود از روی اخبار بپرداخت . دانشمندان در آن زمان در اینکه آیا میتوان ازاین بیماری پرهیز نمود واز آن شهریکه این بیماری درآنجا پیدا شده گریخت یا نه یك سخن نبوده‌اند شوشتری این‌را برای بررسی دراین‌مسئله نگاشته است.در آن پنج‌باب‌است نخستین‌دراینکه مرگ‌چیست‌وشگفتیهای آن کدامست دوم ریشه وپایه ومایهٔ این بیماری چیست سوم گریزاز آن بایستنی‌است یا شایسته و پسندیده یا زشت ونکوهیده وخود اوروامیدارد که ازاین ناخوشی بگریزند (گ ۲۲ ب) چهارم اجل چیست وبیش وکم میشود ویکی است یا چندتا پنجم پادشاهان وفرمانروایان و دانشمندان و مانند آنها دراینگونه آسیبها که بتودهٔ مردم میرسد چه باید بکنند و مسئله‌ها و حکمهای پیوسته باین مسئله . درخاتمهٔ آن حدیثها وحکمهای دلپسند و نادر و پراکنده‌ای آمده است . در آن (۲۸ ب) دارد که این بیماری طاعون ووبا دراینسال از روم و استنبول و شام آغاز شده وببغداد و کربلاونجف و کنارفرات وجزیره‌های بصره وحویزه ودورق رسیده وبسیاری ازنیکان دراینسال بمردند . نکته‌های تاریخی وجادو گری وافسانه‌ای خوبی در آن‌هست . در آن ازشرح دعاء صنمی قریش فاضل اردبیلی (ذریعه ۸ : ۱۹۲) و شرح تهذیب (ص ۱۴۳۳ همین فهرست)و شرح صحیفهٔ‌خودا و یادشده است(۵۳ ب) شوشتری آنرادر ۱۱۰۲ آغاز ودرروز آدینهٔ۷رجب۱۱۰۳درشوشتر درخانهٔ خود نزدیك به جامع اعظم بپایان برده است (روضات ۷۲۸- طوس ۵ : ۱۶۷ ش ۷۰۵ تاریخ ۲۸ شعبان ۱۲۰۳) .

آغاز : الحمدلله‌الذی جعل‌الموت سعادة للمؤمن یتوصل به الی عالی الجنان ... فیقول ... نعمت‌الله‌الموسوی‌الحسینی ... انه وقع فی‌العراق وتوابعه وباء وطاعون فی‌العام الثانی بعدالمائة والالف‌الهجریة وهوعام تألیف هذاالکتاب ... وسمیناه بمسکن‌الشجون‌فی حکم‌الفرار من‌الطاعون، ورتبناه‌علی خمسة ابواب وخاتمة .

انجام : الی غیرذلك من‌الادویة المنقولة والادعیة المرویة وقدانتهت الی هنا هذه‌الرسالة علی ید مؤلفها ... نعمت‌الله‌الحسینی . . . وکان ختامها یوم‌الجمعة سابع شهررجب‌المرجب سنة الثالثة بعدالمائة والالف‌الهجریة فی محروسة تستر فی‌دارناالقریبة من‌الجامع‌الاعظم حامداًلله مصلیاًعلی رسوله واهل بیته‌الطاهرین (وکتبه . . . محمد شاهمیربن ابوالقاسم‌الحسینی‌المرعشی فی یوم‌السبت سنة ثلث واربعین بعدالمائتین والالف من‌الهجرة سنة ۱۲۴۳ والحمدلله) .

[۱۸۶۶]

۵۸۷ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف ازمحمد شاهمیربن ابوالقاسم حسینی مرعشی که درروزشنبه ۳ شوال ۱۲۴۳ آنرا نوشته است .

(۱۴۵گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۱ و ۹/۵×۱۶ س ۱۷

[۱۵۷۸] مسالك نجات (فارسی)

این‌رسالهٔ عملی درچند مقصودودارای کتابهای تجارت‌وشفعه ودین وضمان وصلح و وکالت و اجاره تا هبه است و از محمد صالح‌بن محمد برغانی قزوینی (در گذشتهٔ در کربلا نزدیك ۱۲۷۰) برادر محمد تقی شهید ثالث و پدرقرةالعین میباشد . ایندانشمند مردی پارسا ووارسته بوده و بنوشتهٔ تنکابنی درقصص‌العلما (ص ٦٤) درست بپایهٔ اجتهاد رسیده بود . اوشاگرد سید محمد باقر رشتی وسید علی طباطبائی وسیدمحمد مجاهد بوده وازچهل مجتهد اجازه داشت ونگارشها درمقتل دارد ودو گزارش برارشاد یکی بنام غنیمةالمعاد و دیگری بنام مسالك الراشدین فی احکام‌الدین هردو بتازی و یك تفسیرهم نگاشته است (طوس ۵ : ۳۱۸ و ۵۰٤) نام این مسالك نجات او را درفهرستها و سرگذشتنامه‌ها نیافته‌ام (احسن‌الودیعه ۱: ۳۷- مآثر و آثار ۱۸۳- ریحانةالادب ۱: ۱۵۲) .

آغاز : بسمله . الحمدلله رب‌العالمین ... چنین گوید بندهٔ حقیرجانی محمد صالح‌بن‌محمدالبرغانی که چون فارغ شدیم ازعبادات مسالك‌نجات شروع نمودیم

بیان احکام جملهٔ ازمتاجر که بسیارمهم است مراعات آنها درتجارت.

انجام نسخهٔ ما: و اگر واهب رجوع نماید در موهوب بعد از قبض در جائیکه(از کتاب هبه).

[۱۸٦۷]

۷۷۲ این نسخه بنسخ است باعنوانهادرمتن وهامش بشنگرف وروی آغازمطلبها خط سرخ کشیده شده است. فضل‌الله نوری ودیگری در ۲۸ شعبان ۱۲۹۲ دارندهٔ نسخه بوده‌اند.

(۳۹۴پ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج قرمز ضربی
اندازه: ۳۱/۵ و ۹×۱۴/۵ س ۱۷

[۱۵۷۹] مصابیح (عربی)

سیدمحمد مهدی بحرالعلوم طباطبائی بروجردی (کربلا شب آدینهٔ شوال ۱۱۵۵ــ نجف ۱۲۱۲) دراینبدفتر که درباره‌ای ازطهارة و صلوة و زکوة است وباعنوانهای مصباح، ازقاعده‌های فقهی واصولی هم کاوش نموده ودر آغاز آن چند تمهید گذارده از مسئله‌های کلی فقه بررسی کرده است. گویا آن بساخت یادداشتهائی بوده و یکی از شاگردانش آنراگرد آورد و درست نتوانست ازاین کاربرآید. ازنوشتهٔ تنکابنی برمیآید که‌اینبدفتر گزارش مفاتیح میباشد(۱).

آغاز: بسمله. الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی اشرف‌الانبیاء والمرسلین محمدوعترته‌الطاهرین. تمهید. الفقه‌لغة‌الفهم واصطلاحاالعلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتهاالتفصیلیة.

انجام نسخهٔ ما: الخامس ان‌المتبادر من قولهم‌العنب یحرم بالغلیان تحریم العنب مادام عنبا ... واماالانتفاء حال‌الانتفاء فلیس ذلک بمعتبر.

۱ــ بنگرید به: روضات ۶۴۸ــ مستدرک ۳۸۴ــ قصص‌العلما ۱۲۰ــ هدیة‌الاحباب ۱۰۳ــ کنتوری ۵۲۳ ــ طوس ۵: ۵۰۵.

[۱۸٦۸]

۷۹۷ این نسخه دیباچه و پاره‌ای از طهارت است و بنسخ با عنوانهای شنگرف درپاره‌ای‌جاهاودر۱۲۵۷ نوشته شده و با نسخهٔ اصل‌مقابله گردید. تصحیحات درکنار برگها هست. نویسنده نام‌کتاب و نگارندهٔ آنرا درپشت جلد و پایان یاد کرده است. حاشیه‌های «منه قدس سره» در آن هست. در گ ۲۴۱ پ دارد ۲۴۰۶ ورق، ورقی ۴۸ سطر، سطرها روبهم ٦۱٦۰ خط، هرخطی یک بیت وربع، بیتها نزدیک ۸۲۰۰.

(۳۴۱پ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی
اندازه: ۱۵×۲۵ و ۸×۱۸ س ۲۴

[۱۵۸۰] المصباح الساطع فی شرح مفاتیح الشرائع (عربی)

سید عبدالله شبر حلی کاظمی (۱۱۸۸-۱۲۴۲) نخست مفاتیح‌الشرائع فیض کاشانی‌رابنام مصباح‌الظلام فی‌شرح مفاتیح شرایع‌الاسلام درهشت جلد ونزدیک به ۲۳۳ هزار بیت گزارش نوشته است و جلد یکم در ۲۲ هزار بیت و گزارش دیباچهٔ آنست. سپس‌همان‌را گزیده و کوتاه ساخت و گزارشی برآن‌بنام یادشدهٔ دربالادرشش جلد بساخت. این گزارش آمیختهٔ کوچک در ۱۰۰ هزاربیت است واین‌نسخهٔ ماهمان جلدیکم آن و گزارش دیباچهٔ مفاتیح‌است وقاعده‌های‌ارزندهٔ فقهی واصولی ونکته‌های رجالی وفهرستی ودرایه‌ای در آن هست. (ص ۱۵۳۲ همین فهرست).

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله‌الذی هدانا للتفقه فی‌الدین و وفقنا لمتابعة خاتم‌النبیین ... فیقول ... عبدالله‌بن محمد رضا الحسینی ... انه لایخفی ... فضیلة‌العلم وشرافته.

انجام: و کون المذکورین اقرب الیها من غیرها والله العالم بالصواب والیه‌المرجع والمآب والحمدلله وصلی‌الله علی محمدو آله‌الطاهرین (وعن‌الرازی فی‌تفسیره قال ما لفظه‌التقیة انما تجوز فیما یتعلق باظهارالموالاة والمعاداة ...

ورووافی بحث العول من کتاب المیراث انه قیل لعبدالله بن عباس لم لم تظهر بطلان العول فی عهد عمر فقال هبت سوطه اوسطوته) (این بند بازپسین را گویا پس از این افزوده است)

[۱۸۶۹]

۷۱۷ این نسخه بنسخ و متن زیر خط سرخ و عنوانها درهامش بشنگرف میباشد ودرجدول لاجورد وشنگرف است. در گ ۲۴۶ ب و ۲۶۹ الف آن داود که مفاتیح گزیدهٔ معتصم الشیعه که بپایان نرسیده بود میباشد وبهمان ترتیب آن در ۱۲ کتاب ودوخاتمه است (عبادات وسیاسات درشش کتاب ویك خاتمه وعادات ومعاملات هم درشش کتاب و یك خاتمه) نسخه را شبر بکبی بخشیده است. بهای آن چهار تومان (۱ الف).

(۲۹۴ش) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی طولی

الدازه: ۱۵×۲۲ و ۱۰×۱۶ س ۲۳

[۱۵۸۱] المطالب المظفریة (عربی)
فی شرح الرسالة الجعفریة

یکی از شاگردان محقق کرکی محمد بن ابی طالب استرابادی این گزارش کوچك آمیختهٔ بامتن را نوشته و بامیر کبیر حاکم مؤید سیف الدین مظفر بتکچری یا بتکچی گرگانی ارمغان داده است (دردیباچه نسخهٔ ما چنین چیزی دیده نمیشود).

دانشمندان سخنان استرابادی را در کتابهای فقه آورده اند و گاهی این گزارش را طالبیه خوانده اند واو روشی خاص در آن دارد.

ایندانشمند از شاگردان کرکی بوده و استاد بدو ارج مینهاد و عبدالعالی پسر خود کرکی بواسطهٔ او از پدر روایت داشت اگرچه سید حسین بن حیدر کرکی ازاین عبدالعالی از پدرش بیواسطه روایت کرده و رسانده که او نزد پدر درس خوانده واجازه گرفته است.

استرابادی این گزارش را در پایان روزگار استادخود و آغاز پادشاهی تهماسب صفوی نزدیك ۹۴۰ نگاشته است. خوانساری در ص ۵۹۸ روضات چنین گفته

ولی در ص ۳۹۱ درسر گذشت خود کرکی این استرابادی شارح را سید امیر وحسینی موسوی خوانده است. کنتوری (ص ۵۲۹) مینویسد که شاید این گزارش از نورالدین ابوالقاسم علی بن عبدالعالی عاملی میسی (۹۳۳) شاگرد روایت محقق کرکی باشد (۱) درامل الآمل ص ٤٤٤ از او هم شرح جعفریه یاد شده ولی نباید این یکی باشد.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی فضلنا علی سائرالامم باعدل الادیان واوضح لنا شرائع الاسلام باتم الایضاح واکمل البیان.. فانی لما امعنت نظری... فی مطالعة المختصر الموسوم بالجعفریة الموضوعة فی باب الصلوة.. وهی من تألیفات شیخنا وسیدنا.. سمی امامه امیرالمؤمنین وسیدالوصیین لازال کاسمه عالیاً متعالیاً علی کافة العالمین فلعمری لقد وجدتها احسن ماصنف... فقصدت ان ارتب لهاشرحا.

انجام: و باقی الصلوات المندوبة مذکورة فی الکتب المطولة فلیطلب من هناك فان رسالتنا هذه وجیزة لاتحمل ذلك.

[۱۸۷۰]

۹۳۱ این نسخه ش۲ دفتراست وبنسخ باعنوانهای درشت تر درهامش ونشانه های شنگرف ومتن زیرخط سرخ ومسعود بن فضل الله بن مسعود درشعبان ۱۰۶۵ آنرا نوشته است. حاشیه هائی داردبانشانهٔ «ع ل» و «ه» و از همان حاشیهٔ کرکی باید باشد. گ ۵٤ ب ـ ۲۱۷ الف. چنین است انجام آن «فان کان الصف تفرق اذن واقام».

[۱۵۸۲] مطالع الانوار (عربی)

حجة الاسلام سیدمحمدباقر بن محمدتقی (۲) موسوی شفتی رشتی سپاهانی

۱ـ درفهرست طوس ازنسخه های تاریخ ۱ رجب ۹۷۲ و ۹۷۶ و ۱۸ محرم ۹۸۰ و۹۸۵ یاد شده (۸۳:۲و۱۲۶و۵۰۶:۴).

۲ـ نام پدرش دربرخی از سرگذشتنامه ها تقی ودربرخی دیگر و درنسخه های ما نقی یاد شده است.

بنگرید به: آنچه دربارهٔ «پاسخهای شفتی» نوشته ام (ص ۱۸۰۰).

یدآبادی (درگذشتهٔ درسپاهان در۲ ع۲/۱۲٦۰ دره۸ سالگی) باصول ورجال وفقه وریاضی آشنا بوده است (ریحانةالادب ۱: ۳۱۲) این کتاب او گزارشی است برشرایع حلی و پنج جلد آن درفهرست سپهسالار (۱ : ٤٥۹) شناسانده شده وتاپایان نماز کسوف است وبگفتهٔ خوانساری (روضات ص ۱۲٦) جلد پنجم آن تا پایان احکام اموات میباشد که روی نسخهٔ سپهسالار باید جلد ششم باشد . او دراین بخش ازدیگر قاعدههای کلی فقه هم بررسی نموده وبیشترمسئلههای فقهی ازطهارة تادیات برا کندهو جسته گریختهدر آن هستوبسیارموشکافی وباریکبینی کردهاست . کنتوری (ص ٥٣٠)جلدهای۲و٤ (عدالتپیشنماز تا پایان نماز آدینه که درشب اضحی ۱۲۲۹ بانجام رسیده) و٥ را دیدهاست . چون نسخهٔ جلد یکم (آغاز نماز تا نیت) سپهسالار در ۱۲۲۹ نوشته شده پس او پیش از این تاریخ تا پس ازدههٔ دوم ذی‌حجهٔ ۱۲٤۸ بدان میپرداختهاست . تنکابنی (ص ۹٦) مینویسد که مطالع درهفت مجلد است وصلوة را در آن بپایان نبرده وهرجلدی نزدیك بیست هزار بیت میشود ودرهرجا که بمسئلهای از لغت و نحو و رجال و اصول درآن برخورد با دلیل نوشته است .

[۱۸۷۱]

۱۰۰۰) این نسخه جلد دوم (افعال صلوة ازنیت تاتعقیب نگارش پیش‌از۱۲۳۱) است و بنسخ خوش عبدالکریم‌بن محمد اسماعیل شاگرد شفتی که درروز شنبه ساعت ۲ روز ٦ دههٔ ۲ ماه ٥ سال ۱۲٤۱ بپایان رسانده . دوسه جدول شنگرف وزر و لاجورد است و درحاشیههای آن که نشانهٔ «منه» دارد شاهکاری شده و آنها را در گل وبوته وپیکرههای جانور و گیاه وشکلهای هندسی با درعبارتهائی بخط درشت مانند «منهدام ظلهالعالی» گذاردهاند تاریخ نوشتن حاشیه روزسه شنبه۱٤ع۱/۱۲٤۲ میباشد (۲۸۳ الف) سرلوح زیبائی دارد ودوصفحهٔ نخستین حاشیهسازی شده است .

آغاز : المجلدالثانی من کتاب‌الصلوة من مطالع‌الانوار . بسمله . الحمدلله‌الذی احکم شرائع‌الدین بمطالع‌الانوار و مسالك‌الیقین و اتقنها بمدارك‌الاحکام و قواعد الارشاد تهذیباً للعالمین ... وبعدیقول ... ابن‌محمدتقی‌الموسوی محمدباقرهذاهوالمجلد الثانی من مجلدات مطالع‌الانوارالمدون فی کتاب‌الصلوة لتنقیح افعالها فنقول قال

المصنف قدس سره (الرکن‌الثانی فی افعال‌الصلوة وهی واجبة ومسنونة فالواجبات ثمانیة‌الاول‌النیة وهی رکن فی‌الصلوة لواخل بها عامداً اوناسیاً لم تنعقد صلوته) اعلم ان‌الامورالمعتبرة فی‌الصلوة اما شرط فیها اوجزء لها .

انجام : وله دائماً متوالیاالحمد ... بحق اکمل بریته ... علیه و علیهم آلاف السلام والثناء والتحیة ـ قد تم‌المجلدالثانی من کتاب‌الصلوة من مطالع‌الانوارالذی صنفه .. استادی ... سمی‌الامام‌الخامس ... علی یداقل تلامیذه ... عبدالکریم‌بن محمد اسمعیل ... فی یوم‌السبت فی‌الساعةالثانیة من‌الیوم‌السادس من‌العشرالثانی من‌الشهر الخامس من‌السنة الاولی من‌العشرالخامس من‌المائة الثالثة من‌الالف‌الثانی .. فصیر تاریخه لتاریخ ایهاالعالم الفاضل‌الموحد وبالهندسة هکذا سنة ۱۲٤۱ وسأکتب‌المجلد الثالث من کتاب‌الصلوة من مطالع‌الانوار بعون‌الله‌الموفق‌المعین‌الغفار .

(۳۲۸۸ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ـ شکل ضربی عنوانی
الدازه : ۳۰×۲۰ و ۱۱×۲۰/٥ س ۲۹

[۱۸۷۲]

۱۰۰۱) این نسخه جلد سوم (قواطع تا عدالت نگارش پیش‌از۱۲۳٤) وبنسخ است بانشانهها وعنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ دردوجدول‌است بزرگی لاجورد و کوچکی بشنگرف وزر ولاجورد . نویسندهٔ نسخه محمدبن ابراهیم موسوی درهنگام مقابله با نسخهٔ اصل شعرهائی درستایش از کتاب وشفتی سروده ودر۱ الف نوشته است . در ۲۳۸ الف دارد که در ۱۲۲۷ با اصل مقابله شد .

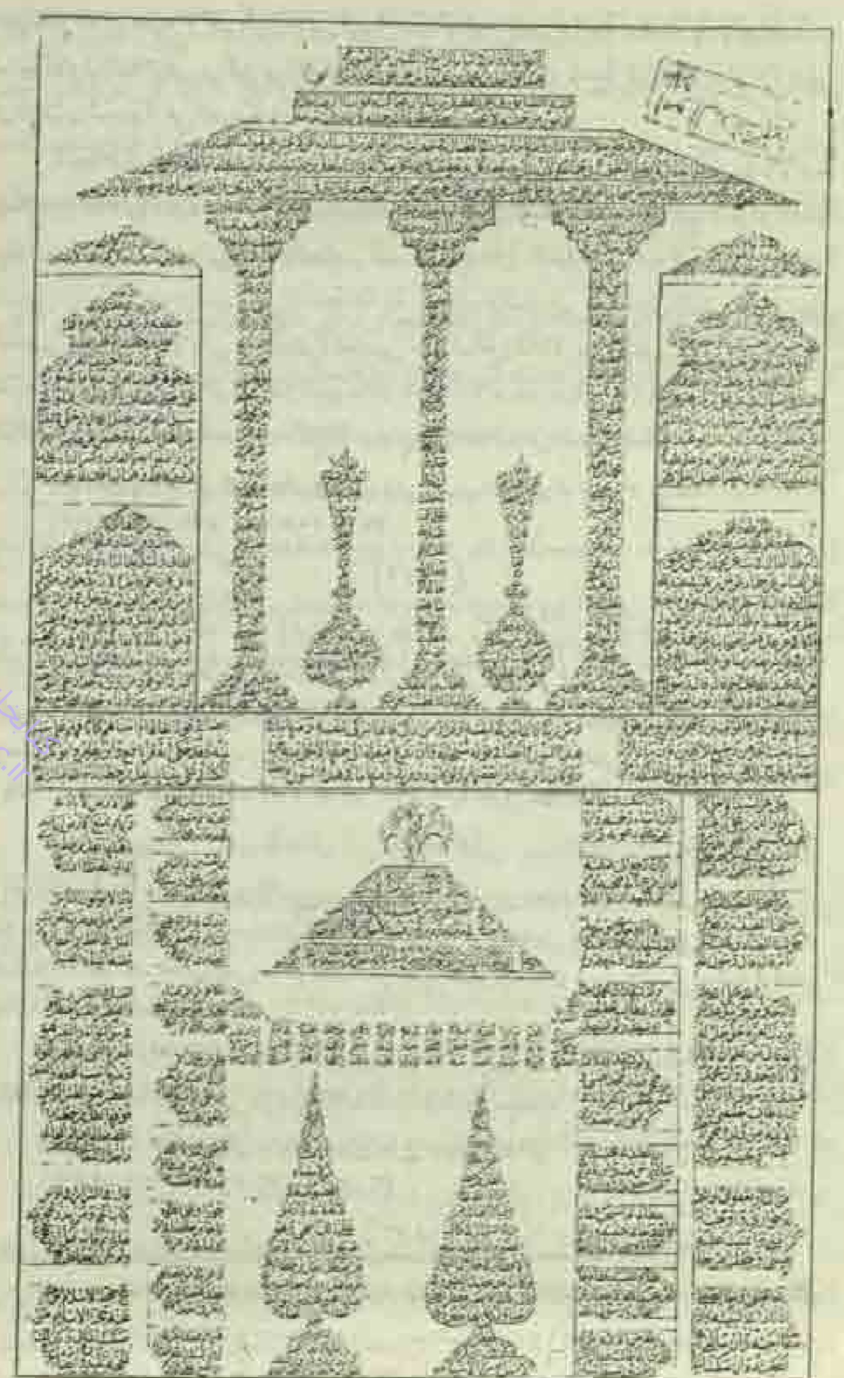
آغاز : بسمله . الحمدلله‌الذی زین شرائع‌الدین بمطالع‌الانواروالیقین ومهدلنا قواعدالارشادهلاحاًللسائل‌الی‌یوم‌الدین ... وبعدیقول ... ابن محمدتقی‌محمدباقرالموسوی ... هذا هوالمجلدالثالث من مجلدات مطالع‌الانوار فی تحقیق قواطع‌الصلوة و غیرها . فنقول‌قال‌المصنف قدس‌الله‌روحه (خاتمة قواطع‌الصلوة‌قسمان ... ولیس بمعتمد) اعلم ان‌المستفاد من‌العبارة کلمتان .

انجام : واماالثالث فلما ذکرفیهما وماذکر یعلم عدم جوازامامةالخنثی ایضاً وستقف علی تمام‌الکلام فی مباحث‌الجماعة باعانةالله سبحانه .

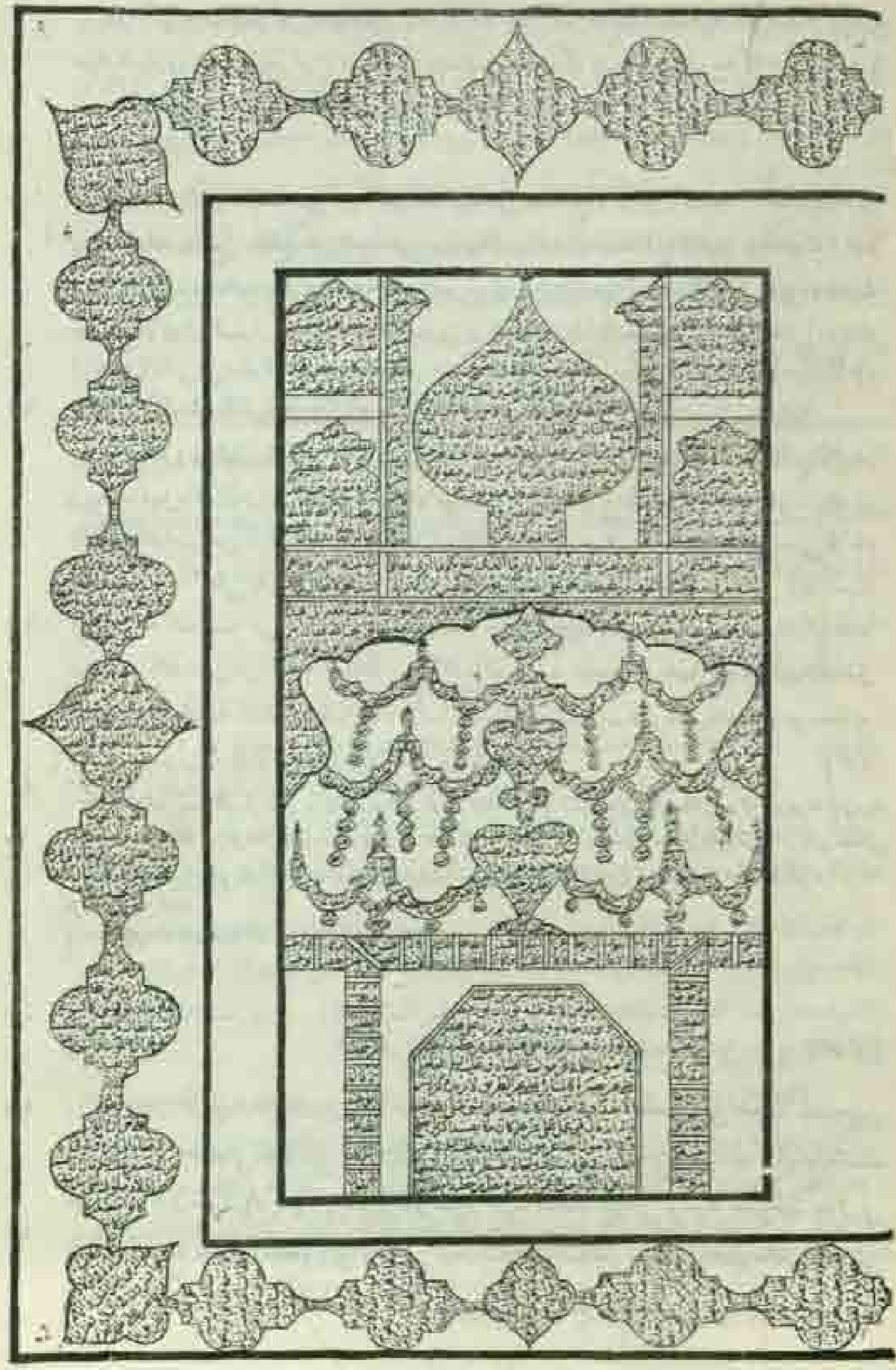
(۳۲۲۸ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی عنوانی
الدازه : ۳۰/٥×۲۰/٥ و ۱۳×۲۳ س ۲۷

[۱۸۷۳]

۱۰۰۲) این نسخه جلد ٥ ودرنماز دوعید تا نماز کسوف است و دردههٔ دوم ذی‌حجهٔ ۱۲٤۸ بنگارش درآمده وبهمان نسخ شمارهٔ ۱۰۰۰ ازهمان نویسنده که درشب شنبه ساعت ٥ روز ۳ دههٔ ۳ ماه ۷ سال ۱۲٤٦ بانجام رسانده .



ک ۱ ب مطالع الانوار ش ۱۰۰۲



ک ۲۰۷ الف مطالع الانوار ش ۱۰۰۲

همانگونه شاهکارها درهامش بکار برده شد . دو صفحهٔ نخست و دو صفحهٔ پایان حاشیه‌سازی شده و سرلوح در آغاز هست و همان گونه جدولهای سه گانه را دارد . خبرهائی درچهار صفحهٔ آغاز و چهار صفحهٔ پایان نسخه درشکلهای زیبای هندسی دیده میشود .

آغاز : المجلد الخامس من كتاب الصلوة من مطالع الانوار . بسمله . الحمدلله الذى شرح غياهب العمى بتبلج شرائع الدين و نور قلوب العلماء بمطالع الانوار ومدارك اليقين وبعد يقول ... محمد باقر بن محمد تقى الموسوى ... هذا هو المجلد الخامس من مجلدات مطالع الانوار البرز الخبايا صلوة العيدين و غيرها . قال المصنف نورالله تعالى روضته (الفصل الثانى فى صلوة العيدين والنظر فيهما و فى سننها وهى واجبة مع وجود الامام بالشروط المعتبرة فى الجمعة) اقول قبل الاخذ فى شرح الكلام .

انجام : والحمدلله العلى الكبير . هذا آخر الجزء الخامس من مجلدات مطالع الانوار ويتلوه الجزء السادس فى الصلوة على الاموات وغيرها باعانة الله الموفق للخيرات ـ قد تم المجلد الخامس من كتاب الصلوة من مطالع الانوار التى صنفه .. استادى .. سمى الامام الخامس ... على يد اقل تلامذته ... عبدالكريم بن محمد اسمعيل ... فى ليلة السبت فى الساعة الخامسة من اليوم الثالث من العشر الثالث من الشهر السابع من السنة السادسة من العشر الخامس من المائة الثالثة من الالف الثانى ... فيصير تاريخها لغيرها ايها الفاضل العالم وبالهندسة كذلك سنة ١٢٤٦ وسا كتب الجلد السادس من كتاب الصلوة من مطالع الانوار بعون الله الموفق والمعين الغفار فى ١٢٤٦ .

(۲۰۸گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی لوی جلد لرغی است بازمینهٔ مشکی و گل و بوته بازمینهٔ سرخ و آراسته و نوشتهٔ زر . درپیرون جلد زمینه زرد و زرافشان با ترنجی گرداگردش مشکی و با گل و بوتهٔ زرین پیرامون ودرون و بیرون آن لرزو نوشته‌هاسخ زرین درزمینهٔ مشکی و آراسته ونگارشده است .

اندازه : ۱۹/۵×۳۰ و ۱۰×۱۹ س ۲۹

[۱۵۸۳] **معارج الاحكام** (عربی)

اینه دفتر ازسید حسین بن امیر محمد ابراهیم بن محمد معصوم بن محمد فصیح بن امیر اولیاء حسینی قزوینی (نزدیک ۱۱۲۶ - قزوین ۱۲۰۸) میباشد . اینه دانشمند شاگرد پدر خود (م ۱۱۴۹) و برادر خود سید محمد مهدی و سید نصرالله حائری شهید و شیخ حسین ماحوزی و مولی محمد قاسم تنکابنی و مولی محمدعلی جزینی و دیگران و استاد روایت بحرالعلوم بروجردی بوده است و نگارشها بتازی

و پارسی دارد . او مستقصى الاجتهاد فى شرح ذخيرة المعاد والارشاد نگاشته که مانند همین معارج الاحكام فى شرح شرائع الاسلام و مسالك الافهام گزارش دو کتاب است و بپایان هم رسیده است (نوری و تهرانی) خوانساری درباره این یکی مینویسد ، کتاب استدلاله الكبير فى شرح شرايع الاسلام ، این را او در چندین جلد و هنگام درس و بدرخواست برادرش سید حسن نگاشته است . نسخه‌ای از جلد یازدهم آن که در قضا و شهادات است و در ۱۱۹۱ بنگارش در آمده در فهرست طوس (۵۰۷۵) شناسانده شده است (۱) .

قزوینی در دیباچهٔ جلد نخستین از شرح ارشاد و ذخيرة المعاد والتعليقات الحرية والاعتماد لطالبى الرشاد بتأييد رب العباد خود یاد میکند . دراین جلد مقدمه‌ایست دارای شش مبحث و نخستین آن درسه مطلب است دربارهٔ مباحثی از رجال و درایه واصول و اجازهٔ خود او که بسیار سودمند است و طرق روایت دانشمندان در آن یاد شده است .

[۱۸۷۴]

۹۹۷ این نسخه جلد نخستین و بخش عبادات و در پایان محرم ۱۲۰۲ بنگارش درآمده است و بنسخ با نشانه‌ها ورقهای شنگرف میباشد ومحمد ابراهیم بن محمد نصیر جیلی قزوینی شالی درمحرم سیچقان ۱۲۹۳ آنرا نوشته است .

آغاز : اعوذ بالله من الشيطان الرجيم . بسمله . وبه نستعين . نحمدك اللهم على فواضل الانعام و فضائل الكرم ... فيقول ... حسين بن محمد ابراهيم بن محمد معصوم الحسينى ... هذا ما تيسر من الكلام ... عند مذاكرة طائفة من الاخوان الدعوة الاخ الاعز السيد حسن ... كتاب مسالك الافهام فى شرح شرائع الاسلام ... و سميته تفا لا بمعارج الاحكام فى شرح شرائع الاسلام و مسالك الافهام .

انجام : انتهى ماتيسر فى هذا المجلد من المقال ... ويتلوه فى المجلد الثانى كتاب التجارة ومايليها ... فى مجالس آخرها سلخ شهر محرم الحرام من شهور سنة اثنتين بعد الف و مأتين من الهجرة الميمونة النبوية عليه و على آله الف الف صلوة و سلام و تحية . تم تمامه (قدوقع الفراغ من الكتابة العبد الاحقر محمد ابراهيم بن محمد نصير

۱ـ بنگرید به : روضات خوانساری ص ۱۹۸ ـ مستدرک نوری ۳:۳۸۴ ـ فوائد رضویه ۱:۱۲۸ ـ اعلام الشیعه تهرانی ۲:۳۷۳ .

جیلی الاصل قزوینی المسکن المشهور بشهرة الکاذبة بشالی فی شهر محرم الحرام سیجقان ئیل سنة ۱۲۹۳).

(۳۶۷ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی عنوالی
اندازه: ۳۲×۴۲ و ۱۳×۲۵ س ۳۶

[۱۸۷۵]

۹۹۸ این نسخه جلد نهم ودهم واوحید و ذیلنه ابت تا لقطه و بنسخ با عنوانها ونشانه‌های شنگرف ومتن زیرخط سرخ و باحاشیه‌های «منه» بخط نستعلیق میباشد. تاریخ نگارش قزوینی دراین جلد رمضان ۱۲۰۵ است.

آغاز: بسمله. نحمدك اللهم علی سوابغ الانعام بالدوام فی کرور اللیالی والایام... فیقول... حسین بن محمد ابراهیم الحسینی... هذا هو المجلد التاسع من کتاب معارج الاحکام فی شرح شرائع الاسلام ومسالك الافهام.

انجام: تم ماتیسر عجالة من المجلد العاشر من معارج الاحکام فی شرح شرائع الاسلام ومسالك الافهام... وکان ذلك فی... بعض لیالی شهر رمضان... سنة الف و مأتین و خمس من الهجرة المبارکة النبویة لسید الانام علیه و علی آله و اصحابه الذین بذلوا مهجهم فی متابعته الف الف صلوة وتحیة وسلام والحمدلله ویتلوه شرح کتاب الفرائض انشاءالله تعالی. تم وتمامه عم.

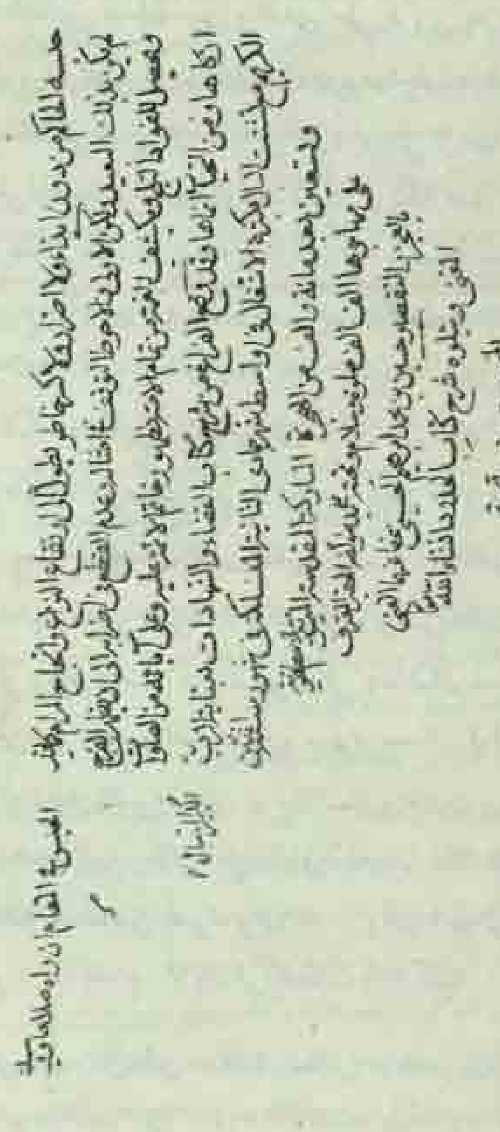
(۳۳۹ص) ـ کاغذ فرنگی جلد تیماج سرخ ضربی عنوالی
اندازه: ۳۰×۲۰ و ۱۱/۵×۲۲ س ۲۵

[۱۸۷۶]

۹۹۹ این نسخه جلد ۱۱ وبنسخ با عنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ ازخود قزوینی است حاشیه‌هائی دارد با نشانهٔ «منه» فهرست درپشت یك برگ افزوده هست. قضا و شهادات دراین جلد است ودرتیمه‌های ج ۱۱۹۲/۲ بنگارش درآمده است.

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله القاضی بالحق والفیاض المطلق... فیقول... حسین بن محمد ابراهیم الحسینی... هذا هو المجلد الحادی عشر من معارج الاحکام فی شرح شرائع الاسلام ومسالك الافهام... قال المصنف... کتاب القضاء ـ انجام درکلیشه دیده میشود.

(۲۵۸ص) ـ کاغذ ترمه ـ تیماج مشکی عنوالی
اندازه: ۲۱×۳۳ و ۱۳×۲۵ س ۲۷



پایان جلد ۱۱ معارج الاحکام ش ۹۹۹

[۱۵۸۴] معالم الدین فی فقه آل یاسین (عربی)

ابن القطان شمس الدین محمد بن شجاع قطان انصاری حلی شاگرد جمال الدین ابی عبدالله مقداد بن عبدالله سیوری اسدی حلی غروی (م ۲۶ ج ۲/۸۲۶) دانشمندی پارسا بوده و فتواهای او در کتابها آمده و در اجازه‌ها هم از او یاد شده است. علی بن عبدالعالی میسی از محمد بن داود جزینی از سید علی بن دقماق حسینی از همین حلی از سیوری از شهید روایت دارد. او نگارندهٔ این دفتر است و طباطبائی در فوائد رجالی خود از نسخه‌ای از آن که با نسخهٔ خوانده شده بر خود حلی مقابله شده بود یاد نموده و میگوید که او در اصول مسائل آن روش فاضلین (محقق و علامه ـ ص ۲۰۵ مقابس ـ ریحانة الادب ۳ : ۱۸٤) را دارد ولی در فروع چیزهائی شگفت انگیز آورد و میتوان از آن نقل نمود. این دفتر در دو جزء است نخستین از طهارة تا وصیت دومی از نکاح تا پایان فقه (کنتوری ص ۵۳۲). (۱)

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی خلقنی من ولد آدم الذی کرم و جعلنی من امة محمد التی سلم وهدانی الی الولایة التی الزم و وفقنی لطلب العلم الذی عظم احمده علی ما اولی وانعم واصلی علی المبعوث الی کافة العالم محمد النبی وعلی آله قادة الامم ما دجی لیل وعتم و اضاء صبح و بسم و بعد فان اولی ما توجهت الیه الهمم وتواضعت له تیجان القمم ما به بقاء نوع الانسان والفارق بین العدل والعدوان اعنی الشریعة المحمدیة المنسوبة الی العترة العلویة فحملنی ذلك علی تصنیف کتاب یشتمل تجرید مسائله بعد تحقیق اصوله و دلائله ... وسمیته معالم الدین فی فقه آل یسن ورتبته علی اربعة اقسام. الاول فی العبادات وفیه کتب.

---

۱ ـ بنگرید به : امل الآمل ص ۵۰۲ ـ مقابس ص ۱۸ ـ روضات ص ۶۳۹ ـ مستدرك ۳ : ٤۳۱ ـ کنی والقاب ۱ : ۳۷۷ ـ ریحانة الادب در ابن قطان ـ فوائد رضویه ۲ : ۵۳۸ ـ در ذیل چلبی (۲ : ۵۰٤) ابن داشند حلبی خوانده شده؛ و از شاگردان مقید؛ و گویا «مقداد» را بد خوانده است.

[۱۸۷۷]

۱۱۵۷ این نسخه بنسخ با عنوانهای درشت شنگرف یا سیاه آراسته بشنگرف و با نشانه‌های شنگرف و با حاشیه‌هائی دارای نشانه «ه» پای آن میباشد.

درصفحهٔ عنوان دارد: «کتاب معالم الدین فی فقه آل یس تصنیف المولی الشیخ الامام المعظم العالم الفاضل المکرم شیخ مشایخ الاسلام مبین الحلال والحرام مفتی الشیعة ورکن الشریعة شمس الملة والدین محمد بن شجاع الانصاری متعنا الله بظل جلاله بمحمد النبی وآله وصحبه وسلم تسلیماً کثیراً والحمدلله وحده. تم. تم.».

درصفحهٔ عنوان جزء دوم (گ ۹۶ الف) دارد: «... (بریده شده) الشیعة ورکن الشریعة شمس الملة والحق والدنیا والدین محمد بن شجاع الانصاری متعنا الله بظل جلاله بمحمد وآله الطیبین الطاهرین وسلم والحمدلله وحده و صلی الله علی محمد وآله اجمعین».

از اینجاها برمیآید که نسخه در روزگار حلی نوشته شده است.

در پایان جزء یکم (۹۵ الف) دارد: «تم الجزء الاول من کتاب معالم الدین فی فقه آل یس و یتلوه کتاب النکاح انشاءالله تعالی علی ید العبد الفقیر الی الله الغنی حمدان بن صالح الغروی عفا الله عنهم اجمعین والحمدلله وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطیبین الطاهرین وسلم تسلیماً کثیراً. تم ـ وذلك بتاریخ نصف نهار یوم الاحد من شهر ربیع الثانی فی سنة ثمانیة وتسعین وثمانمائة وثمانمائه» پس جزء یکم را حمدان بن صالح غروی در نیمهٔ روز یکشنبه ربیع دوم ۸۹۸ نوشته است.

درصفحهٔ عنوان آغاز نیز بخط تازه‌تری دارد:

هذا الکتاب وان تفاخر حجمه … فیه جمیع مکارم الاخلاق

همچنین: «مالکه مجاز ابن عبدالله دورقی» و «من مال ورثة المرحوم شیخ محمدعلی ـ عاریة من الشیخ عبدالله عند محمد امین ـ تملکه حرره امین». برگ ۱ فرسوده شده واندکی از متن وحاشیه رفته است.

از آغاز جزء دوم اندکی بریده شده وکاغذ سفید چسبانده‌اند.

چنین است انجام این نسخه: «الفصل الثالث فی جنایة الاحرار والممالیك. لایقتل حر بعبد ولا بامة بل یغرم القیمة یوم القتل ... والا بیع علی المسلمین. تمة اذا» (از فصل ۳ مقصد ۳ کتاب القصاص).

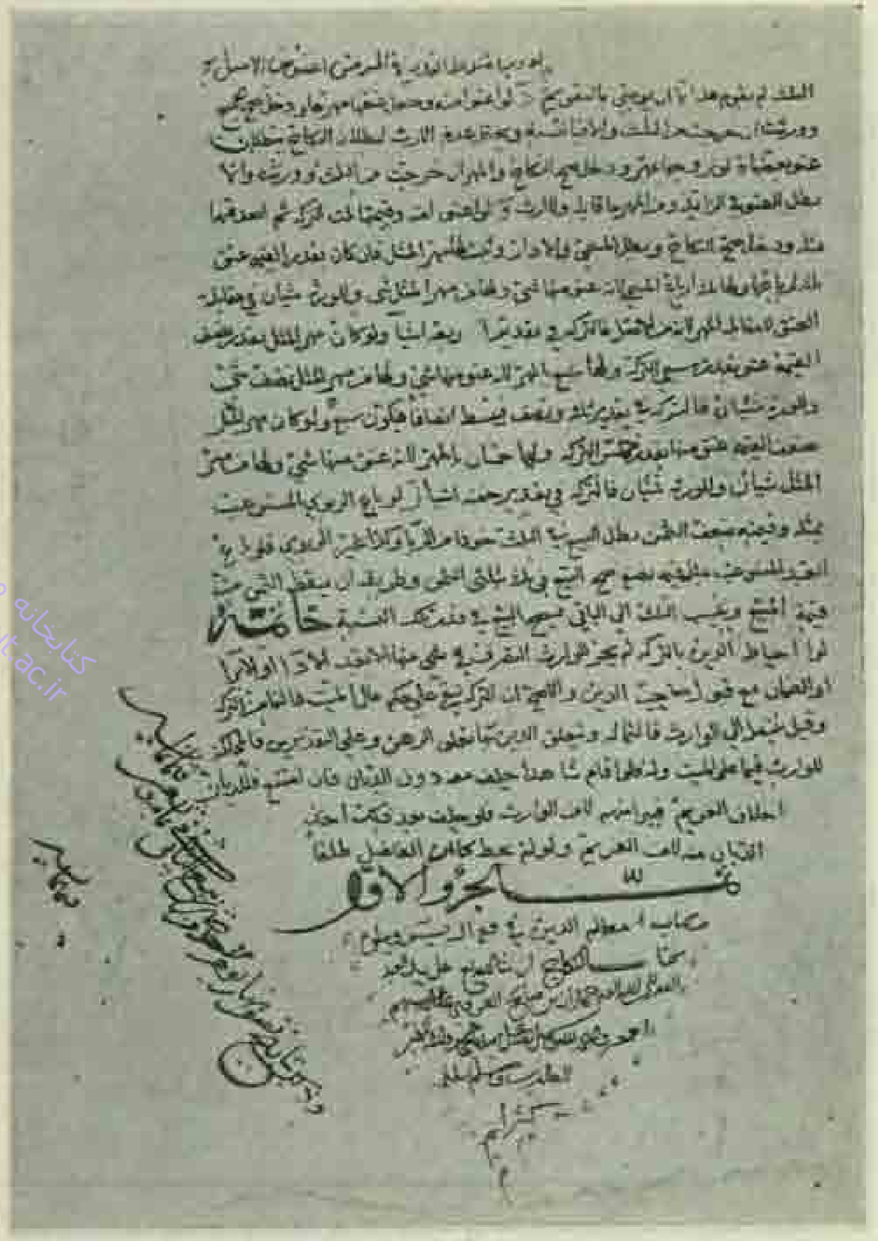
(۱۷۵ ص) ـ کاغذ سمرقندی ـ بی‌جلد
اندازه: ۱۸ × ۲٦ و ۱۲ × ۱۸ ص ۲۵



گ ۱ الف صفحهٔ عنوان معالم الدین ش ۱۱۵۷



گ ۱ ب آغاز معالم الدین ش ۱۱۵۷



گ ۹۵ الف معالم‌الدین ش ۱۱۵۷

[۱۵۸۵] مفاتیح‌الشرائع (عربی)

فیض کاشانی در آغاز این مفاتیح‌الشرائع که خود چنین نامیده میگوید که من در فقه نخست معتصم‌الشیعة فی احکام‌الشریعة آغاز کردم و مسئله‌هائی مهم در آن گنجاندم و پس از چندی که اصول دین فرامیگرفتم دوباره بدان پرداختم و آنرا گزیده و کوتاه ساختم و در برگهائی اندك و بندهائی کوتاه در دفتری کوچك آنرا نوشتم و اگر روزگار یاری کند خود آن دفتر بزرگ را هم بپایان میبرم تا بجای گزارشی برای کوچکی باشد. من چون دیدم که مردم بیشتر خواهان دفتری کوچك و گزیده هستند باین نامه پرداختم و بیشتر دلیلها را بکوتاهی گذراندم ولی فرعها را از آن میتوان دریافت. من جز بکتاب خدای وسخنان پیامبر و پیشوایان ننگریستم و از دیگران پیروی نکرده‌ام و باجماع وشهرت والفاظ وقیاس ننگرائیدم.

کاشانی در فهرست خود بسال ۱۰۶۹ مینویسد که در معتصم‌الشیعة فی احکام الشریعة مسئله‌های بزرگ و با ارزش فرعی فقه با دلیل ومأخذ آمده واختلاف دانشمندان شیعی در آن یادشده وروشن گردید که سخن کدام درست است. در آن بکوتاهی پرداخته نشده ودامنهٔ گفتار بدرازا کشیده شد.

کتابی که بیشتر بدان مانده است همان مختلف‌الشیعهٔ حلی است اگر مسئله‌های اتفاقی در آن میبود واز دلیلها در آن بررسی میشده است وفهرست آن مانند فهرست وافی است با انداختن چهار کتاب نخستین (عقل و علم، توحید، حجه، ایمان و کفر) وروضه‌و گذاردن کتاب طهارة در کتاب صلوة وجداساختن پاره‌ای از معاملات از برخی دیگر. و کتاب صلوة آن با مقدمات و متعلقات آن دریك مجلد در ۱۰۲۹ بانجام رسید ونزدیك ۱۷ هزار بیت میشود. امید که خدای یاری کند وآنرا بپایان برم.

پس از اینجا برمیآید که معتصم‌الشیعه در ۱۰۶۹ باندازهٔ نسخهٔ تاریخ ۱۲۱۱ طوس که در آغاز رجب ۱۰۲۹ بنگارش در آمده بوده است (فهرست آنجاه: ۵۰۹)

معتصم‌الشیعه او میبایستی در یك مقدمه و دوفن (عبادات و سیاسات ـ عادات ومعاملات) دردوازده کتاب ودو خاتمه (هرفنی شش کتاب ویك‌خاتمه وهر کتابی یك مقدمه و چند باب) باشد و آنچنانکه درفهرست سپهسالار آمده نسخهٔ کامل آن اکنون هست. کاشانی چنانکه دیده‌ایم در ۱۰۲۹ آنگاه که ۲۲ سال داشت بدان میپرداخته است.

باری خود کاشانی درفهرست مینویسد که مفاتیح‌الشرائع مسئله‌های باارزش فقه‌را دارد وازدلائل وسخنان دانشمندان‌هم با اختصاردر آن یادشده‌است و کتابی که بیشتر با آن ماننده است اثناعشریات محقق بهائی است اگر فروع نادر را نمیداشت ودرهمهٔ مسئله‌ها بدلیل اشارتی میشده است. همه مطلبهای بابهای فقه با مسئله‌های مهم فقهی دیگر که همهٔ فقیهان یا بیشتر آنان یاد نکرده‌اند درآن آمده ودر ۱۲ کتاب‌است وفهرست کتابهای آن مانندفهرست کتابهای معتصم‌است ونزدیك پانزده هزاربیت میشود ودر ۱۰۴۲ بپایان رسیده، فهرست مطلبهای آن که نزدیك بفهرست وافی است درهمان فهرست کاشانی و فهرستهای سپهسالار (۱: ۵۲۵) وطوس (۵: ۵۱۰) یاد شده است.

خوانساری درروضات (ص۵۱۹)هم دربارهٔ معتصم‌ومفاتیح آنچه‌دراین‌فهرست آمده است آورده و از مفاتیح بستوده (نیز کنتوری ص ۵۳۴ و ۵۳۸) تنکابنی درقصص‌العلما (ص ۲۳۳) نیز دربارهٔ ایندو از فهرست بهره برده ودر ص ۱۶۷ و ۲۳۱ گفته که مفاتیح گزیده و کوتاه مسالك و مدارك است با ترتیبی بهتر وکاشانی که اخباری صرف بوده آنرا بروش مجتهدان نگاشته ودر آن از آنان خرده‌ها گرفته اشت (ص ۲۳۶).

النخبة‌الوجیزة کاشانی درفهرست مطلبها مانند معتصم و مفاتیح است و گزیده مانندیست ازهمین مفاتیح (۱).

۱ـ ایندانشمندان برمفاتیح‌الشرائع کاشانی گزارش نوشته‌اند:

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس‌ازاین

آغاز: بسمله. (وبه‌نقتی) الحمدلله‌الذی هدانالدین‌الاسلام وسن‌لناالشرائع

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

۱ـ پسر او علم‌الهدی (درگذشتهٔ میان ۱۱۱۲و۱۱۲۳) که هنگامیکه نزد پدر درس میخوانده وبدستوراونگاشته ودلیلهای هرحکمی را یاد نمود (طوس ۵: ۳۹۸ـ ذریعه ۶: ۲۱٤).

۲ـ پسر برادرزاده اومحمدهادی کاشانی در ۱۰۹۰ (ش ۷۱٤ همین کتابخانه).

۳ـ مولی ابوالحسن عاملی بنام شریعة‌الشیعة ودلائل‌الشریعة در ۱۱۲۹.

٤ـ محمد هادی‌بن محمد صالح مازندرانی درگذشتهٔ نزدیك ۱۱۳٤ دوآشوب افغانها.

۵ـ سید عبدالله شوشتری بنام اللخر الرائع (م ۱۱۷۳).

٦ـ آقامحمدباقر بهبهانی (م ۱۲۰۸) بنام مصابیح‌الظلام و او دو حاشیه هم برآن نوشته که یکی آن دوخرده گیری ازمفاتیح است (ش ۷٦۸ این کتابخانه).

۷ـ بحرالعلوم بروجردی (م ۱۲۱۲).

۸ـ شیخ حسین آل عصفور درازی بحرانی م ۱۲۱٦ بنام‌الانوار اللوامع.

۹ـ سیدعلی طباطبائی (م ۱۲۳۱).

۱۰ـ سیدعبدالله‌بن محمدرضای حسینی شبر (م ۱۲٤۲) بنام المصباح‌الساطع.

۱۱ـ سید علی‌نقی در ۱۲۵۵.

۱۲ـ آقامحمود بهبهانی نوهٔ محمدباقر بهبهانی.

۱۳ و ۱٤ـ دو دانشمند گمنام درذریعهٔ ۱ سدهٔ ۱۳ هریك برآن گزارش نوشتند یکی ازایندو ازمردم استراباد است دیگری گویا سید ابوالقاسم کربلائی باشد (طوس ۵: ٤ـ٤٦۳).

بنگرید به: قصص‌العلماء تنکابنی ص ۲۲۵ـ کنتوری ص ۳۵۳ـ فهرست طوس ۲: ۱۲۲و۵: ۵۱۰ـ سپهسالار ۱: ۵۲۵.

درذریعه (٦: ۲۱۳) هشت حاشیه برای مفاتیح یاد شده بجز حاشیهٔ میرزامحمد تنکابنی که خود او درقصص‌العلما یاد کرده است.

نسخه‌های مفاتیح فراوان است و در فهرستهای فاضلیه (ص ۱۳۰) و طوس وسپهسالار پاره‌ای ازآنها شناسانده شده است. ازچاپ آن کسی سراغ نداده است.

اینهم گفته شود که کاشانی بابهاو کتابهای فقه را دیگرگون ساخته وخودبدانها ترتیب دیگری داده است واین را اودروافی وشافی هم بکاربرده و گویا دراین زمینه تااندازه‌ای ازغزالی پیروی نموده است.

والاحكام بوسيلة نبيه المختار واهل بيته الاطهار ... ثم ان صاحب هذه الاسطر ... محمد بن مرتضى الملقب بمحسن ... يقول ... وفقني الله سبحانه لاستنباط مفاتيح جملة من تلك الابواب من مآخذها المتينة واصولها المحكمة.

انجام - هذا آخر المفاتيح ووقع الفراغ من تأليفه عام اثنين و اربعين و الف واتفق لتاريخه عدد حروف تاريخه مرفوعة بحذف حرفي العطف (اثنان اربعون الف) والحمد لله اولا و آخراً (وظاهراً و باطناً) (قد وقع الفراغ من تسويد كتابة مفاتيح الاسلام ... يوم الجمعة الخامس عشر من شهر ذي الحجة الحرام في عام اثنين و تسعين بعد الف عام ... على يد ... ابن محمد سعيد محمد غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات - ش ۷۱۲) (فرغ من تسويده في سلخ شهر جمادي الثاني من شهور سنة ۱۱۲٤ حامداً مصلياً رضاقلي والملك لله الولي عبده رضاقلي» - ش ۷۱۳).

[۱۸۷۸]

۷۱۲ این نسخه بنسخ است با عنوانهای شنگرف و محمد بن محمد سعید در روز آدینهٔ ۱۵ ذی‌حجهٔ ۱۰۹۲ نوشتن آنرا بانجام رسانده. حاشیه‌هائی دارد بنستعلیق ریز بانشانه «مهد» و «مهدام عزه، مدظله، سلمه‌الله تعالی، دام احسانه، ایده‌الله تعالی، غفرله» که از علم‌الهدی پسرفیض است و در زمان او نوشته شده همچنین حاشیه‌هائی از آقاهادی بهمین خط و پس از مرگ او. حاشیه‌هائی هم دارد با نشانهٔ «م ح ق» و «منه دام عزه» (۱۱٤ الف و جاهای دیگر) و «منه سلمه‌الله وابقاه» (٤۷ ب) و «ه د» (۳٤۹ الف) و «ه د ر ه» (۲۸۵ الف) کاغذ از پائین موریانه و پاره‌ای از حاشیه‌ها رفته است. برگهای ۷ تا ۱۵ وارونه گذارده شده است. فن ۱ گ ۱ ب - ۱٤٦ ب. فن ۲ گ ۱٤۷ ب - ۲۸۵ الف.

(۲۸۵گ) - کاغذ فرنه - جلد تیماج زرباکی
اندازه: ۱۹×۲۵/۵ و ۱۱×۱۸/۵ س ۲۱

[۱۸۷۹]

۷۱۳ این نسخه بنسخ خوش با عنوانهای شنگرف رضاقلی است در پایان ج ۱۱۲٤/۲ وحاشیه‌هائی دارد بنستعلیق ریز که در کنار برگهای جداگانه چسبیدهٔ بنسخه درمیان برگها هست واز شرح آقاهادی و کتابهای دیگر است.

در ۱ الف: مهر «محمد باقر بن محمد تقی الموسوی» و نام «حاجی امین» و «الملك لله الودود الشكور: محمد تقی بن عبدالغفور» وعبارت «وكان شروعي في قراءة هذا الكتاب (المستطاب) في خدمة لعالم العامل التقي الزكي البارع اللوزعي السيد السند العزيز الحسيب مولانا و سيدنا امير محمد ابراهيم المشهور به «بيدگل» حفظه الله تعالى بحق محمد وآله» دیده میشود. ابوطالب محمد بن مولانا محمد جعفر در ع ۱۳۳۱/۱ در کاشان مینویسد که این کتاب «مفاتيح الشرائع في معرفة الحلال والحرام» از «مولانا محمد المحسن القاساني» بمن رسیده است - نیز دارد: «از ملامهدی ابتیاع شد».

فن ۱ گ ۱ ب - ۱٤۰ ب. فن ۲ گ ۱٤۲ ب - ۲۸۷ ب.

(۲۸۸گ) کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مشکی گرد آن سرخ ضربی و مخوالی
اندازه: ۱٦×۲۵ و ۹×۱۷/۵ س ۲۳

[۱۵۸٦] مفتاح الكرامة (عربی)

سید محمد جواد بن محمد بن محمد حسنی حسینی حلی عاملی شقرائی نجفی دانشمند پارسای فقیه شاعر (شقراء نزدیك ۱۱٦٤ - نجف ۱۲۲٦) شاگرد بحرالعلوم بروجردی ومحمد باقر بهبهانی و نگارندهٔ ریاض و فرزند او سید مهدی وشیخ جعفر نجفی و استاد نگارندهٔ جواهر بوده و از میرزای قمی روایت داشته وقمی هم برای آگاهی از سخنان مخالفان از او می پرسیده است و او بر قوانین میرزا خرده گیریها کرده است. بهبهانی و میرزا قمی در نجف ج ۱۲۰٦/۱ باو اجازه داده‌اند.

عاملی در گزارش قواعد علامهٔ حلی بدستور شیخ جعفر نجفی (۰ ۱۲۲۸) مفتاح الكرامه را در ۳۲ جلد نگاشته که از بهترین و رساترین گزارشها است ونگارندهٔ جواهر در آن از همین گزارش بهرهٔ بسیاری برده است. گر چه نگارندهٔ ریاض بعاملی چندان برتری نمیداد. عاملی در آن خلافیات سنی وشیعی هردو را یاد کرده است او در ۱۱۹۹ بدان میپرداخته و در ۲۲ ع ۱۲۰۱/۱ طهارهٔ آنرا نگاشته وصلح را در ۱ ع ۱۲۲۱/۱ در نجف سال یورش وهابی‌ها و کالت را شب

۹ رمضان ۱۲۲۵ وفرائض ومواریث را درشب پنجشنبه ۱۸ محرم ۱۱۹۹ بانجام رساند.

هفت جلد از آن درمصر درسالهای ۷-۱۳۲۴ و جلد امانات (ودیعه ـ شفعه) دردمشق بچاپ رسید. وقضا وشهادات وحدود وقصاص و دیات آن هنوز چاپ نشده است (۱).

[۱۸۸۰]

۱۱۱۸ این نسخه ش ۱ دفتر است و بسیخ در گ ۱ ب ـ ۱۲٤ الف و ۱۲٤ ب ـ ۱۹۹ الف. در گ ۲۲ الف حاشیه‌ای بنام «محمدعلی» دارد همچنین حاشیه‌های دیگر برخی بانشانهٔ «ح د» درجاهای دیگر وهمه بخط نستعلیق است و مهر «لا اله الا الله الملك الحق المبین. محمد علی» هم درآن هست. دربالای گ ۱ ب دارد «مفتاح الکرامه. السید جواد ره» نسخه ازآغاز است و بخشی از طهارة که در۱۲ شعبان ۱۲۵۵ نوشتن آن بپایان رسیده (۲۲٤ الف) سپس مبحث غسل اموات میآید تا تیمم.

آغاز: بسمله. (اللهم انی اتوسل الیك بمحمد ص ان توفقنی لاکماله) الحمدلله کما هو اهله رب العالمین... وقد امتثلت فیه امر سیدی واستادی... الشیخ جعفر جعلنی الله فداه... قال.. احب ان تمهد الی قواعد... العلامه... فتنظر فی کل مسئلة اختلف فیها کلمات الاصحاب وتنقل اقوالهم وتضیف الی ذلك نقل شهرتهم و اجماعهم وتذکر اسماء الکتب التی فیها ذلك واذاعثرت علی دلیل فی المسئلة لم یذکروه فاذکره سنده ومتنه واذکرعند اختلاف الاخبار مذاهب العامة علی وجه الاختصار.

انجام: وقدتقدم فی مباحث الوضوء تمام الکلام فی المسئلة ونقلنافیها اقوال الاصحاب رضی الله عنهم وارضاهم وجعل فی اعلی علیین مثواهم مع خیرخلقه محمد (پایان جلد ۱ ص ٥٦٦ چاپی).

(۳۴۹۰ ع) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد رزد
الدازه: ۱۵/۵×۲۱/۵ و ۱۰×۱٦ س ۲٦

۱ـ بنگرید به: روضات ص ۱٥۷ ـ هدیة الاحباب ۱۸۲ ـ اعیان الشیعه ۱۷: ۲۲٤ ـ اعلام الشیعه ۲: ۲۸٦ ـ کنتوری ص ٥٤۱ ـ معجم المطبوعات ص ۱۲٦٥ ـ فهرست سپهسالار ۱: ٤٦۷ ـ طوس ٥: ٦۱۷ ـ سرگذشت او را سیدمحسن عاملی درپایان متاجر مفتاح الکرامه ص ٦ـ۷۷٤ با اجازه‌های بهبهانی (پاره‌ای) ومیرزای قمی آورده است.

[۱۵۸۷] المقتصر من شرح المختصر (عربی)

دومین گزارش ابن فهد ابی العباس احمد حلی است برمختصر نافع محقق حلی که پس از نخستین گزارش او برهمین کتاب (المهذب البارع) بنگارش درآمده ودر آن تنها همان ترددهای حلی روشن گردیده و بخلافها اشاره شده است. اودردیباچه میگوید که من چون از «الکتاب الجامع اعنی المهذب البارع فی شرح مختصر الشرائع» بیاسودم وآن درروشن ساختن رمزها و ترددهای آن بسنده بود وآنچه که برای شناساندن مطلبهای آن و پاسخ دادن بخرده‌ها که بتوان از آن گرفت وآسان کردن دشواریهای آن میبایست درآن یادگشت ولی میشد که آنرا دفتری کلان ودشوار بشمرند اینستکه من از آن گزین کردم واین دفتر بپرداختم ودرآن همان خلافها وترددها را آشکار بداشتم واین بجای حاشیهٔ مختصرنافع میباشد، و گزارش آنرا از «مهذب بارع» بایدخواست. درمقدمه این هم گزیده‌ای ازمقدمهٔ سوم مهذب آمده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله القدیم المنان مفضل نوع الانسان علی مشارکه فی الحیوان بتعلیم البیان وتعریف الشرائع والادیان... و بعدفلمافرغت من الکتاب الجامع اعنی المهذب البارع فی شرح مختصر الشرائع.. فاختصرت منه ما یمکن به الارشاد الی خلافاته و ایضاح تردداته... بحیث یکون کالحاشیة للکتاب... وسمیته بالمقتصر من شرح المختصر.

انجام ولیکن هذا آخر ما یورد فی هذا المقتصر و من اراد الاستقصاء بذکر الادلة و ایراد حجج کل فریق و بیان مایرد علیها من الاعتراضات و ذکر مایلیق بالباب من التعریفات و اظهار مایحسن من التشبیهات فعلیه بکتابنا الکبیر اعنی المهذب البارع فانه بلغ فی ذلك الغایة... ولنقطع الکلام علی هذا المرام حامدین لرب العالمین ومصلین علی سیدالمرسلین محمد و آله الطاهرین.

کنتوری (ص ٥٤٤) گفته: «المقتصر شرح الارشاد» و آنرا از ابن فهددانسته

و پیدا است که درست آنرا نشناخت . درفهرست طوس (۲ : ۱۳۵ و ۵ : ۵۱۴) دو نسخه‌ای از آن یاد گشت .

[۱۸۸۱]

۱۱۵۸ این نسخه ش ۱ دفتراست و بخط نستعلیق عبدالله بن مساعد است که در ۱۸ رمضان ۱۰۸۸ آنرا نوشته است عنوانها نسخ ودرشت‌تر ونشانه‌ها هم شنگرف است . گ ۱ ب ـ ۱۰۷ ب .

ش ۲ (گ ۱۰۸ ب ـ ۱۱۰ ب) پاره‌ایست از مواریث حبل متین بهائی که در ص ۱۲۷۹ همین فهرست نسخه دیگر آنرا شناخته‌ایم .

(همهٔ دفتر ۱۱۰ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد ندارد
اندازه : ۱۶×۲۷ و ۸×۱۸ س ۲۶

[۱۵۸۸] المناهج السویة فی شرح الروضة البهیة (عربی)

فاضل هندی بهاءالدین محمدبن تاج‌الدین حسن (ملاتاجا) بن محمد سپاهانی (۱۰۶۲ ـ ۲۵ رمضان ۱۱۳۷) نگارندهٔ کشف اللثام (طوس ۵ : ۴۸۰) نگارندهٔ این گزارش میباشد (سپهسالار ۱ : ۴۴۸) واز طهارة که بیش از سی هزار بیت است تا حج را نوشته است (روضات ص ۶۲۱ ـ فوائد رضویه ۲ : ۴۷۷ ـ ریحانة‌الادب ۳ : ۱۸۳) اوصلوة را درروز پنجشنبه ۱۷ ع ۱۰۸۸/۱ دربیست وپنج سالگی بپایان رساند (کنتوری ص ۵۵۷ ـ مقابس ص ۲۳ ـ تنکابنی ص ۲۲۴) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی صدر بحمده مفخر کتبه المعجز لعباده من الجن والانس تصدیراً وجعله آخر دعوی اهل الجنان و سطر ذلک الکتاب تسطیرا ... اما علی اثر ذلک فشرعکم اخوانی فی الدین المتعطشین الی معین الیقین ما اهدیه الیکم واهدیکم الیه من « المناهج السویة فی شرح الروضة البهیة » .

انجام طهارة درنسخهٔ ما : اقول و مما یؤید وجوب التأخیر بقاء الحدث ... کمالایمنع منه فی آخر الوقت لانا نقول لانسلم (در گزارش : هذا فی التیمم المبتدا اما المستدام کمالو تیمم ... جاز فعل غیرها به ولو مع السعة)

[۱۸۸۲]

۱۱۵۹ این نسخه به نستعلیق ومتن بنسخ ونشانه‌هادر برخی جاها وعنوانهای «قوله» وجز آن بشنگرف میباشد عنوانهای مطلبها درهامش هم دیده میشود . تاریخ ربیع یکم ۱۲۳۸ با مهر «عبده محمودبن القاسم الموسوی» وخط او که دارندهٔ نسخه بوده است در گ الف دیده میشود نیز تاریخهای ۱۳۴۶ و۱۳۵۵ ـ درمیانه چند برگی بخط نسخ میباشد .

۳۱۱ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۲۲×۳۰ و ۱۳×۲۲ س ۲۱

[۱۵۸۹] مناهل (عربی)

سیدمحمد مجاهد سپاهانی کربلائی (۱۱۸۰-۱۲۴۲) دراینده دفتر با عنوانهای «منهل» ازمسئله‌های فقهی تااندازه‌ای با استدلال گفتگو نمود ونتوانست بیشتر کتابهای فقه را بنگارش درآورد . اودرزمان پدرخود سید علی طباطبائی (م ۱۲۳۱) بدان میپرداخت و دین را در ع ۱۲۳۵/۱ نگاشته است . درفهرستهای سپهسالار (۱ : ۵۳۴) وطوس (۵ : ۵۱۶ و ۶۲۴) از نسخه‌های دارای کتابهای طهارة وصلوة وزکوة وخمس وجهاد وامر بمعروف ونهی منکر وبیع وخیارات ودین ورهن وضمان وحواله و کفاله وصلح و عاریه و اجاره و وصیت و جعاله و عتق واقرار واطعمه واشربه ونکاح وشفعه واحیاء موات وارث و شهادات و قضاء یاد شده است .

ازبخش عبادات آن گویا پاره‌ای همان نسخهٔ اصل باشد وطهارت این بخش درسه کتاب درسپهسالار هست که یکنواخت نیست . ازصوم وحج وصید وذباحه وحدود ودیات وقصاص آن سراغ نداده‌اند

ازقرض تا قضاء آن درتهران بسال ۱۲۷۴ بچاپ سنگی رسید .

[۱۸۸۳]

۷۸۲ این نسخه ازجنابت است تا صلوة با نسیان تطهیر مخرج و استنجاء و بنسخ با عنوانهای شنگرف وبا حاشیه‌های « منه » بخط نستعلیق یا نسخ میباشد

وبهمان خط ش ۷۸٤ است وباید نسخهٔ اصل و ازخود مجاهد باشد.

آغاز: القول فیما یتحقق به الجنابة. منهل یتحقق الجنابة الموجبة للغسل بخروج المنی من قبل الذکر والانثی والحجة فیه امران.

انجام: فلاینبغی فیها ترك الاحتیاط وهو انما یحصل بمراعات القول بل هو لا یخ عن قوة.

(۲۲۸گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه: ۱۸×۳۰ و ۱۰/۵×۲۰/۵ س ۲۱

[۱۸۸٤]

۷۸۳ این نسخه ازآغاز زکوة است تا «القول فی زکوة الغلاة» ودر۸۲ منهل هریك باشماره. متن وحاشیه‌های آن که بخط ریزتر است و با نشانهٔ «منه قدس سره» یا «منه رحمه‌الله» هردو بنسخ میباشد وپیداست که نسخهٔ اصل خط مجاهد نیست. حاشیه‌ها پاره‌ای بخط نستعلیق است. عنوانها و نشانه‌ها درمتن بشنگرف میباشد.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین... کتاب مناهل الزکوة. مقدمة الزکوة لغة علی ماصرح به جماعة الطهارة والزیادة والنمو.

انجام: وعلی هذا فلایتوجه کلامه هنا. القول فی زکوة الغلاة.

(۱۲۰گ) همان کاغذ و جلد ش ۸۸۳
اندازه: ۱۸×۳۰ و ۱۰/۵×۲۱ س ۲۹

[۱۸۸۵]

۷۸٤ این نسخه دراحکام اوانی است وگویا مانند ۷۸۲ نسخهٔ اصل باشد. در ۱ الفدارد «بتاریخ شنبه ششم شهرربیع المولودشروع شده‌است سنهٔ۱۲۹۳» واین گویا ازخواننده‌ای باشد.

آغاز: فی احکام الاوانی. یحرم الاکل والشرب فی کل من آنیة الذهب والفضة کما فی النافع والشرائع والمعتبر والمنتهی.

انجام: الااذا اراد من التخفیف ازالة الغسالة النجسة. قد وقع الفراغ من کتابة هذه الاسطر فی اواسط شهر رمضان المبارك نسأل الله عزوجل ان یجعله خالصا لوجهه الکریم وذخرا لیوم الدین. کتب مؤلفه بیمناه الفانیة وهومحمدبن علی الطبائی.

(۷۰گ) همان کاغذ وجلد ش ۷۸۳
اندازه: ۱۸×۲۹/۵ و ۱۰×۲۱ س ۲۱

[۱۵۹۰] **منهاج الهدایة** (عربی)

حاج شیخ محمدابراهیم بن محمدحسن خراسانی کنابادی کاخکی کرباسی سپاهانی (۱۹ع۲/۱۱۸۰ـ شب پنجشنبه۸ج۱/۱۲٦۱) شاگردبهبهانی وبحرالعلوم بروجردی ونگارندهٔ مفتاح الکرامه و شیخ جعفرنجفی و نگارندهٔ ریاض و سید محسن کاظمی درعراق ومیرزای قمی درقم که بدواجازهٔ فتوی داده بود وملامحمد مهدی نراقی در کاشان بوده سپس بسپاهان رفته ورهبر دینی شده وبا سیدمحمد باقرشفتی که اوهم درهمانشهررهبردینی بوده‌است دوستی داشته است. چنانکه خود مینویسدنزد پدرخود حاج محمدحسن (درگذشتهٔ پس از ۱۱۹۰) وآغامحمد بیدآبادی (درگذشتهٔ پس‌از۱۱۹۷) ومیرزامحمدعلی بن مظفرسپاهانی (۱۱۹۸م) و مولی محراب (۱۲۱۷م) و مولی علی بن جمشید نوری فیلسوف (۱۲٤۷م) وشیخ محمدخاتون آبادی وشیخ محمدعلی هرندی وشیخ محمدبن شیخ زین‌الدین وشیخ احمد احسائی وشیخ عبدعلی خطی بحرانی هم درس خوانده است (۱).

این منهاج الهدایه دردوجلد وبسیار گسترده ومانند قواعد وتحریرمیباشد وبیش ازسی هزاربیت میشود ودرچهاربخش فقه است هربخشی چند کتاب وتنها پاره‌ای ازحدود ودیات را ندارد ونزدیك بیست سال بدان میپرداخته‌است وچون درصفر ۱۲٦۱ بیمارشده بود نتوانست آنرا بپایان برد ودرجمادی یکم همانسال در گذشت. اودردههٔ سوم ربیع نخستین دههٔ پنجم دههٔ سوم هزاردوم باب هبات (جلد۱) آنرابانجام رساند. این کتاب درتهران بسال ۱۲٦۳ بچاپ سنگی رسیده ودردنبال اینچاپ سرگذشت کلباسی بخامهٔ پسرش شیخ جعفرهست (۲) نسخه‌های

۱ـ اعلام الشیعه ۲:۱٤ ـ طوس ۵:۳۵۹ ـ تنکابنی ص ۸۳ـ خوانساری ص۱۱ـ درذریعه (۱:۵۲۱) آمده که کلباسی در ۱۲٦۲ درگذشت و من هم در ص ۱٦۵۹ هم چنین نوشته‌ام ودرست نیست.

۲ـ دراینجا آمده که بیماری اودرصفر۱۲٦۲ بوده ومرگش درشب هشتم ج ۲ همین سال (طوس ۵ : ٦۲۹) ـ پسرزاده او ابوالهدی بن ابی المعالی درسرگذشت او «البدرالتمام» نوشته وآن در۱۳۱۷ بچاپ رسیده است (ذریعه ۳:٦۷).

خطی وچاپی آن درفهرستهای فاضلیه (ص ۱۵۰) و معارف (۱:۹۹) و سپهسالار (۱:۵٤۵) وطوس(۲:۱۳۰ و ۵:۶۲۹) شناسانده شده است.

پسر او ملامحمد مهدی (م ۱۲۹۲) آنرا در ۱۲۶۲ بنام معراج الشریعه گزارش نوشته و خود کلباسی و ملامحمد تقی هروی سپاهانی شاگرد او بر آن حاشیه دارند (طوس ۵:۵۰۹ - ذریعه ۲۲۵:۶).

کلباسی در دیباچه از اشارات اصول و شوارع و نخبه و ارشاد فروع خود یاد میکند ومیگوید که پس از آنها این کتاب را نگاشته‌ام.

[۱۸۸۶]

۷۰۱۹ این نسخه تا کتاب الهبات وجلد نخستین ونسخ است با عنوانهای شنگرف و سرلوحی زیبا و دوصفحهٔ نخستین حاشیه‌سازی شده و دو دو جدول است بزرگی شنگرف و کوچکی شنگرف و زرد وسبز ولاجورد. روی دعاها خط سرخ کشیده شده و تصحیحات درهامش است. محمد حسن بن محمد باقر سپاهانی در آدینهٔ دهٔ دوم محرم ۱۲٤۷ نوشتن آنرا بانجام رسانده.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی هدانا الی معالم الاسلام و ارشدنا الی قوانین شرائع الدین و قواعد الاحکام ... وبعدفانی بعدما صنفت فی الاصول الاشارات للمستفیدین اردت ان احرر ما ینضبط به الفروع الفقهیة فی مختصر کاف ... و سمیته بمنهاج الهدایة الی احکام الشریعة و رتبته علی اربعة اقسام.

انجام: فلیکن هذا اخر المجلد الاول من منهاج الهدایة ... وقد فرغ منه اقل العباد محمد ابراهیم (بن) محمد حسن فی العشر الآخر من الربیع الاول من العشر الخامس من العشر الثالث من الالف الثانی من الهجرة النبویة علی هاجرها الف سلام وتحیة (در نسخه‌های طوس ش ٤۲۵ و سپهسالار ش ۶۶۱ «الربیع اول» دارد)

(۲۱۶ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج قهوه‌ای ضربی متوالی.

اندازه: ۱۳/۵ × ۲۱ و ۸ × ۱۵ س ۱۷

[۲۰۹۱] المواسعة والمضایقة (رسالة ...) (عربی)

رضی الدین ابوالقاسم یا ابوموسی یا ابوالحسن علی بن سعدالدین ابی ابراهیم موسی بن جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن محمد طاوس حلی

(روز پنجشنبه نیمهٔ محرم ۵۸۹ - بامداد دوشنبه ۵ ذی‌قعده ۶۶٤) دانشمند پارسای شیعی که در روزگار مستنصر عباسی (۶۲۳-۶٤۰) از او خواستند نقابت ورهبری علویان را بدست گیرد واو نپذیرفت ولی آنرا از هولاکو پذیرفت و سه سال و یازده ماه نقیب بوده است. او با وزیر مؤیدالدین محمد بن احمد علقمی و برادر و پسرش عزالدین ابی الفضل محمد سخت دوست بود و ۱۵ سال در بغداد بماند سپس بحله برگشت و پس از آن در نجف بزیست و در روزگار مغولان باز بغداد رفت و روزگاری بپارسائی بسر برد تا اینکه در گذشت. بسیاری از نگارشهای او در دعاها است و از روضات (ص ۳۸۳) برمیآید که گاهی او پاره‌ای از دعاها وزیارتها را خود میساخته ومانا اینکار را برای او روا داشته بودند و گویا بدو الهام میشده است واینگونه سخنان او بسیار شیوا وهمانند گفته‌های خاندان پیامبر میباشد ومصباح الزائر او ومانند آن در این زمینه گواه است (نوری در مستدرک ۳:۷۰٤ از این گفتهٔ خوانساری خرده میگیرد و میگوید که ابن طاوس در مصباح الزائر و جاهای دیگر دعاها و زیارتهائی آورد که در کتابها دیده یا برای او روایت کرده‌اند نه اینکه خود ساخته باشد) او درادلهٔ سنن بتسامح رأی میداد وبا اینکه بپایهٔ اجتهاد رسیده بود از روی احتیاط و ترس از فتوای نادرست کمتر بفقه میپرداخت جز پاره از مسئله‌های عبادی که در برخی از نگارشهای او دیده میشود و بدانها رأی داده است ولی کتابهای فقهی فراوانی ندارد او در «کتاب الاجازات لکشف طرق المفازات فیما یخصنی (یخصنی) من الاجازات» همان اجازه‌ایکه بجمال الدین یوسف بن حاتم بن فوز بن مهند شامی داده است (ذریعه ۱:۱۲۷ و ۲۲۲) مینویسد که «من در کلام جز مقدمه‌ای آنهم بارتجال و بنام «شفاء العقول من داء الفضول» ننوشتم چون دیده بودم که راه شناخت برای مسلمانان دور و دراز است و خدا و پیامبر و شناختگان او اینگونه راه را از مردم نخواستند و با آنچه ناگزیر است بس کرده‌اند و آنچه دیگران نوشته‌اند بسنده است آنهم این گفتگوها کلامی چیز تازه‌ایست که پس از پیامبر و یاران او پیدا شده است. درفقه نیز جز «غیاث

سلطان الوری لسکان الثری » (۱) دربارهٔ خواندن نمازهائیکه ازمردگان فوت شده است نوشتم و آنرا مانندی نیست و کسی پیش از من چنین نگارشی ندارد. چون دیدم روایتها میان دانشمندان ما یکنواخت وساز گار نیست و مبادا چیزی بنویسم که برخلاف گفتهٔ خداوند باشد و پس از من دیگران از آن پیروی کنند ازاین روی جز اینکتاب ننوشته‌ام» (روضات ص۳۸۲ـ اجازات بحار ص ۱۷-۱۹- کنتوری ص ۳۶و۲٤و۳۹٦) او در کشف المحجة لثمرة المهجة نگارش ٦٤۹ (ص ۱۰۹و۱۹) ازاینکه علم کلام مایهٔ خوشنودی خداوند نیست وداشتهٔ آنرا در اسلام بشك میاندازد و نیز ازاینکه چرا او بفقه نپرداخته است یاد نمود.

باری ابن طاوس دراین رساله که در دیباچهٔ نسخهٔ ما « تحقیق المضایقه فی فوائت الصلوات» نامیده شده وهمان «غیاث سلطان الوری لسکان الثری» نخواهد بود (چه‌دراین یکی تنها از قضاء نمازهای فوت‌شده از خود شخص بحث‌شده نه قضاء نماز مردگان)، روایتهائیکه‌در بارهٔ «المضایقه‌فی فوائت الصلوات» آمده آورده و فتوای خویش را نوشت و او به مضایقه رأی داده است. ازاین کتاب برمیآید که ابن طاوس باامام زمان درخواب وبیداری ارتباط داشت اودراینکتاب (٦۸الف ـ ۷۰ الف) از کرامتهای خویش آنگاه که با محمدبن محمدبن محمد قاشی آوی از حله‌بنجف آمده وخوابیکه دیده شده وسر گذشت خودرا تا سحرشب سه شنبه

۱ـ بازه‌ای از غیاث سلطان الوری لسکان الثری ازهمین‌علی بن طاوس ازاحادیث قضاء صلوات میت درذکری (بحث ششم مطلب سوم نظرچهارم مقام۵ دراحکام میت قطب۱ کتاب الصلوة) آمده وشمارهٔ آنها۲٤و۱۰و٤ حدیث است وهمینها عبارت ابن‌طاوس‌را مجلسی درجلد۱۸ (ص۴۷۹ـ۴۸۱) بحار(صلوة ، باب القضاء من المیت) آورده‌است . درجای دیگر همین باب بحارهم از همین غیاث سلطان‌الوری ابن‌طاوس آمده است (مانند ص۴۸۳) کاظمی درمقابس (ص ۱٦) مینویسد که ابن‌طاوس غیاث سلطان‌الوری فی قضاءالصلوات عن‌المیت دارد که ندیده‌ام و رسالة فی المواسعة که در آن فتوی نداده است .

یکم رجب ٦٤۱ دراین‌باره یاد کرده است و ابن سفر آنرو درروز سه شنبه ۱۷ جمادی دوم سال ٦٤۱ آغاز شده بود. دراینجا دارد که خوابهائی امام زمان را دیده‌اند. نیز دارد که پسر او محمد این کتاب را نزدش خوانده است تا درشب چهارشنبه ۱۸ ربیع دوم سال ٦٦۱ و پسردیگرش علی وچهارخواهر او ودختر خاله‌خود او(ابن طاوس) آنرامیشنیدند (پایان).

نیز از روی خط ابی الحسن خازن (که بگفتهٔ همه مردی نیك رفتار بود وورام نیای ابن طاوس پشت سر او نماز خوانده بود) آورده که درشب یکشنبه ۱٦ جمادی دوم (گویا ۵۹۰) علی ع و امام زمان را بخواب دید و دراین باره ازعلی پرسید. اویاامام زمان باز گشت داد درهمینجابود که ورام گفته‌بود که ابن ادریس مخالف است اورا خواستند وازوی بازخواست کردند.

باز از روی خط خازن دارد که او درشب شنبه ششم شوال سال ۵۹۰ درمشهد (نجف) امام زمان را بدید و دراین‌باره با او گفتگو کرد و گفت ورام وابن ادریس مخالفند امام فرمود که آنها مفرط هستند (٦۷ الف و ب).

ازخواب دیگر خازن درهمین‌باره نیز باز یاد شده‌است. همچنین خوابیکه دوست او محمدبن احمدبن العلقمی وزیر هنگامیکه «استادالدار» بوده است دیده وبدرخواست ابن‌طاوس چگونگی آنرا برایش نوشت (٦۷ ب).

ابن طاوس درآن ازقرب الاسناد محمدبن عبدالله‌بن جعفرحمیری از روی نسخهٔ تاریخ ربیع یکم ٤۲۹ که از روی نسخهٔ همان حمیری تاریخ صفر ۳۰٤ نوشته شده‌بود واز کتاب‌الفاخر(المفاخر)مختصر تخییر (تحبیر)الاحکام نگارش ابی الفضل محمدبن احمدبن سلیم وازاصل عبیدالله‌بن علی حلبی (دراینجا گفتار نیایش ابوجعفرطوسی را دربارهٔ صحت این‌اصل واینکه بصادق نموده شده واو آنرا پسندیده است گواه میآورد) و از کتاب‌الصلوة حسین‌بن سعید اهوازی والنقض علی من اظهرالخلاف لاهل بیت‌النبی املاء ابی‌عبدالله بن علی معروف بواسطی وامالی سید ابی‌طالب علی‌بن‌الحسین حسنی دربارهٔ مواسعه (دربارهٔ آن

میگوید : وهذه‌الامالی عندنا فی اواخره مجلدة قالب الطالبین اولها الجزء الاول من المنتخب من کتاب زادالمسافر وصیانة المسافر تألیف ابی العلاء الحسن بن احمد العطار الهمدانی وقد کتب فی حیوته و کان عظیم الشأن) و زادالعابدین حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری ملقب بفضل حدیثها روایت کرده همچنین از زادالمسافر شاذان قمی «صلوة الکفارة لقضاء الصلوات» را آورده است (۱).

آغاز : بسمله و صلواته علی سیدالمرسلین محمدالنبی و آله الطاهرین یقول علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد الطاوس انی ذاکر فی هذه الاوراق بعض ما رویته (اورأیته) من الاحادیث فی تحقیق المضایقة فی فوائت الصلوات وما تقلد الحکم باحد القولین بل یعین ذلك من کلف به من اهل النظر والامانات.

انجام : وسمعت من لا اسمیه مواصلة بینه وبین مولانا س اوتهیا ذکرها کانت عدة کراریس دالة علی وجوده وحیوته ومعجزاته صلوات الله علیه وصلی الله علی سیدالمرسلین محمدالنبی و آله الطاهرین انتهی قراءة هذاالکتاب علی لیلة الاربعا ثامن عشر ربیع الآخر سنة احدی وستین وستمائة والقاری له ولدی محمد حفظه الله

---

۱ ـ در نسخهٔ ش نسخهٔ ۵۲۶ بعاد گ ۷۹ ب ـ ۸۰ ب از رسالة المواسعة است باندازهٔ ش ۶۱۴/۲ از آغاز تا س ۲ گ ۶۵ الف آنگاه میان دو برگ ۷۹ و ۸۰ افتاده دارد باندازهٔ دوصفحه سپس باندازهٔ س ۱ گ ۶۷ الف آن هست تا سطر آخر ۶۷ ب و سطرهای ۶ تا ۹ که دربارهٔ خوابی دیگر است که خازن حجت را دیده که بدو گفت چرا کر آب بکار نمیبری و در ش ۶۱۴/۲ نیست ولی در این ش ۵۲۶ هست و نزدیك به چهار صفحه و نیم پایان را ندارد چه اینکه پایان این بخش در این شماره سفید گذارده شده است. آنچه که مجلسی در اینجا آورد با نسخهٔ مادرست یکسان نیست چنانکه درمیان دو کمانه نشان داده شده است. مجلسی گویا میخواست همهٔ این رساله را در این شالوده و در خود بحار بگنجاند مگر اینکه در خود بحار (۶۸۳:۱۸ ـ ۶۸۴) در باب القضاء صلوة پاره‌ای از آنها آورده و در آغاز این بند گفت : «الف السید الجلیل علی بن طاوس قدس الله لطیفه رسالة فی عدم المضایقة فی فوائت الصلوات» نوری در مستدرك در سر گذشت ابن طاوس (۳۰۷:۳) داستان رفتن او بحله برای زیارت یکم رجب در شب آدینهٔ ۲۷ ج ۶۴۱/۲ را از همین رسالهٔ مواسعه و مضایقه (گ ۶۸ ب ـ ۶۹ ب نسخهٔ ما) آورد و از این داستان هم ما را برمیآید که او پیشوای نهانی را میدیده است.

وسمع القراءة ولدی واخوه علی واربع اخواته وبنت خالی. تم.

[۱۸۸۷]

۶۱۴ این نسخه ش ۲ دفتر است و بخط نستعلیق (س ۱۸) گ ۶۴ ب ـ ۷۰ الف. پی گهای ۶۵ ب و ۶۶ الف سفید است ولی کتاب کم ندارد. دو گ ۷۴ ب ـ ۸۱ ب نسب پیامبر اسلام است از تاریخ اماطی بنستعلیق و ۴ برگ پس از آن سفید است بیشماره (بنگرید به ۶۱۴/۱).

[۱۵۹۲] المهذب (عربی)

ابن البراج قاضی عبدالعزیز (م ۴۸۱) گزارندهٔ جمل العلم والعمل مرتضی ونگارندهٔ جواهر الفقه (الجوامع الفقهیه ش ۸) این کتاب را برای یکی از بزرگان نگاشته و از او چنین یاد کرده است : «الحضرة القضویة النقیة الخالقیة ادام الله ایامها» او مینویسد که نمیتوانم او را ببینم و این نامه را یادگار نوشته برایش میفرستم. او جواهر الفقه را هم بنام «الحضرة القضائیة الاعزیة الجلالیة» ساخته است (طوس ۵ : ۴۰۱) و این دو کس ناشناخته‌اند و گویا از داوران دانشمند شهر او بوده‌اند.

نسخه‌ای از مهذب بتاریخ ۶۵۱ در طوس (۱۱۹:۳) هست و از اجاره است تا قضاء که پایان کتاب میباشد و ابن براج آنرا در ۴۶۷ بانجام رسانید.

آغاز : بسمله. الحمدلله الواحد القدیم العزیز العلیم الذی انعم علی عباده المکلفین... اما بعد فلو ساعدتنی الاقدار واطاعنی الامکان والاقتدار لکنت مستعداً بالزیارة ... بالحضرة القضویة النقیة الخالقیة ... ولما کنت غیر قادر علی ما قدمته ولا بمتمکن مما ذکرته رأیت وضع کتاب ... فوضعت هذاالکتاب لذلك ولیکون عدة للاخوان.

[۱۸۸۸]

۹۲۰ این نسخه ش ۱ دفتر است و نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد گ ۱ ب ـ ۵۶ ب (بنگرید به ۹۲۰/۳).

نسخه دارای طهارة و صلوة است و کم دارد و چنین است پایان آن : « اویشك فی تسبیح الرکوع وقد رفع رأسه منه اویشك فی تسبیح السجود وقد (رفع) راسه منه . حقوق الاموال . حقوق الاموال التی فی اول الکتاب انها من العادات یحتاج فی بیان احکامها الی اشیاء وهی الزکوة والخمس و احکام الارضین والجزیة والغنائم والانفال ونحن نبین احکام کل واحد منها فی باب مفرد بعون الله وتوفیقه . کتاب الزکوة . قال الله تعالی - فی باب »

[۱۵۹۳] المهذب البارع (عربی)

فی شرح مختصر الشرائع

ابن فهد ابی العباس احمدبن محمدبن فهد اسدی حلی فقیه عارف (۷۵۷ - ۸٤۱) (۱) برمختصر نافع محقق حلی این گزارش را بدرخواست شاگردان خود نگاشته و بآن نامهای « المهذب البارع فی شرح مختصر الشرائع » و « جامع الدقائق و کاشف الحقائق » داده است (پایان مقدمهٔ چهارم) .

ابن فهد دردیباچه و پایان از رنج و شکنج و سختی روز گار نالیده ودرهمان دیباچه از نگارندهٔ کشف الرموز (چنانکه میان دو سطر نسخهٔ ما آمده) بنام « بعض المهاجرین » یاد کرده و گفت که او چون بحله که جایگاه شاهان دانشمندپرور بوده است رسیده درباره آن گفته : « بلدة طیبة ورب غفور » سپس ابن فهد گفته که: افسوس این شهر امروزه ویران شده است .

ابن فهد در آغاز گزارش چهار مقدمه آورده در نخستین آن اقسام خبر را برشمرده ومعنای متواتر و واحد و مستفیض وشاذ و نادر وثقه و صحیح و معنعن و حسن وموثق وقوی واقوی وضعیف ومرسل ومنقطع ومقطوع ومعضل را روشن کرد و گفت که سید وابن ادریس خبرواحد را نمی پذیرند. دردومی گفته که اشبه و انسب حکمی است که از عام یا مطلق یا استصحاب گرفته شود چه با اصول شیعی

۱- بنگرید به : امل الآمل ص ٤٦۰ - روضات ۲۰ - مجالس المؤمنین - مستدرك ٤۳٥:۳ - فهرست طوس ٥۰٦:٥ - اعیان الشیعه ۸٦:۱۲ - قصص العلماء ص ۳۰۸ .

ساز گارتر است واظهر درفتاوای اصحاب است و اشهر درروایات واضح آنست که احتمالی دیگر در آن نباشد و تردد درجائی است که احتمال باشد و اولی برتری دادن دو قول متکافی درنقل است و احوط آنستکه از گرفتاری خلاف برهاند وعلی قول درباره قول یکی ازفقهااست که بی دلیل باشد وعلی قول مشهور آنهم دربی دلیل است وتخریج سربیان حکم منطوقی است بمسکوت یابرای اولویت یا برای علت منصوص . درسومی بیان معانی اصطلاحات است مانند شیخ وشیخین و ثلثه و خمسه و صدوق و تقیه . . . درچهارم چگونگی شرح او است که همهٔ خلافهائیکه حلی یاد کرده است بیان نمود و ترددهای وی را روشن کرد و خلافهائیکه او هم نگفت او یاد نمود و دقتهای دیگری که کرد . او میگوید که پیش ازهر کتابی یك یا چندمقدمه آوردم و آنرا تعریف کردم وسند مشروعیت آنرا آوردم تا درحل دشواریها وتفریع « دستور » کمك باشد .

ابن فهد رسالهٔ تیاسر حلی (ص ۸٦۹ همین فهرست) را درهمین گزارش آورده است (گ ۳۰ب - ۳٦ ب) اوازاین مهذب گزین نموده المقتصر من المختصر (طوس ۱۳٥:۲ و ٥۱٤:٥ - فاضلیه ص ۱۲۹ ص ۲۰٦۷ همین فهرست) نوشته وهمان تردد ها و خلافهای نافع را روشن نمود . نسخه‌ای ازاین مهذب بتاریخ ۹۷۹ در فهرست طوس (۲ : ۱۲۰) ونسخه‌ای درفهرست فاضلیه (ص ۱۲۲) نوشتهٔ پیش از ۱۰٦٥ شناسانده شده است .

آغاز : بسمله . وبك استعین یا کریم . الحمدلله المتفرد بالقدم والکمال المتوحد بالعظمة والجلال المتعالی عن مقایسة الاشباه والامثال المتقدس عمارامت الیه فکر الضلال و وساوس الجهال . . . و بعد فان احق ما انفق فیه العمر وصرف فیه الدهر تعلم المعالم الدینیة والامعان فی درك الاحکام الشرعیة .

انجام : ونسأل من الله ... ان یقبله بفضله وانعامه ... ویجعله ذخر الیوم الدین ولنقطع الکلام هنا حامدین لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدالمرسلین ... و علی آله ... دعائم الایمان و معادن الایقان وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا (وفرغ من کتابة هذا الکتاب .. عبدالقائم بن عبدالوهاب ... فی الثالث من مابعد ثالث الشهور

من تاسع آحاد العشر السابع من عاشر المآت الهجرية ... على هاجرها الف الف الصلوة والتحية).

[۱۸۸۹]

۷۱۱ این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانهای شنگرف عبدالقائم بن عبدالوهاب که در ۳ع ۹۶۹/۲ نوشتن آنرا بپایان رسانده است.

زهرا خانم و شیخ حسن بن شیخ بدرالدین جبل عاملی دارندهٔ نسخه بوده‌اند وعلی تقی بن شیخ احمد بن زین الدین احسائی در ۱۲۳۸ آنرا به ۳٤ ریال فتحعلیشاهی خریده است ومهر او «یا علی بن احمد بن زین الدین» در آن دیده میشود. در برگهای ۳۲ ب (بنام علی تقی) و ۳۳ الف و ٤۷ الف و ۱۸۳ الف حاشیه‌هائی از همین احسائی هست.

(۲۹۵گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

الدازه: ۱۸/۵×۲۵ و ۱۱/۵×۱٦/۵ س ۳۴

[۱۵۹٤] **المیراث (رسالة ...)** (عربی)

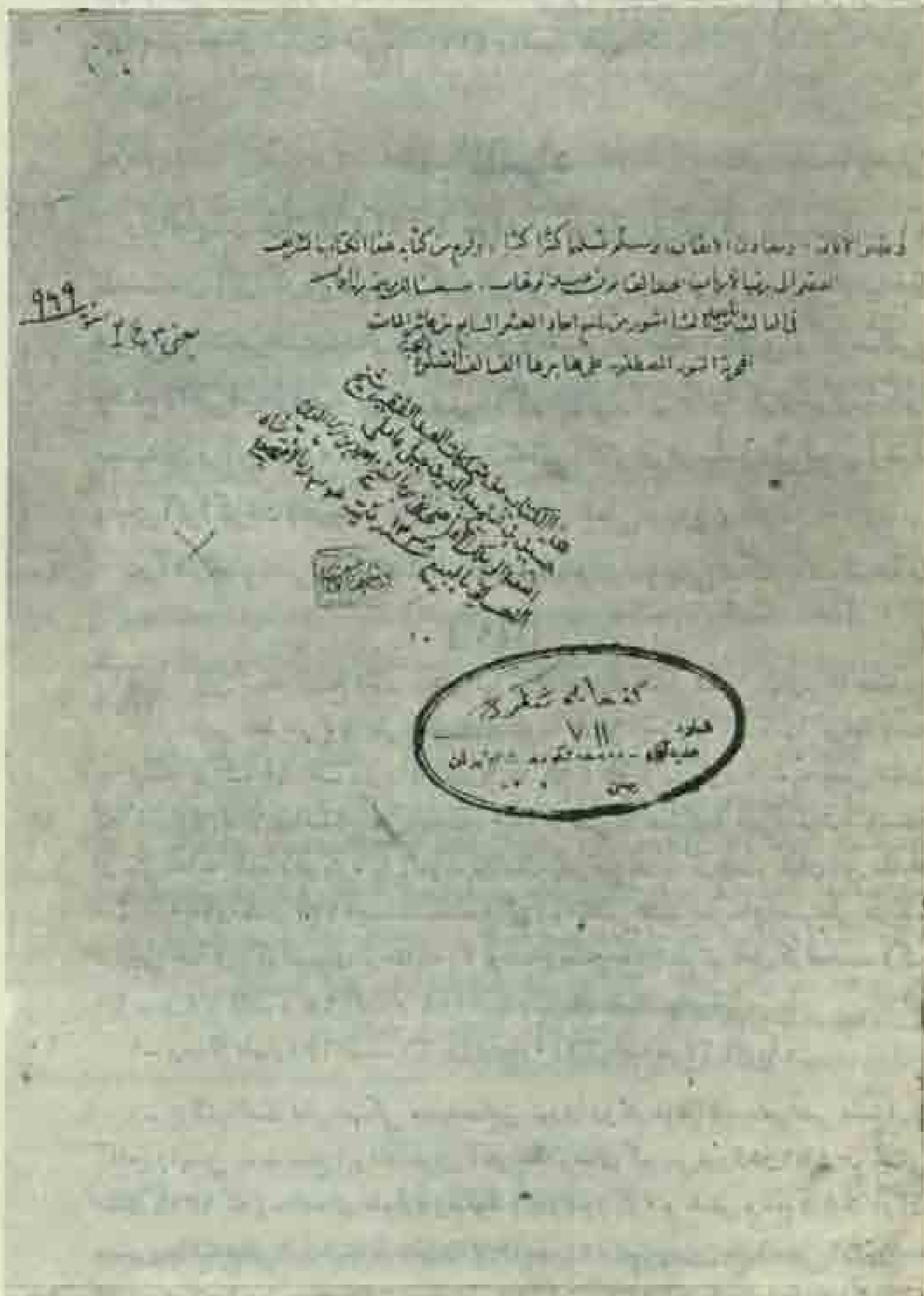
مولی محمد تقی بن حسینعلی هروی سپاهانی (۱۲۱۷ - کربلا ۱۲۹۹) در این نامه که دارای مقدمه وسه باب با جدولها است از میراث کاوش نمود. نگارندهٔ ذریعه (۱ : ٤٤۲) نسخهٔ تاریخ ۱۲۸۰ آنرا دیده است و میگوید که خود او آنرا در نهایة الآمال بهمین نام خوانده است (طوس ۵: ٤۲۷ - اعلام الشیعه ۲: ۲۱۲).

[۱۸۹۰]

۸۰٦ این نسخه ش ۲ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۱ و گویا از مامقانی است که در روز پنجشنبه ۱۷ یا ۲۷ رمضان ۱۲۹۱ انجام رسانده. گ ۲۳۸ ب - ۲٦٤ الف (بنگرید به ۸۰٦/۱).

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله رب العالمین... فیقول... محمد تقی بن حسینعلی الهروی... ان هذه نبذة متعلقة باحکام المیراث کتبتها لایضاح سهام کل واحد من الوارث فی کل مرتبة من مراتب النسب الثلث.

انجام: مما لا تجده فیما تقدم علیها من رسالة و کتاب. والله الموفق للصواب وله الحمد



گ ۲۹۵ الف مهذب ابن فهد ش ۷۱۱

اولا و آخراً وظاهراً و باطنا . تمت الرسالة فی یوم الخمیس السابع والعشرین (والعشر من) شهر رمضان المبارک من سنة ۱۲۹۱ والحمد علی ذلك .

[۱۵۹۵] نجاة العباد (عربی)

رساله‌ایست عملی از نگارندهٔ جواهر و چندین بار بچاپ رسیده است (۱) دانشمندان آنرا گزین نموده و گزارش نوشته و ترجمه کرده و بر آن حاشیه‌های فتوائی نوشتند نخستین بار شیخ انصاری سپس دو سید شیرازی و کوهکمری وشیخ راضی فقیه ومحمد تقی هروی شاگردان او بر آن حاشیه کردند وبهمینگونه مجتهدان بر آن حاشیه مینوشتند تا اینکه العروة الوثقی از سید یزدی بچاپ رسیده وجای آنرا گرفت (ذریعه ۶:۲۷۷- نسخه‌های خطی وچاپی).

درآغاز صلوة این قلم « نجاة العباد » دیده میشود (چاپی - گ ۱ ب نسخهٔ ما)

[۱۸۹۱]

۷۸۶ این نسخه بنسخ است باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و بسیاری از مطلبها زیر خط سرخ و علی المقصودی گویا در ۹ ج ۱۲۶۹/۱ آنرا نوشته است چه اینکه در گ ۹۵ الف دارد « تمت ۹ جا ۶۹ » در ۱ ب دارد « شهد بعض الثقات بمقابلتها: لا اله الا الله الملك الحق المبین . عبده مرتضی الانصاری» متن وحاشیه بانسخهٔ درستی مقابله شده ودو باره با آخوند ملامحمدباقر هم مقابله گردید و پایان این مقابله شب شنبه ۲۵ رمضان ۱۲۷۷ میباشد.مصحح آن ابوالقاسم کاتب پسر حاج حسینعلی شریف قزوینی همهٔ این گواهیهای برمقابله را نوشته وحاشیه‌ها را هم او کامل کرده است (گ ۳۱ ب و ۷۷ الف و ۹۵ الف و ۱۰۸ ب) چنین است بخشهای آن:

۱- رسالهٔ طهارة (۱ ب - ۳۱ ب) وصلوة (۳۲ الف - ۷۷ الف).

۱- از آنهاست چاپ سنگی محمدصادق نوری در کارخانهٔ آقاسیدمرتضی بمباشری آقامیرزاحسن بخط نسخ ابوالقاسم بن آخوندملارضای کمرئی نوری در ۴۸۱ ص خشتی بسال ۱۳۱٤ که رساله‌های طهارة وصلوة و صوم وزکوة و خمس وحج و ارث در آن هست وحاشیه‌هائی دارد بانشانهٔ «ش ره» «ومیرزا» واین بهترین چاپهاست . درفهرست فاضلیه ص ۱۵۲ وطوس ۵:۶۳۳ از چاپهای ۱۲۹۱ تا ۱۳۲٤ آن باحاشیه‌های دانشمندان یاد شده است .

آغاز : بسمله . وبه نستعین . الحمدلله رب العالمین ... اما بعد فیقول ... محمد حسن بن المرحوم المبرور الشیخ باقر انه قدالتمس منی جماعة من المخلصین ... ان اکتب لهم رسالة تشتمل علی معظم مایحتاجون الیه من مسائل الطهارة والصلوة ... وسمیتها نجاة العباد .

انجام : والاقتصار علی ماحول الضریح المبارك مما لا یزید علی خمسة وعشرین ذراعا بذراع الید والله هو العالم . الحمدلله اولا و آخراً و ظاهراً و باطنا (ص ۲۸ - ۱۹۰ چاپی).

۲- رسالة صوم واعتکاف (۷۸ الف - ۹۵ الف).

آغاز : بسمله . والحمدلله رب العالمین ... فیقول ... محمدحسن بن المرحوم الشیخ باقر انه قد التمس جماعة من اخوانی ... ان اکتب لهم رسالة فی احکام الصوم علی وجه الاختصار ...

انجام : مثل کفارة الظهار والله هو العالم بحقائق الاسرار (علی المقصودی تمت ۹ جا ۶۹) (ص ۱۹۰-۲۲۸ چاپی).

۳- رسالة دماء ثلثه در سه مطلب (۹۵ ب - ۱۰۸ ب).

آغاز : بسمله . والحمدلله رب العالمین الحمید المجید ... فیقول ... محمدحسن بن المرحوم الشیخ باقر انه قدالتمس منی بعض اهل الدین ... علی کتابة رسالة وجیزة فی احکام الحیض والاستحاضة والنفاس .

انجام : وذکر الله عزوجل وغیرذلك من الاحکام . والله العالم (ص ۲-۲۸ چاپی).

٤- حاشیه‌های فتوائی شیخ انصاری است با رمز «ش» ودر آغاز آن میگوید آنچه بنام احوط واستشکال میآورم برای این است که در آنجا فتوی نمیدهم و پیروان من بمجتهد زندهٔ دیگری که داناتر باشد باز گردند (۲ الف) شمارهٔ حاشیه‌های او ۱۳۹ است (۱ الف) خط حاشیه‌ها نسخ است با نشانه‌های شنگرف و با شماره بمتن می پیوندد . در برخی جاها حاشیهٔ «میرزا سلمه‌الله» دارد بخط نستعلیق .

(۱۰۸ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵/۵ × ۲۱/۵ و ۹ × ۱٤/۵ - س ۱۹

[۱۵۹۶] نخبة وجیزه (عربی)

فیض کاشانی این دفتر را که در دوازده کتاب است و از اخلاق و فقه هردو در آن گفتگو شده در ۱۰۵۰ بانجام رسانده او در فهرست خود میگوید که «در کتاب

النخبة گزیدهٔ بابهای فقه هست باهمه ادبها وسنتهای آشکار ونهانی و اصول علم خلاف با عبارتهائی کوتاه و شیوا درست مانند همان عبارتهای حدیث دربیشتر بابها و کسی پیش‌از من چنین ننوشته است. شماره کتابهای آن مانند دو کتاب معتصم ومفاتیح است با جدائی درفهرست باآنها و نزدیك سه هزاربیت است ودر ۱۰۵۰ بانجام رسیده‌است. کتاب‌التطهیر گزیدهٔ نخبه است و درباره علم اخلاق و پاکیزگی سرتنها و نزدیك پانصد بیت میباشد.»

کاشانی چنانکه‌درهمان فهرست آمده‌النخبة‌الصغری هم دارد که‌گزیده‌ای از فقه طهارة و صلوة و صیام با عبارتهائی بسیار کوتاه و پرسود درچهار صد بیت میباشد و تعلیقاتی بر همین‌نخبهٔ صغری که آنرا روشن نموده و گسترده‌تر میسازد و نزدیك بهمان است با افزوده‌تر از آن» (۱).

نسخه‌هائی ازاین نخبه درفهرست مجلس (۲:۲۳) وطوس (۵:۵۲٦) شناسانده شده ودرهمین فهرست طوس (۵:٦۳٤) وسپهسالار (۱:٥٤۹) دارد که‌آن بارها بچاپ رسیده ازآنها است چاپ ۱۳۲٤و۱۳۳۰ (۲).

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی اوضح بائمة‌الهدی من اهل بیت‌النبوة عن دینه القویم... فیقول... محمدبن‌مرتضی‌المدعو بمحسن... هذه‌نخبة وجیزة فی‌الحکمة العملیة‌والاحکام الشرعیة علی‌ماورد به‌الکتاب والسنة‌وآثارالائمة.

انجام: وللقسمة کیفیتان وعدیمها یورث بالفرعة‌وذوالراسین بالانتباه والعلم عندالله وهذا آخر ما اوردنا ذکره فی هذاالکتاب وقدد الف فی الف و خمسین من‌الاعوام‌الهجریة والحمدلله وحده والصلوة علی محمد واهل بیته والسلام (این تاریخ درچاپی نیست) - مما انشدالاستاد مصنف‌الکتاب فی تاریخ تألیفه دام ظله‌السامی:

۱ـ نیز کنتوری ص ۱۲۵و۵۷۸ـ ذریعه ٤:۲۱.

۲ـ درچاپ سنگی ۱۳۳۰ درآغاز آن گفتار رضا (ع) است هنگامیکه مأمون فضل‌بن سهل را نزدش فرستاد واو «شرائع اسلام» را نوشت (ص۱۳۲۷همین‌فهرست)

«بخمسین‌تمت‌سوی‌الالف علم تختمی لتاریخ ختمی تمامی»

«۱۰۵۰»

[۱۸۹٦]

۱۰۰۷ این نسخه بسیخ باعنوانهای شنگرف محمد نصیرمیباشد وآنرا گویا ازروی نسخهٔ علم‌الهدی نوشته است و او آن یکی را برای سیدی دردههٔ نخستین صفر ۱۰۸٦ درزمان‌کاشانی نوشته بود. روی عبارتی که این دومی را میرساند وبخط ستعلیق در۱۳٤ب‌نوشته‌شده خط کشیده‌وداره که زیاد است. علم‌الهدی درخاتمه‌ایکه درپایان دارد در۱۳۵ الف ـ ۱۳٦ ب میگوید که‌من این نسخه را ازروی نسخه‌ایکه پنج سال پس‌از تاریخ نگارش از روی نسخهٔ پدرم نوشته ودرمجلس درس بدقت براو خوانده بودم نسخه برداشتم، من برآن توضیحاتی نوشتم و اصلاحات پدرم را یادداشت کردم وآنها را بهردونسخه افزودم. این را درقمصر کاشان نوشتم.

حاشیه‌هائی دارد بانشانهٔ «منه دام ظله» (۱۰ب) و «منه سلمه‌الله» (۱٦ ب) و «عهد» درخیلی جاها و «عهد ابده‌الله» (۷٤ الف و ۸۱ ب) و ازهمان علم‌الهدی پسر کاشانی است. محمد امین شریف‌بن محمد علی استرابادی در ۱ رمضان ۱۰۹٦ واحمدبن لطفعلی تبریزی (با مهراو) دارندهٔ نسخه بوده‌اند.

پس تاریخ نگارش ۱۰۵۰ وتاریخ نخستین نسخهٔ پسراو ۱۰۵۵ و تاریخ نسخهٔ دوم او ۱۰۸٦ میباشد ونسخهٔ ما را محمد نصیر درروزگار علم‌الهدی و گویا درزمان خودکاشانی نوشته است.

فهرست: ۱ ب ـ ۲ ب که ابراهیم نامی آنرا نوشته و کتاب را در آغاز و انجام آن «النخبة‌الکبری» خوانده است. کتاب: ۳ ب ـ ۱۳٤ ب.

(۱۳٦ گ) ـ کاغذ ترمه ـ جلد تیماج زرد مقوائی تازه

اندازه: ۱۲×۱۸/۵ و ٦/۵×۱۱/۵ س ۱۴

[۱۵۹۷] نزهة‌الارواح (عربی)

فیمایتعلق باحکام‌النکاح

این نامه درشش باب و یك خاتمه میباشد. درفهرست طوس (۵ : ۵۲۷) نسخه‌ای‌از آن شناسانده شده و نشناخته‌اند که نگارندهٔ آن کیست وهمین اندازه دارد که‌ازدانشمندان‌پس‌از نیمهٔ‌دوم سدهٔ نهم‌است. فهرست آنهم‌در آنجادیده‌میشود.

در این نامه از زناشوئی از رهگذر اجتماعی و اخلاقی و پزشکی و ستاره شناسی وفقهی بررسی شده و بسیار سودمند است و شعرهم دارد. در آن از شیخ طوسی و « صاحب الکنز » سخنانی بسیار آمده و از مجازات نبویهٔ رضی و مکارم الاخلاق وشرایع محقق نجم الدین و تذکره و تحریر و قواعد و مختلف حلی و اجازهٔ او بفرزندان زهره و ایضاح فخر المحققین و نفلیهٔ «...» آورده شده و از ابو الصلاح الحلبی و ابن حمزه و ابوعلی طبرسی و محمدبن ادریس و ابن طاوس و فاضل (علامه) وشمس الدین محمدبن مکی شهید و شیخ قطب الدین و ابن فهد و مقداد سیوری و « السید فاخر شارح رسالة سلار » یاد گشته و دارد « ذکر لی بعض شیوخی المعاصرین قدس الله سره عن الحکیم الفاضل ابن الحلولی وو کتاب العجائب » (۱۳٤ الف).

آغاز: بسمله. و به نستعین. الحمدلله الذی حلل النکاح و حرم السفاح وجعله من اعظم شعائر الاسلام وسنة جاریة بین الانام... امابعدفلما کان ذلك کذلك احببت ان اضع له مقدمه تجمع مستحبه ومکروهاته و واجبه ومحرماته فتکون دستوراً یورد الیّ ویرشد الی درّ معناه... فوضعت هذه المقدمة الموسومة بنزهة الارواح فیما یتعلق باحکام (باقسام - خ) النکاح و رتبته ترتیباً لم اسبق الیه و تهذیباً لم اغالب علیه متضمنة فوائد جلیلة محتویة علی نکت واسرار وفروع ثیبات وابکار جمعتها علی مذهب الاصحاب ورتبتها ابواب.

انجام: وقال ابو الصلاح الحلبی والسیدالفاخر شارح رسالة سلار لاتنقضی العدة بترکه للاخلال بمراد الشارع فلم یحصل الامتثال ولیکن هذا آخر ما اوردناه و غایة ما قصدناه. فلنقطع الکلام حامدین لله علی آلائه شاکرین له علی جزیل عطائه مصلین علی محمد و آله خیراً تمت الرسالة الشریفة بعون الله و حسن توفیقه فی الیوم الرابع والعشرین من شهر ربیع الثانی بقلم الفقیر الی الله المعطی سلیمان بن عبدالله الحطی وذلك فی بلد کر کنده سنة ست وسبعون بعد الف هجریة علی مهاجرها افضل الصلاة واشرف التحیة. والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله)

[۱۸۹۳]

۸۸۲ این نسخه ش ٦ دفتر و بهمانگونه خط شمارههای پیش و عنوانها درمتن و نشانه هاشنگرف است و عنوانها پارهای درهامش هم هست. نویسندهٔ آن سلیمان بن عبدالله حطی در کر کنده روز ۲٤ ع ۱۰۷٦/۲ میباشد. حاشیه هم دارد. گ ۹۷ الف - ۱٤۲ الف پس از این دو گ ۱٤۲ ب - ۱٤٤ ب مطلبهای پراکنده است در پزشکی و حدیث.

[۱۵۹۸] النفحة القدسیة فی احکام الصلوة الیومیة (عربی)

در بارهٔ واجبات نماز روزانه و شرائط و احکام ناگزیر آن که شیخ حسین بن محمدبن احمدبن ابراهیم درازی بحرانی در چند فصل در سه روز نگاشته و در پسین روز ۲۰ صفر سال ۱۲۰۷ پس از خواندن ماتم ابی عبدالله الحسین ع آنرا بپایان رسانده. او باید پسر محمد (نگارندهٔ مرآة الاخبار ص ۲۰۰۸) برادر شیخ یوسف بحرانی باشد و همانکه « وفاة الزهراء » نوشته است (ص ۱٦٤۱ همین فهرست).

آغاز: بسمله وبه نستعین احمدك یامن جعل الصلوة بعد المعرفة افضل الاعمال والعبادات الواجبة الموظفة... امابعد فانی مجیب ماسئلت عنه من بعض الاخوان... لاحکام الصلوة الواجبة ولو بالتقلید لمن له اهلیة.

انجام: والا فلا حسنات لهم ولنقطع جری القلم فی ساعة هذه الرسالة التی اوجبت لنا شدة العجالة... ولکن التماس طالبها مع شدة حاجته الیها الضروریة اوجبنا علی انفسنا تألیفها مع تجنب الاطالة... سیما فی اوقات الخلوات ومواضع الاجابة وان یکفینی مصادمة الدهر و نکاله والحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الطیبین الطاهرین (وقد الفها مولانا... الشیخ حسین المقدس الفرد ابن الشیخ محمد بن المقدس الشیخ احمدبن الشیخ ابراهیم الدرازی قدس الله روحه وطاب ضریحه فی مدة قلیلة لاتنقص ولاتزید علی ثلثة ایام. و کان فراغ مولانا من تألیفها عصر یوم العشرین من شهر صفر بعد الفراغ من قرائة ماتم ابی عبدالله ع وذلك من سنة السابعة والمائتین والف... و کان الفراغ من تسویدها علی ید...

احمد السید محمد السید یوسف السید کاظم الموسوی رحمه الله من قرأ له الفاتحة آمین ... آمین . سنة الف ومأتین واربعة عشرین فی ذی الحجة) .

[١٨٩٤]

١٠٢٥ این نسخه ش ۳ دفتر و بخط نسخ با عنوان و نشان شنگرف است از احمد سیدمحمد سید یوسف سید کاظم الموسوی که در ذی‌حجهٔ ۱۲۲۴ آنرا نوشته است. گ ۶۱ ب ــ ۸۹ الف . در گ ۸۹ ب شش سطر است بهمین خط از پاسخهای حسین بن محمد بن احمد بن ابراهیم درازی بحرانی نامبرده شده بپرسشهای احمد بن شیخ حسین بحرانی که درباره او « الولد الاسعد » گفته شده و پرسش نخست آن دربارهٔ کشتن کشتی است در بحرین ورو بقبله آنجا .

[۱۵۹۹-۱۶۰۴] نماز آدینه (فارسی و عربی)

چندین نامه که دانشمندان شیعی دربارهٔ نماز آدینه نگاشته‌اند (۱) در اینجا میشناسیم :

۱ـ شیخ طوسی در نهایه در نماز آدینه بود امامی عادل یا کسیکه او گمارده باشد شرط میداند (ص ۶۷ ترجمهٔ آن چاپ دانشگاه) سلار دیلمی شاگرد مرتضی و مفید نخستین کسی است که این نماز را در نبود پیشوای نهانی ناروا خوانده (روضات ص ۳۰۰) وعماد الدین حسن طبری مازندرانی (زندهٔ در ۶۷۳) هم میگفته که این نماز بافرمان روائی داد گر روا میباشد (روضات ۱۷۰) عزالدین حسن آبی نگارندهٔ کشف الرموز در ۶۷۲ (ش ۷۲۱ گ ۱۸ ب) هم آنرا در هنگام غیبت ناروا دانسته (روضات ص ۱۴۷) از سخن آبی در آنجا برمیآید که مرتضی در برخی از «مسائل» خود وطوسی در خلاف ومتأخر (ابن ادریس) این نماز را در نبود امام روا نمیدانسته‌اند (و او هم همین را میپذیرد) ولی طوسی در نهایه میگوید که شایسته است آنرا خواند . از سخن رازی در « النقض » برمیآید که شیعیان بیشتر میان نماز آدینه نمی‌خواندند و بود پیشوای پاک یا نمایندهٔ او را شرط میدانستند ودرقم و آبه وکاشان و ورامین و همهٔ شهرهای مازندران که از آن شیعیان بوده است این نماز برپا داشته میشده است (ص ۴۲۹ و ۵۹۸) بایستی هم دانشمندان شیعی که بیشتر ایرانی یا از مردم ستمدیدهٔ دیگر نژادها و دشمن دستگاه فرمانروایان بیگانه تازی بوده‌اند چنین فتوائی را بدهند وتن در ندهند که هر آدینه‌ای

دنبالهٔ حاشیه در صفحهٔ پس از این

۱ـ از عبدالعلی بن محمود خادم جابلقی بروجردی که برای شاه روزگار خود در پنج مطلب نگاشته است و در آن از نماز آدینه گفتگو نمود و روشن ساخت که آن واجب نیست .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

نمازی بنام خدای بگذارند و پس از آن سخنرانی از فرمانروای تازی که بهرگونه گناهی آلوده میبود بنیکی یاد کند واورا بستاید چه این نماز هم بیشتر پشت سر چنین فرمانروا یا نماینده او میبایستی خوانده شود.

این هم گفته شود که دانشمندان شیعی در روزگار صفویان گویا بنگارش جداگانه در این باره پرداختند . گروهی مانند شهید دوم که در راه این آئین جان باخته بود ومحقق کرکی از نزدیکان دربار صفوی وعزالدین عبدالصمد عاملی از یاران آنان در عهد طهماسبی وفیض کاشانی از دوستاران این دستگاه و محقق سبزواری و مجلسی دوم و دیگران که پاره‌ای از رساله‌های آنها را در فهرست طوس و همین فهرست ما میشناسیم این نماز را روا داشته‌اند چه اینکه دیگر نامی از دشمنان نژادی ودینی برده نمیشده وپیشنماز هم از فقیهان شیعی میبود . این بود که برخی مانند کاشانی و مجلسی آنرا بدستور شاه بپا میداشتند .

بهترین کتابی که در این زمینه بروش اخباریان نوشته شده « الشهاب الثاقب » کاشانی است که در ۱۰۵۷ بتازی نگاشته (کتنوری ص ۳۶۳) و دلیلها برای واجب عینی بودن این نماز در آن آورده و نزدیك بدو هزار بیت است از آنها اینست که چون شاه بدان دستور داده است چه بهتر است که آنرا خواند تا پاداش آن در نامهٔ عمل او نوشته شود . همین رساله است که مولانا محمد اسماعیل مازندرانی خواجوئی از آن خرده‌ها گرفته است ، بویژه از همین دلیل که یاد گردید.

کاشانی در این باره نامهٔ دیگری بنام «ابواب الجنان» بفارسی نزدیك به پانصد بیت دارد که در ۱۰۵۵ نگاشته ودر آن هم این نماز را واجب نشان داده است (کتنوری ص ۲ــ ش ۲۱۲ طوس ۲:۶۵ــ ذریعه ۱:۷۷).

گروهی دیگر مانند ملاعبدالله تونی که از پارسایان بود و همچنین خواجوئی و تنکابنی از آنها خرده گرفتند ، دسته‌ای از دانشمندان شیعی میانه‌روی کردند و این نماز را ناروا ندانستند وگفتند که بایستی هم نیست ومیتوان از دو نماز پیشین و آدینه یکی را خواند ــ برای نگارندگان اینگونه رساله‌ها که در روائی یا ناروائی نماز آدینه نوشته شده بنگرید به : کتنوری ص ۲۶۹ وطوس ۲:۶۵ و ۷۱ و ۵:۴۳۴ وروضات ص ۵۱۷ در سرگذشت کاشانی ـ در فهرست اوهم از ایندو کتاب او یاد شده است.

درآن از «رسالهٔ جمعهٔ شهید» و «شیخنا المحقق قدس‌الله روحه‌العالی» یاد شده است (۳ الف و ۹ ب).

این جابلقی دائی محمدبن‌علی‌بن خاتون عاملی وداتشمندی‌فقیه‌بوده و بدستور سلیمان‌میرزا فرزند شاه‌تهماسب فرمانروای حیدرآباد برای همشیره او «پریخانم» الفیهٔ شهید را گزارش نوشت (طوس ۲: ۸۵ متن و ترجمهٔ آن) و میرمحمد باقر داماد از او روایت دارد. پدر او شاگرد محقق کرکی بوده و مختصر نافع را گزارش نوشته است (روضات ص ۳۵۵- کنتوری ص ۳۲٤).

آغاز: بسمله. الحمدلله علی تحقیق المرجو وتحصیل المرام واتباع ولاة امره العارفین بحقائق الشرع ودقائق الاحکام... وبعدفان... عبدالعلی بن محمود الخادم یعرض علی الرأی الانور انه قد تحیر افهام العلماء فی وجوب صلوة الجمعة الان... فرأیت ان احرر مجلة... فالتزمته علی ما وصفته تحفة للحضرة الرفیعة والسدة السنیة اعنی حضرة... السلطان المعظم والشاهنشاه الاعظم.

انجام: وانما النزاع فی کونه عینیاً او کفائیاً یکفی ان یقوم به بعض المؤمنین. نعوذبالله من مقالة الحساد وذوی الجهل واولی العناد طوبی لمن طلب العز والعلی والسلام علی من اتبع الهدی.

۲- نیزازعمان جابلقی که برای «نواب کامیاب اشرف اعلی ابب صاحب الزمان» بنگارش درآورد. در آن از «شیخ زین‌الدین قدس‌الله روحه» (۱٦ الف) و «شیخنا وسیدنا شیخ علی بن عبدالعالی قدس‌الله روحه‌العالی» (۱۵ ب) یاد گشته ودلیلهائیکه شهید برای وجوب این نماز آورده درآن آمده وازآنها خرده گیری شده است.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی اظهر الحق واعانه ودمر الباطل واهانه... امابعد تراب آستان عالی عبدالعلی بن محمود الخادم... بذروهٔ عرض میرساند.

انجام: وردمقالات محققین بدون دلیل موجب خسران مبین است نعوذ بالله من مقالة الحساد وذوی الجهل و اولی العناد طوبی لمن طلب العز والعلی والسلام علی من اتبع الهدی.

[۱۸۹٦-۱۸۹۵]

۹۷۲ این دونسخه ش ۱ و ۲ دفتر است و نسخ باعنوانها درمتن بنسخ و شنگرف ودرهامش بنستعلیق (در ش ٤) و با نشانه‌های شنگرف وبا سرلوحی زیبا در ۱ ب ودردوجدول بزرگی شنگرف کوچکی زرین و لاجورد میباشد. گ ۱ ب - ۱۳ ب و ۱٤ الف - ۱۹ ب. مهرهای «محمدباقرالعلوم - محمد هاشم - عبدالحسین» درآن هست.

همهٔ دفتر ۱۳٦ گ - کاغذ ترمه - جلد تیماج مشکی ضربی طوالی

اندازه: ۹×۱۵ و ۵×۱۰ س ۱۵

۳- نامه‌ایست که در آن روشن شده که نماز آدینه واجب است وباید آنرا خواند ونماز پیشین بجای آن بسنده نیست. ازدیباچه برمیآید که این یکی ازمحمد تقی فرزند میرعبدالله کشمیری میباشد و شعرهای پایان میرساند که در ۱۰۹۷ بنگارش درآمده و نام او «محمدالبهاء» است. درفهرست طوس (۵: ٤۳٦) از رسالهٔ نماز آدینهٔ بهاءالدین محمدبن محمودبن حسام مشرقی نجفی سپاهانی (نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۱) که نزدیك ۱۰۸٦ نگاشته شده یاد گردید واین نامه نسخهٔ ما آن نخواهد بود.

آغاز: هذه رسالة فی مسئلة صلوة الجمعة و کذا التی تلیها وانما کتبنا للنقض والابطال فان الراجح فی نظری القاصر هوالوجوب المضیق العینی لا الحرمة ولا التخییر. والله خبیر بصیر وهوالهادی والنصیر. بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی سیدالمرسلین وآله وعترته الغر المیامین ما امتازغث من ثمین و شمال من یمین. وبعد فهذا ما یسألتموه من محصل الکلام فی صلوة الجمعة فی غیبة الامام فافتحواله مسامعکم واحتاطوا لدینکم.

انجام: بل ما عرفته من الاجماع علی الاشتراط بالامام او الاذن منه دلیل علیه قاطع.

فهذا ما سقیناه من کؤوس ... بدار براح حق من شراب

***

وقد کان الفراغ لیوم سبت ... وقدر کتب المصنف علی الذهاب
و الف بعد سبع ستین تمت ... وتسعون بعدد فی الحساب

فلله المحامد ملیء جو — و ما بان الشراب من السراب
وقد رقم السطور كما تراها — وقد نضدت مؤلف ذا الكتاب
محمد البهاء كفاه فخرا — بان يدعى ولي ابي تراب
عفا عنه الا له كما عداه — لارشاد وانجي من عذاب

تمت بعون الله تعالى.

۴- نامه دیگریست از همان کشمیری ودربارهٔ اینکه باید این نماز را خواند.

آغاز: بسمله. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد المبعوث علی الخاص والعام و وصیه الذی نصبه یوم الغدیر علی الانام وعلی اولاده النجباء الکرام و بعد فیقول ... ابن میرعبدالله القشمیری محمدالتقی ... اعلم ارشدك الله تعالی ان جمعة غیرالمعصوم ونائبه الخاص لوجازت لكانت عبادة والاصل فی العبادة عدم جوازها بدون الاذن وهوالکتاب والسنة ... والادلة العقلية ... وکلها منتفية فی محل النزاع.

[۱۸۹۸-۱۸۹۷]

۷۹۰ این دو نسخه ش ۱ و ۲ دفتراست نخستین نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و با دو حاشیهٔ «منه» بخط نستعلیق. گ ۱ ب ۷ ب. در آن دارد «هوالمالك بالاستحقاق سنة ۱۳۱۵» بامهر «محمدهادی» (۷ ب و ۱۰ الف و ۵۹ الف) در گ ۱ الف گفتاریست از شیخ جعفر درخرده گیری اززمخشری در کشاف درتفسیر آیة «قدیعلم انه لیحزنك الذی یقولون ... یجحدون» که درمحرم ۱۱۱۰ برای محمدنبی جنابذی نگاشته وبخط نستعلیق ابوالقاسم بن سید حسین موسوی است درخوارزان بسال ۱۱۳۶ بانشانه‌های شنگرف. متن وحاشیه ش ۱ و ۲ هم درست مانند همین خطاست پس اینها هم نوشتهٔ همین موسوی میباشد.

دومی هم نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف گویا از ابوالقاسم بن سید حسین موسوی نزدیک ۱۱۳۶ و پایان نرسید وچنین مبانجامد: «قال وانصرف فیمن انصرف یومئذ ... وروی مثله فی رجل عن ابی عبدالله ع» گ ۷ ب - ۹ ب.

(همهٔ دفتر ۵۸ گ) - کاغذ کرمه - جلد مقوا

اندازه: ۱۲×۱۷/۵ و ۶/۵×۱۲ س ۱۶ و ۱۵

۵- ازمحمد طاهر بن محمد حسین شیرازی نجفی قمی (م ۱۰۹۸) اخباری متکلم دشمن صوفیان و فیلسوفان و ملحدان و منکران نماز آدینه که درخرده گیری

ازملاحسن علی بن ملاعبدالله شوشتری این نامه را نوشته ودرروز پنجشنبه دههٔ دوم جمادی دوم سال ۱۰۶۹ آنرا بانجام رسانده. قمی نخست پنج فصل آورده وازروی خبرمتواتر وآحاد واجماع وسخنان دانشمندان از نماز آدینه کاوش نمود سپس عبارتهای کسانیکه آنرا بایستنی میدانند آورد آنگاه سخنان همان شوشتری را پس از «قال المصنف» یاد کرده از آنها خرده گرفت (طوس ۲: ۷۱) در آن از رسالهٔ جمعهٔ نیای خود واز حسین بن عبدالصمد یاد کرده است (گ ۲۳ ب ش ۷۹۰/۳)

این قمی درشهر خود امام جمعه و جماعت و شیخ الاسلام بود و کسانیرا که نماز آدینه را بایستنی نمیدانستند کافر میخواند و با ملاخلیل که بجانیاوردن آنرا روامیدانست گفتگوها کرده بود.

او فیض کاشانی را روی روش فلسفی وعرفانی که داشت مجوسی میخواند ومیان او ومجلسی یکم هم دربارهٔ تصوف سخنانی رفته است. چون بیخوارزان بد میگفت شاه سلیمان صفوی خواست او را بکشد و روی میانجیگری برخی ازفرماندهان دست از کشتن او کشید. آرامگاهش درپشت سر گور ز کریابن آدم در قم است. در رد برمجتهدان در کلام و اصول حجة الاسلام نوشته و در خرده گیری از فیلسوفان وصوفیان الفوائدالدینیة بفارسی که بندی از آن در روضات خوانساری درسر گذشت فارابی (ص ۶۸۲) دیده میشود (خوانساری ص ۳۳۶ - امل الآمل ص ۵۰۲).

آغاز: بسمله. وبه نستعین. الحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین (اما) بعد پوشیده نماند که در روز سه شنبه عاشر شهر جمادی الاولی سنهٔ ثمان وستین بعد الف درمجلس شریف ... رسالهٔ بنظر رسید از تصانیف بعضی از فضلای معاصرین وهوالفاضل المعروف المشهور مولا حسن بن مولانا عبدالله ... درتحریم نماز جمعه ورد قائلین بوجوب آن بوجوه ضعیفه واعتراضات سخیفه پس در نوشتن جواب از آن متردد خاطر شده باستخاره رجوع نمود استخارهٔ نوشتن خوب ونوشتن بد آمد بنابراین بنوشتن مبادرت نمود.

انجام : بدانکه درین مقام گفتگوهای بسیار میتوان کرد ولیکن اختصار نمودیم تاموجب ملال خاطرها نشود . قد فرغ من تسویدها مصنف الرسالة مؤلفها محمد طاهر بن محمد حسین الشیرازی ثم النجفی ثم القمی غفرالله له ولوالدیه یوم الخمیس من العشر الثانی من شهر جمادی الثانی سنة تسع و ستین بعدالالف . الحمدلله رب العالمین . تمت الرسالة .

(قد فرغ من تسوید هذه الرسالة فی یوم الخمیس ۱٤ شهر صفر سنة اثنان وتسعین بعد الف من الهجرة النبویة افضل الصلوة والتحیة کتبه العبد عبدالکریم - نسخه ۷۹۰/۳) .

[۱۸۹۹]

۷۹۰ این نسخه ش ۳ دفتر است ونسخ روز پنجشنبه ۱٤ صفر ۱۰۹۲ گ ۱۰ ب - ۵۹ الف .

[۱۹۰۰]

۸۷٤ این نسخه ش ۷ دفتر است وبهمان خط نستعلیق ش ٦ باعنوانهای شنگرف وعبارتهای تازی وخبرها بنسخ و زیرخط سرخ . گ ۱۷۲ ب - ۲۳۳ پ .

٦- ازدانشمند محمد سراب تنکابنی (م ۱۱۲٤) که میگفت نماز آدینه را باید بجاآورد واین رسالهٔ اودربرابر رساله ایست که مولی علی رضای تجلی شیرازی دانشمند شاعر فارسی (م ۱۰۸۵) شاگرد آقاحسین خوانساری بفارسی نوشته ودر آن از رسالهٔ وجوب عینی نماز آدینهٔ فارسی محمد باقربن محمد مؤمن محقق سبزواری خراسانی (م ۱۰۹۰) خرده گرفته و گفت که این نمازرا نباید خواند (۱) او این نامهٔ فارسی را بدستور همین سبزواری استادش نگاشته بود تا ردی هم

۱- دانشمند متکلم فقیه سبزواری دربارهٔ نماز آدینه دورساله دارد یکی بفارسی ودیگری بتازی ودرآنها روشن نمود که این نمازرا بایستی خواند. اورا خلیفه سلطان وزیر مدرس مدرسهٔ مولی عبدالله شوشتری کرده و پسر او مولی حنبلی را که ازاو برتر بودهاست ازاین کاربر کنار ساخت (روضات ص۱۱٦و۱۹۵) رسالهٔ تازی سبزواری درطوس هست (۵: ۵۳۵ ش ٦۷۳) برای سرگذشت سراب بنگرید به روضات ص۶۱۹ وقصص ص ۲۷۵ .

باشد بر رسالهٔ نماز آدینهٔ ملاعبدالله بشرویه‌ای تونی (م ۱۰۷۱/۱٤۱٦٠) که اوهم این نمازراروانمیداشت . اودراین نامهٔ تازی هم چنانکه می‌بینیم ازسخنان تونی خرده‌ها گرفته است . درفهرست طوس (۵ : ٤۳۷ ش ٦۷٦) این نامه دارای یك دیباچه وشش باب شناسانده شده ودارد که او آنرادر نزدیك بپایان رمضان ۱۱۰٦ بانجام رسانده است .

فهرست آن چنین‌است‌درنسخهٔ ما : دیباچه ، آنگاه سه فصل است نخستین : فی نقل عبارات الفقهاء وبیان مقتضاها فیما یحتاج الی البیان (۱۳٤ ب) دوم : فی اثبات وجوب الجمعة عیناً فی زمان الغیبة (۱۵۵ الف) سوم : فیمایقال فی عدم الوجوب سواء قیل بالحرمة اوبالتخییر (۱۷۱ ب) سپس خاتمه است (۱۸٤ الف) درسه فائده : نخستین : قول الشهیدالثانی و ادعائه الاجماع . دوم : فی عدم اعتبار الفقیه فی صلوة الجمعة . سوم : فی تحقیق العدالة . این فهرست با فهرست نسخهٔ طوس اندکی جدائی دارد .

در آن دارد « قال الفاضل التونی وقد نقل رسالة فی الوجوب و نسب الی الشهیدالثانی زین الملة والدین : والظاهر انه مختاره فی اوائل سنه ثم رجع عنه فی کتبه الاخری ان کانت النسبة صحیحة » .

شهید دراین رساله که برخی آنرا مانند همین تونی از او ندانسته‌اند نماز آدینه را واجب پنداشت واین رساله‌را در۹٦۲ بانجام رساند (کنتوری ص۲٦۹) سراب دربرابر گفتهٔ تونی میگوید که‌این‌سخن بسیار سست یا ازروی فراموشی‌است یا فریبکاری که از گوینده دوراست چه متواتراست که این رساله از شهید است واگراو آگاه نبود میخواست ازدیگران بپرسد و نگارندهٔ مدارك هم عبارتهائی از آنرا آورد وشهید نیای او است آنهم شایسته بود که ازیکی ازفرزندان شهید که دراین شهرها هستند بپرسد تا نسخهٔ خط اورا بدو نشان دهند یا از راههای دیگرروشن کنند که‌آن رساله ازشهید است گذشته ازاینها این‌رساله پس‌از آن کتابهائی که او می پندارد مؤخر است نوشته شده تازه این را هم بگوئیم که

که درجوانی شهید نوشته شده باو گستاخی کرده‌ایم واندیشهٔ جوانی او نابخته خوانده‌ایم. از همهٔ اینها بگذریم چنانکه شهید خود نوشته است او بخش یکم مسالك را روز چهارشنبه چهارم رمضان ۹۵۱ وشرح لمعه را پایان شب شنبه ۲۱ جمادی یکم ۹۵۷ و این رساله را دریکم ربیع یکم ۹۶۲ بانجام رسانده و خود در قسطنطنیه بسال ۹۶۶ کشته گردید (۱۸۵ الف و ب) (نیز ص۱۹۹۱همین فهرست).

درفهرست طوس (۵: ۴۳۴ ش۶۷۲) رسالهٔ شهید شناسانده شده ودارد که این رساله با «مقالة فی‌الحث علی صلوة الجمعة» او در مجموعهٔ رسائل شهید بچاپ رسید.

باری‌دراین‌رسالهٔ‌سراب‌دارد «استادی‌العلامة‌طاب‌ثراه» واز آن‌همان‌سبزواری خواسته شد چنانکه نویسندهٔ نسخهٔ ما درآغاز ش ۸۸۸/۷ (رؤیة‌الهلال همین تنکابنی) نوشته است. نیز دارد که «من حاشیه‌ای بررسالهٔ یکی از دانشمندان خراسان نوشته‌ام (۳۶ الف) وعبارتهای‌اورا آورده وخرده گیری کرده‌است.

درچند جا (۱۳۸ الف و۱۵۲ الف و۱۶۵ ب و ۱۶۷ ب و۱۸۱ ب) دارد «قال الفاضل‌التونی» نیز «قدزعم صاحب‌الرسالة الفارسیة» و «قد استدل صاحب الرسالة الفارسیة» (۱۷۸ ب و ۱۷۶ الف).

همچنین دارد «قال السیدالفاضل الصالح ... ره» درحاشیه آمده که ازآن «میرزا علاءالدین ره» خواسته شده است (۱۵۰ب) نیزدارد «نقل حکایة جرت بینی و بین فاضل متبحرطاب‌ثراه فی‌السنة‌السادسة والسبعین بعدالالف» درحاشیه آمده «میرزا رفیعا ره» واین بند درباره داستان گفتگوی همین تنکابنی است بامیرزارفیعای نائینی (م۱۰۸۰ یا ۱۰۸۲) دربارهٔ نمازآدینه (۱۶۱ الف) ازآنچه گذشت برمیآید که این رساله پس‌ازمرگ تونی ونائینی و سبزواری آغازشده ودرآن ازرسالهٔ فارسی تونی خرده گیری گشت. این هم گفته شود که بررسالهٔ همین تنکابنی ردی نوشته شده است و آن گویا از پسر احمد برادر تونی است

یا ازمحمدبن مولی حسینعلی برادر دیگر او (روضات ص ۳۶۳).

آغاز: الحمدلله‌الذی شرف‌الجمعة علی غیرهامن‌الازمان‌والاوقات‌وفضلها علی سائرالعبادات‌والصلوات ودحض‌الاقوال‌الباطلة بالحجج‌البالغة والروایات .. امابعدفیقول‌المتمسك بکرم ربه‌الغنی محمدبن‌عبدالفتاح‌التنکابنی انه قدالف بعض فضلاء معاصرینا رسالة فارسیة لنفی عینیة‌الجمعة مشتملة علی شبه سخیفة وخیالات ضعیفه فالفت بامراستادی العلامة طاب ثراه رسالة فارسیة لاظهارالحق علی وجه یلیق بالمقام و دفع‌الشبهة الضعیفة بالتمام ولما کان عمدة‌المقصود من وضع تلك الرسالة دفع شبهته علی وجه ینتفع به بعض من لم یرتبط باللغة العربیة ایضاً لم یناسب سیاقها بسط‌الکلام فی ذکرالدقائق و کنت فی‌السنة‌السابقة علی عامی هذا عازماً علی تألیف رسالة ابین فیهابعض ما لم یکن فیها واترك بعض ماکان متعلقاً بعبارةالرسالة‌التی لاانتفاع فی ذکره لیکون انفع فی‌الایصال الی‌المطلوب واخلاعما زاد وخرج عن‌المقصود وعاق عن ذلك بعض‌الامراض والاشغال الی ان قرب شهررمضان هذه‌السنة فالفت ما کنت عازما.

انجام: فان بقی لك ریب فارجع الی رسالة کتبتها فی‌الاخباروالاجماع (ش ۶۷۶ طوس).

[۱۹۰۱]

۸۸۸ این نسخه ش ۹ دفتر است و بهمانگونه خط ش ۳ بانشانه‌ها و عنوانهای شنگرف باسیاه درمتن‌وهامش. حاشیه‌هائی داردبا نشانهٔ «منه‌مدظله العالی» و «منه سلمه‌الله تعالی». درصفحهٔ عنوان مانند شماره‌های دیگر دارد «ایضاً من مصنفاته دام‌ظله‌العالی فی‌الجمعة» وهمین خودمیرساند که نگارندهٔ رساله همان تنکابنی میباشد ونویسنده شاگرد اوودرزمان او این نسخه را نوشته‌است. خط خورد گیهاهم درآن هست. گ ۱۳۳ ب ــ ۱۸۷ ب.

چنین است **انجام** این نسخه: «الفائدةالثالثة (من‌الخاتمة) فی تحقیق‌العدالة .. منها مارواه‌الصدوق ... انه قال لایؤم‌الحضری‌المسافر ... ومنها ماذکره بقوله وسأل علی‌بن جعفر (الخ)» وکم دارد.

[۱۶۰۵] نماز شب (رساله در ...) (فارسی)

این نامه دارای یك مقدمه و چند مطلب و یك خاتمه است و برتری نماز شب و بیداری درشب در آن گزارش داده شده است. شعرهای فارسی در آن آمده وشعری از نگارندهٔ آن هم هست (۴۹ الف).

مجلسی دوم، رسالة فی صلوة اللیل، بفارسی دارد (کنتوری ص۲۷۱) و این نسخهٔ ما پیدا نیست که همان باشد.

درآن دعائی از صحیفهٔ کامله هست با ترجمهٔ فارسی آن (میان سطرها بخط نستعلیق شنگرف گ ۹۹ ب - ۱۰۷ الف) ودارد که بهائی درمفتاح‌الفلاح همین دعا وچهارده دعای دیگر را گزارش نمود. سپس درجدولی فهرست این دعاها آمده سپس بندهائی از همان پانزده دعا بپارسی ترجمه و گزارش شده است (۱۰۷ ب - ۱۱۸ الف) بازسخنی از بهائی (۷۰ الف و ۷۴ الف) و نگارندهٔ ابواب‌الجنان‌ورحمه‌الله، (م ۱۱۰۰ واندی) در آن آورده شده است (۳۶ الف و ۶۰ الف و ۸۳ ب).

[۱۹۰۲]

۹۷۷ این نسخه ش ۴ دفتراست و بهمانگونه خط ش ۱ میباشد. عبارتهای تازی با اعراب وزیرخط است. حاشیه‌هائی دارد بانشانهٔ «منه عفی‌الله عنه» (۳۸ الف) و «منه» (۴۸ الف) گ ۳۵ ب - ۱۲۵ ب. برگ ۱۲۱ سفید است و نسخه کم دارد.

آغاز: بسمله. حمد بی‌نهایت وثنای بی‌غایت سزاوارمعبودی است که خالق ارض وسمااست وشکر بی‌عد وسپاس بی‌حد شایستهٔ مسجودی است که از آلایش سنه ونوم مبرااست ... وبعد این رساله‌ایست دربیان فضیلت‌نمازشب وبیداری شب ودرذکر آنچه بعدازبیداری تاوقت گذاردن نمازمذکور بجاباید آورد وبیان کیفیت این نمازومتعلقات آن که از کتب معتبره نقل کرده شد و این رساله داعی برایراد مقدمه و چند مطلب وخاتمه‌ایست.

انجام نسخهٔ ما: واما گذاردن نمازشب بطریق اختصار آنست که چون بقصد قیام بنمازمذکور سرازخواب بردارد باید سجده کند وبگوید ... (۱۱۸ ب) پس بردارد

دستها را برابر سر وقنوت کند درحالتی که بگرید یا خود را بگریه دارد باین دعا: لااله الاالله العلیم‌الکریم ... ورب‌الارضین‌السبع (ازمطلب چهارم).

[۱۶۰۶] نیل‌المرام فی مذهب‌الائمة علیهم‌السلام (فارسی)

ملاعبدالرحیم بن معروف ایندفتر را درفقه و بفارسی نگاشته و درآن ازارشاد وتبصره و شرایع بهره برد وآنرا در ۵۵ کتاب و ۲۵۵ باب (۲۶۰ باب در دیباچهٔ نسخهٔ ما) ساخته است (کنتوری ص ۵۹۸).

درآغاز آن بیتهائی درستایش از «مظفرجلال‌الدین شهنشاه» (که‌نامش در گ ۱ ب پاك شده است) آمده ودارد که نگارنده باعمش قاضی‌القضاة دیری در دربار او بودند و خود او با اجازهٔ شاه بسفر رفت و دهسال دانش اندوخت سپس بمیهن بازگشت وبپیشنهاد شاهزاده دربارهٔ آئین پیشوایان پاك این کتاب بساخت تاداوران ودانشمندان ومفتیان بخوانند. دردیباچه‌ازملك‌کاوس پسرشاه یاد شده (۲ الف) ومانا همانست که کتاب برای او نوشته شده است. عنوانهای آن کتاب وباب ومسئله میباشد و پس‌ازدیباچه فهرست میآید.

آغاز: حمد وافرو ثنای متکاثرحضرت خالقی را که برمقتضای وماخلقت الجن والانس الا لیعبدون زمرهٔ عقلا را بامتثال اوامر و نواهی مکلف گردانید (کنتوری).

[۱۹۰۳]

۷۶۴ این نسخه نسخ کهن است باعنوانهای شنگرف وتصحیحات درهامش. پس‌از فهرست که کمبود دارد وتاکتاب ۳۵ است دوصفحه ازاعتکاف آمده آنگاه زکوة است تاادیات آنهم بانجام نمیرسد و از طهارت تا پاره‌ای از اعتکاف را ندارد وگویا برگها هم پس و پیش شده است. درپایان مهر «عبده حسین‌الحسینی» دیده میشود.

آغاز نسخهٔ ما: مظفرفر فرخ رخ جلال‌الدین والدنیا.

شهنشاهی که چون رأیش نهد یك ذاله تدبیر
شود صیدخم دامش همای صدره‌اعلا (۱ الف)

... باعث بر تحریر این کلمات و موجب تسطیر این نکات آنکه چون امدی مدید وعهدی بعید .

انجام : مسئله . اشبه آنستکه در توزیع یعنی قسمت رعایت ترتیب کند یعنی اگر از اقرب گرفته باشند چون وفا نکند ازبعید نیز مطالبه نمایند تا زمانی (باب ۵ کتاب ۵۵ درعاقلهٔ دیات) .

(۳۲۱۸ف) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد زرد تازه

اندازه : ۱۷×۲۴ و ۱۱×۱۷ س ۱۸

[۱۶۰۷] **وجیزه** (فارسی)

دانشمند سپاهان محمد جعفر بن محمد صفی فارسی آباده‌ای از شاگردان وشناختگان سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی (م ۱۲۶۰) از رسالهٔ فتوائی استاد خود بنام تحفة الابرار در نماز و بفارسی (ذریعه ۳ : ۴۰۴) گزین نموده این وجیزه را نگاشته است . او در دیباچه از استاد با لقبهائی یاد کرد و نخواست گستاخی کرده آشکارا از او نام برد (مآثر و آثار ص ۱۴۶ ـ فوائد رضویه ۲ : ۴۴۹ ـ اعلام الشیعه ۲ : ۲۵۹) آن رساله را محمد تقی بن حسین علی هروی سپاهانی (م ۱۲۹۹) هم گزین کرده وهم گزارش نوشته است (ذریعه ۴ : ۴۲۱) .

آغاز : (رسالهٔ عالیجناب مجتهد العصر و الزمانی حاجی سید محمد باقر سلمه الله تعالی) بسمله . اللهم اجعلنا لانعمك من الشاكرين ... يقول ... محمد جعفر بن محمد صفي الفارسي هذه المسائل رسالة عزيزة موسومة بالوجيزة مشتملة لامهات مسائل الصلوة قد استخرجتها من الكتاب الموسوم بتحفة الابرار من تأليفات المولى الاعظم والمقتدا الى الافخم ومطاع العرب والعجم ... كان ذكر اسمه من سوء الادب ... بدانکه نماز منقسم میشود بواجب ومستحب .

انجام : و همچنین است حال در تشهد مثنی در رکعت اخیره . تمت الکتاب والسلام .

[۱۹۰۴]

۷۸۹ این نسخه بسخ است باعنوانهای شنگرف وعنوان مطلبها در کنار برگها در آغاز . از آنچه درعنوان نسخه آمده برمیآید که درروزگار شفتی نوشته شده است . کتاب ۱ ب ـ ۱۴۰ ب . تاریخ ۱۲۴۸ در ۱ الف وع/۱۲۹۳/۱ در ۱۴۱ ب و۱۲۹۴ در ۱۴۲ الف ومهرهای «عبده زین العابدین» در ۱ الف وب و ۲ الف و ۱۴۰ ب و «یا باعبدالله ادر کنی» در سه جای ۱۴۲ ب و« این کتاب از متملکات وجزو کتابخانهٔ احقر فضل الله النوری ست ۱۳۱۱» در ۱۴۰ ب دیده میشود .

(۱۴۳ف) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج خالی زرکوب طوالی

اندازه : ۱۰/۵×۱۵ و ۶×۱۰/۵ س ۱۳

[۱۶۰۸] **الوسيلة الى نيل الفضيلة** (عربی)

عمادالدین رکن الاسلام ابن حمزه ابوجعفر محمد بن علی بن حمزة بن محمد بن علی طوسی مشهدی دانشمند فقیه واعظ زندهٔ در ۵۶۰ گویا شاگرد پسر شیخ طوسی وشاگرد ابوجعفر محمد بن الحسین بن جعفر شوهانی که در طوس میزیسته است واستاد ابن شهر آشوب بوده ودر کربلا در گذشت ودرهمانجا بخاك سپرده شد . این «الوسیلة الی نیل الفضیلة» او درهمه بخشهای فقه شیعی ودرهشت هزار بیت است و در آن مانا بجمل و عقود شیخ طوسی مینگریسته (دیباچه) و میخواسته آنرا روشن سازد (۱) .

این کتاب در الجوامع الفقهیة (ش ۱۲) بنسخ محمد علی بن محمد رضوی خوانساری در ۱۲۷۶ بچاپ سنگی رسید .

آغاز : بسمله . امابعد حمدالله الكريم الآلاء العظيم النعماء ... فانى اوصيك يابنى بتقوى الله والاعتصام بحبله والتمسك بطاعته ... وعليك بالا كباب على طلب العلوم

۱ـ بنگرید به : فهرست قمی ص ۱۱ ـ امل الآمل ص ۵۰۴ ـ روضات ص ۵۶۷ ـ مقابس ص ۱۵ ـ جامع الرواة گ ۳۶۸ب ـ هدية الاحباب ص ۵۵ ـ کنی والقاب ۱ : ۲۵۷ ـ فوائد رضویه ۲ : ۵۶۴ ـ ذریعه ۵ : ۵ و ۱۰ : ۶۶ ـ کنتوری ص ۶۰۱ ـ ریحانة الادب ۳ : ۱۳۰ ـ نام او در پایان نسخهٔ چاپی وسیله علی بن محمد بن حمزة بن محمد بن علی آمده و درست نیست .

فانه ارجح میزاناً وانجح امراً وشاناً ... وعليك بالفقه ... فانه شرف لك في الدنيا وذخر لك في الآخرة ... ولله الحمد على نعمه والشكر على فيض كرمه حمداً وافياً وشكراً دائماً (كافيا) . ثم انى رأيت ان اجمع لك كتاباً في الفقه لتحفظه على ترتيب يسهل على المتيقظ الشروع (في) بالتحفظ وقد بينته على بيان الجمل وحصرها ونظم العقود ونثرها وانقسام ابوابه على التميز بين الواجب والندب والمحظور والمكروه والفعل والترك والكيفية والكمية على وجه لايلحقه خلل ولايبلغ طالبه ملل وقد سميته « بالوسيلة الى نيل الفضيلة » .

انجام : فصل في بيان احكام الشهادة على الجنايات واحكام القسامة ... واذا قامت بينة على رجل بانه قتل آخر عمداً وجاء آخر بانه قتله كان الحكم فيه على ماذكرنا الا في شيء واحد وهو انه اذا قتل النفر لم يرد الشهود عليه شيئا على ورثته. هذا آخر (تم) الكتاب والله الموفق للصواب (چاپی) .

(در نسخهٔ چاپی پس از این باندازه یك صفحه است دربارهٔ سهمهای ارث که مانا دنبالهٔ «فصل في بيان مجمل يعرف بها استخراج سهام المواريث» از «كتاب المواريث» باشد سپس سه فصل است دربارهٔ « استخراج المناسخات » و « استخراج سهام المواريث » از « كتاب الواسطة » همین طوسی و « في بيان اشياء مايتعلق بالكتاب » گویا از همان « الواسطة » .

[۱۹۰۵]

۷۰۰ این نسخهٔ بسیار پاکیزهٔ کهن بخط نسخ با عنوانهای درشت‌تر از حسین بن علی بن سعید است که در شام دوشنبه جمادی یکم سال ۶۳۱ از نوشتن آن بیاسود در بسیاری از حاشیه‌ها دارد : « بلغ » یا « بلغ قراءة » مانند گ ۳۶ الف . تصحیحها نیز در هامش است . دو مهر « لا اله الا الله الملك الحق المبين محمد باقر علم النبيين » و « ذلك البهاء كله » در گ ۱ الف دیده میشود . نسخه از عبادات است تا دیات و مانند چاپی بی افزوده‌های آن و در پایان دارد :

وكان الفراغ بعد عشاء الآخرة ليلة الاثنين في شهر جمادى الاول (؟) سنة ستمائة واحدى وثلثين كتبه العبد الفقير الى رحمة ربه وشفاعة نبيه محمد و اهل بيته عليهم السلام اجمعين حسين بن علي بن سعيد حامداً لله ومصلياً على اوليائه والحمد لله رب العالمين . تم الكتاب

تكاملت حال السرور لصاحبه وعفا الله بفضله وبجوده عنه . بلغ قراءة و مقابلة وتصحيحاً بنسخة قوبلت بنسخة الاصل بحسب الجهد و الطاقة والحمد لله رب العالمين .

(گ ۱۳۱) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج زرد مقوائی تازه
الدائره : ۱۸ × ۲۵/۵ ــ ۱۳/۵ × ۲۰/۵ س ۲۳

[۱۹۰۶]

۹۲۰ این نسخه ش ۷ دفتر است و بنستعلیق با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف میباشد (بنگرید به ۹۲۰/۳) وچنین است :

آغاز : العبادات الشرعية ضربان احدهما يجب على الاطلاق على المكلف والثاني يجب عنه بشروطه .

انجام : فصل في بيان صلوة الجمعة ... ويحفظ اربعة اشياء الجلوس دون الدرجة العليا والاستراحة والصعود بسكينة ووقار والاعتماد . (گ ۲۰۴ الف ــ ۲۲۰ ب) .

[۱۶۰۹] هداية المؤمنين وتحفة الراغبين (عربی)

از سید نعمة الجزائری (۱) که پس از شرح تهذیب الاحکام و شرح استبصار

---

۱ ــ سید نعمة الله بن عبدالله بن محمد ... بن موسی کاظم از سیدانی بود که خرعلیان شیعی ولامیان حنفی درجزایر وشوشتر آنان را دوست میداشتند . او درصباغیهٔ جزایر بصره در ۱۰۵۰ از مادر بزاد ومقدمات را درجزایر نزد شیخ محمد بن سلیمان جزایری و سید میرزای جزایری نگارندهٔ جوامع الکلم و دیگران بیاموخت . در یازده سالگی (۱۰۶۰) بشیراز رفت ودر مدرسهٔ منصوریه نزد شاه سید ابوالولی حکیم الهی شیرازی (ص ۲۳۲ زهرالربیع) ومیرزا ابراهیم پسر صدرای شیرازی و شیخ جعفر بن شیخ کمال بحرینی وشیخ صالح بن شیخ عبدالکریم و سید هاشم احسائی وشیخ عبدعلی حویزاوی مفسر وشیخ یوسف بن محمد بنا وشیخ فرج الله بن سلیمان تا ۹ سال درس خوانده واز آنها اجازه گرفت (۱۰۶۹) اودراین میانه یکبار بجزایر رفت وبشیراز برگشت . پس از اینکه منصوریه آتش گرفت ودانشجوئی باچند کتابی بسوخت او باصفهان رفت و هشت سال در آنجا بماند (از ۱۰۶۹ تا ۱۰۷۷) و از محمد بن یوسف بن علی کنباد و آقاحسین خوانساری و آقاجمال خوانساری وعلی بن الحسین بن محیی الدین عبدانی عاملی و میرزا رفیع الدین نائینی وملامحمدباقر خراسانی وملامحمدمحسن فیض کاشانی وهمان سید میرزای

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

بدرخواست برادران دربارهٔ طهارت و نماز بااستدلال و بتفصیل نوشت ونام بالا را

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

جزائری وشیخ علی عاملی و حرعاملی وحاج محمود میمندی بهره برد . او چهار سال درخانهٔ ملامحمدباقرمجلسی زیسته وازاوهم آموخته بود تااینکه میرزاتقی دولت آبادی مدرسه‌ای برای او نزدیك گرمابهٔ شیخ بهائی بساخت واو درآنجا مدرس شده بود . جزائری درنوشتن بحارهم بمجلسی کمك میکرده وبیشترجلدهای آنرا تصحیح می نمود . بیشتر کتابهای درسی مانند قاموس و کتابهای چهار گانه وتفسیر بیضاوی وجزاینهارا بخط خود نوشت و باندازهٔ چهار یا پنج هزار جلد کتاب علمی درخانه داشت . پس از گرفتن اجازه بجزایر رفت وتا ۱۰۷۹ درآنجا بماند و مردم ازاو بهره‌مند میشدند . دراین‌هنگام جنگی میان حسین پاشا وسلطان محمد چهارم عثمانلو (۱۰۵۸-۱۰۹۹) درگرفت و او بحویزه پایتخت سیدان مشعشع امامی گریخت و بدربار سیدعلیخان بن مولی خلف فرمانروای حویزه نزدیك شد . ازحویزه بسپاهان رفته ودرهنگام مرگ برادر خود بسال ۱۰۷۹ درآنشهر بودسپس بطوس رفته وازآنجا بسپاهان آنگاه بشوشتر رفت ودر ۱۰۸۹ درآنجا بود . یکبار دیگر نیز او ازحویزه بسپاهان رفته بود . او بدرخواست مردم شوشتر درآنجامانده بود وفتحعلیخان بن واخشوخان که بدستورصفویان فرمانروای آن شهر بوده است اورا گرامی بداشت . دراین شهردونزدیکی مسجد جامع جایگزید تااینکه حاجی محمد تقی کلانتر کاروانسرائی کـه ساخته بود مدرسه و خانقاه او نمود و پادشاه صفوی هم اورا شیخ الاسلام آنجا کرده است و کارقضاوت وتدریس و نیابت صدارت وامامت جمعه وجماعت وامر بمعروف ونهی ازمنکر با او بوده است .

جزائری هنگامیکه ازطوس برمیگشت درشب آدینهٔ ۲۳ شوال ۱۱۱۲ درجایدرفیلی درگذشت و ازمشانیهای فیلی کـه امامی هستند بارگاهی بر گور او ساخته و آنرا گرامی میدارند .

ازنگارشهای شوشتری : گزارش بزرگ برتهذیب الاحکام بنام مقصودالانام در ۱۲ مجلد ــ گزارش کوچکتر وگزیدهٔ ازآن بنام غایة المرام در ۸ مجلد که دردسترس است (ذریعه ٤:٦٠٥) ــ کشف الاسرارلشرح الاستبصار در ۲ مجلد ــ گزارش عوالی اللئالی ابن ابی جمهور بنام الجواهرالغوالی در ۲ مجلد ــ الانوارالنعمانیه ۲ مجلد ــ نوادرالاخبار ۲ مجلد ــ ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار ۳ مجلد ــ عقودالمرجان فی حواشی القرآن در ۳ مجلد که آخوند ملامحمدنجارآنرا تدوین کرد ــ قصص الانبیاء ــ گزارش توحیدصدوق ــ گزارش عیون الاخبار ــ گزارش بزرگ و کوچك صحیفه ــ گزارش احتجاج

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

بدان داده ودردو کتاب گذارده است (کنتوری ص ٦٠٦ ـ طوس ٥:٥٣٠٥) .

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

طبرسی بنام قاطع اللجاج که پاره‌ای را از عبارتها را میآورد و آنرا روشن میسازد این را او پس از کتابهای یاد شده نوشته است (دیباچهٔ آن) ـ زهرالربیع ۲ مجلد ـ گزارش روضهٔ کافی ـ مفتاح اللبیب فی شرح تهذیب النحو ـ گزارش مغنی اللبیب ـ گزارش کافیه ـ حاشیهٔ شرح جامی ـ منتهی المطلب ـ هدایة المؤمنین درفقه و یك مجلد ـ منبع الحیات ـ مسکن الشجون فی الفرار من الطاعون ـ مقامات النجاة ـ رسالة الصلوة ـ رسالهٔ جوازتقلیدالاموات ـ حاشیه‌های نهج البلاغه و گزارش مداتنی و کتابهای حدیث وفقه وادب . .

بنگرید به : قصص العلماء تنکابنی ـ زهرالربیع (چاپ ۱۲۹۲ هند) ص ۲۷۹ و ۳۱۷ و ۳٤٦ نیز ص ۲۹۹ که از دو گزارش تهذیب و استبصار او نیز در آن یاد گشت . در ص ۳٤٥ آن ازسخن غزالی دربارهٔ نفرین بریزید ودرص ۳۰۱ ازناروائی تتن ودلیلهای مولی علیتقی وبرخی از دانشمندان همزمان برای آنست یادشده ـ پایان انوار نعمانیهٔ شوشتری که در ۱۰۸۹ نوشته شده درسر گذشت هم‌اوست و ترجمهٔ آن درقصص العلماء تنکابنی با افزوده‌ها هست . درهمین انوار (نورفی احوال العالم والمتعلم) ازشیخ جعفر بحرینی که دراین هنگام درحیدرآباد هند بوده‌است وازشیخ عبدعلی حویزی نگارندهٔ تفسیر نورالثقلین یاد گردید ـ روضات ص ۷۲۸ از اجازهٔ نوادهٔ او سید عبدالله شوشتری ـ تذکرهٔ شوشتر همان سید عبدالله (چاپ ۱۳٤۳ کلکته ص ٥٦ ـ ٥۹ ودرص ۱۲٤ ـ ۱۲۸ آن شاگردان شوشتری ودر ص ۱۲۹ ـ ۱۳۳ شاگردان سید نورالدین پسراو ودرص ۱۳۳ ـ ۱۳۸ اخوان صفای او برشمرده شد) ـ تحفة العالم در تاریخ شوشتر و هند و برتریهای انگلیس از میر عبداللطیف بن ابیطالب بن سید نورالدین بن سید نعمة‌الله موسوی شوشتری جزایری (زادهٔ ۱۱۷۲) که درحیدرآباد درنیمهٔ جمادی یکم ۱۲۱٦ آنرا نوشته است (چاپ هند با دیباچهٔ انگلیسی وبا ذیل التحفه هم نگارش ۱۲۱۷) ص ۵۲ ـ ۵۸ این مرد دراین کتاب ازانگلیسیها بسیارمیستاید وازفرانسویها بدمیگوید . ازتذکرهٔ شوشتر و تحفة العالم برمیآید که از خاندان سید نعمة‌الله بسیاری بهند رفته بودند ـ از گفتار سیدعبدالله نوادهٔ سیدنعمة‌الله شوشتری برمیآید که او درنگارش بحار و گزارش کافی بمجلسی کمك میکرده است ـ شوشتری دربارهٔ دو روش اجتهادی

دنبالهٔ حاشیه درصفحهٔ پس ازاین

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی فقهنا فی امور الدین وجعل الصلوة قرباناً لعباده المتقین .. فانا ... نعمةالله الحسینی یقول لاتخفی علی اخواننا فی الدین ... اننا فی هذاالزمان فی شدة حال.

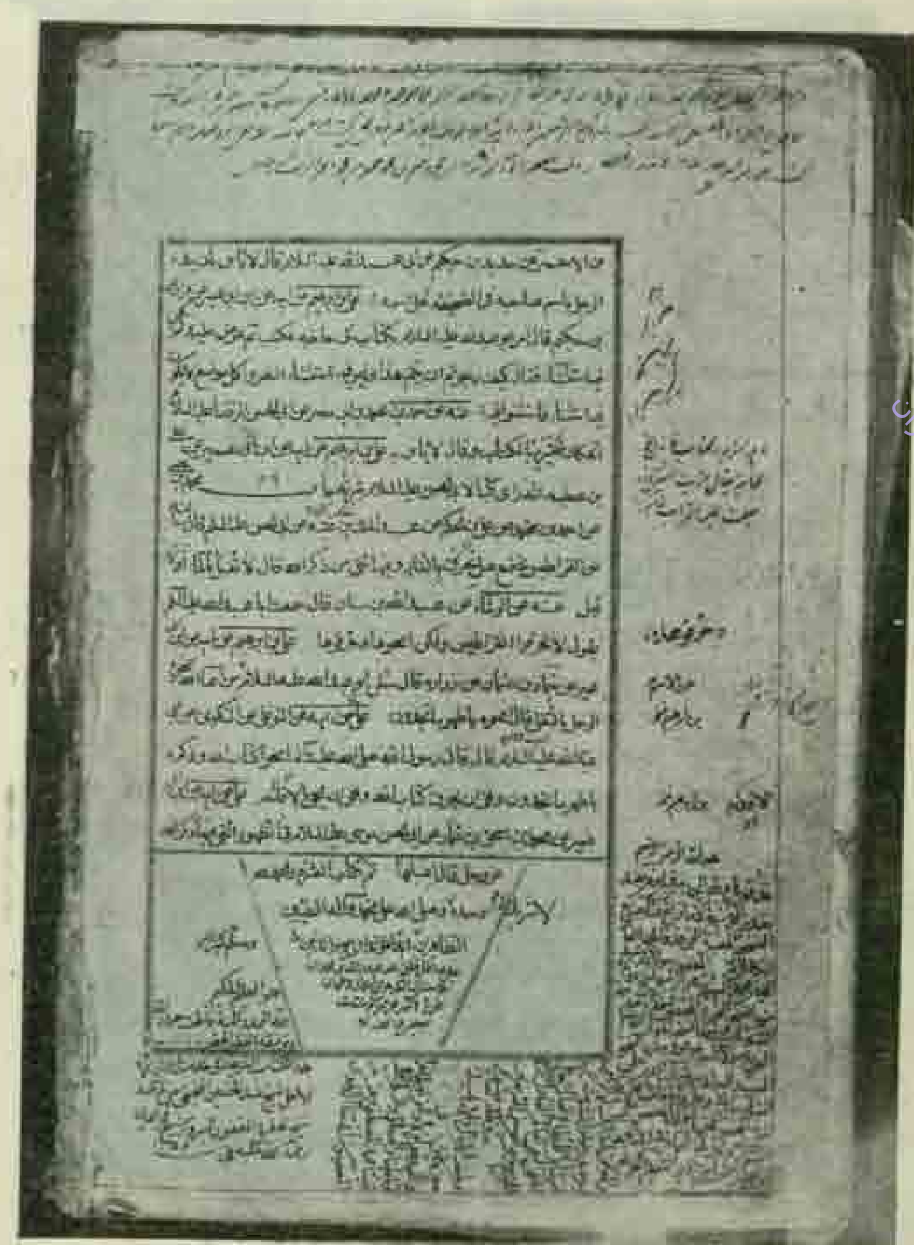
انجام: وهو دعاءالبیت المعمور اذا كانت الملائكة یطوفون به. كملت الرسالة بحمدالله تعالی وحسن توفیقه و كرمه والحمدلله رب العالمین.

[۱۹۰۷]

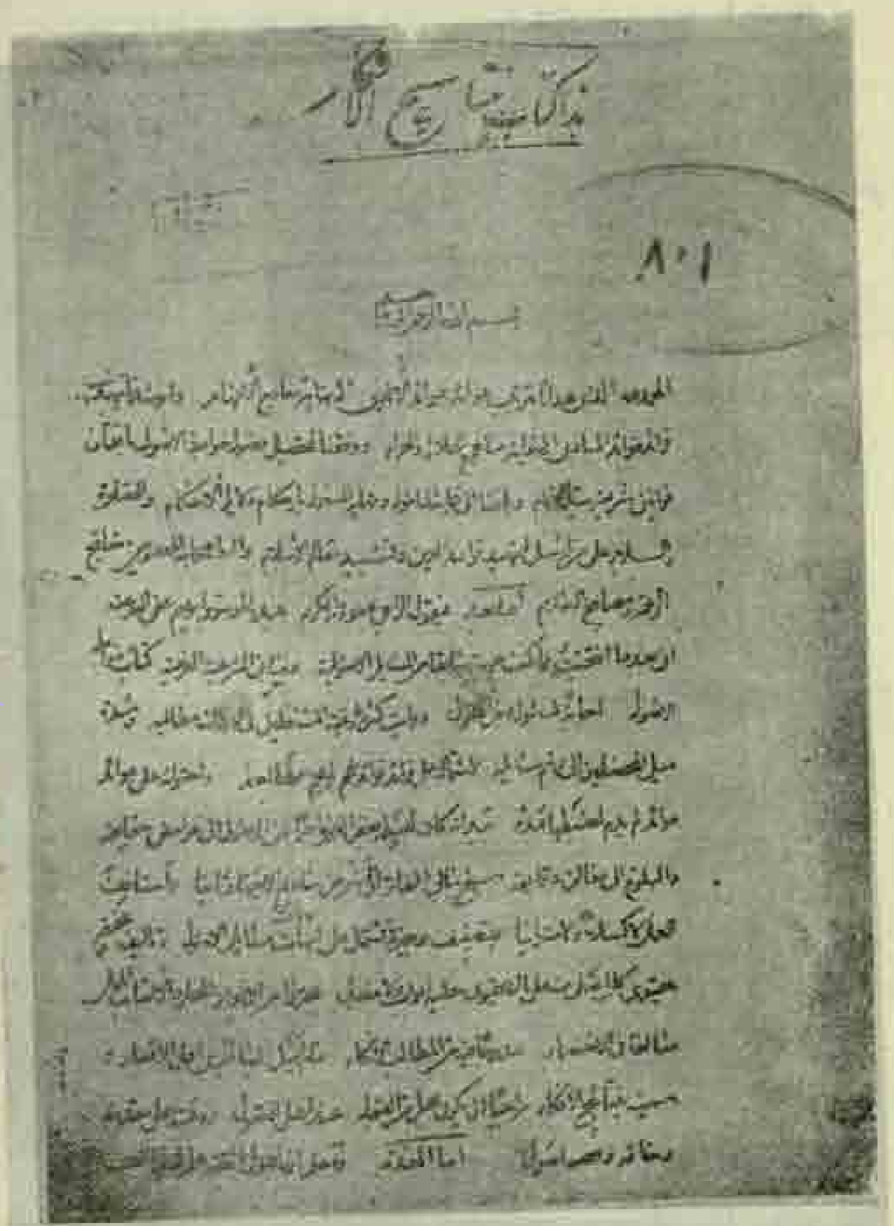
۱۰۲۵ این نسخه در ش۲ دفتر و بانسخ احمد سیدمحمد سیدیوسف سیدكاظم الموسی میباشد. درپایان دارد: «تمت علی ید ... احمدالسید محمدالموسی رحم‌الله من قرأ لوالدیه الفاتحة وكان الفراغ یوم» (گ ۱۷ ب ــ ۶۱ الف).

دنبالهٔ حاشیهٔ صفحه پیش

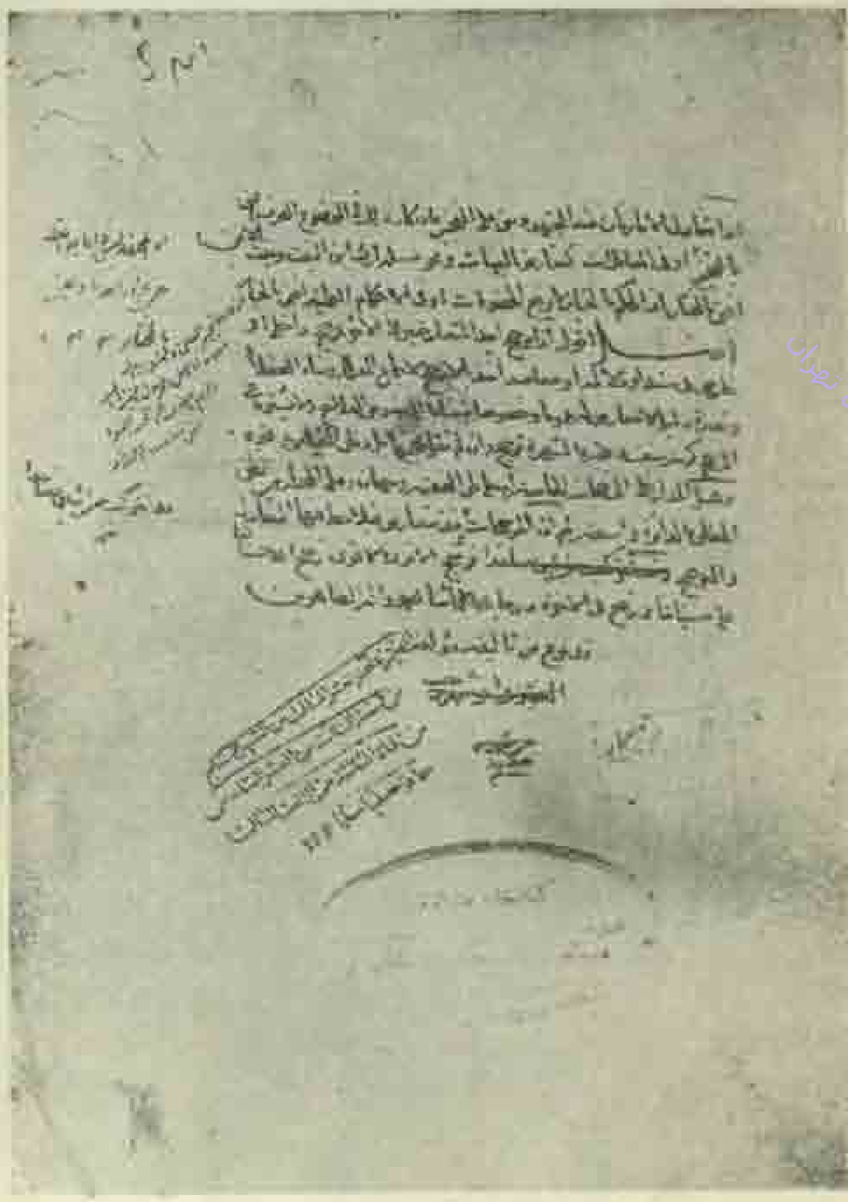
واخباری در آغاز گزارش تهذیب وانوارغمایه بررسی كرده‌است وگویند كه اوچون شرح خود را بمجلسی نشان داد او گفت كه «هذه بضاعتنا ردت الینا» (روضات ۷۲۸و۷۲۹).



پایان كتاب العشرة اصول كافی درپشت برگه پازبین ش ۱۱۲۶ (ص ۱۴۷۹)



گ ٤ ب ش ۸۰۱ آغاز «نتایج الافکار»
که در ص ۱۷٤۲ شناخته شد



گ ٦٣ الف ش ۸۰۱ : پایان «نتایج الافکار» که در ص۱۷٤۲ شناخته شد

فهرست کتابهای فقهی در اینجا بپایان رسید و در گفتار آینده کتابهای گوناگون دیگر که از قلم افتاده یا پس از این در کتابخانهٔ مرکزی آمده است شناخته میشود

محمدتقی دانش‌پژوه

فهرست مخطوطات الاخبار والاصول والفقه

فی خزانة السید المشکاة

المهداة الی مکتبة جامعة طهران

تألیف : محمد تقی دانش‌پژوه

مطبعة جامعة طهران

١٩٥٦-١٣٧٥

Catalogue
Méthodique, Descriptif et Raisonné
des
Manuscrits Concernant la Tradition, les Principes
de la Jurisprudence
et le Droit Musulman
de la
Bibliothèque de l'Université de Téhéran
(Don de M. le Professeur Meshkât)

Par
M.T. Dâneche-Pajouh

Imprimerie de l'Université
1956